

کتاب مقدس
ترجمهٔ دنیای جدید

نام

کتاب مقدس

ترجمهٔ دنیای جدید

متی تا مکاشفه

«اما ما مطابق وعدهٔ او
در انتظار آسمان‌هایی جدید و زمینی جدید هستیم
که در آن‌ها عدالت برقرار خواهد بود.»

© 2013

INTERNATIONAL BIBLE
STUDENTS ASSOCIATION

*New World Translation of the
Christian Greek Scriptures*

© 2014

WACHTTURM BIBEL- UND
TRAKTAT-GESELLSCHAFT
DER ZEUGEN JEHOVAS,
e. V., Selters/Taunus

کتاب مقدس—ترجمه دنیای جدید
—مشی تا مکاشفه

ترجمه دنیای جدید به صورت کامل
یا بخشی از آن به بیش از ۱۲۰ زبان
برگردانده شده است. فهرست کامل
این زبان‌ها را می‌توانید در
www.jw.org بیابید.

مجموع نسخه‌های چاپ‌شده
ترجمه دنیای جدید به همه زبان‌ها:

۲۰۸,۳۶۶,۹۲۸

چاپ ژانویه ۲۰۱۵

این نشریه برای فروش نیست و
جهت آموزش جهانی کتاب مقدس
تهیه شده است و مخارج آن از
طریق اعانات تأمین می‌گردد.

*New World Translation of the
Christian Greek Scriptures*

Persian (bi7-PR)

Made in Germany

چاپ آلمان

Druck und Verlag:
Wachtturm-Gesellschaft,
Selters/Taunus

bi7-PR
150507



پیشگفتار

کتاب مقدس تحت الهام خدا به زبان‌های عبری، آرامی و یونانی به نگارش درآمد. اما برای آن که مردم «همه قوم‌ها» از آن فایده ببرند، لازم است که به بسیاری زبان‌ها ترجمه شود. (مَتی ۲۴: ۱۴) بیست و هفت کتاب از مجموعه کتب نوشته‌های مقدس، یعنی از کتاب مَتی تا کتاب مکاشفه به «عهد جدید» معروف است. نویسندگان این بخش از کتاب مقدس، در قرن اول میلادی تحت الهام خدا متون خود را به زبان یونانی به تحریر درآوردند.

ترجمه دنیای جدید از بخش یونانی کتاب مقدس نخست در سال ۱۹۵۰ به زبان انگلیسی برگردانده شد. این ترجمه عمدتاً بر اساس متن یونانی «وستگت و هُرت» ترجمه شده است؛ متنی که دارای شهرت بسیار است و با کهن‌ترین دست‌نوشته‌های یونانی مطابقت دارد. در ترجمه دنیای جدید از متن یونانی، نهایت تلاش شده است که اصل امانت در ترجمه، رعایت شود. در این ترجمه فارسی نیز که از ترجمه انگلیسی ۲۰۱۳ برگردانده شده، کوشش شده است که همین اصل به کار برده شود.

نام بی‌همتای خدا، یَهُوه ۲۳۷ مرتبه در متن اصلی کتاب مقدس — ترجمه دنیای جدید — مَتی تا مکاشفه به چشم می‌خورد. با نظر به تقدس نام خدا و نیاز انسان‌ها به خواندن این نام برای نجات، در این ترجمه نام خدا، یَهُوه بار دیگر در جای مناسب آن در نوشته‌های مقدس، قرار داده شده است. — مَتی ۹: ۶؛ رومیان ۱۰: ۱۳.

نام ترجمه دنیای جدید بر اساس وعده‌ای است که کتاب مقدس در مورد دنیایی می‌دهد که در آن همه انسان‌ها طعم راستی و عدالت را خواهند چشید. (۲ پطرس ۳: ۱۳) مترجمان این کتاب به سبب محبت عمیقشان به یَهُوه که مؤلف کتاب مقدس است، هنگام ترجمه این نوشته‌های مقدس خود را به‌ویژه مسئول می‌دانستند که افکار و سخنان خدا را تا حد امکان به نحوی دقیق ترجمه کنند. دعای ما این است که این ترجمه برای خوانندگان صادق‌دلی که در پی کسب «شناخت دقیق حقیقت» هستند، بسیار مفید واقع شود. — تیموتائوس ۴: ۲.

فهرست کتاب‌ها—مَتّی تا مکاشفه

نام کتاب	مخفف	صفحه	کتاب	مخفف	صفحه
مَتّی	مت	۷	اول تیموتائوس	تی ۱	۴۷۱
مَرْقُس	مر	۸۱	دوم تیموتائوس	تی ۲	۴۸۰
لوقا	لو	۱۲۵	تیتوس	تی	۴۸۷
یوحنا	یو	۲۰۳	فیلیمون	فیل	۴۹۱
اعمال	اع	۲۶۰	عبرانیان	عب	۴۹۳
رومیان	رو	۳۳۵	یعقوب	یع	۵۱۸
اول قُرنتیان	۱قر	۳۶۸	اول پطرس	۱پط	۵۲۶
دوم قُرنتیان	۲قر	۴۰۰	دوم پطرس	۲پط	۵۳۶
عَلاطیان	غلا	۴۲۲	اول یوحنا	۱یو	۵۴۲
إِفِسسیان	اف	۴۳۳	دوم یوحنا	۲یو	۵۵۰
فیلیپیان	فی	۴۴۴	سوم یوحنا	۳یو	۵۵۱
کولسیان	کو	۴۵۲	یهودا	یه	۵۵۲
اول تسالونیکیان	۱تس	۴۶۰	مکاشفه	مک	۵۵۵
دوم تسالونیکیان	۲تس	۴۶۷			

جدول نگارش کتاب‌های کتاب مقدس	۵۹۱
نمایه واژه‌های کتاب مقدس	۵۹۲
واژه‌نامه عبارات کتاب مقدس	۶۱۶

انواع پاورقی‌ها در این ترجمه:

علامات نقل قول « و » () — در این ترجمه علامات نقل قول، برای نقل سخن شخص، همچنین برای نقل آیات بخش‌های دیگر کتاب یا مشخص کردن نام یا عبارتی در متن، به کار رفته است. اما اگر علامت نقل قول داخل نقل‌قولی دیگر باشد، از این علامات () استفاده می‌شود و اگر باز علامت نقل قول داخل این علامات () قرار گیرد، علامات « » به کار برده می‌شود.

نکته‌ای در خصوص واژه‌نامه — واژه‌نامه حاوی توضیح بعضی عبارات و واژه‌های کتاب مقدس است. اگر در پاورقی مشخص نشود که به چه واژه‌ای در واژه‌نامه ارجاع شود، باید واژه یا عبارت متن را در واژه‌نامه جستجو کرد. — مر ۱۹:۴.

«**یا**» — ترجمه دیگری از متن یونانی با مفهومی هماهنگ با مضمون متن. — مت ۱۸:۱، «روح القدس»؛ ۲قر ۴:۱، «سختی».

«**یا احتمالاً**» — ترجمه پذیرفته‌شده دیگری از متن یونانی با مفهومی متفاوت. — مر ۲۶:۱۰، «به او»؛ یو ۳:۳، «دوباره».

«**تحت اللفظی**» — ترجمه‌ای کلمه به کلمه از یونانی یا نزدیک‌ترین ترجمه ممکن از زبان اصلی. — مت ۱۸:۵، «به راستی»؛ رو ۸:۱۵، «یهودیان».

پاورقی‌های توضیحی — مفهوم اسامی (مت ۲۱:۱، «عیسی»؛ ۱ تی ۲:۱، «تیموتائوس»؛ جزئیاتی در خصوص واحدهای اندازه‌گیری و وزن (مک ۱۷:۲۱، «ذراع»؛ مرجع ضمیر (۱ یو ۱۷:۴، «او»؛ ارجاع به واژه‌نامه. — مت ۲۳:۱۱، «گور».

فهرست محتوا

- | | |
|--------------------------------------|-------------------------------------|
| چگونگی دعا کردن (۵-۱۵) | ۱ شجره‌نامه عیسی مسیح (۱-۱۷) |
| دعای نمونه (۹-۱۳) | ولادت عیسی (۱۸-۲۵) |
| روزه (۱۶-۱۸) | ۲ دیدار طالع‌بینان (۱-۱۲) |
| گنج بر زمین و در آسمان (۱۹-۲۴) | گریختن به مصر (۱۳-۱۵) |
| نگران مباشید (۲۵-۳۴) | فرمان هیروдіس برای کشتن پسران |
| نخست در پی پادشاهی خدا | خردسال (۱۶-۱۸) |
| باشید (۳۳) | بازگشت به ناصره (۱۹-۲۳) |
| ۷ موعظه بالای کوه (۱-۲۷) | ۳ موعظه یحیای تعمیددهنده (۱-۱۲) |
| قضاوت مکنید (۱-۶) | تعمید عیسی (۱۳-۱۷) |
| بپرسید، بخواهید و بگویید (۷-۱۱) | ۴ شیطان عیسی را وسوسه می‌کند (۱-۱۱) |
| قانون طلایی (۱۲) | آغاز موعظه عیسی در جلیل (۱۲-۱۷) |
| در تنگ (۱۳-۱۴) | فراخواندن اولین شاگردان (۱۸-۲۲) |
| شناخت انبیای دروغین از | عیسی موعظه می‌کند، تعلیم می‌دهد و |
| میوه‌هایشان (۱۵-۲۳) | شفا می‌بخشد (۲۳-۲۵) |
| خانه بر سنگ، خانه بر شن (۲۴-۲۷) | ۵ موعظه بالای کوه (۱-۴۸) |
| شگفت‌زدگی مردم از شیوه تعلیم | شروع تعلیم عیسی در بالای |
| عیسی (۲۸، ۲۹) | کوه (۱، ۲) |
| ۸ شفای مردی جذامی (۱-۴) | نُه نکته در مورد سعادت (۳-۱۲) |
| ایمان افسری نظامی (۵-۱۳) | نمک و نور (۱۳-۱۶) |
| عیسی بسیاری را در گفترناحوم شفا | آمدن عیسی برای به تحقق رساندن |
| می‌دهد (۱۴-۱۷) | شریعت (۱۷-۲۰) |
| عیسی نشان می‌دهد که چگونه باید از | پند در خصوص خشم (۲۱-۲۶)، |
| او پیروی کرد (۱۸-۲۲) | زنا (۲۷-۳۰)، طلاق (۳۱، ۳۲)، |
| عیسی تنبادهای را آرام می‌کند (۲۳-۲۷) | سوگند (۳۳-۳۷)، انتقام (۳۸-۴۲)، |
| عیسی دیوها را به گله خوک‌ها | محبت به دشمنان (۴۳-۴۸) |
| می‌فرستد (۲۸-۳۴) | ۶ موعظه بالای کوه (۱-۳۴) |
| ۹ عیسی مردی فلج را شفا می‌دهد (۱-۸) | درستکاری خود را به نمایش |
| عیسی مَتّی را فرا می‌خواند (۹-۱۳) | مگذارید (۱-۴) |
| سؤال در مورد روزه (۱۴-۱۷) | |

دختر یایروس: زنی ردای عیسی را لمس می‌کند (۲۶-۱۸)

عیسی دو مرد نابینا و مردی لال را شفا می‌دهد (۲۴-۲۷)

محصول فراوان، اما کارگر کم (۳۸-۳۵)

۱۰ نام‌های ۱۲ رسول (۴-۱)

راهنمایی برای موعظه (۱۵-۵)

شاگردان اذیت و آزار خواهند دید (۲۵-۱۶)

از خدا بترس، نه از انسان (۳۱-۲۶)

نه صلح، بلکه شمشیر (۳۹-۳۲)

پذیرفتن شاگردان عیسی (۴۲-۴۰)

۱۱ تمجید از یحیای تعمیددهنده (۱۵-۱)

محکوم شدن نسلی بی‌توجه (۲۴-۱۶)

عیسی پدرش را از این که به متواضعان

توجه دارد، ستود (۲۷-۲۵)

یوغ عیسی نیرویی تازه می‌بخشد (۳۰-۲۸)

۱۲ عیسی «صاحب‌اختیار روز سَنَت» (۸-۱)

شفای مردی که دستش از کار افتاده

بود (۱۴-۹)

خادم محبوب خدا (۲۱-۱۵)

بیرون راندن دیوها با قدرت

روح‌القدس (۳۰-۲۲)

گناه نابخشودنی (۳۲، ۳۱)

درخت از میوه‌هایش شناخته

می‌شود (۳۷-۳۳)

نشانهٔ یوُنُس (۴۲-۳۸)

زمانی که روح ناپاک باز می‌گردد (۴۵-۴۳)

مادر و برادران عیسی (۵۰-۴۶)

۱۳ مَثَل‌های پادشاهی خدا (۵۲-۱)

مَثَل برزگر (۹-۱)

چرا عیسی از مَثَل‌ها استفاده

می‌کرد (۱۷-۱۰)

توضیح مَثَل برزگر (۲۳-۱۸)

مَثَل گندم و علف هرز (۳۰-۲۴)

مَثَل دانهٔ خردل و مَثَل

خمیرمایه (۳۳-۳۱)

استفاده از مَثَل‌ها تحقق پیشگویی

بود (۳۵، ۳۴)

توضیح مَثَل گندم و علف هرز (۴۳-۳۶)

مَثَل گنج پنهان و مَثَل مروارید

گرانیه‌ها (۴۶-۴۴)

مَثَل تور ماهیگیری (۵۰-۴۷)

گنجینه‌ای با چیزهای نو و

کهنه (۵۱، ۵۲)

رد کردن عیسی در دیارش (۵۸-۵۳)

۱۴ سر یحیای تعمیددهنده را از تنش جدا

می‌کنند (۱۲-۱)

عیسی به ۵۰۰۰ نفر خوراک

می‌دهد (۲۱-۱۳)

راه رفتن عیسی روی آب (۳۳-۲۲)

شفا دادن در جنیسارت (۳۶-۳۴)

۱۵ رسوا کردن سَنَت‌های گذشتگان (۹-۱)

نجاست از دل برمی‌خیزد (۲۰-۱۰)

ایمان عظیم زنی فینیقی (۲۸-۲۱)

عیسی بیماری‌های بسیاری را شفا

می‌دهد (۳۱-۲۹)

عیسی به ۴۰۰۰ نفر خوراک

می‌دهد (۳۹-۳۲)

۱۶ درخواست نشانه (۴-۱)

خمیرمایهٔ فَرِیسیان و صدوقیان (۱۲-۵)

کلیدهای پادشاهی خدا (۲۰-۱۳)

جماعت بناشده بر صخره (۱۸)

پیشگویی عیسی در خصوص

مرگش (۲۳-۲۱)

پیرو حقیقی عیسی باید پیوسته از او

پیروی کند (۲۸-۲۴)

- ۱۷ دگرگون شدن ظاهر عیسی (۱۳-۱)
ایمانی به اندازه دانه خردل (۲۱-۱۴)
پیشگویی دوباره عیسی در خصوص
مرگش (۲۳-۲۲)
پرداخت مالیات با سکه‌ای که در دهان
ماهی بود (۲۷-۲۴)
- ۱۸ بزرگ‌ترین در پادشاهی خدا (۶-۱)
سنگ‌های لغزش (۱۱-۷)
مَثَل گوسفند گمشده (۱۴-۱۲)
بازیافتن برادرت (۲۰-۱۵)
مَثَل خادمی که نبخشید (۳۵-۲۱)
ازدواج و طلاق (۹-۱)
برکت مجرد (۱۲-۱۰)
عیسی کودکان را برکت می‌دهد (۱۵-۱۳)
سؤال جوانی ثروتمند (۲۴-۱۶)
ازخودگذشتگی برای پادشاهی خدا (۳۰-۲۵)
- ۲۰ کارگران تاکستان و دستمزد برابر (۱۶-۱)
پیشگویی دوباره عیسی در خصوص
مرگش (۱۹-۱۷)
درخواست مقام در پادشاهی (۲۸-۲۰)
عیسی بهای رهایی برای
بسیاری (۲۸)
شفای دو نابینا (۳۴-۲۹)
- ۲۱ ورود پیروزمندان عیسی (۱۱-۱)
عیسی معبد را پاک می‌کند (۱۷-۱۲)
خشک شدن درخت انجیر (۲۲-۱۸)
زیر سؤال بردن اقتدار عیسی (۲۷-۲۳)
مَثَل دو پسر برای کار در تاکستان (۳۲-۲۸)
مَثَل باغبانان قاتل (۴۶-۳۳)
رد کردن سنگِ سرِ زاویه (۴۲)
مَثَل جشن عروسی (۱۴-۱)
خدا و قیصر (۲۲-۱۵)
سؤال در مورد رستاخیز (۲۳-۲۳)
- دو حکم بزرگتر (۴۰-۳۴)
آیا مسیح پسر داوود است؟ (۴۶-۴۱)
۲۳ مانند فریسیان و علمای دین عمل
مکنید (۱۳-۱)
وای بر علمای دین و فریسیان (۳۶-۱۳)
عیسی برای اورشلیم تأسف
می‌خورد (۳۹-۳۷)
۲۴ نشانه حضور مسیح (۵۱-۱)
جنگ، قحطی، زمین‌لرزه (۷)
موعظه خبر خوش (۱۴)
مصیبت عظیم (۲۲-۲۱)
آشکار شدن نشانه پسر انسان (۳۰)
نمونه درخت انجیر (۳۴-۳۲)
همچون روزگار نوح (۳۹-۳۷)
هوشیار بمانید (۴۴-۴۲)
غلام امین و غلام شریر (۵۱-۴۵)
۲۵ نشانه حضور مسیح (۴۶-۱)
مَثَل ده باکره (۱۳-۱)
مَثَل قنطاریها (۳۰-۱۴)
جدا کردن گوسفندان از بزها (۴۶-۳۱)
۲۶ توطئه کاهنان برای کشتن عیسی (۵-۱)
ریختن روغن معطر بر عیسی (۱۳-۶)
آخرین پَسَح و خیانت (۲۵-۱۴)
پایه‌گذاری مراسم شام سترور (۳۰-۲۶)
پیشگویی انکار پطرس (۳۵-۳۱)
دعای عیسی در باغ جتسیمانی (۴۶-۳۶)
دستگیری عیسی (۵۶-۴۷)
محکوم کردن عیسی در مقابل
سنهدرین (۶۸-۵۷)
پطرس عیسی را انکار می‌کند (۷۵-۶۹)
۲۷ عیسی به پیلاتس سپرده می‌شود (۲-۱)
یهودا خود را حلق‌آویز می‌کند (۱۰-۳)

عیسی در حضور پیلاتُس (۲۶-۱۱)
تمسخر کردن عیسی در حضور
همگان (۳۱-۲۷)
در جُلجُتا عیسی را به تیری میخکوب
می‌کنند (۴۴-۳۲)
مرگ عیسی (۵۶-۴۵)

خاکسپاری عیسی (۵۷-۶۱)
نگهبانی از مقبره (۶۶-۶۲)
۲۸ رستاخیز عیسی (۱۰-۱)
به نگهبانان رشوه داده می‌شود تا دروغ
بگویند (۱۵-۱۱)
مأموریت شاگردسازی (۲۰-۱۶)

کتاب تاریخ زندگی * عیسی
مسیح، * پسر داوود، پسر ابراهیم:
۲ ابراهیم پدر اسحاق،
اسحاق پدر یعقوب،
یعقوب پدر یهوذا و برادران او بود.
۳ یهوذا پدر فارِص و زَارَح بود و
مادرشان تamar نام داشت.
فارِص پدر حِصرون،
حِصرون پدر رام،
۴ رام پدر عَمیناداب،
عَمیناداب پدر نَحشون،
نَحشون پدر سَلمون
۵ و سَلمون پدر بُوعَز بود و مادر بُوعَز
راحاب نام داشت.
بُوعَز پدر عُوبید بود و مادر عُوبید
روت نام داشت.
عُوبید پدر یسای
۶ و یسای پدر داوود پادشاه بود.

داوود پدر سلیمان بود و مادر سلیمان
پیش از آن همسر اوریا بود.
۷ سلیمان پدر رَحْبَعام،
رَحْبَعام پدر آبِیا،
آبِیا پدر آسا،
۸ آسا پدر یَهُوشافات،
یَهُوشافات پدر یَهُورام،
یَهُورام پدر * عَزْریّا،
۹ عَزْریّا پدر یوْتام،
یوْتام پدر آحاز،
آحاز پدر جَزَقِیا،
۱۰ جَزَقِیا پدر مَنَسّی،
مَنَسّی پدر آمون،
آمون پدر یوشیا،
۱۱ یوشیا پدر یَکُنیا و برادران او بود.
در آن دوران یهودیان به بابل
تبعید شدند.

۸:۱ * در یونانی واژه پدر همچنین به معنی
دودمان است.

عنوان * رجوع به واژه‌نامه: «بشارت». ۱:۱ * یا:
«شجره‌نامه». * یا: «مسح‌شده».

که شوهرش * یوسف مردی درستکار * بود و نخواست که مریم بدنام شود، تصمیم گرفت که پنهانی او را طلاق دهد.^{۱۹}

۲۰ یوسف غرق این افکار بود که به خواب رفت. فرشته یَهُوه * در خواب به او ظاهر شد و گفت: «یوسف، پسر داوود، از بردن زن خود مریم به خانه‌ات ترسان مباش؛ زیرا نطفه‌ای که در اوست از روح القدس است. ۲۱ او پسری به دنیا خواهد آورد. تو باید نام او را عیسی * بگذاری؛ چون او قوم خود را از گناهانشان نجات خواهد بخشید.» ۲۲ تمامی این وقایع روی داد تا آنچه یَهُوه * از طریق نبی خود بیان کرده بود به تحقق رسد که می‌گوید: ۲۳ «بنگر! باکره باردار می‌شود و پسری به دنیا خواهد آورد. او را عِمَانوئیل خواهند نامید» که یعنی «خدا با ماست».

۲۴ پس از آن، یوسف از خواب بیدار شد و همان طور که فرشته یَهُوه * به او امر

۱۹:۱ * طبق رسوم یهودی، نامزد یک دختر، شوهر او محسوب می‌شد. * یا: «عادل». ^{۱۹} طبق رسوم یهودی، برای فسخ نامزدی نیاز به طلاق بود. ۲۰:۱ * این نخستین مرتبه از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهُوه» در متن اصلی این ترجمه به کار رفته است: رجوع به واژه‌نامه. ۲۱:۱ * این نام مترادف با نام عبری یِشوع یا یوشع است؛ یعنی «یَهُوه نجات است». ۲۴، ۲۲:۱ * رجوع به واژه‌نامه.

۱۲ شِئلتی‌ئیل پسر یَکُنیا پس از تبعید یهودیان به بابل، به دنیا آمد.

شِئلتی‌ئیل پدر زَرُبابل،

۱۳ زَرُبابل پدر اَبیهود،

اَبیهود پدر ایلِیاquim،

ایلِیاquim پدر عازور،

۱۴ عازور پدر صادوق،

صادوق پدر یاکیم،

یاکیم پدر اِلیهود،

۱۵ اِلیهود پدر ایلِعاَزَر،

ایلِعاَزَر پدر مَتان،

مَتان پدر یعقوب،

۱۶ یعقوب پدر یوسف شوهر مریم بود.

عیسی از مریم متولّد شد و مسیح لقب گرفت.

۱۷ بنابراین از ابراهیم تا داوود ۱۴ نسل،

از داوود تا زمان تبعید یهودیان به بابل ۱۴

نسل و از زمان تبعید آنان به بابل تا مسیح

۱۴ نسل است.

۱۸ اما تولّد عیسی مسیح به این

صورت بود: زمانی که مریم، مادر عیسی،

نامزد یوسف بود، پیش از آن که به خانه

شوهر برود، معلوم شد که به وسیله

روح القدس * باردار شده است. ۱۹ از آنجا

۱۸:۱ * یا: «نبروی فعال خدا».

شهر باشی؛ زیرا از تو حاکمی برخواهد خاست که قوم من اسرائیل را شبانی خواهد کرد.»

۷ سپس، هیروдіس مخفیانه طالع‌بینان را فراخواند و از آنان خواست تا زمان دقیق ظهور ستاره را به او بگویند. ۸ هنگام فرستادن طالع‌بینان به بیت‌لحم به ایشان گفت: «بروید و تلاش کنید آن کودک را بیابید و هنگامی که او را یافتید، به من خبر دهید تا من نیز پیش او بروم و در مقابل او سر تعظیم فرود آورم.» ۹ پس از شنیدن سخن پادشاه آنان به راه افتادند. ستاره‌ای که در مشرق دیده بودند، پیشاپیش آنان می‌رفت و بر فراز مکانی که کودک در آن بود، متوقف شد. ۱۰ دیدن ستاره در آنجا آنان را بسیار شادمان کرد. ۱۱ هنگامی که به خانه داخل شدند، کودک را با مادرش، مریم دیدند. پس به خاک افتادند و به او ادای احترام کردند.* سپس صندوق‌های خود را گشودند و به او طلا، کُنْدَر* و مُرّه تقدیم نمودند. ۱۲ اما از آنجا که خدا در خواب به ایشان هشدار داد که نزد هیروдіس باز نگرند، از مسیری دیگر عازم سرزمین خود شدند.

۱۱:۲ *یا: «به او تعظیم کردند». *صمغ خشک‌شده گیاهی است که هنگام سوختن بوی معطر می‌دهد. *صمغی خوشبو.

کرده بود، زن خود را به خانه برد. ۲۵ اما یوسف تا به دنیا آمدن آن پسر، با مریم همبستر نشد. یوسف آن پسر را عیسی نامید.

۲ در زمان هیروдіس* پادشاه،* بعد از تولّد عیسی در بیت‌لحم یهودیه، طالع‌بینانی^۱ از مشرق به اورشلیم آمدند و می‌گفتند: «آن پادشاه یهودیان که متولّد شده است، کجاست؟ زیرا ما ستاره او را زمانی که در مشرق بودیم، دیدیم و آمده‌ایم تا در برابر او سر تعظیم فرود آوریم.»* ۳ این خبر، هیروдіس پادشاه و تمام اهالی اورشلیم را پریشان کرد. ۴ هیروдіس همه سران کاهنان و علمای دین* قوم را جمع کرد و از ایشان محل تولّد مسیح* را جویا شد. ۵ آنان پاسخ دادند: «در بیت‌لحم یهودیه؛ زیرا نبی در مورد آن چنین نوشته است: ۶ (تو ای بیت‌لحم که در سرزمین یهودایی، در چشم والیان یهودا نباید به هیچ وجه ناچیزترین

۱:۲ *منظور هیروдіس کبیر است؛ رجوع به واژه‌نامه. *هیروдіس در واقع والی بود، اما در میان مردم به پادشاه معروف بود. *۱: «مغان»؛ به یونانی مَگَوی؛ کسانی که بر مبنای ستارگان و اجرام آسمانی آینده را پیشگویی می‌کردند. ۲:۲ *به نشانهٔ تکریم و ادای احترام. ۴:۲ *یا: «کاتبان»؛ مفسران و معلمان شریعت در روزگار عیسی؛ رجوع به واژه‌نامه. *رجوع به واژه‌نامه.

یوسف در مصر بود، فرشتهٔ یَهُوه* در خواب به او ظاهر شد ۲۰ و گفت: «برخیز، کودک و مادرش را بردار و به سرزمین اسرائیل برو؛ زیرا آنان که در پی جان کودک بودند، مردند.» ۲۱ پس یوسف برخاسته، کودک و مادر او را برداشت و به سرزمین اسرائیل بازگشت. ۲۲ اما یوسف ترسید که به یهودیه برود؛ زیرا شنید که آرخلائوس به جای پدرش هیرودیس، حکمران یهودیه شده است. به علاوه، در خواب هشدار می‌داد که از طرف خدا به او داده شد. از این رو، به منطقهٔ جلیل رفت ۲۳ و در شهری که ناصره نام داشت، ساکن شد تا این کلام انبیا به تحقق رسد که گفته بودند: «او* ناصری* خوانده خواهد شد.»

۴ در آن روزها یحییای تعمیددهنده به بیابان یهودیه آمد و در آنجا موعظه می‌کرد. ۲ او می‌گفت: «توبه کنید؛ زیرا پادشاهی آسمان‌ها* نزدیک شده است.» ۳ یحیی در واقع همان کسی است که اِشعّیای نبی در مورد او چنین پیشگویی کرده بود: «صدای کسی شنیده می‌شود که

۲۳:۲ * منظور مسیح است. * «ناصري» احتمالاً هم‌ریشهٔ واژهٔ عبری یَنْتِیَر به معنی «جوانه» یا «شاخه» است که به طور مجازی «نسل» معنی می‌دهد؛ به اِشعّیا ۱:۱۱ رجوع شود. ۲۴:۳ رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا».

۱۳ پس از عزیمت آنان، فرشتهٔ یَهُوه* در خواب به یوسف ظاهر شد و گفت: «برخیز، کودک و مادرش را بردار و به مصر بگریز و در آنجا بمان تا تو را خبر دهم؛ زیرا هیرودیس کودک را به‌زودی خواهد جست تا او را بکشد.» ۱۴ پس، یوسف برخاست و شب‌هنگام با کودک و مادر او عازم مصر شد. ۱۵ او تا زمان مرگ هیرودیس در آنجا ماند. این واقعه تحقق سخن یَهُوه* بود که از طریق نبی خود چنین گفته بود: «پسر خود را از مصر فراخواندم.»

۱۶ وقتی هیرودیس متوجه شد که طالع‌بینان او را فریب داده‌اند، سخت غضبناک شد. او بر مبنای تاریخی که از طالع‌بینان جویا شده بود، فرمان داد که همهٔ پسران دو سال به پایین را در بیت‌لحم و اطراف آن به قتل رسانند. ۱۷ بدین سان، آنچه از طریق اِژمّیای نبی پیشگویی شده بود، به تحقق رسید که گفت: ۱۸ «صدایی از راه به گوش رسید، صدای گریه و شیون بسیار. آری، راحیل بود که در سوگ فرزندان گریه می‌کرد، اما نمی‌خواست از کسی تسلی بگیرد؛ چون فرزندان دیگر نیستند.» ۱۹ پس از مرگ هیرودیس، زمانی که

۱۳:۲، ۱۵، ۱۹ * رجوع به واژه‌نامه.

توبه‌تان، با آب تعمید می‌دهم، اما آن که بعد از من می‌آید، از من تواناتر است و من حتی لایق نیستم که کفشش را در آورم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. ۱۲ او وسیله جدا کردن گندم از کاه را در دست دارد و خرمنگاه خود را کاملاً پاک خواهد ساخت و گندم خود را در انبار جمع خواهد کرد، اما کاه را با آتشی خاموش‌نشدنی خواهد سوزاند.»

۱۳ در آن زمان عیسی از جلیل آمد تا در رود اردن به دست یحیی تعمید بگیرد. ۱۴ اما یحیی کوشید او را باز دارد و گفت: «من باید به دست تو تعمید بگیرم، حال تو نزد من می‌آیی!» ۱۵ عیسی در پاسخ گفت: «بگذار این بار چنین باشد؛ زیرا شایسته است که به طور کامل خواست خدا* را به جا آوریم.» پس یحیی، دیگر مانع او نشد. ۱۶ عیسی پس از تعمیدش فوراً از آب بیرون آمد. سپس آسمان شکافته شد و روح خدا را دید که مانند کبوتری پایین آمد و بر او قرار گرفت. ۱۷ همچنین ندایی از آسمان به گوش رسید که گفت: «این است پسر من، محبوب من که از او خوشنودم.»*

۱۵:۳ * «خواست خدا» یا: «آنچه درست است؛ عدالت». ۱۷:۳ * یا: «خشنود بوده و هستم».

در بیابان فریاد برمی‌آورد: «راه یَهُوه* را آماده کنید! طریق‌های او را هموار سازید.» ۴ یحیی تن‌پوشی از پشم شتر بر تن و کمربندی چرمی بر کمر داشت و غذای او ملخ و عسل صحرایی بود. ۵ مردم اورشلیم، همچنین تمامی اهالی یهودیه و نواحی اطراف رود اردن نزد او می‌آمدند و ۶ و آشکارا به گناهان خود اعتراف می‌کردند و در رود اردن به دست او تعمید می‌گرفتند.*

۷ وقتی یحیی دید که فریسیان* و صَدُوقیان* بسیاری به محل تعمید آمده‌اند، به آنان گفت: «ای افعی‌زادگان! چه کسی به شما هشدار داده است تا از غضبی که در پیش است، بگریزید؟ ۸ پس ثمراتی بیاورید که نشانه توبه باشد. ۹ چنین گمان نکنید و پیش خود مگویید که «ابراهیم پدر ماست؛» زیرا به شما می‌گویم که خدا قادر است از این سنگ‌ها برای ابراهیم فرزند به وجود آورد. ۱۰ اکنون نیز تیشه برای قطع ریشه درختان آماده است. هر درختی که ثمره نیکو نیاورد، قطع و به آتش افکنده خواهد شد. ۱۱ من شما را به نشان

۷، ۳:۳ * رجوع به واژه‌نامه. ۶:۳ * یا: «در آب فرو می‌رفتند».

«تمام این‌ها را به تو خواهم بخشید، اگر در برابر من به خاک افتی و مرا یک بار پرستش کنی.» * ۱۰ عیسی گفت: «دور شو، ای شیطان! زیرا نوشته شده است: «يَهُوه* خدای خود را باید پرستی و تنها او را باید خدمت* کنی.»» ۱۱ پس از آن، ابلیس او را ترک کرد و فرشتگان آمدند و به خدمت عیسی پرداختند.

۱۲ عیسی وقتی شنید که یحیی دستگیر شده است، به جلیل بازگشت. ۱۳ بعد از ترک ناصره، در کفرناحوم، شهری در کنار دریا در منطقه زبولون و نَفْتالی منزل کرد ۱۴ تا گفته اِسْغای نبی به تحقق رسد که پیشگویی کرده بود: ۱۵ «ای جلیل ملت‌ها! ای سرزمین زبولون و نَفْتالی که در راه دریا و در آن سوی رود اردن قرار داری! ۱۶ مردمی که در تاریکی ساکنند، نوری عظیم دیدند و بر ساکنان سرزمینی که مرگ بر آن سایه افکنده بود، روشنایی درخشید.» ۱۷ از آن زمان عیسی موعظه را آغاز کرد. او می‌گفت: «توبه کنید؛ زیرا پادشاهی آسمان‌ها* نزدیک شده است.»

۹:۴ * فعل یونانی در اینجا به عملی اشاره دارد که فقط یک بار صورت می‌گیرد. ۱۰:۴ * تحت‌اللفظی: «خدمت مقدّس». ۱۷:۴ * رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا».

۴

آنگاه روح خدا، عیسی را به بیابان هدایت نمود، جایی که ابلیس او را وسوسه کرد. ۲ عیسی ۴۰ روز و ۴۰ شب روزه گرفت و سپس گرسنه شد. ۳ آن وقت وسوسه‌کننده نزدش آمد و به او گفت: «اگر یکی از پسران خدایی، به این سنگ‌ها بگو تا نان شود.» ۴ اما عیسی در جواب گفت: «نوشته شده است: «زندگی انسان نه فقط به نان، بلکه به هر کلمه‌ای که از دهان يَهُوه* بیرون می‌آید نیز وابسته است.»»

۵ سپس، ابلیس عیسی را به شهر مقدّس برد، او را بالای دیوار معبد* قرارداد و گفت: «اگر یکی از پسران خدایی، خود را به پایین انداز؛ زیرا نوشته شده است: «او به فرشتگان خود در مورد تو فرمان خواهد داد، و «آنان تو را روی دست‌های خود خواهند برد، مبادا پایت به سنگی خورد.»» ۷ عیسی به او گفت: «همچنین نوشته شده است: «نباید يَهُوه* خدای خود را بیازمایی.»»

۸ این بار ابلیس او را به بالای کوهی بسیار بلند برد و تمام حکومت‌های دنیا و شکوه آن‌ها را به او نشان داد ۹ و گفت:

۴:۴، ۷، ۱۰ * رجوع به واژه‌نامه. ۵:۴ * یا: «بلندترین مکان معبد».

آوردند و او آنان را شفا داد. ۲۵ در نتیجه، گروه‌هایی بزرگ از جلیل، دِکاپولیس*، اورشلیم، یهودیه و از آن سوی رود اردن در پی او روانه شدند.

۵ عیسی چون آن جمعیت بزرگ را دید از دامنۀ کوه بالا رفت و در آنجا نشست. سپس شاگردانش نزد او آمدند. ۲ آنگاه عیسی لب به سخن گشود و شروع به تعلیم آنان کرد و گفت:

۳ «خوشا به حال کسانی که به نیاز روحانی خود آگاهند؛* زیرا پادشاهی آسمان‌ها* به آنان تعلّق دارد.

۴ «خوشا به حال ماتم‌دیدگان؛ زیرا تسلّی خواهند یافت.

۵ «خوشا به حال کسانی که خُلق و خویی ملایم دارند؛* زیرا زمین را به میراث خواهند برد.

۶ «خوشا به حال آنان که گرسنه و تشنه‌ی عدالتند؛* زیرا سیر خواهند شد.

۷ «خوشا به حال رحیمان؛ زیرا به آنان رحم خواهند شد.

۴: ۲۵* رجوع به واژه‌نامه. ۴: ۳* یا: «کسانی که به نیاز خود به هدایت الهی آگاهند»: تحت اللفظی: «کسانی که گدای روحند». * رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا». ۵: ۵* یا: «کسانی که فروتند». ۶: ۵* یا: «آنانی که گرسنه و تشنه به جا آوردن خواست خدا هستند».

۱۸ عیسی در حالی که در کنار دریای جلیل* راه می‌رفت، دو برادر ماهیگیر را دید که تور خود را به دریا می‌اندازند؛ یکی شَمعون که پطرس نیز خوانده می‌شود و دیگری آندریاس. ۱۹ عیسی به آنان گفت: «دنبال من بیایید و من از شما صیاد انسان می‌سازم.» ۲۰ آن دو همان دم تورهای خود را رها کردند و به دنبال او رفتند. ۲۱ عیسی در ادامه راه، دو برادر دیگر را دید. آنان یعقوب و یوحنا بودند که با پدرشان زبّدی تورهایشان را در قایق تعمیر می‌کردند. عیسی آن دو برادر را فراخواند ۲۲ و آنان بی‌درنگ قایق و پدرشان را رها کردند و به دنبال او رفتند. ۲۳ عیسی در سراسر جلیل می‌گشت و درکنیسه‌های آنان تعلیم می‌داد، همچنین بشارت پادشاهی را موعظه می‌کرد و همه نوع بیماری‌ها و ناتوانی‌های مردم را شفا می‌بخشید. ۲۴ چون خبر کارهای او در کل نواحی سوریه پیچید، مردم، تمام افراد بیمار را که از انواع بیماری‌ها و دردها رنج می‌بردند، همچنین دیوزدگان، افراد مبتلا به صرع و مفلوجان را نزد وی ۴: ۱۸* دریاچه‌ای است که در کتاب مقدس به نام‌های دریاچه جنیسارت، دریای جلیل و دریای تبیره خوانده شده است.

۸ «خوشا به حال آنان که دلی پاک دارند؛ زیرا خدا را خواهند دید.

۹ «خوشا به حال آنان که برای برقراری صلح می‌کوشند؛* زیرا فرزندان خدا خوانده خواهند شد.

۱۰ «خوشا به حال آنان که به سبب درستکاری آزار دیده‌اند؛ زیرا پادشاهی آسمان‌ها به آنان تعلق دارد.

۱۱ «خوشا به حال شما، وقتی مردم به خاطر من به شما ناسزا گویند، به شما آزار رسانند و انواع دروغ‌های بدخواهانه علیه‌تان به زبان آورند. ۱۲ آنان به پیامبران پیش از شما نیز اینچنین آزار رساندند. پس شاد باشید و وجد نمایید؛ زیرا پاداشتان نزد خدا* عظیم است.

۱۳ «شما نمک دنیایید.* حال اگر نمک خاصیتش را ازدست دهد، چگونه می‌توان خاصیتش را به آن بازگرداند؟ آن دیگر برای هیچ کاری قابل استفاده نخواهد بود، جز برای بیرون ریختن تا پایمال مردم شود.

۱۴ «شما نور دنیایید. نمی‌توان شهری را که برکوه واقع است، پنهان کرد.

۹:۵ *یا: «خوشا به حال صلح‌جویان». *تحت‌اللفظی: «پسران». ۱۲:۵ * «نزد خدا» تحت‌اللفظی: «در آسمان‌ها». ۱۳:۵ *تحت‌اللفظی: «زمین هستید».

۱۵ چراغ را نمی‌افروزند که زیر سرپوش* قرار دهند، بلکه آن را روی پایه می‌گذارند تا نورش بر همه اهالی خانه بتابد. ۱۶ به همین ترتیب، شما نیز بگذارید نورتان بر مردم بتابد تا کارهای نیکتان را ببینند و پدر آسمانی شما را تمجید کنند.

۱۷ «فکر نکنید آمده‌ام تا شریعت یا نوشته‌های انبیا را فسخ کنم. من نیامده‌ام تا آن‌ها را فسخ کنم، بلکه آمده‌ام تا آن‌ها را به تحقق رسانم. ۱۸ به‌راستی* به شما می‌گویم، حتی اگر آسمان و زمین هم از میان بروند، یک نقطه یا یک حرف شریعت از میان نخواهد رفت، بلکه همه به تحقق خواهد رسید. ۱۹ پس، هر که یکی از کوچک‌ترین این احکام را زیر پا گذارد و به دیگران نیز تعلیم دهد که چنان کنند، لایق وارد شدن به پادشاهی آسمان‌ها نخواهد بود.* اما هر که این احکام را به جا آورد و تعلیم دهد، لایق وارد شدن به

۱۵:۵ * در اینجا منظور سبب یا پیمان‌ای است که برای اندازه‌گیری مقدار محصولات خشک، مثل غلات استفاده می‌شد. ۱۸:۵ * تحت‌اللفظی: «آمین»؛ به یونانی آمین؛ عیسی بارها این واژه را برای تأکید بر درستی مطلق و اعتبار کامل کلامش به کار برده است. ۱۹:۵ * «لایق وارد شدن به پادشاهی آسمان‌ها نخواهد بود» تحت‌اللفظی: «در پادشاهی آسمان‌ها کوچک‌ترین خوانده خواهد شد».

در مقابل مذبح رها کن و نخست برو و با برادرت صلح نما و سپس، بازگشته هدیه‌ات را تقدیم کن.

۲۵ «اختلافت را با شاکی خود، پیش از رسیدن به محکمه تا هنوز فرصت باقی است، حل کن؛ مبادا شاکی قضاوت را به قاضی بسپارد، قاضی تو را به دست مأمور محکمه دهد و به زندان افکنده شوی. ۲۶ به‌راستی به تومی‌گویم تا پیشیز* آخر را نپردازی، یقیناً از زندان آزاد نخواهی شد. ۲۷ «شنیده‌اید که گفته شده بود: (زنا*

مکن. ۲۸ اما من به شما می‌گویم هر که به گونه‌ای به زنی چشم بدوزد که شهوت در دلش برانگیخته شود، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. ۲۹ پس، اگر چشم راست باعث لغزش می‌شود، آن را درآور و دور انداز؛ زیرا برای بهتر است که عضوی از بدن خود را از دست بدهی تا این که تمام بدنت به درّه هِنوم* افکنده شود. ۳۰ همچنین اگر دست راست باعث لغزش می‌شود، آن را قطع کن و به دور انداز؛ زیرا برای بهتر است که عضوی از بدن خود را از دست بدهی تا این که تمام بدنت به درّه هِنوم* انداخته شود.

۲۶:۵ * به یونانی کُدرانتیس؛ سکه‌ای با ارزش بسیار ناچیز. ۲۷:۵ * منظور خیانت به همسر است. ۲۹:۵، ۳۰ * رجوع به واژه‌نامه.

پادشاهی آسمان‌ها خواهد بود؛* ۲۰ زیرا به شما می‌گویم که اگر از علمای دین و فریسیان درست‌کارتر* نباشید، به هیچ وجه وارد پادشاهی آسمان‌ها نخواهید شد.

۲۱ «شنیده‌اید که در ایام گذشته به مردم گفته شده بود: (قتل مکن و هر که قتل کند در محکمه پاسخگو خواهد بود. ۲۲ اما من به شما می‌گویم، هر که از برادر خود خشمگین شود و خشم را در دل خود نگاه دارد، در محکمه پاسخگو خواهد بود؛ هر که به برادر خود سخنی اهانت‌آمیز* گوید، باید در شورای عالی* جوابگو باشد و هر که برادر خود را (بله فرومایه!)* بخواند در معرض افتادن در آتش درّه هِنوم* خواهد بود.

۲۳ «پس اگر هدیه خود را به مذبح بیاوری و در آنجا به یاد آوری که برادرت از تو آزرده‌خاطر است، ۲۴ هدیه‌ات را

۱۹:۵ * (لایق وارد شدن به پادشاهی آسمان‌ها خواهد بود) تحت‌اللفظی: «در پادشاهی آسمان‌ها بزرگ خوانده خواهد شد». ۲۰:۵ * یا: «عادل‌تر». ۲۲:۵ * به یونانی راکا؛ مشتق شده از واژه‌ای عبری به معنی تهی‌مغز است. * منظور سَنهدَرین یهودی است. * به یونانی مُره؛ به کار بردن این اصطلاح، مخاطب را فاقد حیثیت و سرکش برضد خدا معرفی می‌کرد. * مکانی برای سوزاندن زباله‌ها در خارج شهر اورشلیم؛ رجوع به واژه‌نامه.

دندان). ۳۹ اما من به شما می‌گویم، با آدم شرور مقابله مکن، بلکه اگر کسی به گونه راست تو سیلی زد، گونه دیگر تو را هم به سوی او آور.* ۴۰ اگر شخصی می‌خواهد تو را برای گرفتن جامه‌ات* به محکمه بکشاند، ردای خود را هم به او بده. ۴۱ اگر مأموری تو را وادار کند که برای خدمتی یک کیلومتر* بروی، دو کیلومتر با او برو. ۴۲ اگر کسی از تو چیزی خواهد، به او عطا کن و اگر کسی از تو قرضی* بخواهد، از وی روی مگردان.

۴۳ «شنیده‌اید که گفته شده بود: «همسایه‌ات* را محبت کن و از دشمنان نفرت داشته باش». ۴۴ اما من به شما می‌گویم، دشمنان خود را محبت نمایید و برای کسانی که آزارتان می‌دهند، دعا کنید ۴۵ تا فرزندان* پدر آسمانی خود باشید؛ زیرا او آفتابش را بر انسان‌های بد و خوب می‌تاباند و بارانش را بر انسان‌های

۳۹:۵ * مقصود از سیلی بر گونه زدن، توهین به شخص یا تحریک کردن او به دعواست.
۴۰:۵ * یا: «جامه زیرین». ۴۱:۵ * یا: «میل»؛ رجوع به واژه‌نامه: «میل». ۴۲:۵ * منظور قرض دادن بدون بهره است. ۴۳:۵ * «همسایه» ترجمه واژه‌ای یونانی است که به مفهوم هم‌نوع نیز می‌باشد. ۴۵:۵ * تحت‌اللفظی: «پسران».

۳۱ «همچنین گفته شده بود: «هر که زن خود را طلاق دهد باید به او طلاق‌نامه‌ای بدهد». ۳۲ اما من به شما می‌گویم هر که زن خود را به دلیلی غیر از عمل نامشروع جنسی* طلاق دهد، او را در موقعیتی قرار می‌دهد که ممکن است مرتکب زنا شود و هر که با چنین زنی ازدواج کند، زنا می‌کند. ۳۳ «همچنین شنیده‌اید که در ایام گذشته به مردم گفته شده بود: «به سوگند خود عمل کن و به نذرهای خود به یَهُوه* پای‌بند باش». ۳۴ اما من به شما می‌گویم، ابداً سوگند مخورید، نه به آسمان؛ زیرا تخت خداست، ۳۵ نه به زمین؛ زیرا کرسی زیر پای اوست و نه به اورشلیم؛ زیرا شهر پادشاه بزرگ است. ۳۶ به سر خود نیز سوگند مخورید؛ زیرا نمی‌توانید یک تار موی آن را سفید یا سیاه کنید. ۳۷ به‌تان فقط بله و نه‌تان فقط نه باشد؛* چون سخنی بیش از این، از آن شریر* است.

۳۸ «شنیده‌اید که گفته شده بود: «چشم به عوض چشم و دندان به عوض» ۳۹:۵ * به یونانی پُرُنیا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۴۲:۵ * رجوع به واژه‌نامه. ۴۷:۵ * منظور این است که به آنچه می‌گویید پای‌بند باشید یا حقیقت را بگویید. * منظور شیطان است.

ریا کاران رفتار نکنید؛ زیرا آنان دوست دارند که در کنیسه‌ها و گوشه خیابان‌ها بایستند و دعا کنند تا مردم ایشان را ببینند. به راستی به شما می‌گویم، آنان پاداش خود را به طور کامل گرفته‌اند. ۶ اما تو برای دعا کردن به اتاقت برو، در را ببند و پس از آن به پدر آسمانی خود که در نهان است، دعا کن. آنگاه پدر تو که امور نهان را می‌بیند، به تو پاداش خواهد داد. ۷ هنگام دعا یک عبارت را مرتباً تکرار کنید، آن گونه که قوم‌های دیگر می‌کنند؛ زیرا آنان تصوّر می‌کنند با زیاده گفتن، دعایشان مستجاب می‌شود. ۸ پس مانند آنان مباشید؛ زیرا پدر آسمانی شما حتی پیش از آن که از او بخواهید، از نیازهایتان آگاه است.

۹ «پس، شما این طور دعا کنید:

«پدر ما که در آسمان‌هایی، نام تو مقدّس باد. * ۱۰ پادشاهی تو بیاید. خواست تو همان طور که در آسمان انجام می‌شود، بر زمین نیز انجام شود. * ۱۱ نان روزانه* ما را امروز به ما عطا کن. ۱۲ قرض‌های* ما را ببخش، همان طور که

۹: ۶ * یا: «تقدیس شود؛ مقدّس شمرده شود». ۱۰: ۶ * یا: «خواست تو در آسمان و همچنین بر زمین انجام شود». ۱۱: ۶ * «نان روزانه» یا: «روزی». ۱۲: ۶ * یا: «خطاهای».

درستکار* و بدکار می‌باراند؛ ۴۶ زیرا اگر فقط به کسانی محبت کنید که به شما محبت می‌کنند، آیا لایق پاداش هستید؟ آیا خراجگیران نیز چنین نمی‌کنند؟ ۴۷ اگر فقط به برادرانتان سلام گویند، آیا کار فوق العاده‌ای کرده‌اید؟ آیا قوم‌های دیگر نیز چنین نمی‌کنند؟ ۴۸ پس شما اینچنین کامل باشید، همان طور که پدر آسمانی شما کامل است.

۶ «مراقب باشید که درستکاری شما در مقابل مردم برای این نباشد که شما را ببینند؛ زیرا در این صورت، هیچ پاداشی نزد پدر آسمانی خود نخواهید داشت. ۲ پس، وقتی صدقه می‌دهی،* با بوق و کرنا جار مزن؛ ریا کاران در کنیسه‌ها و کوچه‌ها چنین می‌کنند تا مردم ایشان را تحسین کنند. به راستی به شما می‌گویم، آنان پاداش خود را به طور کامل گرفته‌اند. ۳ اما تو وقتی صدقه می‌دهی، مگذار دست چپ تو از آنچه دست راست می‌کند، آگاه شود ۴ تا صدقه تو در نهان باشد. آنگاه پدر تو که امور نهان را می‌بیند، به تو پاداش خواهد داد.

۵ «همچنین وقتی دعا می‌کنید، مانند

۴۵: ۵ * یا: «عادل». ۲: ۶ * یا: «به فقیران کمک می‌کنی»؛ رجوع به واژه‌نامه.

برای خود در آسمان بیدوزید، جایی که بید و زنگ به آن آسیب نمی‌رساند و دزد نیز نمی‌تواند به آن دست یابد و آن را برآید؛ ۲۱ زیرا هر جا که گنج توست، دل تو نیز آنجا خواهد بود.

۲۲ «چشم، چراغ بدن است. پس اگر چشمت متمرکز باشد،* تمام وجودت روشن* خواهد بود. ۲۳ اما اگر چشمت پر از حسد باشد،* تمام وجودت تاریک خواهد بود. پس اگر آنچه در تو است، نور نباشد، بلکه در واقع تاریکی باشد، آن تاریکی چه عظیم است!

۲۴ «هیچ کس نمی‌تواند به دو ارباب خدمت کند؛ زیرا یا از یکی نفرت و دیگری را دوست خواهد داشت یا به یکی وفادار و از دیگری بیزار خواهد بود. شما نمی‌توانید هم غلام خدا و هم غلام ثروت* باشید.

۲۵ «پس به شما می‌گویم، دیگر نگران زندگی* خود م باشید که چه بخورید یا چه بنوشید، یا نگران بدن خود که چه بپوشید. آیا ارزش زندگی* بیش از

۲۲:۶ *یا: «دیدت واضح باشد»؛ تحت اللفظی:

«چشمت ساده باشد». *یا: «نورانی». ۲۳:۶

*یا: «چشمت بر شرارت متمرکز باشد»؛ تحت اللفظی: «شریر باشد». ۲۴:۶ *یا: «پول».

۲۵:۶ *یا: «جان».

ما آنان را که به ما مقروضند، بخشیده‌ایم. ۱۳ همچنین ما را در وسوسه میاور،* بلکه ما را از آن شریر* رهایی^۵ ده.

۱۴ «زیرا اگر شما خطاهای دیگران را ببخشید، پدر آسمانی شما نیز شما را خواهد بخشید؛ ۱۵ اما اگر شما خطاهای دیگران را نبخشید، پدر آسمانی شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

۱۶ «وقتی روزه می‌گیرید، دیگر چهره خود را مانند ریاکاران اندوهگین جلوه مدهید؛ زیرا ایشان چهره خود را ناخوشایند می‌سازند* تا به مردم نشان دهند که روزه دارند. به راستی به شما می‌گویم، آنان پاداش خود را به طور کامل گرفته‌اند. ۱۷ اما تو وقتی روزه می‌گیری، سر خود را روغن بزن و صورت خود را بشوی ۱۸ تا روزه تو نه برای مردم، بلکه تنها برای پدر آسمانی تو که در نهان است، آشکار باشد. آنگاه پدر تو که امور نهان را می‌بیند، به تو پاداش خواهد داد.

۱۹ «دیگر گنج برای خود بر زمین میندوزید، جایی که بید و زنگ به آن آسیب می‌رساند و دزد می‌تواند به آن دست یابد و آن را برآید. ۲۰ بلکه گنج

۱۳:۶ *یا: «به ما کمک کن که تسلیم وسوسه نشویم». *منظور شیطان است. ^۵یا: «نجات».

۱۶:۶ *یا: «به ظاهر خود نمی‌رسند».

پادشاهی خدا و عدالت* او باشید و همه این چیزهای دیگر برای شما مهیا خواهد شد. ۲۴ از این رو، هرگز نگران فردا مباشید؛ زیرا فردا مشکلات خود را خواهد داشت. مشکلات هر روز برای آن روز کافی است.

❖ «دیگر در مورد افراد دیگر قضاوت نکنید تا در مورد شما قضاوت نشود؛ ۲ زیرا به همان نحوی که در مورد دیگران قضاوت کنید، در مورد شما قضاوت خواهد شد و با همان ظرفی که برای دیگران پیمانه کنید، برای شما پیمانه خواهند کرد. ۳ چرا پَرکاه را در چشم برادر خود می‌بینی، اما آن تیر چوبی را که در چشم خود داری در نظر نمی‌گیری؟ ۴ یا چگونه می‌توانی به برادرت بگویی: «اجازه بده پَرکاه را از چشمت بیرون آورم»، در حالی که خود تیری چوبی در چشم داری؟ ۵ ای ریاکار! اول تیر چوبی را از چشم خود بیرون آور، آنگاه به وضوح خواهی دید که چگونه پَرکاه را از چشم برادرت بیرون آوری.

۶ «آنچه مقدّس است، به سگ‌ها مدهید. همچنین مرواریدهای خود را

۲۳:۶* «در پی عدالت خدا بودن» این معانی را نیز در بر دارد: «در پی به جا آوردن خواست خدا بودن» و «در پی اطاعت از فرامین او بودن».

غذا و ارزش بدن بیش از لباس نیست؟ ۲۶ پرندگان آسمان را به دقت نظاره کنید؛ نه بذرمی‌کارند، نه برداشت می‌کنند و نه انبار می‌کنند. با این حال، پدر آسمانی شما به آن‌ها غذا می‌دهد. آیا ارزش شما بیش از آن‌ها نیست؟ ۲۷ کدام یک از شما می‌تواند با نگرانی حتی لحظه‌ای* به عمر خود بیفزاید؟ ۲۸ همچنین چرا نگرانید که چه بپوشید؟ از سوسن‌های دشت بیاموزید که چگونه می‌رویند؛ نه زحمتی می‌کشند، نه می‌ریسند. ۲۹ اما من به شما می‌گویم که حتی سلیمان هم با همه شکوهش، همچون یکی از آن‌ها آراسته نشده بود. ۳۰ حال، اگر خدا، گیاه صحرا را که امروز هست و فردا به تنور انداخته می‌شود، چنین جامه‌ای می‌پوشاند، ای کم‌ایمانان آیا بیشتر به فکر تأمین جامه شما نخواهد بود؟ ۳۱ پس، هرگز نگران مباشید و مگویید، «چه بخوریم؟ یا (چه بنوشیم؟) یا (چه بپوشیم؟)» ۳۲ زیرا قوم‌ها سخت در پی به دست آوردن این‌ها هستند. اما پدر آسمانی شما می‌داند که شما به همه این‌ها نیاز دارید.

۳۳ «پس، همواره نخست، در پی

۲۷:۶* تحت‌اللفظی: «یک ذراع»: یک ذراع واحدی تقریباً معادل طول ساعد دست است.

جلوی خوک‌ها میندازید تا مبادا آن را لگدمال کنند و برگردند و شما را بدرند. ۷ «پیوسته بطلبید که به شما داده خواهد شد؛ پیوسته بجوید که خواهید یافت؛ پیوسته بکوید که در به رویتان باز خواهد شد؛ ۸ زیرا هر که بطلبد، دریافت می‌کند؛ هر که بجوید، می‌یابد و هر که بکوید، در به رویش باز خواهد شد. ۹ کدام یک از شما اگر فرزندش از او نان بخواد، به او سنگ می‌دهد ۱۰ یا اگر از او ماهی بخواد، به او مار می‌دهد؟ ۱۱ پس، اگر شما با این که گناهکار هستید، می‌دانید که باید هدایای خوب به فرزندان‌تان بدهید، چقدر بیشتر، پدر آسمانی شما به هر کس که از او بخواد، چیزهای خوب خواهد بخشید!

۱۲ «پس، با مردم همان گونه رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند.* در واقع، این است مفهوم شریعت و نوشته‌های انبیا.* ۱۳ «از درِ تنگ داخل شوید؛ زیرا عریض است آن در و وسیع است راهی که به نابودی می‌انجامد و بسیارند کسانی که ۱۴:۷ * تحت‌اللفظی: «هر آنچه می‌خواهید دیگران برای شما کنند، همان را شما برای آنان کنید.» * منظور از «شریعت و نوشته‌های انبیا» تمامی نوشته‌های مقدس عبرانی است.

۱۵ «از انبیای دروغین برحذر باشید. آنان به لباس گوسفند نزد شما می‌آیند، اما در باطن گرگ‌های درنده‌اند. ۱۶ از میوه‌هایشان آنان را خواهید شناخت. آیا کسی انگور را از بوتهٔ خار یا انجیر را از علف هرز می‌چیند؟ ۱۷ به همین سان، هر درخت خوب، میوهٔ خوب می‌آورد و هر درخت بد، میوهٔ بد. ۱۸ درخت خوب نمی‌تواند میوهٔ بد دهد؛ همچنین درخت بد نمی‌تواند میوهٔ خوب آورد. ۱۹ هر درختی که میوهٔ خوب نیاورد، بریده و به آتش انداخته می‌شود. ۲۰ پس، در واقع آنان* را از میوه‌هایشان خواهید شناخت.

۲۱ «نه هر که به من (سرور، سرور) بگوید به پادشاهی آسمان‌ها* راه خواهد یافت، بلکه تنها آن کس که خواست پدر مرا که در آسمان است، به جا آورد، به آن راه پیدا خواهد کرد. ۲۲ بسیاری در آن روز به من خواهند گفت: (سرور، سرور آیا به نام تو پیشگویی نکردیم، به نام تو دیوها را بیرون نراندیم و

۲۰:۷ * منظور انبیای دروغین است. ۲۱:۷ * رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا».

فقط بخواهی، قادری مرا پاک سازی.»
 ۳ عیسی دستش را دراز کرد، او را لمس نمود و گفت: «می‌خواهم! پاک شو!» و فوراً جذام او پاک شد. ۴ سپس عیسی به او گفت: «مراقب باش که به هیچ کس چیزی نگوئی، اما برو و خود را به کاهن نشان بده و هدیه‌ای که موسی تعیین کرده است، تقدیم کن تا شفای تو گواهی برای آنان باشد.»

۵ هنگامی که عیسی وارد کَفَرناحوم شد، افسری* پیش او آمد، به او التماس کرد و گفت: «ای آقا، خدمتکار من فلج و در خانه زمین‌گیر شده است و به شدت عذاب می‌کشد.» ۷ عیسی به او گفت: «به آنجا می‌آیم و او را شفا می‌دهم.» ۸ افسر در جواب گفت: «ای آقا، لایق آن نیستم که زیر سقف خانه من بیایی. سخنی از تو کافی است تا خدمتکارم شفا یابد: ۹ زیرا من خود از دیگران فرمان می‌برم و سربازانی هم زیر دست خود دارم. به یکی می‌گویم: «برو!» می‌رود، به دیگری می‌گویم: «بیا!» می‌آید و به غلام خود می‌گویم: «این کار را انجام بده!» و انجام می‌دهد.» ۱۰ عیسی

۵:۸ * یا: «یوزباشی»: منظور فرمانده‌ای در ارتش روم است که ۱۰۰ سرباز زیر فرمان داشت.

به نام تو بسیاری اعمال خارق‌العاده* انجام ندادیم؟» ۲۳ آنگاه به ایشان صریحاً خواهم گفت: «هرگز شما را نشناختم!» ای بدکاران از من دور شوید! ۲۴ «پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آن عمل کند، مانند آن مرد داناست که خانه خود را بر سنگ بنا کرد. ۲۵ باران و سیل و تندباد بر آن خانه هجوم آورد، اما آن خانه فرو نریخت؛ زیرا بر سنگ بنا شده بود. ۲۶ اما، هر که این سخنان مرا بشنود و به آن عمل نکند، مانند آن مرد نادان است که خانه خود را بر شن بنا کرد. ۲۷ باران و سیل و تندباد بر آن خانه هجوم آورد، آن خانه فرو ریخت و خرابی آن عظیم بود.»

۲۸ وقتی عیسی این سخنان را به پایان رساند، مردم از شیوهٔ تعلیم او شگفت‌زده شدند؛ ۲۹ زیرا با اقتدار تعلیم می‌داد، نه همچون علمای دین ایشان.

▲ هنگامی که عیسی از کوه پایین آمد، جمعی کثیر او را دنبال کردند. ۲ سپس مردی جذامی* نزد او آمد، در برابرش زانو زد* و گفت: «ای سرور، اگر

۲۲:۷ * یا: «معجزات». ۲۳:۷ * منظور عیسی این است که او هرگز آنان را شاگرد خود ندانسته است. ۲:۸ * رجوع به واژه‌نامه. * به نشانهٔ تکریم و ادای احترام.

با شنیدن این حرف، شگفت‌زده شد و به کسانی که به دنبالش می‌آمدند، گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم که در تمام اسرائیل در هیچ کس چنین ایمانی ندیده‌ام. ۱۱ به شما می‌گویم، بسیاری از شرق و غرب خواهند آمد و بر سر یک سفره با ابراهیم، اسحاق و یعقوب در پادشاهی آسمان‌ها* خواهند نشست. ۱۲ اما پسران این پادشاهی، بیرون به تاریکی انداخته خواهند شد؛ جایی که در آن گریه خواهند کرد و دندان بر هم خواهند سایید.» ۱۳ سپس عیسی به آن افسر گفت: «برو. مطابق ایمانت به تو داده شود.» همان دم خدمتکار او شفا یافت.

۱۴ وقتی عیسی به خانه پطرس رسید، دید که مادرزن او در بستر بیماری خوابیده است و تب دارد. ۱۵ عیسی دست آن زن را لمس کرد و تب او قطع شد. سپس برخاست و به پذیرایی از عیسی پرداخت. ۱۶ هنگام غروب، مردم بسیاری افراد دیوزده را نزد او آوردند و عیسی ارواح را به یک فرمان بیرون راند و همهٔ بیماران را نیز شفا داد ۱۷ تا گفتهٔ اِشعیای نبی به تحقق رسد که پیشگویی

کرده بود: «او بیماری‌های ما را بر خود گرفت و امراض ما را متحمل شد.»

۱۸ عیسی با دیدن جمعیتی که گرد او آمده بودند، به شاگردانش فرمان داد که قایق را به آن طرف دریا برانند. ۱۹ یکی از علمای دین نزد او آمد و گفت: «استاد، هر جا بروی، من به دنبال تو خواهم آمد.» ۲۰ اما عیسی به او گفت: «روباهان لانه دارند و پرندگان آسمان آشیانه، اما پسر انسان جایی ندارد که سرش را بگذارد.» ۲۱ سپس یکی دیگر از شاگردان به او گفت: «ای سرور، نخست بگذار بروم و پدرم را به خاک بسپارم.» ۲۲ عیسی گفت: «تو همچنان مرا پیروی کن، بگذار مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند.»

۲۳ سپس عیسی به همراه شاگردان خود سوار قایق شد. ۲۴ ناگهان در دریا تندبادی شدید درگرفت، طوری که امواج، قایق را فرو می‌گرفت. اما عیسی خوابیده بود. ۲۵ شاگردانش او را بیدار کردند و گفتند: «ای سرور، نجاتمان بده، نزدیک است هلاک شویم!» ۲۶ عیسی گفت: «چرا اینچنین ترسیده‌اید؟* چقدر ایمانتان کم است!» سپس برخاست، به باد و دریا نهب زد و آرامش مطلق برقرار شد.

۹ پس عیسی بر قایق سوار شد و به آن طرف دریا، به شهر خود* رفت. ۲ در این هنگام، عده‌ای مردی فلج را که بر تختی خوابیده بود، نزد او آوردند. عیسی با دیدن ایمان آنان، به مرد فلج گفت: «ای فرزند، قوی دل باش! گناهان تو بخشیده شد.» ۳ آنگاه برخی از علمای دین با خود گفتند: «این مرد کفر می‌گوید.» ۴ عیسی که افکار آنان را می‌دانست، گفت: «چرا در دلتان چنین افکار شریرانه‌ای دارید؟ ۵ کدام آسان‌تر است، گفتن این سخن که گناهانت بخشیده شد یا گفتن این که برخیز و راه برو؟ ۶ اما برای این که شما بدانید که پسر انسان بر زمین اختیار بخشیدن گناهان مردم را دارد. . . .» به مرد فلج گفت: «برخیز، تخت خود را بردار و به خانه‌ات برو.» ۷ آن مرد برخاست و به خانه خود رفت. ۸ جمعیت با دیدن این واقعه ترسیدند و خدا را که به انسان چنین اقتداری داده است، تمجید کردند.

۹ عیسی پس از ترک آنجا، در راه چشمش به شخصی به نام مَتَّى افتاد که در محل وصول مالیات نشسته بود.

۱:۹ * منظور شهر گُفرناحوم است که عیسی طی موعظه در جلیل، اغلب در آنجا منزل می‌کرد.

۲۷ آن مردان متحیر شدند و گفتند: «واقعاً این کیست؟ حتی باد و دریا هم از او اطاعت می‌کنند!»

۲۸ وقتی عیسی به آن طرف دریا به منطقه جَدْرِیان* رسید، دو مرد دیوزده از قبرستان بیرون آمدند و با او روبرو شدند. آن دو به قدری وحشی بودند که هیچ کس جرأت نداشت از آن راه عبور کند. ۲۹ آنان فریاد زدند: «ای پسر خدا، با ما چه کار داری! آیا آمده‌ای ما را پیش از زمان مقرر، عذاب دهی؟» ۳۰ در فاصله‌ای دور از آنان یک گله بزرگ خوک مشغول چرا بود. ۳۱ دیوها از عیسی چنین استدعا کردند: «اگر ما را بیرون می‌رانی، ما را در آن گله خوک بفرست.» ۳۲ عیسی نیز به آن‌ها گفت: «بروید!» پس آن‌ها بیرون آمدند و به درون خوک‌ها رفتند. تمام گله به سمت پرتگاهی* شتافت، به دریا افتاد و در آب غرق شد. ۳۳ خوکبانان گریختند و به شهر رفتند و تمام واقعه، از جمله ماجرای دو مرد دیوزده را تعریف کردند. ۳۴ تمام مردم شهر برای دیدن عیسی بیرون آمدند و پس از آن از او تمنا کردند که منطقه‌شان را ترک کند.

۲۸:۸ * همان منطقه جَراسیان که در مرقس ۱:۵ و لوقا ۲۶:۸ آمده است. ۳۲:۸ * یا: «شیبی تند».

وصله نمی‌زند؛ زیرا با آب‌رفتن پارچهٔ نو، پارگی لباس کهنه از قبل بدتر می‌شود. ۱۷ همچنین کسی شراب تازه را در مَشک کهنه نمی‌ریزد؛ زیرا مَشک می‌ترکد و شراب می‌ریزد و مَشک ضایع می‌شود. شراب تازه را در مَشک نو می‌ریزند و به این ترتیب، هم شراب و هم مَشک حفظ می‌شود.»

۱۸ در حالی که عیسی این سخنان را به آنان می‌گفت، یکی از مسئولان کنیسه* نزدش آمد، به پایش افتاد* و گفت: «دخترم تا به حال باید مرده باشد، اما بیا و دست بر او بگذار و زنده خواهد شد.» ۱۹ عیسی برخاست و به همراه شاگردان خود با او رفت. ۲۰ در آن هنگام، زنی که ۱۲ سال از خون‌ریزی رنج می‌برد، خود را پشت عیسی رساند و حاشیهٔ لباس او را لمس کرد، ۲۱ چون پیش خود می‌گفت: «اگر حتی لباسش را لمس کنم، شفا خواهم یافت.» ۲۲ عیسی برگشت و متوجه او شد و گفت: «ای دختر، قوی‌دل باش! ایمانت تو را شفا داده است.» از همان زمان آن زن شفا یافت.

۲۳ وقتی عیسی به خانهٔ آن مسئول

عیسی به او گفت: «پیرو من شو.» او نیز برخاست و در پی عیسی رفت. ۱۰ چندی بعد، هنگامی که عیسی در خانهٔ مَتّی بر سر سفره‌اش نشسته بود، بسیاری از خراجگیران و گناهکاران آمدند و با عیسی و شاگردانش همسفره شدند. ۱۱ فریسیان وقتی این را دیدند، به شاگردان عیسی گفتند: «چرا استاد شما با خراجگیران و گناهکاران غذا می‌خورد؟» ۱۲ عیسی با شنیدن سخن آنان، گفت: «افراد بیمار به پزشک نیاز دارند، نه افراد سالم. ۱۳ بروید و مفهوم این گفته را درک کنید: «رحمت می‌خواهم، نه قربانی.» چون آمده‌ام تا گناهکاران را فراخوانم، نه درستکاران* را.»

۱۴ سپس، شاگردان یحیی نزد عیسی آمدند و پرسیدند: «چرا ما و فریسیان روزه می‌گیریم، اما شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟» ۱۵ عیسی در جواب گفت: «تا وقتی داماد با مهمانانش* است، آیا ایشان دلیلی برای سوگواری دارند؟ اما روزهایی خواهد آمد که داماد از آنان گرفته خواهد شد، آن موقع، روزه خواهند گرفت. ۱۶ کسی پارچه‌ای نو* را به لباسی کهنه،

۱۸:۹ * تحت اللفظی: «فرمانروایی». * به نشانهٔ تکریم و ادای احترام.

۱۳:۹ * یا: «عادلان». ۱۵:۹ * یا: «دوستانش». ۱۶:۹ * تحت اللفظی: «آب‌نرفته».

آوردند. ۳۳ بعد از این که عیسی دیو را از او بیرون راند، مرد لال شروع به سخن گفتن کرد. مردم متحیر شدند و گفتند: «تا به حال چنین چیزی در اسرائیل دیده نشده است!» ۳۴ اما فریسیان چنین می‌گفتند: «با قدرت فرمانروای دیوهاست که دیوها را بیرون می‌راند.»

۳۵ عیسی سفری در پیش گرفت و تمام شهرها و روستاها را زیر پا گذاشت. او به مردم درکنیسه‌هایشان تعلیم می‌داد، بشارت پادشاهی را موعظه می‌کرد و همه نوع بیماری‌ها و ناتوانی‌های ایشان را شفا می‌بخشید. ۳۶ عیسی وقتی مردم را می‌دید، دلش به حال آنان می‌سوخت؛ زیرا همچون گوسفندان بدون شبان، رنج‌دیده و سرگشته بودند. ۳۷ پس به شاگردانش گفت: «آری، محصول فراوان است، اما کارگر کم. ۳۸ پس، از صاحب محصول استدعا کنید که برای جمع‌آوری محصول خود کارگر بفرستد.»

۱۰ پس عیسی ۱۲ شاگردش را فراخواند و به آنان اقتدار بخشید که ارواح ناپاک را بیرون رانند و قدرت داد که هر نوع بیماری و ناتوانی مردم را شفا دهند.

کنیسه وارد شد، با دیدن نی‌نوازان و جمعی که با صدای بلند شیون می‌کردند، ۲۴ گفت: «بیرون بروید، دخترک نمرده، بلکه خوابیده است.» آنان با شنیدن این سخن با حالتی تمسخرآمیز به او خندیدند. ۲۵ همین که جمعیت بیرون رفتند، عیسی داخل شد، دست دخترک را گرفت و دخترک برخاست. ۲۶ خبر این واقعه در تمام آن ناحیه پیچید.

۲۷ پس از این که عیسی آنجا را ترک کرد، دو مرد نابینا او را دنبال کردند. آنان فریاد می‌زدند: «بر ما رحم کن، ای پسر داوود!» ۲۸ هنگامی که عیسی به خانه داخل شد، آن دو مرد نابینا نزد او آمدند. عیسی از آنان پرسید: «آیا ایمان دارید که من می‌توانم شما را بینا کنم؟» در جواب گفتند: «بله، سرور.» ۲۹ سپس، عیسی چشمانشان را لمس کرد و گفت: «مطابق ایمانتان برای شما انجام شود.» ۳۰ آنگاه چشمان آنان بینا شد. اما، عیسی به ایشان چنین تأکید کرد: «مراقب باشید که کسی از این واقعه باخبر نشود.» ۳۱ با این حال، آنان پس از این که بیرون رفتند در تمام آن ناحیه آشکارا در مورد او صحبت کردند. ۳۲ وقتی آنان آنجا را ترک می‌کردند، مردم مردی لال را که دیوزده بود، نزد او

را شفا دهید، مردگان را برخیزانید، جذامیان را پاک سازید و دیوها را بیرون رانید. مفت یافته‌اید، مفت بدهید. ۹ لازم نیست طلا، نقره یا مس فراهم کنید تا در کیسه کمربند* خود بگذارید. ۱۰ و برای سفر توشه راه، جامه اضافی*، کفش یا چوبدستی با خود ببرید؛ زیرا کارگر مستحق روزی خویش است.

۱۱ «به هر آبادی و شهری که وارد می‌شوید، شخصی لایق را بجوید و تا زمانی که آنجا هستید، نزد او بمانید. ۱۲ وقتی به خانه‌ای وارد می‌شوید، به اهالی خانه سلام گوید. ۱۳ اگر لایق باشند، صلحی که آرزو کرده‌اید، نصیبشان می‌شود، اما اگر لایق نباشند، صلحی که برای آنان آرزو نموده‌اید، به شما بازمی‌گردد. ۱۴ هر جا کسی شما را نپذیرد یا به سخنانتان گوش ندهد، هنگام ترک آن خانه یا شهر، گرد و خاک را از پای خود بتکانید. ۱۵ به راستی به شما می‌گویم، تحمل روز داوری برای سرزمین

۹:۱۰ * کمربندی که در آن جایی برای قرار دادن پول درست می‌کردند. ۱۰:۱۰ * تحت اللفظی: «دو جامه». ۱۲:۱۰ * در میان یهودیان سلام گفتن به شخص، به مفهوم آرزوی صلح برای او بود. ۱۴:۱۰ * شخص با تکان دادن گرد و خاک از پا نشان می‌داد که دیگر مسئولیتی به گردن ندارد.

۲ نام آن ۱۲ رسول* چنین است: نخست شمعون، معروف به پطرس* و برادر او آندریاس؛ یعقوب و برادر او یوحنا پسران زبدي؛ ۳ فیلیپس و برتولما*؛ توما و متای* خراجگیر؛ یعقوب پسر خلفای؛ تَدای*؛ ۴ شمعون غیور* و یهودای اسخريوطی که بعدها به عیسی خیانت کرد.

۵ عیسی این ۱۲ نفر را فرستاد و به آنان چنین فرمان داد: «نزد قوم‌های دیگر مروید و به شهرهای سامریان داخل مشوید؛ ۶ بلکه فقط نزد گوسفندان گمشده قوم اسرائیل بروید. ۷ هنگامی که می‌روید، موعظه کنید و بگوئید: «پادشاهی آسمان‌ها* نزدیک شده است.» ۸ بیماران

۲۱:۱۰ * به یونانی آپوستولوس یعنی فرستاده. * «پطرس» به پنج صورت نامیده شده است: در این آیه «شمعون، معروف به پطرس»؛ در مَتّی ۱۶:۱۶ «شمعون پطرس»؛ در اعمال ۱۴:۱۵ «شمعون»؛ در یوحنا ۱:۴۲ «کیفا» و بیش از همه «پطرس» برای مثال، در مَتّی ۱۴:۲۸. ۳:۱۰ * همچنین تثنائیل خوانده شده است؛ برای مثال، در یوحنا ۱:۴۶ و یوحنا ۲:۲۱. * همچنین لاوی خوانده شده است؛ برای مثال، در لوقا ۵:۲۷. ۵ همچنین «یهودا پسر یعقوب» خوانده شده است؛ برای مثال، در لوقا ۶:۱۶؛ یوحنا ۱۴:۲۲؛ اعمال ۱:۱۳. ۴:۱۰ * به یونانی گندابوس؛ با لوقا ۱۵:۶ مقایسه شود. ۷:۱۰ * رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا».

شُدوم و عَمُورَه آسان‌تر خواهد بود تا برای آن شهر.

۱۶ «من شما را مانند گوسفندان به میان گرگان می‌فرستم: پس مانند مار، هوشیار باشید، اما مانند کبوتر، بی‌آزار.*

۱۷ محتاط باشید: زیرا مردم شما را به محکمه‌ها خواهند سپرد و درکنیسه‌های خود شلاق‌تان خواهند زد. ۱۸ شما را به خاطر من نزد والیان و پادشاهان خواهند برد. به این ترتیب، به آنان و به قوم‌ها شهادت خواهید داد. ۱۹ اما وقتی شما را تسلیم می‌کنند، نگران مباشید که چگونه سخن گوید و چه بگوید، چون آنچه باید بگوید، همان دم به شما داده خواهد شد؛ ۲۰ زیرا شما در سخن گفتن تنها نیستید، بلکه روح پدر آسمانی شما از طریق شما سخن می‌گوید. ۲۱ همچنین برادر، برادر خود و پدر، فرزند خود را تسلیم مرگ خواهد کرد و فرزندان بر ضد پدر و مادر خود برخوانند خاست و آنان را تسلیم مرگ خواهند کرد. ۲۲ همهٔ مردم به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت. اما آن که تا به آخر پایدار بماند، نجات خواهد یافت. ۲۳ هنگامی که مردم شهری به

۱۶:۱۰ * یا: «صادق؛ پاکدل».

شما اذیت و آزار رسانند، به شهری دیگر بگریزید: زیرا به‌راستی به شما می‌گویم، پیش از این که فعالیت خود را در تمامی شهرهای اسرائیل به اتمام برسانید، پسر انسان خواهد آمد.

۲۴ «شاگرد از استاد خود و غلام از ارباب خود بالاتر نیست. ۲۵ شاگرد باید انتظار داشته باشد که همچون استادش با او رفتار شود و غلام همچون اربابش.* اگر مردم صاحب خانه را بَعْلَزِیول* خوانده‌اند، چقدر بیشتر اهل خانه او را چنین خواهند خواند! ۲۶ پس از آنان مترسید: زیرا چیزی نیست که پوشیده باشد و آشکار نشود و هیچ رازی نیست که پنهان باشد و فاش نگردد. ۲۷ آنچه در تاریکی به شما می‌گویم، در روشنائی بیان کنید و آنچه در گوشتان زمزمه می‌شود، از بام‌ها اعلام کنید. ۲۸ از کسانی مترسید که بدن شما را نابود می‌کنند، اما قادر نیستند، جان* شما را نابود کنند؛* بلکه

۲۵:۱۰ * تحت‌اللفظی: «کافی است که شاگرد همچون استاد خود شود و غلام همچون ارباب خود.» نامی که به شیطان، فرمانروای دیوها داده شده است. ۲۸:۱۰ * یا: «حیات»: یعنی امید به زندگی دوباره. * منظور این است که آنان قادر نیستند مانع شوند که خدا جان دوباره به شما بخشد و شما را رستاخیز دهد.

من دوست داشته باشد،* لایق من نیست.
 ۳۸ هر که نخواهد تیر شکنجه* خود را
 بر دوش کشد و از من پیروی کند، لایق
 من نیست. ۳۹ هر که بخواهد جان خود
 را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد.
 اما هر که جان خود را به خاطر من از دست
 دهد، آن را حفظ خواهد کرد.

۴۰ «هر که شما را بپذیرد، مرا نیز
 پذیرفته است و هر که مرا بپذیرد، او را که
 مرا فرستاده نیز پذیرفته است. ۴۱ کسی
 که پیامبری را چون پیامبر است، بپذیرد،
 پاداش یک پیامبر را دریافت خواهد
 کرد و کسی که شخصی درستکار* را
 چون درستکار است، بپذیرد، پاداش یک
 شخص درستکار را دریافت خواهد کرد.
 ۴۲ هر که به یکی از این کوچکان، چون
 شاگرد من است، تنها یک پیاله آب
 خنک دهد، به راستی به شما می‌گویم،
 هرگز بی‌پاداش نخواهد ماند.»

۱۱ پس از این که عیسی این فرمان‌ها
 را به ۱۲ شاگردش داد، از آنجا
 برای تعلیم و موعظه راهی شهرهای
 مجاور شد.

۲ وقتی یحیی در زندان، گزارش کارهای
 مسیح را شنید، شاگردان خود را نزد او
 ۴۱:۱۰* می: «عادل».

از او بترسید که قادر است، هم بدن
 و هم جان شما را در درّهٔ هَتوم* نابود
 کند. ۲۹ آیا دو گنجشک به یک سکهٔ
 کم‌ارزش* فروخته نمی‌شود؟ اما اگر یکی
 از آن‌ها هم به زمین بیفتد، پدر آسمانی
 شما از آن آگاه خواهد بود. ۳۰ او حتی
 از تعداد موهای سر شما نیز آگاه است.
 ۳۱ پس مترسید. ارزش شما بسیار بیشتر
 از گنجشک‌هاست.

۳۲ «هر که نزد مردم مرا تصدیق کند،
 من نیز نزد پدر آسمانی خود او را تصدیق
 خواهم کرد. ۳۳ اما هر که نزد مردم مرا
 انکار کند، من نیز نزد پدر آسمانی خود
 او را انکار خواهم کرد. ۳۴ فکر نکنید
 آمده‌ام تا صلح بر زمین آورم؛ نیامده‌ام تا
 صلح آورم، بلکه آمده‌ام تا شمشیر آورم؛
 ۳۵ زیرا آمده‌ام جدایی ایجاد کنم؛ پسر
 علیه پدر، دختر علیه مادر و عروس علیه
 مادرشوهر. ۳۶ آری، دشمنان شخص،
 اعضای خانواده* خود او خواهند بود.
 ۳۷ کسی که پدر یا مادر خود را بیش از
 من دوست داشته باشد،* لایق من نیست
 و کسی که پسر یا دختر خود را بیش از

۲۸، ۲۸:۱۰* رجوع به واژه‌نامه. ۲۹:۱۰* به یونانی
 اَسْریون؛ سکه‌ای به ارزش یک‌شانزدهم دینار.
 ۳۶:۱۰* تحت‌اللفظی: «اهل خانه». ۳۷:۱۰* به
 یونانی فیلیتو؛ رجوع به واژه‌نامه: «محبّت».

پیش از تو* می‌فرستم؛ کسی که راه تو را پیشاپیش تو آماده خواهد ساخت. ۱۱ به‌راستی به شما می‌گویم، بزرگ‌تر از یحیای تعمیددهنده از مادر زاده نشده است، اما در پادشاهی آسمان‌ها* کوچک‌ترها نیز از او بزرگ‌ترند. ۱۲ ای‌ام یحیای تعمیددهنده تاکنون، پادشاهی آسمان‌ها هدفی بوده است که انسان‌ها برای رسیدن به آن مصرانه تلاش کرده‌اند و آنان که مصرانه تلاش می‌کنند، آن را به چنگ می‌آورند؛ ۱۳ زیرا تا زمان یحیی، هم در نوشته‌های انبیا و هم در شریعت* پیشگویی‌هایی شد ۱۴ و چه بپذیرید، چه نپذیرید، یحیی خود همان ایلیا* است که آمدنش پیشگویی شده بود.* ۱۵ هر که گوش شنوا دارد، بشنود. ۱۶ «این نسل را با چه کسانی مقایسه کنم؟ اینان مانند بچه‌هایی هستند که در بازارها می‌نشینند و با صدای بلند به همبازی‌هایشان ۱۷ می‌گویند: «ما برای شما نی زدیم، اما نرقصیدید؛ نوحه خواندیم، اما بر سینه نزدید.» ۱۸ به

۱۰:۱۱ *یا: «پیش روی تو.» ۱۱:۱۱ *رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا». ۱۳:۱۱ *منظور از «نوشته‌های انبیا و شریعت» تمامی نوشته‌های مقدس عبرانی است. ۱۴:۱۱ *یا: «الیاس». ۱۵:۴ *برای مثال، در ملاکی

فرستاد ۳ تا از او بپرسند: «آیا تو همان کسی هستی که منتظر آمدنش بودیم یا باید منتظر شخصی دیگر باشیم؟» ۴ عیسی در جواب به آنان گفت: «بروید و آنچه می‌شنوید و می‌بینید به یحیی گزارش دهید ۵ که اکنون نابینایان بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌گردند، ناشنوایان شنوا می‌شوند، مردگان برخیزانده می‌شوند و به فقیران بشارت داده می‌شود. ۶ خوشا به حال کسی که در مورد من هیچ شک نکند.»* ۷ وقتی شاگردان یحیی به راه افتادند، عیسی خطاب به جمعیت در مورد یحیی لب به سخن گشود و گفت: «برای دیدن چه چیز به بیابان رفتید؟ برای دیدن یک نی که با وزش باد به جنبش درمی‌آید؟ ۸ پس برای دیدن چه چیز رفتید؟ برای دیدن مردی در جامه‌ای لطیف؟* کسانی که جامه‌های لطیف بر تن می‌کنند، در قصرهای پادشاهان به سر می‌برند. ۹ واقعاً برای چه رفتید؟ برای دیدن یک پیامبر؟ آری، به شما می‌گویم، او حتی بسیار بزرگ‌تر از یک پیامبر است. ۱۰ او همان کسی است که در مورد وی نوشته شده است: «بنگر! من پیام‌آور خود را ۱۱ تحت‌اللفظی: «در من هیچ دلیلی برای لغزش نیابد». ۸:۱۱ *یا: «فاخر».

اگر معجزاتی که در توانجام شد، در سُدوم انجام شده بود، آن شهر تا به امروز باقی بود. ۲۴ اما به شما می‌گویم، تحمّل روز داوری برای سرزمین سُدوم آسان‌تر خواهد بود تا برای تو.*

۲۵ آنگاه عیسی چنین دعا کرد: «ای پدر، خداوند آسمان و زمین، تو را نزد همگان می‌ستایم که این امور را از خردمندان و اندیشمندان مخفی داشته‌ای و بر کودکان آشکار ساخته‌ای. ۲۶ آری ای پدر، زیرا خشنودی تو در این است.» ۲۷ عیسی چنین ادامه داد: «همه چیز را پدرم به من سپرده است و هیچ کس پسر را کاملاً نمی‌شناسد، جز پدر و هیچ کس پدر را کاملاً نمی‌شناسد، جز پسر و نیز کسانی که پسر بخواهد پدر را به آنان آشکار کند. ۲۸ بیایید نزد من، ای همه زحمتکشان و گرانباران و من به شما نیرویی تازه خواهم بخشید.* ۲۹ یوغ^۱ مرا بردوش گیرید* و از من تعلیم یابید؛^۲ زیرا خویی ملایم و دلی افتاده دارم و در جان‌های خود نیرویی تازه خواهید یافت؛

۲۴:۱۱ * منظور از «تو» شهر کفرناحوم است.
۲۸:۱۱ * یا: «من می‌گذارم شما فراغت یابید».
۲۹:۱۱ * رجوع به واژه‌نامه. * یا: «با من زیر یوغ من بیایید». * یا: «شاگرد من شوید»؛ با داوران ۱۷:۷ مقایسه شود.

همین سان، یحیی آمد که نه می‌خورد و نه می‌نوشد، مردم می‌گویند: «دیو دارد»، ۱۹ اما پسر انسان آمد که هم می‌خورد و هم می‌نوشد و در مورد او می‌گویند: «این مرد، پرخور و میگسار است و دوست خراجگیران و گناهکاران». اما برحق بودن حکمت* از اعمال* آن ثابت می‌شود.» ۲۰ سپس، عیسی به سرزنش شهرهایی پرداخت که گرچه اکثر معجزاتش* در آن‌ها صورت گرفته بود، ساکنان آن‌ها توبه نکرده بودند. ۲۱ او گفت: «وای بر تو، ای خورزین! وای بر تو، ای بیت‌صیدا! زیرا اگر معجزاتی که در شما انجام شد، در صور و صیدون* انجام شده بود، ساکنان آن‌ها بسیار پیش از این در پلاس و خاکستر توبه کرده بودند. ۲۲ اما به شما می‌گویم، تحمّل روز داوری برای ساکنان صور و صیدون آسان‌تر خواهد بود تا برای شما. ۲۳ توای کفرناحوم، آیا گمان می‌کنی که تا به آسمان سرافراز خواهی شد؟ خیر، تا به گور* پایین خواهی رفت؛ زیرا

۱۹:۱۱ * یا: «درستی حکمت». * یا: «نتایج».
۲۰:۱۱ * تحت‌اللفظی: «اعمال خارق‌العاده‌اش».
۲۱:۱۱ * یا: «صیدا»؛ صور و صیدا شهرهای یهودی‌نشین نبودند. ۲۳:۱۱ * یا: «هادیس»؛ مجازاً به مکانی اشاره دارد که کلیه انسان‌ها در آن به خاک سپرده می‌شوند؛ رجوع به واژه‌نامه.

درک کرده بودید، مردمان بی‌تقصیر را محکوم نمی‌کردید. ۸ زیرا پسر انسان صاحب اختیار* روز سَبَّت است.»

۹ عیسی پس از ترک آنجا به کنیسه آنان رفت. ۱۰ مردی در کنیسه بود که دستش از کار افتاده بود.* پس، از عیسی پرسیدند: «آیا شفا دادن در سَبَّت جایز است؟» البته قصدشان این بود که بهانه‌ای برای متهم کردن او بیابند. ۱۱ عیسی به آنان گفت: «اگر کسی در میان شما یک گوسفند داشته باشد و در روز سَبَّت آن گوسفند در چاه بیفتد، آیا آن را نمی‌گیرد و بیرون نمی‌آورد؟ ۱۲ حال، ارزش یک انسان چقدر بیشتر از یک گوسفند است! پس خوبی کردن در روز سَبَّت جایز است.» ۱۳ سپس به آن مرد گفت: «دست را دراز کن.» آن مرد دستش را دراز کرد و دستش مانند دست دیگرش سالم شد. ۱۴ اما فریسیان بیرون رفتند و با یکدیگر توطئه چیدند که چگونه او را بکشند. ۱۵ وقتی عیسی از این امر آگاه شد، آنجا را ترک کرد. بسیاری نیز به دنبال او رفتند و عیسی همهٔ بیمارانش را شفا بخشید. ۱۶ اما به آنان اکیداً فرمان

۱۲:۸ * تحت‌اللفظی: «سرور». ۱۰:۱۲ * یا: «دستش خشک شده بود؛ دستش فلج شده بود».

۳۰ زیرا یوغ من راحت* و بار من سبک است.»

۱۲ در همان ایام، یک بار که عیسی در روز سَبَّت* از میان گندمزارها می‌گذشت، شاگردانش گرسنه شدند و شروع به چیدن خوشه‌ها و خوردن دانه‌های آن کردند. ۲ فریسیان با دیدن آنان به عیسی گفتند: «ببین! شاگردانت کاری را می‌کنند که در روز سَبَّت جایز نیست.» ۳ عیسی به آنان گفت: «مگر نخوانده‌اید که داوود هنگامی که او و همراهانش گرسنه بودند، چه کرد؟ ۴ نخوانده‌اید که به خانهٔ خدا داخل شد و او و یارانش از نان تقدیمی* خوردند؟ خوردن آن نان نه برای داوود جایز بود و نه برای همراهانش، بلکه فقط کاهنان اجازهٔ خوردن آن را داشتند. ۵ یا مگر در شریعت نخوانده‌اید که کاهنان معبد در روزهای سَبَّت کار می‌کنند* و با این حال مقصر شناخته نمی‌شوند؟ ۶ اما من به شما می‌گویم، شخصی اینجاست که از معبد بزرگ‌تر است. ۷ اما اگر مفهوم این گفته را که «رحمت می‌خواهم نه قربانی»،

۱۱:۳۰ * یا: «حمل یوغ من راحت». ۱۱:۱۲ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۲:۴ * یا: «نان فطیر تبرک‌شده». ۱۲:۵ * تحت‌اللفظی: «حرمت سَبَّت را حفظ نمی‌کنند».

گفت: «هر سلطنتی که در آن تفرقه بیفتد، نابود خواهد شد و هر شهر و خانه‌ای که در آن تفرقه ایجاد شود، دوام نخواهد آورد. ۲۶ به همین ترتیب، اگر شیطان، شیطان را بیرون راند، در سلطنتش* تفرقه ایجاد شده است؛ پس چگونه سلطنتش دوام خواهد آورد؟ ۲۷ به علاوه، اگر من با قدرت بَعْلَزَبول دیوها را بیرون می‌رانم، شاگردان* شما با قدرت چه کسی آن‌ها را بیرون می‌رانند؟ پس آنان داوران شما خواهند بود.* ۲۸ اما اگر من با قدرت روح خدا دیوها را بیرون می‌رانم، یقین بدانید که پادشاهی خدا آمده است و شما نفهمیدید.* ۲۹ همچنین چگونه کسی می‌تواند به خانهٔ مردی زورمند وارد شود و اموال او را تصاحب کند؟ مگر نباید اول او را ببندد تا بتواند خانهٔ او را غارت کند؟ ۳۰ کسی که با من نباشد، برضد من است و کسی که با من جمع نکند، پراکنده می‌سازد. ۳۱ «بنابراین، به شما می‌گویم که هر گونه گناه انسان و کفرگویی او بخشیده

۱۲: ۲۶* «سلطنتش» تحت اللفظی: «او». ۱۲: ۲۷

* تحت اللفظی: «پسران». * یا: «پس آنان نشان

خواهند داد که در اشتباهید». ۱۲: ۲۸

* تحت اللفظی: «پادشاهی خدا به شما رسیده

است».

داد که هویت او را آشکار نکنند ۱۷ تا به این ترتیب، گفته اِشْعای نبی به تحقق رسد که پیشگویی کرده بود:

۱۸ «بنگر! این است خادم من که او را برگزیدم، محبوب من که از او خشنودم!* من روح خود را بر او قرار خواهم داد و او مفهوم عدالت واقعی را برای قوم‌ها روشن خواهد ساخت. ۱۹ او نزاع نخواهد کرد، فریاد برنخواهد آورد و هیچ کس صدای او را در خیابان‌ها نخواهد شنید. ۲۰ نی شکسته را خرد نخواهد کرد و فتیلهٔ کم‌سو را خاموش نخواهد ساخت تا آن زمان که عدالت را به پیروزی رساند. ۲۱ آری، نام او به قوم‌ها امید خواهد بخشید.»

۲۲ سپس شخصی دیوزده را نزد او آوردند که نابینا و لال بود. عیسی او را شفا داد، طوری که می‌توانست صحبت کند و ببیند. ۲۳ تمام جمعیت شگفت‌زده شدند و گفتند: «آیا ممکن است که او پسر داوود باشد؟» ۲۴ فریسیان با شنیدن این حرف گفتند: «این مرد، تنها با قدرت بَعْلَزَبول* که فرمانروای دیوهاست، دیوها را بیرون می‌راند.» ۲۵ عیسی که افکارشان را می‌دانست، خطاب به آنان

۱۲: ۱۸* یا: «جانم از او خشنود است». ۱۲: ۲۴

* نامی که به شیطان، فرمانروای دیوها داده شده است.

می‌شود، اما کفرگویی به روح‌القدس بخشیده نخواهد شد. ۳۲ برای مثال، هر که کلمه‌ای بر ضدّ پسر انسان بگوید، بخشیده خواهد شد، اما هر که بر ضدّ روح‌القدس سخنی بگوید، بخشیده نخواهد شد: نه در نظام حاضر،* نه در نظامی* که در آینده خواهد آمد.

۳۳ «شما یا درختی خوب با میوه خوب می‌پرورانید یا درختی بد با میوه بد؛ زیرا درخت از میوه‌اش شناخته می‌شود. ۳۴ ای افعی‌زادگان! چگونه می‌توانید سخن نیکو بگویید، در حالی که خود شریرید؟ زیرا زبان از آنچه دل از آن پر است، سخن می‌گوید. ۳۵ شخص نیکو از اندوخته‌های نیکوی دل خود، چیزهای نیکو بیرون می‌آورد، اما شخص شریر از اندوخته‌های شریرانه دل خود، چیزهای شریرانه بیرون می‌آورد. ۳۶ به شما می‌گویم، مردم هر سخن بیهوده‌ای* که بگویند، در روز داوری جوابگوی آن خواهند بود؛ ۳۷ زیرا شخص بر مبنای سخنان خود درستکار* شمرده خواهد شد و بر مبنای سخنان خود نیز محکوم خواهد شد.»

۱۲:۲۲ * یا: «عصر حاضر؛ رجوع به واژه‌نامه؛ نظام حاضر.» * یا: «عصری.» ۱۲:۲۶ * یا: «زیانبار.» ۱۲:۲۷ * یا: «عادل.»

۳۸ سپس برخی از علمای دین و فریسیان به عیسی گفتند: «استاد، ما می‌خواهیم نشانه‌ای از تو ببینیم.» ۳۹ او در جواب به آنان گفت: «نسلی شریر و زناکار* پیوسته در پی نشانه‌ای هستند، اما نشانه‌ای جز نشانه یونس نبی به آنان داده نخواهد شد. ۴۰ زیرا همان گونه که یونس سه روز و سه شب در شکم یک ماهی بزرگ بود، پسر انسان نیز سه روز و سه شب در دل زمین خواهد بود. ۴۱ در هنگام داوری، مردم نیّوا با این نسل برخورد خواهند کرد؛ زیرا موعظه یونس باعث شد که مردم نیّوا توبه کنند، اما شخصی بزرگ‌تر از یونس اینجاست. ۴۲ در هنگام داوری، ملکه جنوب با این نسل برخورد خواهد شد و این نسل را محکوم خواهد کرد؛ زیرا او از آن سوی زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود، اما شخصی بزرگ‌تر از سلیمان اینجاست. ۴۳ «هنگامی که روحی ناپاک از شخصی بیرون می‌آید، در مکان‌های خشک و بایر به دنبال استراحتگاهی می‌گردد، اما نمی‌یابد. ۴۴ پس می‌گوید: (به خانه خود که از آن آمدم برمی‌گردم، و

۱۲:۲۹ * یا: «خیانتکار.»

برای بذرافشانی بیرون رفت. ۴ همچنان که بذرها را می‌پاشید، بعضی درکنار راه افتاد و پرنندگان آمدند و آن‌ها را خوردند. ۵ بعضی دیگر بر زمین سنگی افتاد، جایی که خاکِ چندانی نداشت. پس چون خاک کم‌عمق بود، جوانهٔ آن‌ها به‌سرعت سر از خاک بیرون آورد. ۶ اما با بالا آمدن خورشید، جوانه‌ها پژمرده و چون ریشه‌ای نداشت، خشک شد. ۷ بعضی بذره‌ای دیگر در میان خارها افتاد و رشد خارها آن‌ها را خفه کرد. ۸ اما بعضی نیز در خاک خوب افتاد و ثمر آورد؛ برخی ۱۰، برخی دیگر ۶۰ و شماری نیز ۳۰ برابر. ۹ هرکه گوش شنوا دارد، بشنود.»

۱۰ سپس شاگردان نزد عیسی آمدند و از او پرسیدند: «چرا با مُثَل با آنان سخن می‌گویی؟» ۱۱ او پاسخ داد: «درک رازهای مقدس پادشاهی آسمان‌ها* به شما عطا شده، اما به آنان عطا نشده است؛ ۱۲ زیرا آن که دارد، بیشتر به او داده خواهد شد تا به فراوانی داشته باشد، اما آن که ندارد، حتی آنچه دارد هم از او گرفته خواهد شد. ۱۳ به همین دلیل با آنان با مُثَل صحبت می‌کنم؛ زیرا نگاه

* ۱۱:۱۳ رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا».

وقتی به آنجا می‌رسد، می‌بیند که آن خانه خالی، جاروشده و آراسته است. ۴۵ پس می‌رود و هفت روح شریرتر از خود را می‌آورد و با آنان به آن خانه داخل گشته و در آن ساکن می‌شود. در نتیجه، عاقبت آن شخص از ابتدایش بدتر می‌شود. عاقبت این نسل شریر نیز چنین خواهد بود.»

۴۶ در حالی که عیسی با آن جمع صحبت می‌کرد، مادر و برادرانش آمدند و بیرون ایستادند تا با او صحبت کنند. ۴۷ شخصی به او گفت: «مادر و برادرانت بیرون ایستاده‌اند و می‌خواهند با تو صحبت کنند.» ۴۸ عیسی در جواب به او گفت: «مادر من کیست؟ برادران من چه کسانی هستند؟» ۴۹ سپس با دست به شاگردانش اشاره کرد و گفت: «ببینید این‌ها مادر و برادران من هستند! ۵۰ زیرا هرکه خواست پدر آسمانی مرا به جا آورد، همان برادر، خواهر و مادر من است.»

۱۳ در همان روز، عیسی پس از ترک خانه به کنار دریا رفت. در آنجا نشسته بود که ۲ گروهی کثیر گرد او جمع شدند. پس سوار بر قایقی شد، در آن نشست و تمام مردم در ساحل ایستادند. ۳ سپس با مُثَل، مطالبی بسیار برای آنان بیان کرد. او گفت: «برزگری

۲۰ بذری که بر زمینِ سنگی افتاد، کسی است که کلام را می‌شنود و فوراً آن را با شادی می‌پذیرد. ۲۱ اما چون ریشه‌ای در خود ندارد، مدتی دوام می‌آورد و هنگامی که به سبب کلام با مصیبت و آزار روبرو می‌شود، همان دم لغزش می‌خورد.*

۲۲ بذری که در میان خارها افتاد، کسی است که کلام را می‌شنود، اما نگرانی‌های این دنیا* و قدرت فریبندهٔ ثروت، کلام را خفه می‌کند و آن بی‌ثمر می‌شود.

۲۳ بذری که در خاک خوب افتاد، کسی است که کلام را می‌شنود، آن را درک می‌کند و حقیقتاً بارور می‌شود و ۱۰۰ یا ۶۰ برابر ثمر می‌آورد.»

۲۴ عیسی مثلی دیگر برای ایشان آورد و گفت: «پادشاهی آسمان‌ها را می‌توان به شخصی تشبیه کرد که بذری خوب در مزرعهٔ خود پاشید. ۲۵ زمانی که همه در خواب بودند، دشمنش آمد و علف هرز* در میان گندم‌ها کاشت و رفت. ۲۶ وقتی گندم سبز شد و خوشه

۲۱:۱۳* «لغزش می‌خورد» یا: «ایمانش سست می‌شود». ۲۲:۱۳* یا: «نظام حاضر؛ عصر حاضر»؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر». ۲۵:۱۳* منظور احتمالاً «گیجدانه» یا «چَچَم» است. این گیاه نوعی علف سمی است که در هنگام رشد، تا پیش از این که به ثمر برسد، به گندم بسیار شبیه است.

می‌کنند، اما نمی‌بینند، گوش می‌کنند، اما نمی‌شنوند و درک هم نمی‌کنند.

۱۴ پیشگوییِ اِشعیا در موردشان تحقق می‌یابد که می‌گوید: «با گوش‌های خود خواهید شنید، اما به هیچ وجه درک نخواهید کرد و با چشمان خود نگاه خواهید کرد، اما به هیچ وجه نخواهید دید: ۱۵ زیرا دل این قوم سخت شده است. با گوش‌های خود شنیده‌اند و به گوش نگرفتند. چشمان خود را بسته‌اند، مبادا به چشم خود ببینند، با گوش خود بشنوند، با دل خود درک کنند و بازگردند و من آنان را شفا بخشم.»

۱۶ «اما، خوشا به حال چشمان شما که می‌بیند و گوش‌های شما که می‌شنود. ۱۷ به‌راستی به شما می‌گویم که بسیاری از انبیا و درستکاران* آرزو داشتند آنچه شما می‌بینید، ببینند، اما ندیدند و آنچه شما می‌شنوید، بشنوند، اما نشنیدند.

۱۸ «پس شما مفهومِ مَثَلِ بزرگتر را بشنوید. ۱۹ وقتی کسی پیام پادشاهی را می‌شنود، اما آن را درک نمی‌کند، آن شریر* می‌آید و آنچه را که در دل او کاشته شده است، می‌رباید. این همان بذری است که در کنار راه افتاد.

۱۷:۱۳* یا: «عادلان». ۱۹:۱۳* منظور شیطان است.

۳۳ عیسی برای آنان مثلی دیگر آورد: «پادشاهی آسمان‌ها مانند خمیرمایه‌ای است که زنی آن را برداشت و در سه پیمانه بزرگ* آرد مخلوط کرد تا سرانجام کل آن وُر آمد.»

۳۴ عیسی همه این‌ها را با مثل به مردم گفت. آری، او هیچ چیز را بدون آوردن مثل به آنان نمی‌گفت ۳۵ تا گفته نبی به تحقق رسد که پیشگویی کرده بود: «من دهان خود را با مثل‌ها خواهم گشود. من چیزهایی را که از آغاز* پنهان بود، اعلام خواهم کرد.»

۳۶ سپس عیسی جمعیت را مرخص کرد و به خانه رفت. شاگردانش نزد او آمدند و گفتند: «برای ما مثل علف هرز در مزرعه را توضیح بده.» ۳۷ او در جواب گفت: «شخصی که بذرخوب را پاشید، پسرانسان است. ۳۸ مزرعه دنیاست. بذرخوب، پسران پادشاهی آسمان‌ها هستند. اما علف‌های هرز، پسران آن شیرینند.* ۳۹ همچنین دشمنی که علف‌های هرز را کاشت، ابلیس است. فصل برداشت،

۳۳:۱۳ * یا: «سه سیئه»؛ هر سیئه معادل ۷,۳۳ لیتر بود. ۳۵:۱۳ * یا احتمالاً: «آغاز این دنیا»؛ تحت‌اللفظی: «به جا گذاشتن [نسل]»؛ به فرزندان آدم و حوّا اشاره دارد. ۲۸:۱۳ * منظور شیطان است.

آورد، علف‌های هرز هم در میان آن‌ها نمایان گشت. ۲۷ پس غلامان نزد ارباب خانه آمدند و به او گفتند: «آقا، مگر تو بذرخوب در مزرعات نپاشیدی؟ پس علف هرز از کجا در آمد؟» ۲۸ او گفت: «این کار دشمن است.» غلامان گفتند: «آیا می‌خواهی برویم و علف‌های هرز را جمع کنیم؟» ۲۹ او گفت: «خیر، مبادا هنگام کندن علف‌های هرز، گندم‌ها را نیز با آن‌ها از ریشه درآورید. ۳۰ بگذارید تا هنگام برداشت، هر دو رشد کنند. در فصل برداشت به دروگران خواهم گفت که اول علف‌های هرز را جمع‌آوری و برای سوزاندن دسته کنند، سپس گندم‌ها را جمع کنند و به انبار من بیاورند.»

۳۱ عیسی مثلی دیگر برای آنان آورد و گفت: «پادشاهی آسمان‌ها مانند دانه خردل است که شخصی آن را گرفت و در مزرعه خود کاشت. ۳۲ دانه خردل کوچک‌ترین دانه است، اما بعد از این که رشد کرد، از همه گیاهان* بزرگ‌تر و به درختی مبدل می‌شود؛ طوری که پرندگان آسمان می‌آیند و در شاخه‌های آن پناه می‌گیرند.»

۳۲:۱۳ * منظور سبزی‌ها و گیاهان خوراکی است که در باغ می‌کاشتنند.

گرانبها، رفت و فوراً هر آنچه داشت فروخت و آن مروارید را خرید.

۴۷ «همچنین پادشاهی آسمان‌ها مانند یک تور ماهیگیری است که به دریا انداخته می‌شود و همه نوع ماهی را در خود جمع می‌کند. ۴۸ وقتی تور پر شد، ماهیگیران آن را به ساحل می‌کشند، سپس می‌نشینند، خوب‌ها را در ظرف‌هایی جمع کرده، بدها را بیرون می‌اندازند. ۴۹ در دوران پایانی نظام حاضر* نیز چنین خواهد بود. در آن زمان، فرشتگان بیرون خواهند رفت و شریران را از میان درستکاران* جدا خواهند ساخت ۵۰ و در کوره آتش خواهند افکند؛ جایی که در آن گریه خواهند کرد و دندان بر هم خواهند سایید.

۵۱ عیسی پرسید: «آیا همه این‌ها را درک کردید؟» پاسخ دادند: «بلی.» ۵۲ سپس به آنان گفت: «حال که این‌ها را درک کردید، بدانید هر معلّمی که در مورد پادشاهی آسمان‌ها تعلیم گرفته باشد، مانند صاحبخانه‌ای است که از گنجینه خود، هم چیزهای نو و هم چیزهای کهنه بیرون می‌آورد.»

۵۳ وقتی عیسی این مَثَل‌ها را به پایان رساند، آنجا را ترک کرد. ۵۴ سپس

دوران پایانی نظام حاضر* است و دروگران، فرشتگانند. ۴۰ پس، همان طور که علف‌های هرز دسته شده، با آتش سوخته می‌شود، در دوران پایانی نظام حاضر* نیز چنین خواهد بود. ۴۱ پسر انسان فرشتگان خود را خواهد فرستاد و آنان هر آنچه باعث لغزش می‌شود* و همه قانون‌شکنان را از پادشاهی او جمع خواهند کرد ۴۲ و آنان را در کوره آتش خواهند افکند؛ جایی که در آن گریه خواهند کرد و دندان بر هم خواهند سایید. ۴۳ در آن زمان، درستکاران* در پادشاهی پدر خود، به درخشندگی خورشید خواهند درخشید. هر که گوش شنوا دارد، بشنود. ۴۴ «پادشاهی آسمان‌ها مانند گنجی پنهان در یک مزرعه است که شخصی آن را می‌یابد و مخفی می‌کند و از شادمانی می‌رود و هر آنچه دارد می‌فروشد و آن مزرعه را می‌خرد.

۴۵ «همچنین پادشاهی آسمان‌ها مانند بازرگانی است که به دنبال مرواریدهای اعلاست. ۴۶ او با یافتن مرواریدی

۱۳: ۲۹، ۴۰، ۴۹ * یا: «عصر حاضر: رجوع به واژه‌نامه: «دوران پایانی نظام حاضر». ۱۳: ۴۱ * یا: «کسانی که باعث می‌شوند دیگران گناه کنند». ۱۳: ۴۳، ۴۹ * یا: «عادلان».

به دیار خود رفت و به مردم درکنیسه‌شان به تعلیم دادن پرداخت، به نحوی که آنان شگفت‌زده شدند و گفتند: «این مرد از کجا چنین حکمتی کسب کرده و قدرت چنین معجزاتی* را یافته است؟ ۵۵ مگر این همان پسر نجار نیست؟ مگر نام مادرش مریم و نام برادرانش یعقوب، یوسف، شمعون و یهوذا نیست؟ ۵۶ مگر خواهرانش همگی اینجا در میان ما زندگی نمی‌کنند؟ پس این مرد، این همه حکمت و توانایی را از کجا یافته است؟» ۵۷ پس او را رد کردند.* عیسی به آنان گفت: «نبی در هیچ جا بی‌حرمت نیست، مگر در دیار و خانه خود.» ۵۸ او به دلیل بی‌ایمانی آنان، معجزات* چندان در آنجا نکرد.

۱۴ در آن زمان، اخباری در مورد عیسی به گوش هیرودیس فرماندار* رسید. ۲ پس به خدمتگزارانش گفت: «این همان یحیای تعمیددهنده است که از میان مردگان برخاسته. به همین دلیل است که چنین اعمال

۵۸، ۵۴:۱۳ * تحت اللفظی: «اعمال خارق‌العاده».

۵۷:۱۳ * تحت اللفظی: «به سبب او لغزش خوردند.» ۱:۱۴ * به یونانی پتر (خ) یعنی حکمران و نماینده امپراتور روم در یک منطقه.

خارق‌العاده‌ای* از او سر می‌زند.» ۳ هیرودیس* به خاطر هیرودیا که زن برادرش فیلیپس بود، فرمان داده بود که یحیی را دستگیر کنند، در بند بکشند و به زندان ببندازند. ۴ چون یحیی بارها به او گفته بود: «داشتن این زن برای تو جایز نیست.» ۵ هیرودیس قصد کشتن یحیی را داشت، اما از مردم می‌ترسید؛ زیرا آنان یحیی را نبی می‌دانستند. ۶ اما در جشن سالروز تولد هیرودیس، دختر هیرودیا در مقابل مهمانان رقصید و هیرودیس چنان از آن خشنود شد ۷ که سوگند خورد هر آنچه بخواهد، به او بدهد. ۸ سپس آن دختر به توصیه مادرش گفت: «سر یحیای تعمیددهنده را در همین سینی به من بده.» ۹ پادشاه با این که غمگین شد، به خاطر سوگندهایی که در مقابل مهمانانش خورده بود، دستور داد آنچه دختر خواسته، به او بدهند. ۱۰ پس فرستاد تا در زندان سر یحیی را از تنش جدا کنند. ۱۱ سپس سر او را در سینی آوردند و به دختر دادند. او نیز آن را نزد مادرش برد. ۱۲ چندی بعد، شاگردان یحیی آمدند و بدن او را بردند و دفن

۲:۱۴ * یا: «معجزاتی.» ۳:۱۴ * منظور هیرودیس آنتیپاس است؛ رجوع به واژه‌نامه.

و سیر شدند و وقتی تکه‌های باقی‌مانده را جمع‌آوری کردند، ۱۲ سبد پر شد. ۲۱ بجز زنان و کودکان، شمار مردانی که از آن غذا خوردند، حدود ۵۰۰۰ نفر بود. ۲۲ سپس عیسی بی‌درنگ شاگردانش را بر آن داشت که بر قایق سوار شوند و پیش از او به آن طرف دریا بروند. خود نیز در این میان جمعیت را روانه کرد.

۲۳ پس از روانه کردن جمعیت، به کوه رفت تا در خلوت دعا کند. شب فرارسید و او در آنجا تنها بود. ۲۴ تا آن وقت، قایق کیلومترها* از ساحل دور و گرفتار امواج شده بود؛ زیرا بادِ مخالف می‌وزید. ۲۵ در پاس چهارم از شب،* عیسی در حالی که روی دریا راه می‌رفت به طرف شاگردان آمد. ۲۶ وقتی آنان دیدند که او روی آب راه می‌رود، بسیار مضطرب شدند و گفتند: «این یک شیخ است!» و از ترس

۲۴:۱۴ * تحت‌اللفظی: «استادیون بسیاری»؛ یک استادیون معادل ۱۸۵ متر بود. ۲۵:۱۴ * آخرین پاس شب بر مبنای تقسیم‌بندی زمان در یونان و روم، از حدود ساعت ۳ صبح تا طلوع آفتاب (حدود ساعت ۶ صبح) بود. بر طبق خروج ۲۴:۱۴ و داوران ۱۹:۷ یهودیان شب را به سه بخش یا پاس تقسیم می‌کردند. اما بعدها سیستم تقسیم‌بندی رومیان را به کار گرفتند و شب را به چهار پاس تقسیم کردند. به پاورقی مَرُقُس ۳۵:۱۳ رجوع شود.

کردند. آنگاه رفتند و خبر آن واقعه را به عیسی رساندند. ۱۳ عیسی با شنیدن آن خبر آنجا را ترک کرد و برای این که تنها باشد با قایق عازم مکانی خلوت شد. اما جمعیت باخبر شدند و از شهرهای خود، از راه خشکی با پای پیاده به دنبال او رفتند. ۱۴ وقتی عیسی از قایق پیاده شد، جمعیتی بزرگ را آنجا دید و دلش به حال آنان سوخت و بیمارانشان را شفا داد. ۱۵ اما نزدیک غروب، شاگردانش نزد او آمدند و گفتند: «اینجا مکانی دورافتاده است و اکنون نیز دیروقت است؛ مردم را روانه کن که به آبادی‌ها بروند و چیزی برای خوردن برای خود بخرند.» ۱۶ اما عیسی گفت: «لازم نیست که بروند؛ شما چیزی به آنان برای خوردن بدهید.» ۱۷ شاگردانش به او گفتند: «ما اینجا چیزی نداریم، جز پنج نان و دو ماهی.» ۱۸ عیسی گفت: «آن‌ها را اینجا پیش من بیاورید.» ۱۹ آنگاه به جمعیت فرمان داد که روی سبزه‌ها بنشینند؛ سپس آن پنج نان و دو ماهی را گرفت، رو به آسمان کرد و دعا نمود* و نان‌ها را پس از تکه کردن به شاگردانش داد و شاگردان نیز آن‌ها را به مردم دادند. ۲۰ همه خوردند

۱۹:۱۴ * تحت‌اللفظی: «برکت طلبید».

۱۵ سپس فریسیان و علمای دین از اورشلیم نزد عیسی آمدند و گفتند: ۲ «چرا شاگردان تو سنت گذشتگان* را زیر پا می‌گذارند؟ مثلاً، پیش از خوردن غذا دست‌هایشان را آب نمی‌کشند!»*

۳ عیسی در جواب گفت: «چرا خود شما حکم خدا را به خاطر سنت‌هایتان زیر پا می‌گذارید؟ ۴ مثلاً، خدا گفته است: (به پدر و مادر خود حرمت گذار) و کسی که در مورد پدر و مادر خود سخنان زشت* بگوید، باید کشته شود. ۵ اما، شما می‌گویید: (اگر کسی به پدر یا مادرش بگوید: «هر آنچه دارم که می‌توانستم با آن به تو کمک کنم، هدیه‌ای است وقف شده به خدا،» ۶ دیگر به هیچ وجه موظف نیست به پدرش حرمت گذارد.) با این کار، شما کلام خدا را به خاطر سنت‌هایتان بی‌اعتبار کرده‌اید. ۷ ای ریاکاران، اِسْعِیا در مورد شما خوب پیشگویی کرد که

۲۰:۱۵ *منظور سنت‌ها و احکام شفاهی خارج از نوشته‌های مقدّس است که از علمای یهودی پیشین به جا مانده بود. *در اینجا آب کشیدن دست برای پاک شدن از آلودگی نبود، بلکه به آداب و رسومی در شست‌وشو اشاره دارد که جزو سنت یهودیان بود. ۴:۱۵ *یا: «سخنان اهانت‌آمیز».

فریاد کشیدند. ۲۷ اما عیسی بلافاصله به آنان چنین گفت: «دل و جرأت داشته باشید! منم: مترسید.» ۲۸ پطرس در جواب به او گفت: «سروم، اگر تویی به من فرمان بده تا بر روی آب پیش تو بیایم.» ۲۹ او گفت: «بیا!» پس پطرس از قایق بیرون آمد و به طرف عیسی روی آب راه رفت. ۳۰ اما وقتی توفان را دید، ترسید و سپس در حالی که در آب فرو می‌رفت فریاد زد: «سروم، نجاتم بده!» ۳۱ عیسی فوراً دستش را دراز کرد، او را گرفت و به او گفت: «ای کم‌ایمان، چرا شک به خود راه دادی؟» ۳۲ پس از آن که بر قایق سوار شدند، توفان فرو نشست. ۳۳ آنگاه آنان که در قایق بودند به او تعظیم کردند* و گفتند: «تو حقیقتاً پسر خدایی.» ۳۴ سپس از دریا گذشتند و به ساحل جنیسارت رسیدند.

۳۵ اهالی آنجا وقتی عیسی را شناختند، عده‌ای را به تمام نواحی آن اطراف فرستادند و مردم نیز همه بیماران را نزد او آوردند ۳۶ و از عیسی تقاضا کردند که اجازه دهد فقط حاشیهٔ ردایش را لمس کنند. تمام کسانی که آن را لمس کردند، کاملاً شفا یافتند.

۲۳:۱۴ *به نشانهٔ تکریم و ادای احترام.

از آن دفع می‌شود؟* ۱۸ اما، آنچه از دهان خارج می‌شود، از دل برمی‌خیزد و این هاست که انسان را نجس می‌کند. ۱۹ برای مثال، از دل، افکار شریرانه، قتل، زنا،* اعمال نامشروع جنسی،* دزدی، شهادت دروغ و کفرگویی برمی‌خیزد. ۲۰ این هاست که انسان را نجس می‌کند، نه غذا خوردن با دست‌های آب نکشیده.»*

۲۱ عیسی پس از ترک آنجا به ناحیه صور و صیدون* رفت. ۲۲ زنی اهل فینیقیه* که ساکن آن نواحی بود، آمد و فریاد زنان گفت: «سَروم، پسر داوود، به من رحم کن. دخترم دیورده شده است و شدیداً رنج می‌کشد.» ۲۳ اما عیسی هیچ جوابی به او نداد. پس شاگردانش نزد او آمدند و درخواست کردند: «به او بگو برود، چون به دنبال ما راه افتاده است و مدام فریاد می‌زند.» ۲۴ عیسی پاسخ داد: «من فقط برای گوسفندان گمشده»

۱۷:۱۵ * یا: «و در چالّه فضولات دفع می‌شود». ۱۹:۱۵ * منظور خیانت به همسر است. * حالت جمع واژه یونانی پُرنیا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۲۰:۱۵ * در اینجا آب کشیدن دست برای پاک شدن از آلودگی نبود، بلکه به آداب و رسومی در شست‌وشو اشاره دارد که جزو سنت یهودیان بود. ۲۱:۱۵ * یا: «صیدا». ۲۲:۱۵ * یا: «زنی کنعانی»: ساکنان فینیقیه از نسل کنعانیان بودند.

گفت: ۸ «این مردم با لب‌هایشان به من حرمت می‌گذارند، اما دل‌هایشان از من بسیار دور است. ۹ مرا پرستش می‌کنند، اما پرستش آنان بیهوده است: زیرا احکام بشری را به عنوان تعالیم الهی آموزش می‌دهند.» ۱۰ سپس از مردم خواست که نزدیک بیایند و به ایشان گفت: «گوشت دهید و درک کنید که چه می‌گویم، ۱۱ آنچه به دهان وارد می‌شود انسان را نجس نمی‌کند، بلکه آنچه از دهان خارج می‌شود او را نجس می‌کند.»

۱۲ پس از آن، شاگردان نزد عیسی آمدند و گفتند: «آیا می‌دانی که سخنان تو فَرِیسیان را آزرده؟»* ۱۳ او در جواب گفت: «هر گیاهی که پدر آسمانی من نکاشته باشد، ریشه‌کن خواهد شد. ۱۴ آنان را به حال خود بگذارید. آنان راهنمایانی کور هستند. اگر کوری راهنمای کوری دیگر شود، هر دو در چاه خواهند افتاد.» ۱۵ پطرس به او گفت: «مفهوم مثلی را که پیش از این گفתי برای ما روشن کن.» ۱۶ عیسی پاسخ داد: «آیا شما نیز هنوز درک نمی‌کنید؟ ۱۷ آیا نمی‌دانید که هر چه وارد دهان شود، به معده می‌رود و پس ۱۷:۱۵ * یا: «آیا می‌دانی که فَرِیسیان از سخنان تو لغزش خوردند.»

قوم اسرائیل فرستاده شده‌ام.» ۲۵ اما آن زن پیش عیسی آمد، در مقابل او به زانو افتاد* و گفت: «سَرورم، به من کمک کن!» ۲۶ عیسی به او گفت: «درست نیست که نان از فرزندان گرفته شود و پیش سگ‌های کوچک انداخته شود.» ۲۷ او گفت: «درست است سَرورم. اما سگ‌های کوچک نیز از خرده‌هایی که از سفره صاحبشان می‌افتد، می‌خورند.» ۲۸ آنگاه عیسی گفت: «ای زن، ایمان تو عظیم است؛ خواست تو برآورده شود.» همان دم دخترش شفا یافت.

۲۹ عیسی پس از ترک آنجا، به حوالی دریای جلیل آمد و از کوهی بالا رفت و در آنجا نشست. ۳۰ سپس جمعیتی کثیر نزد او آمدند و همراه خود افرادی لنگ، علیل، نابینا، لال و بسیاری بیماران دیگر را آوردند و پیش پای عیسی نهادند و او آنان را شفا بخشید. ۳۱ مردم وقتی دیدند که افراد لال سخن می‌گویند، معلولان سالم می‌شوند، لنگان راه می‌روند و نابینایان می‌بینند، شگفت‌زده شدند و خدای اسرائیل را تمجید کردند.

۳۲ اما عیسی شاگردانش را نزد خود فراخواند و گفت: «دلم به حال این

جمعیت می‌سوزد؛ زیرا اکنون سه روز است که با من هستند و هیچ چیز برای خوردن ندارند. نمی‌خواهم آنان را گرسنه روانه کنم. ممکن است در راه از حال برونند.» ۳۳ اما شاگردان به او گفتند: «در این منطقه دورافتاده از کجا نان کافی برای سیر کردن چنین جمعیتی تهیه کنیم؟» ۳۴ عیسی پرسید: «چند نان دارید؟» جواب دادند: «هفت نان و چند ماهی کوچک.» ۳۵ پس عیسی فرمان داد که جمعیت روی زمین بنشینند. ۳۶ سپس آن هفت نان و چند ماهی را گرفت و پس از شکرگزاری تکه کرد و به شاگردان داد و شاگردان نیز آن‌ها را به جمعیت دادند. ۳۷ پس همه خوردند و سیر شدند، و وقتی تکه‌های باقی‌مانده را جمع کردند، هفت سبد* بزرگ پر شد. ۳۸ بجز زنان و کودکان، شمار مردانی که غذا خوردند ۴۰۰۰ نفر بود. ۳۹ سرانجام پس از آن که عیسی جمعیت را روانه کرد، سوار بر قایق شد و به ناحیه مَجْدَل رفت.

روزی فَرِیسیان و صَدّوقیان نزد عیسی آمدند تا او را بیازمایند. ۱۶ آنان از او خواستند که از آسمان نشانه‌ای برایشان نمایان سازد. ۲ او در جواب گفت:

«هنگام غروب معمولاً می‌گویید: (هوا خوب خواهد بود؛ چون آسمان سرخ است، ۳ و سحرگاه می‌گویید: (امروز هوا سرد و بارانی خواهد بود؛ چون آسمان سرخ و گرفته است)، شما می‌دانید که چگونه نشانه‌های آسمان را تعبیر کنید، اما نشانه‌های زمان‌ها را نمی‌توانید تعبیر کنید! ۴ نسلی شریر و زناکار* پیوسته در پی نشانه‌ای هستند، اما نشانه‌ای جز نشانهٔ یوئس به ایشان داده نخواهد شد.» سپس آنان را ترک کرد و از آنجا رفت.

۵ شاگردان به آن طرف دریا رفتند و فراموش کردند نان با خود ببرند. ۶ عیسی به آنان گفت: «مراقب باشید و از خمیرمایهٔ فریسیان و صَدّوقیان دوری کنید.» ۷ پس آنان به گفتگو پرداختند و به یکدیگر می‌گفتند: «ما که نانی با خود نیاورده‌ایم.» ۸ عیسی که از بحث آنان آگاه بود، گفت: «ای کم‌ایمانان، چرا دربارهٔ نداشتن نان این طور با یکدیگر بحث می‌کنید؟ ۹ آیا هنوز متوجه نشده‌اید یا آن پنج نان و ۵۰۰۰ نفر* و جمع کردن آن چندین سبد را فراموش کرده‌اید؟ ۱۰ یا آیا آن هفت نان و ۴۰۰۰ نفر* و جمع کردن آن چندین

سبد بزرگ* را از یاد برده‌اید؟ ۱۱ چرا تشخیص نمی‌دهید که در مورد نان با شما صحبت نکردم؟ بلکه گفتم، از خمیرمایهٔ فریسیان و صَدّوقیان دوری کنید.» ۱۲ آنگاه متوجه شدند که گفتهٔ او در مورد دوری کردن از تعالیم فریسیان و صَدّوقیان بود، نه از خمیرمایهٔ نان.

۱۳ هنگامی که عیسی به ناحیهٔ قیصریهٔ فیلیپس رسید، از شاگردانش چنین سؤال کرد: «مردم پسر انسان را چه کسی می‌دانند؟» ۱۴ گفتند: «بعضی می‌گویند، یحیای تعمیددهنده است، بعضی دیگر می‌گویند، ایلّیاست* و بعضی دیگر نیز می‌گویند، اِژمیا یا یکی از پیامبران است.» ۱۵ عیسی گفت: «شما چه می‌گویید؟ شما مرا که می‌دانید؟» ۱۶ شَمْعون پطرس پاسخ داد: «تو مسیح هستی، پسر خدای زنده.» ۱۷ پس عیسی به او گفت: «خوشا به حال تو شَمْعون پسر یونا؛ زیرا نه جسم و خون،* بلکه پدر من که در آسمان است، این را به تو آشکار کرد. ۱۸ همچنین به تو می‌گویم که تو پطرس* هستی و بر این ۱۰:۱۶* یا: «زنبیل». ۱۴:۱۶* یا: «الیاس است». ۱۷:۱۶* یا: «زیرا نه انسان». ۱۸:۱۶* در یونانی به معنی «سنگ» است.

۴:۱۶* یا: «خیانتکار». ۱۰، ۹:۱۶* یا: «مرد».

من برو،* ای شیطان!* تو مانعی^ه در راه من هستی؛ زیرا افکار تو افکار انسان است، نه افکار خدا.»

۲۴ سپس عیسی به شاگردانش گفت: «هرکس که بخواهد پیرو من شود، دیگر نباید برای خود زندگی کند، بلکه باید تیر شکنجه* خود را بر دوش کشد و پیوسته از من پیروی کند؛ ۲۵ زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد، اما هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را خواهد یافت؛ ۲۶ زیرا چه فایده دارد که کسی تمام دنیا را به دست آورد، اما جان خود را از دست بدهد؟ یا انسان در عوض جان خود چه خواهد داد؟ ۲۷ زیرا پسر انسان در جلال پدر خود همراه فرشتگانش خواهد آمد و سپس به هرکس مطابق با رفتارش عوض خواهد داد. ۲۸ به راستی به شما می گویم، بعضی اینجا ایستاده اند که تا آمدن پسر انسان را در پادشاهی اش نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید.»

۱۶: ۲۳ * تحت اللفظی: «پشت سر من برو»؛ واضح است که پطرس نباید مانعی پیش روی عیسی می بود، بلکه باید همچون دیگر پیروان او پشت سر عیسی می رفت و از او پشتیبانی می کرد. * در اینجا به معنی «مخالفت کننده» است. ^ه تحت اللفظی: «سنگ لغزش».

صخره، جماعت* خود را بنا خواهم کرد و قدرت مرگ* بر آن چیره نخواهد شد. ۱۹ من به تو کلیدهای پادشاهی آسمان ها* را خواهم داد و آنچه بر زمین خواهی بست، همان خواهد بود که در آسمان ها بسته شده است و آنچه بر زمین باز خواهی کرد، همان خواهد بود که در آسمان ها باز کرده شده است.» ۲۰ سپس به شاگردان فرمان اکید داد که به کسی نگویند که او مسیح است.

۲۱ از آن پس، عیسی به شاگردانش توضیح داد که باید به اورشلیم برود و به دست ریش سفیدان، سران کاهنان و علمای دین، آزارهای بسیار ببیند، کشته و در روز سوم برخیزانده شود. ۲۲ پس پطرس عیسی را به کناری برد و سرزنش کنان به او گفت: «سرورم، به خود سخت مگیر.* تو ابداً چنین عاقبتی نخواهی داشت.» ۲۳ اما عیسی روی گرداند و به پطرس گفت: «از پیش روی

۱۶: ۱۸، ۲۴ * رجوع به واژه نامه. ۱۸: ۱۸ * یا: «دروازه های گور؛ دروازه های هادیس»؛ هادیس مجازاً به مکانی اشاره دارد که کلیه انسان ها در آن به خاک سپرده می شوند؛ رجوع به واژه نامه. ۱۹: ۱۶ * رجوع به واژه نامه: «پادشاهی خدا». ۱۶: ۲۲ * تحت اللفظی: «با خود مهربان باش».

عیسی شش روز بعد، پطرس، یعقوب و برادر او یوحنا را همراه خود به کوهی بلند و مکانی خلوت برد. ۲ در آنجا ظاهر او در مقابل آنان دگرگون شد؛ صورتش همچون خورشید درخشید و ردایش همچون نور به درخشش درآمد. ۳ ناگاه، موسی و ایلّا* در حالی که با عیسی صحبت می‌کردند، در مقابل ایشان ظاهر شدند. ۴ سپس پطرس به عیسی گفت: «سَروم، چه موهبتی که ما اینجا بیاوریم. اگر بخواهی، در اینجا سه خیمه برپا می‌کنم؛ یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی برای ایلّا». ۵ هنوز صحبت می‌کرد که ناگاه ابری درخشان آنان را در برگرفت و از میان ابر ندایی به گوش رسید که گفت: «این است پسر من، محبوب من که از او خشنودم؛* به او گوش دهید». ۶ شاگردان چون این را شنیدند، بسیار ترسیدند و بر خاک افتاده، روی بر زمین نهادند. ۷ سپس عیسی نزدیک آمد و دست بر آنان گذاشت و گفت: «برخیزید. مرسید». ۸ وقتی شاگردان سر خود را بلند کردند، غیر از عیسی کسی را آنجا ندیدند. ۹ هنگام پایین آمدن از ۱۷: ۲ *یا: «سفید شد». ۱۷: ۳ *یا: «الیاس». ۱۷: ۵ *یا: «خشنود بوده و هستم».

کوه، عیسی به آنان چنین امر کرد: «تا زمانی که پسر انسان از مردگان برخیزانده نشده است، این رؤیا را به هیچ کس مگویید».

۱۰ شاگردان از او پرسیدند: «چرا علمای دین می‌گویند که اول ایلّا باید بیاید؟» ۱۱ عیسی پاسخ داد: «البته، ایلّا می‌آید و همه چیز را دوباره برقرار خواهد ساخت. ۱۲ اما من به شما می‌گویم که ایلّا آمده است و او را نشناختند و با وی هر آنچه خواستند، کردند. پسر انسان نیز همین‌گونه به دست آنان آزار خواهد دید». ۱۳ آنگاه شاگردان دریافتند که با ایشان در مورد یحیای تعمیددهنده صحبت می‌کند.

۱۴ وقتی آنان به طرف جمعیت آمدند، مردی نزد عیسی آمد، مقابلش زانو زد و گفت: «سَروم، به پسرم رحم کن؛ زیرا به صرع مبتلاست و وضع بدی دارد و اغلب در آتش و آب می‌افتد. ۱۶ او را نزد شاگردان تو آوردم، اما نتوانستند شفایش دهند». ۱۷ عیسی در جواب گفت: «ای نسل بی‌ایمان و منحرف، تا به کی با شما باشم؟ تا به کی شما را تحمّل کنم؟ او را اینجا نزد من بیاورید». ۱۸ سپس عیسی به دیوی که در پسر بود

آمدند و گفتند: «آیا استاد شما مالیاتِ دو دره‌می* را نمی‌پردازد؟» ۲۵ او گفت: «البته که می‌پردازد.» اما وقتی به خانه وارد شد، پیش از آن که پطرس چیزی بگوید، عیسی از او پرسید: «شمعون، تو چه فکر می‌کنی؟ پادشاهان زمین از چه کسانی خراج یا مالیات* می‌گیرند؟ از پسران خود یا از غریبه‌ها؟» ۲۶ پطرس گفت: «از غریبه‌ها.» عیسی به او گفت: «پس پسران از پرداخت مالیات معافند.

۲۷ اما برای این که آنان را لغزش ندهیم، به دریا برو، قلاب ماهیگیری را به آب بینداز و نخستین ماهی را که گرفتی دهانش را باز کن، یک سکه نقره* در آن خواهی یافت. آن را بردار و با آن مالیات من و خود را پرداخت کن.»

۱۸ در همان زمان، شاگردان نزد عیسی آمدند و گفتند: «حقیقتاً در پادشاهی آسمان‌ها* چه کسی بزرگ‌ترین است؟» ۲ عیسی کودکی را نزد خود خواند و او را میان جمع آنان

۲۴:۱۷ * یک دره‌م معادل سه چهارم دستمزد روزانه یک کارگر بود. ۲۵:۱۷ * منظور از «مالیات» مالیات سرانه است. ۲۷:۱۷ * تحت‌اللفظی: «سکهٔ اِستاتِر»؛ سکه‌ای بود به ارزش چهار دره‌م. ۱:۱۸ * رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا».

نهیب زد و دیواز او بیرون آمد. همان دم پسر شفا یافت. ۱۹ پس از آن، شاگردان در خلوت نزد عیسی آمدند و گفتند: «چرا ما نتوانستیم دیو را بیرون برانیم؟» ۲۰ او پاسخ داد: «چون ایمانتان کم است؛ زیرا به‌راستی به شما می‌گویم، اگر ایمانی به اندازهٔ یک دانهٔ خردل داشته باشید، به این کوه خواهید گفت: «از اینجا به آنجا منتقل شو، و منتقل خواهد شد و هیچ چیز برای شما غیرممکن نخواهد بود.» ۲۱ —

۲۲ زمانی که عیسی و شاگردانش در جلیل با هم بودند، به آنان گفت: «مقرر شده است که به پسر انسان خیانت شود و به دست مردم بیفتد. ۲۳ او را خواهند کشت و در روز سوم برخیزانده خواهد شد.» شاگردان با شنیدن این سخن بسیار غمگین شدند.

۲۴ پس از آن که عیسی و شاگردانش به کفرناحوم رسیدند، مأمورانی که مالیاتِ معبد* را دریافت می‌کردند، نزد پطرس

۲۱:۱۷ * چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود. ۲۴:۱۷ * تحت‌اللفظی: «مالیاتِ دو دره‌می»؛ منظور مالیاتی است که یهودیان سالانه می‌پرداختند و حدوداً معادل دستمزد دو روز یک کارگر بود.

اگر چشمت باعث لغزش می‌شود، آن را درآور و به دور انداز؛ زیرا برای تو بهتر است با یک چشم به حیات دست یابی تا این که با دو چشم به آتش درّهٔ هِنوم* افکنده شوی. ۱۰ مراقب باشید که یکی از این کوچکان را تحقیر نکنید؛ زیرا به شما می‌گویم، فرشتگان آنان در آسمان همواره روی پدر مرا که در آسمان است، می‌بینند.* ۱۱*

۱۲ «چه فکر می‌کنید؟ اگر شخصی ۱۰۰ گوسفند داشته باشد و یکی از آن‌ها گم شود، آیا ۹۹ گوسفندش را در کوهستان رها نمی‌کند تا در پی آن گمشده برود؟ ۱۳ و اگر آن را بیابد، به‌راستی به شما می‌گویم، او از یافتن آن یک گوسفند بیشتر شاد می‌شود تا از آن ۹۹ گوسفندی که گم نشدند. ۱۴ پدر من* که در آسمان است نیز نمی‌خواهد حتی یکی از این کوچکان از دست برود.

۱۵ «همچنین اگر برادرت گناهی کند، برو و بین خودت و او، خصوصی

قرار داد ۳ و گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم، تا خود را تغییر ندهید* و مثل کودکان نشوید، به هیچ وجه وارد پادشاهی آسمان‌ها نخواهید شد. ۴ از این رو، هرکس که خود را همچون این کودک، فروتن سازد، همان در پادشاهی آسمان‌ها بزرگ‌ترین است ۵ و هرکه چنین کودکی را به نام من بپذیرد، مرا نیز پذیرفته است. ۶ اما هرکه یکی از این کوچکان را که به من ایمان آورده است لغزش دهد، بهتر آن است که سنگ آسیابی* به گردنش بسته شود و به اعماق دریا فرو رود.

۷ «وای بر دنیا به دلیل سنگ‌های لغزش* آن! البته از سنگ‌های لغزش گریزی نیست، اما وای بر کسی که سنگ لغزش در راه دیگران قرار دهد! ۸ پس، اگر دست یا پایت باعث لغزش می‌شود، آن را قطع کن و به دور انداز؛ زیرا برای تو بهتر است علیل یا لنگ به حیات* دست یابی تا این که با دو دست یا دو پا به آتش ابدی* افکنده شوی. ۹ همچنین

۳:۱۸* تحت‌اللفظی: «تا برگشت نکنید». ۶:۱۸* یا: «سنگ آسیابی، همچون آن سنگ‌هایی که الاغان می‌گردانند». ۷:۱۸* منظور از «سنگ لغزش» موانعی است که ایمان را سست می‌کند. ۸:۱۸* منظور زندگی ابدی است. *منظور نابودی ابدی است.

۹:۱۸* رجوع به واژه‌نامه. ۱۰:۱۸* یا: «همواره در پیشگاه پدر من که در آسمان است، حاضرند». ۱۱:۱۸* چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود. ۱۴:۱۸* یا احتمالاً: «شما».

را که در حق من گناه می‌کند، ببخشم؟ تا هفت بار؟» ۲۲ عیسی گفت: «به تو می‌گویم، نه تا هفت بار، بلکه تا ۷۷ بار.*» ۲۳ «پس پادشاهی آسمان‌ها را می‌توان به پادشاهی تشبیه کرد که تصمیم گرفت به حساب هر یک از خادمانش رسیدگی کند. ۲۴ وقتی شروع به حسابرسی کرد، مردی را نزد او آوردند که ۱۰,۰۰۰ قِنطار* به او بدهکار بود. ۲۵ اما چون توانایی پرداخت آن را نداشت، اربابش دستور داد که او را به همراه زن، فرزندان و تمام اموالش بفروشند و طلب را وصول کنند. ۲۶ پس، خادم نزد او به خاک افتاد* و چنین التماس کرد: «به من مهلت بده و من تمام آن را به تو پس خواهم داد.» ۲۷ ارباب دلش به حال او سوخت، آزادش کرد و قرضش را بخشید. ۲۸ اما، آن خادم بیرون رفت و یکی از همکارانش را که ۱۰۰ دینار* به او بدهکار بود، یافت و او را گرفت و در حالی که گل‌ویش را می‌فشرد، گفت: «تمامی بدهی خود را بده!» ۲۹ همکارش نزد او به خاک

۱۸:۲۲* یا: «هفتاد بار هفت بار». ۱۸:۲۴* ده‌هزار قِنطار نقره معادل ۶۰ میلیون دینار بود. ۱۸:۲۶* یا: «تعظیم کرد». ۱۸:۲۸* یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود؛ رجوع به واژه‌نامه.

خطایش را به او آشکار کن.* اگر به تو گوش کند، برادرت را باز یافته‌ای.* ۱۶ اما اگر به تو گوش نکند، یک یا دو نفر دیگر را با خود ببر تا به گواهی* دو یا سه شاهد، درستی هر گفته‌ای اثبات شود. ۱۷ اگر به آنان گوش نداد، موضوع را با جماعت در میان بگذار. اگر حتی به جماعت نیز گوش نداد، برای تو همچون شخصی از اقوام دیگر* و خراجگیر باشد.

۱۸ «به‌راستی به شما می‌گویم، آنچه بر زمین خواهید بست، همان خواهد بود که در آسمان بسته شده است و آنچه بر زمین باز خواهید کرد، همان خواهد بود که در آسمان باز کرده شده است. ۱۹ بار دیگر به شما می‌گویم، اگر دو نفر از شما روی زمین، برای درخواست هر امر مهمی یکدل باشند، پدر آسمانی من آن را اجابت خواهد کرد؛ ۲۰ زیرا هر جا که دو یا سه نفر به نام من گرد هم آیند، من آنجا در میان آنان هستم.»

۲۱ سِپس پطرس نزد عیسی آمد و گفت: «سرورم، چند بار باید برادری

۱۸:۱۵* تحت‌اللفظی: «خصوصی او را توبیخ کن». * یا: «برادرت را به راه درست بازگردانده‌ای». ۱۸:۱۶* تحت‌اللفظی: «دهان». ۱۸:۱۷* یا: «بیگانه».

۳ فریسیان برای این که عیسی را بیازمایند، نزد او آمدند و پرسیدند: «آیا جایز است که مرد، به هر دلیلی زن خود را طلاق دهد؟» ۴ در جواب گفت: «آیا نخوانده‌اید، او که آنان را بیافرید، آنان را از ابتدا مرد و زن آفرید؟ ۵ و نخوانده‌اید که او گفت: «به همین دلیل مرد، پدر و مادر خود را ترک می‌کند و به زن خود می‌پیوندد* و آن دو یک تن* خواهند شد، ۶ به گونه‌ای که دیگر دو تن نیستند، بلکه یک تن هستند؟ از این رو، آنچه خدا پیوست،* هیچ انسانی جدا نسازد.» ۷ به او گفتند: «پس چرا موسی حکم کرد که مرد طلاق‌نامه‌ای به زن خود بدهد و او را طلاق دهد؟» ۸ عیسی پاسخ داد: «موسی به دلیل سختدلی* شما اجازه داد که زنان را طلاق دهید، اما در ابتدا چنین نبود. ۹ من به شما می‌گویم، هر کس زن خود را به دلیلی غیر از عمل نامشروع جنسی* طلاق دهد و با

۵:۱۹ * در اینجا واژه‌ای یونانی به کار رفته است که به معنی «محکم چسبیدن» است؛ مانند دو چیز که با چسب به هم چسبانده باشند. * تحت‌اللفظی: «یک جسم، یک گوشت». ۶:۱۹ * تحت‌اللفظی: «به یک یوغ بست». ۸:۱۹ * یا: «سرسختی». ۹:۱۹ * به یونانی پُرئیا؛ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

افتاد و چنین التماس کرد: «به من مهلت بده و من آن را به تو پس خواهم داد.» ۳۰ اما او نپذیرفت، بلکه رفت و دستور داد وی را به زندان ببندازند تا زمانی که بدهی خود را بپردازد. ۳۱ وقتی همکاران دیگرش دیدند که چه اتفاقی افتاد، بسیار ناراحت شدند و نزد ارباب خود رفتند و تمام ماجرا را برای او تعریف کردند. ۳۲ پس اربابش او را فراخواند و گفت: «ای خادم شریر! چون به من التماس کردی، من تمام قرضت را به تو بخشیدم. ۳۳ آیا تو نیز نمی‌بایست به همکاران رحم می‌کردی، همان طور که من به تو رحم کردم؟» ۳۴ اربابش به خشم آمد و او را به زندانبان‌ها سپرد تا زمانی که تمامی بدهی خود را بپردازد. ۳۵ پدر آسمانی من نیز همین طور با شما رفتار خواهد کرد، اگر هر یک از شما برادر خود را از دل نبخشد.»

۱۹ هنگامی که عیسی این سخنان را به پایان رساند، جلیل را ترک کرد و از رود اردن عبور نمود و به مرزهای یهودیه رفت. ۲ جمعیتی کثیر نیز به دنبال عیسی رفتند و او در آنجا بیماران آنان را شفا بخشید.

زنی دیگر ازدواج کند، مرتکب زنا شده است.»

۱۰ شاگردان عیسی به او گفتند: «اگر مرد باید با زنش چنین باشد، پس ازدواج نکردن بهتر است.» ۱۱ به آنان گفت: «همه نمی‌توانند این گفته را بپذیرند، بلکه فقط کسانی می‌توانند که این موهبت را دارند. ۱۲ زیرا بعضی خواجه متولد شده و بعضی دیگر به دست انسان عقیم شده‌اند و برخی نیز به خاطر پادشاهی آسمان‌ها* ازدواج نمی‌کنند.* بگذار آن که می‌تواند این راه را در پیش گیرد، چنین کند.»

۱۳ سپس مردم کودکان را نزد او آوردند تا دست بر آنان بگذارد* و برایشان دعا کند، اما شاگردان، مردم را سرزنش کردند. ۱۴ عیسی گفت: «بگذارید کودکان پیش من بیایند، مانعشان مشوید؛ زیرا پادشاهی آسمان‌ها از آن کسانی است که همچون این کودکان باشند.» ۱۵ او دست بر آنان گذاشت* و سپس آنجا را ترک کرد. ۱۶ در همان روزها، شخصی نزد عیسی آمد و گفت: «استاد، چه عمل نیکویی

انجام دهم تا زندگی جاودان یابم؟» ۱۷ عیسی گفت: «چرا از من درباره نیکویی می‌پرسی؟ تنها یکی هست که نیکوست. اگر می‌خواهی به زندگی دست یابی، پیوسته احکام را حفظ کن.» ۱۸ او به عیسی گفت: «کدام احکام را؟» عیسی پاسخ داد: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، ۱۹ به پدر و مادرت حرمت گذار و همسایه‌ات* را همچون خویشتن دوست بدار.»* ۲۰ آن مرد جوان گفت: «من همه این‌ها را حفظ کرده‌ام؛ چه کار دیگری باید انجام دهم؟» ۲۱ عیسی پاسخ داد: «اگر می‌خواهی کامل شوی، برو و تمام دارایی خود را بفروش و به فقیران بده، آنگاه در آسمان گنج خواهی داشت. سپس، بیا و از من پیروی کن.» ۲۲ وقتی مرد جوان این سخن را شنید، غمگین شد و رفت؛ زیرا دارایی بسیاری داشت. ۲۳ آنگاه عیسی به شاگردانش گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم، برای شخص ثروتمند بسیار دشوار است که به پادشاهی آسمان‌ها راه یابد. ۲۴ بار دیگر به شما می‌گویم،

۱۹:۱۹ * «همسایه» ترجمه واژه‌ای یونانی است که به مفهوم هم‌نوع نیز می‌باشد. * یا: «محبت کن».

۱۲:۱۹ * رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا». * تحت‌اللفظی: «خود را عقیم می‌کنند». ۱۳:۱۹ * یا: «تا آنان را برکت دهد». ۱۵:۱۹ * یا: «آنان را برکت داد».

۲۰ «زیرا پادشاهی آسمانها*
همچون مالکی است که صبح

زود بیرون رفت تا برای کار در تاجیکستان
خود کارگرانی استخدام کند. ۲ او با
کارگران توافق کرد تا روزانه یک دینار*
به آنان بپردازد. سپس آنان را به تاجیکستان
خود فرستاد. ۳ حدود ساعت سوم روز*
نیز بیرون رفت و عده دیگری را دید که
بیکار در بازار ایستاده‌اند. ۴ به آنان گفت:

«شما نیز به تاجیکستان بروید و دستمزدی
که حقتان است به شما خواهیم داد.»
۵ پس آن عده نیز رفتند. او در ساعت
ششم* و نهم روز* بار دیگر بیرون رفت
و همین کار را کرد. ۶ در آخر، وقتی
حدود ساعت یازدهم روز* بیرون رفت،
عده دیگری را ایستاده دید. پرسید:
(چرا اینجا تمام روز را بیکار ایستاده‌اید؟)
۷ پاسخ دادند: «زیرا کسی ما را استخدام
نکرده است.» به آنان گفت: «شما نیز به
تاجیکستان بروید.»

۸ «هنگام غروب، صاحب تاجیکستان

۱:۲۰* رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا». ۲:۲۰

* سکه‌ای رومی از جنس نقره با وزن ۳/۸۵ گرم

که معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود. ۳:۲۰

* حدود ساعت ۹ صبح. ۵:۲۰* حدود ساعت ۱۲

ظهر. * حدود ساعت ۳ بعدازظهر. ۶:۲۰* حدود

ساعت ۵ بعدازظهر.

گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر است
از راه یافتن شخص ثروتمند به پادشاهی
خدا.»

۲۵ شاگردان با شنیدن این سخن با
تعجب بسیار پرسیدند: «پس واقعاً چه
کسی می‌تواند نجات یابد؟» ۲۶ عیسی
که به آنان چشم دوخته بود، گفت:
«برای انسان غیرممکن است، اما برای
خدا همه چیز ممکن است.»

۲۷ پطرس در مقابل به او گفت: «ما
همه چیز را رها کرده‌ایم و از تو پیروی
می‌کنیم؛ پس چه چیز عاید ما خواهد
شد؟» ۲۸ عیسی به آنان گفت: «به‌راستی
به شما می‌گویم، در بازآفرینی،* هنگامی
که پسر انسان بر تخت پرچلال خود
بنشیند، شما که مرا پیروی کرده‌اید، بر ۱۲
تخت خواهید نشست و ۱۲ طایفه اسرائیل
را داوری خواهید کرد. ۲۹ همچنین هر
که خانه‌ها یا برادران یا خواهران یا پدر
یا مادر یا فرزندان یا املاک خود را به
خاطر نام من ترک کرده است، ۱۰۰ برابر
خواهد یافت و زندگی جاودان را به میراث
خواهد برد.»

۳۰ «اما بسیاری که اولند، آخر خواهند
بود و آنانی که آخرند، اول.»

۲۸:۱۹* یا: «در نو ساختن همه چیز.»

۱۷ عیسی در راه اورشلیم، ۱۲ شاگردش را به کنار راه برد و خصوصی به آنان گفت: ۱۸ «گوش کنید! حال به اورشلیم می‌رویم و در آنجا پسر انسان به سران کاهنان و علمای دین سپرده خواهد شد. آنان او را به مرگ محکوم خواهند کرد ۱۹ و او را به دست غیریهودیان تحویل خواهند داد تا مسخره‌اش کنند، شلاقش بزنند و بر تیر اعدامش کنند. سپس در روز سوم برخیزانده خواهد شد.»

۲۰ آنگاه مادر پسران زبیدی با پسرانش نزد او آمد، مقابلش زانو زد* تا از او درخواستی کند. ۲۱ عیسی پرسید: «چه درخواستی داری؟» پاسخ داد: «بگو تا در پادشاهی تو، این دو پسر من یکی به دست راست و دیگری به دست چپ تو بنشینند.» ۲۲ عیسی جواب داد: «شما نمی‌دانید چه می‌خواهید. آیا می‌توانید از جامی* که من به‌زودی خواهم نوشید، بنوشید؟» گفتند: «می‌توانیم.» ۲۳ عیسی به آنان گفت: «شما البته از جام من خواهید نوشید، اما من اختیار ندارم که تعیین کنم چه کسی به دست راست و چه کسی

به مباشر خود گفت: «کارگران را فراخوان. از آخرین‌ها شروع کن تا به اولین‌ها و مزدشان را بده.» ۹ کارگران ساعت یازدهم آمدند و هر کدام یک دینار* گرفتند. ۱۰ پس هنگامی که اولین‌ها آمدند، تصوّر کردند که مزد بیشتری خواهند گرفت، اما آنان نیز یک دینار* مزد گرفتند. ۱۱ آنان پس از دریافت مزدشان، شروع به گله و شکایت از مالک کردند. ۱۲ گفتند: «این‌ها که آخر آمدند، یک ساعت کار کردند، با این حال ایشان را با ما که تمام روز در گرمای سوزان سخت کار کردیم، برابر قرار دادی!» ۱۳ او در جواب به یکی از آنان گفت: «رفیق، من حق تو را پایمال نکردم. مگر خودت با من موافقت نکرده بودی که یک دینار* دستمزد بگیری؟ ۱۴ مزدت را بردار و برو. من می‌خواهم همان قدر به این آخرین بدهم که به تو دادم. ۱۵ آیا من حق ندارم با دارایی خود هر چه می‌خواهم بکنم؟ یا چشم بدخواه* تو نمی‌تواند خوبی* مرا ببیند؟» ۱۶ به این ترتیب، آخرین‌ها اولین خواهند بود و اولین‌ها آخرین.»

۲۰:۲۰ * یا: «تعظیم کرد»؛ به نشانهٔ تکریم و ادای احترام. ۲۲:۲۰ * «جام» در اینجا مظهر خواست خداست: این که او اجازه دهد عیسی به‌دروغ به کفرگویی متهم شده، کشته شود.

۹:۲۰، ۱۰، ۱۳ * سکه‌ای رومی از جنس نقره با وزن ۳/۸۵ گرم که معادل دستمزد روزانهٔ یک کارگر بود. ۱۵:۲۰ * یا: «پر از حسد؛ شریر.» * یا: «سخاوت».

آنان بلندتر و بلندتر فریاد می‌زدند: «ای سرور، ای پسر داوود، بر ما رحم کن!»
 ۲۲ عیسی ایستاد، آن دو مرد را صدا کرد و گفت: «می‌خواهید برای شما چه کنم؟»
 ۲۳ گفتند: «ای سرور، می‌خواهیم چشمانمان باز شود.» ۲۴ عیسی دلش به حالشان سوخت، چشمان آنان را لمس کرد و همان دم، بینایی خود را بازیافتند و به دنبال او رفتند.

۲۱

وقتی به اورشلیم نزدیک شدند و به بیت‌فاجی واقع در دامنه کوه زیتون رسیدند، عیسی دو نفر از شاگردان خود را فرستاد ۲ و به آنان گفت: «به روستایی که در مقابل شماست، بروید. به محض ورودتان، ماده الاغی را با کره‌ای که با آن است، بسته خواهید یافت. آن‌ها را باز کنید و پیش من بیاورید. ۳ اگر کسی به شما چیزی بگوید، به او بگویید: (سرور این‌ها را نیاز دارد.) آنگاه او فوراً آن‌ها را به شما خواهد سپرد.»

۴ این امر واقع شد تا آنچه از طریق نبی پیشگویی شده بود، به تحقق رسد که گفته بود: ۵ «به دختر صهیون* بگویید: (بنگر! پادشاه تو با خویی ملایم سوار بر

۵:۲۱ * «دختر صهیون» منظور یا شهر اورشلیم است که برکوه صهیون واقع شده بود یا اهالی آن شهر.

به دست چپ من بنشیند، بلکه این جایگاه از آن کسانی است که پدرم برای آنان آماده کرده است.»

۲۴ هنگامی که ده شاگرد دیگر از این امر آگاهی یافتند، از آن دو برادر خشمگین شدند. ۲۵ اما عیسی ایشان را نزد خود خواند و گفت: «شما می‌دانید که فرمانروایان قوم‌ها بر ایشان سروری می‌کنند و بزرگانشان بر آنان فرمان می‌رانند. ۲۶ در میان شما چنین نباشد، بلکه هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ گردد، باید خدمت‌گزاران باشد ۲۷ و هر که می‌خواهد در میان شما اول باشد، باید غلامتان باشد. ۲۸ به همین گونه، پسر انسان نیامد تا به او خدمت شود، بلکه آمد تا خدمت کند و جان خود را همچون بهای رهایی* در عوض بسیاری بدهد.»
 ۲۹ هنگامی که آنان اریحا را ترک می‌کردند، گروهی کثیر به دنبال او رفتند. ۳۰ دو مرد نابینا که کنار راه نشسته بودند، وقتی شنیدند عیسی از آنجا عبور می‌کند، فریاد زدند: «ای سرور، ای پسر داوود، بر ما رحم کن!» ۳۱ جمعیت سرزنش‌کنان به ایشان می‌گفتند که ساکت شوند، اما ۲۸:۲۰ * یا: «فدیه»: رجوع به واژه‌نامه: «بهای رهایی».

ساخت. ۱۳ عیسی به آنان گفت: «نوشته شده است: (خانه من خانه دعا خوانده خواهد شد)، اما شما آن را غار راهزنان می‌کنید!» ۱۴ در همان حال، افراد نابینا و لنگ در معبد نزد عیسی آمدند و او آنان را شفا بخشید.

۱۵ سران کاهنان و علمای دین با دیدن اعمال خارق‌العاده عیسی و همچنین دیدن پسرانی که در معبد فریاد می‌زدند: «رستگار فرما پسر داوود را!» برآشفته شدند ۱۶ و به او گفتند: «می‌شنوی که اینان چه می‌گویند؟» عیسی گفت: «بله. آیا هرگز این را نخوانده‌اید که (از دهان کودکان و خردسالان حمد و ستایش برآورده‌ای؟)» ۱۷ آنگاه عیسی آنان را ترک کرد، از شهر بیرون رفت و عازم بیت‌عنیا شد. او شب را در آنجا گذراند. ۱۸ بامدادان هنگامی که عیسی به شهر بازمی‌گشت، گرسنه شد. ۱۹ در کنار راه چشمش به درخت انجیری افتاد و به طرف آن رفت، اما جز برگ چیزی بر آن نیافت؛ پس به آن گفت: «دیگر تا ابد هیچ ثمری نخواهی آورد!» درخت انجیر فوراً خشک شد. ۲۰ وقتی شاگردان این را دیدند، شگفت‌زده شدند و گفتند: «چطور این درخت انجیر

الاهی نذرت می‌آید. آری، سوار بر کره‌ای که از حیوانی بارکش زاییده شده است.» ۶ پس آن دو شاگرد رفتند و دقیقاً طبق فرمان عیسی عمل کردند. ۷ آنان الاغ و کره‌اش را آوردند و شاگردان ردهایشان را بر پشت آن‌ها انداختند و او سوار شد. ۸ در حالی که گروهی کثیر از مردم ردهایشان را بر سر راه پهن می‌کردند، عده‌ای دیگر نیز شاخه‌های درختان را می‌بریدند و در راه می‌گستردند. ۹ همچنین جمعیتی که در پیش او می‌رفتند و آنانی که او را دنبال می‌کردند، فریاد می‌زدند: «رستگار فرما* پسر داوود را! مبارک باد آن که به نام یهوه* می‌آید! تو که در عرش برینی، رستگارش فرما!» ۱۰ هنگام ورود عیسی به اورشلیم، شور و هیجان در تمام شهر موج می‌زد. مردم شهر می‌پرسیدند: «این کیست؟» ۱۱ آن جمعیت می‌گفتند: «این عیسی است از ناصره جلیل، آن پیامبر موعود!» ۱۲ آنگاه عیسی وارد محوطه معبد شد و همه کسانی را که در معبد خرید و فروش می‌کردند، بیرون کرد و میزهای صرافان و بساط کبوترفروشان را واژگون کرد. ۲۱ * تحت اللفظی: «هوشیانا». * رجوع به واژه‌نامه.

باید ترسید، چون همه یحیی را پیامبر می‌دانند.» ۲۷ پس در پاسخ به عیسی گفتند: «نمی‌دانیم.» عیسی نیز گفت: «من هم به شما نمی‌گویم به چه حقی این کارها را می‌کنم.

۲۸ «چه فکر می‌کنید؟ مردی دو فرزند داشت. نزد اولی رفت و گفت: «فرزند، امروز برو و در تاکستان کار کن.» ۲۹ او چنین پاسخ داد: «نمی‌روم.» اما بعد پشیمان شد و به تاکستان رفت. ۳۰ نزد فرزند دوم رفت و به او نیز همان را گفت. او در پاسخ گفت: «می‌روم آقا،» اما نرفت. ۳۱ حال به نظر شما، کدام یک از این دو فرزند به خواست پدرش عمل کرد؟» گفتند: «اولی.» عیسی گفت: «به راستی به شما می‌گویم که خراجگیران و روسپیان، پیش از شما وارد پادشاهی خدا می‌شوند؛ ۳۲ زیرا یحیی نزد شما آمد و طریق درستکاری* را نشان داد، با این حال به او ایمان نیاوردید. اما خراجگیران و روسپیان به او ایمان آوردند و شما حتی با دیدن این، باز هم پشیمان نشدید و به او ایمان نیاوردید.

۳۳ «به یک مَثَل دیگر گوش دهید. مالکی در زمین خود درختان انگور کاشت

فوراً خشک شد؟» ۲۱ عیسی در جواب گفت: «به راستی به شما می‌گویم، اگر ایمان داشته باشید و شک نکنید، نه تنها می‌توانید آنچه با این درخت انجیر کردم، انجام دهید، بلکه حتی اگر به این کوه بگویید: «از جای خود کنده و به دریا افکنده شو، چنین خواهد شد. ۲۲ همچنین هر آنچه در دعا درخواست کنید، اگر ایمان داشته باشید، دریافت خواهید کرد.»

۲۳ سپس عیسی به معبد رفت و در حالی که تعلیم می‌داد، سران کاهنان و ریش سفیدان قوم نزدش آمدند و گفتند: «به چه حقی این کارها را می‌کنی؟ چه کسی این حق را به تو داده است؟» ۲۴ عیسی در جواب گفت: «من نیز از شما سؤالی دارم. اگر آن را به من بگویید، آنگاه من هم به شما می‌گویم به چه حقی این کارها را می‌کنم. ۲۵ تعمیدی که یحیی می‌داد از کجا بود؟ از خدا* یا از انسان؟» آنان به گفتگو پرداختند و چنین استدلال کردند: «اگر بگوییم: «از خدا بود، او به ما خواهد گفت: «پس چرا به او ایمان نیاوردید؟» ۲۶ اما اگر بگوییم: «از انسان بود، از عکس العمل این مردم

موسم برداشت، سهم میوه‌اش را به او بدهند.»

۴۲ عیسی به آنان گفت: «آیا هرگز در نوشته‌های مقدّس نخوانده‌اید: (آن سنگی که بنّایان رد کردند، همان سنگ سرّ زاویه* شده است. این سنگ از جانب یَهُوه* آمد و در چشم ما شگفت‌آور است؟) ۴۳ از این رو به شما می‌گویم، پادشاهی خدا از شما گرفته خواهد شد و به قومی که میوه‌اش را بیاورد، داده خواهد شد. ۴۴ هرکس که روی این سنگ بیفتد، در هم خواهد شکست. همچنین این سنگ روی هر که بیفتد، او را خرد خواهد کرد.»

۴۵ وقتی سران کاهنان و فریسیان مثل‌های عیسی را شنیدند، متوجه شدند که در مورد آنان سخن می‌گوید. ۴۶ پس خواستند او را بگیرند،* اما از مردم ترسیدند؛ زیرا مردم او را پیامبر می‌دانستند. ۲۲ عیسی بار دیگر از مثل‌هایی استفاده کرده، به آنان گفت:

۲ «پادشاهی آسمان‌ها* را می‌توان به پادشاهی تشبیه کرد که برای پسر خود جشن عروسی برپا کرد. ۳ او خادمانش را

۴۲:۲۱ * این سنگ برای استحکام بنا، در بالای محل اتصال دو دیوار قرار داده می‌شد. * رجوع به واژه‌نامه. ۴۶:۲۱ * یا: «دستگیر کنند». ۲:۲۲ * رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا».

و اطراف آن را حصار کشید، چَرخُشتی* در آن کند و برجی در آن ساخت. سپس تاکستانش را به باغبانان اجاره داد و خود به سفری دور رفت. ۳۴ وقتی موسم برداشت فرارسید، مالک غلامانش را نزد باغبانان فرستاد تا سهم میوه‌اش را بگیرند. ۳۵ اما باغبانان غلامانش را گرفتند، یکی را زدند، دیگری را کشتند و سومی را سنگسار کردند. ۳۶ بار دیگر تعداد بیشتری از غلامان خود را فرستاد، اما با آنان نیز چنین کردند. ۳۷ در آخر پسر خود را نزدشان فرستاد و پیش خود گفت: «حرمت پسر مرا حفظ خواهند کرد.» ۳۸ باغبانان با دیدن آن پسر به یکدیگر گفتند: «این وارث است، بیایید او را بکشیم و ارثیه‌اش را تصاحب کنیم!» ۳۹ پس او را گرفتند، از تاکستان بیرون انداختند و کشتند. ۴۰ با این وصف، وقتی مالک تاکستان بیاید، با آن باغبانان چه خواهد کرد؟» ۴۱ سران کاهنان و ریش‌سفیدان پاسخ دادند: «او آنان را به دلیل شرارتشان به نحوی هولناک* نابود خواهد کرد و تاکستان را به باغبانان دیگر اجاره خواهد داد؛ باغبانانی که در

۳۳:۲۱ * حوضی که در آن انگور می‌ریزند و با فشردن انگورها آب آن را می‌گیرند. ۴۱:۲۱ * یا: «شریرانه».

فرستاد تا دعوت‌شدگان را به جشن عروسی فراخوانند، اما دعوت‌شدگان نخواستند بیایند. ۴ او باز هم خادمان دیگری فرستاد و گفت: «به دعوت‌شدگان بگویید: «من غذا را آماده و گاوها و حیوانات فربه خود را نیز ذبح کرده‌ام، همه چیز مهیاست. به جشن عروسی بیایید.»» ۵ اما آنان با بی‌اعتنایی، یکی پی مزرعه خود رفت، دیگری پی تجارتش ۶ و بقیه نیز خادمان پادشاه را گرفتند، دشنام و آزارشان دادند و کشتند.

۷ «پس پادشاه خشمگین شد. او سپاهیان خود را فرستاد، آن قاتلان را هلاک کرد و شهرشان را به آتش کشید. ۸ سپس به خادمانش گفت: «جشن عروسی آماده است، اما آن دعوت‌شدگان لایق نبودند. ۹ پس به راه‌هایی که به خارج شهر منتهی می‌شود، بروید و هرکه را یافتید به جشن عروسی دعوت کنید.» ۱۰ خادمان نیز بر سر راه‌ها رفتند و هرکه را یافتند، چه شریر و چه نیکو جمع کردند. به این ترتیب، تالار عروسی از مهمانان* پر شد.

۱۱ «هنگامی که پادشاه برای دیدن مهمانان وارد شد، چشمش به مردی افتاد

۲۲:۱۰ * یا: «آنانی که بر سر سفره نشسته بودند».

که جامه جشن عروسی، بر تن نداشت. ۱۲ به آن مرد گفت: «ای رفیق، چطور بدون پوشیدن جامه جشن عروسی به اینجا داخل شدی؟» آن مرد جوابی نداشت بدهد. ۱۳ سپس پادشاه به خدمتگزاران خود گفت: «دست و پای او را ببندید و او را بیرون در تاریکی بیندازید؛ جایی که در آن‌گريه خواهد کرد و دندان بر هم خواهد سایید.»

۱۴ «زیرا دعوت‌شدگان بسیارند، اما برگزیدگان کم.»

۱۵ سپس فریسیان رفتند و با یکدیگر توطئه چیدند که چطور عیسی را با سخنان خودش به دام بیندازند. ۱۶ پس شاگردان خود را به همراه هواداران حزب هیرودیس نزد او فرستادند. آنان به عیسی گفتند: «استاد، می‌دانیم که راست‌گوستی و طریق خدا را به‌درستی تعلیم می‌دهی و در پی جلب رضای انسان نیستی؛ زیرا به ظاهر انسان‌ها نگاه نمی‌کنی. ۱۷ پس به ما بگو نظر تو چیست؟ آیا دادن مالیات* به قیصر جایز* است یا نه؟» ۱۸ عیسی با آگاهی از شرارتشان گفت: «ای ریاکاران،

۲۲:۱۷ * منظور از «مالیات» مالیات سرانه است.

* یا: «درست».

۲۹ عیسی در جواب به ایشان گفت: «شما در اشتباهید؛ شما نه از نوشته‌های مقدّس شناختی دارید، نه از قدرت خدا؛ ۳۰ زیرا به هنگام رستاخیز نه مردان ازدواج می‌کنند، نه زنان، بلکه آنان همچون فرشتگان آسمان خواهند بود. ۳۱ در خصوص رستاخیز مردگان، آیا آنچه را خدا به شما گفته است، نخوانده‌اید؟ او گفت: ۳۲ «من خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب هستم.» او نه خدای مردگان، بلکه خدای زندگان است. ۳۳ مردم با شنیدن این سخنان، از تعلیم او شگفت‌زده شدند.

۳۴ وقتی فریسیان شنیدند که عیسی صدّوقیان را خاموش ساخته است، با هم نزد او آمدند. ۳۵ یکی از آنان که در شریعت خبره بود، برای آزمودن او پرسید: ۳۶ «استاد، بزرگ‌ترین حکم در شریعت کدام است؟» ۳۷ عیسی به او گفت: «يَهْوَه* خدای خود را با تمامی دل، تمامی جان و تمامی ذهن خود دوست بدار.» ۳۸ این بزرگ‌ترین و نخستین حکم است. ۳۹ حکم دوم مانند حکم اول است، این که «همسایه‌ات* را همچون

۲۲:۲۷* رجوع به واژه‌نامه. *یا: «محبت کن».

۲۲:۲۹* «همسایه» ترجمهٔ واژه‌ای یونانی است که به مفهوم ممنوع نیز می‌باشد.

چرا مرا می‌آزمایید؟ ۱۹ سکه‌ای را که با آن مالیات خود را می‌پردازید، به من نشان دهید.» آنان برایش سکه‌ای یک‌دیناری* آوردند. ۲۰ عیسی از آنان پرسید: «تصویر و عنوان چه کسی بر این سکه است؟» ۲۱ گفتند: «قیصر.» سپس به ایشان گفت: «پس مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا.» ۲۲ آنان با شنیدن این سخن حیرت کردند. سپس او را ترک نمودند و رفتند. ۲۳ در همان روز، صدّوقیان که منکر رستاخیزند، نزد او آمدند و پرسیدند: ۲۴ «استاد، موسی گفت: (اگر مردی بدون فرزند بمیرد، برادرش باید با زن او ازدواج کند تا نسلی برای برادر خود به جا گذارد.) ۲۵ در میان ما هفت برادر بودند، اولی ازدواج کرد و مُرد و چون فرزند نداشت، برادرش با زن او ازدواج کرد. ۲۶ برای برادر دوم نیز همین اتفاق افتاد، همچنین برای برادر سوم تا هفتم. ۲۷ در آخر، آن زن نیز مُرد. ۲۸ با این وصف، به هنگام رستاخیز، آن زن، همسر کدام یک از آن هفت برادر خواهد بود؟ زیرا همهٔ آنان با او ازدواج کرده بودند.»

۲۲:۱۹* یک دینار معادل دستمزد روزانهٔ یک کارگر بود؛ رجوع به واژه‌نامه.

می‌گویند، اما خود به آن عمل نمی‌کنند،
 ۴ بارهای سنگین را می‌بندند و بر دوش
 مردم می‌گذارند، اما خود حاضر نیستند،
 برای حرکت دادن آن حتی انگشتی تکان
 دهند. ۵ هر کاری که می‌کنند برای این
 است که توجه مردم را به خود جلب
 کنند؛ آیه‌دان‌های* خود را بزرگ‌تر و
 حاشیهٔ ردهای خود را پهن‌تر می‌کنند.
 ۶ آنان دوست دارند در مهمانی‌ها در صدر
 مجلس بنشینند، در کنیسه‌ها جلوتر از
 همه جا داشته باشند،* ۷ در بازارها مردم
 به آنان سلام گویند و «رَبِّی،*» خطابشان
 کنند. ۸ اما شما (رَبِّی،) خوانده شوید؛
 زیرا تنها یک استاد دارید و همهٔ شما
 برادرید. ۹ به علاوه هیچ کس را بر زمین
 (پدر،)* خود مخوانید؛ زیرا تنها یک پدر
 دارید که در آسمان است. ۱۰ همچنین
 (پیشوا،) خوانده شوید؛ زیرا تنها یک
 پیشوا دارید که همان مسیح است.
 ۱۱ در واقع بزرگ‌ترین در میان شما باید

۵:۲۳ * جعبهٔ کوچکی که یهودیان در آن چهار
 بخش کوتاه از شریعت را قرار می‌دادند و برای
 دور کردن بلا، بر پیشانی یا به بازوی چپ خود
 می‌بستند. ۶:۲۳ * یا: «بهترین جا را داشته
 باشند». ۷:۲۳ * یا: «استاد» عنوانی برای احترام
 به معلمان یهودی؛ رجوع به واژه‌نامه. ۹:۲۳ * در
 اینجا منظور عیسی از «پدر» عنوانی تشریفاتی
 یا مذهبی است، مثل، پدر روحانی.

خویشتن دوست بدار،* ۴۰ کل
 شریعت و نوشته‌های انبیا بر پایهٔ این دو
 حکم است.»

۴۱ هنگامی که فریسیان دور هم جمع
 شده بودند، عیسی از آنان پرسید:
 ۴۲ «شما در مورد مسیح چه فکر
 می‌کنید؟ او پسر کیست؟» پاسخ دادند:
 «پسر داوود.» ۴۳ عیسی از آنان پرسید:
 «پس چگونه است که به داوود الهام* شد
 که او را سرور خود بخواند؟ زیرا می‌گوید:
 ۴۴ «يَهُوه* به سرور من گفت: «به دست
 راست من بنشین تا زمانی که دشمنانت
 را زیر پایت نهم.»» ۴۵ حال که داوود
 مسیح را سرور می‌خواند، پس چگونه
 مسیح می‌تواند پسر داوود باشد؟
 ۴۶ هیچ کس قادر نبود در پاسخ به او
 کلامی بگوید و از آن روز به بعد کسی
 جرأت نکرد از او سؤال بکند.

۲۳ آنگاه عیسی خطاب به
 جمعیت و شاگردانش گفت:

۲ «علمای دین و فریسیان، خود را بر
 مسند موسی نشانده‌اند. ۳ از این رو، هر
 چه به شما می‌گویند، انجام دهید و به جا
 آورید، اما مثل ایشان عمل نکنید؛ زیرا

۲۲:۲۹ * یا: «محبت کن». ۴۳:۲۲ * منظور تحت
 تأثیر روح القدس است. ۴۴:۲۲ * رجوع به
 واژه‌نامه.

کرده است؟ ۱۸ همچین می‌گویید: «اگر کسی به مذهب سوگند خورَد، سوگندش به حساب نمی‌آید، اما اگر به هدیه‌ای که بر آن است سوگند خورَد، باید به سوگندش وفا کند». ۱۹ ای کوران! کدام یک مهم‌تر است، هدیه روی مذهب یا خود مذهب که آن هدیه را تقدیس کرده است؟ ۲۰ بنابراین، آن که به مذهب سوگند می‌خورَد، به مذهب و هر آنچه بر آن است، سوگند می‌خورَد، ۲۱ آن که به معبد سوگند می‌خورَد، به معبد و او که در آن ساکن است، سوگند می‌خورَد ۲۲ و آن که به آسمان سوگند می‌خورَد، به تخت خدا و او که بر آن نشسته است، سوگند می‌خورَد.

۲۳ «وای بر شما، ای علمای دین و فریسیان، ای ریاکاران! زیرا شما یک‌دهم نعنا، شوید* و زیره را می‌دهید، اما احکام مهم‌تر شریعت، یعنی عدالت، رحمت و وفاداری را نادیده می‌گیرید. درست است که آن‌ها را می‌بایست رعایت می‌کردید، اما این احکام دیگر را نیز نمی‌بایست نادیده می‌گرفتید. ۲۴ ای راهنمایان کور، شما پشه را با صافی می‌گیرید، اما شتر را می‌بلعید!

۲۳:۲۳ * یا: «ثبیت».

خدمتگزار شما باشد. ۱۲ هر که خود را بزرگ سازد، سرافکنده خواهد شد و هر که خود را فروتن سازد، سرافراز خواهد شد. ۱۳ «وای بر شما، ای علمای دین و فریسیان، ای ریاکاران! زیرا در پادشاهی آسمان‌ها* را به روی مردم می‌بندید؛ نه خود داخل می‌شوید و نه می‌گذارید آنانی که می‌خواهند به آن راه یابند، داخل شوند. ۱۴*—

۱۵ «وای بر شما، ای علمای دین و فریسیان، ای ریاکاران! زیرا دریا و خشکی را طی می‌کنید تا کسی را به کیش* خود درآورید و وقتی درآمد، او را دو برابر بیش از خود سزاوار درّه هَتوم* می‌سازید.

۱۶ «وای بر شما ای راهنمایان کور که می‌گویید: «اگر کسی به معبد سوگند خورَد، سوگندش به حساب نمی‌آید، اما اگر به طلای معبد سوگند خورَد، باید به سوگندش وفا کند». ۱۷ ای نادانان، ای کوران! کدام یک مهم‌تر است، طلای معبد یا خود معبد که آن طلا را تقدیس

۲۳:۲۳ * رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا». ۱۴:۲۳ * چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود. ۱۵:۲۳ * یا: «آیین؛ دین». * رجوع به واژه‌نامه.

۲۳ «ای مارها و افعی زاده‌ها، چگونه از محکوم شدن به درّه هَنّوم* خواهید گریخت؟ ۲۴ پس اکنون انبیا، خردمندان و معلّمانی نزد شما می‌فرستم. شما برخی از آنان را خواهید کشت و بر تیر اعدام خواهید کرد و برخی دیگر را در کنیسه‌های خود شلاق خواهید زد و برای آزارشان شهر به شهر تعقیبشان خواهید کرد ۲۵ تا تمام خون درستکارانی* که بر زمین ریخته شده است، به گردن شما باشد؛ از خون هابیل درستکار* گرفته تا خون زُگَریا، پسر برخیا همان کسی که او را میان مکان مقدّس معبد و مذبح کشتید. ۳۶ به‌راستی به شما می‌گویم، تمامی این‌ها بر سر این نسل خواهد آمد. ۲۷ «اورشليم، اورشليم، ای قاتل انبیا و ای سنگسارکنندهٔ آنانی که نزد تو فرستاده شدند! چند بار خواستم همچون مرغی که جوجه‌هایش را زیر بال‌هایش جمع می‌کند، فرزندان تو را جمع کنم، اما شما مردمان نخواستید! ۳۸ حال، خانهٔ شما به شما وانهاده شده است.* ۳۹ پس به شما می‌گویم، شما از این پس دیگر مرا نخواهید دید تا زمانی که

۲۵ «وای بر شما، ای علمای دین و فریسیان، ای ریاکاران! زیرا شما بیرون پیاله و ظرف را پاک می‌کنید، اما درون آن‌ها پر از طمع و ناپرهیزکاری است. ۲۶ ای فریسی کور، نخست درون پیاله و ظرف را پاک کن تا بیرون آن نیز پاک شود.

۲۷ «وای بر شما، ای علمای دین و فریسیان، ای ریاکاران! زیرا شما مانند قبرهای سفیدشده‌ای هستید که ظاهرشان واقعاً زیبا به نظر می‌رسد، اما درون آن‌ها پر از استخوان‌های مردگان و هرگونه ناپاکی است. ۲۸ شما نیز خود را در نظر مردم درستکار* جلوه می‌دهید، اما درونتان پر از ریاکاری و قانون‌شکنی است.

۲۹ «وای بر شما، ای علمای دین و فریسیان، ای ریاکاران! زیرا شما برای انبیا مقبره‌ها می‌سازید و آرامگاه درستکاران* را تزیین می‌کنید ۳۰ و می‌گویید: «اگر ما در روزگار پدرانمان بودیم، با آنان در ریختن خون انبیا شریک نمی‌شدیم». ۳۱ به این ترتیب، خود شهادت می‌دهید که پسران قاتلان انبیا هستید. ۳۲ پس آنچه پدرانتان آغاز کردند، شما به اتمام برسانید.*

۲۳:۲۳ رجوع به واژه‌نامه. ۲۵:۲۳ *یا: «عادلانی». ۲۸:۲۳ *منظور معبد است. *یا احتمالاً: «ویران وانهاده شده است».

۲۵:۲۳، ۲۸:۲۳ *یا: «عادل». ۲۹:۲۳ *یا: «عادلان». ۳۲:۲۳ *تحت اللفظی: «پس، پیمانۀ پدرانتان را پر کنید».

۷ «زیرا قومی بر ضد قومی دیگر و حکومتی بر ضد حکومتی دیگر برخواید خاست و در مناطق مختلف، قحطی‌ها و زمین‌لرزه‌ها، یکی پس از دیگری روی خواهد داد. ۸ همه این‌ها تنها آغاز دردهاست؛ دردهایی همچون درد زایمان. ۹ «آنگاه مردم شما را به مصیبت گرفتار خواهند کرد و خواهند کشت. همچنین تمامی قوم‌ها به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت. ۱۰ در آن زمان، بسیاری لغزش خواهند خورد،* به یکدیگر خیانت خواهند کرد و از یکدیگر نفرت خواهند داشت. ۱۱ پیامبران دروغین بسیاری برخواید خاست و عده زیادی را گمراه خواهند کرد. ۱۲ به دلیل افزایش قانون‌شکنی، محبت اکثر مردم به سردی خواهد گرایید. ۱۳ اما آن‌که تا به آخر پایدار بماند، نجات خواهد یافت. ۱۴ همچنین این خبر خوش پادشاهی، در سراسر زمین* موعظه خواهد شد تا برای همه قوم‌ها شهادتی شود، آنگاه پایان فرا خواهد رسید. ۱۵ «از این رو، وقتی می‌بینید که آن (ویرانگرِ نفرت‌انگیز، که دانیال نبی

۱۵:۲۴ * یا: «از ایمان روی‌گردان خواهند شد». ۱۴:۲۴ * تحت‌اللفظی: «در تمام مناطق مسکونی زمین».

بگویید: «مبارک باد آن‌که به نام یَهُوَه* می‌آید!»

۲۴

عیسی معبد را ترک کرد. هنگامی که از آنجا دور می‌شد، شاگردانش نزد او رفتند تا نظر او را به بناهای معبد جلب کنند. ۲ عیسی به آنان گفت: «همه این‌ها را می‌بینید؟ به‌راستی به شما می‌گویم، در اینجا سنگی بر سنگی باقی نخواهد ماند و قطعاً تمامی آن‌ها فرو ریخته خواهد شد.»

۳ هنگامی که عیسی بر کوه زیتون نشسته بود، شاگردان در خلوت نزد او آمدند و پرسیدند: «به ما بگو که این امور کی روی خواهد داد و نشانه حضور* تو و دوران پایانی نظام حاضر* چه خواهد بود؟»

۴ عیسی در جواب گفت: «مراقب باشید کسی شما را گمراه نکند؛ ۵ زیرا بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت: (من مسیح هستم) و بسیاری را گمراه خواهند کرد. ۶ شما غوغای جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را خواهید شنید؛ اما هراسان مشوید؛ زیرا این امور باید به وقوع بپیوندند، با این حال، این هنوز پایان نیست.

۲۴:۲۴ * رجوع به واژه‌نامه. ۲۴:۲۴ * یا: «عصر حاضر»؛ رجوع به واژه‌نامه. «دوران پایانی نظام حاضر».

در مورد آن سخن گفت، در مکان مقدّس ایستاده است (باشد که خواننده قدرت تشخیص خود را به کار گیرد) ۱۶ آنانی که در یهودیه هستند، به کوهستان بگریزند. ۱۷ کسی که بر بام است، برای برداشتن چیزی به خانه‌اش نرود ۱۸ و کسی که در مزرعه است، برای برداشتن ردای خود به خانه باز نگردد. ۱۹ وای بر زنانی که در آن روزها باردارند و آنانی که شیر می‌دهند! ۲۰ پیوسته دعا کنید که فرار شما در زمستان یا روز سَبَت* نباشد؛ ۲۱ زیرا در آن زمان، چنان مصیبت عظیمی روی خواهد داد که از آغاز دنیا تا کنون واقع نشده است و هرگز نیز تکرار نخواهد شد. ۲۲ در واقع، اگر آن روزها کوتاه نشود، هیچ کس نجات نخواهد یافت، اما به خاطر برگزیدگان، آن روزها کوتاه خواهد شد.

۲۳ «در آن زمان، اگر کسی به شما بگوید: «ببین، مسیح اینجاست!» یا «او آنجاست!»، باور مکنید؛ ۲۴ زیرا مسیحان دروغین و پیامبران کاذب برخوانند خاست و نشانه‌ها و عجایب بزرگ به ظهور خواهند رساند تا حتی اگر ممکن باشد، برگزیدگان را نیز گمراه کنند.

۲۵ آری، من به شما از پیش هشدار دادم. ۲۶ پس اگر مردم به شما بگویند: «ببین، او در بیابان است!»، بیرون مروید؛ «ببین، او درون خانه است!»، باور مکنید؛ ۲۷ زیرا حضور پسر انسان نیز درست مثل صاعقه‌ای خواهد بود که در مشرق می‌زند و تا مغرب را روشن می‌کند. ۲۸ هر جا که لاشه‌ای باشد عقاب‌ها گرد آن جمع خواهند شد.

۲۹ «بلافاصله بعد از مصیبت آن روزها، خورشید تاریک خواهد شد، ماه نور خود را نخواهد تاباند، ستارگان از آسمان فرو خواهند افتاد و نیروهای آسمان‌ها به لرزه در خواهند آمد. ۳۰ سپس، نشانهٔ پسر انسان در آسمان آشکار خواهد شد و آنگاه تمامی طایفه‌های زمین از فرط اندوه بر سینهٔ خود خواهند زد و پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم بر ابرهای آسمان می‌آید. ۳۱ او فرشتگان خود را با صدای بلند شیپور خواهد فرستاد و آنان برگزیدگانش را از چهار گوشهٔ زمین،* از یک کران آسمان‌ها تا کران دیگر گرد هم خواهند آورد.

۳۲ «حال، درخت انجیر را نمونه

* ۲۴:۲۱ تحت‌اللفظی: «از چهار باد».

* ۲۴:۲۰ رجوع به پاورقی اعمال ۱۲:۱ و واژه‌نامه.

گرفته و دیگری به حال خود وا گذاشته خواهد شد. ۴۲ پس هوشیار بمانید؛ زیرا نمی دانید که در چه روزی سرور شما خواهد آمد.

۴۳ «اما یک چیز را بدانید، اگر صاحبخانه می دانست که دزد در چه پاسی از شب می آید، بیدار می ماند و نمی گذاشت که به خانه اش وارد شود. ۴۴ از این رو، شما نیز آماده باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی کنید، پسر انسان می آید.

۴۵ «به راستی آن غلام امین و دانا* کیست که اربابش او را بر خادمان خانه خود گماشت تا به موقع خوراک آنان را بدهد؟ ۴۶ خوشا به حال آن غلام که وقتی اربابش می آید او را مشغول این کار یابد! ۴۷ به راستی به شما می گویم، او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت.

۴۸ «اما اگر آن غلام شرارت کند و در دل خود بگوید: «ارباب من تأخیر کرده است، ۴۹ و شروع به زدن همکارانش کند و با میگساران بخورد و بنوشد، ۵۰ در روزی که انتظار ندارد و ساعتی که از آن آگاه نیست، اربابش خواهد آمد.

۵۱ آنگاه او را به سختی مجازات خواهد

بگیرید و درسی بیاموزید، وقتی شاخه های آن جوانه می زند و برگ می دهد، پی می برید که تابستان نزدیک است. ۳۳ همین طور شما نیز، وقتی همه این ها را می بینید، بدانید که او* نزدیک و پشت در است. ۳۴ به راستی به شما می گویم، تا همه این ها روی ندهد، این نسل از میان نخواهد رفت. ۳۵ آسمان و زمین از میان خواهد رفت، اما کلام من هرگز از میان نخواهد رفت.

۳۶ «از آن روز و ساعت هیچ کس اطلاع ندارد، نه فرشتگان آسمان، نه پسر، بلکه فقط پدر می داند. ۳۷ حضور* پسر انسان درست همچون روزگار نوح خواهد بود. ۳۸ زیرا در روزهای پیش از توفان، مردم می خوردند و می نوشیدند، زن می گرفتند و شوهر می کردند تا روزی که نوح وارد کشتی* شد؛ ۳۹ در واقع، مردم توجه نکردند تا آن که توفان آمد و همه را برد. حضور پسر انسان نیز چنین خواهد بود. ۴۰ در آن زمان، از دو مرد که در مزرعه هستند، یکی گرفته و دیگری به حال خود وا گذاشته خواهد شد. ۴۱ از دو زن که با هم آسیاب می کنند، یکی

۳۲:۲۴* منظور پسر انسان است. ۲۷:۲۴* رجوع به واژه نامه. ۲۸:۲۴* ظاهراً کشتی نوح همچون جعبه ای مکعب مستطیل شکل بود.

نباشد. پس نزد روغن فروشان بروید و برای خود روغن بخرید. ۱۰ وقتی آنان برای خریدن روغن رفتند، داماد از راه رسید و با کره‌هایی که آماده بودند، به همراه او به جشن عروسی داخل شدند و در بسته شد. ۱۱ پس از آن، بقیه با کره‌ها نیز آمدند و گفتند: «آقا، آقا، در را به روی ما باز کن.» ۱۲ او در جواب گفت: «حقیقتاً به شما می‌گویم، من شما را نمی‌شناسم.» ۱۳ «پس بیدار بمانید؛ زیرا از آن روز و ساعت آگاه نیستید.

۱۴ «همچنین پادشاهی آسمان‌ها حکایت مردی است که قصد رفتن به سفری دور داشت. او غلامانش را فراخواند و مایملک خود را به آنان سپرد. ۱۵ پس به یکی پنج قنطار* به دیگری دو قنطار و به سومی یک قنطار داد. آری، به هر یک متناسب با توانایی‌شان داد و سپس به سفر رفت. ۱۶ غلامی که پنج قنطار گرفته بود، فوراً رفت و با آن تجارت کرد و پنج قنطار دیگر به دست آورد. ۱۷ آن که دو قنطار گرفته بود نیز به همین ترتیب دو قنطار دیگر به دست

۱۵:۲۵* در اینجا یک قنطار برابر با ۲۰٫۴ کیلوگرم سکه نقره و حدوداً معادل دستمزد ۱۴ سال یک کارگر است.

کرد و او را با ریاکاران در یک جایگاه قرار خواهد داد؛ جایی که در آن گریه خواهد کرد و دندان بر هم خواهد سایید.

۲۵ «همچنین پادشاهی آسمان‌ها* را می‌توان به ده باکره تشبیه کرد که چراغ‌های خود را برداشته به پیشواز داماد بیرون رفتند. ۲ پنج نفر از آنان نادان و پنج نفر دیگر دانا* بودند؛ ۳ نادانان چراغ‌هایشان را برداشتند، اما با خود روغن چراغ نبردند، ۴ حال آن که دانیان به همراه چراغ‌هایشان در ظرف‌های خود روغن برداشتند. ۵ چون آمدن داماد به طول انجامید، همگی خواب‌آلود شدند و به خواب رفتند. ۶ نیمه شب، فریادی به گوش رسید که «داماد اینجا است! به پیشوازش بیایید.» ۷ سپس تمامی آن باکره‌ها بلند شدند و چراغ‌هایشان را آماده کردند. ۸ نادانان به دانیان گفتند: «مقداری از روغنتان را به ما بدهید؛ زیرا چراغ‌های ما به‌زودی خاموش می‌شود.» ۹ دانیان در پاسخ چنین گفتند: «اگر مقداری از آن را به شما بدهیم، ممکن است روغن به اندازه کافی برای ما و شما

۱۰:۲۵* رجوع به واژه‌نامه: «پادشاهی خدا». ۲:۲۵* یا: «دوراندیش».

جایی که نکاشته‌ای، درو می‌کنی و از جایی که خرمن باد نداده‌ای، محصول جمع می‌کنی. ۲۵ پس ترسیدم و رفتم و قنطار تو را زیر خاک پنهان کردم. بفرما، این هم آنچه به تو تعلق دارد. ۲۶ اربابش در جواب گفت: «ای غلام شریر و کاهل! اگر تو می‌دانستی از جایی که نکاشته‌ام، درو می‌کنم و از جایی که خرمن باد نداده‌ام، محصول جمع می‌کنم، ۲۷ پس می‌بایست پول* مرا نزد صرّافان می‌گذاشتی تا هنگام بازگشتم، مال خود را با بهره آن دریافت می‌کردم.

۲۸ «پس، قنطار را از او بگیری و به غلامی که ده قنطار دارد، بدهید؛ ۲۹ زیرا هر که دارد، بیشتر به او داده خواهد شد و به فراوانی خواهد داشت؛ اما آن که ندارد، حتی آنچه دارد نیز از او گرفته خواهد شد. ۳۰ حال، این غلام بی‌فایده را بیرون به تاریکی بیندازید؛ جایی که در آن گریه خواهد کرد و دندان بر هم خواهد سایید.» ۳۱ «وقتی پسر انسان در جلال خود به همراه تمام فرشتگان آید، بر تخت شکوهمند خود خواهد نشست. ۳۲ آنگاه تمام قوم‌ها در برابر او گرد آورده خواهند شد و او آنان را از یکدیگر جدا خواهد کرد؛ همان گونه که شبان گوسفندها را از بزها جدا

آورد. ۱۸ اما غلامی که تنها یک قنطار گرفته بود رفت، گودالی در زمین کند و پول* اربابش را در آنجا پنهان کرد.

۱۹ «پس از مدتی طولانی، ارباب بازگشت و به حساب غلامان رسیدگی کرد. ۲۰ پس غلامی که پنج قنطار دریافت کرده بود، جلو آمد و پنج قنطار دیگر نیز آورد و گفت: «ارباب، به من پنج قنطار سپردی؛ ببین، با آن، پنج قنطار دیگر نیز سود آورده‌ام.» ۲۱ اربابش گفت: «آفرین! ای غلام خوب و امین، تو در امور کم امین بودی، از این رو تو را بر امور بسیار خواهم گماشت. پس در شادی اربابت سهم شو.» ۲۲ سپس غلامی که دو قنطار دریافت کرده بود، جلو آمد و دو قنطار دیگر نیز آورد و گفت: «ارباب، تو به من دو قنطار سپردی؛ ببین، با آن، دو قنطار دیگر نیز سود آورده‌ام.» ۲۳ اربابش گفت: «آفرین! ای غلام خوب و امین، تو در امور کم امین بودی، از این رو تو را بر امور بسیار خواهم گماشت. پس در شادی اربابت سهم شو.»

۲۴ «سرانجام غلامی که یک قنطار گرفته بود، جلو آمد و گفت: «ارباب، من می‌دانستم که مردی سختگیر هستی؛ از

۲۵: ۱۸، ۲۷ * تحت اللفظی: «نقره».

گفت: «به راستی به شما می‌گویم، هر آنچه برای یکی از کوچک‌ترین برادران من کردید، برای من کردید.»

۴۱ «سپس به آنانی که در طرف چپ او هستند، خواهد گفت: «ای شما که لعنت شده‌اید، از من دور شوید و به آن آتش ابدی* که برای ابلیس و فرشتگانش فراهم شده است، بروید: ۴۲ زیرا من گرسنه شدم، اما چیزی به من برای خوردن ندادید. تشنه بودم، اما چیزی به من برای نوشیدن ندادید. ۴۳ غریب بودم، اما از من مهمان‌نوازی نکردید. برهنه بودم، اما جامه‌ای بر من نپوشانیدید. بیمار و زندانی بودم، اما به کمک من نیامدید. ۴۴ سپس آنان نیز در جواب چنین خواهند گفت: «سَرور، چه وقت تو را گرسنه یا تشنه یا غریب یا برهنه یا بیمار یا در زندان دیدیم و به تو خدمت نکردیم؟» ۴۵ آنگاه او چنین خواهد گفت: «به راستی به شما می‌گویم، هر آنچه برای یکی از این کوچک‌ترین‌ها نکردید، در واقع برای من نکردید.» ۴۶ اینان به مرگ ابدی* و درستکاران* به زندگی ابدی خواهند رسید.»

۴۶:۲۵ * منظور نابودی ابدی است. ۴۶:۲۵ * تحت‌اللفظی: «اینان تا ابد منقطع خواهند شد.»

می‌کند. ۲۲ او گوسفندها را در طرف راست و بزها را در طرف چپ خود قرار خواهد داد.

۲۴ «سپس پادشاه به آنانی که در طرف راست او هستند، خواهد گفت: «بیایید، ای شما که از پدر من برکت یافته‌اید، پادشاهی‌ای را که از آغاز دنیا* برای شما آماده شده بود، به میراث ببرید: ۲۵ زیرا گرسنه شدم، به من چیزی برای خوردن دادید. تشنه شدم، به من چیزی برای نوشیدن دادید. غریب بودم، از من مهمان‌نوازی کردید. ۲۶ برهنه بودم، جامه بر من پوشانیدید. بیمار شدم، از من پرستاری کردید. در زندان بودم، به ملاقات من آمدید. ۲۷ سپس درستکاران* چنین پاسخ خواهند داد: «سَرور، چه وقت تو را گرسنه دیدیم و به تو غذا دادیم یا تشنه دیدیم و به تو چیزی برای نوشیدن دادیم؟ ۲۸ چه وقت تو را غریب دیدیم و از تو مهمان‌نوازی کردیم یا برهنه دیدیم و جامه بر تو پوشانیدیم؟ ۲۹ چه وقت تو را بیمار یا در زندان دیدیم و به ملاقات آمدیم؟» ۴۰ پادشاه در جواب خواهد

۲۵:۲۴ * «آغاز دنیا» تحت‌اللفظی: «به جا گذاشتن [نسل]:» به فرزندان آدم و حوّا اشاره دارد. ۲۶:۲۵ * یا: «لباس کافی نداشتم». ۲۷:۲۵، ۴۶ * یا: «عادلان».

۱۱ شما فقیران را همیشه با خود دارید، اما مرا همیشه نخواهید داشت. ۱۲ در واقع، این زن با ریختن این روغن معطر بر بدن من، مرا برای تدفین آماده کرد. ۱۳ به راستی به شما می‌گویم، در سراسر دنیا هر جا که این بشارت موعظه شود، کار این زن نیز به یاد او گفته خواهد شد.»

۱۴ سپس یکی از آن دوازده نفر، آن که نامش یهودای اسخریوطی بود، نزد سران کاهنان رفت ۱۵ و گفت: «اگر عیسی را به شما تسلیم کنم، به من چه می‌دهید؟» آنان ۳۰ سکه نقره به او وعده دادند. ۱۶ از آن پس، یهودا به دنبال فرصتی بود تا به عیسی خیانت کند.

۱۷ در نخستین روز عید نانِ فطیر، شاگردان نزد عیسی آمدند و گفتند: «کجا را می‌خواهی برای خوردن شام پَسَح برای آماده کنیم؟» ۱۸ گفت: «به شهر نزد فلان شخص بروید و به او بگویید که استاد چنین می‌گوید: «وقت من نزدیک است؛ پَسَح را در خانه تو با شاگردانم برگزار خواهم کرد.»» ۱۹ پس شاگردان مطابق با فرمان عیسی عمل کردند و برای پَسَح تدارکات لازم را دیدند.

۲۰ بعد از غروب، عیسی با آن ۱۲ شاگرد بر سر سفره نشسته بود. ۲۱ در حالی که

۲۶ وقتی عیسی همهٔ این سخنان را به پایان رساند، به شاگردان خود گفت: ۲ «شما می‌دانید که دو روز دیگر عید پَسَح* است و پسر انسان به دست دشمنان تحویل داده خواهد شد تا بر تیر اعدام شود.»

۳ در این میان، سران کاهنان و ریش‌سفیدان قوم در حیاط خانهٔ قیفا، کاهن اعظم، دور هم جمع شدند ۴ و با یکدیگر توطئه چیدند که چگونه عیسی را با حيله‌ای گرفتار کنند* و بکشند. ۵ اما می‌گفتند: «نه هنگام عید که مبادا مردم شورش کنند.»

۶ وقتی عیسی در بیت‌عنیا در خانهٔ شَمْعونِ جذامی بود، ۷ زنی با ظرفی* پر از روغن معطر و گرانبها نزد عیسی آمد و در حالی که عیسی بر سر سفره نشسته بود، آن عطر را بر موهای سر او ریخت. ۸ شاگردان با دیدن آن برآشفتمند و گفتند: «این اسراف برای چیست؟ ۹ زیرا می‌شد آن را به مبلغی زیاد فروخت و پولش را به فقیران داد.» ۱۰ عیسی که می‌دانست چه می‌گویند، به آنان گفت: «چرا این زن را می‌رنجانید؟ او کاری نیکو در حق من کرد.

۲۲:۲۶ * رجوع به واژه‌نامه. ۴:۲۶ * یا: «دستگیر کنند». ۷:۲۶ * تحت‌اللفظی: «ظرف آلاباستر»: رجوع به واژه‌نامه: «آلاباستر».

را به شاگردان داد و گفت: «همه شما از این بنوشید؛ ۲۸ زیرا این مظهر (خون من برای آن عهدهی، است که برای آمرزش گناهان بسیاری ریخته خواهد شد. ۲۹ اما به شما می‌گویم، من دیگر اصلاً از این محصول مو نخواهم نوشید تا آن روزی که تازه آن را با شما در پادشاهی پدرم بنوشم.» ۳۰ در آخر، بعد از خواندن سرودهای حمد،* بیرون رفتند و عازم کوه زیتون شدند.

۳۱ سپس عیسی به آنان گفت: «تمامی شما امشب مرا ترک خواهید کرد؛* زیرا نوشته شده است: (من شبان را خواهم زد و گوسفندان گله پراکنده خواهند شد.) ۳۲ اما پس از آن که برخیزانده شدم، پیش از شما به جلیل خواهم رفت.» ۳۳ پطرس در جواب به او گفت: «حتی اگر همه تو را ترک کنند، من هرگز تو را ترک نخواهم کرد!»* ۳۴ عیسی به او گفت: «به راستی به تو می‌گویم، همین امشب قبل از این که خروس بانگ برآورد، سه بار مرا انکار خواهی کرد.» ۳۵ پطرس گفت: «حتی اگر قرار باشد با تو

غذا می‌خوردند، او گفت: «به راستی به شما می‌گویم، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد.» ۲۲ شاگردان بسیار ناراحت شدند و یکی پس از دیگری به او گفتند: «سَرور، من که آن شخص نیستم، هستم؟» ۲۳ عیسی در جواب گفت: «آن که با من دست در کاسه فرو برد، اوست که به من خیانت خواهد کرد. ۲۴ البته، پسر انسان خواهد رفت، درست همان طور که در مورد او نوشته شده است. اما، وای بر آن کسی که به پسر انسان خیانت کند! برای او بهتر می‌بود که متولد نمی‌شد.» ۲۵ یهو دا که بعداً به او خیانت کرد، گفت: «استاد،* آن شخص که من نیستم، هستم؟» عیسی به او گفت: «تو خود می‌دانی.»

۲۶ در حالی که هنوز مشغول خوردن بودند، عیسی نانی* گرفت، بعد از این که دعا کرد، آن را شکست و به شاگردانش داد و گفت: «بگیرید و بخورید. این مظهر بدن من است.»* ۲۷ او جامی را برداشت و پس از دعای شکرگزاری، آن

۲۵:۲۶ * تحت اللفظی: «رَئی»؛ رجوع به واژه‌نامه: «رَئی». ۲۶:۲۶ * نانی خشک بود که بدون خمیرمایه پخته می‌شد. * تحت اللفظی: «این بدن من است»؛ فعلی که در اینجا و در آیه ۲۸ به کار رفته (به یونانی، اِستین) مفهوم مظهر و سمبول نیز دارد.

۳۰:۲۶ * یا: «مزامیر». ۳۱:۲۶ * تحت اللفظی: «امشب در من لغزش خواهید خورد». ۳۲:۲۶ * تحت اللفظی: «حتی اگر همه در تو لغزش خوردند، من هرگز در تو لغزش نخواهم خورد».

بمیرم، به هیچ وجه انکار نمی‌کنم. شاگردان دیگر نیز همین را گفتند.

۳۶ سپس عیسی به همراه شاگردان به محلی به نام جتسمانی رفت و به آنان گفت: «من به آن طرف می‌روم تا دعا کنم. تا آن وقت شما اینجا بنشینید.» ۳۷ او پطرس و دو پسر زبدي را با خود برد. آنگاه اندوه و اضطراب وجودش را فرا گرفت ۳۸ و به آنان گفت: «اندوهی عمیق تا حد مرگ، جان مرا فرا گرفته است. اینجا باشید و با من بیدار بمانید.» ۳۹ سپس کمی جلوتر رفت، روی بر زمین نهاد و چنین دعا کرد: «ای پدر من، اگر ممکن است، بگذار تا این جام* از من بگذرد. اما نه به خواست من، بلکه به خواست تو.»

۴۰ سپس عیسی نزد شاگردان آمد و دید که آنان در خوابند. پس به پطرس گفت: «آیا نتوانستید حتی یک ساعت با من بیدار بمانید؟ ۴۱ هوشیار بمانید و پیوسته دعا کنید تا تسلیم وسوسه نشوید. البته، روح مشتاق* است اما جسم ناتوان.» ۴۲ عیسی برای بار دوم رفت و چنین دعا کرد: «ای پدر من، اگر ممکن

۳۹:۲۶* «جام» در اینجا مظهر خواست خداست؛ این که او اجازه دهد عیسی به دروغ به کفرگویی متهم شده، کشته شود. ۴۱:۲۶* یا: «مایل».

نیست که این جام از من بگذرد و من باید از آن بنوشم، آنچه خواست توست، انجام شود.» ۴۳ عیسی بار دیگر آمد و دید که شاگردان به خواب رفته بودند، چون چشمانشان سنگین شده بود. ۴۴ پس بار دیگر از پیش آنان رفت و برای بار سوم همان دعا را کرد. ۴۵ سپس نزد شاگردان بازگشت و گفت: «در چنین وقتی خوابیده‌اید و استراحت می‌کنید! وقت آن نزدیک شده است که به پسرانسان خیانت شود و به دست گناهکاران بیفتد. ۴۶ برخیزید که برویم. آن که به من خیانت می‌کند، اکنون از راه می‌رسد.» ۴۷ او هنوز صحبت می‌کرد که یهو، یکی از آن دوازده نفر از راه رسید و همراه او عده‌ای زیاد از طرف سران کاهنان و ریش سفیدان قوم با شمشیر و چماق آمدند.

۴۸ آن خائن به همراهان خود چنین نشانه‌ای داده بود: «کسی را که ببوسم، همان اوست. دستگیرش کنید.» ۴۹ یهو مستقیم نزد عیسی رفت و به او گفت: «سلام استاد!»* و او را به گرمی بوسید. ۵۰ عیسی به او گفت: «ای رفیق، به چه

۴۹:۲۶* تحت اللفظی: «زتی»: رجوع به واژه‌نامه: «زتی».

۵۷ کسانی که عیسی را دستگیر کرده بودند، او را نزد قیافا، کاهن اعظم بردند. در آنجا علمای دین و ریش سفیدان جمع بودند. ۵۸ اما پطرس دورادور، او را تا حیاط خانهٔ کاهن اعظم دنبال کرد و وقتی داخل شد با خدمتکاران نشست تا عاقبت کار را ببیند.

۵۹ در این میان، سران کاهنان و تمام اعضای سَنهدرین* در پی شهادت‌های دروغ علیه عیسی بودند تا او را بکشند. ۶۰ اما با این که شاهدان دروغین بسیاری پیش آمدند، هیچ دلیلی علیه او نیافتند. در آخر دو نفر جلو آمدند ۶۱ و گفتند: «این مرد گفت: (من می‌توانم معبد خدا را ویران کنم و در ظرف سه روز آن را بسازم).» ۶۲ با شنیدن این سخن، کاهن اعظم برخاست و به عیسی گفت: «جوابی نداری؟ اینان علیه توجّه شهادت می‌دهند؟» ۶۳ اما عیسی ساکت ماند. پس کاهن اعظم به او گفت: «تو را به خدای زنده سوگند می‌دهم، به ما بگو آیا تو مسیح، پسر خدا هستی!» ۶۴ عیسی گفت: «همان که تو خود گفتی. اما من به شما می‌گویم، از این پس پسر انسان را خواهید دید که به دست راست آن

۵۹:۲۶ * رجوع به واژه‌نامه.

منظور اینجا آمده‌ای؟» سپس آن گروه به طرف عیسی آمدند، او را گرفتند و دستگیر کردند. ۵۱ در این هنگام یکی از همراهان عیسی دست به شمشیر برد، آن را بیرون کشید و خادم کاهن اعظم را با شمشیر زد و گوش او را قطع کرد. ۵۲ سپس عیسی به او گفت: «شمشیر خود را غلاف کن؛ زیرا هر که شمشیر کشد، با شمشیر نیز کشته شود. ۵۳ آیا فکر می‌کنی که نمی‌توانم از پدرم درخواست کنم تا در همین لحظه بیش از ۱۲ لشکر* از فرشتگان را به کمک بفرستد؟» ۵۴ در این صورت، نوشته‌های مقدّس چگونه تحقق یابد که در آن پیشگویی شده بود، این وقایع باید رخ دهد؟» ۵۵ آنگاه عیسی به آن جمعیت گفت: «مگر من راهزن هستم که برای دستگیری من با شمشیر و چماق آمده‌اید؟ هر روز در معبد می‌نشستم و تعلیم می‌دادم و مرا دستگیر نکردید. ۵۶ اما همهٔ این‌ها برای تحقق نوشته‌های* انبیا روی داد.» سپس تمام شاگردان، او را ترک کردند و گریختند.

۵۳:۲۶ * تحت‌اللفظی: «لژیون»؛ یکی از یگان‌های بزرگ ارتش روم باستان. در اینجا این واژه به شماری کثیر اشاره دارد. ۵۶:۲۶ * یا: «نوشته‌های مقدّس».

از لهجه‌ات پیداست.» ۲۴ سپس پطرس شروع کرد به لعنت کردن و قسم خوردن و گفت: «من این مرد را نمی‌شناسم!» و همان لحظه خروس بانگ زد. ۲۵ آنگاه پطرس این گفته عیسی را به یاد آورد: «قبل از این که خروس بانگ برآورد، سه بار مرا انکار خواهی کرد.» پطرس بیرون رفت و به تلخی گریست.

۲۷ صبح که شد، تمام سران کاهنان و ریش سفیدان قوم برای کشتن عیسی با یکدیگر مشورت کردند. ۲ پس او را دست بسته از آنجا بردند و به دست پیلاتس والی تحویل دادند.

۳ وقتی یهودا که به او خیانت کرده بود، دید که عیسی محکوم شده است، پشیمان شد و آن ۳۰ سکه نقره را به سران کاهنان و ریش سفیدان بازگرداند ۴ و گفت: «من با خیانت به شخصی بی‌گناه مرتکب گناه شدم.» آنان گفتند: «به ما چه مربوط است؟ خودت می‌دانی!» ۵ پس یهودا سکه‌های نقره را در معبد بر زمین انداخت و آنجا را ترک کرد. سپس رفت و خود را حلق‌آویز کرد. ۶ اما سران کاهنان، آن سکه‌های

۲۷:۴ * تحت اللفظی: «خونی». * یا: «این مشکل

خود توست».

قدرتمند* نشسته است و بر ابرهای آسمان می‌آید.» ۶۵ آنگاه کاهن اعظم جامه خود را چاک زد و گفت: «او کفرگفت! دیگر چه نیازی به شاهد داریم؟ حال خودتان کفرگویی او را شنیدید. ۶۶ نظر شما چیست؟» پاسخ دادند: «او سزاوار مرگ است.» ۶۷ سپس آب دهان به صورتش انداختند و با مشت او را زدند. عده‌ای نیز به او سیلی زدند ۶۸ و گفتند: «ای مسیح، ثابت کن که نبی هستی. به ما بگو چه کسی تو را زد؟»

۶۹ پطرس بیرون، در حیاط خانه نشسته بود که زنی خدمتکار نزد او آمد و گفت: «تو هم با عیسای جلیلی بودی!» ۷۰ اما او در مقابل همه آنان انکار کرد و گفت: «نمی‌دانم چه می‌گویی.» ۷۱ بعد از آن که پطرس به طرف در خانه رفت، زنی دیگر متوجه او شد و به کسانی که آنجا بودند، گفت: «این مرد با عیسای ناصری بود.» ۷۲ پطرس بار دیگر انکار کرد و این بار قسم خورد و گفت: «من این مرد را نمی‌شناسم!» ۷۳ کمی بعد، کسانی که در آن اطراف ایستاده بودند، آمدند و به پطرس گفتند: «قطعاً تو هم یکی از آنان؛ زیرا

۲۶:۶۴ * تحت اللفظی: «دست راست قدرت».

نمی‌داد. ۱۳ سپس پیلاتس به او گفت: «این همه شهادت که علیه تو می‌دهند، نمی‌شنوی؟» ۱۴ اما عیسی جوابی به او نداد، حتی یک کلمه هم نگفت، طوری که والی بسیار متعجب شد.

۱۵ در هر عید پَسَح، رسم والی این بود که به درخواست مردم یک زندانی را آزاد کند. ۱۶ درست در همان زمان، مجرمی معروف که باراباس نام داشت، در زندان بود. ۱۷ پس وقتی مردم جمع شدند، پیلاتس از آنان پرسید: «کدام یک را می‌خواهید برای شما آزاد کنم، باراباس یا عیسی را که مسیح خوانده می‌شود؟» ۱۸ زیرا پیلاتس می‌دانست که آنان عیسی را از روی حسادت، به او تسلیم کرده بودند. ۱۹ همچنین، هنگامی که پیلاتس بر مسند داوری نشسته بود، همسرش این پیام را به او فرستاد: «با این مرد درستکار* کاری نداشته باش؛ زیرا امروز به خاطر او خوابی دیدم که مرا بسیار رنج داد.» ۲۰ اما سران کاهنان و ریش‌سفیدان مردم را بر آن داشتند که از پیلاتس بخواهند، باراباس آزاد و عیسی کشته شود. ۲۱ پس والی دوباره از مردم پرسید: «کدام یک از این دو را

نقره را برداشتند و گفتند: «جایز نیست که این‌ها را در خزانه مقدس بریزیم؛ زیرا بهای ریختن خون است.» ۲ پس بعد از مشورت با یکدیگر، مزرعه کوزه‌گر را با آن پول خریدند تا غریبه‌ها را در آن دفن کنند. ۸ از این رو، آن مزرعه تا به امروز «مزرعه خون» خوانده می‌شود. ۹ بدین ترتیب، گفته اِرمیای نبی* به تحقق رسید که پیشگویی کرده بود: «آنان ۳۰ سکه نقره را برداشتند؛ قیمتی که برای آن مرد تعیین شده بود؛ همان مردی که برخی از بنی‌اسرائیل بر او قیمت گذاشتند. ۱۰ آنان مزرعه کوزه‌گر را با آن سکه‌ها خریدند؛ همان گونه که یَهُوه* به من فرمان داده بود.»

۱۱ زمانی که عیسی در مقابل والی ایستاده بود، والی از او چنین سؤال کرد: «آیا تو پادشاه یهودیانی؟» عیسی جواب داد: «همان که تو خود می‌گویی.» ۱۲ اما هنگامی که سران کاهنان و ریش‌سفیدان عیسی را متهم می‌کردند، او هیچ پاسخی

۲۷:۹* در واقع این نقل قول بر مبنای زکریا ۱۱: ۱۲، ۱۳ است. در زمان مَتَّى، کتاب اِرمیا پیش از تمام کتاب‌های نبوی قرار داشت و احتمالاً تمام مجموعه کتاب‌های نبوی، از جمله کتاب زکریا، «اِرمیا» خوانده می‌شد. با لوقا ۲۴:۴۴ مقایسه شود. ۲۷:۱۰* رجوع به واژه‌نامه.

راست او دادند، آنگاه در مقابلش زانو زدند و تمسخرکنان گفتند: «سلام* بر تو ای پادشاه یهودیان!» ۳۰ به او آب دهان انداختند و آن نی را گرفته بر سرش می‌زدند. ۳۱ سرانجام، پس از تمسخر کردن او، ردا را از تنش درآوردند و لباسش را بر تنش کردند و او را از آنجا بردند تا به تیر میخکوب کنند.

۳۲ هنگامی که بیرون می‌رفتند شخصی از اهالی قِیْرَوان به نام شَمعون را دیدند و او را وادار کردند که تیر شکنجه* عیسی را حمل کند. ۳۳ وقتی به محلّی به نام جُلْجُتا که به معنی «مکان جمجمه» است، رسیدند ۳۴ به عیسی شرابی آمیخته به ماده‌ای تلخ* دادند، اما وقتی آن را چشید از نوشیدن آن امتناع کرد. ۳۵ پس از این که او را به تیر میخکوب کردند، برای تقسیم جامه‌هایش بین خود، قرعه انداختند ۳۶ و برای نگهبانی از او آنجا نشستند. ۳۷ همچنین دلیل محکومیت او را بالای سرش نصب کردند که بر آن چنین نوشته شده بود: «این است عیسی پادشاه یهودیان.»

۲۹:۲۷ * یا: «درد». ۳۲:۲۷ * رجوع به واژه‌نامه. ۲۴:۲۷ * ظاهراً منظور مادهٔ مخدری است که از نوعی گیاه گرفته می‌شود.

می‌خواهید برای شما آزاد کنم؟» گفتند: «باراباس را.» ۲۲ پیلاتس به آنان گفت: «پس با عیسی که مسیح خوانده می‌شود چه کنم؟» همگی گفتند: «او را بر تیر بیاویز!» ۲۳ پیلاتس گفت: «چرا؟ چه کار بدی از او سر زده است؟» اما مردم همچنان بلندتر فریاد می‌زدند: «او را بر تیر بیاویز!»

۲۴ پیلاتس که متوجه شد تلاشش به جایی نمی‌رسد و حتی نزدیک است آشوب به پا شود، مقداری آب برداشت، دست‌های خود را در برابر مردم شست و گفت: «من از خون این مرد بری هستم. مسئولیتش با شما.» ۲۵ تمام مردم در جواب گفتند: «خون او به گردن ما و فرزندان ما.» ۲۶ پس از آن، پیلاتس، باراباس را برای آنان آزاد کرد، اما فرمان داد که عیسی را شلاق بزنند و او را به سربازان سپرد تا بر تیر اعدام شود.

۲۷ سربازانِ پیلاتس، عیسی را به کاخ والی بردند و تمامی سربازان دیگر را دور او جمع کردند. ۲۸ لباس‌های عیسی را درآوردند و ردایی سرخ بر دوش او انداختند. ۲۹ تاجی از خار بافتند و بر سرش گذاشتند و یک نی به دست

۲۲:۲۷ * یا: «بر تیر اعدامش کن».

یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟» ۴۷ با شنیدن این، برخی از کسانی که آنجا ایستاده بودند، گفتند: «این مرد ایلِیا* را صدا می‌زند.» ۴۸ فوراً یکی از آنان دوید و اسفنجی گرفته در شراب ترشیده فرو برد، آن را بر سر یک نی گذاشت و به او داد تا بنوشد. ۴۹ اما بقیه گفتند: «او را به حال خود بگذار تا ببینیم آیا ایلِیا برای نجات او می‌آید.» ۵۰ عیسی بار دیگر با صدای بلند فریاد زد، سپس روح خود را تسلیم کرد.*

۵۱ آنگاه پردهٔ مکان مقدسِ معبد* از بالا تا پایین دوپاره شد، زمین به لرزه درآمد و صخره‌ها شکافت. ۵۲ قبرها گشوده شد و بسیاری از اجساد مقدسانی که در خواب مرگ بودند، بیرون افکندند. ۵۳ و بسیاری از مردم آن‌ها را دیدند. (همچنین پس از رستاخیز عیسی، آنانی که به قبرستان رفتند، به شهر مقدس وارد شدند.) * ۵۴ اما وقتی فرماندهٔ سربازان و کسانی که همراه او از عیسی نگهبانی می‌کردند، زمین لرزه و آن وقایع را دیدند،

۴۷:۲۷ یا: «الیاس.» ۵۰:۲۷ یا: «نفس آخر را کشید؛ رجوع به واژه‌نامه: «روح.» ۵۱:۲۷ این پرده قدس‌الاقداس را از مکان قدس جدا می‌کرد. ۵۳:۲۷ ظاهراً این افراد به اورشلیم رفتند تا خبر آنچه را دیده بودند، بدهند.

۳۸ دو راهزن نیز در کنار او بر تیر آویخته شدند، یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ او. ۳۹ رهگذران با دیدن او سر خود را تکان می‌دادند و به او اهانت می‌کردند، ۴۰ می‌گفتند: «تو که می‌خواستی معبد را خراب و در سه روز آن را بنا کنی، خود را نجات بده! اگر یکی از پسران خدایی، از تیر شکنجه* پایین بیا!» ۴۱ سران کاهنان، علمای دین و ریش‌سفیدان نیز به همین شکل شروع به تمسخر او کردند و گفتند: ۴۲ «دیگران را نجات داد، اما نمی‌تواند خود را نجات دهد! اگر پادشاه اسرائیل است، حال از تیر شکنجه* پایین بیاید، آنگاه ما به او ایمان می‌آوریم. ۴۳ او به خدا توکل کرده است و گفت: (پسر خدا هستم.) پس اگر خدا از او راضی است، اکنون او را نجات دهد.» ۴۴ حتی راهزنانی که با او به تیر آویخته شده بودند، به همین گونه به او ناسزا می‌گفتند.

۴۵ از ساعت ششم* تا نهم* تاریکی تمام زمین را فرا گرفت. ۴۶ حدود ساعت نهم، عیسی با صدای بلند فریاد زد و گفت: «ایلی، ایلی، لَما سَبَقْتَنی؟» ۴۰:۲۷، ۴۲ رجوع به واژه‌نامه. ۴۵:۲۷ حدود ساعت ۱۲ ظهر.* حدود ساعت ۳ بعدازظهر.

گفت: «بعد از سه روز برخیزانده خواهم شد». ۶۴ پس فرمان بده که مقبره تا روز سوم نگهبانی شود، مبادا شاگردانش بیایند و او را بدزدند و به مردم بگویند: «او از میان مردگان برخیزانده شد!» بدین گونه، فریب آخر از فریب اول بدتر خواهد بود. ۶۵ پیلاتس به ایشان گفت: «شما خود نگهبان دارید. خودتان هر طور که می‌دانید از آن نگهبانی کنید.» ۶۶ پس رفتند و سنگ مقبره را مهر و موم کردند و نگهبانانی در آنجا گماشتند تا از مقبره نگهبانی کنند.

۲۸ بعد از سَبْت*، در روز اول هفته، مریم مَجْدَلِیّه و آن مریم دیگر سپیده‌دم برای دیدن مقبره رفتند.

۲ ناگاه، زمین‌لرزه‌ای شدید روی داد؛ زیرا فرشته یَهُوه* از آسمان پایین آمده بود و سنگ دهانه مقبره را به کناری غلتانده، روی آن نشسته بود. ۳ درخشش ظاهر او همچون برق آسمان و لباسش همچون برف، سفید بود. ۴ آری، نگهبانان* چنان از او ترسیدند که به لرزه درآمدند و همچون مردگان شدند.

۵ اما فرشته به زنان گفت: «مترسید؛ زیرا می‌دانم که در جستجوی عیسی

بسیار وحشت کردند و گفتند: «به‌راستی که او پسر خدا بود.»

۵۵ زنان بسیاری نیز از دور وقایع را نظاره می‌کردند؛ همان زنانی که برای خدمت به عیسی، او را از جلیل همراهی کرده بودند. ۵۶ در میان آنان مریم مَجْدَلِیّه، مریم مادر یعقوب و یوشا* و مادر پسران زبَدی نیز بودند.

۵۷ عصر که شد، مردی ثروتمند به نام یوسف از اهالی رامه آمد. او نیز شاگرد عیسی شده بود. ۵۸ یوسف نزد پیلاتس رفت و خواستار جسد عیسی شد. پیلاتس فرمان داد که آن را به او بدهند. ۵۹ یوسف جسد را گرفت، آن را با کتان نفیس و پاک پیچید ۶۰ و در مقبره‌ای نو که برای خود در صخره تراشیده بود، گذاشت و سنگی بزرگ جلوی دهانه مقبره غلتاند و رفت. ۶۱ اما مریم مَجْدَلِیّه و آن مریم دیگر همچنان در آنجا در مقابل مقبره نشستند.

۶۲ آن روز، «روز تهیه»* بود. فردای آن روز سران کاهنان و فریسیان نزد پیلاتس جمع شدند ۶۳ و گفتند: «سَرور، به یاد آوردیم که آن فریبکار وقتی زنده بود،

۲۷:۵۶* یا: «یوسف». ۲۷:۶۲؛ ۲۸:۱، ۲۸:۲ رجوع به

واژه‌نامه.

۲۸:۴* یا: «دیده‌بانان».

مردم بگویند: «شاگردان او شب‌هنگام، وقتی ما خواب بودیم، آمدند و جسدش را دزدیدند»، ۱۴ اگر این به گوش والی برسد، خودمان موضوع را برایش توضیح خواهیم داد: * نیازی نیست که شما نگران باشید». ۱۵ پس سربازان سکه‌های نقره را گرفتند و طبق دستور آنان عمل کردند. به طوری که این داستان حتی تا به امروز در میان یهودیان شایع است.

۱۶ آن ۱۱ شاگرد به جلیل، به کوهی رفتند که عیسی گفته بود، آنان را در آنجا خواهد دید. ۱۷ وقتی او را دیدند، در مقابل او تعظیم کردند، * اما برخی شک کردند که او عیسی است. ۱۸ سپس عیسی نزدیک آمد و به ایشان گفت: «تمامی اقتدار در آسمان و بر روی زمین به من داده شده است. ۱۹ پس بروید و از مردم همه قوم‌ها شاگرد بسازید، آنان را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید ۲۰ و به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام به عمل آورند. بدانید که من هر روز تا پایان نظام حاضر * با شما هستم».

۲۸:۱۴ تحت‌اللفظی: «خودمان او را متقاعد خواهیم کرد». ۲۸:۱۷ * به نشانهٔ تکریم و ادای احترام. ۲۸:۲۰ * یا: «عصر حاضر»؛ رجوع به واژه‌نامه: «دوران پایانی نظام حاضر».

که بر تیر اعدام شد، هستید. ۶ او اینجا نیست؛ زیرا همان طور که خود گفته بود، برخیزانده شده است. بیایید و جایی را که او آرمیده بود، ببینید. ۷ سپس بی‌درنگ بروید و به شاگردانش بگویید که او از مردگان برخیزانده شده است و پیش از شما به جلیل می‌رود. آنجا وی را خواهید دید. من برای گفتن این‌ها پیش شما آمدم». ۸ پس زنان به سرعت مقبره را ترک کردند و دوان‌دوان با ترس، اما با شادی بسیار رفتند تا این خبر را به شاگردان او برسانند. ۹ عیسی با آنان روبرو شد و گفت: «سلام بر شما باد!» آن زنان نزدیک عیسی آمدند، بر خاک افتادند و پاهای او را گرفته، به او ادای احترام کردند. ۱۰ عیسی به آنان گفت: «مترسید! بروید و به برادران * من بگویید که به جلیل بروند. در آنجا مرا خواهند دید».

۱۱ هنگامی که زنان در راه بودند، شماری از نگهبانان به شهر رفتند و تمام وقایع را به سران کاهنان گفتند. ۱۲ سران کاهنان پس از جمع شدن با ریش سفیدان و مشورت با یکدیگر، تعداد زیادی سکهٔ نقره به سربازان دادند ۱۳ و گفتند: «به ۲۸:۱۰ * یا: «شاگردان».

انجیل* به روایت مَرَقَس

فهرست محتوا

- | | | |
|---|---|--|
| ۱ | موعظهٔ یحیای تعمیددهنده (۸-۱) | برگزاری که می‌خواهد (۲۹-۲۶) |
| | تعمید عیسی (۱۱-۹) | مَثَل دانهٔ خردل (۳۲-۳۰) |
| | شیطان عیسی را وسوسه می‌کند (۱۳، ۱۲) | استفاده از مَثَل‌ها (۳۴، ۳۳) |
| | آغاز موعظهٔ عیسی در جلیل (۱۵، ۱۴) | عیسی تندبادی را آرام می‌کند (۴۱-۳۵) |
| | فراخواندن اولین شاگردان (۲۰-۱۶) | ۵ عیسی ارواح ناپاک را به درون خوک‌ها |
| | بیرون راندن روح ناپاک (۲۸-۲۱) | می‌فرستد (۲۰-۱) |
| | عیسی بسیاری را در گفَرناحوم شفا | دختر یایروس؛ زنی لباس عیسی را لمس |
| | می‌دهد (۳۴-۲۹) | می‌کند (۴۳-۲۱) |
| | دعا در مکانی خلوت (۳۹-۳۵) | ۶ پذیرفته نشدن عیسی در دیارش (۶-۱) |
| | شفای مردی جذامی (۴۵-۴۰) | راهنمایی به آن دوازده نفر برای |
| | عیسی مردی فلج را شفا می‌دهد (۱۲-۱) | موعظه (۱۳-۷) |
| | فراخواندن لای (۱۷-۱۳) | مرگ یحیای تعمیددهنده (۲۹-۱۴) |
| | سؤال در مورد روزه (۲۲-۱۸) | عیسی به ۵۰۰۰ نفر خوراک |
| | عیسی «صاحب‌اختیارِ روز سَبْت» (۲۸-۲۳) | می‌دهد (۴۴-۳۰) |
| | ۳ شفای مردی که دستش از کار افتاده | راه رفتن عیسی روی آب (۵۲-۴۵) |
| | بود (۶-۱) | شفا دادن در جَنیسارت (۵۶-۵۳) |
| | جمعیتی بزرگ در ساحل (۱۲-۷) | ۷ رسوا کردن سَنَت‌های گذشتگان (۱۳-۱) |
| | انتخاب و نام‌های دوازده رسول (۱۹-۱۳) | نجاست از دل برمی‌خیزد (۲۳-۱۴) |
| | کفرگویی به روح‌القدس (۳۰-۲۰) | ایمان زنی فینیقی (۳۰-۲۴) |
| | مادر و برادران عیسی (۳۵-۳۱) | شفای مردی ناشنوا (۳۷-۳۱) |
| | ۴ مَثَل‌هایی در مورد پادشاهی خدا (۳۴-۱) | ۸ عیسی به ۴۰۰۰ نفر خوراک می‌دهد (۹-۱) |
| | مَثَل برزگر (۹-۱) | درخواست نشانه (۱۳-۱۰) |
| | چرا عیسی از مَثَل‌ها استفاده | خمیرمایهٔ فَرِیسیان و هیروودیس (۲۱-۱۴) |
| | می‌کرد (۱۲-۱۰) | شفای مردی نابینا در بیت‌صیدا (۲۶-۲۲) |
| | توضیح مَثَل برزگر (۲۰-۱۳) | پطرس عیسی را مسیح می‌داند (۳۰-۲۷) |
| | چراغ را زیر سبد نمی‌نهند (۲۳-۲۱) | پیشگویی عیسی در خصوص |
| | «با همان ظرفی که پیمانه کنید، | مرگش (۳۳-۳۱) |
| | برای شما پیمانه می‌شود» (۲۵، ۲۴) | |

شاگردان حقیقی عیسی پیوسته از او پیروی می‌کنند (۳۸-۳۴)

۹ دگرگون شدن ظاهر عیسی (۱۳-۱)

شفای پسری که گرفتار روحی ناپاک بود (۲۹-۱۴)

«برای کسی که ایمان دارد، همه چیز ممکن است» (۲۳)

پیشگویی دوباره عیسی در خصوص مرگش (۳۲-۳۰)

بحث شاگردان بر سر این که کدام یک بزرگ‌تر است (۳۷-۳۳)

آن که بر ضد ما نیست، با ماست (۴۱-۳۸)
آنچه باعث لغزش می‌شود (۴۸-۴۲)
«در خود نمک داشته باشید» (۵۰، ۴۹)

۱۰ ازدواج و طلاق (۱۲-۱)

عیسی کودکان را برکت می‌دهد (۱۶-۱۳)
سؤال مردی ثروتمند (۲۵-۱۷)
از خودگذشتگی برای پادشاهی خدا (۳۱-۲۶)

پیشگویی دوباره عیسی در خصوص مرگش (۳۴-۳۲)

درخواست یعقوب و یوحنا (۴۵-۳۵)
عیسی بهای رهایی برای بسیاری (۴۵)
شفای بارتیمائوس نابینا (۵۲-۴۶)

۱۱ ورود پیروزمندانۀ عیسی (۱۱-۱)

خشک شدن درخت انجیر (۱۴-۱۲)
عیسی معبد را پاک می‌کند (۱۸-۱۵)
درسی از درخت انجیر خشک‌شده (۲۶-۱۹)
زیر سؤال بردن اقتدار عیسی (۳۳-۲۷)

۱۲ مَثَل باغبانان قاتل (۱۲-۱)

خدا و قیصر (۱۷-۱۳)
سؤال در مورد رستاخیز (۲۷-۱۸)

دو حکم بزرگتر (۳۴-۲۸)

آیا مسیح پسر داوود است؟ (۳۵-۳۷ الف)
هشدار در مورد علمای دین (۳۷-۴۰)
بیهوشی فقیر دو سکه اعانه می‌دهد (۴۴-۴۱)

۱۳ نشانه دوران پایانی (۳۷-۱)

جنگ، زمین‌لرزه، قحطی (۸)
موعظه خبر خوش (۱۰)
مصیبت عظیم (۱۹)
آمدن پسر انسان (۲۶)
مَثَل درخت انجیر (۳۱-۲۸)
هوشیار بمانید (۳۷-۳۲)

۱۴ توطئه کاهنان برای کشتن عیسی (۲، ۱)

ریختن روغن معطر بر عیسی (۹-۳)
یهودا به عیسی خیانت می‌کند (۱۱، ۱۰)
آخرین پشع (۲۱-۱۲)
پایه‌گذاری مراسم شام سترور (۲۶-۲۲)
پیشگویی انکار پطرس (۳۱-۲۷)
دعای عیسی در باغ جتسیمانی (۴۲-۳۲)
دستگیری عیسی (۵۲-۴۳)

محکوم کردن عیسی در مقابل

سنهدرین (۶۵-۵۳)
پطرس حاشا می‌کند که عیسی را می‌شناسد (۷۲-۶۶)

۱۵ عیسی در حضور پیلاتس (۱۵-۱)

تمسخر کردن عیسی در حضور همگان (۲۰-۱۶)
در خلجتها عیسی را به تیری می‌خکوب می‌کنند (۳۲-۲۱)

مرگ عیسی (۴۱-۳۳)
خاکسپاری عیسی (۴۷-۴۲)

۱۶ رستاخیز عیسی (۸-۱)

من توانا تر است؛ من حتی لایق آن نیستم
خم شوم و بند کفشش را بازکنم. ۸ من
شما را با آب تعمید دادم، اما او شما را
با روح القدس تعمید خواهد داد.»

۹ در همان روزها بود که عیسی از ناصره
جلیل آمد و در رود اردن به دست یحیی
تعمید گرفت. ۱۰ هنگامی که عیسی از
آب بیرون می آمد، ناگهان دید که آسمان
شکافته شد و روح القدس مانند کبوتری،
بر او پایین آمد. ۱۱ آنگاه ندایی از آسمان
شنیده شد که «تو پسر من و محبوب من
هستی؛ از تو خوشنودم.»*

۱۲ بلافاصله روح القدس، عیسی را بر
آن داشت که به بیابان برود. ۱۳ او ۴۰ روز
را در بیابان گذراند، جایی که جانوران
درنده در آن بودند. شیطان او را وسوسه
کرد. سپس فرشتگان به او خدمت کردند.
۱۴ عیسی بعد از دستگیر شدن یحیی
راهی جلیل شد و به موعظه بشارت
خدا پرداخت ۱۵ و می گفت: «زمان مقرر
فرارسیده و پادشاهی خدا نزدیک شده
است. توبه کنید و به این بشارت ایمان
آورید.»

۱۶ عیسی در حالی که در کنار دریای

چنین است آغاز خبر خوش* در مورد
عیسی مسیح، پسر خدا. ۲ در کتاب
إِسْعِیای نبی نوشته شده است: «(بنگر!
من پیام آور خود را قبل از تو* می فرستم؛
کسی که راه تو را آماده خواهد ساخت.)»
۳ صدای کسی شنیده می شود که در
بیابان فریاد برمی آورد: «راه یَهُوه* را آماده
کنید! طریق های او را هموار سازید.»*
۴ هماهنگ با این نوشته، یحیی
تعمیددهنده در بیابان ظهور نمود. او به
مردم موعظه می کرد که به نشان توبه
تعمید بگیرند؛ توبه ای برای بخشایش
گناهان. ۵ تمام اهالی یهودیه و اورشلیم
نزد او می رفتند، آشکارا به گناهان خود
اعتراف می کردند و در رود اردن به دست
او تعمید می گرفتند.* ۶ یحیی تن پوشی
از پشم شتر بر تن و کمربندی چرمی بر
کمر داشت و ملخ و عسل صحرایی
می خورد. ۷ او چنین موعظه می کرد:
«بعد از من شخصی خواهد آمد که از

عنوان* رجوع به واژه نامه: «بشارت». ۱: ۱ * یا:
«بشارت». ۲: ۱ * یا: «پیش روی تو». * این
قسمت آیه از ملاکی ۱: ۳ گرفته شده است. ۲: ۱
* این یکی از ۲۳۷ مرتبه ای است که نام خدا
«یَهُوه» در این ترجمه به کار رفته است؛ رجوع
به واژه نامه. ۳: ۴۰. ۵: ۱ * یا: «در آب فرو
می رفتند».

۲۴ «ای عیسی ناصری، با ما چه کار داری؟ آیا آمده‌ای ما را نابود کنی؟ من خوب می‌دانم تو کیستی، تو آن قدّوس خدا هستی!» ۲۵ اما عیسی آن دیو را نهیب زد و گفت: «خاموش شو و از او بیرون بیا!» ۲۶ آنگاه روح ناپاک، آن مرد را به تشنج انداخت و نعره‌کشان از وی بیرون آمد. ۲۷ مردم همه چنان متعجب شدند که به یکدیگر می‌گفتند: «این چیست؟ عجب شیوهٔ تعلیمی! او حتی به ارواح ناپاک نیز با اقتدار فرمان می‌دهد و آن‌ها از وی اطاعت می‌کنند.» ۲۸ به این ترتیب، طولی نکشید که خبر کارهای عیسی در سراسر نواحی جلیل پیچید.

۲۹ آنان پس از ترک کنیسه، به اتفاق یعقوب و یوحنا به خانهٔ شمعون و آندریاس رفتند. ۳۰ مادرزن شمعون تب داشت و در بستر بیماری خوابیده بود. به محض این که عیسی به آنجا رسید، او را از حال آن زن باخبر کردند. ۳۱ عیسی پیش او رفت، دستش را گرفت و او را برخیزاند. آنگاه تبش قطع شد و به پذیرایی از آنان پرداخت.

۳۲ شامگاهان، پس از غروب آفتاب، مردم همهٔ بیماران و دیوزدگان را نزد عیسی آوردند. ۳۳ تمام مردم شهر، مقابل در آن

جلیل* راه می‌رفت، شمعون* و آندریاس، برادر شمعون را که ماهیگیر بودند، دید که تورهای خود را به دریا می‌اندازند. ۱۷ عیسی به آنان گفت: «دنبال من بیایید و من از شما صیاد انسان می‌سازم.» ۱۸ آنان همان دم تورهای خود را رها کردند و به دنبال او رفتند. ۱۹ عیسی چون اندکی پیش رفت، یعقوب و یوحنا پسران زبّدی را در قایقشان در حال تعمیر تورهایشان دید. ۲۰ او بی‌درنگ ایشان را فراخواند. پس آنان پدر خود، زبّدی را با کارگران در قایق رها کردند و در پی او روانه شدند. ۲۱ سپس به کفرناحوم رفتند.

همین که روز سَبْت* فرارسید، عیسی به کنیسه رفت و شروع به تعلیم دادن نمود. ۲۲ شیوهٔ تعلیم او، مردم را شگفت‌زده کرد؛ زیرا با اقتدار تعلیم می‌داد، نه همچون علمای دین.* ۲۳ در آن هنگام، در کنیسه مردی حضور داشت که تحت سلطهٔ روحی ناپاک بود. او فریاد برآورد:

۱۶:۱ * دریاچه‌ای است که در کتاب مقدّس به نام‌های دریاچهٔ جنیسارت، دریای جلیل و دریای تیبریّه خوانده شده است. * نام دیگر پطرس. ۲۱:۱ * رجوع به واژه‌نامه. ۲۲:۱ * یا: «کاتبان»؛ مفسران و معلمان شریعت در روزگار عیسی؛ رجوع به واژه‌نامه.

خانه جمع شدند. ۳۴ او بسیاری از بیماران را که به امراض مختلف مبتلا بودند، شفا داد. همچنین دیوهای بسیاری را بیرون راند. با این حال، عیسی به آن‌ها اجازه صحبت نمی‌داد؛ زیرا دیوها می‌دانستند که او همان مسیح* است. ۳۵ بامدادان که هوا هنوز تاریک بود، عیسی برخاست. از منزل خارج شد، به مکانی خلوت رفت و در آنجا به دعا پرداخت. ۳۶ شمعون و همراهانش به جستجوی او پرداختند. ۳۷ وقتی عیسی را یافتند، به او گفتند: «همه به دنبال تو می‌گردند.» ۳۸ اما او گفت: «بیایید به مناطق دیگر، به شهرهای اطراف برویم تا در آنجا نیز موعظه کنم؛ زیرا برای همین آمده‌ام.» ۳۹ پس آنجا را ترک کرد. عیسی در سراسر جلیل در کنیسه‌هایشان موعظه می‌کرد و دیوها را بیرون می‌راند.

۴۰ همچنین مردی جذامی* نزد عیسی آمد، به او التماس کرد، حتی در برابر وی به زانو افتاد و گفت: «اگر فقط بخواهی، قادری مرا پاک کنی.» ۴۱ عیسی دلش به حال او سوخت. پس دستش را

نزد عیسی

۲۴:۱ * «مسیح» به یونانی کُرسْتُس و به عبری مَشیخ به معنی «مسح شده» یا «انتخاب شده» است. * یا احتمالاً: «می‌دانستند که او کیست».

۲ پس از چند روز، عیسی به کُفرناحوم بازگشت و مردم باخبر شدند که او در خانه است. ۲ از این رو، بسیاری در آنجا جمع شدند. ازدحام جمعیت به حدی بود که حتی جلوی در خانه هم جایی نبود و او موعظه کلام خدا را به ایشان آغاز کرد. ۳ در این هنگام، عده‌ای به همراه مردی فلج که چهار

۴۰:۱ * رجوع به واژه‌نامه.

از آنجا بیرون رفت. پس همه شگفت زده شدند و خدا را تمجید کردند و گفتند: «تا به حال چنین چیزی ندیده بودیم!»

۱۲ بار دیگر عیسی به کناره دریا رفت. مردم همه نزد وی می آمدند و او به آنان تعلیم می داد. ۱۴ سپس هنگامی که می رفت، چشمش به لاوی، پسر خلفای افتاد که در محل وصول مالیات نشسته بود. به او گفت: «پیرو من شو.» آنگاه لاوی برخاست و در پی عیسی رفت. ۱۵ چندی بعد، عیسی در خانه لاوی بر سر سفره نشسته بود و بسیاری از خراجگیران و گناهکاران با او و شاگردانش همسفره بودند؛ زیرا عده زیادی از آنان از او پیروی می کردند. ۱۶ وقتی علمای فریسی* دیدند که او با گناهکاران و خراجگیران همسفره شده است، به شاگردانش گفتند: «چرا با خراجگیران و گناهکاران غذا می خورد؟» ۱۷ عیسی با شنیدن این سخن به آنان گفت: «بیماران نیاز به پزشک دارند، نه افراد سالم. من آمده ام تا گناهکاران را فراخوانم، نه درستکاران* را.»

۱۸ از آنجا که شاگردان یحیی و فریسیان رسم داشتند که روزه بگیرند،

نفر او را حمل می کردند، آمدند. ۴ اما به دلیل ازدحام جمعیت نتوانستند او را نزد عیسی ببرند. از این رو، سقف بالای سر عیسی را برداشتند و از آنجا تخته را که مرد فلج روی آن خوابیده بود، پایین فرستادند. ۵ عیسی با دیدن ایمان آنان به مرد فلج گفت: «فرزند، گناهان تو بخشیده شد.» ۶ آنگاه برخی علمای دین که آنجا نشسته بودند، در دل خود چنین اندیشیدند: ۷ «چرا این مرد چنین سخنی می گوید؟ این کفر است. چه کسی غیر از خدا می تواند گناهان را ببخشد؟» ۸ چون عیسی بی درنگ پی برد* که در دل با خود چه می اندیشند، به آنان گفت: «چرا در دلتان چنین می اندیشید؟ کدام آسان تر است، گفتن این سخن به مرد فلج که گناهانت بخشیده شد یا گفتن این که برخیز و تخت را بردار و راه برو؟ ۱۰ اما برای این که به شما نشان دهم که پسر انسان بر زمین اختیار بخشیدن گناهان مردم را دارد . . . » رو به مرد فلج کرد و گفت: ۱۱ «به تو می گویم، برخیز، تخت خود را بردار و به خانه ات برو.» ۱۲ با این سخن، او برخاست و بی درنگ تخت خود را برداشت و در مقابل چشمان همه

۱۶:۲* رجوع به واژه نامه. ۱۷:۲* یا: «عادلان».

۸:۲* تحت اللفظی: «در روح خود پی برد».

به آنان گفت: «مگر تا به حال نخوانده‌اید که داوود چه کرد هنگامی که خود و همراهانش محتاج و گرسنه بودند؟ ۲۶ مگر نخوانده‌اید که داوود در زمان اَبِیاتار، کاهن اعظم، به خانه خدا داخل شد و از نان تقدیمی خورد و به همراهانش نیز داد، هرچند خوردن آن جز برای کاهنان برای کسی دیگر جایز نیست؟» ۲۷ سپس به ایشان گفت: «سَبَّت برای منفعت انسان به وجود آمد، نه انسان برای حفظ سَبَّت. ۲۸ بنابراین، پسر انسان حتی صاحب اختیار* روز سَبَّت است.»

۳ بار دیگر عیسی به کنیسه وارد شد. در آنجا مردی را دید که دستش از کار افتاده بود.* ۲ فریسیان عیسی را زیر نظر داشتند تا اگر آن مرد را در سَبَّت* شفا دهد، او را متهم کنند. ۳ او به مردی که دستش از کار افتاده بود،* گفت: «برخیز و در مقابل جمع بایست.» ۴ آنگاه به فریسیان گفت: «در سَبَّت نیکویی کردن جایز است یا بدی کردن؟ جان کسی را نجات دادن جایز است یا کشتن او؟» اما آنان ساکت ماندند. ۵ عیسی از سنگدلی‌شان عمیقاً اندوهگین شد و

۲۸:۲ * تحت اللفظی: «سُرور». ۱:۳، ۳ * یا: «دستش خشک شده بود؛ دستش فلج شده بود».

عده‌ای پیش عیسی آمدند و گفتند: «چرا شاگردان یحیی و شاگردان فریسیان روزه می‌گیرند، اما شاگردان تو روزه نمی‌گیرند؟» ۱۹ عیسی در جواب گفت: «آیا بجاست وقتی داماد با مهمانانش* است، مهمانان روزه بگیرند؟ خیر، تا زمانی که داماد با آنان است، روزه گرفتن برایشان بجای نیست. ۲۰ اما روزهایی خواهد آمد که داماد از آنان گرفته خواهد شد، آنگاه روزه خواهند گرفت. ۲۱ کسی پارچه نو* را به لباسی کهنه وصله نمی‌زند؛ زیرا اگر چنین کند، با آب رفتن پارچه نو، پارگی لباس کهنه از قبل نیز بدتر می‌شود. ۲۲ همچنین کسی شراب تازه را در مشک کهنه نمی‌ریزد؛ زیرا شراب مشک را می‌ترکاند و هم شراب ضایع می‌شود، هم مشک. شراب تازه را در مشک نو می‌ریزند.»

۲۳ یک بار که عیسی در روز سَبَّت* از میان گندمزارها می‌گذشت، شاگردانش حین راه رفتن، شروع به چیدن خوشه‌های گندم کردند. ۲۴ فریسیان به او گفتند: «بین! چرا شاگردانت کاری را که در سَبَّت جایز نیست، می‌کنند؟» ۲۵ عیسی

۱۹:۲ * یا: «دوستانش». ۲۱:۲ * تحت اللفظی: «آب‌نرفته». ۲:۳؛ ۲۳:۲ * رجوع به واژه‌نامه.

کسانی را که مد نظر داشت نزد خود فراخواند و آنان پیش او آمدند. ۱۴ او ۱۲ نفر را انتخاب کرد* و آنان را رسول* خواند. عیسی آن گروه را برگزید تا همراه وی باشند. او در نظر داشت که ایشان را به موعظه بفرستد ۱۵ و اقتدار بیرون راندن دیوها را به آنان بدهد.

۱۶ آن ۱۲ نفری که عیسی برگزید،* عبارت بودند از: شَمعون که او را پِطْرُس لقب داد، ۱۷ یعقوب و یوحنا پسران زبیدی (او آن دو را نیز بوآنرِجس، یعنی «پسران رعد» لقب داد)، ۱۸ آندریاس، فیلیپس، بَرْتُولْمَا، مَتَّى، توما، یعقوب پسر حَلْفای، تَدَای، شَمعون غیور* ۱۹ و یهودای اسخریوطی که چندی بعد به او خیانت کرد.

عیسی به خانه‌ای داخل شد ۲۰ و بار دیگر عده‌ای کثیر جمع شدند، طوری که او و شاگردانش حتی نتوانستند غذا بخورند. ۲۱ وقتی خویشان این را شنیدند، آمدند تا او را با خود ببرند؛ زیرا می‌گفتند: «عقلش را از دست داده است.» ۲۲ همچنین علمای دین که از

با خشم به آنان نظر افکند. سپس به آن مرد گفت: «دست را دراز کن.» او دستش را دراز کرد و دست او شفا یافت. ۶ پس از آن، فَرِیسیان بیرون رفتند و بی‌درنگ با هواداران حزب هیرودیس برای کشتن او به مشورت نشستند.

۷ سپس عیسی و شاگردانش آنجا را ترک کردند و راه دریا را پیش گرفتند. جمعیتی بزرگ نیز از جلیل و یهودیه به دنبال او رفتند. ۸ حتی از اورشلیم و اِدومیه و از آن طرف رود اردن و از اطراف صور و صیدون* جمعیتی بی‌شمار نزد او آمدند، چون خبر اعمال بسیارش به گوش آنان نیز رسیده بود. ۹ عیسی به شاگردانش گفت که قایقی کوچک برایش آماده داشته باشند تا مردم بر او ازدحام نکنند؛ ۱۰ زیرا بسیاری را شفا داده بود و تمام کسانی که بیماری‌هایی سخت داشتند، بر وی هجوم می‌آوردند تا او را لمس کنند. ۱۱ حتی هر بار که روح‌های ناپاک او را می‌دیدند، پیش پایش می‌افتادند و فریاد می‌زدند: «تو پسر خدا هستی!» ۱۲ او چندین بار به آنان اکیداً فرمان داد که هویتش را آشکار نکنند.

۱۳ عیسی به بالای کوهی رفت،

۱۴:۳، ۱۶ * یا: «منسوب کرد». ۱۴:۳ * به یونانی آپوستولوس یعنی فرستاده. ۱۸:۳ * به یونانی کُنْائوس؛ با لوقا ۱۵:۶ مقایسه شود.

۳۱ آنگاه مادر و برادرانش آمدند، بیرون ایستادند و کسی را فرستادند تا او را صدا کند. ۳۲ اما چون جمعیت زیاد بود، کسانی که گرد او نشسته بودند، به او گفتند: «مادرت و برادرانت بیرون ایستاده‌اند و تو را می‌جویند.» ۳۳ عیسی پاسخ داد: «چه کسانی مادرم و برادرانم هستند؟» ۳۴ سپس به افرادی که گرداگرد او نشسته بودند، نگاه کرد و گفت: «بینید! این‌ها مادر و برادران من هستند. ۳۵ هر که خواست خدا را انجام دهد، او برادر، خواهر و مادر من است.»

۴ عیسی بار دیگر در کنار دریا به تعلیم دادن پرداخت و گروهی بسیار بزرگ نزد او جمع شدند. پس در قایقی نشست و اندکی از ساحل فاصله گرفت. تمام مردمی که کنار دریا بودند، در ساحل ماندند. ۲ او با مَثَل، تعالیم بسیاری به آنان داد و در حین تعالیمش گفت: ۳ «گوش کنید! برزگری برای بذرافشانی بیرون رفت. ۴ همچنان که بذرها را می‌پاشید، بعضی در کنار راه افتاد و پرنندگان آمدند و آن‌ها را خوردند. ۵ بعضی دیگر بر زمین سنگی افتاد، جایی که خاک چندانی نداشت. پس چون خاک کم‌عمق بود، فوراً جوانه

اورشلیم آمده بودند، می‌گفتند: «او بَعْلَزَبول* دارد و با قدرت فرمانروای دیوهاست که دیوها را بیرون می‌راند.» ۲۳ از این رو، عیسی آنان را فراخواند و برایشان مثال‌هایی آورد و گفت: «چگونه ممکن است شیطان، شیطان را بیرون کند؟ ۲۴ اگر در سلطنتی تفرقه بیفتد، ممکن نیست آن سلطنت دوام بیاورد. ۲۵ و اگر در خانواده‌ای تفرقه بیفتد، آن خانواده از هم می‌پاشد. ۲۶ همچنین اگر شیطان بر ضدّ خود قیام کند و در سلطنتش* تفرقه بیفتد، او نمی‌تواند دوام بیاورد و پایان کارش خواهد رسید. ۲۷ در واقع، کسی که به خانهٔ مردی زورمند داخل شده است، مگر اول او را ببندد. تنها اینچنین می‌تواند خانهٔ او را غارت کند. ۲۸ به‌راستی به شما می‌گویم که همهٔ گناهان و کفرگویی‌های انسان، هر چه که باشد، بخشیده می‌شود. ۲۹ اما هر کس به روح‌القدس کفرگوید تا ابد بخشیده نخواهد شد، بلکه گناه ابدی به گردن دارد.» ۳۰ عیسی این را گفت، چون آنان می‌گفتند: «او روح ناپاک دارد.»

۲۲:۳ * نامی که به شیطان، فرمانروای دیوها داده شده است. ۲۶:۳ * یا: «در او».

بعد از شنیدن آن، شیطان می‌آید و آن کلام را که در آنان کاشته شده بود، می‌برد. ۱۶ همچنین برخی مردم مانند بذره‌های افشاندۀ شده بر زمین سنگی هستند؛ با شنیدن کلام، بلافاصله آن را با شادی می‌پذیرند. ۱۷ آنان اگرچه ریشه‌ای در خود ندارند، مدتی دوام می‌آورند؛ اما به محض این‌که به سبب کلام با مصیبت و آزاری روبرو می‌شوند، لغزش می‌خورند. ۱۸ برخی دیگر نیز همچون بذره‌های افشاندۀ شده در میان خارها هستند. اینان کلام را می‌شنوند، ۱۹ اما نگرانی‌های این دنیا،* قدرت فریبنده ثروت و امیال گوناگون بر دل آنان تأثیر می‌گذارد، کلام را خفه می‌کند و آن را بی‌ثمر می‌سازد. ۲۰ برخی دیگر مانند بذره‌های افشاندۀ شده در خاک خوب هستند؛ کلام را می‌شنوند، آن را با آغوش باز می‌پذیرند و ثمر می‌آورند، برخی ۳۰، برخی ۶۰ و برخی ۱۰۰ برابر.»

۲۱ همچنین به آنان گفت: «آیا چراغ را می‌آورند که زیر سبد یا زیر تخت نهند؟ مگر نمی‌آورند تا آن را روی پایه بگذارند؟ ۲۲ زیرا چیزی نیست که پنهان باشد و

۱۹:۴ * یا: «عصر»: رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر».

آن‌ها سر از خاک بیرون آورد. ۶ اما، چون ریشه‌ای نداشت، با بالا آمدن خورشید پژمرده و خشک شد. ۷ بعضی بذرها در میان خارها افتاد و رشد خارها آن‌ها را خفه کرد و هیچ ثمری نیاورد. ۸ اما بذره‌های دیگر در خاک خوب افتاد، سبز شد، رشد کرد و بعضی ۳۰، بعضی ۶۰ و بعضی ۱۰۰ برابر ثمر آورد.» ۹ سپس اضافه کرد: «هر که گوش شنوا دارد، بشنود.»

۱۰ زمانی که عیسی در خلوت بود، کسانی که با او بودند، از جمله آن دوازده نفر در مورد معنی مثل‌هایش از او سؤال کردند. ۱۱ عیسی به آنان گفت: «درک راز مقدس پادشاهی خدا به شما داده شده است، اما برای دیگران تعالیم من در حد مثل باقی می‌ماند، ۱۲ تا هر چند چشم دارند و می‌بینند، نفهمند، هر چند گوش دارند و می‌شنوند، درک نکنند. آنان هیچ گاه به سوی خدا بازگشت نخواهند کرد و بخشیده نخواهند شد.» ۱۳ سپس گفت: «اگر شما این مثل را درک نکردید، چگونه می‌خواهید مثل‌های دیگر را درک کنید؟»

۱۴ «برزگر کلام را می‌افشاند. ۱۵ برخی مردم همچون بذره‌های کنار راهند. کلام در دلشان کاشته می‌شود، اما بلافاصله

که کاشته شد، رشد می‌کند و از همه گیاهان* بزرگ‌تر می‌شود و شاخه‌هایش چنان بزرگ می‌شود که پرندگان آسمان می‌توانند در سایه آن پناه گیرند.»

۳۳ عیسی با ذکر مَثَل‌هایی فراوان از این قبیل، تا حدّی که برای آنان قابل درک بود، کلام را موعظه می‌کرد. ۳۴ در واقع، او بدون آوردن مَثَل به ایشان هیچ نمی‌گفت؛ اما همه را در خلوت برای شاگردانش شرح می‌داد.

۳۵ عصر آن روز، عیسی به شاگردانش گفت: «به آن طرف دریا برویم.» ۳۶ پس هنگامی که جمعیت را مرخص کردند، او را با همان قایقی که در آن بود، بردند و چند قایق دیگر نیز او را همراهی کرد. ۳۷ ناگهان تندبادی شدید آغاز شد و امواج چنان به قایق می‌خورد که نزدیک بود از آب پر شود. ۳۸ اما عیسی در عقب قایق سر بر بالش نهاده و خوابیده بود. پس شاگردانش او را بیدار کردند و گفتند: «استاد، نزدیک است که هلاک شویم، برایت مهم نیست؟» ۳۹ عیسی برخاست، به باد نهیب زد و به دریا گفت: «ساکت شو! آرام شو!» باد فرونشست و

۲۲:۴* منظور سبزی‌ها و گیاهان خوراکی است که در باغ می‌کاشتند.

آشکار نشود؛ چیزی نیست که نهان باشد و نمایان نشود. ۲۳ هر که گوش شنوا دارد، بشنود.»

۲۴ سپس به آنان گفت: «به آنچه می‌شنوید، عمل کنید. با همان ظرفی که پیمانه کنید، برای شما پیمانه می‌شود. آری، حتی بیش از آن به شما داده خواهد شد؛ ۲۵ زیرا به کسی که دارد، بیشتر داده می‌شود، اما آن که ندارد، حتی آنچه دارد هم از او گرفته خواهد شد.»

۲۶ پس از آن چنین افزود: «پادشاهی خدا را می‌توان این گونه تشبیه کرد؛ مردی بذر بر زمین می‌پاشد، ۲۷ شب و روز، چه خواب باشد چه بیدار، بذرها سبز می‌شود و رشد می‌کند. اما چگونه؟ او نمی‌داند. ۲۸ زمین، خود به تدریج ثمر می‌دهد؛ نخست ساقه، سپس خوشه و در آخر خوشه پراز دانه. ۲۹ اما به محض رسیدن محصول، برزگر دست به داس می‌برد؛ زیرا زمان درو رسیده است.»

۳۰ عیسی در ادامه گفت: «پادشاهی خدا را به چه چیز می‌توان تشبیه کرد، یا با چه مَثَلی می‌توان توضیح داد؟ ۳۱ پادشاهی خدا مانند دانه خردل است که وقتی کاشته می‌شود، کوچک‌ترین دانه روی زمین است، ۳۲ اما بعد از این

می‌دهم، مرا عذاب مده. ۸ چون عیسی به آن روح ناپاک گفته بود: «ای روح ناپاک، از این مرد بیرون بیا.» ۹ عیسی از او پرسید: «اسم تو چیست؟» پاسخ داد: «اسم من لشکر* است؛ زیرا عده بسیاری هستم.» ۱۰ او بارها از عیسی استدعا کرد که آن‌ها را از آن ناحیه بیرون نکند. ۱۱ در آن حوالی، روی تپه‌ها یک گله بزرگ خوک مشغول چرا بود. ۱۲ ارواح ناپاک از عیسی چنین استدعا کردند: «ما را درخوک‌ها بفرست، بگذار به درون آن‌ها برویم.» ۱۳ عیسی این اجازه را به آن‌ها داد. آنگاه ارواح ناپاک از آن مرد بیرون آمدند و به درون خوک‌ها رفتند. ناگهان گله خوک به سمت پرتگاهی* شتافت و به دریا افتاد؛ تمام گله، حدود ۲۰۰۰ خوک، در دریا غرق شد. ۱۴ خوکبانان گریختند و خبر آن ماجرا را در شهر و آبادی پخش کردند. پس مردم آمدند که ببینند چه اتفاقی روی داده است. ۱۵ آنان نزد عیسی آمدند و با دیدن آن مرد که پیش از این تحت سلطه لشکری از دیوها بود و اکنون لباس بر تن داشت و عاقل در آنجا نشسته بود، ترسان

۹:۵ * تحت‌اللفظی: «لژیون»؛ یکی از یگان‌های بزرگ ارتش روم باستان. در اینجا این واژه به شماری کثیر اشاره دارد. ۱۳:۵ * یا: «شیبی تند».

آرامش مطلق برقرار شد. ۴۰ پس به آنان گفت: «چرا این طور ترسیده‌اید؟* آیا هنوز هیچ ایمان ندارید؟» ۴۱ اما ترسی عجیب بر دلشان افتاد و به یکدیگر گفتند: «واقعاً این کیست؟ حتی باد و دریا هم از او اطاعت می‌کنند!»

۵ سپس آنان به آن طرف دریا به منطقه جراسیان رفتند. ۲ اندکی پس از آن که عیسی از قایق پیاده شد، مردی که تحت سلطه روحی ناپاک بود، از قبرستان بیرون آمد و با عیسی روبرو شد. ۳ آن مرد در قبرستان به سر می‌برد و تا آن زمان هیچ کس حتی با زنجیر نیز نتوانسته بود، او را بسته نگاه دارد. ۴ بارها او را با زنجیر و پابندهای آهنی بسته بودند، اما هر بار زنجیرها را پاره می‌کرد و پابندها را می‌شکست و هیچ کس قدرت مهار کردن او را نداشت. ۵ او شب و روز، پیوسته در قبرستان و کوهستان فریاد می‌کشید و خود را با سنگ‌ها زخمی می‌کرد. ۶ اما همین که عیسی را از دور دید، به سوییш دوید و در مقابل او به خاک افتاد. ۷ سپس با صدای بلند فریاد زد: «ای عیسی، پسر خدای متعال، تو با من چه کار داری! تو را به خدا قسم

۴۰:۴ * یا: «بی‌دل و جرأتید».

۲۴ پس عیسی با او رفت. جمعی کثیر نیز به دنبالش رفتند و از هر سو بر او ازدحام می‌کردند.

۲۵ در میان آنان، زنی بود که ۱۲ سال به خون‌ریزی مبتلا بود. ۲۶ او تحت معالجهٔ پزشکان بسیاری قرار گرفته، رنج فراوان کشیده بود و تمام دارایی خود را نیز خرج کرده بود. اما نه تنها فایده‌ای نبرده بود، بلکه بدتر هم شده بود. ۲۷ چون او در مورد عیسی چیزهایی شنیده بود، خود را از میان جمعیت به پشت او رساند و لباسش را لمس کرد، ۲۸ چون پیش خود می‌گفت: «اگر فقط لباسش را لمس کنم، شفا می‌یابم.» ۲۹ همان دم خون‌ریزی او قطع شد و در وجود خود حس کرد که از آن بیماری جانکاه شفا یافته است.

۳۰ عیسی همان لحظه دریافت که نیرویی از او خارج شده است. پس اطرافش را نگاه کرد و پرسید: «چه کسی لباس مرا لمس کرد؟» ۳۱ شاگردانش گفتند: «خود می‌بینی که جمعیت چطور بر تو ازدحام می‌کنند و می‌پرسی، (چه کسی مرا لمس کرد؟)» ۳۲ اما عیسی به اطراف نگاه می‌کرد که ببیند چه کسی این کار را کرده است. ۳۳ آن زن که می‌دانست چه اتفاقی برایش افتاده است، هراسان و لرزان

شدند. ۱۶ همچنان شاهدانِ ماجرا برای آنان تعریف کردند که چه اتفاقی برای مرد دیوزده و خوک‌ها افتاد. ۱۷ پس مردم از عیسی استدعا کردند که منطقه‌شان را ترک کند.

۱۸ هنگامی که عیسی سوار بر قایق می‌شد، مردی که پیش از آن دیوزده بود، از عیسی تمنا کرد که همراه او برود. ۱۹ اما عیسی اجازه نداد و گفت: «به خانه نزد خویشان برو و تمام آنچه یَهُوَه* برای تو انجام داده و رحمتی را که به تو نشان داده است، برایشان تعریف کن.» ۲۰ پس آن مرد رفت و تمام آنچه را عیسی برایش انجام داده بود، در منطقهٔ دِکاپولیس* اعلام کرد و همهٔ مردم شگفت‌زده شدند. ۲۱ عیسی بار دیگر با قایق به آن طرف

دریا رفت. هنوز در کنار دریا بود که جمعی کثیر دور او جمع شدند. ۲۲ آنگاه یکی از مسئولان کنیسه که یایروس نام داشت، آمد و با دیدن عیسی به پایش افتاد. ۲۳ او چندین بار از عیسی چنین تمنا کرد: «دختر کوچکم شدیداً بیمار است.*» استدعا می‌کنم بیایی و دست‌هایت را بر او بگذاری تا شفا یابد و زنده بماند.»

۵: ۱۹، ۲۰ * رجوع به واژه‌نامه. ۵: ۲۳ * یا: «دختر کوچکم در حال مرگ است».

آن دختر را گرفت و به او گفت: «تَلِیتا قومی» که به این معنی است: «دخترک، به تو می‌گویم، برخیز!» ۴۲ همان دم آن دختر برخاست و شروع به راه رفتن کرد. (او ۱۲ سال داشت.) آنان با دیدن این واقعه غرق در حیرت و شادی شدند. ۴۳ اما عیسی بارها و بارها* به ایشان امر کرد که کسی را از این واقعه باخبر نکنند. همچنین گفت چیزی برای خوردن به دختر بدهند.

۶ عیسی آنجا را ترک کرد و به دیار خود رفت، شاگردانش نیز به دنبال او رفتند. ۲ وقتی روز سَبْت* فرارسید، در کنیسه به تعلیم دادن پرداخت. اکثر کسانی که به سخنانش گوش می‌دادند، متعجب شدند و گفتند: «این مرد این چیزها را از کجا آموخته است؟ چرا چنین حکمتی به او داده شده است و چنین معجزاتی* به دست او انجام می‌شود؟ ۳ مگر این همان نجّار، پسر مریم و برادر یعقوب، یوسف، یهوذا و شمعون نیست؟ مگر خواهرانش همگی اینجا در میان ما زندگی نمی‌کنند؟» پس آنان او را رد کردند.* ۴ عیسی به آنان گفت:

۴۳: ۵ یا: «با تأکید بسیار». ۲: ۶ رجوع به واژه‌نامه. * تحت اللفظی: «اعمال خارق‌العاده». ۳: ۶ * تحت اللفظی: «به سبب او لغزش خوردند».

پیش آمد و در مقابل عیسی به خاک افتاد و تمام حقیقت را برای او بیان کرد. ۳۴ عیسی گفت: «ای دختر، ایمانت تو را شفا داده است. به سلامت برو و از آن بیماری جانکاه آسوده باش.»

۳۵ او هنوز مشغول صحبت بود که افرادی از خانه یایروس آمدند و گفتند: «دخترت مرد! دیگر لزومی ندارد به استاد زحمت دهی.» ۳۶ اما عیسی که سخنان آنان را شنید، به یایروس گفت: «ترسان مباش!* فقط ایمان داشته باش.» ۳۷ عیسی اجازه نداد کسی غیر از پطرس، یعقوب و یوحنا برادر یعقوب همراهش برود.

۳۸ پس به خانه یایروس رسیدند و عیسی در آنجا جمعی پریشان‌حال را دید که با صدای بلند شیون و زاری می‌کنند. ۳۹ وقتی به خانه داخل شد، به آنان گفت: «این غوغا و زاری برای چیست؟ دختر نمرده، بلکه خوابیده است.» ۴۰ آنان با شنیدن این سخن، با حالتی تمسخرآمیز به او خندیدند. اما عیسی ایشان را بیرون کرد و پدر و مادر دختر و شاگردانش را با خود به جایی که دختر خوابیده بود، برد. ۴۱ سپس دست

۳۶: ۵ یا: «دیگر مترس».

توبه کنند. ۱۳ همچنین دیوهای بسیاری را بیرون راندند و بسیاری از بیماران را با روغن تدهین کردند و شفا دادند.

۱۴ این اخبار به گوش هیروдіس* پادشاه رسید؛ زیرا نام عیسی شهرت یافته بود و مردم می‌گفتند: «یحیای تعمیددهنده از مردگان برخیزانده شده است و به همین دلیل این اعمال خارق‌العاده* از او سر می‌زند.»

۱۵ عده‌ای نیز می‌گفتند: «او ایلیاست.»* بعضی دیگر نیز می‌گفتند: «مانند پیامبران گذشته، او هم پیامبر است.» ۱۶ اما وقتی هیروдіس این‌ها را شنید، گفت: «این همان یحیی است که من سرش را از تنش جدا کردم. او برخیزانده شده است.» ۱۷ زیرا خود هیروдіس به خاطر هیروдіا فرمان داده بود که یحیی را دستگیر کنند و در زندان به بند کشند.

هیروдіس با هیروдіا که زن برادرش فیلیپس بود، ازدواج کرده بود. ۱۸ یحیی بارها به هیروдіس گفته بود: «داشتن زن برادرت برای تو جایز نیست.» ۱۹ به همین خاطر هیروдіا کینه یحیی را در دل می‌پروراند و می‌خواست او را بکشد، اما

۱۴:۶* رجوع به واژه‌نامه. * یا: «معجزات». ۱۵:۶* یا: «الیاس است».

«نبی در هیچ جا بی‌حرمت نیست، مگر در دیار خود، در میان خویشان و در خانه خود.» ۵ از این رو، بجز دست گذاشتن بر چند بیمار و شفا دادن آنان، نتوانست در آنجا هیچ معجزه دیگری انجام دهد. ۶ عیسی واقعاً از بی‌ایمانی آنان تعجب کرد. از آن پس، او به تمام آبادی‌های آن اطراف می‌رفت و به مردم تعلیم می‌داد. ۷ عیسی آن دوازده نفر را فراخواند و ایشان را دوبه‌دو فرستاد و به آنان بر ارواح ناپاک اقتدار بخشید. ۸ همچنین فرمان داد تا بجز یک چوبدستی، چیزی دیگر با خود نبرند؛ نه نان، نه کوله‌بار و نه پول* در کیسه کمر بند خود. ۹ کفش به پا کنند، اما جامه اضافی* بر تن نکنند. ۱۰ همچنین گفت: «به هر خانه‌ای که وارد می‌شوید، تا زمانی که در آن منطقه هستید، در آن خانه بمانید. ۱۱ هر جا کسی شما را نپذیرفت یا به سخنانتان گوش نداد، هنگام ترک آنجا، خاک پای خود را بتکانید* تا شهادتی برای آنان شود.» ۱۲ سپس رسولان به راه افتادند. آنان به مردم موعظه می‌کردند که

۸:۶* تحت‌اللفظی: «مس». ۹:۶* تحت‌اللفظی: «دو جامه». ۱۱:۶* شخص با تکان دادن گرد و خاک از پا نشان می‌داد که دیگر مسئولیتی به گردن ندارد.

نمی‌توانست؛ ۲۰ زیرا هیرودیس یحیی را مردی درستکار* و مقدس می‌دانست. از این رو، از او می‌ترسید و از او محافظت می‌کرد. هر بار که هیرودیس این سخنان را از یحیی می‌شنید، نمی‌دانست چه کار کند. با این حال، دوست داشت که به سخنان او گوش دهد.

۲۱ اما فرصت مناسب برای هیرودیا زمانی پیش آمد که هیرودیس در سالروز تولدش شامی مفصل ترتیب داد و افراد عالی‌رتبه، فرماندهان نظامی و مردان سرشناس جلیل را دعوت کرد. ۲۲ دختر هیرودیا وارد مجلس شد، رقصید و هیرودیس و مهمانانش را بسیار شاد کرد. پس پادشاه به آن دختر گفت: «هر چه می‌خواهی درخواست کن و آن را به تو خواهم داد.» ۲۳ آری، برای او چنین قسم خورد: «هر آنچه از من درخواست کنی به تو خواهم داد؛ حتی نیمی از قلمرو خود را.» ۲۴ پس آن دختر بیرون رفت و به مادرش گفت: «چه درخواست کنم؟» مادرش گفت: «سر یحیی‌ای تعمیم‌دهنده را.» ۲۵ پس بلافاصله شتابان نزد پادشاه رفت و از او چنین درخواست کرد: «می‌خواهم که

هم‌اکنون سر یحیی‌ای تعمیم‌دهنده را در یک سینی به من بدهی.» ۲۶ با این که پادشاه بسیار غمگین شد، به خاطر سوگندهایی که در مقابل مهمانانش* خورده بود، نخواست که درخواست وی را رد کند. ۲۷ پس پادشاه بلافاصله یکی از نگهبانان خود را فرستاد و دستور داد که سر یحیی را بیاورد. او نیز رفت، سر یحیی را در زندان از تنش جدا کرد، ۲۸ و در سینی آورده، به دختر داد و دختر نیز آن را به مادرش داد. ۲۹ شاگردان یحیی با شنیدن خبر این واقعه، آمدند و بدن او را بردند و آن را در مقبره‌ای قرار دادند.

۳۰ رسولان نزد عیسی جمع شدند و او را از تمام آنچه کرده و تعلیم داده بودند، باخبر ساختند. ۳۱ عیسی به آنان گفت: «بیایید تنها به مکانی خلوت و دورافتاده برویم تا آنجا کمی استراحت کنید.» زیرا رفت و آمد مردم به قدری زیاد بود که آنان حتی فرصت غذا خوردن هم نداشتند. ۳۲ پس با قایق عازم مکانی دورافتاده شدند تا تنها باشند. ۳۳ اما مردم دیدند و بسیاری نیز باخبر شدند که عیسی و شاگردانش آنجا را ترک می‌کنند. آنگاه از تمامی شهرها پای پیاده دوان‌دوان رفتند.

۲۶:۶* یا: «کسانی که بر سر سفره نشسته بودند».

را به شاگردان داد تا پیش مردم بگذارند و دو ماهی را نیز بین همه تقسیم کرد. ۴۲ همه خوردند و سیر شدند ۴۳ و آنان به غیر از آنچه از ماهی‌ها باقی‌مانده بود، وقتی تکه‌های نان را جمع کردند، ۱۲ سبد پر شد. ۴۴ شمار مردانی که از آن نان‌ها خوردند، ۵۰۰۰ نفر بود.

۴۵ سپس عیسی بی‌درنگ شاگردانش را بر آن داشت که بر قایق سوار شوند و پیش از او به آن طرف دریا به سمت بیت‌صیدا بروند. خود نیز در این حین جمعیت را روانه کرد ۴۶ و پس از خداحافظی با آنان برای دعا کردن به کوه رفت. ۴۷ پس از غروب، او هنوز در خشکی بود و قایق شاگردان به وسط دریا رسیده بود. ۴۸ وقتی دید که به سبب باد مخالف، به سختی پارو می‌زنند، در پاس چهارم از شب* در حالی که روی دریا راه می‌رفت، به طرف آنان آمد و می‌خواست* از کنارشان بگذرد. ۴۹ شاگردان با دیدن او که روی دریا راه می‌رفت فکر کردند که شبح است و بلند فریاد کشیدند: ۵۰ چون همه آنان از دیدن او مضطرب

۴۸:۶* از حدود ساعت ۳ صبح تا طلوع خورشید حدود ساعت ۶ صبح. * یا: «چیزی نمانده بود که».

و پیش از عیسی و شاگردانش به آنجا رسیدند. ۳۴ وقتی عیسی از قایق پیاده شد، جمعیتی بزرگ را دید و دلش به حالشان سوخت: زیرا همچون گوسفندان بدون شبان بودند. پس تعالیمی بسیار به آنان داد.

۳۵ دیگر دیروقت شده بود. شاگردانش نزد او آمدند و گفتند: «اینجا مکانی دورافتاده است و اکنون نیز دیروقت است: ۳۶ مردم را روانه کن که به آبادی‌ها و روستاهای اطراف بروند تا برای خود چیزی بخرند و بخورند.» ۳۷ عیسی به شاگردان گفت: «شما چیزی برای خوردن به آنان بدهید.» گفتند: «می‌خواهی که برویم و ۲۰۰ دینار* نان بخریم و به مردم بدهیم تا بخورند؟» ۳۸ او به آنان گفت: «بروید ببینید که چند نان دارید؟» پس از پرس‌وجو گفتند: «پنج نان و دو ماهی.» ۳۹ پس به همه مردم امر کرد که دسته‌دسته روی علف‌های سبز بنشینند. ۴۰ مردم نیز در دسته‌های ۱۰۰ نفری و ۵۰ نفری نشستند. ۴۱ سپس عیسی آن پنج نان و دو ماهی را گرفت، رو به آسمان کرد و دعا نمود و پس از تکه کردن نان‌ها، آن‌ها

۳۷:۶* یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود؛ رجوع به واژه‌نامه.

یعنی آب‌نکشیده* غذا می‌خورند. ۳ (فریسیان و در کل، یهودیان برای پای‌بندی به سنت گذشتگان* تا زمانی که دست‌هایشان را تا آرنج نشویند، غذا نمی‌خورند. ۴ به علاوه، وقتی از بازار برمی‌گردند تا زمانی که شست‌وشو نکنند، غذا نمی‌خورند. همچنین به بسیاری از سنت‌های دیگر که به آنان رسیده است، پای‌بندند؛ همچون فرو بردن* پیاله‌ها، پارچه‌ها و ظروف مسی در آب.) ۵ پس فریسیان و علمای دین از او پرسیدند: «چرا شاگردان تو سنت گذشتگان را حفظ نمی‌کنند و با دست‌های نجس غذا می‌خورند؟» ۶ عیسی گفت: «إِسْعَا در مورد شما ریاکاران خوب پیشگویی کرده بود، چنان‌که نوشته شده است: (این مردم با لب‌هایشان به من حرمت می‌گذارند، اما دل‌هایشان از من بسیار دور است. ۷ مرا پرستش می‌کنند، اما پرستش آنان بیهوده ۲:۷* در اینجا منظور از دست‌های نجس یا آب‌نکشیده، دست‌های آلوده و کثیف نیست، بلکه منظور این است که شاگردان دست‌های خود را مطابق آداب و رسوم که در سنت یهودیان بوده است، آب نکشیده بودند. ۳:۷* منظور سنت‌ها و احکام شفاهی خارج از نوشته‌های مقدس است که از علمای یهودی پیشین به جا مانده بود. ۴:۷* تحت‌اللفظی: «تعمید».

شده بودند. اما عیسی فوراً با آنان صحبت کرد و گفت: «دل و جرأت داشته باشید! منم؛ مترسید.» ۵۱ پس سوار قایق آنان شد و باد فرو نشست. شاگردان بی‌اندازه شگفت‌زده شدند؛ ۵۲ زیرا آنان معجزه‌نانه‌ها را درک نکرده بودند و دل‌هایشان هنوز آماده درک نبود.

۵۳ آنان از دریا گذشتند و به ساحل جنیسارت رسیدند و لنگر قایق را در آن نزدیکی انداختند. ۵۴ به محض این که از قایق پیاده شدند، مردم عیسی را شناختند. ۵۵ مردم با عجله به تمامی آن ناحیه رفتند و بیمارانشان را بر تخت‌ها، به جایی که شنیده بودند او در آنجاست، آوردند. ۵۶ عیسی به هر آبادی، شهر یا روستایی که وارد می‌شد، مردم بیمارانشان را به بازارها* می‌آوردند و از عیسی تقاضا می‌کردند که اجازه دهد فقط حاشیه ردایش را لمس کنند. همه کسانی که آن را لمس کردند، شفا یافتند.

۷ فریسیان و شماری از علمای دین که از اورشلیم آمده بودند، گرد عیسی جمع شدند. ۲ آنان بعضی از شاگردان عیسی را دیدند که با دست‌های نجس، ۵۶:۶* منظور محوطه‌هایی باز برای خرید و فروش و برای اجتماع مردم است.

وارد شود و او را نجس کند، بلکه آنچه از انسان بیرون می‌آید، او را نجس می‌سازد.» ۱۶*

۱۷ عیسی پس از آن که جمعیت را ترک کرد، به خانه‌ای وارد شد. شاگردانش در مورد آن مثل از او سؤال کردند. ۱۸ عیسی گفت: «آیا شما نیز مانند آنان درک نمی‌کنید؟ آیا نمی‌دانید که هیچ چیز نمی‌تواند از بیرون به انسان وارد شود و او را نجس کند؟ ۱۹ زیرا به دل شخص راه نمی‌یابد، بلکه به شکمش وارد می‌شود و از آنجا دفع می‌شود.»* به این ترتیب او همه غذاهای پاک اعلام کرد. ۲۰ همچنین گفت: «آنچه از انسان بیرون می‌آید او را نجس می‌کند؛ ۲۱ زیرا این‌هاست که از درون، از دل انسان سرچشمه می‌گیرد، افکار پلید، اعمال نامشروع جنسی،* دزدی، قتل، ۲۲ زناکاری، طمع، شرارت، فریب، رفتار بی‌شرمانه،* حسادت،* کفر، تکبر و

۱۶:۷* چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود. ۱۹:۷* یا: «در چاله فصولات دفع می‌شود». ۲۱:۷* حالت جمع واژه یونانی پُرنیا؛ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۲۲:۷* یا: «رفتار وقیحانه»؛ به یونانی آیبلیگیا؛ رجوع به واژه‌نامه: «رفتار بی‌شرمانه». ۱۶:۷* یا: «کسی که به پدر و مادر خود ناسزا بگوید». ۱۱:۷* به یونانی کُربان؛ به عبری فُربان.

است؛ زیرا احکام بشری را به عنوان تعالیم الهی آموزش می‌دهند. ۸ شما حکم خدا را رها می‌کنید و به سنت‌های بشری می‌چسبید.»

۹ همچنین، به آنان گفت: «شما با مهارت حکم خدا را کنار می‌گذارید تا سنت خود را حفظ کنید. ۱۰ برای مثال، موسی گفت: «به پدر و مادر خود حرمت گذار، و کسی که در مورد پدر و مادر خود سخنان زشت بگوید،* باید کشته شود. ۱۱ اما شما می‌گویید، «شخص می‌تواند به پدر یا مادر خود بگوید: «هر آنچه دارم که می‌توانستم با آن به تو کمک کنم، قربان» است؛ یعنی هدیه‌ای است، وقف شده به خدا.» ۱۲ بدین گونه دیگر نمی‌گذارید شخص هیچ کاری برای پدر یا مادرش انجام دهد. ۱۳ آری، شما با سنت‌هایتان کلام خدا را بی‌اعتبار می‌کنید و آن‌ها را به دیگران هم منتقل کرده‌اید. شما از این قبیل کارها بسیار می‌کنید.» ۱۴ پس بار دیگر جمعیت را نزد خود فراخواند و به آنان گفت: «همه شما به سخن من گوش دهید و مفهوم آن را درک کنید. ۱۵ هیچ چیز نمی‌تواند از بیرون به انسان وارد شود و او را نجس کند، بلکه آنچه از انسان بیرون می‌آید، او را نجس می‌سازد.» ۱۶*

حماقت. ۲۳ همه این چیزهای شیرانه از درون سرچشمه می‌گیرد و انسان را نجس می‌کند.»

۲۴ عیسی از آنجا به راه افتاد و به ناحیه صور و صیدون* رفت. در آنجا به خانه‌ای داخل شد. او نمی‌خواست کسی باخبر شود، اما نتوانست از مردم پنهان بماند. ۲۵ زنی که دختر کوچکش روحی ناپاک داشت، در مورد او شنید و بی‌درنگ آمد و به پای عیسی افتاد. ۲۶ آن زن، یونانی و از مردمان* فینیقیه سوریه بود. او مدام از عیسی درخواست می‌کرد که آن دیو را از دخترش بیرون راند. ۲۷ اما عیسی به او گفت: «نخست بگذار فرزندان سیر شوند؛ چون درست نیست که نان از فرزندان گرفته و جلوی سگ‌های کوچک انداخته شود.» ۲۸ او در جواب به عیسی گفت: «درست است سرورم، اما حتی سگ‌های کوچک هم از خرده‌های پای سفره بچه‌های کوچک می‌خورند.» ۲۹ عیسی گفت: «چون این را گفتی، برو؛ آن دیو از دخترت بیرون آمد.» ۳۰ پس آن زن به خانه رفت و فرزند کوچکش را دید که روی تخت آرمیده و دیو رفته است.

۲۴:۷ * یا: «صیدا». ۲۶:۷ * یا: «متولد».

۳۱ عیسی از ناحیه صور بازگشت و از راه صیدون به دریای جلیل رفت. وقتی از میان منطقه دِکاپولیس* عبور می‌کرد، ۳۲ در آنجا مردی را که ناشنوا بود و به سختی سخن می‌گفت، نزد عیسی آوردند و به او التماس کردند که دستش را بر او بگذارد. ۳۳ عیسی آن مرد را به گوشه‌ای خلوت، دور از جمعیت برد. سپس انگشتانش را در گوش‌های او گذاشت، آب دهان انداخت و زبان او را لمس کرد. ۳۴ آنگاه به آسمان نگاهی کرد، آهی عمیق کشید و به او گفت: «افْتَحْ» یعنی «باز شو». ۳۵ گوش‌های آن مرد باز و مشکل سخن‌گفتنش برطرف شد و به صورت عادی شروع به صحبت کرد. ۳۶ سپس عیسی به آنان فرمان داد که این را به هیچ کس نگویند، اما هر چه بیشتر آنان را منع می‌کرد، بیشتر آن را اعلام می‌کردند. ۳۷ آنان بی‌اندازه حیرت کردند و گفتند: «همه کارهای او نیکوست. او حتی ناشنوارا شنوا و لال را گویا می‌سازد.»

▲ در آن روزها، بار دیگر عده‌ای کثیر جمع شدند و چیزی برای خوردن نداشتند. پس عیسی شاگردان را فراخواند و به آنان گفت: ۲ «دلم به حال

۳۱:۷ * رجوع به واژه‌نامه.

این جمعیت می‌سوزد؛ زیرا اکنون سه روز است که با من هستند و هیچ چیز برای خوردن ندارند. ۳ اگر گرسنه راهی خانه‌هایشان کنم، در راه از حال خواهند رفت. در ضمن برخی از آنان از راه دور آمده‌اند.» ۴ اما شاگردان در جواب به او گفتند: «در این منطقه دورافتاده برای سیر کردن این مردم، از کجا می‌توان نان کافی تهیه کرد؟» ۵ عیسی از آنان پرسید: «چند نان دارید؟» شاگردان جواب دادند: «هفت نان.» ۶ پس عیسی فرمان داد که جمعیت روی زمین بنشینند. سپس هفت نان را گرفت، پس از شکرگزاری، آن‌ها را تکه کرد و به شاگردانش داد تا به جمعیت دهند و شاگردان نیز چنین کردند. ۷ آنان همچنین چند ماهی کوچک داشتند. عیسی پس از شکرگزاری برای آن‌ها، به شاگردانش گفت که ماهی‌ها را نیز به مردم بدهند. ۸ پس همه خوردند و سیر شدند و وقتی تکه‌های باقی‌مانده را جمع‌آوری کردند، هفت سبد* بزرگ پر شد. ۹ شمار مردانی که از آن غذا خوردند ۴۰۰۰ نفر بود. سرانجام عیسی جماعت را روانه کرد. ۱۰ او بلافاصله همراه شاگردان خود

سوار قایق شد و به ناحیه دلمانوته* رفت. ۱۱ در آنجا فریسیان نزد عیسی آمدند و با او به بحث پرداختند. آنان برای آزمودن عیسی، از وی خواستند نشانه‌ای از آسمان برایشان نمایان سازد. ۱۲ عیسی از دل آهی عمیق کشید و گفت: «چرا این نسل نشانه‌ای می‌طلبد؟ به راستی می‌گویم، هیچ نشانه‌ای به این نسل داده نخواهد شد.» ۱۳ آنگاه آنان را ترک کرد و دوباره سوار قایق شد و به آن طرف دریا رفت. ۱۴ شاگردان فراموش کردند که با خود نان ببرند و غیر از یک نان در قایق چیزی نداشتند. ۱۵ عیسی صریحاً به ایشان چنین هشدار داد: «مراقب باشید و از خمیرمایه فریسیان و خمیرمایه هیروдіس برحذر باشید.» ۱۶ پس شاگردان به بحث و گفتگو پرداختند که چرا نان با خود ندارند. ۱۷ او که از بحثشان آگاه بود، به آنان گفت: «چرا درباره نداشتن نان با یکدیگر بحث می‌کنید؟ آیا هنوز تشخیص نمی‌دهید و نمی‌فهمید؟ آیا دل‌هایتان هنوز آماده درک نیست؟ ۱۸ شما که چشم دارید، پس چرا نمی‌بینید؟ شما که گوش دارید، پس

۱۰:۸ * احتمالاً نام دیگر مجدل است. به مَتی ۳۹:۱۵ رجوع شود.

۲۷ آنگاه عیسی و شاگردانش عازم روستاهای قیصریه فیلیپس شدند. در راه، او از شاگردانش پرسید: «مردم مرا چه کسی می‌دانند؟» ۲۸ گفتند: «بعضی می‌گویند یحیای تعمیددهنده هستی، بعضی دیگر می‌گویند ایلنا* و بعضی دیگر نیز می‌گویند یکی از پیامبران.» ۲۹ عیسی پرسید: «شما چه می‌گویید؟ شما مرا چه کسی می‌دانید؟» پطرس پاسخ داد: «تو مسیح هستی.» ۳۰ پس به شاگردان فرمان اکید داد که به کسی در این مورد چیزی نگویند. ۳۱ آنگاه عیسی به آنان تعلیم داد که پسر انسان باید بسیار رنج بکشد و ریش سفیدان، سران کاهنان و علمای دین، او را رد کنند. سپس باید کشته شود و بعد از سه روز برخیزد. ۳۲ با این که عیسی این سخنان را به صراحت گفت، پطرس وی را به کناری برد و شروع به سرزنش او کرد. ۳۳ عیسی برگشت و به شاگردان خود نگریست. آنگاه پطرس را سرزنش کرد و گفت: «از پیش روی من برو،*»

۲۸:۸ * یا: «الیاس». ۲۳:۸ * تحت اللفظی: «پشت سر من برو»؛ واضح است که پطرس نباید مانعی پیش روی عیسی می‌بود، بلکه باید همچون دیگر پیروان او پشت سر عیسی می‌رفت و از او پشتیبانی می‌کرد.

چرا نمی‌شنوید؟، آیا به یاد نمی‌آورید ۱۹ هنگامی که پنج نان را برای آن ۵۰۰۰ مرد تکه کردم، چند سبد* پراز خرده‌های نان جمع کردید؟» گفتند: «دوازده سبد.» ۲۰ «هنگامی که هفت نان را برای آن ۴۰۰۰ مرد تکه کردم، چند سبد بزرگ پراز خرده‌های نان جمع کردید؟» گفتند: «هفت سبد.» ۲۱ سپس عیسی گفت: «آیا هنوز درک نمی‌کنید؟» ۲۲ آنان به ساحل بیت‌صیدا رسیدند. در آنجا، مردی نابینا را پیش عیسی آوردند و از او تمنا کردند که آن مرد را لمس کند. ۲۳ عیسی دست مرد نابینا را گرفت و او را از روستا بیرون برد. سپس روی چشمان او آب دهان انداخت، دست‌های خود را روی او گذاشت و پرسید: «آیا چیزی می‌بینی؟» ۲۴ مرد سر خود را بالا آورد و گفت: «مردم را می‌بینم؛ اما همچون درختانی که راه می‌روند.» ۲۵ سپس دوباره دست‌های خود را روی چشمان او گذاشت. آنگاه آن مرد توانست به وضوح ببیند. او بینایی خود را بازیافت و همه چیز را به خوبی می‌دید. ۲۶ پس وی را به خانه‌اش روانه کرد و گفت: «به روستا برنگرد.»

۱۹:۸ * یا: «زنبیل».

ای شیطان! * زیرا افکار تو افکار انسان است، نه افکار خدا.»

۳۴ آنگاه عیسی جمعیت و شاگردانش را نزد خود فراخواند و به آنان گفت: «هر کس که بخواهد پیرو من شود، دیگر نباید برای خود زندگی کند، بلکه باید تیر شکنجه * خود را بر دوش کشد و پیوسته از من پیروی کند. ۳۵ هر که بخواهد جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد. اما هر که جان خود را به خاطر من و به جهت بشارت از دست دهد، آن را نجات خواهد داد. ۳۶ به راستی چه فایده دارد که کسی تمام دنیا را به دست آورد، اما جان خود را از دست بدهد؟ ۳۷ حقیقتاً انسان در عوض جان خود چه خواهد داد؟ ۳۸ زیرا هر که در میان این نسل زناکار * و گناهکار از من و سخنان من عار داشته باشد، پسر انسان نیز وقتی همراه با فرشتگان مقدّس در جلال پدر خود بیاید، از او عار خواهد داشت.»

۹ همچنین به آنان گفت: «به راستی به شما می گویم، بعضی اینجا

ایستاده اند که تا پادشاهی خدا را نبینند که با قدرت آمده است، طعم مرگ را

۳۳:۸ * در اینجا به معنی مخالفت کننده است.

۳۴:۸ * رجوع به واژه نامه. ۳۸:۸ * یا: «خیانتکار».

۹:۹ * یا: «الیاس». ۵:۹ * تحت اللفظی: «زّبی»؛ رجوع به واژه نامه: «زّبی».

۹ در حالی که از کوه پایین می آمدند، عیسی فرمان اکید داد که تا زمان برخاستن

خود ندیدند.

یکی چنین پاسخ داد: «استاد، من پسرَم را نزد تو آوردم، چون گرفتار روحی است که قدرت سخن گفتن را از وی می‌گیرد. ۱۸ هر جا پسرَم را می‌گیرد، او را به زمین می‌اندازد و کف از دهان پسرَم بیرون می‌آید، دندان‌هایش را به هم می‌ساید و قدرت خود را از دست می‌دهد. از شاگردان تو خواستم که آن روح را از او بیرون برانند، اما نتوانستند.» ۱۹ عیسی به آنان گفت: «ای نسل بی‌ایمان، تا به کی با شما باشم؟ تا به کی شما را تحمّل کنم؟ آن پسر را نزد من بیاورید.» ۲۰ پس او را نزد عیسی آوردند. اما آن روح، به محض دیدن عیسی، پسر را به تشنج انداخت. پسر به زمین افتاد، می‌غلطید و کف از دهانش بیرون می‌ریخت. ۲۱ سپس عیسی از پدر او پرسید: «چند وقت است که به چنین حالی دچار شده است؟» پدر پاسخ داد: «از کودکی. ۲۲ همچنین بارها این روح، او را در آتش و آب انداخته است تا هلاکش کند. اگر می‌توانی، به ما رحم نما و کم‌کمان کن.» ۲۳ عیسی به او گفت: «چرا می‌گویی، اگر می‌توانی؟ برای کسی که ایمان دارد، همه چیز ممکن است.» ۲۴ پدر آن پسر فوراً

پسر انسان از میان مردگان، با هیچ کس در مورد آنچه دیده‌اند، صحبت نکنند. ۱۰ آنان این ماجرا را در دل* خود نگاه داشتند، اما از یکدیگر می‌پرسیدند که این برخاستن از مردگان به چه معنی است. ۱۱ شاگردان از او پرسیدند: «چرا علمای دین می‌گویند که اول ایلّیا باید بیاید؟» ۱۲ عیسی گفت: «درست است، اول ایلّیا می‌آید و همه چیز را دوباره برقرار می‌سازد. اما چرا نوشته شده است که پسر انسان باید بسیار رنج بکشد و مورد تنفر قرار بگیرد؟ ۱۳ من به شما می‌گویم که در واقع ایلّیا آمده است و با او آنچه خواستند کردند؛ درست همان طور که در مورد وی نوشته شده است.»

۱۴ هنگامی که عیسی و آن سه شاگرد به سوی شاگردان دیگر می‌آمدند، دیدند که جمعی کثیر آن شاگردان را احاطه کرده‌اند و علمای دین با آنان بحث می‌کنند. ۱۵ به محض این که آن جمعیت چشمشان به عیسی افتاد، متعجب شدند و دوان‌دوان به استقبال او رفتند و به او سلام کردند. ۱۶ پس عیسی از آنان پرسید: «در مورد چه موضوعی با آنان بحث می‌کنید؟» ۱۷ از میان جمع

او را درک نکردند و می‌ترسیدند که از او سؤال کنند.

۳۳ سپس به کَفَرناحوم رسیدند. وقتی عیسی در خانه بود، از شاگردانش پرسید: «در راه در مورد چه چیز بحث می‌کردید؟» ۳۴ آنان ساکت ماندند؛ زیرا در راه در مورد این که کدام یک بزرگ‌تر است با یکدیگر بحث می‌کردند. ۳۵ پس عیسی نشست و آن دوازده نفر را فراخواند و به آنان گفت: «اگر کسی می‌خواهد اول باشد، باید آخرین و خدمتگزار همه باشد.» ۳۶ پس عیسی کودکی را در میان جمع آنان قرار داد، او را در آغوش گرفت و به آنان گفت: ۳۷ «هر که چنین کودکی را به نام من بپذیرد، مرا نیز پذیرفته است و هر که مرا بپذیرد، نه تنها مرا، بلکه او را که مرا فرستاده است نیز پذیرفته است.»

۳۸ یوحنا به او گفت: «استاد، ما مردی را دیدیم که دیوها را با استفاده از نام تو بیرون می‌راند و سعی کردیم مانع او شویم؛ زیرا از همراهان ما نبود.» ۳۹ عیسی گفت: «مانع او مشوید؛ چون کسی نیست که بتواند به نام من معجزه‌ای* انجام دهد و بلافاصله برگردد و در مورد

با صدای بلند گفت: «ایمان دارم! کمکم کن تا ایمانم قوی‌تر شود.»

۲۵ وقتی عیسی دید که جمعیت به سرعت به طرفشان می‌آیند، به آن روح ناپاک نهیب زد و گفت: «ای روحی که قدرت سخن گفتن و شنیدن را گرفته‌ای، به تو امر می‌کنم، از این پسر بیرون بیا و دیگر به وی داخل مشو!» ۲۶ پس روح ناپاک نعره‌ای کشید، پسر را چندین بار به تشنج انداخت و از او بیرون آمد و پسر همچون مردگان شد، طوری که اکثر مردم می‌گفتند: «او مرده است!» ۲۷ اما عیسی دست پسر را گرفت، او را برخیزاند و پسر بر پاهای خود ایستاد. ۲۸ وقتی عیسی به خانه‌ای داخل شد، شاگردانش در خلوت از او پرسیدند: «چرا ما نتوانستیم آن روح را بیرون رانیم؟» ۲۹ عیسی گفت: «این نوع روح را تنها با دعا می‌توان بیرون آورد.»

۳۰ آنان آنجا را ترک کردند و از راه جلیل به سفر خود ادامه دادند. اما عیسی نمی‌خواست که کسی بدانند او کجاست؛ ۳۱ زیرا به شاگردانش تعلیم می‌داد و می‌گفت: «پسر انسان به دست دشمنان تسلیم خواهد شد و او را خواهند کشت. اما با این که کشته می‌شود، پس از سه روز برخواید خاست.» ۳۲ ولی آنان منظور

* ۳۹:۹ تحت اللفظی: «عملی خارق‌العاده.»

با دو چشم به درّه هَتوم* افکنده شوی؛
۴۸ جایی که کرم اجساد* نمی‌میرد و آتش
خاموش نمی‌شود.*

۴۹ «زیرا همه* باید با آتش نمکین
شوند.* ۵۰ نمک خوب است؛ اما اگر
نمک خاصیتش را از دست دهد، چگونه
می‌توان آن را نمکین کرد؟ در خود نمک
داشته باشید و صلح را میان یکدیگر
حفظ کنید.»

۱۰ عیسی آنجا را ترک کرد و به
مرزهای یهودیه و آن سوی رود
اردن رفت. باز هم عدّه زیادی دورش
جمع شدند. او نیز طبق عادت خود، بار
دیگر به تعلیم آنان پرداخت. ۲ فریسیان
چون می‌خواستند عیسی را بیازمایند، نزد
او آمدند و از او پرسیدند: «آیا جایز است
مرد زن خود را طلاق دهد؟» ۳ عیسی
در جواب گفت: «موسی به شما چه
حکمی داد؟» ۴ گفتند: «موسی اجازه
داد که مرد طلاق‌نامه‌ای بنویسد و زن
خود را طلاق دهد.» ۵ عیسی به آنان
گفت: «موسی به دلیل سختدلی*

من بد بگوید: ۴۰ زیرا هرکه بر ضدّ ما
نیست، با ماست. ۴۱ هرکس به شما
چون به مسیح تعلق دارید، پیاله‌ای آب
برای نوشیدن دهد، به‌راستی به شما
می‌گویم، هرگز بی‌پاداش نخواهد ماند.
۴۲ اما هرکس یکی از این کوچکان را که
ایمان دارد، لغزش دهد، بهتر آن است که
سنگ آسیابی* به گردنش بسته و به دریا
انداخته می‌شد.

۴۳ «اگر دست باعث لغزش شود،
آن را قطع کن؛ زیرا برایت بهتر است که
علیل به حیات* دست یابی تا این که
با دو دست به درّه هَتوم* در آتشی که
نمی‌توان خاموش کرد، بروی. ۴۴* —
۴۵ اگر پایت باعث لغزش شود، آن را
قطع کن؛ زیرا برایت بهتر است که لنگ
به حیات* دست یابی، تا این که با دو
پا به درّه هَتوم* افکنده شوی. ۴۶* —
۴۷ اگر چشمت باعث لغزش شود، آن را
دور انداز؛ زیرا برایت بهتر است که با یک
چشم به پادشاهی خدا راه یابی، تا این که

۴۲:۹ *یا: «سنگ آسیابی، همچون آن
سنگ‌هایی که الاغان می‌گردانند». ۴۲:۹،
۴۵ *منظور زندگی ابدی است. ۴۲:۹، ۴۵، ۴۷
*رجوع به واژه‌نامه. ۴۴:۹، ۴۶ *چون این آیه در
برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست،
جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود.

۴۸:۹ *تحت اللفظی: «کرم آنان». *با اِشْغِیا
۲۴:۶۶ مقایسه شود. ۴۹:۹ *به کسانی اشاره
دارد که به درّه هَتوم افکنده شده‌اند. *این
اصطلاح استعاره‌ای بود که به نابودی در درّه هَتوم
اشاره داشت. ۵:۱۰ *یا: «سرسختی».

۱۶ او کودکان را در آغوش گرفت و با گذاشتن دست‌های خود بر آنان برکتشان داد.

۱۷ وقتی عیسی در راه می‌رفت، مردی دوان‌دوان آمد و در برابر او به زانو افتاد و پرسید: «ای استاد نیکو، باید چه کنم تا وارث زندگی جاودان شوم؟» ۱۸ عیسی گفت: «چرا مرا نیکو می‌خوانی؟ هیچ کس نیکو نیست، مگر یکی، آن هم خداست. ۱۹ تو احکام را می‌دانی: «قتل مکن، زنا مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده، فریبکاری مکن، به پدر و مادر خود حرمت بگذار.» ۲۰ آن مرد گفت: «استاد، من همه این‌ها را از کودکی حفظ کرده‌ام.» ۲۱ عیسی نگاهی پرمحبت به او کرد و گفت: «تو یک چیز کم داری: برو و آنچه داری بفروش و به فقرا بده، آنگاه در آسمان گنج خواهی داشت. سپس، بیا و از من پیروی کن.» ۲۲ اما آن مرد از این جواب اندوهگین شد و غمگین از آنجا رفت؛ زیرا دارایی بسیار داشت.

۲۳ عیسی به اطراف خود نگاه کرد و سپس به شاگردانش گفت: «چقدر برای ثروتمندان دشوار است که به پادشاهی خدا راه یابند!» ۲۴ اما شاگردان از گفته عیسی متعجب شدند. سپس عیسی گفت:

شما این حکم را برایتان نوشت. ۶ اما از آغاز آفرینش، خدا «آنان را مرد و زن آفرید. ۷ به همین دلیل مرد، پدر و مادر خود را ترک می‌کند ۸ و آن دو یک تن* خواهند شد؛ به گونه‌ای که دیگر دو تن نیستند، بلکه یک تن هستند. ۹ از این رو، آنچه خدا پیوسته است،* هیچ انسانی جدا نسازد.» ۱۰ شاگردانش در خانه بار دیگر در مورد همین موضوع از او سؤال کردند. ۱۱ عیسی گفت: «هر که زن خود را طلاق دهد و با زنی دیگر ازدواج کند، نسبت به زن خود مرتکب زنا شده است ۱۲ و اگر زنی بعد از طلاق از شوهرش، با شخصی دیگر ازدواج کند، مرتکب زنا شده است.»

۱۳ مردم کودکان را نزد او آوردند تا دست بر آنان بگذارد، اما شاگردان، مردم را سرزنش کردند. ۱۴ عیسی با دیدن این امر برآشفته و گفت: «بگذارید کودکان پیش من بیایند، مانعشان مشوید؛ زیرا پادشاهی خدا از آن چنین کسانی است. ۱۵ به راستی به شما می‌گویم، هر که پادشاهی خدا را همچون کودکی، نپذیرد، به هیچ وجه به آن راه نخواهد یافت.»

۸:۱۰ * تحت‌اللفظی: «یک جسم؛ یک گوشت».

۹:۱۰ * تحت‌اللفظی: «به یک یوغ بسته است».

می‌رفتند، عیسی نیز پیشاپیش آنان حرکت می‌کرد. شاگردان شگفت‌زده بودند، اما آنانی که به دنبالشان می‌رفتند، می‌ترسیدند. او بار دیگر آن دوازده نفر را به کناری برد و در مورد آنچه به‌زودی برایش پیش می‌آمد، چنین گفت: ۳۳ «اکنون به اورشلیم می‌رویم. در آنجا پسر انسان به سران کاهنان و علمای دین سپرده خواهد شد. آنان او را به مرگ محکوم خواهند کرد و به دست غیریهودیان تحویل خواهند داد، ۳۴ مسخره‌اش خواهند کرد، آب دهان به او خواهند انداخت، شلاقش خواهند زد و او را خواهند کشت. اما او پس از سه روز برخواهد خاست.»

۳۵ یعقوب و یوحنا، پسران زبیدی نزد عیسی آمدند و گفتند: «ای استاد، خواهش ما این است که آنچه از تو درخواست می‌کنیم، برای ما انجام دهی.» ۳۶ عیسی گفت: «چه می‌خواهید که برایتان انجام دهم؟» ۳۷ پاسخ دادند: «اجازه بده تا در جلال تو، یکی به دست راست و دیگری به دست چپ تو بنشینیم.» ۳۸ اما عیسی به آنان گفت: «شما نمی‌دانید چه می‌خواهید.

» ای فرزندان، راه یافتن به پادشاهی خدا چقدر دشوار است! ۲۵ گذشتن شتر از سوراخ سوزن آسان‌تر است، از راه یافتن شخص ثروتمند به پادشاهی خدا!» ۲۶ شاگردان، بیشتر متعجب شدند و به او * گفتند: «پس واقعاً چه کسی می‌تواند نجات یابد؟» ۲۷ عیسی به آنان چشم دوخت و گفت: «برای انسان غیرممکن است، اما برای خدا چنین نیست: زیرا برای خدا همه چیز ممکن است.» ۲۸ آنگاه پطرس گفت: «ما همه چیز را رها کرده‌ایم و از تو پیروی می‌کنیم.» ۲۹ عیسی گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم، کسی نیست که به خاطر من و به خاطر بشارت، خانه یا برادران یا خواهران یا مادر یا پدر یا فرزندان یا مزرعه‌ها را ترک کرده باشد ۳۰ و اکنون در این زمان، ۱۰۰ برابر بیشتر-خانه‌ها، برادران، خواهران، مادران، فرزندان و مزرعه‌ها و همراه این‌ها آزارها- به دست نیلورد و در نظامی * که در آینده خواهد آمد، به زندگی جاودان نایل نیاید. ۳۱ اما بسیاری که اولند، آخر خواهند بود و آنانی که آخرند، اول.»

۳۲ وقتی آنان در راه به سوی اورشلیم

۱۰: ۲۶ * یا احتمالاً: «به یکدیگر». ۱۰: ۳۰ * یا: «عصری»; رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر».

همچون بهای رهایی* در عوض بسیاری بدهد.

۴۶ آنان به آریحا وارد شدند. هنگامی که عیسی و شاگردانش و جمعیتی بزرگ از آریحا بیرون می‌رفتند، گدایی نابینا به نام بارتیمائوس (پسر تیمائوس) در کنار راه نشسته بود. ۴۷ وقتی شنید که او عیسی ناصری است، شروع به فریاد زدن کرد و گفت: «ای پسر داوود، عیسی، بر من رحم کن!» ۴۸ بسیاری سرزنش‌کنان به او گفتند که ساکت شود، اما او بلندتر و بلندتر چنین فریاد می‌زد: «ای پسر داوود، بر من رحم کن!» ۴۹ پس عیسی ایستاد و گفت: «بگوئید پیش من بیاید.» آنان آن مرد نابینا را فراخواندند و به او گفتند: «قوی دل باش! بلند شو! تو را می‌خوانند.» ۵۰ او ردای خود را به کناری انداخت، از جای خود برجست و نزد عیسی رفت. ۵۱ سپس عیسی به او گفت: «چه کار می‌خواهی برای انجام دهم؟» مرد نابینا گفت: «استاد،* بگذار دوباره بینا شوم.» ۵۲ عیسی گفت: «برو، ایمانت تو را شفا داده است.» او فوراً بینایی خود را باز یافت و به دنبال عیسی به راه افتاد.

۴۵:۱۰ * یا: «فدیه»؛ رجوع به واژه‌نامه: «بهای رهایی». ۵۱:۱۰ * به عبری زَبُونی: به یوحنا ۱۶: ۲۰ رجوع شود.

آیا می‌توانید از جامی* که من می‌نوشم، بنوشید یا تعمیدی که من می‌گیرم، بگیرید؟» ۳۹ گفتند: «می‌توانیم.» پس عیسی گفت: «از جامی که من می‌نوشم، خواهید نوشید و تعمیدی را که من می‌گیرم، خواهید گرفت. ۴۰ اما من اختیار ندارم که تعیین کنم چه کسی به دست راست و چه کسی به دست چپ من بنشیند، بلکه این جایگاه از آن کسانی است که برایشان آماده شده است.»

۴۱ هنگامی که ده رسول دیگر از این امر آگاهی یافتند، از یعقوب و یوحنا خشمگین شدند. ۴۲ اما عیسی آنان را نزد خود خواند و گفت: «شما می‌دانید کسانی که فرمانروا محسوب می‌شوند، بر قوم‌ها سروری می‌کنند و بزرگان‌شان بر ایشان فرمان می‌رانند. ۴۳ در میان شما نباید چنین باشد. هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ گردد، باید خدمتگزاران باشد ۴۴ و هر که می‌خواهد در میان شما اول باشد، باید غلام همه باشد؛ ۴۵ زیرا حتی پسر انسان نیز نیامد تا به او خدمت شود، بلکه آمد تا خدمت کند و جان خود را

۳۸:۱۰ * «جام» در اینجا مظهر خواست خداست؛ این که او اجازه دهد عیسی به دروغ به کفرگویی متهم شده، کشته شود.

که پیشاپیش او می‌رفتند و کسانی که او را دنبال می‌کردند، فریاد می‌زدند: «رستگار فرما!»* متبارک باد آن که به نام یَهُوَه* می‌آید! ۱۰ متبارک باد پادشاهی پدر ما داوود که برقرار می‌شود! تو که در عرش برینی، رستگار فرما!» ۱۱ عیسی وارد اورشلیم شد و به معبد رفت، در آنجا به همه چیز نظر افکند. اما چون دیروقت بود، با آن دوازده نفر به بیت‌عنیا رفت.

۱۲ روز بعد، وقتی بیت‌عنیا را ترک کردند، عیسی گرسنه شد. ۱۳ از دور چشمش به درخت انجیری افتاد که برگ داشت. رفت تا ببیند که آیا میوه‌ای بر آن می‌یابد یا نه. اما وقتی نزدیک آن رسید، جز برگ چیزی بر آن نیافت؛ زیرا هنوز فصل انجیر نبود. ۱۴ پس به آن درخت گفت: «دیگر هرگز کسی از تو میوه نخورد!» شاگردانش این را شنیدند.

۱۵ آنان به اورشلیم رسیدند. آنگاه عیسی وارد محوطه معبد شد و شروع کرد به بیرون راندن همه کسانی که در معبد خرید و فروش می‌کردند. همچنین میزهای صرافان و بساط کبوترفروشان را واژگون ساخت. ۱۶ او اجازه نمی‌داد کسی برای حمل وسایل از میان محوطه

۹:۱۱ *تحت اللفظی: «هوشیعیانا». *رجوع به واژه‌نامه.

۱۱ وقتی به اورشلیم نزدیک می‌شدند و به حوالی بیت‌فاجی و بیت‌عنیا واقع در دامنه کوه زیتون رسیدند، عیسی دو نفر از شاگردان خود را فرستاد ۲ و به آنان گفت: «به روستایی که در مقابل شماست، بروید. به محض ورودتان، در آنجا کره‌الاغی را بسته خواهید یافت که تا به حال هیچ کس بر آن سوار نشده است؛ آن را باز کنید و به اینجا بیاورید. ۳ اگر کسی به شما بگوید: (چرا این کار را می‌کنید؟) بگویید: (سرور به آن نیاز دارد و آن را فوراً به تو باز خواهد گرداند).» ۴ پس آن دو شاگرد رفتند و کره‌الاغی یافتند که در یک کوچه مقابل دری بسته شده بود. آن را باز کردند. ۵ اما بعضی از کسانی که آنجا ایستاده بودند، به آنان گفتند: «چه کار می‌کنید؟ چرا کره‌الاغ را باز می‌کنید؟» ۶ شاگردان درست همان طور که عیسی گفته بود، پاسخ دادند و آنان نیز اجازه دادند که آن را ببرند.

۷ شاگردان کره‌الاغ را نزد عیسی آوردند، ردهایشان را روی آن گذاشتند و عیسی بر آن سوار شد. ۸ همچنین بسیاری از مردم ردهایشان را بر سر راه پهن کردند، عده‌ای دیگر نیز شاخه‌های پربرگ از مزارع بریدند. ۹ همچنین آنانی

آن را دریافت کرده‌اید و اگر چنین کنید، آن را به دست خواهید آورد. ۲۵ همچنین هنگامی که به دعا می‌ایستید، اگر از کسی چیزی به دل دارید، او را ببخشید تا پدر شما نیز که در آسمان‌هاست، خطاهای شما را ببخشد.» ۲۶*

۲۷ آنان بار دیگر به اورشلیم آمدند. هنگامی که عیسی در معبد راه می‌رفت، سران کاهنان، علمای دین و ریش سفیدان نزد او آمدند ۲۸ و به او گفتند: «به چه حقی این کارها را می‌کنی؟ چه کسی حق انجام دادن این کارها را به تو داده است؟» ۲۹ عیسی گفت: «من نیز می‌خواهم از شما چیزی بپرسم. جواب آن را به من بدهید، آنگاه من هم به شما می‌گویم به چه حقی این کارها را می‌کنم. ۳۰ تعمیدی که یحیی می‌داد از خدا* بود یا از انسان؟ جواب دهید.» ۳۱ آنان با یکدیگر گفتگو کرده، چنین استدلال کردند: «اگر بگوییم: (از خدا بود، به ما خواهد گفت: پس چرا به او ایمان نیلوردید؟) ۳۲ اما آیا جرأت می‌کنیم که بگوییم: (از انسان بود؟)» آنان از مردم می‌ترسیدند؛ زیرا همه یحیی را

۲۶:۱۱* چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود. ۳۰:۱۱* تحت‌اللفظی: «آسمان».

معبد عبور کند. ۱۷ عیسی تعلیم می‌داد و به آنان می‌گفت: «آیا نوشته نشده است که «خانهٔ من خانهٔ دعا خوانده خواهد شد؟» اما شما آن را غار راهزنان کرده‌اید!» ۱۸ سران کاهنان و علمای دین این را شنیدند و در پی راهی بودند تا او را بکشند؛ زیرا از او می‌ترسیدند، چون همهٔ مردم از تعالیم او متحیر شده بودند.

۱۹ آنان هنگام غروب از شهر خارج شدند. ۲۰ بامدادان وقتی در راه می‌رفتند، آن درخت انجیر را دیدند که از ریشه خشک شده بود. ۲۱ بطرس آنچه روز قبل پیش آمده بود، به خاطر آورد و به عیسی گفت: «استاد،* نگاه کن! درخت انجیری که لعنت کردی، خشک شده است.» ۲۲ عیسی در جواب به آنان گفت: «به خدا ایمان داشته باشید. ۲۳ به راستی به شما می‌گویم که اگر کسی به این کوه بگوید: (از جای خود کنده و به دریا افکنده شو، و در دل خود شک نکند، بلکه ایمان داشته باشد که آنچه می‌گوید انجام می‌شود، برای او واقع خواهد شد. ۲۴ به همین دلیل به شما می‌گویم، برای هر چه که در دعا درخواست می‌کنید، ایمان داشته باشید که

۲۱:۱۱* تحت‌اللفظی: «زَیّی»: رجوع به واژه‌نامه:

«زَیّی».

فرستاد و پیش خود گفت: «آنان حرمت پسر را حفظ خواهند کرد.» ۷ اما باغبانان به یکدیگر گفتند: «این وارث است، بیایید او را بکشیم و ارثیه از آن ما خواهد شد.» ۸ پس او را گرفتند، کشتند و از تاجکستان بیرون انداختند. ۹ حال، مالک تاجکستان چه خواهد کرد؟ خواهد آمد و باغبانان را هلاک خواهد ساخت و تاجکستان را به دیگران خواهد داد. ۱۰ مگر هرگز این گفته را در نوشته‌های مقدس نخوانده‌اید؟ (آن سنگی که بتیان رد کردند، همان سنگِ سرِ زاویه* شده است، ۱۱ این سنگ از جانب یَهُوَه* آمد و در چشم ما شگفت‌آور است.)» ۱۲ سران کاهنان و علمای دین می‌دانستند که این مَثَل را در مورد آنان می‌گوید. از این رو، می‌خواستند او را بگیرند.* اما از مردم ترسیدند. پس او را ترک کردند و رفتند.

۱۳ سپس بعضی از فریسیان و هواداران حزب هیرودیس را نزد عیسی فرستادند تا او را با سخنان خودش به دام اندازند. ۱۴ آنان آمدند و گفتند: «استاد، می‌دانیم که راستگوهستی و در پی جلب رضای

۱۰:۱۲ * این سنگ برای استحکام بنا، در بالای محل اتصال دو دیوار قرار داده می‌شد. ۱۱:۱۲ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۲:۱۲ * یا: «دستگیر کنند».

پیامبری واقعی می‌دانستند. ۳۳ پس در جواب به عیسی گفتند: «نمی‌دانیم.» عیسی هم به آنان گفت: «من هم به شما نمی‌گویم به چه حقی این کارها را می‌کنم.»

۱۲ پس از آن عیسی صحبت خود را با مردم با چند مَثَل آغاز کرد و گفت: «مردی در زمین خود درختان انگور کاشت و اطراف آن را حصار کشید، چَرخُشتی* در آن کُند و برجی در آن ساخت. سپس تاجکستانش را به باغبانان اجاره داد و خود به سفری دور رفت. ۲ وقتی موسم برداشت فرارسید، غلامی را نزد باغبانان فرستاد تا مقداری از میوه‌های تاجکستان را از آنان بگیرد. ۳ اما باغبانان او را گرفتند، زدند و دست خالی روانه‌اش کردند. ۴ پس غلامی دیگر نزد آنان فرستاد و باغبانان سر او را شکستند و به او بی‌احترامی کردند. ۵ سپس غلامی دیگر فرستاد، اما او را کشتند. پس بسیاری دیگر فرستاد، با ایشان نیز به همین گونه رفتار کردند؛ بعضی را زدند و بعضی را کشتند. ۶ او فقط یک نفر دیگر داشت؛ پسر عزیزش. پس در آخر او را نزد باغبانان ۱:۱۲ * حوضی که در آن انگور می‌ریزند و با فشردن انگورها آب آن را می‌گیرند.

انسان نیستی؛ زیرا به ظاهر انسان‌ها نگاه نمی‌کنی، بلکه طریق خدا را به درستی تعلیم می‌دهی. آیا دادن مالیات* به قیصر جایز است یا نه؟ ۱۵ آیا پرداخت کنیم یا پرداخت نکنیم؟ عیسی به ریاکاری آنان پی برد و به ایشان گفت: «چرا مرا می‌آزمایید؟ سکه‌ای یک‌دیناری* برای من بیاورید تا ببینم.» ۱۶ سکه‌ای آوردند و عیسی از آنان پرسید: «تصویر و عنوان چه کسی روی این سکه است؟» پاسخ دادند: «قیصر.» ۱۷ پس عیسی گفت: «مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا.» آنان از سخن او حیرت کردند.

۱۸ حال، صَدُوقیان که منکر رستاخیزند، نزد عیسی آمدند و چنین سؤال کردند: ۱۹ «استاد، موسی برای ما نوشت که اگر برادر مردی بمیرد و همسرش فرزندی نداشته باشد، آن مرد باید با زن برادرش ازدواج کند تا نسلی از او برای برادر خود به جا گذارد.

۲۰ حال، هفت برادر بودند. برادر اول ازدواج کرد، اما زمانی که مُرد فرزندی نداشت. ۲۱ دومی، زن او را گرفت، اما

۱۴:۱۲ * منظور از «مالیات» مالیات سرانه است.
 ۱۵:۱۲ * یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود؛ رجوع به واژه‌نامه.

او نیز بی‌فرزند مُرد و سومی نیز به همین صورت. ۲۲ هیچ یک از آن هفت نفر فرزندی به جا نگذاشت و در آخر، آن زن نیز مرد. ۲۳ حال به هنگام رستاخیز، آن زن همسر کدام یک از آنان خواهد بود؟ زیرا آن هفت برادر با او ازدواج کرده بودند. ۲۴ عیسی گفت: «شما در اشتباهید. آیا به این دلیل نیست که نه از نوشته‌های مقدّس شناختی دارید و نه از قدرت خدا؟ ۲۵ زیرا هنگامی که مردگان برمی‌خیزند، نه مردان ازدواج می‌کنند و نه زنان، بلکه آنان همچون فرشتگان آسمان‌ها خواهند بود. ۲۶ اما در خصوص برخاستن مردگان، آیا در کتاب موسی، در گزارش مربوط به بوتّه خار نخوانده‌اید که خدا به او گفت: «من خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب هستم؟» ۲۷ او نه خدای مردگان، بلکه خدای زندگان است. شما سخت در اشتباهید. ۲۸ یکی از علمای دین که نزدیک آنان آمده بود، بحثشان را شنید و وقتی دید که عیسی چه پاسخ نیکویی به آنان داد، از او پرسید: «مهم‌ترین حکم کدام است؟» ۲۹ عیسی پاسخ داد: «مهم‌ترین حکم این است: «بشنوای اسرائیل، یَهُوَه* رجوع به واژه‌نامه. ۲۹:۱۲ *

خدای ما، یَهُوه* خدای یکتاست ۳۰ و یَهُوه* خدای خود را با تمامی دل، با تمامی جان، با تمامی ذهن و با تمامی قوت خود دوست بدار. ۳۱ حکم دوم این است: «همسایه‌ات* را همچون خویشتن، دوست بدار.» ۳۲ آن عالم دین به او گفت: «استاد، نیکو و درست گفתי.» (او یکی است و غیر از او خدایی دیگر نیست.) ۳۳ همین طور قبول دارم که باید خدا را با تمامی دل، با تمامی فهم و با تمامی قوت خود و همسایه خود را همچون خویشتن دوست داشت. ۳۴ این امر بسیار مهم‌تر از تمامی هدایای سوختنی و قربانی‌هاست.» ۳۵ عیسی که دید پاسخی عاقلانه داده است، به او گفت: «تو از پادشاهی خدا دور نیستی.» پس دیگر کسی جرأت نکرد از او سؤال کند.

۳۵ عیسی در حالی که در معبد تعلیم می‌داد، گفت: «چگونه است که علمای دین می‌گویند، مسیح پسر داوود است؟ ۳۶ داوود خود از طریق روح القدس چنین می‌گوید: (یَهُوه* به سرور من گفت: «به دست راست من بنشین تا زمانی که

دشمنانت را زیر پایت نهم.» ۳۷ داوود خود، مسیح را سرور خطاب می‌کند، پس چگونه مسیح می‌تواند پسر داوود باشد؟ آن جمعیت بزرگ با علاقه به سخنان او گوش می‌دادند. ۳۸ او تعالیم خود را چنین ادامه داد: «از علمای دین برحذر باشید که دوست دارند با جامه‌های بلند راه بروند و در بازارها مردم به آنان سلام کنند ۳۹ و در کنیسه‌ها جلوی همه جا داشته باشند* و در مهمانی‌ها صدر مجلس بنشینند. ۴۰ آنان خانه‌های* بیوه‌زنان را چپاول* و دعا‌های خود را برای تظاهر، طولانی می‌کنند. پس داوری بر آنان سنگین‌تر خواهد بود.»

۴۱ عیسی در مقابل صندوق‌های اعانات معبد نشست و نگاه می‌کرد که مردم چگونه در آن‌ها پول می‌اندازند. بسیاری از ثروتمندان سکه‌های بسیار می‌انداختند. ۴۲ آنگاه بیوه‌زنی فقیر آمد و دو سکه بسیار کم‌ارزش* در صندوق انداخت. ۴۳ پس او شاگردانش را نزد خود فراخواند و گفت: «به راستی به شما می‌گویم که این بیوه‌زن فقیر، از همه آنانی که در صندوق‌های

۲۹:۱۲، ۳۰، ۳۶* رجوع به واژه‌نامه. ۱۲، ۲۰، ۲۱* یا: «محبت کن.» ۱۲، ۳۱* «همسایه» ترجمه واژه‌ای یونانی است که به مفهوم هم‌نوع نیز می‌باشد. ۱۲، ۳۳* یا: «محبت کرد».

۲۹:۱۲* یا: «در کنیسه‌ها بهترین جا را داشته باشند.» ۱۲، ۴۰* یا: «اموال.» * تحت اللفظی: «می‌بلعند.» ۱۲، ۴۲* تحت اللفظی: «دو پِشَن*؛ دست‌مزد روزانه یک کارگر ۱۲۸ پِشَن بود.»

۸ «زیرا قومی بر ضد قومی و حکومتی بر ضد حکومتی برخواهد خاست. در مناطق مختلف، زمین لرزه‌ها یکی پس از دیگری روی خواهد داد و قحطی‌ها خواهد بود. این‌ها آغاز دردهاست؛ دردهایی همچون درد زایمان.

۹ «اما شما مراقب خود باشید. مردم شما را به محکمه‌ها خواهند سپرد و درکنیسه‌ها خواهند زد و به خاطر من نزد والیان و پادشاهان خواهند برد و به این طریق به آنان شهادت خواهید داد. ۱۰ همچنین اول باید خبر خوش در بین همه قوم‌ها موعظه شود. ۱۱ اما وقتی شما را می‌برند تا تسلیم کنند، از پیش نگران مباشید که چه بگویید؛ بلکه هر چه در آن موقع به شما عطا شود، آن را بگویید. چون شما نیستید که سخن می‌گویید، بلکه روح‌القدس است. ۱۲ همچنین برادر، برادر خود و پدر، فرزند خود را تسلیم مرگ خواهد کرد و فرزندان بر ضد پدر و مادر خود برخوهند خاست و آنان را تسلیم مرگ خواهند کرد. ۱۳ تمامی مردم به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت. اما آن که تا به آخر پایدار بماند، نجات خواهد یافت.

۱۴ «ولی وقتی می‌بینید که آن (ویرانگر نفرت‌انگیز، در مکانی که نباید باشد،

اعانات پول انداختند، بیشتر داد؛ ۴۴ زیرا همه آنان از مازاد دارایی خود دادند، اما او با این که نیازمند* بود، هر آنچه داشت، داد؛ یعنی تمام دارایی خود را.»

۱۳ هنگامی که عیسی معبد را ترک می‌کرد، یکی از شاگردانش به او گفت: «استاد، بین چه سنگ‌ها و چه بناهایی!» ۲ اما عیسی گفت: «این بناهای باشکوه را می‌بینی؟ در اینجا سنگی بر سنگی باقی نخواهد ماند و قطعاً تمامی آن‌ها فرو ریخته خواهد شد.»

۳ هنگامی که عیسی برکوه زیتون در برابر معبد نشسته بود، پطرس، یعقوب، یوحنا و آندریاس در خلوت از او پرسیدند: ۴ «به ما بگو، این امور چه وقت روی خواهد داد و نشانه دورانی که همه این امور به پایان می‌رسد، چه خواهد بود؟» ۵ عیسی به آنان گفت: «مراقب باشید که کسی شما را گمراه نکند. ۶ بسیاری به نام من خواهند آمد و خواهند گفت: «من او هستم، و بسیاری را گمراه خواهند کرد. ۷ به علاوه، وقتی غوغای جنگ‌ها و اخبار جنگ‌ها را می‌شنوید، هراسان مشوید؛ زیرا این امور باید به وقوع بپیوندد، اما این هنوز پایان نیست.

ظهور خواهند رساند تا اگر ممکن باشد، برگزیدگان را گمراه کنند. ۲۳ پس شما هوشیار باشید؛ من از پیش، همه چیز را به شما گفته‌ام.

۲۴ «اما در آن روزها، پس از آن مصیبت، خورشید تاریک خواهد شد و ماه نور خود را نخواهد تاباند، ۲۵ ستارگان از آسمان فرو خواهند افتاد و نیروهای آسمان‌ها به لرزه در خواهند آمد. ۲۶ آنگاه مردم پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابرها می‌آید. ۲۷ او فرشتگان را خواهد فرستاد و برگزیدگانش را از چهار گوشهٔ زمین،* از کران زمین تا کران آسمان گرد خواهد آورد.

۲۸ «حال، درخت انجیر را نمونه بگیرید و درسی بیاموزید، به محض این که شاخه‌های آن جوانه زده برگ دهد، پی می‌برید که تابستان نزدیک است. ۲۹ به همین گونه، شما نیز وقتی وقوع این چیزها را می‌بینید، بدانید که او* نزدیک و پشت دراست. ۳۰ به‌راستی به شما می‌گویم، تا همهٔ این‌ها روی ندهد، این نسل از میان نخواهد رفت. ۳۱ آسمان و زمین از میان خواهد رفت،

۲۷:۱۳ * تحت‌اللفظی: «چهار باد». ۲۹:۱۳ * منظور پسر انسان است.

ایستاده است (باشد که خواننده قدرت تشخیص خود را به کار گیرد) آنگاه آنانی که در یهودیه هستند، به کوهستان بگریزند. ۱۵ کسی که بر بام است، پایین نیاید و به خانه‌اش داخل نشود تا چیزی از آنجا بردارد. ۱۶ کسی که در مزرعه است، برای برداشتن ردای خود برنگردد. ۱۷ وای بر زنانی که در آن روزها باردارند و آنانی که شیر می‌دهند! ۱۸ پیوسته دعا کنید که این وقایع در زمستان روی ندهد؛ ۱۹ زیرا آن روزها، روزهای مصیبت خواهد بود؛ مصیبتی که از آغاز دنیایی* که خدا آفرید، تا آن روز واقع نشده است و هرگز نیز تکرار نخواهد شد. ۲۰ در واقع، اگر یَهُوَه* آن روزها را کوتاه نمی‌کرد، هیچ کس نجات نمی‌یافت. اما به خاطر برگزیدگانی که خود برگزیده، آن روزها را کوتاه کرده است.

۲۱ «همچنین در آن زمان، اگر کسی به شما بگوید: «ببین، مسیح اینجا است!» یا «ببین، او آنجا است!» باور مکنید؛ ۲۲ زیرا مسیحان دروغین و پیامبرهای کاذب برخوانند خاست و نشانه‌ها و عجایب به

۱۹:۱۳ * تحت‌اللفظی: «خلقت». ۲۰:۱۳ * رجوع به واژه‌نامه.

اما کلام من به هیچ وجه از میان نخواهد رفت.

۳۲ «آن روز و ساعت را هیچ کس نمی‌داند، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر، بلکه پدر می‌داند. ۳۳ هوشیار و بیدار بمانید؛ زیرا نمی‌دانید آن زمان مقرر چه وقت است. ۳۴ درست مانند مردی است که خانه‌اش را ترک کرد، به سفری دور رفت و اختیار گرداندن خانه‌اش را به غلامانش سپرد و به هر یک وظیفه‌ای داد. همچنین به دربان فرمان داد که هوشیار باشد. ۳۵ پس هوشیار بمانید؛ زیرا نمی‌دانید که چه وقت ارباب خانه می‌آید، سرشب* یا نیمه‌شب،* سحرگاه* یا صبح زود. ۳۶ مبادا وقتی ناگهان سر برسد، شما را خوابیده ببیند. ۳۷ آنچه به شما می‌گویم، به همه می‌گویم، هوشیار بمانید.»

۱۳:۲۵* نخستین پاس شب، بر مبنای تقسیم‌بندی زمان در یونان و روم، از غروب آفتاب تا حدود ساعت ۹ شب بود. *پاس دوم شب، بر مبنای تقسیم‌بندی زمان در یونان و روم، از حدود ساعت ۹ شب تا نیمه‌شب بود. *یا: «هنگام بانگ خروس»؛ پاس سوم شب؛ بر مبنای تقسیم‌بندی زمان در یونان و روم، از نیمه‌شب تا حدود ساعت ۳ صبح بود. *پاس چهارم شب، بر مبنای تقسیم‌بندی زمان در یونان و روم، از حدود ساعت ۳ صبح تا طلوع خورشید بود.

۱۴

دو روز به پَسَح* و عید نان فطیر مانده بود. سران کاهنان و علمای دین به دنبال راهی بودند تا با حيله‌ای عیسی را گرفتارکنند* و بکشند. ۲ اما می‌گفتند: «نه هنگام عید؛ چون شاید مردم شورش کنند.»

۳ وقتی عیسی در بیت‌عنیا در خانه شمعون جذامی غذا می‌خورد، زنی با ظرفی* از روغنی معطر، از شنبَل* خالص و بسیارگرانها آمد. او آن ظرف را شکست و عطر را بر موهای سر عیسی ریخت. ۴ برخی برآشفتنند و به یکدیگر گفتند: «چرا این عطر اسراف شد؟ ۵ زیرا می‌شد این روغن معطر را بیش از ۳۰۰ دینار* فروخت و پول آن را به فقیران داد!» آنان از آن زن بسیار ناراحت شدند. ۶ اما عیسی گفت: «او را راحت بگذارید. چرا او را می‌رنجانید؟ اوکاری نیکو برای من کرد؛ ۷ زیرا شما فقیران را همیشه با خود دارید و هر موقع که بخواهید، می‌توانید به آنان نیکویی کنید، اما مرا

۱۴:۱، ۵* رجوع به واژه‌نامه. ۱۴:۱۱* یا: «دستگیر کنند». ۱۴:۲* تحت‌اللفظی: «ظرف آلاباستر»؛ رجوع به واژه‌نامه: «آلاباستر». *یا: «ناردین»؛ رجوع به واژه‌نامه: «ناردین». ۱۴:۵* یا: «با لحنی خشم‌آلود با آن زن سخن گفتند؛ آن زن را سرزنش کردند».

پَسَح را با شاگردانم بخورم؟» ۱۵ او بالاخانه‌ای بزرگ و آماده به شما نشان خواهد داد. آنجا شام پَسَح را برایمان تدارک ببینید.» ۱۶ پس شاگردان به شهر داخل شدند و همه چیز دقیقاً مطابق آنچه عیسی به آنان گفته بود، اتفاق افتاد. سپس آنان برای مراسم پَسَح تدارک دیدند.

۱۷ پس از غروب، عیسی با آن دوازده نفر به آنجا آمد. ۱۸ هنگامی که بر سر سفره نشسته بودند و غذا می‌خوردند، عیسی گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم، یکی از شما که با من غذا می‌خورد، به من خیانت خواهد کرد.» ۱۹ شاگردان ناراحت شدند و یکی پس از دیگری به او گفتند: «من که آن شخص نیستم، هستم؟» ۲۰ عیسی گفت: «یکی از شما دوازده نفر است؛ او که با من دست در کاسه فرو می‌برد. ۲۱ البته، پسر انسان خواهد رفت، درست همان طور که در مورد او نوشته شده است. اما وای بر کسی که به پسر انسان خیانت کند! برای او بهتر می‌بود که متولد نمی‌شد.»

۲۲ در حالی که مشغول خوردن بودند، عیسی نانی گرفت، دعا کرد، آن را شکست و به آنان داد و گفت: «بگیرید.

همیشه با خود ندارید. ۸ این زن آنچه در توان داشت، انجام داد و مرا با ریختن این روغن معطر بر بدن من، پیشاپیش برای تدفین آماده کرد. ۹ به‌راستی به شما می‌گویم، در سراسر دنیا هر جا که بشارت موعظه شود، کار این زن نیز به یاد او گفته خواهد شد.»

۱۰ آنگاه یهودای اسخربوطی که یکی از آن دوازده نفر بود، نزد سران کاهنان رفت تا عیسی را به آنان تسلیم کند. ۱۱ سران کاهنان وقتی این را شنیدند، شاد شدند و به او وعده پول نقره دادند. پس او به دنبال فرصتی بود تا به عیسی خیانت کند.

۱۲ در نخستین روز عید نانِ فطیر، که طبق رسوم، قربانی پَسَح را ذبح می‌کردند، شاگردان عیسی به او گفتند: «کجا می‌خواهی برویم و شام پَسَح را برایت آماده کنیم؟» ۱۳ او دو نفر از شاگردانش را فرستاد و به آنان گفت: «به شهر بروید. در آنجا مردی که کوزه‌ای آب حمل می‌کند، نزد شما خواهد آمد. به دنبال او بروید. ۱۴ به هر خانه‌ای که داخل شد، به صاحب آن خانه بگویید: «استاد می‌گوید:» آن اتاق مهمانی کجاست که در آن بتوانم شام

همین امشب، پیش از آن که خروس دو بار بانگ برآورد، سه بار مرا انکار خواهی کرد.» ۳۱ اما پطرس همچنان با اصرار می‌گفت: «حتی اگر قرار باشد با تو بمیرم، به هیچ وجه انکار نخواهم کرد.» دیگران نیز همین را گفتند.

۳۲ سپس به محلی به نام جتسمانی رفتند و عیسی به شاگردانش گفت: «حین این که من دعا می‌کنم، شما اینجا بنشینید.» ۳۳ او پطرس، یعقوب و یوحنا را همراه خود برد. آنگاه تشویش* واضطراب وجودش را فرا گرفت ۳۴ و به آنان گفت: «اندوهی عمیق تا حد مرگ، جان مرا فرا گرفته است. اینجا باشید و بیدار بمانید.» ۳۵ سپس کمی جلوتر رفته، به خاک افتاد و دعا کرد که اگر ممکن باشد، آن ساعت* از او بگذرد. ۳۶ سپس گفت: «آبا! پدر، همه چیز برای تو ممکن است، این جام* را از من دور کن. اما نه به خواست من،

۲۲:۱۴ * یا: «حیرت». ۲۵:۱۴ * «ساعت» به وقایعی که در آن مقطع زمان در شرف وقوع بود، اشاره دارد. ۲۶:۱۴ * آبا واژه‌ای به زبان آرامی است که فرزندان برای مخاطب قرار دادن پدرشان استفاده می‌کردند و نشانه صمیمیت و در عین حال احترام است. * «جام» در اینجا مظهر خواست خداست؛ این که او اجازه دهد عیسی به‌دروغ به کفرگویی متهم شده، کشته شود.

این مظهر بدن من است.»* ۲۳ همچنین جامی گرفت و پس از دعای شکرگزاری، آن را به ایشان داد و همه از آن نوشیدند. ۲۴ سپس به آنان گفت: «این* مظهر خون من برای آن عهد* است که برای بسیاری ریخته خواهد شد. ۲۵ به‌راستی به شما می‌گویم، من دیگر اصلاً از محصول مو نخواهم نوشید، تا آن روز که در پادشاهی خدا تازه آن را بنوشم.» ۲۶ در آخر، بعد از خواندن سرودهای حمد،* بیرون رفتند و عازم کوه زیتون شدند.

۲۷ عیسی به آنان گفت: «تمامی شما مرا ترک خواهید کرد؛* زیرا نوشته شده است: «من شبان را خواهم زد و گوسفندان پراکنده خواهند شد.» ۲۸ اما پس از آن که برخیزانده شدم، پیش از شما به جلیل خواهم رفت.» ۲۹ پطرس به او گفت: «حتی اگر همه تو را ترک کنند، من تو را ترک نخواهم کرد.»* ۳۰ عیسی گفت: «به‌راستی به تو می‌گویم که امروز، آری

۲۲:۱۴ * تحت‌اللفظی: «این بدن من است»؛ فعلی که در اینجا به کار رفته (به یونانی: استین) مفهوم مظهر و سمبول نیز دارد. ۲۴:۱۴ * منظور شراب در جام است. * در اینجا عیسی به خروج ۸:۲۴ اشاره کرد. ۲۶:۱۴ * یا: «مزامیر». ۲۷:۱۴ * تحت‌اللفظی: «تمامی شما لغزش خواهید خورد.» ۲۹:۱۴ * تحت‌اللفظی: «حتی اگر همه لغزش خورند، من نخواهم خورد».

اوست. او را دستگیر کنید و تحت نظر نگهبانان ببرید.» ۴۵ یهویدا به محض رسیدن به آنجا، نزد عیسی رفت و گفت: «استاد!» * و او را به گرمی بوسید. ۴۶ سپس، عیسی را گرفتند و دستگیرش کردند. ۴۷ اما یکی از آنان که آنجا ایستاده بود، شمشیرش را کشید و خادم کاهن اعظم را با شمشیر زد و گوش او را قطع کرد. ۴۸ عیسی به آنان گفت: «مگر من راهزن هستم که برای دستگیری من با شمشیر و چماق آمده‌اید؟ ۴۹ هر روز با شما در معبد بودم و تعلیم می‌دادم و مرا دستگیر نکردید. اما این‌ها روی داده است تا نوشته‌های مقدس به تحقق رسد.»

۵۰ سپس، همه شاگردان او را ترک کردند و گریختند. ۵۱ اما مرد جوانی که فقط ردایی از کتان ظریف به تن داشت، به دنبال او رفت. آنان سعی کردند او را بگیرند، ۵۲ اما او ردایش را رها کرد و برهنه * گریخت.

۵۳ سپس، عیسی را از آنجا نزد کاهن اعظم بردند و تمامی سران کاهنان و ریش‌سفیدان و علمای دین جمع شدند.

۴۵:۱۴ * تحت‌اللفظی: «زَبی»: رجوع به واژه‌نامه: «زَبی». ۵۲:۱۴ * یا: «نیمه برهنه».

بلکه به خواست تو.» ۳۷ او بازگشت و دید که آنان در خوابند، به پطرس گفت: «شمعون، خوابیده‌ای؟ آیا قادر نبودی یک ساعت بیدار بمانی؟ ۳۸ هوشیار بمانید و پیوسته دعا کنید تا تسلیم و سوسه نشوید. البته، روح مشتاق * است اما جسم ناتوان.» ۳۹ بار دیگر رفت و همان دعا را کرد. ۴۰ وقتی بازگشت، دید که آنان در خوابند؛ زیرا چشمانشان سنگین شده بود، پس نمی‌دانستند چه پاسخی به او بدهند. ۴۱ سپس برای بار سوم آمد و گفت: «در چنین وقتی خوابیده‌اید و استراحت می‌کنید! کافی است! ساعت آن رسیده است. حال به پسر انسان خیانت می‌شود و به دست گناهکاران می‌افتد. ۴۲ برخیزید و برویم. آن که به من خیانت می‌کند، اکنون از راه می‌رسد.»

۴۳ عیسی هنوز مشغول صحبت بود که ناگهان یهویدا، یکی از آن دوازده نفر، از راه رسید و همراه او عده‌ای زیاد با شمشیر و چماق از طرف سران کاهنان، علمای دین و ریش‌سفیدان آمدند. ۴۴ آن خائن به همراهان خود این نشانه را داده بود: «کسی را که ببوسم، همان

۳۸:۱۴ * یا: «می‌خواهد».

پسر انسان را خواهید دید که به دست راست آن قدرتمند* نشسته است و با ابرهای آسمان می‌آید.» ۶۳ آنگاه کاهن اعظم جامهٔ خود را چاک زد و گفت: «دیگر چه نیازی به شاهد داریم؟ ۶۴ شما خود کفرگویی او را شنیدید. تصمیمتان چیست؟»* همهٔ آنان او را مستحق مرگ دانسته، محکوم کردند. ۶۵ سپس برخی به او آب دهان انداختند، صورت او را پوشاندند و با مشت او را زدند و به او گفتند: «ثابت کن که نبی هستی. به ما بگو چه کسی تو را زد!» بر صورتش سیلی زدند و سپس نگهبانان محکمه او را بردند. ۶۶ وقتی پطرس پایین در حیاط خانه بود، زنی که یکی از خدمتکاران کاهن اعظم بود، آمد. ۶۷ زن با دیدن پطرس که خود را گرم می‌کرد، به او خیره شد و گفت: «تو نیز با آن عیسای ناصری بودی.» ۶۸ اما پطرس حاشا کرد و گفت: «نه او را می‌شناسم و نه می‌فهمم که تو چه می‌گویی.» سپس بیرون به سرسرای خانه رفت. ۶۹ آن زن با دیدن او بار دیگر به کسانی که آنجا ایستاده بودند، گفت: «این یکی از آنان است.» ۷۰ باز هم

۶۲:۱۴ * تحت اللفظی: «دست راست قدرت». ۶۴:۱۴ * یا: «چه فکر می‌کنید».

۵۴ پطرس دورادور او را تا حیاط خانهٔ کاهن اعظم دنبال کرد. او در آنجا با خدمتکاران نشست و خود را کنار آتش گرم کرد. ۵۵ سران کاهنان و تمام اعضای سَنهدَرین* در پی شهادت‌هایی علیه عیسی بودند تا او را بکشند، اما هیچ نیافتند. ۵۶ البته بسیاری علیه او شهادت دروغ می‌دادند، اما شهادت‌هایشان با هم تطابق نداشت. ۵۷ همچنین، عده‌ای برخاستند و علیه او به دروغ چنین شهادت دادند: ۵۸ «شنیدیم که گفت: «این معبد را که ساختهٔ دست انسان است، ویران خواهم کرد و در سه روز معبدی دیگر که ساختهٔ دست انسان نیست، بنا خواهم نمود.»» ۵۹ اما حتی در این مورد نیز شهادت‌های آنان با هم تطابق نداشت.

۶۰ سپس، کاهن اعظم در مقابل جمع برخاست و از عیسی پرسید: «در جواب چیزی نمی‌گویی؟ اینان علیه تو چه شهادت می‌دهند؟» ۶۱ اما او سکوت کرد و هیچ پاسخی نداد. بار دیگر کاهن اعظم از او چنین سؤال کرد: «آیا تو مسیح، پسر خدای متبارک هستی؟» ۶۲ سپس عیسی گفت: «من همانم؛ شما

پاسخی نداد، طوری که پیلّاثس بسیار متعجب شد.

۶ در هر عید پَسَح رسم پیلّاثس این بود که یک زندانی را برای مردم آزاد کند؛ هر کسی را که آنان درخواست کنند. ۷ در آن زمان، مردی به نام باراباس در میان کسانی بود که به دلیل شورش و قتل در زندان بودند. ۸ پس، مردم نزد پیلّاثس آمدند و از او درخواست کردند که مطابق رسم معمول خود عمل کند. ۹ پیلّاثس از آنان پرسید: «آیا می‌خواهید پادشاه یهودیان را برایتان آزاد کنم؟» ۱۰ زیرا پیلّاثس می‌دانست که سران کاهنان، عیسی را از روی حسادت، به او تسلیم کرده بودند. ۱۱ اما سران کاهنان مردم را تحریک کردند که باراباس را در عوض، برایشان آزاد کند. ۱۲ بار دیگر پیلّاثس به آنان گفت: «پس با مردی که شما او را پادشاه یهودیان می‌خوانید، چه کنم؟» ۱۳ باز هم فریاد زدند: «او را بر تیر بیاویز!» * ۱۴ پیلّاثس به آنان گفت: «چرا؟ چه کار بدی از او سر زده است؟» اما مردم بلندتر و بلندتر فریاد زدند: «او را بر تیر بیاویز!» * ۱۵ آنگاه پیلّاثس که می‌خواست جمعیت را راضی کند،

پطرس حاشا کرد و اندکی بعد آنانی که آنجا ایستاده بودند، بار دیگر به پطرس گفتند: «قطعاً تو یکی از آنانی، چون جلیلی هستی.» ۷۱ اما او شروع به لعنت کردن و قسم خوردن کرد و گفت: «این مرد را که در موردش صحبت می‌کنید، نمی‌شناسم!» ۷۲ همان موقع خروس برای بار دوم بانگ زد. آنگاه پطرس این سخن عیسی را به یاد آورد که به او گفته بود: «پیش از این که خروس دو بار بانگ برآورد، تو سه بار مرا انکار خواهی کرد.» پطرس شدیداً متأثر شد و به گریه افتاد.

۱۵

به محض طلوع آفتاب سران کاهنان به همراه ریش سفیدان و علمای دین و حتی تمامی اعضای سَنهدرین* شور کردند و عیسی را دست‌بسته از آنجا بردند و به پیلّاثس تحویل دادند. ۲ پیلّاثس از او چنین سؤال کرد: «آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟» عیسی در جواب به او گفت: «همان که تو خود می‌گویی.» ۳ سران کاهنان اتهامات بسیاری به او نسبت می‌دادند. ۴ پیلّاثس بار دیگر از او پرسید: «آیا هیچ جوابی برای گفتن نداری؟ ببین به تو چقدر اتهام نسبت می‌دهند!» ۵ اما عیسی دیگر

نوشیدن آن امتناع کرد. ۲۴ پس عیسی را به تیر میخکوب کردند و برای تقسیم لباس‌هایش بین خود قرعه انداختند تا معلوم شود هر یک چه بردارد. ۲۵ زمانی که به تیر میخکوبش کردند، ساعت سوم* بود. ۲۶ دلیل محکومیت او را بالای سرش چنین نوشته بودند: «پادشاه یهودیان». ۲۷ به علاوه، دو راهزن را در کنار وی به تیر آویختند، یکی در طرف راست و دیگری در طرف چپ او. ۲۸* — ۲۹ رهگذران سرخود را تکان می‌دادند و به او اهانت کرده، می‌گفتند: «ای تو که می‌خواستی معبد را خراب و آن را در سه روز بنا کنی، ۳۰ از تیر شکنجه* پایین بیا و خود را نجات بده!» ۳۱ به همین شکل، سران کاهنان و علمای دین نیز در میان خود، او را مورد تمسخر قرار می‌دادند و می‌گفتند: «دیگران را نجات داد، اما خود را نمی‌تواند نجات دهد!» ۳۲ بگذار مسیح، پادشاه اسرائیل اکنون از تیر شکنجه* پایین بیاید تا ما ببینیم و ایمان آوریم.» حتی آنان که در کنار او به تیر آویخته شده بودند، به او ناسزا می‌گفتند.

۲۵:۱۵ * حدود ساعت ۹ صبح. ۲۸:۱۵ * چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود.

باراباس را برای آنان آزاد کرد. سپس فرمان داد که عیسی را شلاق بزنند و او را به سربازان سپرد تا بر تیر اعدام شود.

۱۶ پس سربازان، عیسی را به حیاط کاخ والی بردند و تمامی سربازان دیگر را نیز گرد آوردند. ۱۷ جامه‌ای ارغوانی به او پوشاندند و تاجی از خار بافتند و بر سرش گذاشتند. ۱۸ شروع کردند به سلام کردن و می‌گفتند: «سلام* بر تو، ای پادشاه یهودیان!» ۱۹ همچنین، با یک نی بر سرش می‌زدند و آب دهان به او می‌انداختند. سپس در مقابلش زانو زده، به او تعظیم کردند. ۲۰ سرانجام، پس از تمسخر کردن او، ردای ارغوانی را از تنش درآوردند و لباسش را بر تنش کردند. بعد از آن، او را بردند تا به تیر میخکوب کنند. ۲۱ همچنین رهگذری به نام شمعون را که از بیرون شهر می‌آمد و از اهالی قِیْرَوان و پدر اسکندر و رؤفُس بود، مجبور کردند تا تیر شکنجه* عیسی را حمل کند.

۲۲ پس عیسی را به محلّی به نام جُلُجُتَا بردند که به معنی «مکان جمجمه» است. ۲۳ در آنجا سعی کردند به او شرابی آمیخته به مُر* بدهند، اما از

۱۸:۱۵ * یا: «درد». ۲۱:۱۵، ۳۰، ۳۲ * رجوع به واژه‌نامه. ۲۳:۱۵ * منظور ماده‌ای مخدر است.

یعقوب کوچک و یوشا* و همچنین سالومه نیز بودند: ۴۱ این زنان عیسی را هنگامی که در جلیل بود، همراهی و به وی خدمت می‌کردند. همچنین بسیاری زنان دیگر که با او به اورشلیم آمده بودند نیز حضور داشتند.

۴۲ اما از آنجا که عصر شده بود و «روز تهیه»* یعنی روز پیش از سَبْت* بود، ۴۳ یوسف از اهاالی رامه و از اعضای محترم شورا که خود نیز در انتظار پادشاهی خدا بود، با شهادت نزد پیلاتس رفت و خواستار جسد عیسی شد. ۴۴ اما پیلاتس که می‌خواست بداند آیا واقعاً عیسی به این زودی مرده است، فرمانده را فراخواند و پرسید: «آیا او مرده است؟» ۴۵ وقتی از طریق فرمانده از این امر اطمینان یافت، جسد عیسی را به یوسف داد. ۴۶ سپس یوسف کتانی نفیس خرید، جسد عیسی را پایین آورد، آن را در کتان پیچید و در مقبره‌ای که در صخره تراشیده بود، قرار داد و سنگی جلوی دهانه مقبره غلتاند. ۴۷ اما مریم مَجْدَلِیه و مریم مادر یوشا همچنان به مقبره‌ای که عیسی در آن قرار داده شده بود، نگاه می‌کردند.

۴۰:۱۵ *یا: «یوسف». ۴۲:۱۵ *رجوع به واژه‌نامه.

۳۳ از ساعت ششم* تا نهم*، تاریکی تمام زمین را فرا گرفت. ۳۴ در ساعت نهم، عیسی با صدای بلند فریاد زد و گفت: «ایلی، ایلی، لَما سَبَقْتَنی؟» یعنی «خدای من، خدای من، چرا مرا ترک کرده‌ای؟» ۳۵ برخی از کسانی که آنجا ایستاده بودند، وقتی این را شنیدند، گفتند: «ببینید! ایلِیا* را صدا می‌زند.» ۳۶ یکی از آنان دوید و اسفنجی در شراب ترشیده فرو برد، آن را بر سر یک نی گذاشت و به او داد تا بنوشد و گفت: «او را به حال خود بگذارید تا ببینیم آیا ایلِیا می‌آید او را پایین آورد؟» ۳۷ عیسی با صدای بلند فریاد زد و جان سپرد.* ۳۸ آنگاه پرده مکان مقدسِ معبد* از بالا تا پایین دو پاره شد. ۳۹ وقتی فرمانده سربازان* که در مقابل عیسی ایستاده بود، دید که او چگونه جان سپرد، گفت: «به‌راستی که این مرد، پسر خدا بود.»

۴۰ زنانی نیز از دور ناظر وقایع بودند. در میان آنان مریم مَجْدَلِیه، مریم مادر

۳۳:۱۵ *حدود ساعت ۱۲ ظهر. *حدود ساعت ۳ بعد از ظهر. ۳۵:۱۵ *یا: «الیاس». ۳۷:۱۵ *یا: «نفس آخر را کشید». ۳۸:۱۵ *این پرده قدس‌الاقداس را از مکان قدس جدا می‌کرد. ۳۹:۱۵ *یا: «یوزباشی»: منظور فرمانده‌ای در ارتش روم است که ۱۰۰ سرباز زیر فرمان داشت.

مَرَقَس ۱:۱۶-محتوای لوقا

آنان مبهوت شدند. ۶ او گفت: «مبهوت شوید. می‌دانم که به دنبال عیسای ناصری هستید که بر تیر اعدام شد. او برخیزانده شده است؛ اینجا نیست. ببینید! این جایی است که او را گذاشته بودند! ۷ اکنون بروید و به شاگردان او و به پطرس بگویید: «او پیش از شما به جلیل می‌رود و او را آنجا خواهید دید؛ درست همان طور که به شما گفته بود.» ۸ پس آن زنان از مقبره بیرون آمدند و لرزان و حیران گریختند. اما از ترس به هیچ کس چیزی نگفتند.*

۸:۱۶* در دست‌نوشته‌های معتبر و قدیمی کتاب مقدس، انجیل مَرَقَس با کلمات آیه هشت پایان می‌یابد.

۱۶ وقتی روز سَبَّت* سپری شد، مریم مَجْدَلِیّه، سالومه و مریم، مادر یعقوب مواد معطر* خریدند تا برونند و بر جسد عیسی بزنند. ۲ روز اول هفته، صبح زود هنگام طلوع آفتاب به مقبره رفتند. ۳ آنان به یکدیگر می‌گفتند: «چه کسی سنگ دهانه مقبره را برای ما خواهد غلتاند؟» ۴ اما وقتی نگاه کردند، دیدند که سنگ با این که بسیار بزرگ بود، به کناری غلتانده شده است. ۵ هنگامی که به مقبره داخل شدند، مرد جوانی را دیدند که در سمت راست نشسته بود و جامه‌ای سفید بر تن داشت. ۱:۱۶* رجوع به واژه‌نامه. * «مواد معطر» یا: «خنوط».

انجیل* به روایت

لوقا

فهرست محتوا

۱ مریم یهوه را تمجید می‌کند (۵۶-۴۶)
ولادت و نام‌گذاری یحیی (۶۶-۵۷)
نبوت زکریّا (۸۰-۶۷)
۲ ولادت عیسی (۷-۱)
فرشتگان بر شبانان ظاهر می‌شوند (۲۰-۸)
ختنه و پاک ساختن (۲۴-۲۱)

۱ خطاب به تئوفیلوس (۴-۱)
جبرائیل ولادت یحیی را پیشگویی می‌کند (۲۵-۵)
جبرائیل ولادت عیسی را پیشگویی می‌کند (۳۸-۲۶)
مریم به دیدار الیزابت می‌رود (۴۵-۳۹)

درخت از میوه‌اش شناخته
می‌شود (۴۵-۴۳)

خانه‌ای که محکم بنا شده است؛ خانه‌ای
بدون زیربنا (۴۹-۴۶)

۷ ایمان یک افسر (۱۰۰-۱)

عیسی در نائین پسر بیوه‌زنی را رستاخیز
می‌دهد (۱۷-۱۱)

تمجید از یحیای تعمیددهنده (۳۰-۱۸)

محکوم شدن نسلی بی‌توجه (۳۵-۳۱)

بخشیدن زنی بدکاره (۵۰-۳۶)

مَثَل بدهکاران (۴۳-۴۱)

۸ زنانی عیسی را همراهی می‌کنند (۳۰-۱)

مَثَل برزگر (۸-۴)

چرا عیسی از مَثَل‌ها استفاده
می‌کرد (۱۰-۹)

توضیح مَثَل برزگر (۱۵-۱۱)

چراغ را با سرپوش نمی‌پوشانند (۱۸-۱۶)

مادر و برادران عیسی (۲۱-۱۹)

عیسی تندبادی را آرام می‌سازد (۲۵-۲۲)

عیسی دیوها را به گله‌ای خوک
می‌فرستد (۳۹-۳۶)

دختر یایروس؛ زنی لباس عیسی را لمس
می‌کند (۵۶-۴۰)

۹ راهنمایی به آن دوازده نفر برای
موعظه (۶-۱)

هیروдіس بابت عیسی سردرگم
می‌شود (۹-۷)

عیسی به ۵۰۰۰ نفر خوراک
می‌دهد (۱۷-۱۰)

پطرس عیسی را مسیح می‌داند (۲۰-۱۸)

پیشگویی عیسی در خصوص
مرگش (۲۲-۲۱)

شَّمعون مسیح را می‌بیند (۳۵-۲۵)

خَنّا در مورد طفل صحبت
می‌کند (۳۸-۳۶)

بارگشت به ناصره (۴۰-۳۹)

عیسای دوازده‌ساله در معبد (۵۲-۴۱)

۳ شروع فعالیت یحیی (۲۰-۱)

موعظه یحیی در مورد تعمید (۲۰-۳)

تعمید عیسی (۲۲-۲۱)

شجره‌نامه عیسی مسیح (۳۸-۲۳)

۴ ابلیس عیسی را وسوسه می‌کند (۱۳-۱)

شروع موعظه عیسی در جلیل (۱۵-۱۴)

مردم ناصره عیسی را نمی‌پذیرند (۳۰-۱۶)

در کنیسه‌ای در کَفَرناحوم (۳۷-۳۱)

شفای مادرزن شَّمعون و بیمارانی
دیگر (۴۱-۳۸)

عیسی به مکانی خلوت می‌رود و مردم
او را می‌یابند (۴۴-۴۲)

۵ معجزه صید ماهی؛ اولین شاگردان (۱۱-۱)

شفای مردی جذامی (۱۶-۱۲)

شفای مردی فلج (۲۶-۱۷)

عیسی لاوی را فرا می‌خواند (۳۲-۲۷)

سؤال در مورد روزه (۳۹-۳۳)

۶ عیسی «صاحب‌اختیار روز سَبْت» (۵-۱)

شفای مردی که دستش از کار افتاده
بود (۱۱-۶)

اسامی ۱۲ رسول (۱۶-۱۲)

عیسی تعلیم می‌دهد و شفا
می‌بخشد (۱۹-۱۷)

خوشا به حال چه کسانی و وای بر چه
کسانی (۲۶-۲۰)

محبت به دشمنان (۳۶-۲۷)

دیگر قضاوت مکیند (۴۲-۳۷)

اهمیت تصدیق کردن مسیح نزد

مردم (۱۲-۸)

مَثَل ثروتمند نادان (۲۱-۱۳)

دیگر نگران مباشید (۳۴-۲۲)

گلهٔ کوچک (۳۲)

اهمیت هوشیاری (۴۰-۳۵)

مباشر امین و مباشر خیانتکار (۴۸-۴۱)

نه صلح، بلکه جدایی (۵۳-۴۹)

نیاز به تشخیص زمان‌ها (۵۶-۵۴)

حل اختلاف با شاکي (۵۹-۵۷)

۱۳ اگر توبه نکنید نابود می‌شوید (۵-۱)

مَثَل درخت انجیر بی‌حاصل (۹-۶)

شفای زنی خمیده در روز سَبْت (۱۷-۱۰)

مَثَل دانهٔ خردل و مَثَل خمیرمایه (۲۱-۱۸)

برای عبور از درِ تنگ تلاش لازم

است (۳۰-۲۲)

هیروдіس، «آن روبه» (۳۳-۳۱)

عیسی برای اورشلیم تأسف

می‌خورد (۲۵، ۳۴)

۱۴ شفای مردی که بدنش آب آورده بود،

در روز سَبْت (۶-۱)

مهمانی متواضع باش (۱۱-۷)

آنانی را دعوت کن که نمی‌توانند در

عوض، چیزی به تو بدهند (۱۴-۱۲)

مَثَل مهمانانی که دعوت را

نپذیرفتند (۲۴-۱۵)

بهای شاگردی عیسی (۳۳-۲۵)

اگر نمک خاصیتش را از دست

بدهد (۳۵، ۳۴)

۱۵ مَثَل گوسفند گمشده (۷-۱)

مَثَل سکهٔ گمشده (۱۰-۸)

مَثَل پسر گمشده (۳۲-۱۱)

شاگردان حقیقی عیسی پیوسته از او

پیروی می‌کنند (۲۷-۲۳)

دگرگون شدن ظاهر عیسی (۳۶-۲۸)

شفای پسری دیوزده (۴۳-۳۷ الف)

پیشگویی دوبارهٔ عیسی در خصوص

مرگش (۴۵-ب-۴۳)

بحث شاگردان بر سر این که کدام یک

بزرگ‌تر است (۴۸-۴۶)

هر که بر ضدّ ما نیست با ماست (۵۰، ۴۹)

مردم یکی از آبادی‌های سامریان پذیرای

عیسی نمی‌شوند (۵۶-۵۱)

عیسی نشان می‌دهد که چگونه باید از

او پیروی کرد (۶۲-۵۷)

۱۰ عیسی ۷۰ نفر را به موعظه

می‌فرستد (۱۲-۱)

وای بر شهرهایی که ساکنانش توبه

نمی‌کنند (۱۶-۱۳)

بازگشت ۷۰ نفر (۲۰-۱۷)

عیسی پدرش را از این که به متواضعان

توجه دارد، می‌ستاید (۲۴-۲۱)

مَثَل سامری نوع‌دوست (۳۷-۲۵)

عیسی به خانهٔ مارتا و مریم

می‌رود (۴۲-۳۸)

۱۱ چگونگی دعا کردن (۱۳-۱)

دعای نمونه (۴-۲)

بیرون راندن دیوها با انگشت خدا (۲۳-۱۴)

بازگشت روح ناپاک (۲۶-۲۴)

سعادت حقیقی (۲۸، ۲۷)

نشانهٔ یونس (۳۲-۲۹)

چشم، چراغ بدن (۳۶-۳۳)

وای بر مذهبیون ریاکار (۵۴-۳۷)

۱۲ دوری از خمیرمایهٔ فریسیان (۳-۱)

از خدا بترس، نه از انسان (۷-۴)

۱۶ مَثَل مباشر بی انصاف (۱۳-۱)

آن که در امور کوچک امین است در

امور بزرگ نیز امین است (۱۰)

شریعت و پادشاهی خدا (۱۸-۱۴)

مَثَل مرد ثروتمند و ایلعازر (۳۱-۱۹)

۱۷ لغزش دادن، بخشیدن برادرت، ایمان

داشتن (۶-۱)

غلامانی که انجام وظیفه می‌کنند (۱۰-۷)

شفا یافتن ده جذامی (۱۹-۱۱)

آمدن پادشاهی خدا (۳۷-۲۰)

«پادشاهی خدا در میان

شماست» (۲۱)

«زن لوط را به خاطر آورید» (۳۲)

۱۸ مَثَل بیوه‌زن سرسخت (۸-۱)

دعای قریسی و خراجگیر در معبد (۱۴-۹)

عیسی و کودکان (۱۷-۱۵)

سؤال مردی ثروتمند (۳۰-۱۸)

پیشگویی دوباره عیسی در خصوص

مرگش (۳۴-۳۱)

گدایی نابینا بینایی خود را

بازمی‌یابد (۴۳-۳۵)

۱۹ عیسی به خانه زکا می‌رود (۱۰-۱)

مَثَل ده منّا (۲۷-۱۱)

ورود پیروزمندانۀ عیسی (۴۰-۲۸)

عیسی برای اورشلیم گریست (۴۴-۴۱)

عیسی معبد را پاک می‌سازد (۴۸-۴۵)

۲۰ زیر سؤال بردن اقتدار عیسی (۸-۱)

مَثَل باغبانان قاتل (۱۹-۹)

خدا و قیصر (۲۶-۲۰)

سؤال در مورد رستاخیز (۴۰-۲۷)

آیا مسیح پسر داوود است؟ (۴۴-۴۱)

هشدار در مورد علمای دین (۴۷-۴۵)

۲۱ بیوه‌زنی محتاج، دو سکه اعانه

می‌دهد (۴-۱)

نشانه نزدیک شدن اموری که در پیش

است (۳۶-۵)

جنگ‌ها، زمین‌لرزه‌ها، بیماری‌های

همه‌گیر، قحطی‌ها (۱۱، ۱۰)

سپاهیان در اطراف اورشلیم اردو

خواهند زد (۲۰)

دوران معین ملت‌ها (۲۴)

آمدن پسر انسان (۲۷)

مَثَل درخت انجیر (۳۳-۲۹)

بیدار بمانید (۳۶-۳۴)

عیسی در معبد تعلیم می‌دهد (۳۸، ۳۷)

۲۲ توطئه کاهنان برای کشتن عیسی (۶-۱)

تدارک آخرین پَسَح (۱۳-۷)

پایه‌گذاری شام سرور (۲۰-۱۴)

«دست کسی که به من خیانت می‌کند،

با من در سفره است» (۲۳-۲۱)

بحث شدید میان شاگردان بر سر این که

کدام یک از آنان بزرگ‌تر است (۲۷-۲۴)

عهد عیسی برای پادشاهی (۳۰-۲۸)

پیشگویی انکار پطرس (۳۴-۳۱)

نیاز به آمادگی: دو شمشیر (۳۸-۳۵)

دعای عیسی در کوه زیتون (۴۶-۳۹)

دستگیری عیسی (۵۳-۴۷)

پطرس حاشا می‌کند که عیسی را

می‌شناسد (۶۲-۵۴)

تمسخر کردن عیسی (۶۵-۶۳)

محکوم کردن عیسی در مقابل

سنهدرین (۷۱-۶۶)

۲۳ عیسی در مقابل پیلاتس و

هیروودیس (۲۵-۱)

عیسی در کنار دو مرد مجرم به تیر

میخکوب می‌شود (۴۳-۲۶)

«با من در بهشت خواهی بود» (۴۳)

مرگ عیسی (۴۴-۴۹)

خاکسپاری عیسی (۵۰-۵۶)

۲۴ رستاخیز عیسی (۱-۱۳)

در راه یمائوس (۱۳-۳۵)

عیسی بر شاگردان ظاهر می‌شود (۳۶-۴۹)

عیسی به آسمان بالا می‌رود (۵۰-۵۳)

و دستورهای یَهُوه* بدون کم‌وکاست رفتار می‌کردند، ۷ اما فرزندی نداشتند، چون اِلیزابِث نازا بود و هر دو سالخورده بودند. ۸ یک بار که نوبتِ خدمت گروه زَکریا بود و او به عنوان کاهن نزد خدا خدمت می‌کرد، ۹ مطابق رسم کاهنان، نوبت به او رسید تا به مکان مقدس در معبد یَهُوه* داخل شود و بخور بسوزاند. ۱۰ هنگام سوزاندن بخور، تمام جمعیت بیرون مشغول دعا بودند. ۱۱ فرشته یَهُوه* در حالی که در طرف راست مذبح بخور ایستاده بود، به زَکریا ظاهر شد. ۱۲ زَکریا با دیدن او مضطرب گشت و ترس وجودش را فرا گرفت. ۱۳ اما فرشته به او گفت: «زَکریا، مترس؛ زیرا دعاهاى التماس‌آمیز تو مستجاب شده است. همسرت اِلیزابِث برای تو پسری خواهد زایید و تو باید ۶:۱ * این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهُوه» در این ترجمه به کار رفته است: رجوع به واژه‌نامه.

خدمت عالیجناب تئوفیلوس. بسیاری تلاش کرده‌اند اموری را که ما به آن‌ها کاملاً یقین داریم، تألیف کنند. ۲ همچنین افرادی که از آغاز شاهد عینی تمامی این امور بوده‌اند و در راه اعلام کلام خدمت کرده‌اند، آن‌ها را به ما رساندند. ۳ من نیز چون همه امور را از ابتدا به دقت بررسی کرده‌ام، مصمم شدم تا آن‌ها را به ترتیبی منطقی برای شما، ای عالیجناب تئوفیلوس، بنویسم ۴ تا به این طریق کاملاً به صحت اموری که شفاهی آموخته‌اید، پی ببرید.

۵ در روزگار هیرودیس،* پادشاه یهودیه، کاهنی به نام زَکریا از گروه آبیا* زندگی می‌کرد. او همسری به نام اِلیزابِث داشت که از نسل هارون بود. ۶ هر دوی آنان نزد خدا درستکار* بودند و مطابق تمام احکام

عنوان* رجوع به واژه‌نامه: «بشارت». ۵:۱، ۹، ۱۱ * رجوع به واژه‌نامه. ۵:۱ * منظور آن گروه از کاهنان است که از خاندان آبیا بودند. ۶:۱ * یا: «عادل».

نام او را یحیی بگذاری. ۱۴ شادمانی و سرور نصیب تو خواهد شد و تولّد او مایه شادی بسیاری خواهد گردید: ۱۵ زیرا او در چشم یَهُوه* بزرگ خواهد بود. اما هیچ گاه نباید شراب و نوشیدنی‌های مستی‌آور بنوشد. او حتی از زمان تولّدش* از روح القدس پرخواهد بود ۱۶ و بسیاری از بنی اسرائیل را به سوی خدایشان، یَهُوه* باز خواهد گرداند. ۱۷ او پیشاپیش خدا با روح و قدرت ایلّیا* خواهد رفت تا دل پدران را بار دیگر همچون دل فرزندان سازد* و نافرمانان را به سوی حکمت درستکاران* بازگرداند و به این ترتیب قومی آماده برای یَهُوه* فراهم سازد.»

۱۸ زکریا به آن فرشته گفت: «چطور می‌توانم این را باور کنم؟ زیرا من پیرم و همسرم نیز سالخورده است.» ۱۹ فرشته در جواب گفت: «من جبرائیل هستم که در حضور خدا می‌ایستم و فرستاده شده‌ام تا با تو صحبت کنم و این اخبار خوش را به تو اعلام نمایم. ۲۰ حال، تا روزی که این وقایع روی دهد، تو قادر به تکلم

۱۵:۱۷، ۲۵* رجوع به واژه‌نامه. ۱۵:۱* یا: «از شکم مادرش». ۱۷:۱* یا: «الیاس». ۱۸:۱* یا: «دل پدران را به سوی فرزندانیشان بازآورد». ۱۹:۱* یا: «عادلان».

نخواهی بود و خاموش خواهی ماند؛ چون سخنان مرا که در زمان مقرر به تحقق خواهد رسید، باور نکردی.» ۲۱ در این میان، مردم همچنان منتظر زکریا بودند و از این که مدتی طولانی در مکان مقدّس معبد مانده بود، متعجب شدند. ۲۲ وقتی زکریا بیرون آمد، نتوانست با آنان سخن بگوید و مردم تشخیص دادند که در مکان مقدّس معبد چیزی خارق‌العاده دیده است. او به آنان ایما و اشاره می‌کرد و قادر به سخن گفتن نبود. ۲۳ هنگامی که ایّام خدمت مقدّسش به پایان رسید، به خانه‌اش رفت.

۲۴ چند روز بعد، الیزابت همسر او باردار شد و خود را به مدت پنج ماه از نظرها دور نگاه داشت و می‌گفت: ۲۵ «یَهُوه* به این طریق با من رفتار کرده است که در این ایّام به من توجه نموده و آنچه در نظر مردم مایه ننگ من بود، برداشته است.»

۲۶ وقتی او شش ماهه حامله بود، خدا جبرائیل فرشته را به شهری به نام ناصره در جلیل فرستاد ۲۷ تا نزد باکره‌ای به نام مریم برود؛ مریم نامزد مردی به نام یوسف از خاندان داوود بود. ۲۸ وقتی جبرائیل نزد او رفت، گفت: «سلام، ای کسی که

و پسری در رَحِم دارد. او که نازا خوانده می‌شود، شش ماهه باردار است؛ ۲۷ زیرا هیچ امری نزد خدا غیر ممکن نیست.»*
 ۲۸ سپس مریم گفت: «من کنیز یَهُوه* هستم! باشد که آنچه گفתי بشود.» آنگاه فرشته از نزد او رفت.

۲۹ در آن روزها، مریم برخاست و شتابان عازم شهری در یهودیه در ناحیه کوهستانی شد. ۴۰ او به خانه زَکریا داخل گشت و به اِلِیزَبِت سلام کرد. ۴۱ همین که او سلام مریم را شنید، بچه در رَحِمش تکان خورد و اِلِیزَبِت از روح القدس پر شد ۴۲ و با صدای بلند گفت: «تو در میان زنان مبارک هستی و ثمره رَحِم تو مبارک باد! ۴۳ چطور چنین افتخاری نصیب من شده است که مادر سَرورم نزد من بیاید؟ ۴۴ زیرا همین که صدای سلام تو به گوشم رسید، بچه با شادی بسیار در رَحِم من تکان خورد. ۴۵ خوشا به حال آن زن که آنچه به او گفته شد، باور کرد؛ زیرا یَهُوه* آن را کاملاً به تحقق خواهد رساند.»

۴۶ مریم گفت: «جان من یَهُوه* را تمجید می‌کند ۴۷ و روح من
 ۲۷:۱ *یا: «زیرا چیزی نیست که خدا بگوید و تحقق آن برایش غیر ممکن باشد».

بسیار مورد لطف قرار گرفته‌ای. یَهُوه* با تو است.» ۲۹ مریم از این سخن بسیار مضطرب شد و سعی کرد بفهمد که این سلام به چه معنی است. ۳۰ پس فرشته به او گفت: «مریم، مترس؛ زیرا مورد لطف خدا قرار گرفته‌ای. ۳۱ تو باردار خواهی شد* و پسری به دنیا خواهی آورد که باید نام او را عیسی* بگذاری. ۳۲ او بزرگ خواهد بود و پسر آن متعال خوانده خواهد شد و یَهُوه* خدا تخت جدش* داوود را به او خواهد داد ۳۳ و او تا ابد بر خاندان یعقوب پادشاهی خواهد کرد و پادشاهی او هرگز پایان نخواهد یافت.»
 ۳۴ مریم به آن فرشته گفت: «چطور چنین چیزی ممکن است، در حالی که من با مردی همبستر نشده‌ام؟» ۳۵ فرشته در جواب گفت: «روح القدس بر تو خواهد آمد و قدرت آن متعال، بر تو سایه خواهد افکند. به همین دلیل، آن که متولد می‌شود، مقدس و پسر خدا خوانده خواهد شد. ۳۶ اِلِیزَبِت که از خویشان توست نیز در سالخوردگی باردار شده است

۲۸:۱، ۳۲، ۳۸، ۴۵، ۴۶ * رجوع به واژه‌نامه. ۳۱:۱

*یا: «نطفه‌ای در رَحِم تو بسته خواهد شد.» * به عبری یَشوع: یعنی «یَهُوه نجات است». ۲۲:۱
 * تحت اللفظی: «پدرش».

در نجات‌دهنده‌ام خدا، از شادی آکنده است؛ ۴۸ زیرا بر ناچیزی کنیز خود نظر کرده است. از این پس همهٔ نسل‌ها مرا شاد خواهند خواند؛ ۴۹ زیرا آن قادر، اعمالی عظیم برای من کرده، او که نامش مقدّس است ۵۰ و نسل اندر نسل، رحمتش بر ترسندگانش است. ۵۱ او با بازوی خود قدرتمندانه عمل کرده و آنانی را که در دل‌هایشان نیت متکبرانه دارند، پراکنده ساخته است. ۵۲ او قدرتمندان را از تخت به زیر افکنده و حقیران را سرفراز کرده است. ۵۳ او گرسنگان را با چیزهای نیکو کاملاً سیر کرده و دولت‌مندان را با دست خالی روانه کرده است. ۵۴ او وعدهٔ رحمت خود را به یاد آورده و به کمک خدمتگزار خویش اسرائیل آمده است، ۵۵ همان طور که به پدران ما، به ابراهیم و نسل او گفته بود که تا ابد چنین می‌کند. ۵۶ پس مریم حدود سه ماه نزد اِلیزابت ماند و بعد از آن به خانهٔ خود بازگشت. ۵۷ زمان زایمان اِلیزابت رسید و پسری به دنیا آورد. ۵۸ وقتی همسایگان و خویشان او شنیدند که یَهُوَه* رحمت عظیم خود را به او ابراز داشته است، در شادی او سهیم شدند. ۵۹ در روز هشتم،

۵۸:۱، ۶۶، ۶۸* رجوع به واژه‌نامه.

برای ختنهٔ آن پسر آمدند و می‌خواستند نام پدرش زَکریا را بر او بگذارند. ۶۰ اما مادرش گفت: «نه! نام او باید یحیی باشد.» ۶۱ آنان به او گفتند: «در میان خویشان تو هیچ کس چنین نامی نداشته است.» ۶۲ پس با اشاره از پدر نوزاد سؤال کردند که می‌خواهد او را چه بنامد. ۶۳ زَکریا لوحی خواست و بر آن نوشت: «نام او یحیی است.» آنگاه همه متعجب شدند. ۶۴ همان لحظه قدرت تکلمش را بازیافت و زبانش باز شد و شروع به ستایش خدا کرد. ۶۵ ترس بر همهٔ همسایگان مستولی شد و مردم در سراسر کوهستان یهودیه در مورد این وقایع صحبت می‌کردند. ۶۶ همهٔ کسانی که این‌ها را شنیدند، آن را به دل سپردند و با خود می‌گفتند: «این بچه در آینده چه خواهد شد؟» زیرا حقیقتاً دست یَهُوَه* با او بود.

۶۷ زَکریا، پدر او با روح‌القدس پر شد و چنین نبوّت کرد: ۶۸ «سپاس بر یَهُوَه* خدای اسرائیل باد؛ زیرا به قومش توجه نموده و آنان را رهایی داده است. ۶۹ او از میان خاندان داوود خدمتگزار خود، برای ما شاخ نجاتی* برافراشته است. ۷۰ این

۶۹:۱* «شاخ نجاتی» یا «نجات‌دهنده‌ای قدرتمند»؛ رجوع به واژه‌نامه: «شاخ».

قوی می‌گشت و تا روزی که خود را آشکارا به قوم اسرائیل نمایان ساخت، در بیابان به سر می‌برد.

۲ در آن روزها، آگوستوس قیصر فرمانی صادر کرد تا مردم در تمام قلمرو امپراتوری او* نام‌نویسی شوند. ۲ (این نخستین نام‌نویسی بود و در زمانی انجام شد که کورینیوس، والی سوریه بود.) ۳ از این رو، همهٔ مردم برای نام‌نویسی عازم شهر خود شدند. ۴ یوسف نیز از شهر ناصره در جلیل راهی بیت‌لحم، شهر داوود در یهودیه شد؛ زیرا از خاندان و نسل داوود بود. ۵ او و همسرش مریم* که نزدیک به زایمانش بود، به آنجا رفتند تا نام‌نویسی کنند. ۶ زمانی که در آنجا بودند، وقت زایمان مریم فرارسید ۷ و نخستین فرزندش را که پسر بود، به دنیا آورد. مریم، نوزاد را در قنداقی پیچید و او را در آخوری خوابانید؛ زیرا در مسافرخانه جایی برایشان نبود.

۸ در آن نواحی، شبانانی بودند که در دشت‌ها به سر می‌بردند و هنگام شب از گلهٔ خود مراقبت می‌کردند.* ۹ ناگهان

۱:۲ * یا: «تا تمام مناطق مسکونی زمین». ۵:۲ * یا: «با مریم که طبق تعهدش، با او ازدواج کرده بود». ۸:۲ * منظور پاسداری در چهار پاس شب است. با پاورقی‌های مرقس ۳۵:۱۳ مقایسه شود.

با آنچه از دوران باستان از دهان انبیای مقدس خود گفته بود، هماهنگ است ۷۱ که ما را از دست دشمنان خود و کسانیکه از ما نفرت دارند، نجات می‌بخشد ۷۲ تا به خاطر پدرانمان بر ما رحم کند و عهد مقدس خود را به یاد آورد؛ ۷۳ همان سوگندی که برای ابراهیم، پدرمان یاد کرد ۷۴ که پس از نجات ما از دست دشمنان، به ما این افتخار را عطا کند که خدمت مقدس به او را بی‌واهمه به جا آوریم؛ ۷۵ خدمتی با وفاداری و درستکاری،* در حضور او و در تمام روزهای عمر خود. ۷۶ اما تو ای فرزندم، پیامبرِ آن متعال خوانده خواهی شد؛ زیرا پیشاپیش یَهُوَه* خواهی رفت تا طریق‌های او را آماده سازی ۷۷ و به قوم او این شناخت را بدهی که از طریق بخشایش گناهانشان نجات خواهند یافت. ۷۸ این‌ها به دلیل عمق شفقت خدایمان است. به سبب این شفقت، سپیدهٔ صبح از آسمان بر ما طلوع خواهد کرد ۷۹ تا نور خود را بر آنانی که در تاریکی و سایهٔ مرگ نشسته‌اند، بتاباند و گام‌های ما را در راه صلح هدایت کند.»

۸۰ آن کودک رشد می‌کرد و در روح ۷۵:۱ * یا: «عدالت». ۷۶:۱ * رجوع به واژه‌نامه.

در برابر آنان فرشته یَهُوه* ایستاد و جلال یَهُوه* در اطراف شبانان به درخشش درآمد. شبانان بسیار ترسیدند. ۱۰ فرشته به ایشان گفت: «ترسید؛ زیرا آمده‌ام تا خبری خوش را به شما اعلام کنم؛ خبری که برای همهٔ انسان‌ها شادی بسیار به همراه خواهد داشت ۱۱ و آن این است که امروز برای شما در شهر داوود، نجات‌دهنده‌ای به دنیا آمد که مسیح و سرور است. ۱۲ نشانهٔ آن برای شما این است که نوزادی را خواهید یافت که در قنذاقی پیچیده شده، در آخوری خوابانیده‌اند.» ۱۳ ناگهان به همراه آن فرشته، شماری کثیر از سپاه آسمانی نمایان شدند که خدا را حمد و ستایش می‌کردند و می‌گفتند: ۱۴ «در عرش برین، جلال بر خدا باد و بر زمین، صلح بر انسان‌های مورد عنایت او.»*

۱۵ وقتی فرشتگان، آنان را ترک کردند و به آسمان رفتند، شبانان به یکدیگر گفتند: «بیایید به بیت لحم برویم و آنچه روی داده و یَهُوه* ما را از آن آگاه ساخته است، ببینیم.» ۱۶ پس شتابان رفتند و

۲: ۱۵، ۲۲-۲۴ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۴: ۲ * یا: «صلح در میان انسان‌هایی که او را خشنود می‌سازند».

مریم، یوسف و نوزاد خوابیده در آخور را یافتند. ۱۷ وقتی این را دیدند، پیامی را که در مورد نوزاد به ایشان گفته شده بود، نقل کردند. ۱۸ همهٔ کسانی که سخنان شبانان را شنیدند، شگفت‌زده شدند. ۱۹ اما مریم همهٔ این سخنان را به خاطر می‌سپرد و در دل خود در مورد آن‌ها تعمق می‌کرد. ۲۰ سپس شبانان بازگشتند و هنگام بازگشت، خدا را تمجید و ستایش می‌کردند؛ زیرا آنچه دیده و شنیده بودند، درست همان بود که به آنان گفته شده بود. ۲۱ بعد از هشت روز، وقتی زمان ختنهٔ نوزاد فرارسید، نام او را عیسی گذاشتند؛ نامی که فرشته پیش از بسته شدن نطفهٔ او بر او نهاده بود.

۲۲ همچنین هنگامی که مطابق شریعت موسی، زمان پاک ساختن آنان فرارسید، عیسی را به اورشلیم آوردند تا به یَهُوه* تقدیم کنند، ۲۳ مطابق با شریعت یَهُوه* که در آن نوشته شده است: «هر نخست‌زادهٔ پسر* باید به یَهُوه* وقف شود.»^ا ۲۴ همچنین ایشان هماهنگ با آنچه در شریعت یَهُوه* گفته شده است،

۲۳: ۲ * تحت اللفظی: «هر ذکوری که زخم را بگشاید.»^ا تحت اللفظی: «برای یَهُوه مقدس خوانده شود».

قربانی گذراندند؛ یعنی «یک جفت قمری یا دو جوجه کبوتر».

۲۵ در اورشلیم مردی بود به نام شمعون. این مرد درستکار* و خداترس، تسلی اسرائیل را انتظار می کشید و روح القدس بر او بود. ۲۶ همچنین از طریق روح القدس بر او آشکار شده بود که تا مسیح یهوه* را نبیند، مرگ را نخواهد دید. ۲۷ شمعون تحت قدرت روح به معبد داخل شد و همین که والدین عیسی، طفل را با خود آوردند تا رسم شریعت را برای او به جا آورند، ۲۸ بچه را در آغوش گرفت و خدا را ستایش کرد و گفت: ۲۹ «حال، ای خداوند متعال،* مطابق آنچه گفتم، بگذار خادمتم در آرامش چشم فرو بندد. ۳۰ زیرا چشمانم طریق نجات را دیده است؛ ۳۱ نجاتی که در برابر دیده همگان مهیا ساخته ای.

۳۲ او نوری است برای برداشتن پرده از مقابل چشمان قوم ها و جلالی است برای قوم، اسرائیل.» ۳۳ پدر و مادر عیسی از آنچه در مورد او گفته شد، شگفت زده شدند. ۳۴ همچنین شمعون ایشان را

۲۵:۲ ی: «عادل». ۲۶:۲، ۲۹:۲ رجوع به واژه نامه.

۲۹:۲ * در اینجا «خداوند متعال» به معنی «خداوند، حاکم متعال» است.

برکت داد و به مریم، مادر طفل گفت: «این طفل، برای افتادن و برخاستن بسیاری در اسرائیل برگزیده شده است. او نشانی خواهد بود که علیه او سخن خواهند گفت ۳۵ تا افکار دل های بسیاری آشکار شود. شمشیری بلند نیز در جان تو فرو خواهد رفت.»

۳۶ در آنجا نبیه ای بود به نام حنا، دختر فنوئیل از طایفه آشیر. این زن بسیار سالخورده بود و بعد از ازدواجش فقط هفت سال با شوهرش زندگی کرده بود. ۳۷ و تا ۸۴ سالگی بیوه مانده بود. او هرگز معبد را ترک نمی کرد و شب و روز خدمت مقدس را با روزه و دعا های التماس آمیز به جا می آورد. ۳۸ در این حین، حنا نزد آنان آمد. او خدا را شکر می گفت و با همه کسانی که در انتظار رهایی اورشلیم بودند، در مورد آن طفل صحبت می کرد.

۳۹ آنان پس از این که همه چیز را مطابق شریعت یهوه* به جا آوردند، به جلیل و شهر خود ناصره بازگشتند. ۴۰ آن کودک رشد می کرد، قوی می گشت، بر حکمتش افزوده می شد و لطف خدا همچنان با او بود.

۴۱ والدین عیسی هر ساله بر حسب عادت همیشگی برای عید پِسَح به

۵۱ عیسی با والدینش به راه افتاد و به ناصره بازگشت و پیوسته مطیع ایشان ماند. مادرش همچنان این امور را در دل خود می‌سپرد. ۵۲ عیسی در حکمت و قامت رشد می‌کرد و محبوبیتش نزد خدا و مردم فزونی می‌یافت.

۳ در پانزدهمین سال حکمرانی تیبریوس قیصر، زمانی که پُنْتیوس پِیلاطس والی یهودیه بود و هیرودیس،* فرماندارِ جلیل و برادرش، فیلیپس فرماندارِ نواحی ایتوریه و تراخونیتیس، همچنین لیسانیوس فرماندار آبیلینی بود، ۲ یعنی زمانی که حَنّاس یکی از سران کاهنان و قیافا کاهن اعظم بود، پیام خدا به یحیی پسر زَکَرِیا در بیابان رسید.

۳ یحیی به تمامی مناطق اطراف رود اردن می‌رفت و به مردم موعظه می‌کرد که به نشان توبه تعمید بگیرند؛ توبه‌ای برای بخشایش گناهان. ۴ در این باره در کتاب سخنان اِشْعَیای نبی چنین نوشته شده است: «صدای کسی شنیده می‌شود که در بیابان فریاد برمی‌آورد: (راه یَهْوَه* را آماده کنید! طریق‌های او را هموار

اورشلیم می‌رفتند. ۴۲ وقتی عیسی ۱۲ ساله شد، آنان مطابق رسم عید به آنجا رفتند. ۴۳ بعد از پایان ایام عید، هنگام بازگشت، عیسای نوجوان در اورشلیم ماند، اما والدینش متوجه این امر نشدند. ۴۴ آنان که می‌پنداشتند او همراه همسفرانشان است، یک روز تمام به سفر خود ادامه دادند و بعد از آن در میان خویشان و آشنایان به جستجوی او پرداختند. ۴۵ اما چون او را نیافتند، به اورشلیم بازگشتند و با سعی تمام به جستجو ادامه دادند. ۴۶ بعد از سه روز عیسی را در معبد یافتند. او در میان معلّمان نشسته بود، به سخنانشان گوش می‌داد و از ایشان سؤال می‌کرد. ۴۷ همه کسانی که سخنان او را می‌شنیدند، از فهم او و پاسخ‌هایش شگفت‌زده می‌شدند. ۴۸ وقتی والدینش او را دیدند، حیرت کردند. مادرش به او گفت: «ای فرزند، چرا با ما چنین کردی؟ من و پدرت بسیار نگران بودیم و به دنبال تو می‌گشتیم.» ۴۹ عیسی به آنان گفت: «چرا به دنبال من می‌گشتید؟ آیا نمی‌دانستید که من باید در خانه پدرم باشم؟» ۵۰ اما آنان منظور او را درک نکردند.

۱:۳* منظور، هیرودیس آنتیپاس، پسر هیرودیس کبیر است؛ رجوع به واژه‌نامه. * به یونانی بترارخ یعنی حکمران و نمایندهٔ امپراتور روم در یک منطقه. ۴:۳* رجوع به واژه‌نامه.

چه کنیم؟» ۱۳ به آنان گفت: «بیش از مالیات تعیین شده، از مردم نخواهید.»*
 ۱۴ همچنین، سربازان از او می پرسیدند: «ما باید چه کنیم؟» یحیی پاسخ داد: «به کسی ظلم نکنید* و به کسی تهمت نراوا مزیند و به جیره و مواجب خود* قانع باشید.»

۱۵ از آنجا که مردم چشم انتظار آمدن مسیح بودند، همه در دل خود در مورد یحیی چنین می اندیشیدند: «آیا ممکن است که او مسیح* باشد؟» ۱۶ یحیی به همگی چنین پاسخ داد: «من شما را با آب تعمید می دهم، اما شخصی می آید که توانا تر از من است و من لایق نیستم بند کفشش را باز کنم. او شما را با روح القدس و آتش تعمید خواهد داد. ۱۷ او وسیله جدا کردن گندم از کاه را در دست دارد تا کاملاً خرمگاه خود را پاک سازد و گندم را در انبار خود جمع کند، اما کاه را با آتشی خاموش نشدنی خواهد سوزاند.»

۱۸ یحیی بسیاری اندرزه های دیگر به مردم داد و همچنان بشارت را به آنان اعلام می کرد. ۱۹ اما هیرودیس فرماندار که

۱۳:۳ *یا: «از مردم مالیات مگیرید». ۱۴:۳ *یا: «از کسی به زور پول مگیرید». *یا: «به مزد خود». ۱۵:۳ *رجوع به واژه نامه.

سازید. ۵ هر دژه ای باید پر و هرکوه و تپه ای باید صاف شود و راه های کج باید راست و راه های ناهموار هموار گردد ۶ و همه انسان ها خواهند دید که خدا نجات می بخشد.»*

۷ پس به مردمی که برای تعمید نزد او می آمدند، می گفت: «ای افعی زادگان! چه کسی به شما هشدار داده است تا از غضبی که در پیش است، بگریزید؟ ۸ پس ثمراتی بیاورید که نشانه توبه باشد و با خود مگویید: (پدر ما ابراهیم است، زیرا به شما می گویم، خدا قادر است از این سنگ ها فرزندان برای ابراهیم پدید آورد. ۹ اکنون تیشه بر ریشه درختان گذاشته شده است. پس هر درختی که ثمره نیکو نیاورد، قطع و به آتش افکنده خواهد شد.»

۱۰ مردم از یحیی می پرسیدند: «پس ما باید چه کنیم؟» ۱۱ او در جواب به آنان می گفت: «کسی که دو جامه* دارد یکی را به آن که ندارد، بدهد و کسی که چیزی برای خوردن دارد نیز چنین کند.» ۱۲ حتی خراجگیران نیز برای تعمید آمدند و به یحیی گفتند: «استاد ما باید

۶:۳ *یا: «خدا چگونه نجات می بخشد». ۱۱:۳ *یا: «جامه ای اضافی».

یحیی او را بر سر موضوع هیروودیا همسر برادرش و همه اعمال شریرانه اش توبیخ کرده بود، ۲۰ بر آن اعمال شریرانه خود افزود و یحیی را به زندان انداخت.

۲۱ وقتی همه مردم تعمید گرفتند، عیسی نیز تعمید گرفت و هنگامی که دعا می کرد، آسمان گشوده شد ۲۲ و روح القدس به صورت کبوتری بر او پایین آمد و ندایی از آسمان به گوش رسید که گفت: «تو پسر من، محبوب من هستی؛ از تو خشنودم.»*

۲۳ عیسی هنگامی که فعالیت خویش را آغاز کرد، حدود ۳۰ سال داشت. او در نظر مردم، پسر یوسف بود،

یوسف پسر هالی،

۲۴ پسر مَتَّات،

پسر لاوی،

پسر مَلکی،

پسر یَنَّا،

پسر یوسف،

۲۵ پسر مَتَّاتیا،

پسر عاموس،

پسر ناخوم،

پسر حَسَلی،

پسر نَجَّای،

۲۶ پسر مَتَّت،

پسر مَتَّاتیا،

پسر شمعین،

پسر یوسخ،

پسر یهودا،

۲۷ پسر یوحنا،

پسر رِیسا،

پسر زَرْبَابِل،

پسر شِلْتی ئیل،

پسر نِیری،

۲۸ پسر مَلکی،

پسر آدی،

پسر قوصام،

پسر ایلمودام،

پسر عیر،

۲۹ پسر عیسی،*

پسر الیعازر،

پسر یوریم،

پسر مَتَّات،

پسر لاوی،

۳۰ پسر شمعون،

پسر یهودا،

پسر یوسف،

۲۹:۳ * یا: «یوشع» مطابق برخی از دست‌نوشته‌های قدیمی.

۲۲:۳ * یا: «خشنود بوده و هستم».

پسر یونام،

پسر ایلیاقیم،

۳۱ پسر ملیا،

پسر مینان،

پسر مَتَّانَا،

پسر ناتان،

پسر داوود،

۳۲ پسر یسای،

پسر عُوبید،

پسر بُوعَز،

پسر سَلْمون،

پسر نَحْشون،

۳۳ پسر عَمِّیناداب،

پسر آرنی،

پسر حَصْرُون،

پسر فاریص،

پسر یهوذا،

۳۴ پسر یعقوب،

پسر اسحاق،

پسر ابراهیم،

پسر تارح،

پسر ناحور،

۳۵ پسر سروج،

پسر زعو،

پسر فالج،

پسر عابر،

پسر شالِح،

۳۶ پسر قَینان،

پسر اَرَفْکَشاد،

پسر سام،

پسر نوح،

پسر لَامَک،

۳۷ پسر مَتُوشالِح،

پسر خَنُوخ،

پسر یارد،

پسر مَهْلَلْئیل،

پسر قَینان،

۳۸ پسر اَنُوش،

پسر شِیث،

پسر آدم،

پسر خدا.

۴ عیسی پر از روح القدس، از نواحی

رود اردن خارج شد و روح، او را در

بیابان هدایت می‌کرد. ۲ او ۴۰ روز در

بیابان بود و ابلیس او را در آنجا وسوسه

کرد. در آن روزها چیزی نخورد؛ از این

رو، در پایان آن زمان گرسنه شد. ۳ پس

ابلیس به او گفت: «اگر یکی از پسران

خدایی، به این سنگ بگو تا نان شود.»

۴ اما عیسی به او چنین پاسخ داد: «نوشته

شده است، «زندگی انسان فقط به نان

وابسته نیست.»

«گفته شده است، (نباید یَهُوه* خدای خود را بیازمایی.» ۱۳ هنگامی که ابلیس تمامی این وسوسه‌ها را به پایان رساند، او را تا فرصت مناسب دیگری ترک کرد. ۱۴ آنگاه عیسی با قدرت روح به جلیل بازگشت. وصف او در سراسر آن نواحی پخش شد. ۱۵ عیسی به تعلیم دادن در کنیسه‌های آنان پرداخت و همه او را تمجید می‌کردند.

۱۶ عیسی به ناصره، جایی که بزرگ شده بود، رفت و مطابق رسم خود، در روز سَبَّت* به کنیسه داخل شد و برخاست تا نوشته‌های مقدّس را بخواند. ۱۷ طومار اِسْعَیای نبی به او داده شد، او طومار را گشود و بخشی را یافت که چنین نوشته شده است: ۱۸ «روح یَهُوه* بر من است؛ زیرا مرا مسح کرد تا به بینوایان بشارت دهم. او مرا فرستاد تا آزادی را به اسیران و بینایی را به نابینایان اعلام کنم و رنج‌دیدگان را رهایی بخشم ۱۹ و سال لطف یَهُوه* را موعظه کنم.» ۲۰ سپس طومار را پیچید، آن را به خادم کنیسه بازگرداند و نشست. همه در کنیسه به او چشم دوخته بودند. ۲۱ آنگاه گفت: «امروز، این نوشته‌ای که شنیدید، تحقق یافت.»

۵ پس ابلیس عیسی را به مکانی بلند برد و در لحظه‌ای، تمامی حکومت‌های سراسر زمین را به او نشان داد. ۶ آنگاه ابلیس به او گفت: «اختیار بر تمامی این حکومت‌ها و شکوهشان را به تو خواهم بخشید؛ زیرا به من سپرده شده است و به هر که بخواهم، می‌دهم. ۷ پس اگر تو مرا یک بار پرستش کنی،* تمامی این‌ها از آن تو خواهد شد.» ۸ عیسی در پاسخ به او گفت: «نوشته شده است، (یَهُوه* خدای خود را باید پرستی و تنها او را باید خدمت* کنی.»

۹ سپس ابلیس او را به شهر اورشلیم برد و وی را بالای دیوار معبد* قرار داد و به او گفت: «اگر یکی از پسران خدایی، خود را از اینجا پایین بینداز؛ ۱۰ زیرا نوشته شده است، (او در مورد تو به فرشتگان خود فرمان خواهد داد تا تو را حفظ کنند، ۱۱ و (تو را بر دست‌های خود خواهند برد، مبدا پایت به سنگی خورد.» ۱۲ عیسی در پاسخ به او گفت:

۷:۴* فعل یونانی در اینجا به عملی اشاره دارد که فقط یک بار صورت می‌گیرد. ۸:۴، ۱۲، ۱۶، ۱۸، ۱۹* رجوع به واژه‌نامه. ۸:۴* تحت اللفظی: «خدمت مقدّس». ۹:۴* یا: «بلندترین مکان معبد».

کشیدند و بر لبۀ کوهی که شهر بر آن بنا شده بود، بردند تا او را به پایین بیندازند. ۳۰ اما عیسی از میانشان گذشت و به راه خود ادامه داد.

۳۱ سپس به کفرناحوم، شهری در جلیل رفت. او در روزهای سَبْت به مردم تعلیم می‌داد. ۳۲ آنان از شیوۀ تعلیم او شگفت‌زده شدند؛ زیرا با اقتدار سخن می‌گفت. ۳۳ در کنیسه مردی دیوزده بود که روحی ناپاک داشت. او با صدای بلند فریاد برآورد: «ای عیسی ناصری، با ما چه کار داری؟ آیا آمده‌ای ما را نابود کنی؟ من خوب می‌دانم تو کیستی، تو آن قدّوس خدا هستی.» ۳۵ اما عیسی آن دیو را نهیب زد و گفت: «ساکت باش و از او بیرون بیا.» پس از این که دیو، آن مرد را در مقابل همه به زمین انداخت، بدون این که آسیبی به او بزند، از او بیرون آمد. ۳۶ آنگاه تمامی مردم شگفت‌زده شدند و به یکدیگر گفتند: «ببین با چه اقتدار و قدرتی صحبت می‌کند! حتی روح‌های ناپاک از او فرمان می‌برند و از مردم بیرون می‌آیند!» ۳۷ پس خبر کارهای او در همهٔ گوشه و کنار آن نواحی پیچید.

۲۲ همهٔ آنان از او تعریف می‌کردند و از سخنان دلنشین دهان او شگفت‌زده بودند و می‌گفتند: «مگر این یکی از پسران یوسف نیست؟» ۲۳ آنگاه عیسی به آنان گفت: «بی‌شک در مورد من این مَثَل را خواهید زد: (ای طیب، خود را شفا بده. آنچه شنیده‌ایم که در کفرناحوم انجام شده است، اینجا در دیار خود نیز انجام بده.)» ۲۴ سپس گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم، هیچ پیامبری در دیار خود پذیرفته نیست. ۲۵ برای مثال، یقین بدانید که در روزگار ایلّیا،* هنگامی که آسمان برای سه سال و شش ماه بسته بود و قحطی‌ای سخت در تمامی این سرزمین روی داد، در اسرائیل بیوه‌زنان بسیاری بودند. ۲۶ اما ایلّیا نزد هیچ یک از آن زنان فرستاده نشد، جز نزد بیوه‌زنی در صَرَفَه در سرزمین صیدون.* ۲۷ همچنین در زمان الیشع نبی جذامیان بسیاری بودند، اما هیچ یک از آنان پاک نشد.* جز نَعمان سوری.» ۲۸ آنگاه تمامی آنانی که در کنیسه این سخنان را شنیدند، سخت خشمگین شدند، ۲۹ برخاستند و او را به خارج از شهر

۲۵:۴ * یا: «الیاس». ۲۶:۴ * یا: «صیدا». ۲۷:۴

* یا: «شفا نیافت».

۳۸ عیسی پس از ترک کنیسه، به خانهٔ شمعون* رفت. مادرزن شمعون به تب شدید دچار شده بود و از عیسی خواستند که به او کمک کند. ۳۹ عیسی بر بستر او خم شد، تب را نهیب زد، تب آن زن قطع شد و همان دم برخاست و شروع به پذیرایی از آنان کرد.

۴۰ هنگام غروب آفتاب، همه، بیماران خود را که به امراض گوناگون مبتلا بودند، نزد عیسی آوردند. او بر هر یک از ایشان دست می‌گذاشت و شفایشان می‌داد. ۴۱ دیوها نیز از بسیاری بیرون می‌آمدند و چنین فریاد می‌زدند: «تو پسر خدا هستی.» اما عیسی دیوها را نهیب می‌زد و به ایشان اجازهٔ صحبت نمی‌داد؛ زیرا می‌دانستند که او همان مسیح است.

۴۲ سپیده‌دم عیسی بیرون به مکانی خلوت رفت، اما مردم به جستجوی او پرداختند. آنان به جایی که عیسی بود، آمدند و سعی کردند که او را نزد خود نگاه دارند و نگذارند که ترکشان کند. ۴۳ اما او به ایشان گفت: «من در شهرهای دیگر نیز باید بشارت پادشاهی خدا را اعلام کنم؛ زیرا برای همین فرستاده شده‌ام.» ۴۴ پس در کنیسه‌های یهودیه به موعظهٔ خود ادامه داد.

۴: ۳۸ * نام دیگر پطروس.

۵ روزی عیسی در کنار دریاچهٔ جنیسارت* ایستاده بود و مردم برای شنیدن کلام خدا بر او ازدحام می‌کردند. ۲ آنگاه عیسی دو قایق در کنار دریاچه دید که ماهیگیران از آن‌ها بیرون آمده بودند و تورهای خود را می‌شستند. ۳ او بر یکی از آن قایق‌ها که به شمعون تعلق داشت، سوار شد و از او خواست تا قایق را کمی از ساحل دور کند. سپس در آن نشست و از آنجا به تعلیم مردم پرداخت. ۴ وقتی سخنانش به پایان رسید، به شمعون گفت: «قایق را به جایی عمیق ببر. در آنجا تورهایتان را برای صید به آب بیندازید.» ۵ شمعون در جواب گفت: «استاد، ما تمام شب را زحمت کشیدیم، با این حال هیچ صیدی نکردیم. اما چون تو می‌فرمایی، تورها را به آب می‌اندازم.» ۶ وقتی چنین کردند، تعداد بسیار زیادی ماهی گرفتند* تا حدی که نزدیک بود تورهایشان پاره شود. ۷ پس به همکاران خود در قایق دیگر اشاره کردند تا بیایند و کمکشان کنند. آنان آمدند و هر دو قایق را چنان پر کردند که نزدیک بود قایق‌هایشان غرق شود. ۸ وقتی شمعون ۵: ۱ * نامی دیگر برای دریای جلیل است. ۵: ۶ * تحت‌اللفظی: «گرفتار شدند».

خبرکارهای او بیشتر پخش می‌شد و مردم در گروه‌های بزرگ برای شنیدن سخنان او و شفا یافتن از بیماری‌هایشان جمع می‌شدند. ۱۶ اما عیسی اغلب به مکان‌های دورافتاده می‌رفت تا دعا کند.

۱۷ در یکی از آن روزها که عیسی تعلیم می‌داد و قدرت یَهُوه* برای شفا بخشیدن با او بود، فریسیان و معلمان شریعت از همه روستاهای جلیل، یهودیه و اورشلیم آمده و نشسته بودند.

۱۸ ناگاه، چند مرد از راه رسیدند که مفلوجی را بر تختی حمل می‌کردند. آنان می‌کوشیدند که راهی پیدا کنند تا او را داخل خانه بیاورند و در برابر عیسی بگذارند. ۱۹ اما به دلیل ازدحام جمعیت، راهی نیافتند که او را داخل ببرند. از این رو به بام خانه رفتند و از میان سفال‌ها، مفلوج را با تختش پایین فرستادند و در میان جمعیت در برابر عیسی قرار دادند. ۲۰ وقتی عیسی ایمان آنان را دید، گفت: «ای مرد، گناهانت بخشیده شد.» ۲۱ آنگاه، علمای دین* و فریسیان پیش خود چنین گفتند: «این کیست که کفر می‌گوید؟ غیر از خدا،

۲۱:۵ * یا: «کاتبان»؛ مفسران و معلمان شریعت در روزگار عیسی؛ رجوع به واژه‌نامه.

پطرس این را دید، به پاهای عیسی افتاد و گفت: «سَرور، از من دور شو؛ چون مردی گناهکارم.» ۹ چون او و همه همراهانش از آن صید ماهی متحیر شده بودند. ۱۰ یعقوب و یوحنا، پسران زبیدی که همکار شمعون بودند نیز همین حال را داشتند. اما عیسی به شمعون گفت: «مترس. از این پس انسان‌ها را صید خواهی کرد.» ۱۱ پس آنان قایق‌ها را به ساحل بازگرداندند، همه چیز را رها کردند و در پی او روانه شدند.

۱۲ روزی دیگر، هنگامی که عیسی در یکی از شهرها بود، مردی که جذام* تمام بدنش را گرفته بود، با دیدن عیسی روی بر زمین نهاد و التماس‌کنان گفت: «ای سَرور، اگر فقط بخواهی، قادری مرا پاک سازی.» ۱۳ پس عیسی دستش را دراز کرد، او را لمس نمود و گفت: «می‌خواهم! پاک شو.» و فوراً جذام او از بین رفت. ۱۴ عیسی به آن مرد فرمان داد که به هیچ کس چیزی نگوید و افزود: «اما برو و خود را به کاهن نشان بده و هدیه‌ای که موسی برای پاک شدن تعیین کرده است، تقدیم کن تا گواهی برای آنان باشد.» ۱۵ با این حال،

نشسته بودند.* ۳۰ آنگاه فریسیان و علمای دینشان شروع به ایراد گرفتن کردند و به شاگردان عیسی گفتند: «چرا شما با خراجگیران و گناهکاران می‌خورید و می‌نوشید؟» ۳۱ عیسی در جواب به آنان گفت: «افراد بیمار نیاز به پزشک دارند، نه افراد سالم. ۳۲ من آمده‌ام تا گناهکاران را به توبه فراخوانم، نه درستکاران.* را.»

۳۳ آنان به او گفتند: «شاگردان یحیی اغلب اوقات روزه می‌گیرند و دعا‌های التماس‌آمیز می‌کنند. شاگردان فریسیان نیز چنین می‌کنند. اما شاگردان تو می‌خورند و می‌نوشند.» ۳۴ عیسی به آنان گفت: «آیا تا وقتی که داماد با مهمانانش* است، می‌توان مهمانان را به روزه گرفتن واداشت؟ ۳۵ اما، روزهایی خواهد آمد که داماد از آنان گرفته می‌شود، در آن روزها روزه خواهند گرفت.»

۳۶ همچنین این مثل را برای آنان زد: «هیچ کس تکه‌ای از لباس نو را نمی‌برد تا بر لباسی کهنه وصله زند. اگر چنین کند،

۲۹:۵* در زمان عیسی، رسم بود که هنگام خوردن غذا، بر پهلوی خود دراز بکشند و بر آرنج خود تکیه دهند. ۳۲:۵* یا: «عادلان». ۳۴:۵* یا: «دوستانش».

چه کسی می‌تواند گناهان را ببخشد؟» ۲۲ اما عیسی افکارشان را تشخیص داد و در جواب گفت: «در دلتان چه می‌اندیشید؟ ۲۳ کدام آسان‌تر است، گفتن این که گناهانت بخشیده شد یا گفتن این که برخیز و راه برو؟ ۲۴ اما برای این که شما بدانید، پسر انسان بر زمین اختیار بخشیدن گناهان مردم را دارد . . .» به مرد فلج گفت: «به تو می‌گویم برخیز، تخت خود را بردار و راهی خانه شو.» ۲۵ آن مرد در برابر ایشان برخاست، تخت خود را برداشت و در حالی که خدا را تمجید می‌کرد به خانه خود رفت. ۲۶ آنگاه همه متحیر شدند، خدا را تمجید کردند و با ترسی آمیخته به احترام می‌گفتند: «امروز چیزهای شگفت‌انگیزی دیدیم!»

۲۷ پس از آن، عیسی از آنجا بیرون رفت و خراجگیری به نام لاوی را دید که در محل وصول مالیات نشسته است. عیسی به او گفت: «پیرو من شو.» ۲۸ او برخاست، همه چیز را رها کرد و در پی عیسی رفت. ۲۹ چندی بعد، لاوی در خانه خود به افتخار عیسی ضیافتی بزرگ ترتیب داد. عده زیادی از خراجگیران و افرادی دیگر نیز با آنان بر سر سفره

نه فقط وصلهٔ نوکنده می‌شود، بلکه آن تکه از لباس نو نیز وصلهٔ ناجوری برای لباس کهنه است. ۳۷ به علاوه، کسی شراب تازه را در مَشک کهنه نمی‌ریزد. اگر چنین کند، شراب تازه مَشک را خواهد ترکاند، شراب بیرون خواهد ریخت و مَشک نیز ضایع خواهد شد. ۳۸ شراب تازه را باید در مَشک نو ریخت. ۳۹ کسی پس از نوشیدن شراب کهنه، شراب تازه را نمی‌خواهد؛ زیرا می‌گوید: «شراب کهنه خوب است.»

۶ در یکی از روزهای سَبَّت* عیسی از میان گندم‌زارها می‌گذشت. شاگردانش خوشه‌ها را چیده، با دست‌هایشان به هم می‌ساییدند و می‌خوردند. ۲ برخی از فریسیان با دیدن آنان گفتند: «چرا شما کاری را می‌کنید که در روز سَبَّت جایز نیست؟» ۳ عیسی چنین پاسخ داد: «مگر هرگز نخوانده‌اید که داوود هنگامی که او و همراهانش گرسنه بودند، چه کرد؟ ۴ آیا نخوانده‌اید که به خانهٔ خدا داخل شد و نان تقدیمی را گرفت، آن را خورد و به همراهانش نیز داد؟ خوردن آن نان برای هیچ کس جایز نیست، جز برای کاهنان.» ۵ همچنین به

ایشان گفت: «پسر انسان صاحب اختیار* روز سَبَّت است.»

۶ در یکی دیگر از روزهای سَبَّت، عیسی به کنیسه وارد شد و شروع به تعلیم دادن کرد. در آنجا مردی بود که دست راستش از کار افتاده بود.* ۷ علمای دین و فریسیان عیسی را زیر نظر داشتند که ببینند آیا در سَبَّت شفا می‌بخشد یا نه، چون می‌خواستند بهانه‌ای برای متهم کردن او بیابند. ۸ اما عیسی که افکار آنان را می‌دانست، به آن مرد که دستش از کار افتاده بود،* گفت: «برخیز و در مقابل جمع بایست.» مرد نیز برخاست و در مقابل جمع ایستاد. ۹ سپس عیسی به آنان گفت: «از شما سؤالی دارم، در سَبَّت نیکویی کردن جایز است یا صدمه زدن؟ جان کسی را نجات بخشیدن جایز است یا نابود کردن آن؟» ۱۰ پس از این که به همهٔ آنان نظر افکند، به آن مرد گفت: «دست را دراز کن.» مرد چنین کرد و دستش شفا یافت. ۱۱ اما آنان سخت خشمگین شدند و با یکدیگر مشورت کردند که چه بر سر عیسی بیاورند.

۱۲ در یکی از آن روزها، عیسی برای

۵:۶ * تحت اللفظی: «سَرور»، ۶:۶، ۸ * یا:

«خشک شده بود؛ فلج شده بود».

۱:۶ * رجوع به واژه‌نامه.

«خوشا به حال شما فقیران؛ زیرا پادشاهی خدا از آن شماست.

۲۱ «خوشا به حال شما که اکنون گرسنه‌اید؛ زیرا سیر خواهید شد.

۲۲ «خوشا به حال شما هرگاه به خاطر گریانید؛ زیرا خواهید خندید.

۲۳ «خوشا به حال شما هرگاه به خاطر پسرانسان، مردم از شما نفرت داشته، شما را از جمع خود برانند، سرزنش کنند و بدنام سازند.

۲۴ در آن روز شاد باشید و وجد نمایید، چون پاداش شما نزد خدا* عظیم است؛ زیرا این‌ها همان کارهایی است که پدرانشان با پیامبران کردند.

۲۵ «اما وای بر شما ثروتمندان؛ زیرا تسلی خود را کاملاً گرفته‌اید.

۲۶ «وای بر شما که اکنون سیرید؛ زیرا گرسنه خواهید شد.

۲۷ «وای بر شما که اکنون خندانید؛ زیرا ماتم خواهید گرفت و گریه خواهید کرد.

۲۸ «وای بر شما هرگاه همه مردم از شما تعریف کنند؛ زیرا پدرانشان با پیامبران دروغین چنین کردند.

۲۹ «اما من به شما که گوش می‌دهید می‌گویم، به دشمنان خود محبت نمایید و به آنانی که از شما نفرت دارند، نیکویی

دعا به کوه رفت و تمام شب به خدا دعا کرد. ۱۳ بامدادان، شاگردانش را نزد خود فراخواند و از میان آنان ۱۲ نفر را برگزید و ایشان را «رسول»* خواند.

۱۴ اسامی آنان چنین است: شمعون که او را بطرس نیز نامید؛ برادر او آندریاس؛ یعقوب؛ یوحنا؛ فیلیپس؛ برتولما؛ ۱۵ متی؛ توما؛ یعقوب پسر خلفای؛ شمعون ملقب به غیور؛ ۱۶ یهوذا پسر یعقوب و یهوذاي اسخريوطي که خیانت کرد.

۱۷ عیسی با آنان از کوه پایین آمد و در محوطه‌ای هموار ایستاد. در آنجا جمعی کثیر از شاگردانش به همراه افراد بسیاری از سراسر یهودیه، اورشلیم و مناطق ساحلی اطراف صور و صیدون* گرد هم آمده بودند تا سخنان او را بشنوند و از بیماری‌هایشان شفا یابند. ۱۸ حتی کسانی که از ارواح ناپاک رنج می‌بردند، شفا یافتند. ۱۹ تمامی جمعیت تلاش می‌کردند که او را لمس کنند؛ چون نیرویی از او خارج می‌شد که همه آنان را شفا می‌داد.

۲۰ او به شاگردانش نظر انداخت و گفت:

۱۲:۶ * به یونانی آپوستولوس یعنی فرستاده.

۱۷:۶ * یا: «صیدا».

نیکویی کنید و بدون امید پس گرفتن، قرض دهید، آنگاه پاداشتان عظیم خواهد بود و پسران خدای متعال خواهید بود؛ زیرا او حتی با ناسپاسان و شریران نیز مهربان است. ۳۶ همواره رحیم باشید، همان طور که پدر شما رحیم است.

۳۷ «همچنین، دیگر قضاوت نکنید تا در مورد شما قضاوت نشود، دیگر محکوم نکنید تا محکوم نشوید. همواره گذشت کنید تا نسبت به شما گذشت شود. ۳۸ بخشش به دیگران را پیشه خود سازید، آنگاه آنان نیز به شما خواهند بخشید. پیمانهای پُر، فشرده، تکان داده شده و لبریز در دامتتان خواهند ریخت؛ زیرا با همان ظرفی که برای دیگران پیمان کنید، آنان نیز در عوض برای شما پیمان خواهند کرد.»

۳۹ سپس او این مَثَل را برای آنان آورد: «آیا کوری می‌تواند راهنمای کوری دیگر باشد؟ آیا هر دو به چاه نخواهند افتاد؟ ۴۰ شاگرد از استاد خود برتر نیست، اما آن که به طور کامل تعلیم دیده است، همچون استاد خود خواهد شد. ۴۱ پس چرا پُرکاه را در چشم برادر خود می‌بینی، اما متوجه آن تیر چوبی که در چشم خود داری، نیستی؟ ۴۲ چگونه می‌توانی

کنید. ۲۸ همچنین برای آنانی که شما را لعنت می‌کنند، برکت بخواهید و برای آنانی که به شما اهانت می‌کنند، دعا کنید. ۲۹ اگر کسی به یک گونه‌ات سیلی زد، گونه دیگر را نیز پیش آور و از کسی که ردای تو را می‌گیرد، حتی جامه‌ات* را نیز دریغ مکن. ۳۰ اگر کسی چیزی از تو بخواهد، به او بده و اگر کسی اموالت را ببرد، آن را باز مخواه.

۳۱ «با مردم همان گونه رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند.

۳۲ «اگر به کسانی محبت کنید که به شما محبت می‌کنند، آیا سزاوار تحسین هستید؟ حتی گناهکاران نیز به دوستان خود، محبت می‌کنند. ۳۳ اگر به کسانی نیکویی کنید که به شما نیکویی می‌کنند، آیا سزاوار تحسین هستید؟ حتی گناهکاران نیز چنین می‌کنند. ۳۴ همچنین اگر به کسانی قرض دهید* که توقع داشته باشید، آن را به شما پس دهند، آیا سزاوار تحسین هستید؟ حتی گناهکاران نیز به گناهکاران قرض می‌دهند تا همان را باز پس گیرند. ۳۵ اما شما به دشمنان خود محبت کنید،

۲۹:۶ *یا: «جامه زیرینت». ۳۴:۶ *منظور قرض دادن بدون بهره است.

نداشت که خانه را به لرزه درآورد، چون خانه محکم بنا شده بود. ۴۹ از طرف دیگر، هر که سخنانم را می‌شنود و به آن عمل نمی‌کند، مانند شخصی است که خانه‌ای بدون زیربنا ساخت. وقتی رودخانه طغیان کرد و بر آن خانه کوبید، همان دم ویران شد و خرابی آن خانه عظیم بود.»

▼ هنگامی که عیسی سخنانش را با مردم به پایان رساند، به کفرناحوم وارد شد. ۲ در آنجا افسری* بود که غلامی داشت. آن غلام که برایش عزیز بود، بیمار شد و به حال مرگ افتاد. ۳ وقتی افسر در مورد عیسی شنید، برخی از ریش‌سفیدان یهود را نزد او فرستاد تا از او بخواهند که بیاید و غلامش را شفا بخشد. ۴ آنان نزد عیسی آمدند و با اصرار و التماس به او گفتند: «او لایق است که این کار را برایش بکنی؛ ۵ زیرا به قوم ما محبت دارد و او خود، کنیسه ما را ساخته است.» ۶ پس عیسی با آنان از آنجا رفت. او فاصله چندانی با آن خانه نداشت که آن افسر دوستانی نزد عیسی فرستاد تا به او بگویند: «ای آقا،

۲:۷ * یا: «یوزباشی»: منظور فرمانده‌ای در ارتش روم است که ۱۰۰ سرباز زیر فرمان داشت.

به برادرت بگویی: «برادر، به من اجازه بده پَرَکاه را از چشمت بیرون آورم»، اما متوجه آن تیر چوبی که در چشم خود داری، نیستی؟ ای ریاکار! اول تیر چوبی را از چشم خود بیرون آور، آنگاه به وضوح خواهی دید که چگونه پَرَکاهی را که در چشم برادرت است، بیرون آوری.

۴۳ «هیچ درخت خوبی، میوه بد نمی‌آورد و هیچ درخت بدی میوه خوب نمی‌آورد. ۴۴ هر درخت از میوه‌اش شناخته می‌شود. برای مثال، نمی‌توان از خار، انجیر چید و از بوته خار، انگور. ۴۵ شخص نیکو از اندوخته‌های نیکوی دل خود، نیکویی بیرون می‌آورد، اما شخص شریر از اندوخته‌های شریرانه دل خود، چیزهای شریرانه بیرون می‌آورد؛ زیرا زبان آنچه را می‌گوید که دل از آن پُر است. ۴۶ «چرا مرا (سُور، سُور)، می‌خوانید، اما به آنچه می‌گویم عمل نمی‌کنید؟ ۴۷ هر که نزد من آید و سخنانم را بشنود و به آن عمل کند، به شما می‌گویم مانند چه کسی است: ۴۸ مانند شخصی است که برای ساختن خانه، زمین را عمیق‌کند و زیربنای آن را بر روی سنگ گذاشت. آنگاه چنان سیلی آمد که رودخانه طغیان کرد و بر آن خانه کوبید، اما آنقدر قدرت

۱۴ پس نزدیک شد و تخت* را لمس کرد. آنان که جسد را حمل می‌کردند، ایستادند. سپس عیسی گفت: «ای جوان، به تومی‌گویم، برخیز!» ۱۵ مردی که مرده بود راست نشست و شروع به سخن گفتن کرد. آنگاه عیسی او را به مادرش سپرد. ۱۶ ترس همه آنان را فرا گرفت و خدا را چنین تمجید کردند: «پیامبری بزرگ در میان ما ظهور کرده» و «خدا به قومش توجه نموده است.» ۱۷ خبر این کار عیسی در تمامی یهودیه و نواحی اطراف پخش شد.

۱۸ وقتی شاگردان یحیی خبر همه این وقایع را به او دادند، ۱۹ یحیی دو نفر از شاگردان خود را فراخواند و نزد سرور فرستاد تا از او بپرسند: «آیا تو همان کسی هستی که منتظر آمدنش بودیم یا باید منتظر شخصی دیگر باشیم؟» ۲۰ آن دو نفر نزد عیسی رفتند و به او گفتند: «یحیای تعمیددهنده ما را نزد تو فرستاده است تا بپرسیم: (آیا تو همان کسی هستی که منتظر آمدنش بودیم یا باید منتظر کسی دیگر باشیم؟)» ۲۱ همان موقع عیسی بسیاری را از ناخوشی‌ها و ۱۴:۷* منظور تختی است که با آن مرده را حمل می‌کردند.

به خود زحمت مده. چون لایق نیستم که زیر سقف خانه من بیایی. ۲ از این رو نیز خود را لایق ندانستم پیش تو آیم. اما فقط سخنی بگو تا خدمتکارم شفا یابد: ۸ زیرا من خود از دیگران فرمان می‌برم و سربازانی هم زیر دست خود دارم. به یکی می‌گویم: «برو!» می‌رود. به دیگری می‌گویم: «بیا!» می‌آید و به غلام خود می‌گویم: «این کار را انجام بده!» و او انجام می‌دهد.» ۹ وقتی عیسی این را شنید، از او متعجب شد و رو به جمعیتی که به دنبالش می‌آمدند، گفت: «به شما می‌گویم، حتی در اسرائیل نیز چنین ایمانی نیافتم.» ۱۰ وقتی قاصدان به خانه بازگشتند، غلام را تندرست یافتند. ۱۱ چندی بعد، عازم شهری به نام نائین شد. شاگردانش و عده‌ای کثیر نیز با او همسفر بودند. ۱۲ هنگامی که نزدیک به دروازه شهر رسید، دید در آنجا مرده‌ای را حمل می‌کنند که تنها* پسر زنی بیوه بود. گروهی بزرگ از اهالی شهر نیز آن زن را همراهی می‌کردند. ۱۳ هنگامی که سرور چشمش به آن زن افتاد، دلش به حال او سوخت و به او گفت: «دیگر گریه مکن.»

بیماری‌های سخت شفا داد و بسیاری را از ارواح شریر رها ساخت، همچنین بسیاری از نابینایان را بینایی بخشید. ۲۲ آنگاه در جواب به آنان گفت: «بروید و آنچه دیده‌اید و شنیده‌اید به یحیی خبر دهید؛ این که نابینایان بینا می‌شوند، لنگان راه می‌روند، جذامیان پاک می‌گردند، ناشنوایان شنوا می‌شوند، مردگان برخیزانده می‌شوند و به فقیران بشارت داده می‌شود. ۲۳ خوشا به حال کسی که هیچ دلیلی نیابد که به من شک کند.»*

۲۴ وقتی فرستادگان یحیی رفتند، عیسی خطاب به جمعیت در مورد یحیی گفت: «برای دیدن چه چیز به بیابان رفتید؟ برای دیدن یک نی که با وزش باد به جنبش درمی‌آید؟ ۲۵ پس برای دیدن چه چیز رفتید؟ برای دیدن مردی در جامه‌ای لطیف؟* کسانی که جامه‌های فاخر بر تن دارند و در تجمل زندگی می‌کنند، در قصرهای پادشاهانند. ۲۶ واقعاً برای دیدن چه رفتید؟ برای دیدن یک پیامبر؟ آری، به شما می‌گویم، او حتی بسیار بزرگ‌تر از یک پیامبر است. ۲۷ او همان کسی است که در مورد وی

۲۲:۷ *یا: «در من دلیلی برای لغزش نیابد».

۲۵:۷ *یا: «گرانقیمت».

نوشته شده است: «بنگر! من پیام‌آور خود را قبل از تو* می‌فرستم؛ کسی که راه تو را پیشاپیش تو آماده خواهد ساخت». ۲۸ به شما می‌گویم، بزرگ‌تر از یحییای تعمیددهنده از مادر زاده نشده است، اما در پادشاهی خدا کوچک‌ترها نیز از او بزرگ‌ترند». ۲۹ (وقتی همه مردم و خراجگیران این را شنیدند، اذعان کردند که خدا عادل است؛ زیرا به دست یحیی تعمید گرفته بودند. ۳۰ اما فریسیان و فقیهان چون به دست او تعمید نگرفته بودند، به خواستی که خدا برای آنان داشت،* بی‌اعتنایی کردند.)

۳۱ «پس مردم این نسل را با چه کسانی مقایسه کنم؟ اینان مانند چه کسانی هستند؟ ۳۲ مانند بچه‌هایی هستند که در بازارها می‌نشینند و با صدای بلند به یکدیگر می‌گویند: «ما برای شما نی زدیم، اما نرقصیدید؛ نوحه خواندیم، اما گریه نکردید». ۳۳ به همین شکل، یحییای تعمیددهنده آمد که نه نان می‌خورد و نه شراب می‌نوشد، اما شما می‌گویید: «دیو دارد». ۳۴ پسر انسان آمده است که می‌خورد و می‌نوشد، اما شما می‌گویید:

۲۷:۷ *یا: «پیش روی تو». ۳۰:۷ *یا: «به فرمانی

که خدا به آنان داده بود».

۴۱ «دو مرد به شخصی بدهکار بودند. یکی ۵۰۰ دینار* بدهی داشت و دیگری ۵۰ دینار. ۴۲ اما چون چیزی نداشتند که با آن بدهی خود را پرداخت کنند، او با بزرگواری بدهی هر دو را بخشید. حال کدام یک از آن دو او را بیشتر دوست خواهد داشت؟» ۴۳ شمعون در جواب گفت: «تصور می‌کنم، آن که بدهی بیشتری داشت و بخشیده شد.» عیسی به او گفت: «درست قضاوت کردی.» ۴۴ سپس رو به آن زن کرد و به شمعون گفت: «این زن را می‌بینی؟ من به خانه تو آمدم، آبی برای شستن پاهای من نیاوردی. اما این زن پاهای مرا با اشک‌هایش شست و با موهایش خشک کرد. ۴۵ تو مرا نبوسیدی، اما این زن از وقتی که داخل شدم، از بوسیدن پاهایم دست نکشیده است. ۴۶ تو سر مرا روغن نزدی، اما این زن بر پاهای من روغن معطر ریخت. ۴۷ از این رو، به تو می‌گویم، گناهانش هرچند که بسیار* است، بخشیده شد؛ زیرا بسیار محبت کرد. اما آن که کمتر بخشیده می‌شود، کمتر محبت می‌کند.» ۴۸ سپس عیسی

۴۱:۷ * یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود؛ رجوع به واژه‌نامه. ۴۷:۷ * یا: «بزرگ».

«بین: مردی پرخور و میگسار، دوست خراجگیران و گناهکاران!، ۳۵ به هر حال، برحق* بودن حکمت از همه ثمرات* آن ثابت می‌شود.»

۳۶ یکی از فریسیان بارها از عیسی خواسته بود که با او غذا صرف کند. پس او به خانه آن فریسی رفت و بر سر سفره نشست. ۳۷ آنگاه زنی بدکاره که در آن شهر بود، پی برد که او در خانه آن فریسی بر سر سفره نشسته است. پس ظرفی* پر از روغن معطر با خود برد ۳۸ و گریان پشت سر عیسی کنار پاهای او زانو زد، با اشک‌های خود پاهای او را تر ساخت و با موهای سر خود آن‌ها را خشک کرد. سپس پاهای عیسی را بوسید و روغن معطر را بر آن‌ها ریخت. ۳۹ آن فریسی که عیسی را دعوت کرده بود، وقتی این را دید، با خود گفت: «این مرد اگر واقعاً نبی بود، می‌دانست این زن که او را لمس می‌کند، کیست و چگونه زنی است؛ می‌دانست که بدکاره است.» ۴۰ عیسی به او گفت: «شمعون، می‌خواهم چیزی به تو بگویم.» او گفت: «استاد، بگو!»

۳۵:۷ * یا: «درست». * تحت اللفظی: «فرزندان». ۳۷:۷ * تحت اللفظی: «ظرف آلاباستر»؛ رجوع به واژه‌نامه: «آلاباستر».

خوردند. ۶ بعضی بر زمین سنگی افتاد و چون رطوبتی نداشت، پس از جوانه زدن، خشک شد. ۷ بعضی دیگر در میان خارها افتاد و خارهایی که با بذرها رویید، آن‌ها را خفه کرد. ۸ اما بعضی نیز در خاک خوب افتاد و پس از جوانه زدن ۱۰۰ برابر ثمر آورد.» عیسی بعد از این سخنان، با صدای بلند گفت: «هر که گوش شنوا دارد، بشنود.»

۹ شاگردانش در مورد مفهوم این مَثَل از او سؤال کردند. ۱۰ او گفت: «درک رازهای مقدس پادشاهی خدا به شما داده شده است، اما تعالیم من برای بقیه در حد مَثَل باقی می‌ماند تا هرچند نگاه می‌کنند، نبینند و هرچند گوش می‌کنند، درک نکنند. ۱۱ حال، مفهوم مَثَل این است: بذر، کلام خداست. ۱۲ بذرهایی که در کنار راه افتاد، کسانی هستند که کلام خدا را می‌شنوند، اما ابلیس می‌آید و کلام را از دل ایشان می‌رباید تا ایمان نیاورند و نجات نیابند. ۱۳ بذرهایی که بر زمین سنگی افتاد، کسانی هستند که وقتی کلام را می‌شنوند، فوراً با شادی آن را می‌پذیرند، اما اینان ریشه‌ای ندارند؛ مدتی ایمان دارند، لیکن هنگام آزمایش، ایمان خود را از دست می‌دهند.

به آن زن گفت: «گناهان تو بخشیده شد.» ۴۹ آنان که با او بر سر سفره نشسته بودند، با خود گفتند: «این مرد کیست که حتی گناهان را می‌بخشد؟» ۵۰ عیسی به آن زن گفت: «ایمانت تو را نجات داده است. به سلامت برو.»

چندی بعد، عیسی سفری در پیش گرفت. او شهر به شهر و روستا به روستا موعظه می‌کرد و بشارت پادشاهی خدا را اعلام می‌نمود. آن دوازده نفر با او بودند. ۲ زنانی که از ارواح شریر و بیماری‌ها شفا یافته بودند نیز او را همراهی می‌کردند؛ از جمله مریم که مَجْدَلِیْه خوانده می‌شد و هفت دیو از او بیرون آمده بودند. ۳ همچنین یوآنا، همسر خوزا مباشر هیرودیس؛ سوسن و بسیاری از زن‌های دیگر نیز با او بودند. این زنان با دارایی خود به عیسی و رسولان خدمت می‌کردند.

۴ هنگامی که گروهی بزرگ همراه با کسانی که از شهر به شهر نزد عیسی می‌آمدند، جمع شدند، او برای آنان این مَثَل را آورد: ۵ «برزگری برای افشاندن بذرهایی خود بیرون رفت. همچنان که بذرها را می‌پاشید، بعضی در کنار راه افتاد و پایمال شد و پرندگان آسمان آن‌ها را

تو را ببینند.» ۲۱ او در جواب به آنان گفت: «مادر و برادرانم آنانی هستند که کلام خدا را می‌شنوند و به آن عمل می‌کنند.»

۲۲ روزی عیسی و شاگردانش به قایقی سوار شدند. او به ایشان گفت: «به آن طرف دریاچه برویم.» پس آنان بادبان را بالا کشیدند و به راه افتادند. ۲۳ در راه عیسی خوابش برد. تندبادی شدید بر دریاچه پدید آمد طوری که قایقشان از آب پر می‌شد و جانشان در خطر بود.

۲۴ پس شاگردان پیش عیسی رفتند، او را بیدار کردند و گفتند: «استاد، استاد، نزدیک است که هلاک شویم!» وقتی او بیدار شد، به باد و امواج متلاطم نهیب زد. آنگاه تندباد فرو نشست و آرامش برقرار شد. ۲۵ سپس عیسی به آنان گفت: «ایمانتان کجاست؟» اما ترس وجودشان را فرا گرفته بود و بهت‌زده به یکدیگر می‌گفتند: «واقعاً این کیست؟ زیرا حتی به باد و آب فرمان می‌دهد و آن‌ها از او اطاعت می‌کنند.»

۲۶ آنان به ساحل منطقه جراسیان که آن طرف دریا و مقابل منطقه جلیل است، رسیدند. ۲۷ وقتی عیسی پا به ساحل گذاشت، مردی دیوزده از اهالی آن شهر

۱۴ بذرهایی که در میان خاها افتاد، کسانی هستند که کلام خدا را می‌شنوند، اما چون نگرانی‌ها، مال و ثروت و لذت‌های زندگی، آنان را منحرف می‌کند، کلام در ایشان کاملاً خفه می‌شود و هیچ ثمری به بار نمی‌آورند. ۱۵ بذرهایی که در خاک خوب افتاد، کسانی هستند که وقتی کلام را با دلی پاک و نیکو می‌شنوند، آن را نگاه می‌دارند، پایدار می‌مانند و ثمر نیز می‌آورند.

۱۶ «کسی چراغی را نمی‌افروزد تا آن را با سرپوشی بپوشاند یا زیر تخت بگذارد، بلکه آن را روی پایه می‌گذارد تا کسانی که داخل می‌شوند، نورش را ببینند؛ ۱۷ زیرا چیزی نیست که پنهان باشد و آشکار نشود؛ چیزی نیست که مخفی باشد و فاش و نمایان نگردد. ۱۸ پس دقت کنید که چگونه می‌شنوید؛ زیرا هر که دارد، بیشتر به او داده خواهد شد، اما آن که ندارد، حتی آنچه تصوّر می‌کند دارد نیز از او گرفته خواهد شد.»

۱۹ آنگاه مادر و برادران عیسی برای دیدنش آمدند، اما به دلیل ازدحام جمعیت نتوانستند پیش او بروند. ۲۰ پس به او چنین خبر دادند: «مادر و برادرانت بیرون ایستاده‌اند و می‌خواهند

با او روبرو شد. آن مرد مدت‌ها بود که نه لباسی پوشیده و نه در خانه‌ای زندگی کرده بود، بلکه در قبرستان به سر می‌برد. ۲۸ او با دیدن عیسی نعره کشیده، در مقابل او به خاک افتاد و با صدای بلند گفت: «ای عیسی، پسر خدای متعال، با من چه کار داری! از تو استدعا دارم که مرا عذاب ندهی.» ۲۹ (زیرا عیسی به روح ناپاک فرمان داده بود که از آن مرد بیرون بیاید. روح بارها* آن مرد را گرفتار کرده بود و با این که بارها او را با زنجیر و پابندهای آهنی بسته بودند و از او نگهداری می‌کردند، هر بار آن‌ها را پاره می‌کرد و دیو او را به مناطق دورافتاده می‌کشید.) ۳۰ عیسی از او پرسید: «اسم تو چیست؟» او پاسخ داد: «لشکر.»* زیرا دیوهای بسیاری به او وارد شده بودند. ۳۱ آنان به عیسی التماس می‌کردند که فرمان ندهد که به چاه بی‌انتها* بروند. ۳۲ در کوهی در آن حوالی یک گلهٔ بزرگ خوک مشغول چرا بود. پس دیوها از او استدعا کردند که اجازه دهد به آن خوک‌ها وارد شوند. عیسی نیز اجازه داد. ۳۳ سپس

۲۹:۸ * یا احتمالاً: «مدتی طولانی». ۳۰:۸ * تحت‌اللفظی: «لژیون»؛ یکی از یگان‌های بزرگ ارتش روم باستان. در اینجا این واژه به شماری کثیر اشاره دارد. ۳۱:۸ * رجوع به واژه‌نامه.

دیوها از آن مرد بیرون آمدند و به خوک‌ها وارد شدند. آنگاه گله به سمت پرتگاهی* شتافت، به دریاچه افتاد و غرق شد. ۳۴ وقتی خوکبانان این واقعه را دیدند، گریختند و خبر آن را در شهر و آبادی‌ها پخش کردند.

۳۵ سپس مردم رفتند تا ببینند چه روی داده است. آنان نزد عیسی آمدند و وقتی دیدند آن مرد که دیوها از او بیرون آمده بودند، لباس بر تن کرده و عاقل نزد پاهای عیسی نشسته است، ترسان شدند. ۳۶ شاهدان ماجرا برای آنان تعریف کردند که چگونه مرد دیوزده شفا یافته است. ۳۷ آنگاه همهٔ مردم منطقهٔ جراسیان از عیسی خواستند که از پیش آنان برود؛ زیرا خوفی شدید بر ایشان چیره شده بود. پس عیسی بر قایق سوار شد تا آنجا را ترک کند. ۳۸ اما مردی که دیوها از او بیرون آمده بودند، از عیسی تمنا می‌کرد که همراه او برود، اما عیسی آن مرد را راهی کرد و گفت: ۳۹ «به خانه بازگرد و آنچه خدا برایت کرده است، برای همه بازگو کن.» پس او نیز رفت و آنچه را عیسی برای او کرده بود، در تمام شهر اعلام کرد.

۴۰ وقتی عیسی بازگشت، مردم به گرمی

۳۳:۸ * یا: «شیبی تند».

«دختر، ایمانت تو را شفا داده است. به سلامت برو.»

۴۹ او هنوز مشغول صحبت بود که نمایندهٔ مسئول کنیسه آمد و گفت: «دخترت مرد! دیگر به استاد زحمت مده.» ۵۰ عیسی با شنیدن این سخن به یایروس گفت: «ترسان مباش؛ فقط ایمان داشته باش و او نجات خواهد یافت.» ۵۱ وقتی عیسی به خانهٔ یایروس رسید، اجازه نداد کسی غیر از پطرس، یعقوب، یوحنا و پدر و مادر دختر با او داخل خانه شوند. ۵۲ اما مردم همه برای دخترگریه می‌کردند و از فرط اندوه بر سینه می‌زدند. عیسی گفت: «دیگرگریه نکنید؛ زیرا او نمرده بلکه خوابیده است.» ۵۳ با شنیدن این سخن تمسخرکنان به او خندیدند؛ زیرا می‌دانستند که دختر مرده است. ۵۴ اما عیسی دست او را گرفت و با صدای بلند گفت: «دخترم، برخیز!» ۵۵ روح* او بازگشت و او همان دم برخاست. عیسی فرمان داد که چیزی برای خوردن به او بدهند. ۵۶ والدین او غرق در حیرت شدند، اما عیسی به آنان فرمان داد که این واقعه را برای کسی بازگو نکنند.

از او استقبال کردند؛ زیرا همه منتظرش بودند. ۴۱ آنگاه یکی از مسئولان کنیسه، به نام یایروس نزد عیسی آمد، به پایش افتاد و از او تمنا کرد که به خانه‌اش بیاید؛ ۴۲ زیرا تنها* دخترش که حدود ۱۲ سال داشت، در حال مرگ بود.

در راه خانهٔ یایروس، مردم از هر سو بر عیسی ازدحام می‌کردند. ۴۳ در میان آنان، زنی بود که ۱۲ سال به خون‌ریزی مبتلا بود و نتوانسته بود کسی را بیابد که درمانش کند. ۴۴ او از عقب به عیسی نزدیک شد، حاشیهٔ لباس او را لمس کرد و همان دم خون‌ریزی او قطع شد. ۴۵ آنگاه عیسی گفت: «چه کسی مرا لمس کرد؟» همه انکار کردند. سپس پطرس گفت: «استاد، مردم تو را احاطه کرده‌اند و بر تو ازدحام می‌کنند.» ۴۶ اما عیسی گفت: «کسی مرا لمس کرد؛ زیرا حس کردم* نیرویی از من خارج شد.» ۴۷ وقتی زن دید که نمی‌تواند پنهان بماند، لرزان جلو آمد و در مقابل او به خاک افتاد و در برابر همهٔ مردم گفت که چرا او را لمس کرده و چگونه همان دم شفا یافته است. ۴۸ عیسی به او گفت:

۹

عیسی آن دوازده نفر را فراخواند و به ایشان قدرت و اقتدار بخشید تا بر تمامی دیوها چیره شوند و بیماری‌ها را شفا دهند. ۲ آنگاه آنان را فرستاد تا در مورد پادشاهی خدا موعظه کنند و بیماران را شفا دهند. ۳ عیسی به آنان گفت: «چیزی برای سفر برندارید، نه چوبدستی، نه کوله‌بار، نه نان، نه پول* و نه دو جامه.*» ۴ اما وقتی به خانه‌ای داخل می‌شوید، تا زمان ترک آن منطقه، در آن خانه بمانید. ۵ هر جا مردم شما را نپذیرفتند، هنگام ترک آن شهر، گرد و خاک را از پای خود بتکانید* تا شهادتی علیه آنان باشد. ۶ سپس آنان به راه افتادند و سرتاسر آن منطقه را آبادی به آبادی زیر پا گذاشتند، همه جا خبر خوش را اعلام می‌کردند و بیماران را شفا می‌دادند.

۷ آنگاه خبر همه این وقایع به گوش هیروдіس* فرماندار* رسید و او بسیار سردرگم شد؛ زیرا برخی می‌گفتند که

۳:۹ * تحت اللفظی: «نقره». * یا: «جامه‌ای اضافی». ۵:۹ * شخص با تکان دادن گرد و خاک از پا نشان می‌داد که دیگر مسئولیتی به گردن ندارد. ۷:۹ * منظور هیروдіس آنتیپاس است؛ رجوع به واژه‌نامه. * به یونانی بترارخ یعنی حکمران و نمایندهٔ امپراتور روم در یک منطقه.

یحیی از مردگان برخیزانده شده است، ۸ اما عده‌ای دیگر می‌گفتند ایلیا* ظهور کرده است و بعضی نیز می‌گفتند یکی از پیامبران گذشته برخاسته است. ۹ هیروдіس گفت: «من سر یحیی را از تنش جدا کردم. پس این کیست که این چیزها را در مورد او می‌شنوم؟» از این رو، سعی داشت عیسی را ببیند.

۱۰ وقتی رسولان بازگشتند، تمام آنچه را کرده بودند برای او تعریف کردند. آنگاه عیسی آنان را با خود به شهری به نام بیت‌صیدا برد تا در آنجا تنها باشند. ۱۱ اما مردم آگاه شدند و به دنبال او رفتند. عیسی ایشان را به گرمی پذیرفت، در مورد پادشاهی خدا با آنان صحبت کرد و کسانی را که نیاز به درمان داشتند، شفا داد. ۱۲ نزدیک غروب، آن دوازده نفر نزد عیسی آمدند و گفتند: «مردم را روانه کن که به آبادی‌ها و روستاهای اطراف بروند تا سرپناهی بیابند و غذایی تهیه کنند؛ زیرا اینجا مکانی دورافتاده است.» ۱۳ اما عیسی به ایشان گفت: «شما چیزی برای خوردن به آنان بدهید.» شاگردان گفتند: «ما بیش از پنج نان و دو ماهی چیزی نداریم، مگر این که خودمان برویم و برای» ۸:۹ * یا: «الیاس».

همهٔ این مردم غذا بخیریم.» ۱۴ شمار مردان در آنجا حدود ۵۰۰۰ نفر بود. اما عیسی به شاگردانش گفت: «به مردم بگویید که در گروه‌های حدود ۵۰ نفری بنشینند.» ۱۵ شاگردان چنین کردند و همه را نشانند. ۱۶ آنگاه آن پنج نان و دو ماهی را گرفت، رو به آسمان کرد و دعا نمود.* عیسی آن‌ها را تکه کرد و به شاگردانش داد تا پیش مردم بگذارند. ۱۷ پس همه خوردند و سیر شدند و وقتی تکه‌های باقی‌مانده را جمع‌آوری کردند، ۱۲ سبد پر شد.

۱۸ روزی، وقتی عیسی به تنهایی دعا می‌کرد، شاگردان نزد او جمع شدند. عیسی از ایشان چنین پرسید: «مردم مرا که می‌دانند؟» ۱۹ در جواب گفتند: «بعضی می‌گویند، یحیای تعمیددهنده هستی، عده‌ای می‌گویند، ایلّیا. برخی نیز می‌گویند که یکی از پیامبران گذشته برخاسته است.» ۲۰ آنگاه عیسی از آنان پرسید: «شما چه می‌گویید؟ شما مرا که می‌دانید؟» پطرس پاسخ داد: «مسیح خدا.» ۲۱ سپس عیسی به شاگردان فرمان اکید داد که این را به کسی نگویند، ۲۲ اما گفت: «پسر انسان باید بسیار

رنج بکشد و ریش سفیدان، سران کاهنان و علمای دین، او را رد کنند. سپس باید کشته شود و در روز سوم برخیزانده شود.» ۲۳ پس از آن به همه چنین گفت: «هرکس که بخواهد پیرو من شود، دیگر نباید برای خود زندگی کند، بلکه باید هرروزه تیر شکنجه* خود را بردوش کشد و پیوسته از من پیروی کند؛ ۲۴ زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات بخشد، آن را از دست خواهد داد، اما هر که جان خود را به خاطر من از دست بدهد، آن را نجات خواهد داد. ۲۵ واقعاً انسان را چه حاصل، اگر تمام دنیا را به دست آورد، اما جان خود را از دست بدهد یا آن را تباه سازد! ۲۶ زیرا هر که از من و سخنان من عار داشته باشد، پسر انسان نیز وقتی در جلال خود و در جلال پدر و فرشتگان مقدس بیاید، از او عار خواهد داشت. ۲۷ به‌راستی به شما می‌گویم، بعضی اینجا ایستاده‌اند که تا پادشاهی خدا را نبینند، طعم مرگ را نخواهند چشید.» ۲۸ در واقع، حدود هشت روز بعد از گفتن این سخنان بود که عیسی به همراه پطرس، یوحنا و یعقوب از کوهی بالا رفت تا دعا کند. ۲۹ هنگامی که دعا می‌کرد،

ظاهر چهره او تغییر کرد و لباسش سفید و درخشان شد. ۳۰ ناگاه دو مرد ظاهر شدند و با او به گفتگو پرداختند؛ آنان موسی و ایلیا بودند. ۳۱ آنان با جلال ظاهر شدند و در مورد رفتن* او که به زودی در اورشلیم به تحقق می‌رسید، گفتگو می‌کردند. ۳۲ پطرس و آن دو شاگرد دیگر چشمانشان از خواب سنگین شده بود، اما وقتی کاملاً هوشیار شدند، عیسی را در جلالتش و آن دومرد را که در کنارش ایستاده بودند، دیدند. ۳۳ هنگامی که آن دو از عیسی جدا می‌شدند، پطرس به عیسی گفت: «استاد، چه موهبتی که ما اینجا هستیم. بگذار سه خیمه بر پا کنیم، یکی برای تو، یکی برای موسی و یکی هم برای ایلیا.» پطرس نمی‌فهمید، چه می‌گوید. ۳۴ اما هنگامی که این سخنان را می‌گفت، ابری پدیدار گشت و برایشان سایه افکند. وقتی ابر آنان را در برگرفت، ترسان شدند. ۳۵ سپس ندایی از میان ابر به گوش رسید که گفت: «این است پسر من، آن که برگزیده شده است. به او گوش دهید.» ۳۶ هنگامی که این ندا به گوش رسید، عیسی را در آنجا تنها دیدند. شاگردان تمام آنچه را دیده بودند،

۳۱:۹ * تحت اللفظی: «خروج».

پیش خود نگاه داشتند و در آن روزها به هیچ کس چیزی در مورد آن نگفتند. ۳۷ فردای آن روز، هنگامی که از کوه پایین آمدند، عیسی با جمعی کثیر روبرو شد. ۳۸ مردی از میان جمعیت چنین فریاد زد: «استاد، از تو تمنا دارم که نظر لطفی به پسر من بیندازی؛ زیرا او تنها پسر من است. ۳۹ گاه روحی او را می‌گیرد و ناگهان فریادش بلند می‌شود. این روح، پسر من را به تشنج می‌اندازد و کف از دهانش بیرون می‌ریزد، به او آسیب می‌رساند و به سختی او را رها می‌سازد. ۴۰ از شاگردانت تمنا کردم آن را از او بیرون برانند، اما نتوانستند.» ۴۱ عیسی گفت: «ای نسل بی‌ایمان و منحرف، تا به کی با شما باشم و شما را تحمل کنم؟ پسرت را اینجا نزد من بیاور.» ۴۲ در همان هنگام که پسر نزدیک می‌آمد، دیو او را به زمین زد و به تشنج شدید انداخت. اما عیسی روح ناپاک را نهیب زد، پسر را شفا بخشید و او را به پدرش بازگرداند. ۴۳ مردم همگی از عظمت قدرت خدا شگفت‌زده شدند.

در همان حال که همگان از هر چه عیسی انجام می‌داد در شگفت بودند، او به شاگردانش گفت: ۴۴ «به این سخنان

به دقت گوش دهید و آن‌ها را به خاطر بسپارید: پسر انسان به دست دشمنان تسلیم خواهد شد.» ۴۵ اما شاگردان منظور او را نفهمیدند. در واقع، از ایشان پوشیده مانده بود تا درک نکنند و آنان نیز می‌ترسیدند که مفهوم این گفته را از او بپرسند.

۴۶ چندی بعد، این بحث در میان شاگردان درگرفت که بزرگ‌ترین در بین آنان چه کسی است. ۴۷ عیسی که می‌دانست ایشان چه در دل خود می‌اندیشند، کودکی را گرفت و در کنار خود قرار داد ۴۸ و به ایشان گفت: «هر که این کودک را به نام من بپذیرد، مرا نیز پذیرفته است و هر که مرا بپذیرد، او را که مرا فرستاده است نیز پذیرفته است؛ زیرا آن کس در میان شما بزرگ است که همچون کوچک‌تر رفتار کند.»

۴۹ یوحنا گفت: «استاد، ما مردی را دیدیم که دیوها را با استفاده از نام تو بیرون می‌راند و سعی کردیم مانع او شویم؛ زیرا تو را همراه ما پیروی نمی‌کند.» ۵۰ اما عیسی به او گفت: «مانع او مشوید؛ زیرا هر که بر ضد شما نیست، با شماست.»

۵۱ چون زمان آن نزدیک می‌شد که عیسی به آسمان برده شود، با عزمی راسخ

راهی اورشلیم شد. ۵۲ پس قاصدانی پیشاپیش خود فرستاد. آنان نیز به یکی از آبادی‌های سامریان رفتند تا برای آمدن او به آنجا تدارک ببینند. ۵۳ اما مردم آن آبادی پذیرای عیسی نشدند؛ زیرا او قصد رفتن به اورشلیم را داشت. ۵۴ وقتی شاگردان او، یعقوب و یوحنا این را دیدند، گفتند: «سَرور، آیا می‌خواهی بگوییم که آتش از آسمان ببارد و آنان را نابود کند؟» ۵۵ اما عیسی روی گرداند و ایشان را توبیخ کرد. ۵۶ پس به آبادی دیگری رفتند.

۵۷ وقتی در راه بودند، شخصی به عیسی گفت: «هر جا که بروی، من به دنبالت خواهم آمد.» ۵۸ اما عیسی به او گفت: «روباها نلانه دارند و پرنندگان آسمان آشیانه، اما پسر انسان جایی ندارد که سرش را بگذارد.» ۵۹ سپس به شخصی دیگر گفت: «پیرو من شو.» او گفت: «ای سَرور، نخست بگذار بروم و پدرم را به خاک بسپارم.» ۶۰ عیسی به او گفت: «بگذار مردگان، مردگان خود را به خاک بسپارند، اما تو برو و پادشاهی خدا را در همه جا اعلام کن.» ۶۱ دیگری نیز گفت: «سَرور، من از تو پیروی خواهم کرد، اما نخست به من

خویش است. از خانه‌ای به خانه دیگر نقل مکان کنید.

۸ «همچنین، هر جا به شهری وارد شدید و آنان شما را پذیرفتند، آنچه در برابر شما می‌گذارند، بخورید. ۹ بیماران آن شهر را شفا دهید و به آنان بگویید: «پادشاهی خدا به شما نزدیک شده است». ۱۰ اما هر جا به شهری وارد شدید و مردم آنجا شما را نپذیرفتند، به خیابان‌های اصلی آن بروید و بگویید: ۱۱ «حتی گرد و خاک شهر شما را که به پاهایمان نشسته است، بر ضد شما می‌تکانیم.* اما بدانید که پادشاهی خدا نزدیک شده است». ۱۲ به شما می‌گویم، تحمّل روز داوری برای سرزمین سُدوم آسان‌تر خواهد بود تا برای آن شهر.

۱۳ «وای بر تو، ای خوززین! وای بر تو، ای بیت‌صیدا! زیرا اگر معجزاتی که در شما انجام شد، در صور و صیدون* انجام شده بود، ساکنان آن‌ها مدت‌ها پیش در پلاس و خاکستر می‌نشستند و توبه می‌کردند. ۱۴ پس تحمّل داوری برای ساکنان صور و صیدون آسان‌تر خواهد

۱۱:۱۰ * شخص با تکان دادن گرد و خاک از پا نشان می‌داد که دیگر مسئولیتی به گردن ندارد. ۱۳:۱۰ * یا: «صیدا»؛ صور و صیدا شهرهای یهودی‌نشین نبودند.

اجازه بده تا با اهل خانه خود وداع کنم». ۶۲ عیسی به او گفت: «کسی که مشغول شخم‌زنی شود و به چیزهای پشت سر بنگرد، شایسته پادشاهی خدا نخواهد بود.»

۱۰ پس از آن، سرور ۷۰ نفر دیگر را تعیین کرد و آنان را پیشاپیش خود دوبه‌دو به هر شهر و منطقه‌ای که خود قصد رفتن به آنجا را داشت، فرستاد. ۲ به ایشان گفت: «حقیقتاً محصول فراوان است، اما کارگر کم. از این رو، از صاحب محصول استدعا کنید که برای جمع‌آوری محصول خود کارگر بفرستد. ۳ پس بروید! من شما را مانند بزه‌ها به میان گرگ‌ها می‌فرستم. ۴ با خود کیسه پول یا توشه راه یا کفش برندارید و در راه به کسی سلام مگویید.* ۵ هر جا که به خانه‌ای وارد شدید، نخست بگویید: «صلح بر این خانه باد». ۶ اگر کسی آنجا دوستدار صلح باشد، صلح شما نصیب او خواهد شد، اما اگر نباشد، صلح شما به شما باز خواهد گشت. ۷ پس در آن خانه بمانید، از آنچه تهیه می‌کنند، بخورید و بنوشید؛ زیرا کارگر مستحق روزی

۴:۱۰ * در آن زمان، رسم سلام‌گفتن چنین بود که یکدیگر را بارها ببوسند، بغل کنند و به مدت طولانی با یکدیگر گفتگو کنند.

«ای پدر، خداوند آسمان و زمین، تو را نزد همگان می‌ستایم که این امور را از خردمندان و اندیشمندان مخفی داشته‌ای و برکودکان آشکار ساخته‌ای. آری ای پدر؛ زیرا خشنودی تو در این است. ۲۲ پدرم همه چیز را به من سپرده است و هیچ کس نمی‌داند پسر کیست، جز پدر و هیچ کس نمی‌داند پدر کیست، جز پسر و همچنین کسانی که پسر بخواهد پدر را به آنان آشکار سازد.»

۲۳ سپس رو به شاگردان کرد و در خلوت به آنان گفت: «خوشا به حال چشمانی که آنچه شما می‌بینید، می‌بیند؛ ۲۴ زیرا به شما می‌گویم، بسیاری از انبیا و پادشاهان آرزو داشتند آنچه شما می‌بینید، ببینند، اما ندیدند و آنچه شما می‌شنوید، بشنوند، اما نشنیدند.»

۲۵ روزی، یکی از فقیهان برخاست و برای آزمایش عیسی، به او گفت: «استاد، باید چه کنم تا زندگی جاودان را به میراث برم؟» ۲۶ عیسی به او گفت: «در شریعت چه نوشته شده است؟ از آن چه می‌فهمی؟» ۲۷ در جواب گفت: «يَهُوه* خدای خود را با تمامی دل، با تمامی جان، با تمامی قوت و با تمامی ذهن خود

بود تا برای شما. ۱۵ تو ای کَفَرناحوم، آیا گمان می‌کنی که تا به آسمان سرافراز خواهی شد؟ خیر، تا به گور* پایین خواهی رفت!

۱۶ «هر که به شما گوش دهد، به من نیز گوش داده است و هر که به شما بی‌اعتنایی کند به من نیز بی‌اعتنایی کرده است. همچنین هر که به من بی‌اعتنایی کند به او که مرا فرستاده است نیز بی‌اعتنایی کرده است.»

۱۷ آن ۷۰ نفر با شادی بازگشتند و گفتند: «سرور، با استفاده از نام تو حتی دیوها نیز از ما اطاعت می‌کنند.» ۱۸ عیسی به آنان گفت: «می‌بینم که شیطان همچون برق از آسمان فرو افتاده است. ۱۹ من به شما اقتدار داده‌ام که مارها، عقرب‌ها و تمامی قدرت دشمن را پایمال کنید و هیچ چیز به شما صدمه نخواهد رساند. ۲۰ اما از این که ارواح از شما اطاعت می‌کنند، شادی نکنید، بلکه شادی کنید چون نام‌های شما در آسمان‌ها نوشته شده است.» ۲۱ همان موقع، عیسی از روح القدس به وجد آمد و گفت:

۱۵:۱۰ * یا: «هادیس»: مجازاً به مکانی اشاره دارد که کلیه انسان‌ها در آن به خاک سپرده می‌شوند: رجوع به واژه‌نامه.

دوست بدار* و «همسایه‌ات* را مانند خودت دوست بدار.»* ۲۸ عیسی به او گفت: «درست پاسخ دادی؛ پیوسته چنین کن و زندگی جاودان را خواهی یافت.»

۲۹ اما آن مرد که می‌خواست برحق بودن خود را ثابت کند، به عیسی گفت: «همسایه من واقعاً کیست؟» ۳۰ عیسی در جواب گفت: «مردی از اورشلیم به آریحا می‌رفت که به دست راهزنان افتاد. راهزنان او را عریان کردند، زدند و نیمه‌جان رهاش کردند و رفتند. ۳۱ اتفاقاً کاهنی از همان جاده پایین می‌آمد، اما وقتی آن مرد را دید، از طرف دیگر جاده عبور کرد. ۳۲ همچنین وقتی فردی لاوی به آنجا رسید و مرد را دید، او نیز از طرف دیگر جاده عبور کرد. ۳۳ اما مسافری سامری نیز که از آن جاده می‌گذشت، وقتی به آن مرد رسید و او را دید، دلش به حال او سوخت. ۳۴ پس به او نزدیک شد، بر زخم‌هایش روغن و شراب ریخت و آن‌ها را بست. سپس او را بر حیوانش سوار کرد و به کاروانسرای برد و از او مراقبت کرد.» ۲۷:۱۰ * یا: «محبت کن.» * «همسایه» ترجمه واژه‌ای یونانی است که به مفهوم همنوع نیز می‌باشد.

کرد. ۳۵ روز بعد، دو دینار* بیرون آورد، به مسئول کاروانسرا داد و گفت: «از این مرد مراقبت کن و اگر بیش از این خرج کردی، زمانی که به اینجا بازگردم به تو خواهم داد.» ۳۶ حال به نظر تو کدام یک از این سه نفر همچون همسایه با مردی که به دست راهزنان افتاد، رفتار کرد؟ ۳۷ او پاسخ داد: «آن که به او رحم کرد.» آنگاه عیسی به او گفت: «برو و تونیز چنین کن.» ۳۸ در راه که می‌رفتند، عیسی به آبادی‌ای وارد شد. در آنجا زنی به نام مارتا او را به خانه‌اش دعوت کرد. ۳۹ مارتا خواهری به نام مریم داشت. مریم کنار پایهای سرور نشسته بود و به سخنانش گوش می‌داد. ۴۰ اما مارتا سخت مشغول بود و تدارک بسیار می‌دید. از این رو، نزد عیسی آمد و گفت: «سرور، آیا برای تو مهم نیست که خواهرم مرا درکار پذیرایی تنها گذاشته است؟ پس به او بگو بیاید و به من کمک کند.» ۴۱ سرور در جواب گفت: «مارتا، مارتا، تو برای چیزهای بسیار، نگران و مضطرب هستی. ۴۲ حال آن که چیزهای کمی لازم است، شاید حتی یک چیز هم کافی باشد.» ۳۵:۱۰ * یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود؛ رجوع به واژه‌نامه.

چنین پاسخ دهد: «مزامن من مشو. در قفل است و فرزندانم با من در بسترند. نمی‌توانم بلند شوم و چیزی به تو بدهم.»

۸ به شما می‌گویم، حتی اگر به دلیل دوستی بلند نشود تا به او چیزی بدهد، مسلماً به دلیل سماجت او بلند خواهد شد و هر آنچه نیاز دارد، به او خواهد داد. ۹ از این رو به شما می‌گویم، پیوسته بطلبید که به شما داده خواهد شد؛ پیوسته بجوید که خواهید یافت؛ پیوسته بکوبید که در به رویتان باز خواهد شد. ۱۰ زیرا هر که بطلبد، دریافت می‌کند؛ هر که بجوید، می‌یابد و هر که بکوبد، در به رویش باز خواهد شد. ۱۱ در میان شما کدام پدر است که اگر پسرش ماهی از او بخواهد، به جای ماهی، مار به او بدهد؟ ۱۲ یا اگر تخم مرغی از او بخواهد، عقربی به او بدهد؟ ۱۳ پس اگر شما با این که گناهکار هستید، می‌دانید که باید هدایای خوب به فرزندانان بدهید، چقدر بیشتر، پدر آسمانی شما به هر کس که از او بخواهد، روح القدس را خواهد داد!

۱۴ چندی بعد، عیسی دیوی را که قدرت سخن گفتن را می‌گرفت، از مردی بیرون راند. وقتی دیو بیرون آمد،

مریم نصیب بهتر را برگزید* و از او گرفته نخواهد شد.»

۱۱ روزی عیسی در مکانی دعا می‌کرد. وقتی دعایش به پایان رسید، یکی از شاگردانش به او گفت: «سرور، به ما بیاموز که چگونه دعا کنیم، همان طور که یحیی نیز به شاگردانش آموخت.»

۲ عیسی به آنان گفت: «هرگاه دعا می‌کنید، بگویید: «ای پدر، نام تو مقدس باد.»* پادشاهی تو بیاید. ۳ هر روز نان ما را بر حسب نیاز روزانه‌مان به ما عطا کن. ۴ گناهان ما را ببخش؛ زیرا خود ما نیز هر که را به ما مقروض است،* می‌بخشیم. همچنین ما را در وسوسه میاور.»*

۵ سپس عیسی به آنان گفت: «فرض کنید که یکی از شما دوستی داشته باشد و نیمه‌شب نزد او برود و به او بگوید: «ای دوست، سه نان به من قرض بده؛ ۶ چون یکی از دوستانم از سفر نزد من آمده است و هیچ چیز ندارم که پیش او بگذارم.» ۷ اما او از داخل خانه

۴۲:۱۰ * یا: «مریم بهترین نصیب را برگزید.» ۲:۱۱

* یا: «تقدیس شود؛ مقدس شمرده شود.» ۴:۱۱

* یا: «به ما خطا کرده است.» * یا: «به ما کمک

کن که تسلیم وسوسه نشویم.»

کند، اموالش در امان می‌ماند. ۲۲ اما اگر شخصی قوی‌تر از او به وی حمله کند و بر او چیره شود، تمام سلاح‌هایی را که مرد زورمند به آن اعتماد داشت، از او می‌گیرد و آنچه از او به غنیمت می‌برد، تقسیم می‌کند. ۲۳ هرکه با من نباشد، بر ضد من است و هرکه با من جمع نکند، پراکنده می‌سازد.

۲۴ «هنگامی که روحی ناپاک از شخصی بیرون می‌آید، در مکان‌های خشک و بایر به دنبال استراحتگاهی می‌گردد، اما چون نمی‌یابد، می‌گوید: «به خانه خود که از آن آمدم، باز خواهم گشت.» ۲۵ وقتی به آنجا می‌رسد، آن خانه را جاروشده و آراسته می‌یابد. ۲۶ آنگاه می‌رود و هفت روح شریرتر از خود را می‌آورد و با آنان به آن خانه داخل گشته و در آن ساکن می‌شوند. در نتیجه، عاقبت آن شخص از ابتدایش بدتر می‌شود.»

۲۷ هنگامی که عیسی این سخنان را می‌گفت، زنی از میان جمع با صدای بلند به او گفت: «خوشا به حال آن مادری که تو را در رحمش حمل کرد و به تو شیر داد!» ۲۸ اما عیسی گفت: «خیر، بلکه خوشا به حال آنانی که کلام خدا را می‌شنوند و آن را حفظ می‌کنند.»

مرد لال شروع به سخن گفتن کرد و جمعیت در شگفت شدند. ۱۵ اما برخی از آنان گفتند: «او دیوها را با قدرت بَعْلَزَبول،* فرمانروای دیوها بیرون می‌راند.» ۱۶ برخی نیز برای آزمودن او، از او خواستند که نشانه‌ای از آسمان برایشان بیاورد. ۱۷ عیسی که افکار آنان را می‌دانست، به ایشان گفت: «هر سلطنتی که در آن تفرقه بیفتد، نابود خواهد شد و خانه‌ای که در آن تفرقه ایجاد شود، فرو می‌ریزد. ۱۸ همچنین اگر شیطان نیز بر ضد خود تفرقه اندازد، چگونه سلطنتش پا برجا خواهد ماند؟ زیرا شما می‌گویید، من دیوها را با قدرت بَعْلَزَبول بیرون می‌رانم. ۱۹ اگر من به قدرت بَعْلَزَبول دیوها را بیرون می‌رانم، شاگردان* شما با قدرت چه کسی آن‌ها را بیرون می‌رانند؟ پس آنان داوران شما خواهند بود.* ۲۰ اما اگر من با انگشت خدا، دیوها را بیرون می‌رانم، یقین بدانید پادشاهی خدا آمده است و شما نفهمیدید.* ۲۱ اگر مردی زورمند و مسلح از کاخ خود نگهبانی

۱۵:۱۱ * نامی که به شیطان، فرمانروای دیوها داده شده است. ۱۹:۱۱ * تحت‌اللفظی: «پسران». ۲۱:۱۱ * یا: «پس آنان نشان خواهند داد که در اشتباهید». ۲۰:۱۱ * تحت‌اللفظی: «پادشاهی خدا به شما رسیده است.»

۲۹ هنگامی که بر شمار جمعیت افزوده می‌شد، عیسی گفت: «این نسل، نسلی شریر است. آنان در پی نشانه‌ای هستند، اما نشانه‌ای جز نشانهٔ یوئس به آنان داده نخواهد شد؛ ۳۰ زیرا همان طور که یوئس نشانه‌ای برای مردم نینوا شد، پسر انسان نیز برای این نسل نشانه‌ای خواهد بود. ۳۱ در هنگام داوری، ملکهٔ جنوب با مردم این نسل برخیزانده خواهد شد و آنان را محکوم خواهد کرد؛ زیرا او از آن سوی زمین آمد تا حکمت سلیمان را بشنود، اما شخصی بزرگ‌تر از سلیمان اینجاست. ۳۲ در هنگام داوری، مردم نینوا با این نسل برخوانند خاست و این نسل را محکوم خواهند کرد؛ زیرا موعظهٔ یوئس باعث شد که مردم نینوا توبه کنند، اما شخصی بزرگ‌تر از یوئس اینجاست. ۳۳ بعد از افروختن چراغ، کسی آن را مخفی نمی‌کند یا زیر سبد* نمی‌گذارد، بلکه آن را روی پایه می‌گذارد تا هر که داخل شود، نورش را ببیند. ۳۴ چشم تو، چراغ بدنت است. اگر چشمت متمرکز باشد،*

۳۳:۱۱ *منظور سبدي است که برای سنجش مقدار محصولات خشک، مثل غلات استفاده می‌شد. ۳۴:۱۱ *یا: «دیدت واضح باشد»: تحت‌اللفظی: «چشم‌ت ساده باشد».

تمام وجودت روشن* خواهد بود. اما اگر چشم‌ت پر از حسد باشد،* وجودت نیز تاریک خواهد بود. ۳۵ پس مراقب باش نوری که در توست، تاریکی نباشد. ۳۶ اگر تمام وجودت روشن باشد و هیچ نقطهٔ تاریکی در آن نباشد، روشنایی وجودت چنان خواهد بود که گویی چراغی بر تونور می‌تاباند.»

۳۷ پس از پایان سخنانش، یکی از فریسیان عیسی را به صرف غذا دعوت کرد. پس عیسی به خانهٔ او رفت و بر سر سفره نشست. ۳۸ آن فریسی وقتی دید که عیسی پیش از غذا دست‌هایش را آب نکشید،* متعجب شد. ۳۹ آنگاه سرور به او گفت: «شما فریسیان بیرون پیاله و ظرف را پاک می‌کنید، اما درون شما پر از طمع و شرارت است. ۴۰ ای نادانان! آیا آن که بیرون را ساخت، درون را نیز نساخته است؟ ۴۱ پس، از آنچه در باطن دارید صدقه دهید،* آنگاه از هر جهت پاک خواهید بود. ۴۲ وای

۲۴:۱۱ *یا: «نورانی». *یا: «چشم‌ت بر شرارت متمرکز باشد»: تحت‌اللفظی: «شریر باشد».

۲۸:۱۱ *در اینجا منظور شست‌وشویی مطابق آداب و رسوم یهودیان است. به مرقس ۷:۳ رجوع شود. ۴۱:۱۱ *یا: «به فقیران کمک کنید»: رجوع به واژه‌نامه.

پدرانتان آگاهید، با این حال آن‌ها را تأیید می‌کنید. آری، پدرانتان پیامبران را کشتند و شما مقبره‌هایشان را می‌سازید. ۴۹ از همین روست که خدا با حکمتی که دارد،* گفت: «من برای آنان پیامبران و رسولان خواهم فرستاد و ایشان برخی را خواهند کشت و برخی دیگر را آزار و اذیت خواهند رساند ۵۰ تا خون تمامی پیامبرانی که از آغاز دنیا* ریخته شده است، به گردن این نسل باشد؛» ۵۱ از خون هابیل گرفته تا خون زکریا که میان مذبح و معبد* کشته شد، آری، به شما می‌گویم، خون آنان به گردن این نسل خواهد بود.*

۵۲ «وای بر شما، ای فقیهان! زیرا کلید شناخت را از مردم گرفتید، خود داخل نشدید و مانع آنانی می‌شوید که می‌خواهند داخل شوند.»

۵۳ وقتی عیسی از آنجا بیرون آمد، علمای دین و فریسیان او را سخت تحت

۴۹:۱۱ * «خدا با حکمتی که دارد»: تحت اللفظی: «حکمت خدا». ۵۰:۱۱ * «آغاز دنیا»: تحت اللفظی: «به جا گذاشتن [نسل]»؛ به فرزندان آدم و حوا اشاره دارد. * «به گردن این نسل باشد» یا: «از این نسل بازخواست شود». ۵۱:۱۱ * یا: «مکان مقدس». * یا: «خون آنان از این نسل بازخواست خواهد شد».

بر شما، ای فریسیان! زیرا یک‌دهم نعا، سداب* و هرسبزی دیگر را می‌دهید، اما عدالت و محبت خدا را نادیده می‌گیرید. درست است، این‌ها را می‌بایست انجام می‌دادید، اما آن‌ها را نیز نمی‌بایست نادیده می‌گرفتید. ۴۳ وای بر شما، ای فریسیان! زیرا دوست دارید در کنیسه‌ها جلوتر از همه بنشینید* و در بازارها مردم به شما سلام گویند. ۴۴ وای بر شما! زیرا همچون قبرهایی هستید که دیده نمی‌شود و مردم ندانسته بر آن‌ها راه می‌روند.*

۴۵ یکی از فقیهان در جواب به او گفت: «استاد، با گفتن چنین سخنانی به ما نیز اهانت می‌کنی.» ۴۶ عیسی گفت: «همچنین وای بر شما ای فقیهان! زیرا بارهایی توانفرسا بر دوش مردم می‌نهدید، اما خود حتی انگشتی به آن بارها نمی‌زنید.

۴۷ «وای بر شما! زیرا آرامگاه‌های پیامبران را می‌سازید، اما در واقع پدرانتان آنان را کشتند! ۴۸ یقیناً، شما از اعمال ۴۲:۱۱ * گیاهی دارویی و نوعی ادویه. ۴۳:۱۱ * یا: «در کنیسه‌ها در بهترین جا بنشینید». ۴۴:۱۱ * یا: «همچون آن قبرهای بدون نام و نشان هستید که مردم ندانسته بر آن‌ها راه می‌روند».

کم ارزش* فروخته نمی شود؟ اما خدا حتی یکی از آن ها را نیز فراموش نمی کند.*
 ۷ او حتی از تعداد موهای سر شما نیز آگاه است. ترس به خود راه مدهید، ارزش شما بسیار بیشتر از گنجشک ها است.

۸ «پس به شما می گویم، هر که مرا نزد مردم تصدیق کند، پسر انسان نیز او را نزد فرشتگان خدا تصدیق خواهد کرد. ۹ اما هر که مرا نزد مردم انکار کند، نزد فرشتگان خدا انکار خواهد شد. ۱۰ هر که بر ضد پسر انسان سخنی بگوید، بخشیده خواهد شد، اما هر که به روح القدس کفر بگوید، بخشیده نخواهد شد. ۱۱ وقتی شما را به حضور مردم،* مأموران حکومتی و صاحب منصبان ببرند، نگران مشوید که چگونه از خود دفاع کنید یا چه بگویید؛ ۱۲ زیرا در آن زمان، روح القدس آنچه را باید بگویید، به شما خواهد آموخت.»
 ۱۳ آنگاه شخصی از میان جمع به عیسی گفت: «استاد، به برادرم بگوارث پدر را با من تقسیم کند.» ۱۴ عیسی گفت: «ای مرد، چه کسی مرا میان شما دو نفر، داور یا میانجی قرار داده است؟»

۱۲:۶* به یونانی آسریون؛ سکه ای به ارزش یک شانزدهم دینار. *یا: «از نظر دور نمی دارد». ۱۱:۱۲* یا: «به کنیسه ها».

فشار گذاشتند و سعی کردند او را با سؤالات بسیار در تنگنا بگذارند. ۵۴ آنان در کمین بودند که شاید سخنی بگویند و او را به دام اندازند.

۱۲ در این میان، جمعیتی انبوه گرد آمده بودند؛ چندین هزار نفر، طوری که پا بر پای یکدیگر می گذاشتند. عیسی نخست شاگردانش را مخاطب قرار داد و گفت: «از خمیرمایه فریسیان دوری کنید که ریاکاری است. ۲ اما چیزی نیست که پنهان باشد و نمایان نشود و هیچ رازی نیست که پنهان باشد و فاش نگردد. ۳ از این رو، هر آنچه در تاریکی می گویند در روشنائی شنیده خواهد شد و آنچه در اتاق های خود در گوش یکدیگر زمزمه می کنید، از بام ها اعلام خواهد شد. ۴ همچنین ای دوستان من، به شما می گویم، از آنانی مترسید که شما را می کشند* و پس از آن، دیگر نمی توانند کاری بکنند. ۵ اما من به شما نشان می دهم از چه کسی بترسید؛ از او بترسید که بعد از کشتن، اقتدار دارد به درّه هتوم* اندازد. آری، به شما می گویم، از او بترسید. ۶ آیا پنج گنجشک به دو سکه

۱۲:۴* تحت اللفظی: «جسم را می کشند». ۱۲:۵* رجوع به واژه نامه.

۱۵ پس به مردم گفت: «هوشیار باشید و از هرگونه طمع* دوری کنید؛ زیرا حتی اگر شخصی اموال فراوان هم داشته باشد، اموالش به او زندگی نمی‌بخشد.»

۱۶ این مثل را نیز برای آنان آورد: «مردی ثروتمند از زمین خود محصول فراوان حاصل کرد. ۱۷ پس با خود اندیشید و گفت: (حال چه کنم که جایی برای انبار کردن محصول خود ندارم؟) ۱۸ سپس گفت: (فهمیدم چه کنم. انبارهای خود را خراب می‌کنم و انبارهای بزرگ‌تری می‌سازم و تمامی غله‌ها و کالاهایم را در آنجا ذخیره می‌کنم. ۱۹ آنگاه به خود خواهم گفت: «ای جان من، برای سالیان سال چیزهای خوب اندوخته‌ای؛ پس آسوده باش، بخور، بنوش و خوش بگذران.» ۲۰ اما خدا به او گفت: «ای نادان، امشب جانت را از تو خواهند گرفت. آنگاه اندوخته‌های تو از آن چه کسی خواهد بود؟) ۲۱ چنین است روزگار کسی که برای خود گنج می‌اندوزد، اما در چشم خدا ثروتمند نیست.»

۲۲ آنگاه عیسی به شاگردانش گفت: «از این رو به شما می‌گویم دیگر نگران زندگی خود مباشید که چه بخورید یا

نگران بدن خود که چه بپوشید؛ ۲۳ زیرا ارزش زندگی بیش از غذا و ارزش بدن بیش از لباس است. ۲۴ به کلاغ‌ها نظر کنید که نه بذری می‌کارند، نه برداشت می‌کنند، نه کاهدانی دارند و نه انباری. با این حال، خدا به آن‌ها غذا می‌دهد. آیا ارزش شما بسیار بیشتر از پرندگان نیست؟ ۲۵ کدام یک از شما می‌تواند با نگرانی حتی لحظه‌ای* بر عمر خود بیفزاید؟ ۲۶ پس اگر توانایی انجام دادن چنین کار کوچکی را نیز ندارید، چرا برای بقیه کارها نگران هستید؟ ۲۷ به سوسن‌ها نظر کنید که چگونه رشد می‌کنند؛ نه زحمت می‌کشند، نه می‌ریسند، اما من به شما می‌گویم که حتی سلیمان هم با همه شکوهِش، همچون یکی از آن‌ها آراسته نشده بود. ۲۸ حال اگر خدا گیاه صحرا را که امروز هست و فردا به تنور افکنده می‌شود، چنین جامه‌ای می‌پوشاند، چقدر بیشتر به فکر تأمین جامه شما خواهد بود، ای کم‌ایمانان! ۲۹ پس دیگر در پی این مباشید که چه بخورید و چه بنوشید؛ زیرا دیگر غرق در نگرانی مشوید؛ ۳۰ زیرا

۲۵:۱۲ * تحت اللفظی: «یک ذراع»: یک ذراع

واحدی تقریباً معادل طول ساعد دست است.

۱۵:۱۲ * یا: «طمع به مال دیگران».

و نزدشان آمده، به آنان خدمت خواهد کرد. ۳۸ حال فرض کنید که اربابشان در پاس دوم* یا حتی در پاس سوم* شب بیاید و آنان را آماده یابد. به راستی خوشا به حال آنان! ۳۹ این را بدانید، اگر صاحبخانه می دانست دزد در چه ساعتی می آید، نمی گذاشت به خانه اش وارد شود. ۴۰ شما نیز همواره آماده باشید؛ زیرا پسر انسان در ساعتی که گمان نمی کنید، می آید.»

۴۱ آنگاه پطرس گفت: «سَرور، این مَثَل را تنها برای ما گفتی یا برای همه؟»
 ۴۲ سَرور گفت: «به راستی آن مباشر* امین و دانا* کیست که اربابش، او را بر خادمان خود* بگمارد تا سهم خوراک آنان را همچنان به موقع بدهد؟ ۴۳ خوشا به حال آن غلام که وقتی اربابش بیاید او را مشغول این کار یابد! ۴۴ به راستی به شما می گویم، او را بر تمام مایملک خود خواهد گماشت. ۴۵ اما اگر آن غلام در دل خود بگوید: «ارباب در آمدن تأخیر کرده است»، و شروع به زدن خدمتکاران و

۲۸:۱۲* حدود ساعت نه شب تا نیمه شب. * از نیمه شب تا حدود ساعت سه صبح. ۴۲:۱۲* منظور خدمتگزاری است که سرپرستی امور خانه ارباب خود را بر عهده دارد. * یا: «دوراندیش». * یا: «خادمان خانه خود».

قوم های دنیا سخت در پی به دست آوردن این چیزها هستند. اما پدر آسمانی شما می داند که شما به این چیزها نیاز دارید. ۳۱ پس همواره در پی پادشاهی او باشید و این ها برای شما مهیا خواهد شد.

۳۲ «مترسید، ای گله کوچک؛ زیرا مایه خشنودی پدر شما بوده است که پادشاهی را به شما دهد. ۳۳ اموال خود را بفروشید و صدقه دهید.* برای پول خود کیسه هایی که فرسوده نمی شود، تهیه کنید؛ آری گنجی تمام نشدنی در آسمان ها، جایی که دست دزدی به آن نمی رسد و بیدی به آن آسیب نمی رساند؛ ۳۴ زیرا هر جا گنج شماست، دلتان نیز آنجا خواهد بود.

۳۵ «کمر به خدمت ببندید* و چراغ های تان افروخته باشد، ۳۶ مانند افرادی باشید که چشم به راهند که اربابشان از عروسی بازگردد تا به محض آمدن و در زدن او، در را به رویش بازکنند. ۳۷ خوشا به حال آن غلامانی که وقتی اربابشان بیاید، آنان را هوشیار یابد. به راستی به شما می گویم، او خود کمر به خدمت خواهد بست و آنان را بر سر سفره خواهد نشاند

۲۳:۱۲ * یا: «به فقیران کمک کنید». ۲۵:۱۲* منظور آمادگی برای انجام دادن کاری است.

نفر علیه دو نفر و دو نفر علیه سه نفر. ۵۳ آری، جدایی خواهد بود؛ پدر علیه پسر، پسر علیه پدر، مادر علیه دختر، دختر علیه مادر، مادرشوهر علیه عروس و عروس علیه مادرشوهر.»

۵۴ سپس خطاب به جمعیت گفت: «وقتی می‌بینید ابری در غرب نمایان می‌شود، فوراً می‌گویید: (طوفان می‌آید)، و همین نیز خواهد شد. ۵۵ وقتی می‌بینید باد جنوب می‌وزد، می‌گویید: (هوا گرم خواهد شد)، و چنین می‌شود. ۵۶ ای ریاکاران! شما می‌دانید که چگونه وضعیت آب و هوا را از نشانه‌های زمین و آسمان تشخیص دهید، اما چرا نمی‌دانید که چگونه نشانه‌های این زمان را تشخیص دهید؟ ۵۷ چرا خود آنچه را

درست است تشخیص نمی‌دهید؟ ۵۸ برای مثال، هنگامی که با شاکی خود نزد حاکم می‌روی، در طی راه سعی کن اختلاف خود را با او حل کنی، مبادا تو را نزد قاضی بکشد و قاضی تو را به دست مأمور محکمه دهد و او تو را به زندان اندازد. ۵۹ به تو می‌گویم، تا پیشیز* آخر را نپردازی، یقیناً از زندان آزاد نخواهی شد.»

۵۹:۱۲* به یونانی پیتون: سکه‌ای که ارزش بسیار ناچیزی داشت.

کنیزان کند و بخورد، بنوشد و مستی کند، ۴۶ در روزی که انتظار ندارد و ساعتی که از آن آگاه نیست، اربابش خواهد آمد و او را به سختی مجازات خواهد کرد و نصیبش را با خیانتکاران قرار خواهد داد. ۴۷ آنگاه آن غلامی که خواست اربابش را می‌دانست، اما خود را آماده نساخت یا به آنچه از او خواست عمل نکرد،* تازیانه بسیار خواهد خورد. ۴۸ اما آن غلامی که خواست اربابش را نمی‌دانست و مرتکب اعمالی شد که سزاوار تنبیه است، تازیانه کمتری خواهد خورد. آری، به هر که بیشتر داده شود، از او بیشتر خواسته خواهد شد و به هر که مسئولیت بیشتری بسپارند، بیشتر از معمول از او خواهند خواست.

۴۹ «من آمده‌ام تا بر زمین آتش افروزم و حال که افروخته شده است، بیش از این چه می‌خواهم؟ ۵۰ من تعمیدی در پیش دارم که باید بگیرم و تا به پایان رساندن آن چقدر در عذابم! ۵۱ آیا گمان می‌کنید آمده‌ام تا صلح بر زمین آورم؟ به هیچ وجه! به شما می‌گویم، آمده‌ام تا جدایی بیندازم. ۵۲ از این پس در خانه‌ای که پنج نفر باشند، جدایی خواهد بود؛ سه ۴۷:۱۲* یا: «یا مطابق خواست او عمل نکرد.»

در همان زمان، برخی از حاضران، خبر جلیلی‌هایی را به عیسی دادند که پیلاتس خون آنان را با خون قربانی‌هایشان آمیخته بود. ۲ عیسی به ایشان گفت: «آیا چون این مصیبت بر سر آن جلیلی‌ها آمد، فکر می‌کنید که گناهکارتر از سایر جلیلی‌ها بودند؟ ۳ من به شما می‌گویم، به هیچ وجه چنین نیست. اما اگر توبه نکنید، شما نیز همگی نابود خواهید شد. ۴ یا آیا فکر می‌کنید آن ۱۸ نفری که برج سیلوحا بر آنان فرو ریخت و کشته شدند، از سایر اهالی اورشلیم خطاکارتر بودند؟ ۵ من به شما می‌گویم، به هیچ وجه چنین نیست. اما اگر توبه نکنید، همگی شما همچون آنان نابود خواهید شد.»

۶ سپس این مثل را آورد: «شخصی درخت انجیری در تاکستان خود کاشت و آمد تا میوه‌ای بر آن بیابد، اما چیزی نیافت. ۷ پس به باغبان گفت: «اکنون سه سال است که می‌آیم تا میوه‌ای بر این درخت انجیر ببایم، اما هیچ نیافته‌ام. آن را بئر. چرا بی‌جهت زمین را اشغال کند؟ ۸ باغبان در جواب به او گفت: «ای آقا، امسال هم بگذار بماند تا دورش را کنده،

به آن کود بدهم. ۹ اگر سال آینده میوه آورد که هیچ، وگرنه آن را بئر.»

۱۰ در یکی از روزهای سَبَّت،* عیسی در کنیسه‌ای تعلیم می‌داد. ۱۱ در آنجا زنی بود که روحی ناپاک او را به مدت ۱۸ سال ضعیف* کرده بود. کمر آن زن خم شده بود و به هیچ وجه نمی‌توانست راست بایستد. ۱۲ عیسی با دیدن آن زن، خطاب به او گفت: «ای زن، تواز ضعف خود خلاص شدی.» ۱۳ سپس دست‌هایش را بر او گذاشت و همان دم، زن راست ایستاد و شروع به تمجید خدا کرد. ۱۴ اما مسئول کنیسه از این که عیسی در روز سَبَّت کسی را شفا داده بود، برآشفته و به مردم گفت: «شش روز هفته را باید کار کرد. پس در آن روزها بیایید و شفا یابید، نه در روز سَبَّت.» ۱۵ اما سرور در پاسخ گفت: «ای ریاکاران، آیا هر یک از شما در روز سَبَّت گاو یا الاغ خود را از طویله باز نمی‌کند و برای آب دادن بیرون نمی‌برد؟ ۱۶ پس آیا نمی‌بایست این زن، این دختر ابراهیم که شیطان او را برای ۱۸ سال در بند گرفتار کرده بود، در روز سَبَّت از آن بند رهایی یابد؟» ۱۷ پس از

۱۳:۱۰ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۳:۱۱ * یا: «علیل».

گفتن این سخنان، تمام مخالفانش شرمسار شدند، اما مردم از همه کارهای شگفت‌انگیز او شادمان گشتند.

۱۸ عیسی در ادامه گفت: «پادشاهی خدا مانند چیست و آن را به چه چیز می‌توانم تشبیه کنم؟ ۱۹ مانند دانهٔ خردلی است که مردی آن را گرفت و در باغ خود کاشت. دانه رشد کرد و به درختی مبدل شد و پرندگان آسمان میان شاخه‌های آن لانه کردند.»

۲۰ عیسی بار دیگر گفت: «پادشاهی خدا را به چه چیز می‌توانم تشبیه کنم؟ ۲۱ مانند خمیرمایه‌ای است که زنی آن را برداشت و در سه پیمانهٔ بزرگ* آرد مخلوط کرد تا سرانجام کل آن ور آمد.»

۲۲ عیسی در سفر خود به اورشلیم، از شهر به شهر و از آبادی به آبادی می‌گذشت و تعلیم می‌داد. ۲۳ در این میان، شخصی از او پرسید: «سرور، آیا فقط عدهٔ کمی نجات می‌یابند؟» عیسی به مردم گفت: ۲۴ «سخت بکوشید تا از در تنگ داخل شوید؛ زیرا من به شما می‌گویم، بسیاری سعی خواهند کرد که داخل شوند، اما نخواهند توانست.

۲۱:۱۳ * یا: «سه سیئه»: هر سیئه معادل ۷/۳۳ لیتر بود.

۲۵ زمانی می‌رسد که صاحبخانه برمی‌خیزد و در را قفل می‌کند. آنگاه شما بیرون می‌ایستید و در را می‌کوبید و می‌گویید: «سرور، در را به روی ما باز کن.» اما او در جواب به شما خواهد گفت: «من شما را نمی‌شناسم.» ۲۶ آنگاه خواهید گفت: «ما در حضور تو می‌خوردیم و می‌نوشیدیم و تو در خیابان‌های ما تعلیم می‌دادی.» ۲۷ اما او به شما خواهد گفت: «من شما را نمی‌شناسم. ای همهٔ بدکاران، از من دور شوید! ۲۸ آنجاست که گریه خواهید کرد و دندان بر هم خواهید سایید، چون می‌بینید که ابراهیم، اسحاق، یعقوب و همهٔ انبیا در پادشاهی خدا هستند، اما خود بیرون افکنده شده‌اید. ۲۹ به علاوه، مردم از شرق و غرب و از شمال و جنوب خواهند آمد و در پادشاهی خدا بر سر سفره خواهند نشست. ۳۰ آنگاه، هستند کسانی که آخرند و اول خواهند بود و کسانی که اولند و آخر خواهند بود.»

۳۱ در همان موقع، فریسیانی آمدند و به او گفتند: «اینجا را ترک کن و به جای دیگر برو؛ زیرا هیرودیس* می‌خواهد تو را بکشد.» ۳۲ عیسی گفت: «بروید

۳۱:۱۳ * رجوع به واژه‌نامه.

«آیا شفا دادن در روز سَبَّت جایز است، یا نه؟» ۴ اما آنان سکوت کردند. پس عیسی دست بر آن مرد گذاشته، او را شفا داد و روانه‌اش کرد. ۵ سپس به آنان گفت: «کدام یک از شما اگر در روز سَبَّت، پسر یا گاویش در چاهی بیفتد، فوراً او را بیرون نمی‌کشد؟» ۶ آنان نتوانستند پاسخی به او بدهند.

۷ وقتی عیسی دید که مهمانان چگونه صدر مجلس را برای خود انتخاب می‌کنند، برای آنان مثلی آورد و گفت: ۸ «وقتی کسی تو را به جشن عروسی دعوت می‌کند، در صدر مجلس بنشین. شاید شخصی مهم‌تر از تو را نیز دعوت کرده باشد. ۹ آنگاه او که تو و آن شخص را دعوت کرده است، نزدت خواهد آمد و به تو خواهد گفت: (بگذار این آقا اینجا بنشینند)، آن وقت با شرمساری در پایین‌ترین جای مجلس خواهی نشست. ۱۰ پس وقتی دعوت می‌شوی، برو و در پایین‌ترین جای مجلس بنشین. آنگاه میزبان نزدت خواهد آمد و به تو خواهد گفت: (ای دوست، بفرما بالاتر بنشین)، آن وقت پیش روی تمام مهمانان سربلند خواهی شد: ۱۱ زیرا آن که خود را بزرگ کند،

و به آن روباه بگویید: (امروز و فردا من دیوها را بیرون می‌رانم و بیماران را شفا می‌دهم و روز سوم کار خود را به پایان خواهم رساند). ۳۳ اما باید امروز، فردا و پس‌فردا به سفر خود ادامه دهیم؛ زیرا امکان ندارد* که نبی‌ای بیرون از اورشلیم کشته شود. ۳۴ ای اورشلیم، ای اورشلیم، قاتل انبیا و سنگسارکنندهٔ آنانی که نزد تو فرستاده شدند! چند بار خواستم همچون مرغی که جوجه‌هایش را زیر بال‌هایش جمع می‌کند، فرزندان تو را جمع کنم! اما شما مردمان نخواستید! ۳۵ حال، خانه* شما به شما واگذاشته شده است. پس به شما می‌گویم، از این پس دیگر مرا نخواهید دید تا زمانی که بگویید: (مبارک باد آن که به نام یَهُوه* می‌آید!)»

۱۴ در یکی از روزهای سَبَّت،* عیسی برای صرف غذا به خانه یکی از رهبران فریسیان رفت. حاضران به‌دقت عیسی را زیر نظر داشتند. ۲ در برابر او مردی بود که بدنش آب آورده بود. ۳ پس عیسی از فقیهان و فریسیان پرسید:

۱۳: ۳۳ * یا: «غیرقابل تصور است». ۲۵: ۱۳ * منظور معبد است. ۱۳: ۳۵؛ ۱۴: ۱ * رجوع به واژه‌نامه.

مهیاست. ۱۸ اما همگی آنان بدون استثنا بهانه آوردند. اولی به او گفت: «من مزرعه‌ای خریدم و باید بروم آن را ببینم. خواهش می‌کنم که عذر مرا بپذیر.» ۱۹ دیگری گفت: «من پنج جفت گاو خریدم و حال می‌روم تا آن‌ها را امتحان کنم. خواهش می‌کنم که عذر مرا بپذیر.» ۲۰ یکی دیگر نیز گفت: «من تازه زن گرفتم، به همین دلیل نمی‌توانم بیایم.» ۲۱ پس غلام بازگشت و این امور را به اطلاع اربابش رساند. آنگاه ارباب خانه خشمگین شد و به غلام خود گفت: «بشتاب به خیابان‌های اصلی و کوچه‌های شهر برو و افراد فقیر، معلول، نابینا و لنگ را به اینجا بیاور.» ۲۲ اندکی بعد غلام گفت: «ارباب فرمانت به اجرا درآمد. اما هنوز هم جا هست.» ۲۳ پس ارباب به غلام گفت: «به کوچه‌ها و راه‌های بیرون شهر برو و هر که را می‌بینی به‌اصرار به اینجا بیاور تا خانه من پر شود.» ۲۴ زیرا من به شما می‌گویم، هیچ یک از آنانی که دعوت شده بودند، شام مرا نخواهد چشید.»

۲۵ یک بار که عیسی با جمعیتی کثیر سفر می‌کرد، رو به آنان کرد و گفت: ۲۶ «اگر کسی نزد من آید و از پدر، مادر، زن، فرزندان، برادران و خواهران، آری

سرافکننده خواهد شد و آن که خود را فروتن سازد، سرافراز خواهد گشت.»

۱۲ سپس عیسی رو به میزبان خود کرد و گفت: «وقتی مهمانی ناهار یا شامی ترتیب می‌دهی، دوستان، برادران، خویشان یا همسایگان ثروتمند خود را دعوت مکن. شاید آنان نیز روزی متقابلاً تو را دعوت کنند و به این ترتیب عوض خود را بگیری.» ۱۳ پس وقتی ضیافتی ترتیب می‌دهی، مردم فقیر، معلول، لنگ و نابینا را دعوت کن. ۱۴ آنگاه شادمان خواهی بود، چون آنان هیچ چیز ندارند که در عوض به تو بدهند و هنگام رستخیز درستکاران،* تو عوض خود را خواهی گرفت.»

۱۵ با شنیدن این سخنان، یکی از مهمانان به عیسی گفت: «خوشا به حال کسی که در پادشاهی خدا بر سر سفره بنشیند.»*

۱۶ عیسی به او گفت: «شخصی برای شام، ضیافت مفصلی ترتیب داد و بسیاری را دعوت کرد. ۱۷ در وقت شام، غلامش را بیرون فرستاد تا به دعوت‌شدگان بگوید: «بیایید؛ زیرا اکنون همه چیز آماده است.» ۱۴: ۱۴ * یا: «عادلان». ۱۵: ۱۴ * تحت اللفظی: «در پادشاهی خدا نان بخورد».

۲۴ «نمک یقیناً خوب است؛ اما اگر نمک خاصیتش را از دست دهد، چگونه می‌توان آن را نمکین کرد؟ ۲۵ دیگر نه برای خاک خوب است و نه برای کود. مردم آن را دور می‌ریزند. هرکه گوش شنوا دارد، بشنود.»

۱۵ خراجگیران و گناهکاران، همگی نزد عیسی می‌آمدند تا به سخنانش گوش دهند. ۲ از این رو، هم فریسیان و هم علمای دین از او ایراد می‌گرفتند و زیر لب می‌گفتند: «این مرد پذیرای گناهکاران است و با آنان همسفره می‌شود.» ۳ پس عیسی این مَثَل را برای آنان آورد و گفت: ۴ «کدام یک از شماست که ۱۰۰ گوسفند داشته باشد و وقتی یکی از آن‌ها گم شود، آن ۹۹ گوسفند را در بیابان رها نکند و به دنبال آن گمشده نرود تا زمانی که آن را بیابد؟ ۵ و وقتی آن گمشده را یافت، آن را روی دوش خود می‌گذارد و شادی می‌کند. ۶ سپس هنگامی که به خانه می‌رسد، دوستان و همسایگان خود را دور هم جمع می‌کند و به آنان می‌گوید: «با من شادی کنید؛ زیرا گوسفند گمشده‌ام را یافتم.» ۷ من به شما می‌گویم، به همین طریق برای یک گناهکار که توبه می‌کند،

حتی از جان خود نفرت نکند،* نمی‌تواند شاگرد من باشد. ۲۷ هرکه تیر شکنجه* خود را بر دوش نکشد و از پی من نیاید، نمی‌تواند شاگرد من باشد. ۲۸ برای مثال، کدام یک از شماست که بخواهد برجی بسازد، اما اول ننشیند تا مخارج آن را برآورد کند و ببیند که آیا توان به پایان رساندن آن را دارد، یا نه؟ ۲۹ در غیر این صورت، او شاید زیربنای آن برج را بگذارد، اما نتواند آن را تمام کند و هرکه او را ببیند، مسخره‌اش کند ۳۰ و بگوید: «این شخص ساختن بنایی را آغاز کرد، اما نتوانست آن را تمام کند.» ۳۱ یا کدام پادشاه است که به جنگ با پادشاهی دیگر برود، بدون این که اول بنشیند و مشورت کند که آیا می‌تواند با ۱۰,۰۰۰ سرباز به مقابله با کسی برود که با ۲۰,۰۰۰ سرباز به جنگ او می‌آید؟ ۳۲ اگر نتواند با او مقابله کند، هنگامی که دشمن هنوز دور است، هیئتی از سفیران را می‌فرستد و خواستار صلح می‌شود. ۳۳ پس یقین بدانید که هیچ یک از شما نمی‌تواند شاگرد من شود، مگر این که از همه دارایی خود دست بشوید.

۲۶:۱۴* در اینجا منظور از «نفرت کردن» کمتر دوست داشتن است. ۲۷:۱۴* رجوع به واژه‌نامه.

و اوسخت محتاج شد. ۱۵ او حتی رفت و خدمتگزار یکی از اهالی آن سرزمین شد و آن شخص نیز وی را فرستاد تا در مزرعه‌اش خوکبانی کند. ۱۶ پسر آرزو داشت شکم خود را با خوراک* خوک‌ها سیر کند، اما هیچ کس چیزی به او نمی‌داد.

۱۷ «سرانجام به خود آمد و با خود گفت: «بسیاری از کارگران پدرم به فراوانی نان دارند، در حالی که من در اینجا از گرسنگی تلف می‌شوم! ۱۸ برمی‌خیزم و نزد پدرم باز می‌گردم و به او می‌گویم: «پدر، من به خدا* و به تو گناه کرده‌ام. ۱۹ دیگر لایق نیستم که پسر تو خوانده شوم. با من مثل یکی از کارگران رفتار کن.» ۲۰ پس برخاست و به سوی خانه پدرش به راه افتاد. هنوز دور بود که چشم پدر به او افتاد و دلش به حال او سوخت. پس به سویش دوید، در آغوشش کشید و به گرمی وی را بوسید. ۲۱ پسر به او گفت: «پدر، من به خدا و به تو گناه کرده‌ام. دیگر لایق نیستم که پسر تو خوانده شوم.» ۲۲ اما پدر به غلامان خود گفت: «عجله کنید!

در آسمان شادی بیشتری خواهد بود تا برای ۹۹ درستکار* که به توبه نیاز ندارند. ۸ «یا کدام زن است که ده سکه یک درهمی* داشته باشد و یکی از آن‌ها را گم کند، آیا چراغی نمی‌افروزد و خانه‌اش را جارو نمی‌زند؟ آیا تا زمانی که آن را نیابد از جستجوی دقیق بازمی‌ایستد؟ ۹ و وقتی آن را یافت، دوستان و همسایگان خود را جمع می‌کند و می‌گوید: «با من شادی کنید؛ زیرا سکه‌ای را که گم کرده بودم، یافتم.» ۱۰ من به شما می‌گویم، به همین طریق برای یک گناهکار که توبه می‌کند، شادی در میان فرشتگان خدا خواهد بود.»

۱۱ سپس عیسی گفت: «مردی دو پسر داشت. ۱۲ پسر کوچک‌تر به پدر خود گفت: «پدر، سهم مرا از دارایی خود به من بده.» پدر نیز دارایی خود را بین آنان تقسیم کرد. ۱۳ چندی نگذشت که پسر کوچک‌تر آنچه را که داشت، جمع کرد و به سرزمینی دوردست سفر نمود و در آنجا دارایی خود را با عیاشی* به باد داد. ۱۴ وقتی هر چه داشت خرج کرد، قحطی شدیدی در سراسر آن سرزمین پدید آمد

۷:۱۵ یا: «عادل». ۸:۱۵ * یک درهم معادل سه چهارم دستمزد روزانه یک کارگر بود. ۱۳:۱۵ * یا: «اسرافکاری: بی‌ملاحظگی».

۱۶:۱۵ * تحت اللفظی: «خرنوب». ۱۸:۱۵ * تحت اللفظی: «آسمان».

است.* آمد، برایش گوسالهٔ فربه را سر بریدی. ۳۱ پدر به او گفت: (پسرم، تو همیشه با من بوده‌ای و هرچه دارم، مال توست. ۳۲ اما ما می‌بایست شادی می‌کردیم و جشن می‌گرفتیم؛ زیرا برادرت مرده بود و زنده شد، گم شده بود و پیدا شد.)»

۱۶ آنگاه عیسی به شاگردان گفت: «مردی ثروتمند، مباشری* داشت. او متهم شده بود که اموال ارباب را حیف و میل می‌کند. ۲ پس مباشر را فراخواند و به او گفت: «این‌ها چیست که در مورد تو می‌شنوم؟ گزارش حساب کارهایت را بده؛ زیرا که دیگر نمی‌توانی خانه را اداره کنی.» ۳ آنگاه مباشر با خود گفت: «حال که ارباب می‌خواهد کار مباشری را از من بگیرد، چه کنم؟ نه توان زمین‌کندن را دارم و نه روی‌گدایی. ۴ فهمیدم چه کنم! باید کاری کنم که وقتی از کار مباشری برکنار شدم، مردم مرا در خانه‌هایشان بپذیرند.» ۵ پس هر یک از بدهکاران اربابش را فراخواند و به اولی گفت:

۱۵: ۳۰ * تحت‌اللفظی: «بلعیده است». ۱۶: ۱۰ * منظور خدمتگزاری است که سرپرستی امور خانهٔ ارباب خود را بر عهده دارد.

ردایی از خانه بیاورید، بهترین ردا را بیاورید و به او بپوشانید. انگشتی به دستش و کفشی نیز به پایش کنید. ۲۳ همچنین گوسالهٔ فربه را بیاورید و سر ببرید تا بخوریم و جشن بگیریم؛ ۲۴ زیرا این پسر من مرده بود، و زنده شد، گم شده بود و پیدا شد.» پس آنان به جشن و سرور پرداختند.

۲۵ «در آن هنگام، پسر بزرگ‌تر در مزرعه بود. وقتی به خانه نزدیک شد، صدای موسیقی و رقص را شنید. ۲۶ پس یکی از خدمتکاران را صدا کرد و از او پرسید: (چه خبر است؟) ۲۷ خدمتکار گفت: «برادرت آمده است و پدرت گوسالهٔ فربه را سر بریده، چون او را به سلامت باز یافته است.» ۲۸ اما پسر بزرگ‌تر خشمگین شد و نخواست وارد خانه شود. پدرش بیرون آمد و از او تمنا کرد که به خانه بیاید. ۲۹ او به پدرش پاسخ داد: «من سالیان سال است که همچون یک غلام به تو خدمت کرده‌ام و حتی یک بار هم از دستورت سرپیچی نکرده‌ام. با این حال، تو به من حتی یک بزغاله هم ندادی تا با دوستانم خوش بگذرانم. ۳۰ اما وقتی این پسر تو را با فاحشه‌ها به باد داده

«چقدر به اربابم بدهکاری؟» ۶ او گفت: «صد خمره* روغن زیتون.» به او گفت: «این صورت حساب خود را بگیر و بنشین و سریع به جای آن بنویس ۵۰ خمره!» ۷ سپس به دیگری گفت: «تو چقدر بدهکاری؟» پاسخ داد: «صد کیسه بزرگ* گندم.» به او گفت: «این صورت حساب خود را بگیر و به جای آن بنویس، ۸۰، ۸ با وجود بی‌انصافی مباشر، ارباب او را تحسین کرد؛ زیرا زیرکانه* عمل کرده بود. در واقع، فرزندان این نظام حاضر* با مردم نسل خود زیرکانه‌تر از فرزندان نور عمل می‌کنند.

۹ «همچنین به شما می‌گویم، با مال این دنیا،* برای خود دوست بیابید تا وقتی دیگر مالی نداشته باشید، آن دوستان، شما را در مسکن‌های جاودانی بپذیرند. ۱۰ آن که در کوچک‌ترین امور امین باشد، در امور بزرگ نیز امین است و آن که در کوچک‌ترین امور امین نباشد، در امور بزرگ نیز امین نیست. ۱۱ از این رو، اگر

۱۶: ۶ * «خمره» به یونانی باتوس؛ هر باتوس معادل ۲۲ لیتر بود. ۱۶: ۷ * «کیسه بزرگ» به یونانی کوروس؛ هر کوروس، حدود ۱۷۰ کیلوگندم بود. ۱۶: ۸ * یا: «خردمندانه؛ با دوراندیشی». * یا: «این عصر»؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر». ۱۶: ۹ * تحت‌اللفظی: «مال بی‌انصافی».

در مال این دنیا امین نبوده‌اید، چه کسی مال حقیقی را به شما خواهد سپرد؟ ۱۲ همچنین اگر در مال شخصی دیگر امین نبوده‌اید، چه کسی به شما چیزی خواهد داد؟ ۱۳ هیچ غلامی نمی‌تواند به دو ارباب خدمت کند؛ زیرا یا از یکی نفرت و دیگری را دوست خواهد داشت یا به یکی وفادار و از دیگری بیزار خواهد بود. شما نمی‌توانید هم غلام خدا و هم غلام ثروت* باشید.»

۱۴ فریسیان پول‌دوست، همه این‌ها را شنیدند و عیسی را به ریشخند گرفتند. ۱۵ عیسی نیز به آنان گفت: «شما کسانی هستید که خود را در برابر مردم درستکار* جلوه می‌دهید؛ اما خدا از دلتان آگاه است. بدانید که آنچه در نظر مردم والاست، در نظر خدا نفرت‌انگیز است. ۱۶ «شریعت و نوشته‌های انبیا تا زمان یحیی اعلام می‌شد. اما از آن پس، پادشاهی خداست که بشارت داده می‌شود و همه‌گونه افراد برای راه یافتن به آن مصرّانه تلاش می‌کنند. ۱۷ آری، آسان‌تر است که آسمان و زمین نابود شود تا این‌که نقطه‌ای از یک حرف شریعت به تحقق نرسد.

۱۶: ۱۳ * یا: «پول». ۱۵: ۱۶ * یا: «عادل».

و زبان مرا خنک سازد؛ زیرا در این آتش سوزان رنج می‌کشم». ۲۵ اما ابراهیم گفت: «ای فرزند، به یاد آور که در دوران زندگی خود از همه چیزهای خوب سیر بودی، اما به همان میزان، چیزهای بد به ایلعازر رسید. حال، او اینجا در آسایش است و تو در رنج. ۲۶ گذشته از این‌ها، شکافی عظیم میان ما و شما قرار داده شده است تا کسانی که می‌خواهند از اینجا نزد شما بیایند، نتوانند و همچنین کسانی که آنجا هستند، نتوانند نزد ما بیایند». ۲۷ پس آن مرد گفت: «در این صورت، ای پدر از تو می‌خواهم که ایلعازر را به خانه پدرم بفرستی؛ ۲۸ زیرا من پنج برادر دارم، او را بفرست تا به آنان شهادتی کامل دهد، مبادا برادرانم نیز به این مکان عذاب‌آور بیایند». ۲۹ اما ابراهیم گفت: «آنان موسی و انبیا را دارند، به سخنان ایشان گوش دهند». ۳۰ او گفت: «خیر ای پدرم ابراهیم، اما اگر کسی از میان مردگان نزد آنان برود، توبه خواهند کرد». ۳۱ آنگاه ابراهیم به او گفت: «اگر به سخنان موسی و انبیا گوش ندهند، حتی اگر کسی از میان مردگان هم برخیزد، متقاعد نخواهند شد.»

۱۸ «هر که زن خود را طلاق دهد و زنی دیگر بگیرد، زنا کرده است و هر که با زنی ازدواج کند که شوهرش او را طلاق داده است، مرتکب زنا می‌شود.

۱۹ «مردی ثروتمند بود که لباس‌های ارغوانی و کتان به تن می‌کرد. او زندگی‌ای پرتجمل داشت و هر روز را به لذت‌جویی می‌گذراند. ۲۰ مردم گدایی به نام ایلعازر را که سرپایش پوشیده از زخم بود، می‌آوردند و کنار در خانه او می‌گذاشتند. ۲۱ آن گدا آرزو داشت که از خرده‌های سفره مرد ثروتمند، شکم خود را سیر کند. حتی سگ‌ها می‌آمدند و زخم‌های او را می‌لیسیدند. ۲۲ سرانجام، آن گدا مُرد و فرشتگان او را نزد* ابراهیم بردند.

«مرد ثروتمند نیز مُرد و او را دفن کردند. ۲۳ در گور آدمیان* در حالی که در عذاب بود، نظر به بالا انداخت و ابراهیم را از دور دید و ایلعازر را که نزد* او بود. ۲۴ پس با صدای بلند گفت: «ای پدرم ابراهیم، بر من رحم کن و ایلعازر را بفرست تا سر انگشت خود را در آب کند

۲۲:۱۶ * تحت اللفظی: «به آغوش». ۲۳:۱۶ * یا: «هادیس»: مجازاً به مکانی اشاره دارد که کلیه انسان‌ها در آن به خاک سپرده می‌شوند: رجوع به واژه‌نامه. * تحت اللفظی: «در آغوش».

عیسی به شاگردانش گفت: «از آنچه انسان‌ها را لغزش می‌دهد، گریزی نیست. اما وای بر کسی که باعث آن لغزش‌ها شود! ۲ برای او بهتر می‌بود که سنگ آسیابی به گردنش آویخته و به دریا افکنده می‌شد تا این که یکی از این کوچکان را لغزش دهد. ۳ مراقب خود باشید. اگر برادرت مرتکب گناهی شود، او را سرزنش کن و اگر توبه کند، او را ببخش. ۴ حتی اگر هفت بار در روز به تو گناه کند و هفت بار نزد تو بازگردد و بگوید: «توبه می‌کنم»، باید او را ببخشی.»

۵ آنگاه رسولان به سرور گفتند: «به ایمان ما بیفرا، ۶ پس سرور گفت: «اگر ایمانی به اندازه یک دانه خردل می‌داشتید، به این درخت توت سیاه می‌گفتید: «ریشه‌کن شو و در دریا کاشته شو! و درخت از شما اطاعت می‌کرد.

۷ «کدام یک از شماست که غلامی برای کار شخم‌زنی و شبانی داشته باشد و وقتی آن غلام از مزرعه بازگردد، به او بگوید: «فوراً بیا و بر سر سفره بنشین؟» ۸ بلکه به او خواهد گفت: «شام مرا آماده کن و تا مدتی که مشغول خوردن و نوشیدن هستم، کمر به خدمتم ببند؛ بعد از آن می‌توانی بخوری و بنوشی.» ۹ آیا

او باید از غلام خود سپاسگزار باشد، چون وظیفه‌اش را انجام داده است؟ ۱۰ شما نیز وقتی همه وظایف خود را انجام دادید، بگویید: «ما غلامانی لایق تحسین نیستیم.» * آنچه انجام داده‌ایم، باید انجام می‌دادیم.»

۱۱ عیسی از منطقه میان سامره و جلیل به سوی اورشلیم می‌رفت. ۱۲ هنگامی که می‌خواست به یک آبادی وارد شود، ده جذامی با او روبرو شدند، اما دور ایستادند ۱۳ و با صدای بلند گفتند: «عیسی، ای استاد، بر ما رحم کن!» ۱۴ وقتی عیسی آنان را دید، به ایشان گفت: «بروید و خود را به کاهنان نشان دهید.» پس آن جذامیان به راه افتادند و در راه از جذامشان پاک شدند. ۱۵ یکی از آنان، وقتی دید که شفا یافته است، بازگشت و در راه خدا را با صدای بلند تمجید می‌کرد. ۱۶ او در برابر پاهای عیسی روی بر زمین نهاد و از او سپاسگزاری کرد. آن مرد سامری بود. ۱۷ عیسی گفت: «مگر ده نفر پاک نشدند؟ پس آن نه نفر دیگر کجا هستند؟» ۱۸ آیا جز این مرد که از قومی دیگر است، هیچ یک بازنگشت تا خدا را تمجید

۱۷: ۱۰-۱۱ * یا: «بی‌فایده هستیم؛ بی‌ارزش هستیم».

مردم مشغول خوردن، نوشیدن، خرید و فروش، کشت و کار و خانه‌سازی بودند. ۲۹ اما روزی که لوط از سدوم بیرون رفت، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را نابود کرد. ۳۰ روز ظاهر شدن پسر انسان به این گونه خواهد بود.

۳۱ «در آن روز کسی که بر بام است و اموالش در خانه، برای برداشتن آن‌ها پایین نیاید و همچنین کسی که در مزرعه است، نباید به آنچه پشت سر گذاشته، بازگردد. ۳۲ زن لوط را به خاطر آورید. ۳۳ هر که سعی کند جان خود را حفظ کند، آن را از دست خواهد داد، اما هر که جان خود را از دست بدهد، آن را حفظ خواهد کرد. ۳۴ به شما می‌گویم، در آن شب از دو نفر که در یک بسترند، یکی گرفته و دیگری به حال خود واگذاشته خواهد شد. ۳۵ از دو زن که با یک آسیاب کار می‌کنند، یکی گرفته و دیگری به حال خود واگذاشته خواهد شد.» ۳۶ * — ۳۷ پس گفتند: «ای سرور، یعنی کجا؟» عیسی به آنان گفت: «هر جا که لاشه‌ای باشد، عقاب‌ها گرد آن جمع خواهند شد.»

۱۷: ۳۶ * چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود.

کند؟» ۱۹ پس به او گفت: «برخیز و برو؛ ایمانت تو را شفا داده است.»

۲۰ فریسیان از او پرسیدند: «پادشاهی خدا چه وقت خواهد آمد؟» او چنین پاسخ داد: «پادشاهی خدا به نحوی نمی‌آید که برای همگان قابل رؤیت باشد. ۲۱ همچنین مردم نخواهند گفت: «اینجاست!» یا «آنجاست!» زیرا در واقع پادشاهی خدا در میان شماست.»

۲۲ عیسی به شاگردان گفت: «ایامی خواهد آمد که آرزو خواهید کرد، یکی از روزهای پسر انسان را ببینید، اما نخواهید دید. ۲۳ مردم به شما خواهند گفت: «آنجا را ببین!» یا «اینجا را ببین!» بیرون مروید یا آنان را دنبال نکنید. ۲۴ درست مثل صاعقه‌ای که از یک بخش آسمان تا بخش دیگر آن را روشن می‌کند، پسر انسان نیز در روز خود چنین خواهد بود. ۲۵ اما او نخست باید رنج بسیار کشد و مردم این نسل او را رد کنند. ۲۶ به علاوه، روزهای پسر انسان همچون روزگار نوح خواهد بود. ۲۷ در آن زمان، مردم می‌خوردند، می‌نوشیدند، زن می‌گرفتند و شوهر می‌کردند تا روزی که نوح وارد کشتی شد و توفان آمد و همه را نابود کرد. ۲۸ روزگار لوط نیز چنین بود؛

عیسی برای شاگردان مثلی آورد تا نشان دهد که لازم است همیشه دعا کنند و هرگز از تلاش دست نکشند. ۲ او گفت: «در شهری قاضی ای بود که نه از خدا ترسی داشت و نه مردم برایش اهمیتی داشتند. ۳ در آن شهر بیوه‌زی نیز بود که پیوسته نزد آن قاضی می‌رفت و می‌گفت: «به داد من برس و بین من و مدعی‌ام منصفانه قضاوت کن». ۴ قاضی تا مدتی نمی‌خواست به کار او رسیدگی کند، اما سرانجام به خود گفت: «هرچند که من نه از خدا می‌ترسم و نه مردم برایم اهمیتی دارند، ۵ اما چون این بیوه‌زن پیوسته مزاحم من می‌شود، کاری می‌کنم که به حق خود برسد، مبادا مدام بیاید و جانم را به تنگ آورد.» ۶ آنگاه سرور گفت: «بشنوید که این قاضی، با این که عادل نبود، چه گفت! ۷ پس آیا خدا به داد برگزیدگان خود که شب و روز نزد او فریاد برمی‌آورند، نخواهد رسید؟ آیا با آنان بردبار نیز نخواهد بود؟ ۸ به شما می‌گویم که او سریعاً به داد ایشان خواهد رسید. اما هنگامی که پسرانسان بیاید، آیا واقعاً چنین ایمانی* بر روی زمین خواهد یافت؟»

۱۸:۸ * «چنین ایمانی» تحت‌اللفظی: «ایمان».

۹ عیسی همچنین برای کسانی که به درستکاری* خود اطمینان داشتند و دیگران را هیچ می‌شمردند، این مثل را آورد: ۱۰ «دومرد برای دعا کردن به معبد رفتند؛ یکی فریسی و دیگری خراجگیر. ۱۱ فریسی ایستاد و با خود چنین دعا کرد: «ای خدا، تو را شکر می‌کنم که مثل مردم دیگر، اخاذ، بدکار و زناکار نیستم، خصوصاً مانند این خراجگیر. ۱۲ دو بار در هفته روزه می‌گیرم و یک‌دهم از هرچه به دست می‌آورم، می‌دهم». ۱۳ اما خراجگیر دور ایستاد و حتی نخواست چشمان خود را به سوی آسمان بلند کند. او بر سینه می‌زد و می‌گفت: «ای خدا، به من گناهکار رحم کن». ۱۴ به شما می‌گویم، این مرد وقتی از آنجا به خانه رفت، درست‌کارتر* از آن فریسی شمرده شد؛ زیرا هر که خود را برافرازد، خوار خواهد شد و هر که خود را فروتن سازد، سرافراز خواهد گشت.»

۱۵ مردم حتی نوزادان خود را نزد عیسی می‌آوردند تا دست بر آنان بگذارد. شاگردان وقتی این را دیدند، مردم را سرزنش کردند. ۱۶ اما عیسی خواست تا نوزادان را نزد او بیاورند و گفت: «بگذارید

۱۸:۹ * «عدالت». ۱۴:۱۸ * یا: «عادل‌تر».

کودکان پیش من بیایند و مانعشان نشوید: زیرا پادشاهی خدا از آن چنین کسانی است. ۱۷ به راستی به شما می‌گویم، هر که پادشاهی خدا را همچون کودکی نپذیرد، به هیچ وجه به آن راه نخواهد یافت.»

۱۸ یکی از سران یهود از عیسی چنین سؤال کرد: «ای استاد نیکو، چه باید بکنم تا وارث زندگی جاودان شوم؟» ۱۹ عیسی در جواب گفت: «چرا مرا نیکو می‌خوانی؟ هیچ کس نیکو نیست، مگر یکی، آن هم خدا. ۲۰ تو احکام را می‌دانی: «زنا مکن، قتل مکن، دزدی مکن، شهادت دروغ مده و به پدر و مادر خود حرمت گذار.» ۲۱ آن مرد به او گفت: «من همه این‌ها را از کودکی حفظ کرده‌ام.» ۲۲ عیسی پس از شنیدن این سخنان به او گفت: «تو هنوز یک چیز کم داری. هر چه داری بفروش و مبلغ آن را میان فقیران تقسیم کن، آنگاه در آسمان‌ها گنج خواهی داشت. سپس، بیا و از من پیروی کن.» ۲۳ وقتی آن مرد این سخن را شنید، عمیقاً غمگین شد، چون بسیار ثروتمند بود.

۲۴ عیسی به او نگاه کرد و گفت: «برای ثروتمندان چه دشوار است که به پادشاهی خدا راه یابند! ۲۵ گذشتن

شتر از سوراخ سوزن،* آسان‌تر است از راه یافتن شخص ثروتمند به پادشاهی خدا!» ۲۶ کسانی که این را شنیدند، پرسیدند: «پس چه کسی می‌تواند نجات یابد؟» ۲۷ او گفت: «آنچه برای انسان غیرممکن است، برای خدا ممکن است.» ۲۸ پطرس به او گفت: «ما همه چیز خود را رها کرده‌ایم و از تو پیروی می‌کنیم.» ۲۹ عیسی به آنان گفت: «به راستی به شما می‌گویم، کسی نیست که به خاطر پادشاهی خدا، خانه، زن، برادران، والدین یا فرزندان را ترک کرده باشد ۳۰ و چند برابر بیشتر در این زمان به دست نیاورد، همچنین زندگی جاودان را در نظامی* که در آینده خواهد آمد، کسب نکند.»

۳۱ عیسی آن دوازده نفر را به کناری برد و به آنان گفت: «اکنون به اورشلیم می‌رویم و تمام آنچه انبیا در مورد پسر انسان نوشته‌اند، به تحقق* خواهد رسید. ۳۲ برای مثال، او را به دست غیریهودیان خواهند سپرد، تمسخر خواهند کرد، آزار و دشنام خواهند داد و به او آب دهان خواهند انداخت. ۳۳ سپس او را شلاق خواهند زد و خواهند کشت. اما در روز

۲۵:۱۸ * منظور سوزن خیاطی است. ۳۰:۱۸ * یا: «عصری»: رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر». ۳۱:۱۸ * یا: «به انجام».

۱۹

عیسی به آریحا وارد شد و از میان شهر، به راه خود ادامه داد. ۲ در آنجا مردی به نام زکا، رئیس خراجگیران بود که ثروت بسیار داشت. ۳ او مشتاق بود ببیند که عیسی کیست، اما به دلیل ازدحام جمعیت و کوتاهی قدش، نمی‌توانست او را ببیند. ۴ پس زکا در راهی که عیسی از آن عبور می‌کرد، جلوتر دوید و از یک درخت چنار* بالا رفت تا او را ببیند. ۵ وقتی عیسی به آنجا رسید، بالا را نگاه کرد و به او گفت: «زکا عجله کن و پایین بیا، چون امروز باید در خانه تو بمانم.» ۶ زکا با عجله پایین آمد و با خوشحالی عیسی را به عنوان مهمان پذیرفت. ۷ وقتی مردم این را دیدند، همگی شروع به ایراد گرفتن کردند و زیر لب می‌گفتند: «او به خانه مردی گناهکار به مهمانی رفته است.» ۸ زکا برخاست و به سرور گفت: «ای سرور، نیمی از دارایی خود را به فقرا می‌دهم و هر آنچه از کسی اخاذی کرده‌ام،* چهار برابر برمی‌گردانم.» ۹ عیسی گفت: «امروز نجات به این خانه آمده است، چون او نیز پسر ابراهیم است؛ ۱۰ زیرا

۴:۱۹ * یا: «انجیر وحشی». ۸:۱۹ * یا: «هر آنچه به ناحق از کسی گرفته‌ام».

سوم برخواهد خاست.» ۳۴ رسولان مفهوم هیچ یک از این‌ها را نفهمیدند؛ زیرا مفهوم این کلام از آنان پنهان مانده بود و درک نکردند که چه می‌گوید.

۳۵ هنگامی که عیسی به آریحا نزدیک می‌شد، مردی نابینا در کنار راه نشسته بود و گدایی می‌کرد. ۳۶ وقتی صدای جمعیت را شنید که از آنجا می‌گذشتند، پرسید: «چه شده است؟» ۳۷ به او گفتند: «عیسای ناصری می‌گذرد!» ۳۸ وقتی این را شنید، فریاد زد: «ای عیسی، ای پسر داوود، بر من رحم کن!» ۳۹ کسانی که پیشاپیش می‌رفتند سرزنش‌کنان به او گفتند که ساکت شود، اما او بلندتر و بلندتر فریاد می‌زد: «ای پسر داوود، بر من رحم کن!» ۴۰ پس عیسی ایستاد و فرمان داد که آن مرد را نزد او بیاورند. وقتی مرد نزدیک شد، عیسی از او پرسید: ۴۱ «چه می‌خواهی برایت انجام دهم؟» پاسخ داد: «ای سرور، بگذار دوباره بینا شوم.» ۴۲ عیسی گفت: «بینا شو؛ ایمانت تو را شفا داده است.» ۴۳ مرد فوراً بینایی خود را بازیافت و در حالی که خدا را تمجید می‌کرد، به دنبال عیسی به راه افتاد. مردم نیز با دیدن این واقعه خدا را حمد و سپاس گفتند.

به غلام خود گفت: «آفرین، ای غلام خوب! چون در امری کوچک امین بودی، پس برده شهر حکمرانی کن.» ۱۸ دومی آمد و گفت: «ای سرور، منای تو، پنج مِنا سود آورد.» ۱۹ به او نیز گفت: «تو هم بر پنج شهر حکمرانی کن.» ۲۰ اما دیگری آمد و گفت: «ای سرور، این هم منای تو. من آن را در پارچه‌ای پیچیده، پنهان کردم. ۲۱ من از تو می‌ترسیدم، چون تو مردی سختگیر هستی؛ پولی را که نسپرده‌ای، می‌ستانی و آنچه نکاشته‌ای، درو می‌کنی.» ۲۲ او به آن غلام گفت: «ای غلام شریر، با سخنی که از دهان خودت بیرون آمد، تو را داوری می‌کنم. اگر می‌دانستی پولی را که نسپرده‌ام، می‌ستانم و آنچه نکاشته‌ام، درو می‌کنم، ۲۳ پس چرا پول* مرا نزد صرّافان نگذاشتی تا آن را هنگام بازگشتم با بهره دریافت کنم؟»

۲۴ «آنگاه به کسانی که آنجا ایستاده بودند، گفت: «آن مِنا را از او بگیرید و به آن که ده مِنا دارد، بدهید.» ۲۵ اما آنان به او گفتند: «ای سرور، او که ده مِنا دارد!» ۲۶ در جواب گفت: «به شما می‌گویم، به هر که دارد، بیشتر داده می‌شود، اما آن که

۲۴:۱۹ * تحت اللفظی: «نقره».

پسر انسان آمده است تا گمشدگان را بیابد و نجات دهد.»

۱۱ در حالی که شاگردان به این سخنان گوش می‌دادند، عیسی مثلی دیگر آورد: زیرا او نزدیک اورشلیم بود و شاگردان تصوّر می‌کردند که پادشاهی خدا، همان دم در آنجا ظاهر خواهد شد. ۱۲ پس عیسی چنین گفت: «نجیب‌زاده‌ای به سرزمینی دور رفت تا در آنجا به مقام پادشاهی منصوب شود و بازگردد. ۱۳ او ده تن از غلامان خود را فراخواند و به هر یک از آنان یک مِنا* پول نقره داد و به آنان گفت: «تا بازگشت من با این پول تجارت کنید.» ۱۴ اما اهالی آن سرزمین از او نفرت داشتند و از پس او هیئتی از سفیران فرستادند تا بگویند: «ما نمی‌خواهیم این مرد پادشاه ما شود.»

۱۵ «وقتی سرانجام به مقام پادشاهی منصوب شد و بازگشت، غلامان خود را که پول* به آنان داده بود، فراخواند تا معلوم شود که چقدر در تجارت سود کرده‌اند. ۱۶ اولی حاضر شد و گفت: «سرور، منای تو، ده مِنا سود آورد.» ۱۷ او

۱۳:۱۹ * یک «منای» یونانی ۳۴۰ گرم و احتمالاً به ارزش ۱۰۰ درهم بود. ۱۵:۱۹ * تحت اللفظی: «نقره».

ندارد، حتی آنچه دارد هم از او گرفته خواهد شد. ۲۷ همچنین، آن دشمنانم را که نمی‌خواستند پادشاهشان شوم، به اینجا بیاورید و پیش روی من اعدام کنید.»

۲۸ عیسی پس از گفتن این سخنان، به سفر خود ادامه داد و به طرف اورشلیم به راه افتاد. ۲۹ وقتی به نزدیکی بیت‌فاجی و بیت‌عنیا واقع در دامنه کوه زیتون رسید، دو نفر از شاگردان خود را فرستاد ۳۰ و به ایشان گفت: «به روستایی که در مقابل شماست، بروید. پس از وارد شدن به آنجا، کره‌الاغی را بسته خواهید یافت که تا به حال هیچ کس بر آن سوار نشده است؛ آن را باز کنید و بیاورید. ۳۱ اما اگر کسی از شما بپرسد: (چرا کره‌الاغ را باز می‌کنید؟) باید بگویید: (سرور به آن نیاز دارد.)» ۳۲ پس آن دو فرستاده رفتند و آن را درست همان گونه که عیسی گفته بود، یافتند. ۳۳ اما هنگام باز کردن کره‌الاغ، صاحبان آن گفتند: «چرا کره‌الاغ را باز می‌کنید؟» ۳۴ آنان پاسخ دادند: «سرور به آن نیاز دارد.» ۳۵ پس کره‌الاغ را نزد عیسی آوردند. آنگاه شاگردان، ردهایشان را روی آن انداختند و عیسی را بر آن نشانند.

۳۶ همچنان که عیسی می‌رفت، مردم ردهایشان را بر سر راه پهن می‌کردند. ۳۷ وقتی به راهی که از کوه زیتون پایین می‌آمد نزدیک شد، شماری کثیر از شاگردان، بانگ شادی سر داده، با صدای بلند به خاطر معجزاتی* که دیده بودند، خدا را حمد می‌کردند ۳۸ و می‌گفتند: «مبارک باد آن پادشاهی که به نام یهوه* می‌آید! صلح در آسمان باد و جلال بر او که در عرش برین است!» ۳۹ اما شماری از فریسیان از میان جمعیت به عیسی گفتند: «ای استاد، شاگردانت را سرزنش کن.» ۴۰ اما عیسی در جواب به ایشان گفت: «به شما می‌گویم، اگر اینان ساکت می‌ماندند، سنگ‌ها فریاد می‌زدند.»

۴۱ وقتی عیسی به اورشلیم نزدیک شد، به شهر نظر افکند و برای آن گریست. ۴۲ او گفت: «کاش تو، آری تو، در این روز تشخیص می‌دادی چه چیزهایی برای تو صلح می‌آورد، اما اکنون آن‌ها از چشمان تو پنهان شده است. ۴۳ زیرا روزهایی خواهد آمد که دشمنان اطراف تو حصار با چوب‌های نوک‌تیز خواهند ساخت و تو را محاصره خواهند کرد و تو را خواهند کشت.» ۴۴ * تحت اللفظی: «اعمالی خارق‌العاده».

۴ تعمید یحیی از خدا* بود یا از انسان؟
 ۵ آنان با یکدیگر گفتگو کردند و به این نتیجه رسیدند: «اگر بگوییم، (از خدا بود، به ما خواهد گفت: (پس چرا به او ایمان نیلوردید؟) ۶ اما اگر بگوییم، (از انسان بود، همه مردم ما را سنگسار خواهند کرد؛ زیرا آنان یقین دارند که یحیی پیامبر بود.» ۷ پس پاسخ دادند که نمی‌دانند از کجا بود. ۸ عیسی هم به آنان گفت: «من هم به شما نمی‌گویم که به چه حقی این کارها را می‌کنم.»

۹ آنگاه این مثل را برای مردم آورد و گفت: «مردی در زمین خود درختان انگور کاشت. سپس آن تاکستان را به باغبانان اجاره داد و برای مدتی طولانی به سفری دور رفت. ۱۰ وقتی موسم برداشت فرارسید، غلامی را نزد باغبانان فرستاد تا مقداری از میوه‌های تاکستان را به او بدهند. اما باغبانان، آن غلام را زدند و دست خالی روانه‌اش کردند. ۱۱ پس باز غلامی دیگر فرستاد. آنان او را نیز زدند، تحقیرش کردند* و دست خالی روانه‌اش ساختند. ۱۲ برای بار سوم، غلامی فرستاد؛ او را نیز مجروح کردند و بیرون
 ۴:۲۰ * تحت اللفظی: «آسمان». ۱۱:۲۰ * یا: «به او بی‌احترامی کردند».

ساخت و تو را احاطه خواهند کرد و از هر سو در تنگنا قرار خواهند داد ۴۴ و تو و فرزندان را در درونت به خاک و خون خواهند کشید و در تو سنگی بر سنگی باقی نخواهند گذاشت؛ زیرا تشخیص ندادی که چه وقت داوری* شدی.»

۴۵ سپس عیسی وارد محوطه معبد شد و شروع به بیرون انداختن همه فروشندگان کرد. ۴۶ او به آنان می‌گفت: «نوشته شده است: (خانه من، خانه دعا خواهد بود)، اما شما آن را غار راهزنان کرده‌اید!»

۴۷ عیسی هر روز در معبد تعلیم می‌داد. سران کاهنان، علمای دین و بزرگان قوم در پی راهی بودند تا او را بکشند، ۴۸ اما هیچ راهی نیافتند؛ زیرا مردم برای شنیدن سخنان عیسی، او را رها نمی‌کردند.

۲۰ یکی از روزهایی که عیسی در معبد به مردم تعلیم و بشارت می‌داد، سران کاهنان و علمای دین به همراه ریش‌سفیدان نزدش آمدند ۲ و به او گفتند: «به ما بگو، به چه حقی این کارها را می‌کنی؟ چه کسی این حق را به تو داده است؟» ۳ عیسی پاسخ داد: «من نیز از شما سؤالی دارم. شما به من بگویید،

او را بگیرند، اما از مردم ترسیدند. ۲۰ پس به دقت عیسی را زیر نظر گرفتند. آنگاه مردانی را مخفیانه اجیر کردند تا نزد او رفته، تظاهر به درستکاری* کنند. آنان به این طریق می‌خواستند او را با سخنان خودش به دام بیندازند و از این راه او را به دست مقامات حکومتی و والی* تسلیم کنند. ۲۱ آن مردان از عیسی پرسیدند: «استاد، می‌دانیم که سخنان و تعالیم تو درست است و می‌دانیم که جانبداری نمی‌کنی، بلکه طریقی خدا را به درستی تعلیم می‌دهی. ۲۲ آیا برای ما دادن مالیات* به قیصر جایز* است یا نه؟» ۲۳ اما عیسی به نیرنگشان پی برد و به ایشان گفت: ۲۴ «به من سکه‌ای یک دیناری* نشان دهید. تصویر و عنوان چه کسی بر روی آن است؟» گفتند: «قیصر.» ۲۵ عیسی به ایشان گفت: «پس مال قیصر را به قیصر بدهید و مال خدا را به خدا.» ۲۶ آنان نتوانستند در حضور مردم، او را با سخنانش به دام بیندازند، اما از جواب او حیرت کردند و ساکت شدند.

۲۰:۲۰ * یا: «عدالت». * تحت اللفظی: «اقتدار والی». ۲۲:۲۰ * منظور از «مالیات» مالیات سرانه است. * یا: «درست». ۲۴:۲۰ * یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود؛ رجوع به واژه‌نامه.

انداختند. ۱۳ سرانجام، صاحب تاکستان گفت: «چه کنم؟ پسر محبوب خود را خواهم فرستاد. شاید حرمت او را حفظ کنند.» ۱۴ باغبانان با دیدن آن پسر، با یکدیگر چنین تبانی کردند: «این وارث است، بیایید او را بکشیم تا ارثیه از آن ما شود.» ۱۵ پس او را گرفتند، از تاکستان بیرون انداختند و کشتند. با این وصف، مالک تاکستان با آن باغبانان چه خواهد کرد؟ ۱۶ او خواهد آمد و آن باغبانان را هلاک خواهد ساخت و تاکستان را به دیگران خواهد داد.»

مردم با شنیدن این مثل گفتند: «چنین چیزی واقع نشود!» ۱۷ اما عیسی به آنان نگاه کرد و گفت: «پس منظور از این نوشته چیست که می‌گوید: «آن سنگی که بتایان رد کردند، همان سنگِ سرِ زاویه* شده است؟» ۱۸ هر که روی این سنگ بیفتد، در هم خواهد شکست. همچنین این سنگ بر روی هر که بیفتد، او را خرد خواهد کرد.»

۱۹ علمای دین و سران کاهنان چون متوجه شدند که این مثل را در مورد آنان می‌گوید، در پی راهی بودند که همان وقت ۱۷:۲۰ * این سنگ برای استحکام بنا، در بالای محل اتصال دو دیوار قرار داده می‌شد.

علاوه، چون رستاخیز می‌یابند،* فرزندان خدا خواهند بود. ۳۷ اما حتی موسی نیز در گزارش مربوط به بوتۀ خار، آنجا که یَهُوه* را (خدای ابراهیم، خدای اسحاق و خدای یعقوب، خواند، آشکار ساخت که مردگان برمی‌خیزند. ۳۸ او نه خدای مردگان، بلکه خدای زندگان است؛ زیرا در نظر او همهٔ آنان زنده‌اند. ۳۹ بعضی از علمای دین گفتند: «استاد، نیکو گفتی.» ۴۰ آنان دیگر جرأت نداشتند، سؤالی از او بکنند.

۴۱ آنگاه عیسی از ایشان پرسید: «چگونه است که می‌گویند، مسیح پسر داوود است؟ ۴۲ حال آن که داوود، خود در کتاب مزامیر می‌گوید: 'یَهُوه* به سرور من گفت: «به دست راست من بنشین ۴۳ تا زمانی که دشمنان را زیر پایت نهم.»» ۴۴ پس اگر داوود، مسیح را سرور می‌خواند، چگونه مسیح می‌تواند پسر داوود باشد؟»

۴۵ سپس در حالی که همهٔ مردم به این سخنان گوش می‌دادند، به شاگردان گفت: ۴۶ «از علمای دین برخیز و باشید که دوست دارند با جامه‌های بلند راه بروند، در بازارها مردم به آنان سلام کنند، ۳۶:۲۰ * یا: «چون فرزندان رستاخیزند.»

۲۷ سپس شماری از صَدُوقیان* که منکر رستاخیزند، نزد او آمدند و پرسیدند: ۲۸ «ای استاد، موسی برای ما نوشت: (اگر برادر مردی بمیرد و همسرش فرزندی نداشته باشد، آن مرد باید با زن برادرش ازدواج کند تا نسلی از او برای برادر خود به جا گذارد.) ۲۹ حال، هفت برادر بودند، اولی ازدواج کرد و بدون فرزند مُرد. ۳۰ همین طور دومی ۳۱ و سپس سومی با او ازدواج کرد. به همین ترتیب، هر هفت برادر با او ازدواج کردند و فرزندی به جا نگذاشتند و مُردند. ۳۲ در آخر، آن زن نیز مُرد. ۳۳ پس به هنگام رستاخیز، آن زن همسر کدام یک از آنان خواهد بود؟ زیرا آن هفت برادر با او ازدواج کرده بودند.»

۳۴ عیسی به آنان گفت: «در نظام حاضر،* مردم زن می‌گیرند و شوهر می‌کنند. ۳۵ اما کسانی که شایسته شمرده شده‌اند که به نظام آینده برسند و از مردگان رستاخیز یابند، نه زن خواهند گرفت و نه شوهر خواهند کرد. ۳۶ در واقع، آنان دیگر ممکن نیست بمیرند؛ زیرا همچون فرشتگان خواهند بود. به ۲۷:۲۰، ۳۷:۴۲ رجوع به واژه‌نامه. ۳۴:۲۰ * یا: «عصر حاضر؛ رجوع به واژه‌نامه.» نظام حاضر.»

«روزهایی خواهد آمد که از آنچه اکنون در اینجا می‌بینید، سنگی بر سنگی باقی نخواهد ماند، بلکه تمامی آن‌ها فرو ریخته خواهد شد.»^۷ سپس آنان از او پرسیدند: «استاد، به ما بگو، این امور چه وقت روی خواهد داد و نشانه نزدیک شدن این‌ها چه خواهد بود؟»^۸ او گفت: «مراقب باشید که گمراه نشوید؛ زیرا بسیاری به نام من آمده، خواهند گفت: (من او هستم) و (زمان مقرر نزدیک است)، در پی ایشان مروید.^۹ به علاوه، وقتی اخبار جنگ‌ها و آشوب‌ها* را می‌شنوید، هراسان مشوید؛ زیرا نخست باید این امور به وقوع پیوند، اما پایان بلافاصله نخواهد آمد.»

^{۱۰} سپس به آنان گفت: «قومی بر ضد قومی دیگر و حکومتی بر ضد حکومتی دیگر برخواید خاست.^{۱۱} زمین‌لرزه‌های عظیم به وقوع خواهد پیوست، در مناطق مختلف قحطی‌ها و بیماری‌های همه‌گیر یکی پس از دیگری روی خواهد داد و وقایع هولناک و نشانه‌های عظیم، از آسمان ظاهر خواهد شد.

^{۱۲} «اما پیش از وقوع همه این‌ها، مردم شما را گرفتار خواهند کرد، آزار خواهند

در کنیسه‌ها جلوتر از همه جا داشته باشند* و در مهمانی‌ها در صدر مجلس بنشینند.^{۴۷} ایشان خانه‌های* بیوه‌زان را چپاول* و برای تظاهر، دعا‌های خود را طولانی می‌کنند. آری، داوری بر آنان سنگین‌تر خواهد بود.»

۲۱ وقتی عیسی به صندوق‌های اعانات معبد نگاه می‌کرد، ثروتمندانی را دید که هدایای خود را در آن‌ها می‌اندازند.^۲ آنگاه بیوه‌زنی محتاج را دید که دو سکه بسیار کم‌ارزش* در صندوق انداخت.^۳ عیسی گفت: «به‌راستی به شما می‌گویم که این بیوه‌زن، هرچند تنگدست است، از همه آنان بیشتر در صندوق انداخت؛^۴ زیرا ایشان همگی از مازاد دارایی خود هدیه دادند، اما این زن با این که نیازمند* است، تمام معاش خود را در صندوق انداخت.»

^۵ مدتی بعد، هنگامی که عده‌ای در مورد معبد صحبت می‌کردند که با چه سنگ‌های مرغوب و هدایای وقف‌شده‌ای آراسته شده است،^۶ عیسی گفت:

^{۴۶:۲۰}* یا: «بهترین جا را داشته باشند».^{۴۷:۲۰}

* یا: «اموال». * تحت‌اللفظی: «می‌بلعند».^{۲:۲۱}

* تحت‌اللفظی: «دو لیثن»: دستمزد روزانه یک

کارگر ۱۲۸ لیثن بود.^{۴:۲۱}* یا: «فقیر».

^{۹:۲۱}* یا: «شورش‌ها: ناآرامی‌ها».

داخل نشوند؛ ۲۲ زیرا آن روزها، روزهای اجرای عدالت* است تا تمام آنچه نوشته شده است، تحقق یابد. ۲۳ وای بر زنانی که در آن روزها باردارند و آنانی که شیر می‌دهند! زیرا مصیبتی سخت، این سرزمین را فرا خواهد گرفت و غضب بر این قوم فرو خواهد آمد. ۲۴ آنان به دم شمشیر خواهند افتاد، در میان همه ملت‌ها به اسارت برده خواهند شد و اورشلیم زیر پای ملت‌ها* لگدمال خواهد شد تا زمانی که دورانِ معینِ ملت‌ها* به انجام رسد. ۲۵ «همچنین، نشانه‌هایی درخورشید، ماه و ستارگان خواهد بود و بر روی زمین، ملت‌ها به دلیل غرّش دریای خروشان راه‌گریز را نخواهند دانست و مشوّش خواهند شد. ۲۶ انسان‌ها از ترس و از تصوّر آنچه در انتظار ساکنان زمین است، از هوش خواهند رفت؛ زیرا نیروهای آسمان‌ها به لرزه در خواهد آمد. ۲۷ آنگاه پسر انسان را خواهند دید که با قدرت و جلال عظیم در ابری می‌آید. ۲۸ اما شما هنگام آغاز این وقایع، راست بایستید و سرهای خود را بلند کنید؛ زیرا نجات شما نزدیک است.»

۲۲:۲۱ * یا: «روزهای انتقام». ۲۴:۲۱ * یا:

«غیریهودیان»

رساند و به کنیسه‌ها و زندان‌ها خواهند سپرد. همچنین شما را به خاطر نام من نزد پادشاهان و والیان خواهند برد. ۱۳ این برای شما فرصتی خواهد بود تا شهادت دهید. ۱۴ پس در دل خود عزم کنید که از پیش در فکر این نباشید که چگونه از خود دفاع کنید؛ ۱۵ زیرا من کلام و حکمتی به شما خواهم داد که همه مخالفانان نیز با هم، یارای مقابله با آن یا تکذیب آن را نداشته باشند. ۱۶ به علاوه، حتی والدین، برادران، خویشان و دوستانان شما را تسلیم خواهند کرد* و بعضی از شما را خواهند کشت ۱۷ و همه مردم به خاطر نام من از شما نفرت خواهند داشت. ۱۸ اما حتی یک مو هم از سر شما کم نخواهد شد. ۱۹ شما با پایداری خود، زندگی خود را حفظ خواهید کرد.*

۲۰ «اما وقتی می‌بینید که سپاهیان در اطراف اورشلیم اردو زده و آن را محاصره کرده‌اند، بدانید که نابودی آن شهر نزدیک شده است. ۲۱ آنگاه آنانی که در یهودیه هستند، به کوهستان بگریزند و کسانی که در اورشلیم هستند، از آن بیرون آیند و آنانی که در خارج شهر هستند، به آن

۱۶:۲۱ * یا: «به شما خیانت خواهند کرد». ۱۹:۲۱

* یا: «جان خود را نجات خواهید داد».

شب‌ها را در کوهی معروف به کوه زیتون می‌گذراند. ۳۸ تمامی مردم صبح زود به معبد نزد او می‌آمدند تا سخنانش را بشنوند.

۲۲ عید نان فطیر که به عید پَسَح معروف است، نزدیک می‌شد.

۲ در آن میان، سران کاهنان و علمای دین در پی راهی برای کشتن عیسی بودند، اما چون از عکس‌العمل مردم می‌ترسیدند، برای این کار راهی مناسب می‌جستند. ۳ در آن هنگام، شیطان به دل یهو، معروف به اِسْخَرِیوْطی که یکی از آن دوازده نفر بود، راه یافت. ۴ پس یهو رفت و با سران کاهنان و ناظران معبد صحبت کرد که چگونه عیسی را به ایشان تسلیم کند. ۵ آنان از این خبر شاد شدند و پذیرفتند که به او پول نقره دهند. ۶ او نیز موافقت کرد و در پی فرصتی مناسب بود تا عیسی را دور از چشم مردم، به آنان تسلیم کند.

۷ نخستین روزِ عیدِ نانِ فطیر که باید قربانی پَسَح تقدیم شود، فرارسید.

۸ پس عیسی پَطْرُس و یوحنا را مأمور کرد و به آنان گفت: «بروید و شام پَسَح را برایمان تدارک ببینید تا بخوریم.» ۹ از او پرسیدند: «کجا می‌خواهی

۲۹ سپس عیسی برای آنان مَثَلی آورده، گفت: «درخت انجیر و درختان دیگر را در نظر بگیرید. ۳۰ وقتی می‌بینید که جوانه می‌زنند، می‌دانید که تابستان نزدیک است. ۳۱ به همین ترتیب نیز، وقتی شما وقوع این چیزها را می‌بینید، بدانید که پادشاهی خدا نزدیک است. ۳۲ به‌راستی به شما می‌گویم، تا همه این‌ها روی ندهد، این نسل از میان نخواهد رفت. ۳۳ آسمان و زمین از میان خواهد رفت، اما کلام من هرگز از میان نخواهد رفت.

۳۴ «مراقب خود باشید مبادا پرخوری، میگساری و نگرانی‌های زندگی* دل‌های شما را گرفتار* سازد و آن روز ناگهان بر شما آید ۳۵ و همچون دامی غافلگیرتان کند؛ زیرا آن روز در سراسر زمین و بر تمامی ساکنان آن خواهد آمد. ۳۶ پس بیدار بمانید و هیچ‌گاه از دعا‌های التماس‌آمیز دست مکشید تا بتوانید از هر آنچه باید به وقوع بپیوندد، نجات یابید و در حضور پسر انسان بایستید.»

۳۷ عیسی روزها در معبد تعلیم می‌داد و شب‌ها از شهر بیرون می‌رفت. او

۲۴: ۲۱* یا: «نگرانی امرار معاش». * تحت اللفظی: «سنگین».

شما می‌گویم، از این پس، من دیگر از محصول مو نخواهم نوشید تا زمانی که پادشاهی خدا بیاید.»

۱۹ عیسی همچنین نانی گرفت و پس از دعای شکرگزاری، آن را شکست و به آنان داد و گفت: «این مظهر بدن من است* که برای شما داده خواهد شد. این را پیوسته به یاد من به جا آورید.» ۲۰ بعد از شام، او جام را نیز گرفت و گفت: «این جام مظهر عهد جدید است، عهدی که بر مبنای خون من که در راه شما ریخته خواهد شد، بسته می‌شود.

۲۱ «اما دست کسی که به من خیانت می‌کند، با من در سفره است. ۲۲ زیرا به‌راستی پسر انسان مطابق آنچه تعیین شده است، خواهد رفت. اما وای بر کسی که به او خیانت کند!» ۲۳ آنگاه رسولان از یکدیگر پرسیدند که کدام یک از آنان دست به چنین کاری خواهد زد.

۲۴ بحثی شدید نیز میان‌شان در گرفت که کدام یک از همه بزرگ‌تر محسوب می‌شود. ۲۵ اما عیسی به آنان گفت: «پادشاهان قوم‌ها بر آنان سروری

۱۹:۲۲ * تحت‌اللفظی: «این بدن من است»؛ فعلی که در اینجا و آیه ۲۰ به کار رفته (به یونانی [استین] مفهوم مظهر و سمبول نیز دارد.

آن را تدارک ببینیم؟» ۱۰ عیسی گفت: «وقتی به شهر وارد می‌شوید، مردی که کوزه‌ای آب حمل می‌کند، با شما روبرو خواهد شد. به هر خانه‌ای که وارد شد، به دنبال او بروید ۱۱ و به صاحبخانه بگویید: «استاد می‌گوید: «آن اتاق مهمانی کجاست تا در آن شام پَسَح را با شاگردانم بخورم؟»» ۱۲ او بالاخانه‌ای بزرگ و آماده به شما نشان خواهد داد. آنجا شام پَسَح را تدارک ببینید.» ۱۳ آنگاه شاگردان به راه افتادند و همه چیز دقیقاً مطابق آنچه عیسی گفته بود، اتفاق افتاد. پس آنان شام پَسَح را تدارک دیدند.

۱۴ وقتی ساعت شام فرارسید، عیسی به همراه رسولان، بر سر سفره نشست. ۱۵ او به ایشان گفت: «من بسیار مشتاق بودم که پیش از عذاب دیدنم، این شام پَسَح را با شما بخورم؛ ۱۶ زیرا به شما می‌گویم، من دیگر از آن نخواهم خورد تا زمانی که در پادشاهی خدا تحقق یابد.»* ۱۷ عیسی جامی را گرفت و پس از دعای شکرگزاری گفت: «این را بگیرید و بین خود دست‌به‌دست بگردانید؛ ۱۸ زیرا به

۱۶:۲۲ * منظور تحقق تمام اموری است که پَسَح مظهر آن است.

می‌کنند و فرمانروایان ایشان ولی نعمت* خوانده می‌شوند. ۲۶ اما شما چنین مباشید. بزرگ‌ترین در میان شما، همچون کوچک‌ترین شود و آن که هدایت را بر عهده دارد، همچون خدمتگزار. ۲۷ زیرا کدام بزرگ‌تر است، آن که بر سر سفره می‌نشیند یا آن که خدمت می‌کند؟ آیا آن که بر سر سفره نشسته است، بزرگ‌تر نیست؟ اما من در میان شما همچون خدمتگزار هستم.

۲۸ «شما کسانی هستید که در آزمایش‌هایم در کنار من بوده‌اید ۲۹ و من با شما عهده‌ی برای پادشاهی می‌بندم، همان گونه که پدرم با من بسته است ۳۰ تا شما در پادشاهی من بر سر سفره‌ام بخورید و بنوشید و بر تخت‌ها نشسته، بر ۱۲ طایفه اسرائیل داوری کنید.

۳۱ «شمعون، شمعون، شیطان خواسته است همه شما را مثل گندم غربال کند. ۳۲ اما من برای تو در دعا التماس کرده‌ام که ایمانت از بین نرود و تو وقتی توبه کرده، بازگشتی، برادرانت را تقویت کن. ۳۳ او به عیسی گفت: «سَرور، من حاضرم با تو به زندان بروم و با تو بمیرم.» ۳۴ اما

۲۵:۲۲ * عنوانی افتخاری که به افراد خیر داده می‌شد.

عیسی گفت: «پطرس، به تو می‌گویم، امروز پیش از بانگ خروس، سه بار انکار خواهی کرد که مرا می‌شناسی.»

۳۵ همچنین عیسی از آنان پرسید: «وقتی من شما را بدون کیسه پول، کوله‌بار و کفش فرستادم، آیا به چیزی محتاج شدید؟» گفتند: «خیر!» ۳۶ عیسی به ایشان گفت: «اما اکنون هر که کیسه پول و کوله‌بار دارد، بردارد و آن که شمشیر ندارد، ردای خود را بفروشد و شمشیری بخرد. ۳۷ زیرا به شما می‌گویم، این نوشته باید در مورد من تحقق یابد که می‌گوید: «او از خطا کاران شمرده شد.» پس آنچه در مورد من گفته شده، در حال تحقق است.» ۳۸ آنان گفتند: «سَرور، بین اینجا دو شمشیر است.» او به ایشان گفت: «کافی است.»

۳۹ عیسی آنجا را ترک کرد و مطابق معمول به طرف کوه زیتون به راه افتاد. شاگردان هم در پی او رفتند. ۴۰ وقتی به آنجا رسیدند، عیسی به ایشان گفت: «از دعا کردن دست مکشید تا تسلیم و سوسه نشوید.» ۴۱ عیسی خود کمی* از آنان دور شد، زانو زد و چنین دعا کرد: ۴۲ «ای

۴۱:۲۲ * تحت‌اللفظی: «به مسافت پرتاب یک سنگ.»

زد و گوش راست او را قطع کرد. ۵۱ اما عیسی گفت: «کافی است.» آنگاه گوش او را لمس کرد و او را شفا داد. ۵۲ سپس عیسی به سران کاهنان، ناظران معبد و ریش سفیدان که برای دستگیری او آمده بودند، گفت: «مگر من راهزن هستم که با شمشیر و چماق به سراغ من آمده‌اید؟ ۵۳ وقتی هر روز با شما در معبد بودم، مرا دستگیر نکردید. اما اکنون زمان شماس، زمان اقتدار تاریکی.»

۵۴ سپس آنان عیسی را دستگیر کردند و از آنجا به خانه کاهن اعظم بردند؛ اما پطرس دورادور ایشان را دنبال می‌کرد. ۵۵ در وسط حیاط عده‌ای آتشی روشن کرده، دور آن نشسته بودند. پطرس نیز در جمع آنان نشسته بود. ۵۶ زنی خدمتکار در نور آتش دید که او آنجا نشسته است. با دقت به پطرس نگاه کرد و گفت: «این مرد هم با او بود.» ۵۷ اما پطرس حاشا کرد و گفت: «ای زن، من او را نمی‌شناسم.» ۵۸ کمی بعد، شخصی دیگر او را دید و گفت: «تو هم یکی از آنانی.» اما پطرس گفت: «ای مرد، من یکی از آنان نیستم.» ۵۹ حدود یک ساعت بعد، مردی دیگر با اصرار بسیار گفت: «شکی نیست که این مرد هم با او

پدر، اگر خواست توست، این جام* را از من دور کن. اما خواست تو انجام شود، نه خواست من.» ۴۳ آنگاه فرشته‌ای از آسمان بر او ظاهر شد و به او قوت بخشید. ۴۴ با وجود این، چون عیسی به عذابی جانکاه دچار شده بود با جدّیتی بیشتر به دعا کردن ادامه داد و عرقش که همچون قطرات خون شده بود، بر زمین می‌ریخت. ۴۵ وقتی از دعا برخاست، نزد شاگردان رفت و دید که از فرط اندوه به خواب رفته‌اند. ۴۶ عیسی به آنان گفت: «چرا خوابیده‌اید؟ بلند شوید و از دعا کردن دست مکشید تا تسلیم وسوسه نشوید.» ۴۷ او هنوز صحبت می‌کرد که گروهی از مردم نزدیک شدند. یهودا که یکی از آن دوازده نفر بود، آنان را راهنمایی می‌کرد. او نزد عیسی آمد تا وی را ببوسد. ۴۸ اما عیسی به او گفت: «یهودا، آیا با بوسه‌ای به پسر انسان خیانت می‌کنی؟» ۴۹ وقتی اطرافیان عیسی دیدند که چه روی می‌دهد، گفتند: «ای سرور، آیا دست به شمشیر ببریم؟» ۵۰ یکی از آنان حتی خادم کاهن اعظم را با شمشیر

۲۲:۴۳* «جام» در اینجا مظهر خواست خداست؛ این که او اجازه دهد عیسی به دروغ به کفرگویی متهم شده، کشته شود.

نمی‌دادید. ۶۹ اما از این پس، پسر انسان به دست راست قدرتمند خدا خواهد نشست.» ۷۰ سپس همگی گفتند: «پس یعنی تو پسر خدایی؟» عیسی به ایشان گفت: «همان که شما خود می‌گویید.» ۷۱ آنان گفتند: «دیگر چه نیازی به گواه بیشتر است؟ اینک ما خود از دهان خودش شنیدیم.»

۲۳

آنگاه انبوه حضار، همگی برخاستند و عیسی را نزد پیلاتس بردند. ۲ سپس او را چنین متهم کردند: «این مرد را یافتیم که قوم را گمراه می‌کند، مردم را از پرداخت مالیات به قیصر بازمی‌دارد و ادعا می‌کند که مسیح و پادشاه است.» ۳ پیلاتس از او پرسید: «آیا تو پادشاه یهودیان هستی؟» عیسی پاسخ داد: «همان که تو خود می‌گویی.» ۴ آنگاه پیلاتس به سران کاهنان و مردم گفت: «در نظر من این مرد مرتکب جرمی نشده است.» ۵ اما آنان اصرار ورزیدند و گفتند: «اودر تمام یهودیه مردم را با تعالیم خود تحریک می‌کند، از جلیل شروع کرده و حتی تا اینجا هم آمده است.» ۶ پیلاتس با شنیدن این سخن، پرسید که آیا او جلیلی است. ۷ وقتی معلوم شد که از جلیل، منطقه‌ای در حوزه

بود، چون در واقع جلیلی است!» ۶۰ اما پطرس گفت: «ای مرد، من نمی‌دانم چه می‌گویی.» پطرس هنوز صحبت می‌کرد که همان موقع خروسی بانگ زد. ۶۱ سرور روی برگرداند و پطرس را نگاه کرد و پطرس این سخن سرور را به یاد آورد که گفته بود: «امروز پیش از بانگ خروس، تو سه بار مرا انکار خواهی کرد.» ۶۲ پطرس بیرون رفت و به تلخی گریست.

۶۳ نگهبانان عیسی شروع به تمسخر و زدنش کردند، ۶۴ پس از پوشاندن صورتش از او می‌پرسیدند: «ثابت کن که نبی هستی، به ما بگو چه کسی تو را زد؟» ۶۵ آنان بسیاری سخنان کفرآمیز دیگر نیز به او گفتند.

۶۶ صبح که شد، اعضای شورای قوم، متشکل از سران کاهنان و علمای دین جلسه‌ای تشکیل دادند و عیسی را به سنهدرین* احضار کردند و به او گفتند: ۶۷ «اگر مسیح هستی، به ما بگو.» اما عیسی به ایشان گفت: «حتی اگر به شما می‌گفتم، به هیچ وجه آن را باور نمی‌کردید. ۶۸ به علاوه، اگر از شما سؤال می‌کردم، به هیچ وجه پاسخ

هم چیزی نیافت؛ زیرا وی را نزد ما بازگرداند و خود می‌بینید که اوکاری نکرده است که سزاوار مرگ باشد. ۱۶ پس او را تنبیه و سپس آزاد خواهیم کرد.» ۱۷* —

۱۸ اما تمام جمعیت فریاد زدند: «او را اعدام کن!» و باراباس را برای ما آزاد کن! ۱۹ (باراباس به دلیل قتل و شورش که در شهر شده بود، در زندان بود). ۲۰ پیلاتس بار دیگر با آنان صحبت کرد، چون می‌خواست عیسی را آزاد کند. ۲۱ اما آنان فریاد زنان می‌گفتند: «او را بر تیر بیاویز! او را بر تیر بیاویز!» ۲۲ برای بار سوم به آنان گفت: «چرا؟ چه کار بدی از او سر زده است؟ من هیچ دلیلی نیافتم که او را به مرگ محکوم کنم. پس او را تنبیه و سپس آزاد خواهیم کرد.» ۲۳ اما آنان با صدای بلند درخواست کردند که او اعدام شود* و آنقدر اصرار ورزیدند که سرانجام فریادهایشان غالب آمد. ۲۴ پس پیلاتس حکمی را که ایشان می‌خواستند، صادر کرد ۲۵ و مطابق

۱۷:۲۳* چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود. ۱۸:۲۳* تحت‌اللفظی: «او را از میان بردار». ۲۱:۲۳* یا: «بر تیر اعدامش کن! بر تیر اعدامش کن». ۲۳:۲۳* یا: «بر تیر اعدام شود».

اختیارات هیروودیس* آمده است، وی را نزد هیروودیس که او نیز در آن روزها در اورشلیم بود، فرستاد.

۸ وقتی هیروودیس عیسی را دید بسیار شاد شد؛ زیرا مطالب فراوانی در موردش شنیده بود و مدت‌ها بود که می‌خواست او را ببیند. هیروودیس امید داشت که شاهد معجزه‌ای از عیسی باشد. ۹ پس سؤالات بسیاری از عیسی کرد، اما عیسی جوابی به او نداد. ۱۰ سران کاهنان و علمای دین، مدام از جا برمی‌خاستند و به‌شدت او را متهم می‌کردند. ۱۱ همچنین هیروودیس و سربازانش به وی بی‌حرمتی کردند و هیروودیس برای تمسخر او، ردایی فاخر بر او پوشاند و سپس او را نزد پیلاتس بازگرداند. ۱۲ در آن روز هیروودیس و پیلاتس که پیش از آن با یکدیگر دشمنی داشتند، دوست یکدیگر شدند.

۱۳ سپس پیلاتس سران کاهنان، بزرگان قوم و مردم را فراخواند ۱۴ و به ایشان گفت: «شما این مرد را به اتهام شوراندن مردم، نزد من آوردید. من در حضور شما از این مرد بازپرسی کردم، اما هیچ دلیلی بر صحت اتهاماتی که شما به او نسبت می‌دهید، نیافتم. ۱۵ هیروودیس

۲۳:۲* رجوع به واژه‌نامه.

۳۲ دو مرد دیگر را نیز که مجرم بودند، می‌بردند تا با او اعدام کنند. ۳۳ وقتی به مکانی که «جمع‌مه» نامیده می‌شد رسیدند، او را در آنجا به تیر می‌خکوب کردند. آن دو مجرم نیز در کنار او بر تیر آویخته شدند؛ یکی در طرف راست عیسی و دیگری در طرف چپ او. ۳۴ اما عیسی می‌گفت: «ای پدر، اینان را ببخش؛ زیرا نمی‌دانند چه می‌کنند.» همچنین، برای تقسیم جامه‌هایش بین خود، قرعه انداختند. ۳۵ مردم ایستاده بودند و نگاه می‌کردند. اما بزرگان قوم با ریشخند می‌گفتند: «دیگران را نجات داد. اگر مسیح و برگزیده خداست، خود را نجات دهد.» ۳۶ حتی سربازان نیز عیسی را مسخره کردند؛ نزدش رفتند و به او شراب ترشیده تعارف کردند ۳۷ و گفتند: «اگر پادشاه یهودیان هستی، خود را نجات بده.» ۳۸ این نوشته نیز بالای سر او نصب شده بود: «این است پادشاه یهودیان.» ۳۹ یکی از مجرمانی که بر تیر آویخته شده بود با لحنی اهانت‌آمیز به عیسی گفت: «مگر تو مسیح نیستی؟ پس خودت و ما را نیز نجات بده!» ۴۰ دیگری آن مرد را سرزنش کرد و گفت: «آیا اصلاً از خدا نمی‌ترسی؟ بر تو و

درخواست آنان، مردی را که به دلیل شورش و قتل به زندان انداخته شده بود، آزاد کرد و عیسی را نیز تسلیم ایشان نمود تا هر چه می‌خواهند با او بکنند. ۲۶ در حالی که عیسی را از آنجا می‌بردند، شمعون را که از اهالی قیروان بود و از روستا به شهر می‌آمد، گرفتند و تیر شکنجه* عیسی را بر دوش او گذاشتند تا آن را به دنبال عیسی حمل کند. ۲۷ گروه بزرگی از مردم، از جمله زنانی که از فرط اندوه بر سینه می‌زدند و شیون می‌کردند، به دنبال او می‌رفتند. ۲۸ عیسی رو به زنان کرد و گفت: «ای دختران اورشلیم، دیگر برای من گریه نکنید، بلکه برای خود و فرزندان خود گریه کنید؛ ۲۹ زیرا روزهایی می‌آید که مردم خواهند گفت: «خوشا به حال زنان نازا، رَحِم‌هایی که فرزند به دنیا نیاورد و سینه‌هایی که شیر نداد!» ۳۰ در آن زمان، به کوه‌ها خواهند گفت: «بر ما بیفتید!» و به تپه‌ها خواهند گفت: «ما را بپوشانید!» ۳۱ اگر اینان با درخت تازه* چنین می‌کنند، وقتی که خشک می‌شود با آن چه خواهند کرد؟»

۲۶:۲۳ * رجوع به واژه‌نامه. ۳۱:۲۳ * یا احتمالاً: «چوب تر».

این را دید، خدا را تمجید کرد و گفت: «واقعاً این مرد درستکار* بود.» ۴۸ همه مردمی که برای تماشا گرد آمده بودند، با دیدن این وقایع، در حالی که بر سینه خود می‌زدند، آنجا را ترک کردند. ۴۹ در فاصله‌ای دورتر، همهٔ آشنایان او ایستاده بودند و این وقایع را می‌دیدند؛ از جمله زنانی که او را از جلیل همراهی کرده بودند.

۵۰ در آنجا مردی به نام یوسف، از اعضای شورای یهود نیز حضور داشت. او مردی نیکو و درستکار* بود. ۵۱ (این مرد با رأی خود، از نقشه و عمل اعضای دیگر شورا حمایت نکرده بود.) او اهل رامه، یکی از شهرهای یهودیان بود و انتظار پادشاهی خدا را می‌کشید. ۵۲ یوسف نزد پیلاتس رفت و خواستار جسد عیسی شد. ۵۳ او جسد را پایین آورد، در کتان نفیس پیچید و آن را در مقبره‌ای قرار داد که در صخره تراشیده شده بود و پیش از آن، کسی را در آن نگذاشته بودند. ۵۴ «روز تهیه»* بود و چیزی به آغاز سَبْت نمانده بود. ۵۵ زنانی که با عیسی از جلیل آمده بودند، رفتند و به مقبره نظر افکندند و دیدند که جسد او چگونه قرار داده شده

۴۷:۲۳، ۵۰: ۵۰: ۵۴:۲۳ * رجوع به واژه‌نامه.

او، یک حکم شده است! ۴۱ حال آن که حکم ما حَقمان است؛ زیرا ما سزای اعمال خود را می‌بینیم، اما این مرد هیچ خطایی نکرده است.» ۴۲ سپس گفت: «ای عیسی، وقتی به پادشاهی خود رسیدی، مرا به یاد آور.» ۴۳ عیسی به او گفت: «به‌راستی به تو می‌گویم امروز، با من در بهشت* خواهی بود.»*

۴۴ با این که حدود ساعت ششم* بود، تاریکی تمام زمین را تا ساعت نهم* فرا گرفت؛ ۴۵ زیرا خورشید از تابش باز ایستاده بود. در آن هنگام، پردهٔ مکان مقدس معبد* از بالا تا پایین دو پاره شد. ۴۶ آنگاه عیسی با صدای بلند فریاد برآورد و گفت: «ای پدر، روح* خود را به دستان تو می‌سپارم.» این را گفت و جان سپرد. ۴۷ فرماندهٔ سربازان چون

۴۳:۲۳ * به یونانی پَرَدِیسوس که به معنی باغ یا پارکی زیباست. * نشانه‌گذاری در نسخه‌های اصلی یونانی به کار نرفته است و این آیه با توجه به آیاتی همچون یوحنا ۱۷:۲۰؛ اعمال ۱: ۳-۹؛ ۱۰: ۴۰؛ ۱۵: ۲۰؛ کولسیان ۱: ۱۸؛ نشانه‌گذاری شده است. ۴۴:۲۳ * حدود ساعت ۱۲ ظهر. * حدود ساعت ۳ بعدازظهر. ۴۵:۲۳ * این پرده قدس‌الاقداص را از مکان قدس جدا می‌کرد. ۴۶:۲۳ * یا: «نیروی حیات»؛ به یونانی پنونیما؛ رجوع به واژه‌نامه. * یا: «نفس آخر را کشید».

همه این وقایع را برای آن ۱۱ رسول و شاگردان دیگر تعریف کردند. ۱۰ این زنان عبارت بودند از: مریم مَجْدَلِیّه، یوآنا و مریم مادر یعقوب. بقیه زنانی که با آنان بودند نیز این وقایع را برای رسولان تعریف می‌کردند. ۱۱ اما سخنان زنان در نظر آنان پوچ و بی‌معنی آمد و آن را باور نکردند. ۱۲ با این حال، پطرس برخاست و به طرف مقبره دوید. سپس خم شد و داخل مقبره را نگاه کرد و جز کفن در آنجا چیزی ندید. پس متعجب از آنچه روی داده بود، آنجا را ترک کرد.

۱۳ در همان روز، دو نفر از شاگردان به روستایی به نام عَمائوس می‌رفتند که حدود ۱۱ کیلومتر* از اورشلیم فاصله داشت. ۱۴ آنان با هم در مورد تمام وقایعی که روی داده بود، صحبت می‌کردند.

۱۵ آن دوشاگرد در حال بحث و گفتگو بودند که عیسی خود به آنان نزدیک شد و همراهی‌شان کرد. ۱۶ اما شاگردان قادر نبودند او را بشناسند. ۱۷ عیسی به ایشان گفت: «شما در راه در مورد چه موضوعی بحث می‌کنید؟» آنان با چهره‌هایی اندوهگین ایستادند. ۱۸ آن که کِلِثوپاس

۱۲:۲۴ * تحت‌اللفظی: «۶۰ ایستادیون»: یک ایستادیون معادل ۱۸۵ متر بود.

است. ۵۶ سپس بازگشتند و مواد معطر* و روغن‌های معطر آماده کردند. اما روز سَبْت* را مطابق حکم شریعت به استراحت پرداختند.

۲۴ آن زنان در نخستین روز هفته، صبح خیلی زود به مقبره آمدند و مواد معطر را که آماده کرده بودند، آوردند. ۲ اما دیدند که سنگ از دهانه مقبره به کناری غلتانده شده است ۳ و وقتی به مقبره داخل شدند، جسد عیسی سرور را آنجا نیافتند. ۴ آنان از این امر در حیرت بودند که ناگاه دو مرد با لباس‌هایی درخشان در کنارشان ایستادند. ۵ زنان هراسان شدند و سرهای خود را به زیر انداختند. آنگاه آن مردان به ایشان گفتند: «چرا کسی را که زنده است در میان مردگان می‌جوئید؟ ۶ او اینجا نیست، بلکه برخیزانده شده است. به خاطر آورید، هنگامی که هنوز در جلیل بود به شما چه گفت. ۷ او گفت که پسر انسان باید به دست گناهکاران سپرده و بر تیر اعدام شود و در روز سوم برخیزد.» ۸ آنگاه زنان سخنان او را به یاد آوردند. ۹ سپس از مقبره بازگشتند و

۲۳:۵۶ * «مواد معطر» یا: «خنوط». * رجوع به واژه‌نامه.

نام داشت در جواب گفت: «مگر تو در اورشلیم غریبی و تنها زندگی می‌کنی* که از وقایع روزهای اخیر آنجا بی‌خبری؟» ۱۹ عیسی پرسید: «چه وقایعی؟» گفتند: «در مورد وقایعی که برای عیسای ناصری روی داد؛ این که ثابت شد پیامبری بود که نزد خدا و همه مردم در عمل و کلام قدرتمند بود ۲۰ و این که سران کاهنان و بزرگان ما چگونه وی را تسلیم کردند تا به مرگ محکوم شود و او را به تیر می‌خکوب کردند. ۲۱ اما ما امید داشتیم که این مرد، همان باشد که می‌بایست اسرائیل را رهایی دهد. گذشته از همه این‌ها، امروز روز سوم است که این وقایع رخ داده است. ۲۲ به علاوه، گفته چند زن از میان ما نیز ما را متحیر کرد؛ زیرا آنان صبح زود به مقبره رفتند ۲۳ و وقتی جسد او را آنجا نیافتند، نزد ما آمده، گفتند: «ما واقعه‌ای عجیب دیدیم. فرشتگانی بر ما ظاهر شدند و گفتند که او زنده است.» ۲۴ چند نفر از ما نیز به مقبره رفتند و همه چیز همان طور بود که زنان گفته بودند، اما او را ندیدند.»

۲۵ عیسی به آنان گفت: «ای بی‌خردان که در مورد هر آنچه پیامبران گفته‌اند،

۲۴: ۱۸* یا احتمالاً: «آیا تو تنها مسافر به اورشلیم هستی.»

دلی دیرباور دارید! ۲۶ آیا نمی‌بایست مسیح این رنج‌ها را متحمل می‌شد تا به جلال خود برسد؟» ۲۷ آنگاه از نوشته‌های موسی و همه انبیا آغاز کرد و آنچه را که در تمامی نوشته‌های مقدس در مورد او آمده بود، برایشان توضیح داد. ۲۸ سرانجام به روستایی که مقصدشان بود، نزدیک شدند و عیسی وانمود کرد که می‌خواهد به سفر ادامه دهد. ۲۹ اما آنان به او اصرار ورزیدند که بماند و گفتند: «با ما بمان؛ زیرا چیزی به پایان روز نمانده و نزدیک غروب است.» سپس با آنان به خانه رفت تا نزدشان بماند. ۳۰ هنگامی که با ایشان بر سر سفره نشسته بود، نان را گرفت، دعا کرد، آن را شکست و به آنان داد. ۳۱ در آن هنگام، چشمانشان کاملاً باز شد و او را شناختند. اما عیسی از نظرشان ناپدید شد. ۳۲ پس به یکدیگر گفتند: «آیا هنگامی که در راه با ما صحبت می‌کرد و نوشته‌های مقدس را به روشنی برای ما توضیح می‌داد، دل ما شدیداً تحت تأثیر قرار نگرفت؟» ۳۳ همان موقع برخاستند و به اورشلیم بازگشتند. در آنجا آن ۱۱ رسول را یافتند که با شاگردان دیگر گرد هم آمده بودند ۳۴ و به ایشان می‌گفتند: «حقیقتاً سرور

گفتم که هر آنچه در شریعت موسی، نوشته‌های انبیا و مزامیر در مورد من نوشته شده است، باید تحقق یابد.» ۴۵ سپس ذهن آنان را کاملاً باز کرد تا مفهوم نوشته‌های مقدس را درک کنند ۴۶ و به آنان گفت: «چنین نوشته شده است که مسیح رنج خواهد کشید و در روز سوم، از مردگان برخواید خاست ۴۷ و در میان تمام قوم‌ها، بر مبنای نام او، توبه برای بخشایش گناهان موعظه خواهد شد؛ موعظه‌ای که از اورشلیم آغاز می‌شود. ۴۸ شما در مورد این امور شهادت خواهید داد. ۴۹ من آنچه را که پدرم وعده داد، بر شما می‌فرستم. اما تا زمانی که از آسمان قدرت دریافت نکرده‌اید،* در این شهر بمانید.» ۵۰ سپس عیسی آنان را بیرون شهر تا بیت‌عنیا برد و دست‌های خود را بلند کرد و آنان را برکت داد. ۵۱ در حالی که برکشان می‌داد از ایشان جدا شده، به آسمان بالا برده شد. ۵۲ در این حین آنان در مقابل او تعظیم کردند* و سپس با شادی بسیار به اورشلیم بازگشتند. ۵۳ آنان هر روز در معبد بودند و خدا را حمد و ستایش می‌کردند.

۴۹:۲۴ * یا: «از بالا به قدرت ملبس نشده‌اید».

۵۲:۲۴ * به نشانه تکریم و ادای احترام.

برخیزانده شده و بر شمعون ظاهر شده است!» ۲۵ سپس آن دو نیز وقایعی را که در راه پیش آمده بود، بازگو کردند و این که چگونه او را هنگام شکستن نان شناختند.

۳۶ آنان هنوز مشغول صحبت بودند که خود او در میانشان ظاهر شد و به آنان گفت: «سلام بر شما باد.» ۳۷ اما آنان بسیار مضطرب و هراسان شدند، چون تصور می‌کردند روحی می‌بینند. ۳۸ پس عیسی به ایشان گفت: «چرا مضطربید و چرا به دلتان شک راه می‌دهید؟ ۳۹ دست‌ها و پاهای مرا ببینید؛ ببینید که خودم هستم. به من دست بزنید و ببینید که گوشت و استخوان دارم؛ زیرا روح، گوشت و استخوان ندارد.» ۴۰ هنگام گفتن این سخنان، دست‌ها و پاهایش را به آنان نشان داد. ۴۱ اما هنوز از خوشحالی و حیرت نمی‌توانستند این چیزها را باور کنند. پس عیسی پرسید: «آیا اینجا چیزی برای خوردن دارید؟» ۴۲ آنان یک تکه ماهی بریان به او دادند. ۴۳ عیسی نیز آن را گرفت و در مقابل چشمانشان خورد.

۴۴ آنگاه عیسی به ایشان گفت: «وقتی هنوز با شما بودم، این سخنان را به شما

- | | | |
|---|---|---|
| ۱ | کلمه انسان شد (۱۸-۱) | راه رفتن عیسی روی آب (۲۱-۱۶) |
| | یحیی شهادت داد (۲۸-۱۹) | عیسی «نان حیات» (۵۹-۲۲) |
| | عیسی بزه خدا (۳۴-۲۹) | بسیاری از سخنان عیسی لغزش می‌خورند (۷۱-۶۰) |
| | اولین شاگردان عیسی (۴۲-۳۵) | ۷ عیسی در عید خیمه‌ها (۱۳-۱) |
| | فیلیپس و تثنائیل (۵۱-۴۳) | عیسی در ایام عید تعلیم می‌دهد (۲۴-۱۴) |
| ۲ | عروسی در قانا؛ تبدیل آب به شراب (۱۲-۱) | نظرات مختلف در مورد مسیح (۵۲-۲۵) |
| | عیسی معبد را پاک می‌کند (۲۲-۱۳) | ۸ پدر در مورد عیسی شهادت می‌دهد (۳۰-۱۲) |
| | عیسی می‌دانست در وجود انسان‌ها چه می‌گذرد (۲۵-۲۳) | عیسی «نور دنیا» (۱۲) |
| ۳ | عیسی و نيقوديموس (۲۱-۱) | فرزندان ابراهیم (۴۱-۳۱) |
| | تولد دوباره (۸-۳) | «حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت» (۳۲) |
| | محبت خدا به مردم دنیا (۱۶) | فرزندان ابلیس (۴۷-۴۲) |
| | آخرین شهادت یحیی در مورد عیسی (۳۰-۲۲) | عیسی و ابراهیم (۵۹-۴۸) |
| | آن که از بالا می‌آید (۳۶-۳۱) | ۹ عیسی نابینایی مادرزاد را شفا می‌دهد (۱۲-۱) |
| ۴ | عیسی و زن سامری (۳۸-۱) | فریسیان مرد شفا یافته را بازخواست می‌کنند (۳۴-۱۳) |
| | پرستش خدا «در روح و راستی» (۲۴، ۲۳) | فریسیان کور (۴۱-۳۵) |
| | بسیاری از سامریان به عیسی ایمان می‌آورند (۴۲-۳۹) | ۱۰ شبان و گوسفندان (۲۱-۱) |
| | عیسی پسر مأمور دربار را شفا می‌دهد (۵۴-۴۳) | عیسی شبان نیکو (۱۵-۱۱) |
| ۵ | شفای مرد بیمار در بیت‌جسدا (۱۸-۱) | «من گوسفندانی دیگر نیز دارم» (۱۶) |
| | پدر به عیسی اقتدار داده است (۲۴-۱۹) | یهودیان در عید وقف با عیسی رودرو می‌شوند (۳۹-۲۲) |
| | مردگان صدای عیسی را خواهند شنید (۳۰-۲۵) | بسیاری از یهودیان عیسی را باور نمی‌کنند (۲۶-۲۴) |
| | شهادت در مورد عیسی (۴۷-۳۱) | «گوسفندان من به صدای من گوش فرامی‌دهند» (۲۷) |
| ۶ | عیسی به ۵۰۰۰ نفر خوراک می‌دهد (۱۵-۱) | پسر در اتحاد با پدر است (۲۸، ۳۰) |

- ۱۶ ممکن است شاگردان عیسی کشته شوند (۱-۴۰الف)
- اعمال روح القدس (۱۶-۴۰ب)
- غم شاگردان به شادی مبذل خواهد شد (۱۷-۲۴)
- غالب آمدن عیسی بر دنیا (۲۵-۳۳)
- ۱۷ آخرین دعای عیسی با رسولانش (۱-۲۶)
- شناخت خدا به زندگی جاودان می‌انجامد (۳)
- مسیحیان به دنیا تعلّق ندارند (۱۴-۱۶)
- «کلام تو حقیقت است» (۱۷)
- «من نام تو را به ایشان شناساندم» (۲۶)
- ۱۸ خیانت یهودا (۱-۹)
- پطرس شمشیر می‌کشد (۱۰، ۱۱)
- عیسی را نزد خَنّاس می‌برند (۱۲-۱۴)
- انکار پطرس برای بار اول (۱۵-۱۸)
- عیسی در حضور خَنّاس (۱۹-۲۴)
- انکار پطرس برای بار دوم و سوم (۲۵-۲۷)
- عیسی در حضور پیلاتس (۲۸-۴۰)
- «پادشاهی من از این دنیا نیست» (۳۶)
- ۱۹ عیسی را شلاق می‌زنند و تمسخر می‌کنند (۷-۱)
- پیلاتس بار دیگر از عیسی سؤال می‌کند (۸-۱۶الف)
- عیسی را در جُلجُتا به تیری می‌خکوب می‌کنند (۱۶ب-۲۴)
- تدارک عیسی برای نگهداری از مادرش (۲۵-۲۷)
- مرگ عیسی (۲۸-۳۷)
- خاکسپاری عیسی (۳۸-۴۲)
- آن سوی رود اردن بسیاری ایمان می‌آورند (۴۰-۴۲)
- ۱۱ مرگ ایلعازر (۱-۱۶)
- عیسی مارتا و مریم را تسلی می‌دهد (۱۷-۳۷)
- عیسی ایلعازر را رستاخیز می‌دهد (۳۸-۴۴)
- توطئه قتل عیسی (۴۵-۵۷)
- ۱۲ مریم بر پاهای عیسی روغن معطر می‌ریزد (۱-۱۱)
- ورود پیروزمندانه عیسی (۱۲-۱۹)
- پیشگویی عیسی در خصوص مرگش (۲۰-۳۷)
- بی‌ایمانی یهودیان پیشگویی را به تحقق می‌رساند (۳۸-۴۳)
- عیسی برای نجات دنیا آمد (۴۴-۵۰)
- ۱۳ عیسی پاهای شاگردانش را می‌شوید (۱-۲۰)
- عیسی آشکار می‌سازد که یهودا به او خیانت می‌کند (۲۱-۳۰)
- حکمی تازه (۳۱-۳۵)
- «اگر به یکدیگر محبت کنید» (۳۵)
- پیشگویی انکار پطرس (۳۶-۳۸)
- ۱۴ عیسی تنها راه نزدیک شدن به پدر (۱-۱۴)
- «من راه و حقیقت و حیات هستم» (۶)
- عیسی وعده روح القدس را می‌دهد (۱۵-۳۱)
- «پدر از من بزرگ‌تر است» (۳۸)
- ۱۵ مَثَل تاک حقیقی (۱-۱۰)
- ابراز محبتی مسیح‌گونه (۱۱-۱۷)
- «محبتی بزرگ‌تر از این نیست» (۱۳)
- نفرت دنیا از شاگردان عیسی (۱۸-۲۷)

۲۰ مقبره خالی (۱۰-۱)

عیسی بر مریم مجدلیه ظاهر

می شود (۱۸-۱۱)

عیسی بر شاگردانش ظاهر

می شود (۲۳-۱۹)

توما ابتدا شک می کند، سپس یقین

حاصل می کند (۲۹-۲۴)

هدف از این طومار (۳۱، ۳۰)

۲۱ عیسی بر شاگردانش ظاهر می شود (۱۴-۱)

پطرس بر محبتش به عیسی تأکید

می کند (۱۹-۱۵)

«به گوسفندان کوچکم خوراک

بده» (۱۷)

آینده شاگردی که عیسی دوستش

می داشت (۲۳-۲۰)

سخن پایانی (۲۵، ۲۴)

۶ مردی آمد که از سوی خدا فرستاده شده بود؛ نام او یحیی بود. ۷ این مرد به عنوان شاهد آمد که بر آن نورشهادت دهد تا توسط او همه گونه افراد ایمان آورند. ۸ او آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد.

۹ آن نور حقیقی که به هرگونه انسان روشنایی می بخشید، در شرف آمدن به دنیا بود. ۱۰ او* در دنیا بود و دنیا توسط وی به وجود آمد، اما مردم دنیا او را نشناختند.

۱۱ او به سرزمین خود آمد، اما قوم خودش او را نپذیرفت. ۱۲ با این حال، به تمام کسانی که او را پذیرفتند، این حق را داد تا فرزندان خدا شوند؛ زیرا ایشان به نام وی ایمان می ورزیدند. ۱۳ آنان نه از والدین،* نه از امیال انسانی،* نه از

۱۰:۱* منظور کلمه است. ۱۳:۱* تحت اللفظی:

«خون ها». *تحت اللفظی: «امیال جسمانی».

در آغاز کلمه* بود و کلمه با خدا بود و کلمه یک خدا* بود. ۲ همان در آغاز با خدا بود. ۳ همه چیز توسط او به وجود آمد و بدون او، حتی یک چیز هم به وجود نیامد.

این است آنچه به وجود آمد؛ ۴ آری حیات توسط او پدیدار گشت و این حیات برای انسان ها نور بود. ۵ این نور در تاریکی می درخشد و تاریکی بر آن غلبه نیافته است.

عنوان* رجوع به واژه نامه: «بشارت». * از نامی عبری مشتق شده است که به این معناست، «نَهْوَه لطف کرده است» و «نَهْوَه بزرگواری کرده است». ۱:۱* واژه «کلمه» در اینجا به صورت عنوانی برای عیسی به کار رفته است؛ او سخنگوی اصلی [یا نماینده اصلی] خدا بوده است، چه پیش از دوران خدمتش بر زمین، چه طی آن دوران و چه پس از آن. — با یوحنا ۱:۱۴ و مکاشفه ۱۳:۱۹ مقایسه شود. * «یک خدا» یا: «الهی؛ خدایی».

نزدش فرستادند تا از او بپرسند: «تو کیستی؟» ۲۰ او اذعان کرد و منکر نشد، بلکه صریحاً گفت: «من مسیح* نیستم.» ۲۱ از او پرسیدند: «پس تو کیستی؟ آیا ایلثا* هستی؟» یحیی پاسخ داد: «نیستم.» پرسیدند: «آیا آن پیامبر هستی؟» پاسخ داد: «نه!» ۲۲ آنگاه به او گفتند: «پس به ما بگو تو کیستی تا بتوانیم برای آنان که ما را فرستاده‌اند، جوابی ببریم؛ در مورد خود چه می‌گویی؟» ۲۳ یحیی گفت: «همان طور که اِشعیای نبی گفته است، من صدای کسی هستم که در بیابان چنین فریاد می‌زند: «طریق یَهْوَه* را هموار سازید.»» ۲۴ آنان که از طرف فَرِیسیان* فرستاده شده بودند، ۲۵ از او پرسیدند: «اگر تو مسیح، ایلثا یا آن پیامبر نیستی، پس چرا تعمید می‌دهی؟» ۲۶ یحیی به آنان چنین پاسخ داد: «من با آب تعمید می‌دهم، اما در میان شما کسی است که شما او را نمی‌شناسید؛ ۲۷ همان که پس از من می‌آید و من لایق نیستم که بند کفشش را بازکنم.» ۲۸ این وقایع

۱:۲۰، ۲۴* رجوع به واژه‌نامه. ۱:۲۱* یا: «الیاس». ۱:۲۳* این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهْوَه» در این ترجمه به کار رفته است؛ رجوع به واژه‌نامه.

خواست یک مرد زاده شدند، بلکه از خدا.

۱۴ کلمه انسان* شد و در میان ما سکونت کرد و جلال او را دیدیم؛ جلالی که تنها به پسر یگانه تعلق دارد و آن را از پدر یافته است. او پر از لطف الهی و راستی بود. ۱۵ (یحیی بر او شهادت می‌داد و چنین فریاد می‌زد: «این است همان کسی که درباره‌ی وی گفتیم: «آن که پس از من می‌آید، از من پیشی گرفته است؛ زیرا پیش از من وجود داشته است.»») ۱۶ همه ما از پُری او بهره بردیم، حتی لطفی در پی لطف دیگر نصیبمان گشت؛ ۱۷ زیرا شریعت از طریق موسی داده شد، اما لطف و راستی از طریق عیسی مسیح آمد. ۱۸ هیچ انسانی هرگز خدا را ندیده است. اما آن مولود یگانه* که در کنار پدر است، همان است که او را شناسانید.

۱۹ این است شهادت یحیی هنگامی که یهودیان کاهنان و لاویان را از اورشلیم

۱:۱۴* تحت‌اللفظی: «جسم». ۱:۱۸* در کهن‌ترین دست‌نوشته‌های یونانی: «آن مولود یگانه که الهی است»؛ در دست‌نوشته‌های جدیدتر یونانی: «آن پسر یگانه»؛ به پاورقی یوحنا ۱:۱ رجوع شود. ۱:۲۱* یا: «که در آغوش پدر است»؛ به مقامی خاص و پر از لطف اشاره می‌کند.

در بیت عنیا* در آن سوی رود اردن رخ داد، همان جا که یحیی تعمید می داد.

۲۹ روز بعد، یحیی عیسی را دید که به سوی او می آید و گفت: «ببینید، این است بَرّه خدا که گناه را از دنیا برمی دارد! این همان کسی است که در مورد او گفتم: (مردی که پس از من می آید، از من پیشی گرفته است؛ زیرا پیش از من وجود داشته است.)» ۳۱ حتی من خود، او را نمی شناختم، اما دلیل این که آمدم و با آب تعمید می دهم، این است که او بر اسرائیل آشکار شود. ۳۲ یحیی همچنین شهادت داد و چنین گفت: «من روح را دیدم که مانند کبوتری از آسمان پایین آمد و بر او قرار گرفت. ۳۳ حتی من خود، او را نمی شناختم، اما همان کسی که مرا فرستاد تا با آب تعمید دهم به من گفت: (آن کس را که دیدی روح بر او پایین آمد و بر او قرار گرفت، همان است که با روح القدس تعمید خواهد داد.)» ۳۴ من دیده ام و شهادت داده ام که این شخص پسر خداست.

۳۵ فردای آن روز، بار دیگر یحیی با دو نفر از شاگردانش ایستاده بود. ۳۶ وقتی

۲۸:۱ *منظور بیت عنیا در شرق رود اردن است، نه شهر بیت عنیا نزدیک اورشلیم.

عیسی را دید که از آنجا می گذرد، گفت: «ببینید، این است بَرّه خدا!» ۳۷ آن دو شاگرد با شنیدن این گفته، به دنبال عیسی به راه افتادند. ۳۸ آنگاه عیسی برگشت و هنگامی که دید آن دو به دنبالش می آیند، به آنان گفت: «چه می خواهید؟» به او گفتند: «ای رَئی (یعنی «استاد») کجا می مانی؟» ۳۹ او به آنان گفت: «ببایید و ببینید.» پس رفتند و محل اقامتش را دیدند و آن روز را نزد او ماندند؛ زیرا حدود ساعت دهم* بود.

۴۰ آندریاس، برادر شمعون پطرس، یکی از آن دو نفری بود که گفته یحیی را شنید و به دنبال عیسی به راه افتاد. ۴۱ او نخست برادر خود، شمعون را یافت و به وی گفت: «ما مسیح (یعنی «مسح شده») را یافته ایم.» ۴۲ آندریاس، شمعون را نزد عیسی برد. وقتی عیسی او را دید، گفت: «تو شمعون پسر یوحنا* هستی؛ تو کیفا (یعنی «پطرس») خوانده خواهی شد.» ۴۳ فردای آن روز، عیسی می خواست عازم جلیل شود، پس فیلیپس را یافته، به او گفت: «پیرو من شو.» ۴۴ فیلیپس اهل بیت صیدا، شهر آندریاس و پطرس

۲۹:۱ *حدود ساعت ۴ بعد از ظهر. ۴۲:۱ *یا: «یونا».

و فرشتگان خدا به آنجا که پسر انسان است، پایین می‌آیند و بالا می‌روند.»

۲ در روز سوم، جشن عروسی‌ای در قانای جلیل بر پا شد و مادر عیسی در آنجا بود. ۲ عیسی و شاگردانش نیز به آن جشن عروسی دعوت شده بودند.

۳ چون شراب کم آمد، مادر عیسی به او گفت: «آنان شراب ندارند.» ۴ اما عیسی به او گفت: «ای زن، این به من و تو چه ارتباطی دارد؟* وقت من هنوز نرسیده است.» ۵ مادرش به خدمتکاران گفت: «هر چه به شما بگوید، انجام دهید.» ۶ در آنجا شش خمره سنگی قرار داشت که برای مراسم تطهیر یهودیان به کار می‌رفت و هر یک دو یا سه پیمانه بزرگ گنجایش داشت.* ۷ عیسی به خدمتکاران گفت: «این خمره‌ها را با آب پر کنید.» پس آن‌ها را لبالب پر کردند.

۸ سپس به ایشان گفت: «حال کمی از آن را بردارید و نزد ناظر جشن ببرید.» آنان نیز چنین کردند. ۹ ناظر جشن آبی را که به شراب مبدل شده بود، چشید.

۴:۲ * تحت اللفظی: «ای زن، چه به من و به تو؟» اصطلاحی به نشانه اعتراض است. گفتن «ای زن» به منظور بی‌احترامی نبود. ۶:۲ * احتمالاً در اینجا واحد سنجش باتوس بود که معادل ۲۲ لیتر است.

بود. ۴۵ فیلیپس، نثنائیل را یافت و به او گفت: «ما کسی را که در شریعت موسی و نوشته‌های انبیا در مورد او نوشته شده است، یافته‌ایم. او عیسی، پسر یوسف و از ناصره است.» ۴۶ اما نثنائیل به او گفت: «مگر ممکن است چیزی نیکو از ناصره بیرون آید؟» فیلیپس به او گفت: «بیا و ببین.» ۴۷ عیسی با دیدن نثنائیل که به طرف او می‌آمد، در مورد او گفت: «ببینید، مردی اسرائیلی که یقیناً در او هیچ فریبی نیست.» ۴۸ نثنائیل از او پرسید: «چگونه مرا می‌شناسی؟» عیسی پاسخ داد: «پیش از آن که فیلیپس تو را بخواند، هنگامی که زیر درخت انجیر بودی، تو را دیدم.» ۴۹ نثنائیل گفت: «استاد،* تو پسر خدایی. تو پادشاه اسرائیل هستی.» ۵۰ عیسی به او گفت: «چون گفتم زیر درخت انجیر تو را دیدم به من ایمان آوردی؟ از این پس، چیزهای بزرگ‌تر خواهی دید.» ۵۱ همچنین افزود: «حقیقتاً* به شما می‌گویم، خواهید دید که آسمان گشوده شده است

۴۹:۱ * تحت اللفظی: «زَیّی»؛ رجوع به واژه‌نامه: «زَیّی». ۵۱:۱ * تحت اللفظی: «آمین، آمین» به یونانی آهِن: عیسی بارها این واژه را برای تأکید بر درستی مطلق و اعتبار کامل کلامش به کار برد.

همچنین سکه‌های صرافان را بر زمین ریخت و میزهایشان را واژگون کرد. ۱۶ عیسی به کبوترفروشان گفت: «این‌ها را از اینجا ببرید! خانه پدر مرا محل کسب مسازید!»* ۱۷ شاگردانش این نوشته را به یاد آوردند که می‌گوید: «غیرت برای خانه تو مرا خواهد سوزاند.»

۱۸ یهودیان در مقابل به او گفتند: «چه نشانه‌ای برای ما می‌آوری که ثابت کند حق انجام دادن این کارها را داری؟» ۱۹ عیسی به آنان پاسخ داد: «این معبد را ویران کنید و در سه روز آن را برپا خواهم کرد.» ۲۰ یهودیان گفتند: «ساختن بنای این معبد ۴۶ سال به طول انجامیده است و تو در سه روز آن را برپا خواهی کرد؟» ۲۱ اما منظور عیسی از معبد، بدن خودش بود. ۲۲ هنگامی که از مردگان برخاست، شاگردانش این گفته او را به یاد آوردند و به نوشته‌های مقدس و سخنانی که عیسی گفته بود، ایمان آوردند.

۲۳ هنگامی که عیسی برای عید پَسَح در اورشلیم بود، بسیاری از مردم با دیدن نشانه‌هایی که به ظهور می‌رساند، به نام او ایمان آوردند. ۲۴ اما عیسی به دلیل شناختی که از همه آنان داشت،

۱۶:۲ * یا: «به بازار تبدیل مکنید».

او نمی‌دانست که آن شراب از کجا آمده است. (اما خدمتکارانی که آب را برداشته بودند، می‌دانستند.) آنگاه ناظر، داماد را صدا کرد ۱۰ و به او گفت: «همه اول با شراب مرغوب پذیرایی می‌کنند و وقتی مهمانان مست شدند، شرابی را که کیفیتی پایین‌تر دارد، می‌آورند. اما تو شراب مرغوب را تا به حال نگاه داشته‌ای.» ۱۱ به این ترتیب، در قانای جلیل بود که عیسی اولین معجزه* خود را صورت داد و بدین شکل جلال خود را آشکار ساخت و شاگردانش به او ایمان آوردند.

۱۲ پس از آن، عیسی به همراه مادر خود و همچنین برادران و شاگردانش به کَفَرناحوم رفت. اما چند روز بیشتر در آنجا نماندند.

۱۳ چیزی به عید پَسَح یهودیان نمانده بود که عیسی به اورشلیم رفت. ۱۴ در معبد افرادی را دید که گاو، گوسفند و کبوتر می‌فروشد، همچنین صرافانی را دید که پشت میزهای خود نشسته‌اند. ۱۵ پس با چند طناب تازیانه‌ای ساخت و گوسفندان و گاووان را به همراه فروشندگان آن‌ها از معبد بیرون راند.

۱۱:۲ * تحت اللفظی: «نشانه».

شما باید دوباره متولد شوید. ۸ باد* در جهتی که می‌خواهد می‌وزد و تو آوای آن را می‌شنوی، اما نمی‌دانی از کجا می‌آید و به کجا می‌رود. چنین است هر که از روح زاده شده است.»

۹ نیکودیموس در مقابل از او پرسید: «این‌ها چگونه ممکن است؟» ۱۰ عیسی پاسخ داد: «تو معلّم اسرائیلیان هستی و این چیزها را نمی‌دانی؟ ۱۱ حقیقتاً به تو می‌گویم، ما آنچه می‌دانیم، می‌گوییم و به آنچه دیده‌ایم، شهادت می‌دهیم، اما شما شهادتی را که ما می‌دهیم، نمی‌پذیرید. ۱۲ من در مورد امور زمینی به شما گفتم و باور نمی‌کنید، پس اگر در مورد امور آسمانی به شما بگویم، چگونه آن‌ها را باور خواهید کرد؟ ۱۳ به علاوه، هیچ انسانی به آسمان بالا نرفته است، جز او که از آسمان پایین آمده است: یعنی پسر انسان. ۱۴ همان طور که موسی مار را در بیابان بر تیر بالا برد،* پسر انسان نیز باید بالا برده شود ۱۵ تا هر که به او ایمان آورد، زندگی جاودان یابد.

۱۶ «زیرا خدا آنقدر به مردم دنیا

به ایشان اعتماد نکرد. ۲۵ همچنین نیازی نداشت در مورد انسان‌ها چیزی به او گفته شود، چون خود از آنچه در وجود انسان‌هاست، آگاه بود.

۳ یکی از فرّیسیان، به نام نیکودیموس که از بزرگان یهود بود، ۲ شب هنگام نزد عیسی آمد و گفت: «ای استاد،* می‌دانیم تو معلّمی هستی که از جانب خدا آمده است؛ زیرا کسی نمی‌تواند معجزاتی* که تو به ظهور می‌رسانی، انجام دهد، مگر این که خدا با او باشد.» ۳ عیسی در جواب گفت: «حقیقتاً به تو می‌گویم، تا کسی دوباره* متولد نشود، نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند.» ۴ نیکودیموس به او گفت: «چطور ممکن است شخصی سالمند متولد شود؟ مگر می‌تواند به رَجَم مادرش بازگردد و بار دیگر زاده شود؟» ۵ عیسی پاسخ داد: «حقیقتاً به تو می‌گویم، تا کسی از آب و روح متولد نشود، نمی‌تواند به پادشاهی خدا راه یابد. ۶ آنچه از جسم زاده شده، جسم است و آنچه از روح زاده شده، روح. ۷ تعجب مکن که به تو گفتم،

۸:۳ * به یونانی پنوئما: این واژه یونانی در انتهای این آیه «روح» ترجمه شده است. ۱۴:۳ * به اعداد ۹:۲۱ رجوع شود.

۲:۳ * تحت اللفظی: «زَنی»؛ رجوع به واژه‌نامه: «زَنی». * تحت اللفظی: «نشانه‌هایی». ۲:۳ * یا احتمالاً: «از بالا».

یحیی نیز در عینون، نزدیک به سالم تعمید می‌داد؛ زیرا در آنجا آب فراوان بود و مردم می‌آمدند و تعمید می‌گرفتند. ۲۴ آن زمان یحیی هنوز به زندان انداخته نشده بود.

۲۵ در آن روزها، میان شاگردان یحیی و فردی یهودی در خصوص آداب تطهیر بحثی پیش آمد. ۲۶ آنگاه آنان نزد یحیی آمدند و به او گفتند: «استاد،* مردی که با تو در آن سوی رود اردن بود و تو در مورد او شهادت دادی، اکنون تعمید می‌دهد و همه نزد او می‌روند.» ۲۷ یحیی در پاسخ گفت: «هیچ کس نمی‌تواند چیزی به دست آورد، مگر این که از آسمان به او داده شده باشد. ۲۸ شما خود شاهد هستید که گفتم، من مسیح نیستم، بلکه پیشاپیش او فرستاده شده‌ام. ۲۹ عروس به داماد تعلق دارد. اما وقتی دوست داماد کنار داماد می‌ایستد و به سخنانش گوش می‌دهد، از شنیدن صدای داماد بسیار شاد می‌شود. پس شادی من نیز کامل شده است. ۳۰ او باید روزبه‌روز بزرگ‌تر شود و من کوچک‌تر.»

۳۱ آن که از بالا می‌آید، از همه بالاتر

۲۶:۳ * تحت اللفظی: «زَبّی»: رجوع به واژه‌نامه: «زَبّی».

محبت داشت* که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان بورزد، نابود نگردد، بلکه زندگی جاودان یابد. ۱۷ در واقع، خدا پسر خود را به دنیا فرستاد تا او مردم دنیا را محکوم کند،* بلکه فرستاد تا از طریق وی مردم دنیا نجات یابند. ۱۸ هر که به او ایمان بورزد، محکوم نخواهد شد و هر که به او ایمان نرزد، هم‌اکنون محکوم شده است؛ زیرا به نام پسر یگانه خدا ایمان نورزیده است. ۱۹ مبنای داوری و محکومیت این است که نور به دنیا آمد، اما مردم تاریکی را دوست داشتند نه نور را، چون اعمال آنان شریانه بود؛ ۲۰ زیرا هر که اعمال زشت پیشه می‌کند، از نور نفرت دارد و به سوی نور نمی‌آید، مبادا اعمالش برملا شود. ۲۱ اما هر که راستی را به جا می‌آورد، به سوی نور می‌آید تا آشکار شود که اعمالش هماهنگ با خواست خداست.»

۲۲ پس از آن، عیسی و شاگردانش به آبادی‌های یهودیه رفتند. او مدتی با آنان در آنجا ماند و تعمید می‌داد.* ۲۳ اما

۱۶:۳ * تحت اللفظی: «به دنیا محبت داشت.»

۱۷:۳ * تحت اللفظی: «او دنیا را محکوم کند.»

۲۲:۳ * ظاهراً این تعمید زیر نظر عیسی انجام می‌شد؛ با یوحنا ۲:۴ مقایسه شود.

بود که از سامره بگذرد. ۵ پس به یکی از شهرهای سامره به نام سوخار رسید. آن شهر نزدیک به زمینی بود که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود. ۶ چاه یعقوب نیز در آنجا بود. عیسی خسته از سفرکنار چاه* نشست. حدود ساعت ششم روز بود.*

۷ در این هنگام زنی از اهالی سامره برای کشیدن آب به آنجا آمد. عیسی به او گفت: «قدری آب به من بده.» ۸ (زیرا شاگردانش به شهر رفته بودند تا چیزی برای خوردن بخرند.) ۹ پس زن سامری به او گفت: «چطور تو با این که یهودی هستی، از من که زنی سامری هستم، آب می‌خواهی؟» (چون یهودیان با سامریان هیچ گونه معاشرتی نداشتند.) ۱۰ عیسی در جواب به او گفت: «اگر می‌دانستی موهبت* خدا چیست و چه کسی به تو می‌گوید: (آب به من بده)، از او درخواست می‌کردی و او به تو آب زنده می‌بخشید.» ۱۱ زن به عیسی گفت: «آقا، تو حتی سطل هم نداری که آب بکشی و چاه هم عمیق است. پس این آب زنده را از کجا می‌آوری؟ ۱۲ آیا تو از پدر ما یعقوب

۶:۴ * یا: «چشمه آب». * حدود ساعت ۱۲ ظهر.
۱۰:۴ * یا: «بخشش».

است. اما آن که از زمین است، زمینی است و در مورد امور زمینی سخن می‌گوید. آن که از آسمان می‌آید، از همه بالاتر است. ۲۲ او به آنچه دیده و شنیده است، شهادت می‌دهد، اما هیچ کس شهادت او را نمی‌پذیرد ۲۳ و هر که شهادت او را می‌پذیرد، بر این که خدا حقیقت را می‌گوید، مهر تأیید زده است. ۲۴ آن که خدا فرستاد، کلام خدا را می‌گوید: زیرا خدا در عطا کردن روح، خساست به خرج نمی‌دهد.* ۲۵ پدر، پسر را دوست دارد و همه چیز را به دست او سپرده است. ۲۶ کسی که به پسر ایمان می‌ورزد، زندگی جاودان خواهد یافت؛ اما کسی که از پسر نافرمانی می‌کند، آن زندگی را نخواهد دید، بلکه غضب خدا بر او می‌ماند.

۴ سرور پی برد که فریسیان باخبر شده‌اند که او بیش از یحیی شاگرد یافته است و تعمید می‌دهد. ۲ (هرچند که شاگردان عیسی تعمید می‌دادند، نه خود او.) ۳ هنگامی که این خبر به گوش عیسی رسید، یهودیه را ترک کرد و بار دیگر عازم جلیل شد. ۴ اما این بار لازم

۳:۴ * یا: «خدا روح را به میزان معین عطا نمی‌کند».

اورشلیم. ۲۲ شما آنچه را که نمی شناسید می پرسید، ما آنچه را که می شناسیم می پرسیم؛ زیرا نجات از یهودیان آغاز می شود. ۲۳ اما زمانی می رسد و اکنون رسیده است که پرستندگان حقیقی، پدر را در روح و راستی* پرستش خواهند کرد؛ زیرا پدر در پی چنین پرستندگانی است. ۲۴ خدا روح است و پرستندگانش باید او را در روح و راستی* پرستند. ۲۵ زن به او گفت: «می دانم آن که مسیح خوانده می شود، می آید. هنگامی که او بیاید، همه چیز را آشکارا به ما اعلام خواهد کرد.» ۲۶ عیسی به او گفت: «من که با تو صحبت می کنم، همانم.»

۲۷ همان موقع شاگردانش رسیدند و از این که دیدند عیسی با زنی صحبت می کند، تعجب کردند. البته هیچ یک نپرسید: «چه می خواهی؟» یا «چرا با او صحبت می کنی؟» ۲۸ آنگاه زن کوزه آب خود را در آنجا گذاشت، به شهر رفت و به مردم گفت: ۲۹ «بیایید و مردی را ببینید که هر آنچه کرده بودم، به من گفت. آیا فکر نمی کنید که ممکن است او همان مسیح باشد؟» ۳۰ پس مردم از شهر خارج شدند تا نزد عیسی بروند.

۴: ۲۴، ۲۳* یا: «مطابق با حقیقت».

بزرگ تر هستی که این چاه را به ما داد؛ چاهی که او، پسرانش و گله هایش نیز از آن می نوشیدند؟» ۱۳ عیسی در جواب به او گفت: «هر که از این آب بنوشد، دوباره تشنه خواهد شد. ۱۴ اما هر که از آبی که من به او می دهم بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد، بلکه آبی که به وی می دهم، در او چشمه ای جوشان می گردد که زندگی جاودان می بخشد.» ۱۵ زن به او گفت: «آقا، این آب را به من بده تا دیگر تشنه نشوم و برای کشیدن آب مرتب به اینجا نیایم.»

۱۶ عیسی به او گفت: «برو و شوهرت را صدا کن و به اینجا بیا.» ۱۷ زن در جواب گفت: «من شوهر ندارم.» عیسی گفت: «راست می گویی که شوهر نداری؛ ۱۸ زیرا تو پنج شوهر داشتی و آن که اکنون داری، شوهر تو نیست. آنچه گفتی حقیقت است.» ۱۹ زن به او گفت: «آقا، می بینم که تو نبی هستی. ۲۰ پدران ما در این کوه خدا را پرستش می کردند، اما شما می گوید که فقط در اورشلیم باید او را پرستش کرد.» ۲۱ عیسی به او گفت: «ای زن، سخن مرا باور کن؛ زمانی می رسد که شما نه در این کوه پدر را پرستش خواهید کرد و نه در

شهر به عیسی ایمان آوردند. ۴۰ از این رو، وقتی سامریان پیش او آمدند، از او خواستند که نزدشان بماند. عیسی نیز دو روز در آنجا ماند. ۴۱ در نتیجه بسیاری دیگر چون سخنان او را شنیدند، ایمان آوردند ۴۲ و به آن زن گفتند: «ایمان آوردن ما دیگر تنها به خاطر سخن تو نیست؛ زیرا ما خود سخنان او را شنیدیم و حال می‌دانیم که این مرد واقعاً نجات‌دهندهٔ دنیاست.»

۴۳ هنگامی که آن دو روز سپری شد، عیسی آنجا را ترک کرد و به جلیل رفت. ۴۴ عیسی خود شهادت داد که نبی در دیار خود حرمتی ندارد. ۴۵ اما وقتی به جلیل رسید، اهالی جلیل او را پذیرفتند؛ زیرا آنان نیز برای عید به اورشلیم رفته بودند و هر آنچه را عیسی هنگام عید در آنجا کرده بود، دیده بودند.

۴۶ او دوباره به قنای جلیل رفت؛ جایی که آب را به شراب تبدیل کرده بود. یکی از مأموران دربار که پسر بی‌بیمار در کفرناحوم داشت، در آنجا بود. ۴۷ وقتی شنید که عیسی از یهودیه به جلیل آمده است، نزد وی رفت و از او خواست که بیاید و پسرش را شفا بخشد؛ زیرا پسرش در حال مرگ بود. ۴۸ اما عیسی به او گفت: «شما

۳۱ در این میان، شاگردان به‌اصرار از عیسی چنین درخواست کردند: «استاد، چیزی بخور.» ۳۲ اما عیسی به آنان گفت: «من خوراکی برای خوردن دارم که شما از آن بی‌خبرید.» ۳۳ پس شاگردان از یکدیگر پرسیدند: «آیا کسی خوراک برای او آورده است؟» ۳۴ عیسی به آنان گفت: «خوراک من این است که خواست او را که مرا فرستاده است، به جا آورم و کار او را به پایان رسانم. ۳۵ آیا نمی‌گویید که هنوز چهار ماه تا زمان درو مانده است؟ من به شما می‌گویم، نظر افکنید و مزارع را ببینید که برای درو سفید شده است. ۳۶ هم‌اکنون دروگر، مزد خود را می‌گیرد و محصول را برای زندگی جاودان جمع می‌کند تا به این ترتیب، آن که می‌کارد و آن که درو می‌کند، با هم شادی کنند. ۳۷ در اینجا این گفته صدق می‌کند که «یکی می‌کارد و دیگری درو می‌کند.» ۳۸ من شما را می‌فرستم تا آنچه را که زحمتی برای آن نکشیده‌اید، درو کنید. دیگران سخت کار کردند و شما از دسترنج آنان فایده می‌برید.»

۳۹ پس به دلیل سخنان آن زن که شهادت داده و گفته بود: «هر آنچه کرده بودم به من گفت،» بسیاری از سامریان آن

بیمار، نابینا، لنگ و علیل* بسیاری در این ایوان‌ها خوابیده بودند. ۴* — ۵ مردی در آنجا بود که مدت ۳۸ سال بیمار بود. ۶ وقتی عیسی دید که آن مرد آنجا خوابیده است و دانست که مدتی طولانی بیمار بوده، به او گفت: «آیا می‌خواهی تندرستی خود را بازیابی؟» ۷ مرد بیمار پاسخ داد: «آقا، من کسی را ندارم که وقتی آب به حرکت در می‌آید، مرا در حوض ببرد. تا من خود را به آنجا می‌رسانم، یکی دیگر پیش از من پایین می‌رود.» ۸ عیسی به او گفت: «برخیز! بستر* خود را بردار و راه برو.» ۹ همان دم آن مرد تندرستی خود را بازیافت، بستر* خود را برداشت و شروع به راه رفتن کرد. آن روز، روز سَبَّت* بود. ۱۰ از این رو، یهودیان به مردی که شفا یافته بود، گفتند: «امروز سَبَّت است و برای تو جایز نیست که بستر* خود را حمل کنی.» ۱۱ او در جواب به آنان گفت: «آن که مرا تندرست ساخت به من گفت: (بستر* خود را بردار و راه برو.)» ۱۲ آنان از او

۳: ۵ * یا: «فلج». ۴: ۵ * چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود. ۸: ۵-۱۱ * یا: «تخت». ۹: ۵ * رجوع به واژه‌نامه.

تا نشانه‌ها و عجایب نبینید، هرگز ایمان نمی‌آورید.» ۴۹ مأمور دربار به او گفت: «سرور، پیش از این که فرزند خردسالم بمیرد، بیا.» ۵۰ عیسی به او گفت: «برو، پسرت زنده می‌ماند.» آن مرد سخن عیسی را باور کرد و به راه افتاد. ۵۱ هنوز در راه بود که غلامانش نزد او آمدند و به او خبر دادند که پسرش بهبود یافته است.* ۵۲ او از ایشان پرسید که پسرش در چه ساعتی بهبود یافت. آنان پاسخ دادند: «دیروز در ساعت هفتم* تبش قطع شد.» ۵۳ آنگاه پدر دانست که در همان ساعت بود که عیسی به او گفته بود: «پسرت زنده می‌ماند.» پس او و همه اهل خانه‌اش ایمان آوردند. ۵۴ این دومین معجزه‌ای* بود که عیسی پس از آن که از یهودیه به جلیل آمد، به ظهور رساند.

۵ پس از این وقایع، عیسی برای یکی از اعیاد یهودیان به اورشلیم رفت. ۲ در اورشلیم نزدیک «دروازه گوسفند» حوضی است که پنج ایوان* دارد و نام آن به زبان عبری بیت‌جسد است. ۳ افراد

۵۱: ۴ * یا: «پسرش زنده است». ۵۲: ۴ * حدود ساعت ۱ بعد از ظهر. ۵۴: ۴ * تحت اللفظی: «نشانه‌ای». ۲: ۵ * منظور نشستگاهی ستوندار و سرپوشیده است.

پرسیدند: «مردی که به تو گفت: (بسترت* را بردار و راه برو، کیست؟» ۱۳ اما مرد شفایافته نمی دانست که او چه کسی است؛ زیرا عیسی در میان جمعیت حاضر در آنجا ناپدید شده بود.

۱۴ چندی بعد، عیسی آن مرد را در معبد یافت و به او گفت: «تو تندرستی خود را بازیافته‌ای. پس دیگر گناه مکن تا به وضعی بدتر دچار نشوی.» ۱۵ آن مرد رفت و به یهودیان گفت: «کسی که مرا تندرست ساخت، عیسی بود.» ۱۶ چون عیسی در روز سَبَّت چنین کارهایی می کرد، یهودیان به آزار او پرداختند. ۱۷ اما عیسی به آنان گفت: «پدر من تا به حال کار کرده است و هنوز کار می کند و من نیز همچنان کار می کنم.» ۱۸ از این رو، یهودیان در کشتن او بیشتر مصمم شدند؛ زیرا نه تنها سَبَّت را زیر پا می گذاشت، بلکه خدا را نیز پدر خود می خواند و بدین ترتیب، خود را با خدا برابر می ساخت.

۱۹ پس عیسی در پاسخ به آنان گفت: «حقیقتاً به شما می گویم، پسر از خود هیچ کاری نمی تواند بکند، مگر فقط کارهایی که می بیند پدر می کند، چون

۱۲:۵ * یا: «تخت».

هر آنچه پدر انجام می دهد، پسر نیز آن را به همان شیوه انجام می دهد؛ ۲۰ زیرا پدر، پسر را دوست دارد* و هر آنچه خود می کند به او نشان می دهد. همچنین کارهایی بزرگ تر از این ها به او نشان خواهد داد تا شما حیرت کنید. ۲۱ همان طور که پدر مردگان را برمی خیزاند و زنده می کند، پسر نیز هر که را بخواهد، زنده می کند؛ ۲۲ زیرا پدر هیچ کس را داوری نمی کند، بلکه داوری را تماماً به پسر سپرده است ۲۳ تا همه پسر را حرمت گذارند، همان طور که پدر را حرمت می گذارند. هر که پسر را حرمت نمی نهد، پدر را نیز که او را فرستاده است، حرمت نمی نهد. ۲۴ حقیقتاً به شما می گویم، آن که کلام مرا بشنود و به کسی که مرا فرستاده است، ایمان آورد، زندگی جاودان می یابد و محکوم نمی شود، بلکه از مرگ به حیات پا گذاشته است.

۲۵ «حقیقتاً به شما می گویم، زمانی می رسد و اکنون رسیده است که مردگان صدای پسر خدا را خواهند شنید و کسانی که آن را بشنوند، زنده خواهند شد؛ ۲۶ زیرا همان طور که پدر در خود حیات

۲۰:۵ * به یونانی فیلتو؛ رجوع به واژه نامه:

«محبت».

دارد.* به پسر نیز این را بخشیده است که در خود حیات داشته باشد ۲۷ و به او اقتدار داده است تا داوری کند: زیرا او پسر انسان است. ۲۸ از این سخنان حیرت مکنید: زیرا زمانی می‌رسد که تمام آنانی که در قبرها* هستند، صدای او را خواهند شنید ۲۹ و بیرون خواهند آمد، هر که اعمال نیکو کرد، رستاخیزش به حیات می‌انجامد و هر که اعمال شریرانه پیشه کرد، رستاخیزش به محکومیت می‌انجامد. ۳۰ من هیچ کاری را نمی‌توانم از خود انجام دهم، بلکه مطابق آنچه می‌شنوم، داوری می‌کنم و داوری من عادلانه است: زیرا در پی انجام دادن خواست خود نیستم، بلکه در پی انجام دادن خواست آن کسی هستم که مرا فرستاده است.

۳۱ «اگر تنها من در مورد خود شهادت دهم، شهادتی که می‌دهم معتبر نیست. ۳۲ کسی دیگر هست که در مورد من شهادت می‌دهد و می‌دانم که شهادت او در مورد من معتبر است. ۳۳ شما افرادی نزد یحیی فرستادید و او بر حقیقت شهادت داده است. ۳۴ اما من به ۵: ۲۶* یا: «پدر در خود نعمت حیات را دارد». ۵: ۲۸* رجوع به واژه‌نامه: «مقبره یادبود».

شهادت انسان نیازی ندارم، بلکه این‌ها را می‌گویم که شما نجات یابید. ۳۵ آن مرد، چراغی افروخته و درخشان بود و شما می‌خواستید مدتی کوتاه در نور او شادی کنید. ۳۶ اما شهادتی که من دارم، بزرگ‌تر از شهادتی است که یحیی داد: زیرا کارهایی که پدر به من محوّل کرده است تا به انجام رسانم، یعنی همین کارهایی که می‌کنم، شهادت می‌دهد که پدر مرا فرستاده است. ۳۷ پدری که مرا فرستاد، خود بر من شهادت داده است. شما هرگز نه صدای او را شنیده‌اید و نه ظاهر او را دیده‌اید. ۳۸ کلام او نیز در شما نمی‌ماند: زیرا به کسی که او فرستاد، ایمان نمی‌آورید.

۳۹ «شما نوشته‌های مقدّس را کندوکاو می‌کنید: زیرا گمان می‌برید که از طریق آن‌ها زندگی جاودان خواهید داشت، حال آن‌که همین نوشته‌ها خود بر من شهادت می‌دهد. ۴۰ با این حال نمی‌خواهید نزد من بیایید تا حیات یابید. ۴۱ من از انسان‌ها جلال نمی‌پذیرم، ۴۲ اما به‌خوبی می‌دانم که شما محبت خدا را در دل خود ندارید. ۴۳ من به نام پدر خود آمده‌ام، اما شما مرا نمی‌پذیرید: لیکن اگر کسی به نام خود می‌آمد، او را

۶ در واقع، عیسی این را گفت تا او را بیازماید؛ زیرا خود می‌دانست که چه می‌خواهد بکند. ۷ فیلیپس به او پاسخ داد: «حتی ۲۰۰ دینار* نان هم برای اینان کافی نیست تا هر یک اندکی بخورد.» ۸ یکی از شاگردان او به نام آندریاس که برادر شمعون پطرس بود، به وی گفت: ۹ «پسر بچه‌ای اینجاست که پنج نان جو و دو ماهی کوچک دارد. اما این مقدار ناچیز چگونه ممکن است برای چنین جمعیتی کافی باشد؟»

۱۰ عیسی گفت: «مردم را بنشانید.» در آنجا سبزه بسیار بود. شمار مردانی که در آنجا نشستند، حدود ۵۰۰۰ نفر بود. ۱۱ آنگاه عیسی نان‌ها را گرفت و پس از شکرگزاری، آن‌ها را میان کسانی که نشسته بودند، تقسیم کرد. او همین کار را با آن ماهی‌های کوچک نیز کرد و مردم هر چقدر می‌خواستند، خوردند. ۱۲ اما وقتی سیر شدند، عیسی به شاگردانش گفت: «تکه‌های باقی‌مانده را جمع کنید تا چیزی هدر نرود.» ۱۳ پس آن‌ها را جمع کردند و با تکه‌های باقی‌مانده آن پنج نان جو که مردم خورده بودند، ۱۲ سبد پر شد.

۶: ۷ * یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود؛ رجوع به واژه‌نامه.

می‌پذیرفتید. ۴۴ چطور می‌توانید ایمان بیاورید، در حالی که از یکدیگر جلال می‌پذیرید، اما در پی جلالی که از خدای یکتاست، نیستید؟ ۴۵ گمان مبرید که من شما را نزد پدر متهم خواهم کرد. آن که شما را متهم می‌کند موسی است، همان که شما به او امید بسته‌اید. ۴۶ در واقع، اگر به موسی ایمان داشتید، به من نیز ایمان می‌آوردید؛ زیرا او در مورد من نوشته است. ۴۷ اما اگر به نوشته‌های او ایمان ندارید، چگونه به آنچه من می‌گویم، ایمان خواهید آورد؟»

۶ پس از آن، عیسی به آن سوی دریای جلیل* رفت که تیریه نیز خوانده می‌شود. ۲ جمعیتی بزرگ همچنان او را دنبال می‌کرد؛ زیرا آنان معجزاتی را که او برای شفای بیماران به ظهور می‌رساند، می‌دیدند. ۳ آنگاه عیسی به کوهی رفت و آنجا با شاگردانش نشست. ۴ عید پَسَح یهودیان نزدیک بود. ۵ وقتی عیسی نظر انداخت و دید که جمعیتی بزرگ نزد او می‌آیند، به فیلیپس گفت: «از کجا برای اینان نان بخریم تا بخورند؟»

۶: ۱ * دریاچه‌ای است که در کتاب مقدس به نام‌های دریاچه جَنِیسارت، دریای جلیل و دریای تیریه خوانده شده است.

قایق کوچک، قایقی دیگر در آنجا ندیده بودند و می‌دانستند که عیسی با شاگردانش بر آن قایق سوار نشده بود و شاگردانش تنها از آنجا رفته بودند. ۲۳ در آن هنگام، قایق‌هایی از تیبریہ رسیدند. آن‌ها نزدیک به مکانی توقف کردند که مردم پس از این که سرور شکرگزاری کرده بود، نان خورده بودند. ۲۴ پس وقتی مردم دیدند که عیسی و شاگردانش آنجا نیستند، بر آن قایق‌ها سوار شدند و در جستجوی عیسی به گفَرناحوم رفتند.

۲۵ وقتی عیسی را آن طرف دریا یافتند، به او گفتند: «استاد،* کی به اینجا رسیدی؟» ۲۶ عیسی پاسخ داد: «حقیقتاً به شما می‌گویم، شما مرا می‌جوئید، نه به خاطر نشانه‌هایی که دیدید، بلکه به خاطر آن نان‌هایی که خوردید و سیر شدید. ۲۷ برای خوراکی که از بین می‌رود، کار نکنید، بلکه برای خوراکی کار کنید که باقی می‌ماند و به زندگی جاودان می‌انجامد. این خوراک را پسر انسان به شما خواهد داد؛ زیرا پدر، یعنی خود خدا، بر او مهر تأیید زده است.»

۲۸ پس به او گفتند: «چه کنیم تا

۲۵:۶* تحت‌اللفظی: «زَبی»: رجوع به واژه‌نامه:

«زَبی».

۱۴ مردم با دیدن این معجزه که او به ظهور رساند، گفتند: «این به‌راستی همان پیامبری است که می‌بایست به جهان می‌آمد.» ۱۵ عیسی چون می‌دانست چیزی نمانده است که بیایند و او را به‌زور پادشاه کنند، آنان را ترک کرد و بار دیگر تنها به کوه رفت.

۱۶ نزدیک غروب، شاگردانش به سوی دریا رفتند ۱۷ و بر قایقی سوار شده، به سمت گفَرناحوم که در آن سوی دریا واقع بود، حرکت کردند. در آن هنگام هوا تاریک شده بود و عیسی هنوز نزدشان نیامده بود. ۱۸ همچنین به دلیل وزش باد شدید، دریا متلاطم شد. ۱۹ وقتی پنج یا شش کیلومتر* پارو زدند، عیسی را دیدند که روی آب راه می‌رود و به قایق نزدیک می‌شود؛ پس بسیار ترسیدند. ۲۰ اما عیسی به ایشان گفت: «من هستم، مترسید!» ۲۱ آنگاه، آنان با آسودگی خاطر، او را بر قایق سوار کردند و قایق اندکی بعد به ساحلی که عازم آن بودند، رسید.

۲۲ روز بعد، مردمی که آن طرف دریا مانده بودند، به خاطر آوردند که بجز یک

۱۹:۶* تحت‌اللفظی: «حدود ۲۵ یا ۳۰

استادیون»؛ یک استادیون معادل ۱۸۵ متر بود.

کارهایمان مورد پسند خدا باشد؟»
 ۲۹ عیسی در پاسخ به آنان گفت: «کار مورد پسند خدا این است که شما به آن کسی که او فرستاده است، ایمان بورزید.»
 ۳۰ آنگاه از او پرسیدند: «تو چه نشانه‌ای نمایان می‌سازی تا آن را ببینیم و به تو ایمان آوریم؟ چه کار خواهی کرد؟» ۳۱ پدران ما در بیابان مَنّا خوردند، چنان که نوشته شده است: «او به آنان از آسمان نان داد تا بخورند.» ۳۲ پس عیسی به ایشان گفت: «حقیقتاً به شما می‌گویم، موسی نان حقیقی را از آسمان به شما نداد، اما اکنون پدر من نان حقیقی را از آسمان به شما می‌دهد: ۳۳ زیرا نان خدا همان کسی است که از آسمان آمده، حیات به دنیا می‌بخشد.» ۳۴ پس گفتند: «سَرور، این نان را همیشه به ما بده.»

۳۵ عیسی به آنان گفت: «من نان حیات هستم. هر که نزد من بیاید، هرگز گرسنه نخواهد شد و هر که به من ایمان بورزد، هرگز تشنه نخواهد گردید. ۳۶ اما همان گونه که به شما گفتم، شما با این که مرا دیده‌اید، ایمان نمی‌آورید. ۳۷ همهٔ کسانی که پدر به من بدهد، نزد من خواهند آمد و آن که نزد من آید، او را هرگز از خود دور نخواهم ساخت: ۳۸ زیرا

از آسمان نیامده‌ام تا به خواست خود عمل کنم، بلکه آمده‌ام تا خواست او را که مرا فرستاد، به جا آورم. ۳۹ خواست او که مرا فرستاد این است که از تمام کسانی که وی به من داده است، هیچ کس را از دست ندهم، بلکه آنان را در روز بازپسین رستاخیز بخشم: ۴۰ زیرا خواست پدر من این است که هر که تشخیص دهد پسر کیست و به او ایمان بورزد، از زندگی جاودان برخوردار شود و من او را در روز بازپسین رستاخیز خواهم داد.»

۴۱ آنگاه یهودیان در مورد او شروع به گله و شکایت کردند: زیرا گفته بود: «من آن نان هستم که از آسمان آمد.»
 ۴۲ آنان گفتند: «آیا این همان عیسی پسر یوسف نیست که پدر و مادرش را می‌شناسیم؟ پس چطور اکنون می‌گوید، «از آسمان آمده‌ام؟»» ۴۳ عیسی در پاسخ گفت: «با یکدیگر گله و شکایت نکنید. ۴۴ هیچ کس نمی‌تواند نزد من آید، مگر پدری که مرا فرستاد، او را به سوی من بکشد: آنگاه من او را در روز بازپسین رستاخیز خواهم داد. ۴۵ در نوشته‌های انبیا آمده است: «همهٔ آنان از یَهُوه* تعلیم خواهند گرفت.» هر که تعالیم پدر را بشنود

و آن را فرا گیرد، نزد من می‌آید. ۴۶ البته نه این که کسی پدر را دیده باشد، جز آن کسی که از خداست؛ او پدر را دیده است. ۴۷ حقیقتاً به شما می‌گویم، هر که ایمان بیاورد، زندگی جاودان می‌یابد.

۴۸ «من نان حیات هستم. ۴۹ پدران شما مَثَر را در بیابان خوردند و با این حال مردند. ۵۰ اما این، آن نانی است که از آسمان می‌آید تا هر که از آن بخورد، نمیرد. ۵۱ من آن نان زنده هستم که از آسمان آمد. هر که از این نان بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند. در واقع، نانی که من خواهم داد تا مردم دنیا حیات یابند، بدن من است.»

۵۲ آنگاه یهودیان با یکدیگر به بحث پرداختند و گفتند: «این مرد چگونه می‌تواند بدن خود را به ما بدهد تا بخوریم؟» ۵۳ پس عیسی به آنان گفت: «حقیقتاً به شما می‌گویم، تا بدن پسر انسان را نخورید و خون او را ننوشید، در خود حیات ندارید. ۵۴ هر که از بدن من بخورد و خون مرا بنوشد، زندگی جاودان می‌یابد و من او را در روز بازپسین رستاخیز خواهم داد؛ ۵۵ زیرا بدن من خوراک حقیقی است و خون من آشامیدنی حقیقی. ۵۶ آن که از بدن من بخورد و خون مرا بنوشد، در اتحاد با

من می‌ماند و من در اتحاد با او می‌مانم. ۵۷ همان طور که پدر زنده مرا فرستاد و من به سبب پدر حیات دارم، آن که از بدن من بخورد نیز به سبب من حیات خواهد داشت. ۵۸ این نانی است که از آسمان آمد و همچون آن نانی نیست که پدرانتان از آن خوردند و با این حال مردند، بلکه هر که از این نان بخورد، تا ابد زنده خواهد ماند.» ۵۹ عیسی این سخنان را هنگامی گفت که در کنیسه‌ای* در کفرناحوم تعلیم می‌داد.

۶۰ بسیاری از شاگردانش وقتی این‌ها را شنیدند، گفتند: «این سخنان بسیار ناخوشایند است. چه کسی می‌تواند به آن گوش دهد؟» ۶۱ اما عیسی که پی برد شاگردانش در این مورد گله و شکایت می‌کنند، گفت: «آیا این سخنان باعث لغزش شما می‌شود؟ ۶۲ پس اگر ببینید که پسر انسان به جایی که پیش از این بود بالا می‌رود، چه خواهید کرد؟ ۶۳ روح است که حیات می‌بخشد، اما از جسم هیچ فایده‌ای حاصل نمی‌شود. سخنانی که من به شما گفتم، روح و حیات است. ۶۴ اما برخی از شما که در اینجا هستید، ایمان ندارید.» عیسی ۵۹:۶* یا: «در حضور جماعت».

۲ اما عید خیمه‌ها که از اعیاد یهودی بود، نزدیک بود. ۳ پس برادرانش به او گفتند: «اینجا را ترک کن و به یهودیه برو تا شاگردانت نیز کارهای تو را ببینند؛ ۴ زیرا آن که می‌خواهد شناخته شود، در پنهان کاری نمی‌کند. حال تو که این کارها را می‌کنی، خودت را به دنیا نشان بده.» ۵ در واقع برادرانش به او ایمان نیاورده بودند. ۶ پس عیسی به آنان گفت: «وقت من هنوز نرسیده است، ۷ دلیلی ندارد که دنیا از شما نفرت داشته باشد، اما از من نفرت دارد؛ زیرا من در مورد آن شهادت می‌دهم که اعمالش شریر است. ۸ شما برای عید بروید؛ من اکنون برای این عید نمی‌آیم؛ زیرا وقت من هنوز کاملاً نرسیده است.» ۹ عیسی این سخنان را به آنان گفت و در جلیل ماند.

۱۰ اما وقتی برادرانش برای عید رفتند، او نیز به آنجا رفت؛ البته نه آشکارا، بلکه درخفا. ۱۱ از این رو، یهودیان هنگام عید به دنبال او می‌گشتند و می‌گفتند: «آن مرد کجاست؟» ۱۲ مردم بین خود در مورد او صحبت‌های بسیاری می‌کردند. برخی می‌گفتند: «او مرد خوبی است.» برخی

این را گفت، چون از آغاز می‌دانست که چه کسانی ایمان ندارند و چه کسی به او خیانت خواهد کرد. ۶۵ سپس گفت: «به این دلیل است که به شما گفتم:» هیچ کس نمی‌تواند نزد من آید، مگر آن که از جانب پدر به او عطا شده باشد.»

۶۶ به همین خاطر، بسیاری از شاگردان عیسی دیگر او را همراهی نکردند و به آنچه رها کرده بودند، بازگشتند. ۶۷ پس عیسی به آن دوازده نفر گفت: «آیا شما هم می‌خواهید بروید؟» ۶۸ شَمْعُونِ پِطْرُس پاسخ داد: «سَرور، نزد چه کسی برویم؟ سخنان زندگی جاودان نزد توست؛ ۶۹ ما ایمان آورده‌ایم و دانسته‌ایم که تو آن قَدّوس خدایی.» ۷۰ عیسی به آنان پاسخ داد: «مگر من شما دوازده نفر را انتخاب نکرده‌ام؟ اما یکی از شما تهمت‌زن* است.» ۷۱ او در واقع در مورد یهودا، پسر شَمْعُونِ إِسْخَرْیوطی سخن می‌گفت؛ زیرا با این که یکی از آن دوازده نفر بود، چندی بعد به او خیانت می‌کرد.

بعد از این امور، عیسی همچنان به سفر خود در جلیل ادامه داد. او نمی‌خواست به یهودیه برود، چون یهودیان قصد داشتند او را بکشند.

دیگر می‌گفتند: «خیر، او مردم را گمراه می‌کند.» ۱۳ البته، به دلیل ترس از یهودیان،* هیچ کس آشکارا در مورد او صحبت نمی‌کرد.

۱۴ نیمی از اِثام عید گذشته بود. آنگاه عیسی به معبد رفت و به تعلیم دادن پرداخت. ۱۵ یهودیان با تعجب می‌گفتند: «چطور این مرد که در مدارس دینی* آموزش ندیده است، چنین دانشی از نوشته‌های مقدس* دارد؟» ۱۶ عیسی در جواب به آنان گفت: «آنچه من تعلیم می‌دهم از من نیست، بلکه از کسی است که مرا فرستاده است. ۱۷ کسی که بخواهد خواست او را به جا آورد، خواهد دانست که آیا این تعلیم از خداست یا این که من از خودم می‌گویم. ۱۸ هر که از خود سخن می‌گوید، جلال خود را می‌طلبد؛ اما هر که جلال کسی را می‌طلبد که او را فرستاده است، راست می‌گوید و در او هیچ ناراستی نیست. ۱۹ آیا موسی شریعت را به شما نداد؟ اما حتی یکی از شما هم به آن عمل نمی‌کند. چرا می‌خواهید مرا بکشید؟» ۲۰ مردم پاسخ

۱۳:۷ *ظاهراً به رهبران مذهبی یهودیان اشاره دارد. ۱۵:۷ *منظور مدارس خاخامی است. * «نوشته‌های مقدس» تحت‌اللفظی: «نوشته‌ها».

دادند: «تودیوداری. چه کسی می‌خواهد تو را بکشد؟» ۲۱ عیسی در پاسخ به آنان گفت: «من فقط یک کار در روز سَبَّت* کردم و شما از آن متعجب شده‌اید. ۲۲ پس به این نکته توجه کنید: موسی قانون ختنه را به شما داد-البته این قانون از زمان موسی نبود، بلکه از زمان پدران او بود- و شما بر این اساس پسران را در روز سَبَّت ختنه می‌کنید. ۲۳ اگر پسران در روز سَبَّت ختنه می‌شوند تا شریعت موسی شکسته نشود، چرا از من که مردی را در روز سَبَّت کاملاً تندرست ساختم، به شدت خشمگین هستید؟ ۲۴ دیگر از روی ظاهر داوری نکنید، بلکه عادلانه داوری کنید.»

۲۵ شماری از ساکنان اورشلیم گفتند: «آیا این همان مردی نیست که قصد کشتنش را دارند؟ ۲۶ نگاه کنید! با این حال، در مقابل همگان صحبت می‌کند و چیزی به او نمی‌گویند! آیا ممکن است که سران قوم دریافته باشند که او واقعاً همان مسیح است؟» ۲۷ اما ما می‌دانیم این مرد از کجاست؛ حال آن که وقتی مسیح بیاید، هیچ کس نخواهد دانست که از کجاست.» ۲۸ سپس عیسی هنگامی که

یافت؟ آیا می‌خواهد نزد یهودیانی که در میان یونانیان پراکنده‌اند، برود و به یونانیان تعلیم دهد؟ ۳۶ منظور او چیست که می‌گوید: «مرا خواهید جست، اما نخواهید یافت و جایی که من هستم، شما نمی‌توانید بیابید؟»

۳۷ در آخرین روزِ ایام عید که روز بزرگ عید بود، عیسی برخاست و با صدای بلند گفت: «اگر کسی تشنه است، نزد من بیاید و بنوشد. ۳۸ هر که به من ایمان آورد، همان طور که در نوشته‌های مقدس آمده است: «از اعماق وجودش نهرهای آب زنده روان خواهد شد.» ۳۹ اما او این را در مورد روحی گفت که به‌زودی به کسانی داده می‌شد که به او ایمان می‌آوردند؛ زیرا تا آن زمان روح عطا نشده بود، چون عیسی هنوز جلال نیافته بود. ۴۰ شماری از میان جمعیت که این سخنان را شنیدند، می‌گفتند: «او به‌راستی همان پیامبر موعود است.» ۴۱ برخی دیگر می‌گفتند: «او مسیح است.» اما عده‌ای می‌گفتند: «مگر مسیح از جلیل ظهور می‌کند؟ ۴۲ مگر نوشته‌های مقدس نمی‌گویند که مسیح از نسل داوود است؟ مگر نمی‌گویند که از بیت‌لحم، همان روستایی که داوود در آن زندگی می‌کرد، می‌آید؟» ۴۳ پس در مورد

در معبد آموزش می‌داد، با صدای بلند گفت: «شما مرا می‌شناسید و می‌دانید که از کجا آمده‌ام. اما من خودسرانه نیامده‌ام، بلکه به‌راستی کسی هست که مرا فرستاد و شما او را نمی‌شناسید. ۲۹ من او را می‌شناسم؛ زیرا نماینده او هستم و اوست که مرا فرستاد.» ۳۰ پس در صدد برآمدند که او را گرفتار سازند، اما هیچ کس دست بر او دراز نکرد؛ زیرا وقت او هنوز نرسیده بود. ۳۱ با این حال، بسیاری از مردم به او ایمان آوردند و می‌گفتند: «وقتی مسیح بیاید، آیا معجزاتی* بیش از این مرد به ظهور خواهد رساند؟»

۳۲ فریسیان شنیدند که چنین سخنانی در مورد او بین مردم پیچیده است. پس سران کاهنان و فریسیان برای گرفتار ساختن* او مأمورانی* فرستادند. ۳۳ آنگاه عیسی گفت: «من اندکی بیشتر با شما خواهم بود. سپس نزد او که مرا فرستاد، می‌روم. ۳۴ شما مرا خواهید جست، اما نخواهید یافت و جایی که من هستم، شما نمی‌توانید بیابید.» ۳۵ پس یهودیان در میان خود گفتند: «این مرد کجا می‌خواهد برود که ما او را نخواهیم

۳۱:۷ * تحت اللفظی: «نشانه‌هایی». ۳۲:۷ * یا: «دستگیر کردن». * منظور نگهبانان معبد است.

او میان جمعیت دودستگی به وجود آمد. ۴۴ برخی از آنان نیز می‌خواستند او را گرفتار کنند.* اما هیچ کس دست بر او دراز نکرد.

۴۵ وقتی مأموران بازگشتند، سران کاهنان و فریسیان از آنان پرسیدند: «چرا او را به اینجا نیاوردید؟» ۴۶ مأموران پاسخ دادند: «هرگز کسی همچون این مرد سخن نگفته است.» ۴۷ فریسیان در جواب گفتند: «آیا شما هم گمراه شده‌اید؟ ۴۸ آیا کسی از سران قوم یا فریسیان به او ایمان آورده است؟ ۴۹ اما این مردمی که شریعت را نمی‌دانند، مردمی لعنت شده‌اند.» ۵۰ نیکودیموس که پیش از این نزد عیسی رفته بود و یکی از فریسیان بود، به آنان گفت: ۵۱ «طبق شریعتمان، اگر بخواهیم کسی را محکوم کنیم، باید نخست سخن او را بشنویم تا معلوم شود که چه کار می‌کند. آیا این طور نیست؟» ۵۲ آنان در جواب به او گفتند: «مگر تو هم جلیلی هستی؟ تحقیق کن و بین که هیچ پیامبری از جلیل بر نمی‌خیزد.»*

۴۴:۷ ی: «دستگیر کنند.» ۵۲:۷ * در برخی از دست‌نوشته‌های معتبر از آیه ۵۳ باب ۷ تا آیه ۱۱ باب ۸ ذکر نشده است.



۱۲ سپس بار دیگر عیسی یهودیان را مخاطب قرار داد و به آنان گفت: «من نور دنیا هستم. هر که مرا پیروی کند، به هیچ وجه در تاریکی گام نخواهد برداشت، بلکه از نور حیات بخش برخوردار خواهد بود.» ۱۳ آنگاه فریسیان به او گفتند: «تو در مورد خود شهادت می‌دهی؛ پس شهادت تو معتبر نیست.» ۱۴ عیسی در جواب به آنان گفت: «حتی اگر من در مورد خود شهادت دهم، شهادت من معتبر است؛ زیرا من می‌دانم که از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم. اما شما نمی‌دانید که من از کجا آمده‌ام و به کجا می‌روم. ۱۵ شما بر اساس معیارهای انسانی داوری می‌کنید.* اما من هیچ کس را داوری نمی‌کنم ۱۶ و حتی اگر هم داوری کنم، داوری من درست است؛ زیرا من تنها نیستم، بلکه پدری که مرا فرستاد، با من است. ۱۷ همچنین در شریعت خودتان نوشته شده است: (اگر دو تن بر امری شهادت دهند، شهادتشان معتبر است.) ۱۸ در مورد من نیز دو تن شهادت می‌دهند؛ یکی خودم، دیگری پدری که مرا فرستاد.» ۱۹ آنگاه از او

۱۵:۸ * تحت اللفظی: «شما مطابق جسم داوری می‌کنید.»

پرسیدند: «پدرت کجاست؟» عیسی پاسخ داد: «شما نه مرا می‌شناسید و نه پدر مرا. اگر مرا می‌شناختید، پدرم را نیز می‌شناختید.» ۲۰ این سخنان را عیسی هنگامی گفت که در محل خزانه معبد تعلیم می‌داد. اما هیچ کس او را گرفتار نداشت؛ زیرا وقت او هنوز نرسیده بود. ۲۱ عیسی بار دیگر به آنان گفت: «من می‌روم و شما مرا خواهید جست، اما در گناه خود خواهید مرد. جایی که می‌روم شما نمی‌توانید بیایید.» ۲۲ آنگاه یهودیان گفتند: «آیا می‌خواهد خود را بکشد؟ چون می‌گوید: (جایی که می‌روم شما نمی‌توانید بیایید).» ۲۳ عیسی به آنان گفت: «شما از پایین هستید، من از بالا هستم. شما از این دنیا هستید، من از این دنیا نیستم. ۲۴ از این رو، به شما گفتم که در گناهان خود خواهید مرد؛ زیرا اگر ایمان نیلورید که من او هستم، در گناهان خود خواهید مرد.» ۲۵ از او پرسیدند: «تو کیستی؟» عیسی در پاسخ به آنان گفت: «اصلاً من چرا با شما سخن می‌گویم؟ ۲۶ من سخنان بسیاری دارم که درباره شما بگویم و امور بسیاری هست که در مورد آن قضاوت خواهم کرد. در واقع، او که مرا فرستاد حقیقت را می‌گوید

و من هر آنچه از او شنیده‌ام، در دنیا بیان می‌کنم.» ۲۷ آنان درک نکردند که او در مورد پدر با ایشان سخن می‌گوید. ۲۸ پس عیسی به آنان گفت: «هنگامی که پسر انسان را بالا بردید،* آن وقت خواهید دانست که من او هستم و از خود کاری نمی‌کنم، بلکه همان سخنانی را می‌گویم که پدر به من آموخت. ۲۹ او که مرا فرستاد با من است و مرا تنها نگذاشته است؛ زیرا من همواره هر آنچه او را خشنود می‌سازد، انجام می‌دهم.» ۳۰ هنگامی که عیسی این سخنان را می‌گفت، بسیاری به او ایمان آوردند.

۳۱ سپس عیسی خطاب به یهودیانی که به او ایمان آورده بودند، گفت: «اگر شما در کلام من بمانید، به راستی شاگرد من هستید، ۳۲ حقیقت را خواهید شناخت و حقیقت شما را آزاد خواهد ساخت.» ۳۳ دیگران در جواب او گفتند: «ما فرزندان ابراهیم هستیم و هرگز برده کسی نبوده‌ایم. چگونه است که می‌گویی: (آزاد خواهید شد؟)» ۳۴ عیسی پاسخ داد: «حقیقتاً به شما می‌گویم، هر که گناه می‌کند، برده گناه است. ۳۵ همچنین برده همیشه در خانه

۲۸:۸ * منظور آویختن بر تیر اعدام است.

نمی‌فهمید؟ دلیل آن این است که نمی‌توانید به سخنان من گوش دهید. ۴۴ شما از پدر خود ابلیس هستید و می‌خواهید خواسته‌های پدر خود را به جا آورید. او از آغاز* قاتل بود و در حقیقت استوار نماند؛ زیرا حقیقت در او نیست. وقتی او دروغ می‌گوید مطابق خلق و خوی خود سخن می‌گوید؛ زیرا دروغگو و پدر دروغ است. ۴۵ اما چون من حقیقت را می‌گویم، سخن مرا باور نمی‌کنید. ۴۶ کدام یک از شما می‌تواند مرا به گناه محکوم کند؟ پس اگر من حقیقت را می‌گویم، چرا سخن مرا باور نمی‌کنید؟ ۴۷ آن که از خداست به سخنان خدا گوش می‌دهد، اما شما چون از خدا نیستید، گوش نمی‌دهید.»

۴۸ یهودیان در جواب او گفتند: «آیا درست نگفتم که تو سامری هستی و دیو داری؟» ۴۹ عیسی پاسخ داد: «من دیو ندارم، بلکه پدرم را حرمت می‌گذارم و شما مرا بی‌حرمت می‌کنید. ۵۰ من در پی جلال دادن خود نیستم؛ اما کسی هست که در پی آن است و اوست که داوری می‌کند. ۵۱ حقیقتاً به شما می‌گویم، هرگز مرگ را که کلام مرا حفظ کند، هرگز مرگ را»

۴۴:۸ ی: «او از زمانی که در راه خود گام برداشت.»

ارباب نمی‌ماند، اما پسر همیشه می‌ماند. ۳۶ پس اگر پسر آزادتان کند، به‌راستی آزاد خواهید بود. ۳۷ من می‌دانم که شما فرزندان ابراهیم هستید؛ اما قصد کشتن مرا دارید؛ زیرا کلام من درد دل شما جای نمی‌گیرد. ۳۸ من از آنچه نزد پدر دیده‌ام، سخن می‌گویم، اما شما آنچه را که از پدر خود شنیده‌اید، انجام می‌دهید.» ۳۹ در جواب او گفتند: «پدر ما ابراهیم است.» عیسی به آنان گفت: «اگر فرزندان ابراهیم بودید، اعمال ابراهیم را انجام می‌دادید. ۴۰ اما حال شما می‌خواهید مرا بکشید؛ در حالی که من کسی هستم که حقیقت را از خدا شنیدم و به شما گفتم. ابراهیم چنین رفتار نکرد. ۴۱ شما اعمال پدر خود را انجام می‌دهید.» آنان به او گفتند: «ما حرامزاده نیستیم!» ما یک پدر داریم که خداست.»

۴۲ عیسی به ایشان گفت: «اگر خدا پدر شما بود، مرا دوست می‌داشتید؛ زیرا از جانب خدا آمده‌ام و اینجا هستم. من خودسرانه نیامده‌ام، بلکه اوست که مرا فرستاد. ۴۳ چرا آنچه را می‌گویم،

۴۱:۸ ی: «ما از طریق روابط نامشروع جنسی زاییده نشده‌ایم؛ به یونانی پُرُنیا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

نخواهد دید.» ۵۲ یهودیان به او گفتند: «حال فهمیدیم که دیو داری. ابراهیم و پیامبران مردند، اما تو می‌گویی: «هر که کلام مرا حفظ کند، هرگز طعم مرگ را نخواهد چشید!» ۵۳ آیا تواز ابراهیم، پدر ما که مُرد بزرگ‌تر هستی؟ پیامبران نیز مُردند. ادعا می‌کنی که چه کسی هستی؟» ۵۴ عیسی پاسخ داد: «اگر من خود را جلال دهم، جلال من هیچ است. پدر من است که مرا جلال می‌دهد؛ همان که شما می‌گویید، خدایتان است. ۵۵ با این حال شما او را نشناخته‌اید، اما من او را می‌شناسم و اگر بگویم که او را نمی‌شناسم، همچون شما دروغگو خواهم بود. اما من او را می‌شناسم و کلام او را حفظ می‌کنم. ۵۶ پدر شما ابراهیم، چون در انتظار دیدن روز من بود، بسیار شادی می‌کرد و آن را دید و شادمان شد.» ۵۷ آنگاه یهودیان به او گفتند: «تو هنوز ۵۰ سال هم نداری و ابراهیم را دیده‌ای؟» ۵۸ عیسی به آنان گفت: «حقیقتاً به شما می‌گویم، پیش از آن که ابراهیم به وجود آید، من بوده‌ام.» ۵۹ پس سنگ برداشتند تا به سوی او پرت کنند، اما عیسی خود را پنهان کرد و سپس از معبد بیرون رفت.

۹

وقتی عیسی از محلی می‌گذشت، مردی را دید که کور مادرزاد بود. ۲ شاگردانش از او پرسیدند: «استاد،* گناه چه کسی بود که این مرد نابینا متولّد شد؟ گناه خود او یا والدینش؟» ۳ عیسی پاسخ داد: «نه گناه این مرد بود و نه گناه والدینش، بلکه از طریق او فرصتی فراهم شده است تا کارهای خدا آشکار شود. ۴ تا زمانی که روز است، ما باید کارهای او را که مرا فرستاد، انجام دهیم. شبی که هیچ کس در آن نمی‌تواند کار کند، نزدیک می‌شود. ۵ تا زمانی که من در دنیا هستم، نور دنیا هستم.» ۶ عیسی پس از گفتن این سخنان، آب دهان بر زمین انداخت، با آن گِل ساخت و آن گِل را بر چشمان مرد مالید. ۷ سپس به او گفت: «برو و چشمان خود را در حوض سیلوحا (که به معنی «فرستاده» است) بشوی.» او نیز رفت، چشمان خود را شست و بینا بازگشت. ۸ همسایگان و کسانی که آن مرد را پیش از این در حال گدایی دیده بودند، گفتند: «آیا این همان مردی نیست که می‌نشست و گدایی می‌کرد؟» ۹ برخی

۲:۹ * تحت‌اللفظی: «رَبّی»: رجوع به واژه‌نامه: «رَبّی».

وجود آمد. ۱۷ آنگاه بار دیگر به مرد نابینا گفتند: «حال در مورد او که چشمان تو را گشوده است، چه می‌گویی؟» آن مرد گفت: «او پیامبر است.»

۱۸ اما یهودیان باور نکردند که او کور بوده و بینا شده است تا این که والدین آن مرد را که اکنون می‌توانست ببیند، فراخواندند. ۱۹ از والدین او پرسیدند: «آیا این همان پسر شماست که می‌گویید، نابینا متولد شده است؟ پس چطور است که اکنون می‌تواند ببیند؟» ۲۰ والدین آن مرد پاسخ دادند: «ما می‌دانیم که او پسر ماست و می‌دانیم که نابینا متولد شده است، ۲۱ اما نمی‌دانیم چگونه است که اکنون می‌تواند ببیند و نمی‌دانیم که چه کسی او را بینا ساخته است. از خودش سؤال کنید، او بالغ است و خود می‌تواند بگوید.» ۲۲ والدین آن مرد، چون از یهودیان می‌ترسیدند، چنین گفتند: زیرا یهودیان* توافق کرده بودند که اگر کسی اذعان کند که عیسی همان مسیح است، باید از کنیسه اخراج شود.* ۲۳ به همین

۲۲:۹ *ظاهراً به رهبران مذهبی یهودیان اشاره دارد. *اخراج از کنیسه به این مفهوم بود که جامعه یهودیان کاملاً با شخص قطع رابطه می‌کرد.

می‌گفتند: «همان است.» برخی دیگر می‌گفتند: «به هیچ وجه، فقط شبیه اوست.» اما آن مرد می‌گفت: «من همان هستم.» ۱۰ پس به او گفتند: «چطور چشمانت باز شد؟» ۱۱ پاسخ داد: «مردی که نامش عیسی است، گل ساخت و به چشمان من مالید، بعد به من گفت: برو و در حوض سیلوحا چشمان خود را بشوی.» من نیز رفتم، چشمان خود را شستم و بینا شدم.» ۱۲ آنان پرسیدند: «او کجاست؟» گفت: «نمی‌دانم.»

۱۳ آنان آن مرد را که پیش از این نابینا بود، نزد فریسیان بردند. ۱۴ ضمناً در روز سَبَّت* بود که عیسی گل ساخت و چشمان آن مرد را گشود. ۱۵ پس فریسیان نیز از او پرسیدند: «چطور بینا شدی؟» آن مرد به ایشان گفت: «او گل بر چشمان من مالید، من هم آن را شستم و اکنون بینا شده‌ام.» ۱۶ آنگاه شماری از فریسیان گفتند: «آن شخص از جانب خدا نیست؛ زیرا سَبَّت را نگاه نمی‌دارد.» عده‌ای دیگر گفتند: «چطور ممکن است شخصی گناهکار بتواند چنین معجزاتی* به ظهور رساند؟» پس میان ایشان دودستگی به

۱۴:۹ *رجوع به واژه‌نامه. ۱۶:۹ *تحت اللفظی: «نشانه‌هایی»

باشد و خواست خدا را به جا آورد، خدا به دعای او گوش می‌دهد. ۳۲ از زمان قدیم تا کنون هرگز شنیده نشده است که کسی توانسته باشد، چشمان کوری مادرزاد را باز کند. ۳۳ اگر این مرد از جانب خدا نبود، هیچ کاری نمی‌توانست بکند. ۳۴ آنان در جواب او گفتند: «تو تماماً در گناه متولد شده‌ای و اکنون به ما تعلیم می‌دهی؟» سپس او را از کنیسه اخراج کردند.*

۳۵ وقتی عیسی شنید که آن مرد را اخراج کرده‌اند، او را یافت و به او گفت: «آیا به پسر انسان ایمان داری؟» ۳۶ آن مرد پاسخ داد: «آقا، او کیست که به او ایمان بیاورم؟» ۳۷ عیسی به او گفت: «تو او را دیده‌ای و در واقع همان کسی است که اکنون با تو سخن می‌گوید.» ۳۸ سپس او به عیسی گفت: «سرور، ایمان دارم.» آنگاه در مقابل او تعظیم کرد.* ۳۹ عیسی گفت: «من برای داوری به این دنیا آمده‌ام تا کسانی که نمی‌بینند، ببینند و آنان که می‌بینند، کور گردند.» ۴۰ برخی از فریسیانی که در

۹: ۲۴-۳۴ * اخراج از کنیسه به این مفهوم بود که جامعهٔ یهودیان کاملاً با شخص قطع رابطه می‌کرد. ۹: ۲۸ * به نشانهٔ تکریم و ادای احترام.

دلیل بود که والدینش گفتند: «او بالغ است. از خود او سؤال کنید.»

۲۴ پس آنان برای بار دوم آن مرد را که پیش از این نابینا بود، فراخواندند و به او گفتند: «خدا را تمجید کن؛* ما می‌دانیم که این مرد گناهکار است.» ۲۵ آن مرد جواب داد: «من نمی‌دانم که او گناهکار است یا نه. اما یک چیز را می‌دانم و آن این است که کور بودم و حالا می‌توانم بینم.» ۲۶ آنگاه پرسیدند: «او با توجه کرد؟ چگونه چشمانت را گشود؟» ۲۷ پاسخ داد: «من که یک بار به شما گفتم، اما گوش ندادید. چرا می‌خواهید دوباره بشنوید؟ مگر شما هم می‌خواهید شاگرد او شوید؟» ۲۸ آنگاه با لحنی تحقیرآمیز به او گفتند: «خودت شاگرد آن مرد هستی، اما ما شاگرد موسی هستیم.» ۲۹ ما می‌دانیم که خدا با موسی سخن گفته است؛ اما نمی‌دانیم این مرد از کجاست.» ۳۰ آن مرد در جواب به آنان گفت: «عجیب است که نمی‌دانید او از کجاست، حال آن که چشمان مرا باز کرد.» ۳۱ ما می‌دانیم که خدا به دعای گناهکاران گوش نمی‌دهد، اما شخص اگر خدا ترس

۹: ۲۴ * عبارتی که با گفتن آن، شخص را ملزم می‌ساختند که حقیقت را بگوید.

آنجا حضور داشتند و این‌ها را شنیدند، به عیسی گفتند: «پس آیا ما هم کور هستیم؟» ۴۱ عیسی پاسخ داد: «اگر کور بودید، گناهی نمی‌داشتید. اما حال چون می‌گویید که می‌بینید، گناهتان باقی می‌ماند.»

۱۰ «حقیقتاً به شما می‌گویم، کسی که از در به آغلِ گوسفندان وارد نشود، بلکه بالا رفته، از راهی دیگر وارد شود، دزد و غارتگر است. ۲ اما کسی که از در وارد شود، شبان گوسفندان است. ۳ دربان در را به روی او باز می‌کند و گوسفندان به صدای او گوش فرا می‌دهند. او گوسفندان خود را با نام صدا می‌زند و آن‌ها را از آغل به بیرون راهنمایی می‌کند. ۴ وقتی همه گوسفندان خود را بیرون آورد، پیشاپیش آن‌ها می‌رود و گوسفندان او را دنبال می‌کنند؛ زیرا صدای او را می‌شناسند. ۵ گوسفندان به هیچ وجه غریبه را دنبال نمی‌کنند، بلکه از او می‌گریزند؛ زیرا صدای غریبه‌ها را نمی‌شناسند.» ۶ عیسی این تشبیه را برایشان به کار برد، اما آنان مفهوم سخنانش را درک نکردند.

۷ پس عیسی به ایشان گفت: «حقیقتاً به شما می‌گویم، من برای گوسفندان در

هستم. ۸ همه کسانی که به جای من آمده‌اند،* دزد و غارتگرند و گوسفندان به صدای آنان گوش نداده‌اند. ۹ من در هستم؛ هر که از طریق من وارد شود، نجات یافته، داخل و خارج خواهد شد و چراگاه خواهد یافت. ۱۰ دزد نمی‌آید مگر برای دزدیدن، کشتن و نابود کردن. من آمده‌ام تا مردم حیات داشته باشند و از آن به‌وفور برخوردار شوند. ۱۱ من شبان نیکو هستم؛ شبان نیکو جان‌ش را برای گوسفندان می‌دهد. ۱۲ مزدگیری که شبان نیست و گوسفندان به او تعلق ندارند، وقتی می‌بیند که گرگ می‌آید، گوسفندان را رها کرده، می‌گریزد. آنگاه گرگ برخی را می‌گیرد و بقیه را پراکنده می‌سازد. ۱۳ مزدگیر می‌گریزد؛ زیرا برای دستمزد کار می‌کند و به فکر گوسفندان نیست. ۱۴ من شبان نیکو هستم. من گوسفندان خود را می‌شناسم و گوسفندانم مرا می‌شناسند؛ ۱۵ همان طور که پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم. همچنین من جانم را برای گوسفندان می‌دهم.

۱۶ «من گوسفندانی دیگر نیز دارم که

۸:۱۰ * یا: «همه کسانی که به‌دروغ ادعا می‌کنند که مسیح‌اند».

از این آغل نیستند. آن‌ها را نیز باید بیاورم و آن‌ها به صدای من گوش فراخواهند داد و آن‌ها یک گله خواهند شد و یک شبان خواهند داشت. ۱۷ پدر، مرا دوست دارد؛ زیرا که من جان خود را می‌دهم تا آن را بازایم. ۱۸ هیچ کس جان مرا از من نمی‌گیرد، بلکه من به میل خود آن را فدا می‌کنم. اختیار دارم آن را فدا کنم و اختیار دارم آن را بازایم. این حکم را از پدرم گرفته‌ام.»

۱۹ به دلیل این سخنان، بار دیگر میان یهودیان دودستگی به وجود آمد. ۲۰ بسیاری از آنان می‌گفتند: «او دیو دارد و عقل خود را از دست داده است. چرا به سخنان او گوش می‌دهید؟» ۲۱ برخی دیگر گفتند: «این گفته‌های مردی دیوزده نیست. مگر دیومی تواند چشمان نابینایان را باز کند؟»

۲۲ در آن زمان، عید وقف* در اورشلیم برگزار می‌شد. زمستان بود ۲۳ و عیسی در محوطهٔ معبد در ایوان سلیمان قدم می‌زد. ۲۴ آنگاه یهودیان گرد او جمع شدند و گفتند: «تا به کی ما را در شک نگاه می‌داری؟ اگر مسیح هستی صریحاً به ما بگو.» ۲۵ عیسی به آنان پاسخ داد:

«من به شما گفتم، اما شما باور نمی‌کنید. کارهایی که به نام پدرم انجام می‌دهم، در مورد من شهادت می‌دهد. ۲۶ اما شما باور نمی‌کنید؛ زیرا گوسفندان من نیستید. ۲۷ گوسفندان من به صدای من گوش فرا می‌دهند و من آن‌ها را می‌شناسم و آن‌ها به دنبال من می‌آیند. ۲۸ من به آن‌ها زندگی جاودان می‌بخشم. آن‌ها هیچ گاه نابود نخواهند شد و هیچ کس آن‌ها را از دست من نخواهد ربود. ۲۹ آن‌هایی که پدر به من عطا کرده است، با ارزش‌تر از هر چیز دیگرند و هیچ کس نمی‌تواند آن‌ها را از دست پدر بریابد. ۳۰ من و پدر یک* هستیم.»

۳۱ بار دیگر یهودیان سنگ برداشتند تا او را سنگسار کنند. ۳۲ عیسی در مقابل به آنان گفت: «من از طرف پدر اعمال نیکوی بسیاری برای شما آشکار ساختم. برای کدام یک از این اعمال مرا سنگسار می‌کنید؟» ۳۳ یهودیان در جواب به او گفتند: «تو را به دلیل عمل نیکو سنگسار نمی‌کنیم؛ بلکه به دلیل کفرگویی سنگسار می‌کنیم؛ زیرا انسان هستی و خود را یک خدا می‌خوانی.» ۳۴ عیسی در جواب به آنان گفت: «آیا

۱۱ مردی به نام ایلعازر بیمار بود؛ او از اهالی بیت‌عنیا، روستای مریم و خواهرش مارتا بود. ۲ مریم همان کسی بود که بر سرور روغن معطر ریخت و با موهای خود پاهایش را خشک کرد. اکنون برادرش ایلعازر بیمار شده بود. ۳ پس خواهرانش پیامی برای عیسی فرستاده، گفتند: «سرور، او را که دوست می‌داری،* بیمار است.» ۴ اما وقتی عیسی این را شنید، گفت: «قرار نیست که این بیماری منجر به مرگ شود، بلکه برای جلال خداست تا پسر خدا از طریق آن جلال یابد.»

۵ عیسی مارتا، خواهر او و ایلعازر را دوست می‌داشت. ۶ با این حال، وقتی شنید که ایلعازر بیمار است، دو روز دیگر در جایی که بود، ماند. ۷ پس از آن به شاگردان گفت: «بیایید بار دیگر به یهودیه برویم.» ۸ شاگردانش گفتند: «استاد،* همین اخیراً مردم یهودیه می‌خواستند تو را سنگسار کنند. حال باز می‌خواهی به آنجا بروی؟» ۹ عیسی پاسخ داد: «مگر روشنایی روز ۱۲ ساعت نیست؟ اگر کسی در روشنایی روز

۱۱:۳* به یونانی فیلیثو؛ رجوع به واژه‌نامه: «محبّت.» ۱۱:۸* تحت‌اللفظی: «زَیّی»؛ رجوع به واژه‌نامه: «زَیّی.»

در شریعت شما نوشته نشده است: «من گفتم، «شما خدایان* هستید»؟» ۳۵ اگر خدا در کلامش آنان را که محکوم شده‌اند، (خدایان) خواند- و غیرممکن است که نوشته‌های مقدّس از اعتبار ساقط شود- ۳۶ پس چگونه به من که پدر مرا تقدیس نموده و به دنیا فرستاده است، می‌گویید: «کفر می‌گویی؟ آیا چون گفتم، (پسر خدا هستم)؟» ۳۷ اگر من کارهای پدرم را انجام نمی‌دهم، سخن مرا باور مکنید. ۳۸ اما اگر آن‌ها را انجام می‌دهم، حتی اگر سخن مرا باور نمی‌کنید، لااقل به آن کارها ایمان بیاورید تا بفهمید و همچنان باور داشته باشید که پدر در اتحاد با من است و من در اتحاد با پدر هستم.» ۳۹ پس آنان بار دیگر سعی کردند عیسی را گرفتار کنند، اما او از دستشان گریخت.

۴۰ عیسی دوباره به آن سوی رود اردن، به محلی که یحیی در ابتدا تعمید می‌داد، رفت و آنجا ماند. ۴۱ مردمی بسیار نزد او آمدند و گفتند: «یحیی یک معجزه هم به ظهور نرساند، اما هر چه در مورد این مرد گفت، درست بود.» ۴۲ بسیاری در آنجا به عیسی ایمان آوردند.

۱۰:۳۴* یا: «خداگونه».

راه رود، لغزش نمی خورد؛ زیرا نور این دنیا را می بیند. ۱۰ اما اگر کسی در شب راه رود، لغزش خواهد خورد؛ زیرا نور در او نیست.»

۱۱ عیسی پس از گفتن این سخنان، افزود: «ایلعاَزَر، دوست ما خوابیده است، اما من به آنجا می روم تا او را بیدار کنم.» ۱۲ پس شاگردان به او گفتند: «سَرور، اگر خوابیده است، بهبود خواهد یافت.» ۱۳ در واقع، عیسی این سخن را در مورد مرگ او گفت. اما شاگردان تصوّر کردند که از خواب و استراحت سخن می گوید. ۱۴ آنگاه عیسی صریحاً به آنان گفت: «ایلعاَزَر مرده است و من به خاطر شما خوشحالم که آنجا نبودم، چون به این ترتیب ایماننان بنا می شود. اما حال بیاید به آنجا برویم.» ۱۶ پس توما که «دوقلو» خوانده می شد، به شاگردان دیگر گفت: «بیاید ما هم برویم تا با او بمیریم.»

۱۷ هنگامی که عیسی به آنجا رسید، پی برد که اکنون چهار روز است که او را در مقبره گذاشته اند. ۱۸ بیت عنیا نزدیک اورشلیم بود و تنها حدود سه کیلومتر* با آن

۱۸:۱۱ * تحت اللفظی: «۱۵ ایستادیون»: یک ایستادیون معادل ۱۸۵ متر بود.

فاصله داشت. ۱۹ بسیاری از یهودیان نزد مارتا و مریم آمده بودند تا آنان را برای مرگ برادرشان تسلی دهند. ۲۰ وقتی مارتا شنید که عیسی در راه است، به استقبال او رفت، اما مریم همچنان در خانه ماند. ۲۱ مارتا به عیسی گفت: «سَرور، اگر اینجا بودی برادرم نمی مرد ۲۲ و با این حال می دانم که حتی اکنون هم، هر چه از خدا درخواست کنی، به تو خواهد داد.» ۲۳ عیسی به او گفت: «برادرت برخواهد خاست.» ۲۴ مارتا به او گفت: «می دانم که هنگام رستاخیز در روز بازپسین، برخواهد خاست.» ۲۵ عیسی به او گفت: «من رستاخیز و حیات هستم. هر که به من ایمان بورزد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد. ۲۶ همچنین هر که زنده است و به من ایمان بورزد، تا ابد نخواهد مرد. آیا این را باور می کنی؟» ۲۷ مارتا به عیسی گفت: «بله سَرور. من ایمان آورده ام که تو آن مسیح و پسر خدا هستی که باید به این دنیا می آمد.» ۲۸ او این را گفت و رفت و خواهر خود مریم را صدا زد و در خلوت به او گفت: «استاد اینجاست و سراغ تو را می گیرد.» ۲۹ مریم با شنیدن این سخن، فوراً برخاست و نزد عیسی رفت.

واقع غاری بود که سنگی بر دهانه آن گذاشته بودند. ۳۹ عیسی گفت: «سنگ را بردارید.» مارتا، خواهر متوفی به او گفت: «سَرور، اکنون دیگر باید متعفن شده باشد، چون چهار روز گذشته است.» ۴۰ عیسی به او گفت: «آیا به تو نگفتم که اگر ایمان آوری، جلال خدا را خواهی دید؟» ۴۱ پس سنگ را برداشتند. آنگاه عیسی رو به آسمان کرد و گفت: «پدر، تو را شکر می‌گویم که دعای مرا شنیدی. ۴۲ البته می‌دانستم که همیشه دعای مرا می‌شنوی؛ اما این سخن را به خاطر این جمعیتی که اینجا ایستاده‌اند، گفتم تا ایمان آورند که تو مرا فرستادی.» ۴۳ عیسی پس از این سخنان، با صدای بلند گفت: «ایلعازر، بیرون بیا!» ۴۴ آن مرد که مرده بود، در حالی که دست و پایش در کفن بسته و صورتش با پارچه‌ای پیچیده شده بود، بیرون آمد. عیسی به آنان گفت: «او را باز کنید و بگذارید برود.»

۴۵ پس بسیاری از یهودیانی که نزد مریم آمده بودند و آنچه عیسی کرد دیدند، به او ایمان آوردند. ۴۶ اما شماری از ایشان نیز نزد فریسیان رفتند و آنچه عیسی کرده بود، به آنان گفتند. ۴۷ از این رو، سران

۳۰ عیسی هنوز به آن روستا وارد نشده بود، بلکه در آنجایی بود که مارتا به استقبالش رفته بود. ۳۱ یهودیانی که با مریم در خانه بودند او را تسلی می‌دادند، دیدند که او با عجله برخاست و بیرون رفت. آنان نیز با این تصوّر که او به مقبره می‌رود تا در آنجا گریه کند، به دنبالش رفتند. ۳۲ هنگامی که مریم به جایی که عیسی بود رسید و او را دید، به پایش افتاد و گفت: «سَرور، اگر اینجا بودی، برادرم نمی‌مرد.» ۳۳ آنگاه عیسی با دیدن گریه مریم و یهودیانی که با او آمده بودند، آهی از دل کشید* و عمیقاً متأثر شد. ۳۴ او پرسید: «او را کجا گذاشته‌اید؟» آنان پاسخ دادند: «سَرور، بیا و ببین.» ۳۵ اشک‌های عیسی سرازیر شد. ۳۶ پس یهودیان گفتند: «نگاه کنید، چقدر او را دوست می‌داشت!»* ۳۷ اما برخی از آنان گفتند: «این مرد که چشمان آن نابینا را باز کرد، پس چرا نتوانست مانع مرگ ایلعازر شود؟»

۳۸ آنگاه عیسی بار دیگر آهی از دل کشید و مقابل مقبره آمد. آن مقبره در ۳۳:۱۱ * تحت اللفظی: «آهی در روح کشید.» ۳۶:۱۱ * به یونانی فیثو: رجوع به واژه‌نامه: «محبت»

کاهنان و فرّیسیان، اعضای سَنهدَرین* را جمع کردند و گفتند: «چه کنیم؟ این شخص معجزات* بسیاری به ظهور می‌رساند. ۴۸ اگر او را همچنان به حال خود بگذاریم، همه به او ایمان خواهند آورد و رومیان آمده، هم معبد* و هم قوم ما را تصاحب خواهند کرد.» ۴۹ اما قیافا، یکی از آنان که در آن سال کاهن اعظم بود، گفت: «شما اصلاً هیچ نمی‌دانید ۵۰ و درک نمی‌کنید که به نفع شماس است که یک نفر برای قوم بمیرد تا این که تمام قوم نابود شود.» ۵۱ در واقع، قیافا این سخن را از خود نگفت، بلکه چون در آن سال کاهن اعظم بود، با این سخن پیشگویی کرد که عیسی برای قوم خواهد مرد ۵۲ و نه فقط برای قوم، بلکه برای گردآوری و یکی ساختن فرزندان خدا که پراکنده‌اند. ۵۳ پس، از همان روز توطئه چیدند که چگونه عیسی را به قتل برسانند.

کاهنان و فرّیسیان، اعضای سَنهدَرین* را جمع کردند و گفتند: «چه کنیم؟ این شخص معجزات* بسیاری به ظهور می‌رساند. ۴۸ اگر او را همچنان به حال خود بگذاریم، همه به او ایمان خواهند آورد و رومیان آمده، هم معبد* و هم قوم ما را تصاحب خواهند کرد.» ۴۹ اما قیافا، یکی از آنان که در آن سال کاهن اعظم بود، گفت: «شما اصلاً هیچ نمی‌دانید ۵۰ و درک نمی‌کنید که به نفع شماس است که یک نفر برای قوم بمیرد تا این که تمام قوم نابود شود.» ۵۱ در واقع، قیافا این سخن را از خود نگفت، بلکه چون در آن سال کاهن اعظم بود، با این سخن پیشگویی کرد که عیسی برای قوم خواهد مرد ۵۲ و نه فقط برای قوم، بلکه برای گردآوری و یکی ساختن فرزندان خدا که پراکنده‌اند. ۵۳ پس، از همان روز توطئه چیدند که چگونه عیسی را به قتل برسانند.

۵۴ از این رو، عیسی دیگر آشکارا در میان یهودیان رفت و آمد نمی‌کرد، بلکه آنجا را ترک کرد و به شهری به نام اِفرایم در ناحیه‌ای نزدیک به بیابان رفت و با

۴۷:۱۱ * رجوع به واژه‌نامه. * تحت‌اللفظی: «نشانه‌های». ۴۸:۱۱ * تحت‌اللفظی: «مکان ما».

۱۲ شش روز پیش از عید پَسَح، عیسی به بیت‌عَنیا محل زندگی ایلعازر رسید؛ همان کسی که عیسی او را از مردگان برخیزانده بود. ۲ در آنجا سفره شامی برای او ترتیب دادند و مارتا پذیرایی می‌کرد. ایلعازر نیز در میان کسانی بود که بر سر سفره با عیسی نشسته بودند. ۳ آنگاه مریم حدود ۳۰۰ گرم* روغن معطر و بسیار گرانبها از شنبَل* خالص برداشته، بر پاهای عیسی ریخت و با موهای خود آن‌ها را خشک کرد. خانه از رایحه آن روغن معطر پر شد. ۴ اما

۵۷:۱۱ * یا: «دستگیر کنند». ۴:۱۲ * یا: «یک لیتر»: به یونانی یک لیتر حدود ۳۲۷ گرم بود. * یا: «ناردین»: رجوع به واژه‌نامه: «ناردین».

عید آمده بودند، شنیدند که عیسی به اورشلیم می‌آید. ۱۳ پس شاخه‌های نخل گرفته، به استقبال او رفتند و فریاد می‌زدند: «رستگار فرما!» متبارک باد آن که به نام یَهُوَه* می‌آید، متبارک باد پادشاه اسرائیل! ۱۴ عیسی کره‌الاغی یافت و بر آن سوار شد؛ چنان که نوشته شده است: ۱۵ «مترس، ای دختر صهیون. بنگر! پادشاه توسوار بر کره‌الاغی می‌آید.» ۱۶ شاگردان عیسی نخست این امور را درک نکردند، اما هنگامی که او جلال یافت، به خاطر آوردند که این‌ها در مورد عیسی نوشته شده بود و همه این‌ها نیز برای او اتفاق افتاد.

۱۷ کسانی که شاهد بودند که عیسی ایلعازر را از مقبره فراخواند و از مردگان برخیزانید، همچنان بر آن واقعه شهادت می‌دادند. ۱۸ آن جمعیت نیز به همین دلیل به استقبال عیسی رفتند؛ زیرا شنیده بودند که او این معجزه* را به ظهور رسانده است. ۱۹ پس فریسیان به یکدیگر گفتند: «می‌بینید که ما کاری از پیش نمی‌بریم. نگاه کنید! تمام دنیا به دنبال او رفته‌اند.»

۱۲:۱۳ * تحت اللفظی: «هوشیعیان». * رجوع به واژه‌نامه. ۱۲:۱۸ * تحت اللفظی: «نشانه».

یهودای اسخریوطی، یکی از شاگردان عیسی که اندکی بعد به او خیانت کرد، گفت: ۵ «چرا این روغن معطر به ۳۰۰ دینار* فروخته نشد تا به فقیران داده شود؟» ۶ او این را از سر دلسوزی برای فقیران نگفت، بلکه چون دزد بود این را گفت؛ در واقع صندوقچه پول نزد او بود و از پولی که در آن گذاشته می‌شد، می‌دزدید. ۷ پس عیسی در مورد مریم گفت: «او را راحت بگذارید تا بتواند با نظر به روز تدفین من این رسم را به جا آورد؛ ۸ زیرا شما فقیران را همیشه با خود دارید، اما مرا همیشه نخواهید داشت.» ۹ در این میان، چون جمعیتی بزرگ از یهودیان پی بردند که عیسی در بیت‌غنیاست به آنجا آمدند؛ البته نه فقط برای دیدن عیسی، بلکه همچنین برای دیدن ایلعازر که عیسی او را از مردگان برخیزانده بود. ۱۰ آنگاه سران کاهنان توطئه چیدند که ایلعازر را نیز بکشند؛ ۱۱ زیرا به خاطر او بسیاری از یهودیان به بیت‌غنیا می‌رفتند و به عیسی ایمان می‌آوردند.

۱۲ روز بعد، جمعیتی بسیار که برای

۱۲:۵ * یک دینار معادل دستمزد روزانه یک کارگر بود؛ رجوع به واژه‌نامه.

بگویم؟ ای پدر، مرا از این ساعت* نجات بده. با این حال، به همین دلیل است که به این ساعت رسیده‌ام. ۲۸ ای پدر، نام خود را جلال بده.» آنگاه ندایی از آسمان به گوش رسید که گفت: «من جلال دادم و بار دیگر نیز جلال خواهم داد.»

۲۹ شماری از مردم که آنجا بودند، با شنیدن آن صدا گفتند: «صدای رعد بود.» برخی دیگر گفتند: «فرشته‌ای با او سخن گفت.» ۳۰ عیسی گفت: «این ندا برای من نبود، بلکه برای شما بود. ۳۱ اکنون زمان داوری این دنیاست؛ اکنون حکمران این دنیا بیرون افکنده خواهد شد. ۳۲ اما من، هنگامی که از زمین بالا برده شوم، همه گونه انسان‌ها را به سوی خود خواهم کشید.» ۳۳ این گفته او در واقع به نوع مرگی اشاره داشت که به زودی در انتظارش بود. ۳۴ مردم در مقابل به او گفتند: «ما از شریعت شنیده‌ایم که مسیح تا ابد می‌ماند. پس چطور است که می‌گویی پسر انسان باید بالا برده شود؟ این پسر انسان کیست؟» ۳۵ عیسی به آنان گفت: «نور تا اندک زمانی دیگر در میان شما خواهد بود. تا

۲۷:۱۲* «ساعت» به وقایعی که در آن مقطع زمان در شرف وقوع بود، اشاره دارد.

۲۰ در میان کسانی که در ایام عید برای پرستش آمده بودند، برخی نیز یونانی بودند. ۲۱ آنان نزد فیلیپس، اهل بیت صیدای جلیل آمدند و از او چنین درخواست کردند: «آقا، ما می‌خواهیم عیسی را ببینیم.» ۲۲ فیلیپس آمد و این را با آندریاس در میان گذاشت. آنگاه هر دو رفتند و آن موضوع را به عیسی گفتند: ۲۳ اما عیسی در پاسخ ایشان گفت: «وقت آن رسیده است که پسر انسان جلال یابد. ۲۴ حقیقتاً به شما می‌گویم، اگر دانه گندم به زمین نیفتد و نمیرد، تنها به صورت یک دانه باقی می‌ماند. اما اگر بمیرد، ثمر بسیار می‌آورد. ۲۵ کسی که جان خود را دوست ندارد،* آن را تباه خواهد ساخت، اما کسی که در این دنیا از جان خود نفرت داشته باشد، آن را برای زندگی جاودان حفظ خواهد کرد. ۲۶ هر که بخواهد مرا خدمت کند، باید از من پیروی کند. پس هر جا که من باشم، خدمتگزار من نیز آنجا خواهد بود. همچنین هر که بخواهد مرا خدمت کند، پدر او را حرمت خواهد گذاشت. ۲۷ اکنون جان من مضطرب است، چه

۲۵:۱۲* به یونانی فیلیپو: رجوع به واژه‌نامه: «محب».

زمانی که نور را دارید، راه بروید تا تاریکی بر شما غلبه نیابد. کسی که در تاریکی راه می‌رود، نمی‌داند به کجا می‌رود. ۳۶ تا زمانی که نور را دارید، به نور ایمان بورزید تا پسران نور شوید.»

عیسی پس از گفتن این سخنان آنجا را ترک کرد و خود را از آنان پنهان ساخت. ۳۷ اما با این که معجزاتی* بسیار در حضور ایشان به ظهور رسانده بود، آنان به او ایمان نیاوردند. ۳۸ به این ترتیب، کلام اِشعْیا نبی به تحقق رسید که گفت: «ای یَهُوه،* کیست که به پیام ما* ایمان آورده باشد؟ بازوی یَهُوه* بر چه کسی آشکار شده است؟» ۳۹ اِشعْیا همچنین دلیل این را که نتوانستند ایمان آورند، چنین بیان کرد: ۴۰ «او چشمانشان را کور و دل‌هایشان را سخت کرده است که با چشمان خود نبینند و با دل‌های خود نفهمند و بازنگردند تا من آنان را شفا بخشم.» ۴۱ اِشعْیا این را بیان کرد: زیرا جلال او را دید و در مورد او سخن گفت. ۴۲ با این همه، بسیاری از بزرگان نیز به عیسی

۲۷:۱۲ * تحت اللفظی: «نشانه‌هایی». ۲۸:۱۲ * رجوع به واژه‌نامه. * تحت اللفظی: «به آنچه از ما شنید».

ایمان آوردند، اما از ترس فریسیان و برای این که از کنیسه اخراج نشوند،* آن را اذعان نمی‌کردند: ۴۳ زیرا بیشتر دوست داشتند، رضایت مردم را جلب کنند تا رضایت خدا را.*

۴۴ عیسی با صدای بلند گفت: «هر که به من ایمان آورد، نه فقط به من، بلکه به او که مرا فرستاد نیز ایمان آورده است. ۴۵ و هر که مرا ببیند، او را که مرا فرستاده نیز دیده است. ۴۶ من چون نوری به این دنیا آمده‌ام تا هر که به من ایمان آورد در تاریکی نماند. ۴۷ اما اگر کسی سخنان مرا بشنود و به آن عمل نکند، من او را محکوم نمی‌کنم؛ زیرا نیامده‌ام تا مردم دنیا را داوری کنم، بلکه آمده‌ام تا آنان را نجات دهم. ۴۸ کسی که به من بی‌اعتنایی کند و سخنان مرا نپذیرد، یکی هست که او را داوری کند. کلامی که من به زبان آوردم، او را در روز بازپسین داوری خواهد کرد: ۴۹ زیرا من از خود سخن نگفته‌ام، بلکه پدری که مرا فرستاد، خود به من فرمان داده است که در مورد چه سخن بگویم

۴۲:۱۲ * اخراج از کنیسه به این مفهوم بود که جامعهٔ یهودیان کاملاً با شخص قطع رابطه می‌کرد. ۴۲:۱۲ * تحت اللفظی: «زیرا جلال مردم را بیش از جلال خدا دوست داشتند».

پاسخ داد: «آنچه می‌کنم، اکنون درک نمی‌کنی، اما بعدها درک خواهی کرد.»
 ۸ پطرس گفت: «هرگز نمی‌گذارم پاهای مرا بشویی!» عیسی گفت: «اگر پاهایت را نشویم، با من سهمی نخواهی داشت.»
 ۹ شمعون پطرس گفت: «سرور، نه فقط پاهایم، بلکه دست‌ها و سرم را هم بشوی.» ۱۰ عیسی به او گفت: «کسی که استحمام کرده است، تماماً پاک است و تنها پاهایش نیاز به شستن دارد. شما پاک هستید، البته نه همه شما.» ۱۱ زیرا او می‌دانست که چه کسی به او خیانت می‌کند. به همین دلیل گفت: «همه شما پاک نیستید.»

۱۲ عیسی پس از شستن پاهای آنان، ردای خود را پوشید و دوباره بر سر سفره نشست. آنگاه به ایشان گفت: «آیا درک کردید که من برای شما چه کردم؟»
 ۱۳ شما مرا «استاد» و «سرور» می‌خوانید و درست می‌گویید؛ زیرا چنین هستم.
 ۱۴ پس اگر من که سرور و استاد شما هستم، پاهای شما را شستم، شما نیز باید پاهای یکدیگر را بشوید؛
 ۱۵ زیرا من سرمشقی برای شما گذاشتم تا همان طور که من با شما رفتار کردم، شما نیز رفتار کنید. ۱۶ حقیقتاً

و چه به زبان آورم. ۵۰ همچنين، می‌دانم که حکم او به زندگی جاودان می‌انجامد. از این رو، هر آنچه می‌گویم درست همان چیزی است که پدر به من گفته است تا بگویم.»

۱۳

پیش از عید پَسَح بود. عیسی می‌دانست ساعت او رسیده است که این دنیا را ترک کند و نزد پدر برود و چون پیروانش را* که در دنیا بودند، دوست می‌داشت، تا به آخر به ایشان محبت کرد. ۲ هنگام شام بود، ابلیس پیش از آن، دردل یهودای اسخريوطی، پسر شمعون گذاشته بود که به عیسی خیانت کند. ۳ عیسی که می‌دانست پدر همه چیز را به دست او سپرده و او از طرف خدا آمده است و نزد خدا می‌رود، ۴ از سر سفره شام برخاست و ردای خود را به کناری گذاشت. دستمالی نیز گرفت و به کمر بست. ۵ سپس در لگنی آب ریخت و به شستن پاهای شاگردان مشغول شد و با دستمالی که به کمر بسته بود، پاهایشان را خشک کرد. ۶ وقتی نزد شمعون پطرس رسید، پطرس گفت: «سرور، آیا می‌خواهی پاهای مرا بشویی؟» ۷ عیسی

۱۰:۱۳ * یا: «آنانی را که به او تعلق داشتند».

به شما می‌گویم، نه غلام از ارباب خود بزرگ‌تر است و نه فرستاده‌شده از آن که او را فرستاده است. ۱۷ حال که این‌ها را می‌دانید، خوشا به حال شما اگر آن‌ها را به جا آورید. ۱۸ من در مورد همه شما صحبت نمی‌کنم و آنان را که برگزیده‌ام، می‌شناسم. اما چنین شده است تا این نوشته مقدس تحقق یابد که می‌گوید: «آن که از نان من می‌خورد، بر ضد من برخاسته است.»* ۱۹ از همین حالا، پیش از آن که به وقوع بپیوندد، به شما می‌گویم تا وقتی به وقوع پیوست، باور کنید که من او هستم. ۲۰ حقیقتاً به شما می‌گویم، هر که کسی را بپذیرد که من می‌فرستم، مرا نیز پذیرفته است. همچنین هر که مرا بپذیرد، او را که مرا فرستاده است نیز پذیرفته است.»

۲۱ عیسی پس از گفتن این سخنان، در روح مضطرب شد و آشکارا گفت: «حقیقتاً به شما می‌گویم، یکی از شما به من خیانت خواهد کرد.» ۲۲ شاگردان به یکدیگر نگاه کردند و نمی‌دانستند که این را در مورد چه کسی می‌گوید. ۲۳ یکی از شاگردان، یعنی همان که

۱۸:۱۳ * تحت اللفظی: «پاشنه خود را بر ضد من بلند کرده است.»

عیسی او را دوست می‌داشت، نزدیک* عیسی نشسته بود. ۲۴ پس شمعون پطرس با سر به آن شاگرد اشاره کرد و به او گفت: «به ما بگو در مورد چه کسی صحبت می‌کند.» ۲۵ آن شاگرد کمی به عقب متمایل شد و بر سینه عیسی تکیه زد و گفت: «سرور، او کیست؟» ۲۶ عیسی پاسخ داد: «همان است که این تکه نان را پس از فرو بردن در کاسه به او می‌دهم.» سپس، نان را در کاسه فرو برد و به یهو، پسر شمعون اسخریوطی داد. ۲۷ یهو آن تکه نان را گرفت و آنگاه شیطان به دل او راه یافت. پس عیسی به او گفت: «آنچه می‌کنی، سریع‌تر به پایان رسان.» ۲۸ اما از آنان که بر سر سفره نشسته بودند، هیچ کدام نفهمیدند که چرا عیسی این را به او گفت. ۲۹ چون صندوقچه پول را یهو نگاه می‌داشت، برخی گمان کردند که عیسی به او می‌گوید: «آنچه برای عید لازم داریم، بخر» و یا می‌گوید: «چیزی به فقیران بده.» ۳۰ آنگاه یهو تکه نان را گرفت و بی‌درنگ در تاریکی شب بیرون رفت.

۳۱ پس از بیرون رفتن یهو، عیسی

۲۳:۱۳ * تحت اللفظی: «در آغوش.»

۱۴

«اضطراب به دل خود راه
 مدهید. به خدا ایمان بورزید و
 به من نیز ایمان بورزید. ۲ در خانه پدر
 من مسکن* بسیار است. اگر نبود به شما
 می‌گفتم. اکنون می‌روم تا مکانی برای
 شما حاضر کنم. ۳ همچنین هنگامی که
 بروم و مکانی برای شما حاضر کنم، بار
 دیگر باز خواهم گشت و شما را نزد خود
 خواهم پذیرفت تا جایی که من هستم،
 شما نیز باشید. ۴ جایی که من می‌روم،
 شما راهش را می‌دانید.»

۵ توما به او گفت: «سَرور، ما نمی‌دانیم
 که به کجا می‌روی. چطور می‌توانیم
 راهش را بدانیم؟»

۶ عیسی به او گفت: «من راه و
 حقیقت و حیات هستم. هیچ کس جز
 از طریق من نزد پدر نمی‌آید. ۷ اگر شما
 مرا می‌شناختید، پدر مرا نیز می‌شناختید؛
 از این پس، شما او را می‌شناسید و او را
 دیده‌اید.»

۸ فیلیپس به او گفت: «سَرور، پدر را به
 ما نشان بده و این برای ما کافی است.»
 ۹ عیسی به او گفت: «فیلیپس، من
 این همه وقت با شما بوده‌ام و هنوز
 مرا نشناخته‌ای؟ هر که مرا دیده است،

گفت: «اکنون پسر انسان جلال یافته و
 خدا نیز از طریق او جلال یافته است.
 ۳۲ خدا خود، پسر انسان را جلال خواهد
 داد و در جلال دادن او درنگ نخواهد کرد.
 ۳۳ فرزندان عزیز، من اندک زمانی دیگر
 با شما هستم. شما مرا خواهید جست،
 اما همان طور که به یهودیان گفتم، حال به
 شما نیز می‌گویم: «جایی که می‌روم، شما
 نمی‌توانید بیایید.» ۳۴ من به شما
 حکمی تازه می‌دهم و آن این است که به
 یکدیگر محبت کنید؛ همان گونه که من
 به شما محبت کردم، شما نیز به یکدیگر
 محبت نمایید. ۳۵ به این طریق است که
 همه خواهند دانست، شاگردان من هستید
 - اگر به یکدیگر محبت کنید.»

۳۶ شَمْعونِ پطرس به او گفت: «سَرور،
 به کجا می‌روی؟» عیسی پاسخ داد: «به
 جایی می‌روم که اکنون نمی‌توانی به
 دنبال من بیایی، اما بعدها به دنبال من
 خواهی آمد.» ۳۷ پطرس گفت: «سَرور،
 چرا اکنون نمی‌توانم به دنبال تو بیایم؟
 من حتی حاضرَم جان خود را برای تو
 بدهم.» ۳۸ عیسی پاسخ داد: «آیا جان
 خود را برای من می‌دهی؟ حقیقتاً به تو
 می‌گویم، پیش از این که خروس بانگ
 زند، سه بار مرا انکار خواهی کرد.»

را می‌بیند و نه آن را می‌شناسد. اما شما آن را می‌شناسید؛ زیرا با شما می‌ماند و در شمامست. ۱۸ من شما را عزادار* رها نخواهم کرد. نزد شما می‌آیم. ۱۹ اندکی بعد دنیا دیگر مرا نخواهد دید، اما شما مرا خواهید دید. چون من زنده‌ام، شما نیز زنده خواهید بود. ۲۰ در آن روز خواهید دانست که من در اتحاد با پدر خود هستم، شما در اتحاد با من هستید و من در اتحاد با شما. ۲۱ هر که احکام مرا بپذیرد و آن‌ها را به جا آورد، مرا دوست دارد. همچنین کسی که مرا دوست دارد، پدر، او را دوست خواهد داشت و من او را دوست خواهم داشت و خود را به روشنی بر او آشکار خواهم ساخت.»

۲۲ یهودا، نه یهودای اسخریوطی، به عیسی گفت: «سرور، به چه دلیل است که می‌خواهی خود را به روشنی بر ما آشکار سازی، اما نه بر این دنیا؟»

۲۳ عیسی به او گفت: «اگر کسی مرا دوست داشته باشد، مطابق کلام من عمل خواهد کرد و پدر من او را دوست خواهد داشت و ما نزد او خواهیم آمد و با او مسکن خواهیم گزید.* ۲۴ هر که

۱۸:۱۴ * یا: «بی‌کس؛ یتیم». ۲۲:۱۴ * یا: «منزل خواهیم کرد».

پدر را نیز دیده است. پس چگونه است که می‌گویی: «پدر را به ما نشان بده؟» ۱۰ آیا باور نداری که من در اتحاد با پدر هستم و پدر در اتحاد با من است؟ آنچه به شما می‌گویم، از خود نمی‌گویم، بلکه پدر که در اتحاد با من می‌ماند، مشغول انجام دادن کارهای خود است. ۱۱ سخن مرا باور کنید که من در اتحاد با پدر هستم و پدر در اتحاد با من است؛ اگر باور نمی‌کنید به خاطر همان کارها این را باور کنید. ۱۲ حقیقتاً به شما می‌گویم، هر که به من ایمان بورزد، کارهایی را که من می‌کنم، او نیز خواهد کرد و حتی کارهای بزرگ‌تر از آن انجام خواهد داد؛ زیرا من نزد پدر می‌روم. ۱۳ همچنین، هر آنچه به نام من بخواهید، آن را انجام خواهم داد تا پدر از طریق پسر جلال یابد. ۱۴ آری، اگر چیزی به نام من بخواهید، آن را انجام خواهم داد.

۱۵ «اگر مرا دوست داشته باشید، احکام مرا به جا خواهید آورد. ۱۶ من از پدر درخواست خواهم کرد و او یآوری* دیگر به شما خواهد داد که تا ابد با شما باشد؛ ۱۷ یعنی روح راستی که دنیا نمی‌تواند آن را به دست آورد؛ زیرا نه آن

۱۶:۱۴ * یا: «تسلّی‌دهنده‌ای».

بر من هیچ قدرتی* ندارد، ۳۱ اما برای این که دنیا بدانند من پدر را دوست دارم، درست آنچه پدر به من حکم کرده است، انجام می‌دهم. برخیزید، از اینجا برویم.

۱۵

«من تاک حقیقی هستم و پدرم باغبان است. ۲ او هر شاخه‌ای را که در من است، میوه نیاورد، می‌برد و هر شاخه‌ای را که میوه آورد، پاک می‌کند* تا میوه بیشتر آورد. ۳ شما هم اکنون نیز به خاطر کلامی که به شما گفته‌ام، پاک هستید. ۴ در اتحاد با من بمانید و من در اتحاد با شما می‌مانم. شاخه‌ای که در تاک نماند، به تنهایی نمی‌تواند میوه آورد؛ به همین گونه اگر شما نیز در اتحاد با من نمانید، نمی‌توانید میوه آورید. ۵ من آن تاک هستم و شما شاخه‌های آن. کسی میوه بسیار می‌آورد که در اتحاد با من بماند و من در اتحاد با او؛ زیرا شما جدا از من به هیچ وجه نمی‌توانید کاری انجام دهید. ۶ اگر کسی در اتحاد با من نماند، همچون شاخه‌ای است که دور انداخته می‌شود و خشک می‌گردد. مردم چنین شاخه‌هایی را جمع کرده، در آتش می‌افکنند و آن شاخه‌ها سوخته می‌شود. ۷ اگر شما

را دوست ندارد، مطابق کلام من عمل نمی‌کند؛ کلامی که شما می‌شنوید از من نیست، بلکه از پدر است که مرا فرستاده است.

۲۵ «این چیزها را در حینی که هنوز با شما هستم، به شما گفتم. ۲۶ اما آن یاور،* یعنی روح القدس که پدر به نام من خواهد فرستاد، همه چیز را به شما خواهد آموخت و تمام آنچه را به شما گفتم به یادتان خواهد آورد. ۲۷ من آرامش برای شما به جا می‌گذارم؛ آرامش خود را به شما می‌دهم. آرامشی که من به شما می‌دهم، مانند آرامشی نیست که دنیا به شما می‌دهد. اضطراب به دل خود راه مدهید و مگذارید ترس بردلتان چیره شود. ۲۸ شنیدید که به شما گفتم: «می‌روم و نزد شما باز می‌گردم». اگر مرا دوست می‌داشتید، شادی می‌کردید که نزد پدر می‌روم؛ زیرا پدر از من بزرگ‌تر است. ۲۹ پس حال، پیش از آن که این امر به وقوع بپیوندد، به شما گفتم تا وقتی آن به وقوع پیوست، باور کنید. ۳۰ من از این پس، دیگر زیاد با شما سخن نخواهم گفت؛ زیرا حکمران این دنیا می‌آید. او

۲۶:۱۴ * یا: «تسلّی‌دهنده»؛ در اینجا به روح القدس شخصیت داده شده است.

۱۴:۳۰ * یا: «تسلّی»؛ ۱۵:۲۱ * یا: «هرس می‌کند».

گماشتم تا بروید و پیوسته میوه آورید؛ میوه‌ای که باقی بماند. آنگاه هر آنچه از پدر به نام من بخواهید، آن را به شما خواهد داد.

۱۷ «این چیزها را به شما حکم می‌کنم تا به یکدیگر محبت کنید. ۱۸ اگر دنیا از شما نفرت داشته باشد، بدانید که پیش از شما، از من نفرت داشته است. ۱۹ اگر شما به دنیا تعلق داشتید، دنیا شما را دوست می‌داشت،* چون به آن تعلق داشتید. حال که به دنیا تعلق ندارید، بلکه من شما را از دنیا برگزیده‌ام، دنیا از شما نفرت دارد. ۲۰ این سخنی را که به شما گفتم، به یاد داشته باشید: (غلام از ارباب خود بزرگ‌تر نیست)، اگر مرا آزار رساندند، شما را نیز آزار خواهند رساند. همچنین اگر کلام مرا به گوش گرفتند، کلام شما را نیز به گوش خواهند گرفت. ۲۱ اما به خاطر نام من است که بر ضد شما چنین خواهند کرد؛ زیرا کسی را که مرا فرستاد، نمی‌شناسند. ۲۲ اگر نیامده بودم و با آنان سخن نگفته بودم، گناهی نمی‌داشتند؛ اما اکنون برای گناه خود عذری ندارند. ۲۳ هر که از من نفرت

۱۹:۱۵ * به یونانی فیلثو: رجوع به واژه‌نامه:

«محبت».

در اتحاد با من بمانید و گفته‌های من در شما بماند، هر آنچه می‌خواهید درخواست کنید و آن برای شما انجام خواهد شد. ۸ پدر من اینچنین جلال می‌یابد که شما پیوسته میوه فراوان آورید و ثابت کنید که شاگرد من هستید. ۹ همان گونه که پدر مرا دوست داشته است، من نیز شما را دوست داشته‌ام. در محبت من بمانید. ۱۰ اگر احکام مرا به جا آوردید، در محبت من خواهید ماند، همان گونه که من احکام پدر را به جا آورده‌ام و در محبت او می‌مانم.

۱۱ «این‌ها را به شما گفته‌ام که از شادی من برخوردار شوید و شادی‌تان کامل گردد. ۱۲ حکم من این است که به یکدیگر محبت کنید، همان گونه که من به شما محبت کرده‌ام. ۱۳ محبتی بزرگ‌تر از این نیست که کسی جان خود را برای دوستانش بدهد. ۱۴ شما دوستان من هستید اگر آنچه به شما حکم می‌کنم، به جا آورید. ۱۵ من دیگر شما را غلام نمی‌خوانم؛ زیرا غلام نمی‌داند اربابش چه می‌کند. اما من شما را دوست خوانده‌ام؛ زیرا شما را از هر آنچه از پدرم شنیده‌ام، آگاه ساخته‌ام. ۱۶ شما مرا برنگزیدید، بلکه من شما را برگزیدم و

پدر را می‌شناسند و نه مرا. ۴ با این حال، این‌ها را به شما گفتم تا وقتی زمان وقوع آن‌ها رسید، به یاد آورید که به شما گفته بودم.

«در ابتدا این‌ها را به شما نگفتم؛ زیرا با شما بودم. ۵ اکنون نزد کسی که مرا فرستاد، می‌روم. با این حال، هیچ یک از شما از من نمی‌پرسد: «به کجا می‌روی؟» ۶ اما چون این‌ها را به شما گفتم، دل شما پراز اندوه شده است. ۷ با وجود این، من حقیقت را به شما می‌گویم، رفتن من به نفع شماست؛ زیرا اگر نروم، آن یاور* به هیچ وجه نزد شما نخواهد آمد. اما اگر بروم، او را نزد شما می‌فرستم. ۸ هنگامی که او بیاید، در خصوص گناه، عدالت و داوری، گواهی قانع‌کننده به دنیا خواهد داد: ۹ نخست، گواه در خصوص گناه؛ این که به من ایمان نمی‌ورزند. ۱۰ سپس گواه در خصوص عدالت؛ این که نزد پدر می‌روم و آنگاه شما دیگر مرا نخواهید دید. ۱۱ همچنین گواه در خصوص داوری؛ این که حکمران این دنیا محکوم شده است.

۱۲ «من هنوز بسیار چیزهای دیگر دارم که به شما بگویم، ولی اکنون توان درک آن‌ها را ندارید. ۱۳ اما وقتی

دارد، از پدرم نیز نفرت دارد. ۲۴ من در میان ایشان کارهایی کردم که کسی دیگر نکرده است. اگر آن کارها را نکرده بودم، گناهی نمی‌داشتند. اما اکنون این کارها را دیده‌اند و با این حال، هم از من نفرت دارند، هم از پدرم. ۲۵ اما اینچنین به وقوع پیوست تا کلامی که در شریعتشان نوشته شده است، به تحقق رسد که می‌گوید: «آنان بی دلیل از من نفرت داشتند». ۲۶ وقتی آن یاور* که من آن را از سوی پدر برای شما می‌فرستم بیاید، یعنی آن روح راستی که از پدر می‌آید، همان در مورد من شهادت خواهد داد. ۲۷ شما نیز چون از آغاز با من بودید، باید در مورد من شهادت دهید.

۱۶ «من این‌ها را به شما گفتم تا لغزش نخورید. ۲ مردم شما را از کنیسه اخراج خواهند کرد.* در واقع، زمانی می‌رسد که هر که شما را بکشد، گمان می‌کند که خدمتی* به خدا کرده است. ۳ آنان چنین خواهند کرد؛ زیرا نه

۱۵: ۲۶؛ ۱۶: ۲؛ یا: «تسلّی‌دهنده»: در اینجا به روح القدس شخصیت داده شده است. ۱۶: ۲؛ اخراج از کنیسه به این مفهوم بود که جامعه یهودیان کاملاً با شخص قطع رابطه می‌کرد. * تحت‌اللفظی: «خدمت مقدّس».

زمانی، چیست؟ نمی‌فهمیم که در مورد چه سخن می‌گوید.» ۱۹ عیسی که دریافت شاگردانش می‌خواهند از او سؤال کنند، به آنان گفت: «آیا در این مورد با یکدیگر بحث می‌کنید، چون گفتم: (بعد از اندک زمانی، دیگر مرا نخواهید دید، اما باز اندکی پس از آن مرا خواهید دید؟» ۲۰ حقیقتاً به شما می‌گویم، شما گریه و شیون خواهید کرد، اما دنیا شادی خواهد نمود؛ شما غمگین خواهید بود، اما غمتان به شادی مبدل خواهد شد. ۲۱ زن هنگام زایمان درد می‌کشد، چون وقت او رسیده است. اما پس از به دنیا آوردن فرزندش، دیگر آن درد و رنج را به یاد نمی‌آورد؛ زیرا از این که انسانی به دنیا آمده است، شاد است. ۲۲ شما نیز اکنون غمگین هستید؛ اما من بار دیگر شما را خواهم دید و دلتان شاد خواهد شد و هیچ کس این شادی را از شما نخواهد گرفت. ۲۳ در آن روز، دیگر از من هیچ چیز نخواهید خواست. حقیقتاً به شما می‌گویم، هر چه از پدر به نام من بخواهید، آن را به شما خواهد داد. ۲۴ تا به حال حتی یک چیز هم به نام من نخواست‌اید. بخواهید و آن را خواهید یافت؛ آنگاه شادی‌تان کامل خواهد شد.

همان* یعنی روح راستی بیاید، او شما را در درک کامل حقیقت راهنمایی خواهد کرد؛ زیرا از خود چیزی نمی‌گوید، بلکه آنچه می‌شنود، خواهد گفت و آنچه در پیش است، به شما اعلام خواهد کرد. ۱۴ همان مرا جلال خواهد داد؛ زیرا او از آنچه از آن من است، خواهد گرفت و به شما اعلام خواهد کرد. ۱۵ هر چه پدر دارد، از آن من است. به همین دلیل است که گفتم از آنچه از آن من است، خواهد گرفت و به شما اعلام می‌کند. ۱۶ بعد از اندک زمانی، دیگر مرا نخواهید دید، اما باز اندکی پس از آن مرا خواهید دید. ۱۷ آنگاه برخی از شاگردانش به یکدیگر گفتند: «منظور او چیست که به ما می‌گوید: (بعد از اندک زمانی، دیگر مرا نخواهید دید، اما باز اندکی پس از آن مرا خواهید دید؟) هم‌چنین این که می‌گوید: (زیرا نزد پدر می‌روم، به چه معنی است؟» ۱۸ در واقع به یکدیگر می‌گفتند: «منظور او از گفتن (اندک ۱۶: ۱۲)* واژه‌های «همان» و «او» در آیات ۱۳ و ۱۴ به «یاور» در آیه ۷ اشاره دارد. عیسی از واژه «یاور» استفاده کرد (واژه‌ای که به زبان یونانی مذکر است) تا به روح القدس شخصیت بدهد؛ روحی که در واقع شخص نیست، بلکه نیرو است. واژه «روح» به زبان یونانی خنثی است.

من تنها نیستم؛ زیرا پدر با من است.
 ۳۳ من این چیزها را به شما گفتم تا از طریق من آرامش یابید. شما در این دنیا سختی خواهید کشید، اما قوی دل باشید!
 من بر دنیا غالب آمده‌ام.»

۱۷

عیسی پس از گفتن این سخنان، رو به آسمان کرد و گفت: «ای پدر، آن وقت مقرر فرارسیده است. پسر خود را جلال بده تا پسر تو را جلال دهد، ۲ چنان که به او بر همه انسان‌ها* اقتدار داده‌ای تا به تمام کسانی که به او بخشیده‌ای، زندگی جاودان بخشد. ۳ راهی که به زندگی جاودان می‌انجامد، این است که تو را تنها خدای حقیقی و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای بشناسند.* ۴ کاری را که به من محول کردی، به پایان رساندم و بدین گونه تو را بر زمین جلال دادم. ۵ پس حال ای پدر، مرا در کنار خود جلال بده؛ همان جلالی که پیش از آغاز دنیا* نزد تو داشتم.
 ۶ «من نام تو را به کسانی که از دنیا

۲:۱۷ * تحت اللفظی: «بر هر جسمی». ۳:۱۷ * یا:

«که از تو تنها خدای حقیقی و عیسی مسیح را که فرستاده‌ای، پیوسته دانش کسب کنند؛ فعل یونانی که در اینجا «بشناسند» ترجمه شده است، تداوم عمل را نشان می‌دهد. ۵:۱۷ * یا: «نسل بشر».

۲۵ «من این چیزها را با تشبیه به شما گفتم. زمانی می‌رسد که دیگر با تشبیه با شما سخن نخواهم گفت، بلکه به روشنی با شما در مورد پدر صحبت خواهم کرد.
 ۲۶ در آن روز، از پدر به نام من درخواست خواهید کرد. البته نمی‌گویم که من از طرف شما درخواست خواهم کرد؛ زیرا خود پدر، شما را دوست دارد،* چون شما مرا دوست داشته‌اید* و ایمان آورده‌اید که من به نمایندگی از پدر آمده‌ام. ۲۸ من از جانب پدر به این دنیا آمده‌ام و حال، این دنیا را ترک می‌کنم و نزد پدر می‌روم.»

۲۹ شاگردانش گفتند: «اکنون دیگر نه با تشبیه، بلکه به روشنی سخن می‌گویی.
 ۳۰ حال می‌دانیم که از همه چیز آگاهی و چون افکار ما را هم می‌دانی، نیازی نیست که کسی از تو سؤال کند. از این رو، ایمان داریم که از جانب خدا آمده‌ای.»
 ۳۱ عیسی به آنان گفت: «آیا به راستی اکنون ایمان دارید؟ ۳۲ زمانی می‌رسد و اکنون رسیده است که همه شما پراکنده خواهید شد و هر یک به خانه‌های خود گریخته، مرا تنها خواهید گذاشت. اما

۲۷:۱۶ * به یونانی فیلثو؛ رجوع به واژه‌نامه:

«محبّت».

نشده است، مگر آن پسرِ هلاکت تا نوشتهٔ مقدس تحقق یابد. ۱۳ اما اکنون نزد تو می‌آیم و این سخنان را زمانی که هنوز در دنیا هستم می‌گویم تا ایشان شادی مرا به کمال درخود داشته باشند. ۱۴ من کلام تو را به آنان دادم، اما دنیا از ایشان نفرت داشته است؛ زیرا به دنیا تعلّق ندارند، همان طور که من به دنیا تعلّق ندارم.

۱۵ «از تو درخواست نمی‌کنم که آنان را از دنیا ببری، بلکه می‌خواهم از آن شریر* حفظشان کنی. ۱۶ آنان به دنیا تعلّق ندارند، همان طور که من به دنیا تعلّق ندارم. ۱۷ ایشان را از طریق حقیقت تقدیس نما؛* کلام تو حقیقت است. ۱۸ چنان که تو مرا به دنیا فرستادی، من نیز آنان را به دنیا فرستادم. ۱۹ من خود را به خاطر ایشان تقدیس می‌کنم تا آنان نیز از طریق حقیقت تقدیس شوند.

۲۰ «درخواست من فقط برای آنان نیست، بلکه همچنین برای کسانی است که به وسیلهٔ کلام ایشان به من ایمان خواهند آورد ۲۱ تا همه یک باشند و همان گونه که ای پدر، تو در اتحاد با من هستی و من در اتحاد با تو، آنان نیز

۱۵:۱۷ * منظور شیطان است. ۱۷:۱۷ * یا: «برای خود جدا کن: مقدّس کن».

به من بخشیدی، آشکار ساخته‌ام.* آنان از آن تو بودند و تو ایشان را به من بخشیدی و کلام تو را به جا آورده‌اند.* ۷ حال نیز پی برده‌اند که هر چه به من دادی، از جانب توست؛ ۸ زیرا سخنانی که به من دادی، به ایشان داده‌ام. آنان نیز آن سخنان را پذیرفته و دریافته‌اند که من به نمایندگی از سوی تو آمدم و ایمان آورده‌اند که تو مرا فرستادی. ۹ درخواست من برای آنان است. در واقع من نه برای دنیا، بلکه برای آنانی درخواست می‌کنم که به من بخشیده‌ای؛ زیرا از آن تو هستند. ۱۰ هر چه من دارم، از آن توست و هر چه تو داری از آن من است و من در میان ایشان جلال یافته‌ام.

۱۱ «همچنین من دیگر در دنیا نیستم. اما آنان در دنیا هستند و من نزد تو می‌آیم. ای پدر مقدّس، به خاطر نام خود که بر من نهاده‌ی،* از ایشان محافظت کن تا یک* باشند، چنان که ما یک* هستیم. ۱۲ زمانی که با آنان بودم، به خاطر نام خود که بر من نهاده‌ی، از آنان محافظت می‌کردم. من حفظشان کردم و هیچ یک از ایشان هلاک

۱۷:۶ * یا: «شناسانده‌ام». * یا: «و از کلام تو اطاعت کرده‌اند». ۱۷:۱۱ * نام عیسی یعنی «یَهُوه نجات است». * یا: «متحد».

شدند. ۲ یهودا نیز که به او خیانت کرد، آن مکان را می‌شناخت؛ زیرا عیسی و شاگردانش بارها در آنجا جمع شده بودند. ۳ پس یهودا گروهی از سربازان و مأموران سران کاهنان و فریسیان را با خود همراه کرد و آنان با مشعل و چراغ و سلاح به آنجا رسیدند. ۴ با این که عیسی از تمام آنچه در انتظارش بود آگاهی داشت، قدم پیش گذاشت و به ایشان گفت: «به دنبال چه کسی می‌گردید؟» ۵ پاسخ دادند: «عیسای ناصری.» او گفت: «خودم هستم.» یهودا، کسی که به او خیانت کرد نیز با آنان ایستاده بود. ۶ اما وقتی عیسی گفت: «خودم هستم» آنان عقب‌عقب رفتند و بر زمین افتادند. ۷ پس باریک‌تر از ایشان پرسید: «به دنبال چه کسی می‌گردید؟» گفتند: «عیسای ناصری.» ۸ عیسی گفت: «به شما گفتم که خودم هستم. پس اگر به دنبال من هستید، بگذارید اینان بروند.» ۹ به این ترتیب، او این سخن خود را به تحقق رساند که گفته بود: «از کسانی که به من داده‌ای، هیچ یک را از دست نداده‌ام.»

۱۰ آنگاه شَمْعُونِ پَطْرُس شمشیری را که داشت کشید و با آن، خادم کاهن

در اتحاد با ما باشند تا دنیا ایمان آورد که تو مرا فرستادی. ۲۲ من جلالی را که تو به من عطا کرده‌ای، به ایشان عطا کردم تا همان گونه که ما یک هستیم، آنان نیز یک باشند. ۲۳ من در اتحاد با آنان و تو در اتحاد با من، تا آنان کاملاً یک* شوند و دنیا بداند که تو مرا فرستادی و ایشان را دوست داشتی، چنان که مرا دوست داشتی. ۲۴ ای پدر، می‌خواهم کسانی که به من داده‌ای نیز جایی که من هستم با من باشند تا جلال مرا ببینند، جلالی که تو به من داده‌ای؛ زیرا مرا پیش از آغاز دنیا* دوست داشتی. ۲۵ ای پدر عادل، به راستی که دنیا تو را نمی‌شناسد؛ اما من تو را می‌شناسم و اینان می‌دانند که تو مرا فرستادی. ۲۶ من نام تو را به ایشان شناساندم و خواهم شناساند تا محبتی که تو به من داشتی در آنان نیز باشد و من در اتحاد با آنان باشم.»

۱۸ عیسی پس از گفتن این سخنان، به همراه شاگردانش به آن طرف درهٔ قیدرون رفت. در آنجا باغی بود و عیسی و شاگردانش وارد آن

۱۷:۲۳ * یا: «متحد». ۱۷:۲۴ * «آغاز دنیا» تحت‌اللفظی: «به جا گذاشتن [نسل]»؛ به فرزندان آدم و حوّا اشاره دارد.

اعظم را زد و گوش راست او را قطع کرد. نام آن خادم مالخوس بود. ۱۱ عیسی به پطرس گفت: «شمشیرت را غلاف کن. آیا نباید از جامی* که پدر به من داده است، بنوشم؟»

۱۲ سپس سربازان، فرمانده نظامی و مأموران سران یهودیان، عیسی را گرفتند* و دست‌های او را بستند. ۱۳ نخست او را نزد حَنّاس، پدرزن قیفا بردند. در آن سال قیفا کاهن اعظم بود. ۱۴ قیفا همان کسی بود که به سران یهودیان توصیه کرد که به نفعشان است یک نفر برای قوم بمیرد.

۱۵ شمعون پطرس و شاگردی دیگر نیز به دنبال عیسی رفتند. کاهن اعظم آن شاگرد را می‌شناخت. او با عیسی به حیاط خانه کاهن اعظم داخل شد. ۱۶ اما پطرس پشت در* ایستاد. پس آن شاگرد دیگر که کاهن اعظم او را می‌شناخت بیرون رفت، با دربان صحبت کرد و پطرس را داخل آورد. ۱۷ زنی که خدمتکار و دربان بود به پطرس گفت:

۱۸:۱۱* «جام» در اینجا مظهر خواست خداست: این که او اجازه دهد عیسی به دروغ به کفرگویی متهم شده، کشته شود. ۱۲:۱۸* یا: «دستگیر کردند». ۱۶:۱۸* یا: «در ورودی».

«آیا تو نیز از شاگردان این مرد نیستی؟» او گفت: «نیستم». ۱۸ چون هوا سرد بود، خدمتکاران و مأموران، آتشی با زغال افروخته و اطرافش ایستاده بودند و خود را گرم می‌کردند. پطرس نیز در کنارشان ایستاده بود و خود را گرم می‌کرد.

۱۹ پس یکی از سران کاهنان* از عیسی در مورد شاگردان و تعالیمش سؤال کرد. ۲۰ عیسی در پاسخ او گفت: «من آشکارا با مردم دنیا سخن گفته‌ام. همیشه در کنیسه و معبد، جایی که همه یهودیان گرد هم می‌آیند، تعلیم دادم و هیچ چیز را در نهان نگفتم. ۲۱ چرا از من سؤال می‌کنی؟ از کسانی که سخنان مرا شنیده‌اند، بپرس! آنان می‌دانند من چه گفتم». ۲۲ وقتی عیسی چنین گفت، یکی از مأموران که آنجا ایستاده بود به صورت عیسی سیلی زد و گفت: «این چه طرز پاسخ دادن به یکی از سران کاهنان است؟» ۲۳ عیسی در جواب گفت: «اگر سخنی اشتباه گفتم، شهادت بده* که اشتباه می‌گویم، اما اگر آنچه گفتم درست است، چرا مرا می‌زنی؟» ۲۴ سپس حَنّاس او را دست‌بسته نزد قیفا، کاهن اعظم فرستاد.

۱۹:۱۸* منظور حَنّاس است. ۲۳:۱۸* یا: «گواهی بده».

۳۳ آنگاه پیلاتس بار دیگر به کاخ وارد شد و عیسی را فراخواند. سپس به او گفت: «آیا تو پادشاه یهودیانی؟»

۳۴ عیسی پاسخ داد: «آیا این را از خود می‌گویی یا دیگران در مورد من به تو گفته‌اند؟» ۳۵ پیلاتس پاسخ داد: «من که یهودی نیستم، هستم؟ قوم خودت و سران کاهنان، تو را نزد من آورده‌اند؛ چه کرده‌ای؟» ۳۶ عیسی پاسخ داد: «پادشاهی من از این دنیا نیست. اگر پادشاهی من از این دنیا بود، خادمانم می‌جنگیدند تا به دست یهودیان نیفتم. اما پادشاهی من از اینجا نیست.» ۳۷ پیلاتس از او پرسید: «پس تو پادشاه هستی؟» عیسی پاسخ داد: «تو خود می‌گویی که من پادشاه هستم. برای این زاده شدم و به این دلیل به این دنیا آمدم تا به حقیقت شهادت دهم. هر که جانب حقیقت را بگیرد، به سخنان من گوش می‌دهد.» ۳۸ پیلاتس به او گفت: «حقیقت چیست؟»

پیلاتس پس از این سخن، بار دیگر نزد سران یهودیان بیرون رفت و به ایشان گفت: «من هیچ خطایی در او نمی‌بینم. ۳۹ به علاوه، رسم شما این است که من در عید پِسَح فردی را برای شما آزاد

۲۵ شَمعونِ پِطْرُس همچنان آنجا ایستاده بود و خود را گرم می‌کرد. کسانی که آنجا بودند به او گفتند: «آیا تو نیز یکی از شاگردان او نیستی؟» پِطْرُس انکار کرد و گفت: «نیستم.» ۲۶ یکی از خادمان کاهن اعظم، از خویشان مردی بود که پِطْرُس گوشش را قطع کرده بود. او به پِطْرُس گفت: «آیا من تو را با او در باغ ندیدم؟» ۲۷ اما پِطْرُس بار دیگر انکار کرد و همان دم، خروس بانگ زد.

۲۸ آنگاه عیسی را از نزد قیافا به کاخ والی بردند. صبح زود بود. یهودیان برای آن که نجس نشوند و بتوانند خوراک پِسَح را بخورند، خود به کاخ والی وارد نشدند. ۲۹ پس پیلاتس نزد آنان بیرون آمد و گفت: «این مرد را به چه خطایی متهم می‌کنید؟» ۳۰ پاسخ دادند: «اگر خطاکار* نبود که او را به دست تو نمی‌سپردیم.» ۳۱ آنگاه پیلاتس گفت: «خودتان او را ببرید و مطابق قوانین‌تان داوری کنید.» سران یهودیان به او گفتند: «ما اجازه نداریم کسی را اعدام کنیم.» ۳۲ به این ترتیب، سخن عیسی در مورد نوع مرگی که به‌زودی در انتظارش بود، به تحقق رسید.

پاسخ گفتند: «ما قانونی داریم و مطابق آن قانون، او باید بمیرد: زیرا خود را پسر خدا خواند.»

۸ پیلاتس با شنیدن این گفته آنان، حتی بیشتر هراسان شد ۹ و بار دیگر داخل کاخ رفت و از عیسی پرسید: «تو از کجا آمده‌ای؟» اما عیسی پاسخی به او نداد. ۱۰ پس پیلاتس به او گفت: «آیا از سخن گفتن با من امتناع می‌ورزی؟ نمی‌دانی که اختیار آزاد ساختن یا اعدام کردن* تو در دست من است؟»

۱۱ عیسی پاسخ داد: «تو هیچ اختیاری بر من نمی‌داشتی، اگر از بالا به تو داده نشده بود. به همین دلیل گناه کسی که مرا به تو تسلیم کرد، بزرگ‌تر است.»

۱۲ از آن پس، پیلاتس همچنان می‌کوشید راهی بیابد تا او را آزاد کند. اما یهودیان فریاد می‌زدند: «اگر این مرد را آزاد کنی، دوست قیصر نیستی. هر که خود را پادشاه بخواند، بر ضد قیصر سخن می‌گوید.»* ۱۳ پیلاتس پس از شنیدن این سخنان، عیسی را بیرون آورد و خود در مکانی به نام «سنگفرش» که به عبری جَبَاثَا خوانده می‌شد، بر مسند

کنم. آیا می‌خواهید که پادشاه یهودیان را برایتان آزاد سازم؟» ۴۰ آنگاه بار دیگر چنین فریاد زدند: «این مرد را نه. باراباس را آزاد کن!» باراباس راهزن بود.

۱۹ آنگاه پیلاتس فرمان داد که عیسی را ببرند و شلاق بزنند. ۲ پس از آن، سربازان تاجی از خار بافتند و بر سرش گذاشتند. ردایی ارغوانی نیز بر او پوشاندند ۳ و نزدش می‌آمدند و می‌گفتند: «سلام* بر تو، ای پادشاه یهودیان!» و بر صورتش سیلی می‌زدند. ۴ پیلاتس بار دیگر بیرون رفت و به یهودیان گفت: «نگاه کنید! او را نزد شما بیرون می‌آورم تا بدانید که در او خطایی نمی‌یابم.» ۵ پس عیسی که تاجی از خار بر سر و ردایی ارغوانی بر تن داشت، بیرون آمد. پیلاتس به آنان گفت: «ببینید! این هم آن مرد!» ۶ اما وقتی سران کاهنان و مأموران وی را دیدند، فریاد زدند: «او را بر تیر بیاویز! او را بر تیر بیاویز!»* ۷ پیلاتس به ایشان گفت: «خودتان او را ببرید و اعدامش کنید!»* زیرا من هیچ خطایی در وی نمی‌یابم. ۷ یهودیان در

۲۰:۱۹ *یا: «درود». ۲۰:۱۹ *یا: «او را بر تیر اعدام کن!» او را بر تیر اعدام کن. *یا: «و بر تیر اعدامش کنید».

۱۰:۱۹ *یا: «بر تیر اعدام کردن». ۱۲:۱۹ *یا: «با قیصر مخالفت می‌کند».

داوری نشست. ۱۴ آن روز، «روز تهیه»^{*} برای عید پَسَح^{*} و حدود ساعت ششم^ه بود. پِیلاَثس به یهودیان گفت: «ببینید! این هم پادشاهتان!» ۱۵ اما آنان فریاد زدند: «او را از میان بردار! او را از میان بردار! بر تیرش بیاویز!»^{*} پِیلاَثس به آنان گفت: «آیا پادشاه شما را اعدام کنم؟» سران کاهنان پاسخ دادند: «ما پادشاهی نداریم، جز قیصر.» ۱۶ آنگاه عیسی را به دست ایشان سپرد تا او را بر تیر اعدام کنند.

آنان نیز عیسی را بردند. ۱۷ عیسی در حالی که خود تیر شکنجه^{*} را بر دوش می‌کشید، به سوی محلّی رفت که به «مکان جمجمه» معروف است و به عبری جُلجُثا خوانده می‌شود. ۱۸ در آنجا او را به تیر می‌خکوب کردند. دو مرد دیگر را نیز همراه او بر تیر آویختند؛ عیسی در وسط و آن دو مرد در دو طرف او بودند. ۱۹ پِیلاَثس عنوانی نوشت و بر تیر شکنجه^{*} نصب کرد که بر آن چنین نوشته شده بود: «عیسای ناصری، پادشاه

۱۹: ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۵ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۹: ۱۴ * در اینجا پَسَح به هفتهٔ پَسَح اشاره دارد که عید نان فطیر را نیز شامل می‌شد. با لوقا ۱: ۲۲ مقایسه شود. ^ه حدود ساعت ۱۲ ظهر. ۱۹: ۱۵ * یا: «بر تیر اعدامش کن».

یهودیان». ۲۰ بسیاری از یهودیان این نوشته را خواندند؛ زیرا مکانی که عیسی در آنجا به تیر می‌خکوب شد، نزدیک به شهر بود و آن عنوان به زبان عبری، لاتین و یونانی نوشته شده بود. ۲۱ سران کاهنان یهودیان به پِیلاَثس گفتند: «منویس «پادشاه یهودیان»، بلکه بنویس، او ادعا کرد که پادشاه یهودیان است.» ۲۲ پِیلاَثس پاسخ داد: «آنچه نوشته‌ام، نوشته‌ام.»

۲۳ سربازان پس از آن که عیسی را به تیر می‌خکوب کردند، جامه‌هایش را برداشته، چهار قسمت کردند؛ برای هر سرباز یک قسمت. جامهٔ زیرین او را نیز گرفتند، اما چون بدون درز بود و از بالا تا پایین یکپارچه بافته شده بود، ۲۴ به یکدیگر گفتند: «بیایید این را پاره نکنیم، بلکه برای آن قرعه اندازیم و ببینیم نصیب چه کسی می‌شود.» به این ترتیب این نوشتهٔ مقدّس به تحقق رسید که می‌گوید: «آنان جامه‌های مرا میان خود تقسیم کردند و بر لباس من قرعه انداختند.» آن سربازان واقعاً چنین کردند.

۲۵ در کنار تیر شکنجه^{*} عیسی، مادر او، خواهر مادرش، مریم همسر کلّوپاس و مریم مَجْدَلِیّه ایستاده بودند. ۲۶ مادر

فرمان دهد ساق پاهای آن سه نفر را بشکنند* و اجسادشان را از آنجا بردارند. ۲۲ پس سربازان آمدند و ساق پاهای اولین مرد و آن مرد دیگر را که در کنار عیسی بر تیر آویخته شده بودند، شکستند. ۲۳ اما هنگامی که به عیسی رسیدند، دیدند که مرده است، پس ساق پاهای او را نشکستند. ۲۴ یکی از سربازان نیزه‌ای به پهلوی عیسی فرو برد و همان دم آب و خون از آن بیرون آمد. ۲۵ آن که این را دید، شهادت داده است و شهادت او راست است. او می‌داند که گفته‌هایش درست است و این‌ها را می‌گوید تا شما نیز ایمان آورید. ۲۶ این امور واقع شد تا این نوشته مقدس تحقق یابد که می‌گوید: «هیچ یک از استخوان‌های او شکسته نخواهد شد.» ۲۷ همچنین نوشته مقدس دیگری که می‌گوید: «آنان بر کسی که به او نیزه زدند، خواهند نگریست.»

۳۸ پس از این امور، یوسف اهل رامه که به دلیل ترس از یهودیان* در خفا شاگرد عیسی بود، از پیلاتس اجازه خواست که جسد عیسی را ببرد. پیلاتس نیز به او

۳۱:۱۹* احتمالاً برای سرعت بخشیدن به مرگ شخص چنین می‌کردند. ۳۶:۱۹* یا: «خُرد». ۳۸:۱۹* ظاهراً به رهبران مذهبی یهودیان اشاره دارد.

عیسی در کنار شاگردی که عیسی دوستش می‌داشت، ایستاده بود. وقتی عیسی آنان را دید به مادرش گفت: «ای مادر، او از این پس پسر توست!» ۲۷ سپس به آن شاگرد گفت: «او از این پس مادر توست!» از همان موقع آن شاگرد، مادر عیسی را به خانه خود برد. ۲۸ آنگاه چون عیسی می‌دانست که دیگر همه امور به انجام رسیده است، برای تحقق بخشیدن به یکی از نوشته‌های مقدس گفت: «تشنه‌ام.» ۲۹ در آنجا ظرفی پر از شراب ترشیده بود. پس اسفنجی آغشته به شراب ترشیده را بر شاخه زوفایی* قرار داده، نزدیک دهان او بالا بردند. ۳۰ هنگامی که عیسی شراب ترشیده را چشید، گفت: «همه چیز به انجام رسید!» آنگاه سر خود را پایین آورد و روح خود را تسلیم کرد.*

۳۱ آن روز، «روز تهیه»* و روز بعد از آن، سَبْت بزرگ* بود. پس برای این که جسدی در روز سَبْت* بر تیر شکنجه نماند، یهودیان از پیلاتس خواستند که

۲۹:۳۱* رجوع به واژه‌نامه. ۳۰:۱۹* یا: «نفس آخر را کشید»؛ رجوع به واژه‌نامه: «روح». ۳۱:۱۹* نخستین روز عید نان فطیر سَبْت محسوب می‌شد. هنگامی که این روز با سَبْت هفتگی مصادف می‌شد، آن را سَبْت بزرگ می‌خواندند.

۳ آنگاه پطرس و آن شاگرد دیگر به طرف مقبره به راه افتادند. ۴ هر دو شروع به دویدن کردند، اما آن شاگرد سریع‌تر از پطرس دوید و اول به مقبره رسید. ۵ او خم شد و داخل مقبره را نگاه کرد و کفن را دید که آنجا افتاده است. اما داخل نرفت. ۶ شمعون پطرس نیز پس از او به آنجا رسید. پطرس داخل مقبره رفت و کفن را دید که آنجا افتاده است. ۷ پارچه‌ای که بر سر عیسی بسته بودند، کنار کفن نبود، بلکه پیچیده و در جایی دیگر گذاشته شده بود. ۸ پس آن شاگرد که اول به مقبره رسیده بود نیز داخل شد و آنجا را دید. آنگاه آنچه شنیده بود، باور کرد. ۹ اما آنان هنوز نوشته‌های مقدس را در مورد این که او باید از مردگان برخیزد، درک نکرده بودند. ۱۰ سپس آن دو شاگرد به خانه‌های خود بازگشتند.

۱۱ اما مریم همچنان بیرون، نزدیک مقبره ایستاده بود و می‌گریست. در حالی که گریه می‌کرد، خم شد تا درون مقبره را ببیند. ۱۲ در آنجا دو فرشته سفیدپوش را دید که در مکانی که پیش از آن جسد عیسی نهاده شده بود، نشسته بودند؛ یکی در جایی که سر او بود و دیگری در جایی که پاهای او قرار داشت. ۱۳ آنان

اجازه داد. پس یوسف آمد و جسد عیسی را از آنجا برد. ۳۹ نیکودیموس، همان کسی که پیش از آن شبانه نزد عیسی رفته بود نیز آمد و حدود ۳۰ کیلو* مخلوطی* از مُرّه و عود با خود آورد. ۴۰ پس جسد عیسی را گرفتند و مطابق رسم تدفین یهودیان با مواد معطر* در کفن پیچیدند. ۴۱ ضمناً در مکانی که عیسی اعدام شد، باغی بود و در آن باغ مقبره‌ای تازه وجود داشت و هنوز مرده‌ای در آن نگذاشته بودند. ۴۲ چون برای یهودیان «روز تهیه»* بود و آن مقبره نیز فاصله کمی با آنجا داشت، جسد عیسی را در آن نهادند.

۲۰ در نخستین روز هفته، صبح زود، هنگامی که هوا هنوز تاریک بود، مریم مَجْدَلِیّه بر سر مقبره رفت. در آنجا دید که سنگ از دهانه مقبره برداشته شده است. ۲ پس دوان دوان نزد شمعون پطرس و آن شاگرد دیگر که عیسی او را دوست می‌داشت،* رفت و به ایشان گفت: «سَرور را از مقبره برده‌اند و نمی‌دانیم او را کجا نهاده‌اند.»

۱۹:۳۹* یا: «۱۰۰ لیتر»؛ به یونانی یک لیتر حدود ۳۲۷ گرم بود. * یا احتمالاً: «نواری پارچه‌ای». ۱۹:۴۰* یا: «با خنوط». ۱۹:۴۲* رجوع به واژه‌نامه. ۲۰:۲۰* به یونانی فیلتو؛ رجوع به واژه‌نامه: «محبت».

به او گفتند: «ای زن، چرا گریه می‌کنی؟» او گفت: «سَرورم را برده‌اند و نمی‌دانم که او را کجا نهاده‌اند.» ۱۴ مریم پس از گفتن این سخنان برگشت و شخصی را در آنجا ایستاده دید. او عیسی بود، اما مریم وی را نشناخت. ۱۵ عیسی به او گفت: «ای زن، چرا گریه می‌کنی؟ دنبال چه کسی می‌گرددی؟» مریم به گمان این که او باغبان است، پاسخ داد: «آقا، اگر او را از اینجا برده‌ای، به من بگو کجا نهاده‌ای تا من او را ببرم.» ۱۶ عیسی گفت: «مریم!» مریم برگشت و به عبری به عیسی گفت: «رَبُّونی!» (یعنی «استاد!») ۱۷ عیسی به او گفت: «من هنوز نزد پدر بالا نرفته‌ام، پس دیگر بر من میاویز، بلکه نزد برادرانم برو و به آنان بگو: «من نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما بالا می‌روم.»» ۱۸ مریم مَجْدَلِیّه رفت و خبر را به شاگردان رساند و گفت: «من سَرور را دیدم!» همچنین سخنان او را برای آنان بازگو کرد.

۱۹ اواخر همان روز، یعنی نخستین روز هفته، شاگردان در مکانی گرد هم آمده و از ترس یهودیان درها را قفل کرده بودند. آنگاه عیسی ظاهر شد و در میان آنان ایستاد و به ایشان گفت: «سلام بر شما.»

۲۰ عیسی این را گفت و هر دو دست و پهلوی خود را به آنان نشان داد. شاگردان از دیدن سَرور بسیار شاد شدند. ۲۱ عیسی بار دیگر به ایشان گفت: «سلام بر شما باد. همان طور که پدر مرا فرستاده است، من نیز شما را می‌فرستم.» ۲۲ عیسی پس از گفتن این سخن بر آنان دمید و به ایشان گفت: «روح القدس را دریافت کنید. ۲۳ اگر گناهان کسی را ببخشید، گناهانش بخشیده شده است؛ اگر گناهان کسی را نبخشید، گناهانش بخشیده نشده است.» ۲۴ اما توما که یکی از آن دوازده نفر بود و «دوقلو» نیز خوانده می‌شد، هنگامی که عیسی ظاهر شد، با آنان نبود. ۲۵ پس شاگردان دیگر به او گفتند: «ما سَرور را دیدیم!» اما توما به ایشان گفت: «تا جای* میخ‌ها را روی دست‌های او نبینم و انگشتم را در جای میخ‌ها نگذارم و دستم را در پهلویش فرو نبرم، هرگز باور نخواهم کرد.»

۲۶ هشت روز بعد، شاگردان عیسی بار دیگر در خانه بودند و توما نیز با آنان بود. با این که درها قفل بود، عیسی ظاهر شد و در میان ایشان ایستاد و گفت: «سلام بر شما.» ۲۷ سپس به توما

* ۲۵:۲۰ یا: «جای زخم».

بودند. ۳ شمعون پطرس به آنان گفت: «من به ماهیگیری می‌روم.» ایشان گفتند: «ما نیز با تومی آییم.» پس بیرون رفتند و سوار قایق شدند، اما طی آن شب هیچ چیز صید نکردند.

۴ سپیده‌دم، عیسی در ساحل ایستاده بود، اما شاگردان دریافتند که او عیسی است. ۵ عیسی به آنان گفت: «فرزندان عزیز، آیا چیزی* برای خوردن دارید؟» پاسخ دادند: «خیر!» ۶ عیسی گفت: «تور را به طرف راست قایق بیندازید و ماهی‌هایی خواهید یافت.» پس تور را انداختند. اما به دلیل ماهی‌های فراوان در آن تور، قادر نبودند آن را به داخل قایق بکشند. ۷ آنگاه آن شاگردی که عیسی او را دوست می‌داشت، به پطرس گفت: «او سرور است!» شمعون پطرس تا این را شنید، چون بالاپوشی بر تن نداشت،* ردایش را به تن کرده، دور خود پیچید و به دریا پرید. ۸ اما شاگردان دیگر با آن قایق کوچک آمدند و چون از ساحل چندان دور نبودند و تنها کمتر از ۱۰۰ متر* فاصله داشتند، تور پر از ماهی را با خود کشیدند.

۲۱: ۵: یأ: «ماهی‌ای». ۲۱: ۷: * تحت اللفظی: «چون برهنه بود». ۲۱: ۸: * تحت اللفظی: «حدود ۲۰۰ ذراع»؛ حدود ۹۰ متر.

گفت: «انگشت خود را اینجا بگذار و دست‌هایم را ببین و دست خود را در پهلویم فرو ببر و دیگر شک مکن،* بلکه باور داشته باش.» ۲۸ شما در مقابل به او گفت: «سرور من و خدای من!» ۲۹ عیسی به او گفت: «آیا چون مرا دیدی باور کردی؟ خوشا به حال آنانی که نادیده باور می‌کنند.»

۳۰ عیسی بسیاری معجزات* دیگر نیز در برابر شاگردان به ظهور رساند که در این طومار نوشته نشده است. ۳۱ اما این‌ها نوشته شد تا ایمان بیاورید که عیسی همان مسیح، پسر خداست و به سبب ایمانتان، از طریق نام او به حیات دست یابید.

۲۱ پس از آن، عیسی بار دیگر خود را در کنار دریای تیبریّه* بر شاگردان آشکار ساخت.* شرح آشکار شدن او به این ترتیب است: ۲ شمعون پطرس، شما (که «دوقلو» خوانده می‌شد)، نتائیل از قانای جلیل، پسران زبیدی و دو نفر از شاگردان دیگر عیسی، همگی با هم

۲۰: ۲۷: * تحت اللفظی: «بی‌ایمان مباش». ۲۰: ۳۰:

* تحت اللفظی: «نشانه‌های». ۲۱: ۱: * دریاچه‌ای است که در کتاب مقدس به نام‌های دریاچه جنیسارت، دریای جلیل و دریای تیبریّه خوانده شده است. * یأ: «بار دیگر بر شاگردان ظاهر شد».

۹ هنگامی که به خشکی پا گذاشتند، آتشی دیدند که با زغال افروخته و ماهی‌هایی روی آن گذاشته شده بود. آنجا نان هم بود. ۱۰ عیسی به آنان گفت: «تعدادی از ماهی‌هایی را که اکنون صید کرده‌اید، بیاورید.» ۱۱ شَمْعونِ پطرس بر قایق سوار شد و تور را که پر از ماهی‌های بزرگ بود، به ساحل کشید. در آن تور ۱۵۳ ماهی بود، اما با وجود تعداد زیاد ماهی تور پاره نشد. ۱۲ عیسی به آنان گفت: «بیایید و صبحانه بخورید.» هیچ یک از شاگردان جرأت نکرد که از او بپرسد: «تو کیستی؟» زیرا می‌دانستند که سَرور است. ۱۳ عیسی پیش آمده، نان و همین طور ماهی‌ها را گرفت و به آنان داد. ۱۴ این بار سوم بود که عیسی پس از برخاستن از مردگان، بر شاگردان ظاهر می‌شد.

۱۵ پس از خوردن صبحانه، عیسی به شَمْعونِ پطرس گفت: «شَمْعون، پسر یوحنا* آیا به من بیشتر از این‌ها* محبت داری؟» پطرس پاسخ داد: «بله سَرور، می‌دانی که دوست دارم.»^۵ عیسی

۲۱:۱۵ * یا: «یونا». * ظاهراً عیسی به هر آنچه به کار ماهیگیری مربوط می‌شود، اشاره می‌کند. ۲۱:۱۵-۱۷ * به یونانی فیلیثو؛ رجوع به واژه‌نامه: «محبت».

به او گفت: «بَرّه‌ایم را خوراک بده.» ۱۶ عیسی برای بار دوم پرسید: «شَمْعون، پسر یوحنا آیا به من محبت داری؟» پطرس پاسخ داد: «بله سَرور، می‌دانی که دوست دارم.»^۵ عیسی به او گفت: «گوسفندان کوچکم را شبانی کن.» ۱۷ بار سوم عیسی پرسید: «شَمْعون، پسر یوحنا آیا مرا دوست داری؟»^۵ پطرس از این که عیسی برای بار سوم از او پرسید: «آیا مرا دوست داری؟»^۵ غمگین شد و پاسخ داد: «سَرور، تو که خود از همه چیز آگاهی و می‌دانی که دوست دارم.»^۵ عیسی به او گفت: «به گوسفندان کوچکم خوراک بده. ۱۸ حقیقتاً به تو می‌گویم، وقتی جوان‌تر بودی، خود لباس به تن می‌کردی و هر جا که می‌خواستی می‌رفتی. اما وقتی سالخورده شوی، دست خود را دراز خواهی کرد و کسی دیگر لباس بر تنت خواهد پوشاند و تو را به جایی که نمی‌خواهی خواهد برد.» ۱۹ عیسی این را گفت تا به نوع مرگی اشاره کند که پطرس خدا را با آن جلال می‌داد. پس از این سخن به پطرس گفت: «پیوسته مرا پیروی کن.»

۲۰ پطرس برگشت و دید آن شاگردی که عیسی او را دوست می‌داشت،

نگفت که آن شاگرد نخواهد مرد، بلکه گفت: «اگر خواست من برای او این باشد که تا آمدن من بماند، چه فرقی برای تو دارد؟»

۲۴ این همان شاگردی است که بر این امور شهادت می‌دهد و این‌ها را نوشته است و می‌دانیم شهادت او راست است. ۲۵ در واقع، عیسی بسیاری کارهای دیگر نیز انجام داد که اگر با جزئیات کامل نوشته می‌شد، گمان می‌کنم دنیا گنجایش طومارهای آن را نمی‌داشت.

به دنبالشان می‌آید. این همان شاگردی بود که هنگام شام بر سینه عیسی تکیه زده، از او پرسیده بود: «سرور، چه کسی به تو خیانت می‌کند؟» ۲۱ پطرس با دیدن او از عیسی پرسید: «سرور، بر سر او چه خواهد آمد؟» ۲۲ عیسی به او گفت: «اگر خواست من برای او این باشد که تا آمدن من بماند، چه فرقی برای تو دارد؟ تو پیوسته مرا پیروی کن.» ۲۳ پس این گفته در میان برادران پیچیده که آن شاگرد نخواهد مرد. در واقع، عیسی به پطرس

اعمال رسولان

فهرست محتوا

- | | | | |
|---|---|---|---|
| ۱ | خطاب به تیئوفیلوس (۵-۱) | ۱ | مشارکت و معاشرت مسیحیان با یکدیگر (۴۲-۴۷) |
| | شاهدانی تا دورافتاده‌ترین مناطق زمین (۶-۸) | ۳ | پطرس گدایی لنگ را شفا می‌دهد (۱-۱۰) |
| | عیسی به بالا برده شد (۹-۱۱) | | سخنرانی پطرس در ایوان سلیمان (۱۱-۲۶) |
| | شاگردان به یکدل گرد هم می‌آیند (۱۲-۱۴) | | «دوران اِحیای همه چیز» (۲۱) |
| | متیاس جایگزین یهوذا می‌شود (۱۵-۲۶) | | پیامبری همانند موسی (۲۲) |
| ۲ | ریخته شدن روح القدس بر شاگردان در پنتیکاست (۱-۱۳) | ۴ | از پطرس و یوحنا بازخواست می‌شود (۱-۴) |
| | سخنرانی پطرس (۱۴-۳۶) | | شمار مردانی که ایمان می‌آورند، حدود ۵۰۰۰ نفر می‌شود (۴) |
| | واکنش جمعیت به سخنرانی پطرس (۳۷-۴۱) | | محاکمه در مقابل سنهدرین (۵-۲۲) |
| | حدود ۳۰۰۰ نفر تعمید می‌گیرند (۴۱) | | «نمی‌توانیم از سخن گفتن دست بکشیم» (۲۰) |

سولس در دمشق در مورد عیسی موعظه می‌کند (۲۵-۱۹ب)

سولس به اورشلیم می‌رود (۳۱-۲۶)

پطرس اینیاس را شفا می‌دهد (۳۵-۳۲)

رستاخیز دورکاس نیکوکار (۴۳-۳۶)

۱۰ رؤیای گرنلیوس (۸-۱)

رؤیای پطرس در مورد حیوانات حرام که

پاک شمرده شدند (۱۶-۹)

دیدار پطرس از گرنلیوس (۳۳-۱۷)

پطرس بشارت را به غیریهودیان اعلام

می‌کند (۴۳-۳۴)

«خدا تبعیض قائل

نمی‌شود» (۳۵، ۳۴)

غیریهودیان روح القدس را دریافت

می‌کنند و تعمید می‌گیرند (۴۸-۴۴)

۱۱ پطرس به رسولان گزارش می‌دهد (۱۸-۱)

بزنابا و سولس در آنطاکیه سوریه (۲۶-۱۹)

شاگردان برای نخستین بار مسیحی

خوانده شدند (۲۶)

پیشگویی آگابوس در مورد قحطی (۳۰-۲۷)

۱۲ کشتن یعقوب؛ زندانی کردن پطرس (۵-۱)

آزادی معجزه‌آسای پطرس (۱۹-۶)

فرشته‌ای هیروдіس را کشت (۲۵-۲۰)

۱۳ بزنابا و سولس به خدمت میسیونری

فرستاده می‌شوند (۳-۱)

خدمت در قبرس (۱۲-۴)

سخنرانی پولس در آنطاکیه

پسیدیه (۴۱-۱۳)

فرمانی نبوی در مورد موعظه به غیر

یهودیان (۵۲-۴۲)

۱۴ ایمان آوردن بسیاری در قونیه و مخالفت

با آنان (۷-۱)

دعا برای شهامت (۳۱-۲۳)

شاگردان دارایی‌هایشان را با هم سهیم

می‌شوند (۳۷-۳۲)

۵ خانانیا و سفیره (۱۱-۱)

رسولان معجزات بسیاری به ظهور

می‌رسانند (۱۶-۱۲)

حبس و آزادی رسولان (۲۱-۱۷الف)

بار دیگر در مقابل سنهدرین (۳۲-۲۱)

اطاعت از خدا، نه از انسان (۲۹)

توصیه گامالائیل (۴۰-۳۳)

موعظه خانه‌به‌خانه (۴۲، ۴۱)

۶ برگزیدن هفت نیکنام (۷-۱)

استیفان متهم به کفرگویی

می‌شود (۱۵-۸)

۷ سخنان استیفان در مقابل

سنهدرین (۵۳-۱)

دوران ابراهیم و دیگر سران

خاندان (۱۶-۲)

رهبری موسی؛ بت‌پرستی

اسرائیلیان (۴۳-۱۷)

خدا در معابد ساخته‌شده به دست

انسان ساکن نیست (۵۰-۴۴)

سنگسار کردن استیفان (۶۰-۵۴)

۸ سولس آزاددهنده مسیحیان (۳-۱)

خدمت پرثمر فیلیپس در سامره (۱۳-۴)

پطرس و یوحنا به سامره فرستاده

می‌شوند (۱۷-۱۴)

شمعون گمان کرد می‌تواند روح القدس را

با پول بخرد (۲۵-۱۸)

خواججه‌سرای حبشی (۴۰-۲۶)

۹ سولس در راه دمشق (۹-۱)

خانانیا به یاری سولس فرستاده

می‌شود (۱۹-۱۰الف)

- ۱۹ پولس در اِفْسُس: برخی دوباره تعمید می‌گیرند (۷-۱)
- فعالیت‌های تعلیمی پولس (۸-۱۰۰)
- موفقیت با وجود تأثیر ارواح شریر (۱۱-۲۰)
- آشوب در اِفْسُس (۲۱-۴۱)
- ۲۰ پولس در مقدونیه و یونان (۱-۶)
- رستاخیز اِفتیخوس در تِروآس (۷-۱۲)
- از تِروآس به میلیتوس (۱۳-۱۶)
- پولس با پیران جماعت اِفْسُس ملاقات می‌کند (۱۷-۳۸)
- تعلیم خانه‌به‌خانه (۲۰)
- «دادن از گرفتن شادی‌بخش‌تر است» (۳۵)
- ۲۱ دیدارهایی در راه سفر به اورشلیم (۱-۱۴)
- رسیدن به اورشلیم (۱۵-۱۹)
- پولس پند پیران را به گوش می‌گیرد (۲۰-۲۶)
- آشوب در معبد: دستگیری پولس (۲۷-۳۶)
- به پولس اجازهٔ صحبت با مردم داده می‌شود (۳۷-۴۰)
- ۲۲ دفاعیهٔ پولس در حضور مردم (۱-۲۱)
- پولس از تابعیت رومی خود استفاده می‌کند (۲۲-۲۹)
- گرد آمدن اعضای سَنهدرین (۳۰)
- ۲۳ پولس در مقابل سَنهدرین صحبت می‌کند (۱-۱۰)
- سرور پولس را تقویت می‌کند (۱۱)
- تَبانی یهودیان برای کشتن پولس (۱۲-۲۲)
- پولس به قیصریه منتقل می‌شود (۲۳-۳۵)
- ۲۴ شکایت‌ها علیه پولس (۱-۹)
- دفاعیهٔ پولس در حضور فلیکس (۱۰-۲۱)
- محاکمهٔ پولس دو سال معلق می‌ماند (۲۲-۲۷)
- در لِسِتره بَرَنابا و پولس را خدایان می‌انگارند (۸-۱۸)
- پولس سنگسار می‌شود، اما زنده می‌ماند (۱۹-۲۰)
- تقویت جماعات (۲۱-۲۳)
- بازگشت به اَنطَاقِیَه سوریه (۲۴-۲۸)
- ۱۵ بحث بر سر ختنه در اَنطَاقِیَه (۱-۲)
- موضوع به اورشلیم برده می‌شود (۳-۵)
- پیران و رسولان گرد هم می‌آیند (۶-۲۱)
- نامه‌ای از طرف هیئت اداره‌کننده (۲۲-۲۹)
- پرهیز از خون (۲۸، ۲۹)
- نامه‌ای دلگرم‌کننده برای جماعات (۳۰-۳۵)
- پولس و بَرَنابا راهشان را از هم جدا می‌کنند (۳۶-۴۱)
- ۱۶ پولس تیموتائوس را انتخاب می‌کند (۱-۵)
- رؤیای پولس در مورد فردی اهل مقدونیه (۶-۱۰)
- ایمان آوردن لیدیه در فیلیپی (۱۱-۱۵)
- زندانی شدن پولس و سیلاس (۱۶-۲۴)
- تعمید گرفتن زندانبان و اهل خانه‌اش (۲۵-۳۴)
- درخواست پولس برای عذرخواهی رسمی از او (۳۵-۴۰)
- ۱۷ پولس و سیلاس در تِسالونیکِی (۱-۹)
- پولس و سیلاس در بیریه (۱۰-۱۵)
- پولس در آتن (۱۶-۲۲الف)
- سخنرانی پولس در آریوپاگوس (۲۲ب-۳۴)
- ۱۸ خدمت پولس در قُرِنْتُس (۱-۱۷)
- بازگشت به اَنطَاقِیَه سوریه (۱۸-۲۲)
- پولس عازم غَلاطِیَه و فَریجِیَه می‌شود (۲۳)
- آپولس خوش‌بین آموزش بیشتر می‌گیرد (۲۴-۲۸)

۲۷ پولس با کشتی عازم روم می‌شود (۱۲-۱)
کشتی در طوفان (۳۸-۱۳)
در هم شکسته شدن کشتی (۴۴-۳۹)
۲۸ ساحل مالت (۶-۱)
شفای پدر پوبلیوس (۱۰-۷)
عزیمت به روم (۱۶-۱۱)
پولس با یهودیان روم صحبت
می‌کند (۲۹-۱۷)
پولس دو سال همچنان با شهادت
موعظه می‌کند (۳۰، ۳۱)

۲۵ محاکمه پولس در حضور فیستوس (۱۲-۱)
«از قیصر درخواست فرجام
می‌کنم!» (۱۱)
فیستوس با آگریپاس مشورت
می‌کند (۲۲-۱۳)
پولس در مقابل آگریپاس (۲۷-۲۳)
۲۶ دفاعیه پولس در مقابل آگریپاس (۱۱-۱)
پولس شرح می‌دهد که چگونه به عیسی
ایمان آورد (۲۳-۱۲)
واکنش فیستوس و آگریپاس (۳۲-۲۴)

۶ پس هنگامی که ایشان گرد هم
آمده بودند، از او پرسیدند: «سرور،
آیا در این زمان پادشاهی را به اسرائیل
بازمی‌گردانی؟» ۷ عیسی به آنان گفت:
«برای شما منظور نشده است که از
زمان‌ها یا ایامی* آگاه شوید که پدر در
اختیار خود نگاه داشته است؛ ۸ اما وقتی
روح القدس بر شما آید، قدرت خواهید
یافت و در اورشلیم، در تمام یهودیه، در
سامره و تا دورافتاده‌ترین مناطق زمین،
شاهدان من خواهید بود.» ۹ پس از
گفتن این سخنان، در برابر چشمان آنان
به بالا برده شد، ابری او را در برگرفت و
از نظرشان ناپدید ساخت. ۱۰ هنگامی که
عیسی بالا می‌رفت و آنان چشم به آسمان

۷:۱ * یا: «فصل‌هایی: ایام مقرری».

ای تئوفیلوس، در کتاب اول در مورد
تمامی اعمال و تعالیم عیسی نوشتم؛
یعنی از همان آغاز ۲ تا آن روزی که عیسی
دستورات لازم را از طریق روح القدس به
رسولانی که برگزیده بود داد و سپس به بالا
برده شد. ۳ او پس از رنجی که کشید، با
بسیاری شواهد قطعی به ایشان ثابت کرد
که زنده است. طی ۴۰ روز بر آنان ظاهر
می‌شد و در مورد پادشاهی خدا با آنان
سخن می‌گفت. ۴ در یکی از این دیدارها،
عیسی به آنان چنین دستور داد: «اورشلیم
را ترک نکنید، بلکه منتظر وعده‌ای که
پدر داده است و از من شنیده‌اید، باشید؛
۵ زیرا هرچند یحیی با آب تعمید می‌داد،
شما چند روز دیگر، با روح القدس تعمید
خواهید یافت.»

داوود در مورد یهودا گفته بود؛ همان یهودا که راهنمای دستگیرکنندگان عیسی شد؛ ۱۷ زیرا او یکی از ما شمرده شده بود و سهمی در این خدمت یافت. ۱۸ (همین شخص، با مزدی که بابت عمل شیرانه خود گرفت، مزرعه‌ای خرید و با سر در همان مزرعه سقوط کرد و شکمش پاره شد)* و تمام امعا و احشایش بیرون ریخت. ۱۹ تمامی اهالی اورشلیم از این امر آگاه شدند، طوری که آن مزرعه در زبان آنان حَقْل دِما یعنی «مزرعه خون» نامیده شد. ۲۰ زیرا در کتاب مزموں نوشته شده است: «باشد که مسکن او متروکه شود و کسی در آن ساکن نگردد، و (منصب سرپرستی او را شخصی دیگر اشغال کند)، ۲۱ پس لازم است شخصی را جایگزین او کنیم. این شخص باید یکی از مردانی باشد که در تمام مدت همراه ما بوده است؛ یعنی در مدتی که عیسای سرور در میان ما فعالیت می‌کرد،* ۲۲ از زمان تعمید عیسی به دست یحیی تا روزی که از نزد ما بالا برده شد. همچنین باید یکی از مردانی باشد که همچون ما، عیسای رستاخیز یافته را دیده است.»

۱۸:۱ *یا: «از وسط پاره شد». ۲۱:۱

*تحت اللفظی: «رفت و آمد می‌کرد».

دوخته بودند، ناگاه دو مرد در جامه‌هایی سفید در کنارشان ایستادند ۱۱ و گفتند: «ای مردان جلیلی، چرا ایستاده‌اید و به آسمان خیره شده‌اید؟ این عیسی که از نزد شما به آسمان برده شد، به همین نحوی که او را دیدید به آسمان رفت، خواهد آمد.»

۱۲ سپس از کوه زیتون که فقط حدود یک کیلومتر* با اورشلیم فاصله داشت، به اورشلیم بازگشتند. ۱۳ وقتی به آنجا رسیدند، به بالاخانه‌ای رفتند که در آن اقامت داشتند. آنان پطرس، یوحنا، یعقوب، آندریاس، فیلیپس، توما، برتولما، متی، یعقوب پسر حلفای، شمعون غیور و یهودا پسر یعقوب بودند. ۱۴ همه اینان به همراه شماری از زنان و مریم مادر عیسی و برادران او خود را به یکدل، وقف دعا کرده بودند.

۱۵ در یکی از آن روزها، وقتی حدود ۱۲۰ نفر گرد هم آمده بودند، پطرس در میان برادران ایستاد و گفت: ۱۶ «ای مردان، ای برادران لازم بود که آن نوشته مقدس تحقق یابد که روح القدس از پیش، توسط

۱۲:۱ *تحت اللفظی: «سفر یک روز سبّت»؛ منظور مسافتی است که طی کردن آن در روز سبّت برای یهودیان مجاز بود، حدود ۸۹۰ متر.

که روح به هر یک از آنان قدرت تکلم بخشید، به زبان‌های مختلف شروع به صحبت کردند.

۵ در آن زمان یهودیان خداترس از همه قوم‌های سراسر زمین در اورشلیم به سر می‌بردند. ۶ هنگامی که این صدا برخاست، عده‌ای بسیار جمع شدند و حیرت کردند؛ زیرا هر یک زبان خود را از دهان شاگردان می‌شنید. ۷ پس غرق در حیرت به یکدیگر گفتند: «ببینید! مگر اینان که صحبت می‌کنند، همگی جلیلی نیستند؟ ۸ چگونه است که هر

یک از ما پیام آنان را به زبان مادری خودمان* می‌شنویم؟ ۹ ما پارت‌ها، مادها، ایلامی‌ها، اهالی بین‌النهرین، یهودیه، کاپادوکیه، پونتوس، ایالت آسیا*، ۱۰ همین طور اهالی فریجیه، پامفلیه، مصر، مناطقی از لیبی نزدیک قیروان، همچنین زائران رومی، چه یهودی و چه آنان که به دین یهود گرویده‌اند، ۱۱ اهالی کِرت و عربستان، می‌شنویم که به زبان ما در مورد اعمال عظیم

۸:۲ * یا: «به زبانی که در آن تولد یافته‌ایم». ۹:۲ * منظور از «آسیا» در نوشته‌های مقدس یونانی قاره آسیا نیست، بلکه ایالتی رومی است که بخش غربی آسیای صغیر را در بر می‌گرفت.

۲۳ پس دو نفر را پیشنهاد کردند، یکی یوسف معروف به برسابا که یوستوس نیز خوانده می‌شد و دیگری متیاس. ۲۴ سپس دعا کردند و گفتند: «تو ای یَهُوَه* که از دل همه آگاهی، به ما نشان بده که کدام یک از این دو را برگزیده‌ای ۲۵ تا خدمت و رسالتی را بپذیرد که یهودا از آن منحرف شد و به مکانی که به آن تعلق داشت، رفت.» ۲۶ پس قرعه انداختند و قرعه به نام متیاس افتاد و او همچون آن ۱۱ نفر، رسول شمرده شد.*

۲ در روز پَنَتیکاست*، شاگردان همگی در یک خانه گرد هم آمده بودند. ۲ ناگاه صدایی همچون صدای وزش باد شدید از آسمان آمد و تمام خانه‌ای را که در آن نشسته بودند، پرکرد. ۳ سپس زبانه‌هایی شبیه زبانه‌های آتش بر آنان نمایان شد. آن زبانه‌ها تقسیم شد و بر هر یک از ایشان قرار گرفت. ۴ آنگاه همگی از روح القدس پر شدند و آن گونه

۲۴:۱ * این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهُوَه» در این ترجمه به کار رفته است؛ رجوع به واژه‌نامه. ۲۶:۱ * یا: «او به آن ۱۱ رسول پیوست». ۱:۲ * «پَنَتیکاست» در یونانی به معنی پنجاهمین است. این عید پنجاه روز بعد از ۱۶ نisan برگزار می‌شد.

دود ظاهر خواهم ساخت؛ ۲۰ خورشید به تاریکی و ماه به خون مبدل خواهد شد. این وقایع پیش از آمدن روز عظیم و پرشکوه یَهُوه* روی خواهد داد ۲۱ و هرکه نام یَهُوه* را بخواند، نجات خواهد یافت.»

۲۲ «ای اسرائیلیان، این سخنان را بشنوید: همان طور که خود می‌دانید، عیسای ناصری مردی بود که خدا با معجزات، عجایب* و نشانه‌هایی که از طریق وی در میان شما به ظهور رساند، او را بر شما آشکار ساخت. ۲۳ بنا بر خواست* و پیش‌آگاهی خدا، این مرد به شما تسلیم شد. شما نیز او را از طریق شیران، به تیر میخکوب کردید و کشتید. ۲۴ اما خدا با رها کردنش از دردهای* مرگ، او را رستاخیز داد؛ زیرا غیرممکن بود که مرگ او را در چنگال خود نگاه دارد. ۲۵ آنچه داوود گفته است، در مورد او صدق می‌کند: (یَهُوه* را پیوسته پیش روی خود دارم؛ زیرا او به دست راست من است تا هرگز متزلزل نشوم. ۲۶ از این رو، دلم مسرور گشت و زبانم بسیار ۲۰:۲، ۲۱، ۲۵ * رجوع به واژه‌نامه. ۲۲:۲ * یا: «آیات». ۲۳:۲ * یا: «ارادهٔ مقرر شده». ۲۴:۲ * یا احتمالاً: «بندهای».

خدا سخن می‌گویند». ۱۲ آری، همگی متحیر و مبهوت شده بودند و به یکدیگر می‌گفتند: «این واقعه به چه معنی است؟» ۱۳ عده‌ای دیگر نیز تمسخرکنان می‌گفتند: «اینان از شراب تازه* مست شده‌اند.»

۱۴ اما پطرس با آن ۱۱ رسول برخاست و با صدای بلند به آنان چنین گفت: «ای اهالی یهودیه و ای تمامی ساکنان اورشلیم، این را بدانید و به دقت به سخنان من گوش دهید. ۱۵ در واقع این افراد مست نیستند، چنان که شما تصور می‌کنید؛ زیرا اکنون ساعت سوم* روز است. ۱۶ بلکه این همان گفتهٔ یوئیل نبی است که پیشگویی کرده بود: ۱۷ (خدا می‌گوید: «در روزهای آخر از روح خود بر همه گونه افراد خواهم ریخت و پسران و دختران شما نبوت خواهند کرد و جوانان شما رؤیایها و پیران شما خواب‌ها خواهند دید: ۱۸ در آن روزها حتی بر غلامان و کنیزان خود از روح خود خواهم ریخت و آنان نبوت خواهند کرد. ۱۹ بالا در آسمان، عجایی* و پایین بر زمین، نشانه‌هایی از خون، آتش و توده‌های ۱۳:۲ * یا: «شراب شیرین». ۱۵:۲ * حدود ساعت ۹ صبح. ۱۹:۲ * یا: «آبانی».

روح القدس موعود را دریافت کرد، اکنون آن را ریخته است که شما می بینید و می شنوید. ۳۴ در واقع داوود به آسمان بالا نرفت، اما خود می گوید: «يَهُوه* به سرور من گفت: «به دست راست من بنشین ۳۵ تا زمانی که دشمنان را زیر پایت نهم.» ۳۶ پس باشد که تمام خاندان اسرائیل به یقین بدانند که خدا همان عیسی را که شما بر تیر اعدام کردید، سرور و مسیح ساخت.»

۳۷ با شنیدن این سخن، گویی خنجرى بر دل آنان فرو رفت و به پطرس و دیگر رسولان گفتند: «ای مردان، ای برادران، ما چه باید بکنیم؟» ۳۸ پطرس به آنان گفت: «توبه کنید و هر یک از شما به نام عیسی مسیح برای بخشش گناهان خود تعمید بگیرد و نعمت روح القدس را خواهد یافت؛ ۳۹ زیرا این وعده برای شما و فرزندانان و برای همه کسانی است که دورند، یعنی برای هرکسی که يَهُوه* خدای ما او را نزد خود فراخواند.» ۴۰ پطرس با بسیاری سخنان دیگر، شهادتی کامل به آنان می داد و پیوسته چنین ترغیبشان می کرد: «خود را از این نسل کجرو نجات بخشید.»

از این نسل کجرو نجات بخشید.» ۲۹، ۳۴:۲ * رجوع به واژه نامه.

به وجد آمد و من* در امید ساکن خواهم بود؛ ۲۷ زیرا مرا* در گور* رها نخواهی کرد و نخواهی گذاشت بنده وفادارت فساد را ببیند. ۲۸ مرا با راه های حیات آشنا ساخته ای و مرا در حضور خود* از شادی لبریز خواهی کرد.

۲۹ «ای برادران، من می توانم آزادانه* در مورد جدّمان،* داوود با شما صحبت کنم که درگذشت، دفن شد و مقبره اش تا امروز در میان ماست؛ ۳۰ زیرا او نبی بود و می دانست که خدا برای او سوگند خورده است که یکی از نوادگانش را بر تخت پادشاهی او خواهد نشاند. ۳۱ او آینده را از پیش دید و در مورد رستخیز مسیح* گفت که در گور* رها نمی شود و بدنش فساد را نمی بیند.^۵ ۳۲ خدا این عیسی را رستخیز داده است و ما همگی بر این شاهد هستیم. ۳۳ پس چون او به دست راست خدا سرفراز شد و از پدر

۲۶:۲ * تحت اللفظی: «جسم من.» ۲۷:۲ * یا: «جان مرا.» ۲۷:۲، ۳۱ * یا: «هادیس؛ مجازاً به مکانی اشاره دارد که کلیه انسان ها در آن به خاک سپرده می شوند؛ رجوع به واژه نامه. ۲۸:۲ * یا: «پیش روی خود.» ۲۹:۲ * رجوع به واژه نامه: «آزادی در گرفتار.» * تحت اللفظی: «پاتریارک ما.» ۳۱:۲ * «مسیح» به یونانی کُرسُتُس و به عبری مَشیخ به معنی «مسح شده» یا «انتخاب شده» است.^۵ یا: «بدنش نخواهد پوسید.»

۳ روزی پطرس و یوحنا در وقت دعا در ساعت نهم* به معبد می‌رفتند ۲ که دیدند، چند نفر مردی را که لنگ مادرزاد بود، حمل می‌کنند. آنان هر روز آن مرد را کنار یکی از دروازه‌های معبد که «دروازه زیبا» نامیده می‌شد، می‌گذاشتند تا بتواند از کسانی که وارد معبد می‌شدند، صدقه بخواند. ۳ وقتی آن مرد پطرس و یوحنا را دید که داخل معبد می‌شوند، از ایشان صدقه خواست. ۴ پطرس و یوحنا به او چشم دوختند و پطرس به او گفت: «به ما نگاه کن.» ۵ آن مرد نیز به آنان نگاه کرد و توقع داشت که چیزی به او بدهند. ۶ اما پطرس گفت: «نقره و طلا ندارم، اما آنچه دارم به تو می‌دهم؛ به نام عیسی مسیح، آن ناصری، برخیز و راه برو!» ۷ سپس پطرس دست راست همان آن مرد را گرفت و او را بلند کرد. همان دم پاها و ساق‌های او قوت یافت. ۸ آن مرد از جا پرید، بر پاهای خود ایستاد و شروع به راه رفتن کرد. او جست‌وخیزکنان در حالی که خدا را حمد می‌گفت، با آنان داخل معبد شد. ۹ همه مردم آن مرد را دیدند که راه می‌رود و خدا را حمد می‌گوید ۱۰ و او را شناختند که همان

۱:۳ * حدود ساعت ۳ بعدازظهر.

۴۱ در نتیجه کسانی که کلام او را با خوشحالی پذیرفتند، تعمید گرفتند و در آن روز حدود ۳۰۰۰ نفر به شمار شاگردان افزوده شد. ۴۲ آنان همچنان از رسولان تعلیم می‌گرفتند، با یکدیگر معاشرت می‌کردند،* گرد هم غذا می‌خورند و دعا می‌کردند و خود را وقف این اعمال کرده بودند.

۴۳ به سبب معجزات* و نشانه‌های بسیاری که به دست رسولان به ظهور می‌رسید، در همگان ترس الهی به وجود آمد. ۴۴ همه آنان که ایمان می‌آوردند، گرد هم می‌آمدند و در همه چیز با هم شریک می‌شدند، ۴۵ دارایی و املاک خود را می‌فروختند و بهای آن را بین همه، مطابق نیاز هر یک تقسیم می‌کردند. ۴۶ هر روز به یکدل در معبد جمع می‌شدند، به خانه‌های یکدیگر می‌رفتند و با هم با شادی بسیار و خلوص نیت غذا می‌خورند، ۴۷ خدا را حمد می‌گفتند و نزد همه مردم محبوبیت می‌یافتند. در همان زمان، یَهُوه* نیز هر روزه نجات‌یافتگانی را بر آنان می‌افزود.

۴۲:۲ * یا: «هر چیز را با یکدیگر سهیم می‌شدند».

۴۳:۲ * یا: «عجایت». ۴۷:۲ * رجوع به واژه‌نامه.

شما می‌بینید و می‌شناسید، با نام عیسی و ایمان ما به آن نام، قوّت یافته است. آری، ایمانی که از طریق اوست، این مرد را پیش روی شما کاملاً تندرست ساخته است. ۱۷ حال ای برادران، می‌دانم که از روی ناآگاهی چنین کردید؛ درست همان طور که بزرگانتان عمل کردند. ۱۸ اما خدا از این طریق به آنچه پیشاپیش از دهان همه انبیا اعلام کرده بود، تحقق بخشید؛ این که مسیح او رنج خواهد کشید.

۱۹ «پس توبه کنید و بازگردید تا گناهان شما پاک شود و ایام تجدید قوا از جانب یَهُوه* برسد ۲۰ و او عیسی را، یعنی آن مسیح که برای شما منصوب شد، بفرستد. ۲۱ عیسی باید تا دورانِ اِحیای همه چیز در آسمان بماند؛* همان طور که خدا از زبان پیامبرانِ مقدّس پیشین خویش گفته بود. ۲۲ موسی گفته است: (یَهُوه* خدایتان پیامبری همانند من از میان برادرانتان برای شما مبعوث خواهد کرد. شما باید به هر چه او به شما می‌گوید، گوش دهید. ۲۳ هر که به سخنان آن پیامبر گوش ندهد،

۱۹:۳ * تحت اللفظی: «از چهره یَهُوه»؛ رجوع به واژه‌نامه: «یَهُوه». ۲۱:۳ * یا: «آسمان باید عیسی را تا دوران اِحیای همه چیز در خود نگاه دارد».

مردی است که برای گرفتن صدقه کنار «دروازه زیبای» معبد می‌نشست. آنان از آنچه برای او اتفاق افتاده بود غرق حیرت و شگفتی شدند.

۱۱ در حالی که آن مرد از پطرس و یوحنا جدا نمی‌شد، همه مردم حیرت‌زده به طرف آنان، به مکانی که «ایوان سلیمان» نامیده می‌شد، دویدند. ۱۲ وقتی پطرس این را دید، به آنان گفت: «ای اسرائیلیان، چرا از این بابت چنین حیرت کرده‌اید؟ چرا به ما چنین خیره شده‌اید، گویی که ما با نیرو یا تقوای* خود، به این مرد قدرت راه رفتن بخشیده‌ایم؟ ۱۳ خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب، خدای پدران ما، خادم خود عیسی را جلال بخشیده است، کسی که شما او را تسلیم نمودید و در حضور پیلاتس انکارش کردید، حتی با این که تصمیم داشت او را آزاد کند. ۱۴ آری، آن قدّوس و درستکار* را انکار کردید. شما از پیلاتس خواستید که مردی آدمکش را برایتان آزاد کند ۱۵ و در عوض، آن پیشوای حیات* را به قتل رساندید. اما خدا او را از مردگان برخیزانید که ما نیز بر آن شاهد هستیم. ۱۶ در واقع این مرد که

۱۲:۳، ۲۲ * رجوع به واژه‌نامه: «وقف به خدا». ۱۴:۳ * یا: «عادل». ۱۵:۳ * تحت اللفظی: «پیشوای ارشد حیات».

۵ روز بعد، بزرگان قوم، ریش سفیدان و علمای دین* در اورشلیم گرد هم آمدند. ۶ حَنّاس یکی از سران کاهنان، قیافا، یوحنا، اسکندرو همهٔ بستگان حَنّاس نیز در میانشان بودند. ۷ آنان پطرس و یوحنا را مجبور کردند که در میانشان بایستند. آنگاه از ایشان پرسیدند: «به چه قدرتی یا به نام چه کسی این عمل را انجام دادید؟» ۸ سپس پطرس که از روح القدس پر شده بود، گفت:

«ای بزرگان قوم و ای ریش سفیدان، ۹ اگر ما امروز به خاطر عملی خیر برای مردی معلول، بازخواست می‌شویم و شما می‌خواهید بدانید چه کسی او را شفا بخشیده است، ۱۰ پس باشد که همهٔ شما و همهٔ قوم اسرائیل بدانید که به نام عیسی مسیح ناصری، این مرد اینجا سالم در مقابل شما ایستاده است؛ آری، به نام وی که شما او را بر تیر اعدام کردید و خدا او را از مردگان برخیزانید. ۱۱ اوست آن سنگی که شما بنّایان به حساب نیاوردید و سنگِ سرِ زاویه* شده

۵:۴ * یا: «کاتبان»: مفسران و معلمان شریعت در روزگار عیسی؛ رجوع به واژه‌نامه. ۱۱:۴ * این سنگ برای استحکام بنا، در بالای محل اتصال دو دیوار قرار داده می‌شد.

کاملاً از بین خواهد رفت. ۲۴ در واقع سموئیل و تمام پیامبرانی که بعد از او آمدند نیز همگی به‌روشنی در مورد این روزها پیشگویی کرده‌اند. ۲۵ شما پسران پیامبرانید و وارثان عهدی که خدا با پدرانتان بست، وقتی که به ابراهیم گفت: «از نسل تو، همهٔ خانواده‌های زمین برکت خواهند یافت. ۲۶ خدا پس از مبعوث کردن خادم خود، او را نخست نزد شما فرستاد تا هر یک از شما را از اعمال شیرانه‌تان بازگرداند و به این طریق شما را برکت دهد.»

۴ در حالی که پطرس و یوحنا با مردم صحبت می‌کردند، کاهنان، ناظر معبد و صدّوقیان* سر رسیدند. ۲ آنان از این که رسولان به مردم تعلیم می‌دادند و آشکارا اعلام می‌کردند که عیسی رستاخیز یافته است،* خشمگین بودند. ۳ از این رو، آن دو را دستگیر و چون نزدیک غروب بود تا روز بعد حبس کردند. ۴ اما بسیاری از کسانی که آن سخنانی را شنیده بودند، ایمان آوردند و شمار مردان به حدود ۵۰۰۰ نفر رسید.

۱:۴ * رجوع به واژه‌نامه. ۲:۴ * یا: «آشکارا بر مبنای رستاخیز عیسی، رستاخیز مردگان را اعلام می‌کردند.»

۱۸ آنگاه آن دو را فراخواندند و به آنان حکم کردند که هرگز به نام عیسی سخنی نگویند یا تعلیمی ندهند.

۱۹ اما پطرس و یوحنا پاسخ دادند: «خود قضاوت کنید؛ در چشم خدا کدام درست است، اطاعت از شما یا اطاعت از خدا؟»
۲۰ چون ما نمی‌توانیم از سخن گفتن در مورد آنچه دیده و شنیده‌ایم، دست بکشیم.» ۲۱ پس آن دو را بیشتر تهدید کردند و سپس آزاد ساختند، چون هیچ دلیلی برای مجازاتشان نیافتند. همچنین از مردم می‌ترسیدند؛ زیرا همهٔ مردم خدا را به سبب آنچه رخ داده بود، تمجید می‌کردند. ۲۲ آن مرد که با معجزه شفا یافته بود، بیش از ۴۰ سال داشت.

۲۳ پطرس و یوحنا پس از این که آزاد شدند، نزد شاگردان دیگر رفتند و آنچه سران کاهنان و ریش‌سفیدان به ایشان گفته بودند، نقل کردند. ۲۴ آنان با شنیدن این سخنان، یکصد لیب به دعا گشودند و گفتند:

«ای خداوند متعال،* تو آفریدگاری، آفریدگار آسمان، زمین، دریا و هر چه در آن‌هاست ۲۵ و تو از طریق روح القدس، از زبان جد ما، خادم داور گفتی: (چرا

۲۴:۴ * یا: «خداوند، حاکم متعال.»

است. ۱۲ به علاوه، نجات از طریق هیچ کس دیگری میسر نیست؛ زیرا هیچ نام دیگری زیر آسمان به انسان‌ها داده نشده است که از طریق آن نجات یابیم.»

۱۳ وقتی آنان دیدند که پطرس و یوحنا با چه صراحتی* سخن می‌گویند و دریافتند که مردانی درس‌نخوانده* و عامی هستند، تعجب کردند و پی بردند که از همراهان عیسی بوده‌اند ۱۴ و چون می‌دیدند که آن مرد شفایافته در کنار آن دو ایستاده است، هیچ جوابی نتوانستند بدهند. ۱۵ پس به آنان امر کردند که از سَنهدَرین* بیرون بروند و خود با یکدیگر به مشورت پرداختند ۱۶ و گفتند: «با این مردان چه کنیم؟ زیرا حقیقتاً معجزه‌ای* چشمگیر از ایشان سر زده است که همهٔ ساکنان اورشلیم از آن آگاهند و ما نمی‌توانیم آن را انکار کنیم. ۱۷ با این حال، برای این که این خبر بیشتر در بین مردم پخش نشود، بیایید آنان را تهدید کنیم که دیگر به این نام با کسی صحبت نکنند.»

۱۳:۴ * یا: «شهامتی.» * یا: «آموزش‌ندیده»؛ منظور این است که در مدارس خاخامی آموزش ندیده‌اند، نه این که بی‌سواد بودند. ۱۵:۴ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۶:۴ * تحت‌اللفظی: «نشانه‌ای».

و هیچ یک از آنان دارایی خود را از آن خود نمی‌دانست، بلکه در همه چیز با هم شریک بودند. ۳۳ رسولان با قدرت بسیار در مورد رستاخیز عیسی سرور شهادت می‌دادند. همه به فراوانی از لطف خدا برخوردار بودند. ۳۴ در واقع، هیچ یک از ایشان محتاج نبود؛ زیرا همه کسانی که مزرعه یا خانه داشتند، آن را می‌فروختند و بهایش را می‌آوردند ۳۵ و در اختیار رسولان می‌گذاشتند تا مطابق با نیاز هر کس، بین همه تقسیم شود. ۳۶ یوسف نیز که از طایفه لاوی و اهل قبرس بود و رسولان او را برنابا یعنی «تشویق‌کننده» لقب داده بودند، ۳۷ قطعه زمینی را که داشت فروخت و بهای آن را آورد و در اختیار رسولان گذاشت.

۵

مردی به نام حَنانیا به همراه همسرش سَفیره ملکی فروخت. ۲ اما حَنانیا با آگاهی زنش بخشی از بهای آن را مخفیانه نگاه داشت و بقیه آن را آورد و در اختیار رسولان گذاشت. ۳ اما پطرس گفت: «ای حَنانیا، چرا گذاشتی شیطان به تو جرأت دهد» که ۳۶:۴ * تحت اللفظی: «پسر تسلی». ۳:۵ * «به تو جرأت دهد»: تحت اللفظی: «دل تو را پر سازد»: به اِشتر ۵:۷ و جامعه ۱۱:۸ رجوع شود.

قوم‌ها آشفته شده‌اند و ملت‌ها بر چیزهای باطل می‌اندیشند؟ ۲۶ پادشاهان زمین بر ضدَّ يَهُوه* و بر ضدَّ مسح‌شدهٔ او* قد علم کردند و فرمانروایان بر ضدَّ آنان گرد هم آمدند، ۲۷ به‌راستی که در این شهر، هیرودیس و پنتیوس پیلاتس با غیریهودیان و قوم اسرائیل بر ضدَّ خادم مقدس تو عیسی که او را مسح کردی، همدست شدند ۲۸ تا آنچه را که به دست خویش و خواست خود از پیش مقرر کرده بودی، به تحقق رسانند. ۲۹ حال ای يَهُوه* تهدیدهای آنان را بشنو و غلامان خود را یاری فرما تا با شهادت تمام پیوسته کلام تو را بیان کنند ۳۰ و دست شفاعت خود را دراز کن و از طریق نام خادم مقدس عیسی، نشانه‌ها و معجزات* به ظهور رسان.

۳۱ پس از دعای التماس‌آمیز* آنان، مکانی که در آن گرد هم آمده بودند، به لرزه در آمد و همگی از روح القدس پر شده، کلام خدا را با شهادت بیان می‌کردند.

۳۲ به علاوه، همه کسانی که ایمان آوردند با هم یک دل و یک جان بودند ۲۹:۲۶، ۲۹ * رجوع به واژه‌نامه. ۲۶:۴ * یا: «مسیح او». ۳۰:۴ * یا: «عجایب». ۳۱:۴ * یا: «صادقانه».

بیرون بردند و درکنار شوهرش دفن کردند.
 ۱۱ پس ترسی شدید در دل تمامی
 جماعت و هرکه این ماجرا را می شنید،
 افتاد.

۱۲ همچنین در میان مردم نشانه ها و
 معجزات* بسیار به دست رسولان به
 ظهور می رسید. رسولان همگی یکدل در
 معبد در «ایوان سلیمان» جمع می شدند.
 ۱۳ البته از دیگران هیچ کس جرأت
 نداشت به آنان پیوندد، اما مردم آنان را
 محترم می شمردند. ۱۴ علاوه بر این،
 انبوهی از مردان و زنان به سرور ایمان
 می آوردند و همچنان بر شمارشان افزوده
 می شد. ۱۵ آنان حتی بیماران را به
 خیابان های اصلی می آوردند و بر
 تخت ها و بسترها می خواباندند تا
 هنگامی که پطرس از آنجا عبور می کند،
 لااقل سایه اش بر بعضی از آنان بیفتد.
 ۱۶ مردم از شهرهای اطراف اورشلیم
 نیز گروه گروه می آمدند و همراه خود
 بیماران و کسانی را که از ارواح ناپاک
 رنج می بردند، می آوردند و همگی شفا
 می یافتند.

۱۷ اما کاهن اعظم و یاران او که از فرقه
 صَدوقی بودند، از فرط حسادت برخاستند

به روح القدس دروغ بگویی و مخفیانه
 بخشی از بهای زمین را نگاه داری؟
 ۴ مگر زمین قبل از فروش مال خودت
 نبود؟ و مگر بعد از فروش نیز اختیار
 نداشتی از بهایش به میل خود استفاده
 کنی؟ چرا فکر چنین عملی را در دلت
 نهادی؟ تو دروغ گفتی؛ نه به انسان، بلکه
 به خدا.» ۵ خانایا با شنیدن این سخنان،
 بر زمین افتاد و جان داد. هرکه این ماجرا
 را شنید، ترسی شدید در دلش افتاد.
 ۶ آنگاه جوانان پیش آمدند، او را در کفن
 پیچیدند، بیرون بردند و دفن کردند.

۷ حدود سه ساعت بعد، همسر او
 بی اطلاع از ماجرا داخل شد. ۸ پطرس به
 او گفت: «به من بگو، آیا تو و شوهرت
 قطعه زمین را به این قیمت فروختید؟»
 او گفت: «بله، به همین قیمت فروختیم.»
 ۹ پس پطرس به او گفت: «چرا شما دو
 نفر همدست شدید تا روح یَهُوه* را
 بیازمایید؟ کسانی که شوهرت را دفن
 کردند، اکنون در آستانه درهستند و تو را
 هم بیرون خواهند برد.» ۱۰ همان لحظه،
 او نیز پیش پایهای پطرس افتاد و جان
 داد. هنگامی که جوانان داخل شدند،
 دیدند که آن زن مرده است. آنگاه او را

۱۸ و رسولان را گرفته،* به زندان عمومی انداختند. ۱۹ ولی شب‌هنگام، فرشته یَهُوه* درهای زندان را باز کرد، آنان را بیرون آورد و گفت: ۲۰ «بروید و در معبد ایستاده و همچنان در مورد پیام حیات،* همه چیز را به مردم بگویید.» ۲۱ چون آنان این سخنان را شنیدند، سپیده‌دم وارد معبد شدند و به تعلیم پرداختند.

در این میان، کاهن اعظم و یارانش آمدند و اعضای سَنهدرین* و همه ریش سفیدان قوم اسرائیل را فراخواندند و عده‌ای را فرستادند تا رسولان را از زندان بیاورند. ۲۲ اما هنگامی که مأموران به زندان رفتند، رسولان را آنجا نیافتند. پس بازگشتند و این خبر را به آنان رساندند. ۲۳ و گفتند: «درهای زندان کاملاً قفل بود و نگهبانان نیز مقابل درها ایستاده بودند، اما وقتی درها را باز کردیم، هیچ کس را در زندان نیافتیم.» ۲۴ ناظر معبد و سران کاهنان با شنیدن این گزارش حیران ماندند و می‌اندیشیدند که عاقبت این ماجرا چه خواهد شد. ۲۵ آنگاه شخصی آمد و به آنان چنین خبر داد: «مردانی که به زندان انداخته بودید، حال در معبد ایستاده‌اند و از او اطاعت می‌کنند.»

۳۰:۵ *یا: «درخت».

۲۶ سپس ناظر معبد با مأموران خود رفت و آنان رسولان را آوردند، اما به زور متوسل نشدند؛ زیرا می‌ترسیدند که مردم سنگسارشان کنند.

۲۷ پس رسولان را آوردند و در مقابل سَنهدرین حاضر ساختند. آنگاه کاهن اعظم آنان را بازخواست کرد ۲۸ و گفت: «ما صریحاً به شما فرمان دادیم که دیگر به این نام تعلیم ندهید. با این حال شما اورشلیم را با تعالیمتان پر کرده‌اید و می‌خواهید خون این مرد را به گردن ما بیندازید.» ۲۹ پطرس و دیگر رسولان در جواب گفتند: «ما باید نخست از خدا اطاعت کنیم، نه از انسان. ۳۰ خدای پدران ما عیسی را برخیزانید؛ کسی که شما او را بردار* آویختید و به قتل رساندید. ۳۱ خدا او را سرافراز کرد و به دست راست خود نشاند و او را پیشوای ارشد و نجات‌دهنده ساخت تا فرصت توبه و بخشایش گناهان را به اسرائیل بدهد. ۳۲ ما شاهدان این امور هستیم، چنان که روح القدس نیز شاهد است؛ همان روحی که خدا به کسانی داده است که او را حاکم خود می‌شمارند و از او اطاعت می‌کنند.»

۱۸:۵ *یا: «دستگیر کرده». ۱۹:۵، ۲۱ *رجوع به ۲۰:۵ *تحت اللفظی: «این حیات».

۴۰ پس آنان توصیه‌ او را به گوش گرفتند. رسولان را احضار کردند، شلاق زدند* و فرمان دادند که دیگر به نام عیسی سخن نگویند. سپس رهایشان کردند.

۴۱ رسولان چون لایق شمرده شده بودند که به خاطر نام او بی‌احترامی بینند، شادی‌کنان از حضور سَنهدرین بیرون رفتند. ۴۲ آنان هر روز در معبد و همچنین خانه به خانه تعلیم و بشارت می‌دادند که عیسی همان مسیح است و از این کار باز نمی‌ایستادند.

۶ در آن روزها، زمانی که بر شمار شاگردان افزوده می‌شد، یهودیان یونانی‌زبان از یهودیان عبری‌زبان شکایت کردند؛ زیرا بیوه‌زنانشان در تقسیم جیره روزانه نادیده گرفته می‌شدند. ۲ پس آن دوازده نفر، همه شاگردان را فراخواندند و گفتند: «برای ما درست نیست که به تقسیم غذا بین مردم مشغول باشیم و از تعلیم کلام خدا غافل بمانیم. ۳ پس ای برادران، از میان خود هفت مرد نیکنام و پر از روح و حکمت برگزینید، تا ایشان را بر این امر ضروری بگماریم ۴ و اما ما خود را وقف دعا و خدمت کلام خواهیم کرد.» ۵ این گفته مورد رضایت همه

۳۳ وقتی این را شنیدند، برآشتند و خواستند رسولان را بکشند. ۳۴ اما یکی از فَرِیسیان* به نام گامالا ئیل که معلّم شریعت و مورد احترام همه مردم بود، در سَنهدرین برخاست و دستور داد که رسولان را مدتی بیرون ببرند. ۳۵ او به حضار گفت: «ای مردان اسرائیل، مواظب باشید که چه تصمیمی برای این افراد می‌گیرید. ۳۶ برای مثال، چندی پیش مردی به نام تیوداس برخاست که ادعا می‌کرد کسی است و حدود ۴۰۰ نفر نیز به او پیوستند. اما او کشته شد و تمام هوادارانش از هم پاشیده شدند و کارهایشان به جایی نرسید. ۳۷ بعد از او در ایام سرشماری، یهودای جلیلی برخاست و مردم را به دنبال خود کشید. اما او نیز هلاک شد و تمام حامیانش پراکنده شدند. ۳۸ پس در خصوص این مسئله به شما می‌گویم، با این مردان کاری نداشته باشید و آنان را به حال خود بگذارید. در واقع اگر این نقشه یا عمل از انسان باشد، خودبه‌خود برخواهد افتاد، ۳۹ اما اگر از خدا باشد، نمی‌توانید آن را براندازید؛ زیرا اگر با آنان درافتید، چه بسا معلوم شود که با خود خدا می‌جنگید.»

واقع شد و آنان این افراد را برگزیدند: استیفان که مردی پراز ایمان و روح القدس بود، فیلیپس، پروخزس، نیکانور، تیمون، پرمیناس و نیکولاؤس اهل آنطاکیه که به دین یهود گرویده بود. ۶ آنگاه ایشان را نزد رسولان آوردند و رسولان نیز دعا کردند و سپس دست بر آنان گذاشتند.

۷ پس کلام خدا همچنان گسترش می یافت و در اورشلیم بر شمار شاگردان همواره افزوده می شد و گروهی کثیر از کاهنان نیز ایمان آوردند.

۸ استیفان که پر از لطف و قدرت الهی بود، معجزات* و نشانه هایی عظیم در میان مردم به ظهور می رساند. ۹ اما عده ای از کنیسه ای موسوم به «کنیسه آزادشدگان» همراه شماری از اهالی قیروان و اسکندریه و شماری نیز از کیلیکیه و آسیا* آمدند تا با استیفان مباحثه کنند.

۱۰ اما نتوانستند با حکمت او و روحی که او را در سخن گفتن هدایت می کرد، مقابله کنند. ۱۱ پس مخفیانه عده ای را بر آن داشتند تا بگویند: «ما شنیدیم که این مرد در مورد موسی و خدا سخنان کفرآمیز می گفت.» ۱۲ آنگاه مردم و

۸:۶ * یا: «آیات». ۹:۶ * منظور ایالت آسیا است: به پاورقی اعمال ۹:۲ رجوع شود.

ریش سفیدان و علمای دین را شوراندند و ناگاه بر سر او ریختند و او را به زور گرفته به سَنهدرین* بردند. ۱۳ همچنین شاهدان دروغین آوردند و آنان گفتند: «این مرد از سخن گفتن بر ضدّ این مکان مقدّس و شریعت دست نمی کشد. ۱۴ برای مثال، شنیدیم که می گفت این عیسای ناصری، این مکان را ویران خواهد کرد و رسومی را که موسی به ما سپرده است، تغییر خواهد داد.»

۱۵ در این میان، تمام حاضران سَنهدرین به استیفان خیره شده بودند و دیدند که چهره اش مانند چهره فرشته است.

اما کاهن اعظم گفت: «آیا این ها درست است؟» ۲ استیفان گفت: «ای برادران و ای پدران، گوش فرادهید. خدای پرجلال، به پدر ما ابراهیم، هنگامی که او هنوز در بین النهرین به سر می برد و در حرّان مسکن نگزیده بود، ظاهر شد. ۳ او به ابراهیم گفت: (سرزمین و خویشان خود را ترک کن و به سرزمینی برو که به تو نشان می دهم). ۴ پس او سرزمین کلدانیان را ترک کرد و در حرّان مسکن گزید و بعد از مرگ پدرش، خدا

۱۲:۶ * رجوع به واژه نامه.

او را بر آن داشت که از آنجا بیاید و در سرزمینی که شما اکنون در آن ساکنید، اقامت گزینند. ۵ اما میراثی در این سرزمین، حتی به اندازه جای پای، به او نداد. با این حال، وعده داد که این سرزمین را به او و پس از او به نوادگانش بدهد؛ هرچند در آن زمان ابراهیم هنوز فرزندی نداشت. ۶ به علاوه، خدا به او گفت که نسلش در سرزمینی که به آنان تعلق ندارد، بیگانه خواهند بود و مردم به مدت ۴۰۰ سال از آنان بردگی خواهند کشید و به آنان ظلم* خواهند کرد. ۷ خدا گفت: «من آن قومی را که اینان را به بردگی می‌کشد، داوری خواهم نمود. پس از آن، بیرون خواهند آمد و در این مکان مرا خدمت* خواهند کرد.»

۸ «خدا همچنین به ابراهیم عهد ختنه را داد. پس وقتی ابراهیم پدر اسحاق شد، او را در روز هشتم ختنه کرد و اسحاق پدر یعقوب* و یعقوب، پدر آن ۱۲ بزرگ خاندان* شد. ۹ برادران یوسف به او* حسادت ورزیدند و

۱۷ «با نزدیک شدن زمان تحقق وعده‌ای که خدا به ابراهیم داده بود، بر شمار قوم در مصر افزوده و قوم کثیر

او را بر آن داشت که از آنجا بیاید و در سرزمینی که شما اکنون در آن ساکنید، اقامت گزینند. ۵ اما میراثی در این سرزمین، حتی به اندازه جای پای، به او نداد. با این حال، وعده داد که این سرزمین را به او و پس از او به نوادگانش بدهد؛ هرچند در آن زمان ابراهیم هنوز فرزندی نداشت. ۶ به علاوه، خدا به او گفت که نسلش در سرزمینی که به آنان تعلق ندارد، بیگانه خواهند بود و مردم به مدت ۴۰۰ سال از آنان بردگی خواهند کشید و به آنان ظلم* خواهند کرد. ۷ خدا گفت: «من آن قومی را که اینان را به بردگی می‌کشد، داوری خواهم نمود. پس از آن، بیرون خواهند آمد و در این مکان مرا خدمت* خواهند کرد.»

۸ «خدا همچنین به ابراهیم عهد ختنه را داد. پس وقتی ابراهیم پدر اسحاق شد، او را در روز هشتم ختنه کرد و اسحاق پدر یعقوب* و یعقوب، پدر آن ۱۲ بزرگ خاندان* شد. ۹ برادران یوسف به او* حسادت ورزیدند و

۶:۷ * یا: «با آنان بدرفتاری». ۷:۷ * تحت‌اللفظی: «خدمت مقدس». ۸:۷ * یا احتمالاً: «و اسحاق نیز یعقوب را». * یا: «پاتریارک». ۹:۷ * یا: «پاتریارک‌ها به یوسف».

بعد، دو نفر را دید که نزاع می‌کنند، پس سعی کرد آنان را آشتی دهد و گفت: «ای مردان، شما با هم برادرید. چرا با یکدیگر چنین بدرفتاری می‌کنید؟» ۲۷ اما آن که با همسایه خود بدرفتاری می‌کرد، موسی را کنار زد و گفت: «چه کسی تو را بر ما حاکم و داور ساخته است؟» ۲۸ آیا می‌خواهی مرا هم بکشی، همان طور که آن مصری را دیروز کشتی؟» ۲۹ موسی با شنیدن این سخن گریخت و در غربت، در سرزمین مِدیّان مسکن گزید و در آنجا صاحب دو پسر شد.

۳۰ «پس از ۴۰ سال، در بیابان در نزدیکی کوه سینا، فرشته‌ای در شعله بوته‌ای مشتعل بر او ظاهر شد. ۳۱ موسی با دیدن آن بوته بسیار حیرت کرد. اما وقتی رفت تا آن را از نزدیک نگاه کند، صدای یَهُوَه* به گوش رسید که گفت: ۳۲ «من خدای پدران تو هستم، خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب». آنگاه لرزه بر اندام موسی افتاد و دیگر جرأت نکرد آن را نگاه کند. ۳۳ یَهُوَه* به او گفت: «کفش‌هایت را از پا درآور؛ زیرا مکانی که بر آن ایستاده‌ای زمینی مقدّس است. ۳۴ من ظلمی را که در مصر

می‌شد. ۱۸ سپس پادشاهی دیگر در مصر بر تخت نشست؛ کسی که یوسف را نمی‌شناخت. ۱۹ این پادشاه با قوم ما با مکر رفتار کرد. او به پدران ما ظلم نمود و آنان را واداشت که نوزادان خود را رها کنند تا زنده نمانند. ۲۰ در آن زمان بود که موسی به دنیا آمد. او زیبایی خدایی داشت.* موسی سه ماه در خانه پدرش پرورش یافت. ۲۱ وقتی او را رها کردند،* دختر فرعون او را برداشت و همچون پسر خود بزرگش کرد. ۲۲ به این ترتیب، تمام حکمت مصریان به موسی آموزش داده شد. او در کلام و اعمال توانا بود.

۲۳ «هنگامی که موسی ۴۰ ساله شد، پیش خود فکر کرد* که به دیدن برادرانش، بنی‌اسرائیل برود.* ۲۴ وقتی دید که فردی مصری با یکی از آنان ناعادلانه رفتار می‌کند، از او دفاع کرد و با کشتن آن مصری انتقام آن ستم‌دیده را گرفت. ۲۵ او گمان می‌کرد که برادرانش پی خواهند برد که خدا به دست او نجاتشان می‌دهد، اما پی نبردند. ۲۶ روز

۲۰:۷ *یا: «بسیار زیبا بود؛ در چشم خدا زیبا بود». ۲۱:۷ *یا: «بی‌پناه گذاشتند». ۲۳:۷ *یا: «تصمیم گرفت». *یا: «وضعیت برادرانش، بنی‌اسرائیل را بررسی کند».

بر قوم من می‌شود، دیده‌ام و ناله‌هایشان را شنیده‌ام و آمده‌ام تا آنان را رهایی بخشم. حال بیا تا تو را به مصر بفرستم، ۳۵ آری، خدا همین موسی را که آنان رد کرده، به او گفته بودند: «چه کسی تو را حاکم و داور ساخته است»، توسط فرشته‌ای که در بوته بر او ظاهر شد، فرستاد تا هم حاکم و هم رهاننده باشد. ۳۶ این مرد در مصر، در دریای سرخ و به مدت ۴۰ سال در بیابان، معجزات* و نشانه‌هایی به ظهور رساند و قوم را از مصر بیرون آورد.

۳۷ «همین موسی بود که به بنی اسرائیل گفت: «خدا از میان برادرانتان، برای شما پیامبری همچون من مبعوث خواهد کرد»، ۳۸ او در میان جماعت قوم خدا در بیابان بود، همراه با پدران ما و فرشته‌ای که در کوه سینا با او سخن گفت. او همان کسی است که کلام زنده و مقدّس را دریافت کرد تا به ما بدهد. ۳۹ پدران ما از اطاعت او امتناع ورزیدند و او را کنار زدند و در دل خود آرزو کردند که به مصر بازگردند ۴۰ و به هارون گفتند: «خدایانی برای ما بساز تا پیشاپیش ما بروند؛ زیرا نمی‌دانیم بر سر این موسی که ما را از مصر بیرون آورد،

چه آمده است. ۴۱ پس در آن روزها بتی به شکل گوساله ساختند، به آن قربانی تقدیم کردند و برای صنعت دست خود جشن گرفتند. ۴۲ آنگاه خدا از آنان روی گرداند و ایشان را به حال خود گذاشت تا سپاه آسمان‌ها* را پرستش کنند، درست همان طور که در کتاب انبیا آمده است که می‌گوید: «ای خاندان اسرائیل، هدایا و قربانی‌هایی که طی ۴۰ سال در بیابان گذراندید، برای من نبود، آیا بود؟ ۴۳ بلکه خیمه مُلُوک* و ستاره خدای خود، رفان بود که با خود حمل کردید: این تمثال‌ها را برای پرستش آن‌ها ساختید. پس من شما را به آن سوی بابل تبعید خواهم کرد.»

۴۴ «پدران ما در بیابان خیمه عبادت* را داشتند: خیمه‌ای که خدا به موسی فرمان داده بود تا آن را مطابق نمونه‌ای که دیده بود، بسازد. ۴۵ بعدها آن خیمه به فرزندان پدران ما رسید و ایشان آن را با یوشع به سرزمینی آوردند که تحت اختیار قوم‌های دیگر بود. خدا آن قوم‌ها را یکی پس از دیگری از پیش روی پدران ما* منظور اجرام آسمانی است. ۴۳:۷ یکی از خدایان عَمُونیان. ۴۴:۷ تحت‌اللفظی: «خیمه شهادت».

۳۶:۷ * یا: «عجایب: آیات».

۵۳ شما شریعت را که از طریق فرشتگان به شما رسید، گرفته‌اید اما به آن عمل نکرده‌اید.»

۵۴ شنیدن سخنان استیفان چنان آتش خشم را در دلشان شعله‌ور ساخت که دندان‌هایشان را در مقابل او به هم می‌ساییدند. ۵۵ اما او پراز روح‌القدس، به آسمان چشم دوخت و جلال خدا و عیسی را که به دست راست خدا ایستاده بود، دید ۵۶ و گفت: «اکنون، من می‌بینم که آسمان‌ها گشوده شد و پسر انسان به دست راست خدا ایستاده است.» ۵۷ آنگاه آن مردان با صدای بلند فریاد کشیدند و دست‌های خود را روی گوش‌هایشان گذاشتند و همگی با هم به طرف او هجوم آوردند. ۵۸ سپس او را از شهر بیرون انداختند و سنگسارش کردند. شاهدان، ردهای خود را پیش پاهای مردی جوان به نام سولس گذاشتند. ۵۹ در حالی که استیفان را سنگسار می‌کردند، او چنین درخواست کرد: «ای عیسای سرور، روح* مرا بپذیر.» ۶۰ سپس زانو زد و با صدای بلند چنین فریاد برآورد: «ای یَهُوَه،* این گناه را

۵۹:۷ یا: «نیروی حیات» به یونانی پنوئما: رجوع به واژه‌نامه.

ما بیرون راند. این خیمه تا روزگار داوود در آنجا باقی ماند. ۴۶ داوود مورد لطف خدا قرار گرفت و درخواست کرد که افتخار فراهم کردن مسکنی برای خدای یعقوب، به او داده شود. ۴۷ اما سلیمان بود که برای او خانه‌ای ساخت. ۴۸ هرچند که آن متعال در خانه‌هایی که به دست انسان ساخته می‌شود، ساکن نیست؛ چنان که نبی نیز گفته است: ۴۹ «یَهُوَه* می‌گوید، آسمان تخت پادشاهی من است و زمین کرسی زیر پای من. چه خانه‌ای برای من خواهید ساخت؟ یا کجا ساکن شوم؟ ۵۰ همه این‌ها به دست من ساخته شده است، آیا چنین نیست؟»

۵۱ «ای قوم سرسخت که سختدل و نامطیع هستید!» شما همواره در برابر روح‌القدس مقاومت می‌کنید؛ پدرانان چنین کردند، شما نیز چنین می‌کنید. ۵۲ کدام یک از انبیا را پدران شما آزار ندادند؟ آری، آنان کسانی را که آمدن آن درستکار* را پیشگویی کرده بودند، کشتند؛ همان که اکنون شما به او خیانت کرده‌اید و او را به قتل رسانده‌اید.

۴۹:۷، ۶۰ رجوع به واژه‌نامه. ۵۱:۷ یا: «که دل‌ها و گوش‌هایی ختنه‌نشده دارید». ۵۲:۷ یا: «عادل».

لنگ بودند، شفا می‌یافتند. ۸ از این رو، آن شهر غرق شادی شد.

۹ در آن شهر، مردی به نام شمعون زندگی می‌کرد که با جادوگری‌های خود مردم سامره را متحیر کرده بود و ادعا می‌کرد که مردی بزرگ است. ۱۰ تمامی مردم از بزرگ و کوچک به او توجه می‌کردند و می‌گفتند: «این مرد آن (قدرتِ خدا)، است که (بزرگ)، نیز خوانده می‌شود.» ۱۱ دلیل توجه مردم این بود که شمعون مدت‌ها آنان را با جادوگری‌هایش شگفت‌زده کرده بود. ۱۲ اما وقتی به سخنان فیلیپس ایمان آوردند که خبر خوش پادشاهی خدا و نام عیسی مسیح را اعلام می‌کرد، همگی، مرد و زن تعمیم گرفتند. ۱۳ شمعون خود نیز ایمان آورد و پس از این که تعمیم گرفت، همه جا فیلیپس را همراهی می‌کرد. دیدن نشانه‌ها و معجزات* عظیمی که صورت می‌گرفت، شمعون را متحیر می‌ساخت. ۱۴ وقتی در اورشلیم رسولان شنیدند که مردم سامره کلام خدا را پذیرفته‌اند، پطرس و یوحنا را نزد آنان فرستادند. ۱۵ آن دو رسول به آنجا رفتند و دعا کردند تا روح القدس به ایشان عطا شود؛

به پای اینان مگذار.» این را گفت و به خواب مرگ فرو رفت.

سولس با قتل استیفان موافق بود. در آن روز، بر جماعت اورشلیم آزاری شدید آغاز شد و غیر از رسولان، همهٔ شاگردان در سراسر یهودیه و سامره پراکنده شدند. ۲ مردانی خداترس نیز استیفان را از آنجا برده، به خاک سپردند و برای او بسیار سوگواری کردند. ۳ اما سولس با جماعت رفتاری خشونت‌آمیز در پیش گرفت. او خانه‌ها را یکی پس از دیگری می‌گشت، مردان و زنان را بیرون می‌کشید و به زندان می‌انداخت.

۴ اما شاگردانی که پراکنده شده بودند، بشارت کلام خدا را در سراسر سرزمین‌هایی که به آن پا می‌گذاشتند، اعلام می‌کردند. ۵ فیلیپس که یکی از آنان بود، به شهر* سامره رفت و در مورد مسیح به مردم آنجا موعظه کرد. ۶ مردم به سخنان فیلیپس توجه خاصی می‌کردند؛ به او گوش می‌دادند و شاهد نشانه‌هایی بودند که او به ظهور می‌رساند. ۷ می‌دیدند که ارواح ناپاک که بسیاری را گرفتار کرده بودند، نعره‌زنان از آنان بیرون می‌آمدند. به علاوه، بسیاری که مفلوج و

بازگشتشان به اورشلیم در بسیاری از روستاهای سامریان بشارت دادند.

۲۶ اما فرشته یَهُوه* به فیلیپس گفت: «برخیز و به سمت جنوب به راهی که از اورشلیم به عَزَه می‌رود برو.» (این راه، راهی بیابانی است.) ۲۷ آنگاه فیلیپس برخاست و به راه افتاد. او در راه به خواجه‌سرای* حبشی برخورد. این شخص که یکی از صاحب‌منصبان و زیر فرمان‌کننده، ملکه حبشه و خزانه‌دار او بود، برای پرستش به اورشلیم رفته بود. ۲۸ او در راه بازگشت در ارباه خود نشسته بود و با صدای بلند نوشته‌های اِسَعِیای نبی را می‌خواند. ۲۹ آنگاه روح به فیلیپس گفت: «نزدیک برو و آن ارباه را همراهی کن.» ۳۰ فیلیپس در کنار ارباه دوید و شنید که خواجه‌سرا کلام اِسَعِیای نبی را با صدای بلند می‌خواند. فیلیپس به او گفت: «آیا مفهوم آنچه را می‌خوانی می‌دانی؟» * ۳۱ او گفت: «واقعاً چگونه بدانم،* اگر کسی مرا راهنمایی نکنند؟» پس، از فیلیپس خواهش کرد که سوار ارباه شود و کنار

۱۶ زیرا اگرچه به نام عیسای سرور تعمید گرفته بودند، روح‌القدس هنوز بر هیچ یک از آنان نیامده بود. ۱۷ پطرس و یوحنا دست بر آنان گذاشتند و روح‌القدس به ایشان عطا شد.

۱۸ شمعون وقتی دید که با دست گذاشتن رسولان، روح‌القدس عطا می‌شود، مبلغی به آنان پیشنهاد کرد ۱۹ و گفت: «به من نیز این قدرت را بدهید تا بر هر کس دست بگذارم، روح‌القدس به او عطا شود.» ۲۰ اما پطرس به او گفت: «نقره‌ات با خودت نابود شود! زیرا گمان کردی که می‌توانی این نعمت خدا را با پول بخری. ۲۱ تو در این امر نصیب و سهمی نداری؛ زیرا در چشم خدا دلت صاف نیست. ۲۲ پس تو از این بدی خود توبه کن و به یَهُوه* التماس نما که اگر ممکن باشد، نیت شیرانه دلت بخشوده شود؛ ۲۳ زیرا می‌بینم که زهری تلخ هستی و بنده بدکاری.» ۲۴ شمعون گفت: «شما برای من به یَهُوه* التماس کنید تا آنچه گفتید بر سر من نیاید.»

۲۵ آنان پس از این که شهادتی کامل دادند و کلام یَهُوه* را بیان کردند، در راه

۲۷:۸* در اینجا به شخصی صاحب‌منصب در برابر حبشه (نام سابق اتیوپی) اشاره دارد. ۸:۳۰* یا: «درک می‌کنی.» ۸:۳۱* یا: «واقعاً چگونه درک کنم.»

روح يَهُوَه* فیلیپس را به جایی دیگر هدایت کرد. خواجه سرا نیز با شادمانی راه خود را در پیش گرفت و دیگر او را ندید. ۴۰ اما فیلیپس به آشدود رسید و در آنجا و تمام شهرهای آن نواحی بشارت را اعلام کرد تا به قیصریه رسید.

۹ اما سوئس که همچنان کمر به تهدید و قتل شاگردان سرور بسته بود، نزد کاهن اعظم رفت ۲ و از او درخواست کرد که نامه‌هایی برای کنیسه‌های دمشق به او بدهد تا اگر کسی را بیابد که از پیروان «طریقت»* باشد، چه مرد و چه زن، در بند کشد و به اورشلیم بیاورد.

۳ هنگام سفر در نزدیکی دمشق، ناگاه نوری از آسمان اطراف سوئس درخشید. ۴ او بر زمین افتاد و صدایی شنید که به او چنین گفت: «سوئس،* سوئس، چرا به من آزار می‌رسانی؟» ۵ سوئس پرسید: «سرور، تو کیستی؟» او پاسخ داد: «من عیسی هستم. همان که به او آزار می‌رسانی. ۶ اما حال، برخیز و به شهر داخل شو و به تو گفته خواهد شد که چه باید بکنی.» ۷ همسفران او ایستادند و خاموش ماندند. آنان صدایی می‌شنیدند،

۸:۳۹* رجوع به واژه نامه. ۹:۲* منظور راه زندگی مسیحی و تعلیم آن است. ۹:۴* یا: «شائل».

او بنشیند. ۳۲ بخشی که او از نوشته‌های مقدس می‌خواند، این بود: «همچون گوسفندی او را به کشتارگاه بردند و همچون بزهای که نزد پشم‌چین خود خاموش است، لب ننگشود. ۳۳ هنگامی که او را تحقیر می‌کردند، عدالت از او دریغ شد. چه کسی در مورد نسل* او سخن خواهد گفت؟ زیرا حیاتش از روی زمین برداشته می‌شود.»

۳۴ آنگاه خواجه سرا به فیلیپس گفت: «تو من می‌کنم به من بگو که نبی در مورد چه کسی این را می‌گوید؟ در مورد خود یا شخصی دیگر؟» ۳۵ فیلیپس لب به سخن گشود و از همان بخش از نوشته‌های مقدس آغاز کرد و در مورد عیسی به او بشارت داد. ۳۶ همچنان که در آن مسیر می‌رفتند، به آبی رسیدند و خواجه سرا گفت: «نگاه کن! این هم آب. چه چیز مانع تعمید گرفتن من است؟» ۳۷* — ۳۸ سپس فرمان داد تا ارابه را متوقف کنند. آنگاه فیلیپس و خواجه سرا داخل آب شدند و فیلیپس او را تعمید داد. ۳۹ به محض این که از آب بیرون آمدند، ۸:۳۳* یا: «اجداد». ۸:۳۷* چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود.

قوم‌ها، پادشاهان و بنی‌اسرائیل ببرد. ۱۶ من به‌روشنی به او نشان خواهم داد که به خاطر نام من چه رنج‌هایی باید ببیند.»

۱۷ پس خنانیا رفت و به آن خانه وارد شد و دست‌هایش را بر سولس گذاشت و گفت: «سولس، ای برادر، عیسای سرور که در راه آمدنت به اینجا به تو ظاهر شد، مرا فرستاده است تا بینایی خود را بازیابی و از روح‌القدس پر شوی.» ۱۸ همان دم از چشمان سولس چیزی شبیه فلس افتاد و بینایی خود را بازیافت و برخاست و تعمید یافت. ۱۹ سپس غذا خورد و نیرو گرفت.

او چند روز نزد شاگردان در دمشق ماند ۲۰ و فوراً در کنیسه‌ها به موعظه این پیام پرداخت که عیسی همان پسر خداست. ۲۱ اما همه کسانی که سخنان او را می‌شنیدند، می‌گفتند: «آیا این همان مردی نیست که در اورشلیم، قلع و قمع می‌کرد؟ آیا همان کسی نیست که به اینجا نیز آمده بود تا این افراد را دستگیر کند؟» و نزد سران کاهنان ببرد؟» ۲۲ اما سولس همچنان بیشتر قوت می‌یافت و یهودیان دمشق را با آوردن دلائل منطقی

اما کسی را نمی‌دیدند. ۸ آنگاه سولس از زمین برخاست و با این که چشمانش باز بود، نمی‌توانست چیزی ببیند. پس دستش را گرفتند و او را به دمشق بردند. ۹ او برای سه روز نابینا بود و چیزی نمی‌خورد و نمی‌آشامید.

۱۰ شاگردی به نام خنانیا در دمشق زندگی می‌کرد. سرور در رؤیایی او را چنین خطاب کرد: «ای خنانیا!» او پاسخ داد: «بله، سرور.» ۱۱ سرور به او گفت: «برخیز و به کوچه‌ای که (راست)، خوانده می‌شود برو و در خانه یهودا، سراغ شخصی را بگیر که نامش سولس تارسوسی است. او اکنون دعا می‌کند و در رؤیا مردی را به نام خنانیا دیده است که می‌آید و با گذاشتن دست‌هایش بر او بینایی را به او باز می‌گرداند.» ۱۳ اما خنانیا پاسخ داد: «ای سرور، من از بسیاری در مورد این مرد شنیده‌ام که چقدر به مقدسان تو در اورشلیم آزار رسانده است. ۱۴ او از جانب سران کاهنان اختیار دارد که در اینجا هر که نام تو را می‌خواند، دستگیر کند.» * ۱۵ اما سرور به او گفت: «برو، زیرا این مرد ظرف برگزیده من است تا نام مرا نزد ۹: ۱۴، ۲۱ * تحت‌اللفظی: «در بند نهد».

در اثبات مسیح بودن عیسی، عاجز و سردرگم می‌ساخت.

۲۳ پس از گذشت روزهای بسیار، یهودیان با یکدیگر توطئه کردند تا او را بکشند. ۲۴ اما سولس از توطئه ایشان آگاه شد. آنان برای کشتن او، شب و روز دروازه‌های شهر را نیز زیر نظر داشتند. ۲۵ پس شاگردانش شب‌هنگام او را در سبیدی گذاشتند و از میان شکافی که در دیوار شهر بود، پایین فرستادند.

۲۶ هنگامی که سولس به اورشلیم رسید، سعی کرد به شاگردان پیوندد، اما همه از او می‌ترسیدند؛ زیرا باور نمی‌کردند که شاگرد عیسی شده باشد. ۲۷ اما برنابا به یاری او آمد و او را نزد رسولان برد و برای آنان با جزئیات توضیح داد که چگونه سولس، سرور را در راه دیده و سرور با او صحبت کرده است.

همچنین گفت که چگونه او در دمشق با شهامت، به نام عیسی سخن گفته است. ۲۸ پس سولس با ایشان ماند و آزادانه در اورشلیم رفت و آمد می‌کرد و با شهامت به نام سرور سخن می‌گفت. ۲۹ او با یهودیان یونانی‌زبان گفتگو و مباحثه می‌کرد. اما آنان قصد جان او را کردند. ۳۰ وقتی برادران از این امر آگاه

شدند، او را به قیصریه بردند و از آنجا به تارسوس فرستادند.

۳۱ آنگاه جماعت برای مدتی در سراسر یهودیه، جلیل و سامره آرامش یافت. جماعت استوار می‌شد و همچنان شمار شاگردان فزونی می‌یافت؛ زیرا همه اعضای جماعت با ترس از یهوّه* و دلگرمی‌ای که روح القدس می‌بخشید، گام برمی‌داشتند. ۳۲ پطرس که از همه آن نواحی می‌گذشت، نزد مقدسان ساکن لُده نیز رفت. ۳۳ در آنجا مردی را دید به نام اینیاس که برای هشت سال مفلوج و در بستر بود. ۳۴ پطرس به او گفت: «ای اینیاس، عیسی مسیح تو را شفا می‌دهد. برخیز و بستر را جمع کن.» او نیز فوراً برخاست. ۳۵ همه ساکنان لُده و دشت شارون با دیدن اینیاس به سرور روی آوردند.

۳۶ در یافا شاگردی بود به نام طابیتا که ترجمه نام او به یونانی دورکاس* است. او زنی بسیار نیکوکار بود و صدقه فراوان می‌داد. ۳۷ در آن ایام او بیمار شد و درگذشت. پس او را شستند و در بالاخانه‌ای نهادند. ۳۸ از آنجا که لُده

۳۱:۹* رجوع به واژه‌نامه. ۳۶:۹* دورکاس به زبان یونانی و تبیتابه زبان آرامی به معنی غزال است.

نزدیک یافا بود، وقتی شاگردان شنیدند که پطرس در لُده است، دو نفر را نزد او فرستادند تا از او چنین تقاضا کنند: «لطفاً هر چه زودتر نزد ما بیا.» ۳۹ آنگاه پطرس برخاست و با آنان رفت. وقتی به آنجا رسید، او را به بالاخانه بردند. همه بیوه‌زنان گریه‌کنان گرد او جمع شدند و لباس‌ها و رداهایی را که دورکاس در زمان حیاتش دوخته بود، به او نشان دادند. ۴۰ پطرس همه را بیرون فرستاد، زانو زد و دعا کرد. سپس رو به جسد کرد و گفت: «طاب‌تا برخیز!» او چشمانش را باز کرد و وقتی پطرس را دید، نشست. ۴۱ پطرس دستش را گرفت و او را بلند کرد. سپس مقدسان و بیوه‌زنان را فراخواند و او را که زنده شده بود به آنان نشان داد. ۴۲ خبر این واقعه در سراسر یافا پخش شد و بسیاری به سرور ایمان آوردند. ۴۳ پطرس چندین روز در یافا نزد دباغی به نام شمعون ماند.

۱۰ در قیصریه مردی زندگی می‌کرد به نام گرنلیوس که یکی از فرماندهان* یگانی* به نام «یگان ایتالیایی» بود. ۲ او دیندار و خداترس

۱۰:۱۰ *یا: «یوزباشیان»: منظور فرمانده‌ای در ارتش روم است که ۱۰۰ سرباز زیر فرمان داشت. *واحدی در ارتش روم که از ۶۰۰ سرباز تشکیل می‌شد.

بود و تمام اهل خانه‌اش نیز چنین بودند. گرنلیوس صدقه بسیار به مردم می‌داد و پیوسته به خدا دعا و التماس می‌کرد. ۳ او حدود ساعت نهم روز* به وضوح فرشته خدا را در رؤیایی دید که نزدش آمد و گفت: «گرنلیوس!» ۴ گرنلیوس هراسان به او خیره شد و پرسید: «چیست، سرور؟» او پاسخ داد: «دعاها و صدقه‌های تو همچون هدیه یادگاری به درگاه خدا رسیده است. ۵ پس اکنون مردانی را به یافا بفرست تا شخصی به نام شمعون، ملقب به پطرس را فراخوانند. ۶ این مرد، مهمان شمعون دباغ است که در کنار دریا خانه دارد.» ۷ پس از این که فرشته‌ای که با گرنلیوس صحبت می‌کرد، آنجا را ترک کرد، او فوراً دو نفر از خدمتکاران و همچنین سربازی دیندار را که یکی از خادمان نزدیکش بود، فراخواند. ۸ گرنلیوس همه چیز را برایشان نقل کرد و آنان را به یافا فرستاد. ۹ روز بعد، حدود ساعت ششم*، وقتی فرستادگان هنوز در راه بودند و به شهر نزدیک می‌شدند، پطرس برای دعا به پشت‌بام رفت. ۱۰ او بسیار گرسنه ۳:۱۰ * حدود ساعت ۳ بعدازظهر. ۹:۱۰ * حدود ساعت ۱۲ ظهر.

است؟» ۱۹ پطرس هنوز در مورد رؤیا تعمق می‌کرد که روح به او گفت: «نگاه کن، سه مرد تو را می‌جویند. ۲۰ برخیز و پایین برو و از رفتن با آنان هیچ تردید مکن؛ زیرا فرستاده من هستند.» ۲۱ پس پطرس پایین نزد آن مردان رفت و گفت: «من همان کسی هستم که دنبالش می‌گردید. چرا به اینجا آمده‌اید؟» ۲۲ گفتند: «گرنلیوس فرمانده که مردی درستکار* و خداترس است و تمام قوم یهود به نیکی از او یاد می‌کنند، از طرف خدا به وسیله فرشته‌ای مقدس دستور گرفته است که کسی را به دنبال تو بفرستد که به خانه‌اش بروی تا پیامت را بشنود.» ۲۳ پس پطرس ایشان را به خانه دعوت کرد و از آنان پذیرایی نمود.

روز بعد، پطرس برخاست و همراهشان به راه افتاد. برخی برادران اهل یافا نیز با او رفتند. ۲۴ فردای آن روز به قیصریه وارد شد. گرنلیوس در انتظار آنان بود و خویشان و دوستان نزدیک خود را نیز گرد هم آورده بود. ۲۵ هنگامی که پطرس وارد شد، گرنلیوس به استقبال او رفت، در مقابل پاهایش به خاک افتاد و سجد کرد.* ۲۶ اما پطرس او را بلند

۱۰:۲۲ * یا: «عادل». ۱۰:۲۵ * یا: «تعظیم کرد».

شد و خواست غذا بخورد. در حالی که غذا را آماده می‌کردند، پطرس به حالت خلسه فرو رفت. ۱۱ آنگاه دید که آسمان گشوده شد و چیزی* همچون سفره‌ای کتانی و بزرگ که از چهار گوشه آویخته شده بود، به زمین پایین می‌آمد ۱۲ و در آن، همه گونه چهارپایان و خزندگان زمین و پرندگان آسمان وجود داشت. ۱۳ سپس ندایی به او گفت: «پطرس برخیز، ذبح کن و بخور!» ۱۴ اما پطرس گفت: «سَرور* به هیچ وجه! زیرا من هرگز چیزی حرام و ناپاک نخورده‌ام.» ۱۵ آن ندا برای بار دوم به گوش او رسید و این بار گفت: «آنچه را که خدا پاک ساخته است، دیگر ناپاک مخوان.» ۱۶ این امر برای بار سوم تکرار شد. آنگاه آن سفره* به آسمان بالا برده شد.

۱۷ پطرس هنوز متحیر بود و به مفهوم رؤیایی که دیده بود، فکر می‌کرد که فرستادگان گرنلیوس، خانه شمعون را جویا شده، به در خانه او رسیدند. ۱۸ آنان با صدای بلند پرسیدند: «آیا شمعون، ملقب به پطرس در اینجا مهمان

۱۱:۱۰ * تحت اللفظی: «ظرفی». ۱۴:۱۰ * یا احتمالاً: «خداوند»؛ به یونانی کوریثوس. ۱۶:۱۰ * تحت اللفظی: «ظرف».

ما همگی در برابر خدا حاضر هستیم تا هر آنچه یَهُوه* به تو فرمان داده است که بگویی، بشنویم.»

۳۴ آنگاه پطرس لب به سخن گشود و گفت: «حال حقیقتاً دریافتم که خدا تبعیض قائل نمی‌شود، ۳۵ بلکه از هر قومی، هر کس از او بترسد و آنچه درست است به جا آورد، مورد قبول اوست. ۳۶ او پیام خود را به بنی‌اسرائیل فرستاد و به این ترتیب، بشارت صلح را از طریق عیسی مسیح که سرور همگان است، اعلام کرد. ۳۷ شما از موضوعی

که در جلیل پس از موعظهٔ یحیی در مورد تعمید آغاز شد و در سراسر یهودیه نیز پیچید، آگاهید: ۳۸ این که خدا، چگونه عیسی ناصری را با روح القدس مسح کرد و به او قدرت داد. این که او چگونه سراسر این سرزمین را زیر پا گذاشت، کارهای نیکو انجام داد و همهٔ کسانی را که تحت ستم ابلیس بودند، شفا بخشید؛ زیرا خدا با او بود. ۳۹ ما شاهد تمام کارهایی بودیم که او در سرزمین یهودیان و اورشلیم انجام داد؛ اما آنان او را بردار* آویختند و کشتند. ۴۰ خدا او را در روز سوم برخیزانید و اجازه داد که

کرد و گفت: «برخیز، من نیز انسانی بیش نیستم.» ۲۷ او حین گفتگو با گرنلیوس داخل خانه شد و دید عده‌ای بسیار جمع شده‌اند. ۲۸ پطرس به آنان گفت: «شما خوب می‌دانید که برای فرد یهودی جایز نیست که با کسی از اقوام دیگر معاشرت کند یا به دیدار او برود. اما خدا به من نشان داده است که نباید هیچ کس را نجس یا ناپاک بخوانم. ۲۹ پس وقتی فرستادگان به دنبال آمدند، بدون چون و چرا آمدم. حال از شما می‌پرسم که چرا به دنبال من فرستادید؟»

۳۰ آنگاه گرنلیوس در جواب گفت: «چهار روز پیش، در همین ساعت از روز، یعنی ساعت نهم* در خانهٔ خود مشغول دعا بودم که ناگاه مردی در لباسی درخشان در برابرم ایستاد ۳۱ و گفت: (گرنلیوس، دعایت مستجاب شده و خدا صدقه‌هایت را از خاطر دور نداشته است. ۳۲ پس افرادی را به یافا بفرست تا شمعون، ملقب به پطرس را فراخوانند. این مرد، نزد شمعون دباغ که خانه‌اش در کنار دریاست، مهمان است.) ۳۳ پس فوراً افرادی را به دنبال فرستادم و تولطف کردی و به اینجا آمدی. حال

* ۳۳:۱۰ رجوع به واژه‌نامه. ۳۹:۱۰ * یا: «درخت».

* ۳۰:۱۰ حدود ساعت ۳ بعدازظهر.

بگیرند؟» ۴۸ پس، پطرس به آنان فرمان داد که به نام عیسی مسیح تعمید بگیرند. آنگاه آنان از او خواستند که چند روزی با ایشان بماند.

۱۱ آنگاه رسولان و برادرانی که در یهودیه بودند، شنیدند که مردمی از قوم‌های دیگر نیز کلام خدا را پذیرفته‌اند. ۲ پس وقتی پطرس به اورشلیم رفت، آنانی که بر موضوع ختنه اصرار می‌ورزیدند، به پطرس چنین خرده گرفتند: * ۳ «چرا به خانه کسانی رفتی که ختنه‌نشده بودند و با آنان همسفره شدی؟» ۴ پطرس در جواب، جزئیات ماجرا را برای ایشان چنین شرح داد:

۵ «در شهر یافا مشغول دعا بودم که در حالت خلسه، در رؤیا دیدم که چیزی* همچون سفره‌ای بزرگ از کتان که از چهارگوشه آویخته بود، از آسمان به پایین آمد و درست در برابر من قرار گرفت. ۶ وقتی از نزدیک داخل آن را نگاه کردم، در آن چهارپایان، حیوانات وحشی، خزندگان و پرندگان آسمان را دیدم. ۷ همچنین ندایی شنیدم که به من گفت: «پطرس، برخیز، ذبح کن و بخور!»

۲:۱۱ * یا: «با پطرس چنین به جروبحت پرداختند». ۵:۱۱ * تحت‌اللفظی: «طرفی».

بر مردم ظاهر شود: * ۴۱ البته نه بر همه مردم، بلکه بر شاهدانی که خدا از پیش منصوب کرده بود: یعنی بر ما که پس از رستاخیزش از مردگان، با او خوردیم و نوشیدیم. ۴۲ او همچنین به ما فرمان داد که به مردم موعظه کنیم و شهادتی کامل دهیم که خدا او را مقرر کرده است تا داور زندگان و مردگان باشد. ۴۳ همه انبیا در مورد او شهادت می‌دهند که هرکس به او ایمان آورد، گناهانش از طریق نام او بخشیده خواهد شد.»

۴۴ پطرس هنوز در مورد این امور صحبت می‌کرد که روح‌القدس بر همه کسانی که این کلام را می‌شنیدند، نازل شد. ۴۵ ایمانداران یهودی‌نژاد* که با پطرس آمده بودند، حیرت کردند؛ زیرا نعمت روح‌القدس را دیدند که بر قوم‌های دیگر نیز ریخته می‌شود. ۴۶ و شنیدند که آنان به زبان‌های بیگانه* سخن می‌گویند و خدا را تمجید می‌کنند. آنگاه پطرس گفت: ۴۷ «حال که این افراد نیز همچون ما روح‌القدس را یافته‌اند، چه کسی می‌تواند مانع شود که با آب تعمید * ۴۰:۱۰ * یا: «آشکار شود». ۴۵:۱۰ * تحت‌اللفظی: «ایمانداران ختنه‌شده». ۴۶:۱۰ * تحت‌اللفظی: «به زبان‌ها».

نعمتی را که به خاطر ایمان به سرورمان عیسی مسیح، به ما عطا کرده بود، به آنان نیز داده است، پس من که باشم که مانع کار خدا شوم؟»

۱۸ ایشان با شنیدن این سخنان دیگر اعتراضی نکردند* و خدا را تمجید کرده، گفتند: «پس در واقع، خدا به قوم‌های دیگر نیز فرصت توبه بخشیده است تا به حیات دست یابند.»

۱۹ برخی از شاگردان به سبب آزارهایی که پس از ماجرای استیفان آغاز شد، پراکنده شده بودند. آنان تا فینیقیه، قبرس و آنطاکیه نیز رفتند، اما پیام را تنها به یهودیان موعظه می‌کردند. ۲۰ ولی در آنطاکیه کسانی که از قبرس و قیروان بودند با یونانی‌زبانان نیز به گفتگو پرداختند و در مورد عیسای سرور بشارت دادند. ۲۱ دست یَهُوَه* نیز با ایشان بود و شماری عظیم ایمان آوردند و به سرور گرویدند.

۲۲ خبر فعالیت‌های آنان به گوش جماعت اورشلیم رسید و ایشان برنابا را به آنطاکیه فرستادند. ۲۳ وقتی برنابا به آنجا رسید و لطف خدا را دید، شادمان شد و

۱۸:۱۱ * تحت اللفظی: «خاموش شدند». ۲۱:۱۱

* رجوع به واژه‌نامه.

۸ اما من گفتم: «سرور،* به هیچ وجه! زیرا هرگز به چیزی حرام و ناپاک لب نزده‌ام». ۹ برای بار دوم آن ندا از آسمان پاسخ داد: «آنچه را خدا پاک ساخته است، دیگر ناپاک مخوان». ۱۰ این امر برای بار سوم تکرار شد و همه چیز باز به آسمان بالا برده شد. ۱۱ همان موقع سه مرد نیز به خانه‌ای که ما در آن اقامت داشتیم، آمدند. آنان از قیصریه نزد من فرستاده شده بودند. ۱۲ روح به من گفت که از رفتن با ایشان تردید نکنم. این شش برادر نیز با من همراه شدند و به خانه آن مرد رفتیم. ۱۳ «آن مرد برای ما تعریف کرد که چگونه فرشته‌ای را در خانه‌اش دیده که به او گفته است: «کسانی را به دنبال شمعون، ملقب به پطرس به یافا بفرست ۱۴ و او برای تو پیامی خواهد آورد که باعث نجات تو و تمام اهل خانه‌ات خواهد شد». ۱۵ اما وقتی با آنان شروع به سخن گفتن کردم، روح القدس همان طور که در آغاز بر ما نازل شد، بر ایشان نیز نازل گردید. ۱۶ آنگاه سخن سرور را به یاد آوردم که می‌گفت: «یحیی با آب تعمید می‌داد، اما شما با روح القدس تعمید خواهید یافت». ۱۷ اگر خدا همان

۸:۱۱ * یا احتمالاً: «خداوند»: به یونانی کوریثوس.

۱۲

تقریباً در همان زمان بود که هیرودیس* پادشاه به آزار شماری از اعضای جماعت پرداخت. ۲ او دستور داد که یعقوب، برادر یوحنا را با شمشیر بکشند. ۳ وقتی دید که یهودیان از این کار خشنود شدند، به دستگیری پطرس نیز اقدام کرد. (این واقعه در ایام عید نان فطیر روی داد). ۴ هیرودیس پطرس را گرفت، به زندان انداخت و برای نگهداری از او، چهار پاس قرار داد و در هر پاس، چهار سرباز گماشت؛ زیرا قصد داشت او را پس از عید پَسَح در مقابل قوم حاضر سازد.* ۵ پس پطرس را در زندان نگاه داشتند، اما جماعت پیوسته و از صمیم دل برای او به خدا دعا می‌کرد. ۶ شب قبل از روزی که هیرودیس می‌خواست پطرس را در مقابل قوم حاضر سازد، پطرس بسته به دو زنجیر، میان دو سرباز خوابیده بود و نگهبانانی نیز جلوی در زندان پاس می‌دادند. ۷ ناگاه فرشته یَهُوه* آنجا ظاهر شد و نوری در اتاق زندان درخشید. فرشته به پهلوی پطرس زد، او را بیدار کرد و گفت: «زود برخیز!» آنگاه

۱۰:۱۲ * منظور هیرودیس آگریپاس اول است.

۴:۱۲ * یا: «محاكمه كند». ۷:۱۲ * رجوع به

تمامی آنان را ترغیب کرد که همچنان در دل مصمم بوده، به سرور وفادار بمانند؛ ۲۴ زیرا او مردی نیکو و پراز روح القدس و ایمان بود. در آن زمان، عده‌ای بسیار به سرور ایمان آوردند. ۲۵ سپس برنابا به تارسوس رفت تا دنبال سوئس بگردد. ۲۶ پس از این که سوئس را یافت، او را به أنطاکیه آورد. یک سال تمام، آنان با جماعت گرد هم می‌آمدند و به مردم بسیاری تعلیم می‌دادند. همچنین نخستین بار در أنطاکیه بود که شاگردان به هدایت خدا «مسیحی» خوانده شدند. ۲۷ در آن روزها، انبیایی از اورشلیم به أنطاکیه آمدند. ۲۸ یکی از آنان که آگابوس نام داشت، برخاست و به الهام روح القدس پیشگویی کرد که به‌زودی قحطی عظیمی تمام آن سرزمین را فرا خواهد گرفت؛ این قحطی در زمان فرمانروایی کلودیوس قیصر رخ داد. ۲۹ پس شاگردان مصمم شدند که هر یک به قدر توانایی خود کمکی* برای برادران ساکن یهودیه بفرستد. ۳۰ آنان چنین کردند و کمک‌هایشان را از طریق برنابا و سوئس نزد پیران جماعت آنجا فرستادند.

را شناخت، چنان به وجد آمد که به جای باز کردن در، به داخل دوید و خبر داد که پطرس پشت در ایستاده است. ۱۵ آنان به او گفتند: «تو عقلت را از دست داده‌ای.» اما او برگفته‌اش پافشاری می‌کرد. آنگاه گفتند: «پس فرشته اوست.» ۱۶ در این حین، پطرس همچنان بر در می‌زد. وقتی در را باز کردند، پطرس را دیدند و بسیار متعجب شدند. ۱۷ اما او با دستش به آنان اشاره کرد که خاموش باشند. پس از آن، با جزئیات شرح داد که چگونه یهوه* او را از زندان بیرون آورده است. سپس گفت: «خبر این وقایع را به یعقوب و برادران بدهید.» آنگاه از آنجا خارج شد و به جایی دیگر رفت.

۱۸ صبح روز بعد، در میان سربازان غوغایی به پا شد. آنان متعجب بودند که پطرس چه شده است. ۱۹ هیروдіس سخت به جستجوی او پرداخت و چون او را نیافت، پس از بازخواست از نگهبانان دستور مجازاتشان را داد و خود از یهودیه به قیصریه رفت و مدتی آنجا ماند.

۲۰ هیروдіس از مردم صور و صیدون* خشمگین بود.* پس ایشان متفقاً

۱۲: ۲۰* یا: «صیدا». * یا: «با مردم صور و صیدون سر جنگ داشت».

زنجیرها از دست‌های پطرس فرو افتاد. ۸ فرشته به او گفت: «لباس بپوش* و کفش‌هایت را به پا کن.» او نیز چنین کرد. سپس به او گفت: «ردایت را بر تن کن و به دنبال من بیا.» ۹ پطرس بیرون رفت و به دنبال فرشته به راه افتاد، اما فکر نمی‌کرد که آنچه فرشته انجام می‌دهد، واقعیت داشته باشد؛ زیرا گمان می‌کرد که رؤیا می‌بیند. ۱۰ آنان از نگهبانان اول و دوم گذشتند و به دروازه آهنی زندان رسیدند که به شهر باز می‌شد. دروازه خودبه‌خود در برابر آنان گشوده شد. از آنجا خارج شدند و در کوچه‌ای می‌رفتند که ناگاه فرشته او را ترک کرد. ۱۱ آنگاه پطرس که تازه متوجه ماجرا شده بود، گفت: «حال دیگر اطمینان یافته‌ام که یهوه* فرشته خود را فرستاد و مرا از دست هیروдіس و هر آنچه یهودیان در انتظارش بودند، رهایی داد.» ۱۲ پس از تأمل بر این واقعه، به خانه مریم، مادر یوحناى ملقب به مرفس رفت. در آنجا بسیاری جمع شده بودند و دعا می‌کردند. ۱۳ هنگامی که در خانه را زد، زنی خدمتکار به نام رودا آمد تا ببیند چه کسی در می‌زند. ۱۴ وقتی صدای پطرس

۱۲: ۸* یا: «دامن به کمر بزن». ۱۲: ۱۱، ۱۷ * رجوع به واژه‌نامه.

و سوئس. ۲ هنگامی که آنان در خدمت یَهُوه* بودند و روزه داشتند، روح القدس گفت: «برای من برنابا و سوئس را کنار بگذارید. آن دو را برای کاری خاص برگزیده‌ام.» ۳ پس از روزه و دعا، بر برنابا و سوئس دست گذاشتند و روانه‌شان کردند. ۴ پس این مردان که روح القدس آنان را فرستاده بود، به سیلوکیه رفتند و از آنجا با کشتی عازم قبرس شدند. ۵ وقتی به سالامیس رسیدند، به اعلام کلام خدا در کنیسه‌های یهودیان پرداختند. یوحنا* نیز دستیارشان بود.*

۶ آنان تمام جزیره را تا پافوس زیر پا گذاشتند و به مردی یهودی به نام باریشوع برخوردند که جادوگر و پیامبری دروغین بود. ۷ او برای سرگیوس پوئس استاندار* که مردی خردمند بود، کار می‌کرد. سرگیوس پوئس که مشتاق شنیدن کلام خدا بود، برنابا و سوئس را نزد خود فراخواند. ۸ اما علیمای* جادوگر (در واقع علیما به معنای جادوگر است)

۱۳:۵* منظور یوحناى ملقب به مَرَقَس است. *یا: «در خدمت ایشان بود». ۱۳:۷* به حاکم یکی از ایالات یا استان‌های روم اشاره دارد؛ رجوع به واژه‌نامه. ۱۳:۸* در آیه ۶ باریشوع خوانده شده است.

نزد او آمدند و پس از جلب همکاری پلاستوس، ناظر امور خانه پادشاه،* تقاضای صلح کردند؛ زیرا مواد غذایی آنان از قلمروی هیروдіس پادشاه فراهم می‌شد. ۲۱ در روزی خاص، هیروдіس لباس شاهانه پوشید، بر مسند داوری نشست و نطقی برای مردم ایراد کرد. ۲۲ مردمی که جمع شده بودند نیز فریاد زدند: «این صدای یکی از خدایان است، نه صدای انسان!» ۲۳ همان لحظه فرشته یَهُوه* او را زد؛ زیرا جلالتی را که باید به خدا داده می‌شد، پذیرفت. آنگاه کرم‌ها او را خوردند و او جان داد.

۲۴ اما کلام یَهُوه* همچنان پیش می‌رفت و گسترش می‌یافت.

۲۵ پس از این که برنابا و سوئس مأموریت کمک‌رسانی را در اورشلیم به پایان رساندند، به أنطاکیه بازگشتند و یوحنا را که مَرَقَس نیز خوانده می‌شد، همراه خود بردند.

۱۳ انبیا و معلّمان جماعت أنطاکیه عبارت بودند از: برنابا، شمعون

ملقب به نیجر، لوکیوس اهل قیروان، مَنَاحِم که با هیروдіس فرماندار تحصیل کرده بود

۲۰:۲۰* یا: «ناظر خوابگاه پادشاه». ۲۲:۱۲، ۲۴؛ ۲:۱۳* رجوع به واژه‌نامه.

شدند و نشستند. ۱۵ پس از این که شریعت و نوشته‌های انبیا خوانده شد، مسئولان کنیسه کسی را نزد آنان فرستادند که بگویند: «ای برادران اگر سخنی دلگرم‌کننده برای جمع دارید، بگویید.» ۱۶ پولس برخاست و با دست اشاره کرد و گفت:

«ای مردان اسرائیلی و ای دیگر خداترسان، به من گوش دهید. ۱۷ خدای قوم اسرائیل، پدران ما را برگزید و زمانی که قوم در سرزمین مصر غریب بود، آن را سرافراز ساخت و با بازوی قوی* از آنجا بیرون آورد. ۱۸ او حدود ۴۰ سال، قوم را در بیابان تحمّل کرد. ۱۹ پس از نابود کردن هفت قوم در کنعان، سرزمینشان را به اسرائیلیان به میراث داد؛ ۲۰ تمامی این وقایع حدود ۴۵۰ سال به طول انجامید.

«سپس خدا تا زمان سموئیل نبی به آنان داورانی داد. ۲۱ اما پس از آن، خواستند که پادشاهی داشته باشند و خدا شائول، پسر قیس را که مردی از طایفه بنیامین بود به ایشان داد و او ۴۰ سال بر آنان حکمرانی کرد. ۲۲ پس از برکناری شائول، داوود را پادشاه آنان ساخت و در مورد او شهادت داد و گفت: «داوود پسر

با آنان به مخالفت پرداخت و می‌کوشید که مانع ایمان آوردن استاندار* شود. ۹ آنگاه سولس که همان پولس است از روح‌القدس پر شد و به غلیما چشم دوخت ۱۰ و گفت: «ای مردی که پر از هرگونه مکر و شرارتی، ای فرزند ابلیس، ای دشمن هر راستی. آیا نمی‌خواهی از تحریف کردن راه‌های راست یَهُوه* دست برداری؟ ۱۱ حال دست یَهُوه* بر ضدّ توست و تو کور خواهی شد و مدتی نور آفتاب را نخواهی دید.» همان دم تاریکی و مه غلیظی او را در برگرفت. او این سو و آن سو می‌رفت تا کسی را بیابد که دستش را بگیرد و راه را به او نشان دهد. ۱۲ استاندار* این رویداد را دید و ایمان آورد؛ زیرا تعالیم یَهُوه* او را متحیر ساخته بود.

۱۳ پس از آن، پولس و همراهانش از پافوس از راه دریا به پرجه در پامفیلیه رسیدند. در آنجا یوحنا* از ایشان جدا شد و به اورشلیم بازگشت. ۱۴ اما آنان از پرجه گذشتند و به أنطاکیه در پیسیدیه رفتند. در روز سَبْت* به کنیسه‌ای داخل

۱۳: ۸، ۱۲* به حاکم یکی از ایالات یا استان‌های روم اشاره دارد؛ رجوع به واژه‌نامه. ۱۳: ۱۰-۱۲، ۱۴* رجوع به واژه‌نامه. ۱۳: ۱۳* منظور یوحنای ملقب به مرفس است.

۳۰ اما خدا او را از مردگان برخیزانید ۳۱ و او روزهای بسیار بر کسانی که همراهش از جلیل به اورشلیم رفته بودند، ظاهر شد. اینان اکنون شاهدان او در برابر قوم هستند.

۳۲ «حال ما به شما این خبر خوش را که وعدهٔ آن به پدرانمان داده شده بود، اعلام می‌کنیم. ۳۳ خدا به خاطر ما که فرزندان آنان هستیم، با رستاخیز عیسی کاملاً به وعدهٔ خود عمل کرده است؛ همان گونه که در مزبور دوم آمده است: «تو پسر من هستی، من امروز پدر تو شده‌ام». ۳۴ این امر که خدا او را از مردگان رستاخیز داد و دیگر هرگز به فسادپذیری باز نمی‌گردد، چنین بیان شده است: «من به شما احسان‌هایی خواهم کرد که به داوود وعده داده شده بود. این وعده قطعی* است». ۳۵ همچنین در مزموری دیگر آمده است: «تو نمی‌گذاری که بندهٔ وفادارت فساد را ببیند». ۳۶ آری، داوود خدا را در میان نسل خود خدمت کرد،* به خواب مرگ فرو رفت، با پدران خود آرامید و فساد را

۳۴:۱۳ * یا: «قابل اعتماد؛ امین». ۳۶:۱۳ * یا: «داوود در میان نسل خود خواست خدا را به جا آورد».

پسای را یافتم که مقبول دل من است و هر آنچه بخوام خواهد کرد». ۲۳ خدا مطابق وعده‌اش، از نوادگان همین مرد، نجات‌دهنده‌ای برای اسرائیل فرستاد؛ یعنی عیسی. ۲۴ پیش از آمدن او، یحیی به همهٔ مردم اسرائیل، تعمیدی را که نشان توبه بود، آشکارا موعظه کرده بود. ۲۵ اما یحیی پیش از پایان مأموریتش می‌گفت: «شما مرا چه کسی می‌پندارید؟ من او نیستم. اما کسی بعد از من می‌آید که من لایق نیستم بند کفشش را بازکنم».

۲۶ «ای برادران، ای فرزندان دودمان ابراهیم و ای دیگر خداترسان، این پیام نجات به ما فرستاده شده است. ۲۷ ساکنان اورشلیم و بزرگان‌شان آن نجات‌دهنده را نشناختند، بلکه با داوری‌شان به آنچه انبیا گفته بودند و در هر سَبَت خوانده می‌شود، تحقق بخشیدند. ۲۸ سپس هرچند دلیلی نیافتند که او را به مرگ محکوم کنند، از پیلاتس خواستند که اعدامش کند. ۲۹ وقتی تمام آنچه را که در مورد او نوشته شده بود، به انجام رساندند، او را از دار* پایین آوردند و در مقبره‌ای* نهادند.

۲۹:۱۳ * تحت‌اللفظی: «درخت». * رجوع به واژه‌نامه: «مقبرهٔ یادبود».

دید. ۳۷ اما آن که خدا برخیزانید، فساد را ندید.

۳۸ «پس ای برادران، بدانید که بخشش گناهان که از طریق همین شخص است، حال به شما اعلام می‌شود: ۳۹ همچنین در هر آنچه نتوانستید از طریق شریعت موسی بی‌تقصیر شمرده شوید، حال هر که ایمان بیاورد، از طریق او بی‌تقصیر شمرده می‌شود. ۴۰ پس هوشیار باشید که آنچه در نوشته‌های انبیا گفته شده است، برای شما روی ندهد که می‌گوید: ۴۱ «ای تحقیرکنندگان بنگرید، مبهوت شوید و از میان بروید: زیرا کاری در روزگار شما انجام خواهیم داد که هرگز باور نخواهید کرد، حتی اگر کسی با جزئیات، آن را برای شما نقل کند.»

۴۲ هنگام خروج از کنیسه، مردم از پولس و برنابا استدعا کردند که در سبب آینده نیز در مورد این امور برای آنان صحبت کنند. ۴۳ پس از پایان گردهمایی در کنیسه، بسیاری از یهودیان و کسانی که به دین یهود گرویده بودند و خدا را می‌پرستیدند، به دنبال پولس و برنابا رفتند. پولس و برنابا نیز هنگام گفتگو با آنان ترغیبشان کردند تا طوری رفتار کنند که لطف خدا همچنان شامل حالشان شود.

۴۴ سبب بعد، تقریباً تمام شهر جمع شدند تا کلام یهوه* را بشنوند. ۴۵ یهودیان با دیدن آن جمعیت، از حسد پر شدند و با سخنان کفرآمیز آنچه را پولس می‌گفت، تکذیب می‌کردند. ۴۶ سپس پولس و برنابا با شهادت به آنان گفتند: «لازم بود که کلام خدا نخست به شما گفته شود. حال که آن را رد می‌کنید و خود را شایسته زندگی ابدی نمی‌دانید، ما نیز آن را به غیریهودیان موعظه می‌کنیم. ۴۷ زیرا یهوه* به ما این چنین فرمان داده است: «من تو را نور قوم‌ها قرار داده‌ام که نجات را تا دورترین نقاط زمین برسانی.»

۴۸ وقتی غیریهودیان این را شنیدند، شادمانی کردند و به تمجید از کلام یهوه* پرداختند و همه کسانی که دلی پذیرا برای راه یافتن به حیات جاودان داشتند، ایمان آوردند. ۴۹ پس کلام یهوه* در تمام آن نواحی گسترش یافت. ۵۰ اما یهودیان، زنان بانفوذ و خداترس و مردان سرشناس شهر را بر ضد پولس و برنابا شوراندند. به این ترتیب به آزار و اذیت پولس و برنابا پرداخته، ایشان را از آن منطقه بیرون انداختند. ۵۱ آنان نیز گرد و خاک را

در لیکائونیه و نواحی اطراف این دو شهر گریختند. ۷ در آن مناطق نیز همچنان به اعلام بشارت ادامه دادند.

۸ در لِسْتِرِه مردی نشسته بود که پاهایش معلول بود. او لنگِ مادرزاد بود و در تمام عمرش هرگز راه نرفته بود. ۹ هنگامی که پوُلُس سخن می‌گفت، این مرد به سخنان او گوش می‌داد. پوُلُس به او چشم دوخت و پی برد که برای شفا یافتن ایمان دارد. ۱۰ پس با صدای بلند گفت: «بر پاهای خود بایست.» او جستی زد و برخاست و شروع به راه رفتن کرد. ۱۱ جمعیت با دیدن این عمل پوُلُس، به زبان لیکائونی فریاد زدند: «خدایان همچون انسان شده‌اند و نزد ما پایین آمده‌اند!» ۱۲ آنان بَرْنابا را زَنُوس* و پوُلُس را هِرْمِس* خواندند؛ زیرا پوُلُس سخنگوی اصلی بود. ۱۳ معبد زَنُوس درست بیرون دروازه شهر بود. کاهن آن معبد، تاج‌هایی از گل و گاوهایی به دروازه شهر آورد و می‌خواست که به همراه جمعیت قربانی‌هایی تقدیم کند.

۱۴ اما وقتی آن دو رسول، یعنی بَرْنابا و پوُلُس این را شنیدند، جامه خود را

۱۲:۱۴ * یا: «مشتی»؛ رجوع به واژه‌نامه. * یا: «عطارد»؛ رجوع به واژه‌نامه.

از پای خود تکاندند* و به قونیه رفتند. ۵۲ شاگردان همچنان پر از روح‌القدس بودند و دلشان مملو از شادی بود.

۱۴ در قونیه نیز بَرْنابا و پوُلُس به کنیسه یهودیان داخل شدند و به نحوی سخن گفتند که عده‌ای بسیار، هم یهودی و هم یونانی ایمان آوردند. ۲ اما یهودیانی که ایمان نیاوردند، غیریهودیان را بر ضد برادران تحریک کردند و نسبت به آنان بدگمان ساختند. ۳ پس پوُلُس و بَرْنابا مدتی طولانی در آنجا ماندند و با اقتداری که يَهُوَه* به ایشان داد، با شجاعت سخن گفتند. خدا با بخشیدن این قدرت به آنان که نشانه‌ها و معجزات* به ظهور رسانند، بر درستی پیام لطف خود گواهی می‌داد. ۴ اما در میان مردم شهر دودستگی به وجود آمد؛ گروهی، از یهودیان جانبداری می‌کردند و گروهی دیگر، از رَسْـوْلان. ۵ وقتی غیریهودیان و یهودیان همراه با بزرگان‌شان در پی آزار و اذیت بَرْنابا و پوُلُس برآمدند و خواستند سنگسارشان کنند، ۶ آن دو باخبر شدند و به شهرهای لِسْتِرِه و دِرَبِه

۵۱:۱۳ * شخص با تکان دادن گرد و خاک از پا نشان می‌داد که دیگر مسئولیتی به گردن ندارد. ۲:۱۴ * رجوع به واژه‌نامه. * یا: «عجایب؛ آیات».

چاک زدند و به میان جمعیت شتافتند و فریاد برآوردند ۱۵ و گفتند: «ای مردم، چرا چنین می‌کنید؟ ما نیز انسانیم با ضعف‌هایی همچون ضعف‌های شما. ما بشارت را به شما اعلام می‌کنیم تا شما از این امور باطل روی گردانید و به خدای زنده روی آورید؛ خدایی که آسمان، زمین، دریا و تمام چیزهایی که در آن‌هاست، آفرید. ۱۶ در زمان‌های گذشته خدا تمام قوم‌ها را وا گذاشت که به راه‌های خود بروند، ۱۷ اما با نیکویی‌هایش بر خود شهادت می‌داد: با بارانی که از آسمان به شما می‌داد و فصول پرباری که به شما می‌بخشید و از این طریق با غذای کافی خشنودی شما را فراهم می‌کرد و دل‌هایتان را از شادی لبریز می‌ساخت.» ۱۸ با وجود این سخنان، رسولان به زحمت توانستند جمعیت را از تقدیم قربانی برایشان بازدارند.

۱۹ اما یهودیانی از آنطاکیه و قونیه آمدند و جمعیت را با خود همراه ساخته، پولس را سنگسار کردند و چون گمان بردند که مرده است، او را به بیرون شهر کشیدند. ۲۰ اما وقتی شاگردان دور او جمع شدند، برخاست و به شهر رفت. او روز بعد همراه برنابا عازم دربه شد.

۲۱ آنان پس از آن که بشارت را در آن شهر اعلام کردند و بسیاری را شاگرد ساختند، به لِسِتره، قونیه و آنطاکیه بازگشتند. ۲۲ در آن شهرها شاگردان را تقویت کردند و ترغیبشان نمودند که در ایمان پایدار بمانند و به آنان گفتند: «ما برای راه یافتن به پادشاهی خدا باید بسیاری سختی‌ها را پشت سرگذاریم.» ۲۳ به علاوه، با دعا و روزه در هر جماعت، پیرانی برای شاگردان منصوب کردند و آنان را به يَهُوَه* که به او ایمان آورده بودند، سپردند.

۲۴ سپس از ایالت پیسیدیه گذشتند و به ایالت پامفیلیه رفتند. ۲۵ پس از آن، کلام را در پرجه اعلام کردند و به آتالیه رفتند. ۲۶ از آنجا از راه دریا راهی آنطاکیه شدند، در همان شهری که برای انجام وظیفه‌شان به لطف خدا سپرده شده بودند؛ وظیفه‌ای که اکنون به پایان رسانده بودند.

۲۷ وقتی به آنجا رسیدند و جماعت را گرد آوردند، تعریف کردند که خدا از طریق ایشان چه بسیار کارها انجام داده است و این که در ایمان را به روی غیریهودیان گشوده است. ۲۸ پس در آنجا مدتی طولانی با شاگردان ماندند.

* ۲۲:۱۴ رجوع به واژه‌نامه.

در آن زمان، افرادی از یهودیه به انطاکیه آمدند. آنان به برادران چنین تعلیم می‌دادند: «اگر مطابق سنت موسی ختنه نشوید، نمی‌توانید نجات یابید.» ۲ اما پولس و برنابا با آنان به مخالفت پرداختند و با ایشان بحثی نسبتاً طولانی کردند. پس ترتیبی داده شد که پولس و برنابا و شماری دیگر از برادران به اورشلیم نزد رسولان و پیران بروند و این مسئله* را با آنان در میان گذارند.

۳ اعضای جماعت، آنان را تا مسافتی بدرقه کردند. سپس آن مردان راه خود را ادامه دادند و هنگام گذشتن از فینیقیه و سامره، ایمان آوردن غیریهودیان را با جزئیات شرح می‌دادند و تمامی برادران را بسیار شاد می‌ساختند. ۴ وقتی به اورشلیم رسیدند، جماعت، رسولان و پیران آنان را به‌گرمی پذیرفتند. پولس و برنابا نیز کارهای بسیاری را که خدا از طریق آنان به عمل آورده بود، برایشان بیان کردند. ۵ اما افرادی از فرقه فریسی که ایمان آورده بودند، از جای خود برخاستند و گفتند: «لازم است که این غیریهودیان ختنه شوند و به آنان حکم شود که شریعت موسی را حفظ کنند.»

۶ پس رسولان و پیران گرد هم آمدند تا

مسئله را بررسی کنند. ۷ بعد از بحث* بسیار، پطرس برخاست و گفت: «ای برادران، شما به‌خوبی می‌دانید که خدا از همان نخستین روزها مرا از میان شما برگزید تا غیریهودیان از دهان من کلام بشارت را بشنوند و ایمان آورند. ۸ خدایی که از دل‌ها آگاه است، با عطای روح‌القدس به غیریهودیان، همان‌گونه که آن را به ما عطا کرد، شهادت داد که آنان را نیز می‌پذیرد. ۹ او میان ما و ایشان به هیچ وجه فرقی نگذاشت، بلکه دل‌های آنان را نیز به دلیل ایمانشان پاک ساخت. ۱۰ پس چرا اکنون خدا را می‌آزمایید و یوغی بر گردن شاگردان می‌گذارید که نه پدران ما قدرت حمل آن را داشتند و نه ما؟ ۱۱ اما، ما ایمان داریم که از طریق لطف عیسای سرور نجات یافته‌ایم، همان‌طور که برادران غیریهودی ایمان دارند.»

۱۲ آنگاه تمام آن جمع ساکت شدند و به سخنان برنابا و پولس در مورد بسیاری نشانه‌ها و معجزات* که خدا از طریق آنان در میان قوم‌ها به ظهور رسانده بود، گوش فرادادند. ۱۳ پس از آن که از سخن گفتن بازایستادند،

۷:۱۵ *یا: «مشاجره». ۱۲:۱۵ *یا: «عجایب:

خفه شده* و از خون بپرهیزند. ۲۱ زیرا از زمان‌های قدیم کسانی بوده‌اند که نوشته‌های موسی را در هر شهر موعظه می‌کردند: چنان که حال نیز نوشته‌های او در هر سَبَت در کنیسه‌ها با صدای بلند خوانده می‌شود.»

۲۲ سپس رسولان و پیران به همراه تمام جماعت تصمیم گرفتند که مردانی را از میان خود برگزینند و همراه پولس و بَرَنابا به اَنطَاقیه بفرستند؛ آن مردان عبارت بودند از: یهودای مَلَقَب به بَرَسابا و سیلاس که از جمله کسانی بودند که در میان برادران هدایت را بر عهده داشتند. ۲۳ آنان به دست این مردان نامه‌ای به این مضمون فرستادند:

«از طرف رسولان و پیران، برادران شما، به برادران غیریهودی در اَنطَاقیه، سوریه و کیلیکیه: سلام! ۲۴ شنیده‌ایم که بعضی از میان ما، هرچند که ما به آنان حکم نکرده بودیم، شما را با سخنان خود مضطرب ساخته‌اند و در تلاش بوده‌اند ذهنتان را آشفته سازند. ۲۵ از این رو، ما با اتفاق نظر تصمیم گرفتیم که مردانی را انتخاب کنیم و به همراه عزیزانمان بَرَنابا

۲۰:۱۵ * منظور خوردن گوشت حیوانی است که خون آن ریخته نشده باشد.

یعقوب گفت: «ای برادران، به من گوش دهید. ۱۴ شمعون* به تفصیل توضیح داد که چگونه خدا برای نخستین بار غیریهودیان را مورد توجه خود قرار داد تا از میان ایشان قومی برای نام خود گرد آورد. ۱۵ کلام انبیا نیز با این امر مطابقت دارد، چنان که نوشته شده است: ۱۶ «پس از این‌ها، من باز خواهم گشت و خیمه* داوود را که فرو ریخته است، بار دیگر بر پا خواهم نمود؛ ویرانه‌های آن را بازسازی خواهم کرد و آن را مرمت خواهم نمود ۱۷ تا بقیهٔ این قوم، به همراه همهٔ غیریهودیانی که به نام من خوانده می‌شوند، صادقانه یَهُوه* را بجویند. این را یَهُوه* خود می‌گوید: خدایی که این امور را به انجام می‌رساند ۱۸ و از قدیم آن‌ها را می‌دانست.» ۱۹ بنابراین، رأی* من این است که برای غیریهودیانی که به خدا روی می‌آورند، دشواری ایجاد نکنیم، ۲۰ بلکه کتباً به آنان ابلاغ کنیم که از آنچه به بت‌پرستی آلوده است، از اعمال نامشروع جنسی* از حیوانات

۱۴:۱۵ * نام دیگر پطرس. ۱۶:۱۵ * یا: «خانه».

۱۷:۱۵ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۹:۱۵ * یا: «نظر».

۲۰:۱۵ * به یونانی پُرَنِدْ؛ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

۳۴* — ۳۵ اما پولس و برنابا در آنطاکیه ماندند. آنان به تعلیم مشغول بودند و همراه بسیاری دیگر بشارت کلام یهوه* را اعلام می‌کردند.

۳۶ پس از چند روز، پولس به برنابا گفت: «بیا اکنون* به همه شهرهایی که در آنجا کلام یهوه* را اعلام کردیم، بازگردیم تا از برادران دیدار کنیم و از وضع آنان باخبر شویم.» ۳۷ برنابا مصمم بود که یوحنا یلقب به مرقس نیز ایشان را همراهی کند. ۳۸ اما پولس موافق نبود که او را با خود ببرند، چون مرقس در پامفیلیه خود را از ایشان جدا کرده بود و با آنان به کار ادامه نداده بود. ۳۹ آنگاه اختلاف پولس و برنابا بر سر این موضوع چنان بالا گرفت که با عصبانیت از یکدیگر جدا شدند؛ برنابا مرقس را برداشت و از راه دریا عازم قبرس شد. ۴۰ پولس سیلاس را انتخاب کرد. سپس برادران، پولس را به لطف یهوه* سپردند و راهی سفر کردند. ۴۱ او جماعات را هنگام گذشتن از سوریه و کیلیکیه تقویت می‌کرد.

۲۴:۱۵* چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود. ۱۵: ۲۵، ۳۶، ۴۰* رجوع به واژه‌نامه. ۱۵: ۳۶* یا احتمالاً: «هر طور که شده».

و پولس نزد شما بفرستیم؛ ۲۶ مردانی که به خاطر نام سرورمان عیسی مسیح از جان خود گذشته‌اند. ۲۷ پس ما یهودا و سیلاس را می‌فرستیم تا ایشان نیز همین مطالب را شفاهاً به شما بگویند؛ ۲۸ زیرا روح القدس و ما صلاح دیدیم که بار بیشتری بر دوش شما ننهیم، جز این امور ضروری: ۲۹ از آنچه برای بت‌ها قربانی شده است، از خون، از حیوانات خفه‌شده* و از اعمال نامشروع جنسی* بپرهیزید. اگر دقت کرده، خود را از این‌ها دور نگاه دارید، موفق خواهید بود. سلامتی با شما باد!«^۵

۳۰ آن مردان راهی شدند و به آنطاکیه رفتند. در آنجا جماعت را گرد آوردند و نامه را به دستشان دادند. ۳۱ پس از خواندن آن نامه، از پیام دلگرم‌کننده آن شاد شدند. ۳۲ یهودا و سیلاس نیز که نبی بودند، برادران را با گفتارهای متعدد، تشویق و تقویت کردند. ۳۳ پس از این که مدتی در آنجا ماندند، برادران آنان را با آرزوی سلامتی راهی کردند تا نزد کسانی که ایشان را فرستاده بودند، بازگردند.

۲۹:۱۵* منظور خوردن گوشت حیوانی است که خون آن ریخته نشده باشد. *به یونانی پُرنیا؛ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

^۵ یا: «بدرود».

پس پولس به دربه و سپس به لیستره رسید. در آنجا شاگردی به نام تیموتائوس زندگی می‌کرد که مادرش از ایمان‌آوردگان یهودی، اما پدرش یونانی بود. ۲ برادران در شهرهای لیستره و قونیه از او تعریف می‌کردند. ۳ پولس که می‌خواست تیموتائوس را با خود همراه کند، به خاطر یهودیانی که در آن مناطق بودند، او را ختنه کرد؛ زیرا همه می‌دانستند که پدرش یونانی است. ۴ آنان درحالی‌که از شهری به شهر دیگر سفر می‌کردند، احکامی را که رسولان و پیران اورشلیم وضع کرده بودند، به برادران می‌رساندند تا طبق آن عمل کنند. ۵ به این ترتیب، جماعات همچنان در ایمان استوار می‌شدند و هر روز بر شمارشان افزوده می‌گشت.

۶ آنان همچنین از فریجیه و ناحیه غلاطیه گذشتند؛ زیرا روح القدس آنان را از اعلام کلام در ایالت آسیا منع کرده بود. ۷ به علاوه، وقتی به میسیه رسیدند، تلاش کردند به بیتینیه بروند، اما روح عیسی* به آنان اجازه نداد. ۸ بنابراین از میسیه گذشتند* و به تروآس رفتند. ۹ هنگام

۷:۱۶* منظور روح القدس است که عیسی از خدا یافته بود. ۸:۱۶* یا: «از میان میسیه گذشتند».

شب، پولس در رؤیایی دید که فردی از اهالی مقدونیه در آنجا ایستاده است و به او التماس می‌کند و می‌گوید: «به مقدونیه* بیا و به ما کمک کن.» ۱۰ به محض این که پولس این رؤیا را دید، ما* ترتیب سفر به مقدونیه را دادیم، چون به این نتیجه رسیدیم که خدا ما را برای اعلام بشارت به آنان فراخوانده است.

۱۱ پس، از تروآس مستقیم از راه دریا به ساموتراکی و روز بعد به نیاپولیس رفتیم. ۱۲ از آنجا عازم فیلیپی شدیم که از مستعمرات روم و معروف‌ترین شهر آن منطقه از مقدونیه بود و چند روز در آن شهر ماندیم. ۱۳ در روز سَبَّت* از دروازه شهر خارج شدیم و به کنار رودخانه به محلی که گمان می‌کردیم مکان دعاست، رفتیم. آنجا نشستیم و با زنانی که گرد آمده بودند، صحبت کردیم. ۱۴ زنی خداترس از شهر تیاتیرا به نام لیدیه که جامه‌های ارغوانی* می‌فروخت، به سخنان ما گوش می‌کرد.

۹:۱۶* مقدونیه نام یکی از ایالت‌های رومی بود. در کتاب مقدس وقایعی که در مقدونیه رخ داده است، در واقع در محدوده کشور یونان امروز به وقوع پیوسته است. ۱۰:۱۶* ظاهراً لوقا، نویسنده این کتاب در تروآس به پولس و همراهانش می‌پیوندد. ۱۲:۱۶* رجوع به واژه‌نامه. ۱۴:۱۶* «جامه‌های ارغوانی» یا: «ارغوان».

۲۰ پس ایشان را نزد والیان شهر حاضر ساختند و گفتند: «این مردان نظم شهر ما را برهم زده‌اند. آنان یهودی‌اند ۲۱ و در مورد رسومی تبلیغ می‌کنند که پذیرش و به جا آوردن آن‌ها برای ما رومیان جایز نیست.» ۲۲ آنگاه مردم نیز به آنان پیوستند و علیه پولس و سیلاس برخاستند. والیان شهر فرمان دادند که جامه‌های آنان را پاره کرده، از نشان درآورند و آنان را با چوب بزنند. ۲۳ پس از آن که ایشان را چوب بسیار زدند، به زندان انداختند و به زندانبان امر کردند که به‌دقت از آنان نگهداری کند. ۲۴ زندانبان چون چنین فرمانی گرفت، آنان را در زندان داخلی حبس کرد و پاهایشان را در کُنده گذاشت.

۲۵ حدود نیمه‌شب پولس و سیلاس مشغول دعا کردن بودند و با خواندن سرود، خدا را ستایش می‌کردند؛ زندانبان نیز به آنان گوش می‌دادند. ۲۶ ناگهان زلزله‌ای شدید رخ داد، طوری که پایه‌های زندان به لرزه درآمد. به علاوه، تمام درهای زندان در یک آن گشوده و زنجیرهای همه باز شد. ۲۷ زندانبان بیدار شده، دید که درهای زندان باز است و به گمان این که زندانبان فرار کرده‌اند، شمشیرش را کشید

یَهُوَه* دل او را گشود تا سخنان پولس را بپذیرد. ۱۵ وقتی او و اهل خانه‌اش تعمید گرفتند، با اصرار به ما گفت: «اگر قبول دارید که به یَهُوَه* ایمان آورده‌ام، بیایید و در خانه من بمانید.» او چنان اصرار کرد که چاره‌ای جز رفتن نداشتیم.

۱۶ یک بار که به مکان دعا می‌رفتیم، کنیزی با ما روبرو شد. او گرفتار روحی ناپاک بود که به او قدرت غیب‌گویی می‌داد. آن کنیز با طالع‌بینی* درآمدی زیاد عاید اربابانش می‌کرد. ۱۷ او پیوسته به دنبال پولس و ما می‌آمد و چنین فریاد می‌زد: «این مردان، غلامانِ خدای متعال هستند و به شما راه نجات را اعلام می‌کنند.» ۱۸ او روزهای بسیار به این کار ادامه داد. سرانجام پولس به ستوه آمد و برگشت و خطاب به آن روح گفت: «به نام عیسی مسیح به تو فرمان می‌دهم که از او بیرون آیی.» روح همان دم بیرون آمد. ۱۹ وقتی اربابانِ آن کنیز دیدند که از آن راه دیگر امیدی به کسب درآمد ندارند، پولس و سیلاس را گرفتند و آنان را کشان‌کشان به بازار* نزد حکام بردند.

۱۴:۱۶، ۱۵ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۶:۱۶ * یا: «غیب‌گویی». ۱۹:۱۶ * منظور محوطه‌ای باز برای خرید و فروش و اجتماع مردم است.

که من شما را آزاد کنم. پس حال، بیرون بیاید و به سلامت بروید.» ۳۷ اما پولس به آنان گفت: «ما را با این که رومی هستیم در ملأ عام بدون هیچ محاکمه‌ای زند و به زندان انداختند. آیا حال می‌خواهند پنهانی ما را آزاد کنند؟ خیر، به هیچ وجه! بگذارید خود بیایند و ما را بیرون ببرند.» ۳۸ مأموران این سخنان را به والیان شهر رساندند. آنان وقتی شنیدند که پولس و سیلاس رومی هستند، ترسیدند. ۳۹ پس آمده، از ایشان عذرخواهی نمودند و تا بیرون زندان همراهی‌شان کردند و از آنان خواستند که شهر را ترک کنند. ۴۰ اما پولس و سیلاس پس از آن که از زندان بیرون آمدند، به خانه‌ی لیدیه رفتند. در آنجا برادران را دیدند و به آنان قوت قلب دادند. سپس آنجا را ترک کردند.

۱۷

آنان از شهرهای آمفیپولیس و آپولونیا گذشتند و به تسالونیکه رسیدند؛ شهری که یهودیان در آن کنیسه داشتند. ۲ پس پولس طبق عادت خود نزد آنان به کنیسه رفت. او مدت سه هفته در روزهای سَبْت* بر اساس نوشته‌های مقدس با آنان استدلال می‌کرد؛ ۳ نوشته‌ها را توضیح می‌داد و با استفاده از آن‌ها ثابت

و چیزی نمانده بود خود را بکشد ۲۸ پولس بلند فریاد زد: «به خود آسیب مرسان، ما همه اینجا هستیم!» ۲۹ پس زندانبان درخواست کرد که چراغ‌هایی برای او بیاورند. سپس به داخل شتافت و درحالی که می‌لرزید، در مقابل پولس و سیلاس به خاک افتاد. ۳۰ آنگاه آنان را بیرون آورد و گفت: «ای آقایان، من باید چه کنم تا نجات یابم؟» ۳۱ جواب دادند: «به عیسای سرور ایمان بیاور و تو و اهل خانه‌ات نجات خواهید یافت.» ۳۲ آنگاه کلام یَهُوَه* را برای او و تمام کسانی که در خانه‌اش بودند، بیان کردند. ۳۳ زندانبان نیز آنان را در همان ساعت شب برد تا زخم‌هایشان را بشوید. سپس بی‌درنگ او و تمام اهل خانه‌اش تعمید گرفتند. ۳۴ او ایشان را به خانه‌ی خود برد و سفره‌ای برایشان مهیا ساخت. اکنون که زندانبان به خدا ایمان آورده بود، خود او و تمام اهل خانه‌اش بسیار شادمان بودند. ۳۵ هنگامی که روز شد، والیان شهر مأمورانی با این پیام نزد زندانبان فرستادند: «آن مردان را آزاد کن.» ۳۶ زندانبان پیام آنان را به پولس رساند و گفت: «والیان شهر مردانی را فرستاده‌اند و فرمان داده‌اند

۱۰ به محض این که شب شد، برادران، پولس و سیلاس را به بیریه فرستادند. وقتی به آنجا رسیدند، به کنیسه یهودیان رفتند. ۱۱ اهالی بیریه نسبت به اهالی تسالونیکی از طرز فکری روشن تر برخوردار بودند؛ زیرا کلام را با ذهنی کاملاً مشتاق پذیرفتند و هر روز نوشته های مقدس را به دقت بررسی می کردند تا از درستی آنچه می شنیدند، اطمینان حاصل کنند. ۱۲ در نتیجه بسیاری از آنان و همچنین شماری فراوان از زنان و مردان سرشناس یونانی ایمان آوردند. ۱۳ اما وقتی یهودیان تسالونیکی پی بردند که پولس کلام خدا را در بیریه نیز اعلام می کند، به آنجا آمدند و مردم را تحریک کرده، علیه آنان شوراندند. ۱۴ از این رو، برادران فوراً پولس را به سمت دریا فرستادند، اما سیلاس و تیموتائوس در بیریه ماندند. ۱۵ کسانی که پولس را همراهی کردند، او را تا آتن بردند. در آنجا به آنان دستور داده شد تا به سیلاس و تیموتائوس بگویند که هر چه زودتر نزد پولس بایند و سپس آنجا را ترک کردند. ۱۶ پولس، در حالی که در آتن منتظر آن دو بود، از دیدن آن همه بت در آن شهر، روحش عمیقاً آزرده شد. ۱۷ پس درکنیسه با یهودیان و با دیگر خداپرستان

می کرد که مسیح می بایست رنج می کشید و از مردگان برمی خاست. او می گفت: «این عیسی که در مورد او به شما موعظه می کنم، همان مسیح است.» ۴ در نتیجه، برخی از آنان، همچنین بسیاری از یونانیان خداپرست و شماری فراوان از زنان سرشناس ایمان آوردند و به پولس و سیلاس پیوستند.

۵ اما یهودیان حسادت ورزیدند و با جمع کردن عده ای از مردان اوباش که در بازار پرسه می زدند، گروهی تشکیل دادند و شهر را به آشوب کشیدند. سپس به خانه یاسون هجوم بردند و می خواستند پولس و سیلاس را نزد جمعیت بیرون بیاورند. ۶ پس چون آنان را نیافتند، یاسون و برخی برادران را کشان کشان نزد مقامات شهر بردند و فریادزنان گفتند: «آن مردان که تمام دنیا را به آشوب کشیده اند، به اینجا نیز آمده اند ۷ و یاسون نیز از ایشان پذیرایی کرده است. آنان همه احکام قیصر را زیر پا می گذارند و می گویند، پادشاه دیگری به نام عیسی هست.» ۸ با شنیدن این سخنان، جمعیت و مقامات شهر نگران شدند ۹ و پس از گرفتن ضمانت از یاسون و دیگران، آنان را رها کردند.

و هر روز در بازار* با هرکس که می‌دید، به گفتگو و استدلال می‌پرداخت. ۱۸ اما شماری از فیلسوفان اپیکوری* و رواقی* با او بحث می‌کردند و برخی می‌گفتند: «این یاهوگو چه می‌خواهد بگوید؟» دیگران می‌گفتند: «ظاهراً در مورد خدایان بیگانه تبلیغ می‌کند.» آنان این سخنان را می‌گفتند، چون پولس در مورد عیسی و رستاخیز بشارت می‌داد. ۱۹ پس او را به آریوپاگوس* بردند و گفتند: «آیا می‌توانیم بدانیم که این تعلیم جدید که از آن صحبت می‌کنی، چیست؟ ۲۰ زیرا چیزهای جدید می‌گویی که به گوش ما غریب است و می‌خواهیم بدانیم معنی گفته‌هایت چیست.» ۲۱ در واقع، تمام اهالی آتن و بیگانگانی که در آنجا ساکن بودند،* گویی مشغولیتی نداشتند جز این که وقت خود را به گفتن و شنیدن چیزهای تازه بگذرانند. ۲۲ آنگاه پولس در میان آریوپاگوس ایستاد و گفت:

۱۷:۱۷ *منظور محوطه‌ای باز برای خرید و فروش و اجتماع مردم است. ۱۸:۱۷ *رجوع به واژه‌نامه: «فیلسوفان اپیکوری». *رجوع به واژه‌نامه: «فیلسوفان رواقی». ۱۹:۱۷ *یا: «کوه مزبخ»: نام تپه‌ای در آتن باستان و نام محکمه‌عالی آن شهر در آن مکان. ۲۱:۱۷ *یا: «که از آنجا دیدن می‌کردند».

«ای مردان آتن، می‌بینم که شما از هر لحاظ و بیش از دیگران مذهبی هستید؛* ۲۳ زیرا برای مثال، هنگامی که در شهر می‌گشتم و آنچه را که شما می‌پرستید،* نظاره می‌کردم، در میان آن‌ها مذبحی را یافتم که بر آن نوشته شده بود: (تقدیم به خدای ناشناخته)، پس من می‌خواهم درباره آنچه شما ناشناخته می‌پرستید با شما سخن بگویم: ۲۴ همان خدایی که دنیا و هر آنچه را که در آن است آفرید، همان که خداوند آسمان و زمین است و در معبدهای ساخته دست انسان ساکن نیست. ۲۵ دست انسان نیز نمی‌تواند خدمتی به او بکند، چون او بی‌نیاز است و خود به همگان حیات، نفس و همه چیز می‌بخشد. ۲۶ او از یک انسان همه قوم‌ها را به وجود آورد تا در سراسر زمین زندگی کنند، همچنین زمان‌هایی را مقرر نمود و حدود مسکن‌های انسان‌ها را معین ساخت ۲۷ تا مردم خدا را جستجو کنند و اگر با سعی تمام او را بجویند، حقیقتاً او را خواهند یافت. به‌راستی که او از هیچ یک از ما دور نیست؛ ۲۸ زیرا از او حیات و جنبش و هستی یافته‌ایم، همان طور که ۲۲:۱۷ *یا: «از خدایان می‌ترسید». ۲۳:۱۷ *یا: «و معبودهای شما را».

۱۸

پس از این، پولس آتن را ترک کرد و به قرنتس رفت. ۲ در آنجا با فردی یهودی به نام آکیلا آشنا شد. او از اهالی پونتوس بود و به تازگی با زن خود پریسکیلا از ایتالیا به آنجا آمده بود؛ زیرا کلودیوس قیصر به همه یهودیان دستور داده بود که روم را ترک کنند. پولس به دیدارشان رفت ۳ و چون مانند آنان پیشه اش خیمه دوزی بود، در خانه شان ماند و با ایشان به کار مشغول شد. ۴ او در هر سَبْت* در کنیسه سخنرانی می کرد* و یهودیان و یونانیان را متقاعد می ساخت. ۵ وقتی سیلاس و تیموتائوس از مقدونیه به آنجا آمدند، پولس خود را تماماً وقف موعظه کلام کرد. او برای اثبات این که عیسی همان مسیح است، به یهودیان شهادت می داد. ۶ اما چون یهودیان از مخالفت با او و گفتن سخنان اهانت آمیز دست نکشیدند، پولس جامه خود را تکاند* و به آنان گفت: «خون شما به گردن خودتان باشد. من از آن مبرا هستم. از این پس من نزد غیر یهودیان می روم.»

۴:۱۸* رجوع به واژه نامه. * یا: «با آنان استدلال می کرد». ۶:۱۸* شخص با تکان دادن گرد و خاک از جامه خود نشان می داد که دیگر مسئولیتی به گردن ندارد.

حتی برخی از شعرای خود شما گفته اند: «ما نیز فرزندان او هستیم.»

۲۹ «پس حال که ما انسان ها فرزندان خدا هستیم، نباید تصوّر کنیم که آن وجود الهی مانند طلا، نقره یا سنگ است که همچون مجسمه ای با هنر و خلاقیت انسان تراشیده شده باشد. ۳۰ آری، خدا در گذشته چنین جهالتی را نادیده می گرفت، اما حال به انسان ها می گوید که تمامی آنان، در هر جا که باشند، باید توبه کنند؛ ۳۱ زیرا او از طریق مردی که منصوب کرده است، تمام مردم زمین را به عدالت دآوری خواهد کرد و برای این مقصود روزی را تعیین نموده است. او این امر را با رستاخیز دادن آن مرد از مردگان، به همه انسان ها تضمین کرده است.»

۳۲ وقتی آنان در مورد رستاخیز مردگان شنیدند، برخی تمسخر کردند، اما برخی نیز گفتند: «ما در فرصتی دیگر سخنان تو را خواهیم شنید.» ۳۳ پس پولس ایشان را ترک کرد، ۳۴ اما چند نفر، از جمله دیونیسیوس که از قاضیان محکمه آریوپاگوس بود، همچنین زنی به نام داماریس و عده ای دیگر به او پیوستند و ایمان آوردند.

سخنی بگوید، گالیو به یهودیان گفت: «ای یهودیان، اگر واقعاً عملی خلاف یا جرمی بزرگ صورت گرفته بود، بجا بود که صبورانه به سخنان شما گوش دهم. ۱۵ اما اگر اختلاف‌ها بر سر گفته‌ها، اسامی یا شریعت خودتان است، خودتان باید به آن رسیدگی کنید. من نمی‌خواهم در این امور قضاوت کنم.» ۱۶ آنگاه آنان را از مقابل مسند داوری راند. ۱۷ پس همگی، سوستینیس، مسئول کنیسه را گرفتند و او را در مقابل مسند داوری زدند. اما گالیو به این امور کاملاً بی‌اعتنا بود.

۱۸ پولس روزهایی بسیار در قُرْنِثس ماند. سپس با برادران خداحافظی کرد و به همراه پریسکیلا و آکیلا با کشتی عازم سوریه شد. همچنین در کُنْخَرِیه موهای سر خود را کوتاه کرد؛ زیرا نداری کرده بود. ۱۹ هنگامی که به اِفِسُس رسیدند، پولس از همراهانش جدا شد و به کنیسه رفت و با یهودیان به گفتگو و استدلال پرداخت. ۲۰ آنان هرچند بارها از او خواستند مدتی بیشتر آنجا بماند، نپذیرفت، ۲۱ بلکه خداحافظی کرد و به ایشان گفت: «اگر يَهُوه* بخواند، بار دیگر پیش شما خواهم آمد.» سپس

۲۱:۱۸* رجوع به واژه‌نامه.

۲ پس او محل موعظه‌اش را از کنیسه به خانهٔ مردی خداپرست به نام تیتيوس یوستوس تغییر داد که خانه‌اش مجاور کنیسه بود. ۸ اما کِریسپوس، مسئول کنیسه به همراه تمام اهل خانه‌اش به سرور ایمان آوردند. همچنین بسیاری از مردم قُرْنِثس که پیام را شنیدند، ایمان آوردند و تعمید گرفتند. ۹ به علاوه، شب‌هنگام سرور در رؤیایی به پولس گفت: «مترس، همچنان سخن بگو و خاموش مباش؛ ۱۰ زیرا من با تو هستم و هیچ کس دست بر تو دراز نخواهد کرد تا به تو آسیبی برساند، چون من هنوز افرادی بسیار در این شهر دارم.» ۱۱ پس او یک سال و شش ماه در آنجا ماند و کلام خدا را در این مدت در میان آنان تعلیم می‌داد. ۱۲ اما زمانی که گالیو، استاندار* آخائیه* بود، یهودیان همگی بر ضد پولس برخاستند و او را به مقابل مسند داوری کشیدند. ۱۳ آنان می‌گفتند: «این شخص مردم را بر آن می‌دارد که خدا را به شیوه‌ای بپرستند که با قانون مغایرت دارد.» ۱۴ اما همین که پولس می‌خواست ۱۲:۱۸* به حاکم یکی از ایالات یا استان‌های روم اشاره دارد؛ رجوع به واژه‌نامه. * ایالتی رومی واقع در جنوب یونان که مرکز آن قُرْنِثس بود.

پس وقتی به آنجا رسید، به آنانی که از طریق لطف خدا ایمان آورده بودند، بسیار کمک کرد؛ ۲۸ زیرا در حضور همه قاطعانه و با دلایل محکم ثابت می‌کرد که یهودیان در اشتباهند و با استفاده از نوشته‌های مقدس نشان می‌داد که عیسی همان مسیح است.

۱۹ در مدتی که آپولُس در قُرْنُثُس بود، پولُس از نواحی مرتفع داخلی گذشت و به اِفْسُس رفت. او در آنجا شاگردانی را یافت ۲ و به آنان گفت: «وقتی ایمان آوردید، آیا روح القدس را یافتید؟» پاسخ دادند: «ما هرگز نشنیده‌ایم که روح القدسی هست!» ۳ آنگاه پولُس پرسید: «پس چه تعمیدی گرفتید؟» گفتند: «تعمید یحیی.» ۴ پولُس گفت: «تعمیدی که یحیی می‌داد، به نشان توبه بود. او به مردم می‌گفت، به آن کس که پس از او می‌آید ایمان بیاورند؛ یعنی به عیسی.» ۵ ایشان با شنیدن این سخن، به نام عیسیای سرور تعمید گرفتند. ۶ بنابراین، هنگامی که پولُس دست بر آنان گذاشت، روح القدس بر آنان آمد و به زبان‌های بیگانه سخن گفتند و نبوت کردند. ۷ آن مردان حدود ۱۲ نفر بودند.

از راه دریا اِفْسُس را ترک کرد ۲۲ و عازم قیصریه شد. آنگاه از آنجا رفت* و پس از دیدار از جماعت، عازم اَنطَاکیه* شد. ۲۳ او مدتی در آنجا ماند و سپس به راه افتاد و در سراسر نواحی غَلَاطیه و فریجیه از جایی به جای دیگر سفر کرد و همه شاگردان را تقویت نمود.

۲۴ در این میان، مردی یهودی به نام آپولُس، اهل اسکندریه به اِفْسُس آمد. او خوش‌بین بود و از نوشته‌های مقدس آگاهی وسیعی داشت. ۲۵ این مرد در طریق یَهُوه* تعلیم یافته بود.* او با شور و حرارتی که روح می‌بخشید، سخن می‌گفت و در مورد عیسی به درستی تعلیم می‌داد، اما تنها با تعمید یحیی آشنایی داشت. ۲۶ یک بار که آپولُس در کنیسه با شهامت شروع به سخن گفتن کرد، پریسکیلا و آکیلا سخنانش را شنیده، او را نزد خود بردند و طریق خدا را دقیق‌تر به او آموزش دادند. ۲۷ سپس چون آپولُس می‌خواست به آن طرف دریا به آخائیه برود، برادران در نامه‌ای شاگردان را ترغیب کردند که او را به گرمی بپذیرند.

۱۸:۲۲* ظاهراً به اورشلیم رفت. * منظور اَنطَاکیه در سوریه است. ۱۸:۲۵* رجوع به واژه‌نامه. * یا: «شفاهاً تعلیم یافته بود».

گرفتار آن‌ها بودند، بیرون برانند. آنان می‌گفتند: «به نام عیسیایی که پولس درباره او موعظه می‌کند، به شما فرمان می‌دهیم که بیرون آید.» ۱۴ کسانی که چنین می‌کردند، هفت پسر اسکیوا بودند که یکی از سران کاهنان یهودی بود. ۱۵ اما روح شریر در جوابشان گفت: «عیسی را می‌شناسم، با پولس نیز آشنایی دارم. اما شما دیگر چه کسی هستید؟» ۱۶ آنگاه مردی که گرفتار روح شریر بود، بر سر آنان پرید و یکی پس از دیگری را چنان مغلوب ساخت که برهنه و زخمی از آن خانه گریختند. ۱۷ این خبر به گوش همه ساکنان افُسُس، چه یهودی، چه یونانی رسید و ترس بر همه آنان چیره شد و از آن پس، نام عیسیای سرور جلال یافت. ۱۸ بسیاری از کسانی که ایمان آورده بودند، می‌آمدند و آشکارا به اعمال خود اعتراف می‌کردند. ۱۹ آری، بسیاری از کسانی که پیش از آن جادوگری می‌کردند، کتاب‌های خود را جمع کردند و در برابر همگان به آتش کشیدند. پس از محاسبه، معلوم شد که ارزش آن کتاب‌ها ۵۰,۰۰۰ سکه نقره بوده است. ۲۰ به این ترتیب، کلام یَهُوه*

۸ پولس برای سه ماه به کنیسه می‌رفت و در آنجا با شهادت سخن می‌گفت. سخنرانی‌های او در مورد پادشاهی خدا بود و به نحوی قانع‌کننده در مورد آن استدلال می‌کرد. ۹ اما عده‌ای سرسختی کرده، ایمان نیاوردند* و در مقابل مردم از «طریقت»* بدگفتند. پس پولس از آنان جدا شد و شاگردان را نیز با خود برد. از آن پس، او هر روز در تالار مدرسه تیرانوس سخنرانی می‌کرد. ۱۰ دو سال به این منوال گذشت و در این مدت همه ساکنان ایالت آسیا چه یهودی، چه یونانی کلام خداوند را شنیدند.

۱۱ خدا از طریق پولس، اعمالی خارق‌العاده به ظهور می‌رساند، ۱۲ به نحوی که وقتی پارچه‌ها و پیشبندهایی را که با بدن او تماس یافته بود نزد بیماران می‌بردند، بیماری آنان شفا می‌یافت و ارواح شریر از ایشان بیرون می‌آمدند. ۱۳ اما شماری از یهودیان دوره‌گرد که دیوها را بیرون می‌راندند نیز سعی کردند از نام عیسیای سرور استفاده کنند تا ارواح شریر را از کسانی که

۱۹:۹* یا: «عده‌ای با سرسختی از ایمان آوردن سر باز زدند.» * منظور راه زندگی مسیحی و تعلیم آن است.

ساخته می‌شوند، واقعاً خدا نیستند. ۲۷ به علاوه، این خطر وجود دارد که نه فقط حرفه ما بی‌اعتبار گردد، بلکه حتی معبد الهه بزرگ، آرتیمیس نیز هیچ شمرده شود. در واقع چیزی نمانده است که عظمت این الهه که در تمام ایالت آسیا و در سرتاسر جهان پرستش می‌شود، از میان برود. ۲۸ آن مردان با شنیدن این سخنان به شدت به خشم آمدند و چنین فریاد برآوردند: «بزرگ است، آرتیمیس اِفِسسیان!»

۲۹ پس شهر به آشوب کشیده شد و مردم همگی با هم به میدان نمایش هجوم بردند و گایوس و آریستارخوس را که اهل مقدونیه و همسفر پولس بودند، کشان‌کشان با خود به آنجا بردند. ۳۰ پولس می‌خواست به آنجا نزد مردم برود، اما شاگردان مانع او شدند. ۳۱ حتی برخی از گردانندگان اعیاد و مسابقات که از دوستان او بودند، به او پیغامی فرستادند و از او تمنا کردند که خود را با رفتن به میدان نمایش به خطر نیندازد. ۳۲ در آنجا جمعیت آشفته بود. هرکس فریادی می‌زد و اکثراً نمی‌دانستند که به چه منظور گرد هم جمع شده‌اند. ۳۳ پس برخی اسکندر را از میان جمعیت بیرون آوردند و یهودیان

همچنان به نحوی پر قدرت پیشرفت می‌کرد و غلبه می‌یافت.

۲۱ پس از این وقایع، پولس تصمیم گرفت* که بعد از عبور از مقدونیه و آخائیه به اورشلیم برود. او گفت: «بعد از رفتن به آنجا، باید به روم نیز بروم.» ۲۲ پس دو نفر از دستیاران خود، یعنی تیموتائوس و اِراستوس را به مقدونیه فرستاد، اما خود مدتی در ایالت آسیا ماند. ۲۳ در آن زمان، جنجال بسیار در خصوص «طریقت»* پدید آمد؛ ۲۴ زیرا مردی به نام دیمتریوس که نقره‌کار بود، از مجسمه‌های نقره‌ای که از بتکده آرتیمیس* می‌ساخت، نفعی بسیار عاید صنعتگران می‌کرد. ۲۵ او آنان و صاحبان حرفه‌های مشابه را گرد آورد و گفت: «ای مردان، شما خوب می‌دانید که رفاه ما در گرو این پیشه است. ۲۶ اکنون می‌بینید و می‌شنوید که این پولس نه تنها در اِفِسس، بلکه تقریباً در تمام ایالت آسیا جمعیتی بزرگ را متقاعد کرده و به عقیده‌ای دیگر سوق داده است. او می‌گوید خدایانی که به صنعت دست

۱۹: ۲۱ * یا: «در روح قصد کرد». ۱۹: ۲۳ * منظور راه زندگی مسیحی و تعالیم آن است. ۱۹: ۲۴ * یا: «دیانا».

وجود دارد که به دلیل آشوب امروز، به شورشگری متهم شویم و اگر چنین شود، هیچ دلیلی نداریم که این آشوب را توجیه کنیم». ۴۱ او پس از گفتن این سخنان، جمعیت را متفرق کرد.

۲۰ وقتی آن آشوب فرو نشست، پولس شاگردان را فراخواند و

پس از آن که به آنان قوّت قلب داد، با ایشان خداحافظی کرد و راهی مقدونیه شد. ۲ او هنگام عبور از مقدونیه،* شاگردان را با سخنان خود بسیار تشویق می‌کرد تا این که به یونان رسید. ۳ پولس سه ماه در آنجا ماند. اما هنگامی که می‌خواست با کشتی به سوریه برود، یهودیان علیه او توطئه کردند. از این رو، تصمیم گرفت از راه مقدونیه بازگردد. ۴ کسانی که او را همراهی کردند، عبارت بودند از: سوپاتروس، پسر پیروس اهل بیریه؛ آریستارخوس و سِکندوس اهل تسالونیکی؛ گایوس اهل دربه؛ تیموتائوس؛ همچنین تیخیوکوس و تروفیموس از ایالت آسیا. ۵ آنان پیش از ما رفتند و در تروآس منتظر ما ماندند. ۶ ما نیز پس از عید نان فطیر، با کشتی از فیلیپی به راه افتادیم. پنج روز بعد به

او را پیش انداختند. اسکندر نیز با حرکت دست خود سعی کرد مردم را ساکت کند و می‌خواست سخنی در دفاع بگوید. ۲۴ اما وقتی مردم فهمیدند که یهودی است، همگی یکصدا حدود دو ساعت فریاد می‌زدند: «بزرگ است، آرتیمیسِ اِفُسیان!»

۳۵ ناظر شهر سرانجام پس از آرام کردن جمعیت، گفت: «ای مردان اِفُسس، در میان مردم دنیا کیست که نمی‌داند شهر اِفُسس، حافظ معبد آرتیمیسِ بزرگ و محافظ تمثال اوست که از آسمان فرود آمده است؟ ۳۶ پس چون این امور انکارناپذیر است، باید آرام باشید و عجولانه عمل نکنید. ۳۷ این مردان که شما به اینجا آورده‌اید، نه از معبدها دزدی کرده‌اند و نه به الهه ما کفر گفته‌اند. ۳۸ پس اگر دیمتریوس و صنعتگرانی که با او هستند از کسی شکایتی دارند، در محکمه‌ها باز است و استانداران* مشغول به کار هستند؛ می‌توانند شکایات خود را به آنجا ببرند. ۳۹ اما اگر موضوعی دیگر مطرح است، باید در مجلسی قانونی حل و فصل شود؛ ۴۰ زیرا این خطر برای ما

۱۹: ۳۸* «استاندار» به والی اصلی ایالت یا استانی رومی اشاره دارد؛ رجوع به واژه‌نامه.

کنیم، چون او قصد داشت پیاده به آنجا برود. ۱۴ پس وقتی پولس نزد ما به آسوس رسید، او را سوار کردیم و رهسپار میتیلینی شدیم. ۱۵ سپس از آنجا با کشتی به راه افتادیم و روز بعد، نزدیک جزیره خیوس توقف کردیم. فردای آن روز کشتی ما برای مدتی کوتاه در ساموس پهلو گرفت. روز بعد به میلیتوس رسیدیم. ۱۶ پولس تصمیم داشت با کشتی از افسس بگذرد و وقتش را در ایالت آسیا نگذراند؛ زیرا عجله داشت و می‌خواست در صورت امکان برای روز عید پنتیکاست در اورشلیم باشد.

۱۷ با این حال، پولس از میلیتوس پیغامی به افسس فرستاد و پیران جماعت را نزد خود فراخواند. ۱۸ وقتی پیران به آنجا رسیدند، او به آنان گفت: «شما خوب می‌دانید که من از همان نخستین روزی که به ایالت آسیا قدم گذاشتم، چگونه در میان شما رفتار کردم ۱۹ و چگونه خداوند* را در کمال تواضع، با اشک‌ها و آزمایش‌هایی که به دلیل توطئه‌های یهودیان با آن‌ها روبرو می‌شدم، همچون غلامی خدمت کردم. ۲۰ در عین حال، از گفتن هر آنچه برای شما مفید بود،

تروآس نزد آنان رسیدیم و هفت روز در آنجا ماندیم.

۷ روز اول هفته، با یکدیگر برای صرف غذا جمع شده بودیم. پولس برای حاضران شروع به سخن گفتن کرد و چون می‌خواست روز بعد آنجا را ترک کند، گفتارش تا نیمه‌شب به طول انجامید. ۸ در بالاخانه‌ای که جمع شده بودیم، چراغ‌های بسیار بود. ۹ درحالی‌که پولس همچنان سخن می‌گفت، مردی جوان به نام اِفِتیخوس که کنار پنجره نشسته بود، به خوابی عمیق فرو رفت و از طبقه سوم به پایین افتاد. وقتی او را بلند کردند، مرده بود. ۱۰ پولس پایین رفت، خود را بر او انداخت و او را در آغوش گرفت و گفت: «اینقدر هیاو نکنید، او زنده است.»* ۱۱ پس از آن، بالا رفت و برای آن که غذا را شروع کنند، نان را شکست. سپس غذا خورد و بعد از گفتگوی بسیار که تا سحر به طول انجامید، آنجا را ترک کرد. ۱۲ مردم، آن پسر را زنده از آنجا بردند و فوق‌العاده دلگرمی یافتند.

۱۳ ما به سوی کشتی رفتیم و عازم آسوس شدیم تا همان طور که پولس قرار گذاشته بود، در آنجا او را سوار کشتی

خداست،* به شما اعلام کردم. ۲۸ مراقب خود و تمام گله باشید؛ گله‌ای که روح‌القدس، شما را سرپرست آن منصوب ساخته است تا جماعت خدا را که او با خون پسر خود خریده است، شبانی کنید. ۲۹ می‌دانم که پس از رفتن من گرگان درنده به میان شما خواهند آمد و با گله با ملایمت رفتار نخواهند کرد. ۳۰ همچنین از میان شما کسانی برخوانند خاست که حقیقت را تحریف خواهند کرد و شاگردان را در پی خود به بیراهه خواهند کشید.

۳۱ «پس هوشیار باشید و به یاد داشته باشید که من برای سه سال، شب و روز با اشک‌ها لحظه‌ای از پند دادن به شما دست نکشیدم. ۳۲ حال شما را به خدا و کلام لطف او می‌سپارم؛ کلامی که می‌تواند شما را بنا کند و در میان جمیع کسانی که تقدیس شده‌اند، میراث بخشد. ۳۳ من در آرزوی داشتن نقره، طلا یا لباس هیچ کس نبوده‌ام. ۳۴ شما خود می‌دانید که من با این دست‌ها نیازهای خود و همراهانم را فراهم ساخته‌ام. ۳۵ از هر لحاظ به شما نشان داده‌ام که باید برای یاری ضعیفان

۲۷:۲۰ * یا: «و مقصود کامل خدا را».

دریغ نکردم و شما را چه در جمع و چه خانه به خانه تعلیم دادم. ۲۱ من، هم به یهودیان و هم به یونانیان شهادتی کامل دادم و گفتم که آنان باید توبه کنند، به سوی خدا بازگردند و به سرورمان عیسی ایمان آورند. ۲۲ حال چون روح مرا موظف* ساخته است، به سوی اورشلیم می‌روم، هرچند نمی‌دانم در آنجا چه بر سرم خواهد آمد. ۲۳ تنها می‌دانم که روح‌القدس در هر شهر مرتباً به من شهادت می‌دهد و می‌گوید که زندان و مصیبت در انتظار من است. ۲۴ با این حال، جان خود را پراهمیت نمی‌شمارم.* آنچه اهمیت دارد این است که بتوانم دوره خدمت خود،* همچنین خدمتی را که عیسی سرور به من سپرده است به پایان رسانم؛ یعنی در مورد بشارت لطف خدا به طور کامل شهادت دهم.

۲۵ «حال می‌دانم، هیچ یک از شما که در میانتان پادشاهی خدا را موعظه کرده‌ام، دیگر مرا نخواهد دید. ۲۶ پس امروز می‌خواهم شما شاهد باشید که من از خون همگان بری هستم؛ ۲۷ زیرا کوتاهی نکردم و هر آنچه خواست

۲۲:۲۰ * یا: «ناگزیر». ۲۴:۲۰ * یا: «به هیچ وجه عزیز نمی‌شمارم». * یا: «مسیر مسابقه خود».

شاگردان به خاطر آنچه روح القدس نشان داده بود، سعی کردند پولس را قانع کنند که قدم به اورشلیم نگذارد. ۵ چون زمان ترک آنجا فرارسید، به راه افتادیم. همه شاگردان به همراه زنان و فرزندان شان ما را تا بیرون شهر بدرقه کردند. آنگاه در ساحل زانو زدیم و دعا کردیم. ۶ پس از خداحافظی، سوارکشتی شدیم و آنان نیز به خانه هایشان بازگشتند.

۷ از راه دریا از صور به پتولامائیس رسیدیم. در آنجا برادران را دیدیم و یک روز نزدشان ماندیم. ۸ روز بعد، آن محل را ترک کردیم و به قیصریه رفتیم و در خانه فیلیپس میسر* که یکی از آن هفت نفر* بود، اقامت کردیم. ۹ او چهار دختر مجرد* داشت که نبوت می کردند. ۱۰ پس از چندین روز که آنجا بودیم، نبی ای به نام آگابوس از یهودیه به آنجا رسید. ۱۱ او نزد ما آمد، کمر بند پولس را گرفت و پاها و دست های خود را با آن بست و گفت: «روح القدس چنین می گوید: «یهودیان اورشلیم، صاحب این کمر بند را به همین صورت خواهند

۲۱:۸* یا: «میسینور». * منظور هفت نفری است که رسولان در اورشلیم برگزیده بودند. به اعمال ۳:۶ رجوع شود. ۲۱:۹* تحت اللفظی: «باکره».

چنین سخت بکوشید و سخنان عیسای سرور را به یاد داشته باشید که خود گفت: «دادن از گرفتن شادی بخش تر است.»

۳۶ پولس پس از گفتن این سخنان، به همراه آنان زانو زد و دعا کرد. ۳۷ آری، همه بسیار اشک ریختند و پولس را در آغوش گرفتند* و صمیمانه بوسیدند. ۳۸ آنچه بیش از همه غمگینشان می ساخت، این سخن پولس بود که گفت: «دیگر مرا نخواهید دید.» پس او را تا کشتی بدرقه کردند.

۲۱ پس از آن که سرانجام از آنان دل کندید، با کشتی به راه افتادیم و یکسره در جهت باد حرکت کردیم و به جزیره کوس رسیدیم. روز بعد راهی رودس شدیم و از آنجا به پاتارا رفتیم. ۲ در آنجا کشتی ای یافتیم که به فینیقیه می رفت. بر آن سوار شدیم و به راه افتادیم. ۳ جزیره قبرس را در سمت چپ خود دیدیم و از کنار آن عبور کردیم و راهمان را به طرف سوریه ادامه دادیم. سپس کشتی ما در صور پهلو گرفت؛ زیرا باید در آنجا بار خود را تخلیه می کرد. ۴ در صور به جستجوی شاگردان پرداختیم و آنان را یافته، هفت روز نزدشان ماندیم. آن

۲۰:۳۷* یا: «به گردن پولس آویختند».

جزئیات بیان کرد که خدا از طریق خدمت او چه کارهایی در میان قوم‌ها به انجام رسانده است.

۲۰ آنان پس از شنیدن این سخنان شروع به تمجید خدا کردند و به پولس گفتند: «برادر، می‌دانی که هزاران نفر از یهودیان ایمان آورده‌اند و همگی در به جا آوردن شریعت غیرت دارند. ۲۱ از طرف دیگر، بین آنان شایع شده است که تو به تمامی یهودیانی که در میان قوم‌های دیگر به سر می‌برند، تعالیم مرتدانه که خلاف شریعت موسی است، آموزش می‌دهی و به ایشان می‌گویی که فرزندان خود را خخته نکنند و از رسوم پیروی نمایند. ۲۲ حال چه باید کرد؟ آنان قطعاً از آمدن تو باخبر می‌شوند. ۲۳ پس به آنچه به تو می‌گوییم، عمل کن. در اینجا چهار مرد هستند که نذری کرده‌اند. ۲۴ آن مردان را با خود ببر و خود نیز به همراه آنان رسم تطهیر را به جا آور و هزینه ایشان را متقبل شو تا بتوانند سرشان را بتراشند. به این ترتیب همه خواهند دانست که شایعاتی که در مورد تو می‌گفتند، بی‌اساس بوده است و تو مطابق شریعت گام برمی‌داری و آن را حفظ می‌کنی. ۲۵ ما تصمیم خود را برای غیریهودیانی که ایمان آورده‌اند،

بست و او را به دست غیریهودیان خواهند سپرد.» ۱۲ با شنیدن این سخن، ما و آنانی که در آنجا حاضر بودند، از پولس تمنا کردیم که به اورشلیم نرود. ۱۳ پولس پاسخ داد: «شما چه می‌کنید؟ چرا با گریه‌هایتان سعی دارید عزم مرا سست کنید؟* مطمئن باشید، من نه تنها حاضریم به خاطر نام عیسای سرور در بند کشیده شوم، بلکه حتی حاضریم در اورشلیم جانم را به خاطر نام او بدهم.» ۱۴ چون قانع نشد، بیش از این اصرار نکردیم* و گفتیم: «باشد که خواست یَهُوه* انجام شود.»

۱۵ پس از آن روزها، برای سفر آماده شدیم و به سمت اورشلیم به راه افتادیم. ۱۶ برخی شاگردان ساکن قیصریه نیز با ما همراه شدند و ما را نزد مناسون، اهل قبرس که شاگردی قدیمی بود، بردند تا در خانه او مهمان شویم. ۱۷ وقتی به اورشلیم رسیدیم، برادران با شادی پذیرای ما شدند. ۱۸ فردای آن روز، به همراه پولس به دیدن یعقوب رفتیم. تمامی پیران جماعت نیز در آنجا حضور داشتند. ۱۹ پولس پس از سلام و احوال‌پرسی، با ۱۲:۲۱ *یا: «چرا با گریه‌هایتان دل مرا می‌شکنید.» ۱۴:۲۱ *تحت اللفظی: «خاموش شدیم.» *رجوع به واژه‌نامه.

دیده بودند و گمان کردند که پولس او را به معبد آورده است. ۳۰ در تمام شهر آشوبی به پا شد. مردم هجوم آوردند، پولس را گرفتند و او را کشان‌کشان از معبد بیرون بردند. همان موقع درهای معبد بسته شد. ۳۱ درحین این که مردم قصد کشتن پولس را داشتند، به فرمانده* یگان ارتش خبر رسید که آشوبی در تمام اورشلیم به پا شده است. ۳۲ پس او بی‌درنگ با سربازان و افسران خود به سوی جمعیت شتافت. مردم با دیدن فرمانده و سربازان از زدن پولس دست کشیدند.

۳۳ آنگاه فرمانده نزدیک آمد و پس از دستگیری پولس دستور داد که او را با دو زنجیر ببندند. سپس پرسید که او کیست و چه کرده است. ۳۴ اما هرکس در جمعیت فریادی می‌زد. فرمانده به سبب جنجال مردم نتوانست از حقیقت امر آگاه شود، پس دستور داد که پولس را به سربازخانه ببرند. ۳۵ اما وقتی پولس به پله‌ها رسید، سربازان به دلیل خشونت مردم مجبور شدند او را حمل کنند؛ ۳۶ زیرا جمعیت به دنبال آنان می‌رفتند و فریاد می‌زدند: «او را بکشید!»

۲۱:۲۱ * یا: «مین‌باشی»: منظور فرمانده‌ای در ارتش روم است که ۱۰۰۰ سرباز زیر فرمان داشت.

فرستاده‌ایم و به آنان گفته‌ایم که باید خود را از آنچه برای بت‌ها قربانی شده است، همچنین از خون، از حیوانات خفه‌شده* و از اعمال نامشروع جنسی* دور نگاه دارند.»

۲۶ روز بعد، پولس آن مردان را با خود برد و به همراه آنان رسم تطهیر را به جا آورد. سپس به معبد رفت تا تاریخ پایان ایام تطهیر را که در آن برای هر یک از ایشان باید هدیه‌ای تقدیم شود، اطلاع دهد.

۲۷ دورهٔ هفت روزهٔ تطهیر رو به اتمام بود که یهودیان آسیا* با دیدن پولس در معبد، تمامی جمعیت را آشفته ساختند و او را گرفتند ۲۸ و فریاد زنان گفتند: «ای مردان اسرائیل، کمک کنید! این همان مردی است که در همه جا، به همه کس بر ضد قوم ما، شریعت ما و این مکان تعلیم می‌دهد. از این گذشته، حتی یونانیان را به معبد آورده و این مکان مقدس را نجس ساخته است!» ۲۹ زیرا آنان پیش از این تروفیموس، اهل إفسس را با او در شهر

۲۵:۲۱ * منظور خوردن گوشت حیوانی است که خون آن ریخته نشده است. * به یونانی پُرنیا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۲۷:۲۱ * منظور ایالت آسیا است: به پاورقی اعمال ۹:۲ رجوع شود.

طور که همه شما امروز هستید. ۴ پیروان این «طریقت»* را تا حد مرگ آزار می‌دادم، آنان را چه مرد و چه زن در بند می‌کشیدم و به زندان می‌افکندم. ۵ هم کاهن اعظم و هم تمام اعضای شورا می‌توانند به سخن من شهادت دهند. همچنین از ایشان نامه‌هایی برای برادرانی که در دمشق بودند، گرفتم. پس راهی دمشق شدم تا آنان را که آنجا بودند، دستگیر کنم و برای مجازات به اورشلیم بیاورم.

۶ «اما در راه وقتی به دمشق نزدیک می‌شدم، حدود ظهر بود که ناگاه از آسمان نوری شدید در اطراف من تابید. ۷ به زمین افتادم و صدایی شنیدم که به من گفت: «سولُس،* سولُس، چرا به من آزار می‌رسانی؟» ۸ پاسخ دادم: «سرور، تو کیستی؟» او به من گفت: «من عیسیای ناصری هستم؛ همان که به او آزار می‌رسانی.» ۹ همراهانم نور را دیدند، اما صدای کسی را که با من سخن می‌گفت، نشنیدند. ۱۰ آنگاه گفتم: «سرور، چه باید بکنم؟» سرور به من گفت: «برخیز و

۴:۲۲ *منظور راه زندگی مسیحی و تعالیم آن است. ۷:۲۲ *یا: «شأنل». ۹:۲۲ *یا: «طوری نشنیدند که بفهمند».

۳۷ چیزی نمانده بود که پولُس را به داخل سربازخانه ببرند که او به فرمانده گفت: «اجازه دارم چیزی به شما بگویم؟» او گفت: «تو یونانی صحبت می‌کنی؟» ۳۸ مگر تو آن مرد مصری نیستی که چندی پیش شورشی به پا کرد و ۴۰۰۰ مرد آدمکش را به بیابان برد؟» ۳۹ پولُس گفت: «در واقع، من یهودی و اهل تارسوس کیلیکیه هستم: تبعه شهری که آوازه آن کم نیست. تمنا دارم که اجازه دهید با مردم صحبت کنم.» ۴۰ پس از آن که فرمانده به او اجازه صحبت داد، پولُس روی پله‌ها ایستاد و دستش را تکان داد تا مردم آرام شوند. وقتی کاملاً سکوت برقرار شد، او به زبان عبری خطاب به مردم چنین گفت:

۲۲ «ای برادران و ای پدران، حال به دفاعیه من که برایتان می‌گویم، گوش دهید.» ۲ وقتی مردم شنیدند که با آنان به زبان عبری صحبت می‌کند، ساکت‌تر شدند و پولُس به سخن خود چنین ادامه داد: ۳ «من یهودی هستم، متولد تارسوس کیلیکیه. اما در این شهر در محضر گامالائیل مطابق شریعت اجدادی تعلیم گرفته‌ام تا آن را موبه‌مو به جا آورم. من برای خدا غیور بودم؛ همان

که به من گفت: «بشتاب و فوراً اورشلیم را ترک کن؛ زیرا اینان شهادتی را که در مورد من می‌دهی، نخواهند پذیرفت.» ۱۹ من گفتم: «سرور، اینان خوب می‌دانند که من سابقاً کسانی را که به تو ایمان داشتند، به زندان می‌افکندم و در کنیسه‌ها می‌زدم. ۲۰ همچنین وقتی که خون استیفان، شاهد تو را می‌ریختند، به نشان موافقت با قتل او، آنجا ایستادم و ردهای کسانی را که او را می‌کشتند، نگاه داشتم.» ۲۱ اما او به من گفت: «برو؛ زیرا تو را به دوردست‌ها نزد غیریهودیان خواهم فرستاد.»

۲۲ مردم تا پیش از این به گفته‌های او گوش می‌دادند، اما با شنیدن این سخن فریاد برآورده، گفتند: «زمین را از وجود این مرد پاک کنید؛ چون لایق زنده ماندن نیست!» ۲۳ چون آنان فریاد می‌زدند و ردهای خود را به هر سو پرت کرده، خاک به هوا می‌پاشیدند، ۲۴ فرمانده دستور داد تا پولس را به سربازخانه ببرند و گفت که زیر ضربات شلاق از او بازجویی کنند تا دقیقاً معلوم شود که به چه علت بر ضد او چنین فریاد می‌زنند. ۲۵ اما وقتی او را برای شلاق زدن می‌بستند، پولس به افسری که

به دمشق برو و در آنجا هر آنچه برای من منظور شده است که انجام دهی، به تو گفته خواهد شد. ۱۱ اما چون بر اثر درخشندگی آن نور نابینا شده بودم، همراهانم دست مرا گرفتند و به دمشق بردند.

۱۲ «در دمشق، حَنانیا که مردی خدا ترس و مطیع شریعت بود و همه یهودیان ساکن آنجا به نیکی از او یاد می‌کردند، ۱۳ نزد من آمد. حَنانیا کنارم ایستاد و به من گفت: «سولس،* ای برادر، بینایی خود را بازیاب! همان لحظه بینایی خود را بازیافتم و او را دیدم. ۱۴ آنگاه حَنانیا گفت: «خدای پدران ما تو را برگزیده است تا خواست او را بدانی و آن درستکار* را ببینی و سخن دهانش را بشنوی؛ ۱۵ زیرا تو برای او در مورد آنچه شنیده و دیده‌ای به همه مردم شهادت خواهی داد. ۱۶ حال، منتظر چه هستی؟ برخیز، تعمید بگیر و با خواندن نام او خود را از گناهانت پاک ساز.»

۱۷ «وقتی به اورشلیم بازگشتم، در معبد مشغول دعا بودم که به حالت خلسه فرو رفتم ۱۸ و سرور را دیدم

۲۳ پولس به اعضای سَنهدَرین* چشم دوخت و گفت: «ای برادران، من تا به امروز نزد خدا با وجدانی کاملاً پاک رفتار کرده‌ام.» ۲ آنگاه خنانیا، کاهن اعظم به کسانی که نزدیک پولس ایستاده بودند، دستور داد که به دهان او بزنند. ۳ پولس به او گفت: «خدا تو را خواهد زد، ای دیوار سفیدشده.*»
 تو آنجا نشسته‌ای تا بر طبق شریعت مرا قضاوت کنی، آنگاه برخلاف شریعت دستور می‌دهی مرا بزنند؟» ۴ کسانی که نزدیک پولس ایستاده بودند، گفتند: «آیا تو به کاهن اعظم خدا ناسزا می‌گویی؟»
 ۵ پولس گفت: «ای برادران، نمی‌دانستم که او کاهن اعظم است. زیرا نوشته شده است: «نباید سران قوم خود را بد بگویی.»»

۶ پولس که می‌دانست در سَنهدَرین، شماری صدوقی و شماری دیگر فریسی هستند، با صدای بلند گفت: «ای برادران، من فریسی هستم و پدرانم نیز فریسی بوده‌اند و اکنون به دلیل امیدی که به رستخیز مردگان دارم، قضاوت می‌شوم.»
 ۷ چون پولس این را گفت، فریسیان و صدوقیان با یکدیگر به مخالفت

* ۲:۲۳ یا: «ای ریاکار».

در آنجا ایستاده بود، گفت: «آیا قانوناً جایز است که شما مردی رومی* را بدون محاکمه* شلاق بزنید؟» ۲۶ وقتی آن افسر این را شنید، نزد فرمانده رفت و به او گفت: «این مرد رومی است! می‌خواهی با او چه کنی؟» ۲۷ فرمانده نزد پولس رفت و به او گفت: «بگو ببینم، آیا تو رومی هستی؟» پولس پاسخ داد: «بله.»
 ۲۸ فرمانده گفت: «من برای گرفتن این تابعیت مبلغی هنگفت پرداخته‌ام.» پولس گفت: «اما من از هنگام تولد از آن برخوردار بوده‌ام.»

۲۹ پس کسانی که می‌خواستند از پولس زیر شکنجه بازجویی کنند، فوراً از او دور شدند. فرمانده نیز وقتی فهمید که فردی رومی را به زنجیر کشیده است، بیمناک شد.

۳۰ روز بعد، چون فرمانده می‌خواست دقیقاً بفهمد که به چه دلیل یهودیان پولس را متهم کرده‌اند، او را از بند آزاد کرد و دستور داد تا سران کاهنان و تمام اعضای سَنهدَرین* گرد آیند. سپس پولس را به آنجا آورد و در میان آنان حاضر ساخت.

* ۲۵:۲۲ یا: «تبعه روم». * یا: «بی آنکه محکوم شود». * ۱:۲۳؛ ۲۰:۲۲ * رجوع به واژه‌نامه.

پولس را نکشند، چیزی نخورند و ننوشند. ۱۳ بیش از ۴۰ نفر در این توطئه دست داشتند و این سوگند را خوردند. ۱۴ آنان نزد سران کاهنان و ریش سفیدان رفتند و گفتند: «ما سوگند خورده‌ایم* که تا پولس را نکشیم، چیزی نخوریم. ۱۵ پس حال شما و اعضای سَنهدَرین به این بهانه که در نظر دارید، دعوی مربوط به او را دقیق‌تر بررسی کنید، از فرمانده بخواهید که او را نزد شما بیاورد. پیش از رسیدنش، ما برای کشتن او آماده خواهیم بود.»

۱۶ اما خواهرزاده پولس از دامی که برای او پهن کرده بودند، باخبر شده، به سربازخانه رفت و پولس را آگاه ساخت. ۱۷ پولس یکی از افسران را صدا زد و به او گفت: «این مرد جوان را نزد فرمانده ببر؛ زیرا خبری برای او دارد.» ۱۸ پس افسر او را نزد فرمانده برد و گفت: «پولس زندانی، مرا فراخواند و از من خواست تا این جوان را نزدتان بیاورم؛ چون می‌خواهد چیزی به شما بگوید.» ۱۹ فرمانده دست آن جوان را گرفت و او را به کناری برد و در خلوت از او پرسید: «چه خبری می‌خواهی به من بدهی؟» ۲۰ او گفت: «یهودیان هم‌رأی شده‌اند تا به این بهانه که می‌خواهند دعوی مربوط به پولس را

پرداختند و در آن جمع دودستگی به وجود آمد؛ ۸ زیرا صدوقیان می‌گویند که نه رستاخیزی هست، نه فرشته‌ای و نه روحی.* در حالی که فریسیان به این‌ها معتقدند. ۹ پس در آنجا داد و فریادی بلند به پا شد. برخی از علمای دین که از فرقه فریسی بودند، برخاسته، پرخاش‌کنان و با اعتراض گفتند: «ما در این مرد هیچ خطایی نمی‌بینیم؛ اما اگر روح یا فرشته‌ای با او سخن گفته باشد، آن وقت چه؟» ۱۰ وقتی مخالف‌ها بالا گرفت، فرمانده ترسید که مبادا پولس را دوباره کنند. پس به سربازان فرمان داد که پایین بروند و او را از چنگ آنان برهانند و به سربازخانه ببرند.

۱۱ همان شب، سرورکنار پولس ایستاد و به او گفت: «قوی‌دل باش! زیرا همان‌طور که در اورشلیم در مورد من شهادتی کامل دادی، در روم نیز باید شهادت دهی.»

۱۲ صبح که شد، یهودیان با یکدیگر تَبانی کردند و سوگند خوردند* که تا

۲۳:۸* به یونانی پَنویمَا: در اینجا منظور «موجود روحی» است. ۲۳:۱۲، ۱۴* در اینجا منظور این است که لعنت شوند اگر سوگند خود را زیر پا بگذارند.

چون پی بردم که رومی است، فوراً با سربازان خود رفته، او را نجات دادم. ۲۸ از آنجا که می‌خواستم بدانم که به چه دلیل این مرد را متهم می‌کنند، او را به سَنهدرینِ خودشان بردم. ۲۹ در آنجا دریافتم که به دلیل اختلاف‌نظرهایی که در مورد شریعت خودشان بین آنان پیش آمده است، به او اتهاماتی زده‌اند. ولی آن اتهامات به جرمی مربوط نمی‌شد که او را مستحق مرگ یا زندان سازد. ۳۰ اما چون بر من فاش شد که توطئه‌ای علیه او در کار است، فوراً او را نزد شما فرستادم و به متهم‌کنندگانِش حکم کردم تا شکایتی را که علیه او دارند، به شما بگویند. ۳۱ پس آن سربازان مطابق فرمانی که گرفته بودند، شبانه پوُلُس را به آنتیپاتریس بردند. ۳۲ روز بعد، سربازان به سربازخانه بازگشتند و سواره‌نظام، او را برای ادامهٔ راه همراهی کردند. ۳۳ وقتی سواره‌نظام به قیصریه وارد شدند، نامه را به والی رساندند و پوُلُس را نیز به حضور او بردند. ۳۴ والی پس از خواندن نامه از پوُلُس پرسید که از کدام ایالت است و آگاه شد که او اهل کیلیکیه است. ۳۵ والی گفت: «وقتی متهم‌کنندگان تو برسند، به تمام سخنانِت گوش خواهم

دقیق‌تر بررسی کنند، از شما بخواهند که فردا او را به سَنهدرین بیاورید. ۲۱ اما نگذارید متقاعدتان کنند؛ زیرا بیش از ۴۰ نفر از آنان در کمین او نشسته‌اند و سوگند خورده‌اند* که تا او را نکشند، چیزی نخورند و ننوشند. حال آماده و در انتظارند که با درخواستشان موافقت کنید.» ۲۲ پس فرمانده پیش از این که جوان را مرخص کند، به او چنین دستور داد: «به هیچ کس مگو که این امر را بر من فاش کردی.»

۲۳ فرمانده دوتن از افسران را فراخواند و گفت: «شما ۲۰۰ سرباز، ۷۰ سواره‌نظام و ۲۰۰ نیزه‌دار آماده کنید تا در ساعت سوم شب* به سمت قیصریه حرکت کنند. ۲۴ همچنین برای این که پوُلُس را به دور از خطر نزد فلیکس والی برسانید، اسب‌هایی برای او تهیه کنید.» ۲۵ او نامه‌ای نیز به این مضمون نوشت:

۲۶ «از طرف کلودیوس لیسایس، با عرض سلام خدمت عالیجناب فلیکس والی. ۲۷ یهودیان این مرد را گرفته بودند و چیزی نمانده بود که او را بکشند. اما

۲۱:۲۳* در اینجا منظور این است که لعنت شوند اگر سوگند خود را زیر پا بگذارند. ۲۲:۲۳* حدود ساعت ۹ شب.

دستگیر کردیم. ۷* — ۸ اگر خودتان از او بازخواست کنید، به صحت تمام آنچه او را به آن متهم می‌کنیم، پی خواهید برد.»

۹ آنگاه یهودیان نیز پولس را مورد حمله قرار دادند و گفته‌های تروتولس را تأیید کردند. ۱۰ وقتی والی با اشاره سر به پولس اجازه صحبت داد، پولس در پاسخ گفت: «می‌دانم که سال‌های بسیار است که قضاوت بر این قوم را بر عهده دارید، پس با کمال میل برای دفاع از خود سخن می‌گویم. ۱۱ شما خود می‌توانید تحقیق کنید و پی ببرید که از زمانی که برای پرستش به اورشلیم رفتم، بیش از ۱۲ روز نمی‌گذرد. ۱۲ آنان مرا نه در معبد در حال جزو بحث با کسی دیدند و نه در حال شورانندن مردم در کنیسه‌ها یا جایی از شهر. ۱۳ همین طور نمی‌توانند صحت اتهاماتی را که در حال حاضر به من وارد می‌کنند، به شما ثابت کنند. ۱۴ اما من این را به شما اذعان می‌کنم که مطابق راهی که آنان فرقه می‌خوانند، خدمت مقدس به خدای پدران خود را به جا می‌آورم و به هر آنچه در شریعت و نوشته‌های انبیا آمده است، ۷:۲۴* چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود.

داد.» سپس فرمان داد که او را به کاخ هیروдіس برده، نگهبانانی برای او قرار دهند.

۲۴ پنج روز بعد، خانیا کاهن اعظم به همراه چند تن از ریش‌سفیدان و وکیلی* به نام تروتولس به قیصریه آمدند و شکایت‌های خود را علیه پولس در حضور فلیکس والی ارائه کردند. ۲ وقتی تروتولس فراخوانده شد، شکایت‌های خود را با این سخن آغاز کرد: «ما زیر سایه شما از آرامش کامل برخورداریم و بهبود روزافزون وضعیت این قوم را مدیون دوراندیشی شما هستیم ۳ و هر جا و هر زمان سپاسگزاری عمیق خود را بابت آن‌ها، ای عالیجناب فلیکس ابراز می‌کنیم. ۴ اما برای این که بیش از این وقت شما را نگیرم، تمنا دارم که عنایت فرموده، لحظه‌ای به سخنان ما گوش دهید: ۵ زیرا پی برده‌ایم که این مرد، فتنه‌انگیز* است و همه یهودیان سراسر زمین را به شورش برمی‌انگیزد. همچنین از رهبران اصلی فرقه ناصری است. ۶ به علاوه، او سعی داشت که معبد را بی‌حرمت سازد. پس او را ۱:۲۴* یا: «سخنگویی». ۵:۲۴* تحت‌اللفظی: «طاعون».

«طریقت» * آشنا بود، محاکمه را به وقتی دیگر موکول کرد و به ایشان گفت: «هنگامی که لیسیاس فرمانده بیاید، به این دعوی رسیدگی خواهم کرد.» ۲۳ او به افسری دستور داد که پولس را در حبس نگاه دارد، اما تا اندازه‌ای او را آزاد بگذارد و اجازه دهد دوستانش برای رفع نیازهای او به ملاقاتش بیایند.

۲۴ چند روز بعد، فلیکس با همسرش دروسیلا که یهودی بود، آمد. او فرستاد تا پولس را بیاورند. سپس به سخنانش در مورد اعتقاد به مسیح عیسی گوش داد. ۲۵ اما وقتی پولس در مورد درستکاری، * خویشنداری و داوری آینده سخن گفت، فلیکس هراسان شد و گفت: «فعلاً برو، اما هرگاه وقت کردم بار دیگر به دنبال خواهم فرستاد.» ۲۶ در ضمن، او امید داشت که پولس به او پولی دهد. به همین دلیل، مرتب او را نزد خود فرا می‌خواند و با او گفتگو می‌کرد. ۲۷ پس از سپری شدن دو سال، پورکیوس فستوس جانشین فلیکس شد، اما فلیکس که می‌خواست رضایت یهودیان را جلب کند، پولس را در حبس نگاه داشت.

معتقدم. ۱۵ همچنین به خدا امید * دارم، همان امیدی که اینان نیز چشم‌انتظار آنند که رستاخیزی، هم برای درستکاران * و هم برای بدکاران در پیش است. ۱۶ از این رو، من همواره نهایت تلاش خود را می‌کنم که نزد خدا و مردم وجدانی آسوده * داشته باشم. ۱۷ من پس از چندین سال، به اورشلیم بازگشتم تا صدقه‌هایی را که آوردم، به قوم خود برسانم و هدایایی تقدیم کنم. ۱۸ مشغول این امور بودم که آنان مرا بعد از مراسم تطهیرم در معبد یافتند؛ اما نه با گروهی بودم و نه در حال آشوب به پا کردن. در آنجا یهودیانی از ایالت آسیا بودند ۱۹ که اگر به‌راستی شکایتی علیه من داشتند، باید در حضور شما حاضر می‌شدند. ۲۰ یا اجازه فرمایید کسانی که اینجا حضور دارند، خود بگویند که وقتی در مقابل سَنهدرین حاضر شدم، چه خطایی در من یافتند؛ ۲۱ غیر از همین مورد که وقتی در میانشان ایستاده بودم با صدای بلند گفتم: «امروز به دلیل اعتقادم به رستاخیز مردگان در حضور شما قضاوت می‌شوم!»

۲۲ اما فلیکس که تا حد زیادی با

۲۲:۲۴ * منظور راه زندگی مسیحی و تعلیم آن است. ۲۵:۲۴ * یا: «عدالت».

۱۵:۲۴ * یا: «اعتماد؛ توکل». * یا: «عادلان».

۱۶:۲۴ * یا: «پاک».

فستوس سه روز پس از آن که در ایالت یهودیه زمام امور را به دست گرفت، از قیصریه به اورشلیم رفت. ۲ در آنجا سران کاهنان و بزرگان قوم یهود، نزد او علیه پوئس شکایت کردند. آنان به او اصرار ورزیدند ۳ و خواستند که لطف نموده، پوئس را به اورشلیم بفرستد، چون قصدشان این بود که در کمین او بنشینند و در راه او را بکشند. ۴ اما فستوس در جواب به آنان گفت که پوئس باید در قیصریه نگاه داشته شود و افزود که خود نیز به زودی به آنجا باز خواهد گشت. ۵ همچنین گفت: «رهبران شما نیز می‌توانند با من به آنجا بیایند و اگر این مرد به راستی خطایی کرده باشد، اتهامات خود را علیه او ارائه دهند.»

۶ فستوس بیش از هشت یا ده روز با آنان نماند. سپس به قیصریه رفت و روز بعد بر مسند داوری نشست و دستور داد پوئس را به آنجا بیاورند. ۷ وقتی پوئس داخل شد، یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند، گرد او جمع شدند و اتهامات سنگین و بسیاری به او نسبت دادند؛ اتهاماتی که نتوانستند آن‌ها را ثابت کنند. ۸ پوئس در دفاع از خود گفت: «من نه ضد شریعت یهودیان گناهی مرتکب

شده‌ام، نه ضد معبد و نه ضد قیصر.» ۹ فستوس که می‌خواست رضایت یهودیان را جلب کند به پوئس گفت: «آیا می‌خواهی به اورشلیم بروی و در آنجا در حضور من برای این اتهامات محاکمه شوی؟» ۱۰ پوئس گفت: «اکنون در مقابل مسند داوری قیصر ایستاده‌ام و اینجاست که باید محاکمه شوم. من هیچ خطایی به یهودیان نکرده‌ام؛ همان طور که شما نیز به خوبی از آن آگاهید. ۱۱ اگر به راستی خطا کارم و جرمی سزاوار مرگ مرتکب شده‌ام، از مرگ نمی‌گریزم. اما اگر اتهاماتی که این مردان به من نسبت می‌دهند، بی‌اساس است، هیچ کس حق ندارد برای خشنودی آنان مرا به دستشان تسلیم کند. من از قیصر درخواست فرجام می‌کنم!» ۱۲ فستوس نیز پس از مشورت با مشاوران خود، پاسخ داد: «از قیصر درخواست فرجام کرده‌ای؛ نزد قیصر هم خواهی رفت.»

۱۳ پس از چند روز، آگریپاس* پادشاه و پرنیکی* به قیصریه آمدند تا در دیداری رسمی به فستوس ادای احترام کنند. ۱۴ چون می‌خواستند چند روز

۱۳:۲۵ * منظور هیرودیس آگریپاس دوم است.
* خواهر هیرودیس آگریپاس دوم.

این اتهامات محاکمه شود. ۲۱ اما چون پولس درخواست کرد که تا زمان صادر شدن حکم آن والا مقام* در حبس بماند، من نیز دستور دادم، تا زمانی که او را نزد قیصر بفرستم، در بند نگاه داشته شود.»

۲۲ آنگاه آگریپاس به فستوس گفت: «من خود می‌خواهم سخنان این مرد را بشنوم.» فستوس گفت: «فردا، سخنان او را خواهید شنید.» ۲۳ روز بعد، آگریپاس و برنیکی با تشریفات تمام آمدند و همراه فرماندهان نظامی و مردان برجسته شهر به تالار دادگاه وارد شدند. سپس به فرمان فستوس، پولس را به تالار آوردند. ۲۴ فستوس گفت: «ای آگریپاس پادشاه و ای تمام کسانی که با ما در اینجا حضور دارید: این مردی که می‌بینید، همان کسی است که یهودیان همگی، چه در اورشلیم، چه در اینجا، نزد من از او شکایت کرده‌اند و فریاد زده‌اند که دیگر نباید زنده بماند. ۲۵ اما من پی بردم که او هیچ کاری نکرده است که سزاوار مرگ باشد. پس وقتی این مرد، خود از آن والا مقام درخواست فرجام

در آنجا بمانند، فستوس دعوی پولس را نزد پادشاه مطرح کرد و گفت:

«مردی در اینجا است که مطابق فرمان فلیکس هنوز در حبس به سر می‌برد. ۱۵ وقتی در اورشلیم بودم، سران کاهنان و ریش سفیدان یهود شکایت‌هایی در مورد او مطرح کردند و خواستار محکومیت او شدند. ۱۶ اما من در جواب آنان گفتم که روند دادرسی رومی چنین نیست که متهم را پیش از آن که با شاکینش روبرو شود و فرصتی یابد تا در مقابل ایشان از خود دفاع نماید، مطابق خواست شاکیان محکوم کنند. ۱۷ پس وقتی به اینجا آمدند، بدون اتلاف وقت، فردای آن روز بر مسند داوری نشستم و دستور دادم که آن مرد را بیاورند. ۱۸ شاکیان برخاستند و اتهاماتشان را بیان کردند، اما او را به جرم‌هایی متهم نکردند که من انتظار داشتم. ۱۹ بحث و جدل‌هایشان با او تنها بر سر مذهبشان* و شخصی به نام عیسی بود که مرده است، اما پولس اصرار می‌ورزید که او زنده است. ۲۰ من نیز که نمی‌دانستم چگونه به چنین اموری رسیدگی کنم، از او پرسیدم که اگر بخواهد، می‌تواند به اورشلیم برود و در آنجا برای

۱۹:۲۵ * یا: «پرستش خدایشان».

۲۱:۲۵ * یا: «آگوستوس: امپراتور»: در اینجا «آگوستوس» عنوان نرون قیصر است که چهارمین قیصر بعد از اوکتاویانوس بود. اوکتاویانوس نخستین قیصری بود که این عنوان را بر خود داشت.

آشنا بودند، به خوبی از شیوه زندگی من، از اوان جوانی و زمانی که در اورشلیم بودم، آگاهند. ۵ آنان اگر بخواهند، می‌توانند گواهی دهند که من فریسی بودم، یعنی پیرو سختگیرترین فرقه دینمان بودم. ۶ اما حال به خاطر امید به آن وعده‌ای که خدا به پدران ما داده است، محاکمه می‌شوم. ۷ این همان وعده‌ای است که ۱۲ طایفه ما نیز امید دارند، تحقق آن را ببینند و در این راه شب و روز با تلاش بسیار به درگاه خدا خدمت مقدس را به جا می‌آورند. حال، ای پادشاه، به خاطر همین امید است که یهودیان مرا متهم کرده‌اند.

۸ «چرا به نظرتان باورنکردنی است که خدا مردگان را برخیزاند؟ ۹ من خود کاملاً معتقد بودم که بر من واجب است، با نام عیسای ناصری مخالفت بسیار ورزم. ۱۰ این دقیقاً همان کاری بود که در اورشلیم می‌کردم. با اختیاری که از سران کاهنان گرفته بودم، بسیاری از مقدسان را به زندان می‌انداختم و وقتی آنان به اعدام محکوم می‌شدند، من نیز علیه ایشان رأی می‌دادم. ۱۱ بارها برای تنبیه آنان، از کنیسه‌ای به کنیسه دیگر می‌رفتم تا وادارشان کنم که از ایمانشان روی گردانند. خشم من نسبت به آنان چنان شدید بود

کرد، من تصمیم گرفتم که او را به روم بفرستم. ۲۶ اما در مورد او هیچ مطلب مشخصی ندارم که به سرورم* بنویسم. پس او را نزد شما حضار و به خصوص نزد شما، ای آگریپاس پادشاه حاضر ساختم تا شاید پس از این بازخواست، مطلبی برای نوشتن داشته باشم: ۲۷ زیرا به نظر من فرستادن زندانی به روم، بدون اشاره به اتهاماتی که به او نسبت داده‌اند، معقول نیست.»

۲۶ آگریپاس به پولس گفت: «حال اجازه داری در دفاع از خود سخن بگویی.» آنگاه پولس دستش را پیش آورد و در دفاع از خود چنین گفت:

۲ «ای آگریپاس پادشاه، مایه خوشوقتی من است که امروز می‌توانم در مقابل تمام اتهاماتی که یهودیان به من نسبت داده‌اند، در حضور شما از خود دفاع کنم. ۳ به خصوص که شما با تمام رسوم یهودیان و اختلافات میان آنان کاملاً آشنا هستید. از این رو، تمنا دارم که با بردباری به سخنان من گوش دهید.

۴ «تمام یهودیانی که در گذشته با من

۲۵:۲۶* یا احتمالاً: «خداوند؛ خداوندگارم»؛ به یونانی کورینثوس؛ در اینجا به آگوستوس قیصر اشاره دارد.

خدا بازگردانی تا با ایمان به من، گناهانشان بخشیده شود و در میان جمیع کسانی که تقدیس شده‌اند، میراث یابند.

۱۹ «پس ای آگریپاس پادشاه، من از آن رؤیای آسمانی نافرمانی نکردم، بلکه نخست نزد اهالی دمشق و سپس اهالی اورشلیم و مردم سراسر نواحی یهودیه و همچنین نزد قوم‌های دیگر رفتم و این پیام را به آنان رساندم که باید توبه کنند و با اعمالی به نشانه توبه، به سوی خدا بازگردند. ۲۱ از این روست که یهودیان مرا در معبد گرفتند و می‌خواستند بکشند. ۲۲ اما چون خود دست یاری خدا را دیده‌ام، تا به امروز به کوچک و بزرگ شهادت داده‌ام و سخنی نمی‌گویم، جز آنچه انبیا و موسی وقوع آن‌ها را از پیش بیان کرده بودند - ۲۳ این که مسیح می‌بایست رنج بکشد، نخستین کسی باشد که از مردگان رستاخیز یابد و هم به این قوم و هم به قوم‌های دیگر در مورد نور شهادت دهد.»

۲۴ در حالی که پولس این سخنان را در دفاع از خود می‌گفت، فستوس با صدای بلند گفت: «ای پولس، تو عقلت را از دست داده‌ای! دانش زیاد عقل از سرت پرانده است!» ۲۵ پولس گفت: «ای

که برای آزارشان تا شهرهای دیگر نیز تعقیبشان می‌کردم.

۱۲ «در یکی از این سفرها، با اختیار و مأموریتی که از جانب سران کاهنان داشتم، عازم دمشق بودم ۱۳ که ای پادشاه، در راه هنگام ظهر از آسمان نوری درخشان‌تر از نور خورشید اطراف من و همسفرانم تابید. ۱۴ همگی به زمین افتادیم. در آن هنگام، صدایی شنیدم که به زبان عبری به من گفت: «سولس،* سولس، چرا به من آزار می‌رسانی؟ تو با لگد زدن به شک،* به خودت صدمه می‌زنی.» ۱۵ من گفتم: «سرور تو کیستی؟» سرور گفت: «من عیسی هستم، همان که به او آزار می‌رسانی. ۱۶ اما برخیز و بر پاهای خود بایست. من به این دلیل بر تو ظاهر شده‌ام که تو را خادم و شاهد خود برگزینم تا در مورد آنچه در خصوص من دیده‌ای و به تو نمایان خواهم ساخت، شهادت دهی. ۱۷ در این میان، تو را از این قوم‌رهایی خواهم داد، همچنین از قوم‌های دیگر که تو را نزدشان می‌فرستم. ۱۸ تو را می‌فرستم که چشمانشان را باز کنی و آنان را از تاریکی به روشنایی و از اقتدار شیطان به سوی ۱۴:۲۶ * یا: «شائول». * چوبی نوک‌تیز برای راندن حیوانات.

عالیجناب فستوس، من عقلم را از دست نداده‌ام، بلکه آنچه می‌گویم حقیقت و مطابق با عقل سلیم است. ۲۶ در واقع، چون پادشاه به‌خوبی از این امور آگاهند، من می‌توانم با آزادی* تمام در مقابل ایشان سخن بگویم و یقین دارم که هیچ یک از این امور از نظرشان دور نمانده است؛ زیرا هیچ یک از آن‌ها در خفا رخ نداده است. ۲۷ ای آگریپاس پادشاه، آیا شما به انبیا اعتقاد دارید؟ می‌دانم که اعتقاد دارید. ۲۸ اما آگریپاس به پولس گفت: «چیزی نمانده است که مرا متقاعد کنی مسیحی شوم!» ۲۹ پولس در جواب گفت: «از خدا می‌خواهم که دیر یا زود نه تنها شما، بلکه همه کسانی که امروز سخنان مرا می‌شنوند، همچون من شوند؛ البته نه در این زنجیرها.»

۳۰ آنگاه پادشاه برخاست و سپس والی، برنیک و کسانی که آنجا نشسته بودند نیز برخاستند. ۳۱ اما هنگام ترک آنجا به یکدیگر می‌گفتند: «این مرد کاری نکرده است که سزاوار مرگ یا زندان باشد.» ۳۲ آنگاه آگریپاس به فستوس گفت: «اگر این مرد از قیصر درخواست فرجام نکرده بود، می‌شد او را آزاد کرد.»

۲۷

چون حکم شد که با کشتی به ایتالیا برویم، پولس و شماری دیگر از زندانیان را به افسری به نام یولیوس از یگان آگوستوس تحویل دادند. ۲ به کشتی‌ای که از آدرامیتینوس آمده بود و عازم بندرهای ایالت آسیا بود، سوار شدیم و به راه افتادیم. آریستارخوس مقدونی، اهل تسالونیک نیز با ما بود. ۳ روز بعد در صیدون* پهلو گرفتیم. یولیوس با مهربانی* با پولس رفتار کرد و اجازه داد که در آنجا نزد دوستان خود برود تا از او مراقبت کنند.

۴ از آنجا بار دیگر به راه افتادیم و چون باد مخالف می‌وزید، برای محفوظ ماندن از باد از کناره جزیره قبرس به پیش رانیدیم. ۵ از آب‌های کیلیکیه و پامفیلیه عبور کردیم و در بندر میرا در لیکه لنگر انداختیم. ۶ افسر در آنجا کشتی‌ای یافت که از اسکندریه آمده بود و به ایتالیا می‌رفت. پس ما به دستور او بر آن سوار شدیم. ۷ روزهای بسیار به‌آهستگی پیش رفتیم و با دشواری به کینیدوس رسیدیم. چون باد مانع پیشروی ما می‌شد، برای محفوظ ماندن از باد از کناره سالمونی در جزیره کرت

گذشتیم ۸ و به سختی در امتداد ساحل پیش رانیدیم و به جایی به نام «بندرهای نیک» رسیدیم که در نزدیکی شهر لاسائیه بود.

۹ زمان بسیاری گذشته بود و حتی زمان روزه* نیز سپری شده بود و سفر دریایی اکنون پرخطر بود. از این رو پولس توصیه‌ای کرد ۱۰ و به آنان گفت: «ای آقایان، می‌توانم بینم که این سفر نه فقط آسیب و خساراتی زیاد به کشتی و بار آن خواهد زد، بلکه به ما نیز صدمات و تلفات جانی وارد خواهد آورد.» ۱۱ اما افسر به گفته ناخدا و صاحب کشتی توجه کرد، نه به گفته پولس. ۱۲ چون آن بندر برای گذراندن زمستان مناسب نبود، اکثر آنان پیشنهاد کردند که از آنجا راهی دریا شوند تا شاید بتوانند به بندر فینیکس برسند و زمستان را در آنجا بگذرانند. فینیکس یکی از بندرهای کِرت بود که دو مسیر باز داشت، یکی رو به شمال شرقی و دیگری رو به جنوب شرقی.

۱۳ زمانی که باد جنوبی با ملایمت شروع به وزیدن کرد، آنان گمان کردند که ۲۷: ۹۰ * یا: «روز کفاره»؛ روزی در ماه تیشری، همزمان با ماه‌های شهریور و مهر، زمان شروع باران و ناآرامی دریا.

به مقصودشان رسیده‌اند، پس لنگر را بالا کشیدند و در امتداد ساحل کِرت پیش رفتند. ۱۴ اما چیزی نگذشت که بادی شدید به نام یورکیلو* شروع به وزیدن کرد. ۱۵ کشتی شدیداً گرفتار باد شد و نتوانست خلاف جهت باد پیش رود. پس خود را به باد سپردیم و با آن رانده شدیم. ۱۶ در پناه جزیره کوچکی به نام گودا پیش رفتیم و به سختی توانستیم زورقی* را که در عقب کشتی بود، به اختیار خود درآوریم. ۱۷ پس از آوردن زورق به کشتی، مردان بدنه کشتی را با طناب محکم بستند و از بیم این که کشتی در بستر شنی سیرتیس* به گل بنشیند، طناب‌های بادبان* را پایین کشیدند و کشتی را به باد سپردند. ۱۸ فردای آن روز، چون توفان کشتی ما را به شدت تکان می‌داد، برای سبک کردن کشتی بار آن را به دریا ریختند. ۱۹ روز سوم، با دست خود، طناب‌ها و قرقه‌های کشتی را به دریا انداختند.

۲۷: ۱۴ * منظور باد شمال شرقی است. ۲۷: ۱۶ * قایق کمکی کوچکی که می‌توانستند به جای قایق نجات نیز از آن استفاده کنند. ۲۷: ۱۷ * رجوع به واژه‌نامه. * ظاهراً منظور طناب‌ها و تیرک‌هایی است که برای بالا بردن و نگاه‌داشتن بادبان استفاده می‌شد.

۲۰ چون برای روزهای بسیار خورشید و ستارگان را ندیدیم و توفان شدید نیز همچنان بر ما می‌کوفت، به تدریج تمام امیدمان را به نجات از دست دادیم.

۲۱ مدتی طولانی گذشت و هیچ کس غذایی نخورده بود. آنگاه پولس در میان آنان ایستاد و گفت: «آقایان، می‌بایست به توصیه من گوش می‌کردید و از کِرت راهی دریا نمی‌شدید، در این صورت این همه صدمات و خسارات هم نمی‌دیدید.

۲۲ اکنون، از شما می‌خواهم که روحیه خود را حفظ کنید، چون هیچ یک از شما جاننش را از دست نخواهد داد و تنها کشتی از بین خواهد رفت. ۲۳ دیشب فرشته‌ی خدایی که از آن او هستم و او را خدمت* می‌کنم، در کنارم ایستاد ۲۴ و گفت: «پولس، مترس. تو باید در مقابل قیصر حاضر شوی. خدا به خاطر تو، جان همه همسفران را نیز نجات خواهد بخشید». ۲۵ پس ای آقایان، روحیه خود را حفظ کنید؛ زیرا به خدا ایمان دارم که درست همان خواهد شد که به من گفته شده است. ۲۶ اما کشتی ما باید در جزیره‌ای به گل بنشیند.»

۲۷ شب چهاردهم، کشتی ما هنوز در

۲۷:۲۳ * تحت اللفظی: «خدمت مقدس».

دریای آدریاتیک* به این سو و آن سو رانده می‌شد که نیمه‌شب، ملوانان گمان کردند که به خشکی نزدیک می‌شوند.

۲۸ عمق آب را اندازه گرفتند و مشخص شد که ۲۰ قامت* است. کمی جلوتر که رفتند دوباره عمق آب را اندازه گرفتند، ۱۵ قامت* بود. ۲۹ از ترس این که کشتی مان به صخره‌ها برخورد کند، آنان چهارلنگر از عقب کشتی به دریا انداختند و آرزو می‌کردند که هر چه زودتر صبح شود.

۳۰ اما ملوانان که قصد داشتند از کشتی فرار کنند، به بهانه این که می‌خواهند لنگرها را از جلوی کشتی به دریا بیندازند، زورق را پایین فرستادند. ۳۱ آنگاه پولس به افسر و سربازان گفت: «اگر این مردان در کشتی نمانند، شما نمی‌توانید نجات یابید». ۳۲ پس سربازان طناب‌های زورق را بریدند و آن را در دریا رها کردند.

۳۳ کمی پیش از سپیده‌دم، پولس همه را ترغیب کرد که چیزی بخورند و گفت: «امروز ۱۴ روز است که در انتظار نجات بوده‌اید و اصلاً غذایی هم

۲۷:۲۷ * این نام به آب‌هایی اطلاق می‌شد که امروزه دریای آدریاتیک، دریای ایونی (یونانی) و بخشی از دریای مدیترانه میان سیسیل و کِرت است. ۲۸:۲۷ * یک قامت حدود ۱٫۸ متر بوده است.

در هم شکست. ۴۲ آنگاه برای این که زندانیان شناکنان فرار نکنند، سربازان در صدد کشتن ایشان برآمدند. ۴۳ اما افسر که مصمم بود جان پولس را نجات بخشد، آنان را از قصدشان منصرف ساخت و فرمان داد که نخست کسانی که می‌توانند شنا کنند، به دریا بپرند و خود را به خشکی برسانند ۴۴ و بقیه نیز، برخی بر روی تخته‌پاره‌ها و برخی به کمک تکه‌هایی از کشتی، خود را به ساحل برسانند. به این ترتیب همگی سالم به خشکی رسیدند.

۲۸ پس از این که سالم به ساحل رسیدیم، متوجه شدیم که نام آن جزیره مالت است. ۲ ساکنان آن جزیره* با مهربانی* فوق‌العاده‌ای با ما رفتار کردند. چون باران می‌بارید و هوا سرد بود، آتشی افروختند و به گرمی پذیرای همه ما شدند. ۳ پولس دسته‌ای چوب جمع کرد و بر آتش نهاد. به دلیل گرمای آتش، ماری افعی بیرون آمد و به دست او حلقه زد. ۴ وقتی ساکنان جزیره دیدند که ماری سمی از دست او آویزان است، به یکدیگر گفتند: «بی‌شک، این مرد قاتل است. هرچند

۲۷:۲۸* «ساکنان آن جزیره» یا: «مردمی که یونانی صحبت نمی‌کردند». * یا: «انسان دوستی».

نخورده‌اید. ۳۴ پس خواهش می‌کنم، غذایی بخورید، چون این به نفعتان است. یک مواز سر هیچ یک از شما کم نخواهد شد.» ۳۵ پس از گفتن این سخن، نانی را گرفت و در مقابل همه در دعا خدا را شکر گفت. سپس نان را تکه کرد و شروع به خوردن نمود. ۳۶ آنگاه همه آنان روحیه گرفتند و شروع به خوردن کردند. ۳۷ در مجموع، تعداد ما در کشتی ۲۷۶ نفر بود. ۳۸ وقتی سیر شدند، گندم‌ها را به دریا ریختند و کشتی را سبک کردند.

۳۹ سرانجام هنگامی که روز شد، خشکی‌ای را دیدند و نتوانستند تشخیص دهند که آنجا کجاست. اما متوجه خلیجی شدند که ساحلی شنی داشت. پس بر آن شدند که در صورت امکان، کشتی را به آن ساحل برسانند. ۴۰ آنگاه ریسمان لنگرها را بریدند و آن‌ها را در دریا رها کردند و بندهای سکان را نیز باز کردند. سپس بادبان جلو را در جهت باد بالا کشیدند و به سمت ساحل پیش راندند. ۴۱ کشتی به یکی از تپه‌های زیر آب برخورد کرد و به گل نشست؛ جلوی کشتی ثابت و بی‌حرکت ماند و پشت آن از برخورد شدید امواج

شدیم. آن کشتی از اسکندریه آمده بود و زمستان را در جزیره توقف کرده بود. ۱۲ در بندر سیراکوز لنگر انداختیم و سه روز آنجا ماندیم. ۱۳ از آنجا با کشتی به سفر خود ادامه دادیم و به ریگیون رفتیم. روز بعد باد جنوبی وزید و در روز دوم به پوتیولی رسیدیم. ۱۴ در آنجا شماری از برادران را یافتیم که از ما خواهش کردند، هفت روز با آنان بمانیم. پس از آن، راه خود را به سوی روم ادامه دادیم. ۱۵ وقتی برادران در روم شنیدند که ما می‌آییم، تا «بازار آپیوس» و «سه میخانه» برای ملاقات ما آمدند. پولس با دیدن آنان خدا را شکر کرد و قوت قلب یافت. ۱۶ سرانجام وقتی به روم وارد شدیم، به پولس اجازه داده شد، تنها در خانه خود بماند و سربازی از او نگهبانی کند.

۱۷ پس از سه روز، پولس بزرگان یهود را فراخواند. هنگامی که آنان جمع شدند، پولس به ایشان گفت: «برادران، با این که عملی بر ضد قوم یا رسوم پدرانمان انجام نداده بودم، در اورشلیم زندانی شدم و از آنجا مرا به دست رومیان تحویل دادند. ۱۸ رومیان از من بازخواست کردند و چون خطایی سزاوار مرگ در من نیافتند، می‌خواستند آزادم کنند. ۱۹ اما چون

از دریا نجات یافت، عدالت* به او اجازه نداد که زنده بماند.» ۵ اما پولس با تکانی، مار را به آتش انداخت و آسیبی به او نرسید. ۶ مردم انتظار داشتند که بدنش ورم کند یا ناگهان بمیرد و بر زمین بیفتد. پس از انتظاری طولانی، وقتی دیدند که آسیبی به او نرسید، نظرشان عوض شد و گفتند که او یک خداست.

۷ در آن نزدیکی زمین‌هایی بود که به پولیوس، حاکم آن جزیره تعلق داشت. او ما را پذیرفت و برای سه روز به گرمی از ما پذیرایی کرد. ۸ اتفاقاً پدر پولیوس، در بستر بیماری بود و تب و اسهال داشت. پولس نزد او رفت و دعا کرده، دست بر او گذاشت و او را شفا بخشید. ۹ پس از این واقعه، بیماران دیگر آن جزیره نیز نزد او می‌آمدند و شفا می‌یافتند. ۱۰ آنان ما را حرمت نهاده، هدایای بسیار به ما دادند. همچنین هنگامی که رهسپار دریا می‌شدیم، هر آنچه نیاز داشتیم، در اختیارمان گذاشتند.

۱۱ سه ماه بعد، با کشتی‌ای که علامت «پسران ژئوس»* جلوی آن بود، عازم سفر

۴:۲۸* به یونانی دیکه: احتمالاً به الهه انتقام و عدالت اشاره دارد یا به معنی عدالت است که در اینجا به آن شخصیت داده شده است. ۱۱:۲۸* رجوع به واژه‌نامه: «ژئوس».

«گفته روح القدس از طریق اشعیای نبی به پدران شما چه بجا بود، ۲۶ که گفت: نزد این قوم برو و بگو: «با گوش‌های خود خواهید شنید، اما به هیچ وجه نخواهید فهمید؛ با چشمان خود نگاه خواهید کرد، اما به هیچ وجه نخواهید دید؛ ۲۷ زیرا دل این قوم سخت شده است. با گوش‌های خود شنیده‌اند و به گوش نگرفته‌اند. آنان چشمان خود را بسته‌اند، مبادا به چشم خود ببینند، با گوش خود بشنوند، با دل خود بفهمند و بازگردند و من آنان را شفا بخشم.» ۲۸ پس بدانید، این پیام که خدا چگونه نجات می‌بخشد، نزد غیریهودیان فرستاده شده است و ایشان یقیناً به آن گوش فرا خواهند داد.» ۲۹ *

۳۰ پولس در آنجا دو سال تمام در خانهٔ اجاره‌ای خود ماند و همهٔ کسانی را که نزدش می‌آمدند، به گرمی می‌پذیرفت. ۳۱ او پادشاهی خدا را به آنان موعظه می‌کرد و در مورد سرورمان عیسی مسیح، با شهادت تمام و بدون هیچ ممانعت تعلیم می‌داد.

۲۸: ۲۹ * چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود. ۲۸: ۳۱ * رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار».

یهودیان مخالفت کردند، ناگزیر از قیصر تقاضای فرجام‌کردم، البته نه این که بخواهم به قوم خود اتهامی نسبت دهم. ۲۰ از این رو، خواستم که شما را ببینم و با شما صحبت کنم، چون به خاطر امیدی که اسرائیل دارد، در این زنجیر بسته شده‌ام. ۲۱ آنان به او گفتند: «در مورد تو، نه نامه‌ای از یهودیه دریافت کرده‌ایم، نه برادرانی که از آنجا آمده‌اند، خبری ناخوشایند یا سخنی بد گفته‌اند. ۲۲ اما گمان می‌کنیم که بجاست نظراتت را از زبان خودت بشنویم، چون به راستی می‌دانیم که همه جا بر ضد این فرقه سخن گفته می‌شود.» ۲۳ پس روزی را تعیین کردند و در آن روز، شمار بیشتری از آنان نزد پولس به محل اقامتش رفتند. پولس برای توضیح مطلب، شهادتی کامل در مورد پادشاهی خدا به ایشان داد. او از صبح تا شب، با استناد به شریعت موسی و نوشته‌های انبیا کوشید تا آنان را در خصوص عیسی متقاعد سازد. ۲۴ برخی به گفته‌های او ایمان آوردند، برخی نیز از ایمان آوردن سر باز زدند. ۲۵ پس چون با یکدیگر اختلاف نظر داشتند، یکی پس از دیگری آنجا را ترک کردند. اما پیش از آن پولس اینچنین گفت:

- | | |
|---|---|
| <p>گناه و مرگ شیوع یافت (۱۲)</p> <p>یک عمل عادلانه (۱۸)</p> <p>۶ حیاتی تازه از طریق تعمید در مسیح (۱۱-۱)</p> <p>مگذاردید گناه در بدن‌های شما پادشاهی کند (۱۴-۱۲)</p> <p>از بردگی گناه به بردگی خدا (۲۳-۱۵)</p> <p>مزد گناه، مرگ است و هدیهٔ خدا، حیات جاودان (۲۳)</p> <p>۷ تشبیهی برای آزاد شدن از شریعت (۶-۱)</p> <p>شریعت ما را از گناه آگاه ساخت (۱۲-۷)</p> <p>کشمکش با گناه (۲۵-۱۳)</p> <p>۸ حیات و آزادی از طریق روح (۱۱-۱)</p> <p>روح پسرخواندگی شهادت می‌دهد (۱۷-۱۲)</p> <p>آفرینش در انتظار آزادی فرزندان خداست (۲۵-۱۸)</p> <p>«روح برای ما شفاعت می‌کند، (۲۷، ۲۶)</p> <p>خدا از پیش مقرز نمود (۳۰-۲۸)</p> <p>پیروزی از طریق محبت خدا (۳۹-۳۱)</p> <p>۹ غم پولس برای هم‌نژادان اسرائیلی‌اش (۵-۱)</p> <p>نسل واقعی ابراهیم (۱۳-۶)</p> <p>انتخاب خدا را نمی‌توان زیر سؤال برد (۲۶-۱۴)</p> <p>ظروف شایستهٔ غضب یا رحمت (۲۳، ۲۲)</p> <p>فقط باقی‌مانده‌ای نجات خواهند یافت (۲۹-۲۷)</p> | <p>۱ سلام‌ها (۷-۱)</p> <p>اشتیاق پولس برای دیدار از برادران در روم (۱۵-۸)</p> <p>«انسان درستکار به سبب ایمانش حیات خواهد داشت» (۱۶، ۱۷)</p> <p>خدانشناسان عذر و بهانه‌ای ندارند (۳۲-۱۸)</p> <p>صفات خدا در آفرینش قابل مشاهده است (۲۰)</p> <p>۲ داوری خدا بر یهودیان و یونانیان (۱۶-۱)</p> <p>عملکرد وجدان (۱۵، ۱۴)</p> <p>یهودیان و شریعت (۲۴-۱۷)</p> <p>ختنهٔ قلبی (۲۹-۲۵)</p> <p>۳ «بگذار راستگو بودن خدا به اثبات برسد!» (۸-۱)</p> <p>هم یهودیان و هم یونانیان زیر سلطهٔ گناهند (۲۰-۹)</p> <p>درستکاری از طریق ایمان (۳۱-۲۱)</p> <p>هیچ کس نمی‌تواند جلال خدا را به طور کامل منعکس کند (۲۳)</p> <p>۴ ابراهیم به سبب ایمانش درستکار شمرده شد (۱۲-۱)</p> <p>ابراهیم پدر آنانی است که ایمان می‌آورند (۱۱)</p> <p>از طریق ایمان وعده پذیرفته شد (۲۵-۱۳)</p> <p>۵ از طریق مسیح با خدا آشتی داده شدیم (۱۱-۱)</p> <p>مرگ از طریق آدم و حیات از طریق مسیح (۲۱-۱۲)</p> |
|---|---|

محبت، شریعت را به تحقق

می‌رساند (۸-۱۰)

«در روشنائی روزگام بردارید» (۱۱-۱۴)

۱۴ یکدیگر را قضاوت مکنید (۱-۱۲)

سبب لغزش دیگران مشوید (۱۳-۱۸)

در پی برقراری صلح و اتحاد باشید (۱۹-۲۳)

۱۵ همچون مسیح یکدیگر را بپذیرید (۱-۱۳)

پولس، خدمتگزار غیریهودیان (۱۴-۲۱)

برنامه سفر پولس (۲۲-۳۳)

۱۶ پولس فیسی را خدمتگزار معرفی

می‌کند (۱-۲)

سلام‌هایی به مسیحیان روم (۳-۱۶)

هشدار در مورد تفرقه (۱۷-۲۰)

سلام‌هایی از همکاران پولس (۲۱-۲۴)

حال راز مقدس آشکار شده است (۲۵-۲۷)

اسرائیلیان لغزش خوردند (۳۰-۳۳)

۱۰ درستکار محسوب شدن از دید خدا (۱-۱۵)

اعلام در برابر عموم (۱۰)

«هر که نام یهوه را بخواند نجات

خواهد یافت» (۱۳)

پاهای زیبای بشارت‌دهندگان (۱۵)

بشارت را نپذیرفتند (۱۶-۲۱)

۱۱ تمامی اسرائیلیان رد نشدند (۱-۱۶)

مثل درخت زیتون (۱۷-۳۲)

عمق حکمت خدا (۳۳-۳۶)

۱۲ بدن‌های خود را همچون قربانی زنده

تقدیم کنید (۱-۲)

عطایای متفاوت اما یک بدن (۳-۸)

پندهایی در مورد زندگی مسیحیان

واقعی (۹-۲۱)

۱۳ از قدرت‌های حاکم فرمانبرداری کردن (۱-۷)

پرداخت مالیات (۶، ۷)

قدوسیت نشان داده شد که پسر خداست.

او همان سرورمان عیسی مسیح است.

۵ از طریق او لطف الهی و رسالتی نصیب

ما شده است تا مردم را از میان همه

قوم‌ها به ایمان و اطاعت برای جلال نام او

فراخوانیم. ۶ شما نیز از میان همین قوم‌ها

فراخوانده شده‌اید تا از آن عیسی مسیح

باشید. ۷ آری، از طرف من به همه شما

عزیزان خدا در روم که فراخوانده شده‌اید

تا از مقدسان باشید:

از طرف پولس، غلام مسیح عیسی

که به عنوان رسول فراخوانده شده و

برای اعلام بشارت خدا منصوب گردیده

است. ۲ خدا از پیش، وعده این بشارت

را از طریق انبیای خود، در نوشته‌های

مقدس داده بود. ۳ این بشارت در مورد

پسر اوست که همچون انسانی* از نسل

داوود به دنیا آمد، ۴ اما با رستاخیز از میان

مردگان، به قدرت الهی و از طریق روح

۳:۱ * تحت اللفظی: «بر حسب جسم».

چه به بیگانگان،* چه به خردمندان و چه به نادانان. ۱۵ پس مشتاقم بشارت را همچنین به شما که در روم هستید، اعلام کنم؛ ۱۶ زیرا از بشارت دادن شرمسار نیستم؛ چون بشارت در واقع قدرت خداست برای نجات هر که ایمان بیاورد، نخست برای یهودیان و سپس برای یونانیان؛ ۱۷ زیرا کسانی که ایمان دارند می‌بینند که خدا عدالت* خود را از طریق بشارت آشکار می‌سازد و این امر ایمانشان را تقویت می‌کند، چنان که نوشته شده است: «انسان درستکار* به سبب ایمانش حیات خواهد داشت.»

۱۸ غضب خدا از آسمان بر ضد همه اعمالی می‌آید که در نظر او ناپسند و شریرانه است؛ اعمال کسانی که با شرارت خود مانع آشکار شدن حقیقت می‌شوند؛ ۱۹ زیرا آنچه را که می‌توان در مورد خدا دانست کاملاً بر آنان آشکار است، چون خدا آن را برایشان روشن ساخته است. ۲۰ آری، صفات نادیدنی خدا، حتی قدرت ابدی و الوهیت او* از زمان آفرینش

۱۴:۱ * یا: «غیر یونانیان»: تحت اللفظی: «برترها».

۱۷:۱ * یا: «معیارهای درست». * یا: «عادل». ۲۰:۱

* یا: «حتی قدرت ابدی او و این که او حقیقتاً خداست».

لطف و آرامش از طرف پدرمان خدا و سرورمان عیسی مسیح با شما باد!

۸ پیش از هر چیز، خدای خود را از طریق عیسی مسیح از بابت همه شما شکر می‌کنم؛ زیرا شهرت ایمان شما در سراسر دنیا پیچیده است. ۹ خدا شاهد است که چگونه بی‌وقفه در دعاهای خود از شما یاد می‌کنم؛ خدایی که او را با تمام وجودم* خدمت* می‌نمایم و در مورد پسرش بشارت می‌دهم. ۱۰ از خدا تمنا می‌کنم که اگر ممکن باشد و بخواهد، سرانجام نزد شما بیایم؛ ۱۱ زیرا مشتاق دیدار شما هستم تا بتوانم عطیه‌ای روحانی به شما تقدیم کنم و شما را با آن استوار سازم، ۱۲ یا در واقع، هم من و هم شما بتوانیم از ایمان یکدیگر متقابلاً تشویق گردیم.

۱۳ ای برادران، می‌خواهم بدانید که بارها قصد داشته‌ام نزد شما بیایم، اما هر بار چیزی مانع من شده است. در واقع می‌خواستم نزدتان بیایم تا در میان شما نیز ثمراتی حاصل کنم؛ چنان که در میان قوم‌های دیگر کرده‌ام. ۱۴ من خود را مدیون می‌دانم، چه به یونانیان و

۹:۱ * تحت اللفظی: «روح»: به یونانی پنوئما.

* تحت اللفظی: «خدمت مقدس».

دنیا به روشنی قابل مشاهده بوده است و همگان می‌توانند از طریق آنچه آفریده شده است، آن‌ها را دریابند. از این رو، هیچ عذر و بهانه‌ای ندارند. ۲۱ هرچند خدا را شناختند، او را همچون خدا تمجید نکردند و او را شکر نگفتند، بلکه عقل خود را در استدلال‌های خویش از دست دادند و دل‌های بی‌فهمشان تاریک گشت. ۲۲ آنان با این که ادعای خردمندی می‌کردند، نادان و بی‌خرد شدند ۲۳ و به جای آن که خدای غیرفانی را جلال دهند، تمثال‌هایی از انسان فانی، پرندگان، چهارپایان و خزندگان را تمجید کردند.

۲۴ پس خدا آنان را مطابق شهوات دل ایشان، به حال خود رها کرد تا به هر ناپاکی‌ای دست بزنند و بدن‌هایشان را بی‌حرمت سازند. ۲۵ آنان حقیقت خدا را با دروغ معاوضه کردند و مخلوق را به جای خالق پرستش و خدمت* نمودند؛ خالقی که تا ابد شایسته حمد و ستایش است. آمین. ۲۶ به همین خاطر، خدا آنان را در شهوات عنان‌گسیخته‌شان به حال خود رها کرد؛ به طوری که حتی زنان‌شان به جای آمیزش طبیعی، به آمیزش

غیرطبیعی روی آوردند. ۲۷ به همین شکل، مردان آمیزش طبیعی با زنان را ترک کردند و در آتش شهوتی که نسبت به یکدیگر داشتند سوختند، مرد با مرد مرتکب اعمال قبیح شده، سزای رفتار زشت‌شان را به طور کامل در خود دیدند. ۲۸ از آنجا که به شناخت خدا اهمیت ندادند، خدا ایشان را در افکاری که مورد پسند او نیست رها کرد تا مرتکب اعمال زشت و ناشایست شوند. ۲۹ آنان پر از هر گونه بدکاری، شرارت، طمع و بدی هستند؛ پر از حسد، قتل، نزاع، فریب و بدخواهی. همچنین شایعه‌ساز،* ۳۰ بدگو، متنفر از خدا، گستاخ، متکبر و خودستا هستند. برای صدمه زدن به دیگران توطئه می‌چینند و از والدین خود نافرمانی می‌کنند. ۳۱ همچنین بی‌فهم، عهدشکن، بی‌عاطفه و بی‌رحمند. ۳۲ البته آنان به خوبی از حکم عادلانه خدا آگاهند - یعنی می‌دانند کسانی که چنین اعمالی را پیشه می‌کنند، سزاوار مرگند - با این حال، نه تنها خود به این اعمال ادامه می‌دهند، بلکه کسانی را که این اعمال را پیشه می‌کنند نیز مورد تأیید قرار می‌دهند.

۲۹:۱* یا: «کسانی که غیبت می‌کنند».

۲۵:۱* تحت اللفظی: «خدمت مقدّس».

شکل در پی جلال، حرمت و فناناپذیری هستند، حیات جاودان خواهد بخشید؛ ۸ اما ستیزه‌جویان را که مطیع حقیقت نیستند، بلکه شرارت را پیشه می‌کنند، مورد غضب و خشم خود قرار خواهد داد. ۹ هر کس که بدی کند، به مصیبت و رنج دچار خواهد شد، نخست یهودیان و سپس یونانیان. ۱۰ اما هر کس که نیکویی کند از جلال، حرمت و آرامش برخوردار خواهد شد، نخست یهودیان و سپس یونانیان؛ ۱۱ زیرا خدا تبعیض قائل نمی‌شود.

۱۲ تمام کسانی که شریعت ندارند و گناه می‌کنند، بدون شریعت نیز خواهند مرد، اما همه کسانی که تحت شریعت هستند و گناه می‌کنند، مطابق شریعت داوری خواهند شد؛ ۱۳ زیرا شنوندگان شریعت نیستند که در نظر خدا درستکارند،* بلکه کسانی درستکار* شمرده خواهند شد که مطابق شریعت عمل می‌کنند. ۱۴ وقتی غیریهودیان که شریعت ندارند، اصول شریعت را بنا به طبیعت به جا می‌آورند، هرچند فاقد شریعتند، نشان می‌دهند که در خود از شریعتی برخوردارند. ۱۵ آنان همان کسانی هستند که نشان می‌دهند اصول شریعت بر دلشان نگاشته شده

۲ پس تو ای آدمی که در مورد دیگری قضاوت می‌کنی، هر که باشی هیچ عذر و بهانه‌ای نداری، چون وقتی کسی را قضاوت می‌کنی، در واقع خود را محکوم کرده‌ای؛ زیرا تو که قضاوت می‌کنی، خود همان کارها را انجام می‌دهی. ۲ ما می‌دانیم داوری خدا بر کسانی که چنین اعمالی را انجام می‌دهند، بر پایه حقایق است.

۳ تو ای آدمی که در مورد کسانی قضاوت می‌کنی که چنین اعمالی را انجام می‌دهند و خود نیز همان‌ها را انجام می‌دهی، آیا تصوّر می‌کنی از داوری خدا خواهی گریخت؟ ۴ آیا مهربانی، شکیبایی* و بردباری بی‌کران او را خوار می‌شماری؟ مگر نمی‌دانی که خدا از طریق مهربانی خود سعی دارد، تو را به توبه راهنمایی کند؟ ۵ با این حال، تو غضب خدا را از روی سرسختی و به خاطر دل ناتوبه‌کار خود تا روز غضبش برای خود انبار می‌کنی؛ یعنی تا روزی که داوری عادلانه خدا آشکار شود. ۶ او به هر کس مطابق اعمالش پاداش یا جزا خواهد داد: ۷ به کسانی که در انجام دادن اعمال نیکو پایدارند و بدین

را غارت نمی‌کنی؟ ۲۳ توکه به شریعت افتخار می‌کنی، آیا با تخطی از شریعت به خدا بی‌حرمتی نمی‌کنی؟ ۲۴ آری، چنان که نوشته شده است: «به خاطر شما، غیریهودیان به نام خدا کفر می‌گویند.» ۲۵ در واقع ختنه زمانی ارزش دارد که شریعت را به عمل آوری؛ اما اگر تو از شریعت تخطی می‌کنی، هرچند ختنه شده‌ای، همچون کسی هستی که ختنه نشده است. ۲۶ پس اگر کسی که ختنه نشده است، احکام عادلانه شریعت را حفظ کند، مگر همچون کسی که ختنه شده است، محسوب نمی‌شود؟ ۲۷ شخصی که جسماً ختنه نشده است، تو را با عمل نمودن به شریعت محکوم خواهد کرد؛ زیرا هرچند قوانین کتبی آن را در اختیار داری و ختنه نیز شده‌ای، از شریعت تخطی می‌کنی؛ ۲۸ زیرا یهودی واقعی آن کسی نیست که در ظاهر یهودی باشد، همچنین ختنه واقعی، امری ظاهری و جسمانی نیست. ۲۹ اما یهودی واقعی، آن است که در باطن یهودی باشد و ختنه او قلبی است و از طریق روح انجام می‌شود، نه مطابق قوانین کتبی. چنین شخصی مورد تحسین خدا قرار می‌گیرد، نه مردم.

است. وجدانشان نیز شهادت می‌دهد و افکارشان یا آنان را متهم می‌کند یا تبرئه. ۱۶ این امور در روزی واقع خواهد شد که خدا افکار و اعمال نهان انسان‌ها را مطابق بشارتی که من اعلام می‌کنم، از طریق مسیح عیسی داوری کند. ۱۷ حال توکه خود را یهودی می‌خوانی، به شریعت متکی هستی و افتخار می‌کنی که پرستنده خدایی. ۱۸ توکه از خواست او آگاهی و به دلیل تعلیمی که از شریعت یافته‌ای* آنچه را والاست تشخیص می‌دهی. ۱۹ توکه یقین داری راهنمای کوران و نور برای کسانی هستی که در تاریکی گام برمی‌دارند. ۲۰ توکه اصلاح‌کننده نادانان و معلم کودکان هستی و از طریق شریعت از چارچوب* شناخت و حقیقت آگاهی داری. ۲۱ پس چرا توکه به دیگری تعلیم می‌دهی، به خود تعلیم نمی‌دهی؟ توکه موعظه می‌کنی دزدی نباید کرد، آیا خود دزدی نمی‌کنی؟ ۲۲ توکه می‌گویی زنا* نباید کرد، آیا خود زنا* نمی‌کنی؟ تو که از بت‌ها نفرت داری، آیا خود معبدها ۱۸:۲ *یا: «شفاها از شریعت یافته‌ای». ۲۰:۲ *یا: «پایه و اساس». ۲۲:۲ *منظور خیانت به همسر است.

تا نیکویی به بار آید،» چنان که برخی به دروغ ادعا می‌کنند که ما چنین می‌گوییم! به‌راستی که محکومیت این اشخاص عادلانه است!

۹ پس چه نتیجه می‌گیریم؟ آیا وضعیت ما یهودیان بهتر از دیگران است؟ به هیچ وجه! زیرا پیش از این بیان کردیم که هم یهودیان و هم یونانیان زیر سلطهٔ گناهاند، ۱۰ چنان که نوشته شده است: «هیچ کس درستکار* نیست، حتی یک نفر هم نه؛ ۱۱ هیچ کس بصیرت ندارد؛ هیچ کس خدا را نمی‌جوید. ۱۲ همهٔ انسان‌ها گمراه گشته‌اند، همگی بی‌ارزش شده‌اند؛ هیچ کس نیکوکاری نمی‌کند، حتی یک نفر هم نه.» ۱۳ «گلویشان قبری باز است؛ با زبان خود دیگران را فریب می‌دهند.» ۱۴ «دهانشان پراز لعنت و تلخی است.» ۱۵ «پاهایشان برای ریختن خون شتابان است.» ۱۶ «به هر جا که می‌روند، ویرانی و محنت به جا می‌گذارند ۱۷ و طریق صلح را نمی‌شناسند.» ۱۸ «ترس خدا در چشمانشان نیست.» ۱۹ اکنون ما می‌دانیم که هر آنچه

* ۱۰:۳ یا: «عادل».

۳ پس مزیت یهودی بودن یا ختنه شدن در چیست؟ ۲ مزایای آن از هر جهت بسیار است. اول این که کلام مقدس خدا به آنان به امانت سپرده شده است. ۳ اما اگر بعضی امین نبودند، آیا امین نبودن آنان، امانت خدا را باطل خواهد ساخت؟ ۴ مسلماً خیر! حتی اگر ثابت شود که همهٔ انسان‌ها دروغگو هستند، بگذار راستگو بودن خدا به اثبات برسد! چنان که نوشته شده است: «تا حقانیت تو در سخنان اثبات شود و اگر مورد قضاوت قرارگیری، پیروز گردی.» ۵ گفته می‌شود که نادرستی ما درستی* خدا را بیشتر آشکار می‌سازد. اما در اینجا سؤالی برای ما مطرح می‌شود: آیا وقتی خدا بر ما غضب می‌کند، عدالت را به جا نمی‌آورد؟ (چنان که برخی چنین گمان می‌کنند.) ۶ به هیچ وجه چنین نیست! زیرا اگر خدا عادل نباشد، چگونه می‌تواند دنیا را داوری کند؟

۷ شاید کسی چنین استدلال کند: «اگر با دروغ من، راستی خدا آشکارتر می‌شود و او بیشتر جلال می‌یابد، چرا من به عنوان گناهکار محکوم می‌شوم؟» ۸ پس یکباره بگوییم: «بیایید بدی کنیم

* ۵:۳ یا: «عدالت».

شریعت می‌گوید، خطاب به کسانی است که تحت شریعتند تا هر دهانی بسته شود و همچنین همهٔ مردم دنیا در پیشگاه خدا محکوم شناخته شوند. ۲۰ پس هیچ کس با به جا آوردن اعمال شریعت در نظر او درستکار^۱ شمرده نخواهد شد؛ زیرا از طریق شریعت است که به شناختی دقیق از گناه دست می‌یابیم.

۲۱ اما حال آشکار شده است که بدون به جا آوردن اعمال شریعت می‌توانیم در نظر خدا درستکار^۲ شمرده شویم. شریعت و نوشته‌های انبیا نیز بر این امر گواهی می‌دهد. ۲۲ آری، ما می‌توانیم در نظر خدا درستکار^۳ شمرده شویم، اما این از طریق ایمان به عیسی مسیح میسر است و شامل حال تمام کسانی می‌شود که ایمان دارند. در این خصوص تفاوتی میان انسان‌ها وجود ندارد؛ ۲۳ زیرا همه گناه کرده‌اند و نمی‌توانند جلال خدا را به طور کامل منعکس کنند. ۲۴ در واقع، این که به لطف الهی، از طریق بهای رهایی^۴ که مسیح عیسی پرداخت، درستکار^۵ شمرده می‌شوند، هدیه‌ای است از سوی خدا. ۲۵ خدا مسیح را همچون

۳: ۲۰-۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۸^۱؛ «عادل». ۲۴: ۳^۲؛

«فدیه‌ای»؛ رجوع به واژه‌نامه: «بهای رهایی».

قربانی کفّاره^۱ تقدیم کرد تا انسان‌ها را از طریق ایمان به خون او با خود آشتی دهد. او با انجام دادن این کار می‌خواست عدالت^۲ خود را نشان دهد؛ زیرا به سبب شکیبایی^۳ خود گناهای را که در گذشته انجام می‌شد، می‌بخشید. ۲۶ او با این کار می‌خواست در این زمان حاضر عدالت^۴ خود را نشان دهد تا وقتی کسی را که به عیسی ایمان دارد، درستکار^۵ می‌شمارد، خود به عدالت^۶ رفتار کرده باشد.

۲۷ پس آیا باید فخر کرد؟ به هیچ وجه. اما بر چه مبنایی نباید فخر کرد؟ آیا بر مبنای شریعتی که به اعمال اهمیت می‌دهد؟ خیر، بلکه بر مبنای قانونی که می‌گوید باید ایمان داشت؛ ۲۸ زیرا می‌دانیم که شخص از طریق ایمان و بدون به جا آوردن اعمال شریعت، درستکار^۱ شمرده می‌شود. ۲۹ آیا خدا فقط خدای یهودیان است؟ مگر خدای غیریهودیان نیز نیست؟ البته که خدای غیریهودیان نیز است. ۳۰ از آنجا که خدا یکی است، هم ختنه‌شدگان را

۳: ۲۵^۱؛ «آشتی‌دهنده؛ پوشاننده». ۲۵: ۳، ۲۶^۲؛

«درستی». ۲۵: ۳^۳؛ «تحمل». ۲۶: ۳^۴؛

«به‌درستی».

شخصی را که خدا او را بدون اعمال درستکار* می‌شمارد، خوشحال می‌خواند و می‌گوید: ۷ «خوشا به حال کسانی که خطاهایشان بخشیده و گناهانشان پوشیده* شده است؛ ۸ خوشا به حال کسی که يَهُوه* ابداً گناهش را به حساب نیاورد.»

۹ آیا این خوشحالی، تنها نصیب ختنه‌شدگان می‌شود یا نصیب کسانی نیز می‌شود که ختنه نشده‌اند؟ زیرا چنان که گفتیم: «ابراهیم به سبب ایمانش درستکار* شمرده شد.» ۱۰ اما او در چه وضعی بود که به سبب ایمانش درستکار* شمرده شد؟ آیا این پس از ختنه شدنش بود، یا پیش از آن؟ البته پیش از ختنه شدنش بود، نه پس از آن. ۱۱ نشانه ختنه به او داده شد تا مَهری* باشد بر این که درستکار* شمرده شده است و آن هم از طریق ایمانی که پیش از ختنه شدن داشت. او بدین ترتیب پدر همه کسانی شده است که بدون ختنه ایمان می‌آورند تا درستکار* شمرده شوند. ۱۲ او پدر همه ختنه‌شدگان نیز است، یعنی پدر کسانی که نه تنها به ختنه پای‌بندند،

۷: ۴ * یا: «بخشیده». ۱۱: ۴ * یا: «تأییدی: ضمانتی».

بر پایه ایمان و هم کسانی را که ختنه نشده‌اند، از طریق همان ایمان درستکار* خواهد شمرد. ۳۱ پس آیا شریعت را از طریق ایمانمان باطل می‌کنیم؟ به هیچ وجه! برعکس، شریعت را استوار نگاه می‌داریم.

۴ حال که چنین است، در مورد آنچه نصیب ابراهیم شد که جسماً جد ما بود، چه می‌توان گفت؟ ۲ برای مثال، اگر ابراهیم بر پایه اعمالش درستکار* شمرده می‌شد، دلیلی می‌داشت که فخر کند، اما از دید خدا در واقع دلیلی برای فخر نداشت؛ ۳ زیرا نوشته‌های مقدس چه می‌گوید؟ می‌گوید: «ابراهیم به يَهُوه* ایمان آورد و به این سبب درستکار* شمرده شد.» ۴ البته پرداخت مزد به کسی که کار می‌کند، لطف به حساب نمی‌آید، بلکه حق اوست. ۵ اما کسی که به کارها و اعمال خود تکیه نمی‌کند، بلکه به خدایی ایمان می‌آورد که فردی گناهکار را درستکار* می‌شمارد، به سبب ایمانش درستکار* محسوب می‌شود. ۶ همان طور که داوود نیز

۳۰: ۳، ۲: ۴، ۵، ۶، ۹-۱۱ * یا: «عادل». ۳: ۴، ۸ * رجوع به واژه‌نامه. ۵: ۴ * تحت‌اللفظی: «کسی که کار نمی‌کند».

همان که مردگان را زنده می‌سازد و در مورد اموری که تحقق نیافته است، چنان سخن می‌گوید که گویی تحقق یافته است.*

۱۸ با این که ظاهراً جای امیدی نبود، ابراهیم بر پایهٔ امید خود ایمان داشت که پدر قوم‌های بسیار شود، همان طور که به او گفته شده بود: «نسل تو چنین خواهد بود.» ۱۹ از آنجا که او حدود ۱۰۰ سال داشت، می‌دانست که بدنش تقریباً مرده است و رَجَم مردهٔ سارا دیگر قادر به تولید فرزند نیست. با وجود این، در ایمان خود ضعیف نشد. ۲۰ آری، به خاطر وعدهٔ خدا، از خود بی‌ایمانی نشان نداد و شک نکرد، بلکه ایمانش او را قوی ساخته، خدا را جلال داد ۲۱ و اطمینان کامل داشت که خدا قادر است به آنچه وعده داده است، وفا کند. ۲۲ از همین رو، به سبب ایمانش «درستکار»^{*} شمرده شد.

۲۳ اما عبارت «شمرده شد»، تنها به خاطر او نوشته نشد، ۲۴ بلکه به خاطر ما نیز نوشته شد تا ما هم درستکار^{*} شمرده شویم؛ زیرا به خدایی ایمان داریم که سَرورمان عیسی را از مردگان برخیزانید.

۱۷:۴ * یا احتمالاً: «همان که مردگان را زنده می‌سازد و نیستی‌ها را به هستی فرا می‌خواند».

بلکه در طریق ایمان هم گام برمی‌دارند؛ ایمانی که پدرمان ابراهیم پیش از ختنه شدنش داشت.

۱۳ از راه شریعت نبود که به ابراهیم یا نسل او وعده داده شد که وارث یک دنیا^{*} خواهند شد، بلکه از راه درستکار^{*} شمرده شدن بر پایهٔ ایمان بود؛ ۱۴ زیرا اگر کسانی که به شریعت پای‌بندند وارث باشند، ایمان بی‌فایده می‌شود و وعده باطل شده است. ۱۵ در واقع شریعت موجب غضب می‌شود، اما جایی که شریعت نباشد، تخطی از شریعت هم نیست.

۱۶ از این رو، به سبب ایمان ابراهیم بود که وعده به او داده شد تا با دادن وعده، لطف الهی آشکار شود و تحقق آن برای تمام نسلش تضمین گردد؛ نه تنها برای کسانی که به شریعت پای‌بندند، بلکه همچنین برای کسانی که ایمانی همچون ایمان ابراهیم دارند که پدر همهٔ ماست. ۱۷ (چنان که نوشته شده است: «من تو را پدر قوم‌های بسیار ساختم.») تحقق این وعده در حضور خدا تضمین شد؛ خدایی که ابراهیم به او ایمان داشت، ۱۳:۴ * یا: «وارث دنیایی جدید». ۲۴، ۲۲، ۱۳:۴ * یا: «عادل».

به حساب نمی‌آید. ۱۴ با این حال، مرگ از آدم تا موسی بر همگان پادشاهی کرد، حتی بر کسانی که گناهشان همچون تخطی آدم نبود. آدم از بعضی جهات به آن کسی شباهت داشت که می‌بایست می‌آمد.

۱۵ اما عطیه خدا با آن نافرمانی تفاوت دارد؛ زیرا اگر با نافرمانی یک انسان بسیاری مردند، چقدر بیشتر لطف خدا و عطیه او که از طریق لطف یک انسان، یعنی عیسی مسیح فراهم شد، به فراوانی نصیب بسیاری گردید! ۱۶ همچنین، نتیجه‌ای که از این عطیه حاصل می‌شود با پیامد گناه آن انسان متفاوت است؛ زیرا حکمی که بعد از یک نافرمانی صادر شد، محکومیت بود، اما عطیه‌ای که بعد از نافرمانی‌های بسیار فراهم شد، موجب گشت که بسیاری درستکار* شمرده شوند. ۱۷ پس اگر با نافرمانی یک انسان، مرگ از طریق او پادشاهی کرد، چقدر بیشتر کسانی که لطف عظیم خدا و عطیه درستکار* شمرده شدن را به دست آورده‌اند، از طریق آن انسان دیگر، یعنی عیسی مسیح، حیات داشته، پادشاهی خواهند کرد!

۱۹-۱۶:۵ * یا: «عادل».

۱۸ پس همان طور که در نتیجه یک نافرمانی همه گونه انسان‌ها محکوم شدند، در نتیجه یک عمل عادلانه* نیز همه گونه انسان‌ها درستکار* شمرده می‌شوند تا حیات یابند؛ ۱۹ زیرا همان طور که از طریق نافرمانی یک انسان بسیاری گناهکار شدند، همچنین از طریق اطاعت یک انسان نیز بسیاری درستکار* خواهند شد. ۲۰ حال وقتی شریعت به میان آمد، نافرمانی افزایش یافت. اما جایی که گناه زیاد شد، لطف الهی نیز بمراتب بیشتر گردید. ۲۱ با چه هدفی؟ تا همان طور که گناه همراه با مرگ پادشاهی کرد، لطف الهی نیز از طریق عدالت* پادشاهی کند و حیات جاویدان را توسط سرورمان عیسی مسیح به ارمغان آورد.

۶ پس چه گوئیم؟ آیا به گناه کردن ادامه دهیم تا لطف الهی افزایش یابد؟ ۲ مسلماً خیر! از آنجا که نسبت به گناه مردیم،* دیگر چطور می‌توانیم همچنان تحت تسلط آن* زندگی کنیم؟ ۳ یا آیا نمی‌دانید همه ما که در مسیح عیسی تعمید گرفتیم، در واقع در مرگ او ۱۸:۵ * یا: «یک عمل درست». ۲۱:۵ * یا: «معیارهای درست خدا». ۲:۶ * یا: «از آنجا که از جنگ گناه رها شدیم». * یا: «همچنان در گناه».

۱۲ پس مگذارید گناه در بدن‌های فانی شما پادشاهی کند، به نحوی که از امیال بدن‌های خود اطاعت کنید. ۱۳ همچنین اعضای بدن خود را به گناه مسپارید تا ابزاری* برای بدکاری باشد، بلکه خود را همچون کسانی که از میان مردگان زنده شده‌اند، به خدا بسپارید و اعضای بدن خود را به خدا تسلیم کنید تا ابزاری* برای درستکاری* باشد؛ ۱۴ زیرا گناه نباید بر شما تسلط داشته باشد، چون شما نه تحت شریعت، بلکه تحت لطف الهی هستید.

۱۵ در ادامه چه می‌توان گفت؟ آیا مرتکب گناه شویم، چون تحت شریعت نیستیم، بلکه تحت لطف الهی؟ به هیچ وجه! ۱۶ آیا نمی‌دانید که اگر خود را همچون برده‌ای فرمانبردار به کسی بسپارید، برده آن کسی هستید که از او فرمان می‌برید؟ آیا برده گناه می‌شوید که نتیجه آن مرگ است یا برده اطاعت که به درستکاری می‌انجامد؟ ۱۷ اما به شکر خدا، هرچند شما در گذشته برده گناه بودید، اکنون از دل مطیع آن تعلیمی گشتید که بدان سپرده شدید. ۱۸ آری، چون از بردگی گناه آزاد شدید، برده

تعمید یافتیم؟ ۴ پس ما با تعمید گرفتن در مرگ او، با او دفن شدیم تا همان طور که مسیح به قدرت پرجلال پدر از مردگان برخیزانده شد، ما نیز در حیاتی تازه گام برداریم. ۵ اگر ما در مرگی مشابه مرگ او، با او متحد شده‌ایم، یقیناً در رستاخیزی مشابه رستاخیز او نیز با او متحد خواهیم بود؛ ۶ زیرا می‌دانیم که شخصیت کهنه ما با او به تیر می‌خکوب شد تا بدن گناهکار ما بر ما تسلط نداشته باشد و دیگر برده گناه نباشیم. ۷ چون کسی که مرده است، از گناه خود آزاد* شده است. ۸ به علاوه، اگر ما با مسیح مرده‌ایم، ایمان داریم که با او زندگی نیز خواهیم کرد؛ ۹ زیرا می‌دانیم، حال که مسیح از میان مردگان برخیزانده شده است، دیگر نمی‌میرد و مرگ دیگر بر او تسلطی ندارد. ۱۰ او با مرگی که برای برداشتن گناه* طعم آن را چشید، یک بار برای همیشه مرد، اما با حیاتی که اکنون دارد، برای خدا زندگی می‌کند. ۱۱ به همین شکل، شما نیز خود را نسبت به گناه مرده بشمارید، اما همچنین خود را از طریق مسیح عیسی برای خدا زنده بدانید.

۷:۶* یا: «تبرئه: بخشیده». ۱۰:۶* تحت‌اللفظی:

«نسبت به گناه».

۱۳:۶* تحت‌اللفظی: «سلاحی». * یا: «عدالت».

خود با اوست؛ اما اگر شوهرش بمیرد، از قانون شوهرش آزاد می‌شود. ۳ پس تا زمانی که شوهرش زنده است، اگر به مردی دیگر پیوندد، زناکار خوانده می‌شود. اما اگر شوهرش بمیرد، از قانون او آزاد می‌شود و در این صورت اگر به مردی دیگر پیوندد، زناکار نیست.

۴ به همین شکل، ای برادران من، شما نیز از طریق قربانی* مسیح، نسبت به شریعت به مرگ سپرده شدید* تا به کسی دیگر پیوندد؛ یعنی به او که از میان مردگان برخیزانده شد تا ما برای خدا ثمر آوریم: ۵ زیرا زمانی که بر طبق امیال نفس* زندگی می‌کردیم، خواهش‌هایی گناه‌آلود که شریعت آن‌ها را آشکار ساخته بود، در بدن‌های* ما عمل می‌کرد تا ثمری آوریم که به مرگ می‌انجامد. ۶ اما چون نسبت به آنچه ما را در بند نگاه داشته بود، مرده‌ایم، اکنون از شریعت آزاد شده‌ایم تا خدا را به شیوه‌ای تازه از طریق روح، بندگی کنیم و نه به شیوه کهنه از طریق شریعتی کتبی.

۷ پس چه بگوییم؟ آیا شریعت گناه

۴:۷ * تحت اللفظی: «بدن». * یا: «از شریعت آزاد شدید». ۵:۷ * تحت اللفظی: «بر حسب جسم». * تحت اللفظی: «اعضای».

درستکاری گشتید. ۱۹ من به خاطر طبیعت ناکامل شما، با مثل‌هایی ساده سخن می‌گویم؛ همان‌گونه که پیش از این، اعضای بدن خود را همچون برده به ناپاکی و قانون‌شکنی می‌سپردید تا قانون‌شکنی کنید، اکنون اعضای بدن خود را همچون برده به درستکاری بسپارید که به قدّوسیت می‌انجامد. ۲۰ وقتی شما برده گناه بودید، از بردگی درستکاری آزاد بودید.

۲۱ اما در آن زمان چه ثمرهای حاصل می‌کردید؟ اعمالی که اکنون از آن‌ها شرمسارید؛ زیرا نتیجه آن اعمال، مرگ است. ۲۲ اما حال که از گناه آزاد شدید و غلام خدا گشتید، قدّوسیت را ثمر می‌آورید که سرانجام به حیات جاودان می‌انجامد؛ ۲۳ زیرا مزد گناه مرگ است، اما هدیه‌ای که خدا می‌دهد، حیات جاودان از طریق سرورمان مسیح عیساست.

۷ ای برادران، مگر نمی‌دانید که شریعت تا زمانی بر شخص تسلّط دارد که او زنده است؟ (چون روی سخنم با کسانی است که از قانون آگاهند). ۲ برای مثال، زن متأهل بر طبق قانون تا زمانی که شوهرش زنده است، در قید عهد

کاری که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه کاری که از آن نفرت دارم، انجام می‌دهم. ۱۶ اما اگر آنچه نمی‌خواهم، انجام می‌دهم، در واقع می‌پذیرم که شریعت نیکوست. ۱۷ در این صورت دیگر من نیستم که آن کار را انجام می‌دهم، بلکه گناهی که در من ساکن است، چنین می‌کند. ۱۸ من می‌دانم که در من، یعنی در بدن نا کاملم،* هیچ نیکویی نیست: زیرا هرچند میل دارم که آنچه نیکوست انجام دهم، اما توانایی انجام دادن آن را ندارم. ۱۹ در واقع، آن نیکویی را که می‌خواهم نمی‌کنم، بلکه آن بدی را که نمی‌خواهم، همان را انجام می‌دهم. ۲۰ پس اگر آنچه نمی‌خواهم انجام می‌دهم، دیگر من نیستم که آن را به انجام می‌رسانم، بلکه گناهی که در من ساکن است، چنین می‌کند.

۲۱ پس من در مورد خود به این قانون پی برده‌ام: وقتی می‌خواهم آنچه درست است انجام دهم، میل به بدی را در خود می‌بینم. ۲۲ من در باطن خود، قانون خدا را بسیار دوست می‌دارم، ۲۳ اما قانونی دیگر در بدن* خود می‌بینم که با قانون خدا که در ذهن من است، در

۱۸:۷ * تحت اللفظی: «در جسم من». ۲۳:۷

* تحت اللفظی: «اعضای».

است؟ به هیچ وجه! در واقع اگر شریعت نبود، آگاه نمی‌شدم گناه چیست. برای مثال، اگر شریعت نگفته بود: «طمع موزر» نمی‌دانستم که طمع ورزیدن چیست. ۸ اما گناه توسط آن حکم فرصت یافت تا هر نوع طمع را در من پدید آورد؛ زیرا پیش از شریعت، گناه مرده بود. ۹ در واقع، من نیز پیش از شریعت زنده بودم. اما هنگامی که آن حکم آمد، گناه زنده شد و من مُردم. ۱۰ پس پی بردم حکمی که می‌بایست به حیات بینجامد، به مرگ منجر شده است؛ ۱۱ زیرا گناه با فرصتی که توسط آن حکم یافت، مرا فریب داد و از طریق آن مرا کشت. ۱۲ پس می‌توان گفت، شریعت مقدّس است و آن حکم شریعت نیز مقدّس، عادلانه و نیکوست.

۱۳ پس آیا آنچه نیکو بود، سبب مرگ من شد؟ مسلماً خیر! بلکه گناه از طریق آنچه نیکو بود، منجر به مرگ من شد تا بدین سان گناه بودنش آشکار شود و از طریق حکم شریعت معلوم گردد که شرارت گناه تا چه حد است. ۱۴ ما می‌دانیم که شریعت روحانی است، اما من نفسانی و همچون برده به گناه فروخته شده‌ام. ۱۵ من نمی‌دانم چرا چنین می‌کنم؛ زیرا

جنگ است و مرا اسیر قانون گناه که در بدن* من است، می سازد. ۲۴ چه وضعیت اسفباری دارم! چه کسی مرا از بدنی که این مرگ را در من پدید می آورد، رهایی می بخشد؟ ۲۵ خدا را شکر می کنم که از طریق سرورمان عیسی مسیح مرا رهایی می بخشد! پس من با ذهن خود قانون خدا را بندگی می کنم، اما با بدن خود قانون گناه را.

▲ پس برای آنانی که در اتحاد با مسیح عیسی هستند، محکومیتی وجود ندارد؛ ۲ زیرا قانون روح* که در اتحاد با مسیح عیسی حیات می بخشد، شما را از قانون گناه و مرگ آزاد ساخته است. ۳ شریعت به خاطر ناکاملی انسانها ناتوان بود، اما آنچه شریعت قادر به انجام دادن آن نبود، خدا به انجام رساند. او پسر خود را با بدنی شبیه به بدن انسانهای گناهکار فرستاد تا گناه را از میان بردارد. خدا به این ترتیب، گناه را در بدن جسمانی محکوم کرد ۴ تا احکام عادلانه شریعت در ما تحقق یابد، در ما که نه بر طبق امیال نفسانی،* بلکه بر

طبق روح رفتار می کنیم. ۵ آنانی که بر طبق امیال نفسانی* زندگی می کنند، افکارشان را درگیر آنچه نفسانی* است می سازند. اما آنانی که بر طبق روح زندگی می کنند، افکارشان را به آنچه از روح است مشغول می سازند. ۶ اگر افکار خود را درگیر آنچه نفسانی* است بسازیم، به مرگ می انجامد. اما اگر افکار خود را به آنچه از روح است مشغول سازیم، به حیات و آرامش می انجامد؛ ۷ زیرا اگر شخص افکار خود را درگیر آنچه نفسانی* است سازد، در واقع با خدا دشمنی کرده است. چنین شخصی از قانون خدا اطاعت نمی کند و نمی تواند هم بکند. ۸ بنابراین، آنان که تحت تسلط نفس* خود هستند، نمی توانند خدا را خشنود سازند.

۹ اما شما تحت تسلط نفس* خود نیستید، بلکه به یاری روح هدایت می شوید؛ البته اگر روح خدا حقیقتاً در شما ساکن باشد. ولی اگر کسی روحیه* مسیح را نداشته باشد، از آن مسیح نیست. ۱۰ اما اگر مسیح در اتحاد با شما باشد، هرچند که بدن شما

۸:۵-۷ یا: «جسمانی». ۸:۸، ۹ یا: «جسم».

۸:۹ یا: «تحت اللفظی: «روح»؛ به یونانی پنومیا:

رجوع به واژه نامه: «روح».

۷:۲۳ یا: «تحت اللفظی: «اعضای». ۸:۲ یا: «ظاهراً به روح القدس اشاره می کند. ۸:۴، ۵ یا: «بر حسب جسم».

خدا هستیم. ۱۷ پس اگر فرزندان او هستیم، وارثان او نیز هستیم، یعنی وارثان خدا و هم‌ارث با مسیح؛ زیرا اگر در رنج‌های مسیح سهیم باشیم، همراه با او نیز جلال خواهیم یافت.

۱۸ در نظر من، رنج‌هایی که در زمان حاضر می‌کشیم، در مقایسه با جلالی که در ما آشکار خواهد شد، هیچ است. ۱۹ تمام آفرینش با اشتیاق فراوان در انتظار ظهور پسران خداست؛ ۲۰ زیرا آفرینش تسلیم پوچی و بطلان شد، البته نه به خواست خود، بلکه به خواست خدا که آن را تسلیم کرد، اما با این امید که ۲۱ آفرینش نیز خود از بردگی فساد رهایی خواهد یافت و از آزادی پرجلال فرزندان خدا برخوردار خواهد شد؛ ۲۲ زیرا ما می‌دانیم که تمام آفرینش تاکنون با هم آه و ناله می‌کنند و درد می‌کشند. ۲۳ علاوه بر این، خود ما نیز که از نوبیر میراثمان، یعنی روح برخورداریم، در درون خویش آه و ناله می‌کنیم. در عین حال، با اشتیاق بسیار در انتظار پسرخواندگی هستیم، یعنی روزی که از طریق بهای رهایی* از بدنمان آزاد خواهیم شد؛ ۲۴ زیرا ما با

۲۳:۸ * یا: «فدیه»؛ رجوع به واژه‌نامه: «بهای رهایی».

به سبب گناه مرده است، روح به شما حیات می‌بخشد، چون درستکار* شمرده شده‌اید. ۱۱ حال، اگر روح او که عیسی را از مردگان برخیزانید در شما ساکن باشد، آری او که مسیح عیسی را از مردگان برخیزانید، به بدن‌های فانی شما نیز از طریق روح خود که در شما ساکن است، حیات خواهد بخشید.

۱۲ پس ای برادران، ما مدیونیم، اما دین ما به امیال نفسانی نیست که ناگزیر باشیم بر طبق آن زندگی کنیم؛ ۱۳ زیرا اگر بر طبق امیال نفسانی زندگی کنید، مسلماً خواهید مرد. اما اگر به یاری روح، اعمال گناه‌آلود بدن را بکشید، از حیات برخوردار خواهید شد. ۱۴ در واقع، همه کسانی که با روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدا هستند. ۱۵ شما روح بردگی را دریافت نکرده‌اید تا بار دیگر ترسان شوید، بلکه روح پسرخواندگی را یافته‌اید که ما از طریق آن چنین فریاد برمی‌آوریم: «آیا! ای پدر!» ۱۶ همان روح خدا همراه با روح ما شهادت می‌دهد که ما فرزندان

۱۰:۸ * یا: «عادل». ۱۵:۸ * آیا واژه‌ای به زبان آرامی است که فرزندان برای مخاطب قرار دادن پدرشان استفاده می‌کردند و نشانه صمیمیت و در عین حال احترام است.

نمود، همچنین فراخواند و کسانی را که فراخواند، همچنین درستکار* شمرد. در آخر، کسانی را که درستکار* شمرد، همچنین جلال داد.

۳۱ پس در مورد این امور چه می‌توان گفت؟ اگر خدا با ماست، چه کسی می‌تواند بر ضد ما باشد؟ ۳۲ او که حتی پسر خود را دریغ نداشت، بلکه در راه همه ما تسلیم مرگ نمود، آیا همه چیزهای دیگر را نیز همراه با پسرش با مهربانی به ما نخواهد بخشید؟ ۳۳ چه کسی می‌تواند برگزیدگان خدا را متهم کند؟ هیچ کس! زیرا خداست که آنان را درستکار* می‌شمارد. ۳۴ چه کسی می‌تواند آنان را محکوم کند؟ هیچ کس! زیرا مسیح عیسی است که برای ما شفاعت می‌کند؛ همان که مرد و برخیزانده شد و حال به دست راست خداست.

۳۵ چه کسی یا چه چیزی می‌تواند ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ آیا مصیبت یا عذاب یا آزار؟ آیا گرسنگی یا عریانی؟ آیا خطر یا شمشیر؟ ۳۶ چنان که نوشته شده است: «به خاطر تو تمام روز با مرگ روبرو هستیم؛ همچون گوسفندانی شمرده شده‌ایم که برای کشتار می‌برند.»

۸: ۲۵-۳۰، ۳۳* یا: «عادل».

چنین امیدی نجات یافتیم. اما امیدی که تحقق یافته است، دیگر امید نیست. در واقع، وقتی کسی تحقق آنچه را انتظار می‌کشد ببیند، آیا دیگر می‌تواند به آن امید داشته باشد؟ ۲۵ اما اگر به آنچه نمی‌بینیم امید ببندیم، با اشتیاق بسیار و با پایداری انتظار آن را می‌کشیم.

۲۶ به همین طریق، روح نیز در ضعف‌هایمان به یاری‌مان می‌آید؛ زیرا هرچند نیاز به دعا کردن داریم، نمی‌دانیم برای چه چیز باید دعا کنیم، ولی روح خود با ناله‌هایی که قادر به بیان آن نیستیم،* برای ما شفاعت می‌کند. ۲۷ اما او که دل‌ها را کاوش می‌کند، منظور روح را می‌داند؛ زیرا روح مطابق با خواست خدا برای مقدّسان شفاعت می‌کند.

۲۸ ما می‌دانیم که خدا تمام اعمالش را به گونه‌ای نظم می‌بخشد تا به نفع کسانی باشد که او را دوست می‌دارند و مطابق مقصودش فراخوانده شده‌اند؛ ۲۹ زیرا خدا کسانی را که از ابتدا در نظر داشت، ایشان را همچنین از پیش مقرر نمود که هم‌شکل پسرش باشند تا پسر در میان برادران بسیار فرزند ارشد باشد. ۳۰ به علاوه، کسانی را که از پیش مقرر

۸: ۲۶* یا: «ناله‌های نهفته که به زبان نیاوردیم».

نیستند. ۷ به همین ترتیب، همهٔ کسانی که از نسل ابراهیمند، فرزندان او نیستند؛ بلکه نوشته شده است: «نسلی که به تو وعده داده شد، از طریق اسحاق خواهد آمد.» ۸ پس می‌توان گفت همهٔ کسانی که از نسل ابراهیم به دنیا آمده‌اند، فرزندان خدا محسوب نمی‌شوند، بلکه آنانی که مطابق وعده فرزند شمرده می‌شوند، آن نسل به حساب می‌آیند؛ ۹ زیرا وعده چنین بود: «سال آینده در همین زمان باز خواهم گشت و سارا صاحب پسری خواهد بود.» ۱۰ وعده نه فقط در آن زمان، بلکه همچنین در زمانی داده شده که ربکا از جد ما اسحاق دوقلو آبستن شد. ۱۱ پسران ربکا هنوز به دنیا نیامده بودند و عملی خوب یا بد انجام نداده بودند. اما برای آن که برگزیدن شخص بر طبق خواست* خدا باشد، یعنی از طریق او که فرا می‌خواند و نه بر مبنای اعمال، ۱۲ به ربکا گفته شد: «بزرگ‌تر، کوچک‌تر را بندگی خواهد کرد.» ۱۳ چنان که نوشته شده است: «یعقوب را دوست داشتم، اما از عیسو متنفر بودم.»

۱۴ پس چه می‌توان گفت؟ آیا خدا بی‌انصاف است؟ مسلماً خیر! ۱۵ زیرا

۱۱:۹ * تحت اللفظی: «مقصود».

۳۷ با وجود این، از طریق او که به ما محبت کرد، با پیروزی کامل از همهٔ این‌ها بیرون می‌آیم: ۳۸ زیرا یقین دارم که نه مرگ، نه زندگی، نه فرشتگان، نه حکومت‌ها، نه چیزهای حال، نه چیزهای آینده، نه قدرت‌ها، ۳۹ نه بلندی، نه پستی و نه هیچ مخلوقی دیگر، هیچ یک قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا که در سرورمان مسیح عیسی است، جدا سازد.

۹ من که پیرو مسیح هستم، حقیقت را می‌گویم نه دروغ. وجدانم نیز به هدایت روح القدس گواهی می‌دهد که ۲ در دلم غمی بزرگ و دردی بی‌وقفه دارم: ۳ زیرا حتی حاضر می‌بودم خود به خاطر برادرانم، یعنی هم‌نژادانم ملعون شمرده شوم و از مسیح جدا گردم. ۴ آنان اسرائیلی هستند و به پسرخواندگی فراخوانده شده‌اند. همچنین جلال، عهد‌ها، شریعت، خدمت مقدّس و وعده‌ها از آن ایشان است. ۵ پدران ما از نسل آنانند و مسیح از لحاظ نسب از پدران ما آمد. خدا را که فوق همه است، تا ابد سپاس باد! آمین.

۶ البته، این به آن معنی نیست که کلام خدا تحقق نیافته است؛ زیرا همهٔ کسانی که از نسل اسرائیلند، واقعاً از «اسرائیل»

به موسی می‌گوید: «من به هر که بخواهم رحمت کنم، رحمت خواهم کرد و به هر که بخواهم شفقت کنم، شفقت خواهم کرد.» ۱۶ بنابراین به میل یا تلاش شخص * بستگی ندارد، بلکه به خدایی وابسته است که رحمت دارد؛ ۱۷ زیرا در نوشته‌های مقدس خطاب به فرعون چنین گفته شده است: «من به این خاطر تو را زنده نگاه داشته‌ام تا قدرت خود را از طریق تونشان دهم و نامم در سراسر زمین اعلام گردد.» ۱۸ بنابراین، او به هر که بخواهد رحمت می‌کند، اما هر که را بخواهد می‌گذارد دل خود را سخت سازد.

۱۹ پس به من خواهی گفت: «اگر چنین است، چرا خدا انسان را مقصر می‌داند؟ مگر کسی می‌تواند در مقابل خواست او بایستد؟» ۲۰ اما ای انسان، تو کیستی که از خدا ایراد می‌گیری؟ آیا کوزه به سازنده خود می‌گوید: «چرا مرا اینچنین ساختی؟» ۲۱ آیا کوزه‌گر اختیار ندارد که از یک توده گل، هم ظرفی بسازد که برای کاری پر عزت * استفاده می‌شود و هم ظرفی برای کاری ۱۶:۹ * تحت اللفظی: «پس به آن که می‌خواهد و به آن که می‌دود». ۲۱:۹ * یا: «پراهمیت».

پست؟* ۲۲ ما می‌دانیم خواست خدا این بود که غضب خود را ابراز کند و قدرت خود را آشکار سازد، اما ظروف سزاوار غضب را که برای نابودی آماده شده بودند، با بردباری بسیار تحمل کرد. آیا در مقابل این عمل می‌توان چیزی گفت؟ ۲۳ همچنین اگر خدا چنین کرد تا عظمت جلال خود را بر ظروف شایسته رحمت آشکار سازد، یعنی بر ظروفی که از پیش برای جلال آماده ساخته بود، آن وقت چه؟ ۲۴ این ظروف شایسته رحمت، ما هستیم که نه تنها از میان یهودیان، بلکه از میان غیریهودیان نیز فراخوانده شده‌ایم. ۲۵ او همچنین در کتاب هوشع در این مورد می‌گوید: «کسانی را که قوم من نیستند، (قوم خود)، و او را که دوست نداشتم، (محبوبه خود)، خواهم خواند ۲۶ و در همان جایی که به آنان گفته شد، (شما قوم من نیستید)، آنان (پسران خدای زنده)، خوانده خواهند شد.»

۲۷ به علاوه، اِسْغیا در مورد اسرائیل فریاد برمی‌آورد: «هرچند شمار بنی اسرائیل همچون شمار شن‌های دریا باشد، فقط باقی‌مانده‌ای از آنان نجات خواهند

۱۰ ای برادران، آرزوی قلبی من و التماسی که در دعا از خدا برای قوم اسرائیل می‌کنم، این است که نجات یابند: ۲ زیرا در مورد ایشان گواهی می‌دهم که برای خدا غیرت دارند، اما غیرتشان بر طبق شناخت دقیق نیست. ۳ آنان چون نمی‌دانستند چگونه از دید خدا درستکار* شمرده شوند و خواستند به شیوه خود درستکاری* خویش را ثابت کنند، خود را مطیع آنچه از دید خدا درستکاری* به شمار می‌آید، نمودند؛ ۴ زیرا شریعت با مسیح به اتمام رسید تا هرکس که ایمان ورزد، درستکار* شمرده شود.

۵ موسی در مورد آن درستکاری* که از طریق شریعت حاصل می‌شود، می‌نویسد: «آن که به این امور عمل کند، از طریق آن‌ها حیات خواهد داشت.» ۶ اما در مورد آن درستکاری* که از طریق ایمان حاصل می‌شود، آمده است: «در دل خود مگو (چه کسی به آسمان بالا خواهد رفت؟)، یعنی بالا خواهد رفت تا مسیح را پایین آورد. ۷ یا مگو (چه کسی به چاه بی‌انتهای* پایین خواهد رفت؟)، یعنی پایین خواهد رفت تا مسیح را از میان مردگان بالا آورد.» ۸ اما نوشته‌های مقدس

یافت: ۲۸ زیرا یَهُوَه* به حساب مردم روی زمین رسیدگی خواهد کرد و آن را به سرعت و کاملاً به پایان خواهد رساند.» ۲۹ همچنین همان طور که اِشَعیا پیشگویی کرد: «اگر یَهُوَه* خدای لشکرها* نسلی برای ما باقی نمی‌گذاشت، ما همچون سُندوم می‌شدیم و مانند عَمُوزه می‌گشتیم.»

۳۰ پس چه بگوییم؟ باید گفت که غیریهودیان هرچند در پی درستکاری* نبودند، بر پایه ایمان درستکار* شمرده شدند. ۳۱ اما قوم اسرائیل، هرچند در پی آن بودند که بر پایه شریعت درستکار* شمرده شوند، آن را به دست نیاوردند. ۳۲ به چه دلیل؟ زیرا نه از طریق ایمان، بلکه از طریق اعمال در پی آن بودند. آنان بر آن «سنگ لغزش» لغزش خوردند، ۳۳ چنان که نوشته شده است: «بنگر! در صهیون سنگی می‌نهم که باعث لغزش شود و صخره‌ای که سبب افتادن گردد، اما کسی که ایمانش را بر آن* استوار سازد، مأیوس نخواهد شد.»

۹: ۲۸، ۲۹؛ ۷: ۱۰ رجوع به واژه‌نامه. ۹: ۲۹* منظور لشکرهای آسمانی است. ۹: ۳۰؛ ۳: ۱۰؛ ۵، ۶* یا: «عدالت» ۹: ۳۱، ۳۰؛ ۴: ۱۰؛ ۴* یا: «عادل». ۹: ۳۳* یا: «او».

چه می‌گوید؟ می‌گوید: «این کلام نزدیک تو، در دهان تو و در دل توست.» منظور از «کلام» همان کلام ایمان است که ما موعظه می‌کنیم. ۹ آری، اگر به زبان خود در برابر عموم اعلام کنی که عیسی سرور است و در دل خود ایمان بورزی که خدا او را از میان مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت؛ ۱۰ زیرا با دل است که شخص ایمان می‌ورزد و درستکار* شمرده می‌شود، اما با زبان است که ایمان خود را در برابر عموم اعلام می‌کند و نجات می‌یابد.

۱۱ چنان که در نوشته‌های مقدس آمده است: «هر که ایمان خود را بر او استوار سازد، مایوس نخواهد شد.» ۱۲ پس تفاوتی میان یهودی و یونانی نیست. چون در واقع خداوند* همه یکی است و به همه کسانی که او را می‌خوانند، به‌وفور* برکت می‌دهد؛ ۱۳ زیرا «هر که نام یَهُوه* را بخواند نجات خواهد یافت.» ۱۴ اما چگونه نام او را بخوانند، اگر به او ایمان نیاورده‌اند؟ و چگونه به او ایمان بیاورند، اگر در مورد او چیزی شنیده‌اند؟ و چگونه

۱۰:۱۰ * یا: «عادل». ۱۲:۱۰ * یا احتمالاً: «سرور»؛ به یونانی کوریثوس. * یا: «سخاوتمندانه». ۱۶، ۱۳:۱۰ * رجوع به واژه‌نامه.

بشنوند، اگر کسی به ایشان موعظه نکند؟ ۱۵ و چگونه موعظه کنند، اگر فرستاده نشوند؟ چنان که نوشته شده است: «چه زیباست پاهای آنان که در مورد چیزهای نیکو بشارت می‌دهند!»

۱۶ با این حال، همه آنان بشارت را به گوش نگرفتند؛ زیرا اِشْعیا می‌گوید: «ای یَهُوه*، کیست که به پیام ما* ایمان آورده باشد؟» ۱۷ پس ایمان از شنیدن پیام سرچشمه می‌گیرد و پیام از طریق موعظه در مورد مسیح شنیده می‌شود. ۱۸ اما می‌پرسم، آیا آنان صدای آن پیام‌آوران را شنیدند؟ البته که شنیدند! زیرا «صدای ایشان در سراسر زمین پخش شده و پیامشان تا به دورترین نقاط زمین رسیده است.» ۱۹ ولی باز می‌پرسم، آیا قوم اسرائیل آنچه را که شنیدند، درک نکردند؟ ابتدا موسی می‌گوید: «از طریق کسانی که قومی محسوب نمی‌شوند، غیرت شما را برخوادم انگیخت؛ شما را از طریق قومی نادان به‌شدت خشمگین خواهم ساخت.» ۲۰ سپس، اِشْعیا با شجاعت تمام می‌گوید: «کسانی که مرا جستجو نمی‌کردند، مرا یافتند؛ خود را بر آنان که در پی من نبودند، ۱۶:۱۰ * تحت‌اللفظی: «به آنچه از ما شنید».

۷ پس چه بگوئیم؟ اسرائیل به آنچه مشتاقانه در پی آن بود، دست نیافت، بلکه برگزیدگان به آن دست یافتند. سایرین سختدل گردیدند، ۸ چنان که نوشته شده است: «تا به امروز خدا ایشان را از لحاظ روحانی به خوابی عمیق فرو برده است و به آنان چشمانی داده است که نمی‌بیند و گوش‌هایی که نمی‌شنود.» ۹ داوود نیز می‌گوید: «باشد که سفره‌شان* برای آنان به دام و تله، همچنین به سنگ لغزش و مکافات مبدل گردد. ۱۰ باشد که چشمانشان تیره گردد تا نتوانند ببینند و پشتشان همواره زیر بارهای سنگین خم شود.»

۱۱ پس می‌پرسم که آیا لغزش خوردند و برای همیشه افتادند؟ به هیچ وجه! بلکه به سبب قدم خطای آنان، نجات برای غیریهودیان میسر شده است تا غیرت یهودیان برانگیخته شود. ۱۲ اگر قدم خطای ایشان برکاتی برای دنیا و کم شدن شمار آنان برکاتی برای غیریهودیان به ارمغان آوُزد، کامل شدن شمارشان چه برکات بیشتری خواهد آورد!

۱۳ اکنون روی سخنم با شما غیریهودیان است. من چون رسول

آشکار ساختم. ۲۱ اما در مورد اسرائیل می‌گوئید: «تمام روز، آغوش خود را به روی قومی نافرمان و سختدل باز کرده‌ام.» ۱۱ پس می‌پرسم، آیا خدا قوم خود را رد کرده است؟ به هیچ وجه! زیرا من خود اسرائیلی، از نسل ابراهیم و از طایفه بنیامین هستم. ۲ خدا قوم خویش را که از ابتدا مورد توجه خود قرار داده بود، رد نکرد. آیا نمی‌دانید که نوشته‌های مقدس در مورد ایلِیا* چه می‌گویند؟ این که وقتی او از دست قوم اسرائیل نزد خدا شکایت می‌کرد، گفت: ۳ «ای یَهُوَه*، ایشان انبیای تو را کشته‌اند، مذهب‌های تو را نابود ساخته‌اند و تنها من باقی مانده‌ام و اکنون می‌خواهند جان مرا نیز بگیرند.» ۴ اما پاسخ خدا به او چه بود؟ «من ۷۰۰۰ نفر را برای خود نگاه داشته‌ام که زانوهایشان در مقابل بَعْل خم نشده است.» ۵ به همین شکل، در زمان حاضر نیز باقی‌ماندگانی وجود دارند که از طریق لطف الهی انتخاب شده‌اند. ۶ پس اگر انتخاب آنان از طریق لطف الهی است، دیگر از طریق اعمال نیست؛ وگرنه لطف، دیگر لطف به حساب نمی‌آید.

* ۹:۱۱ منظور سفره قربانی‌هایشان است.

۲:۱۱ * یا: «الیاس». ۳:۱۱ * رجوع به واژه‌نامه.

غیریهودیان هستم، به خدمت خود بسیار افتخار می‌کنم* ۱۴ تا شاید بتوانم به نحوی قوم* خود را به غیرت آورم و برخی از ایشان را نجات دهم؛ ۱۵ زیرا اگر رد شدن آنان سبب آشتی دنیا با خدا می‌شود، بی‌تردید پذیرفته شدنشان موجب خواهد شد که از مرگ به حیات پا گذارند! ۱۶ همچنین اگر آن بخش از توده خمیرکه به عنوان نوبر تقدیم می‌شود، مقدّس باشد، تمام آن خمیر نیز مقدّس است؛ و اگر ریشه مقدّس باشد، شاخه‌ها نیز مقدّس است. ۱۷ اما اگر بعضی از شاخه‌ها بریده شدند و توکه شاخهٔ زیتون وحشی بودی، در میان شاخه‌های دیگر به درخت زیتون پیوند زده شدی و از شیرۀ مقوی ریشه بهره‌مند گردیدی، ۱۸ بر شاخه‌های بریده‌شده فخر مفروش.* اما اگر بر آن‌ها فخر بفروشی،* به خاطر داشته باش این تونیستی که ریشه را استوار نگاه می‌داری، بلکه ریشه است که تو را استوار نگاه می‌دارد. ۱۹ آری، خواهی گفت: «شاخه‌ها بریده شدند تا من پیوند زده شوم.» ۲۰ درست است! اما آن‌ها به خاطر

۱۳:۱۱ * یا: «خدمت خود را معظم می‌دارم». ۱۴:۱۱ * تحت اللفظی: «جسم». ۱۸:۱۱ * یا: «متکبر مشو». * یا: «متکبر شوی».

بی‌ایمانی‌شان بریده شدند، در حالی که تو به خاطر ایمانت استوار ایستاده‌ای. پس مغرور مباش، بلکه بترس؛ ۲۱ زیرا اگر خدا از شاخه‌های طبیعی نگذشت، از تو نیز نخواهد گذشت. ۲۲ پس مهربانی و سختگیری خدا را در نظر داشته باش. سختگیری خدا به کسانی است که دور افتادند، اما مهربانی او به توست، البته به شرط این که در مهربانی او ثابت بمانی. در غیر این صورت تو نیز بریده خواهی شد. ۲۳ اگر آنان نیز از بی‌ایمانی دست بکشند، دوباره پیوند زده خواهند شد؛ زیرا خدا قادر است ایشان را بار دیگر پیوند بزند. ۲۴ اگر تو از درخت زیتون وحشی بریده شدی و برخلاف طبیعت به درخت زیتون اهلی پیوند زده شدی، چقدر بیشتر اینان که شاخه‌های طبیعی هستند، بار دیگر به درخت زیتونی که از آن بریده شدند، پیوند زده خواهند شد! ۲۵ ای برادران، برای آن که خود را دانا نپندارید، می‌خواهم شما را از این راز مقدّس مطلع سازم: برخی اسرائیلیان دچار سختدلی شده‌اند و این تا زمانی خواهد بود که شمار غیریهودیانی که باید داخل شوند، تکمیل گردد. ۲۶ به این شکل تمام اسرائیل نجات خواهد یافت،

کسی از طرز فکر یَهُوه* آگاه است و چه کسی مشاور او بوده است؟» ۳۵ یا «چه کسی پیشقدم شده است که به خدا چیزی بدهد تا بخواهد از او عوض بگیرد؟» ۳۶ زیرا همه چیز از اوست و از طریق اوست و برای اوست. جلال تا ابد بر او باد! آمین.

۱۲ پس ای برادران، بر مبنای رحمت‌های خدا از شما تمنا می‌کنم که بدن‌های خود را همچون قربانی زنده، مقدس و پسندیده خدا به او تقدیم کنید؛ یعنی خدمتی مقدس همراه با قدرت استدلال‌تان. ۲ دیگر هم‌شکل این دنیا* مشوید، بلکه با تازه ساختن ذهن خود دگرگون شوید تا بتوانید خواست نیکو، پسندیده و کامل خدا را تشخیص دهید.*

۳ زیرا از طریق لطفی که نصیب من شده است، به همه شما می‌گویم که خود را برتر از آنچه باید مپندارید، بلکه هر یک به میزان ایمانی که خدا به او داده است، دیدی معقول نسبت به خود داشته باشد؛ ۴ زیرا همان طور که ما در

۳۴:۱۱ * رجوع به واژه‌نامه. ۲:۱۲ * یا: «این عصر؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر». * یا: «تا برای شما ثابت شود که خواست نیکو، مقبول و کامل خدا چیست».

چنان که نوشته شده است: «رهاننده* از صهیون خواهد آمد و اعمال شریر را از یعقوب دور خواهد ساخت. ۲۷ و این است عهد من با ایشان، هنگامی که گناهانشان را از میان برمی‌دارم.» ۲۸ در واقع آنان به دلیل این که بشارت را رد کردند، دشمن خدا محسوب می‌شوند؛ البته این به نفع شما بوده است. اما خدا به دلیل وعده‌ای که به اجدادشان داده بود، برخی از آنان را برگزید که دوستان او محسوب شوند؛ ۲۹ زیرا خدا از دادن عطایا و دعوت نمودن به هیچ وجه پشیمان نخواهد شد. ۳۰ همان طور که شما زمانی از خدا اطاعت نمی‌کردید، اما حال به خاطر نافرمانی یهودیان رحمت یافته‌اید. ۳۱ یهودیان نیز اکنون نافرمان شده‌اند و در نتیجه بر شما رحمت شده است و آنان نیز می‌توانند از همان رحمت برخوردار شوند؛ ۳۲ زیرا خدا گذاشته است که همه آنان در بند نافرمانی بمانند تا بر همه رحمت کند.

۳۳ به‌راستی که دولت و حکمت و علم خدا چه ژرف است و داورهای او حقیقتاً کاوش‌ناپذیر و راه‌های او فوق ادراک! ۳۴ زیرا نوشته شده است: «چه

و نه کاهل.* با شور و حرارتی که روح می‌بخشد، غیور باشید. همچون غلام، یَهُوَه* را خدمت کنید. ۱۲ به سبب امیدتان شاد باشید. در سختی‌ها پایداری کنید. در دعا پشتکار داشته باشید. ۱۳ در رفع احتیاجات مقدّسان سهیم شوید. سعی کنید همواره مهمان‌نواز باشید. ۱۴ برای کسانی که شما را آزار می‌رسانند، پیوسته برکت بطلبید؛ آری، برکت بطلبید و لعنت نکنید. ۱۵ با کسانی که شادمانند، شادی کنید و با کسانی که گریانند، گریه کنید. ۱۶ همان طرز فکری را نسبت به دیگران داشته باشید که نسبت به خود دارید؛ ذهن خود را بر افکار متکبرانه متمرکز سازید، بلکه تواضع را طریق خود قرار دهید. خود را دانا مپندارید.

۱۷ بدی را با بدی پاسخ مدهید. آنچه در نظر همگان نیکوست، مد نظر داشته باشید. ۱۸ اگر ممکن است تا جایی که به شما بستگی دارد، بکوشید با همه در صلح و صفا باشید. ۱۹ ای عزیزان، انتقام مگیرید، بلکه آن را به غضب خدا واگذارید؛ زیرا نوشته شده است که

۱۱:۱۲ *یا: «و وقت خود را به بطالت مگذرانید».

* رجوع به واژه‌نامه.

یک بدن اعضای بسیار داریم و کار همه این اعضا یکسان نیست، ۵ ما نیز هرچند بسیاریم، یک بدن را در اتحاد با مسیح تشکیل می‌دهیم و هر یک از ما عضوی از اعضای یکدیگریم. ۶ به سبب لطفی که نصیب ما شده است، از عطایایی متفاوت برخورداریم. پس اگر آن عطیه نبوّت است، بیایید متناسب با ایمانمان نبوّت کنیم. ۷ اگر آن عطیه خدمت است، بیایید آن خدمت را انجام دهیم. آن که تعلیم می‌دهد، همچنان تعلیم دهد. ۸ آن که تشویق* می‌کند، همچنان تشویق* کند. آن که عطا* می‌کند، همچنان با سخاوت عطا* کند. آن که هدایت می‌کند،^۵ همچنان با جدّیت^۵ به این کار پردازد و آن که رحمت می‌کند، همچنان با شادی چنین کند.

۹ محبت شما بی‌ریا باشد. از بدی نفرت داشته باشید و به نیکویی محکم پیوندید.* ۱۰ با محبت برادرانه یکدیگر را از صمیم دل دوست داشته باشید. در حرمت گذاشتن به یکدیگر پیشقدم شوید.* ۱۱ سخت‌کوش* باشید

۸:۱۲ *یا: «ترغیب». *یا: «اعانه». ^۵یا: «آن که اداره‌کننده است». ^۵یا: «سخت‌کوشی».

۹:۱۲ *یا: «بچسبید». ۱۰:۱۲ *یا: «از هم پیشی گیرید». ۱۱:۱۲ *یا: «غیور».

«يَهُوه* می‌گوید: «انتقام از آن من است؛ من شخص را به سزای اعمالش خواهم رساند.» ۲۰ برعکس، «اگر دشمنت گرسنه است، به او خوراک بده؛ اگر تشنه است به او چیزی برای نوشیدن بده؛ زیرا اگر چنین کنی زغال‌های افروخته بر سرش خواهی انباشت.» ۲۱ مگذار مغلوب بدی شوی، بلکه همواره بدی را با نیکویی مغلوب ساز.

۱۳ هر کس باید از قدرت‌های حاکم فرمانبرداری کند؛ زیرا بدون اجازه خدا، هیچ قدرتی نمی‌تواند وجود داشته باشد. البته خدا به قدرت‌های موجود اختیاراتی نسبی داده است. ۲ پس هر که با قدرتی مخالفت ورزد، در واقع با آنچه خدا ترتیب داده است، مخالفت ورزیده است. آری، کسانی که چنین می‌کنند، خود را محکوم خواهند ساخت؛ ۳ زیرا نیکوکاران ترسی از حاکمان ندارند، اما بدکاران از آنان می‌ترسند. آیا می‌خواهی که ترسی از صاحب قدرت نداشته باشی؟ پس همواره اعمال نیک انجام بده و مورد تحسین او

۱۹:۱۲ رجوع به واژه‌نامه. ۲۰:۱۲ *منظور نرم ساختن شخص و به اصطلاح ذوب کردن دل سخت اوست.

قرار خواهی گرفت؛ ۴ زیرا خدمتگزار خداست تا برای مصلحت تو عمل کند. اما اگر عمل بد انجام دهی، بترس؛ زیرا شمشیر را بی‌جهت حمل نمی‌کند. خدمتگزار خداست، انتقام‌گیرنده‌ای که غضب خدا را بر کسانی می‌آورد* که بدی پیشه می‌کنند.

۵ پس شما باید از آن قدرت‌ها فرمانبرداری کنید، البته نه فقط به خاطر آن غضب، بلکه همچنین به خاطر وجدان خود. ۶ به همین سبب نیز شما مالیات می‌پردازید؛ زیرا حاکمان، خدمتگزاران خدا هستند که پیوسته به مردم خدمت می‌کنند. ۷ پس حق هر کس را به او ادا کنید: اگر حق دارد مالیات بگیرد، مالیات بپردازید؛ اگر حق دارد خراج بگیرد، خراج بدهید؛ اگر مستحق احترام* است، احترام* بگذارید. و اگر سزوار حرمت است، حرمت نهید. ۸ هیچ دینی به کسی نداشته باشید، جز این که به یکدیگر محبت کنید، چون هر کس که به ممنوع خود محبت کند، در واقع شریعت را به جا آورده است؛ ۹ زیرا احکامی همچون «زنا مکن، قتل

۴:۱۳ *یا: «که کسانی را کیفر می‌دهد». ۷:۱۳ *تحت اللفظی: «ترس».

در برکنید* و از پیش، در فکر این نباشید که چگونه امیال نفسانی خود را ارضا کنید.

۱۴ شخصی را که ایمانی ضعیف دارد، بپذیرید، اما از دیدگاه‌های متفاوت ایراد مگیرید.* ۲ ایمان یکی به او اجازه می‌دهد همه چیز بخورد، اما آن که ایمانش ضعیف است، فقط سبزیجات می‌خورد. ۳ آن که همه چیز می‌خورد، نباید کسی را که هر غذایی نمی‌خورد، حقیر بشمارد و آن که هر غذایی نمی‌خورد، نباید کسی را که همه چیز می‌خورد، محکوم کند؛ زیرا خدا او را پذیرفته است. ۴ تو کیستی که در مورد خدمتگزار شخصی دیگر قضاوت می‌کنی؟ برپا ماندن یا افتادن او به اربابش مربوط می‌شود. البته برپا نیز خواهد ماند؛ زیرا *يَهُوه** قادر است او را برپا نگاه دارد.

۵ کسی هست که یک روز را از روز دیگر مقدس‌تر می‌شمارد؛ دیگری همه روزها را برابر می‌داند؛ هر یک باید در ذهن خود کاملاً مطمئن باشد. ۶ آن که روزی خاص را بزرگ می‌شمارد، آن را برای

مکن، دزدی مکن، طمع موز» و هر حکم دیگری که وجود دارد، همه در این کلام خلاصه می‌شود: «همسایه‌ات* را همچون خویشتن دوست بدار.»* ۱۰ کسی که همسایه* خود را دوست می‌دارد، به او بدی نمی‌کند؛ از این رو، شریعت از طریق محبت به تحقق می‌رسد.

۱۱ پس شما چنین کنید؛ زیرا می‌دانید که در چه دورانی به سر می‌برید، آری می‌دانید هم‌اکنون ساعت آن رسیده است که از خواب بیدار شوید، چون اکنون نجات ما نزدیک‌تر از آن زمانی است که ایمان آوردیم. ۱۲ شب تقریباً به پایان رسیده و روز نزدیک شده است. پس بیاید کارهایی را که به تاریکی تعلق دارد، از خود دور کنیم و زره نور را بپوشیم. ۱۳ بیاید همچون کسی که در روشنایی روز گام برمی‌دارد، به نحوی شایسته رفتار کنیم و از مهمانی‌های همراه با بی‌بندوباری،* مستی، شهوترانی، رفتار بی‌شرمانه* و از نزاع و حسادت بپرهیزیم. ۱۴ در عوض، سرور خود عیسی مسیح را

۱۳: ۹، ۱۰* «همسایه» ترجمه واژه‌ای یونانی است که به مفهوم هم‌نوع نیز می‌باشد. ۹: ۱۳* «محبت کن». ۱۳: ۱۳* «یا: «از عیاشی‌ها». * یا: «رفتار وقیحانه»: حالت جمع واژه یونانی *آسلگیا*: رجوع به واژه‌نامه: «رفتار بی‌شرمانه».

۱۴: ۱۳* «یا: «خصوصیات سرور خود عیسی مسیح را سرمشق قرار دهید». ۱۴: ۱* «یا احتمالاً: «اما در مورد تردیدهای شخصی قضاوت مکنید». ۱۴: ۴* رجوع به واژه‌نامه.

یَهُوه* بزرگ می‌شمارد. همچنین آن که همه چیز می‌خورد، برای یَهُوه* می‌خورد؛ زیرا خدا را شکر می‌گوید. آن که هر غذایی نمی‌خورد، برای یَهُوه* نمی‌خورد و او نیز خدا را شکر می‌گوید. ۷ در واقع، هیچ یک از ما تنها برای خود زندگی نمی‌کند و هیچ یک از ما تنها برای خود نمی‌میرد؛ ۸ زیرا اگر زندگی می‌کنیم، برای یَهُوه* زندگی می‌کنیم و اگر بمیریم، برای یَهُوه* می‌میریم. پس خواه زندگی کنیم و خواه بمیریم، از آن یَهُوه* هستیم. ۹ مسیح نیز به همین خاطر مرد و به زندگی بازگشت تا سرور مردگان و زندگان باشد.

۱۰ اما چرا برادر خود را محکوم می‌کنی؟ چرا برادر خود را حقیر می‌شماری؟ زیرا همه ما در مقابل مسند داوری خدا خواهیم ایستاد. ۱۱ چون نوشته شده است: «یَهُوه* می‌گوید: به حیات خود قسم که هر زانویی در برابر من خم خواهد شد و هر زبانی اقرار خواهد کرد که من خدا هستم.» ۱۲ پس هر یک از ما حساب خود را به خدا خواهد داد.

۱۳ بنابراین، بیایید از این پس یکدیگر را محکوم نکنیم، بلکه مصمم باشیم که سنگ لغزش یا مانعی در مقابل

برادر خود نگذاریم. ۱۴ من از طریق عیسای سرور می‌دانم و یقین دارم که هیچ چیز به خودی خود ناپاک نیست؛ تنها اگر کسی چیزی را ناپاک بشمارد، در نظر او ناپاک خواهد بود. ۱۵ اگر برادرت به سبب غذایی که می‌خوری رنجیده شود، دیگر مطابق محبت رفتار نمی‌کنی. با غذای خود برادرت را که مسیح برای او مرد، هلاک مساز. ۱۶ پس، مگذارید در مورد نیکوکاری شما، بدگفته شود؛ ۱۷ زیرا پادشاهی خدا به مفهوم خوردن و نوشیدن نیست، بلکه به مفهوم برخورداری شدن از درستکاری،* شادی و آرامشی است که از طریق روح القدس به دست می‌آید. ۱۸ در واقع هر که بدین گونه همچون غلام برای مسیح خدمت کند، خدا را خشنود می‌سازد و مورد رضایت مردم نیز قرار می‌گیرد.

۱۹ بنابراین، بیایید در پی آنچه باعث برقراری صلح و بنای یکدیگر می‌شود، باشیم. ۲۰ دیگر کار خدا را برای غذا خراب مساز. درست است که همه چیز پاک است، اما اگر کسی هر غذایی را که موجب لغزش دیگری می‌شود، بخورد، به خود آسیب می‌رساند.* ۲۱ بهترین راه

۱۷:۱۴ * یا: «عدالت». ۲۰:۱۴ * یا: «مرتکب عملی

نوشته‌های مقدس به ما دلگرمی می‌دهد و همچنین ما را یاری می‌کند تا پایدار بمانیم. ۵ اکنون خدایی که پایداری و دلگرمی می‌بخشد، شما را یاری رساند تا در میان خود همان طرز فکری را داشته باشید که مسیح عیسی داشت. ۶ آنگاه همه شما خواهید توانست یکدل و یکزبان، خدا و پدر سرورمان عیسی مسیح را تمجید کنید.

۷ پس همان طور که مسیح شما را پذیرفت، شما نیز یکدیگر را برای جلال خدا بپذیرید؛ ۸ زیرا به شما می‌گویم که مسیح خدمتگزار یهودیان* شد تا درستی گفته‌های خدا و درستی وعده‌هایی را که او به پدرانشان داده بود، ثابت کند. ۹ او همچنین آمد تا غیریهودیان، خدا را به خاطر رحمتش تمجید کنند. چنان که نوشته شده است: «از این رو، من تو را در میان ملت‌ها آشکارا تصدیق خواهم کرد و در وصف نام تو سرودهای حمد خواهم سرایید.» ۱۰ بار دیگر می‌گوید: «ای ملت‌ها، با قوم او شادی کنید.» ۱۱ همچنین می‌گوید: «ای همه ملت‌ها، یهوه* را حمد و ستایش کنید

۱۱:۱۵ ۸:۱۵ * تحت‌اللفظی: «ختنه‌شدگان».

* رجوع به واژه‌نامه.

این است که از خوردن گوشت یا نوشیدن شراب یا هر کار دیگری که باعث لغزش برادرت می‌شود، پرهیز کنی. ۲۲ اعتقادی را که در این مورد داری، بین خود و خدا حفظ کن. خوشا به حال آن که به خاطر انجام دادن آنچه در نظرش درست است، خود را محکوم و سرزنش نکند. ۲۳ اما اگر در مورد خوردن غذایی شک داشته باشد و با این حال آن را بخورد، محکوم می‌شود؛ زیرا بر مبنای ایمان نخورده است. به‌راستی که هر آنچه بر مبنای ایمان نباشد، گناه محسوب می‌شود.

۱۵ اما ما که قوی هستیم، باید ضعف‌های ناتوانان را متحمل شویم و به دنبال خشنودی خود نباشیم. ۲ بیاید هر یک از ما همسایه* خود را در آنچه برای او مفید است، خشنود سازد و به این ترتیب او را بنا کند؛ ۳ زیرا حتی مسیح نیز به دنبال خشنودی خود نبود، چنان که نوشته شده است: «اهانت‌های کسانی را که به تو اهانت می‌کنند، متحمل شده‌ام.» ۴ در واقع هر آنچه در گذشته نوشته شد، برای تعلیم ما بوده است و به ما امید می‌بخشد؛ زیرا این

۲:۱۵ * «همسایه» ترجمه واژه‌ای یونانی است که

به مفهوم ممنوع نیز می‌باشد.

و همهٔ قوم‌ها او را حمد و ستایش کنند!»
 ۱۲ اِسْعٰیٰا نیز می‌گوید: «ریشهٔ پَسای نمایان خواهد شد، همان که برای حکمرانی بر ملت‌ها برخواهد خاست؛ ملت‌ها به او امید خواهند بست.» ۱۳ باشد که خدای امیدبخش، با توگلی که به او دارید، شما را از شادی و آرامش کامل پر سازد تا امیدتان با قدرت روح القدس، روزبه‌روز بیشتر شود.*
 ۱۴ حال ای برادران، من خود کاملاً اطمینان دارم که شما خود نیز از نیکویی و شناخت کامل پر هستید و قادرید به یکدیگر پند دهید.* ۱۵ اما من در مورد چند موضوع، با صراحت بیشتری به شما نوشته‌ام تا آن‌ها را بار دیگر به شما یادآوری کنم؛ زیرا خدا این لطف را به من عطا کرده است ۱۶ که خدمتگزار مسیح عیسی برای غیریهودیان باشم. من به خدمت مقدس بشارت خدا مشغولم تا غیریهودیان هدیه‌ای پسندیده برای خدا باشند؛ هدیه‌ای که با روح القدس تقدیس شده است.

۱۷ بنابراین، من که یکی از پیروان مسیح عیسی هستم، به خدمتی که برای خدا انجام می‌دهم، افتخار می‌کنم؛

۱۳:۱۵ * یا: «از امید لبریز شوید». ۱۴:۱۵ * یا: «آموزش دهید».

۱۸ زیرا به خود اجازه نمی‌دهم که در مورد چیزی سخن بگویم، جز آنچه مسیح از طریق من برای مطیع ساختن غیریهودیان کرده است. او این کار را از طریق گفته‌ها و اعمال من، ۱۹ همچنین به قدرت نشانه‌ها و معجزات* و به نیروی روح خدا انجام داده است. در نتیجه توانسته‌ام از اورشلیم تا ایالت ایلیریوم را دور زده، به طور کامل در مورد مسیح بشارت دهم. ۲۰ من این را هدف خود ساختم تا در جایی که نام مسیح شناخته شده است، بشارت را اعلام نکنم، مبدا بر بنیادی بنا نمایم که کسی دیگر نهاده است. ۲۱ چنان که نوشته شده است: «آنانی که در مورد او بی‌اطلاع بودند، خواهند دید و آنانی که نشنیده بودند، خواهند فهمید.»

۲۲ به همین دلیل، بارها خواستم نزد شما بیایم، ولی موفق نشدم. ۲۳ اما حال، دیگر در این منطقه‌ها جایی نیست که در آن موعظه نکرده باشم و سال‌هاست* که مشتاق آمدن نزد شما هستم. ۲۴ از این رو، امیدوارم هنگام سفرم به اسپانیا، از شما دیدار کنم و پس از این که مدتی از معاشرت با شما لذت بردم، شما مرا در

۱۹:۱۵ * یا: «عجایب: آیات». ۲۳:۱۵ * یا احتمالاً: «چند سال است».

راه سفرم به اسپانیا تا مسافتی بدرقه کنید. ۲۵ اما اکنون عازم سفر به اورشلیم هستم تا به مقدّسانِ آنجا خدمت کنم؛ ۲۶ زیرا برادران در مقدونیه و آخائیه با خشنودی، بخشی از دارایی خود را به مقدّسانی که در اورشلیم در تنگدستی هستند، اعانه کرده‌اند. ۲۷ درست است که دادن این اعانات مایهٔ خشنودی این برادران بود، اما در واقع آنان مدیون مقدّسان در اورشلیم بودند؛ زیرا اگر غریبه‌ودیان در برکات روحانی آن مقدّسان سهیم شدند، مدیونند که با اموال خود به ایشان خدمت کنند. ۲۸ پس، بعد از آن که این کار را به انجام رساندم و اطمینان حاصل کردم که این اعانه* به دست آنان رسیده است، راهی اسپانیا خواهم شد و در سر راه از شما دیدن خواهم کرد. ۲۹ علاوه بر این، می‌دانم که وقتی نزد شما بیایم، با برکات فراوان مسیح خواهم آمد.

۳۰ اکنون ای برادران، از طریق سرورمان عیسی مسیح و محبتی که از روح سرچشمه می‌گیرد، از شما خواهش می‌کنم که با سعی تمام برای من به درگاه خدا دعا کنید ۳۱ تا در یهودیه از دست بی‌ایمانان رهایی یابم و خدمتم در اورشلیم مورد

۲۸:۱۵ * تحت اللفظی: «ثمره».

قبول مقدّسانِ آنجا قرار گیرد. ۳۲ پس اگر خواست خدا باشد، با شادی نزد شما خواهم آمد و در کنار شما نیرویی تازه خواهم یافت. ۳۳ خدایی که صلح و آرامش می‌بخشد، با همهٔ شما باشد! آمین. ۱۶ خواهرمان فیبی را به شما معرفی می‌کنم* که یکی از خدمتگزاران جماعت در شهر کِنِخْرِیه است. ۲ او را به عنوان یکی از پیروان سرور و آن گونه که شایستهٔ مقدّسان است، بپذیرید و در هر موردی که به کمک نیاز دارد، او را یاری رسانید؛ زیرا همچنین ثابت کرده است که حامی بسیاری، از جمله من بوده است.

۳ سلام مرا به پریسکا* و آکیلا که در خدمت به مسیح عیسی همکاران من هستند، برسانید. ۴ آنان جان* خود را در راه من به خطر انداختند. از این رو، نه تنها من، بلکه تمامی جماعت‌های غریبه‌ودیان نیز از ایشان سپاسگزارند. ۵ همچنین به جماعتی که در خانهٔ آنان است، سلام گوید. به دوست عزیز من، اپائینتوس که در میان نخستین کسانی بود که در ایالت آسیا به مسیح ایمان آوردند،

۱:۱۶ * یا: «توصیه می‌کنم». ۳:۱۶ * «پریسکیلا» نیز خوانده شده است. ۴:۱۶ * تحت اللفظی: «گردن».

پاتروباس، هرماس و به برادرانی که با آنان هستند، سلام گوید. ۱۵ به فیلولوگوس و یولیا، به نیریاس و خواهرش، به آلیمپاس و همهٔ مقدّسانی که با ایشان هستند، سلام برسانید. ۱۶ همدیگر را با بوسه‌ای مقدّس سلام گوید. همهٔ جماعت‌های مسیح به شما سلام می‌رسانند.

۱۷ ای برادران، از شما تمنا می‌کنم مراقب کسانی باشید که برخلاف تعلیمی که گرفته‌اید، سبب جدایی و لغزش می‌شوند؛ از آنان دوری کنید؛ ۱۸ زیرا چنین کسانی غلام سرور ما مسیح نیستند، بلکه بردهٔ خواهش‌های* خود هستند و با سخنانی خوشایند و تملّق‌آمیز دل‌های ساده‌لوحان را می‌فریبند. ۱۹ خبر اطاعت شما به گوش همه رسیده است. از این رو، شما مایهٔ شادی من هستید. اما از شما می‌خواهم که در نیکویی خردمند باشید و در بدی بی‌تجربه و ناآگاه. ۲۰ خدا که صلح و آرامش می‌بخشد، به‌زودی شیطان را زیر پاهای شما له خواهد کرد. لطف سرورمان عیسی با شما باد!

۲۱ همکار من تیموتائوس و همچنین خویشاوندان من لوکیوس، یاسون و سوسیپاتروس به شما سلام می‌رسانند.

۱۶:۱۸ * یا: «شکم‌های».

سلام برسانید. ۶ به مریم که برای شما زحمت بسیار کشیده است، سلام برسانید. ۷ به آندرونیکوس و یونیاس که از خویشان من هستند و با من در زندان بودند، سلام گوید. آنان نزد رسولان از شهرتی خوب برخوردارند و پیش از من در اتحاد با مسیح بوده‌اند.

۸ به آمپلیاتوس که در اتحاد با سرور، برادر عزیز من است، سلام برسانید. ۹ به اوربانوس که در راه خدمت به مسیح همکارمان است و به دوست عزیزم استاخیس سلام گوید. ۱۰ به آپلیس که وفاداری خود را به مسیح ثابت کرده است و همچنین به اهل خانهٔ آریستوبولس سلام گوید. ۱۱ به خویشان من هیرودیون و نیز به اهل خانهٔ ناریکسوس که از پیروان سرور هستند، سلام برسانید. ۱۲ به تریفینا و تریفوسا سلام گوید؛ زنانی که در راه خدمت به سرور زحمت بسیار می‌کشند. به دوست عزیزم پرسیس سلام برسانید؛ زنی که در راه خدمت به سرور بسیار تلاش کرده است. ۱۳ به روفس که سرور او را برگزیده است و به مادرش که برای من نیز مثل یک مادر بوده است، سلام برسانید. ۱۴ به آسینکریتوس، فلیگون، هرمس،

۲۵ خدا قادر است شما را طبق موعظهٔ پیام عیسی مسیح و بشارتی که اعلام می‌کنم، استوار گرداند؛ بشارتی که مطابق با مکشوف شدن آن راز مقدس است که از زمان‌های قدیم مخفی نگاه داشته شده بود. ۲۶ اما آن راز، حال آشکار شده است و از طریق نوشته‌های انبیا، مطابق با فرمان خدای ابدی، در میان همهٔ قوم‌ها اعلام شده است تا آنان ایمان بیاورند و از او اطاعت کنند. ۲۷ برخدا که به‌تنهایی حکیم است، از طریق عیسی مسیح تا ابد جلال باد! آمین.

۲۲ من، تِرتیوس که این نامهٔ پولس را به تحریر درآوردم، در اتحاد با سرور به شما سلام می‌گویم.

۲۳ گایوس که میزبان من* و تمام جماعت است، به شما سلام می‌رساند. اِراستوس که خزانه‌دار* شهر است و برادر او کوآرتوس نیز به شما سلام می‌گویند. ۲۴*

۲۲:۱۶* منظور پولس است. *یا: «مباشر». ۲۴:۱۶* چون این آیه در برخی از دست‌نوشته‌های کهن موجود نیست، جزو نوشته‌های الهامی محسوب نمی‌شود.

نامهٔ اول پولس به

قرن‌تیا

فهرست محتوا

- | | | |
|---|---|---|
| ۱ | سلام‌ها (۳-۱) | انسان روحانی در مقایسه با انسان
نفسانی (۱۶-۱۱) |
| ۳ | پولس از بابت قرن‌تیا خدا را سپاس
می‌گوید (۹-۴) | قرن‌تیا هنوز افرادی نفسانی‌اند (۴-۱) |
| | ترغیب به اتحاد (۱۷-۱۰) | خدا رشد و نمو می‌بخشد (۹-۵) |
| | مسیح قدرت خدا و حکمت
خداست (۲۵-۱۸) | همکاران خدا (۹) |
| | «آن که فخر می‌کند، به یهو فخر
کند» (۳۱-۲۶) | بنا کردن با مصالح نسوز (۱۵-۱۰) |
| ۲ | موعظهٔ پولس در قرن‌تس (۵-۱) | شما معبد خدایید (۱۷، ۱۶) |
| | برتری حکمت خدا (۱۰-۶) | حکمت این دنیا در نظر خدا جهالت
است (۲۳-۱۸) |
| ۴ | | کارگزار باید امین باشد (۵-۱) |

- تواضع خادمان مسیحی (۱۳-۶)
 «از آنچه نوشته شده است فراتر
 مروید» (۶)
 مسیحیان در میدان نمایش (۹)
 پولُس به فرزندان روحانی‌اش توجه
 دارد (۲۱-۱۴)
 ۵ موردی از عمل نامشروع جنسی در
 جماعت (۵-۱)
 کمی خمیرمایه تمام خمیر را وُر
 می‌آورد (۸-۶)
 شریر را از میان خود بیرون کنید (۱۳-۹)
 ۶ شکایت از برادر مسیحی در محکمه
 بی‌ایمانان (۸-۱)
 کسانی که پادشاهی خدا را به میراث
 نمی‌برند (۱۱-۹)
 خدا را در بدن خود جلال دهید (۲۰-۱۲)
 «از اعمال نامشروع جنسی
 بگریزد» (۱۸)
 ۷ پندهایی برای مجردان و متأهلان (۱۶-۱)
 در وضعیتی که فراخوانده شده‌اید،
 بمانید (۲۴-۱۷)
 مجردان و بیوه‌زنان (۴۰-۲۵)
 مزایای تجرد (۳۵-۳۲)
 ازدواج «تنها با کسی که پیرو سترو
 است» (۳۹)
 ۸ در مورد خوراک‌های تقدیم‌شده به
 بت‌ها (۱۳-۱)
 برای ما یک خدا وجود دارد (۵، ۶)
 ۹ نمونه پولُس در مقام رسول (۲۷-۱)
 «به گاوی که خرمن می‌کوبد،
 دهان‌بند میند» (۹)
 «وای بر من اگر بشارت را اعلام
 نکنم!» (۱۶)
- برای همه کس، همه چیز شدم تا
 برخی را نجات دهم (۲۳-۱۹)
 خویشنداری در مسابقه
 زندگی (۲۷-۲۴)
 ۱۰ نمونه‌های هشدارآمیز از تاریخ
 اسرائیلیان (۱۳-۱)
 هشدار در مورد بت‌پرستی (۲۲-۱۴)
 سفرهٔ یهوه، سفرهٔ دیوها (۲۱)
 آزادی و توجه به وجدان دیگران (۲۳-۲۳)
 همه کار را برای جلال خدا
 بکنید (۳۱)
 ۱۱ «ما سرمشق قرار دهید» (۱)
 اصل سترویی و پوشاندن سر (۱۶-۲)
 برگزاری مراسم شام سترو (۳۴-۱۷)
 ۱۲ عطایای روح (۱۱-۱)
 یک بدن، اعضای بسیار (۳۱-۱۲)
 ۱۳ محبت، بهترین طریق است (۱۳-۱)
 ۱۴ عطیهٔ نبوت کردن و سخن گفتن به
 زبان‌ها (۲۵-۱)
 نظم و ترتیب در جلسات مسیحی (۴۰-۲۶)
 موقعیت زن در جماعت (۲۵، ۳۴)
 ۱۵ رستاخیز مسیح (۱۱-۱)
 رستاخیز شالودهٔ ایمان (۱۹-۱۲)
 رستاخیز مسیح ضمانتی است (۳۴-۲۰)
 بدن‌های زمینی، بدن‌های
 آسمانی (۴۹-۳۵)
 فناناپذیری و فسادناپذیری (۵۷-۵۰)
 در کار خداوند بسیار فعال باشید (۵۸)
 ۱۶ جمع‌آوری اعانات برای مسیحیان
 اورشلیم (۴-۱)
 برنامهٔ سفر پولُس (۹-۵)
 برنامهٔ دیدار تیموتائوس و آپولُس (۱۲-۱۰)
 سفارش‌ها و سلام‌ها (۲۴-۱۳)

از طرف پولُس که به خواست خدا فراخوانده شد تا رسول مسیح عیسی باشد و از طرف برادرمان سوسِتنیس، ۲ به جماعت خدا که در قُرنتُس است، به شما که در اتحاد با مسیح عیسی تقدیس شده‌اید، آری فراخوانده شده‌اید که از مقدّسان باشید، همچنین به تمام کسانی که در همه جا نام سِرورمان عیسی مسیح را می‌خوانند که سِرور ما و سِرور ایشان نیز است:

۳ لطف و آرامش از طرف پدرمان خدا و سِرورمان عیسی مسیح با شما باد!

۴ من همواره خدای خود را از بابت شما سپاس می‌گویم که لطف او از طریق مسیح عیسی به شما عطا شده است: ۵ زیرا شما به سبب اتحادتان با او، از هر نظر غنی شده‌اید؛ یعنی در بیان، توانایی کامل یافته‌اید و در شناخت، پربار گشته‌اید ۶ و این نشان می‌دهد که آنچه در مورد مسیح به شما شهادت داده شد، در میان شما ریشه گرفته است. ۷ از این رو، در حالی که مشتاقانه ظهور* سِرورمان عیسی مسیح را انتظار می‌کشید، از هیچ موهبتی محروم نیستید. ۸ خدا همچنین شما را تا به آخر استوار خواهد ساخت

تا در روز سِرورمان عیسی مسیح، از هر اتهامی مبرا باشید. ۹ خدا امین است؛ اوست که شما را به رفاقت* با پسر خود، سِرورمان عیسی مسیح فراخوانده است. ۱۰ ای برادران، به نام سِرورمان عیسی مسیح شما را ترغیب می‌کنم که همگی در سخن وحدت داشته باشید و در میانتان تفرقه نباشد، بلکه کاملاً در اندیشه و طرز فکر متحد باشید: ۱۱ زیرا ای برادران من، برخی از اهالی خانهٔ خلوئه دربارهٔ شما به من خبر داده‌اند که در میانتان نفاق‌هایی وجود دارد. ۱۲ منظور من این است که یکی در میان شما می‌گوید: «من به پولُس تعلّق دارم.» دیگری می‌گوید: «اما من به آپولُس متعلّقم.» یکی دیگر می‌گوید: «اما من به کیفا* تعلّق دارم.» یکی نیز می‌گوید: «اما من از آن مسیح هستم.» ۱۳ آیا مسیح تقسیم شده است؟ آیا پولُس بود که برای شما بر تیر اعدام شد؟ آیا شما به نام پولُس تعمید گرفتید؟ ۱۴ شکر خدا که من غیر از کریسپوس و گایوس، هیچ یک از شما را تعمید ندادم ۱۵ تا کسی نتواند بگوید که شما به نام من تعمید گرفتید. ۱۶ البته اهل خانهٔ استفاناس را نیز تعمید دادم. اما به خاطر نمی‌آورم که

۷:۱ * یا: «مکشف شدن».

۹:۱ * یا: «برای شراکت». ۱۲:۱ * نام دیگر پطرس.

۲۲ زیرا یهودیان به دنبال نشانه‌ها و یونانیان در پی حکمتند، ۲۳ اما ما موعظه می‌کنیم که مسیح بر تیر اعدام شد و این برای یهودیان سبب لغزش و برای غیریهودیان جهالت است. ۲۴ با این همه، مسیح برای آنان که فراخوانده شده‌اند، چه یهودی و چه یونانی، قدرت خدا و حکمت خداست؛ ۲۵ زیرا آنچه از خداست و جهالت محسوب می‌شود، حکیمان‌تر از حکمت انسان است و آنچه از خداست و ناتوانی محسوب می‌شود، قوی‌تر از قدرت انسان است.

۲۶ زیرا ای برادران، می‌بینید که در میان شما که فراخوانده شده‌اید، افراد زیادی نیستند که از دید انسان‌ها* حکیم محسوب شوند، همچنین اکثر شما قدرتمند یا والاتبار* نیستید. ۲۷ اما خدا آنچه را دنیا جهالت می‌داند، برگزید تا حکیمان را شرمسار سازد، همچنین خدا آنچه را دنیا ناتوان می‌داند، برگزید تا آنچه را قدرتمند است، شرمنده سازد. ۲۸ و خدا آنچه را دنیا بی‌اهمیت و حقیر می‌شمارد، یعنی آنچه مردم هیچ می‌شمارند،* برگزید تا آنچه را

۲۶:۱ *تحت اللفظی: «بر حسب جسم»؛ یا: «با معیارهای بشری». ۲۸:۱ *یا: «خانواده‌های سرشناس». ۲۸:۱ *یا: «یعنی نیستی‌ها را».

کسی دیگر را تعمیم داده باشم؛ ۱۷ زیرا مسیح مرا فرستاد، نه برای تعمیم دادن، بلکه برای اعلام بشارت و نه با سخنان حکیمان،* مبادا تیر شکنجه* مسیح بی‌فایده شود.

۱۸ زیرا آن پیام که در مورد تیر شکنجه* است، برای کسانی که در راه نابودی پیش می‌روند، حماقت است، اما برای ما که در راه نجات گام برمی‌داریم، قدرت خداست. ۱۹ چون نوشته شده است: «من حکمت خردمندان را نابود خواهم کرد و اندیشه اندیشمندان را رد خواهم نمود.»* ۲۰ در این نظام حاضر،* خردمند کجاست؟ عالم دین* کجاست؟ آنان که مباحثه می‌کنند، کجا هستند؟ آیا خدا حکمت این دنیا را جهالت نساخته است؟ ۲۱ حکمت خدا بدین گونه آشکار شده است: این که دنیا از طریق حکمت خود به شناخت خدا دست نیافت، اما خدا مصلحت دید، آنان را که از طریق پیام موعظه ایمان می‌آورند، نجات بخشد؛ پیامی که از دید دیگران جهالت است.

۱۷:۱ *یا: «سخنان فاضلانه». ۱۷:۱، ۱۸ *رجوع به واژه‌نامه. ۱۹:۱ *یا: «به کناری خواهم افکند». ۲۰:۱ *یا: «عصر حاضر»؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر». *منظور عالم شریعت است.

حاضر* و نه از حکمت فرمانروایان این نظام حاضر که محکوم به نابودی هستند، بلکه از حکمت خدا سخن می‌گوییم که رازی مقدّس است: آن حکمت پنهان که خدا پیش از همهٔ اعصار* برای جلال ما مقرر کرد. ۸ هیچ یک از فرمانروایان این نظام حاضر* این حکمت را درک نکرده‌اند؛ زیرا اگر آن را درک کرده بودند،

سَرور پرجلال را اعدام نمی‌کردند.* ۹ همان طور که نوشته شده است: «خدا آنچه چشمی ندیده، گوشی نشنیده و به فکر کسی خطور نکرده است،* برای دوستداران خود فراهم دیده است.» ۱۰ خدا آن‌ها را از طریق روح خود، بر ما آشکار ساخته است؛ زیرا روح همه چیز، حتی عمق حکمت خدا* را می‌کاود.

۱۱ حقیقتاً میان انسان‌ها چه کسی از افکار شخصی دیگر آگاه است، غیر از روح* خود آن شخص که در اوست؟ به همین سان هیچ کس از افکار خدا آگاه نیست، غیر از روح خدا. ۱۲ حال ما

۶:۲، ۸* یا: «عصر حاضر»؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر». ۷:۲* یا: «پیش از همهٔ نظام‌ها»؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر». ۸:۲* یا: «بر تیر اعدام نمی‌کردند». ۹:۲* یا: «و در دل کسی نیفتاده است». ۱۰:۲* تحت‌اللفظی: «اعماق خدا». ۱۱:۲* به یونانی پنیوما؛ رجوع به واژه‌نامه.

مهم می‌پندارند.* باطل سازد ۲۹ و به این طریق هیچ انسانی نتواند در مقابل خدا فخر کند. ۳۰ اما به سبب خداست که شما با مسیح عیسی متحد هستید. او برای ما حکمت خدا، درستکاری، تقدّس و بهای رهایی* شده، ۳۱ تا همان طور که نوشته شده است: «آن که فخر می‌کند، به یَهُوَه* فخر کند.»

۲ پس ای برادران، وقتی نزد شما آمدم راز مقدّس خدا را با فصاحت کلام و حکمت بشری به شما اعلام نکردم؛ زیرا تصمیم گرفتم وقتی با شما هستم، توجه شما را تنها به عیسی مسیح و بر تیر اعدام شدن او جلب کنم. ۳ من ناتوان، ترسان و بسیار لرزان نزد شما آدمم، ۴ سخنانم و آنچه موعظه کردم با کلمات متقاعدکننده از حکمت بشری نبود، بلکه روح و قدرت خدا را آشکار ساخت ۵ تا ایمان شما نه بر حکمت بشری، بلکه بر قدرت خدا استوار باشد.

۶ ما در میان بالغان از حکمت سخن می‌گوییم، البته نه از حکمت این نظام

۲۸:۱* یا: «تا هستی‌ها را». ۳۰:۱* یا: «عدالت». ۳۱:۱* یا: «فدیه»؛ رجوع به واژه‌نامه: «بهای رهایی». ۳۱:۱* این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهُوَه» در این ترجمه به کار رفته است؛ رجوع به واژه‌نامه.

در طریق مسیح، نوزادند. ۲ من به شما شیر دادم، نه خوراک سنگین،* چون هنوز به حد کافی قوی نشده بودید. در واقع، هنوز هم به حد کافی قوی نیستید؛ ۳ زیرا هنوز نفسانی هستید. آری، در میانتان حسادت و نزاع وجود دارد، پس آیا نفسانی نیستید و همچون مردم دنیا رفتار نمی‌کنید؟ ۴ وقتی یکی می‌گوید: «من به پولس تعلق دارم» و دیگری می‌گوید: «من به آپولس»، پس چه تفاوتی با مردم دیگر دارید؟

۵ آپولس کیست؟ پولس کیست؟ اینان صرفاً خادمانی هستند که خداوند به هر یک وظیفه‌ای سپرده است تا شما از طریق آنان ایمان بیاورید. ۶ من کاشتم، آپولس آبیاری کرد، اما خدا بود که آن را رشد و نمو بخشید؛ ۷ پس نه آن که می‌کارد کسی است نه آن که آبیاری می‌کند، بلکه خدا که رشد و نمو می‌بخشد. ۸ آن که می‌کارد و آن که آبیاری می‌کند، یک هدف دارند* و هر یک به فراخور زحمتش پاداش خواهد گرفت. ۹ زیرا ما همکاران خدایم. شما مزرعه زیرکشتِ خدا و عمارت او هستید.

۲:۳ * تحت اللفظی: «سفت؛ جامد». ۸:۳ * یا: «برای یک مقصود کار می‌کنند»: تحت اللفظی: «یک هستند».

نه روح دنیا، بلکه روحی را که از خداست، پذیرفتیم تا بتوانیم آنچه را خدا از سرِ لطف به ما داده است، درک کنیم. ۱۳ و از همین امور نیز سخن می‌گوییم، نه با کلماتی که از تعالیم حکمت بشری است، بلکه با کلماتی که روح تعلیم می‌دهد، همان طور که امور روحانی را با کلمات روحانی توضیح می‌دهیم.*

۱۴ اما انسان نفسانی آنچه از روح خداست نمی‌پذیرد؛* زیرا در نظرش جهالت است. او نمی‌تواند آن‌ها را درک کند؛ زیرا باید آن‌ها را با دید روحانی محک زد. ۱۵ اما انسان روحانی* همه چیز را محک می‌زند و هیچ کس نمی‌تواند در مورد او قضاوت کند؛ ۱۶ زیرا «چه کسی از طرز فکر یَهُوه* آگاه است تا بتواند او را آموزش دهد؟» اما ما طرز فکر مسیح را داریم.

۳ پس ای برادران، من نتوانستم آن گونه با شما سخن بگویم که با اشخاص روحانی سخن می‌گویم، بلکه آن گونه با شما سخن گفتم که با اشخاص نفسانی، سخن می‌گویم، همچون با کسانی که

۱۳:۲ * یا: «مرتبط می‌سازیم». ۱۴:۲ * یا: «نمی‌یابد». ۱۵:۲ * منظور کسی است که با روح خدا هدایت می‌شود. ۱۶:۲ * رجوع به واژه‌نامه.

۱۰ مطابق لطف خدا که به من داده شده است، همچون معماری دانا شالوده را ریختم و شخصی دیگر بر آن بنا می‌کند. اما هر یک باید مراقب باشد که چگونه بر آن شالوده بنا می‌کند؛ ۱۱ زیرا هیچ کس نمی‌تواند شالوده‌ای دیگر غیر از آنچه نهاده شده است، بریزد که همان عیسی مسیح است. ۱۲ حال اگر کسی برای بنا کردن بر آن شالوده از طلا، نقره یا سنگ‌های گرانبها استفاده کند یا چوب، علف خشک یا کاه به کار برد، ۱۳ در روز سختی کارش هر چه باشد، آشکار خواهد شد؛ زیرا آتش همه چیز را آشکار خواهد ساخت و کیفیت کار هر کس را محک خواهد زد. ۱۴ اگر آنچه که بر آن شالوده بنا کرده است، باقی بماند، پاداش خواهد گرفت. ۱۵ اگر آنچه بنا کرده است بسوزد، ضرر خواهد کرد، با این حال خود نجات خواهد یافت؛ اما همچون کسی خواهد بود که از میان آتش رهایی یافته است.

۱۶ آیا نمی‌دانید که معبد خدایید و روح خدا در شما ساکن است؟ ۱۷ اگر کسی معبد خدا را نابود کند، خدا او را نابود خواهد کرد؛ زیرا معبد خدا مقدس است و شما آن معبدید.

۱۸ کسی خود را فریب ندهد. اگر در میان شما کسی گمان کند در این نظام حاضر حکیم است، باید جاهل گردد تا حقیقتاً حکیم شود. ۱۹ زیرا حکمت این دنیا در نظر خدا جهالت است، چنان که نوشته شده است: «او حکیمان را در نیرنگ خودشان گرفتار می‌کند.» ۲۰ همچنین آمده است: «يَهْوَه* می‌داند که استدلال‌های حکیمان بیهوده است.» ۲۱ پس هیچ کس به انسان‌ها فخر نکند؛ زیرا همه چیز از آن شماس است. ۲۲ چه پولس، آپولس یا کیفا*، چه دنیا، چه زندگی یا مرگ، چه چیزهای حاضر یا آینده؛ آری، همه چیز از آن شماس است ۲۳ و شما از آن مسیح و مسیح نیز از آن خداست.

۴ هر کس باید ما را خدمتگزاران* مسیح و کارگزارانی* بشمارد که رازهای مقدس خدا به ایشان سپرده شده است. ۲ البته، از کارگزار انتظار می‌رود که امین باشد. ۳ حال برای من اهمیت چندانی ندارد که مورد قضاوت شما یا

۲۰:۳* رجوع به واژه‌نامه. ۲۲:۳* نام دیگر پطرس. ۱:۴* یا: «زیردستان». * یا: «مباشرانی»؛ منظور خدمتگزاری است که سرپرستی امور خانهٔ ارباب خود را بر عهده دارد.

شده‌اید! مگر بدون ما حکمرانی را در مقام پادشاه آغاز کرده‌اید! ای کاش که پادشاهی را آغاز کرده بودید تا ما نیز با شما در مقام پادشاه حکمرانی می‌کردیم! ۹ به نظر می‌آید که خدا ما رسولان را همچون کسانی که به مرگ محکوم شده‌اند، به نمایش گذاشته است؛ همچون کسانی که آنان را در آخر به میدان نمایش می‌آورند؛ زیرا ما در میدان نمایش دنیا و در معرض تماشای انسان‌ها و فرشتگان قرار گرفته‌ایم. ۱۰ شما می‌گویید، ما به خاطر پیروی از مسیح نادانیم، اما شما در اتحاد با مسیح دانا! ما ضعیفیم، اما شما قوی! ما خواریم، اما شما محترم! ۱۱ تاکنون گرسنگی و تشنگی کشیده‌ایم، لباس‌هایمان کهنه و فرسوده بوده است،* مورد ضرب و شتم قرار گرفته‌ایم،* بی‌خانمان بوده‌ایم، ۱۲ با دست‌های خود کار کرده، زحمت کشیده‌ایم. همچنین وقتی مورد اهانت قرار می‌گیریم، برکت می‌طلبیم؛ وقتی آزار می‌بینیم، با بردباری تحمل می‌کنیم؛ ۱۳ وقتی به ما افترا می‌زنند، با ملایمت پاسخ می‌دهیم؛ تاکنون ما زباله دنیا و تفاله همه چیز محسوب شده‌ایم.

۱۱:۴ * تحت‌اللفظی: «برهنه بوده‌ایم». * یا:

«مورد بدرفتاری قرار گرفته‌ایم».

دادگاهی انسانی قرار بگیریم. در واقع من حتی در مورد خودم قضاوت نمی‌کنم؛ ۴ زیرا در خود عیبی هم نمی‌بینم. با این حال، این ثابت نمی‌کند که درستکار* باشم، بلکه يَهُوَه* است که در مورد من قضاوت می‌کند. ۵ پس پیش از زمان مقرر، یعنی تا زمان آمدن سرور، در مورد هیچ چیز قضاوت نکنید. او آنچه را در تاریکی نهان است، روشن خواهد ساخت و نیت‌های دل‌ها را آشکار خواهد نمود. آنگاه خدا هر کس را همان قدر که شایستگی دارد، مورد تحسین قرار خواهد داد.

۶ حال ای برادران، در گفته‌هایم، خود و آپولُس را نمونه آوردم تا شما فایده ببرید و این اصل را بیاموزید که «از آنچه نوشته شده است فراتر مروید» تا مغرور نشوید و یکی را برتر از دیگری ندانید. ۷ زیرا چه کسی تو را از دیگری متفاوت ساخته است؟ به‌راستی، چه داری که به تو عطا نشده باشد؟ پس حال که به تو عطا شده است، چرا به گونه‌ای فخر می‌کنی که گویی به تو عطا نشده است؟

۸ مگر هم‌اکنون به همه خواسته‌های خود رسیده‌اید! مگر هم‌اکنون ثروتمند

۴:۴ * یا: «عادل». * رجوع به واژه‌نامه.

خدا برخوردارند یا خیر. ۲۰ زیرا آنچه پادشاهی خدا را در زندگی شخص آشکار می‌کند، سخنان او نیست، بلکه وجود قدرت خدا در زندگی اوست. ۲۱ کدام را ترجیح می‌دهید، با چوب نزدتان بیایم، یا با محبت و روحی ملایم؟

۵ خبر رسیده است که در میان شما اعمال نامشروع جنسی* وجود دارد؛ آن هم چنان اعمال نامشروعی* که حتی در میان بی‌ایمانان* نیز دیده نشده است؛ آری، مردی با نامادری خود رابطه دارد! ۲ آیا به آن افتخار می‌کنید؟ آیا در عوض نباید ماتم گیرید و مردی را که چنین کرده است، از میان خود بیرون کنید؟ ۳ من هرچند جسماً نزد شما نیستم، روحاً حضور دارم و همچون کسی که در میان شما حضور دارد، در مورد مردی که چنین کرده است، حکم کرده‌ام. ۴ پس هنگامی که به نام سرورمان عیسی جمع می‌شوید و می‌دانید که من نیز روحاً همراه با قدرت سرورمان عیسی با شما هستم، ۵ چنین شخصی را باید به شیطان بسپارید تا تأثیر گناهش* از میان

۱:۵ * به یونانی پُرنیا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». یا: «مشکران». ۵:۵ * «تأثیر گناهش» تحت اللفظی: «جسم».

۱۴ من این‌ها را به شما نمی‌نویسم تا شرمسارتان کنم، بلکه می‌خواهم همچون فرزندان عزیزم به شما پند دهم؛ ۱۵ زیرا اگر در خدمت به مسیح ۱۰,۰۰۰ معلّم* هم داشته باشید، قطعاً پدران بسیار ندارید. در واقع من در خدمت به مسیح عیسی، با بشارت دادن به شما، پدرتان شده‌ام. ۱۶ پس، از شما استدعا می‌کنم که مرا سرمشق قرار دهید. ۱۷ به همین خاطر، تیموتائوس را که فرزند عزیز من و در خدمت به مسیح وفادار است، نزد شما می‌فرستم. او شیوه‌هایی را* به شما یادآوری خواهد کرد که من در خدمت به مسیح عیسی به کار می‌گیرم؛ شیوه‌هایی که در همه جا و در هر جماعتی تعلیم می‌دهم.

۱۸ برخی مغرور شده‌اند، چون تصوّر می‌کنند که من نزد شما نمی‌آیم. ۱۹ اما اگر یَهُوَه* بخواهد به زودی نزد شما خواهم آمد. دلیل آمدن من، آگاهی یافتن از سخنان آن افراد مغرور نیست، بلکه می‌خواهم بدانم که آیا از قدرت

۱۵:۴ * واژه یونانی که در اینجا به کار رفته است به کسی اشاره دارد که از فرزندان مراقبت و محافظت می‌کرد. ۱۷:۴ * تحت اللفظی: «طریق‌های مرا». ۱۹:۴ * رجوع به واژه‌نامه.

اول قُرَنتیان ۵:۶-۴:۶

با هر کسی که برادر خوانده می‌شود، اما مرتکب اعمال نامشروع جنسی* می‌شود یا طمعکار یا بت‌پرست یا ناسزاگو* یا می‌گسار یا اخاذ است، معاشرت نکنید و حتی با چنین شخصی همسفره هم مشوید. ۱۲ به من چه ربطی دارد که افراد بیرون از جماعت را قضاوت کنم؟ اما آیا شما نباید اعضای جماعت را قضاوت کنید؟ ۱۳ افراد بیرون از جماعت را خدا قضاوت خواهد کرد. «آن شخص شریر را از میان خود بیرون کنید.»

۶ هنگامی که یکی از شما از دیگری شکایتی دارد، چگونه به خود جرأت می‌دهد که به جای رفتن نزد مقدّسان، به محکمۀ بی‌ایمانان برود؟ ۲ همچنین آیا نمی‌دانید که مقدّسان، دنیا را داوری خواهند کرد؟ حال که قرار است دنیا را داوری کنید، پس آیا توانایی ندارید در مورد موضوعات بسیار جزئی داوری کنید؟ ۳ آیا نمی‌دانید که ما فرشتگان را داوری خواهیم کرد؟ پس چرا نتوانیم در مورد امور این زندگی داوری کنیم؟ ۴ هنگامی که نیاز به داوری در مورد چنین اموری پیش می‌آید، چرا کسانی را به عنوان داور برمی‌گزینید که مورد قبول

۱۱:۵ * یا: «بدزبان».

برود و روحیۀ جماعت* در روز سرور حفظ شود.

۶ دلیل فخر شما به هیچ وجه صحیح نیست. آیا نمی‌دانید که کمی خمیرمایه تمام خمیر را ور می‌آورد؟ ۷ خمیرمایۀ کهنه را از خود دور کنید تا خمیری تازه شوید، به گونه‌ای که بدون خمیرمایه باشید؛* زیرا به‌راستی مسیح که برۀ پَسَح ماست، قربانی شده است. ۸ پس بیایید عید را نه با خمیرمایۀ کهنه و نه با خمیرمایۀ بدی و شرارت، بلکه با نان فطیر صداقت و راستی برگزار کنیم.

۹ در نامۀ خود به شما نوشته بودم که دیگر با کسانی که مرتکب اعمال نامشروع جنسی* می‌شوند، معاشرت نکنید. ۱۰ البته منظور من این نبود که با افرادی که در دنیا مرتکب اعمال نامشروع جنسی* می‌شوند یا با طمعکاران یا اخاذان یا بت‌پرستان، کاملاً قطع رابطه کنید؛ زیرا در این صورت، می‌بایست این دنیا را ترک می‌کردید. ۱۱ با این حال، اکنون به شما می‌نویسم، دیگر

۵:۵ * «روحیۀ جماعت» تحت اللفظی: «روح» به یونانی پنومّا؛ رجوع به واژه‌نامه. ۷:۵ * تحت اللفظی: «به گونه‌ای که ور نیامده باشید». ۹:۵-۱۱ * رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

شده، تقدیس گردیده و درستکار شمرده شده‌اید.

۱۲ همه چیز برای من جایز* است، ولی همه چیز مفید نیست. آری، همه چیز برای من جایز است، اما نمی‌گذارم چیزی مرا تحت سلطهٔ خود درآورد. ۱۳ غذا برای شکم است و شکم برای غذا. اما خدا هر دو را از میان خواهد برد. همچنین، بدن برای اعمال نامشروع جنسی* نیست، بلکه برای سرور است و سرور برای بدن. ۱۴ اما خدا به قدرت خود سرور را برخیزانید و ما را نیز از مرگ رستاخیز خواهد داد.

۱۵ آیا نمی‌دانید که بدن شما اعضای مسیح است؟ حال آیا اعضای مسیح را بردارم و به یک روسپی پیوند دهم؟ به هیچ وجه! ۱۶ آیا نمی‌دانید کسی که به یک روسپی پیوندد، با او یک بدن می‌شود؟ زیرا خدا می‌گوید: «آن دو یک تن خواهند شد.» ۱۷ اما آن که به سرور پیوندد با او یک روح* است. ۱۸ از اعمال نامشروع جنسی* بگریزید. هرگناه دیگری که انسان مرتکب شود، خارج از

جماعت نیستند؟ ۵ من این سخنان را می‌گویم تا به خود آمده، شرم‌منده شوید. آیا بین شما حتی یک شخص دانا هم نیست که بتواند میان برادران خود داوری کند؟ ۶ در عوض، برادر، برادر را به محکمه می‌کشد، آن هم نزد بی‌ایمانان! ۷ حقیقتاً وقتی برای چنین شکایاتی به محکمه می‌روید، این خود شکستی برای شماست. چرا رضایت نمی‌دهید که مظلوم واقع شوید؟ چرا حاضر نیستید زیان ببینید؟ ۸ در عوض، ظلم می‌کنید و زیان می‌رسانید، آن هم به برادران خود! ۹ آیا نمی‌دانید که بدکاران، پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد؟ گمراه شوید.* کسانی که مرتکب اعمال نامشروع جنسی* می‌شوند، بت‌پرستان، زناکاران، همجنس‌بازان چه فاعل^۴ و چه مفعول، ۱۰ دزدان، طمعکاران، میگساران، ناسزاگویان و اخاذان، پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد. ۱۱ البته برخی از شما چنین بودید، اما به نام سرورمان عیسی مسیح و با روح خدایمان شسته و پاک

۹:۶ *یا: «فریب مخورید». *رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ^۴یا: «مردانی که با مردان دیگر رابطهٔ جنسی برقرار می‌کنند»: تحت‌اللفظی: «مردانی که با مردان دیگر هم‌خواب می‌شوند».

۱۲:۶ *یا: «قانونی». ۱۸، ۱۳:۶ *به یونانی پُرنیّا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۱۷:۶ *به یونانی پِنوئِما: رجوع به واژه‌نامه.

تا مبدا شیطان شما را به سبب عدم خویشتنداری تان گرفتار وسوسه‌ها سازد. ۶ البته من این را به شما حکم نمی‌کنم، بلکه سخنم این است که این کار جایز است. ۷ ای کاش همه همچون من مجرّد بودند. با این حال، هرکس نعمتی از خدا دارد، یکی نعمت تجرد و دیگری نعمت تأهل.

۸ اکنون به مجرّدان و بیوه‌زنان می‌گویم که اگر همچون من مجرّد بمانند، بهتر است. ۹ اما اگر خویشتندار نیستند، بگذارید ازدواج کنند؛ زیرا ازدواج از سوختن در آتش شهوت بهتر است.

۱۰ به متأهلان این فرمان را می‌دهم، البته نه من، بلکه سرور: زن نباید از شوهر خود جدا شود. ۱۱ اما اگر جدا شود، یا دیگر نباید ازدواج کند یا باید با شوهر خود آشتی نماید. شوهر نیز نباید همسر خود را ترک کند.

۱۲ اما به دیگران می‌گویم، البته نه سرور، بلکه من: اگر برادری، همسری بی‌ایمان دارد و آن زن حاضر است با او بماند، آن برادر نباید او را ترک کند ۱۳ و اگر زنی، شوهری بی‌ایمان دارد و آن مرد حاضر است با او زندگی کند، آن زن نباید شوهر خود را ترک کند؛ ۱۴ زیرا

بدن اوست، اما هر که از اعمال نامشروع جنسی دست نکشد، بر ضدّ بدن خود گناه می‌کند. ۱۹ آیا نمی‌دانید که بدن شما معبد روح القدس است که از خدا یافته‌اید و در شماست؟ به علاوه، شما از آن خود نیستید؛ ۲۰ زیرا به بهایی خریده شده‌اید. پس خدا را در بدن خود جلال دهید.

▼ حال در جواب به آنچه نوشته بودید، باید بگویم که بهتر است مرد، زن را لمس نکند؛* ۲ اما به سبب رواج اعمال نامشروع جنسی* بگذارید هر مرد، زنی برای خود داشته باشد و هر زن، شوهری برای خود. ۳ باشد که شوهر وظیفه زناشویی را نسبت به همسرش و زن وظیفه زناشویی را نسبت به شوهرش به جا آورد. ۴ زن بر بدن خود اختیار ندارد، بلکه شوهرش بر آن اختیار دارد. به همین گونه، مرد نیز بر بدن خود اختیار ندارد، بلکه همسرش بر آن اختیار دارد. ۵ همدیگر را محروم نکنید، مگر با توافق یکدیگر و برای مدتی، تا بتوانید وقت خود را به دعا اختصاص دهید. سپس، دوباره به هم پیوندید

۱۰:۷ * منظور تماس جنسی است. ۲:۷ * حالت جمع واژه یونانی پُرنیا؛ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

بماند. ۲۱ آیا تو زمانی که فراخوانده شدی غلام بودی؟ اگر چنین بوده است، مگذار این امر تو را نگران سازد. اما اگر می‌توانی آزاد شوی، فرصت را غنیمت شمار؛ ۲۲ زیرا هر که غلام بود و برای پیروی از سرور فراخوانده شد، آزاد شده و از آن سرور است. به همین گونه، هر که آزاد بود و فراخوانده شد، غلام مسیح است. ۲۳ شما به بهایی خرید شده‌اید؛ پس دیگر غلام انسان‌ها مشوید. ۲۴ ای برادران، هر کس در هر وضعیتی که در آن فراخوانده شده است، در همان وضعیت در حضور خدا بماند.

۲۵ در خصوص افرادی که تاکنون ازدواج نکرده‌اند،* هیچ فرمانی از جانب سرور ندارم، اما نظر خود را به عنوان کسی می‌گویم که سرور به او رحمت نشان داده است تا وفادار بماند. ۲۶ با توجه به شرایط سخت حاضر، گمان می‌کنم که برای شخص بهتر است، در هر وضعیتی که هست، بماند. ۲۷ اگر با زنی پیوند ازدواج بسته‌ای، دیگر در پی جدایی مباش و اگر دیگر در قید پیوند ازدواج باشی،* ۲۵:۷ یا: «در خصوص باکره‌ها؛ این واژه در یونانی به مرد و زنی اشاره دارد که هرگز رابطه جنسی نداشته است.

شوهر بی‌ایمان از طریق همسر خود تقدیس می‌شود و زن بی‌ایمان نیز از طریق شوهر مسیحی خود تقدیس می‌شود. اگر چنین نبود، فرزندان شما ناپاک می‌بودند، حال آن که مقدّسند. ۱۵ اما اگر شخص بی‌ایمان تصمیم بگیرد جدا شود، بگذار جدا شود. برادر یا خواهر مسیحی در چنین وضعیتی مجبور نیست که با او بماند. با وجود این، خدا شما را به صلح فراخوانده است؛ ۱۶ زیرا ای زن، از کجا می‌دانی که باعث نجات شوهر خود نخواهی شد؟ یا ای مرد، از کجا می‌دانی که باعث نجات همسر خود نخواهی شد؟

۱۷ به علاوه، هر کس در همان وضعیتی بماند که یَهُوه* برای او در نظر گرفته است و او را در آن فراخوانده است. این فرمان را به همهٔ جماعت‌ها می‌دهم. ۱۸ اگر کسی زمانی که فراخوانده شد، ختنه شده بود، در همان وضعیت بماند. اگر کسی زمانی که فراخوانده شد، ختنه نشده بود، او نیز در همان وضعیت بماند. ۱۹ نه ختنه شدن اهمیتی دارد و نه ختنه نشدن. آنچه اهمیت دارد، اطاعت از احکام خداست. ۲۰ هر کس در هر وضعیتی که در آن فراخوانده شده است، ۱۷:۷* رجوع به واژه‌نامه.

خشنود سازد. ۳۳ اما مرد متأهل نگران امور دنیاست، یعنی این که چگونه همسر خود را خشنود سازد ۳۴ و توجه او فقط به یک امر معطوف نیست. همچنین، زن مجرد یا باکره نگران امور سرور است و این که بدن و روحش مقدّس باشد. اما زن متأهل نگران امور دنیاست، یعنی این که چگونه شوهرش را خشنود سازد. ۳۵ اما این را برای نفع شما می‌گویم، نه این که محدودتان سازم. همچنین می‌خواهم شما را بر آن دارم که به نحوی شایسته رفتار کنید، به سرور بی‌یوندید و بدون دغدغه خاطر خدمت کنید.

۳۶ اگر کسی فکر می‌کند که چنانچه مجرد* بماند به نحوی شایسته رفتار نخواهد کرد و اگر از سن بلوغ نیز گذشته باشد، بهترین کار این است که بگذارید آنچه می‌خواهد بکند؛ گناهی نمی‌کند. بگذارید چنین افرادی ازدواج کنند. ۳۷ اما شخصی که بر خواسته‌های خود تسلّط دارد و در فشار نیست، اگر در دل خود مصمم و در تصمیم خود راسخ است که مجرد* بماند، عملی نیکو انجام می‌دهد. ۳۸ پس آن که ازدواج می‌کند،*

۲۸:۷، ۳۶:۷ * یا: «باکره». ۲۸:۷ * یا: «پس آن که باکره بودن خود را در ازدواج از دست می‌دهد».

با زنی نیستی، بار دیگر در پی همسر مباش. ۲۸ اما اگر ازدواج هم کردی، گناهی مرتکب نشده‌ای. همچنین اگر کسی که تاکنون ازدواج نکرده است،* ازدواج کند، گناهی مرتکب نشده است. ولی آنان که ازدواج می‌کنند، در زندگی* سختی خواهند کشید. من نمی‌خواهم شما سختی بکشید.

۲۹ به علاوه ای برادران، این را بگویم که زمانِ باقی‌مانده کوتاه‌تر شده است. از این پس کسانی که زن دارند، چنان باشند که گویی زن ندارند. ۳۰ کسانی که گریه می‌کنند، چنان باشند که گویی گریه نمی‌کنند. کسانی که شادمانند، چنان باشند که گویی شادمان نیستند. کسانی که چیزی می‌خرند، چنان باشند که گویی مالک آن نیستند. ۳۱ همچنین کسانی که از این دنیا بهره می‌برند، خود را در آن غرق نسازند؛* زیرا صحنهٔ این دنیا مرتباً در حال تغییر است.* ۳۲ من به‌راستی می‌خواهم که شما از نگرانی به دور باشید. مرد مجرد نگران امور سرور است، یعنی این که چگونه سرور را

۲۸:۷ * یا: «اگر باکره‌ای». * تحت‌اللفظی: «در جسم». ۳۱:۷ * یا: «کمال استفاده را از آن ببرند». * پولُس در اینجا تغییر صحنه‌های نمایش تئاتر را مد نظر داشت.

هستند که به اصطلاح خدایان محسوب می‌شوند، چنان‌که «خدایان» و «سُروان» بسیاری وجود دارند، ۶ اما برای ما یک خدا وجود دارد، یعنی پدر که از او همه چیز هستی یافته است و ما برای او هستی یافته‌ایم، همچنین برای ما یک سُرور وجود دارد، یعنی عیسی مسیح که توسط او همه چیز هستی یافته است و ما توسط او هستی یافته‌ایم.

۷ با این حال، همه از این شناخت برخوردار نیستند. برخی چون پیش از این بت‌پرست بودند، وقتی چنین خوراک‌هایی می‌خورند، آن را تقدیم‌شده به بت‌ها می‌شمارند و چون وجدانشان ضعیف* است، ناپاک می‌شود. ۸ اما خوراک، ما را به خدا نزدیک‌تر نمی‌کند؛ زیرا نه با خوردن آن بهتر می‌شویم و نه با نخوردن آن بدتر. ۹ پس مراقب باشید که این حق شما در انتخاب، به نحوی سبب لغزش ضعیفان نشود؛ ۱۰ زیرا اگر تو که شناخت داری، در بت‌کده بر سر سفره بنشینی و کسی که ضعیف است، تو را ببیند، آیا وجدانش باعث نمی‌شود که او جرأت یابد و از خوراک تقدیم‌شده

۷:۸ * به وجدانی تعلیم‌نیافته و بی‌ثبات اشاره دارد.

نیکو عمل کرده است؛ اما آن که ازدواج نمی‌کند، نیکوتر عمل می‌نماید.

۳۹ زن تا زمانی که شوهرش زنده است در قید عهد خود با اوست. اما اگر شوهرش بمیرد، آزاد است با هرکسی که بخواهد ازدواج کند، البته تنها با کسی که پیرو سُرور* باشد. ۴۰ با این حال، به عقیدهٔ من اگر مجزء بماند، شادتر خواهد بود. اطمینان دارم که من نیز از روح خدا برخوردارم.

▲ حال در خصوص خوراک‌های* تقدیم‌شده به بت‌ها: همگی ما در این خصوص شناخت داریم. اما شناخت غرور می‌آورد، در حالی که محبت بنا می‌کند. ۲ حتی اگر کسی گمان کند که چیزی می‌داند، آن را هنوز آن طور که باید، نمی‌داند. ۳ در عوض کسی که خدا را دوست می‌دارد، نزد خدا شناخته شده است.

۴ حال در خصوص خوردن خوراک‌های تقدیم‌شده به بت‌ها: ما می‌دانیم که بت هیچ است و جز خدای واحد، خدایی دیگر نیست؛ ۵ زیرا هرچند، هم در آسمان و هم بر زمین،

۳۹:۷ * یا احتمالاً: «خداوند»؛ به یونانی کوریئوس. ۱:۸ * احتمالاً منظور گوشت قربانی برای بت‌هاست.

اول قُرَنتیان ۸: ۱۱-۱۲: ۹

فقط من و برنابا هستیم که حق نداریم از کارکردن برای تأمین معاش معاف باشیم؟
 ۷ کدام سرباز است که به خرج خود خدمت کند؟ کیست که درختان انگور بکار و از میوه آن نخورد؟ یا کیست که گله‌ای را شبانی کند و مقداری از شیر آن نصیبش نگردد؟

۸ آیا این را با نگرش انسانی می‌گویم؟ مگر شریعت نیز این‌ها را نمی‌گوید؟
 ۹ زیرا در شریعت موسی نوشته شده است: «به گله‌ای که خرمن می‌کوبد، دهان‌بند میند.» آیا خدا در فکر گاوهاست؟ ۱۰ یا این را به خاطر ما می‌گوید؟ آری، در حقیقت این کلام برای ما نوشته شده است: زیرا آن که شخم می‌زند یا آن که خرمن می‌کوبد، باید امید داشته باشد که سهمی از محصول ببرد.

۱۱ حال که بذر روحانی در میان شما کاشته‌ایم، آیا توقع زیادی خواهد بود که محصولی مادی از میان شما برداشت کنیم؟ ۱۲ اگر دیگران چنین حقی بر گردن شما دارند، آیا ما بیش از آنان این حق را نداریم؟ اما ما از این حق* خود بهره نجستیم، بلکه همه چیز را تحمّل کردیم، مبدا مانعی بر سر راه بشارتی که در مورد

به بت‌ها بخورد؟ ۱۱ در واقع، شناخت تو به ضرر او که ضعیف است، تمام خواهد شد؛ یعنی به ضرر برادرت که مسیح به خاطر او مرد. ۱۲ وقتی شما به این گونه به برادرانتان گناه می‌کنید و به وجدان ضعیفشان آسیب می‌رسانید، در واقع به مسیح گناه می‌کنید. ۱۳ از این رو، اگر آنچه می‌خورم، برادرم را لغزش دهد، دیگر هرگز گوشت نخواهم خورد تا برادرم را لغزش ندهم.

۹ آیا آزاد نیستم؟ آیا رسول نیستم؟ آیا سرورمان عیسی را ندیده‌ام؟ آیا شما ثمره کار من در خدمت به سرور نیستید؟ ۲ حتی اگر برای دیگران رسول نبوده‌ام، قطعاً برای شما رسول بوده‌ام! زیرا شما مهر تأییدی هستید بر رسالت من در خدمت به سرور.

۳ دفاع من در مقابل کسانی که در مورد من قضاوت می‌کنند، این است: ۴ آیا ما این حق* را نداریم که بخوریم و بنوشیم؟ ۵ آیا ما این حق را نداریم که همچون باقی رسولان، برادران سرور و کیفا،* خواهری به همسری خود داشته باشیم که ما را در سفرها همراهی کند؟ ۶ یا آیا

۴:۹ * تحت اللفظی: «این اختیار». ۵:۹ * نام دیگر

مسیح است، قرار دهیم. ۱۳ آیا نمی‌دانید کسانی که وظایف مقدس را در معبد به جا می‌آورند، غذایشان از معبد تأمین می‌شود و کسانی که مرتب در مقابل مذبح به خدمت مشغولند، از آنچه بر مذبح قربانی می‌شود، سهمی می‌برند؟ ۱۴ به همین‌سان، سرور در خصوص کسانی که بشارت را اعلام می‌کنند، فرمان داد که روزی خود را از طریق بشارت دریافت کنند.

۱۵ اما من از هیچ یک از این امکانات استفاده نکرده‌ام. در واقع، اگر من این‌ها را نوشته‌ام، منظورم این نیست که در حقم چنین شود؛ زیرا مرگ را بر این ترجیح می‌دهم. هیچ کس آنچه مایه افتخار من است، از من نخواهد گرفت! ۱۶ من که اکنون بشارت را اعلام می‌کنم، این را دلیلی برای فخر کردن نمی‌دانم؛ زیرا من موظفم که این خدمت را انجام دهم. در واقع، وای بر من اگر بشارت را اعلام نکنم! ۱۷ اگر این را به میل خود انجام دهم، پاداش یافته‌ام؛ اما اگر از روی بی‌میلی نیز انجام دهم، باز هم اعلام آن را وظیفه‌ای می‌دانم که به من سپرده شده است. ۱۸ پس پاداش من چیست؟ این است که بشارت را به طور رایگان به

دیگران اعلام کنم و از اختیارات* خود در این خصوص سوءاستفاده نکنم.

۱۹ از این رو، هرچند آزادم و غلام هیچ انسانی نیستم، خود را غلام همگان ساخته‌ام تا هر چه بیشتر، انسان‌ها را به راه مسیح آورم. ۲۰ برای یهودیان، همچون یهودی شدم تا آنان را به راه مسیح آورم؛ برای کسانی که تحت شریعتند، همچون کسی شدم که تحت شریعت است تا ایشان را به راه مسیح آورم، هرچند خود تحت شریعت نیستم.

۲۱ برای بی‌شریعتان همچون شخصی بی‌شریعت شدم تا آنان را به راه مسیح آورم، هرچند نزد خدا بی‌شریعت نیستم، بلکه تحت شریعت مسیح هستم. ۲۲ برای ضعیفان ضعیف شدم تا ضعیفان را به راه مسیح آورم. برای همه‌گونه افراد، همه چیز شدم تا به هر طریق ممکن برخی را نجات دهم. ۲۳ به خاطر بشارت هرکاری می‌کنم تا آن را با دیگران سهیم شوم.

۲۴ آیا نمی‌دانید که در مسابقه همه می‌دوند، اما تنها یک نفر جایزه را می‌برد؟ شما نیز به گونه‌ای بدوید که جایزه را ببرید. ۲۵ هرکس که در مسابقه‌ای شرکت می‌کند،* در همه امور

۱۸:۹ * یا: «حق». ۲۵:۹ * یا: «هر ورزشکاری».

شده است تا مانند آنان خواهان بدی نباشیم. ۷ باشد که همچون بعضی از آنان بت پرست نشویم، چنان که نوشته شده است: «قوم برای خوردن و نوشیدن نشستند و سپس برای خوشگذرانی به پا خاستند.» ۸ باشد که مرتکب اعمال نامشروع جنسی* نشویم، چنان که بعضی از آنان مرتکب آن شدند و در یک روز ۲۳,۰۰۰ نفر از ایشان هلاک گشتند. ۹ باشد که يَهُوَه* را نیازماییم، مانند بعضی از آنان که او را آموذند و با نیش مارها هلاک شدند. ۱۰ باشد که گله و شکایت نکنیم، مانند بعضی از ایشان که چنین کردند و به دست آن هلاک کننده هلاک گشتند. ۱۱ این امور برای آنان به وقوع پیوست تا درس عبرتی باشد و برای هشدار ما نوشته شد؛ آری، برای ما که در پایان اعصار* به سر می بریم.

۱۲ پس آن کسی که گمان می کند ایستاده است، مراقب باشد که نیفتد. ۱۳ هر وسوسه ای که برای شما پیش آید، برای انسان های دیگر نیز پیش آمده است. اما خدا امین است و نخواهد

۸:۱۰ رجوع به واژه نامه: «اعمال نامشروع جنسی.» ۹:۱۰ رجوع به واژه نامه. ۱۱:۱۰ *یا: «نظام های این دنیا» رجوع به واژه نامه: «نظام حاضر».

خویشنداری می کند. البته این افراد چنین می کنند تا تاجی فانی به دست آورند، اما ما چنین می کنیم تا تاجی غیرفانی به دست آوریم. ۲۶ پس دویدن من بی هدف نیست و مشت زدنم به گونه ای نیست که هوا را بزنم، ۲۷ بلکه بدن خود را با ضربات مشت می کوبم* و برده خود می سازم تا پس از آن که به دیگران موعظه کردم، خود به نحوی مردود* نگردم.

۱۰ ای برادران، اکنون می خواهم بدانید که پدران ما همگی زیر ابر بودند و از میان دریا گذشتند. ۲ همه به عنوان پیروان موسی در ابر و دریا تعمید گرفتند. ۳ همگی از یک خوراک روحانی* خوردند ۴ و از یک آشامیدنی روحانی* نوشیدند؛ زیرا از آن صخره روحانی* که در پی آنان می رفت، می نوشیدند. آن صخره مظهر مسیح بود. ۵ با این حال، چون خدا از اکثر ایشان خشنود نبود، در بیابان کشته شدند.

۶ آن وقایع، اکنون نمونه هایی برای ما

۲۷:۹ *یا: «بدن خود را سخت تأدیب می کنم؛ بدن خود را سختی می دهم.» *یا: «سلب صلاحیت.» ۴:۱۰ *منظور خداداد است. ۴:۱۰ *یا: «آن صخره مسیح بود.»

گذاشت که بیش از توانتان وسوسه شوید، بلکه هنگام آن وسوسه راه گریزی نیز مهیا خواهد ساخت تا بتوانید در برابر آن پایداری کنید.

۱۴ پس ای برادران عزیز، از بت پرستی بگریزید. ۱۵ من با شما که اشخاصی فهمیم هستید، سخن می گویم. خودتان در مورد آنچه می گویم، قضاوت کنید. ۱۶ آیا برداشتن جام برکت که برای آن برکت می طلبیم، به مفهوم شریک شدن در خون مسیح نیست؟ آیا شکستن نان، به مفهوم شریک شدن در بدن مسیح نیست؟ ۱۷ ما هرچند بسیاریم، چون تنها یک نان وجود دارد، یک بدن هستیم؛ زیرا همه ما در خوردن آن یک نان شریکیم.

۱۸ قوم اسرائیل را بنگرید: مگر کسانی که از قربانی ها می خورند، در مذبح شریک نیستند؟ ۱۹ حال منظور من چیست؟ آیا منظور من این است که گوشتی که به بت ها تقدیم می شود، چیزی بیش از گوشت است، یا این که بت ها واقعاً خدا هستند؟ ۲۰ خیر، بلکه منظور من این است که آنچه قوم ها قربانی می کنند، برای بت ها قربانی می کنند و نه برای خدا و من نمی خواهم

که شما با دیوها شریک شوید. ۲۱ شما نمی توانید هم از جام یَهُوه* بنوشید و هم از جام دیوها؛ شما نمی توانید هم از «سفره یَهُوه»* بخورید و هم از سفره دیوها. ۲۲ آیا می خواهیم (غیرت یَهُوه* را برانگیزانیم)؟ آیا از او قوی تریم؟

۲۳ همه چیز جایز* است، اما همه چیز مفید نیست. آری، همه چیز جایز است، اما همه چیز سازنده نیست. ۲۴ هیچ کس در پی نفع خود نباشد، بلکه نفع دیگری را بجوید.

۲۵ هر گوشتی که در بازار فروخته می شود، بخورید و لزومی ندارد که برای آسودگی وجدان خود سؤال کنید: ۲۶ زیرا «زمین و هر آنچه بر آن است، از آن یَهُوه* است.» ۲۷ اگر شخصی بی ایمان، شما را برای صرف غذا دعوت کند و شما مایل به رفتن باشید، آنچه در مقابل شما می گذارد، بخورید و لزومی ندارد که برای آسودگی وجدان خود سؤال کنید. ۲۸ اما اگر کسی به شما بگوید: «این گوشت به بت ها تقدیم شده است»، آن را به سبب کسی که این را خاطرنشان ساخت و به سبب وجدان، مخورید. ۲۹ البته منظور

۱۰:۲۲، ۲۱:۲۲* رجوع به واژه نامه: «یَهُوه». ۱۰:۲۲* یا: «قانونی». ۱۰:۲۶* رجوع به واژه نامه.

دعا یا نبوّت بکند، سر خود را شرمسار می‌کند؛ این عمل او درست همچون زنی است که سر خود را تراشیده باشد. ۶ زیرا اگر زنی سر خود را نمی‌پوشاند، پس باید موهای خود را از ته بزند. اما اگر برای زن شرم‌آور است که موهای خود را از ته بزند یا بترشد، پس باید سر خود را بپوشاند. ۷ مرد نباید سر خود را بپوشاند؛ زیرا صورت و جلال خداست. اما زن جلال مرد است؛ ۸ زیرا مرد از زن به وجود نیامد، بلکه زن از مرد به وجود آمد. ۹ در ضمن، مرد برای زن آفریده نشد، بلکه زن برای مرد آفریده شد. ۱۰ به همین سبب و به خاطر فرشتگان، زن باید سر خود را به نشان مطیع بودن* بپوشاند.

۱۱ با این حال، در میان پیروان سرور، نه زن از مرد جداست و نه مرد از زن؛ ۱۲ زیرا همان طور که زن از مرد به وجود آمد، مرد نیز از زن زاده می‌شود؛ اما خالق همه چیز خداست. ۱۳ حال خود قضاوت کنید، آیا شایسته است که زن بدون پوشاندن سرش به خدا دعا کند؟ ۱۴ آیا طبیعت به شما نمی‌آموزد که موی بلند برای مرد شرم‌آور است، ۱۵ اما اگر زنی موی بلند ۱۰:۱۱* منظور این است که زن اصل سروری را به رسمیت شناخته است.

من وجدان شما نیست، بلکه وجدان آن شخص دیگر است؛ زیرا چرا باید وجدان شخصی دیگر بر آزادی من حکم کند؟ ۳۰ اگر برای آنچه می‌خورم شکر گزارم، چرا به خاطر آنچه خدا را برای آن شکر می‌گویم، در مورد من بدگویند؟

۳۱ پس، خواه بخورید، خواه بنوشید و خواه هر کار دیگری که انجام دهید، همه را برای جلال خدا بکنید. ۳۲ مراقب باشید که نه یهودیان را لغزش دهید و نه یونانیان و نه جماعت خدا را، ۳۳ همان گونه که من نیز می‌کوشم تا همه را در هر چیز خشنود سازم؛ در واقع در پی نفع خود نیستم، بلکه جویای نفع بسیاری دیگر هستم تا آنان نجات یابند.

۱۱ مرا سرمشق قرار دهید، چنان که من نیز مسیح را سرمشق قرار می‌دهم. ۲ من شما را تحسین می‌کنم، چون در همهٔ امور مرا به یاد می‌آورید و تعالیم* را به همان گونه که در اختیار شما قرار دادم، حفظ می‌کنید. ۳ اما می‌خواهم بدانید که سر هر مرد مسیح است، سر زن مرد است و سر مسیح خداست. ۴ پس هر مردی که با سر پوشیده دعا یا نبوّت بکند، سر خود را شرمسار می‌کند ۵ و هر زنی که با سر برهنه

برای این کار تحسینتان کنم؟ خیر، تحسینتان نمی‌کنم!

۲۳ آنچه سَرور به من داد، من نیز به شما سپردم. آری، عیسیای سَرور در شبی که قرار بود به او خیانت شود، نانی گرفت ۲۴ و پس ازدعای شکرگزاری، آن را شکست و گفت: «این مظهر بدن من است* که برای شما داده خواهد شد. این را پیوسته به یاد من به جا آورید.» ۲۵ او پس از شام، جام را نیز گرفت و گفت: «این جام مظهر عهد جدید بر مبنای خون من است. هر بار که از آن می‌نوشید، به یاد من باشید.» ۲۶ زیرا هر بار که این نان را می‌خورید و از این جام می‌نوشید، مرگ سَرور را اعلام می‌کنید تا هنگامی که بیاید.

۲۷ در نتیجه هر کسی که به ناشایستگی نان را بخورد یا از جام سَرور بنوشد، به بدن و خون سَرور گناه کرده است. ۲۸ بگذارید هر کس پیش از آن که نان را بخورد و از جام بنوشد، نخست خود را محک بزند که آیا شایستگی آن را دارد یا نه. ۲۹ زیرا اگر کسی بی‌آنکه مفهوم بدن سَرور را درک کرده باشد، بخورد و بنوشد، در واقع حکم محکومیت خود را

۱۱:۲۴* به پاورقی مَثی ۲۶:۲۶ رجوع شود.

داشته باشد، موی بلندش مایه جلال اوست؟ در واقع، مو به جای پوشش سر به زن داده شده است. ۱۶ اما اگر کسی بخواهد در این مورد مخالفت کند، باید بگویم که نه ما رسمی دیگر داریم و نه هیچ یک از جماعت‌های خدا.

۱۷ من این راهنمایی‌ها را به شما می‌دهم، اما شما را تحسین نمی‌کنم؛ زیرا وقتی گرد هم می‌آیید، این گردهمایی‌ها بیشتر مضرند تا مفید. ۱۸ اول این که شنیده‌ام در گردهمایی‌های شما در جماعت، تفرقه در میان‌تان وجود دارد و تا حدی نیز آن را باور می‌کنم. ۱۹ البته در این شکی نیست که فرقه‌هایی در میان شما به وجود خواهد آمد و این آشکار خواهد ساخت که چه کسانی مورد تأیید خدا هستند.

۲۰ هنگامی که در یک جا گرد هم می‌آیید، در واقع برای خوردن شام سَرور نیست؛ ۲۱ زیرا وقتی زمان خوردن آن فرا می‌رسد، برخی شام خود را خورده‌اند و در نتیجه یکی گرسنه می‌ماند و دیگری مست می‌شود. ۲۲ مگر شما برای خوردن و نوشیدن، خانه ندارید؟ یا آیا می‌خواهید جماعت خدا را خوار شمارید و مستمندان را شرمسار کنید؟ به شما چه بگویم؟ آیا

اول قُرَنتیان ۱۱:۳۰-۱۲:۱۲

بگوید: «عیسی سرور است»، مگر آن که تحت تأثیر روح القدس باشد.

۴ عطایای گوناگونی وجود دارد، اما روح یکی است. ۵ خدمت‌های گوناگونی وجود دارد، اما سرور یکی است. ۶ همچنین عمل‌های گوناگونی وجود دارد، ولی خدایی که توانایی انجام دادن همه این‌ها را به هر کس می‌دهد، یکی است. ۷ اما این توانایی‌ها، از طریق روح در هر کس آشکار می‌گردد و برای فایده رساندن به همگان، بخشیده می‌شود. ۸ به یکی از طریق روح بیان* حکمت داده می‌شود و به دیگری از طریق همان روح، بیان معرفت. ۹ به یکی از طریق روح، ایمان داده می‌شود، به دیگری از طریق همان روح، عطیة شفا دادن. ۱۰ به یکی توانایی انجام دادن معجزه بخشیده می‌شود و به دیگری نبوت کردن. به یکی تشخیص کلام الهام‌شده عطا می‌گردد، به دیگری تکلم به زبان‌های گوناگون و به یکی دیگر نیز ترجمهٔ زبان‌ها. ۱۱ اما همهٔ این‌ها از طریق همان روح به عمل می‌آید. روح این عطایا را به خواست خود تقسیم کرده، به هر کس می‌بخشد.

۱۲ از این رو، همان طور که بدن با وجود

خورده و نوشیده است. ۳۰ به همین دلیل است که بسیاری در میان شما ضعیف و بیمارند و برخی نیز به خواب مرگ* رفته‌اند. ۳۱ اما اگر خود را محکم می‌زدیم، بر ما حکم نمی‌شد. ۳۲ با این حال، وقتی بر ما حکم می‌شود، یَهُوَه* ما را تأدیب می‌کند تا با دنیا محکوم نشویم. ۳۳ در نتیجه ای برادران، هنگامی که برای خوردن این شام گرد هم می‌آیید، برای یکدیگر صبر کنید. ۳۴ اگر کسی گرسنه است، در خانه غذا بخورد، مبادا هنگامی که گرد هم می‌آیید، محکوم شوید. به باقی موضوعات وقتی به آنجا بیایم، رسیدگی خواهیم کرد.

۱۲ حال ای برادران، در خصوص عطایای روحانی نمی‌خواهم که بی‌اطلاع باشید. ۲ خود می‌دانید زمانی که هنوز ایمان نیاورده بودید، تحت تأثیر دیگران به طرق مختلف به سوی پرستش بت‌هایی که قادر به سخن گفتن نیستند، کشیده می‌شدید. ۳ می‌خواهم شما را آگاه سازم که هیچ کس تحت تأثیر روح خدا، نمی‌گوید: «عیسی ملعون است!» همچنین هیچ کس نیز نمی‌تواند

۳۰:۱۱ * ظاهراً به مرگ روحانی اشاره دارد. ۳۲:۱۱

* رجوع به واژه‌نامه.

۸:۱۲ * یا: «پیام».

نیاز ندارم» یا سر نمی‌تواند به پا بگوید: «من محتاج تو نیستم». ۲۲ برعکس، آن اعضای بدن که به‌ظاهر ضعیف‌ترند، ضروری‌اند. ۲۳ همچنین به آن اعضای بدن که گمان می‌کنیم از حرمت کمتری برخوردارند، ارجی بیشتر می‌نهیم. از این رو، با اعضایی که ظاهری ناخوشایند دارند، با حجب بیشتری رفتار می‌کنیم. ۲۴ حال آن‌که نیازی نیست به اعضایی که ظاهری خوشایند دارند، چنین توجهی نشان دهیم. با این حال، خدا بدن را چنان ترتیب داده است که به اعضایی که حرمت کمتری دارند، ارجی بیشتر نهاده شود. ۲۵ تا هیچ جدایی در بدن نباشد، بلکه اعضای آن به یک اندازه در فکر یکدیگر باشند. ۲۶ اگر عضوی دردمند شود، تمام اعضای دیگر با آن درد خواهند کشید. اگر عضوی نیز عزّت یابد، تمام اعضای دیگر با او شادی خواهند کرد.

۲۷ حال شما بدن مسیح و هر یک عضوی از آن بدن هستید. ۲۸ خدا اعضا را اینچنین در جماعت قرار داده است: اول رسولان؛ دوم انبیا؛ سوم معلّمان؛ پس از آن کسانی که معجزه می‌کنند؛ سپس کسانی که از عطیۀ شفا دادن برخوردارند؛

داشتن اعضای بسیار، یکی است و همهٔ اعضای آن گرچه بسیارند، یک بدن را تشکیل می‌دهند، مسیح نیز چنین است؛ ۱۳ زیرا همهٔ ما چه یهودی چه یونانی، چه غلام چه آزاد، از طریق یک روح تعمید گرفتیم تا یک بدن را تشکیل دهیم و به همگی ما یک روح نوشانده شده است. ۱۴ زیرا بدن نه از یک عضو، بلکه از اعضای بسیاری تشکیل شده است. ۱۵ اگر پا بگوید: «چون من دست نیستم، عضوی از بدن به حساب نمی‌آیم»، این دلیل نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. ۱۶ اگر گوش بگوید: «چون چشم نیستم، عضوی از بدن به حساب نمی‌آیم»، این دلیل نمی‌شود که عضوی از بدن نباشد. ۱۷ اگر کل بدن چشم می‌بود، چگونه شنیدن امکان‌پذیر می‌شد؟ اگر کل بدن گوش می‌بود، چگونه بوییدن میسر می‌شد؟ ۱۸ اما حال، خدا هر عضو را آن گونه که می‌خواست، در بدن قرار داده است.

۱۹ اگر همهٔ اعضای بدن یک عضو می‌بود، دیگر بدنی وجود نمی‌داشت! ۲۰ اما اعضای بسیاری وجود دارند، در حالی که بدن یکی است. ۲۱ چشم نمی‌تواند به دست بگوید: «من به تو

فخرکنم، اما محبت نداشته باشم، به هیچ وجه فایده‌ای نمی‌برم.

۴ محبت، بردبار* و مهربان است. محبت حسادت نمی‌ورزد، خودستایی نمی‌کند و غرور ندارد. ۵ محبت رفتار ناپسند* ندارد، در پی نفع خود نیست و به راحتی خشمگین نمی‌شود. محبت کینه به دل نمی‌گیرد. ۶ محبت از بدی شادمان نمی‌شود، اما با راستی شادی می‌کند. ۷ محبت با همه چیز مدارا می‌کند، به همه چیز اعتماد دارد،* همواره امیدوار است* و در همه چیز پایداری می‌کند.

۸ محبت هرگز از میان نمی‌رود.* در حالی که عطایایی چون نبوّت کردن، تکلم به زبان‌ها* و کسب شناخت، از میان خواهد رفت؛ ۹ زیرا شناخت ما جزئی است و نبوّت‌های ما نیز کامل نیست. ۱۰ اما هنگامی که آنچه کامل است بیاید، آنچه جزئی است از میان خواهد رفت. ۱۱ وقتی کودک بودم

۴:۱۳ *یا: «صبور». ۵:۱۳ *یا: «بی‌ادبانه». *یا: «بدی‌ها را در دل خود نگاه نمی‌دارد». ۷:۱۳ *یا: «همه چیز را باور می‌کند». *یا: «به همه چیز امید دارد». ۸:۱۳ *یا: «ناکام نمی‌ماند». *منظور سخن گفتن به زبان‌های دیگر به نحوی معجزه‌آسا است.

همچنین مددکاران: افرادی که توانایی مدیریت دارند و کسانی که به زبان‌های گوناگون سخن می‌گویند. ۲۹ آیا همه رسولند؟ آیا همه نبی‌اند؟ آیا همه معلمند؟ آیا همه معجزه می‌کنند؟ ۳۰ آیا همه از عطیۀ شفا دادن برخوردارند؟ آیا همه به زبان‌ها سخن می‌گویند؟ آیا همه ترجمه* می‌کنند؟ ۳۱ پس شما پیوسته برای کسب عطایای بزرگ‌تر تلاش کنید.* اما حال می‌خواهم بهترین طریق را به شما نشان دهم.

۱۳

اگر به زبان‌های انسان‌ها و فرشتگان سخن بگویم، اما محبت نداشته باشم، طبلی توخالی یا سنجی پیرصدا بیش نیستم. ۲ اگر توانایی نبوّت کردن داشته باشم و همه رازهای مقدّس را درک کرده، از همه چیز شناختی کامل داشته باشم و اگر ایمانم چنان باشد که بتوانم کوه‌ها را جابه‌جا کنم،* اما محبت نداشته باشم، هیچ* هستم. ۳ اگر همه دارایی خود را برای رفع احتیاجات دیگران بدهم و اگر حاضر باشم از جان خود بگذرم و به آن

۳:۱۲ *یا: «تفسیر». ۳:۱۲ *یا: «شما همچنان غیورانه در پی عطایای بزرگ‌تر باشید». ۲:۱۳ *یا: «به حرکت درآورم». *یا: «بی‌فایده».

همچون کودک سخن می‌گفتم، همچون کودک می‌اندیشیدم و همچون کودک استدلال می‌کردم، اما اکنون که مرد شده‌ام، اعمال و افکار کودکانه را کنار گذاشته‌ام. ۱۲ آنچه ما اکنون می‌بینیم، همچون تصویری تار* در آینه‌ای فلزی است، اما در آن زمان آن را روبرو و به‌وضوح خواهیم دید. اکنون شناختی من جزئی است، اما در آن زمان شناختی کامل* خواهم داشت، آن گونه که خدا مرا می‌شناسد. ۱۳ حال سه چیز باقی می‌ماند: ایمان، امید و محبت. اما بزرگ‌ترین آن‌ها محبت است.

۱۴ در طریق محبت سخت بکوشید. با این حال برای کسب عطایای روحانی، به‌ویژه برای عطیه نبوت کردن* تلاش کنید. ۲ کسی که به زبانی دیگر سخن می‌گوید، نه با انسان‌ها، بلکه با خدا سخن می‌گوید؛ زیرا هرچند از طریق روح، رازهای مقدس را به زبان می‌آورد، کسی کلام او را درک

۱۲:۱۳ * یا: «مبهم». * یا: «دقیق». تحت‌اللفظی: «آن گونه که به‌کمال شناخته شده‌ام». ۱۳:۱۴ * نبوت کردن شامل پیشگویی کردن، دریافت پیامی از خدا یا اعلام پیامی الهی است. * یا: «با این حال، غیورانه در پی عطایای روحانی، به‌ویژه عطیه نبوت کردن باشید».

نمی‌کند. ۳ اما کسی که نبوت می‌کند، با سخن خود انسان‌ها را بنا و تشویق می‌کند و آنان را تسلی می‌بخشد. ۴ کسی که به زبانی دیگر سخن می‌گوید، خود را بنا می‌کند، اما کسی که نبوت می‌کند، جماعت را بنا می‌کند. ۵ من دوست دارم که همه شما به زبان‌ها سخن بگویید، اما ترجیح می‌دهم که نبوت کنید. آری، کسی که نبوت می‌کند، بزرگ‌تر از کسی است که به زبان‌ها سخن می‌گوید، مگر این که کسی که به زبان‌ها سخن می‌گوید، سخنان خود را برای بنای جماعت ترجمه* کند. ۶ ای برادران، اگر اکنون نزد شما می‌آمدم و به زبان‌ها سخن می‌گفتم، اما هیچ مکاشفه، شناخت، نبوت یا تعلیمی در اختیارتان نمی‌گذاشتم، چه فایده‌ای برایتان می‌داشت؟

۷ همین امر در خصوص اشیای بی‌جان که صدا تولید می‌نمایند، صدق می‌کند: مثل سازهایی همچون نی یا چنگ. اگر این سازها واضح و شمرده نواخته نشود،* چگونه می‌توان آهنگ آن‌ها را تشخیص داد؟ ۸ اگر شیور فراخوانی صدایی

۵:۱۴ * یا: «تفسیر». ۷:۱۴ * منظور این است که نت‌ها به‌موقع نواخته نشود.

روح سرود حمد می‌خوانم، با عقل خود نیز سرود حمد خواهم خواند. ۱۶ در غیر این صورت، اگر تو خدا را با عطیۀ روح ستایش کنی، چگونه فردی عامی در میان جمع می‌تواند به دعای شکرگزاری تو «آمین» بگوید؟ او که سخنان تو را درک نمی‌کند! ۱۷ آری، درست است که تو به‌خوبی شکرگزاری می‌کنی، اما آن فرد بنا نمی‌شود. ۱۸ خدا را شکر می‌کنم که بیش از همه شما به زبان‌ها سخن می‌گویم. ۱۹ با این حال، در جماعت ترجیح می‌دهم که برای تعلیم دیگران پنج کلمه با عقل خود سخن بگویم، تا این که ده هزار کلمه به زبانی دیگر بگویم.

۲۰ ای برادران، در فهم همچون کودکان باشید، بلکه در بدی همچون کودکان باشید و در فهم بالغ گردید. ۲۱ در شریعت نوشته شده است: «يَهُوَه* چنین می‌گوید: (به زبان‌های بیگانگان و از لب‌های غریبه‌ها با این قوم سخن خواهم گفت و با این حال از گوش دادن به سخنان من امتناع خواهند ورزید.)» ۲۲ پس عطیۀ تکلم به زبان‌ها نشانه‌ای است برای بی‌ایمانان، نه برای ایمانداران،

نامشخص دهد، چه کسی برای جنگ آماده خواهد شد؟ ۹ به همین گونه، اگر شما با زبان خود سخنانی بگویید که به‌آسانی قابل فهم نباشد، چگونه کسی بفهمد که چه می‌گویید؟ در آن صورت، سخنان شما باد هوا خواهد بود. ۱۰ بی‌شک در دنیا انواع بسیاری از زبان‌ها وجود دارد و هیچ یک بی‌معنی نیست. ۱۱ پس اگر کسی به زبانی سخن بگوید که من درک نکنم، من در نظر او بیگانه و او نیز در نظر من بیگانه است. ۱۲ همین اصل در مورد شما نیز صدق می‌کند. پس حال که شدیداً مشتاق کسب عطایای روح هستید، بکوشید تا به‌فراوانی از عطایایی برخوردار شوید که جماعت را بنا می‌کند. ۱۳ از این رو، آن که به زبانی دیگر سخن می‌گوید، دعا کند که بتواند سخنان خود را ترجمه* نماید؛ ۱۴ زیرا وقتی من به زبانی دیگر دعا می‌کنم، در واقع آن عطیۀ روح که به من داده شده، گویندۀ آن دعاست، اما عقل من آن را درک نمی‌کند.* ۱۵ پس چه باید کرد؟ وقتی با عطیۀ روح دعا می‌کنم، با عقل خود نیز دعا خواهم کرد. وقتی با عطیۀ

در حالی که عطیهٔ نبوّت کردن برای ایمانداران است، نه برای بی‌ایمانان. ۲۳ بنابراین اگر کل جماعت در مکانی گرد هم آیند و همه به زبان‌ها سخن بگویند و افراد عامی یا بی‌ایمان به مجلس‌تان داخل شوند، آیا نخواهند گفت: «شما عقل خود را از دست داده‌اید؟» ۲۴ اما اگر همهٔ شما نبوّت کنید و فردی بی‌ایمان یا عامی به مجلس‌تان داخل شود، سخنان شما توییخی برای او خواهد بود و چون مورد قضاوت همه قرار خواهد گرفت، ۲۵ اسرار دلش بر او آشکار خواهد شد. آنگاه روی بر زمین خواهد نهاد و خدا را پرستش کرده، اعلام خواهد کرد: «به‌راستی خدا در میان شماست.»

۲۶ پس ای برادران، چه باید کرد؟ هنگامی که گرد هم می‌آیید، یکی سرود بخواند، دیگری تعلیم دهد، یکی مکاشفه‌ای را بیان نماید، دیگری به زبانی دیگر سخن بگوید و یکی نیز آن را ترجمه* کند. باشد که همهٔ این‌ها برای بنای جماعت انجام شود. ۲۷ اگر کسانی هستند که به زبان‌های دیگر سخن می‌گویند، دو یا حداکثر سه نفر از آنان، آن هم به نوبت سخن بگویند و

کسی نیز آن را ترجمه* کند. ۲۸ اما اگر مترجمی* نیست، باید در جماعت ساکت بمانند و در دل خود و با خدا سخن بگویند. ۲۹ همچنین از میان انبیا دو یا سه نفر نبوّت کنند و دیگران در پی درک مفهوم آن باشند. ۳۰ اما اگر یکی از حاضران مکاشفه‌ای دریافت کند، آن که در حال سخن گفتن است، سکوت اختیار نماید: ۳۱ زیرا همهٔ شما می‌توانید یکی پس از دیگری نبوّت کنید تا همه تعلیم یابند و همه تشویق شوند. ۳۲ کسانی که با عطایای روح نبوّت می‌کنند، باید نظم و ترتیب را حفظ کنند: ۳۳ زیرا خدا، خدای بی‌نظمی نیست، بلکه خدای آرامش است.

همان گونه که در همهٔ جماعت‌های مقدّسان مرسوم است، ۳۴ زنان در جماعت سکوت اختیار کنند: زیرا جایز نیست که سخن بگویند،* بلکه باید چنان که در شریعت نیز آمده است، مطیع باشند. ۳۵ پس اگر سؤالی دارند، باید از شوهر خود در خانه سؤال کنند: زیرا شایسته نیست که زن در جماعت* سخن بگوید. ۳۶ آیا کلام خدا از شما سرچشمه

۱۴:۲۸ * یا: «تفسیرکننده‌ای». ۱۴:۲۴ * یا: «زیرا اجازه ندارند خطاب به جماعت سخن بگویند». ۱۴:۲۵ * یا: «خطاب به جماعت».

گناهان ما مرد؛ ۴ این که او را به خاک سپردند، آری این که بر طبق نوشته‌های مقدّس در روز سوم برخیزانده شد؛ ۵ این که برکیفا* و سپس بر آن دوازده نفر ظاهر گشت. ۶ پس از آن، یک بار بر بیش از ۵۰۰ نفر از برادران ظاهر شد که اکثر آنان هنوز در میان ما هستند، گرچه برخی به خواب مرگ فرو رفته‌اند. ۷ سپس بر یعقوب ظاهر شد و بعد از آن بر همهٔ رسولان. ۸ اما آخر از همه بر من نیز ظاهر گشت؛ بر من که همچون نوزادی بودم که پیش از وقت زاده شده باشد.

۹ زیرا من از همهٔ رسولان کوچک‌تر هستم و لایق نیستم که رسول خوانده شوم، چون جماعت خدا را آزار رساندم. ۱۰ اما آنچه اکنون هستم، به لطف خدا هستم. لطف او به من بیهوده نبوده است؛ زیرا من از همهٔ آنان سخت‌تر کار کردم، البته نه به توان خود، بلکه با قدرت لطف خدا که با من است. ۱۱ پس چه من، چه آنان، همهٔ ما یک پیام را موعظه می‌کنیم و شما از طریق همین پیام ایمان آوردید. ۱۲ حال اگر موعظه می‌شود که مسیح از مردگان برخیزانده شد، چگونه است که برخی از شما می‌گویید، مردگان ۵:۱۵ * نام دیگر پطرس.

گرفته است؟ آیا کلام خدا تنها به شما رسیده است؟

۳۷ اگر کسی گمان کند که نبی است یا از عطایای روح برخوردار است، باید تصدیق کند که آنچه به شما می‌نویسم، حکم سرور* است. ۳۸ اما اگر کسی این امر را نپذیرد، خودش پذیرفته نخواهد شد. ۳۹ پس ای برادران من، همچنان در پی نبوّت کردن باشید و در عین حال سخن گفتن به زبان‌ها را نیز منع نکنید. ۴۰ بگذارید همه چیز به شایستگی و با نظم و ترتیب انجام شود.

۱۵ حال ای برادران، می‌خواهم بشارتی را که به شما اعلام کردم، به خاطرتان آورم: همان بشارتی که پذیرفتید و نشان داده‌اید که به آن پای‌بند هستید. ۲ از طریق همان بشارت است که نجات می‌یابید، البته اگر همچنان به آن پای‌بند بمانید. در غیر این صورت بیهوده ایمان آورده‌اید.

۳ من مهم‌ترین امور را همان طور که به خود من رسید، به شما سپردم: این که مسیح مطابق نوشته‌های مقدّس برای

۳۷:۱۴ * یا احتمالاً: «خداوند»؛ به یونانی کوریئوس. ۳۸:۱۴ * یا احتمالاً: «اگر کسی نادان باشد، در نادانی خود خواهد ماند».

رستاخیز نمی‌یابند؟ ۱۳ اگر به‌راستی مردگان رستاخیز نمی‌یابند، پس مسیح نیز برخیزانده نشده است ۱۴ و اگر مسیح برخیزانده نشده است، هم موعظه ما بی‌فایده است و هم ایمان شما. ۱۵ به علاوه، شاهدان دروغین خدا شمرده می‌شویم، چون در مورد خدا به‌دروغ شهادت داده‌ایم که او مسیح را برخیزاند، در حالی که اگر مردگان واقعاً برنمی‌خیزند، خدا نیز او را برنخیزانده است. ۱۶ آری، اگر مردگان برنمی‌خیزند، پس مسیح نیز برخیزانده نشده است. ۱۷ به علاوه، اگر مسیح برخیزانده نشده، ایمان شما بیهوده است و شما هنوز در گناهان خود هستید ۱۸ و پیروان مسیح نیز که به خواب مرگ رفته‌اند، تباه شده‌اند. ۱۹ اگر فقط در این زندگی به مسیح امید داشته باشیم، وضعیت ما از هر کس دیگری اسفبارتر است.

۲۰ اما واقعیت این است که مسیح از مردگان برخیزانده شد و در این خصوص، نویر کسانی است که به خواب مرگ رفته‌اند؛ ۲۱ زیرا از آنجا که مرگ از طریق یک انسان آمد، رستاخیز مردگان نیز از طریق یک انسان می‌آید. ۲۲ چون همان طور که به سبب آدم همه می‌میرند، از طریق

مسیح نیز همه زنده خواهند شد. ۲۳ اما هر یک به نوبت خود: نخست مسیح زنده شد که نویر بود. سپس کسانی که از آن مسیح هستند، در هنگام حضور* او زنده خواهند شد. ۲۴ بعد از آن، در انتها، یعنی پس از برانداختن همه حکومت‌ها، قدرت‌ها و نیروها، مسیح پادشاهی را به خدای خود و پدر خود تحویل خواهد داد؛ ۲۵ زیرا او باید تا زمانی که خدا تمام دشمنان را زیر پاهایش نهد، در مقام پادشاه حکمرانی کند. ۲۶ مرگ نیز که آخرین دشمن است، از میان برداشته خواهد شد؛ ۲۷ زیرا خدا «همه چیز را تحت فرمان و زیر پاهای او* نهاد.» البته وقتی می‌گوید «همه چیز»، واضح است که این شامل خود خدا نمی‌شود که همه چیز را تحت فرمان او نهاد. ۲۸ اما پس از آن که همه چیز تحت فرمان پسر درآمد، پسر نیز خود را مطیع او خواهد ساخت؛ مطیع او که همه چیز را تحت فرمانش نهاد، تا بدین سان خدا به‌تنهایی حاکم همه باشد.

۲۹ اگر رستاخیزی نیست، آنان که با این قصد تعمید می‌گیرند که در زمره مردگان قرار گیرند، چه فایده‌ای می‌برند؟

۲۳:۱۵ * رجوع به واژه‌نامه. ۲۷:۱۵ * منظور مسیح است.

فقط دانهٔ آن را می‌کاری؛ چه دانهٔ گندم باشد، چه دانه‌ای دیگر. ۳۸ اما خدا بدنی را که برای آن تعیین کرده است، به آن می‌دهد و به هر نوع دانه، بدن خاص آن را می‌بخشد. ۳۹ همهٔ موجودات دارای یک نوع جسم نیستند. انسان یک نوع جسم دارد و چهارپایان نوعی دیگر. پرندگان و ماهیان نیز جسم خاص خود را دارند. ۴۰ همچنین، هم بدن‌های آسمانی وجود دارد و هم بدن‌های زمینی. اما جلال بدن‌های آسمانی با جلال بدن‌های زمینی متفاوت است. ۴۱ خورشید جلال خود را دارد و ماه و ستارگان نیز جلال خود را. حتی جلال هر ستاره نیز با جلال ستارهٔ دیگر تفاوت دارد.

۴۲ همین امر در خصوص رستاخیز مردگان نیز صدق می‌کند. آنچه کاشته می‌شود، فسادپذیر است و آنچه برمی‌خیزد، فسادناپذیر. ۴۳ آنچه کاشته می‌شود، خوار است و آنچه برمی‌خیزد، پرجلال. آنچه کاشته می‌شود، ضعیف است و آنچه برمی‌خیزد، پرقدرت. ۴۴ آنچه کاشته می‌شود، بدنی جسمانی است و آنچه برمی‌خیزد، بدنی روحانی. اگر بدنِ جسمانی هست، بدن روحانی نیز وجود دارد. ۴۵ چنان که نوشته شده

اگر مردگان ابداً برنمی‌خیزند، چرا ایشان با چنین قصدی تعمید می‌گیرند؟ ۳۰ چرا ما نیز هر ساعت* جان خود را به خطر می‌اندازیم؟ ۳۱ ای برادران، به همان افتخاری که به شما پیروان سرورمان مسیح عیسی می‌کنم، سوگند که هر روز با مرگ روبرو می‌شوم. ۳۲ اگر جنگ من با حیوانات وحشی در اِفُسس، همچون جنگ دیگران بود،* چه نفعی عاید می‌شد؟ اگر مردگان برنمی‌خیزند، «بیایید بخوریم و بیاشامیم؛ زیرا فردا خواهیم مرد.» ۳۳ گمراه مشوید. معاشران بد، رفتار* خوب را فاسد می‌سازند. ۳۴ به خود آید، درست فکر کنید و گناه پیشه نکنید. برخی از شما هیچ شناخت درستی از خدا ندارید. من این سخنان را می‌گویم تا شرمنده شوید.

۳۵ با این حال، شاید کسی بگوید: «مردگان چگونه برمی‌خیزند؟ آری، با چه نوع بدنی می‌آیند؟» ۳۶ ای نادان! آنچه می‌کاری، تا وقتی نمیرد زنده نمی‌گردد. ۳۷ وقتی چیزی می‌کاری، خود گیاه* را که رشد کرده است نمی‌کاری، بلکه

۲۰:۱۵ *یا: «همواره». ۲۲:۱۵ *یا احتمالاً: «به دلایل انسانی بود». ۲۳:۱۵ *یا: «عادات: اخلاق». ۲۷:۱۵ *تحت اللفظی: «بدن».

است: «انسان اول، آدم، موجودی زنده گشت.» آدم آخر، روح حیات بخش شد. ۴۶ پس آنچه روحانی است نخست نمی آید، بلکه نخست جسمانی می آید و بعد از آن روحانی. ۴۷ انسان اول از زمین است و از خاک سرشته شد؛ انسان دوم از آسمان است. ۴۸ انسان های خاکی، مانند آن کسی هستند که خدا از خاک سرشت و آسمانی ها همچون آن کسی هستند که از آسمان آمد. ۴۹ همان طور که ما شکل انسان خاکی را به خود گرفته ایم، در آینده شکل او را نیز که از آسمان آمد، به خود خواهیم گرفت.

۵۰ ای برادران، این را باید بگویم که جسم و خون نمی تواند وارث پادشاهی خدا شود و آنچه فسادپذیر است، نمی تواند وارث آنچه فسادناپذیر است، شود. ۵۱ حال بگذارید رازی مقدس را با شما در میان بگذارم: همه ما به خواب مرگ نخواهیم رفت، اما همگی تبدیل خواهیم شد ۵۲ و این در یک لحظه و در یک چشم به هم زدن، هنگامی که شیپور آخر نواخته می شود، رخ خواهد داد. وقتی شیپور به صدا درآید، مردگان با بدنی فسادناپذیر برخوانند خاست و ما تبدیل خواهیم شد؛ ۵۳ زیرا آنچه

فسادپذیر است، باید فسادناپذیری را بر تن کند و آنچه فانی است، باید فناپذیری را بر تن کند. ۵۴ اما زمانی که آنچه فسادپذیر است، فسادناپذیری را بپوشد و آنچه فانی است، فناپذیری را بر تن کند، آنگاه این نوشته به تحقق خواهد رسید که می گوید: «مرگ تا ابد از بین رفته است.»* ۵۵ ای مرگ، پیروزی تو کجاست؟ ای مرگ، نیش تو کجاست؟ ۵۶ نیشی که سبب مرگ می شود، گناه است و شریعت قدرت گناه را آشکار می کند.* ۵۷ اما خدا را شکر و سپاس باد که ما را از طریق سرورمان عیسی مسیح پیروزمند می سازد!

۵۸ پس ای برادران عزیز من، ثابت قدم و استوار بوده، همواره در کار خداوند* بسیار فعال باشید، چون می دانید که زحمات شما در خدمت به خداوند* بیهوده نیست.

اما در خصوص جمع آوری اعانات برای مقدسان، شما نیز می توانید به راهنمایی هایی که به جماعت های غلاطیه دادم، عمل کنید.

۱۶

۵۴:۱۵* تحت اللفظی: «تا ابد بلعیده شده است». ۵۶:۱۵* یا: «و قدرت گناه از شریعت است». ۵۸:۱۵* یا احتمالاً: «سرور»؛ به یونانی کوریثوس.

اول قُرَنتیان ۱۶:۲-۱۸

يَهُوَه* مشغول است. ۱۱ پس نگذارید کسی به دیده حقارت به او بنگرد. او را به سلامتی راهی سفر کنید تا نزد من بازگردد؛ زیرا من و برادران منتظر او هستیم. ۱۲ حال در مورد برادران آپولُس؛ او را بسیار ترغیب کردم تا با برادران نزد شما بیاید. هرچند تمایلی نداشت که اکنون بیاید، اما هرگاه فرصت کند، خواهد آمد. ۱۳ هوشیار باشید، در ایمان پایدار بمانید، همچون مردان به پیش روید* و قوی گردید. ۱۴ همه کارهای خود را با محبت انجام دهید.

۱۵ می‌دانید که اهل خانه استفاناس، اولین کسانی بودند که در آخائیه* ایمان آوردند و خود را وقف خدمت به مقدسان کردند. حال ای برادران، می‌خواهم شما را ترغیب کنم ۱۶ که شما نیز مطیع چنین افرادی باشید، همچنین مطیع همه کسانی که با ما همکاری می‌کنند و سخت زحمت می‌کشند. ۱۷ من از حضور استفاناس، فورتوناتوس و آخائیکوس در اینجا شادانم؛ زیرا جای خالی شما را پر کرده‌اند. ۱۸ اینان به روح من و شما

۱۶:۱۳* یا: «پایدار بمانید؛ شجاع باشید». ۱۵:۱۶* ایالتی رومی واقع در جنوب یونان که مرکز آن قُرنتُس بود.

۲ روز اول هر هفته، هر یک از شما به نسبت درآمد خود، مبلغی کنار بگذارد تا هنگامی که نزد شما می‌رسم، دیگر لزومی به جمع‌آوری اعانات نباشد. ۳ وقتی به آنجا رسیدم، کسانی را که شما در نامه‌ای تأیید کنید، می‌فرستم تا هدایای محبت‌آمیز شما را به اورشلیم ببرند ۴ و اگر صلاح باشد که من نیز به آنجا بروم، آنان با من همسفر خواهند شد.

۵ اما پس از گذشتن از مقدونیه نزد شما خواهم آمد؛ زیرا می‌خواهم از مقدونیه عبور کنم. ۶ شاید بتوانم مدتی نزد شما بمانم یا حتی زمستان را با شما بگذرانم. پس از آن می‌توانید مرا در سفرم به هر جا که باشد، تا مسافتی بدرقه کنید؛ ۷ زیرا نمی‌خواهم اکنون شما را بر سر راه و کوتاه ملاقات کنم، بلکه امیدوارم اگر يَهُوَه* اجازه دهد، مدتی را با شما بگذرانم. ۸ اما تا عید پنتیکاست در اِفِسُس می‌مانم؛ ۹ زیرا دری بزرگ برای خدمت در برابر من گشوده شده است، البته مخالفان نیز بسیارند.

۱۰ اگر تیموتائوس آمد، مراقب باشید که در میان شما از چیزی واهمه نداشته باشد؛ زیرا او نیز همچون من به انجام دادن کار ۱۶:۷، ۱۰* رجوع به واژه‌نامه.

۲۱ من، پولُس این سلام را به دست خود می‌نویسم.

۲۲ اگر کسی سرور را دوست ندارد،* لعنت بر او باد. ای سرور ما بیا! ۲۳ لطف عیسای سرور با شما باد! ۲۴ همه شما که پیروان مسیح عیسی هستید، محبت مرا بپذیرید!

۲۲:۱۶ * به یونانی فیلیثو: رجوع به واژه‌نامه: «محبت».

طراوت بخشیده‌اند. پس قدرچنین افرادی را بدانید.

۱۹ جماعت‌های ایالت آسیا به شما سلام می‌رسانند. آکیلا و پریسکا* همراه با جماعتی که در خانه‌شان گرد هم می‌آیند، به شما پیروان سرور قلباً سلام می‌گویند. ۲۰ همه برادران به شما سلام می‌رسانند. یکدیگر را با بوسه مقدس سلام گویند. ۱۹:۱۶ * «پریسکیلا» نیز خوانده شده است.

نامه دوم پولُس به

قُرَنتیان

فهرست محتوا

۴	نور بشارت (۶-۱)	۱	سلام‌ها (۲-۱)
	ذهن‌های بی‌ایمانان کور شده است (۴)		دلگرمی از خدا در تمامی سختی‌ها (۱۱-۳)
	گنج در ظروف خاکی (۷-۱۸)		تغییر در برنامه سفر پولُس (۱۲-۲۴)
۵	«مشتاق خانه آسمانی خود هستیم» (۱-۱۰)	۲	قصد پولُس شادی بخشیدن بود (۱-۴)
	خدمت آشتی (۱۱-۲۱)		بخشش و پذیرفتن فردی که اخراج شده بود (۵-۱۱)
	آفرینشی جدید (۱۷)		پولُس در تروآس و مقدونیه (۱۲، ۱۳)
	سفیران مسیح (۲۰)		خدمت و هدایت در صف پیروزمندان (۱۴-۱۷)
۶	لطف خدا را بپذیرید و از مقصود آن غافل مشوید (۱-۲)		تجارت نکردن با کلام خدا (۱۷)
	توضیح خدمت پولُس (۳-۱۳)	۳	توصیه‌نامه‌ها (۱-۳)
	زیر یوغ نامتوازن مروید (۱۴-۱۸)		خدمتگزاران عهد جدید (۴-۶)
۷	خود را از ناپاکی بزداییم (۱)		جلال والاتر عهد جدید (۷-۱۸)

- ۱۱ پولس و رسولان عالی‌مقام (۱۵-۱)
مشقات پولس در مقام رسول (۳۳-۱۶)
۱۲ رؤیایها و مکاشفه‌های پولس (۷-۱الف)
خاری در جسم پولس (۷-ب۱۰)
کمتر نبودن از رسولان عالی‌مقام (۱۳-۱۱)
نگرانی پولس برای قُرنتیان (۲۱-۱۴)
۱۳ هشدارها و سفارش‌های پایانی (۱۴-۱)
«پیوسته خود را بیازمایید تا دریابید
که آیا در ایمان هستید» (۵)
اصلاح شوید؛ همفکر باشید (۱۱)

- شادی پولس برای قُرنتیان (۴-۲)
خبرهای دلگرم‌کننده تیتوس (۷-۵)
اندوهی خدایسندانه و توبه (۱۶-۸)
۸ جمع‌آوری هدایا برای مسیحیان
یهودیه (۱۵-۱)
تیتوس به قُرنتس فرستاده
می‌شود (۲۴-۱۶)
۹ انگیزه بخشش به دیگران (۱۵-۱)
خدا بخشنده شاد را دوست دارد (۷)
۱۰ پولس از خدمت خود دفاع می‌کند (۱۸-۱)
اسلحه ما از این دنیا نیست (۵، ۴)

در هرگونه سختی* دلگرمی دهیم، با همان دلگرمی‌ای که خدا به ما بخشیده است؛ ۵ زیرا همان‌گونه که در راه مسیح رنج‌های فراوان می‌کشیم، از طریق مسیح نیز دلگرمی فراوان می‌یابیم. ۶ حال اگر ما با سختی‌ها* روبرو هستیم، به خاطر این است که شما دلگرمی و نجات یابید و اگر ما دلگرمی می‌یابیم، باز برای دلگرمی شماست؛ دلگرمی‌ای که شما را یاری می‌کند تا در همان رنج‌هایی که ما نیز می‌کشیم، پایداری کنید. ۷ در این خصوص، امید ما به شما تزلزل‌ناپذیر است، چون می‌دانیم همان‌گونه که در رنج‌های ما سهیم

۴:۱ * یا: «مصیبت». ۶:۱ * یا: «مصیبت‌ها».

از طرف پولس که به خواست خدا رسول مسیح عیسی است و از طرف برادرمان تیموتائوس به جماعت خدا در قُرنتس و همچنین به همه مقدّسان در سراسر نواحی آخائیه*:

۲ لطف و آرامش از طرف پدرمان خدا و سرورمان عیسی مسیح با شما باد!

۳ سپاس بر خدا، پدر سرورمان عیسی مسیح، پدر رحمت‌ها و خدای همه گونه دلگرمی‌ها. ۴ اوست که در تمام سختی‌هایمان* به ما دلگرمی می‌بخشد* تا ما نیز بتوانیم به دیگران

۱:۱ * ایالتی رومی واقع در جنوب یونان که مرکز آن قُرنتس بود. ۴:۱ * یا: «مصیبت‌هایمان». * یا: «تسلّی می‌بخشد».

بخوانید و بفهمید.* من امید دارم که همواره بتوانید این امور را کاملاً* درک کنید، ۱۴ همان گونه که برخی از شما می دانید و درک کرده اید که می توانید به ما افتخار کنید، چنان که شما نیز در روز سرورمان عیسی مایه افتخار ما خواهید بود.

۱۵ بنابراین، با این اطمینانی که دارم، می خواستم نخست نزدتان بیایم تا شادی شما دو چندان شود؛* ۱۶ زیرا تصمیم داشتم در مسیر خود به مقدونیه از شما دیدار کنم و از مقدونیه باز نزدتان بیایم و سپس شما مرا از آنجا راهی یهودیه کنید. ۱۷ آیا وقتی این تصمیم را گرفتم، آن را امری پیش پا افتاده تلقی کردم؟ یا این که از روی هوا و هوس تصمیم می گیرم و اول می گویم «بله، حتماً» و بعد می گویم «نه، اصلاً»؟ ۱۸ اما خدای امین می داند که وقتی به شما می گویم «بله» منظورمان «نه» نیست. ۱۹ همچنین، پسر خدا عیسی مسیح که من و سیلوانوس* و تیموتائوس* در مورد او به شما موعظه

۱۳:۱ * یا احتمالاً: «جز آنچه شما به خوبی با آن آشنایی دارید و بتوانید بفهمید». * تحت اللفظی: «تا به آخر». ۱۵:۱ * یا احتمالاً: «تا بهره دو چندان ببرید». ۱۹:۱ * «سیلاس» نیز خوانده شده است.

هستید، در دلگرمی های ما نیز سهیم خواهید بود.

۸ برادران، نمی خواهیم از سختی هایی که ما در ایالت آسیا کشیدیم، بی اطلاع باشید. در آنجا تحت فشارهایی قرار گرفتیم که ورای توان ما بود و چنان شدید که حتی مطمئن نبودیم زنده بمانیم. ۹ در واقع، احساس می کردیم که حکم مرگمان صادر شده است. این ها همه رخ داد تا نه به خود، بلکه به خدایی که مردگان را برمی خیزاند، توکل کنیم. ۱۰ او ما را از خطر بزرگ مرگ رهایی داده و خواهد داد و امید ما به اوست تا همواره ما را رهایی بخشد. ۱۱ شما نیز می توانید از طریق دعای التماس آمیز خود، به ما کمک کنید. به این ترتیب، شماری زیاد به خاطر لطفی که در پاسخ دعاها ی عده ای بسیار شامل حال ما می شود، خدا را از جانب ما شکر خواهند کرد.

۱۲ افتخار ما این است که می توانیم با وجدانی پاک بگوییم که رفتار ما در دنیا، به ویژه با شما، با قدوسیت و صداقت خدایی بوده است؛ آری، رفتار ما بازتابی از لطف الهی بوده است، نه از حکمت بشری. ۱۳ در واقع ما چیزی نمی نویسیم، جز آنچه شما بتوانید

اطمینان دارم که آنچه مرا شاد می‌سازد، باعث شادی همه شما نیز می‌شود. ۴ من این‌ها را با اندوه بسیار، دلی دردمند و چشمانی اشک‌آلود برای شما نوشتم، نه تا غمگینتان کنم، بلکه می‌خواستم شما را از عمق محبتی که به شما دارم، آگاه سازم.

۵ حال اگر کسی باعث اندوه شده است، او نه فقط مرا، بلکه تا حدی همه شما را نیز اندوهگین ساخته است - البته نمی‌خواهم در این مورد با تندی سخن بگویم. ۶ آن شخص به اندازه کافی از طرف اکثریت شما تنبیه شده است؛ ۷ حال باید با بزرگواری او را ببخشید و دلگرمی دهید، مبادا شدت اندوه، او را از پا درآورد. * ۸ پس شما را ترغیب می‌کنم که محبت خود را به او ثابت کنید؛ ۹ زیرا دلیل دیگر نوشتنم به شما این است که می‌خواستم بینم آیا اطاعت خود را در همه چیز به اثبات می‌رسانید، یا نه؟ ۱۰ اگر شما کسی را ببخشید، من نیز او را می‌بخشم. در واقع، اگر خطایی را بخشیده‌ام (البته اگر خطایی بوده باشد که ببخشم) به خاطر شما و در حضور مسیح بوده است ۱۱ تا شیطان بر ما برتری

کردیم، همزمان «بله» و «نه» نشد، بلکه «بله» در خصوص او «بله» شده است؛ ۲۰ زیرا تمام وعده‌های خدا، هرچند که بسیار باشد، از طریق او «بله» شده است. به همین دلیل، از طریق او نیز به خدا «آمین» می‌گوییم تا خدا جلال یابد. ۲۱ اما خداست که تضمین می‌کند ما و شما به مسیح تعلق داریم و اوست که ما را مسح کرد. ۲۲ او همچنین مَهر مالکیت خویش را بر ما زده و روح خود را به عنوان بیعانه* برکات آینده در دل ما نهاده است. ۲۳ اکنون خدا را شاهد می‌گیرم که چون نمی‌خواهم بیش از این ناراحت شوید، هنوز به قُرُنْثُس نیامده‌ام. ۲۴ منظورم این نیست که ما بر ایماننان سَروری کرده باشیم، بلکه همکاران شماییم و برای شادی شما می‌کوشیم؛ زیرا در ایماننان استوارید.

۲ پس نمی‌خواهم بار دیگر که نزدیکان می‌آیم، دیداری اندوهبار با شما داشته باشم؛ ۲ زیرا اگر من همه شما را اندوهگین کنم، چه کسی باقی می‌ماند که مرا شاد سازد؟ ۳ من این‌ها را نوشتم تا وقتی نزد شما می‌آیم، کسانی که باید مرا شاد سازند، مایه اندوه من نشوند؛ زیرا

نیاید؛* زیرا از نقشه‌های* او بی‌اطلاع نیستیم.

۱۲ وقتی به تروآس رسیدم تا در آنجا در مورد مسیح بشارت دهم، دری برای خدمت به سرور* در برابرم گشوده شد. ۱۳ اما چون برادرم تیتوس را نیافتم، دلم* آرام و قرار نداشت. پس با شاگردان آن شهر خداحافظی کردم و به طرف مقدونیه به راه افتادم.

۱۴ اما خدا را شکر می‌کنم که همواره ما را در اتحاد با مسیح در صف پیروزمندان هدایت می‌کند و از طریق ما رایحهٔ خوش شناخت خود را در همه جا پراکنده می‌سازد؛* ۱۵ زیرا ما برای خدا رایحهٔ خوش مسیح هستیم؛ رایحه‌ای که هم در میان کسانی که در راه نجاتند پراکنده می‌شود و هم در میان آنانی که در راه هلاکتند. ۱۶ اما برای کسانی که در راه هلاکتند، بوی مرگ می‌دهد، بویی که به مرگ می‌انجامد و برای آنانی که در راه نجاتند، رایحهٔ حیات است، رایحه‌ای که به حیات می‌انجامد. به‌راستی

* ۱۱:۲ یا: «تا فریب شیطان را نخوریم».

* یا: «ترفندهای؛ انگیزه‌های». ۱۲:۲ * یا احتمالاً:

«خداوند»؛ به یونانی کوریثوس. ۱۳:۲

* تحت‌اللفظی: «روح»؛ به یونانی پنویما. ۱۴:۲

* یا: «پخش می‌کند».

چه کسی صلاحیت لازم را برای چنین خدمتی دارد؟ ۱۷ ما آن صلاحیت را داریم؛ زیرا برخلاف بسیاری دیگر با کلام خدا تجارت نمی‌کنیم،* بلکه در حکم فرستادگان خدا، آری، در حضور خدا و در اتحاد با مسیح، با صداقت کامل سخن می‌گوییم.

۳ آیا باز نیاز داریم که به شما توصیه کنیم که ما را بپذیرید؟ یا همچون برخی، نیاز داریم توصیه‌نامه‌ای به شما ارائه دهیم یا توصیه‌نامه‌ای از شما دریافت کنیم؟ ۲ شما خود توصیه‌نامهٔ ما هستید، نامه‌ای که بر دل‌های ما نوشته شده است و همهٔ انسان‌ها از آن آگاهند و آن را می‌خوانند؛ ۳ زیرا شما نشان دادید که نامه‌ای از مسیح هستید که به دست ما خادمان نگاشته شده است، البته نه با جوهر، بلکه با روح خدای زنده و نه بر لوح‌های سنگی، بلکه بر لوح دل‌ها.*

۴ ما این را می‌توانیم از طریق مسیح با چنین اطمینانی در حضور خدا بگوییم. ۵ البته منظور این نیست که خود صلاحیت لازم را داشته باشیم و گمان

* ۱۷:۲ یا: «سودجویی نمی‌کنیم». ۳:۳

* تحت‌اللفظی: «بلکه بر لوح‌های گوشتین، بر

دل‌ها».

۱۲ پس چون چنین امیدی داریم، با شهادت بسیار سخن می‌گوییم* ۱۳ و مانند موسی عمل نمی‌کنیم که پوششی بر چهره خود می‌کشید تا بنی‌اسرائیل به جلال* آنچه از میان می‌رفت، چشم ندوزند. ۱۴ اما ذهن‌های ایشان کند شده بود؛ زیرا تا به امروز وقتی آن عهد کهنه را می‌خوانند، آن پوشش بر ذهن‌هایشان باقی است و برداشته نشده است؛ زیرا تنها از طریق مسیح برداشته می‌شود. ۱۵ در واقع تا به امروز، هرگاه نوشته‌های موسی خوانده می‌شود، همچنان بر دل‌های آنان پوششی باقی می‌ماند. ۱۶ اما وقتی کسی نزد یَهُوه* بازگردد، پوشش برداشته می‌شود. ۱۷ یَهُوه* روح است و هر جا روح یَهُوه* باشد، آنجا آزادی است. ۱۸ همه ما در حالی که جلال یَهُوه* را با چهره‌هایی بدون پوشش، همچون آینه‌ای بازتاب می‌کنیم، با جلالی افزونتر* به صورت همان تصویر دگرگون می‌شویم؛ درست به همان گونه که یَهُوه* که روح است ما را شکل می‌دهد.^۵

۱۲:۳* رجوع به واژه‌نامه: «آزادی درگفتار». ۱۳:۳* یا: «تمام شدن؛ عاقبت». ۱۸-۱۶:۳* رجوع به واژه‌نامه. ۱۸:۳* تحت‌اللفظی: «از جلالی به جلالی دیگر». ^۵ یا احتمالاً: «درست به همان گونه که روح یَهُوه ما را شکل می‌دهد».

کنیم، کاری را به توانایی خود کرده‌ایم، بلکه صلاحیت ما از خداست؛ ۶ خدایی که این صلاحیت لازم را به ما بخشیده است تا خدمتگزاران عهد جدید باشیم، البته نه خدمتگزاران شریعتی کتبی، بلکه خدمتگزاران روح؛ زیرا شریعت کتبی شخص را به مرگ محکوم می‌کند، اما روح حیات می‌بخشد.

۷ آن شریعت که مرگ به بار می‌آورد و بر دولوح سنگی حک شده بود، با چنان جلالی آمد که بنی‌اسرائیل نمی‌توانستند به سبب جلال چهره موسی به چهره‌اش بنگرند، هرچند آن جلال از میان می‌رفت. ۸ پس حال، جلال آنچه روح می‌تواند انجام دهد، چقدر باید بیشتر باشد! ۹ همچنین اگر شریعتی که انسان را محکوم می‌ساخت، پر جلال بود، پس خدمتی که سبب می‌شود انسان درستکار* شمرده شود، چقدر باید پر جلال‌تر باشد! ۱۰ در واقع، آنچه زمانی جلال داده شده بود، به خاطر آن جلال والاتر، جلال خود را از دست داده است. ۱۱ همچنین اگر آنچه باید از میان می‌رفت، با جلال همراه بود، پس جلال آنچه باقی می‌ماند، چقدر باید بیشتر باشد!

۴

پس، از آنجا که ما این خدمت را از طریق رحمتی که به ما شده است، داریم، از آن دست نمی‌کشیم. ۲ در عوض اعمال پنهانی و شرم‌آور را ترک کرده‌ایم، رفتاری فریبکارانه نداریم و کلام خدا را تحریف نمی‌کنیم؛ بلکه با آشکار ساختن حقیقت، سرمشقی نیکو از خود در حضور خدا به جا می‌گذاریم تا مورد تأیید وجدان همگان باشیم. ۳ اگر بشارتی که اعلام می‌کنیم، پوشیده است، در واقع برای کسانی پوشیده است که در راه هلاکتند. ۴ خدای این نظام حاضر* ذهن‌های این بی‌ایمانان را کور کرده است تا نور بشارت پرجلال در مورد همان مسیح که صورت خداست، بر آنان تابیده نشود؛ ۵ زیرا ما، نه در مورد خود، بلکه در مورد عیسی مسیح موعظه می‌کنیم و می‌گوییم که عیسی سرور است و ما به خاطر او غلامان شما هستیم؛ ۶ زیرا همان خدایی که گفت: «نور از میان تاریکی بدرخشد»، نور خود را از طریق چهرهٔ مسیح، بر دل‌های ما تابانده است تا شناخت پرجلال خدا دل‌های ما را روشن سازد.

۴:۴ * یا: «این عصر»: رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر».

۷ اما ما این گنج را در ظروف خاکی* داریم تا آشکار باشد که قدرت فوق‌العاده ما از خداست، نه از خودمان. ۸ ما از هر جهت سخت در فشاریم، اما آنچنان در تنگنا نیستیم که نتوانیم حرکت کنیم؛ متحیریم، اما نه تا حدی که راه گریز نداشته باشیم؛* ۹ تحت آزاریم، اما به حال خود رها نشده‌ایم؛ به زمین افکنده شده‌ایم، اما هلاک نگشته‌ایم. ۱۰ همواره در بدن خود همان رنج‌های کشنده‌ای را که عیسی کشید، متحمل می‌شویم تا زندگی عیسی نیز در بدن ما آشکار شود؛ ۱۱ زیرا ما که زنده‌ایم، به خاطر عیسی همواره با مرگ روبرو می‌شویم تا زندگی عیسی در جسم فانی ما آشکار شود. ۱۲ پس هرچند ما با مرگ روبرو هستیم، نتیجهٔ آن برای شما حیات است.

۱۳ حال در خصوص ایمان چنین آمده است: «من ایمان ورزیدم، پس سخن گفتم.» ما نیز با همین روحیه ایمان می‌ورزیم و در نتیجه سخن می‌گوییم، ۱۴ چون می‌دانیم او که عیسی را برخیزاند، ما را نیز مانند عیسی

۷:۴ * یا: «در کوزه‌های سفالین». ۸:۴ * یا احتمالاً: «اما در ناامیدی نیستیم».

می‌کنیم و مشتاق خانه* آسمانی خود هستیم تا آن را همچون جامه‌ای در بر کنیم ۳ و هنگامی که آن را در بر کنیم، عریان نخواهیم بود. ۴ در واقع، ما که در این خیمه هستیم، زیر بارهای سنگین، آه و ناله می‌کنیم؛ زیرا نمی‌خواهیم این خیمه را همچون جامه‌ای به در آوریم، بلکه می‌خواهیم جامهٔ آسمانی را در بر کنیم تا آنچه فانی است، غرق حیات شود. ۵ اما خداست که ما را برای چنین حیاتی آماده ساخته است و روح القدس را به عنوان بیعانه* برکات آینده به ما عطا کرده است.

۶ پس همواره این اطمینان خاطر را داریم و می‌دانیم که تا وقتی در این بدن ساکنیم، از حضور سرور به دور هستیم؛ ۷ زیرا ما مطابق ایمان گام برمی‌داریم، نه مطابق آنچه می‌بینیم. ۸ آری، ما با این اطمینان خاطر، ترجیح می‌دهیم که از بدن خود به دور باشیم و نزد سرور مسکن گزینیم. ۹ پس چه نزد او ساکن باشیم، چه از او به دور، هدف ما این است که او را خشنود سازیم؛ ۱۰ زیرا همهٔ ما باید در مقابل مسند داوری مسیح حاضر شویم تا هر یک از ما مطابق اعمالی که هنگام

۵:۵ * یا: «ضامن؛ پیش‌پرداخت».

برمی‌خیزاند و با شما به حضور او خواهد آورد. ۱۵ همهٔ این‌ها به خاطر شماست تا لطف خدا شامل حال عدهٔ بیشتری گردد؛ زیرا هم‌اکنون نیز شمار کسانی که خدا را برای جلالش شکر می‌گویند، رو به افزایش است.

۱۶ پس، از خدمت دست نمی‌کشیم، بلکه هرچند ظاهر ما فرسوده می‌شود، قطعاً باطن ما روز به روز تازه‌تر می‌گردد؛ ۱۷ زیرا هرچند مصیبت‌ها* جزئی و زودگذر است، برای ما جلالی به ارمغان می‌آورد که جاودان و بسیار والا است. ۱۸ پس ما چشمان خود را نه بر چیزهای دیدنی، بلکه بر چیزهای نادیدنی می‌دوزیم؛ زیرا چیزهای دیدنی گذراست، اما چیزهای نادیدنی جاودان است.

۵ ما می‌دانیم که اگر خانه* زمینی ما، یعنی این خیمه، فرو ریخته شود، خدا به ما خانه‌ای دیگر خواهد داد، خانه‌ای که به دست انسان ساخته نشده است و در آسمان‌ها جاودان است؛ ۲ زیرا به‌راستی که در این خانه،* آه و ناله

۱۷:۴ * یا: «سختی‌ها». ۱:۵ * «خانه» یا «مسکن» در اینجا به طور مجازی برای بدن جسمی یا روحی به کار رفته است. ۲:۵ * یا: «مسکن».

این، مسیح را با دید انسانی می‌نگریستیم، دیگر او را چنین نمی‌نگریم.* ۱۷ پس اگر کسی در اتحاد با مسیح باشد، آفرینشی جدید است؛ آری، چیزهای کهنه درگذشت؛ بنگرید! چیزهای جدید به وجود آمده است. ۱۸ اما همه چیز از خداست، خدایی که ما را از طریق مسیح با خود آشتی داده و خدمت آشتی را به ما سپرده است؛ ۱۹ به این مفهوم که خدا از طریق مسیح، مردم دنیا را با خود آشتی می‌دهد، خطاهای آنان را به حسابشان نمی‌گذارد و به ما این وظیفه را سپرده است که پیام آشتی او را به مردم اعلام کنیم.

۲۰ از این رو، ما سفیران مسیح هستیم، گویی خدا از طریق ما، مردم را به آشتی دعوت می‌کند. پس ما از جانب مسیح از مردم چنین استدعا می‌کنیم: «با خدا آشتی کنید.» ۲۱ خدا آن کس را که گناه را نشناخت، برای ما قربانی گناه ساخت،* تا از طریق او در چشم خدا درستکار* شمرده شویم.

۱۶:۵ *یا: «حتی اگر ما پیش از این مسیح را به صورت انسان می‌شناختیم، دیگر او را چنین نمی‌شناخسیم.» ۲۱:۵ *تحت اللفظی: «برای ما گناه ساخت.» *یا: «عادل.»

سکونت در بدن انجام داده است، حال چه خوب و چه بد،* عوض بگیرد.

۱۱ پس چون می‌دانیم ترس از سرور به چه معناست، می‌کوشیم مردمان را متقاعد سازیم. اما آنچه هستیم به‌خوبی بر خدا آشکار است و امیدوارم که بر شما* نیز آشکار باشد. ۱۲ هدف ما این نیست که بار دیگر به شما توصیه کنیم ما را بپذیرید، بلکه می‌خواهیم دلیلی در اختیارتان قرار دهیم که به ما فخر کنید تا بتوانید پاسخ کسانی را بدهید که به ظاهر انسان‌ها فخر می‌کنند و نه به آنچه در دل است. ۱۳ اگر عقل خود را از دست داده‌ایم، به خاطر خداست و اگر عاقلیم، به خاطر شماس. ۱۴ در واقع، محبت مسیح است که در ما انگیزه عمل به وجود می‌آورد، چون دریافته‌ایم که یک نفر برای همه مرد؛ زیرا همه محکوم به مرگ بودند. ۱۵ آری، او برای همه مرد تا آنان که زنده‌اند، دیگر نه برای خود، بلکه برای آن کسی زندگی کنند که به خاطر آنان مرد و برخیزانده شد.

۱۶ از این پس، هیچ کس را با دید انسانی نمی‌نگریم. حتی اگر پیش از

۱۰:۵ *یا: «ناشایست؛ زنده.» ۱۱:۵ *تحت اللفظی: «وجدان‌های شما.»

دوم قُرَنتیان ۱:۶-۱۴

نیکنامی. ما را فریبکار می‌شمارند، اما راستگو هستیم، ۹ ما را ناشناس می‌شمارند، اما شناخته‌شده هستیم، گویی در حال مرگیم،* اما هنوز زنده‌ایم، گویی مجازات* شده‌ایم، اما به مرگ سپرده نشده‌ایم. ۱۰ ما را اندوهگین می‌شمارند، اما همواره شادیم، فقیر می‌شمارند، اما بسیاری را ثروتمند می‌سازیم، تهی‌دست می‌شمارند، اما صاحب همه چیز هستیم.

۱۱ ای قُرَنتیان، ما با صراحت با شما سخن گفتیم* و دل خود را به روی شما گشودیم. ۱۲ ما مهر خود را از شما دریغ نمی‌داریم،* بلکه شما باید که مهر قلبی خود را از ما دریغ می‌دارید. ۱۳ پس به شما همچون فرزندان خود می‌گویم که شما نیز متقابلاً دل خود را به روی ما بگشایید.*

۱۴ زیر یوغ* نامتوازن با بی‌ایمانان مروید؛* زیرا چه رفاقتی میان

۹:۶ * «گویی در حال مرگیم» یا: «ما را لایق مرگ می‌دانند.» * یا: «تنبیه.» ۱۱:۶ * تحت‌اللفظی: «دهان ما به روی شما گشوده شد.» ۱۲:۶ * یا: «ما دلمان را به رویتان نبسته‌ایم.» ۱۳:۶ * یا: «شما نیز خود را بگشایید.» ۱۴:۶ * رجوع به واژه‌نامه. * یا: «با بی‌ایمانان پیوند نداشته باشید.»

ما که با خدا همکاریم، شما را نیز ترغیب می‌کنیم که لطف خدا را بپذیرید، اما از مقصودی که از آن دارد، غافل مشوید؛ ۲ زیرا او می‌گوید: «در زمان لطف خود،* سخن تو را شنیدم و در روز نجات به تو کمک نمودم.» بنگر! اکنون به‌ویژه زمان لطف خدا* است. بنگر! اکنون روز نجات است.

۳ ما به هیچ وجه سبب لغزش کسی نمی‌شویم، مبادا ایرادی از خدمت ما گرفته شود؛ ۴ بلکه از هر جهت شایستگی خود را به عنوان خادمان خدا نشان می‌دهیم: آری، با بردباری در ناملایمات بسیار، در مصیبت‌ها، در نیازمندی‌ها، در سختی‌ها، ۵ زیر ضربات تازیانه، در زندان‌ها، در شورش‌ها، در کارهای توانفرسا، در بی‌خوابی‌ها، در گرسنگی‌ها؛ ۶ با پاکی، با شناخت، با صبر، با مهربانی، با روح‌القدس، با محبت بی‌ریا، ۷ با راستگویی، با قدرت خدا، با اسلحهٔ درستکاری* در دست راست* و در دست چپ، ۸ در سرافرازی و سرافکندگی، در بدنامی و ۲:۶ * یا: «زمان مقبول: زمان پذیرفتن.» ۷:۶ * یا: «عدالت.» * احتمالاً برای حمله. ۸ احتمالاً برای دفاع.

۲ در دل خود برای ما جایی باز کنید. ما در حق کسی بدی نکرده‌ایم، کسی را به فساد نکشیده‌ایم و برای نفع خود کسی را فریب نداده‌ایم. ۳ البته این‌ها را نمی‌گوییم تا محکومتان کنیم؛ زیرا پیش از این گفتم که شما در دل ما جای دارید و حیات و مرگ نیز نمی‌تواند خللی در آن ایجاد کند. ۴ من می‌توانم با صراحت با شما سخن بگویم* و بسیار به شما افتخار می‌کنم. من بی‌نهایت دلگرم شده‌ام و علی‌رغم همهٔ سختی‌هایی که می‌کشیم، وجودم از شادی سرشار است.

۵ در واقع، وقتی به مقدونیه رسیدیم، هیچ آسایش نیافتیم، بلکه همچنان از هر طرف با سختی روبرو بودیم- در بیرون، جدال‌ها داشتیم و در درون، ترس‌ها! ۶ اما خدایی که به افسردگان دلگرمی می‌بخشد، با حضور تیتوس به ما دلگرمی داد، ۷ البته نه تنها با حضور تیتوس، بلکه همچنین با آن دلگرمی‌ای که او از شما گرفته بود. تیتوس از اشتیاق شما به دیدار من، اندوه عمیق‌تان و توجه خالصانه‌ای* که به من دارید، خبر آورد. این‌ها شادی مرا افزون ساخت.

۴:۷* رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار». ۷:۷* تحت‌اللفظی: «غیرتی».

درستکاری* و قانون‌شکنی، یا چه شراکتی میان نور و تاریکی وجود دارد؟ ۱۵ به علاوه، چه توافقی میان مسیح و بلیعال،* یا چه نقطهٔ مشترکی* میان فردی با ایمان^۵ و بی‌ایمان وجود دارد؟ ۱۶ معبد خدا چه وجه اشتراکی با بت‌ها دارد؟ زیرا ما معبد خدای زنده هستیم، چنان که خدا می‌گوید: «من در میان‌شان ساکن خواهم شد و در میان‌شان راه خواهم رفت. من خدای ایشان خواهم بود و آنان قوم من.» ۱۷ «يَهُوَه»* می‌گوید: «پس، از میان آنان بیرون آید و خود را جدا سازید و دیگر چیزی ناپاک را لمس نکنید»؛ «و من شما را خواهم پذیرفت.» ۱۸ «يَهُوَه»* خدای قادر مطلق می‌گوید: «من برای شما پدر خواهم بود و شما برای من پسران و دختران خواهید بود.»

۷ پس ای عزیزان، چون از این وعده‌ها برخورداریم، بیایید خود را از هرگونه ناپاکی جسم و روح بزداییم و قدّوسیت خود را هر چه بیشتر با خداترسی، کامل سازیم.

۱۴:۶* یا: «عدالت». ۱۵:۶* از واژه‌ای عبری به معنی «بی‌فایده» مشتق شده است. در اینجا به شیطان اشاره دارد. * یا: «چه شراکتی». ^۵ یا: «فردی وفادار». ۱۷:۶، ۱۸* رجوع به واژه‌نامه.

شده بود، بلکه آن را نوشتم تا در حضور خدا آشکار شود که آیا تلاش می‌کنید صادقانه به پند ما گوش بسپارید، یا نه. ۱۳ به همین خاطر است که دلگرمی یافته‌ایم.

اما علاوه بر دلگرمی‌ای که یافتیم، دیدن شادی تیتوس نیز سبب شادی هر چه بیشتر ما شد؛ زیرا همه شما به روح او طراوت بخشیدید. ۱۴ زیرا اگر نزد او به شما افتخار کرده‌ام، شرمسار نشده‌ام، بلکه همان طور که تمام آنچه به شما گفتیم، درست بود، ثابت شد افتخاری که نزد تیتوس به شما کردیم نیز درست بوده است. ۱۵ همچنین هر بار که او اطاعت همه شما را به خاطر می‌آورد و این که چگونه با احترامی عمیق* او را پذیرفتید، محبت قلبی او به شما بیشتر می‌شود. ۱۶ من شادمانم که می‌توانم از هر جهت به شما اطمینان کنم.*

▲ حال ای برادران، می‌خواهیم شما را از این امر آگاه سازیم که لطف خدا به جماعت‌های مقدونیه* ارزانی

۱۵:۷ * تحت اللفظی: «با ترس و لرز». ۱۶:۷ * یا احتمالاً: «من شادمانم که به خاطر شما از هر جهت قوی‌دل گشته‌ام». ۱:۸ * به پاورقی اعمال ۹:۱۶ رجوع شود.

۸ حال با این که شما را با نامه خود اندوهگین ساختم، پشیمان نیستم. گرچه در آغاز پشیمان بودم (چون می‌بینم که آن نامه برای مدتی کوتاه، شما را اندوهگین کرد)، ۹ اما اکنون شادمانم، نه به این دلیل که اندوهگین شدید، بلکه چون اندوهتان شما را به توبه برانگیخت؛ زیرا اندوهتان خداپسندانه بود و در نتیجه به خاطر ما آسیبی به شما نرسید. ۱۰ در واقع، ثمره اندوه خداپسندانه توبه است؛ توبه‌ای که به نجات می‌انجامد و پشیمانی به بار نمی‌آورد. اما اندوهی که خاص این دنیا است، به مرگ می‌انجامد. ۱۱ حال ببینید که اندوه خداپسندانه شما، چه ثمراتی در شما به وجود آورده است؛ آری، چه تلاش صادقانه‌ای و چه اشتیاقی برای پاک ساختن نام خود، چه خشمی، چه ترسی، چه شوقی، چه غیرتی و چه عزمی برای اصلاح خطا! شما از هر جهت ثابت کردید که در این خصوص پاکید.* ۱۲ البته نامه‌ای که برای شما نوشتم، نه به خاطر آن شخص خطاکار بود و نه به خاطر کسی که در حق او بدی

۱۱:۷ * یا: «عفیفید؛ بی‌تقصیرید».

شده است. ۲ آنان حتی در زمانی که به سبب سختی‌های بسیار در بوتهٔ آزمایش قرار گرفتند، با وجود فقر شدیدشان بسیار شاد بودند و سخاوت بی‌کران از خود نشان دادند؛ ۳ زیرا آنچه می‌دادند در حد توانایی‌شان بود و با اطمینان می‌گویم که گاه حتی بیش از توانایی‌شان بود و خود پیشقدم شده، با اصرار زیاد از ما استدعا می‌نمودند تا در افتخارِ دادن هدایا و کمک به مقدّسان، سهمی داشته باشند ۵ کاری که آنان انجام دادند، بیش از انتظار ما بود؛ زیرا خود را در درجهٔ اول به سرور تقدیم کردند و سپس مطابق ارادهٔ خدا به ما. ۶ پس ما تیتوس را ترغیب کردیم تا همان طور که خود جمع‌آوری هدایای سخاوتمندانهٔ شما را آغاز کرده بود، خود نیز آن را به پایان رساند. ۷ با این حال، همان طور که در همه چیز دولت‌مندید - یعنی در ایمان، در کلام، در شناخت، در شور و شوق و در محبتی که بین ماست - باشد که در دادن این هدایا نیز از خود سخاوت فراوان نشان دهید. ۸ من این را به شما حکم نمی‌کنم، بلکه می‌خواهم شما را از شور و شوق دیگران آگاه سازم و خلوص محبتان را بیازمایم؛ ۹ زیرا شما با لطف سرورمان

عیسی مسیح آشنایید که هرچند دولت‌مند بود، به خاطر شما فقیر شد تا از طریق فقر او دولت‌مند شوید.

۱۰ اکنون در این مورد پیشنهادی برای شما دارم: از آنجا که یک سال می‌گذرد و شما نه تنها این کار را آغاز کردید، بلکه اشتیاقاتان را نیز به انجام دادن آن نشان دادید، پس رسیدگی به این کار به نفع شماست. ۱۱ بنابراین، کاری را که آغاز کردید، اکنون با همان اشتیاق و در حد توانایی و دارایی‌تان به پایان رسانید؛ ۱۲ زیرا هدیه به‌ویژه زمانی نزد خدا مقبول است که با میل و رغبت داده شود، چون خدا انتظار ندارد که شخص بیش از توانایی خود بدهد، بلکه تا آن حد که در توان دارد. ۱۳ البته منظور من این نیست که برای راحتی دیگران بار را از شانهٔ آنان بردارم و بر شانهٔ شما بگذارم، بلکه می‌خواهم مساوات برقرار شود؛ ۱۴ یعنی مازادی که اکنون دارید، کمبود آنان را جبران کند و مازاد آنان نیز کمبود شما را آری، بدین شکل مساوات برقرار خواهد شد. ۱۵ چنان که نوشته شده است: «شخصی که زیاد اندوخته بود، مازادی نداشت و شخصی که کم اندوخته بود، کمبودی نداشت.»

بیشتری نشان دهد. ۲۳ اما اگر کسی نسبت به تیتوس شکی دارد، باید بگویم که تیتوس همسفر و همکار* من در خدمت به شماس، یا اگر کسی شکی نسبت به برادران ما دارد، باید بگویم که آنان فرستادگان* جماعت‌ها و مایهٔ جلال مسیح هستند. ۲۴ پس محبت خود را در عمل به ایشان ثابت کنید و به جماعت‌ها نشان دهید که بی‌دلیل به شما افتخار نکرده‌ایم.

۹ لزومی ندارد در خصوص خدمت به مقدّسان چیزی برایتان بنویسم؛ ۲ زیرا از اشتیاق شما به کمک کردن آگاهم. من نزد مسیحیان مقدونیه در این خصوص به شما فخر کرده‌ام و به آنان گفته‌ام: «اهالی ایالت آخائیه یک سال است که آمادۀ کمک هستند.» در واقع، اکثرشان به دلیل غیرت شماس که به این کار برانگیخته شده‌اند. ۳ اما من آن برادران را می‌فرستم تا فخر ما به شما در این خصوص بیهوده نباشد و همان طور که به ایشان گفتم، شما آمادۀ کمک باشید؛ ۴ زیرا اگر مسیحیان مقدونیه با من بیایند و متوجه شوند که

۲۳: ۸ * تحت اللفظی: «شریک». * تحت اللفظی: «رسولان»؛ به یونانی آپوستولوی.

۱۶ حال خدا را شکر می‌کنیم که همان توجه خالصانه‌ای را که ما به شما داریم، در دل تیتوس نیز نهاده است؛ ۱۷ زیرا او نه تنها درخواست ما را پذیرفت، بلکه خود با اشتیاق بسیار پیشقدم شد که نزد شما آید. ۱۸ اما همراه او برادری را می‌فرستیم که در همهٔ جماعت‌ها به خاطر فعالیت‌هایی که در راه بشارت انجام می‌دهد، تحسین می‌شود. ۱۹ علاوه بر این، او از طرف جماعت‌ها منصوب شده است تا در رساندن هدایا همسفر ما باشد. این خدمت، هم سرور* را جلال می‌دهد و هم نشانگر اشتیاق ما در کمک به دیگران است. ۲۰ به این ترتیب، مانع آن خواهیم شد که کسی از نحوهٔ جمع‌آوری و توزیع این هدایای سخاوتمندانه ایراد بگیرد؛ ۲۱ زیرا ما «تلاش می‌کنیم که نه تنها در نظر یَهُوَه،* بلکه همچنین در نظر مردم، در همهٔ امور صادقانه عمل کنیم». ۲۲ به علاوه، ما همراه آنان برادر خود را نیز می‌فرستیم؛ برادری که سخت‌کوشی او در بسیاری امور بارها برای ما ثابت شده است و اکنون به خاطر اعتماد بسیارش به شما، می‌خواهد حتی سخت‌کوشی

۱۹: ۸ * یا احتمالاً: «خداوند»؛ به یونانی کورینثوس.
۲۱: ۸ * رجوع به واژه‌نامه.

می‌ماند.» ۱۰ حال اوکه بذر را برای برزگر و نان را برای خوردن به فراوانی مهیا می‌کند، برای شما نیز بذر فراهم خواهد کرد و آن را زیاد خواهد ساخت و محصول نیکوکاری* شما را خواهد افزود.) ۱۱ شما در همه چیز برکت می‌یابید تا بتوانید از هر لحاظ سخاوتمند باشید. این سخاوت، مردم را به شکرگزاری از خدا برمی‌انگیزد؛ ۱۲ زیرا انجام دادن این خدمت نه تنها نیازهای مقدّسان را برآورده می‌سازد، بلکه سبب می‌شود که شمار کثیری خدا را سپاس گویند. ۱۳ وقتی مردم می‌بینند که چگونه در این خدمت به دیگران کمک می‌کنید، چگونه خود مطیع همان بشارتی هستید که در مورد مسیح اعلام می‌نمایید و چگونه با سخاوتمندی به آنان و همگان یاری می‌رسانید، خدا را جلال خواهند داد. ۱۴ آنان به سبب لطف بی‌کران خدا که شامل حال شما شده است، برای شما دعا و التماس می‌کنند و مهر خود را به شما ابراز می‌دارند.

۱۵ خدا را برای عطیۀ وصف‌ناپذیرش سپاس باد!

۹: ۱۰* یا: «عدالت: درستکاری». *ظاهراً سخنان پولس در این آیه به اِسْغیا ۵۵: ۱۰ و هوشع ۱۰: ۱۲ اشاره دارد.

آماده نیستید، ما از اطمینانی که به شما داشته‌ایم، شرمسار خواهیم شد - البته این مایۀ شرمساری خود شما نیز خواهد بود. ۵ پس من لازم دیدم برادران را ترغیب کنم که پیش از ما نزد شما بیایند و هدایایی را که وعده داده بودید، برای ما آماده سازند. بدین ترتیب وقتی به آنجا می‌رسیم، هدایا آماده خواهد بود و این نشان خواهد داد که شما این هدایا را از روی سخاوت داده‌اید، نه به اجبار.

۶ در این خصوص باید بگویم، آن که اندک بکارد، اندک نیز درو خواهد کرد و آن که به فراوانی بکارد، به فراوانی نیز درو خواهد کرد. ۷ پس هرکس آن طور که در دل خود عزم کرده است، انجام دهد، نه با اکراه* یا به اجبار؛ زیرا خدا بخشنده شاد را دوست می‌دارد.

۸ به علاوه، خدا قادر است لطف بی‌کرانش را به فراوانی نصیب شما گرداند تا همواره در رفع همهٔ نیازهای خود کاملاً خودکفا باشید و آنچه برای انجام دادن هر کار نیکو لازم است، به فراوانی داشته باشید. ۹ (همان طور که نوشته شده است: «او با گشاده‌دستی پاشیده و به فقیران بخشیده است. نیکوکاری* او تا ابد

۹: ۷* یا: «بی‌میلی». ۹: ۹* یا: «عدالت: درستی».

۱۰

من، پولُس که شما مرا وقتی نزدتان حاضرم حقیر می‌پندارید، ولی وقتی غایبم جسور، حال می‌خواهم با همان ملائمت و مهربانی مسیح از شما درخواستی کنم. ۲ استدعا می‌کنم که مجبورم نسازید تا هنگام حضورم نزد شما با کسانی که تصوّر می‌کنند ما مطابق معیارهای دنیا* زندگی می‌کنیم، جسورانه رفتار کنم و شدّت عمل به خرج دهم. ۳ ما هرچند در این دنیا* زندگی می‌کنیم، مطابق با معیارهای دنیا* نمی‌جنگیم؛ ۴ زیرا اسلحهٔ جنگ ما از این دنیا* نیست، بلکه از طریق نیروی الهی قدرت دارد تا آنچه را دژمانند است، فرو ریزد. ۵ پس ما استدلال‌ها و هر عقیدهٔ تکبرآمیزی را که در برابر شناخت خدا قد علم کند، فرو می‌ریزیم و هر تفکّری را اسیر می‌سازیم و مطیع مسیح می‌گردانیم. ۶ همچنین به محض این که نشان دهید کاملاً مطیع هستید، آماده‌ایم تا آنانی را که از نافرمانی دست نمی‌کشند، تنبیه کنیم.

۷ شما به ظاهر می‌نگرید. اگر

۱۰:۲۱، ۳ *تحت اللفظی: «مطابق جسم».

۱۰:۲۱، ۳ *تحت اللفظی: «در جسم». ۴:۱۰

*تحت اللفظی: «جسمانی».

کسی اطمینان دارد که از آن مسیح است، بگذارید روی این نکته تأمل کند: همان طور که او از آن مسیح است، ما نیز از آن او هستیم. ۸ پس حتی اگر کمی بیش از اندازه به اختیاراتی فخر کنم که سرور برای بنا و نه برای خُرد کردن شما به ما داده است، خجل نخواهم شد. ۹ اما نمی‌خواهم به نظر بیاید که سعی دارم شما را با نامه‌های خود هراسان سازم؛ ۱۰ زیرا بعضی می‌گویند: «نامه‌هایش سنگین و پر قدرت است، اما حضورش ضعیف و سخنانش تحقیرآمیز». ۱۱ چنین اشخاصی باید بدانند که آنچه ما در غیاب خود از طریق نامه‌هایمان می‌گوییم، همان را هنگام حضورمان به عمل خواهیم آورد. ۱۲ ما جرأت نمی‌کنیم که خودمان را در حد کسانی قرار دهیم یا با کسانی مقایسه کنیم که خود را می‌ستایند. این افراد که خودشان را با معیارهای خود محک می‌زنند و خود را با خویشتن مقایسه می‌کنند، عاقلانه عمل نمی‌کنند!

۱۳ اما ما بیش از حدّ فخر نمی‌کنیم، بلکه تنها به اموری فخر می‌کنیم که قادر بودیم در محدودهٔ خود انجام دهیم؛ محدوده‌ای که خدا برای ما تعیین کرده

است و حتی شما را نیز در بر می‌گیرد. ۱۴ وقتی نزد شما می‌آیم، در واقع از محدوده خود پا فراتر نگذاشته‌ایم؛ زیرا نخستین کسانی بودیم که با بشارت در مورد مسیح نزد شما آمدیم. ۱۵ ما به آنچه خود کرده‌ایم فخر می‌کنیم، نه به آنچه دیگران کرده‌اند. امید ما این است که با رشد هر چه بیشتر ایمانتان، آنچه در محدوده خود انجام داده‌ایم نیز رشد کند. آنگاه دامنه فعالیت ما گسترده‌تر خواهد شد ۱۶ و بشارت را به سرزمین‌هایی که در آن سوی منطقه شماسست، اعلام خواهیم کرد. بدین سان لازم نخواهد بود به کاری فخر کنیم که پیش از این در محدوده فردی دیگر انجام شده است. ۱۷ پس «آن که فخر می‌کند، به یَهُوه* فخر کند؛» ۱۸ زیرا کسی که خود را بستاید، پذیرفته نمی‌شود، بلکه کسی پذیرفته می‌شود که یَهُوه* او را بستاید.

۱۱ امیدوارم که شما اندک نادانی مرا تحمّل کنید و در واقع تحمّل هم می‌کنید! ۲ غیرت من نسبت به شما، غیرت خدایی است؛ زیرا من شما را نامزد یک شوهر یعنی مسیح ساختم تا

شما را همچون باکره‌ای پاکدامن* به او تقدیم کنم. ۳ اما می‌ترسم همان طور که مار حوّا را با حیلۀ خود فریفت، کسی نیز افکار شما را فاسد سازد و از صداقت و نجابتی* که باید در راه خدمت به مسیح داشته باشید، منحرف شوید؛ ۴ زیرا اگر کسی نزد شما بیاید و در مورد عیسایی غیر از آن که ما موعظه کردیم موعظه کند، یا اگر روحی* غیر از آنچه دریافت کردید بیاورد، یا اگر بشارتی غیر از آنچه پذیرفتید اعلام کند، شما به راحتی او را تحمّل می‌کنید؛ ۵ زیرا من گمان نمی‌کنم که از آن «رسولان عالی مقام» شما چیزی کم داشته باشم. ۶ اما حتی اگر در سخن گفتن ماهر نباشم، می‌دانم که از شناخت برخوردارم؛ در واقع ما این را از هر جهت و در هر مورد به شما ثابت کردیم.

۷ آیا گناه کردم که بشارت خدا را با شور و شوق و به‌رایگان به شما اعلام کردم؟ آیا گناه کردم که خود را خوار ساختم تا شما سرافراز شوید؟ ۸ من با پذیرفتن کمک‌های مالی از جماعت‌های

۲:۱۱ * یا: «پاک». ۳:۱۱ * یا: «پاک‌ای». ۴:۱۱ * یا:

درمی آورد. ۱۵ پس اصلاً تعجبی ندارد که خادمان او نیز همواره خود را به صورت خادمان عدالت* ظاهر می سازند. اما آنان سرانجام به سزای اعمال خود خواهند رسید.

۱۶ بار دیگر می گویم: کسی مرا نادان نپندارد. اما حتی اگر مرا چنین می پندارید، حداقل مرا به عنوان شخصی نادان بپذیرید تا من هم بتوانم کمی فخر کنم. ۱۷ من اکنون مطابق الگویی که سرور گذاشت، سخن نمی گویم، بلکه همچون شخصی نادان سخن می گویم که با اطمینان به خود فخر می کند. ۱۸ حال که بسیاری به آنچه در دنیا دارند،* فخر می کنند، من نیز به آن فخر خواهم کرد. ۱۹ شما چقدر باید «دانا» باشید که نادانان را با خوشحالی تحمّل می کنید! ۲۰ در واقع، کسانی را تحمّل می کنید که شما را به بردگی می کشند، دارایی هایتان را غارت می کنند، هر چه دارید از چنگتان در می آورند، بر شما ریاست می کنند یا به صورتتان سیلی می زنند.

۲۱ مایه شرمندگی ماست که این ها را

دیگر، آن ها را در محرومیت قرار دادم* تا بتوانم به شما خدمت کنم. ۹ با این حال، وقتی نزد شما بودم هرگاه به چیزی نیاز داشتم، سربار هیچ کس نشدم؛ زیرا برادرانی که از مقدونیه آمدند، همه نیازهای مرا برآورده ساختند. آری، از هر جهت مراقب بودم که سربار شما نباشم و در آینده نیز نخواهم بود. ۱۰ به حق آن راستی مسیح که در وجود من است، هرگز از فخر کردن در این خصوص در نواحی آخائیه دست نخواهم کشید. ۱۱ چرا از شما چیزی نپذیرفته ام؟ آیا به این دلیل است که شما را دوست ندارم؟ خدا می داند که دوستان دارم.

۱۲ اما من به این روش خود ادامه خواهم داد تا هیچ بهانه ای به دست بهانه جویان ندهم؛ یعنی به آنان که می خواهند در اموری* که به آن فخر می کنند، خود را با ما برابر سازند؛ ۱۳ زیرا چنین کسانی رسولان دروغین و کارگرانی فریبکار هستند که ظاهر رسولان مسیح را به خود می گیرند. ۱۴ البته این عجیب نیست، چون خود شیطان نیز همواره خود را به شکل فرشته نور

۱۵:۱۱ * یا: «طریق درستکاری». ۱۸:۱۱

* تحت اللفظی: «بسیاری بر حسب جسم».

۸:۱۱ * تحت اللفظی: «آن ها را غارت کردم». ۱۲:۱۱

* یا: «مقامی».

کشیده‌ام، بارها شب‌ها را در بی‌خوابی به سر برده‌ام، متحمل گرسنگی و تشنگی شده‌ام، بارها بی‌غذا مانده‌ام، سرماها را تحمل کرده‌ام و لباس کافی نداشته‌ام.*

۲۸ علاوه بر همه این‌ها، باری هست که سنگینی آن را هر روزه بر دوش خود حس می‌کنم و آن، نگرانی برای همه جماعت‌هاست. ۲۹ کیست که ضعیف شود و من متأثر* نشوم؟ کیست که بلغزد و من از خشم نسوزم؟

۳۰ اگر باید فخر کنم، به اموری فخر خواهم کرد که ضعف مرا آشکار می‌کند. ۳۱ پدر و خدای عیسای سرور که تا ابد شایسته حمد و ستایش است، می‌داند که دروغ نمی‌گویم. ۳۲ در دمشق، والی‌ای که زیر فرمان حارث پادشاه بود، نگهبانانی در شهر گماشت تا مرا دستگیر کند. ۳۳ اما برادران، مرا در سبیدی* از پنجره‌ای که بر دیوار شهر بود پایین فرستادند و بدین ترتیب توانستم از جنگ او بگریزم.

۱۲ من باید فخر کنم. البته این کار مفید نیست، اما می‌خواهم به رؤیایها و مکاشفه‌هایی از جانب سرور

۲۷:۱۱ * یا: «و عریان بوده‌ام». ۲۹:۱۱ * تحت‌اللفظی: «ضعیف». ۳۳:۱۱ * یا: «زنبدلی».

می‌گویم، چون شاید به نظر برسد که ضعیف‌تر از آن بوده‌ایم که بر طبق اختیارات خود عمل کنیم.

اما اگر دیگران می‌توانند با جسارت عمل کنند- باز همچون شخصی نادان سخن می‌گویم- من نیز می‌توانم با جسارت عمل کنم. ۲۲ آیا عبرانی هستند؟ من نیز هستم! آیا اسرائیلی هستند؟ من نیز هستم! آیا از نسل ابراهیم هستند؟ من نیز هستم! ۲۳ آیا خادمان مسیح هستند؟ دیوانه‌وار در جواب ایشان می‌گویم که من خادمی برجسته‌ترم! آری، بیشتر زحمت کشیده‌ام، دفعات بیشتری به زندان افتاده‌ام، تازیانه‌های بی‌شمار خورده‌ام و بارها با مرگ روبرو شده‌ام. ۲۴ پنج بار از یهودیان ۳۹ ضربه شلاق خوردم، ۲۵ سه بار مرا با چوب زدند، یک بار سنگسار شدم، سه بار کشتی‌ای که در آن بودم غرق شد، یک شبانه‌روز را در دریا گذراندم، ۲۶ در سفرهای بسیار خود با خطرهای زیادی روبرو بودم، آری، خطر طغیان رودخانه‌ها، خطر راهزنان، خطر از طرف قوم خود، خطر از جانب قوم‌های دیگر، خطر در شهرها، خطر در بیابان، خطر در دریا و خطر در میان برادران دروغین. ۲۷ سخت کار کرده‌ام، بسیار زحمت

دوم قورنتیان ۱۲:۲-۱۳

همچون فرشته شیطان عمل می‌کند، نشانده شد تا مرا پیوسته آزار دهد* که مبادا مغرور شوم. ۸ من سه بار از خداوند استدعا کردم که آن را از من دور سازد. ۹ اما او به من گفت: «لطف من برای تو کافی است؛ زیرا قدرت من در ضعف تو کاملاً آشکار می‌شود.» پس با شادی هر چه بیشتر در مورد ضعف‌های خود فخر خواهم کرد تا قدرت مسیح همچون خیمه‌ای مرا در پناه خود نگاه دارد. ۱۰ بنابراین، من به خاطر مسیح از ضعف‌ها، اهانت‌ها، احتیاجات، آزارها و سختی‌ها شادمانم؛ زیرا وقتی ضعیفم، آنگاه قوی هستم.

۱۱ شما به جای آن که مرا تحسین کنید، مرا مجبور ساخته‌اید که همچون شخصی نادان سخن بگویم؛ زیرا هرچند که هیچ هستم، از آن «رسولان عالی‌مقام» شما چیزی کم ندارم. ۱۲ من نشانه‌های رسول بودن خود را با بردباری بسیار، با نشانه‌ها، با عجایب و با معجزات در میان شما آشکار ساختم. ۱۳ تنها کاری که در جماعت‌های دیگر کرده‌ام، ولی برای شما نکرده‌ام، این است که از شما کمکی نخواسته‌ام و

۲:۱۲ * تحت اللفظی: «سیلی زند».

بپردازم. ۲ شخصی را که در اتحاد با مسیح است می‌شناسم که ۱۴ سال پیش- با بدن یا خارج از بدن نمی‌دانم، خدا می‌داند- به آسمان سوم* برده شد. ۳ آری، چنین شخصی را می‌شناسم که- با بدن یا خارج از بدن نمی‌دانم، خدا می‌داند- ۴ به بهشت* برده شد و سخنانی شنید که قابل بیان نیست و انسان اجازه ندارد از آن‌ها سخن بگوید. ۵ من به چنین شخصی فخر می‌کنم، اما به خود فخر نخواهم کرد، مگر در مورد ضعف‌هایم. ۶ حتی اگر بخوام فخر کنم، همچون شخصی نادان فخر نخواهم کرد؛ زیرا جز حقیقت چیزی نخواهم گفت. اما از این کار اجتناب می‌کنم تا هیچ کس مرا بیش از آنچه در من می‌بیند یا از من می‌شنود، مپندارد. ۷ آری، نمی‌خواهم کسی صرفاً به خاطر دریافت چنین مکاشفه‌های فوق‌العاده‌ای، مرا بیش از آنچه هستم بپندارد.

برای این که احساس غرور به من دست ندهد، خاری در جسم من که ۲:۱۲، ۴ * در آیات ۲ و ۴، «آسمان سوم» و «بهشت» مفهوم مجازی دارد و به چشم‌اندازی اشاره می‌کند که به پولس در رؤیا نشان داده شد.

سخن می‌گوییم. اما ای عزیزان، هر چه می‌کنیم، برای بنای شماست؛ ۲۰ زیرا می‌ترسم که وقتی نزدتان برسم، رفتار شما آن گونه که انتظار دارم نباشد و عکس‌العمل من نیز آن گونه که شما انتظار دارید، نباشد. از این می‌ترسم که در میانتان نزاع، حسادت، طغیان خشم، نفاق، بدگویی، غیبت، غرور و بی‌نظمی بینم. ۲۱ شاید هنگامی که باز نزدتان بیایم، خدای من، مرا در حضور شما شرمسار سازد و به خاطر بسیاری که قبلاً گناه کردند، اما هنوز از ناپاکی، اعمال نامشروع جنسی* و رفتار بی‌شرمانه* خود توبه نکرده‌اند، اندوهگین شوم.

این بار سوم است که خود را آماده می‌کنم تا به دیدار شما بیایم. «به گواهی* دو یا سه شاهد، درستی هر گفته‌ای ثابت خواهد شد.» ۲ هرچند اکنون از شما دورم، این سخنان مرا به منزله دیدار دوم من به حساب آورید. همان طور که پیش از این هشدار داده بودم، اکنون نیز به آنانی

۲۱:۱۲* به یونانی پُرِنیا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». * یا: «رفتار وقیحانه»؛ به یونانی آسِلَگیا: رجوع به واژه‌نامه: «رفتار بی‌شرمانه». ۱:۱۳* تحت‌اللفظی: «به دهان».

سربارتان نشده‌ام. خواهش می‌کنم این کوتاهی مرا ببخشید!

۱۴ اکنون این بار سوم است که آماده شده‌ام نزد شما بیایم و این بار نیز سربار شما نخواهم شد؛ زیرا من خواهان اموال شما نیستم، بلکه خود شما را می‌خواهم. از فرزندان انتظار نمی‌رود که برای والدین خود بیندوزند، برعکس والدین باید برای فرزندان خود پس‌انداز کنند. ۱۵ من خود با شادی بسیار هر چه را که دارم، حتی جانم را از شما دریغ نخواهم کرد. آیا لایق نیستم که به همان اندازه مرا دوست بدارید که من دوستان می‌دارم؟ ۱۶ با این همه، سربارتان نشده‌ام. اما شما می‌گویید که من «فرییکار» هستم و با «حیله» شما را به دام انداخته‌ام. ۱۷ آیا از طریق کسانی که نزد شما فرستادم، از شما سوءاستفاده کردم؟ ۱۸ از تیتوس درخواست کردم که نزدتان بیاید و برادری را نیز همراه او فرستادم. آیا تیتوس از شما سوءاستفاده کرد؟ آیا ما با همان خلوص نیت رفتار نکردیم؟ آیا ما همان راه را در پیش نگرفتیم؟

۱۹ آیا تا اینجا تصوّر می‌کردید که ما از خود در مقابل شما دفاع می‌کنیم؟ ما در حضور خدا و به عنوان پیروان مسیح،

را درست است، انجام دهید. حال اگر مردم ما را افرادی مردود به شمار آورند، مهم نیست؛ ۸ زیرا ما نمی‌توانیم عملی بر ضد حقیقت انجام دهیم، بلکه هر چه انجام می‌دهیم باید برای حمایت از آن باشد. ۹ هرگاه ما ضعیف باشیم و شما قوی، یقیناً شادی می‌کنیم. دعای ما این است که شما اصلاح شوید. ۱۰ به همین دلیل، این مطالب را هنگامی که از شما دور هستم می‌نویسم تا وقتی نزدتان حاضرم، مجبور نباشم که در استفاده از اختیارات خود شدت عمل به خرج دهم؛ اختیاراتی که سرور نه برای خرد کردن، بلکه برای بنا کردن به من داده است.

۱۱ در آخر ای برادران، همواره شاد باشید، اصلاح شوید، دلگرمی یابید، همفکر باشید و در صلح و صفا زندگی کنید؛ آنگاه خدای محبت و آرامش با شما خواهد بود. ۱۲ یکدیگر را با بوسه مقدس سلام گوئید. ۱۳ همه مقدسان به شما سلام می‌رسانند.

۱۴ باشد که لطف سرورمان عیسی مسیح با همه شما باد! همچنین محبت خدا و برکات سهمی بودن در روح القدس، از آن همه شما باد!

که در گذشته مرتکب گناه شده‌اند و به سایرین هشدار می‌دهم که اگر بار دیگر بیایم، هیچ کس از تأدیب لازم نخواهد گریخت. ۳ به این ترتیب، به شما ثابت خواهم کرد که مسیح حقیقتاً از طریق من سخن می‌گوید. او در مقابل شما ضعیف نشان نمی‌دهد، بلکه با قدرت عمل می‌کند. ۴ او در ضعیف و ناتوانی* بر تیر اعدام شد، اما حال به قدرت خدا زنده است. البته، ما نیز چنان که او ضعیف بود، ضعیف هستیم، اما به سبب قدرت خدا که در زندگی شما آشکار است، با او زندگی خواهیم کرد.

۵ پیوسته خود را بیازمایید تا دریابید که آیا در ایمان هستید یا نه؛ همواره خود را محک بزنید که چگونه شخصی هستید. آیا تشخیص نمی‌دهید که عیسی مسیح در اتحاد با شماست؟ اگر چنین نیست، مردود شمرده می‌شوید. ۶ حقیقتاً امیدوارم تشخیص دهید که ما مردود شمرده نشده‌ایم.

۷ دعای ما به درگاه خدا این است که شما دست به هیچ خطایی نزنید، نه برای آن که ما خود را افرادی پذیرفته جلوه دهیم، بلکه برای آن که شما آنچه ۴:۱۳* چون در آن زمان انسانی بیش نبود.

نامهٔ پولس به غلاطیان

فهرست محتوا

- | | |
|--|--|
| <p>۱ سلام‌ها (۵-۱)</p> <p>بشارتی دیگر نیست (۹-۶)</p> <p>بشارت پولس از جانب خداست (۱۲-۱۰)</p> <p>ایمان آوردن پولس و فعالیت‌های نخستین او (۲۴-۱۳)</p> <p>۲ رفتن پولس به اورشلیم و دیدار از رسولان (۱۰-۱)</p> <p>تذکر پولس به پطرس (کیفا) (۱۴-۱۱)</p> <p>درستکار شمرده شدن تنها از طریق ایمان میسر است (۲۱-۱۵)</p> <p>۳ اعمال شریعت در مقایسه با اعمال ایمان (۱۴-۱)</p> <p>درستکار به سبب ایمانش حیات خواهد داشت (۱۱)</p> <p>عهدی با ابراهیم، نه میراثی بر مبنای شریعت (۱۸-۱۵)</p> <p>مسیح، نسل ابراهیم (۱۶)</p> <p>منشأ شریعت و مقصود از آن (۲۵-۱۹)</p> <p>پسران خدا از طریق ایمان (۲۹-۲۶)</p> | <p>۴ آنان که به مسیح تعلق دارند، نسل ابراهیم هستند (۲۹)</p> <p>دیگر نه غلام، بلکه پسر (۷-۱)</p> <p>نگرانی پولس برای غلاطیان (۲۰-۸)</p> <p>هاجر و سارا: دو عهد (۳۱-۲۱)</p> <p>مادرِ ما، اورشلیم بالا آزاد است (۲۶)</p> <p>۵ آزادی مسیحی (۱۵-۱)</p> <p>گام برداشتن هماهنگ با روح (۲۶-۱۶)</p> <p>اعمال نفس (۲۱-۱۹)</p> <p>ثمرهٔ روح (۲۳، ۲۲)</p> <p>۶ بر دوش کشیدن بارهای یکدیگر (۱۰-۱)</p> <p>هر چه کاشته شود، درو می‌شود (۸، ۷)</p> <p>ختنه اهمیتی ندارد (۱۶-۱۱)</p> <p>آفرینش جدید (۱۵)</p> <p>سخن پایانی (۱۷، ۱۸)</p> |
|--|--|

من و تمام برادرانی که با من هستند، به جماعت‌های غلاطیه:

۳ لطف و آرامش از طرف پدرمان خدا

۲:۱ * ایالتی رومی در بخش مرکزی ناحیه‌ای که اکنون به آسیای صغیر معروف است.

از طرف پولس، رسولی که نه از جانب انسان‌ها و نه توسط انسانی منصوب گردیده است، بلکه انتصابش توسط عیسی مسیح و پدرمان خداست که مسیح را از مردگان برخیزانید. ۲ آری، از طرف

می‌خواهم بدانید، بشارتی که به شما اعلام کردم، از جانب انسان نیست؛ ۱۲ زیرا آن را از انسانی نگرفتم و کسی نیز آن را به من آموزش نداد، بلکه از طریق مکاشفه‌ای از طرف عیسی مسیح به من رسید.

۱۳ البته شما شنیده‌اید که من در گذشته در دین یهود چه رفتاری داشتم و چگونه جماعت خدا را بسیار* آزار می‌رساندم و آن را ویران می‌کردم. ۱۴ در دین یهود از بسیاری از همسالانی که در قوم خود داشتم، بیشتر پیشرفت می‌کردم؛ زیرا در به جا آوردن سنت‌های پدرانم، بی‌اندازه غیورتر از آنان بودم. ۱۵ اما خدایی که سبب شد زاده شوم* و مرا از طریق لطف خود فراخواند، وقتی شایسته دید ۱۶ که به واسطه من پسر خود را آشکار سازد و در مورد او به غیریهودیان بشارت دهم، در آن زمان از هیچ انسانی مشورت نخواستم.* ۱۷ همچنین به اورشلیم نزد کسانی که پیش از من رسول بودند نرفتم، بلکه به عربستان رفتم و پس از مدتی به دمشق بازگشتم.

۱۳:۱ * تحت اللفظی: «چگونه جماعت خدا را بیش از حد و پیوسته». ۱۵:۱ * تحت اللفظی: «خدایی که مرا از زخم مادرم جدا ساخت». ۱۶:۱ * تحت اللفظی: «با جسم و خون مشورت نکردم».

و سرورمان عیسی مسیح با شما باد! ۴ او مطابق خواست پدرمان خدا، جان خود را برای گناهان ما داد تا ما را از این نظام شریر کنونی* رهایی بخشد. ۵ همیشه و تا ابد جلال بر خدا باد! آمین.

۶ مایه شگفتی من است که به این زودی از کسی که شما را از طریق لطف مسیح فراخواند، روی گردانده، به سوی بشارتی دیگر می‌روید، ۷ حال آن که بشارتی دیگر وجود ندارد! بلکه افرادی هستند که سبب آشفتگی شما می‌شوند و می‌خواهند بشارت مسیح را تحریف کنند. ۸ اما حتی اگر یکی از ما یا فرشته‌ای از آسمان، بشارتی غیر از آنچه ما به شما موعظه کردیم اعلام کند، لعنت بر او باد! ۹ آنچه پیش از این گفتیم، حال بار دیگر تکرار می‌کنم: اگر کسی بشارتی غیر از آنچه پذیرفتید به شما اعلام کند، لعنت بر او باد!

۱۰ آیا اکنون سعی می‌کنم رضایت انسان‌ها را جلب کنم یا خدا را؟ آیا می‌کوشم انسان‌ها را خشنود کنم؟ اگر تاکنون در پی خشنودی انسان‌ها می‌بودم، غلام مسیح نمی‌بودم. ۱۱ ای برادران،

۴:۱ * یا: «این عصر شریر کنونی»: رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر».

۴ این موضوع به خاطر برادران کاذب پیش کشیده شد؛ برادرانی که در خفا به جماعت آورده شده، در آن رخنه کرده بودند تا در مورد آن آزادی‌ای که در اتحاد با مسیح عیسی داریم، جاسوسی کنند. هدف آنان این بود که ما را کاملاً به بندگی شریعت درآورند. ۵ ما حتی لحظه‌ای* تسلیم آنان نشدیم تا شما همواره از حقیقت بشارت برخوردار باشید.

۶ اما آن کسانی که مهم و سرشناس تلقی می‌شدند، هیچ نکته جدیدی برایم آشکار نکردند. (آنان هرکه بودند برای من تفاوتی ندارد؛ زیرا خدا به ظاهر قضاوت نمی‌کند). ۷ برعکس، آنان متوجه شدند که بشارت دادن به غیریهودیان* به من سپرده شده است، همان طور که بشارت دادن به یهودیان* به پطرس واگذار شده بود - ۸ زیرا همان خدایی که به پطرس اقتدار بخشید تا رسول یهودیان* باشد، به من نیز اقتدار بخشید تا رسول غیریهودیان* باشم - ۹ علاوه بر آن، وقتی آنان پی بردند که لطف الهی نصیب من شده است، یعقوب، کیفا* و یوحنا که از قرار معلوم ستون‌های جماعت بودند،

۵:۲ * تحت‌اللفظی: «ساعتی». ۷:۲، ۸ * یا:

«نامختن». ۷:۲، ۸ * یا: «خته‌شدگان».

۱۸ سه سال بعد، برای دیدن کیفا* به اورشلیم رفتم و ۱۵ روز نزد او ماندم. ۱۹ اما هیچ یک از رسولان را غیر از یعقوب، برادر سرور، ندیدم. ۲۰ در حضور خدا به شما اطمینان می‌دهم که در مورد آنچه برایتان می‌نویسم، دروغ نمی‌گویم.

۲۱ پس از آن، به نواحی سوریه و کیلیکیه رفتم. ۲۲ اما جماعت‌های یهودیه که در اتحاد با مسیح هستند، مرا شخصاً نمی‌شناختند. ۲۳ آنان فقط چنین شنیده بودند: «آن مردی که قبلاً ما را آزار می‌رساند، اکنون در مورد ایمانی بشارت می‌دهد که پیش از این در صدد نابود کردن آن بود.» ۲۴ پس به سبب من به تمجید خدا پرداختند.

۲ پس از ۱۴ سال، دوباره همراه برنابا به اورشلیم رفتم و تیتوس را نیز با خود بردم؛ ۲ رفتن من به سبب مکاشفه‌ای بود که دریافت کردم. در آنجا بشارتی را که در میان غیریهودیان موعظه می‌کنم، با برادران در میان گذاشتم؛ البته آن را در خلوت و فقط به افراد سرشناس گفتم، مبادا بیهوده بدم یا بیهوده دوبده باشم. ۳ اما هیچ کس حتی همسفرم تیتوس، با این که یونانی بود، مجبور نشد ختنه شود.

۱: ۱۸؛ ۹: ۲ * نام دیگر پطرس.

۱۵ ما که یهودی زاده ایم و نه غیر یهودی گناهکار، ۱۶ دریافته ایم که انسان نه با حفظ اعمال شریعت، بلکه تنها از طریق ایمان به عیسی مسیح درستکار* شمرده می شود. پس ما به مسیح عیسی ایمان آوردیم تا از طریق ایمان به مسیح درستکار* شمرده شویم، نه با حفظ اعمال شریعت؛ زیرا هیچ کس* با حفظ اعمال شریعت درستکار* شمرده نخواهد شد. ۱۷ پس اگر در حالی که تلاش می کنیم تا از طریق مسیح درستکار* شمرده شویم، معلوم شود که گناهکاریم، آیا بدین مفهوم است که مسیح ما را به گناه کردن تشویق می کند؟ به هیچ وجه! ۱۸ اگر آنچه را که ویران کردم باز بنا کنم، نشان می دهم که متخلف هستم. ۱۹ در واقع، به کمک خود شریعت، نسبت به شریعت مُردم* تا برای خدا زیست کنم. ۲۰ اکنون من با مسیح به تیر میخکوب شده ام. من دیگر برای خود زندگی نمی کنم، بلکه زندگی ام در اتحاد با مسیح است.* این زندگی که

۲:۱۶، ۱۷ * یا: «عادل». ۲:۱۶ * تحت اللفظی: «جسمی». ۲:۱۹ * یا: «از شریعت آزاد شدم». ۲:۲۰ * تحت اللفظی: «دیگر من نیستم که زندگی می کنم، بلکه مسیح است که در من زندگی می کند».

با من و برنابا دست* دادند و توافق شد که ما نزد غیر یهودیان* برویم و ایشان نزد یهودیان.^۵ ۱۰ تنها چیزی که از ما خواستند این بود که فقیران را مد نظر داشته باشیم. من نیز از آن پس صادقانه در این راه تلاش کرده ام.

۱۱ اما هنگامی که کیفا* به أنطاکیه آمد، من رودر رو با او مخالفت کردم، چون کاملاً واضح بود که در اشتباه است.* ۱۲ زیرا پیش از آمدن افرادی از جانب یعقوب، با غیر یهودیان غذا می خورد، اما وقتی آنان آمدند، از ترس طرفداران ختنه، دیگر چنین نکرد و خود را از ایشان جدا ساخت. ۱۳ باقی یهودیان نیز در این ریاکاری به او پیوستند، به طوری که حتی برنابا تحت تأثیر ریاکاری آنان قرار گرفت. ۱۴ وقتی دیدم که برخلاف حقیقت بشارت گام برمی دارند، در حضور همه به کیفا* چنین گفتم: «اگر تو، با این که یهودی هستی، مثل غیر یهودیان زندگی می کنی و نه مثل یهودیان، چرا غیر یهودیان را مجبور می کنی که مطابق رسوم یهودی زندگی کنند؟»

۲:۹ * یا: «دست رفاقت». * یا: «نامختوان». ^۵ یا: «ختنه شدگان». ۲:۱۱، ۱۴ * نام دیگر پطرس. ۲:۱۱ * یا: «که محکوم شده است».

این که اعمال شریعت را حفظ می‌کنید چنین می‌کند، یا به خاطر ایمانتان به آنچه شنیدید؟ ۶ چنان که ابراهیم «به یَهُوه* ایمان آورد و به این سبب درستکار* محسوب شد.»

۷ یقیناً می‌دانید که فرزندان ابراهیم کسانی هستند که متکی به ایمانند. ۸ نوشته‌های مقدس از پیش، زمانی را دید که خدا غیریهودیان را از طریق ایمان، درستکار* خواهد شمرد. از این رو، از قبل به ابراهیم چنین بشارت داد: «از طریق تو تمام قوم‌ها برکت خواهند یافت.» ۹ پس کسانی که به ایمان متکی هستند، با ابراهیم ایماندار برکت می‌یابند.

۱۰ همه کسانی که به حفظ اعمال شریعت متکی هستند، زیرلعنتند، چون نوشته شده است: «ملعون باد هر که پیوسته به تمام نوشته‌های طومار شریعت عمل نکند.» ۱۱ به علاوه، بدیهی است که هیچ کس با حفظ شریعت، در حضور خدا درستکار* شمرده نمی‌شود؛ زیرا «انسان درستکار* به سبب ایمانش حیات خواهد داشت.»

۶:۳* این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهُوه» در این ترجمه به کار رفته است: رجوع به واژه‌نامه. ۳: ۶، ۸، ۱۱* یا: «عادل.»

اکنون در جسم می‌کنم، هماهنگ با ایمان به پسر خداست. آری، او چون مرا دوست داشت،* جان خود را برای من داد. ۲۱ من لطف خدا را رد نمی‌کنم؛* زیرا اگر درستکاری* از حفظ شریعت حاصل می‌شد، پس مسیح بیهوده مُرد.

۳ ای غلاطیان نادان! چه کسی شما را فریب داده است؟ زیرا مرگ عیسی مسیح به گونه‌ای برای شما توضیح داده شد که گویی در مقابل چشمانتان به تیر می‌خکوب شده باشد. ۲ می‌خواهم چیزی از شما بپرسم: آیا روح را با حفظ اعمال شریعت یافتید یا به سبب ایمان به آنچه شنیدید؟ ۳ آیا تا این حد نادانید؟ آیا شما که راه را در مسیری روحانی* آغاز کردید، حال می‌خواهید آن را در مسیری جسمانی* به پایان برسانید؟ ۴ آیا این همه رنج را بیهوده متحمل شدید؟ اطمینان دارم که بیهوده نبوده است! ۵ پس آیا او که روح را در اختیارتان می‌گذارد و در میان شما معجزات* به ظهور می‌رساند، به خاطر

۲۰:۲* یا: «او به من محبت کرد و».

۲۱:۲* یا: «پس نمی‌زنم.»* «عدالت.» ۳:۳

* تحت اللفظی: «در روح.»* تحت اللفظی: «در

جسم.» ۵:۳* تحت اللفظی: «اعمال

خارق‌العاده.»

اگر آن میراث بر مبنای شریعت باشد، دیگر بر مبنای وعده نیست. اما خدا آن میراث را از سر لطف از طریق وعده‌ای به ابراهیم داد.

۱۹ پس شریعت برای چه داده شد؟ شریعت برای آشکار کردن خطاها افزوده شد و تا زمان آمدن آن نسل پا بر جا ماند؛ نسلی که وعده به او اشاره کرده بود. همچنین نحوه انتقال شریعت از طریق فرشتگان و به دست واسطه‌ای صورت گرفت. ۲۰ اما عهدی که یک‌جانبه بسته شده باشد، واسطه‌ای ندارد و خدا نیز عهدش را یک‌جانبه بست. ۲۱ پس آیا شریعت برخلاف وعده‌های خداست؟ به هیچ وجه! زیرا اگر شریعتی داده شده بود که می‌توانست حیات بخشد، در واقع، با حفظ شریعت می‌توانستیم درستکار* شمرده شویم. ۲۲ اما آن نوشته‌های مقدس همه را اسیرگناه ساخت تا آن وعده که از طریق ایمان به عیسی مسیح حاصل می‌گردد، به کسانی داده شود که ایمان می‌ورزند.

۲۳ پیش از آمدن ایمان،* ما تحت محافظت شریعت و اسیر آن بودیم و

۲۱:۳* یا: «عادل». ۲۲:۳* از قرار معلوم، «ایمان» در اینجا به ایمان مسیحی اشاره دارد.

۱۲ حال آن که شریعت بر پایه ایمان نیست، بلکه در آن آمده است: «هر که به این احکام عمل کند، از طریق آن‌ها حیات خواهد داشت.» ۱۳ مسیح خود به جای ما ملعون شد و بهای رهایی ما را به این شکل پرداخت تا از زیر لعنت شریعت درآییم؛ زیرا نوشته شده است: «هر که بر دار آویخته شود، ملعون است.» ۱۴ چنین شد تا برکت ابراهیم از طریق مسیح عیسی نصیب غیریهودیان شود و ما نیز روح القدس موعود را از طریق ایمانمان بیابیم.

۱۵ ای برادران، مثلی از زندگی روزمره برایتان می‌آورم: وقتی عهدی معتبر می‌شود، حتی اگر فقط از طرف یک انسان باشد، هیچ کس نمی‌تواند آن را لغو کند یا چیزی بر آن بیفزاید. ۱۶ حال وعده‌ها به ابراهیم و نسل او داده شد. آنجا نمی‌گوید: «به نسل‌های تو،» گویی به بسیاری اشاره داشته باشد، بلکه به یکی اشاره دارد و می‌گوید: «به نسل تو» که منظور همان مسیح است. ۱۷ این را نیز بگویم: شریعت که ۴۳۰ سال بعد به وجود آمد، عهدی را که خدا پیش از آن بسته بود لغو نمی‌کند، به طوری که آن وعده باطل شود؛ ۱۸ زیرا

سرپرستان و مباحثران* می‌ماند. ۳ به همین صورت، ما نیز زمانی همچون فرزندان صغیر و در بندگی اصول ابتدایی این دنیا بودیم. ۴ اما هنگامی که زمان تعیین شده به اتمام رسید، خدا پسرش را فرستاد. آن پسر از زنی زاده شد و تحت شریعت زندگی کرد ۵ تا بهای رهایی آنانی را که تحت شریعت بودند، بپردازد و ما نیز به پسرخواندگی پذیرفته شویم. ۶ حال چون شما پسران هستید، خدا روحی را که به پسر خود داده،* به دل‌های ما فرستاده است و آن روح فریاد برمی‌آورد: «آبا! ای پدر!» ۷ پس هیچ یک از شما دیگر غلام نیست، بلکه پسر است و اگر پسر هستی، خدا تو را وارث نیز ساخته است.

۸ با این حال، هنگامی که خدا را نمی‌شناختید، بندگی کسانی را می‌کردید که در واقع خدا نیستند. ۹ اما حال که خدا را می‌شناسید یا بهتر بگوییم، خدا شما را می‌شناسد، چگونه است

۲: ۴* منظور خدمتگزارانی است که سرپرستی امور خانه ارباب خود را بر عهده دارند. ۶: ۴* تحت‌اللفظی: «روح پسر خود را». * آبا واژه‌ای به زبان آرامی است که فرزندان برای مخاطب قرار دادن پدرشان استفاده می‌کردند و نشانه صمیمیت و در عین حال احترام است.

در انتظار آن ایمانی به سر می‌بردیم که به‌زودی آشکار می‌شد. ۲۴ پس شریعت محافظ* ما شد تا ما را به سوی مسیح هدایت کند و به سبب ایمان، درستکار* شمرده شویم. ۲۵ اما حال که ایمان آمده است، دیگر زیر دست آن محافظ* نیستیم.

۲۶ در واقع، همه شما از طریق ایماننان به مسیح عیسی، پسران خدااید؛ ۲۷ زیرا همه شما که به خاطر تعمیدتان در اتحاد با مسیح هستید، مسیح را برتن کرده‌اید.* ۲۸ دیگر تفاوتی ندارد که یهودی باشید یا یونانی، غلام باشید یا آزاد، مرد باشید یا زن؛ زیرا همه شما در اتحاد با مسیح عیسی یکی هستید. ۲۹ به علاوه، اگر به مسیح تعلق دارید، به‌راستی نسل ابراهیم و مطابق با وعده، وارثان نیز هستید.

۴ حال سخن من این است، تا زمانی که وارث صغیر باشد، هرچند که صاحب همه چیز است، تفاوتی با یک غلام ندارد؛ ۲ زیرا تا آن روز که پدرش از پیش تعیین کرده است، تحت نظر

۲۴: ۳، ۲۵* واژه یونانی که در اینجا به کار رفته است به کسی اشاره دارد که از فرزندان مراقبت و محافظت می‌کرد. ۲۴: ۳* یا: «عادل». ۲۷: ۳* یا: «همچون مسیح شده‌اید».

که توجه شما را به خود جلب کنند، نه با قصد خیر، بلکه می‌خواهند شما را از نو بندگی کنید؟ ۱۰ شما با دقت و موشکافی، روزها، ماه‌ها، فصل‌ها* و سال‌ها را نگاه می‌دارید. ۱۱ می‌ترسم که شاید تمامی زحمات‌هایم برای شما به هدر رفته باشد.

۱۲ برادران، از شما تمنا دارم، همچون من شوید؛ زیرا من نیز همچون شما بودم. شما به من خطایی نکرده‌اید. ۱۳ می‌دانید که نخستین بار به سبب بیماری جسمی‌ام بود که فرصت یافتم بشارت را به شما اعلام کنم. ۱۴ با این که وضعیت جسمی من آزمایشی برای شما بود، مرا خوار نشمردید یا نسبت به من ابراز انزجار نکردید.* بلکه مرا چنان به‌گرمی پذیرفتید که گویی فرشته‌ای از جانب خدا یا خود مسیح عیسی بودم. ۱۵ پس آن شادی شما چه شد؟ زیرا یقین دارم که در آن زمان اگر ممکن می‌بود، حتی چشمان خود را بیرون می‌آوردید و به من می‌دادید. ۱۶ حال چون حقیقت را به شما می‌گویم، آیا دشمنان شده‌ام؟ ۱۷ افرادی می‌کوشند

که بار دیگر به اصول ابتدایی ضعیف و بی‌ارزش برمی‌گردید و می‌خواهید آن‌ها را از نو بندگی کنید؟ ۱۰ شما با دقت و موشکافی، روزها، ماه‌ها، فصل‌ها* و سال‌ها را نگاه می‌دارید. ۱۱ می‌ترسم که شاید تمامی زحمات‌هایم برای شما به هدر رفته باشد.

۱۲ برادران، از شما تمنا دارم، همچون من شوید؛ زیرا من نیز همچون شما بودم. شما به من خطایی نکرده‌اید. ۱۳ می‌دانید که نخستین بار به سبب بیماری جسمی‌ام بود که فرصت یافتم بشارت را به شما اعلام کنم. ۱۴ با این که وضعیت جسمی من آزمایشی برای شما بود، مرا خوار نشمردید یا نسبت به من ابراز انزجار نکردید.* بلکه مرا چنان به‌گرمی پذیرفتید که گویی فرشته‌ای از جانب خدا یا خود مسیح عیسی بودم. ۱۵ پس آن شادی شما چه شد؟ زیرا یقین دارم که در آن زمان اگر ممکن می‌بود، حتی چشمان خود را بیرون می‌آوردید و به من می‌دادید. ۱۶ حال چون حقیقت را به شما می‌گویم، آیا دشمنان شده‌ام؟ ۱۷ افرادی می‌کوشند

۲۱ ای شما که می‌خواهید تحت شریعت بمانید، به من بگویید، آیا خود به گفته شریعت گوش می‌دهید؟ ۲۲ برای مثال، نوشته شده است که ابراهیم دو پسر داشت، یکی از کنیز و دیگری از زنی آزاد. ۲۳ پسرکنیز به شیوه معمول* به دنیا آمد، اما پسر زن آزاد به سبب وعده خدا زاده شد. ۲۴ این چیزها مفهوم نمادین دارد: این زنان نماد دو عهد هستند که یکی درکوه سینا بسته شد و آن همان هاجر است و فرزندان برای بردگی به دنیا می‌آورد. ۲۵ حال، هاجر

۱۰:۴ *منظور نگاه داشتن زمان برگزاری اعیاد است. ۱۴:۴ *یا: «به روی من آب دهان نینداختید».

۲ ببینید، من پولس به شما می‌گویم که اگر ختنه شوید، مسیح برای شما هیچ فایده‌ای نخواهد داشت. ۳ من به هرکسی که ختنه شود، باز اعلام می‌کنم که چنین شخصی موظف است تمامی شریعت را حفظ کند. ۴ شما که تلاش می‌کنید از طریق حفظ شریعت درستکار* شمرده شوید، از مسیح جدا شده‌اید؛ در واقع از لطف او به دور افتاده‌اید. ۵ ولی ما از طریق روح، مشتاقانه انتظار می‌کشیم و امید داریم که بر پایهٔ ایمان، درستکار* شمرده شویم؛ ۶ زیرا برای متحد بودن با مسیح عیسی، نه ختنه شدن ارزشی دارد و نه ختنه نشدن، بلکه آنچه ارزش دارد، ایمانی است که همراه با محبت در عمل نمایان می‌شود.

۷ شما خوب می‌دویدید. چه کسی مانع اطاعت شما از حقیقت شد؟ ۸ چه کسی شما را متقاعد ساخت که چنین کنید؟ بدون شک او آن کسی نیست که شما را فرا می‌خواند. ۹ کمی خمیرمایه باعث وَر آمدن تمام خمیر می‌شود. ۱۰ اطمینان دارم شما که در اتحاد با سرور هستید، با من هم عقیده خواهید

مظهر سینا، کوهی در عربستان است و با اورشلیم امروز مطابقت دارد؛ زیرا اورشلیم با فرزندان در بردگی است. ۲۶ اما اورشلیم بالا آزاد است و مادر ماست.

۲۷ چون نوشته شده است: «شاد باش، ای زن نازا که فرزندی به دنیا نمی‌آوری؛ بانگ شادی سر ده، ای که درد زایمان نمی‌کشی؛ زیرا شمار فرزندان زن بی‌کس بیش از زن شوهردار است.» ۲۸ ای برادران، اکنون ما همچون اسحاق فرزندان وعده هستیم. ۲۹ اما در آن زمان پسری که به شیوهٔ معمول* زاده شد، پسری را که از طریق روح تولّد یافت، آزار می‌رساند. امروز نیز چنین است. ۳۰ با این حال، نوشتهٔ مقدّس چه می‌گوید؟ «کنیز و پسرش را بیرون کن؛ زیرا به هیچ وجه پسر آن کنیز با پسر زن آزاد وارث نخواهد بود.» ۳۱ پس برادران، ما فرزندان کنیز نیستیم، بلکه فرزندان زن آزاد هستیم.

۵ برای برخوردار شدن از این آزادی، مسیح ما را آزاد کرد. پس استوار بایستید و مگذارید دوباره زیر یوغ* بردگی گرفتار شوید.

۲۹: ۴ * تحت اللفظی: «بر حسب جسم». ۱۰: ۵

* رجوع به واژه‌نامه.

۴: ۵، ۵ * یا: «عادل».

۱۶ اما من می‌گویم که همیشه هماهنگ با روح گام بردارید، آنگاه دیگر به هیچ وجه مطابق امیال نفسانی عمل نخواهید کرد؛ ۱۷ زیرا نفس به دلیل امیالش بر ضد روح است و روح نیز بر ضد نفس؛ این دو مخالف یکدیگرند، به طوری که آنچه می‌خواهید بکنید، انجام نمی‌دهید. ۱۸ به علاوه اگر روح، شما را هدایت می‌کند، تحت شریعت نیستید.

۱۹ اعمال نفس به روشنی نمایان است: اعمال نامشروع جنسی،* ناپاکی، رفتار بی‌شرمانه،* ۲۰ بت‌پرستی، توسل به نیروهای غیبی،* دشمنی، نزاع، رشک، طغیان خشم، ستیزه‌جویی، تفرقه، فرقه‌بندی، ۲۱ حسد، مستی و مهمانی‌های همراه با بی‌بندوباری* و چیزهایی از این قبیل. من از پیش در مورد این چیزها به شما هشدار می‌دهم، همان‌طور که هشدار داده بودم، کسانی که چنین اعمالی را پیشه می‌کنند، پادشاهی خدا را به میراث نخواهند برد.

۱۹:۵ * به یونانی پُرِنیا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». * یا: «رفتار وقیحانه»: به یونانی آسِلْگیا: رجوع به واژه‌نامه: «رفتار بی‌شرمانه». ۲۰:۵ * رجوع به واژه‌نامه: «ارتباط با ارواح». ۲۱:۵ * یا: «مستی و عیاشی‌ها».

شد؛ اما آن که سبب آشفتگی شما می‌شود، هرکسی که باشد، به محکومیتی که سزاوار آن است، خواهد رسید. ۱۱ اما ای برادران، اگر من همچون گذشته در مورد ختنه موعظه می‌کردم، چرا هنوز مورد آزار قرار می‌گیرم؟ اگر چنین می‌کردم، دیگر تیرشکنجه* مسیح عامل لغزش کسی نمی‌شد. ۱۲ ای کاش آنان که شما را مشوّش می‌کنند، خود را عقیم می‌کردند!*

۱۳ ای برادران، شما برای آزادی فراخوانده شدید؛ اما این آزادی را فرصتی برای پیروی از امیال نفسانی قرار ندهید، بلکه با محبت همچون غلام، به یکدیگر خدمت کنید؛ ۱۴ زیرا تمام شریعت در این یک حکم خلاصه شده است: * «همسایه‌ات* را همچون خویشتن دوست مدار.»^۵ ۱۵ اگر شما از گزیدن و بلعیدن یکدیگر دست نکشید، باید مراقب باشید که به دست یکدیگر نابدون نشوید.

۱۱:۵ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۲:۵ * به این شکل دیگر برای شریعتی که از آن طرفداری می‌کردند، واجد صلاحیت نمی‌بودند. ۱۴:۵ * تحت اللفظی: «به تحقق رسیده است». * «همسایه» ترجمه واژه‌ای یونانی است که به مفهوم ممنوع نیز می‌باشد. ^۵ یا: «محبت کن».

نباشد، خود را می‌فریبد. ۴ هرکس باید اعمال خود را بیازماید، آنگاه شادی‌اش از اعمال خویش خواهد بود و نیازی نخواهد داشت که خود را با دیگران مقایسه کند؛ ۵ زیرا هرکس بار* خود را حمل خواهد کرد.

۶ به علاوه، هر که کلام را آموزش می‌گیرد،* باید هر چیز نیکو را با کسی که چنین تعلیمی می‌دهد، سهیم شود. ۷ فریب مخورید: خدا را نمی‌توان فریب داد.* انسان هر چه بکارد، همان را درو خواهد کرد؛ ۸ زیرا آن که برای نفس خود می‌کارد، فساد را از نفس خود درو خواهد کرد. اما آن که برای روح می‌کارد، حیات جاودان را از روح درو خواهد کرد. ۹ پس باشد که از اعمال نیکو دست نکشیم: زیرا در وقت معین درو خواهیم کرد، اگر خسته نشویم.* ۱۰ از این رو، تا هنگامی که فرصت* داریم، بیایید به همه نیکویی کنیم؛ به خصوص به هم‌ایمانانمان، یعنی به کسانی که از طریق ایمان خویشاوند ما هستند.

۵:۶ *یا: «بار مسئولیت». ۶:۶ *یا: «شفاهاً آموزش می‌گیرد». ۷:۶ *تحت اللفظی: «مورد تمسخر قرار داد». ۹:۶ *یا: «اگر دست نکشیم». ۱۰:۶ *تحت اللفظی: «آن وقت تعیین شده را».

۲۲ از سوی دیگر ثمرهٔ روح محبت، شادی، آرامش،* بردباری،* مهربانی، نیکویی، ایمان، ۲۳ ملایمت و خویش‌تنداری است. هیچ قانونی وجود ندارد که این‌ها را منع کند. ۲۴ به علاوه، آنان که به مسیح عیسی تعلق دارند، نفس را با هوس‌ها و تمایلاتش به تیر می‌خکوب کردند.

۲۵ اگر مطابق هدایت روح زندگی می‌کنیم، باشد که همچنین پیوسته مطابق هدایت روح گام برداریم. ۲۶ باشد که خودپسند نشویم، یکدیگر را به رقابت تحریک نکنیم و به همدیگر حسادت نورزیم.

۶ ای برادران، اگر شخصی حتی ندانسته در راهی خطا قدم بردارد، شما که از لحاظ روحانی صلاحیت دارید، تلاش کنید که او را با ملایمت* اصلاح نمایید. در عین حال، مراقب باش که مبادا خود نیز وسوسه شوی. ۲ بارهای سنگین یکدیگر را بر دوش کشید که به این ترتیب شریعت مسیح را به جا خواهید آورد؛ ۳ زیرا اگر شخصی خود را کسی بدانند، در حالی که چیزی

۲۲:۵ *یا: «صلح». *یا: «با شکیبایی تحمل کردن». ۱۰:۶ *تحت اللفظی: «روح ملایمت».

غلاطیان ۱۱:۶-محتوای اِفِسیان

سَروِمان عیسی مسیح که از طریق او دنیا برای من به مرگ سپرده شده است* و من برای دنیا؛ ۱۵ زیرا نه ختنه شدن اهمیت دارد و نه ختنه نشدن، بلکه آنچه اهمیت دارد، آفرینش جدید است. ۱۶ آرامش و رحمت بر همه کسانی باد که مطابق این قاعده رفتار می‌کنند، آری بر اسرائیل خدا!

۱۷ از این پس، کسی برای من مشکل ایجاد نکند؛ زیرا من داغ‌های غلامی عیسی را بر بدن خود دارم.

۱۸ لطف سَروِمان عیسی مسیح با روحیه‌ای باد که از خود نشان می‌دهید! آمین.

۱۴:۶* یا: «دنیا برای من بر تیر اعدام شده است».

۱۱ ببینید که این نامه را با چه حروف درشتی به دست خود برای شما نوشته‌ام.

۱۲ آنانی که می‌خواهند شما را مجبور کنند که ختنه شوید، تماماً کسانی هستند که می‌خواهند مورد تأیید مردم قرار گیرند* و تنها به این دلیل چنین می‌کنند تا به خاطر تیر شکنجه* مسیح متحمل آزار نشوند؛ ۱۳ زیرا حتی خود آنان که ختنه می‌شوند، شریعت را نگاه نمی‌دارند. اما می‌خواهند شما ختنه شوید تا از طریق شما* دلیلی برای فخر داشته باشند. ۱۴ باشد که من هرگز به چیزی فخر نکنم، مگر به تیر شکنجه*.

۱۲:۶* یا: «می‌خواهند خود را به ظاهر خوب نشان دهند». ۱۴، ۱۲:۶* رجوع به واژه‌نامه. ۱۳:۶* تحت اللفظی: «جسم شما».

نامه پوُلُس به

اِفِسیان

فهرست محتوا

۱ مَهر شدن با روح‌القدس که بیعانهٔ میراث است (۱۴، ۱۳)
سپاسگزاری پوُلُس برای ایمان اِفِسیان و دعا برای آنان (۲۳-۱۵)
۲ زنده ساختن با مسیح (۱۰-۱)
نابودی دیوار جدایی (۲۲-۱۱)

۱ سلام‌ها (۲، ۱)
برکات روحانی (۷-۳)
گرد آوردن همه چیز در اتحاد با مسیح (۱۴-۸)
ادارهٔ امور در پایان زمان تعیین‌شده (۱۰)

همچون فرزندان نور رفتار کنید (۱۴-۶)
 با روح القدس پر شوید (۲۰-۱۵)
 از وقت خود به بهترین نحو استفاده
 کنید (۱۶)
 پندهایی به شوهران و زنان (۳۳-۲۱)
 ۶ پندهایی به فرزندان و والدین (۴-۱)
 پندهایی به غلامان و اربابان (۹-۵)
 لباس کامل رزم را که از خداست بر تن
 کنید (۲۰-۱۰)
 سلام‌های پایانی (۲۴-۲۱)

۳ راز مقدس شامل غیریهودیان نیز
 می‌شود (۱۳-۱)
 غیریهودیان هم‌ارث با مسیحند (۶)
 مقصود ابدی خدا (۱۱)
 دعا برای اِفْسسیان برای درک ابعاد
 حقیقت (۲۱-۱۴)
 ۴ یگانگی در بدن مسیح (۱۶-۱)
 عطایای انسانی (۸)
 شخصیت کهنه و شخصیت نو (۳۲-۱۷)
 ۵ گفتار و رفتاری شایسته قوم خدا (۵-۱)

را مطابق خواست و اراده خود، از پیش
 مقرر داشت تا از طریق عیسی مسیح به
 پسرخواندگی او درآیم ۶ و بدین ترتیب
 لطف پرجلالش مورد تمجید قرار گیرد؛
 لطفی که او از طریق پسر عزیز خود و با
 مهربانی شامل حال ما ساخته است. ۷ او
 بهای رهایی* ما را از روی لطف بی‌کران
 خود،* با خون پسرش پرداخت؛ یعنی
 گناهان ما را بخشید.

۸ او این لطف را به صورت حکمت و
 درک* کامل، به فراوانی به ما ارزانی داشته
 است؛ ۹ یعنی راز مقدس اراده خویش را
 بر ما آشکار ساخته است. این امر
 مایه خشنودی او بود و از این رو قصد

۷:۱* یا: «فدیة»؛ رجوع به واژه‌نامه: «بهای رهایی».
 * یا: «از روی لطف غنی خود». ۸:۱* یا: «شعور».

از طرف پولس که به خواست خدا،
 رسول مسیح عیسی است، به مقدسان
 وفادار و ساکن اِفْسس که در اتحاد با مسیح
 عیسی هستند:

۲ لطف و آرامش از طرف پدرمان خدا
 و سرورمان عیسی مسیح با شما باد!

۳ سپاس بر خدا، پدر سرورمان عیسی
 مسیح که به خاطر اتحادمان با مسیح، هر
 برکت روحانی* در جایگاه‌های آسمانی
 را به ما ارزانی داشته است، ۴ چنان که
 پیش از آغاز دنیا* ما را برگزید تا در
 اتحاد با او* بوده، به سبب محبتمان نزد
 او مقدس و بی‌عیب باشیم؛ ۵ زیرا او ما

۳:۱* منظور برکات روح خداست. ۴:۱* «آغاز
 دنیا» تحت‌اللفظی: «به جا گذاشتن [نسل]»؛ به
 فرزندان آدم و حوا اشاره دارد. * منظور مسیح
 است.

کرد ۱۰ که برای اداره امور در پایان زمانی که تعیین کرده است، همه چیز را چه در آسمان و چه بر زمین در اتحاد با او، یعنی مسیح گرد آورد. ۱۱ آری، ما که با او متحد هستیم، تعیین شدیم که با او وارث نیز باشیم؛ زیرا خدایی که همه چیز را مطابق رأی و اراده خود انجام می دهد، بر طبق مقصود خویش، از پیش برایمان چنین مقرر کرده بود ۱۲ تا ما که نخستین کسانی بودیم که امید خود را به مسیح بستیم، مایه ستایش و جلال خدا گردیم. ۱۳ اما شما نیز پس از شنیدن کلام حقیقت، یعنی بشارت نجاتان، به مسیح امید بستید. شما پس از آن که ایمان آوردید، از طریق او با روح القدس موعود، مژهر شدید ۱۴ که بیعانه* میراث ما است و تضمین می کند آنان که از آن خدا هستند، از طریق بهای رهایی آزاد خواهند شد و این مایه ستایش و جلال او خواهد بود.

۱۵ به همین دلیل، من نیز وقتی وصف ایمان شما به عیسی سرور و محبتان به همه مقدّسان را شنیدم، ۱۶ از شکرگزاری برای شما دست نکشیدم. من همواره شما را در دعاهای خود یاد می کنم ۱۷ و می خواهم که پدر پر جلال یعنی خدای

سرورمان عیسی مسیح، روح حکمت و مکاشفه را به شما عطا کند تا به شناخت دقیق او نایل آید. ۱۸ او چشم دل شما را روشن ساخته است تا بدانید که شما را برای چه امیدی فراخوانده است، پی ببرید که چه ثروت پرشکوهی را همچون میراث برای مقدّسان در نظر گرفته است ۱۹ و آگاه شوید که چه قدرت فوق العاده عظیمی را در زندگی ما ایمانداران آشکار می کند. عظمت آن را می توان در قدرتی مشاهده کرد ۲۰ که در خصوص مسیح به کار برد، یعنی زمانی که او را از میان مردگان برخیزاند و در جایگاه های آسمانی بردست راست خود نشاند؛ ۲۱ آری، در جایگاهی بسیار بالاتر از هر حکومت، اختیار، قدرت و ریاست و با نامی بسیار والاتر از هر نامی که بتوان خواند؛ چه در این نظام* حاضر و چه در نظام* آینده. ۲۲ خدا همچنین همه چیز را تحت فرمان و زیر پاهای او نهاد و مقرر نمود که او برای جماعت در رأس همه چیز قرار گیرد؛ ۲۳ جماعتی که بدن اوست و با او پر شده است؛ همان کسی که همه چیز را از هر لحاظ پر می گرداند.

۲۱:۱ * یا: «عصر»؛ رجوع به واژه نامه: «نظام

حاضر».

۱۴:۱ * یا: «ضامن»؛ پیش پرداخت».

۲

به علاوه، خدا شما را که به سبب نافرمانی‌ها و گناهان خود مرده بودید، زنده ساخت. ۲ شما در گذشته در طریق این دنیا گام برمی‌داشتید و از آن حاکمی که بر هوا اقتدار دارد، پیروی می‌کردید. این هوا همان روحی است که اکنون در سرکشان عمل می‌کند. ۳ ما نیز همگی مانند آنان زمانی بر طبق امیال نفسانی خود رفتار می‌کردیم و مطابق خواهش نفس و افکار خود عمل می‌نمودیم و بنا به طبیعتمان همچون دیگران سزاوار غضب خدا* بودیم. ۴ اما خدایی که در رحمت دولت‌مند است، به خاطر محبت عظیمش به ما ۵ حتی زمانی که در نافرمانی‌های خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده ساخت-آری، به لطف الهی بود که شما نجات یافته‌اید. ۶ همچنین ما را که در اتحاد با مسیح عیسی هستیم، زنده ساخت و در جایگاه‌های آسمانی نشانده ۷ تا در نظام* آینده، لطف بی‌کران خود* را با بزرگواری به ما پیروان مسیح عیسی ابراز کند.

۸ شما از طریق این لطف الهی از راه

۳:۲ * تحت‌اللفظی: «همچون دیگران فرزندان غضب». ۷:۲ * یا: «نظام‌های اعصار»؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر». * تحت‌اللفظی: «لطف بی‌قیاس و غنی خود».

ایمان نجات یافته‌اید و این حاصل تلاش‌های شما نیست، بلکه هدیه خداست. ۹ آری، این نجات در نتیجه اعمال شما نیست، از این رو هیچ کس نمی‌تواند به خود فخر کند. ۱۰ ما ساخته دست خداییم* و در اتحاد با مسیح عیسی برای انجام دادن اعمال نیکو آفریده شده‌ایم؛ اعمالی که خدا از پیش برای ما مقرر نمود تا آن‌ها را به جا آوریم.

۱۱ پس شما که از نسل غیریهودیان هستید، به یاد داشته باشید که در گذشته کسانی که «خته‌شده» خوانده می‌شدند، شما را «خته‌نشده» می‌نامیدند، هرچند ختنه آنان عملی جسمانی است و به دست انسان انجام شده است. ۱۲ در آن زمان، مسیح را نمی‌شناختید، با ملت اسرائیل بیگانه بودید، با عهدهایی که شامل وعده خداست، آشنایی نداشتید؛ در واقع، در این دنیا بی‌امید و بی‌خدا بودید. ۱۳ اما شما که زمانی از خدا دور بودید، حال در اتحاد با مسیح، از طریق خون او به خدا نزدیک شده‌اید؛ ۱۴ زیرا مسیح پیوند صلح ماست، کسی که این دو گروه را یکی کرده است. او دیوار* جدایی را که میان آنان

۱۰:۲ * یا: «ما ثمره کار او هستیم». ۱۴:۲ * کنایه از دیواری در معبد است که صحن یهودیان را از صحن غیریهودیان جدا می‌کرد.

اتحاد با او، با هم بنا می‌شوید و بدین گونه به صورت مکانی درمی‌آیید که خدا از طریق روح خود در آن ساکن است.

۳ از این رو، من پولس که به خاطر مسیح عیسی در راه خدمت به شما غیریهودیان، زندانی هستم . . * ۲ یقیناً شنیده‌اید که این مسئولیت به من سپرده شده است تا شما را برای بهره‌مند شدن از لطف خدا یاری رسانم. **۳** آری، همان طور که پیش از این به طور مختصر برایتان نوشتم، راز مقدس از طریق مکاشفه‌ای بر من آشکار شد. **۴** پس وقتی این را می‌خوانید، می‌توانید پی ببرید که من تا چه اندازه راز مقدس مسیح را درک کرده‌ام. **۵** این راز، آن طور که اکنون از طریق روح بر رسولان و انبیای مقدس خدا آشکار شده است، در نسل‌های گذشته بر انسان‌ها آشکار نشده بود. **۶** راز مقدس این است که غیریهودیان در اتحاد با مسیح عیسی و از طریق بشارت، هم‌ارث و اعضای یک بدن بوده، با ما در آن وعده شریکند. **۷** من به لطف خدا خدمت‌گزار آن راز شده‌ام. او لطف خود را همچون هدیه‌ای از طریق اعمال قدرت‌ش به من داده است.

۱: ۳* در اینجا پولس جمله خود را به پایان نمی‌رساند و ظاهراً مطلب را در آیه ۱۴ ادامه می‌دهد.

بود، نابود کرد. **۱۵** او عامل دشمنی، یعنی شریعت و احکام و قوانین آن را از طریق بدن خود از میان برد تا هر دو گروه را در اتحاد با خود یک قوم جدید* سازد و صلح برقرار کند **۱۶** و هر دو گروه را از طریق تیر شکنجه* در یک بدن با خدا آشتی دهد؛ زیرا با مرگ خود آن عامل دشمنی را از میان برداشته بود. **۱۷** او آمد و بشارت صلح را، هم به شما که از خدا دور بودید و هم به کسانی که به خدا نزدیک بودند، اعلام کرد؛ **۱۸** زیرا ما یعنی هر دو گروه از طریق او و توسط یک روح می‌توانیم به درگاه پدر نزدیک شویم.

۱۹ پس شما دیگر غریبه و بیگانه نیستید، بلکه تابعیتی همچون تابعیت مقدسان دارید و عضو خانواده خدا هستید. **۲۰** شما بر شالوده رسولان و انبیا بنا شده‌اید که مسیح عیسی سنگ زاویه زیربنای آن است.* **۲۱** تمام این بنا در اتحاد با او با هماهنگی به هم می‌پیوندند و به تدریج به صورت معبدی مقدس برای یهوه* بر پا می‌شود. **۲۲** شما نیز در

۱۵: ۲* تحت‌اللفظی: «یک انسان نوین». **۱۶: ۲*** رجوع به واژه‌نامه. **۲۰: ۲*** یا: «سنگ زاویه آن است». **۲۱: ۲*** این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یهوه» در این ترجمه به کار رفته است؛ رجوع به واژه‌نامه.

زمین نام* خود را مدیون اوست. ۱۶ دعا می‌کنم تا او که دارای جلال فراوان است، باطن شما را به قدرت روح خود نیرومند سازد. ۱۷ همچنین دعا می‌کنم که مسیح از طریق ایمانتان در دل شما جای گیرد و محبت خود را نیز حفظ کنید. باشد که در ایمان ریشه کرده، بر شالوده آن استوار گردید ۱۸ تا همراه با تمام مقدّسان بتوانید عرض، طول، بلندی و عمق حقیقت را به خوبی دریابید ۱۹ و به محبت مسیح که فراتر از شناخت است، پی ببرید. به این ترتیب، با تمام بخشش‌های کامل خدا بر خواهید شد.

۲۰ حال جلال بر او باد که با قدرت خود که در ما عمل می‌کند، می‌تواند فوق العاده بیشتر از آنچه بخواهیم یا تصوّر کنیم، برایمان انجام دهد! ۲۱ آری، از طریق جماعت و توسط مسیح عیسی جلال بر او باد تا ابد و طی همه نسل‌ها! آمین.

۴ پس من که به سبب پیروی از سرور در زندان هستم، از شما تمنا می‌کنم که رفتارشان شایسته آن دعوتی باشد که از شما شده است، ۲ یعنی در کمال فروتنی* و ملایمت رفتار کرده، بردبار باشید و یکدیگر را با محبت تحمّل

۸ هرچند که من در میان همه مقدّسان کوچک‌تر از کوچک‌ترین هستم، این لطف به من عطا شد که به غیریهودیان در مورد ثروت بی‌حد و حصر مسیح بشارت دهم ۹ و برای همه روشن سازم که راز مقدّس چگونه به اجرا گذاشته می‌شود؛ رازی که طی اعصار گذشته نزد خدایی که همه چیز را آفرید، پنهان شده بود. ۱۰ به چه علت؟ به این علت که اکنون از طریق جماعت، جنبه‌های بسیار گوناگون حکمت خدا بر حکومت‌ها و قدرت‌هایی که در جایگاه‌های آسمانی هستند، آشکار شود. ۱۱ این مطابق با مقصود ابدی اوست که در نظر داشت آن را در مورد مسیح، یعنی سرورمان عیسی به تحقق برساند؛ ۱۲ کسی که توسط او و از طریق ایمانمان به او می‌توانیم با چنین آزادی‌ای* سخن بگوییم و با اطمینان به درگاه خدا نزدیک شویم. ۱۳ پس، از شما خواهم که از این مصیبت‌هایی که در راه خدمت به شما می‌کشم، دلسرد مشوید؛ در واقع این‌ها باید مایه افتخار شما باشد. ۱۴ از این رو، در برابر پدری زانومی‌زنم که ۱۵ هر خانواده‌ای در آسمان و بر

۱۲:۳ *یا: «آزادی در گفتار»؛ رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار».

را اصلاح کنند.* خدمت خود را انجام دهند و بدن مسیح را بنا نمایند ۱۳ تا زمانی که همگی ما به یگانگی* ایمان و شناخت دقیق پسر خدا دست یابیم و انسانی بالغ شده.* به قامت کامل مسیح برسیم. ۱۴ پس دیگر نباید همچون کودکان باشیم؛ همچون کسانی که دستخوش امواج شده، با هر باد تعلیم و با فریبکاری انسان‌ها و با نقشه‌های حيله‌گرانه و گمراه‌کننده به این سو و آن سو رانده می‌شوند. ۱۵ بلکه بیایید با گفتن حقیقت و با ابراز محبت، از هر لحاظ به حد او که سر است، یعنی مسیح، رشد کنیم. ۱۶ از طریق او، تمام اعضای بدن، با مفاصل نگاه‌دارنده خود، با هماهنگی به هم می‌پیوندند و با یکدیگر همکاری می‌کنند. وقتی هر عضو کار خود را به درستی انجام دهد، بدن رشد کرده، خود را در محبت بنا می‌کند. ۱۷ پس این را می‌گویم و در حضور سرور تأکید می‌کنم که دیگر نباید آن گونه رفتار کنید که اقوام دور از خدا مطابق افکار بیهوده خود* رفتار می‌کنند. ۱۸ ذهن آنان به خاطر جهالت و سخت‌دلی‌شان تاریک

کنید. ۳ همچنین سخت تلاش کنید تا به یاری رشته صلح که متحد می‌سازد، آن یگانگی را که از روح است، حفظ کنید. ۴ یک بدن هست و یک روح، چنان که تنها یک امید است که به آن دعوت شده‌اید؛ ۵ یک سرور، یک ایمان و یک تعמיד؛ ۶ یک خدا که پدر همه و فوق همه است و از طریق همه و در همه عمل می‌کند.

۷ حال لطف الهی به اندازه‌ای که مسیح عطیه را بین ما تقسیم کرد، به هر یک از ما عطا شده است؛ ۸ زیرا گفته می‌شود: «هنگامی که به بالا صعود کرد، اسیرانی را به اسارت برد و انسان‌هایی را همچون عطایا بخشید.» ۹ اما مفهوم عبارت «صعود کرد» چیست؟ آیا غیر از این است که او می‌بایست در ابتدا به مکان‌های پست‌تر، یعنی به زمین نزول کرده باشد؟ ۱۰ آری، آن که نزول کرد، همان است که به بالاتر از همه آسمان‌ها صعود نمود تا به همه چیز پُری* بخشد. ۱۱ پس او برخی را به عنوان رسول عطا کرد، برخی را به عنوان نبی، برخی را به عنوان مبشر و برخی را نیز به عنوان شبان و معلم. ۱۲ اینان موظفند که مقدّسان

۱۲:۴ *یا: «آموزش دهند». ۱۳:۴ *یا: «وحدت». ۱۷:۴ *یا: «رشد کامل یافته». ۱۷:۴ *یا: «در بطالت

ذهن خود».

۱۰:۴ *یا: «تحقق».

خود راست بگوید؛ زیرا ما اعضای یکدیگریم. ۲۶ هنگامی که خشمگین می‌شوید، گناه مکنید؛ مگذارید خشمتان تا غروب خورشید ادامه یابد ۲۷ و به ابلیس فرصت مدهید. ۲۸ آن که دزدی می‌کند، دیگر دزدی نکند؛ بلکه

سخت زحمت کشیده، با دست‌های خود کاری مفید انجام دهد تا بتواند به نیازمندان چیزی بدهد. ۲۹ باشد که سخنی بد* از دهانتان بیرون نیاید، بلکه فقط سخنی نیکو برای بنای دیگران به زبان آورید؛ سخنی که نیازی را برآورده سازد تا به شنوندگان فایده رساند. ۳۰ همچنین روح القدس خدا را غمگین مسازید* که با آن برای روز رهایی یعنی روزی که از طریق بهای رهایی* آزاد می‌شوید، مَهر شده‌اید.

۳۱ هر نوع تلخی بدخواهانه، خشم، عصبانیت، فریاد، ناسزاگویی و هرگونه بدی را از خود دور کنید. ۳۲ نسبت به یکدیگر مهربان و عمیقاً دلسوز باشید و بدون قید و شرط یکدیگر را ببخشید، چنان که خدا نیز از طریق مسیح، بدون قید و شرط شما را ببخشید.

۲۹:۴ *تحت اللفظی: «گندیده؛ فاسد». ۳۰:۴ *یا: «مرنجانید». *یا: «فدیه»؛ رجوع به واژه‌نامه: «بهای رهایی».

شده است و از حیاتی که از خداست به دورند. ۱۹ آنان چون حساسیت خود را از لحاظ اخلاقی کاملاً از دست داده‌اند، خود را غرق رفتار بی‌شرمانه* کرده‌اند تا حریصانه هرگونه ناپاکی را به عمل آورند.

۲۰ اما شما آموختید که مسیح چنین رفتاری نداشت؛ ۲۱ البته اگر آنچه شنیدید و تعلیم یافتید، مطابق حقایقی باشد که عیسی آموزش می‌داد. ۲۲ شما آموختید که شخصیت کهنه را از تن به در آورید؛ شخصیتی که مطابق شیوه زندگی گذشته‌تان است و تحت تأثیر امیال فریبنده‌اش به فساد کشیده می‌شود. ۲۳ شما باید طرز فکر خود* را همواره تازه کنید ۲۴ و باید شخصیت نو را به تن کنید که به خواست خدا آفریده شده و بر پایه درستی* و قدوسیت* حقیقی است.

۲۵ پس حال که فریب را کنار گذاشته‌اید، هر یک از شما به همسایه*

۱۹:۴ *یا: «رفتار وقیحانه»؛ به یونانی آسِلْگِیا: رجوع به واژه‌نامه: «رفتار بی‌شرمانه». ۲۳:۴ *تحت اللفظی: «روح ذهن خود». ۲۴:۴ *یا: «درستکاری؛ عدالت». *یا: «وفاداری». ۲۵:۴ *«همسایه» ترجمه واژه‌ای یونانی است که به مفهوم هم‌نوع نیز می‌باشد.

خدا بر سرکشان می‌آید. ۷ از این رو، با آنان شریک مشوید. ۸ شما نیز زمانی تاریکی بودید، اما حال در اتحاد با سرور، نور هستید. پس همچون فرزندان نور رفتار کنید: ۹ زیرا ثمره نور، هر گونه نیکویی، درستی* و راستی است. ۱۰ همواره اطمینان حاصل کنید که چه چیز مایه خشنودی خداوند* است. ۱۱ دیگر در کارهای بی‌ثمر که به تاریکی تعلق دارد، شرکت نکنید، بلکه ماهیت آن‌ها را برملا سازید. ۱۲ حتی به زبان آوردن کارهایی که آنان در نهان انجام می‌دهند، شرم‌آور است. ۱۳ اما هر چه در معرض نور برملا* گردد، آشکارا دیده می‌شود؛ زیرا هر آنچه آشکار می‌شود، همچون نور روشن می‌گردد. ۱۴ از این رو، گفته شده است: «ای تو که در خوابی، بیدار شو و از میان مردگان برخیز و مسیح بر تو خواهد تابید.»

۱۵ پس بسیار مراقب باشید که چگونه رفتار می‌کنید و رفتارتان نه همچون نادانان، بلکه همچون خردمندان باشد. ۱۶ از وقت خود به بهترین نحو استفاده کنید؛* زیرا این روزها، روزهای بدی است. ۱۷ پس

۹:۵* یا: «عدالت». ۱۰:۵* یا احتمالاً: «سرور»؛ به یونانی کوریثوس. ۱۲:۵* یا: «توبیخ». ۱۶:۵* تحت‌اللفظی: «وقت تعیین‌شده را بخريد».

۵ پس همچون فرزندانی عزیز، از خدا سرمشق بگیرید ۲ و با محبت رفتار کنید، درست همان طور که مسیح هم به ما* محبت کرد و خود را در راه ما* همچون قربانی و هدیه‌ای خوشبو به خدا تقدیم نمود. ۳ باشد که آن گونه که شایسته قوم خداست،* در میان شما از اعمال نامشروع جنسی* و هر گونه ناپاکی یا طمع، حتی سخنی نیز به میان نیاید. ۴ رفتار شرم‌آور، بیهوده‌گویی و شوخی‌های زشت نیز به هیچ وجه شایسته نیست، به جای آن باید با زبان خود خدا را شکر گفت؛ ۵ زیرا شما این را می‌دانید و خود تشخیص داده‌اید که اشخاصی که مرتکب اعمال نامشروع جنسی* یا ناپاکی یا طمعکاری که بت‌پرستی است، می‌شوند، هیچ میراثی از پادشاهی مسیح و خدا نمی‌برند.

۶ پس مگذارید هیچ کس شما را با سخنان بیهوده* فریب دهد؛ زیرا به خاطر چنین گناهانی است که غضب

۲:۵* یا احتمالاً: «شما». ۳:۵* تحت‌اللفظی: «انسان‌های مقدس است». *به یونانی پُرِنیا؛ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۵:۵* رجوع به واژه‌نامه. ۶:۵* یا: «استدلال‌های پوچ».

و جان خود را برای آن داد ۲۶ تا آن را با آب کلام خدا پاک سازد و بدین گونه آن را تقدیس کند ۲۷ و جماعتی شکوهمند برای خود مهیا سازد؛ جماعتی بدون هیچ لکه، چین و چروک یا نقص‌هایی از این گونه، بلکه مقدّس و بی‌عیب.

۲۸ به همین ترتیب، شوهران باید به زنان خود همچون بدن خود محبت کنند. مردی که به زن خود محبت کند، به خود محبت کرده است؛ ۲۹ زیرا هیچ مردی هرگز از بدن* خود نفرت نداشته است، بلکه به آن خوراک می‌دهد و آن را عزیز می‌دارد، درست به همان گونه که مسیح با جماعت عمل می‌کند، ۳۰ چون ما اعضای بدن او هستیم. ۳۱ «به همین دلیل، مرد پدر و مادر خود را ترک می‌کند و به زن خود می‌پیوندد* و آن دو یک تن خواهند شد.» ۳۲ این راز مقدّس بسیار عمیق و پراهمیت است. البته در اینجا در مورد مسیح و جماعت سخن می‌گویم. ۳۳ با این حال، هر یک از شما باید به زن خود همچون خویشتن محبت کند و زن نیز باید عمیقاً به شوهر خود احترام بگذارد.

۲۹:۵ *تحت اللفظی: «جسم». ۳۱:۵ *در اینجا واژه‌ای یونانی به کار رفته است که به معنی «محکم چسبیدن» است؛ مانند دو چیز که با چسب به هم چسبانده باشند.

دیگر نادان* مباشید، بلکه در همه حال دریابید که خواست یَهُوه* چیست. ۱۸ همچنین مست شراب مشوید که به بی‌بندوباری می‌انجامد، بلکه با روح القدس پر شوید. ۱۹ با یکدیگر* با مزامیر و با سرودهای حمد و پرستش^۵ سخن بگویید و از صمیم دل برای یَهُوه* بسرایید و او را تمجید کنید. ۲۰ همواره پدرمان خدا را به نام سرورمان عیسی مسیح برای همه چیز شکر کنید.

۲۱ به خاطر حرمتی که برای مسیح قائلید، مطیع* یکدیگر باشید. ۲۲ ای زنان، همان طور که مطیع* سرور هستید، مطیع* شوهران خود نیز باشید؛ ۲۳ زیرا شوهر سر زن خویش است، چنان که مسیح سر جماعت است و اوست نجات‌دهنده این بدن*. ۲۴ در واقع، همان طور که جماعت مطیع* مسیح است، زنان نیز باید در همه چیز مطیع* شوهران خود باشند. ۲۵ ای شوهران، پیوسته به زنان خود محبت کنید، همان طور که مسیح نیز به جماعت محبت کرد

۱۷:۵ *یا: «نامعقول». ۱۷:۵، ۱۹ *رجوع به واژه‌نامه. ۱۹:۵ *یا احتمالاً: «با خود». ^۵تحت اللفظی: «روحانی». ۲۱:۵، ۲۲، ۲۴ *یا: «تسلیم؛ فرمانبرداری». ۲۴:۵ *منظور جماعت است.

اربابان، شما نیز با غلامان خود به همین ترتیب رفتار کنید و آنان را تهدید مکنید؛ زیرا می‌دانید آن کسی که هم ارباب شماست و هم ارباب آنان، در آسمان است و میان انسان‌ها تبعیض قائل نمی‌شود. ۱۰ در خاتمه از شما می‌خواهم که

پیوسته از خداوند و نیروی مقتدر او، قدرت یابید. ۱۱ لباس کامل رزم را که از خداست بر تن کنید تا بتوانید در برابر حيله‌های * ابلیس استوار بایستید؛ ۱۲ زیرا جنگ * ما علیه خون و جسم نیست، بلکه علیه حکومت‌ها، قدرت‌ها و فرمانروایان این دنیای تاریک است؛ یعنی علیه لشکریایی از ارواح شریر در جایگاه‌های آسمانی. ۱۳ به همین دلیل، لباس کامل رزم را که از خداست بر تن کنید تا بتوانید هنگام حملات آن شریر، مقاومت نمایید و قادر باشید پس از انجام دادن همهٔ امور لازم استوار بایستید.

۱۴ حال برای آن که استوار بایستید، کمر بند حقیقت را به کمر ببندید، سینه‌پوش * عدالت را بر تن کنید ۱۵ و کفش آمادگی برای اعلام بشارت صلح را به پا نمایید. ۱۶ علاوه بر همهٔ این‌ها،

۱۱:۶ * یا: «نقشه‌های». ۱۲:۶ * تحت اللفظی: «گشتی». ۱۴:۶ * یا: «زره».

ای فرزندان، مطابق خواست خداوند مطیع والدین خود باشید؛ زیرا این کار در دید خدا درست است. ۲ نخستین فرمانی که با وعده همراه بود، این است: «به پدر و مادر خود احترام بگذار» و وعدهٔ آن نیز چنین است: ۳ «تا کامیاب شوی و مدت طولانی بر زمین عمر کنی». ۴ ای پدران، فرزندان خود را خشمگین مسازید، بلکه آنان را با تأدیب و نصایح * یهوه * بزرگ کنید.

۵ ای غلامان، با ترس و احترام و با خلوص نیت از اربابان بشری خود اطاعت کنید، همان گونه که از مسیح اطاعت می‌کنید. ۶ البته اطاعت شما نباید فقط زمانی باشد که تحت نظر هستید؛ همچون کسانی که فقط به دنبال جلب رضایت مردم هستند، بلکه باید همچون غلامان مسیح، خواست خدا را با جان و دل به جا آورید. ۷ با میل و رغبت به اربابان خود خدمت کنید، گویی که به یهوه * خدمت می‌کنید، نه به انسان؛ ۸ زیرا می‌دانید، هرکس هر عمل نیکویی که انجام دهد، چه غلام باشد، چه آزاد، پاداش آن را از یهوه * خواهد یافت. ۹ ای

۴:۶ * یا: «آموزش؛ راهنمایی»: تحت اللفظی: «قرار دادن افکار». ۴:۶، ۷، ۸ * رجوع به واژه‌نامه.

بند زنجیرم! دعا کنید تا بتوانم چنان که شایسته است با شهادت در مورد آن سخن بگویم.

۲۱ حال برای آن که از احوال من و آنچه می‌کنم مطلع شوید، تیخیکوس برادر عزیز و خادم وفادار سرور، شما را از همه چیز آگاه خواهد ساخت. ۲۲ من او را برای همین مقصود نزدتان می‌فرستم تا از احوال ما باخبر شوید و از سخنان او دلگرمی یابید.

۲۳ باشد که برادران از آرامش و محبتی توأم با ایمان که از طرف پدرمان خدا و سرورمان عیسی مسیح است، برخوردار باشند! ۲۴ لطف الهی با همهٔ کسانی باد که محبتی جاودانه به سرورمان عیسی مسیح دارند!

سپر بزرگ ایمان را بردارید تا قادر باشید با آن تمام تیرهای آتشین آن شریر* را خاموش کنید. ۱۷ همچنین کلاهخود نجات را بر سر بگذارید و شمشیر روح را که کلام خداست، بردارید ۱۸ و در هر موقعیت با هر نوع دعا و التماس، مرتب و با هدایت روح القدس به درگاه خدا بیایید. پس برای این منظور هوشیار و بیدار بمانید و پیوسته برای مقدّسان، به خدا دعا و التماس کنید. ۱۹ برای من نیز دعا کنید تا هنگامی که دهان خود را می‌گشایم، کلامی به من داده شود تا بتوانم راز مقدّس بشارت را با شهادت اعلان کنم. ۲۰ من برای اعلام این بشارت سفیر هستم، هرچند که در ۱۶:۶ * منظور شیطان است.

نامهٔ پولس به

فیلیپیان

فهرست محتوا

۱ شایستهٔ بشارت رفتار کنید (۳۰-۲۷)
۲ فروتنی مسیحی (۴-۱)
فروتنی مسیح و سرافرازی او (۱۱-۵)
برای نجات خود تلاش کنید (۱۸-۱۲)
همچون تابندگان نور بدرخشید (۱۵)

۱ سلام‌ها (۲، ۱)
سپاسگزاری از خدا؛ دعای پولس (۱۱-۳)
پیشرفت بشارت با وجود مشکلات (۲۰-۱۳)
زندگی برای مسیح است و مردن سود بردن (۲۶-۲۱)

فرستادن تیموتائوس و

اپافرودیتوس (۳۰-۱۹)

۳ اعتماد خود را بر افتخارات انسانی

نهیید (۱۱-۱)

همه چیز را به خاطر مسیح زبان

شمردن (۹-۷)

خود را به سوی هدف بکشانید (۲۱-۱۳)

تابعیت آسمانی (۲۰)

۴ اتحاد، شادی، همچنین تعمق در آنچه

مناسب است (۹-۱)

نگران هیچ چیز مباشید (۷، ۶)

قدردانی برای هدایای فیلیپیان (۲۰-۱۰)

سلام‌های پایانی (۲۳-۲۱)

که شما در دل من جای دارید، کاملاً
بعاست که در موردتان چنین بیندیشم؛
زیرا چه در زمان جسم، چه در زمان دفاع
از فعالیت بشارت و به ثبت رساندن قانونی
آن، حامی من بوده‌اید. به این ترتیب،
هم من و هم شما از لطف الهی بهره‌مند
شده‌ایم.

۸ خدا شاهد است که با همان
محبتی که مسیح عیسی برای شما
دارد، من اشتیاق دیدار همه شما را دارم.
۹ من پیوسته برای شما چنین دعا می‌کنم
که محبت شما همچنان بیش از پیش
فزونی یابد و همراه با شناخت دقیق و
بصیرت کامل باشد ۱۰ تا تشخیص دهید
چه چیزهایی پراهمیت‌تر است. آنگاه تا
روز مسیح پا کدل بوده، دیگران را لغزش
نخواهید داد ۱۱ و از ثمرات درستکاری*

۱۱:۱ * یا: «عدالت».

از طرف پولس و تیموتائوس، غلامان
مسیح عیسی، به تمام مقدسان متحد
با مسیح عیسی در شهر فیلیپی، از جمله
به سرپرستان و خادمان جماعت:*

۲ لطف و آرامش از طرف پدرمان خدا
و سرورمان عیسی مسیح با شما باد!

۳ هر بار که شما را به یاد می‌آورم،
خدای خود را سپاس می‌گویم. ۴ آری،
در دعاهاى التماس‌آمیزم خدا را برای همه
شما شکر می‌کنم و هر یک از این دعاها
را با شادمانی به زبان می‌آورم؛ ۵ زیرا از
روز اول که بشارت را شنیدید تا به امروز،
در پیشبرد آن کمک‌های بسیار کرده‌اید.*

۶ من اطمینان دارم همان خدایی که کاری
نیکو را در شما آغاز کرد، آن را تا روز مسیح
عیسی به کمال خواهد رساند. ۷ از آنجا

۱:۱ * رجوع به واژه‌نامه: «خادم جماعت». ۵:۱

* یا: «در پیشبرد آن شریک بوده‌اید».

پر خواهید بود؛ ثمراتی که از طریق عیسی مسیح حاصل می‌شود و برای جلال و ستایش خداست.

۱۲ برادران، حال می‌خواهم بدانید که آنچه برای من پیش آمده، در نهایت به پیشرفت بشارت انجامیده است، ۱۳ چنان که بر تمامی گارد امپراتوری* و افراد دیگر آشکار شده است که من به خاطر مسیح در زنجیرم. ۱۴ اکنون زنجیرهای من سبب شده است که اکثر برادران در خدمت به سرور استوار شوند و بیش از پیش شهادت یابند تا کلام خدا را بدون ترس اعلام کنند.

۱۵ درست است که برخی از روی حسادت و رقابت در مورد مسیح موعظه می‌کنند، اما برخی دیگر با خلوص نیت چنین می‌کنند. ۱۶ در واقع، موعظه‌ای که اینان در مورد مسیح می‌کنند، از روی محبت است؛ زیرا می‌دانند که من برای دفاع از بشارت منصوب شده‌ام. ۱۷ اما موعظه آنان از روی ستیزه‌جویی است، نه با نیتی پاک؛ زیرا قصد دارند در زندان برای من مشکل ایجاد کنند. ۱۸ نتیجه چیست؟ تنها نتیجه آن این است که نیت شخص، چه درست باشد، چه نادرست،

۱۳:۱ * رجوع به واژه‌نامه: «گارد امپراتوری».

در هر حال در مورد مسیح موعظه می‌شود و من از این بابت شادمانم. آری، من شادی خود را از دست نخواهم داد، ۱۹ چون می‌دانم که از طریق دعاها و التماس‌آمیز شما و حمایت روح عیسی مسیح، این امر به نجاتم خواهد انجامید. ۲۰ پس من با اشتیاق انتظار می‌کشم و امیدوارم که از هیچ چیز خجل نشوم، بلکه چون در کمال شهادت سخن می‌گویم،* مسیح اکنون مانند همیشه، از طریق بدن من جلال می‌یابد، چه زنده باشم، چه بمیرم.

۲۱ زیرا زندگی برای من، یعنی زندگی برای مسیح و مردن برای من، یعنی سود بردن. ۲۲ حال اگر در جسم زنده بمانم، ثمره کارم همان* خواهد بود. با این همه، نمی‌گویم که کدام را انتخاب می‌کنم. ۲۳ میان این دو انتخاب مانده‌ام؛ از طرفی خواست من این است که بروم* و با مسیح باشم که این قطعاً بسیار بهتراست، ۲۴ اما از طرف دیگر به خاطر شما واجب‌تر است که در جسم بمانم. ۲۵ پس، از آنجا که به این امر اطمینان دارم، می‌دانم که برای پیشرفت و شادی شما در ایمان، در جسم خواهم ماند و با همه شما به سرخواهم برد.

۲۰:۱ * رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار». ۲۲:۱ * منظور جلال یافتن مسیح است. ۲۳:۱ * یا:

«رحلت یابم».

می‌دهید، حال که به یکدیگر توجه دارید* و حال که در میان شما مهربانی و دلسوزی وجود دارد، ۲ پس شادی مرا

کامل سازید و همفکر باشید، همچنین محبت متقابل داشته، کاملاً متحد و هم‌اندیشه باشید. ۳ هیچ کاری را از روی ستیزه‌جویی یا خودپسندی نکنید، بلکه با فروتنی* دیگران را از خود بهتر بدانید. ۴ تنها به فکر نفع خود مبادید، بلکه به فکر نفع دیگران نیز باشید.

۵ همان طرز فکری را داشته باشید که در مسیح عیسی نیز بود. ۶ او هرچند به شکل خدا وجود داشت، به این فکر نکرد که برابری با خدا را به چنگ آورد. ۷ خیر، بلکه خود را خالی ساخت و به شکل غلام درآمد، انسان شد.* ۸ علاوه بر آن، هنگامی که به صورت انسان ظاهر شد،* خود را فروتن ساخت و تا حد مرگ مطیع گشت؛ آری، مرگ بر تیر شکنجه.*

۹ به همین دلیل نیز خدا او را به مقامی برتر سرافراز نمود و از روی مهربانی، نامی برتر از هر نامی دیگر به او بخشید ۱۰ تا

۱۰:۲ * تحت اللفظی: «در روح شراکت دارید».

۳:۲ * یا: «افتادگی». ۷:۲ * تحت اللفظی: «و به شباهت انسان‌ها درآمد». ۸:۲ * تحت اللفظی: «هنگامی که به شکل انسان یافت شد». * رجوع به واژه‌نامه.

۲۶ آنگاه، وقتی بار دیگر نزد شما حضور یابم، در مسیح عیسی سرشار از شادمانی خواهید گشت.

۲۷ تنها از شما می‌خواهم چنان رفتار کنید* که شایستهٔ بشارت مسیح باشد تا چه بیایم و شما را ببینم و چه غایب باشم، بشنوم و آگاه شوم که در یک روح* استوارید^۵ و دوشادوش هم همچون یک تن،^۶ برای ایمان به بشارت سخت تلاش می‌کنید. ۲۸ همچنین به هیچ وجه از مخالفان‌تان هراس نداشته باشید. این امور گواهی است بر آنان که نابود خواهند شد و گواهی است بر شما که نجات خواهید یافت و این گواه از خداست؛ ۲۹ زیرا به خاطر مسیح این افتخار به شما داده شده است که نه تنها به او ایمان آورید، بلکه به خاطر او رنج نیز بکشید؛ ۳۰ زیرا شما در همان نبردی دست و پنجه نرم می‌کنید که مرا در آن دیده بودید و حال می‌شنوید که هنوز هم با آن روبرو هستم.

۲ حال که به دلیل اتحاد با مسیح یکدیگر را دلگرم می‌سازید، حال که از روی محبت یکدیگر را تسلی

۲۷:۱ * یا: «رفتاری همچون تابعین داشته باشید». * به یونانی پنومنا: رجوع به واژه‌نامه: «روح». * یا: «شما استوار و همفکرید». * یا: «دوشادوش هم با یکدیگی».

ریخته شوم، مسرورم و با همه شما شادی می‌کنم. ۱۸ به همین طریق، شما نیز باید مسرور باشید و با من شادی کنید.

۱۹ در عیسای سرور امیدوارم که تیموتائوس را به‌زودی نزد شما بفرستم تا از احوال شما باخبر و دلگرم شوم؛ ۲۰ زیرا شخص دیگری با چنین خصوصیتی ندارم که خالصانه در فکر شما باشد، ۲۱ چون دیگران همگی در پی منافع خود هستند و نه منافع عیسی مسیح. ۲۲ اما شما می‌دانید که تیموتائوس شایستگی خود را ثابت کرده است و همچون فرزندی همراه پدرش، با من غیورانه در پیشبرد بشارت خدمت نموده است. ۲۳ از این رو، امید دارم به محض این که آگاه شوم چه برایم پیش خواهد آمد، او را نزد شما بفرستم. ۲۴ آری، در سرور اطمینان دارم که خودم نیز به‌زودی خواهم آمد.

۲۵ اما اکنون لازم می‌بینم که اپافروditوس را نزد شما بفرستم؛ همان برادر، همکار و هم‌رزم که شما او را برای خدمت به من و رسیدگی به نیازهایم فرستاده بودید؛ ۲۶ زیرا او بسیار مشتاق است که همه شما را ببیند و از این که خبر بیماری‌اش به گوش‌تان رسیده

به نام عیسی هر زانویی خم شود-چه در آسمان، چه در زمین و چه در زیر زمین- ۱۱ و هر زبانی آشکارا تصدیق کند که عیسی مسیح سرور است، برای جلال پدرمان خدا.

۱۲ پس ای عزیزان من، همان طور که همواره مطیع بوده‌اید، نه تنها هنگام حضورم، بلکه حال در غیابم، با رغبت بسیار بیشتر همچنان تلاش کنید که نجات خود را با ترس و لرز به انجام رسانید؛ ۱۳ زیرا خداست که به شما نیرو می‌دهد و مایه خشنودی اوست که هم رغبت و هم قدرت عمل را به شما عطا کند. ۱۴ همواره هرکاری را به دور از شکایت و جزو بحث انجام دهید ۱۵ تا از ملامت و گناه بری شده، در میان نسلی کج‌رو و منحرف، فرزندان بی‌عیب خدا باشید. شما در میان این نسل، همچون تابندگان نور در دنیا می‌درخشید ۱۶ و به کلام حیات‌بخش پای‌بند می‌مانید. به همین خاطر، من دلیلی برای شادی در روز مسیح خواهم داشت؛ زیرا آنگاه خواهم دانست که بیهوده ندویده و عبث زحمت نکشیده‌ام. ۱۷ اما حتی اگر همچون هدیه ریختنی، بر قربانی و خدمت مقدسی که ایمانتان شما را به آن رهنمون ساخته است،

است، افسرده و غمگین نیز شده است. ۲۷ آری، او از شدت بیماری در آستانه مرگ بود؛ اما خدا به او رحم کرد و نه فقط به او، بلکه همچنین به من، تا غمی بر غم‌هایم افزوده نشود. ۲۸ از این رو، او را هر چه زودتر نزد شما می‌فرستم که از دیدارش بار دیگر شاد شوید و از بار نگرانی من نیز کاسته شود. ۲۹ پس به رسم معمول، در سرور پذیرای او شوید و چنین افرادی را عزیز بدانید؛ ۳۰ زیرا به خاطر کار مسیح* در آستانه مرگ بود و جان خود را به خطر انداخت تا جای خالی شما را در خدمت به من پر کند. ۳ در آخر، ای برادران من، همچنان در خداوند شادمان باشید. نوشتن دوباره این مطالب برای من زحمتی نیست، چون برای ایمنی شماست.

۲ از افراد ناپاک* بهره‌زید، از کسانی که زیان می‌رسانند، برحذر باشید و از آنانی که ختنه را ترویج می‌دهند،* دوری کنید؛ ۳ زیرا ما از ختنه‌شدگان واقعی هستیم؛ ما که به یاری روح خدا خدمت مقدس‌مان را تقدیم می‌کنیم، همچنین به

۲۰:۲ * یا احتمالاً: «کار سرور». ۲:۳ * تحت‌اللفظی: «از آن سگ‌ها». * یا: «عضوی از بدن را می‌بند».

مسیح عیسی فخر می‌کنیم و اعتمادمان را بر افتخارات انسانی* نمی‌نهیم، ۴ اگرچه من بی‌شک دلایل خوبی دارم که بر افتخارات انسانی خود اعتماد کنم.

در واقع، اگر کسی دیگر گمان می‌کند که دلایلی دارد که اعتمادش را بر افتخارات انسانی بنهد، من دلایلی بیش از او دارم: ۵ در روز هشتم ختنه شدم؛ از قوم اسرائیل هستم و از طایفه بنیامین؛ عبرانی هستم و از والدین عبرانی زاییده شدم؛ از لحاظ حفظ شریعت، فریسی بودم؛ ۶ از لحاظ غیرت، چنان بودم که جماعت را آزار می‌رساندم؛ از لحاظ آن درستکاری* که بر مبنای شریعت است، بی‌عیب محسوب می‌شدم. ۷ با این حال آنچه برای من منفعت بود، به خاطر مسیح زیان شمرده‌ام.* ۸ آری، همه چیز را در مقایسه با ارزش والای شناخت سرورم، مسیح عیسی، زیان می‌شمارم. به خاطر او همه چیز را از دست داده‌ام و همه آن‌ها را زباله* می‌شمارم تا مسیح را به دست آورم ۹ و در اتحاد با او باشم. آنگاه درستکار* شمرده خواهم شد، نه

۳:۳ * تحت‌اللفظی: «بر جسم». ۶:۳ * یا: «عدالت». ۷:۳ * یا احتمالاً: «با رغبت رها کرده‌ام». ۸:۳ * یا: «فضله». ۹:۳ * یا: «عادل».

به خاطر حفظ شریعت، بلکه به خاطر ایمان به مسیح. این درستکاری از خدا و بر پایه ایمان است. ۱۰ هدف من این است که مسیح و قدرت رستاخیز او را بشناسم و با شریک شدن در رنج‌هایش به مرگی همچون مرگ او تن دهم ۱۱ تا بینم اگر امکان‌پذیر است، از میان مردگان به رستاخیز نخست دست یابم. ۱۲ البته نه این که اکنون به آنچه در انتظارش هستم دست یافته یا کامل شده باشم، اما سخت در تلاشم تا بتوانم به آنچه مسیح عیسی مرا برای آن برگزید،* دست یابم. ۱۳ ای برادران، من فکر نمی‌کنم که هنوز به آن دست یافته باشم. اما آنچه مسلم است این است که باید چیزهای گذشته را فراموش کرد و خود را با تمام قوا به سوی آنچه در پیش روست، به پیش کشاند. ۱۴ من برای رسیدن به هدفم سخت تلاش می‌کنم تا جایزه را به دست آورم؛ یعنی این که خدا مرا از طریق مسیح عیسی به آسمان فراخواند. ۱۵ پس بگذارید ما که بالغیم همین طرز فکر را داشته باشیم. اما اگر از هر جهت به گونه‌ای دیگر فکر می‌کنید، طرز فکر درست را خدا به شما نشان خواهد داد. ۱۶ در هر

۱۲:۳ * تحت‌اللفظی: «مرا برای آن به دست آورد».

صورت، بیایید تا هر جا که پیش رفته‌ایم، به نحوی مرتب در همان راه گام برداریم. ۱۷ ای برادران، همگی مرا سرمشق قرار دهید، همچنین کسانی را مد نظر داشته باشید که مطابق نمونه‌ای که ما برایتان قرار دادیم، رفتار می‌کنند. ۱۸ بسیارند کسانی که بارها پیش از این از آنان یاد کردم. اما اکنون گریان از آنان یاد می‌کنم؛ زیرا همچون دشمنان تیر شکنجه* مسیح رفتار می‌کنند. ۱۹ عاقبت ایشان نابودی است و خدای آنان شکمشان است. به آنچه باید از آن شرمسار باشند، فخر می‌کنند و افکارشان به امور زمینی مشغول است. ۲۰ اما تابعیت ما در آسمان‌هاست و مشتاقانه در انتظار نجات‌دهنده‌ای از آنجا هستیم؛ یعنی سرورمان عیسی مسیح. ۲۱ همان کسی که با قدرت عظیم خود که او را قادر می‌سازد همه چیز را تحت فرمان خود درآورد، بدن حقیر ما را مبدل خواهد کرد تا به بدنی همچون بدن پرجلال او درآید.*

۴

پس، ای برادران من که دوستان می‌دارم و مشتاق دیدارتان هستم، ای عزیزان من، شما که شادی من و تاج سر

۱۸:۳ * رجوع به واژه‌نامه. ۲۱:۳ * تحت‌اللفظی:

«تا به شکل بدن پرجلال او درآید».

دل و قوای ذهنی* شما محافظت خواهد کرد.

۸ در آخر ای برادران، هر آنچه حقیقت است، هر آنچه پراهمیت است، هر آنچه ازدید خدا درست است،* هر آنچه پاک* است، هر آنچه شخص را به محبت کردن برمی‌انگیزد، هر آنچه درخور تحسین است، هر آنچه شریف است و هر آنچه درخور ستایش است، همچنان در این‌ها تعمق کنید.^۵ ۹ همچنین به آنچه از من آموختید و پذیرفتید و به آنچه از من شنیدید و دیدید، عمل کنید، آنگاه خدای آرامش با شما خواهد بود.

۱۰ من که خادم خداوند* هستم، بسیار شادم که اکنون شما پس از مدتی، بار دیگر به فکر من افتاده‌اید. البته شما به فکر من بودید، اما فرصتی نیافتید که آن را ابراز کنید. ۱۱ این را به دلیل احتیاجاتم نمی‌گویم: زیرا آموخته‌ام که در هر موقعیتی قانع باشم.* ۱۲ من می‌دانم که چگونه در زندگی با کم و زیاد سرکنم. رمز قناعت را در هر چیز و هر موقعیتی آموخته‌ام: چه

۷:۴* یا: «دل و عقل: دل و افکار». ۸:۴* یا: «هر آنچه عادلانه است». ۹:۴* یا: «عقیق». ۱۱:۴* یا: «همچنان به این‌ها بیندیشید». ۱۱:۴* یا: «خودکفا باشم».

من هستید، به همین طریق در خداوند* استوار بمانید.

۲ هم از افودیه و هم از سینتیخی تمنا دارم که در خدمت خداوند* همفکر باشند. ۳ آری، از تو نیز ای همکار* راستینم، تقاضا می‌کنم که همچنان به این زنان کمک کنی؛ زیرا آنان دوشادوش من همراه با کلیمت و همکاران دیگر من که نامشان در دفتر حیات* نوشته شده است، برای بشارت سخت تلاش کرده‌اند.^۵

۴ همواره در خدمت* خداوند* شاد باشید. باز می‌گویم شاد باشید! ۵ بگذارید همگان شما را فردی معقول* بدانند. خداوند* نزدیک است. ۶ نگران هیچ چیز مباشید، بلکه در هر موردی، درخواست‌های خود را با دعا و التماس، همراه با شکرگزاری، به پیشگاه خدا بیاورید، ۷ آنگاه آرامش خدا که فراتر از درک بشر است، از طریق مسیح عیسی از

۱:۴، ۲:۴، ۵:۴، ۱۰:۴* یا احتمالاً: «سرور»؛ به یونانی کوریثوس. ۳:۴* تحت‌اللفظی: «هم‌یوغ». ۵:۳:۱۵ مقایسه شود. ۵:۴* یا: «در راه بشارت با سختی‌های بسیار دست و پنجه نرم کرده‌اند». ۴:۴* تحت‌اللفظی: «در». ۵:۴* تحت‌اللفظی: «انعطاف‌پذیر».

نیازم. هدیه‌ای را که از طریق اِپافرو دیتوس فرستادید، دریافت کردم و حال کاملاً راضی و تأمینم؛ هدیه شما رایحه خوش، قربانی پسندیده و مایه خشنودی خداست. ۱۹ در عوض، خدای من از طریق مسیح عیسی همه نیازهای شما را با ثروت شکوهمند خود کاملاً برآورده خواهد ساخت. ۲۰ اکنون بر پدرمان خدا همیشه و تا ابد جلال باد! آمین.

۲۱ سلام مرا به یکایک مقدّسانی که در اتحاد با مسیح عیسی هستند، برسانید. برادرانی که با من هستند، به شما سلام می‌رسانند. ۲۲ اینجا همه مقدّسان، به‌خصوص آنان که از اهل خانه قیصر هستند، به شما سلام می‌رسانند.

۲۳ لطف سرورمان عیسی مسیح با روحیه‌ای باد که از خود نشان می‌دهید!

در سیری و چه در گرسنگی، چه در وفور و چه در تنگی. ۱۳ به یاری او که به من قوّت می‌بخشد، قدرت هر چیز را دارم. ۱۴ با این حال، نیکو کردید که مرا در سختی‌هایم یاری رساندید. ۱۵ به‌راستی ای برادران فیلیپی، شما نیز می‌دانید پس از نخستین باری که بشارت را شنیدید، هنگامی که من مقدونیه را ترک کردم، غیر از شما هیچ جماعتی در امر دادن و گرفتن با من شریک نشد؛ ۱۶ زیرا وقتی در تسالونیکه بودم، برای رفع نیازهایم نه یک بار، بلکه دو بار چیزهایی برایم فرستادید. ۱۷ نه این که در پی گرفتن هدیه باشم، بلکه در پی ثمره‌ای هستم که بر اعتبار حساب* شما می‌افزاید. ۱۸ من همه چیز دارم، حتی بیش از ۱۷:۴* منظور، حساب اعمال نیکو نزد خداست.

نامه پولس به

کولسیان

فهرست محتوا

۱	سلام‌ها (۲.۱)	۲	زحمات سخت پولس برای جماعت (۲۹-۲۴)
	سپاسگزاری برای ایمان کولسیان (۸-۳)		مسیح، راز مقدّس خدا (۵-۱)
	دعا برای رشد روحانی (۱۲-۹)		مراقب فریبکاران باشید (۱۵-۶)
	نقش محوری مسیح (۲۳-۱۲)		

واقعیت، مسیح است (۲۳-۱۶)

۳ شخصیت کهنه و شخصیت نو (۱۷-۱)

تمایلات زمینی خود را بکشید (۵)

محبت، پیوند می‌دهد و متحد

می‌سازد (۱۴)

پندهایی برای خانواده‌های

مسیحی (۲۵-۱۸)

۴ پند برای اربابان (۱)

«در دعا پشتکار داشته باشید» (۴-۲)

با مردم حکیمانه رفتار کنید (۵، ۶)

سلام‌های پایانی (۷-۱۸)

از طرف پولس که به خواست خدا، رسول مسیح عیسی است و از طرف برادرمان تیموتائوس ۲ به مقدسان و برادران وفادار در کولسی که در اتحاد با مسیح هستند:

لطف و آرامش از طرف پدرمان خدا با شما باد!

۳ ما هرگاه برای شما دعا می‌کنیم، خدا را که پدر سرورمان عیسی مسیح است، شکر می‌گوییم؛ ۴ زیرا در مورد ایمان شما به مسیح عیسی و محبتی که به همه مقدسان دارید، شنیده‌ایم. ۵ این ایمان و محبت شما از امیدی سرچشمه می‌گیرد که در آسمان‌ها برای شما محفوظ است. شما این امید را پیش از این از طریق پیام حقیقت، یعنی بشارت، شنیده‌اید؛ ۶ بشارتی که به شما رسیده است. همان طور که پیام بشارت در سراسر دنیا

ثمر به بار می‌آورد و پخش می‌شود، در میان شما نیز، از روزی که آن را شنیدید، چنین می‌کند؛ یعنی از همان روزی که لطف خدا را به معنای واقعی و دقیقاً درک کردید. ۷ شما آن را از همخدمت عزیزمان اپافراس فرا گرفته‌اید که به نمایندگی از ما، خادم وفادار مسیح است. ۸ او ما را از محبتی که روح در شما ایجاد کرده است،* باخبر ساخت.

۹ به همین دلیل، از روزی که در مورد ایمان و محبت شما شنیدیم، از دعا کردن برای شما باز نایستاده‌ایم. ما همواره از خدا درخواست می‌کنیم که با دادن حکمت کامل و قدرت درک امور روحانی، شما را با شناختی دقیق از خواست خود پر سازد. ۱۰ بدین سان رفتاری شایسته

۸:۱ * تحت اللفظی: «از محبت شما که در روح

است».

پیش از همه چیزهای دیگر وجود داشت و از طریق وی همه چیزهای دیگر به وجود آورده شد. ۱۸ او سر بدن، یعنی سر جماعت است. او آغاز و نخست زاده از میان مردگان است تا در همه چیز مقدم باشد؛ ۱۹ زیرا مایه خشنودی خدا بود که تمامی کمال* را در او ساکن گرداند ۲۰ و از طریق مسیح، همه چیزهای دیگر را چه بر زمین و چه در آسمان با خود آشتی دهد. او این آشتی را توسط خونی که مسیح بر تیر شکنجه* ریخت، میسر ساخت.

۲۱ آری، شما زمانی که افکارتان در پی اعمال شریرانه بود، با خدا بیگانه و دشمن بودید. ۲۲ با این حال، او اکنون شما را از طریق بدن جسمانی کسی که خود را تسلیم مرگ کرد، با خود آشتی داده است تا شما را مقدس، بی عیب و مبرا از هرگونه اتهام به حضور خود بیاورد - ۲۳ البته به این شرط که ایمان خود را حفظ کنید، بر پایه بنیاد ایمانتان استوار باشید، ثابت قدم بمانید و از امیدی که به هنگام شنیدن بشارت در شما به وجود آمد، دور نشوید؛ یعنی همان بشارتی که به همه مردم زیر آسمان موعظه شده است و من، پولس، خادم آن شده‌ام.

۱۹:۱ * به کولسیان ۹:۲ رجوع شود.

یَهُوَه* خواهید داشت تا او را کاملاً خشنود ساخته، در هر کار نیکوثرم آورید و شناخت دقیق شما از خدا، بیشتر شود. ۱۱ همچنین دعا می‌کنیم که با نیرویی که از قدرت پر جلال او به دست می‌آید، از هر لحاظ توانمند شوید تا بتوانید در همه حال با بردباری و شادی پایداری کنید ۱۲ و نیز پدر را شکر کنید که شما را صلاحیت بخشید تا در میراث مقدسانی که در نور هستند، سهیم شوید.

۱۳ او ما را از اقتدار تاریکی رهایی بخشید و به پادشاهی پسر عزیز خود منتقل ساخت؛ ۱۴ پسری که از طریق او بهای رهایی* ما پرداخته شد که به مفهوم بخشش گناهانمان است. ۱۵ او صورت* خدای نادیدنی و نخست زاده تمامی آفرینش است؛ ۱۶ زیرا از طریق او همه چیزهای دیگر آفریده شد، یعنی آنچه در آسمان و آنچه بر زمین است، آنچه دیده می‌شود و آنچه دیده نمی‌شود؛ آری، تخت‌ها، ریاست‌ها، حکومت‌ها یا قدرت‌ها. همه چیزهای دیگر از طریق او و برای او آفریده شد. ۱۷ همچنین او

۱۰:۱، ۲۰ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۴:۱ * یا: «فدیه»:

رجوع به واژه‌نامه: «بهای رهایی». ۱۵:۱ * یا:

«تصویر».

۲ می‌خواهم آگاه باشید که به خاطر شما و آنانی که در لائودیکیه هستند، همچنین به خاطر تمام کسانی که شخصاً مرا ندیده‌اند،* با چه مشکلاتی دست و پنجه نرم می‌کنم. ۲ هدفم این است که ایشان دلگرم شوند و در محبت، با هماهنگی متحد گردند و با برخورداری شدن از همهٔ برکاتی* که از درکی روشن و قطعی حاصل می‌شود، شناختی دقیق از راز مقدس خدا کسب کنند؛ آری، آن راز مقدس همان مسیح است. ۳ در او همهٔ گنج‌های حکمت و شناخت نهفته است. ۴ من این را می‌گویم تا کسی شما را با استدلال‌های زیرکانه فریب ندهد. ۵ هرچند جسماً غایبم، روحاً نزد شما حاضرم و از دیدن نظم شما و ایمان استواری که به مسیح دارید، شادمانم.

۶ پس همان گونه که سرورمان مسیح عیسی را پذیرفته‌اید، همچنان در اتحاد با او گام بردارید؛ ۷ همان طور که تعلیم یافتید، در او ریشه بگیرید و بنا شوید و در ایمان پابرجا مانده، لبریز از شکرگزاری گردید.

۸ مراقب باشید که کسی شما را از طریق

۲۴ من از رنجی که به خاطر شما کشیده‌ام، اکنون شادمانم و گمان می‌کنم که هنوز در بدن خود به طور کامل به خاطر مسیح و بدن او که جماعت است، متحمل سختی‌ها نشده‌ام. ۲۵ من مطابق وظیفه‌ای که خدا به خاطر شما به من سپرد، خادم این جماعت شدم تا کلام خدا را به طور کامل موعظه کنم؛ ۲۶ یعنی راز مقدس را که طی اعصار* و در طول نسل‌های متمادی مخفی نگاه داشته شده بود، اما اکنون بر مقدسان او آشکار شده است. ۲۷ آری، خشنودی خدا در این بود که شکوه و ارزش این راز مقدس را بر مقدسان آشکار سازد، چنان که در میان غیریهودیان نیز آشکار می‌شود. آن راز این است که مسیح در اتحاد با شماست، یعنی امید دارید که در جلال او شریک شوید. ۲۸ ما در مورد او موعظه می‌کنیم و با کمال حکمت به همه پند و تعلیم می‌دهیم تا همگان را به صورت پیروان بالغ* مسیح به حضور خدا بیاوریم. ۲۹ به همین منظور، من سخت زحمت می‌کشم و به مدد نیروی او که با قدرت در من عمل می‌کند، تلاش می‌کنم.

۱:۲ * تحت‌اللفظی: «که صورت مرا در جسم ندیده‌اند». ۲:۲ * یا: «دولتی؛ ثروتی».

۱:۲۶ * یا: «نظام‌ها»؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر». ۲۸:۱ * یا: «کامل».

ضدّ ما عمل می‌کرد، باطل نمود.* خدا با میخکوب کردن آن بر تیر شکنجه،* آن را از میان برداشت. ۱۵ او حکومت‌ها و قدرت‌ها را از طریق تیر شکنجه* مغلوب و نزد همگان رسوا ساخت و به این ترتیب، پیروزی خود را بر آن‌ها به نمایش گذاشت.

۱۶ پس مگذارید کسی شما را در مورد آنچه می‌خورید و می‌نوشید یا در مورد نگاه داشتن اعیاد یا ماه نو یا روز سَبَت* محکوم کند. ۱۷ این‌ها سایهٔ امور آینده است، اما واقعیت، خود مسیح است. ۱۸ مگذارید کسی که پرستش فرشتگان و تظاهر به فروتنی را دوست می‌دارد، شما را از رسیدن به جایزه محروم کند. چنین کسی بر رؤیاهایی که خود دیده است «پابرجا می‌ایستد»* و به سبب طرز فکر نفسانی خود، دستخوش غروری بی‌جا می‌شود. ۱۹ او پیوند خود را که با سر دارد، از دست داده است: یعنی کسی که توسط او تمام بدن از طریق مفاصل و بندها با هماهنگی به هم پیوند داده

۱۴:۲ *یا: «محو کرد». ۱۴:۲، ۱۶ *رجوع به واژه‌نامه. ۱۵:۲ *یا احتمالاً: «از طریق او». ۱۸:۲ *در اینجا پولس عبارتی به کار برده که در آیین‌های مرموز مشرکان (در مراسم پذیرش) به کار می‌رفت.

فلسفه‌ها و عقاید پوچ و فریبنده اسیر نسازد.* این فلسفه‌ها و عقاید بر اساس سنت انسان‌ها و اصول ابتدایی دنیاست، نه بر اساس تعالیم مسیح؛ ۹ زیرا تمامی صفات الهی به طور کامل در وجود او ساکن است ۱۰ و شما از طریق او که سر همهٔ حکومت‌ها و قدرت‌هاست، هیچ کمبودی ندارید.* ۱۱ شما نیز از طریق رابطه‌ای که با او دارید، ختنه شدید، البته نه ختنه‌ای که به دست انسان انجام شده باشد، بلکه این ختنه در واقع درآوردن شخصیت نفسانی است، آن گونه که خادمان مسیح باید ختنه گردند. ۱۲ در واقع شما با گرفتن تعمیدی همچون تعمید مسیح، با او دفن شدید و به خاطر رابطهٔ خود با مسیح و از طریق ایمان به قدرت خدا که او را از میان مردگان برخیزانید، با او نیز برخیزانده شدید.

۱۳ به علاوه، هرچند که به سبب خطاهای خود و در جسم ختنه نشدهٔ خویش مرده بودید، خدا شما را با مسیح زنده ساخت. او با بزرگواری همهٔ خطاهای ما را بخشید ۱۴ و آن سند دست‌نوشته را که حاوی احکام بود و بر

۸:۲ *یا: «طعمهٔ خود نسازد». ۱۰:۲ *یا: «به کمالی دست یافته‌اید».

۵ پس تمایلات* خود را که زمینی است، بگشاید؛ یعنی امیال نامشروع جنسی،* ناپاکی، شهوت عنان گسیخته، میل به بدکاری و همچنین طمع که بت پرستی است. ۶ به سبب این هاست که غضب خدا خواهد آمد. ۷ شما نیز در شیوه زندگی پیشین خود* این گونه رفتار می کردید. ۸ اما اکنون باید همه این ها را از خود دور کنید؛ یعنی خشم، عصبانیت، بدی و بدزبانی را. همچنین دیگر سخنان قبیح از دهان شما بیرون نیاید. ۹ به یکدیگر دروغ مگویید. شخصیت* کهنه را با اعمال آن از تن به در آورید ۱۰ و شخصیت نو را در بر کنید که از طریق شناخت دقیق، همواره تازه می شود تا به صورت کسی که آن را آفرید، درآید. ۱۱ در اینجا دیگر تفاوتی میان یونانی و یهود، ختنه شده و ختنه نشده، بیگانه و سکایی،* غلام و آزاد وجود ندارد؛ بلکه مسیح همه چیز و در همه است.

۱۲ پس همچون برگزیدگان خدا که

۵:۳ * یا: «اعضای بدن». * به یونانی پُرئیا: رجوع به واژه نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۷:۳ * یا: «شما نیز زمانی که به این شیوه زندگی می کردید». ۹:۳ * تحت اللفظی: «انسان». ۱۱:۳ * به افراد غیرمتمدن اشاره دارد.

می شود و نیازهای آن فراهم شده، مطابق رشدی که خدا می بخشد، نمو می کند.

۲۰ حال که با مسیح نسبت به اصول ابتدایی این دنیا مُردید، چرا به گونه ای زندگی می کنید که گویی هنوز به دنیا تعلق دارید؟ چرا به دستورهای آن تن می دهید، دستورهایی از قبیل: ۲۱ «به این دست وزن، آن را مچش، این را لمس مکن»؟ ۲۲ این دستورها به چیزهایی اشاره دارد که مصرف می شود و از بین می رود و مطابق احکام و تعالیم انسان هاست. ۲۳ هرچند که این دستورها در شیوه پرستشی که شخص به خود تحمیل می کند و در تظاهر به فروتنی و در ریاضت بدنی، حکیمانه به نظر می آید، برای مبارزه با امیال نفسانی هیچ ارزشی ندارد.

۳ پس حال که با مسیح برخیزانده شده اید، پیوسته در پی آنچه باشید که در بالاست، جایی که مسیح به دست راست خدا نشسته است. ۲ همواره به آنچه در بالاست بیندیشید، نه به آنچه بر زمین است؛ ۳ زیرا مُردید و اکنون زندگی شما به خواست خدا در دست مسیح پنهان است. ۴ وقتی مسیح که زندگی ماست، آشکار شود، آنگاه شما نیز همراه او با جلال آشکار خواهید شد.

باشد، چه در رفتار، همه را به نام عیسای سرور بکنید و پدرمان خدا را از طریق او شکر گوید.

۱۸ ای زنان، چنان که شایسته پیروان سرور است، مطیع* شوهران خود باشید.

۱۹ ای شوهران، پیوسته به زنان خود محبت کنید و با آنان به تندی و تلخی رفتار نکنید. ۲۰ ای فرزندان، در هر امری مطیع والدین خود باشید؛ زیرا این مایه خشنودی سرور است. ۲۱ ای پدران، فرزندان خود را رنجیده خاطر* نکنید، مبادا دلسرد* شوند.

۲۲ ای غلامان، در هر امری از اربابان بشری خود اطاعت کنید، البته نه فقط زمانی که شما را زیر نظر دارند، آن گونه که صرفاً در پی جلب رضایت مردم باشید، بلکه با خلوص نیت و با ترس از یهوه* مطیع آنان باشید. ۲۳ هر چه می‌کنید، با جان و دل انجام دهید، گویی برای یهوه* می‌کنید، نه برای انسان؛ ۲۴ زیرا می‌دانید که پاداشتان میراثی است که از جانب یهوه* خواهید یافت. پس همچون غلام، ارباب خود مسیح را خدمت کنید. ۲۵ بی‌شک کسی که بدی کند، سزای عمل خود را

۱۸:۳* یا: «تسلیم: فرمانبردار». ۲۱:۳* یا: «ناراحت: عصبانی». * یا: «دلشکسته».

مقدس و محبوبند، شفقت*، مهربانی، فروتنی*، ملایمت و بردباری را مانند جامه‌ای در بر کنید. ۱۳ حتی اگر دلیلی برای شکایت از دیگری داشته باشید، همچنان یکدیگر را تحمل کنید و همدیگر را بدون قید و شرط ببخشید. آری، همان طور که یهوه* بدون قید و شرط شما را ببخشید، شما نیز یکدیگر را ببخشید. ۱۴ اما بر روی همه این‌ها محبت را در بر کنید؛ زیرا محبت است که پیوند می‌دهد و کاملاً متحد می‌سازد.

۱۵ همچنین بگذارید آرامش مسیح بر دل شما حاکم باشد؛* زیرا شما فراخوانده شده‌اید تا به عنوان اعضای یک بدن از آن آرامش برخوردار گردید. به علاوه نشان دهید که شکرگزار هستید. ۱۶ بگذارید کلام مسیح به‌وفور در شما ساکن باشد و شما را از کمال حکمت برخوردار سازد. پیوسته یکدیگر را با مزامیر، سرودهای حمد و سرودهای پرستش* که برای سپاسگزاری خوانده می‌شود، تعلیم و دلگرمی^۱ دهید و از صمیم دل برای یهوه* بسرایید. ۱۷ هر چه می‌کنید، چه در گفتار

۱۲:۳* منظور مهربانی همراه با دلسوزی است. * یا: «افتادگی». ۱۳:۳، ۱۶، ۲۲-۲۴* رجوع به واژه‌نامه. ۱۵:۳* یا: «بر دل شما تسلط داشته باشد». ۱۶:۳* یا: «روحانی». * یا: «پند».

می‌فرستم تا هم از احوال ما باخبر شوید و هم او شما را دلگرمی* دهد. ۹ او با آنیسیموس، برادر عزیز و وفادار من که از خود شماست، خواهد آمد. آنان شما را در جریان همه وقایع اینجا خواهند گذاشت. ۱۰ آریستارخوس که با من در زندان است و مرقس، پسر عموی برنابا، به شما سلام می‌رسانند. مرقس همان کسی است که ما به شما سفارش کرده بودیم که اگر نزد شما بیاید، از او استقبال کنید. ۱۱ عیسی ملقب به یوستوس نیز برای شما سلام دارد. اینان از یهودی‌نژادان* هستند. فقط این چند نفرند که در راه پیشبرد پادشاهی خدا با من همکاری می‌کنند و بسیار مایه دلگرمی من بوده‌اند. ۱۲ اپافراس که غلام مسیح عیسی و از خود شماست، به شما سلام می‌رساند. او در دعا کردن برای شما، همت بسیار به خرج می‌دهد تا سرانجام بتوانید همچون انسان‌هایی بالغ، استوار بایستید و از هر آنچه خواست خداست، یقین حاصل کنید. ۱۳ من شاهدم که او برای شما و برای کسانی که در لائودیکیه و هیراپولیس هستند، زحمت بسیار می‌کشد.

۸:۴* یا: «تسلی». ۱۱:۴* تحت‌اللفظی: «ختنه‌شدگان».

خواهد دید؛ زیرا خدا تبعیض قائل نمی‌شود.

۴ ای اربابان، با غلامان خود با عدل و انصاف رفتار کنید؛ زیرا می‌دانید شما نیز اربابی در آسمان دارید.

۲ در دعا پشتکار داشته باشید و بدین‌سان هوشیار و شکرگزار بمانید. ۳ در عین حال برای ما نیز دعا کنید که خدا دری را برای ما بگشاید تا بتوانیم کلام او را موعظه کنیم و راز مقدسی را که در مورد مسیح است، اعلام نماییم؛ رازی که من به خاطر آن در بند هستم. ۴ همچنین دعا کنید تا بتوانم چنان که شایسته است، آن را به‌روشنی اعلام کنم. ۵ با مردم بیرون* حکیمانه رفتار کنید و از وقت خود به بهترین نحو استفاده نمایید.* ۶ سخنان شما همواره دلنشین و نمکین باشد تا بدانید چگونه به هر کس پاسخ دهید.

۷ تیخیکوس، برادر عزیز من که خادم وفادار و همکار من در خدمت به سرور است، شما را کاملاً از احوال من باخبر خواهد ساخت. ۸ من او را نزد شما

۵:۴* یا: «با کسانی که به جماعت مسیحی تعلق ندارند». * تحت‌اللفظی: «و وقت تعیین‌شده را بخرد».

نامه‌ای را که به جماعت لائودیکیه نوشتم، بخوانید. ۱۷ همچنین به آرخیپوس چنین بگویید: «به خدمتی که در راه سرور پذیرفتی، توجه کن تا آن را به انجام برسانی.»

۱۸ من، پولس، این سلام را به دست خود می‌نویسم. زنجیرهای مرا در نظر داشته باشید. لطف الهی با شما باد!

۱۴ لوقا پزشک محبوب و همچنین دیماس، سلام خود را برای شما می‌فرستند. ۱۵ سلام مرا به برادرانی که در لائودیکیه هستند و به خواهرمان نیمفا و به جماعتی که در خانه اوست، برسانید. ۱۶ وقتی این نامه در میان شما خوانده شد، ترتیبی دهید تا در جماعت لائودیکیه نیز خوانده شود و شما نیز

نامه اول پولس به تسالونیکیان

فهرست محتوا

- | | |
|--|---|
| «سرتان به کار خودتان مشغول باشد» (۱۱) | ۱ سلام‌ها (۱) |
| نخست آنان که در اتحاد با مسیح مرده‌اند، رستخیز خواهند یافت (۱۳-۱۸) | سپاسگزاری برای ایمان تسالونیکیان (۱۰-۲) |
| ۵ آمدن روز یَهُوَه (۵-۱) | ۲ خدمت پولس در تسالونیکي (۱۲-۱) |
| اعلام صلح و امنیت (۳) | تسالونیکیان کلام خدا را می‌پذیرند (۱۶-۱۳) |
| بیدار و هوشیار بمانید (۱۱-۶) | پولس مشتاق دیدار تسالونیکیان است (۲۰-۱۷) |
| سفارش‌ها (۲۴-۱۲) | ۳ پولس نگران و منتظر در آتن (۵-۱) |
| سلام‌های پایانی (۲۸-۲۵) | گزارش تسلی‌بخش تیموتائوس (۱۰-۶) |
| | دعا برای تسالونیکیان (۱۴-۱۱) |
| | ۴ هشدار در مورد اعمال نامشروع جنسی (۸-۱) |
| | به یکدیگر بیشتر محبت کنید (۱۲-۹) |

۸ حقیقت امر این است که نه تنها مردم سراسر مقدونیه و آخائیه از طریق شما کلام یَهُوه* را شنیدند، بلکه ایمان شما به خدا نیز در همه جا به گوش مردم رسیده است، طوری که دیگر نیازی نیست ما چیزی بگوییم: ۹ زیرا آنان خود همیشه نقل می‌کنند که شما در ابتدا چگونه با ما آشنا شدید و چگونه از بت‌های خود برگشته، به خدای زنده و حقیقی روی آوردید تا او را همچون غلام خدمت کنید ۱۰ و در انتظار آمدن پسر او از آسمان باشید؛ همان کسی که خدا او را از مردگان برخیزانید، یعنی عیسی که ما را از غضبی که در پیش است، رهایی می‌دهد.

۲ ای برادران، مسلماً خود می‌دانید که دیدار ما از شما بی‌ثمر نبوده است، بلکه چنان که می‌دانید، هرچند نخست در فیلیپی مورد آزار و اهانت قرار گرفتیم، به کمک خدای خود شهادت یافتیم* تا با وجود مخالفت‌های بسیار، بشارت خدا را به شما برسانیم. ۳ در واقع پندی که می‌دهیم، نه از عقاید نادرست است و نه از انگیزه‌های ناپاک. فریبی نیز در آن

از طرف پولس، سیلوانوس* و تیموتائوس به جماعت تسالونیکیان؛ به شما که در اتحاد با پدرمان خدا و سرورمان عیسی مسیح هستید:

لطف الهی و آرامش با شما باد!
۲ ما در دعاها ایمان هر بار که از همگی شما یاد می‌کنیم، خدا را سپاس می‌گوییم؛ ۳ زیرا همواره در حضور پدرمان خدا، عمل شما را که ثمره ایمان است، تلاش شما را که از محبت برمی‌خیزد و پایداری شما را که به سبب امیدتان به سرورمان عیسی مسیح است، به یاد می‌آوریم. ۴ ای برادران که محبوب خدايید، می‌دانیم که او شما را برگزیده است؛ ۵ زیرا بشارتی که موعظه می‌کنیم، نه فقط با سخن، بلکه با قدرت و با روح القدس و اعتقاد راسخ به شما رسید، چنان که می‌دانید به خاطر شما چگونه در میان‌تان رفتار کردیم. ۶ شما نیز ما و سرور را سرمشق قرار دادید، چون با وجود مصیبت‌های بسیار، کلام را با شادی ای که روح القدس می‌بخشد، پذیرفتید ۷ و نمونه‌ای برای همه ایمانداران مقدونیه و آخائیه* شدید.

۸:۱* این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهُوه» در این ترجمه به کار رفته است: رجوع به واژه‌نامه. ۲:۲* یا: «دلیری کردیم».

۱:۱* «سیلاس» نیز خوانده شده است. ۷:۱* ایالتی رومی واقع در جنوب یونان که مرکز آن قرنتس بود.

یک از شما نباشیم. ۱۰ شما شاهدید و خدا نیز شاهد است که در رفتارمان با شما ایمانداران، تا چه حد وفادار، درستکار* و بی‌عیب بودیم. ۱۱ به‌خوبی می‌دانید که رفتار ما با هر یک از شما مانند رفتار پدری با فرزندانش بود. ما پیوسته هر یک از شما را تشویق کردیم و تسلی و پند دادیم. ۱۲ تا همواره به نحوی در زندگی گام بردارید که شایستهٔ خداست؛ خدایی که شما را به پادشاهی و جلال خود فرا می‌خواند.

۱۳ به‌راستی، خدا را پیوسته شکر می‌گوییم؛ زیرا هنگامی که کلام او را از ما شنیدید، آن را نه به عنوان کلام انسان، بلکه به عنوان کلام خدا پذیرفتید، چنان که حقیقتاً نیز چنین است. این کلام در شما ایمانداران عمل می‌کند. ۱۴ ای برادران، شما جماعت‌های خدا را که در اتحاد با مسیح عیسی و در یهودیه هستند، سرمشق قرار دادید؛ زیرا همان رنج‌هایی که آنان از دست یهودیان کشیدند، شما از دست هموطنان خود کشیدید. ۱۵ آن یهودیان عیسای سرور و پیامبران را کشتند و به ما نیز آزار رساندند. آنان خدا را خشنود نمی‌سازند و با آنچه

نیست، ۴ بلکه چون خدا ما را تأیید نموده و وظیفهٔ موعظهٔ بشارت را به ما سپرده است، اینچنین سخن می‌گوییم. ما در پی خشنود ساختن انسان نیستیم، بلکه می‌خواهیم خدا را که دل‌های ما را می‌آزماید، خشنود کنیم.

۵ در واقع شما می‌دانید که ما هرگز چاپلوسی نکردیم یا انگیزهٔ طمعکارانه نداشتیم که آن را با ظاهرسازی پنهان کنیم. این را خدا خود شاهد است! ۶ همچنین در پی جلال یافتن از انسان نبوده‌ایم، نه از شما و نه از دیگران، گرچه در حکم رسول مسیح، می‌توانستیم سربار شما باشیم. ۷ برعکس، همچون مادری شیرده که با مهربانی از کودکانش مراقبت می‌کند،* با ملایمت با شما رفتار کردیم. ۸ ما چنان شما را دوست داشتیم که نه تنها مصمم بودیم بشارت خدا را به شما برسانیم، بلکه حتی حاضر بودیم جانمان را هم برایتان بدهیم؛ زیرا برایمان خیلی عزیز بودید.

۹ ای برادران، بی‌شک کارها و زحمات ما را به خاطر می‌آورید. آن زمان که بشارت خدا را به شما موعظه می‌کردیم، شب و روز مشغول به کار بودیم تا سربار هیچ

تقویت ایمانتان، شما را استوار و دلگرم سازد. ۳ تا ایمان کسی از این مصیبت‌ها سست* نشود؛ زیرا خود می‌دانید که ما از این‌ها راه‌گزیری نداریم.* ۴ در واقع، حتی زمانی که نزدتان بودیم، به شما می‌گفتیم که مصیبت‌هایی پیش رو خواهیم داشت و همان‌طور که می‌دانید، چنین نیز شد. ۵ از این رو، چون دیگر طاقت بی‌خبری از شما را نداشتیم، تیموتائوس را فرستادم تا از ایمانتان آگاه شوم، مبدا آن وسوسه‌کننده شما را به نحوی وسوسه کند و زحمات ما به هدر رفته باشد.

۶ اما اکنون تیموتائوس از پیش شما آمده و برای ما از ایمان و محبتتان خبر خوش آورده است؛ این که شما همواره ما به خوبی یاد می‌کنید و همان‌طور که ما شوق دیدارتان را داریم، شما نیز مشتاق دیدار ما هستید. ۷ از این رو، ای برادران، با وجود همه نگرانی‌ها و مصیبت‌هایی که با آن‌ها روبرو هستیم،* به خاطر شما و ایمانتان دلگرمی یافته‌ایم. ۸ استواری شما در پیروی از سرور، به ما جان تازه

۳:۳ * یا: «متزلزل». * یا: «که این‌ها برای ما مقرر شده است». ۷:۲ * یا: «با وجود این که محتاجیم و مصیبت می‌بینیم».

به انسان‌ها فایده می‌رساند، مخالفت می‌ورزند؛ ۱۶ چون در تلاشند که مانع موعظه ما به غیریهودیان شوند؛ موعظه‌ای که می‌تواند به نجات این افراد بینجامد. آنان با این کار همواره بر انبوه گناهان خود می‌افزایند. اما غضب خدا سرانجام شامل حال ایشان شده است!

۱۷ ای برادران، وقتی برای مدتی کوتاه از بودن با شما محروم شدیم، (البته جسماً و نه قلباً) چون شدیداً تمایل به دیدارتان داشتیم، سخت کوشیدیم تا شما را شخصاً* ببینیم. ۱۸ به همین دلیل می‌خواستیم نزد شما بیاییم-آری من پولس، نه فقط یک بار، بلکه دو بار تلاش کردم-اما شیطان سد راه ما شد؛ ۱۹ زیرا امید، شادی و تاج افتخار ما در پیشگاه سرورمان عیسی و هنگام حضور* او چیست؟ آیا شما نیستید؟ ۲۰ آری، افتخار و شادی ما به‌راستی شماست.

۳ پس چون دیگر طاقت بی‌خبری از شما را نداشتیم، صلاح دیدیم که در آتن تنها بمانیم. ۲ آنگاه تیموتائوس را که برادر ما و خادم* خداست و در مورد مسیح بشارت می‌دهد، فرستادیم تا برای

۱۷:۲ * تحت اللفظی: «تا روی شما را». ۱۹:۲ * رجوع به واژه‌نامه. ۲:۳ * یا احتمالاً: «همکار».

بخشیده است.* ۹ به راستی که چگونه می توانیم به سبب شادی عظیمی که از بابت شما در حضور خدا داریم، از او قدردانی کنیم؟ ۱۰ ما شب و روز از صمیم دل در دعا التماس می کنیم که رویتان را ببینیم تا هرکاستی ایمان شما را برطرف کنیم.

۱۱ باشد که پدرمان خدا و سرورمان عیسی راهی برای ما بگشایند که نزد شما بیاییم. ۱۲ به علاوه، همان گونه که محبت ما به شما افزون می شود، باشد که سرور، محبت شما را به یکدیگر و به همگان فزونی بخشد، آری، سرشار سازد ۱۳ و بدین طریق دلتان را استوار گرداند تا در زمان حضور* سرورمان عیسی با همهٔ مقدّسانش، در پیشگاه پدرمان خدا بی عیب و مقدّس باشید.

۴ در آخر، ای برادران، این را نیز باید یادآور شوم: ما شما را تعلیم داده بودیم که در راه خشنودی خدا چگونه باید گام بردارید، چنان که شما نیز چنین می کنید. اما حال به نام عیسی سرور از شما می خواهیم و تمنا می کنیم که در این راه تلاشی بیشتر به خرج دهید؛ ۲ زیرا

۸:۳ * تحت اللفظی: «سبب شده است که ما زیست کنیم». ۱۳:۳؛ ۶:۴ * رجوع به واژه نامه.

می دانید که به نام عیسی سرور چه تعلیمی* به شما داده ایم.

۳ خواست خدا این است که شما مقدّس باشید و از اعمال نامشروع جنسی* پرهیزید. ۴ هر یک از شما باید بداند که برای قدّوسیت و نیکنامی، چگونه بر بدن* خود تسلّط داشته باشد ۵ و همچون قوم های خداشناس نباشد که حریصانه در پی ارضای شهوات عنان گسیختهٔ خود هستند. ۶ هیچ کس نباید در این امر تا جایی پیش رود که به برادر خود ضربه زند و از او سوءاستفاده کند؛ زیرا همان طور که پیش از این به شما گفتیم و با تأکید بسیار هشدار دادیم، یَهُوه* هیچ یک از این کارها را بدون جزا نخواهد گذاشت؛ ۷ زیرا خدا ما را به قدّوسیت فراخوانده است، نه به ناپاکی. ۸ پس کسی که این تعلیم را نادیده بگیرد، در واقع نه انسان را، بلکه خدا را که روح مقدّس خود را به شما می دهد، نادیده گرفته است.

۹ اما در مورد محبت برادرانه، نیازی نیست که چیزی به شما بنویسیم؛

۲:۴ * یا: «دستورهایی». ۲:۴ * به یونانی پُرُنیا؛ رجوع به واژه نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۴:۴ * تحت اللفظی: «ظرف».

آن گروه از ما که در زمان حضور* سرور زنده خواهند بود، به هیچ وجه پیش از آنانی که به خواب مرگ فرورفته‌اند، رستخیز نخواهند یافت؛ ۱۶ زیرا سرور، در حین این که با صدای فرشته ارشد فرمان می‌دهد و شیپور خدا را در دست دارد، خود از آسمان پایین خواهد آمد. آنگاه نخست آنانی که در اتحاد با مسیح مرده‌اند، رستخیز خواهند یافت. ۱۷ سپس، آن گروه از ما که زنده و باقی مانده‌ایم، در ابرها برده خواهیم شد تا همراه با آنان بوده، سرور را در هوا ملاقات کنیم و به این طریق تا ابد با سرور خواهیم بود. ۱۸ پس پیوسته یکدیگر را با این سخنان دلگرمی دهید.

۵ ای برادران، لازم نیست که در خصوص زمان‌ها و ایام،* چیزی برای شما نوشته شود؛ ۲ زیرا خود به‌خوبی می‌دانید که روز یَهُوَه* درست همچون دزدی که در شب می‌آید، خواهد آمد. ۳ آن زمان که بگویند: «صلح و امنیت است!» ناگهان نابودی به نحوی غیرمنتظره بر ایشان خواهد آمد، درست همان طور که درد زایمان‌گیر زن آبیستن می‌شود و آنان راه‌گریزی از آن

۱:۵ * یا: «فصل‌ها؛ ایام مقرر».

زیرا شما خود از خدا آموخته‌اید که به یکدیگر محبت کنید. ۱۰ در واقع، شما این محبت را به همه برادران در سراسر مقدونیه ابراز می‌کنید. با این همه، ای برادران، شما را ترغیب می‌کنیم که آنان را حتی بیش از این محبت نمایید. ۱۱ هدف‌تان این باشد که زندگی‌ای آرام در پیش‌گیرید، سرتان به کار خودتان مشغول باشد و با دست‌های خود کار کنید، چنان که به شما تعلیم دادیم. ۱۲ به این ترتیب، شیوه زندگی‌تان در چشم مردم بیرون* شایسته خواهد بود و به چیزی نیز محتاج نخواهید بود.

۱۳ به علاوه، ای برادران، ما نمی‌خواهیم در مورد کسانی که در خواب مرگند، بی‌اطلاع باشید، مبدا به گونه‌ای ماتم‌گیرید که سایر مردم به ماتم می‌نشینند: مردمی که هیچ امیدى ندارند. ۱۴ اگر ایمان داریم که عیسی مُرد و باز برخاست، باید همچنان ایمان داشته باشیم که خدا آنان را که در اتحاد با عیسی به خواب مرگ رفته‌اند، رستخیز خواهد داد تا با عیسی باشند. ۱۵ ما این را بر اساس کلام یَهُوَه* به شما می‌گوییم:

۱۲:۴ * یا: «در چشم کسانی که به جماعت مسیحی تعلق ندارند». ۴:۱۵؛ ۵:۲ * رجوع به واژه‌نامه.

نخواهند داشت. ۴ اما ای برادران، شما در تاریکی نیستید تا آن روز به گونه‌ای شما را غافلگیر کند که نور روز، دزد را غافلگیر می‌کند: ۵ زیرا همه شما پسران نور و پسران روز هستید. ما نه به شب تعلق داریم و نه به تاریکی.

۶ پس همچون دیگران که در خوابند نباشیم، بلکه بیدار و هوشیار بمانیم؛ ۷ زیرا کسانی که می‌خوابند، شب می‌خوابند و کسانی که مست می‌کنند، شب مست می‌کنند. ۸ اما بیایید ما که به روز تعلق داریم، هوشیار بمانیم و ایمان و محبت را همچون سینه‌پوش بر تن کنیم و امید نجات را همچون کلاه خود بر سر گذاریم؛ ۹ زیرا خدا ما را برگزیده است تا مورد غضب قرار دهد، بلکه برگزیده است تا از طریق سرورمان عیسی مسیح نجات یابیم. ۱۰ او برای ما مُرد تا چه بیدار باشیم و چه خواب،* با او زندگی کنیم. ۱۱ پس همیشه یکدیگر را تشویق کرده،* بنا کنید، چنان که اکنون نیز می‌کنید.

۱۲ حال ای برادران، از شما تقاضا می‌کنیم به آنان که در میان شما زحمت بسیار می‌کشند، آری آنان که در خدمت

۱۰:۵ *یا: «چه در خواب مرگ». ۱۱:۵ *یا: «دلگرمی داده؛ تسلی داده».

به سرور سرپرستی شما را بر عهده دارند و به شما تذکر می‌دهند، احترام بگذارید. ۱۳ به خاطر زحماتشان، در کمال محبت به ایشان حرمت نهید. در رفتار با یکدیگر صلحجو باشید. ۱۴ از سوی دیگر، ای برادران، از شما استدعا می‌کنیم که به افراد بی‌نظم هشدار دهید،* به افسردگان* دلگرمی بخشید، از ضعیفان حمایت کنید و با همه بر دبار باشید. ۱۵ مراقب باشید که هیچ یک از شما بدی را با بدی پاسخ ندهد، بلکه همیشه در پی نیکویی به هم‌ایمانان و دیگر مردمان باشید.

۱۶ همواره شادمان باشید. ۱۷ پیوسته دعا کنید. ۱۸ برای همه چیز شکرگزار باشید. این خواست خدا برای شما، پیروان مسیح عیسی است. ۱۹ آتش روح را خاموش نکنید. ۲۰ نبوت‌ها را حقیر بشمارید. ۲۱ از درستی هر چیز اطمینان یابید؛ آنچه را نیکوست، سخت حفظ کنید. ۲۲ از هر گونه شرارت بپرهیزید. ۲۳ باشد که همان خدای آرامش، شما را برای خدمت خود تقدیس کند. ای برادران، باشد که روح* و جان و بدن شما ۱۴:۵ *یا: «تذکر دهید». *یا: «به کسانی که دلسرد شده‌اند». ۲۳:۵ *به یونانی پنوئما: رجوع به واژه‌نامه: «روح».

۲۶ همهٔ برادران را با بوسهٔ مقدس سلام گوید.

۲۷ من شما را به نام سرور، جداً ملزم می‌سازم که این نامه را برای همهٔ برادران بخوانید.

۲۸ لطف سرورمان عیسی مسیح با شما باد!

از هر جهت سالم بوده، در زمان* حضور سرورمان عیسی مسیح، از عیب به دور بماند. ۲۴ آن که شما را فرا می‌خواند، امین است و قطعاً چنین خواهد کرد. ۲۵ ای برادران، از دعا کردن برای ما دست مکشید.

۲۳:۵ * یا: «تا زمان».

نامهٔ دوم پولس به تسالونیکیان

فهرست محتوا

ترغیب به استواری (۱۷-۱۳)

۳ پیوسته دعا کنید (۵-۱)

هشدار در مورد بی‌انضباطی (۱۵-۶)

سلام‌های پایانی (۱۸-۱۶)

۱ سلام‌ها (۲، ۱)

رشد ایمان تسالونیکیان (۵-۳)

انتقام از نافرمانان (۱۰-۶)

دعا برای جماعت (۱۲، ۱۱)

۲ مرد قانون‌شکن (۱۲-۱)

۳ ای برادران، ما خود را موظف می‌دانیم که از بابت شما همواره خدا را شکر کنیم و این بجاست؛ زیرا ایمان شما به نحوی فوق‌العاده رشد می‌کند و محبت هر یک از شما به یکدیگر فزونی می‌یابد. ۴ از این رو، ما در جماعت‌های خدا، به سبب پایداری و ایمانی که در تحمل همهٔ

از طرف پولس، سیلوانوس* و تیموتائوس به جماعت تسالونیکیان، به شما که در اتحاد با پدرمان خدا و سرورمان عیسی مسیح هستید: ۲ لطف و آرامش از طرف پدرمان خدا و سرورمان عیسی مسیح با شما باد!

۱:۱ * «سیلاس» نیز خوانده شده است.

ایمان آوردید، در زمرهٔ آنان خواهید بود. ۱۱ برای این منظور ما همواره برایتان دعا می‌کنیم که خدای ما شما را شایستهٔ دعوت خود بشمارد و با قدرت خود تمام نیکویی‌هایی را که در نظر دارد و هر عملی که از ایمانتان برخاسته است، به کمال رساند. ۱۲ ما چنین دعا می‌کنیم تا به لطف خدایمان و به لطف سرورمان عیسی مسیح، از طریق شما نام سرورمان عیسی جلال یابد و شما نیز در اتحاد با او جلال یابید.

۲ اما ای برادران، در خصوص حضور سرورمان عیسی مسیح و گردآمدن ما نزد او، از شما چنین تقاضا می‌کنیم: ۲ اگر در پیامی الهام‌شده* یا سخنی یا نامه‌ای که به نظر می‌رسد از طرف ماست، گفته شود که روز یَهُوه* رسیده است، قوهٔ تشخیص خود را زود از دست مدهید و پریشان مشوید.

۳ مگذارید کسی به هیچ طریق شما را منحرف سازد؛ زیرا آن روز نخواهد رسید، مگر این که نخست ارتداد بیاید

۲:۲ * یا: «اگر از طریق روحی»: رجوع به واژه‌نامه: «روح». * این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهُوه» در این ترجمه به کار رفته است: رجوع به واژه‌نامه.

آزارها و سختی‌ها* از خود نشان می‌دهید، به شما افتخار می‌کنیم. ۵ این‌ها نه تنها ثابت می‌کند که داورِی‌های خدا عادلانه است، بلکه سبب می‌شود که شما شایستهٔ پادشاهی خدا شمرده شوید؛ همان پادشاهی که اکنون در راه آن رنج می‌کشید.

۶ زیرا به‌راستی عادلانه است که خدا کسانی را که به شما آزار می‌رسانند، سزا دهد. ۷ اما به شما که آزار می‌بینید و به ما، آسودگی بخشیده خواهد شد. این امر هنگامی روی خواهد داد که عیسی سرور از آسمان با فرشتگان پرقدرتش ظهور کند؛* ۸ ظهوری در آتش مشتعل. آنگاه او از کسانی که خدا را نمی‌شناسند و از آنانی که بشارت در مورد سرورمان عیسی را به گوش نمی‌گیرند، انتقام خواهد گرفت. ۹ ایشان با محکوم شدن به نابودی ابدی، از پیش روی سرور محو خواهند شد و از جلال قدرت او محروم خواهند گردید. ۱۰ این امر زمانی رخ خواهد داد که او می‌آید تا با مقدّسان خود جلال یابد. در آن روز همهٔ کسانی که به او ایمان ورزیده‌اند، او را تمجید خواهند کرد؛ شما نیز چون به شهادتی که ما دادیم

۴:۱ * یا: «مصیبت‌ها». ۷:۱ * یا: «مکشف شود».

این عقوبت آنان است، چون حقیقت را دوست نداشتند و آن را نپذیرفتند تا نجات یابند. ۱۱ به همین سبب خدا می‌گذارد که عاملی فریبنده آنان را به گمراهی بکشد تا دروغ را باور کنند ۱۲ و همگی محکوم شوند؛ زیرا حقیقت را باور نکردند، بلکه از بدکاری خشنود شدند.

۱۳ اما ای برادرانی که یَهُوَه* دوستان می‌دارد، ما موظفیم از بابت شما همواره خدا را شکرگوییم؛ زیرا خدا شما را از آغاز برگزید تا از طریق تقدیس شما با روح خود و توسط ایمانتان به حقیقت، نجاتتان بخشد. ۱۴ او به همین دلیل نیز شما را از طریق بشارتی که ما اعلام می‌کنیم، فراخواند تا شما نیز به جلال سَروَمان عیسی مسیح دست یابید. ۱۵ پس ای برادران، استوار باشید و به چیزهایی* که شفاهاً تعلیم گرفتید یا از طریق نامه‌ای از ما آموختید، پای‌بند بمانید. ۱۶ به علاوه، باشد که سَروَمان عیسی مسیح و پدرمان خدا که به ما محبت کردند و ما را از روی لطف خود دلگرمی ابدی و امیدی نیکو بخشیدند،

۱۳:۲* رجوع به واژه‌نامه. ۱۵:۲* تحت‌اللفظی:

«سنت‌هایی»

و آن قانون‌شکن که پسر هلاکت است، ظهور کند. ۴ او به مخالفت برمی‌خیزد و خود را بالاتر از هر چه به اصطلاح خدا محسوب می‌شود یا پرستش می‌شود، قرار می‌دهد و بدین شکل در معبد خدا می‌نشیند و خود را در برابر همگان یک خدا معرفی می‌کند. ۵ آیا به خاطر نمی‌آورید که وقتی با شما بودم این‌ها را به شما می‌گفتم؟

۶ شما می‌دانید که چه چیزی اکنون مانع شده است که او پیش از زمان معین ظهور کند. ۷ البته سَرّ این قانون‌شکنی اکنون نیز عمل می‌کند، اما فقط تا زمانی یک سَرّ خواهد ماند که مانع‌شونده کنونی کنار برود. ۸ آن وقت است که آن قانون‌شکن ظهور خواهد کرد؛ همان کسی که عیسای سَروَر او را با نَفَس* دهانش از میان برخواهد داشت و هنگامی که حضور عیسی آشکار شود، او را نابود خواهد ساخت. ۹ اما حضور آن قانون‌شکن تحت عملکرد شیطان است و با همه گونه معجزات، نشانه‌ها و عجایب دروغین ۱۰ و نیز با همه گونه حيله‌های بدکارانه برای کسانی که به سوی نابودی پیش می‌روند، همراه است.

۸:۲* به یونانی پنیوما؛ رجوع به واژه‌نامه: «روح».

رفتار نمی‌کند، دوری کنید. ۷ چون شما خود می‌دانید که چگونه باید ما را سرمشق قرار دهید؛ زیرا ما در میان شما با بی‌انضباطی رفتار نکردیم ۸ و نان کسی را مفت نخوردیم، بلکه شب و روز با تلاش و زحمت کار کردیم تا سربار هیچ یک از شما نباشیم. ۹ البته نه این که اختیار نداشته باشیم از شما چیزی بگیریم، بلکه می‌خواستیم نمونه‌ای برای شما بگذاریم تا از آن سرمشق گیرید. ۱۰ در واقع زمانی که با شما بودیم، این حکم را بارها به شما دادیم: «اگر کسی نمی‌خواهد کار کند، چیزی هم نباید بخورد.» ۱۱ زیرا شنیده‌ایم که برخی در میان شما بی‌انضباطی را پیش گرفته‌اند و نه تنها به هیچ وجه تن به کار نمی‌دهند، بلکه در آنچه به ایشان مربوط نیست، فضولی نیز می‌کنند. ۱۲ به نام سرورمان عیسی مسیح، به چنین کسانی حکم می‌کنیم و پند می‌دهیم که به کار خود مشغول باشند و نان دسترنج خود را بخورند.

۱۳ شما ای برادران، از انجام اعمال نیکو خسته شوید. ۱۴ اما اگر کسی از سخنان ما در این نامه اطاعت نکرد، او را نشان گذارید و دیگر با او معاشرت مکنید

۱۷ شما را نیز دلگرم ساخته، استوار سازند* تا همواره اعمال و گفتارتان نیکو باشد.

۳ در آخر ای برادران، پیوسته برای ما دعا کنید تا کلام یَهُوَه* همچنان به سرعت گسترش یافته، در میان مردم تمجید شود، چنان که در میان شما تمجید می‌شود ۲ و نیز دعا کنید که از دست مردمان بدکار و شریر رهایی یابیم، چون همه مردم از ایمان برخوردار نیستند. ۳ اما سرور امین است. او شما را قوت خواهد بخشید و از شما در مقابل آن شریر* محافظت خواهد کرد. ۴ به علاوه، ما چون از سرور پیروی می‌کنیم، به شما اعتماد داریم که به دستورهای ما عمل می‌کنید و همچنان نیز خواهید کرد. ۵ باشد که سرور همواره دل‌های شما را هدایت کند تا خدا را دوست داشته باشید و در راه مسیح پایداری کنید.

۶ ای برادران، اکنون به نام سرورمان عیسی مسیح به شما حکم می‌کنیم که از هر برادری که بی‌انضباطی را پیش گرفته است و مطابق آنچه* از ما آموختید،*

۱۷:۲ یا: «قوت دهند». ۱:۳* رجوع به واژه‌نامه. ۳:۳* منظور شیطان است. ۶:۳* یا: «سنتی که: تعلیمی که». * یا احتمالاً: «آموخته است».

۱۷ من، پولس، این سلام را به دست خود می‌نویسم که نشانه‌ای در همه نامه‌های من است؛ این دست‌خط من است.

۱۸ لطف سرورمان عیسی مسیح با همه شما باد!

تا شرمنده شود. ۱۵ البته او را دشمن بشمارید، بلکه همچنان او را برادر خود دانسته، به او تذکر دهید.

۱۶ سرور آرامش همواره از هر جهت به شما آرامش بخشد! سرور با همه شما باشد!

نامه اول پولس به تیموتائوس

فهرست محتوا

- | | |
|---|---|
| ۵ رفتار با پیر و جوان (۲:۱) | ۱ سلام‌ها (۲:۱) |
| حمایت از بیوه‌زنان (۱۶:۳) | هشدار در مورد معلمان کاذب (۱۱-۳) |
| برآورده کردن نیاز اهل خانه خویش (۸) | لطف خدا شامل حال پولس شد (۱۶-۱۲) |
| حرمت به پیران زحمت‌کش (۲۵-۱۷) | پادشاه همه اعصار (۱۷) |
| «نوشیدن کمی شراب برای معده‌ات، (۲۳) | ادامه دادن به جنگ نیکو (۲۰-۱۸) |
| ۶ غلامان، اربابان خود را حرمت نهند (۲:۱) | ۲ دعا برای همه گونه افراد (۷-۱) |
| تعالیم نادرست و پول‌دوستی (۱۰-۳) | یک خدا یک واسط (۵) |
| راهنمایی‌هایی به مرد خدا (۱۶-۱۱) | بهای رهایی هم‌میزان برای همه (۶) |
| در نیکوکاری ثروتمند بودن (۱۹-۱۷) | راهنمایی‌هایی برای مردان و زنان (۱۵-۸) |
| از آنچه زردت امانت است، پاس بدار (۲۱، ۲۰) | لباسی آراسته به نجابت (۱۰، ۹) |
| | ۳ شرایط لازم برای انتصاب سرپرستان (۷-۱) |
| | شرایط لازم برای انتصاب خادمان (۱۳-۸) |
| | راز وقف به خدا (۱۶-۱۴) |
| | ۴ هشدار در مورد تعالیم دیوها (۵-۱) |
| | خدمتگزار شایسته مسیح بودن (۱۰-۶) |
| | تمرین بدنی در مقایسه با وقف به خدا (۸) |
| | مراقب تعلیم خود باش (۱۶-۱۱) |

را در بیهوده‌گویی‌ها گم کرده‌اند. ۷ آنان می‌خواهند معلّمان قانون باشند، اما نه می‌فهمند چه می‌گویند و نه می‌فهمند که بر سر چه چیز با چنین تعصبی اصرار می‌ورزند!

۸ ما می‌دانیم که شریعت نیکوست، اگر کسی آن را به‌درستی اجرا کند. ۹ به علاوه، می‌دانیم که قانون برای درست‌کاران* نیست، بلکه برای قانون‌شکنان است، همچنین برای سرکشان، خدانشناسان، گناهکاران، عهدشکنان، کفرگویان، قاتلان پدر، قاتلان مادر، آدمکشان، ۱۰ برای کسانی که مرتکب اعمال نامشروع جنسی می‌شوند،* همجنس‌بازان،* آدم‌دزدان، دروغ‌گویان و برای کسانی که شهادت دروغ می‌دهند^۵ و برای هر عمل دیگری که خلاف تعلیم صحیح^۶ است. ۱۱ این تعلیم هماهنگ با بشارتِ پرجلال خدای شاد است؛ بشارتی که اعلام آن به من سپرده شده است.

۱۲ من از سرورمان مسیح عیسی که به من قدرت بخشید، سپاسگزارم؛ زیرا

۹:۱ * یا: «عادلان». ۱۰:۱ * رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». * منظور مردانی است که با هم رابطه جنسی دارند. ۱۱:۵ * «کسانی که قسم دروغ می‌خورند». ۱۲:۵ * «سالم؛ مفید».

از طرف پولس که به حکم نجات‌دهنده‌مان خدا و امیدمان مسیح عیسی، رسول مسیح عیسی گشته است، ۲ به تیموتائوس* فرزند راستینم در ایمان:

لطف، رحمت و آرامش از جانب پدرمان خدا و سرورمان مسیح عیسی با تو باد!

۳ همان طور که پیش از سفرم به مقدونیه* تو را ترغیب کردم، اکنون نیز از تو می‌خواهم که در افسس بمانی تا به برخی افراد حکم کنی که تعلیمی دیگر ندهند، ۴ خود را با افسانه‌ها مشغول نسازند و در شجره‌نامه‌ها کندوکاو نکنند. چنین کارهایی هیچ فایده‌ای ندارد، چون از طرف خدا نیست که باعث تقویت ایمان ما شود، بلکه تنها بحث‌های بی‌فایده به وجود می‌آورد.* ۵ در واقع، هدف از این توصیه* برانگیختن محبتی است که از دلی خالص، وجدانی پاک* و ایمانی بی‌ریا برمی‌خیزد. ۶ عده‌ای با دور شدن از چنین محبتی، راه خود

۲:۱ * یعنی «کسی که به خدا حرمت می‌نهد». ۳:۱ * به پاورقی اعمال ۹:۱۶ رجوع شود. ۴:۱ * یا: «بلکه تنها به گمان‌پردازی می‌انجامد». ۵:۱ * یا: «حکم کتبی؛ فرمان». * تحت اللفظی: «وجدانی نیکو».

تا هماهنگ با آنها به جنگ نیکو ادامه دهی ۱۹ و ایمان و وجدان پاک* خود را حفظ نمایی؛ زیرا برخی با زیر پا گذاشتن ندای وجدان، سبب شکسته شدن کشتی ایمانشان شده‌اند. ۲۰ هیمنائوس و اسکندر از آن جمله‌اند. از این رو، آنان را به شیطان واگذاشتم* تا تأدیب شوند و بیاموزند که کفر نگویند.

۲ نخست، همه را ترغیب می‌کنم که برای همه گونه افراد، نزد خدا التماس، دعا، شفاعت و شکرگزاری کنند؛ ۲ از جمله برای پادشاهان و همه صاحب‌منصبان تا بتوانیم همواره از زندگی‌ای آرام و آسوده برخوردار باشیم و نشان دهیم که با جدّیت از هر جهت خود را به خدا وقف کرده‌ایم.* ۳ این در نظر نجات‌دهنده ما خدا، خوب و پسندیده است؛ ۴ او که می‌خواهد همه گونه افراد نجات یابند و به شناخت دقیق حقیقت برسند؛ ۵ آری، فقط یک خدا هست و بین خدا و انسان‌ها نیز یک واسطه وجود دارد؛ یعنی مسیح عیسی، آن مرد که ۶ جان خود را همچون بهای رهایی

۱۹:۱ *تحت اللفظی: «وجدان نیکوی». ۲۰:۱ *به اخراج شدن از جماعت اشاره دارد. ۲:۲ *رجوع به واژه‌نامه: «وقف به خدا».

با سپردن این خدمت به من، مرا مورد اعتماد خود دانست، ۱۳ اگرچه پیش از این کفرگو، آزاررسان و گستاخ بودم. با این همه به من رحم شد؛ زیرا از روی ناآگاهی و بی‌ایمانی عمل می‌کردم. ۱۴ اما لطف خداوند ما به‌فراوانی همراه با ایمان و محبتی که از مسیح عیسی است، شامل حال من شد. ۱۵ این گفته که مسیح عیسی برای نجات گناهکاران به این دنیا آمد، قابل اعتماد و کاملاً شایسته پذیرش است؛ البته من خود در میان گناهکاران، بزرگ‌ترین آنان هستم. ۱۶ اما با این که بزرگ‌ترین ایشان هستم، به من رحم شد تا از طریق من، مسیح عیسی تمام بردباری خود را ابراز کند و به این ترتیب، مرا نمونه‌ای برای کسانی قرار دهد که به او ایمان می‌آورند و به زندگی جاودان دست می‌یابند.

۱۷ بر پادشاه همه اعصار،* خدای یکتا، بی‌زوال* و نادیدنی، همیشه و تا ابد حرمت و جلال باد! آمین.

۱۸ ای فرزندم، تیموتائوس، این توصیه* را با نظر به پیشگویی‌هایی که در مورد تو شده بود، به تو می‌سپارم

۱۷:۱ *یا: «پادشاه ابدیت». *تحت اللفظی: «فسادناپذیر». ۱۸:۱ *یا: «حکم کتبی: فرمان».

هم‌میزان* برای همهٔ انسان‌ها* داد- این امر باید در زمان مقرر خود شهادت داده شود. ۷ من برای شهادت این امر به عنوان واعظ و رسول منصوب شدم- حقیقت را می‌گویم، دروغ نمی‌گویم- معلّم قوم‌ها شدم تا به آنان در مورد ایمان و حقیقت تعلیم دهم.

۸ پس خواست من این است که در هر جا که جمع می‌شوید،* مردان وفادارانه دست به دعا بلند کنند و از خشم و جرّوبحث به دور باشند. ۹ همچنین زنان باید خود را به لباسی مناسب* و به نجابت و سنجیدگی* بیارایند، نه به انواع بافتِ گیسوان و به زیور طلا، مروارید و جامه‌های بسیار گرانبها، ۱۰ بلکه با اعمال نیکو خود را آراسته سازند، چنان که شایستهٔ زنانی است که خود را به خدا وقف کرده‌اند.

۱۱ زن باید در سکوت* و با اطاعت کامل تعلیم بگیرد. ۱۲ به زن اجازه

۶:۲* عبارت یونانی که «بهایی رهایی هم‌میزان» ترجمه شده است، به این مفهوم است: «بهایی رهایی» یا «فدیه‌ای» که «در مقابل» یا «هم‌میزان با» یا «در عوض» چیزی پرداخت می‌شود؛ رجوع به واژه‌نامه: «بهایی رهایی». * یا: «برای همه گونه انسان‌ها». ۸:۲* تحت‌اللفظی: «در همه جا».

۹:۲* یا: «آبرومند؛ آراسته». * در یونانی مفهوم معقول بودن را نیز در بر دارد. ۱۱:۲* یا: «در آرامی».

نمی‌دهم که تعلیم دهد یا بر مرد سلطه جوید، بلکه باید خاموش بماند؛* ۱۳ زیرا اول، آدم سرشته شد و بعد حوّا. ۱۴ همچنین، آدم فریب نخورد، بلکه زن بود که کاملاً فریب خورد و قانون خدا را شکست. ۱۵ با این حال، زنان با به دنیا آوردن فرزند* در امان می‌مانند، اگر همچنان باایمان، بامحبت، مقدّس و فهمیده* باشند.

۳ این گفته درخور اعتماد است که اگر کسی تلاش کند واجد شرایط سرپرستی شود، خواهان کاری نیکوست. ۲ از این رو، سرپرست باید از اتهام مبرا باشد، نباید بیش از یک زن داشته باشد، باید در عادات خود تعادل را حفظ کند و فهمیده،* منظم، مهمان‌نواز بوده، صلاحیت تعلیم دادن را داشته باشد. ۳ نباید میگسار و خشونت‌طلب، بلکه باید معقول و از ستیزه‌جویی و پول‌دوستی به دور باشد، ۴ کسی باشد که خانوادهٔ خود را به خوبی اداره* کند و فرزندانِ مطیع و مؤدب داشته باشد ۵ (زیرا اگر شخصی نداند که چگونه خانوادهٔ خود را اداره* کند، چگونه می‌تواند از جماعت خدا

۱۲:۲* یا: «آرام بماند». ۱۵:۲* منظور به دنیا آوردن و پرورش فرزند است. ۲:۳؛ ۱۵:۲* یا: «معقول؛ خردمند». ۴:۳، ۵* یا: «سرپرستی».

۱۳ زیرا آنانی که به خوبی خدمت می‌کنند، در نظر دیگران نامی نیک برای خود خواهند ساخت و می‌توانند در مورد ایمانشان به مسیح عیسی با آزادی بسیار سخن بگویند*.

۱۴ با این که امیدوارم به زودی نزدت آییم، این‌ها را برایت می‌نویسم ۱۵ تا اگر تأخیر کردم، بدانی که در میان اهل خانه خدا که جماعت خدای زنده و ستون و محافظ حقیقت است، چگونه رفتار کنی. ۱۶ به راستی که راز وقف به خدا بسیار عظیم است: «او* در جسم ظاهر شد، در روح درستکار خوانده شد، به فرشتگان نمایان گشت، به ملت‌ها در مورد او موعظه شد، مردم دنیا به او ایمان آوردند و با جلال به آسمان برده شد.»

۴ با این حال، کلام الهامی* به روشنی می‌گوید که در آینده زمانی خواهد رسید که برخی از ایمان، رویگردان خواهند شد؛ زیرا به الهامات* همراه‌کننده و تعالیم دیوها توجه خواهند کرد، ۲ همچنین به دروغ‌های اشخاص ریاکاری گوش

۱۳: ۳ * یا: «با شهادت بسیار سخن بگویند: رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار». ۱۶: ۳ * منظور عیسی است. ۱: ۴ * «کلام الهامی» تحت اللفظی: «روح». * تحت اللفظی: «به ارواح».

مراقبت نمایند؟) ۶ نوایمان نباشد، مبدا مغرور شده، به محکومیتی گرفتار شود که ابلیس گرفتار شد. ۷ علاوه بر این، در میان افراد خارج از جماعت نیز نیکنام باشد تا مورد سرزنش قرار نگیرد* و در دام ابلیس نیفتد.

۸ خادمان جماعت* نیز باید جدی باشند، دورو نباشند،* در نوشیدن شراب افراط نکنند، با حرص و فریب در پی منافع خود نباشند ۹ و با وجدانی پاک به آن راز مقدس ایمان* پای‌بند بمانند. ۱۰ همچنین، نخست باید آزموده شوند. اگر قابلیت خود را نشان دادند،* می‌توانند همچون خدمت‌گزار در جماعت خدمت کنند، چون از اتهام بری هستند. ۱۱ زنان نیز باید جدی باشند، افترا نزنند، تعادل را در عاداتشان حفظ کنند و در هر امری وفادار باشند.

۱۲ خادمان جماعت* نباید بیش از یک زن داشته باشند و باید فرزندان و خانواده خود را به خوبی اداره کنند؛

۷: ۳ * یا: «به رسوایی گرفتار نشود». ۸: ۳، ۱۲ * رجوع به واژه‌نامه: «خادم جماعت». ۸: ۳ * یا: «سخن فریب‌ده نگویند». ۹: ۳ * منظور از «راز مقدس ایمان» تعالیم آشکارشده ایمان مسیحی است. ۱۰: ۳ * یا: «اگر ثابت کردند که صلاحیت دارند».

زندگی کند، برای همه چیز مفید است، چون چنین وقفی، هم برای زندگی حال و هم برای زندگی آینده برکاتی در پی دارد.* ۹ این گفته درخور اعتماد و کاملاً شایسته پذیرش است. ۱۰ از این رو، سخت زحمت می‌کشیم و تلاش می‌کنیم؛ زیرا امیدمان را به خدای زنده بسته‌ایم؛ خدایی که نجات‌دهنده همه گونه افراد است، به‌خصوص نجات‌دهنده آنان که به او وفادارند.

۱۱ همواره به همگان حکم کن و تعلیم ده که این امور را حفظ کنند. ۱۲ هرگز مگذار کسی تو را به دلیل جوانی‌ات تحقیر کند. برعکس، برای وفاداران در گفتار، در رفتار، در محبت، در ایمان و در پاکدامنی* نمونه باش. ۱۳ تا آمدنم، در خواندن برای عموم، همچنین در تشویق* و تعلیم دیگران کوشا باش. ۱۴ به موهبتی* که در تو است، بی‌توجهی مکن؛ موهبتی که پیشگویی شده بود و هنگام گذاشتن دست‌های هیئت پیران بر تو، به تو عطا شد. ۱۵ در این امور تعمق نما* و خود را کاملاً وقف آن کن تا پیشرفت تو به‌روشنی

۸:۴ * یا: «وعده می‌دهد». ۱۲:۴ * یا: «پاکی».

۱۳:۴ * یا: «پند دادن». ۱۴:۴ * یا: «بخششی».

هدیه‌ای. ۱۵:۴ * یا: «تأمل نما».

خواهند سپرد که وجدانشان بی‌حس و گویی با آهن گداخته داغ شده است؛ ۳ اشخاصی که ازدواج را منع خواهند کرد و به مردم حکم خواهند نمود که از بعضی غذاها پرهیزکنند. حال آن که خدا این غذاها را آفریده است تا ایماندارانی که از حقیقت آگاهند، با شکرگزاری در آن سهیم شوند؛ ۴ زیرا همه آفریده‌های خدا نیکوست و از هیچ یک از آن‌ها نباید امتناع کرد، البته در صورتی که برای آن‌ها شکرگزار باشیم، ۵ چون از طریق کلام خدا و دعا، آن‌ها مقدس شمرده می‌شوند. ۶ اگر این پند را به برادران بدهی، خدمتگزار شایسته مسیح عیسی خواهی بود؛ خدمتگزاری که با کلام ایمان و با تعلیم نیکو، پرورش یافته است؛ تعالیمی که تو خود به دقت از آن پیروی کرده‌ای. ۷ اما به افسانه‌هایی که خدا را بی‌حرمت می‌کند، همچون افسانه‌هایی که برخی پیرزنان می‌گویند، گوش مسپار، بلکه هدف خود ساز تا با تلاش و تمرین، مطابق با وقف خود به خدا زندگی کنی؛ ۸ زیرا تمرین بدنی* تا حدی فایده دارد، اما اگر شخص مطابق وقف خود به خدا

۸:۴ * در یونانی به تمرین‌های ژیمناست اشاره دارد.

تا از اتهام می‌باشند. ۸ بی‌شک اگر کسی نیاز خویشان* به خصوص اهل خانه خود را برآورده نکند، منکر ایمان و بدتر از بی‌ایمان است.

۹ نام بیوه‌زنانی را در فهرست ثبت کن که بیش از ۶۰ سال دارند، به شوهر خود وفادار بوده‌اند* ۱۰ و به نیکوکاری شهرت دارند؛ به این معنی که فرزندان‌شان را خوب تربیت کرده‌اند، مهمان‌نواز بوده‌اند، پاهای مقدّسان را شسته‌اند،* به رنج‌دیدگان یاری رسانده‌اند و خود را وقف هر عمل نیکو کرده‌اند.

۱۱ اما نام بیوه‌زنان جوان‌تر را در فهرست منویس، چون وقتی امیال جنسی سبب می‌شود که از مسیح دور شوند، خواهان ازدواج می‌شوند. ۱۲ آنان با زیر پا گذاشتن عهد نخستین* خود، خویشان را محکوم می‌کنند. ۱۳ در عین حال بیکارگی نیز عادت‌شان می‌شود و از خانه‌ای به خانه دیگر سر می‌کشند؛ آری، نه فقط به بیکارگی،

۸:۵* منظور کسانی هستند که شخص مسئولیت نگهداری از آنان را بر عهده دارد. ۹:۵* «به شوهر خود وفادار بوده‌اند» تحت‌اللفظی: «زن یک شوهر بوده‌اند». ۱۰:۵* در آن زمان شستن پاهای مهمان، ابراز مهربانی به او و نشانه مهمان‌نوازی بود. ۱۲:۵* تحت‌اللفظی: «ایمان نخست».

بر همگان آشکار شود. ۱۶ همواره مراقب شیوه زندگی و تعلیم خود باش. در این امور پشتکار داشته باش؛ زیرا اگر چنین کنی، هم خود و هم کسانی را که به تو گوش می‌دهند، نجات خواهی داد.

۵ مرد سالمند را به شدت سرزنش مکن، بلکه هنگام پند دادن، همچون پدر خود با او رفتار کن و با مردان جوان همچون برادر خود، ۲ با زنان سالمند همچون مادر خود و با زنان جوان همچون خواهر خود در کمال پاکدامنی رفتار کن. ۳ به بیوه‌زنانی که واقعاً بی‌کس و نیازمندند، توجه نشان بده.* ۴ اما اگر بیوه‌زنی فرزندان یا نوه‌هایی دارد، نخست آنان باید بیاموزند که چگونه بر طبق وقفشان به خدا با اهل خانه خود عمل کنند و دین خود را به والدین و اجدادشان* ادا نمایند؛ زیرا این نزد خدا پسندیده است. ۵ بیوه‌زنی که واقعاً تهی‌دست و بی‌کس است، به خدا توکل دارد و شبانه‌روز التماس و دعا می‌کند. ۶ اما بیوه‌زنی که عشرت‌طلبی را پیشه می‌کند، اگرچه زنده است، در واقع مرده است. ۷ پس، این نکات را به ایشان حکم کن ۲:۵* تحت‌اللفظی: «حرمت بگذار». ۴:۵* در اینجا منظور پدر بزرگ و مادر بزرگ است.

بلکه به غیبت‌گویی و فضولی نیز عادت می‌کنند و چیزهایی می‌گویند که نباید بگویند. ۱۴ از این رو، می‌خواهم که بیوه‌زنان جوان ازدواج کنند، فرزند بیاورند، خانه‌دار باشند و بهانه‌ای برای انتقاد به دست دشمن ندهند. ۱۵ در واقع، برخی از آنان اکنون نیز منحرف شده‌اند و در پی شیطان رفته‌اند. ۱۶ اگر زنی ایماندار خویشاوندانی بیوه دارد، باید به آنان کمک کند تا سربار جماعت نباشند. به این ترتیب، جماعت می‌تواند به بیوه‌زنانی که واقعاً بی‌کس و نیازمندند، کمک کند.

۱۷ پیرانی که امور را به‌خوبی اداره می‌کنند، دوچندان مستحق حرمتند، به‌ویژه آنان که در سخنرانی و تعلیم زحمت می‌کشند؛ ۱۸ زیرا در نوشته‌های مقدس آمده است: «به گاوی که خرمن می‌کوید، دهان‌بند میند.» همچنین آمده است: «کارگر مستحق دریافت مزدش است.» ۱۹ اتهام به یکی از پیران را تنها زمانی بپذیر که دو یا سه شاهد آن را گواهی دهند. ۲۰ شخصی را که گناه پیشه کرده است، در مقابل همگان توبیخ کن تا هشداری برای دیگران باشد.* ۲۱ من تو را در پیشگاه خدا و

۲۰:۵ * تحت‌اللفظی: «تا دیگران بترسند».

مسیح عیسی و فرشتگان برگزیده سوگند می‌دهم که این احکام را بدون هیچ‌گونه پیشداوری یا جانبداری رعایت کنی.

۲۲ هرگز برای منصوب کردن کسی عجولانه بر او دست مگذار؛* در گناهان دیگران نیز شریک شو؛ خود را پا کدامن نگاه دار.

۲۳ از این پس، فقط آب منوش، بلکه برای معدۀ خود و ناخوشی‌های مکررت، کمی هم شراب بنوش.

۲۴ گناهان برخی بر همگان آشکار است و فوراً به داوری‌شان می‌انجامد، اما گناهان برخی دیگر بعدها آشکار خواهد شد. ۲۵ به همین ترتیب، اعمال نیک نیز بر همگان آشکار است و اعمال نیکی را که آشکار نیست، نمی‌توان پنهان نگاه داشت.

۶ کسانی که زیر یوغ بردگی هستند، باید اربابان خود را مستحق حرمت کامل بدانند تا مردم هرگز نام خدا و تعالیم او را بد نگویند. ۲ به علاوه، اگر غلامی اربابی دارد که هم‌ایمان اوست، نباید به دلیل این که برادر است، به او کمتر احترام بگذارد، بلکه حتی باید با اشتیاق بیشتر به او خدمت کند؛ زیرا کسی را از خدمت

۲۲:۵ * تحت‌اللفظی: «هرگز عجولانه بر کسی

دست مگذار».

۹ اما کسانی که ثروتمند شدن را هدف خود ساخته‌اند، به وسوسه و دام و بسیاری امیال بیهوده و مضر گرفتار می‌شوند؛ امیالی که انسان را در گرداب تباهی و ویرانی فرو می‌برد؛ ۱۰ زیرا پول دوستی ریشه همه گونه بدی‌هاست و برخی در پی آن از راه ایمان منحرف شده‌اند و خود را به دردهای بسیار گرفتار کرده، گویی خود را با ضربات خنجر مجروح ساخته‌اند.

۱۱ اما تو ای مرد خدا، از این چیزها بگریز. تو در پی درستکاری،* وقف خود به خدا، ایمان، محبت، پایداری و ملایمت باش. ۱۲ در نبرد نیکوی ایمان بجنگ. زندگی جاودان را که برای آن فراخوانده شده‌ای محکم نگاه دار؛ تو در مقابل شاهدان بسیار در مورد آن به خوبی شهادت دادی.

۱۳ در برابر خدایی که همه چیز را زنده نگاه می‌دارد و مسیح عیسی که با شهادت نزد پُنْتیوس پیلاتُس به خوبی شهادت داد، به تو امر می‌کنم ۱۴ که تا آشکار شدن سرورمان عیسی مسیح، احکام را بی‌نقص* و به نحوی که ایرادی به آن وارد نباشد، به جا آوری. ۱۵ او یگانه

نیکوی خود بهره‌مند می‌سازد که هم‌ایمان و عزیزش است.

این امور را همچنان به دیگران تعلیم ده و آنان را به انجام دادن آن ترغیب کن. ۳ اگر کسی با تعالیم صحیح* سرورمان عیسی مسیح و با تعالیمی که هماهنگ با وقفمان به خداست، موافق نباشد و تعلیمی دیگر بدهد، ۴ غرور، او را کور کرده است و هیچ نمی‌فهمد. چنین شخصی تمایلی بیمارگونه به جزو بحث و مجادله روی کلمات دارد. این بحث‌ها به حسد، نزاع، افترا* و بدگمانی می‌انجامد. ۵ همچنین باعث مشاجره‌های دائم بر سر مسائل جزئی میان کسانی می‌شود که ذهنشان فاسد است، از حقیقت محرومند و گمان می‌کنند که می‌توانند وقفشان را به خدا وسیله‌ای برای سودجویی قرار دهند. ۶ در این شکی نیست که وقف کردن خود به خدا، همراه با قناعت، نفعی فراوان دارد؛ ۷ زیرا هیچ چیز با خود به این دنیا نیاورده‌ایم و هیچ چیز هم از آن نمی‌توانیم ببریم. ۸ پس اگر خوراک، پوشاک و سقفی بالای سرمان داریم، به آن‌ها قانع خواهیم بود.

۱۱:۶ * یا: «عدالت». ۱۴:۶ * تحت‌اللفظی: «بی‌لکه».

۳:۶ * یا: «سالم؛ مفید». ۴:۶ * یا: «سخنان اهان‌آمیز».

همچنین سخاوتمند بوده، آنچه دارند مشتاقانه با دیگران سهیم شوند، ۱۹ برای خود گنجی بیندوزند که زیربنایی خوب برای زندگی آینده‌شان باشد تا بدین سان امید به زندگی واقعی را در خود استوار نگاه دارند.

۲۰ ای تیموتائوس، آنچه را به تو به امانت سپرده شده است، حفظ کن. از سخنان پوچ که آنچه را مقدس است بی‌حرمت می‌سازد، دوری کن. همچنین از عقایدی که به غلط «شناخت» خوانده می‌شود، اما پر از تناقض است، برحذر باش. ۲۱ برخی چون با این «شناخت» خودنمایی کرده‌اند، از ایمان منحرف شده‌اند.

لطف خدا با شما باد!

حاکم متبارک و شاد است که خود را در زمان مقرر آشکار خواهد ساخت. اوست پادشاه پادشاهان و سرور سروران. ۱۶ او تنها وجود فناپذیر است و در نوری چنان درخشان ساکن است که کسی نمی‌تواند به آن نزدیک شود و هیچ انسانی او را ندیده و نمی‌تواند ببیند. قدرت ابدی و حرمت بر او باد! آمین.

۱۷ به ثروتمندان این دنیا* حکم کن که متکبر نباشند و امیدشان را نه به ثروت ناپایدار، بلکه به خدا ببندند؛ خدایی که هر آنچه برای لذت ماست، به‌وفور برایمان مهیا می‌کند. ۱۸ به ایشان بگو نیکویی پیشه کنند و در نیکوکاری ثروتمند باشند.

۱۷:۶ * یا: «نظام کنونی: عصر کنونی»: رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر».

نامه دوم پولس به

تیموتائوس

فهرست محتوا

- ۱ دشمنان و دوستان پولس (۱۵-۱۸)
- ۲ سپردن پیام به مردانی با صلاحیت (۷-۱)
- تحمل سختی برای بشارت (۸-۱۳)
- به کار بستن درست کلام خدا (۱۴-۱۹)
- گریز از امیال جوانی (۲۰-۲۲)

- ۱ سلام‌ها (۱-۲)
- سپاسگزاری پولس از خدا بابت ایمان تیموتائوس (۳-۵)
- افروخته نگاه داشتن موهبت خدا (۶-۱۱)
- حفظ معیار کلام صحیح (۱۲-۱۴)

رفتار با مخالفان (۲۶-۲۳)

۳ زمان‌های سخت روزهای آخر (۷-۱)

سرمشق قرار دادن پولس (۱۳-۸)

آنچه آموختی، دنبال کن (۱۷-۱۴)

کل نوشته‌های مقدس از الهام

خداست (۱۶)

۴ «خدمت خود را به طور کامل انجام

ده» (۵-۱)

کلام را موعظه کن و فوریت آن را مد

نظر داشته باش (۲)

«من در نبرد نیکو جنگیده‌ام» (۸-۶)

سخنان شخصی (۱۸-۹)

سلام‌های پایانی (۲۲-۱۹)

افنیکی بود و اطمینان دارم که در تو نیز هست.

۶ به همین دلیل به تو یادآور می‌شوم که آن موهبت* خدا را که با گذاشتن دست‌هایم بر تو دریافت کردی، همچون آتش در خود افروخته نگاه داری؛ ۷ زیرا خدا روح‌القدس* را به ما عطا کرده است که نه ترس، بلکه قدرت، محبت و فهم را در ما ایجاد می‌کند. ۸ پس، نه از شهادت دادن در مورد سرورمان خجل باش و نه از من که به خاطر او در بندم، بلکه با اتکا به قدرت خدا تو نیز در رنج کشیدن در راه بشارت سهم باش. ۹ خدا ما را نجات داد و با دعوت مقدس فراخواند؛ نه به دلیل اعمالمان، بلکه به دلیل لطف و مقصود خود. این لطف که از طریق

۱۶:۱ * یا: «بخشش؛ هدیه». ۱۷:۱ * یا: «روحیه‌ای»؛ به یونانی پنیوما.

از طرف پولس که به خواست خدا رسول مسیح عیسی گشت تا وعده آن حیاتی را اعلام کند که از طریق مسیح عیسی میسر شده است، ۲ به تیموتائوس، فرزند عزیزم:

لطف، رحمت و آرامش از جانب پدرمان خدا و سرورمان مسیح عیسی با تو باد!

۳ شب و روز تو را در دعاهای التماس آمیزم، به یاد دارم و از این بابت از خدا سپاسگزارم؛ خدایی که من، همچون پدرانم، خدمت مقدس را با وجدانی پاک به او تقدیم می‌کنم. ۴ وقتی اشک‌هایت را به یاد می‌آورم، آرزو می‌کنم که تو را ببینم تا با دیدار دوباره تو، دلم از شادی لبریز شود؛ ۵ زیرا ایمان بی‌ریای تو را به خاطر می‌آورم، همان ایمانی که نخست در مادر بزرگت لوئیس و مادرت

عطا کند! زیرا بارها جان مرا تازه کرد و از این که من زندانی و در بند زنجیرم، خجل نبود. ۱۷ حتی هنگامی که در روم بود، برای یافتن من زحمت بسیار کشید و سرانجام مرا یافت. ۱۸ تو از خدمات فراوان او در اِفسُس به خوبی آگاهی. باشد که خداوندمان یَهُوه* رحمتش را در آن روز به او عطا کند!

۲ پس تو ای فرزندم، پیوسته زیر سایه لطفی که در راه مسیح عیسی عطا می‌شود، قوت بگیر ۲ و آنچه را از من شنیده‌ای و بسیاری بردستی آن شهادت داده‌اند، به اشخاص وفادار بسیار تا آنان نیز صلاحیت لازم را برای تعلیم دادن به دیگران به دست آورند. ۳ همچون سرباز شایسته مسیح عیسی، در رنج کشیدن سهیم باش. ۴ هیچ کس به هنگام سربازی، خود را درگیر* کسب و کار* نمی‌کند؛ زیرا می‌خواهد خشنودی فرمانده خود را به دست آورد. ۵ حتی در مسابقات ورزشی اگر کسی قوانین مسابقه را رعایت نکرده باشد، تاج پیروزی را

۱۸:۱ * این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهُوه» در این ترجمه به کار رفته است: رجوع به واژه‌نامه. ۴:۲ * تحت‌اللفظی: «گرفتار». ۱۸:۱ * یا احتمالاً: «امور روزمره زندگی».

مسیح عیسی است، از زمان‌های قدیم به ما عطا شده بود، ۱۰ اما حال، از طریق ظهور نجات‌دهنده ما، مسیح عیسی به‌روشنی آشکار شده است: کسی که مرگ را باطل ساخت* و با بشارت، از حیات و فسادناپذیری پرده برداشت. ۱۱ من منصوب شده‌ام تا واعظ، رسول و معلم این بشارت باشم.

۱۲ به همین دلیل، من نیز این درد و رنج‌ها را می‌کشم، اما خجل نیستم؛ زیرا آن کسی را که به او ایمان آورده‌ام، می‌شناسم و اطمینان دارم که قادر است از آنچه به او سپرده‌ام، تا آن روز محافظت کند. ۱۳ همواره معیار* کلام صحیح* را که از من شنیده‌ای حفظ کن و آن ایمان و محبتی را که از وحدت با مسیح عیسی حاصل می‌شود، ابراز کن. ۱۴ به یاری روح‌القدس که در ماست،* آن امانت نیکو را که به تو سپرده شده است، نگاه دار. ۱۵ همان طور که می‌دانی تمام مردم ایالت آسیا از من روی گردانده‌اند، از جمله فیگلولس و هِرموگِئِس. ۱۶ باشد که خداوند به اهل خانهٔ آنیسیفوروس رحمت

۱۰:۱ * تحت‌اللفظی: «بی‌اثر ساخت». ۱۲:۱ * یا: «چهارچوب: طرح کلی». * یا: «سالم: مفید». ۱۴:۱ * تحت‌اللفظی: «در ما ساکن است».

۱۴ این امور را پیوسته به آنان یادآوری کن و در حضور خدا به ایشان حکم کن* که بر سر کلمات مجادله نکنند. این مجادله‌ها هیچ فایده‌ای ندارد و حتی برای شنوندگان مضر است.* ۱۵ همچون کارگری که از کار خود سرافکنده نیست، سخت تلاش کن که همواره مقبول خدا باشی و کلام حقیقت را به درستی به کار بندی. ۱۶ اما سخنان بیهوده را که آنچه مقدس است بی حرمت می‌کند، رد کن؛ زیرا سخنان بیهوده‌گویان شخص را بیشتر و بیشتر به رفتاری می‌کشاند که در نظر خدا ناپسند است. ۱۷ سخنان آنان همچون زخم قانقاریا پخش می‌شود. هیمنائوس و فیلیتوس از آن جمله‌اند. ۱۸ این مردان از حقیقت منحرف شده‌اند؛ زیرا می‌گویند که رستخیز هم‌اکنون صورت گرفته است و ایمان برخی را با این سخنان تباه می‌سازند. ۱۹ با وجود این، شالوده مستحکمی که خدا ریخته است، پابرجاست و چنین مُهر شده است: «يَهُوَه» کسانی را که به او تعلق دارند، می‌شناسد» و «هرکس که نام

۱۴:۲ * تحت اللفظی: «کاملاً شهادت بده». * یا:

«حتی باعث تباهی شنوندگان می‌شود». ۱۹:۲

* رجوع به واژه‌نامه.

نمی‌برد. ۶ کشاورز زحمت‌کش باید نخستین کسی باشد که از محصول بهره می‌برد. ۷ در گفته‌هایم خوب تفکر کن و خداوند برای درک همه چیز به تو فهم* خواهد بخشید.

۸ این را به یاد داشته باش که عیسی مسیح از مردگان برخاست و از نسل داوود بود. این است بشارتی که من موعظه می‌کنم ۹ و از این روست که سختی می‌کشم و مرا مانند مجرمی در بند کشیده‌اند. اما کلام خدا در بند نیست. ۱۰ به این دلیل همه چیز را به خاطر برگزیدگان همچنان متحمل می‌شوم تا آنان نیز به نجاتی که از طریق مسیح عیسی میسر می‌شود، برسند و به جلال ابدی دست یابند. ۱۱ این گفته درخور اعتماد است که اگر ما با او مُردیم، با او نیز حیات را خواهیم یافت. ۱۲ اگر همچنان تحمل کنیم، با او نیز در مقام پادشاه حکمرانی خواهیم کرد. اگر او را انکار کنیم، او نیز ما را انکار خواهد کرد. ۱۳ اگر ما وفادار نباشیم، او وفادار می‌ماند؛ زیرا نمی‌تواند برخلاف ذات خود عمل کند*.

۷:۲ * یا: «بصیرت». ۱۴:۲ * یا: «نمی‌تواند خود را

انکار کند».

یَهُوه* را می‌خواند، باید از بدکاری کناره جوید.»

۲۰ در خانه‌ای بزرگ نه فقط ظروفی از طلا و نقره، بلکه ظروفی از چوب و سفال هم هست: بعضی ظروف برای کاری پرعزت* استفاده می‌شود و بعضی دیگر برای کاری پست.* ۲۱ از این رو، اگر کسی از ظروفی که برای کاری پست* استفاده می‌شود، دوری جوید، خودِ ظرفی برای استفاده در کارهای پرعزت* خواهد بود؛ ظرفی مقدس و مفید برای صاحب خود و آماده برای هر کار نیکو. ۲۲ پس، از امیال جوانی بگریز و در کنار کسانی که خداوند را با دلی پاک می‌خوانند در پی درستکاری،* ایمان، محبت و صلح باش.

۲۳ به علاوه، از بحث‌های پوچ و بی‌معنی دوری کن، چون خود می‌دانی که به نزاع می‌انجامد؛ ۲۴ زیرا خادم خداوند نباید نزاع کند، بلکه باید با همه مهربان باشد.* صلاحیت تعلیم دادن داشته و در مقابل بدرفتاری بر خود مسلط باشد. ۲۵ همچنین با ملایمت

۱۹:۲ *رجوع به واژه‌نامه. ۲۰:۲، ۲۱ *یا: «پراهمیت». ۲۰:۲، ۲۱ *یا: «پیش پا افتاده». ۲۲:۲ *یا: «عدالت». ۲۴:۲ *یا: «سنجیده رفتار کند: ملایم باشد».

به مخالفان اندرز دهد؛ شاید خدا اجازه دهد که آنان توبه کنند* و به شناخت دقیق حقیقت برسند ۲۶ و پی ببرند که چطور برای انجام دادن خواست ابلیس، به دام او افتاده‌اند و به خود آمده، از دام او برهند.

۳ اما این را بدان که در روزهای آخر، زمان‌هایی سخت فرا خواهد رسید. ۲ زیرا مردم، خودپرست، پول‌دوست، خودستا،* خودپسند، کفرگو،* نسبت به والدین خود نافرمان، ناسپاس، عهدشکن،^۸ ۳ بی‌عاطفه، ناسازگار، تهمت‌زن،* فاقد خویشتنداری، وحشی، متنفر از نیکویی، ۴ خیانتکار، خودسر و مغرور خواهند بود. همچنین لذت را بیش از خدا دوست خواهند داشت. ۵ به‌ظاهر خداپرست خواهند بود، اما اعمالشان خلاف آن را ثابت می‌کند.* ۶ از میان چنین مردمانی برحذر باش. ۷ اینان، افرادی برمی‌خیزند که با حيله و مکر به خانه‌ها راه می‌یابند و زنان ضعیف را اسیر می‌سازند؛ زنانی که زیر بار

۲۵:۲ *یا: «تغییر عقیده دهند». ۲:۳ *یا: «لافزن». *یا: «ناسزاگو». ^۸یا: «بی‌وفا». ۳:۳ *تحت اللفظی: «ابلیس‌ها؛ به یونانی دیابولوی. ۵:۳ *تحت اللفظی: «اما قدرت آن را انکار می‌کنند».

خواهند شد، خود گمراه می‌شوند و دیگران را نیز گمراه می‌کنند.

۱۴ اما، تو آنچه را از دیگران آموختی و با دلیل و برهان به آن متقاعد شدی، دنبال کن؛ زیرا می‌دانی آن‌ها را از چه کسانی آموخته‌ای. ۱۵ تو از طفولیت با نوشته‌های مقدس آشنایی داشته‌ای؛ نوشته‌هایی که قادر است به تو حکمت بخشد تا از طریق ایمان به مسیح عیسی نجات یابی. ۱۶ کل نوشته‌های مقدس از خدا الهام شده است و برای تعلیم، توبیخ، سامان دادن به امور* و تأدیبی مطابق با معیارهای عادلانه خدا* مفید است ۱۷ تا خادم خدا از هر جهت صلاحیت یابد؛ آری، برای هر عمل نیکو کاملاً مجهز گردد.

۴ تو را در پیشگاه خدا و مسیح عیسی که زندگان و مردگان را داوری خواهد کرد و به خاطر ظهور او و پادشاهی‌اش، اینچنین موظف می‌سازم: ۲ کلام را موعظه کن، فوریت این کار را همواره مد نظر داشته باش و در هر زمان، چه در شرایط مساعد و چه در شرایط سخت در آن فعال باش. با استفاده از هنر تعلیم و

۱۶:۳ *یا: «اصلاح». *تحت اللفظی: «تأدیب در عدالت».

گناه و تابع هوس‌های گوناگون خویشند ۷ و هرچند پیوسته تعلیم می‌گیرند، به هیچ وجه قادر نیستند به شناخت دقیق حقیقت برسند.

۸ حال همان‌گونه که یئیس و یمبریس با موسی مخالفت کردند، این افراد نیز با حقیقت مخالفت می‌کنند. ذهن چنین اشخاصی کاملاً فاسد است و ایمانشان مردود شمرده می‌شود. ۹ اما بیش از این کاری از پیش نخواهند برد؛ زیرا حماقت آنان بر همه آشکار خواهد شد، چنان که حماقت آن دو مرد آشکار شد. ۱۰ اما تو به‌خوبی از تعالیم من، همچنین از شیوه زندگی، هدف، ایمان، صبر، محبت و بردباری من آگاهی. ۱۱ به‌خوبی مطلع هستی که چه آزارها و سختی‌هایی را در آنطاکیه، قونیه و لس‌تیره متحمل شدم. من این آزارها را با بردباری تحمل کردم و سرورمان* مرا از همه آن‌ها رهایی داد. ۱۲ در واقع، همه کسانی که می‌خواهند پیرو مسیح عیسی باشند و زندگی خود را وقف خدا* کنند، آزار خواهند دید. ۱۳ اما شریران و شیادان روزبه‌روز بدتر

۱۱:۳ *یا احتمالاً: «خداوندمان»: به یونانی کورینتوس. ۱۲:۳ *رجوع به واژه‌نامه: «وقف به خدا».

در کمال بردباری توبیخ کن، هشدار بده*
و ترغیب نما؛ ۳ زیرا زمانی خواهد آمد
که مردم دیگر به تعالیم صحیح* گوش
نخواهند داد، بلکه برای شنیدن سخنان
گوشنواز، معلمانی بر حسب امیالشان
دور خود جمع خواهند کرد. ۴ آنان از
گوش کردن به حقیقت روی برمی گردانند
و به افسانه ها گوش می سپارند. ۵ اما تو
در همه حال هوشیار باش، در سختی ها
پایداری کن، وظیفهٔ مبشری را به جا آور*
و خدمت خود را به طور کامل انجام ده.
۶ زیرا من اکنون همچون هدیه ای
ریختنی* هستم که به زمین ریخته
می شود و زمان رفتنم* نزدیک شده است.
۷ من در نبرد نیکو جنگیده ام، مسابقه
را به پایان رسانده ام و در ایمان استوار
مانده ام. ۸ از هم اکنون تاج درستکاران*
برای من محفوظ نگاه داشته شده است
که آن را سرور، آن داور عادل، در آن روز
به من پاداش خواهد داد؛ البته نه فقط
به من، بلکه به همه کسانی که مشتاق
ظهور او بوده اند.

۹ سعی کن هر چه زودتر نزد من بیایی.

۲:۴ * تحت اللفظی: «توبیخ کن». ۲:۴ * یا:
«سالم؛ مفید». ۵:۴ * یا: «همواره بشارت را
موعظه کن». ۶:۴، ۱۴ * رجوع به واژه نامه. ۶:۴
* یا: «رحلتم». ۸:۴ * یا: «عادلان».

۱۰ زیرا دیماس مرا به دلیل عشقش به
دنیا* ترک کرده و به تسالونیکی رفته
است. کریسکیس نیز به غلاطیه رفته
است و تیتوس به دلماتیه. ۱۱ تنها لوقا با
من است. مرقس را با خود بیاور؛ زیرا در
خدمت کمک خوبی برابیم است. ۱۲ اما
تیخیکوس را خودم به اِفِسس فرستادم.
۱۳ وقتی می آیی، ردایی را که در تروآس
نزد کارپوس گذاشتم، طومارها و به ویژه
طومارهای پوستی را با خود بیاور.

۱۴ اسکندر مسگر به من بسیار آزار
رسانده است. یَهُوَه* او را به سزای
اعمالش خواهد رساند. ۱۵ تو نیز از
او برحذر باش؛ زیرا شدیداً با پیام ما
مخالفت کرده است.

۱۶ در نخستین دفاعیهٔ من، همه مرا
ترک کردند و هیچ کس در کنارم نبود؛
خدا این را به حسابشان نگذارد. ۱۷ اما
سروorman در کنارم بود و به من قدرت
بخشید تا موعظه از طریق من، به طور
کامل انجام شود و به گوش همهٔ قوم ها
برسد؛ من که از دهان شیر رهایی یافتم.

۱۸ سروorman مرا از همهٔ شرارت ها رهایی
خواهد داد و برای پادشاهی آسمانی خود

۱۰:۴ * یا: «نظام کنونی؛ عصر کنونی»؛ رجوع به
واژه نامه: «نظام حاضر».

گذاشتم. ۲۱ سعی کن تا قبل از زمستان به اینجا برسی.

اوبولوس به تو سلام می‌رساند، همچنین پودنس، لینوس، کِلودیا و همهٔ برادران.

۲۲ سرورمان به روحیه‌ای که از خود نشان می‌دهی، برکت دهد. لطف او با شما باد!

حفظ خواهد کرد. جلال همیشه و تا ابد بر او باد! آمین.

۱۹ سلام مرا به پریسکا،* آکیلا و اهل خانهٔ اُنسیفوروس برسان.

۲۰ اِراستوس در قُرْنُثُس ماند، اما من تِروفِیموس را چون بیمار شد، در میلیتوس

۱۹:۴* «پریسکیلا» نیز خوانده شده است.

نامهٔ پولُس به

تیتوس

فهرست محتوا

- | | |
|---|--|
| <p>غیرت در اعمال نیکو (۱۴)</p> <p>۳ اطاعت و فرمانبرداری بجا (۳-۱)</p> <p>آماده برای نیکوکاری (۸-۴)</p> <p>پرهیز از جروبحث‌های احمقانه و عوامل تفرقه (۱۱-۹)</p> <p>راهنمایی‌های شخصی و سلام‌ها (۱۵-۱۲)</p> | <p>۱ سلام‌ها (۴-۱)</p> <p>تیتوس پیرانی را در کِرت منصوب می‌کند (۹-۵)</p> <p>سرکشان را توبیخ کن (۱۶-۱۰)</p> <p>۲ تعلیم صحیح برای پیر و جوان (۱۵-۱)</p> <p>پرهیز از رفتاری که خدا نمی‌پسندد (۱۲)</p> |
|---|--|

امید به زندگی جاودانی است. خدا که غیرممکن است* دروغ بگوید، این زندگی جاودانی را از گذشته‌های دور وعده داده است. ۳ در عین حال، در زمان مقرر خویش کلام خود را از طریق

۲:۱* تحت اللفظی: «نمی‌تواند».

از طرف پولُس که غلام خدا و رسول عیسی مسیح است و هماهنگ با ایمان برگزیدگان خدا و شناخت دقیق حقیقت خدمت می‌کند. این حقیقت شامل وقفمان به خدا* ۲ و بر پایهٔ

۱:۱* رجوع به واژه‌نامه: «وقف به خدا».

۹ او باید در به‌کارگیری هنر تعلیم به کلام راستی* پای‌بند بماند تا بتواند دیگران را بر پایهٔ آن تعلیم صحیح*، تشویق کند* و نیز کسانی را که با آن مخالفت می‌کنند، توبیخ نماید.

۱۰ زیرا در آنجا، بسیاری سرکش، بیهوده‌گو و فریبکارند، به‌خصوص آنانی که بر موضوع ختنه پافشاری می‌کنند. ۱۱ لازم است دهان آنان بسته شود؛ زیرا همین‌ها هستند که با فریبکاری در پی منافع خویشند و در نتیجه با تعالیمی که جایز نیست، ایمان خانواده‌ها را نابود می‌کنند. ۱۲ یکی از پیامبران* خودشان گفته است: «اهالی کِرت همواره دروغ می‌گویند و جانورانی وحشی و بیکاره‌هایی شکم‌پرورند.»

۱۳ این شهادت راست است. پس همچنان سخت توبیخشان کن تا از سلامتِ ایمان برخوردار شوند ۱۴ و به افسانه‌های یهود و احکام کسانی که از حقیقت روی می‌گردانند، توجه نکنند. ۱۵ برای پاکان همه چیز پاک است، اما برای افراد ناپاک و بی‌ایمان هیچ ۹:۱ *یا: «پیام درخور اعتماد». *یا: «سالم؛ مفید». *یا: «پند دهد». ۱۲:۱ *ایپیمیندِس، اهل کِرت، شاعر قرن ششم قبل از میلاد.

موعظه آشکار کرد؛ موعظه‌ای که مطابق فرمان نجات‌دهنده‌مان خدا به من سپرده شد. ۴ به تیتوس، فرزند راستین و هم‌ایمانم:

لطف و آرامش از جانب پدرمان خدا و نجات‌دهنده‌مان مسیح عیسی با تو باد! ۵ تو را در جزیرهٔ کِرت باقی گذاشتم تا بقیهٔ نابسامانی‌ها را سامان دهی* و پیرانی را در هر شهر منصوب کنی. پس همان طور که تو را راهنمایی کردم، ۶ پیر جماعت باید مردی* مبرا از اتهام باشد، نباید بیش از یک زن داشته باشد، همچنین فرزندان‌ش باید باایمان باشند، نه متهم به بی‌بندوباری* یا سرکشی؛ ۷ زیرا سرپرست جماعت، کارگزار* خداست و باید از اتهام مبرا باشد. همچنین خودرأی، زودخشم، میگسار و خشونت‌طلب نبوده، با حرص و فریب در پی منافع خود نباشد، ۸ بلکه باید مهمان‌نواز، دوستدار نیکویی، فهمیده،* درستکار،* وفادار و خویش‌نمدار باشد.

۵:۱ *یا: «کارهای ناتمام را به انجام رسانی». ۶:۱ *تحت‌اللفظی: «اگر مردی هست که». *یا: «وحشی‌گری». ۷:۱ *یا: «مباشر»: منظور خدمتگزاری است که سرپرستی امور خانهٔ ارباب خود را بر عهده دارد. ۸:۱ *یا: «معقول؛ خردمند». *یا: «عادل».

۷ تو خود از هر جهت در اعمال نیکو نمونه باش. آنچه را پاک است با جدیت تمام* تعلیم ده ۸ و سخنان سودمند* باشد تا مورد انتقاد قرار نگیرد و مخالفان نتوانند هیچ سخن بدی* در مورد ما بگویند و شرمند شوند. ۹ غلامان را تعلیم ده که در هر امری مطیع آقایان خود باشند، برای جلب رضایت آنان بکوشند، با آنان به جزو بحث نپردازند ۱۰ و از آنان دزدی نکنند، بلکه کاملاً امین باشند تا زیبایی تعالیم نجات‌دهنده‌مان خدا را از هر جهت جلوه‌گر سازند.

۱۱ زیرا خدا لطف خود را که به نجات همه گونه اشخاص می‌انجامد آشکار ساخت. ۱۲ این امر به ما می‌آموزد که از رفتاری که خدا نمی‌پسندد و از تمایلات دنیوی پرهیزیم و با خرداندیشی*، درستکاری و مطابق با وقفمان به خدا، در این نظام کنونی* زندگی کنیم. ۱۳ در کنار آن، در انتظار تحقق امید شادی‌بخش و ظهور پرجلال خدای بزرگ و ظهور نجات‌دهنده‌مان عیسی مسیح هستیم؛

۷:۲ * یا احتمالاً: «با خلوص و جدیت تمام». ۸:۲ * یا: «صحیح». * یا: «منفی». ۱۲:۲ * یا احتمالاً: «خویشنداری». * یا: «عصر کنونی»: رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر».

چیز پاک نیست؛ زیرا هم ذهنشان و هم وجدانشان ناپاک است. ۱۶ آنان پیش مردم دم از خداشناسی می‌زنند، اما با اعمالشان او را انکار می‌کنند. ایشان نافرمان و نفرت‌انگیزند و برای انجام دادن هر گونه کار نیکو فاقد صلاحیت.

۲ اما تو همچنان از آنچه هماهنگ با تعلیم صحیح* است، سخن بگو. ۲ مردان سالمند را ترغیب نما که در عاداتشان اعتدال را حفظ کنند، همچنین جدی و فهمیده بوده، در ایمان، محبت و استقامت استوار* باشند. ۳ زنان سالمند را نیز بر آن دار که با رفتارشان خدا را حرمت نهند، افترا نزنند و خود را بردهٔ شراب زیاد نسازند و آنچه نیکوست تعلیم دهند. ۴ بدین گونه می‌توانند زنان جوان‌تر را نصیحت کنند* تا شوهران و فرزندان خود را دوست بدارند ۵ و فهمیده، پاکدامن، کدبانو، نیکو و مطیع* شوهران خود باشند تا کسی به کلام خدا اهانت نکند.

۶ همچنین، مردان جوان‌تر را همواره ترغیب نما که فهمیده و عاقل باشند.

۱۰:۲ * یا: «سالم؛ مفید». ۲:۲ * یا: «سالم». ۴:۲ * یا: «خرد بیاموزند؛ آموزش دهند». ۵:۲ * یا: «تسلیم؛ فرمانبردار».

البته نه به دلیل هیچ یک از اعمال درست* ما، بلکه از روی رحمتش- او با پاکیزه ساختن ما، به ما زندگی بخشید و با روح القدس، ما را تازه ساخت و به این شکل ما را نجات داد. ۶ خدا روح القدس را از طریق نجات دهنده مان عیسی مسیح به سخاوت* بر ما ریخت ۷ تا پس از این که از طریق لطف او درستکار* شمرده شدیم، بتوانیم مطابق امیدمان وارث زندگی جاودان شویم.

۸ این کلام درخور اعتماد است و من می‌خواهم که بر این امور مرتباً تأکید کنی تا کسانی که به خدا ایمان آورده‌اند، بتوانند توجه خود را به نیکوکاری معطوف کنند. این امور برای همگان خوب و مفید است.

۹ اما از جروب‌های احمقانه، کندوکاو در شجره‌نامه‌ها، مشاجره‌ها و جدال بر سر شریعت پرهیز کن؛ زیرا بی‌فایده و بیهوده است. ۱۰ به کسی که عامل تفرقه باشد، یک بار تذکر* بده و بعد از تذکر دوم اگر باز هم سختی را به گوش نگرفت، با او قطع رابطه کن؛ ۱۱ زیرا چنین شخصی از راه راست

۱۴ کسی که جان خود را فدای ما کرد تا ما را از انجام دادن هرگونه اعمال شریرانه* رهایی دهد* و قومی را برای خود پاک سازد که قوم خاص او بوده، در اعمال نیکو غیور باشند.

۱۵ در خصوص این امور، همواره سخن بگو و با اقتدار تمام ترغیب* و تویخ کن. مگذار کسی تو را حقیر شمارد.

۳ به آنان مرتباً یادآور شو که از حکومت‌ها و حکمرانان فرمانبرداری و اطاعت کنند و آمادهٔ هرکار نیکو باشند. ۲ یادآور شو که از هیچ کس بدگویی نکنند و ستیزه‌جو نباشند، بلکه معقول بوده، با همهٔ مردم با کمال ملایمت رفتار کنند؛ ۳ زیرا ما نیز زمانی نادان، نامطیع، گمراه و بردهٔ انواع تمایلات و لذت‌ها بودیم. زندگی‌مان غرق بدی و حسادت بود. سزاوار نفرت مردم بودیم و خود متنفّر از یکدیگر.

۴ اما زمانی رسید که نجات دهندهٔ ما خدا مهربانی خود و محبتش به انسان‌ها را آشکار ساخت ۵ و ما را نجات بخشید-

۱۴:۲ *یا: «از انجام دادن هرگونه قانون شکنی». *تحت اللفظی: «فدیه کرد». ۱۵:۲ *یا: «تشویق».

۵:۳ *یا: «عادلانه». ۶:۳ *یا: «به فراوانی». ۷:۳ *یا: «عادل». ۱۰:۳ *یا: «هشدار».

که به اعمال نیکو مشغول باشند تا نیازهای ضروری یکدیگر را برآورده سازند و خادمانی بی‌ثمر* نباشند.

۱۵ همهٔ آنانی که با من هستند به تو سلام می‌رسانند. سلام مرا به هم‌ایمانانی که ما را دوست می‌دارند،* برسان. لطف خدا با همهٔ شما باد!

۱۴:۳ * یا: «بی‌فایده». ۱۵:۳ * به یونانی فیلئو؛ رجوع به واژه‌نامه: «محبت».

منحرف شده و خود را با گناهانش محکوم کرده است.

۱۲ هنگامی که آرتماس یا تیخیکوس را نزد تو فرستادم، بکوش تا هرچه زودتر نزد من به نیکوپولیس بیایی؛ چون تصمیم گرفته‌ام زمستان را در آنجا بگذرانم. ۱۳ تا حد امکان، تمام مایحتاج سفر زیناس که قانوندان است و آپولُس را فراهم کن. ۱۴ هم‌ایمانانمان نیز باید بیاموزند

نامهٔ پولُس به

فیلیمون

فهرست محتوا

سلام‌ها (۳-۱)

ایمان و محبت فیلیمون (۷-۴)

درخواست پولُس برای اُنسیسیموس (۲۲-۸)

سلام‌های پایانی (۲۵-۲۳)

۳ لطف و آرامش از جانب پدرمان خدا و سرورمان عیسی مسیح با شما باد! ۴ هر بار که در دعاهایم از تو یاد می‌کنم، خدایم را سپاس می‌گویم، ۵ چون مرتباً می‌شنوم که چه ایمانی به سرورمان عیسی و چه محبتی به او و

۱ از طرف پولُس که به دلیل ایمان به مسیح عیسی، زندانی است و از طرف برادرمان تیموتائوس به همکار عزیزمان فیلیمون ۲ و به جماعتی که در خانهٔ تو گرد هم می‌آیند، همچنین به خواهرمان آفیا و به هم‌زم مسیحی‌مان آرخیپوس:

به تمامی مقدّسان* داری. ۶ دعایم این است، همین ایمان که تو و هم‌ایمانانت از آن برخوردارید، تو را به درک تمامی برکاتی برساند که از طریق مسیح نصیبمان شده است. ۷ از شنیدن محبت‌های تو بسیار شاد شدم و تسلّی یافتم؛ زیرا تو ای برادر، دل مقدّسان را گرمی* بخشیده‌ای.

۸ از این رو، گرچه به عنوان رسول مسیح، آزادی کامل دارم که برای انجام دادن آنچه بجاست، به تو امر کنم، ۹ ترجیح می‌دهم که با توسل به محبت، از تو استدعایی کنم. این را من، پولس که مردی سالمندم و حال به دلیل ایمان به مسیح عیسی در زندانم از تو می‌خواهم.

۱۰ استدعای من برای فرزندم آنیسیموس* است؛ کسی که در مدت حبس در زندان برایش همچون پدر شده‌ام. ۱۱ او پیش از این برایت بی‌فایده بود، اما حال، هم برای تو و هم برای من مفید است. ۱۲ من او را، آری پارهٔ تن خود را،* نزد تو برمی‌گردانم.

۱۳ البته من دوست دارم او را نزد خود نگاه دارم تا در مدتی که به دلیل اعلام بشارت در زندانم، خدمتی را که تو

۵ * رجوع به واژه‌نامه: «مقدّسان». ۷، ۲۰ * یا: «تازگی». ۱۰ * «آنیسیموس» به معنی «مفید» است. ۱۲ * یا: «آری قلب خود را».

می‌خواهی برای من بجا آوری، او برای من بجا آورد. ۱۴ اما نمی‌خواهم بدون موافقت توکاری انجام دهم تا عمل نیک تو، نه به اجبار، بلکه داوطلبانه باشد. ۱۵ شاید دلیل این که آنیسیموس مدتی کوتاه از تو جدا شد، واقعاً این بوده است که او را برای همیشه بازبایی، ۱۶ اما نه دیگر چون غلام، بلکه بیش از غلام، همچون برادری عزیز. او به‌خصوص برای من عزیز است، اما مسلماً برای تو بسیار عزیزتر است، چون هم خدمت‌گزار توست و هم برادرت در خدمت به سرور. ۱۷ پس اگر مرا دوست* خود می‌شماری، با گرمی او را بپذیر، چنان که گویی من پیش تو آمده‌ام. ۱۸ به علاوه، اگر نسبت به تو خطایی مرتکب شده است یا از جهتی به تو مقروض است، آن را به حساب من بگذار. ۱۹ من، پولس که این را به دست خود می‌نویسم، قول می‌دهم که همهٔ آن‌ها را جبران کنم. البته لازم به گفتن نیست که تو حتی جانت را مدیون من هستی. ۲۰ آری برادر، اگر این کمک را در راه خدمت به سرورمان انجام دهی، دل من، دل این خادم مسیح را گرمی* می‌بخشی.

۲۱ این را به تو می‌نویسم؛ زیرا از

فیلیمون ۲۲-محتوای عبرانیان

عیسی در زندان است،* به تو سلام می‌رساند. ۲۴ همکارانم مَرُقُس، آریستارخوس، دیماس و لوقا نیز به تو سلام می‌رسانند.

۲۵ لطف سَرورمان عیسی مسیح با روحیه‌ای باد که از خود نشان می‌دهید!

۲۳* یا: «همبند من در اتحاد با مسیح عیسی».

همکاری تو اطمینان دارم و می‌دانم که حتی بیش از آنچه می‌گویم خواهی کرد. ۲۲ در ضمن اتاقی هم برایم آماده کن؛ زیرا امیدوارم که مطابق با دعاهایتان مرا نزد شما بازگردانند.*

۲۳ اِپافراس که با من به خاطر مسیح

۲۲* یا: «به خاطر شما آزاد شوم».

نامه پوئس به

عبرانیان

فهرست محتوا

ترغیب به وارد شدن به آرامی خدا (۱۳-۱۱)
کلام خدا زنده است (۱۲)
عیسی، کاهن اعظمی والامقام (۱۴-۱۶)
۵ برتری عیسی بر دیگر کاهنان اعظم (۱۰-۱)
به شیوهٔ ملکیمیدق (۶، ۱۰)
با رنجی که کشید، اطاعت را
آموخت (۸)
مسئولیت میسر ساختن نجات
ابدی (۹)
هشدار در مورد عدم بلوغ روحانی (۱۱-۱۴)
۶ به سوی بلوغ پیش روید (۳۰-۱)
آنان که از ایمان برگشته‌اند، بار دیگر پسر
خدا را به تیر می‌خکوب می‌کنند (۴-۸)
اطمینان کامل به تحقق امیدتان را حفظ
کنید (۹-۱۳)

۱ خدا از طریق پسرش با ما سخن گفته
است (۱-۴)
برتری پسر بر فرشتگان (۵-۱۴)
۲ با دقت بیش از معمول توجه کنیم (۱-۴)
همه چیز تحت فرمان عیسی (۵-۹)
عیسی و برادرانش (۱۰-۱۸)
پیشوای نجات (۱۰)
کاهن اعظمی رحیم (۱۷)
۳ عیسی بزرگ‌تر از موسی (۱-۶)
سازندهٔ همه چیز خداست (۴)
هشدار در مورد بی‌ایمانی (۷-۱۹)
«امروز اگر صدای مرا
می‌شنوید» (۷، ۱۵)
۴ مبدا لایق راه یافتن به آرامی خدا
شمرده نشوید (۱-۱۰)

هشدار در مورد گناهان عمدی (۳۱-۲۶)
اعتماد و ایمان برای پایداری (۳۹-۳۲)

۱۱ تعریف ایمان (۲.۱)

نمونه‌های ایمان (۴۰-۳)
خشنود ساختن خدا بدون ایمان
غیرممکن است (۶)

۱۲ عیسی کامل‌کننده ایمان ما (۳-۱)

ابری عظیم از شاهدان (۱)
تأدیب یَهُوَه را خوار مشمار (۱۱-۴)
راه‌ها را برای پاهای خود هموار
سازید (۱۷-۱۲)

نزدیک شدن به اورشلیم آسمانی (۲۹-۱۸)

۱۳ سفارش‌های پایانی و سلام‌ها (۲۵-۱)

مهمان‌نوازی را فراموش نکنید (۲)
حفظ حرمت پیوند ازدواج (۴)
اطاعت از آنان که هدایت را بر عهده
دارند (۱۷.۷)

تقدیم قربانی حمد و ستایش (۱۶.۱۵)

قطعی بودن وعده خدا (۲۰-۱۳)

تغییر ناپذیری وعده خدا و سوگند
او (۱۸.۱۷)

۷ مَلِکِیَصِیْدِیْق، پادشاه و کاهنی خاص (۱۰-۱)
برتری کهانت مسیح (۲۸-۱۱)
مسیح قادر است کاملاً نجات
بخشد (۲۵)

۸ خیمه مظهر و سایه چیزهای
آسمانی (۶-۱)

مقایسه عهد پیشین و عهد جدید (۱۳-۷)
۹ خدمت مقدس در مکان مقدس

زمینی (۱۰-۱)

مسیح با خون خود به آسمان داخل
شد (۲۸-۱۱)

واسطه عهدی جدید (۱۵)

۱۰ قربانی حیوانات بی‌حاصل بود (۴-۱)
شریعت سایه چیزهای آینده (۱)
قربانی مسیح یک بار برای
همیشه (۱۸-۵)

راهی جدید و زنده برای داخل
شدن (۲۵-۱۹)

از گرد آمدن در جلسات کوتاهی
نکنیم (۲۵.۲۴)

است،* به وجود آورد. ۳ او بازتاب جلال
خدا و تصویری دقیق از ذات اوست و

۲:۱ * «آنچه در آسمان و بر زمین است» یا:
«نظام‌ها؛ اعصار»؛ این واژه یونانی می‌تواند
همچنین به معنی دوران‌های مشخصی باشد که
خدا طی آن‌ها مقاصد خود را به انجام رسانده
است؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر».

در ایام قدیم، خدا از طریق انبیا،
به‌کرات و به شیوه‌های بسیار با
پدران ما سخن گفت. ۲ حال در پایان
این روزها از طریق پسری که او را وارث
همه چیز ساخت با ما سخن گفته است
و از طریق او آنچه در آسمان و بر زمین

درستکاری بودی و متنفّر از قانون شکنی. از این رو، خدا، آری خدای تو، تو را با روغن مسح کرد و بیش از همقطاران^{*} شادی بخشید.» ۱۰ همچنین این که «ای سرور،^{*} در آغاز تو بودی که بنیادهای زمین را نهادی و آسمانها صنعت دست توست. ۱۱ آنها تباه خواهند شد، اما تو باقی خواهی ماند. آنها همه چون لباس، کهنه خواهند گشت ۱۲ و تو آنها را مانند ردایی خواهی پیچید. آنها همچون لباسی، تعویض خواهند شد، اما تو تغییر نخواهی کرد و سالهای تو هرگز به انتها نخواهد رسید.»

۱۳ خدا تا کنون درباره کدام یک از فرشتگان گفته است: «به دست راست من بنشین تا زمانی که دشمنانت را زیر پایت نهم؟» ۱۴ آیا این فرشتگان همگی روحهایی^{*} برای خدمت مقدّس^{*} نیستند؟ آیا فرستاده نمی شوند تا به کسانی خدمت کنند که نجات را به میراث خواهند برد؟

۹:۱ * به افرادی از نسل داوود اشاره دارد که بر مَسند پادشاهی بودند. ۱۰:۱ * به یونانی کوریئوس؛ رجوع به واژه نامه: «خداوند». ۱۴:۱ * به یونانی پنیوما؛ رجوع به واژه نامه: «روح». * یا: «برای خدمت به مردم».

همه چیز را با کلام پر قدرتش نگاه می دارد. او پس از آن که ما را از گناهان طاهر ساخت، به دست راست آن متعال^{*} در عرش برین نشست. ۴ بدین سان به همان اندازه که نامی والا تر از فرشتگان به میراث برد، به همان اندازه نیز از آنان برتر گشت.

۵ برای مثال، خدا تا کنون به کدام یک از فرشتگان گفته است: «تو پسر من هستی؛ من امروز پدر تو شده ام» یا «من پدر او خواهم شد و او پسر من؟» ۶ اما هنگامی که بار دیگر نخست زاده خود را نزد ساکنان زمین آورد، می گوید: «همه فرشتگان خدا بیایند و به او تعظیم کنند.»^{*}

۷ همچنین درباره فرشتگان می گوید: «او فرشتگان خود را چون باد^{*} پر قدرت می سازد و خادمان^{*} خود را همچون شعله های آتش.» ۸ اما در مورد پسر می گوید: «خدا همیشه و تا ابد تخت توست.»^{*} عصای پادشاهی تو، عصای عدل و انصاف است. ۹ تو دوستدار

۳:۱ * یا: «آن معظّم». ۶:۱ * به نشانه تکریم و ادای احترام. ۷:۱ * یا: «فرشتگان خود را روح می سازد؛ به یونانی پنیوما؛ رجوع به واژه نامه: «روح». * این خادمان به مردم خدمت می کنند. ۸:۱ * یا: «تخت تو تا ابد از جانب خداست».

۲

از این رو، ضروری است که با دقتی بیش از معمول به آنچه شنیده‌ایم، توجه کنیم، مبدا به تدریج از راه ایمان دور شویم: ۲ زیرا اگر آن پیام* که از طریق فرشتگان گفته شد، استوار می‌ماند و مجازات هر خطا و نافرمانی مطابق عدالت می‌بود ۳ و اگر به نجاتی به این عظمت بی‌توجهی می‌کردیم، چه راه گریزی می‌داشتیم؟ اما این سرورمان بود که نخست از آن نجات سخن گفت و بعد کسانی که سخن او را شنیدند، آن را برای ما تأیید کردند. ۴ در عین حال، خدا نیز با نشانه‌ها، عجایب، انواع معجزات* و عطایای روح القدس بر آن نجات‌گواهی داد؛ عطایایی که مطابق خواست خود تقسیم نمود.

۵ او زمین آینده* را که در مورد آن صحبت می‌کنیم، تحت فرمان فرشتگان قرار نداد. ۶ اما شخصی در جایی چنین گواهی داده است: «انسان چیست که او را در یاد نگاه می‌داری یا پسر انسان که از او مراقبت می‌کنی؟ ۷ او را اندکی پایین‌تر از فرشتگان گرداندی؛ تاج جلال

۲:۲ * منظور شریعت موسی است. ۴:۲ * تحت اللفظی: «اعمال خارق‌العاده». ۵:۲ * یا: «ساکنان آینده زمین».

و حرمت بر سر او گذاشتی و او را بر صنعت دست خود گماردی. ۸ همه چیز را تحت فرمان و زیر پای او نهادی.» خدا همه چیز را تحت فرمان او قرار داد و چیزی باقی نگذاشت که تحت فرمان او نباشد. با این حال، هنوز نمی‌بینیم که همه چیز تحت فرمان او باشد. ۹ اما می‌بینیم که هرچند عیسی پایین‌تر از فرشتگان گشت، به خاطر مرگ رنج‌آوری که متحمل شد، اکنون تاج جلال و حرمت بر سر او گذاشته شده است. به این ترتیب، به سبب لطف خدا، او طعم مرگ را به خاطر همگان چشید.

۱۰ بجا بود خدا که همه چیز برای او و توسط او هستی دارد، برای به جلال رساندن پسران بسیار، بگذارد پیشوای نجاتشان* رنج کشد و بدین طریق او را کامل گرداند؛ ۱۱ زیرا هم آن که تقدیس می‌کند و هم آنان که تقدیس می‌شوند، همه از یک پدرند. به همین دلیل عیسی از این که آنان را «برادر» بخواند خجل نیست، ۱۲ چنان که می‌گوید: «من نام تو را به برادرانم اعلام خواهم کرد؛ تو را در میان جماعت با خواندن سرود، ستایش خواهم نمود.» ۱۳ همچنین می‌گوید: ۱۰:۲ * تحت اللفظی: «پیشوای ارشد نجاتشان».

یعنی در عیسی. ۲ عیسی به کسی که او را منصوب کرد وفادار بود، چنان که موسی نیز در تمام خانه خدا* وفادار بود.

۳ از آنجا که سازنده خانه حرمتی بیش از خود خانه دارد، عیسی نیز شایسته جلالی بیش از موسی شمرده شد.

۴ البته هر خانه‌ای به دست کسی ساخته می‌شود، اما سازنده همه چیز خداست.

۵ موسی در مقام خدمتگزار، در تمام خانه خدا وفادار بود تا گواهی* باشد بر آنچه بعدها می‌بایست گفته می‌شد.

۶ اما مسیح در مقام پسر، در سرپرستی خانه خدا وفادار بود. ما خانه خدا هستیم، به شرط آن که تا به انتها شهامتمان* و امیدی را که به آن افتخار می‌کنیم، محکم نگاه داریم.

۷ از این رو، همان طور که از طریق روح القدس نوشته شده است: «امروز اگر صدای مرا* می‌شنوید، ۸ دل خود را سخت مسازید، همچون آن روز که مرا در بیابان آزمودند و به شدت خشمگین ساختند؛ ۹ در آنجا پدران شما، با این که

۲:۳* منظور جماعت خداست. ۵:۳* یا: «شهادتی». ۶:۳* رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار». ۷:۳* تحت‌اللفظی: «همان طور که روح القدس می‌گوید». *تحت‌اللفظی: «او را».

«من به او توکل خواهم کرد» و می‌گوید: «بنگرید! من و فرزندان‌ی که یهوه* به من داده است.»

۱۴ پس چون «فرزندان» از خون و جسم هستند، او نیز خون و جسم شد تا با مرگ خود، او را که می‌تواند باعث مرگ شود، یعنی ابلیس را از میان بردارد ۱۵ و همه کسانی را که تمام عمر به دلیل ترسشان از مرگ اسیر بودند، آزاد سازد؛ ۱۶ زیرا او برای یاری فرشتگان نیامد، بلکه در واقع آمد تا به نسل ابراهیم یاری رساند. ۱۷ از این رو، می‌بایست از هر جهت همچون «برادرانش» می‌شد تا بتواند کاهن اعظمی رحیم و وفادار در خدمت به خدا شود و قربانی کفاره* را برای گناهان مردم تقدیم کند. ۱۸ او خود هنگامی که آزموده می‌شد رنج کشید، پس می‌تواند به کسانی که آزموده می‌شوند، یاری رساند.

۳ پس ای برادران مقدس، ای کسانی که در دعوت آسمانی شریک هستید، در آن کسی که تصدیق می‌کنیم* رسول و کاهن اعظم است، تأمل کنید؛

۱۳:۲* این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یهوه» در این ترجمه به کار رفته است؛ رجوع به واژه‌نامه. ۱۷:۲* یا: «آشتی‌دهنده؛ پوشاننده». *یا: «و گناهان مردم را کفاره کند». ۱:۳* یا: «که معترفیم».

۴۰ سال اعمالم را دیده بودند، مرا آزمودند و امتحان کردند. ۱۰ به همین دلیل، از آن نسل بیزار شده، گفتم: «آنان همواره در دل خود به بیراهه می‌روند و راه‌های مرا نشناخته‌اند.» ۱۱ پس در خشم خود قسم خورده، گفتم: «آنان به آرامی من راه نخواهند یافت.»

۱۲ ای برادران، مراقب باشید که مبادا در میان شما کسی از خدای زنده رویگردان شده، دلش بی‌ایمان و شریر گردد، ۱۳ بلکه هر روز و تا زمانی که هنوز «امروز» خوانده می‌شود، یکدیگر را قوت قلب دهید تا قدرت فریبنده گناه، دل هیچ یک از شما را سخت نسازد؛ ۱۴ زیرا تنها زمانی در مسیح شریک می‌شویم* که اعتماد نخستین خود را تا به انتها محکم نگاه داریم. ۱۵ چنان که گفته شده است: «امروز اگر صدای او را می‌شنوید، دل خود را سخت مسازید، همچون زمانی که پدران شما او را به شدت خشمگین ساختند.»

۱۶ مردمانی که سخنان خدا را شنیدند و با این حال او را به خشم آوردند، چه کسانی بودند؟ آیا در واقع همهٔ آنانی نبودند که موسی از مصر بیرون آورد؟

۱۴:۳ یا: «با مسیح سهمی داریم.»

۱۷ به علاوه، خدا از چه کسانی ۴۰ سال بیزار شد؟ آیا از آنانی بیزار نشد که گناه کردند و جسدشان در بیابان افتاد؟ ۱۸ همچنین در مورد چه کسانی قسم خورده، به آنان گفت که به آرامی او راه نخواهند یافت؟ آیا در مورد آنانی نبود که از او نافرمانی کردند؟ ۱۹ پس می‌بینیم که به دلیل بی‌ایمانی بود که نتوانستند به آرامی او راه یابند.

۴ پس چون وعدهٔ راه یافتن به آرامی او هنوز باقی است، بیایید مراقب باشیم،* مبادا کسی از میان شما لایق راه یافتن به آن شمرده نشود؛ ۲ زیرا به ما نیز همچون پدرانمان خبر خوش اعلام شد. اما کلامی که آنان شنیدند برایشان سودی نداشت، چون ایمانی همچون ایمان کسانی که مطیع بودند، نداشتند. ۳ اما ما که ایمان آورده‌ایم، به آن آرامی راه می‌یابیم. او گفته است: «من در خشم خود قسم خوردم که «آنان به آرامی من راه نخواهند یافت»، هر چند کارهای او از زمان آغاز دنیا* به پایان رسیده بود؛ ۴ زیرا او در جایی در مورد روز هفتم چنین گفته ۱:۴ * تحت اللفظی: «بترسیم». ۳:۴ * «آغاز دنیا» تحت اللفظی: «به جا گذاشتن [نسل]»؛ به فرزندان آدم و حوا اشاره دارد.

فرو می‌رود که حتی نَفَس* را از روح* و مفاصل را از مغز استخوان جدا می‌کند و قادر است افکار و نیت‌های دل را بسنجد. ۱۳ هیچ چیز در خلقت نیست که از دید خدا پوشیده باشد، بلکه همه چیز در چشم آن کسی که باید به او حساب پس دهیم، عریان و به‌وضوح نمایان است.

۱۴ پس چون کاهن اعظمی والامقام داریم که از آسمان‌ها گذشته است، یعنی عیسی پسر خدا، بیایید همواره ایمانمان به او را به همگان اعلام کنیم؛ ۱۵ زیرا کاهن اعظم ما کسی نیست که نتواند به خاطر ضعف‌هایمان با ما همدردی کند؛ بلکه ما کاهن اعظمی داریم که از هر جهت همچون ما آزموده شد، اما بی‌گناه ماند. ۱۶ پس بیایید آزادانه* به تخت لطف الهی نزدیک شویم تا رحمت و لطفی را بیابیم که هنگام نیاز، به ما یاری رساند.

هر کاهن اعظم که از میان مردم انتخاب می‌شود، منصوب می‌گردد تا به نمایندگی از جانب آنان، خدمت به خدا را به جا آورد؛ یعنی هدایا تقدیم

۱۲:۴ *یا: «ظاهر شخص»؛ به یونانی پسیخه. *یا: «باطن شخص»؛ به یونانی پنوئما؛ رجوع به واژه‌نامه: «روح». ۱۶:۴ *رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار».

است: «خدا در روز هفتم از تمام کارهای خود آرامی گرفت» ۵ و باز گفته است: «آنان به آرامی من راه نخواهند یافت.» ۶ کسانی که خبر خوش، نخست به آنان اعلام شد، به سبب نافرمانی به آن آرامی راه نیافتند، اما هنوز فرصت باقی است که برخی به آن آرامی راه یابند. ۷ بنابراین، خدا بار دیگر روزی را تعیین کرد؛ زیرا مدت‌ها بعد در مزمور داوود واژه «امروز» را به کار برد؛ همان طور که در بالا نیز گفته شد که «امروز اگر صدای او را می‌شنوید، دل خود را سخت مسازید.» ۸ زیرا اگر یوشع آنان را به آن آرامی هدایت کرده بود، خدا بعد از آن، از یک روز دیگر سخن نمی‌گفت. ۹ پس هنوز آرامی‌ای همچون آرامی روز سَبْت* برای قوم خدا باقی است؛ ۱۰ زیرا کسی که به آرامی خدا راه یافته، از کارهای خود نیز آرامی گرفته است، درست همان طور که خدا از کارهای خود آرامی گرفت.

۱۱ پس بیایید نهایت سعی خود را بکنیم تا به آن آرامی راه یابیم، مبدا کسی لغزش خورده، همان الگوی نافرمانی را در پیش گیرد. ۱۲ کلام خدا زنده و پر قدرت و از هر شمشیر دو دم تیزتر است و چنان

دهد، تقدیم کرد و دعا‌های او به خاطر خداترسی‌اش مستجاب شد. ۸ او هرچند پسر خدا بود، با رنجی که کشید، اطاعت را آموخت. ۹ پس از آن که کامل گشت،* این مسئولیت را یافت که نجات ابدی را برای تمام کسانی که از او اطاعت می‌کنند، میسر سازد؛ ۱۰ زیرا خدا او را برگزید تا به شیوهٔ ملک‌یصِدِّق کاهن اعظم شود.

۱۱ در مورد مسیح مطالب بسیاری برای گفتن داریم، اما توضیح آن دشوار است؛ زیرا گوش شما سنگین شده است. ۱۲ شما تا به حال می‌بایست معلّم می‌بودید، اما بار دیگر نیاز دارید که کسی اصول ابتدایی کلام مقدّس خدا را از آغاز به شما بیاموزد؛ شما به عقب بازگشته‌اید و به شیر نیاز دارید، نه خوراک سنگین.* ۱۳ کسی که هنوز شیرخواره است با کلام عدالت آشنایی ندارد؛ زیرا طفل است. ۱۴ اما خوراک سنگین* برای بالغان است؛ برای آنانی که با استفادهٔ مداوم از قدرت تشخیص* خود، آن را پرورش داده‌اند^۵ تا خوب را از بد تشخیص دهند.

۹:۵* یا: «هنگامی که کاملاً واجد شرایط شد». ۱۲:۵، ۱۴* تحت‌اللفظی: «سفت: جامد». ۱۴:۵* یا: «قدرت درک». ۵:۱۴* «تمرین داده‌اند»: در یونانی به تمرین‌های ژیمناست اشاره دارد.

کند و قربانی‌ها برای گناهان بگذرانند. ۲ او می‌تواند با کسانی که ناآگاهانه خطا می‌کنند،* با دلسوزی* رفتار کند؛ چون خود نیز با ضعف‌هایش روبروست.^۵ ۳ از این رو، همان طور که برای گناهان مردم قربانی تقدیم می‌کند، باید برای گناهان خود نیز چنین کند.

۴ هیچ کس به خواست خویش این افتخار را نصیب خود نمی‌کند، بلکه این افتخار را تنها زمانی می‌یابد که خدا او را فراخواند، چنان که هارون را فراخواند. ۵ مسیح نیز کاهن اعظم شد، اما او شخصاً خود را به این جلال نرساند، بلکه به دست کسی به این جلال نایل آمد که به او گفت: «تو پسر من هستی؛ من امروز پدر تو شده‌ام.» ۶ همچنین در جای دیگر می‌گوید: «تو به شیوهٔ ملک‌یصِدِّق تا به ابد کاهن هستی.»

۷ مسیح در طول زندگی خود بر زمین* دعا‌های التماس‌آمیز و درخواست‌های خود را با فریادهای بلند و اشک‌ها به حضور کسی که قادر بود او را از مرگ نجات

۲:۵* یا: «به راه خطا می‌روند». ۳:۱۴* یا: «به نرمی؛ به اعتدال». ۵:۱۴* «چون خود نیز تحت تأثیر ضعف‌هایش است». ۷:۵* تحت‌اللفظی: «در ایام جسم خود».

مفید به بار آورد. ۸ اما اگر خار و خس به بار آورد، متروک می‌شود و در معرض لعنت قرار می‌گیرد و در نهایت سوزانده خواهد شد.

۹ ای عزیزان، درست است که این گونه با شما سخن می‌گوییم، اما یقین داریم که شما از چیزهای بهتری برخوردارید، چیزهایی که به نجات می‌انجامد؛ ۱۰ زیرا خدا بی‌انصاف نیست که عمل شما و محبتی را که به خاطر نام او ابراز داشته‌اید، فراموش کند. شما این محبت را از طریق خدمتی که به مقدّسان کرده و می‌کنید، ابراز داشته‌اید. ۱۱ آرزو داریم که هر یک از شما، همین سخت‌کوشی را نشان دهد. بدین گونه می‌توانید اطمینان کاملی را که به تحقق امیدتان دارید، تا به انتها حفظ کنید ۱۲ و کاهل نشوید، بلکه آنانی را سرمشق قرار دهید که وعده‌ها را از طریق ایمان و شکیبایی به میراث می‌برند.

۱۳ وقتی خدا به ابراهیم وعده داد، چون نمی‌توانست به کسی بزرگ‌تر از خود سوگند خورد، به خود سوگند خورد ۱۴ و گفت: «من یقیناً تو را برکت خواهم داد و قطعاً نسل تو را زیاد خواهم ساخت.» ۱۵ پس از این که ابراهیم

پس حال که تعالیم ابتدایی در مورد مسیح را پشت سر گذاشته‌ایم، بیایید به سوی بلوغ پیش رویم و باز به ریختن شالودهٔ بنا اکتفا نکنیم؛ یعنی تعالیمی همچون توبه از اعمال مرده،* ایمان به خدا ۲ و تعالیمی در مورد تعمیدها، گذاشتن دست‌ها بر کسی، رستخیز مردگان و داوری ابدی. ۳ به‌راستی اگر خدا اجازه دهد، به سوی بلوغ پیش خواهیم رفت.

۴ کسانی که یک بار نور را دریافت کرده‌اند و طعم موهبت آسمانی را چشیده‌اند و در روح‌القدس سهیم شده‌اند ۵ و طعم کلام نیکوی خدا و برکات* نظام* آینده را چشیده‌اند، ۶ اما از ایمان برگشته‌اند، غیرممکن است که بتوان آنان را دوباره به توبه برانگیخت؛ زیرا ایشان خود بار دیگر پسر خدا را به تیر می‌خکوب می‌کنند و او را در مقابل همگان بی‌حرمت می‌سازند. ۷ زمین هنگامی از خدا برکت می‌یابد که بارانی را که بارها بر آن می‌بارد، جذب کند و برای کسانی که آن زمین برایشان زیر کشت رفته است، محصول

۱:۶ * یا: «باطل؛ بی‌ثمر». ۵:۶ * تحت‌اللفظی: «نیروهای». * یا: «عصر»؛ رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر».

داد. ۲ ابراهیم نیز یک‌دهم همه چیز را به او عطا کرد.* معنی نام او «پادشاه عدالت» است. او پادشاه سالیم نیز خوانده می‌شود؛ یعنی «پادشاه صلح». ۳ از آنجا که پدر، مادر، شجره‌نامه، آغاز و پایان زندگی او مشخص نیست، بدین سان همچون پسر خدا شد و برای همیشه کاهن می‌ماند.

۴ می‌بینید که این مرد چقدر بزرگ بود که ابراهیم، بزرگ‌خاندان؛* یک‌دهم از بهترین غنایم را به او داد. ۵ درست است که مطابق شریعت، پسران لاوی که به مقام کهنات می‌رسند، موظفند از قوم ده‌یک بگیرند، یعنی از برادران خود، هرچند آنان نیز از نسل* ابراهیم هستند. ۶ اما این مرد که از نسل لاوی نبود، ده‌یک از ابراهیم گرفت و ابراهیم را که وعده‌ها به او داده شده بود، برکت داد. ۷ بدیهی است که کوچک‌تر از بزرگ‌تر برکت می‌یابد. ۸ لاویان که ده‌یک می‌گیرند، مردانی هستند که می‌میرند، اما آن مرد که ده‌یک گرفت، شهادت داده شده که زنده است. ۹ همچنین

با شکیبایی انتظار کشید، آن وعده را یافت. ۱۶ انسان‌ها به شخصی بزرگ‌تر از خود سوگند می‌خورند و چون سوگندشان تضمینی قانونی است، به هر بحثی پایان می‌دهد. ۱۷ به همین شکل، وقتی خدا تصمیم گرفت که تغییرناپذیر بودن مقصود خود را به وارثان وعده آشکارتر سازد، آن را با سوگندی تضمین کرد. ۱۸ به این ترتیب، از طریق دو امر تغییرناپذیر* که ممکن نیست خدا در مورد آن‌ها دروغ بگوید، ما که به خدا پناه برده‌ایم، قویاً ترغیب می‌شویم تا امیدمان را محکم نگاه داریم؛ امیدی که پیش روی ما قرار داده شده است. ۱۹ این امید برای جان ما همچون لنگری مطمئن و استوار است و ما را به آن سوی پرده* می‌برد، ۲۰ جایی که یک پیشرو، یعنی عیسی به نمایندگی از ما داخل آن شد و به شیوۀ ملکِ یَصِدِّق تا ابد کاهن اعظم گردید.

این ملکِ یَصِدِّق، پادشاه سالیم و کاهن خدای متعال بود. او به استقبال ابراهیم که از شکست دادن پادشاهان باز می‌گشت، رفت و او را برکت

۱۸:۶ * منظور وعده و سوگند يְהוָה است. ۱۹:۶ * این پرده قدس‌الاقداص خیمۀ عبادت را از مکان قدس جدا می‌ساخت.

۲:۷ * تحت‌اللفظی: «تقسیم کرد». ۴:۷ * تحت‌اللفظی: «پاتریازک». ۵:۷ * تحت‌اللفظی: «از صلب».

می‌توان گفت، حتی خود لاوی که دهیک می‌گرفت، از طریق ابراهیم دهیک داده است؛ ۱۰ زیرا هنگامی که **مَلِکِیَصِدِیق** به استقبال ابراهیم رفت، لاوی به نوعی در وجود* جد خود ابراهیم بود.

۱۱ حال اگر رسیدن به کاملیت، از طریق کهنات لاوی میسر می‌بود، (زیرا این کهنات یکی از جنبه‌های شریعت بود که به قوم داده شد) دیگر چه نیازی بود که گفته شود، کاهنی به شیوه **مَلِکِیَصِدِیق** برخواهد خاست و نه به شیوه هارون؟ ۱۲ پس اگر کهنات در حال تغییر است، شریعت نیز لازم است تغییر کند، ۱۳ چون کسی که این مطالب در مورد او گفته می‌شود، از طایفه‌ای دیگر آمد؛ طایفه‌ای که هیچ کس از آن در برابر مذبح خدمت نکرده است؛ ۱۴ زیرا روشن است که سرور ما از نسل یهودا بود، اما موسی نگفت که کاهنان از طایفه یهودا می‌آیند. ۱۵ این امور حتی هنگامی روشن‌تر می‌شود که می‌بینیم کاهنی دیگر برخاست که همچون **مَلِکِیَصِدِیق** است. ۱۶ او بر پایه آن قانونی که مربوط به اصل و نسب می‌شود، کاهن نشد، بلکه بر مبنای قدرتی که به او حیات تباهی ناپذیر

می‌بخشد، کهنات را یافت؛ ۱۷ زیرا در مورد او چنین شهادت داده شد: «تو به شیوه **مَلِکِیَصِدِیق** تا ابد کاهن هستی.» ۱۸ پس حکم سابق به این دلیل که ضعیف است و کارایی ندارد، منسوخ شد؛ ۱۹ زیرا شریعت هیچ چیز را کامل نکرد، اما آن امید بهتر که جایگزین آن شد، چنین کرد و از طریق آن به خدا نزدیک می‌شویم. ۲۰ همچنین، از آنجا که این امر بدون سوگند انجام نشد، ۲۱ (چون مردانی بودند که بدون سوگند کاهن شدند، اما این شخص با سوگند کاهن شد. آری، خدا در مورد او چنین سوگند خورد: «**يَهُوه*** سوگند خورده است و نظر خود را تغییر نخواهد داد،* (تو تا ابد کاهن هستی،)» ۲۲ به همین خاطر، عیسی نیز ضامن عهدی بهتر شده است. ۲۳ به علاوه، چون مرگ مانع می‌شد که کاهنان به خدمت خود ادامه دهند، بسیاری باید جانشین آنان می‌شدند. ۲۴ اما از آنجا که او تا ابد زنده است، نیاز به جانشینی برای کهنات او نیست. ۲۵ از این رو، او قادر است کسانی را که از طریق وی نزد خدا می‌آیند، کاملاً نجات

۲۱:۷* رجوع به واژه‌نامه. * یا: «و پشیمان نخواهد

بخشد؛ زیرا همیشه زنده است تا برای آنان شفاعت کند.

۲۶ لازم است که ما چنین کاهن اعظمی داشته باشیم: کاهنی وفادار، بی‌گناه، پاک، جدا از گناهکاران و دارای مقامی بالاتر از آسمان‌ها. ۲۷ او برخلاف دیگر کاهنان اعظم، نیازی ندارد که روزانه نخست برای گناهان خود و سپس برای گناهان قوم قربانی بگذراند؛ زیرا هنگامی که خود را تقدیم کرد، آن قربانی را یک بار برای همیشه گذراند؛ ۲۸ زیرا مردانی که طبق شریعت به عنوان کاهن اعظم منصوب می‌شوند، ضعف‌هایی دارند. اما طبق آن سوگندی که پس از شریعت یاد شد، پسری منصوب می‌شود که برای همیشه کامل شده است.

▲ نکته اصلی سخن ما این است: آری، ما چنین کاهن اعظمی داریم؛ کاهنی که به دست راست تخت آن متعال* در آسمان‌ها نشسته است. ۲ او خدمتگزاری* در مکان اقدس* خیمه حقیقی است؛ خیمه‌ای که یهوه^۵ آن را برپا کرد، نه انسان. ۳ هر کاهن اعظم

۱: ۸ * یا: «آن معظم». ۲: ۸ * منظور کسی است که به مردم خدمت می‌کند. * منظور قدس الاقداس است؛ رجوع به واژه‌نامه: «قدس الاقداس». ۲: ۸، ۸^۵ رجوع به واژه‌نامه.

برای تقدیم هدایا و قربانی‌ها منصوب می‌شود، پس لازم بود که او نیز چیزی برای تقدیم کردن داشته باشد. ۴ حال اگر او بر زمین بود، کاهن نمی‌بود؛ زیرا کاهنان دیگری هستند که مطابق شریعت هدایا تقدیم می‌کنند. ۵ این کاهنان به خدمت مقدس مشغولند که مظهر و سایه چیزهای آسمانی است؛ موسی نیز هنگامی که می‌خواست خیمه را بسازد به او این حکم الهی داده شد: «دقت کن و همه چیز را مطابق نمونه‌ای بساز که در کوه به تونشان داده شد.» ۶ اما حال به عیسی خدمتی* بسیار والاتر از خدمت آن کاهنان عطا شده است؛ زیرا او همچنین واسطه عهدی است که به همان نسبت بسیار برتر از عهد پیشین است؛ عهدی که قانوناً و بر پایه وعده‌هایی بهتر از وعده‌های پیشین، بنا شده است.

۷ اگر عهد نخست بی‌عیب بود، نیازی به عهد دوم نمی‌بود؛ ۸ زیرا خدا عیب‌های قوم را دید و در این مورد چنین آمده است: «یهوه^۵ می‌گوید: «بنگر! روزهایی می‌آید که با خاندان اسرائیل و با خاندان یهودا عهدی جدید خواهم بست. ۹ این عهد همچون عهدی نخواهد بود

۶: ۸ * منظور خدمت به مردم است.

بود. قسمت اول که چراغدان، میز و نان تقدیمی در آن قرار داشت، مکان قدس خوانده می‌شد. ۳ اما پشت پردهٔ دوم،* قسمت دیگر خیمه بود که قدس‌الاقداس نام داشت. ۴ در آنجا آتشدان طلایی برای سوزاندن بخور و صندوق عهد که کاملاً با طلا پوشیده شده بود، قرار می‌گرفت. داخل صندوق عهد، ظرفی طلایی حاوی منّا، عصای هارون که شکوفه آورده بود و لوح‌های عهد، قرار داده شده بود. ۵ بالای آن، کُروبیان* پرجلال بر درپوش صندوق* سایه افکنده بودند. اما اکنون وقت پرداختن به شرح جزئیات این امور نیست.

۶ به هر حال، پس از آن که همه چیز را به این شکل آماده ساختند، کاهنان برای انجام دادن خدمت مقدّس، مرتباً به قسمت اول خیمه داخل می‌شدند. ۷ اما کاهن اعظم یک بار در سال، به تنهایی داخل قسمت دوم می‌شد و

۳:۹* این پرده قدس‌الاقداس خیمهٔ عبادت را از مکان قدس جدا می‌ساخت. ۵:۹* کُروبیان فرشتگانی والامقام هستند. *یا: «بر جایگاه کفّاره»: واژهٔ یونانی که در اینجا «درپوش» ترجمه شده است، به قربانی کفّاره نیز اشاره دارد. این قربانی تقدیم می‌شد تا شخص رضایت خدا را حاصل کند.

که با پدرانشان بستم، در آن روز که دستشان را گرفتم تا آنان را از سرزمین مصر بیرون آورم؛ زیرا به عهد من وفادار نماندند، پس من نیز از آنان دیگر مراقبت نکردم. این است آنچه یَهُوه* می‌گوید. ۱۰ «یَهُوه* می‌گوید: (این است عهدی که پس از آن ایّام با خاندان اسرائیل خواهم بست. من احکام خود را در ذهن آنان خواهم نهاد و در دل آنان خواهم نوشت. من خدای ایشان خواهم شد و آنان قوم من خواهند گردید.

۱۱ «دیگر کسی به هم‌وطن و برادر خود تعلیم نخواهد داد و نخواهد گفت: «یَهُوه* را بشناس!» چون همه، از کوچک و بزرگ، مرا خواهند شناخت؛ ۱۲ زیرا من اعمال بد آنان را خواهم بخشید و گناهانشان را دیگر به خاطر نخواهم آورد.»

۱۳ چون خدا سخن از «عهد جدید» به میان می‌آورد، پس عهد پیشین را منسوخ کرده است و آنچه منسوخ و کهنه می‌شود، زود از میان می‌رود.

۹ عهد پیشین دارای دستورهای قانونی برای خدمت مقدّس بود و مکانی مقدّس برای پرستش بر زمین داشت. ۲ این خیمه از دو قسمت تشکیل شده

مکان اقدس داخل شد، اما نه با خون بزها و گوساله‌ها، بلکه با خون خود، یک بار برای همیشه و رهایی* ابدی را برای ما فراهم ساخت: ۱۳ زیرا اگر خون بزها و گاوها و پاشیدن خاکستر گوساله بر آنانی که ناپاک شده‌اند، شخص را تقدیس کرده، جسم را طاهر می‌سازد، ۱۴ چقدر بیشتر خون مسیح که خود را از طریق روح جاودان، بی‌عیب به خدا تقدیم کرد، وجدان ما را از اعمال مرده* پاک خواهد ساخت تا بتوانیم خدای زنده را خدمت* کنیم!

۱۵ به همین دلیل، مسیح واسطهٔ عهدی جدید است تا آنان که فراخوانده شده‌اند، بتوانند وعدهٔ میراث ابدی را بیابند؛ زیرا با مرگ او بهای رهایی آنان پرداخته شد تا از خطاهایی که تحت عهد پیشین مرتکب شده بودند، آزاد گردند. ۱۶ در واقع، اگر عهدی با خدا بسته شده باشد، باید مرگ شخصی که عهد با او بسته شده است، ثابت شود؛ ۱۷ زیرا چنین عهدی با مرگ اعتبار می‌یابد، چون تا زمانی که طرف انسانی عهد زنده است،

۱۲:۹ * تحت‌اللفظی: «بهای رهایی: بازخرید». ۱۴:۹ * یا: «باطل: بی‌ثمر». * یا: «خدمت مقدّس».

می‌بایست به همراه خود مقداری خون می‌برد تا برای خود و برای گناहانی که قوم ناآگاهانه مرتکب آن شده بودند، تقدیم کند. ۸ پس روح‌القدس روشن می‌سازد که راه ورود به مکان اقدس* تا زمانی که خیمهٔ نخست برپا بود، هنوز آشکار نشده بود. ۹ این خیمه زمان حاضر را به تصویر می‌کشد و به این دلیل هدایا و قربانی‌ها هنوز تقدیم می‌شود. اما این‌ها نمی‌تواند وجدان کسی را که خدمت مقدّس را به جا می‌آورد، کاملاً پاک سازد. ۱۰ این هدایا و قربانی‌ها تنها به غذاها، نوشیدنی‌ها و آیین‌های گوناگونِ تطهیر* مربوط می‌شود. این‌ها فرائضی برای جسم بود و تا زمان تعیین شده که در آن همه چیز اصلاح می‌شود، به جا آوردن آن‌ها واجب بود.

۱۱ اما وقتی مسیح در مقام کاهن اعظم آمد تا برکاتی را بیاورد که اکنون نصیب ما شده است، از خیمه‌ای بزرگ‌تر و کامل‌تر گذشت که به دست انسان ساخته نشده است؛ به عبارت دیگر، جزو چیزهایی نیست که بر زمین آفریده شد. ۱۲ او به

۸:۹ * منظور قدس‌الاقداّس است: رجوع به واژه‌نامه: «قدس‌الاقداّس». ۱۰:۹ * تحت‌اللفظی: «و غسل‌های گوناگون».

۲۵ او داخل نشد تا خود را بارها چون قربانی تقدیم کند، همچون کاهن اعظم که هر ساله به مکان اقدس با خونی که خون او نیست، داخل می‌شود. ۲۶ اگر چنین می‌بود، او می‌بایست از آغاز دنیا* بارها رنج می‌کشید. اما اکنون، در دوران پایانی این نظام حاضر،* یک بار برای همیشه آمد تا با قربانی خود، گناه را از میان بردارد. ۲۷ همان طور که برای انسان مقرر شده است که تنها یک بار بمیرد و پس از آن داوری شود، ۲۸ مسیح نیز تنها یک بار همچون قربانی تقدیم شد تا گناهان بسیاری را متحمل شود. اما بار دوم که ظاهر شود، برای برداشتن گناهان نخواهد بود و کسانی که برای نجات خود با اشتیاق در انتظار او هستند، او را خواهند دید.

♦ ۱ شریعت فقط سایه چیزهای نیکوی آینده است، نه اصل آن‌ها. به این دلیل، هرگز نمی‌تواند* با همان قربانی‌هایی که هر ساله تقدیم می‌شود، کسانی را که نزد خدا می‌آیند،

۲۶:۹* «آغاز دنیا» تحت اللفظی: «به جا گذاشتن [نسل]: به فرزندان آدم و حوّا اشاره دارد. * یا: «نظام‌ها؛ اعصار»: رجوع به واژه‌نامه: «دوران پایانی نظام حاضر. ۱:۱۰* یا احتمالاً: «انسان هرگز نمی‌تواند».

آن عهد ارزش قانونی ندارد. ۱۸ از این رو، عهد پیشین نیز بدون خون به مرحله اجرا درنیامد.* ۱۹ در واقع، موسی نیز وقتی همه احکام شریعت را به تمام قوم بیان کرد، خون گوساله‌ها و بزها را گرفت و آن را همراه با آب، با پشم سرخ‌فام و شاخه‌های زوفا، هم بر کتاب* و هم بر همه قوم پاشید ۲۰ و گفت: «این خون آن عهد است که خدا به شما حکم کرد تا آن را حفظ کنید.» ۲۱ او همان خون را بر خیمه و تمام ظروفی پاشید که برای خدمت مقدّس* بود. ۲۲ آری، مطابق شریعت تقریباً همه چیز با خون پاک می‌شود و بدون ریخته شدن خون، گناهی بخشیده نمی‌شود.

۲۳ در نتیجه، لازم بود آنچه مظهر چیزهای آسمانی است نیز با قربانی‌های حیوانی پاک شود، اما چیزهای آسمانی به قربانی‌های بسیار برتر نیاز دارد: ۲۴ زیرا مسیح به مکانی اقدس که ساخته دست انسان و تنها تصویری از مکان اقدس واقعی است، داخل نشد، بلکه به خود آسمان داخل شد و اکنون به نمایندگی از طرف ما، در برابر خدا حاضر است.

۱۸:۹* یا: «با خون رسمیت یافت.» ۱۹:۹* یا: «طومار.» ۲۱:۹* منظور خدمت به مردم است.

همین «خواست» ما از طریق قربانی بدن عیسی مسیح، یک بار برای همیشه تقدیس شده‌ایم.

۱۱ همچنین هرکاهن هر روز در جایگاه خود برای خدمت* حاضر می‌شود و مکرراً همان قربانی‌هایی را تقدیم می‌کند که هرگز نمی‌توانند گناهان را کاملاً از میان بردارند. ۱۲ اما این مرد، یک قربانی برای همیشه به جهت گناهان تقدیم کرد و به دست راست خدا نشست ۱۳ و از آن پس منتظر است تا دشمنانش زیر پایش نهاده شوند؛ ۱۴ زیرا او با یک قربانی، آنانی را که تقدیس می‌شوند، برای همیشه کامل ساخته است. ۱۵ به علاوه، روح القدس نیز به ما گواهی می‌دهد، چون ابتدا گفته است: ۱۶ «يְهוֹه* می‌گوید: «این است عهدی که پس از آن ایام با آنان خواهم بست. من احکام خود را در دل ایشان خواهم نهاد و در ذهن آنان خواهم نوشت.» ۱۷ سپس گفته است: «من گناهان و نافرمانی‌های آنان را دیگر به خاطر نخواهم آورد.» ۱۸ پس حال که این گناهان بخشیده می‌شود، دیگر نیازی نیست که برای گناهان، قربانی تقدیم شود.

۱۱:۱۰ * منظور خدمت به مردم است. ۱۶:۱۰

* رجوع به واژه‌نامه.

کامل سازد. ۲ در غیر این صورت، آیا تقدیم قربانی‌ها متوقف نمی‌شود؟ زیرا کسانی که خدمت مقدس را به جا می‌آورند، یک بار برای همیشه پاک می‌شدند و دیگر به خاطر گناهان خود احساس تقصیر نمی‌کردند. ۳ اما حال این که آن قربانی‌ها هر ساله یادآور گناهانند؛ ۴ زیرا امکان ندارد که خون گاوها و بزها گناهان را از میان بردارد.

۵ پس هنگامی که مسیح به این دنیا آمد، گفت: «قربانی و هدیه را نخواستی، اما بدنی برای من آماده ساختی. ۶ تو از هدایای سوختنی و قربانی‌های گناه خشنود نبودی.» ۷ آنگاه همچنین گفت: «بنگر! (در طومار* در مورد من نوشته شده است) ای خدا، آمده‌ام تا خواست تو را به جا آورم.» ۸ آری، او ابتدا گفت: «تو قربانی‌ها، هدایا، هدایای سوختنی و قربانی‌های گناه را نخواستی، همچنین از آن‌ها خشنود نبودی» - قربانی‌هایی که طبق شریعت تقدیم می‌شود - ۹ سپس گفت: «بنگر! من آمده‌ام تا خواست تو را به جا آورم.» پس او ترتیبات نخست را از میان برمی‌دارد تا ترتیبات دوم را برقرار سازد. ۱۰ مطابق

۷:۱۰ * تحت اللفظی: «طومار کتاب».

برخی عادت شده است، بلکه یکدیگر را تشویق و ترغیب کنیم. بیایید بیش از پیش به این امور بپردازیم، به خصوص که می‌بینید آن روز همچنان نزدیک‌تر می‌شود.

۲۶ زیرا اگر پس از آن که در مورد حقیقت، شناخت دقیق کسب کردیم، عمداً به گناه خود ادامه دهیم، دیگر هیچ قربانی‌ای برای گناهان باقی نمی‌ماند، ۲۷ بلکه آنچه باقی می‌ماند، انتظار هولناک داوری و خشم آتشی است که مخالفان را نابود خواهد کرد. ۲۸ هر که شریعت موسی را زیر پا می‌گذاشت و دو یا سه شاهد بر آن گواهی می‌دادند، بدون ترحم کشته می‌شد. ۲۹ حال اگر کسی پسر خدا را پایمال کند، ارزش خون عهد را که با آن تقدیس گردید، پیش پا افتاده بداند و با وقاحت به روحی که لطف خدا را نمایان می‌سازد، اهانت کند، چقدر بیشتر سزاوار مجازات خواهد بود! آیا به نظر شما چنین نیست؟ ۳۰ زیرا او را می‌شناسیم که گفت: «انتقام از آن من است؛ من سزا خواهم داد.» همچنین نوشته شده است: «يَهُوه * قوم خود را داوری خواهد کرد.»

۳۰:۱۰ * رجوع به واژه‌نامه.

۱۹ پس ای برادران، چون از طریق خون عیسی، اطمینان* کامل داریم که می‌توانیم به مکان اقدس* داخل شویم ۲۰ - یعنی از راهی جدید و زنده که او از طریق پرده* که بدن اوست، برای ما باز کرد - ۲۱ و چون کاهنی بزرگ بر خانه خدا* داریم، ۲۲ بیایید با دلی صادق و ایمانی کامل، در حالی که دلمان از تأثیر وجدان شریر پاک شده* و بدنمان با آب پاک شسته شده است، به خدا نزدیک شویم. ۲۳ بیایید بی‌آنکه متزلزل شویم، همچنان با استواری امیدمان را به همگان اعلام کنیم: زیرا او که وعده داد، امین است. ۲۴ بیایید به یکدیگر توجه داشته باشیم* تا بتوانیم همدیگر را به ابراز محبت و اعمال نیکو برانگیزیم. ۲۵ همچنین از گرد آمدن در جلسات* کوتاهی نکنیم، چنان که برای

۱۹:۱۰ * یا: «شجاعت». * منظور قدس‌الاقداص است: رجوع به واژه‌نامه: «قدس‌الاقداص». ۲۰:۱۰ * این پرده قدس‌الاقداص خیمه عبادت را از مکان قدس جدا می‌ساخت. ۲۱:۱۰ * یا: «برای سرپرستی اهل خانه خدا». ۲۲:۱۰ * یا: «دلمان با پاشیده شدن خون عیسی از تأثیر وجدان شریر پاک شده است». ۲۴:۱۰ * یا: «به فکر یکدیگر باشیم: ملاحظه یکدیگر را بکنیم». * یا: «تشویق کنیم: ترغیب کنیم». ۲۵:۱۰ * منظور گردهمایی‌های مربوط به پرستش است.

۳۱ افتادن در دست‌های خدای زنده هولناک است.

۳۲ با این حال، ایام گذشته را از یاد مبرید، بعد از آن که نور الهی بر شما تابید. در آن زمان، مصایبی سخت متحمل شدید و با وجود رنجی که کشیدید، پایدار ماندید. ۳۳ گاه شما را پیش روی همگان* اهانت می‌کردند و آزار می‌رساندند و گاه در کنار کسانی بودید* که با چنین مصایبی روبرو بودند؛ ۳۴ زیرا شما با آنان که در زندان بودند، همدردی کردید، همچنین شادمانه تاراج اموالتان را پذیرفتید، چون می‌دانستید که از دارایی برتر و ماندگار برخوردارید.

۳۵ از این رو، شهادت* خود را که پاداشی عظیم دارد، از دست مدهید. ۳۶ زیرا باید پایداری کنید و خواست خدا را به جا آورید تا تحقق وعده را بیابید. ۳۷ چون «بعد از اندک زمانی» «آن که باید بیاید، خواهد رسید و تأخیر نخواهد کرد». ۳۸ «اما خادم درستکار* من به سبب ایمانش حیات خواهد داشت» و «اگر به عقب برگردد، جان من از

۳۲:۱۰ * تحت‌اللفظی: «پیش روی همگان همچون در میدان نمایش». * یا: «گاه به کسانی کمک می‌کردید». ۳۵:۱۰ * رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار». ۳۸:۱۰؛ ۴:۱۱ * یا: «عادل».

او خشنود نخواهد بود». ۳۹ البته ما از جمله کسانی نیستیم که خود را عقب می‌کشند و نابود می‌شوند، بلکه ما از آنانی هستیم که ایمان دارند؛ ایمانی که به حیات* می‌انجامد.

۱۱ ایمان اطمینان قطعی به تحقق چیزهایی است که به آن امید داریم و اعتقاد به حقایقی است که دیده نمی‌شود، اما گواهی روشن* برای آن‌ها وجود دارد. * ۲ در ایام قدیم، افرادی* بودند که به دلیل ایمانشان، بر آنان به نیکویی شهادت داده شد.

۳ با ایمان است که پی می‌بریم، آنچه در آسمان و بر زمین است،* از طریق کلام خدا نظم یافته است. بنابراین، آنچه دیده می‌شود از آنچه دیده نمی‌شود، به وجود آمده است.

۴ با ایمان بود که هابیل قربانی‌ای پرارزش‌تر از قربانی قائن به خدا تقدیم کرد و به خاطر ایمانش شهادت داده شد که درستکار* است؛ زیرا خدا هدایایش

۳۹:۱۰ * تحت‌اللفظی: «حفظ جان». ۱:۱۱ * یا: «گواهی قانع‌کننده». * یا: «و گواهی روشن بر حقایقی است که دیده نمی‌شود». ۲:۱۱ * «در ایام قدیم، افرادی» یا: «اجداد ما». ۳:۱۱ * «آنچه در آسمان و بر زمین است» یا: «نظام‌ها؛ اعصار»: رجوع به واژه‌نامه: «نظام حاضر».

مکانی گشت که آن را به میراث می‌برد. او دیار خود را ترک کرد، گرچه نمی‌دانست به کجا می‌رود. ۹ با ایمان بود که او همچون غریبه‌ای در سرزمینی بیگانه، یعنی در سرزمین موعود به سر برد و همچون اسحاق و یعقوب که با او وارث همان وعده بودند، در خیمه‌ها زندگی کرد؛ ۱۰ زیرا او در انتظار شهری با بنیاد حقیقی بود، که طراح* و سازندهٔ آن خداست.

۱۱ با ایمان بود که سارا هرچند از سن بارداری گذشته بود، توانایی یافت تا نطفهٔ فرزندی* در او بسته شود، چون وعده‌دهنده را امین* شمرد. ۱۲ به همین دلیل، از یک مرد که تقریباً مرده بود، فرزندی بسیار به دنیا آمد؛ آری، به تعداد ستارگان آسمان و بی‌شمار همچون شن‌های ساحل دریا.

۱۳ همهٔ اینان هرچند که وعده‌ها در زمان حیاتشان تحقق نیافت، ایمان خود را تا پای مرگ حفظ کردند. ایشان وعده‌ها را از دور دیدند و با آغوش باز پذیرفتند و در برابر مردم اعلام کردند که در آن سرزمین غریبه و ساکنانی موقتند. ۱۴ در واقع، کسانی که چنین سخن می‌گویند،

۱۰:۱۱ *یا: «معمار». ۱۱:۱۱ *تحت اللفظی: «نسلی». *یا: «قابل اعتماد».

را پذیرفت.* از این رو، اگرچه هابیل مرده است، هنوز از طریق ایمانش سخن می‌گوید.

۵ با ایمان بود که خنوخ انتقال یافت تا مرگ را نبیند و چون خدا او را انتقال داد، دیگر او را نیافتند؛ اما پیش از آن که انتقال یابد، شهادت داده شد که او خدا را خشنود ساخته است. ۶ به علاوه، غیرممکن است که بدون ایمان بتوان خدا را خشنود ساخت؛ زیرا هرکه به خدا نزدیک می‌شود، باید معتقد باشد که او وجود دارد و به کسانی که از صمیم دل او را می‌جویند، پاداش می‌دهد.

۷ با ایمان بود که نوح پس از دریافت هشدار الهی، در مورد آنچه پیش از آن دیده نشده بود، با خدا ترسی عمل کرد و کشتی‌ای* برای نجات خانوادهٔ خود ساخت. همچنین از طریق این ایمان، دنیا را محکوم کرد و به سبب ایمانش درستکار* خوانده شد.

۸ با ایمان بود که وقتی ابراهیم فراخوانده شد، اطاعت کرد و رهسپار

۴:۱۱ *یا: «با قبول هدایایش، بر او به‌نیکی شهادت داد». ۷:۱۱ *ظاهراً کشتی نوح همچون جعبه‌ای مکعب‌مستطیل شکل بود. *یا: «عادل».

برکت داد و در حالی که بر سر عصای خود تکیه داده بود، خدا را عبادت کرد.

۲۲ با ایمان بود که یوسف وقتی به پایان عمر خود نزدیک می‌شد، در مورد خروج بنی اسرائیل سخن گفت و به آنان در خصوص انتقال استخوان‌هایش* دستورالعمل‌هایی* داد.

۲۳ با ایمان بود که والدین موسی او را بعد از تولدش، برای سه ماه پنهان کردند؛ زیرا دیدند که کودکی زیباروست و از فرمان پادشاه ترسی به دل راه ندادند. ۲۴ با ایمان بود که موسی وقتی بزرگ شد، امتناع کرد که پسر دختر فرعون خوانده شود. ۲۵ او به جای لَدَّتِ زودگذر گناه، برگزید که همراه قوم خدا مورد آزار قرار گیرد؛ ۲۶ زیرا در نظر او ننگی که باید به سبب مسح شدنش متحمل می‌شد،* گنجی پرارزش‌تر از گنج‌های مصر بود، چون به دریافت پاداش چشم دوخته بود. ۲۷ با ایمان بود که موسی مصر را بدون ترس از خشم پادشاه ترک کرد؛ زیرا ثابت‌قدم بود، چنان که گویی آن نادیده را می‌دید. ۲۸ با ایمان بود که پَسَح* را

۲۲:۱۱ * یا: «خاکسپاری‌اش». * یا: «فرمانی».

۲۶:۱۱ * تحت‌اللفظی: «در نظر او ننگ مسیح».

۲۸:۱۱ * رجوع به واژه‌نامه.

آشکار می‌کنند که با جدّیت در پی مکانی هستند که به آنان تعلّق خواهد داشت. ۱۵ شکی نیست که اگر پیوسته مکانی را که ترک کرده بودند، به یاد می‌آوردند، فرصت برگشت می‌داشتند. ۱۶ اما اکنون چنین کسانی در پی مکانی بهتر هستند، مکانی که به آسمان تعلّق دارد. از این رو، خدا از این که خدایشان خوانده شود، خجل نیست و شهری برایشان آماده ساخته است.

۱۷ با ایمان بود که ابراهیم وقتی آزموده شد، اقدام به قربانی کردن اسحاق نمود؛ آری، کسی که وعده‌ها را با شادی پذیرفته بود، آمادهٔ قربانی کردن پسر یگانهٔ خود شد، ۱۸ گرچه به او گفته شده بود: «نسلی که به تو وعده داده شد، از طریق اسحاق خواهد آمد.» ۱۹ ابراهیم با خود استدلال کرد که حتی اگر اسحاق بمیرد، خدا قادر است او را برخیزاند. در واقع، می‌توان گفت که او اسحاق را به طور نمادین از مرگ بازیافت.

۲۰ همچنین با ایمان بود که اسحاق، به یعقوب و عیسو در خصوص امور آینده برکت داد.

۲۱ با ایمان بود که وقتی یعقوب در آستانهٔ مرگ بود، هر دو پسر یوسف را

طریق رستاخیز باز یافتند؛ اما شماری دیگر شکنجه شدند؛ زیرا برای دست یافتن به رستاخیزی بهتر، حاضر نشدند برای آزادی خود سازش کنند. ۳۶ آری، برخی دیگر مورد تمسخر قرار گرفتند، شلاق خوردند و حتی بدتر از آن به زنجیر کشیده و به زندان افکنده شدند. ۳۷ سنگسار گشتند، آزموده شدند، با اژه دو پاره‌شان کردند،* با شمشیر به قتل رسیدند و در حالی که محتاج بودند و رنج می‌کشیدند و مورد آزار قرار می‌گرفتند، در جامه‌هایی از پوست گوسفند و بز به هر جا می‌رفتند؛ ۳۸ آنان که دنیا لایقشان نبود، در بیابان‌ها، کوه‌ها، غارها و مخفیگاه‌های زمین آوارگی می‌کشیدند. ۳۹ به دلیل ایمان این افراد، بر همهٔ آنان به نیکویی شهادت داده شد. اما هیچ یک از آنان تحقق وعده را ندیدند؛ ۴۰ زیرا خدا از پیش چیزی بهتر برای ما در نظر داشت تا آنان بدون ما* به کاملیت نرسند.

۱۲ پس، از آنجا که چنین گروهی عظیم از شاهدان را همچون ابری گرداگرد خود داریم، بیایید هر بار سنگین و آن گناهی را که به راحتی

برگزار کرد و خون را پاشید تا هلاک‌کننده به نخست‌زادگان اسرائیل صدمه نرساند.*

۲۹ با ایمان بود که قوم از دریای سرخ عبور کرد، گویی از زمینی خشک گذشته باشد. اما وقتی مصریان تلاش کردند از آن بگذرند، دریا آنان را بلعید.

۳۰ با ایمان بود که قوم، هفت روز دور آریحا گشت و پس از آن، دیوارهای آریحا فرو ریخت. ۳۱ با ایمان بود که راحاب روسپی با آنانی که نافرمانی کردند، نابود نشد؛ زیرا جاسوسان را با صلحجویی پذیرفت.

۳۲ بیشتر چه بگویم؟ زیرا فرصت نیست که به سرگذشت جِدعون، باراق، سامسون، یفتاح، داوود و همچنین سموئیل و دیگر انبیا بپردازم. ۳۳ اینان با ایمان، پادشاهان را شکست دادند، عدالت را برقرار ساختند،* وعده‌ها را یافتند، دهان شیران را بستند، ۳۴ قدرت شعله‌های آتش را بی‌اثر کردند، از تیغ شمشیر جان به در بردند، ضعیف بودند و قدرتمند شدند، در جنگ زورآور گشتند و سپاهیان بیگانه را در هم شکستند. ۳۵ زنان، عزیزان اذ دست رفتهٔ خود را از

۱۱:۲۷* یا: «چند پاره‌شان کردند». ۱۱:۴۰* یا: «تا آنان پیش از ما».

۱۱:۲۸* تحت‌اللفظی: «دست نزن». ۱۱:۲۴* یا: «معیارهای درست خدا را ترویج دادند».

۷ شما باید تحمّل کنید، چون این تحمّل جزو تأدیب* شماست. خدا با شما همچون پسرانش رفتار می‌کند. به‌راستی کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟ ۸ اگر همچون همه تأدیب نمی‌شدید، فرزندان نامشروع می‌بودید، نه پسران حقیقی. ۹ به علاوه، پدران زمینی ما،* ما را تأدیب می‌کردند و ما به آنان احترام می‌گذاشتیم. پس چقدر بیشتر باید تسلیم پدر روحانی‌مان* باشیم تا حیات یابیم! ۱۰ زیرا پدران ما، ما را برای مدتی کوتاه و مطابق آنچه خود صلاح می‌دانستند، تأدیب کردند، اما خدا برای منفعت ماست که ما را تأدیب می‌کند تا در قدّوسیت او سهیم شویم. ۱۱ البته هیچ تأدیبی هنگامی که به کار برده می‌شود خوشایند نیست، بلکه دردآور است. اما پس از مدتی، برای کسانی که با آن تربیت یافته‌اند، آرامش و درستکاری* را به ثمر می‌آورد.

۱۲ پس دست‌های سست و زانوهای لرزان را قوی کنید. ۱۳ راه‌ها را برای پاهای خود هموار سازید تا کسی که

۷:۱۲ *یا: «چون برای تربیت شدن». ۹:۱۲ *تحت‌اللفظی: «پدران جسم ما». *یا: «پدر حیات روحانی‌مان». ۱۱:۱۲ *یا: «عدالت».

به دست و پای ما می‌پیچد، از خود دور کنیم و با استقامت در مسابقه‌ای که برای ما مقرر شده است، بدویم ۲ و در عین حال، به عیسی که پیشوای ارشد و کامل‌کننده ایمانمان است، چشم بدوزیم. او به خاطر شادی‌ای که پیش رو داشت تیر شکنجه* را تحمّل کرده، شرمساری را بی‌اهمیت شمرد و حال به دست راست تخت خدا نشسته است. ۳ پس برای این که خسته و دلسرد نشوید به او بیندیشید، به او که تمام آن سخنان خصمانه را از سوی گناهکاران تحمّل کرد؛ سخنانی که در واقع به ضرر خودشان بود. ۴ شما در نبرد با آن گناه، هنوز لازم نبوده است که تا پای جانتان* ایستادگی کنید. ۵ همچنین آن پند صمیمانه را کاملاً فراموش کرده‌اید که شما را پسر خطاب کرده، می‌گوید: «ای پسر، تأدیب یَهُوَه* را خوار بشمار و هنگامی که تو را اصلاح می‌کند، دلسرد مشو؛ ۶ زیرا یَهُوَه* کسی را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند. در واقع او هرکسی را که همچون پسر خود می‌پذیرد، با چوب تأدیب تنبیه می‌کند.»

۲:۱۲، ۵، ۶ *رجوع به واژه‌نامه. ۴:۱۲ *تحت‌اللفظی: «تا حد خون».

که سخن می‌گفت: همان ندایی که قوم با شنیدنش از موسی تمنا کردند که دیگر چیزی به آنان گفته نشود: ۲۰ زیرا آنان طاق‌ت این حکم را نداشتند که گفت: «حتی اگر حیوانی کوه را لمس کند، باید سنگسار شود.» ۲۱ همچنین آن صحنه چنان هولناک بود که موسی گفت: «من از ترس می‌لرزم.» ۲۲ حال آن که شما به کوه صهیون و شهر خدای زنده، یعنی به اورشلیم آسمانی نزدیک شده‌اید، به ده‌ها هزار فرشته ۲۳ که گرد هم آمده‌اند همچنین به جماعت نخست‌زادگان که نام‌هایشان در آسمان نوشته شده است. به خدا نزدیک شده‌اید که داور همگان است و به حیات روحانی آن درستکاران* که کامل شده‌اند. ۲۴ همچنین به عیسی نزدیک شده‌اید که واسطهٔ عهدی جدید است و به خون پاشیده‌شده‌ای که به نحوی بهتر از خون هابیل سخن می‌گوید. ۲۵ مراقب باشید که از گوش دادن به او که سخن می‌گوید، سر باز زنید؛* زیرا اگر قوم به دلیل امتناع از گوش دادن به کسی که بر زمین هشدار الهی داد،

۱۲: ۲۳* یا: «عادلان». ۱۲: ۲۵* یا: «مراقب باشید برای او که سخن می‌گوید، بهانه نیاورید: مراقب باشید او را که سخن می‌گوید، نادیده نگیرید».

لنگ است، بدتر نشود، بلکه شفا یابد. ۱۴ بکوشید که با همهٔ مردم در صلح باشید و تقدّسی را بجوئید که بدون آن، هیچ کس سرور* را نخواهد دید. ۱۵ مراقب باشید که کسی از لطف خدا محروم نشود و در میان‌تان ریشهٔ سمی نمو نکند، مبدا موجب آشفتگی شده، بسیاری را آلوده سازد. ۱۶ مراقب باشید که در میان شما کسی نباشد که مرتکب اعمال نامشروع جنسی* شود و نه کسی که امور مقدّس را بی‌ارزش شمارد. عیسو چنین بود. او در عوض وعده‌ای غذا، حق نخست‌زادگی خود را فروخت ۱۷ و همان طور که می‌دانید، بعدها هنگامی که می‌خواست آن برکت را میراث خود سازد، درخواستش پذیرفته نشد. او با این که تلاش کرد با اشک و زاری نظر پدرش را تغییر دهد، به مقصودش نرسید.

۱۸ شما به کوهی نزدیک نشده‌اید که بتوان آن را لمس کرد؛ همچون آن کوهی که با آتش شعله‌ور گشت و با ابری تیره، تاریکی غلیظ و توفان پوشیده شد ۱۹ و از آنجا صدای شیپور شنیده شد و ندایی

۱۴: ۱۲* یا احتمالاً: «خداوند»؛ به یونانی کوریئوس. ۱۲: ۱۶* رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

کسانی را که آزار می‌بینند، از یاد مبرید؛ زیرا شما نیز اعضای همان بدنید.*
 ۴ پیوند ازدواج باید در نظر همگان محترم باشد. بستر زناشویی نیز باید از ناپاکی به دور باشد؛ زیرا خدا کسانی را که مرتکب اعمال نامشروع جنسی* می‌شوند، چه مجرد و چه متأهل، محکوم خواهد کرد. ۵ شیوه زندگی شما بری از پول‌دوستی باشد و به آنچه دارید، قانع باشید؛ زیرا خدا گفته است: «من هرگز تو را ترک نخواهم کرد و هرگز تو را تنها نخواهم گذاشت.» ۶ بنابراین، می‌توانیم با اطمینان بگوییم: «یهوه* یاور من است؛ پس نخواهم ترسید. انسان به من چه می‌تواند بکند؟»

۷ کسانی که هدایت را در میان شما بر عهده دارند و کلام خدا را با شما در میان گذاشته‌اند، از یاد مبرید. با ملاحظه نتایج نیکوی رفتارشان، ایمان آنان را سرمشق قرار دهید.

۸ عیسی مسیح، امروز همان است که دیروز بود و تا ابد نیز چنین خواهد بود.
 ۹ مگذارید تعالیم گوناگون و غریب،

۳:۱۳* یا احتمالاً: «گویی با آنان رنج می‌کشید».
 ۴:۱۳* رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۶:۱۳* رجوع به واژه‌نامه.

از مجازات راه‌گزیری نداشتند، پس ما اگر از او که از آسمان سخن می‌گوید، رویگردان شویم چه راه‌گزیری خواهیم داشت! ۲۶ در آن زمان صدای او زمین را به لرزه درآورد، اما حال چنین وعده داده است: «یک بار دیگر نه تنها زمین، بلکه آسمان را نیز به لرزه در خواهیم آورد.»
 ۲۷ عبارت «یک بار دیگر» به از میان برداشته شدن چیزهای متزلزل اشاره دارد؛ چیزهایی که ساخته شده است تا آنچه متزلزل‌ناپذیر است، باقی بماند. ۲۸ پس حال که پادشاهی‌ای متزلزل‌ناپذیر به ما می‌رسد، بیایید همچنان از لطف الهی بهره ببریم تا بتوانیم خدا را آن گونه که پسندیده است، با خدا ترسی و احترام خدمت* کنیم؛ ۲۹ زیرا خدای ما آتشی نابودکننده است.

۱۳ باشد که محبت برادرانه در میان‌تان برقرار بماند.
 ۲ مهمان‌نوازی* را فراموش نکنید؛ زیرا اینچنین برخی ندانسته از فرشتگان پذیرایی کردند. ۳ کسانی را که در زندانند به یاد داشته باشید، چنان که گویی خود با آنان در بندید. همچنین

۲۸:۱۲* رجوع به واژه‌نامه: «خدمت مقدس».
 ۲:۱۳* یا: «محبت به غریبان».

یاد مبرید که به دیگران نیکویی کنید و آنان را در آنچه دارید، سهم سازید؛ زیرا چنین قربانی‌هایی خدا را بسیار خوشنود می‌کند.

۱۷ از کسانی که هدایت را در میان شما بر عهده دارند، اطاعت و فرمانبرداری کنید؛ زیرا همواره از جان‌های شما پاسداری می‌کنند و برای آن حساب پس خواهند داد. پس اگر چنین کنید، آنان می‌توانند وظیفه‌شان را با شادی انجام دهند، نه با آه و ناله، چون اگر با آه و ناله انجام دهند، به ضرر شما خواهد بود. ۱۸ از دعا کردن برای ما دست مکشید؛ زیرا اطمینان داریم که از وجدانی پاک* برخورداریم و می‌خواهیم از هر جهت در زندگی صادق باشیم. ۱۹ به خصوص از شما تمنا دارم که دعا کنید تا بتوانم هر چه زودتر نزد شما بازگردم.

۲۰ حال خدای آرامش که شبان اعظم گوسفندان را از مردگان برخیزانید، یعنی سرورمان عیسی را که خون عهد ابدی را به همراه داشت، ۲۱ شما را با هر آنچه نیکوست برای انجام دادن خواستش مجهز سازد. باشد که او از طریق عیسی مسیح ما را بر آن دارد که آنچه مایه ۱۸:۱۳* یا: «وجدانی صادق؛ وجدانی نیکو».

شما را منحرف کند؛ زیرا بهتر است که دل با لطف الهی تقویت شود تا با پرهیز از بعضی خوردنی‌ها؛* این پرهیزکاری‌ها به کسانی که خود را با آن مشغول می‌کنند، فایده‌ای نمی‌رساند.

۱۰ ما مذبوحی داریم که خدمتگزاران خیمه* اختیار ندارند از آنچه بر آن است، بخورند؛ ۱۱ زیرا جسد حیواناتی که کاهن اعظم خونشان را به عنوان قربانی گناه به مکان اقدس* می‌برد، خارج از اردوگاه سوخته می‌شود. ۱۲ از این رو، عیسی نیز بیرون دروازه شهر رنج کشید تا قوم را با خون خود تقدیس کند. ۱۳ پس بیایید در حالی که متحمل ننگی می‌شویم که او متحمل شد، بیرون اردوگاه نزد او برویم؛ ۱۴ زیرا در اینجا شهری نداریم که ماندگار باشد، بلکه با اشتیاق در انتظار آن شهری هستیم که خواهد آمد. ۱۵ بیایید از طریق عیسی همواره قربانی حمد و ستایش را به خدا تقدیم کنیم؛ یعنی ثمره لب‌هایمان را که با آن‌ها نام او را به همگان اعلام می‌کنیم. ۱۶ به علاوه، از ۹:۱۳* منظور محدودیت‌های شریعت موسی برای خوراکی‌هاست. ۱۰:۱۳* تحت‌اللفظی: «آنان که در خیمه، خدمت مقدس را به جا می‌آورند». ۱۱:۱۳* منظور قدس‌الاقداس است؛ رجوع به واژه‌نامه: «قدس‌الاقداس».

زودی بیاید، همراه او به دیدار شما خواهم آمد.

۲۴ سلام مرا به تمام کسانی که هدایت را در میان شما بر عهده دارند و به تمام مقدّسان برسانید. برادران در ایتالیا به شما سلام می‌رسانند.

۲۵ لطف الهی با همه شما باد!

خشنودی اوست انجام دهیم. جلال برای همیشه و تا ابد بر او باد! آمین.

۲۲ حال ای برادران، از شما تمنا دارم که با حوصله به این کلام دلگرم‌کننده گوش دهید، چون نامه‌ای مختصر برایتان نوشتم. ۲۳ می‌خواهم بدانید که برادر ما تیموتائوس آزاد شده است. اگر به

نامه یعقوب

فهرست محتوا

بسیاری نباید در پی معلّم شدن باشند (۱)
آن حکمت که از بالاست (۱۳-۱۸)
دوست دنیا مشوید (۱-۱۲)
در برابر ابلیس بایستید (۷)
به خدا نزدیک شوید (۸)
هشدار در مورد فخر فروشی (۱۳-۱۷)
«اگر یَهُوَه بخاهد» (۱۵)
هشدار به ثروتمندان (۱-۶)
خدا صبر و پایداری را برکت می‌دهد (۷-۱۱)
بله‌تان بله باشد (۱۲)
دعای از روی ایمان، مؤثر است (۱۳-۱۸)
کمک به گناهکار برای بازگشت (۱۹، ۳۰)

۱ سلام‌ها (۱)
پایداری شادی می‌آورد (۲-۱۵)
آزموده‌شدن ایمان (۳)
با ایمان طلب کنید (۵-۸)
امیالی که به گناه و مرگ می‌انجامد (۱۴، ۱۵)
هر بخشش نیکو از بالاست (۱۶-۱۸)
فقط شنونده مباشید، به کلام عمل کنید (۱۹-۲۵)
کسی که به آینه می‌نگرد (۲۳، ۲۴)
پرستشی پاک و دور از آلودگی (۲۶، ۲۷)
۲ تبعیض قائل شدن گناه است (۱-۱۳)
محبت، قانون شاهانه (۸)
ایمان بدون عمل مرده است (۱۴-۲۶)
دیوها هم ایمان دارند و از ترس می‌لرزند (۱۹)
ابراهیم دوست یَهُوَه خوانده شد (۲۳)
۳ مهار کردن زبان (۱-۱۲)

دریافت کند، ۸ او شخصی دودل و در همه راه‌های خود بی‌ثبات است.

۹ بگذار برادرِ حقیر* از سرافراز شدن خود شاد باشد* ۱۰ و ثروتمند از حقیر شدن خود، چون ثروتمندان همچون گل صحرا از میان خواهند رفت. ۱۱ همان طور که خورشید با گرمای سوزان خود طلوع می‌کند و گیاه را خشک می‌سازد و گل آن ریخته، زیبایی‌اش بر باد می‌رود، ثروتمند نیز حین فعالیت‌های خود از میان خواهد رفت.

۱۲ خوشا به حال آن که در سختی* پایدار بماند؛ زیرا هنگامی که از آزمایش سربلند بیرون آید، تاج حیات را خواهد یافت. این تاج را يَهُوه* به کسانی که همواره او را دوست می‌دارند، وعده داده است. ۱۳ وقتی کسی با آزمایشی روبرو می‌شود، نگوید: «خدا مرا آزمایش می‌کند.» زیرا همان طور که نمی‌توان خدا را به عملی بد وسوسه کرد،* او نیز کسی را به عملی بد وسوسه نمی‌کند. ۱۴ اما کسی که با آزمایشی روبرو می‌شود،

۹:۱* در اینجا منظور شخص تهدیدست یا کسی است که از نظر اجتماعی در مقامی پایین قرار دارد. *یا: «به سرافراز شدن خود افتخار کند». ۱۲:۱* یا: «آزمایش». *رجوع به واژه‌نامه. ۱۴:۱* یا: «زیرا خدا از بدی به دور است».

از طرف یعقوب، غلام خدا و سرورمان عیسی مسیح، به ۱۲ طایفه‌ای که در همه جا پراکنده‌اند.

سلام.

۲ برادران من، رویارویی با سختی‌های* گوناگون را کمال شادی بشمارید، ۳ چون می‌دانید وقتی ایمان‌تان این گونه در سختی‌ها* آزموده می‌شود، پایداری به بار می‌آورد. ۴ پس بگذارید پایداری کار خود را به انجام رساند تا شما کامل و از هر جهت بی‌عیب شوید و هیچ کمبودی نداشته باشید.

۵ بنابراین، اگر کسی از شما محتاج حکمت است، پیوسته آن را از خدا طلب کند و به او عطا خواهد شد؛ چون او خدایی است که به همه با سخاوت و بدون سرزنش* عطا می‌کند. ۶ اما شخص باید پیوسته با ایمان طلب نماید و هیچ شک نکند؛ زیرا کسی که به خود تردید راه می‌دهد، همچون موج دریاست که با وزش باد به این سو و آن سو رانده می‌شود. ۷ در واقع، چنین شخصی نباید انتظار داشته باشد که از يَهُوه* چیزی

۲:۱، ۳* یا: «آزمایش‌های». ۵:۱* یا: «بدون عیبجویی». ۷:۱* این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «يَهُوه» در این ترجمه به کار رفته است؛ رجوع به واژه‌نامه.

را با استدلال نادرست فریب می‌دهد؛
 ۲۳ زیرا اگر کسی کلام را بشنود و به
 آن عمل نکند، همچون کسی است که
 صورت خود را در آینه می‌نگرد ۲۴ و با
 این که خود را می‌بیند، به محض این
 که از جلوی آینه کنار می‌رود، فراموش
 می‌کند که چگونه شخصی است. ۲۵ اما
 کسی که به شریعت کامل آزادی بخش* با
 دقت می‌نگرد و از این تلاش خود دست
 نمی‌کشد، شنونده‌ای فراموشکار نخواهد
 بود، بلکه به کلام عمل می‌کند و در این
 راه شادمان خواهد بود.

۲۶ اگر کسی بپندارد که پرستنده
 خداست،* اما مهار زبان خود را محکم
 به دست نگیرد، دل خود را می‌فریبد و
 پرستش او بیهوده است. ۲۷ آن پرستش*
 که از دید پدر ما خدا، پاک و به دور از
 آلودگی است، این است که از یتیمان و
 بیوه‌زنان در مصیبت‌هایشان مراقبت کنیم
 و خود را از آلائش دنیا دور نگاه داریم.
 ۲ برادران من، آیا شما با این که به
 سرور پرچالمان عیسی مسیح
 ایمان دارید، بین دیگران تبعیض قائل

۱:۲۵* یا: «شریعت کاملی که به آزادی تعلق دارد»؛
 منظور از «شریعت کامل» کل کلام خداست.
 ۱:۲۶* یا: «متدین است». ۱:۲۷* یا: «مذهبی».

مجدوب* و فریفته امیال خود می‌گردد.
 ۱۵ سپس اگر میل او بارور شود، گناه را
 می‌زاید و اگر گناه به انجام رسد، مرگ
 به بار می‌آورد.

۱۶ برادران عزیزم، گمراه مشوید.
 ۱۷ هر بخشش نیکو و هر موهبت کامل
 از بالا است و از پدر نورهای آسمانی
 عطا می‌شود. او تغییر نمی‌کند و دگرگون
 نمی‌شود؛ همچون سایه‌هایی نیست
 که پیوسته در حال جنبش و تغییرند.
 ۱۸ این خواست او بود که ما با کلام
 حقیقت، هستی یابیم تا به نوعی نوبر
 آفریده‌های او گردیم.

۱۹ برادران عزیز من، این را بدانید: هر
 کس باید در شنیدن تند، در گفتن کند
 و در خشم آهسته باشد؛ ۲۰ زیرا خشم
 انسان، آنچه را از دید خدا درست است،*
 به بار نمی‌آورد. ۲۱ پس هرکثیفی و هر
 اثری از بدی* را از خود دور کنید و با
 ملایمت پذیرای کاشته شدن کلامی
 باشید که می‌تواند جان‌تان را نجات
 بخشد.

۲۲ شما به کلام عمل کنید و فقط
 شنونده آن م باشید؛ شنونده‌ای که خود
 ۱:۱۴* یا: «طعمه». ۱:۲۰* تحت‌اللفظی: «عدالت
 خدا». ۱:۲۱* یا احتمالاً: «بدی‌های بسیار».

شوید، گناه می‌کنید و آن قانون، شما را متخلف و مقصر می‌شناسد.*

۱۰ زیرا اگر کسی از همه قوانین شریعت اطاعت کند، اما در یکی بلغزد، به همان اندازه مقصر است که گویی کل قوانین شریعت را زیر پا گذاشته باشد. ۱۱ چون همان که گفت: «زنا* مکن»، همچنین گفت: «قتل مکن». حال اگر تو زنا نمی‌کنی، اما قتل می‌کنی، از نظر شریعت متخلف هستی. ۱۲ پس همچون کسانی سخن بگوئید و رفتار کنید که مطابق شریعت قومی آزاد* داوری خواهند شد؛ ۱۳ زیرا هنگام داوری، بر آن که رحم نمی‌کند، رحم نخواهد شد. در واقع رحمت بر داوری پیروز می‌گردد.

۱۴ برادران من، چه فایده دارد اگر کسی بگوید: «ایمان دارم»، اما عمل نداشته باشد؟ مگر چنین ایمانی می‌تواند او را نجات بخشد؟ ۱۵ اگر برادر یا خواهری نیازمند لباس* و محتاج غذای روزانه باشد ۱۶ و یکی از شما به او بگوید: «به سلامت برو، خوب بخور و خود را گرم نگاه دار»، اما نیازهای

۹:۲ * یا: «شما را متخلف شناخته، توبیخ می‌کند». ۱۱:۲ * منظور خیانت به همسر است.

۱۲:۲ * تحت‌اللفظی: «شریعت آزادی». ۱۵:۲

* «نیازمند لباس» تحت‌اللفظی: «برهنه».

می‌شوید؟ ۲ اگر کسی با انگشترهای طلا و لباسی فاخر به جماعت شما داخل شود و فقری نیز با لباسی ژنده بیاید ۳ و شما به مردی که لباس فاخر بر تن دارد، توجه بیشتر نشان دهید و بگوئید: «شما اینجا در صدر بنشینید»، اما به آن فقیر بگوئید: «تو اینجا بایست» یا «اینجا پایین پای من بر زمین بنشین»، ۴ آیا با این کار در میان خود یک گروه را برگروه دیگر برتری نداده‌اید؟ آیا همچون داورانی نشده‌اید که شریانه قضاوت می‌کنند؟

۵ برادران عزیز من، گوش فرادهید. آیا خدا آنانی را که از دید دنیا فقیرند، برنگزید تا در ایمان، ثروتمند و وارث آن پادشاهی شوند که به دوستداران خود وعده داده است؟ ۶ اما شما فقیران را بی‌حرمت ساخته‌اید. مگر ثروتمندان نیستند که به شما ستم روا می‌دارند و شما را به محکمه‌ها می‌کشند؟ ۷ آیا آنان به نام نیکویی که بر شما نهاده شده است، کفر نمی‌گویند؟ ۸ حال اگر آن قانون شاهانه را مطابق این نوشته مقدس به جا می‌آوردید که می‌گوید، «همسایه‌ات را همچون خویشتن دوست بدار» * نیکو می‌کنید. ۹ اما اگر همچنان تبعیض قائل

۸:۲ * یا: «محبت کن».

جسمانی او را برآورده نسازد، چه فایده دارد؟ ۱۷ پس همچنین ایمان به تنهایی و بدون عمل مرده است.

۱۸ با این حال شاید کسی بگوید: «تو ایمان داری و من عمل. اگر می‌توانی ایمانت را بدون عمل به من نشان بده و من ایمانم را با عمل خود به تو نشان خواهم داد.» ۱۹ مگر تو ایمان نداری که یک خدا وجود دارد؟ البته این نیکوست. اما حتی دیوها هم به این ایمان دارند و از ترس می‌لرزند. ۲۰ ای نادان، آیا می‌خواهی بدانی که چرا ایمان، بدون عمل بی‌فایده است؟ ۲۱ مگر پدرمان ابراهیم نبود که وقتی پسرش اسحاق را بر مذبح تقدیم کرد، با اعمالش درستکار شمرده شد؟ ۲۲ می‌بینی که ایمان فعال او با اعمالش همراه بود و ایمان او با اعمالش کامل گردید. ۲۳ همچنین این نوشته مقدس به تحقق رسید که می‌گوید: «ابراهیم به یَهُوه* ایمان آورد و به این سبب درستکار* شمرده شد» و او دوست یَهُوه* خوانده شد.

۲۴ پس می‌بینید که شخص با اعمالش درستکار* شمرده می‌شود، نه فقط با ایمان. ۲۵ به همین گونه آیا ۲۳:۲* رجوع به واژه‌نامه. ۲۳:۲-۲۵* یا: «عادل».

راحاب روسپی نیز با اعمالش درستکار* شمرده نشد، هنگامی که فرستادگان را پناه داد و آنان را از راهی دیگر روانه کرد؟ ۲۶ آری، چنان که بدن بدون روح* مرده است، ایمان بدون عمل نیز مرده است. ۳ برادران من، بسیاری از شما نباید در پی معلّم شدن باشید؛ زیرا می‌دانید که داوری برای ما سخت‌تر* خواهد بود. ۲ البته همه ما بسیار می‌لغزیم.* اگر کسی در سخن گفتن نلغزد، شخصی کامل است که می‌تواند تمام بدن خود را نیز مهار کند. ۳ با گذاشتن دهنه در دهان اسب می‌توانیم حیوان را مطیع خود سازیم و تمام بدنش را به هر سو هدایت کنیم. ۴ ببینید که چطور یک کشتی عظیم نیز که فقط بادهای نیرومند می‌تواند آن را به حرکت درآورد، با سگانی کوچک به هر جا که ناخدا بخواهد هدایت می‌شود! ۵ زبان نیز عضوی کوچک از بدن است، اما بسیار فخر می‌فروشد. تنها آتشی کوچک، می‌تواند جنگلی بزرگ را به آتش بکشد! ۶ آری، زبان نیز آتش است. زبان در میان اعضای بدن ما تجسّم

۲۶:۲* یا: «نَفَس»: به یونانی پنوئما؛ رجوع به واژه‌نامه: «روح». ۱:۳* یا: «سنگین‌تر». ۲:۳* یا: «خطا می‌کنیم».

ستیزه‌جویی* داشته باشید، به خود فخر نکنید و بر ضد حقیقت دروغ مگویید. ۱۵ این حکمتی نیست که از بالا می‌آید، بلکه زمینی، نفسانی* و شیطانی است: ۱۶ زیرا هر جا که حسادت و ستیزه‌جویی* باشد، بی‌نظمی و هرگونه شرارت نیز خواهد بود.

۱۷ اما حکمتی که از بالاست، نخست پاک، سپس صلحجو، معقول، آماده اطاعت، پر از رحمت، سرشار از ثمرات نیکو، عاری از تبعیض و ریا است. ۱۸ به علاوه، ثمرهٔ درستکاری حاصل بذری است که در شرایط صلح‌آمیز و در میان* صلحجویان کاشته می‌شود.

۴ عامل جنگ و جدال‌ها در میان شما چیست؟ آیا عامل آن امیال نفسانی‌تان نیست که دائماً در شما* کشمکش ایجاد می‌کند؟ ۲ شما حسرت چیزی را می‌خورید، اما آن را به دست نمی‌آورید. شما قتل می‌کنید* و طمع می‌ورزید،* اما نمی‌توانید به آنچه می‌خواهید، دست یابید. شما جنگ

۱۴:۳، ۱۶ * یا احتمالاً: «جاه‌طلبی». ۱۵:۳ * تحت‌اللفظی: «حیوانی». ۱۸:۳ * یا احتمالاً: «به دست». ۱:۴ * تحت‌اللفظی: «در اعضای شما». ۲:۴ * یا: «نفرت می‌ورزید»: به اول یوحنا ۱۵:۳ رجوع شود. * یا: «حسادت می‌ورزید».

دنیایی از بدی است؛ زیرا تمام بدن را آلوده می‌سازد و تمام زندگی شخص را به آتش می‌کشد- آتشی که از درّهٔ هِنوم* فروخته شده است. ۷ انسان هرگونه حیوان وحشی، پرنده، خزنده و جانور دریایی را رام کرده و می‌کند. ۸ اما هیچ انسانی نمی‌تواند زبان را رام کند. زبان، سرکش و زیان‌آور و پر از زهر کشنده است. ۹ با زبان، یَهُوه* پدرمان را متبارک می‌خوانیم و با همان زبان، انسان‌ها را که «به شباهت خدا» هستی یافته‌اند، لعنت می‌کنیم. ۱۰ از یک دهان، هم برکت و هم لعنت جاری می‌شود.

آری، ای برادران، درست نیست که چنین باشد. ۱۱ مگر می‌شود که از چشمه‌ای، هم آب شیرین بجوشد و هم آب شور؟ ۱۲ برادران من، مگر ممکن است که درخت انجیر زیتون آورد یا درخت انگور انجیر آورد؟ چشمهٔ آب شور نیز نمی‌تواند آب شیرین جاری سازد.

۱۳ اگر کسی در میان شما حکیم و فهمیده است، بگذارید با رفتار نیکوی خود نشان دهد که اعمالش با ملایمتی همراه است که از حکمت برمی‌خیزد. ۱۴ اما اگر در دل خود حسادت تلخ و

می‌کنید و جدال به راه می‌اندازید. در واقع، چون درخواست نمی‌کنید، نمی‌یابید. ۳ وقتی درخواست می‌کنید نیز آن را به دست نمی‌آورید؛ زیرا با نیت بد درخواست می‌کنید، چون می‌خواهید آن را صرف امیال نفسانی خود کنید.

۴ ای زناکاران،* آیا نمی‌دانید که دوستی با دنیا دشمنی با خداست؟ پس هر که می‌خواهد دوست دنیا باشد، خود را دشمن خدا می‌سازد. ۵ یا آیا گمان می‌کنید بی‌دلیل است که نوشته‌های مقدّس می‌گوید: «روحیه حسادت که در ماست، همواره در حسرت همه چیز است»؟ ۶ اما لطفی که او می‌بخشد، از این روحیه بزرگ‌تر است. چنان که در نوشته‌های مقدّس نیز گفته شده است: «خدا با متکبران مخالفت می‌کند، اما لطف خود را نصیب فروتنان می‌سازد.» ۷ از این رو، خود را به خدا تسلیم کنید، اما در برابر ابلیس بایستید و او از شما خواهد گریخت. ۸ به خدا نزدیک شوید و او به شما نزدیک خواهد شد. ای گناهکاران، دست‌های خود را پاک کنید و ای دودلان، دل‌های خود را طاهر سازید.

۴:۴* منظور کسانی است که به خدا خیانت می‌کنند و به او وفادار نیستند.

۹ محنت بکشید و ماتم و گریه کنید. بگذارید خنده‌تان به عزا تبدیل شود و شادی‌تان به یأس. ۱۰ خود را در برابر یَهُوه* فروتن سازید و او شما را سرفراز خواهد نمود.

۱۱ برادران، دیگر ضدّ یکدیگر سخن مگویید. آن که ضدّ برادری سخن می‌گوید یا برادر خود را محکوم* می‌کند، در واقع ضدّ شریعت* سخن می‌گوید و شریعت را محکوم* می‌کند. حال اگر شریعت را محکوم می‌کنی، به جا آورنده شریعت نیستی، بلکه داور آن هستی. ۱۲ تنها یکی قانونگذار و داور است، همان که قادر است نجات بخشد یا هلاک کند. اما تو کیستی که همسایه خود را محکوم* می‌کنی؟

۱۳ ای شما که می‌گویید: «امروز یا فردا به این شهر سفر خواهیم کرد، یک سال آنجا خواهیم ماند، تجارت خواهیم کرد و سود کلان خواهیم برد.» ۱۴ شما حتی از فردای زندگی خود باخبر نیستید. همچون مَهی هستید که مدتی کوتاه پدیدار می‌شود و سپس ناپدید می‌گردد. ۱۵ در واقع شما باید بگویید: «اگر یَهُوه*

۱۰:۴، ۱۵* رجوع به واژه‌نامه. ۱۱:۴، ۱۲* یا: «قضاوت» ۱۱:۴* ظاهراً در اینجا منظور از «شریعت» کل احکام خداست.

محکوم کردید. او را به قتل رساندید. آیا او با شما به مخالفت بر نمی‌خیزد؟

۷ پس ای برادران، تا حضور* سرور، صبر داشته باشید. کشاورز برای ثمرهٔ پرارزش زمین، انتظار می‌کشد و تا آمدن باران پاییزی و بهاری صبر اختیار می‌کند. ۸ شما نیز صبر اختیار کنید، دل خود را قوی سازید؛ زیرا حضور سرور نزدیک شده است.

۹ برادران، از یکدیگر شکایت نکنید* تا داوری نشوید. داور، مقابل در ایستاده است. ۱۰ برادران، پیامبران را در تحمل سختی‌ها و در صبر سرمشق قرار دهید؛ پیامبرانی که به نام یَهُوه* سخن گفتند. ۱۱ ما آنانی را که پایداری کرده‌اند، شاد می‌خوانیم. شما در مورد صبر^ه ایوب شنیده‌اید و می‌دانید که یَهُوه* سرانجام برای او چه کرد؛ آری، یَهُوه* بسیار مهربان^و و رحیم است.

۱۲ اما برادران من، مهم‌تر از همه این که دیگر سوگند مخورید، نه به آسمان، نه به زمین و نه به هیچ چیز دیگر. بگذارید بله‌تان بله و نه‌تان نه باشد، مبدا محکوم شوید.

۹:۵* یا: «زیر لب غرغر نکنید»: تحت اللفظی: «آه مکشید». ۱۱:۵* یا: «مبارک». ^ا یا: «پایداری». ^و یا: «بسیار دلسوز».

بخواهد، زنده خواهیم ماند و این کار یا آن کار را خواهیم کرد». ۱۶ اما گستاخانه به خود می‌بالید و از بابت آن فخر می‌کنید. همهٔ این گونه فخر فروشی‌ها شیرانه است. ۱۷ پس اگر کسی بداند که چه کاری درست است و با این حال آن را انجام ندهد، مرتکب گناه شده است.

۵ ای ثروتمندان، به سبب آن سیه‌روزی که بر شما می‌آید، گریه و شیون کنید. ۲ ثروتان فاسد شده و لباس‌هایتان را بید زده است. ۳ طلا و نقره‌تان زنگ زده و تباه شده است. زنگ آن‌ها شهادتی علیه شما خواهد بود و جسم شما را خواهد خورد. هر آنچه اندوخته‌اید، در روزهای آخر چون آتش خواهد بود. ۴ دست‌مزد کارگرانی که برای حصاد مزرعه‌هایتان کار کردند و شما آن را از ایشان دریغ داشتید، همچنان فریاد می‌زند و فریاد دروگران نیز به گوش یَهُوه* خدای لشکرها* رسیده است. ۵ شما بر زمین برای تجمل و خوشگذرانی زندگی کرده‌اید. شما در روز کشتارتان، دل‌های خود را فربه ساختید. ۶ آن درستکار* را

۳:۵* یا: «چون آتش جسم شما را خواهد خورد؛ شما که در روزهای آخر ثروت اندوخته‌اید». ۴:۵، ۷، ۱۰، ۱۱ رجوع به واژه‌نامه. ۴:۵* منظور لشکرهای آسمانی است. ۶:۵* یا: «عادل».

خود اعتراف کنید و برای یکدیگر دعا کنید تا شفا یابید. دعای شخص درستکار پر قدرت و مؤثر است.* ۱۷ ایلیا نیز با این که انسانی بود با احساساتی همچون ما، وقتی از ته دل دعا کرد که باران نبارد، سه سال و شش ماه بر آن سرزمین باران نبارید. ۱۸ سپس بار دیگر دعا کرد و از آسمان باران بارید و زمین ثمر آورد.

۱۹ برادران من، اگر شخصی، کسی را که در میان شماست از حقیقت منحرف سازد و دیگری او را بازگرداند، ۲۰ بدانند که هر کس گناهکاری را از راه خطای خود بازگرداند، جان او را از مرگ نجات خواهد بخشید و گناهان فراوانی را خواهد پوشانید.

۱۶:۵ * تحت اللفظی: «دعای شخص درستکار به هنگام عمل بسیار پر قدرت است».

۱۳ آیا کسی در میان شما سختی می‌کشد؟ پس مرتب دعا کند. آیا کسی روحیه شاد دارد؟ پس سرود حمد بخواند. ۱۴ آیا کسی در میان شما بیمار* است؟ پس پیران جماعت را نزد خود فراخواند و آنان برای او دعا کرده، او را به نام یهوه* با روغن تدهین کنند.^{۱۵} ۱۵ دعایی که از روی ایمان باشد، شخص بیمار* را شفا می‌بخشد و یهوه* او را برمی‌خیزاند. همچنین اگر گناهی کرده باشد، بخشیده خواهد شد.

۱۶ پس آشکارا نزد یکدیگر به گناهان ۱۴:۵ * ظاهرأ به عدم سلامت روحانی شخص اشاره دارد. ۱۵، ۱۴:۵ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۴:۵ ^{۱۵} ظاهرأ منظور به کارگیری کلام خداست. ۱۵:۵ * تحت اللفظی: «خسته».

نامه اول

پطرس

فهرست محتوا

سنگ‌های زندهٔ عمارتی روحانی (۱۰-۴)
زندگی‌ای همچون بیگانگان در دنیا (۱۱، ۱۲)
فرمانبرداری بجا (۱۳-۲۵)
مسیح سرمشقی برای ما (۲۱)

۱ سلام‌ها (۲، ۱)
تولدی تازه به امیدی زنده (۳-۱۲)
همچون فرزندان مطیع، مقدس باشید (۱۳-۲۵)
۲ مشتاق کلام باشید (۱-۳)

پایان همه چیز نزدیک است (۷-۱۱)

رنج کشیدن به خاطر مسیحی

بودن (۱۲-۱۹)

۵ گله خدا را شبانی کنید (۱-۴)

فروتن و هوشیار باشید (۵-۱۱)

تمام نگرانی‌ها را به خدا بسپارید (۷)

ابلیس همچون شیری غزان است (۸)

سخنان پایانی (۱۲-۱۴)

۳ زنان و شوهران (۱-۷)

همدردی کنید؛ صلح را بجوید (۸-۱۳)

به خاطر درستکاری متحمل رنج

شدن (۱۳-۲۲)

آماده باشید که دلیل امیدتان را

توضیح دهید (۱۵)

تعمید و وجدانی پاک (۲۱)

۴ همچون عیسی، برای انجام خواست خدا

زندگی کنید (۱-۶)

است آنچه در آسمان برای شما نگاه داشته شده است. ۵ شما نیز به سبب ایمانتان و به قدرت خدا برای نجات، محفوظ هستید؛ نجاتی که اکنون آماده شده است تا در زمان آخر آشکار شود. ۶ به همین خاطر بسیار شادمانید، هر چند اکنون لازم است که زمانی کوتاه به سبب آزمایش‌های گوناگون متحمل سختی‌ها گردید ۷ تا خالص بودن ایمان شما آزموده شود و سبب گردد که هنگام ظهور* عیسی مسیح، مورد تحسین و تجلیل و حرمت قرار گیرید. چنین ایمانی بسیار پرازش‌تر از طلایی است که هرچند با آتش آزموده* شده باشد، سرانجام از میان می‌رود. ۸ گرچه هرگز مسیح را ندیده‌اید، او را دوست

۷:۱ * تحت اللفظی: «مکاشفه». * یا: «خالص».

از طرف پطرس، رسول عیسی مسیح به ساکنان موقت که در سراسر پونتوس، غلاطیه، کاپادوکیه، آسیا* و بیطینیّه پراکنده‌اند؛ یعنی به برگزیدگان، ۲ به آنان که مطابق پیش‌آگاهی پدرمان خدا و از طریق روحی که تقدیس می‌کند، برگزیده شده‌اند تا مطیع باشند و خون عیسی مسیح بر آنان پاشیده شود:

لطف و آرامش بر شما روزافزون باد! ۳ سپاس بر خدا، پدر سرورمان عیسی مسیح؛ زیرا مطابق رحمت عظیم خود، از طریق رستاخیز عیسی مسیح از میان مردگان، به ما تولّدی تازه بخشید تا از امیدی زنده ۴ و میراثی فسادناپذیر، پاک و ناپژمردنی برخوردار باشیم. این

۱:۱ * منظور ایالت آسیا است؛ به پاورقی اعمال ۹:۲ رجوع شود.

آن لطفی امید ببندید که هنگام ظهور* عیسی مسیح شامل حالتان خواهد شد. ۱۴ همچون فرزندان مطیع، دیگر مگذارید امیالی که مربوط به گذشته و دوران جهالت شماست، زندگی تان را شکل دهد، ۱۵ بلکه همچون آن قدّوس که شما را فراخواند، در تمام رفتار خود مقدّس باشید؛ ۱۶ زیرا نوشته شده است: «مقدّس باشید، چون من قدّوسم.»

۱۷ اگر آن پدر را می خوانید که هرکس را مطابق اعمالش بی طرفانه قضاوت می کند، پس رفتار شما مادامی که ساکن موقت هستید، با خدا ترسی همراه باشد؛ ۱۸ زیرا می دانید آزاد شدن* شما از شیوۀ زندگی پوچی که از پدرانتان* به شما رسید، نه با چیزهای فانی، همچون نقره یا طلا، ۱۹ بلکه با خونی گران بها همچون خون بزه ای بی عیب و بی لکه بود؛ یعنی با خون مسیح. ۲۰ درست است که او پیش از آغاز دنیا* تعیین شد، اما به خاطر شما در پایان این دوران آشکار گشت.

۱۳:۱ * تحت اللفظی: «مکاشفۀ». ۱۸:۱ * تحت اللفظی: «باز خرید شدن». * یا: «سنت های تان». ۲۰:۱ * تحت اللفظی: «پیش از این که [نسلی] گذاشته شود»؛ به فرزندان آدم و حوّا اشاره دارد.

می دارید و گرچه اکنون او را نمی بینید، به او ایمان می ورزید و از شادی عظیم، غیر قابل توصیف و باشکوه برخوردارید؛ ۹ زیرا به هدف نهایی ایمان خود که نجاتتان* است، دست می یابید.

۱۰ انبیا در مورد این نجات با دقت و پشتکار به بررسی و تحقیق پرداختند؛ آری، آن انبیايي که در مورد آنچه لطف الهی برای شما به ارمغان می آورد، پیشگویی کردند. ۱۱ آنان پیوسته بررسی می کردند تا دریابند، روحی که در ایشان است، در مورد مسیح به چه زمان یا چه دوره ای اشاره می کند؛ زیرا روح در مورد رنج هایی که مسیح باید متحمّل می شد و همچنین جلال پس از آن، از پیش گواهی می داد. ۱۲ بر آنان آشکار شد که خدمتشان نه برای خود، بلکه برای شماست. ایشان اموری را اعلام می کردند که حال به گوشتان رسیده است. این امور به یاری روح القدس که از آسمان فرستاده شد، به شما بشارت داده شده است. دقیقاً در همین هاست که فرشتگان مشتاقند نظر کنند.

۱۳ پس ذهن خود را آمادۀ عمل سازید؛ کاملاً هوشیار باشید؛ به ۹:۱ * یا: «نجات جان های تان».

برای نجات رشد کنید؛^۳ زیرا چشیده‌اید که سرور، مهربان است.

۴ همچنان که به او نزدیک می‌شوید، یعنی به آن سنگ زنده‌ای که انسان‌ها رد کردند، اما خدا برگزید و نزد او گرانبهاست،^۵ شما نیز همچون سنگ‌های زنده به صورت عمارتی روحانی بنا می‌شوید تا کاهنان مقدس باشید و بدین سان قربانی‌های روحانی و مورد پسند خدا را از طریق عیسی مسیح تقدیم کنید؛^۶ زیرا در نوشته‌های مقدس آمده است: «بنگر! در صهیون سنگی برگزیده می‌نهم، سنگ زاویه زیر بنا که گرانبهاست و هر که به آن* ایمان بورزد، هرگز مأیوس* نخواهد شد.»

۷ پس این سنگ برای شما که ایمان دارید، گرانبهاست؛ اما در مورد کسانی که ایمان ندارند، نوشته شده است: «آن سنگی که بنایان رد کردند، همان سنگ سر زاویه* شده است»^۸ همچنین «سنگی که باعث لغزش می‌شود و صخره‌ای که سبب افتادن می‌گردد». آنان چون از کلام اطاعت نمی‌کنند، می‌لغزند.

۲: ۶* یا: «او». * تحت اللفظی: «شرمسار». ۲: ۷* این سنگ برای استحکام بنا، در بالای محل اتصال دو دیوار قرار داده می‌شد.

۲۱ شما از طریق او به خدا ایمان آورده‌اید؛ خدایی که او را از میان مردگان برخیزانید و جلال داد تا ایمان و امید شما به خدا باشد.

۲۲ پس حال که با اطاعت از حقیقت، خود* را پاک ساخته‌اید تا محبت برادرانه و بی‌ریا داشته باشید، از صمیم دل و با تمام وجود به یکدیگر محبت کنید؛^{۲۳} زیرا شما از کلام خدای زنده و جاودان تولّد تازه یافته‌اید. این تولّد تازه نه از بذر* فانی، بلکه از بذری بی‌زوال است. ۲۴ چنان که در نوشته‌های مقدس آمده است: «همه انسان‌ها همچون علف هستند و تمام جلال ایشان همچون گل صحرائی؛ علف خشک می‌شود و گل می‌ریزد، ۲۵ اما سخنان* یهوه* تا ابد باقی می‌ماند». این «سخنان* همان بشارتی است که به شما اعلام شد.

۲ پس هرگونه بدی، فریب، ریاکاری، حسد و هر نوع بدگویی را از خود دور کنید. ۲ همچون نوزادان، مشتاق شیر خالص کلام باشید تا از طریق آن

۲۲: ۱* یا: «جان خود». ۲۳: ۱* به تخمی اشاره دارد که قادر است تکثیر شود یا ثمر آورد. ۲۵: ۱* یا: «کلام». * رجوع به واژه‌نامه.

است تا بدکاران را مجازات و نیکوکاران را تحسین کنند؛ ۱۵ زیرا خواست خدا این است که شما با اعمال نیک خود، نادانان را که از روی جهالت سخن می‌گویند، ساکت سازید. * ۱۶ همچون آزادگان باشید و آزادی خود را بهانه‌ای * برای بدکاری مسازید، بلکه همچون غلامان خدا زندگی کنید. ۱۷ همه گونه انسان‌ها را حرمت گذارید، به جمیع هم‌ایمانان محبت کنید، از خدا بترسید، پادشاه را حرمت نهید.

۱۸ باشد که غلامان، با کمال احترام از اربابان خود فرمانبرداری کنند، البته نه فقط از آنان که نیکو و معقولند، بلکه همچنین از آنان که پرتوقع هستند. ۱۹ چون این در نظر خدا پسندیده است که شخص به خاطر حفظ وجدانی پاک نزد او، سختی * را تحمل کند و به‌ناحق رنج بکشد؛ ۲۰ زیرا اگر شما به سبب گناهی تنبیه شوید و آن را تحمل کنید چه افتخاری دارد؟ اما اگر به سبب نیکوکاری رنج بکشید و تحمل کنید، نزد خدا پسندیده است.

۱۵:۲ * یا: «دهانشان را ببندید». ۱۶:۲ * تحت‌اللفظی: «پوششی». ۱۹:۲ * یا: «درد: غم».

آری، عاقبت ایشان همین است. ۹ اما شما «قومی برگزیده و کاهنانی هستید که پادشاهند، همچنین ملتی مقدس و مردمی متعلق به خدایید تا خصوصیات عالی * کسی را اعلام کنید» که شما را از تاریکی به نور شگفت‌انگیز خود فراخوانده است؛ ۱۰ در واقع شما پیش از این قومی نبودید، اما اکنون قوم خدایید. زمانی از رحمت بی‌بهره بودید، اما اکنون رحمت یافته‌اید.

۱۱ ای عزیزان، از شما که در این دنیا همچون بیگانگان و ساکنان موقت هستید، تمنا می‌کنم که از امیال نفسانی که با شما * در جنگند، بپرهیزید. ۱۲ رفتارتان در میان بی‌ایمانان همواره نیکو باشد تا وقتی شما را به بدکاری متهم می‌کنند، کارهای نیک شما را به چشم خود ببینند و در نتیجه، خدا را در روزی که برای بازرسی می‌آید، جلال دهند.

۱۳ به خاطر سرور، * از هر مقام * بشری فرمانبرداری کنید، خواه پادشاه که بالاتر از همه است، ۱۴ خواه والیان که او فرستاده

۹:۲ * تحت‌اللفظی: «فضایل»: منظور اعمال و صفات عالی خداست. ۱۱:۲ * یا: «جان شما». ۱۳:۲ * یا احتمالاً: «خداوند»: به یونانی کورینثوس. * یا: «نهاد».

۲۱ در واقع، شما نیز فراخوانده شده‌اید تا این راه را دنبال کنید؛ زیرا حتی مسیح برای شما رنج کشید و سرمشقی برای شما قرار داد تا به دقت در جای پای او گام بردارید. ۲۲ او هیچ گناهی مرتکب نشد و فریب در دهان وی نبود. ۲۳ وقتی به او ناسزا* می‌گفتند، در پاسخ ناسزا* نمی‌گفت. وقتی رنج می‌کشید، تهدید نمی‌کرد، بلکه خود را به دست کسی سپرد که عادلانه داوری می‌کند. ۲۴ او گناهان ما را در بدن خود بر تیر* حمل کرد تا از گناه رهایی یابیم* و در طریق درستکاری زندگی کنیم. همچنین «از زخم‌های او شفا یافتید.» ۲۵ چون شما مانند گوسفندانی بودید که به بیراهه رفته‌اند، اما حال نزد شبانی بازگشته‌اید که از جان‌های شما نگهداری می‌کند.*

۳ به همین طریق، شما ای زنان، مطیع* شوهران خود باشید تا اگر برخی مطیع کلام نیستند، بی‌آن که سخنی بگویند، به خاطر رفتار شما به ایمان جلب شوند؛ ۲ زیرا آنان

۲۳:۲ * یا: «دشنام». ۲۴:۲ * یا: «درخت». * یا: «تا برای گناه بمیریم». ۲۵:۲ * یا: «حال نزد شبان و ناظر جان‌هایتان بازگشته‌اید». ۱:۳ * یا: «تسلیم؛ فرمانبردار».

خود شاهد رفتار پاک و احترام عمیق‌تان خواهند بود. ۳ مگذارید زیبایی شما در آرایش ظاهری باشد، یعنی در بافتن گیسوان، آویختن زر و زیور و پوشیدن جامه‌های فاخر. ۴ بلکه زیبایی شما در دل و در آن انسان باطنی باشد که با لباس فسادناپذیر، یعنی با روحیه‌ای* آرام و ملایم زینت داده شده است. چنین روحیه‌ای در نظر خدا ارزشی والا دارد. ۵ در گذشته زنان مقدّسی که به خدا امید داشتند، خود را اینچنین می‌آراستند. آنان مطیع* شوهران خود بودند، ۶ همان طور که سارا مطیع ابراهیم بود و او را سرور می‌خواند. شما نیز اگر همواره نیکویی کنید و ترس به دل راه ندهید، دختران او خواهید شد.

۷ به همین طریق، شما ای شوهران، در زندگی زناشویی خود، با همسرانتان باملاحظه* رفتار کنید. برای زنان خود که همچون ظرفی ظریف‌تر هستند، حرمت قائل شوید، مبدا دعا‌های شما بازداشته شود؛ زیرا می‌دانید آنان نیز با شما در میراث نعمت حیات که به سخاوت عطا شده است، شریکند.

۴:۳ * تحت‌اللفظی: «روحی». ۵:۳ * یا: «تسلیم؛ فرمانبردار». ۷:۳ * یا: «از روی شناخت».

۸ در خاتمه، همه شما وحدت نظر داشته باشید.* با دیگران همدردی کنید، مهر برادرانه داشته، دلسوز و فروتن باشید. ۹ بدی را با بدی و ناسزا را با ناسزا پاسخ مگویید، بلکه به جای آن، برکت بطلبید.* چون در واقع برای همین فراخوانده شده‌اید تا برکتی را به میراث برید.

۱۰ زیرا «هر که حیات را دوست دارد و می‌خواهد روزهای خوشی داشته باشد، باید زبان خود را از بدی و لب‌های خود را از فریب حفظ کند. ۱۱ باید از بدی روی برگرداند و نیکویی نماید؛ باید صلح را بجوید و در حفظ آن تلاش کند؛ ۱۲ زیرا چشمان یَهُوه* بر درستکاران* است و گوش‌های او دعا‌های التماس‌آمیزشان را می‌شنود؛ اما یَهُوه* از بدکاران روی برمی‌گرداند.»^۵

۱۳ به راستی اگر برای نیکوکاری غیور باشید، چه کسی می‌تواند به شما آسیب برساند؟ ۱۴ اما حتی اگر به خاطر درستکاری متحمل رنج شوید، خوشا

۸:۳ *یا: «همفکر باشید». ۹:۳ *یا: «با سخنان نیکو به آنان پاسخ گویند». ۱۲:۳ *رجوع به واژه‌نامه. ۳:۱۸ *یا: «عادلان». ۵:۱۸ *یا: «اما روی یَهُوه بر ضد بدکاران است».

به حالتان. از آنچه دیگران می‌ترسند، مترسید* و پریشان مشوید، ۱۵ بلکه مسیح را در مقام سرور در دل خود حرمت نهید* و همواره آماده باشید تا به هر کس که دلیل امیدتان را بپرسد، پاسخ دهید، اما با خویی ملایم و احترامی عمیق.

۱۶ وجدان خود را پاک* نگاه دارید تا هرگاه در مورد شما به بدی سخن گفته شود، کسانی که در مورد شما بد می‌گویند، به خاطر رفتار نیکویی که در پیروی از مسیح دارید، شرمسار شوند؛ ۱۷ زیرا اگر خواست خدا این است که بگذارد به خاطر نیکوکاری رنج ببرید، بهتر از این است که به خاطر بدکاری متحمل رنج شوید. ۱۸ مسیح نیز یک بار برای همیشه مرد، آری، انسانی درستکار* جان خود را برای بدکاران داد تا گناهان را از میان بردارد و شما را به سوی خدا هدایت کند. او در جسم کشته شد، اما در روح زنده گشت ۱۹ و در این حالت رفت و به ارواحی که در بند بودند، موعظه کرد*: ۲۰ ارواحی که در گذشته،

۱۴:۳ *یا احتمالاً: «از تهدیدهای دیگران مترسید». ۱۵:۳ *یا: «تقدیس کنید». ۱۶:۳ *تحت اللفظی: «نیکو». ۱۸:۳ *یا: «عادل». ۱۹:۳ *یا: «محکومیت آن‌ها را اعلام کرد».

در روزگار نوح هنگامی که کشتی* ساخته می‌شد و خدا با بردباری انتظار می‌کشید، نافرمانی کرده بودند. در آن کشتی تنها شماری اندک، یعنی هشت نفر از آب جان سالم بدر بردند.

۲۱ آن واقعه مشابه تعمیدی است که اکنون شما را به سبب ایمانی که به رستائیز عیسی مسیح دارید، نجات می‌دهد؛ (اما این تعمید نه زدودن آلودگی جسم، بلکه درخواست وجدانی پاک* از خداست.) ۲۲ همان مسیح که به آسمان رفت و اکنون به دست راست خداست و فرشتگان، قدرت‌ها و نیروها تحت فرمان او قرار داده شدند.

۴ پس چون می‌دانید که مسیح در جسم رنج کشید، شما نیز خود را با همان طرز فکری* که او داشت، مجهز سازید؛ زیرا کسی که در جسم متحمل رنج شده، از گناه کردن دست کشیده است ۲ تا باقی عمر خود را دیگر نه برای انجام دادن خواهش‌های انسان، بلکه برای انجام دادن خواست خدا

۲۰:۳ *ظاهراً کشتی نوح همچون جعبه‌ای مکعب‌مستطیل شکل بود. ۲۱:۳ *تحت اللفظی: «نیکو». ۱:۴ *یا: «همان عزم راسخی».

سپری کند. ۳ در واقع، در گذشته به قدر کافی عمر خود را صرف به جا آوردن خواست مردم دنیا کرده‌اید، زمانی که عمر خود را به رفتار بی‌شرمانه،* شهوات عنان‌گسیخته، مستی، مهمانی‌های همراه با بی‌بندوباری،* می‌خوارگی و بت‌پرستی نفرت‌انگیز می‌گذرانید. ۴ آنان از این که شما دیگر ایشان را در همان بی‌بندوباری‌های مفرط همراهی نمی‌کنید، متحیرند و به همین خاطر شما را دشنام می‌دهند. ۵ اما این افراد به کسی که آماده‌ی داوری بر زندگان و مردگان است، حساب پس خواهند داد. ۶ در واقع، به همین دلیل است که بشارت به مردگان* نیز اعلام شد تا هرچند همچون همه انسان‌ها به سبب جسم مورد داوری قرار می‌گیرند، بتوانند از دیدگاه خدا تحت هدایت روح زندگی کنند.

۷ پایان همه چیز نزدیک شده است. پس عاقل و همواره آماده‌ی دعا باشید.* ۸ بیش از هر چیز، با تمام وجود

۳:۴ *یا: «رفتار وقیحانه»: حالت جمع واژه یونانی آیسلیگیا؛ رجوع به واژه‌نامه: «رفتار بی‌شرمانه». *یا: «مستی، عیاشی». ۶:۴ *به کسانی اشاره دارد که از لحاظ روحانی مرده‌اند؛ به افسوسیان ۱:۲ رجوع شود. ۷:۴ *یا: «و برای دعا کردن هوشیار باشید».

نشان می‌دهد که از روح جلال که روح خداست، برخوردارید.

۱۵ پس باشد که هیچ یک از شما به خاطر قتل، دزدی، بدکاری یا دخالت در امور دیگران متحمل رنج نشود. ۱۶ اما اگر کسی به خاطر مسیحی بودن رنج کشد، شرمسار نباشد؛ بلکه همچنان شایسته این نام رفتار کرده، خدا را تمجید کند؛ ۱۷ زیرا زمان مقرر فرارسیده است تا داوری از خانه خدا آغاز شود. پس اگر این داوری از ما آغاز می‌شود، عاقبت کسانی که مطیع بشارت خدا نیستند، چه خواهد بود؟ ۱۸ همچنین «اگر درستکاران* به دشواری نجات می‌یابند، چه بر سر خدانشناسان و گناهکاران خواهد آمد؟» ۱۹ پس کسانی که به خاطر انجام دادن خواست خدا رنج می‌کشند، خود* را به دست آفریدگار امین بسپارند و به نیکوکاری ادامه دهند.

۵ پس من که خود از پیران جماعت هستم و شاهد رنج‌های مسیح و شریک جلالی هستم که آشکار خواهد شد، از پیرانی که در میان شما خدمت می‌کنند، این خواهش را دارم*: ۲ گله ۱۸:۴* یا: «عادلان». ۱۹:۴* یا: «جان‌های خود». ۱:۵* یا: «به پیرانی که در میان شما خدمت می‌کنند، این پند را می‌دهم».

به یکدیگر محبت کنید؛ زیرا محبت، انبوه گناهان را می‌پوشاند. ۹ بدون شکوه و شکایت، نسبت به یکدیگر مهمان‌نواز باشید. ۱۰ همچون کارگزاران* نیکوی لطف الهی، لطفی که عطایای گوناگون می‌بخشد، متناسب با عطیه‌ای که یافته‌اید یکدیگر را خدمت کنید. ۱۱ اگر کسی سخن می‌گوید، پیام خدا را بگوید؛ اگر کسی خدمت می‌کند، با اتکا به قدرتی خدمت کند که خدا می‌بخشد تا خدا از طریق عیسی مسیح در همه چیز جلال یابد. جلال و قوت همیشه و تا ابد از آن او باد! آمین.

۱۲ ای عزیزان، از آزمایش‌های سختی* که گریبانگیر شماست، متعجب نباشید که گویی امری عجیب برایتان رخ داده است. ۱۳ برعکس، همان قدر که در رنج‌های مسیح شریک هستید، همان قدر نیز شادی کنید تا هنگام ظهور* جلال او غرق شادی گردید. ۱۴ اگر به خاطر نام مسیح به شما ناسزا گویند،* خوشا به حال شما؛ زیرا این امر

۱۰:۴* یا: «مباشران»: منظور خدمتگزاری است که سرپرستی امور خانه ارباب خود را بر عهده دارد. ۱۲:۴* یا: «آتشینی». ۱۳:۴* تحت‌اللفظی: «مکاشفه». ۱۴:۴* یا: «شما را سرزنش کنند».

۹ پس در مقابل او ایستادگی کنید و در ایمان استوار بمانید، چون می‌دانید جمیع هم‌ایمانان شما در سراسر دنیا با همین‌گونه آزارها و سختی‌ها روبرو هستند. ۱۰ اما پس از آن که برای مدتی کوتاه آزار و سختی دیدید، خدایی که پر از لطف است و شما را در اتحاد با مسیح به جلال ابدی خود فراخوانده است، آموزشتان را به پایان خواهد رساند. او شما را استوار، قوی و ثابت‌قدم خواهد ساخت. ۱۱ قدرت تا ابد از آن او باد! آمین.

۱۲ من به کمک سیلوانوس* که او را برادری وفادار می‌دانم، این چند کلام را به شما نوشتم. آری، این‌ها را نوشتم تا تشویقتان کنم و صمیمانه شهادت دهم که لطفی که خدا نصیبتان ساخته، حقیقی است. در آن استوار بمانید. ۱۳ آن بانو* که همچون شما از برگزیدگان و در بابل است، همچنین پسر من مرقس به شما سلام می‌رساند. ۱۴ یکدیگر را با بوسه محبت آمیز سلام گوید.

بر همگی شما که در اتحاد با مسیح هستید، صلح و آرامش باد!

۱۲:۵* «سیلاس» نیز خوانده شده است. ۱۳:۵* منظور از «بانو» احتمالاً یک شخص یا جماعتی در بابل است.

خدا را که تحت مراقبت خود دارید، شبانی و سرپرستی کنید، اما نه به اجبار، بلکه با میل و رغبت، آن‌گونه که خدا می‌خواهد. این کار را نه به خاطر عشق به منافع نامشروع، بلکه با اشتیاق انجام دهید. ۳ به علاوه، برکسانی که به شما سپرده شده‌اند،* سروری نکنید، بلکه برای گله نمونه باشید. ۴ بدین سان، هنگامی که شبان ارشد آشکار گردد، تاج جلال را که پژمرده نمی‌شود، خواهید یافت.

۵ ای جوانان، شما نیز از پیران* فرمانبرداری کنید. همه شما در خدمت به یکدیگر فروتنی* را برکمر ببندید؛ زیرا خدا مخالف متکبران است، اما لطف خود را نصیب فروتنان می‌سازد.

۶ پس خود را زیر دست پر قدرت خدا فروتن سازید تا شما را در وقت مناسب سرافراز سازد ۷ و تمام نگرانی‌های* خود را به او بسپارید؛ زیرا او به فکر شماست. ۸ بیدار و هوشیار بمانید! مراقب باشید! دشمن شما ابلیس همچون شیری غزان می‌گردد و کسی را می‌جوید تا ببلعد.*

۳:۵* یا: «بر کسانی که میراث خدا هستند».

۵:۵* یا: «مردان سالخورده: پیران جماعت».

* یا: «افتادگی». ۷:۵* یا: «غصه‌های». ۸:۵* یا:

«می‌خواهد کسی را ببلعد».

نامهٔ دوم پطرس

فهرست محتوا

۱ سلام‌ها (۱)	۳ خصوصیات معلّمان دروغین (۲۲-۱۰-ب)
از فراخواندگی خود اطمینان حاصل کنید (۱۵-۲)	تمسخرکنندگان نادیده می‌گیرند که نابودی می‌آید (۷-۱)
خصوصیاتی که به ایمان افزوده می‌شود (۹-۵)	یهوه تأخیر نمی‌کند (۱۰-۸)
اطمینان بیشتر به کلام نبوی (۲۱-۱۶)	دقت کنید که چگونه مردمانی باید باشید (۱۶-۱۱)
۲ معلّمان دروغین خواهند آمد (۳-۱)	آسمان‌های جدید و زمین جدید (۱۳)
محکومیت قطعی معلّمان دروغین (۱۰۰-۴ الف)	مراقب باشید به گمراهی کشیده نشوید (۱۸، ۱۷)
افکنده شدن فرشتگان به «تارتاروس» (۴)	
طوفان؛ سُدوم و عَمُوره (۷-۵)	

وقفمان به او* زندگی کنیم، به ما ارزانی داشته است. این از طریق شناخت دقیق او امکان‌پذیر شده است که ما را به وسیلهٔ جلال و نیکویی خود فراخوانده است. ۴ او به وسیلهٔ این‌ها وعده‌های گرانبها و بسیار بزرگی به ما عطا کرده است تا توسط آن‌ها در طبیعت الهی شریک شوید؛ زیرا از فساد که در دنیا از امیال نادرست* به وجود می‌آید، گریختید.

۳:۱* رجوع به واژه‌نامه: «وقف به خدا». ۴:۱* یا: «از شهوات».

از طرف شمعون پطرس، غلام و رسول عیسی مسیح، به کسانی که به برکت عدالت خدای ما و عیسی مسیح نجات‌دهنده‌مان، ایمانی گرانبها همچون ایمان ما یافته‌اند:*

۲ به یاری شناخت دقیق خدا و سرورمان عیسی مسیح، لطف و آرامش بر شما روزافزون گردد! ۳ زیرا قدرت خدا هر آنچه را که نیاز داریم تا بر طبق

۱:۱* یا: «ایمانی همچون ایمان ما یافته‌اند که به آن افتخار می‌کنیم».

امور را به شما یادآوری کنم، گرچه این‌ها را می‌دانید و در حقیقتی که آموخته‌اید، به‌خوبی استوارید. ۱۳ اما من تا وقتی در این خیمه* ساکنم، صلاح می‌دانم که شما را با چنین یادآوری‌هایی برانگیزانم؛ ۱۴ زیرا می‌دانم که به‌زودی این خیمه برداشته خواهد شد، چنان که سرورمان عیسی مسیح مرا از این امر آگاه ساخت. ۱۵ پس اکنون نهایت سعی خود را در این راه خواهم کرد تا پس از رفتنم، بتوانید این‌ها را به یاد آورید.

۱۶ ما برای این که شما را از قدرت و حضور* سرورمان عیسی مسیح آگاه سازیم، به افسانه‌هایی که زیرکانه طرح شده‌اند متوسل نشدیم، بلکه ما خود شاهد عینی عظمت او بودیم؛ ۱۷ زیرا او از پدرمان خدا حرمت و جلال یافت، هنگامی که چنین کلامی* از آن سرچشمه جلالِ پر عظمت به او رسید: «این است پسر من، محبوب من که از او خشنودم.» ۱۸ آری، در حالی که با او بر آن کوه مقدس بودیم، این کلام از آسمان به گوش ما رسید.

۱۳:۱ *منظور بدن جسمانی اوست. ۱۶:۱ *رجوع به واژه‌نامه. ۱۷:۱ *تحت اللفظی: «ندایی».

۵ از این رو، تمام تلاش خود را بنمایید تا بر ایمان خود نیکویی را بیفزایید و بر نیکویی خود شناخت را، ۶ بر شناخت خود خویش‌تنداری را، بر خویش‌تنداری خود پایداری را، بر پایداری خود تقوا* را، ۷ بر تقوای خود مهر برادرانه را و بر مهر برادرانه خود محبت را؛ ۸ زیرا اگر این‌ها در شما باشد و افزایش یابد، نخواهد گذاشت که در به کار بستن شناخت دقیق سرورمان عیسی مسیح غیرفعال یا بی‌ثمر شوید.

۹ اما آن کسی که این خصوصیات را ندارد کور است، چون در واقع چشمان خود را به روی نور بسته است* و فراموش کرده که از گناهان گذشته خود پاک شده است. ۱۰ پس ای برادران، هر چه سخت‌تر بکوشید تا از فراخواندگی و برگزیدگی خود اطمینان حاصل کنید: زیرا اگر چنین کنید هرگز از پا در نخواهید آمد. ۱۱ در واقع، به این طریق برکتی پر جلال به شما عطا خواهد شد، یعنی راه یافتن به پادشاهی جاودان سرور و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح.

۱۲ از این رو، در نظر دارم همواره این ۶:۱ *رجوع به واژه‌نامه: «وقف به خدا». ۹:۱ *یا احتمالاً: «کور و کوتاه بین است».

طمع با سخنان جعلی از شما بهره‌کشی خواهند کرد. اما محکومیت ایشان که از گذشته‌های دور تعیین شده است، تأخیر نمی‌کند و نابودی آنان قطعی است.*

۴ واضح است که خدا از مجازات فرشتگانی که گناه کردند خودداری نکرد، بلکه ایشان را در «تارتاروس»^{*} افکند و در زنجیرهای تاریکی مطلق^{*} قرار داد تا برای داوری نگاه داشته شوند.

۵ به علاوه، او از مجازات دنیای باستان خودداری ننمود، بلکه وقتی توفانی بر همهٔ مردم خدانشناس دنیا آورد، نوح را که طریق درست خدا را موعظه می‌کرد همراه با هفت نفر دیگر حفظ نمود.

۶ همچنین با مبدل ساختن شهرهای سدوم و غموره به تلی از خاکستر، آن شهرها را محکوم کرد. او با این نمونه نشان داد که چه بر سر مردمان خدانشناس خواهد آمد. ۷ اما لوط درستکار^{*} را که از رفتار بی‌شرمانه^{*} شیران به ستوه آمده بود، نجات بخشید؛ ۸ (زیرا آن مرد درستکار^{*} که در میان ایشان ساکن بود، هر روز از

۳:۲ * تحت‌اللفظی: «نابودی آنان نخواهید است». ۴:۲ * رجوع به واژه‌نامه. ۵ یا احتمالاً: «در سیاهچال‌های تاریک». ۶:۲، ۸ * یا: «عادل». ۷:۲ * یا: «رفتار وقیحانه»؛ به یونانی آیسلیگا: رجوع به واژه‌نامه: «رفتار بی‌شرمانه».

۱۹ پس بدین سان، اطمینان ما به کلام نبوی بیشتر شده است و چه نیکوست که شما نیز به این کلام توجه می‌کنید؛ کلامی که همچون چراغی تا هنگامی که سپیده بدمد و ستارهٔ صبح طلوع کند، در مکانی تاریک در دل‌های شما می‌درخشد. ۲۰ شما پیش از هر چیز به یاد داشته باشید که هیچ یک از پیشگویی‌های نوشته‌های مقدس زائیدهٔ تفسیر شخصی نیست؛ ۲۱ زیرا پیشگویی هرگز به خواست انسان آورده نشد، بلکه انسان‌ها تحت هدایت^{*} روح‌القدس، از جانب خدا سخن گفتند.

۲ با این حال، همان طور که در میان قوم اسرائیل انبیای دروغین بودند، در میان شما نیز معلمان دروغین خواهند بود. آنان به طور پنهان، فرقه‌هایی ویرانگر به وجود خواهند آورد و حتی آن سرور^{*} را که ایشان را خرید، انکار خواهند کرد و بدین سان هلاکتی سریع بر خود خواهند آورد. ۲ به علاوه، بسیاری رفتار بی‌شرمانه^{*} آنان را پیروی خواهند کرد و به خاطر ایشان در مورد راه حقیقت سخنان اهانت‌آمیز گفته خواهد شد. ۳ همچنین، از روی

۲۱:۱ * یا: «تأثیر؛ نفوذ». ۱:۲ * یا: «صاحب؛ ارباب». ۲:۲ * یا: «رفتار وقیحانه»؛ حالت جمع واژهٔ یونانی آیسلیگا: رجوع به واژه‌نامه: «رفتار بی‌شرمانه».

که در پیش گرفته‌اند، جزایشان این خواهد بود که ضرر ببینند.

برای آنان لذت‌بخش است که خود را حتی در روشنایی روز غرق هوسرانی کنند. ایشان لکه‌های ننگ هستند و در مهمانی‌هایی که با شما شرکت می‌کنند، از تعالیم گمراه‌کننده‌ای که می‌دهند، لذتی بی‌حد و حصر می‌برند. ۱۴ چشمانشان پر از زناست و نمی‌توانند از گناه دست بکشند و سست‌ایمانان* را اغوا می‌کنند. دلشان برای طمع‌ورزی آموزش دیده است. آنان فرزندان لعنت‌شده‌اند. ۱۵ کسانی هستند که راه راست را ترک کرده، گمراه شده‌اند. آنان راه بلعام پسر بعور را دنبال کرده‌اند که مزد بدکاری را دوست داشت ۱۶ و به سبب زیر پا گذاشتن آنچه درست بود، توبیخ شد. آری، حیوانی بی‌زبان با صدای انسان سخن گفت و سعی کرد آن نبی را از رفتن به راه احمقانه‌اش منع کند. ۱۷ آنان چشمه‌های بی‌آب هستند و ابرهای بی‌بارانی که با توفانی شدید رانده می‌شوند و سیاه‌ترین تاریکی‌ها برایشان نگاه داشته شده است. ۱۸ سخنان تکبرآمیزی می‌گویند که پوچ و بی‌ارزش است. آنان با توسل به امیال نفسانی و

اعمال شیرانه‌ای که می‌دید و می‌شنید، عذاب می‌کشید. ۹ پس یَهُوه* می‌داند که چگونه کسانی را که زندگی‌شان را به او وقف کرده‌اند، از آزمایش‌ها رهایی بخشد، اما مردمان شریر را برای نابودی در روز داوری نگاه دارد. ۱۰ به‌خصوص کسانی را که در پی ناپاک ساختن بدن دیگران هستند و هر اقتداری* را خوار می‌شمارند.

آنان چنان گستاخ و خودسرند که از گفتن سخنان اهانت‌آمیز به حرمت‌یافتگان* باکی ندارند، ۱۱ اما فرشتگان با این که از قدرت و توانایی بیشتر برخوردارند، از روی احترام به* یَهُوه* آنان را با سخنان اهانت‌آمیز متهم نمی‌کنند. ۱۲ اما این افراد، همچون حیواناتی فاقد شعور که از روی غریزه عمل می‌کنند و برای به دام افتادن و هلاک شدن تولّد یافته‌اند، در مورد اموری که از آن بی‌اطلاعند، سخنان اهانت‌آمیز می‌گویند. راه هلاکتی که ایشان در پیش گرفته‌اند، به نابودی‌شان خواهد انجامید ۱۳ و به سبب راه مضری

۲: ۱۱، ۹: ۲ * رجوع به واژه‌نامه. ۲: ۱۰ * یا: «و مراجع قدرت». * یا: «جلال‌یافتگان». ۲: ۱۱ * یا: «در پیشگاه».

۲: ۱۴ * یا: «اشخاص بی‌ثبات».

یادآوری، به تفگّری روشن برانگیزانم
 ۲ تا سخنانی* را که انبیای مقدّس
 در گذشته گفته‌اند و احکام سرور و
 نجات‌دهنده ما را که از طریق رسولان*
 گفته شد، به یاد آورید. ۳ نخست
 بدانید که در ایّام آخر تمسخرکنندگانی
 خواهند آمد که مطابق امیال خود رفتار
 خواهند کرد. آنان با سخنانی تمسخرآمیز
 ۴ خواهند گفت: «پس وعده آمدن* او
 چه شد؟ از روزی که پدران ما به خواب
 مرگ رفتند، همه چیز درست همان گونه
 است که از آغاز آفرینش بود.»

۵ در واقع، ایشان عمداً این حقیقت را
 نادیده می‌گیرند که آسمان‌ها از ایّام قدیم
 بود و زمین به کلام خدا از میان آب سر
 بیرون آورد و با آب احاطه شد ۶ و توسط
 همین‌ها دنیای آن زمان در آب غرق شده،
 نابود گشت. ۷ اما به همان کلام، آسمان‌ها
 و زمینی که اکنون وجود دارد، برای آتش
 نگاه داشته شده است و تا روز داوری و
 نابودی مردمان خدانشناس حفظ می‌گردد.
 ۸ حال ای عزیزان، این حقیقت را
 فراموش مکنید که یک روز نزد یَهُوه*

۲:۳ *یا: «پیشگویی‌هایی». *تحت اللفظی:
 «رسولان شما». ۴:۳ *تحت اللفظی: «حضور».
 ۸:۳ *رجوع به واژه‌نامه.

با رفتار بی‌شرمانه* خود مردمانی را
 اغوا می‌کنند که به‌تازگی از چنگ کسانی
 که رفتاری گناه‌آلود دارند، گریخته‌اند.
 ۱۹ در حالی که وعده آزادی می‌دهند،
 خود بنده فسادند؛ زیرا اگر کسی مغلوب
 شخصی دیگر شود، بنده اوست.*
 ۲۰ اگر آنان که با کمک شناخت دقیق
 سرور و نجات‌دهنده ما عیسی مسیح
 از ناپاکی‌های این دنیا گریختند، بار
 دیگر درگیر همان امور شده، مغلوب آن
 شوند، عاقبتشان بدتر از وضعیت
 سابقشان خواهد بود. ۲۱ برای آنان بهتر
 می‌بود که به شناخت دقیق راه درست
 خدا نمی‌رسیدند، تا این که پس از آشنایی
 با آن از احکام مقدّسی که به ایشان سپرده
 شد، روی گردانند. ۲۲ آن مَثَل راستین در
 موردشان مصداق دارد که می‌گوید:
 «سگ به قی خود بازگشته است و خوک
 شسته‌شده به غلتیدن در گِل.»

۳ ای عزیزان، اکنون این نامه دومی
 است که به شما می‌نویسم و
 همچون نامه اولم می‌خواهم شما را با

۱۸:۲ *یا: «رفتار وقیحانه»: حالت جمع واژه
 یونانی *آپسلگیا*: رجوع به واژه‌نامه: «رفتار
 بی‌شرمانه». ۱۹:۲ *یا: «زیرا اگر کسی مغلوب
 چیزی شود، بنده آن است».

شد. ۱۳ اما ما مطابق وعده او در انتظار آسمان‌هایی جدید و زمینی جدید هستیم که در آن‌ها عدالت برقرار خواهد بود.* ۱۴ پس ای عزیزان، چون برای این‌ها انتظار می‌کشید، تمام سعی خود را بنمایید تا او شما را سرانجام بی‌لکه، بی‌عیب و در صلح بیاورد. ۱۵ به علاوه، بردباری خداوندان را فرصتی برای نجات بدانید، همان طور که برادر عزیزمان پولس مطابق حکمتی که به او داده شده است، به شما نوشت. ۱۶ او در تمام نامه‌های خود در مورد این امور سخن می‌گوید. البته در نامه‌های او درک بعضی مطالب دشوار است و نادانان* و سست‌ایمانان* آن‌ها را تحریف می‌کنند، همان کاری که با بقیه نوشته‌های مقدس انجام می‌دهند و این سبب نابودی‌شان خواهد شد.

۱۷ پس شما ای عزیزان، چون این را از پیش می‌دانید، مراقب باشید، مبدا به سبب فریب شریران به گمراهی کشیده شوید و پایداری* خود را از دست بدهید، بلکه در لطف و شناخت سرور و نجات‌دهنده‌مان عیسی مسیح ترقی کنید. اکنون و تا ابد بر او جلال باد! آمین.

۱۳:۳ *یا: «که منزلگه درستکاری خواهد بود». ۱۶:۳ *یا: «تعلیم‌نیافتگان». *یا: «اشخاص بی‌ثبات». ۱۷:۳ *یا: «ثبات».

همچون هزار سال است و هزار سال همچون یک روز. ۹ يَهُوَه* در به جا آوردن وعده خود تأخیر نمی‌کند، چنان که برخی آن را تأخیر می‌پندارند، بلکه او با شما بردبار است؛ زیرا نمی‌خواهد هیچ کس هلاک شود، بلکه می‌خواهد همگان فرصت توبه یابند. ۱۰ اما روز يَهُوَه* همچون دزد می‌آید که در آن آسمان‌ها با غرش* از میان خواهند رفت و عناصر در اثر حرارت شدید از هم خواهند پاشید و زمین و کارهایی که در آن انجام می‌شود، عیان خواهد شد.

۱۱ پس حال که همه این‌ها بدین طریق نابود خواهد شد، دقت کنید که چگونه مردمانی باید باشید! شما باید در رفتار خود مقدس باشید و در اعمال خود نشان دهید که زندگی‌تان را به خدا وقف کرده‌اید. ۱۲ همچنین برای آمدن* روز يَهُوَه* انتظار بکشید و همواره نزدیک بودن آن روز را مد نظر داشته باشید.^۵ در آن روز آسمان‌ها در آتش نابود و عناصر در اثر حرارت شدید ذوب خواهند

۹:۳، ۱۰، ۱۲ *رجوع به واژه‌نامه. ۱۰:۳ *یا: «صدایی رعدآسا و زودگذر». ۱۲:۳ *تحت اللفظی: «حضور». ^۵ یا: «همواره مشتاق آمدن آن باشید»: تحت اللفظی: «آن را بشتابانید».

نامهٔ اول یوحنا

فهرست محتوا

- | | | |
|---|---|--|
| ۱ | کلام حیات (۴-۱) | به یکدیگر محبت کنید (۱۳-۱۸) |
| | گام برداشتن در نور (۵-۷) | خدا از دل ما بزرگ‌تر است (۱۹-۲۴) |
| | نیاز به اعتراف به گناهان (۸-۱۰) | ۴ گفته‌های الهام‌شده را بیازمایید (۱-۶) |
| ۲ | عیسی قربانی کفاره (۱-۲) | شناخت خدا و محبت به او (۷-۲۱) |
| | اطاعت از احکام خدا (۳-۱۱) | «خدا محبت است» (۸، ۱۶) |
| | حکمی قدیمی و تازه (۷-۸) | در محبت ترس نیست (۱۸) |
| | دلیل نوشتن به شما (۱۲-۱۴) | ۵ با ایمان به عیسی بر دنیا غالب می‌آییم (۱-۱۲) |
| | دنیا را دوست مدارید (۱۵-۱۷) | معنی محبت خدا (۳) |
| | هشدار در مورد ضد مسیح (۱۸-۲۹) | اعتماد به قدرت دعا (۱۳-۱۷) |
| ۳ | ما فرزندان خداییم (۱-۳) | خود را در این دنیای شریر حفظ کنید (۱۸-۲۱) |
| | فرزندان خدا در مقایسه با فرزندان ابلیس (۴-۱۲) | تمام دنیا زیر سلطهٔ شیطان است (۱۹) |
| | عیسی اعمال ابلیس را خنثی می‌سازد (۸) | |

شما هم با ما شراکت* داشته باشید. این شراکت ما با پدر و با پسرش عیسی مسیح است. ۴ این را به شما می‌نویسیم تا شادی ما کامل شود.

۵ این پیامی است که ما از او شنیده‌ایم و به شما اعلام می‌کنیم: خدا نور است و هیچ تاریکی در او نیست. ۶ اگر بگوییم: «ما با او شراکت داریم، اما همچنان در تاریکی گام برداریم،

۳:۱ یا: «رفاقت: همبستگی».

در مورد آنچه از آغاز بود، آنچه ما شنیده و به چشمان خود دیده‌ایم، آنچه مشاهده کرده و با دست خود لمس نموده‌ایم، یعنی در مورد کلام حیات به شما می‌نویسیم: ۲ (آری، این حیات آشکار شد و ما آن را دیده‌ایم و بر آن شهادت می‌دهیم. ما این حیات جاودان را به شما اعلام می‌کنیم که نزد پدر بود و بر ما آشکار شد.) ۳ آنچه ما دیده و شنیده‌ایم، به شما نیز اعلام می‌کنیم که

و دروغ می‌گوییم و مطابق حقیقت عمل نمی‌کنیم. ۷ اما اگر در نور گام برداریم، چنان که او خود در نور است، با یکدیگر شراکت داریم و خون پسرش عیسی، ما را از هر گناه پاک می‌سازد.

۸ اگر بگوییم: «بی‌گناه هستیم» خود را فریب می‌دهیم و راستی در ما نیست.

۹ اگر به گناهان خود اعتراف کنیم، چون او امین و عادل است، گناهان ما را می‌بخشد و ما را از هر نادرستی پاک می‌سازد. ۱۰ اگر بگوییم: «گناهی نکرده‌ایم» او را دروغ‌گوی شماریم و کلام او در ما نیست.

۲ فرزندان عزیزم، این را به شما می‌نویسم تا گناهی نکنید. اما اگر کسی گناهی کند، مددکننده‌ای* نزد پدر داریم؛ یعنی عیسی مسیح عادل. ۲ او قربانی کفاره* برای گناهان ماست و نه فقط برای گناهان ما، بلکه همین طور برای گناهان مردم تمام دنیا. ۳ اگر همواره از احکام او اطاعت کنیم، نشانه این است که او را می‌شناسیم. ۴ کسی که می‌گوید: «او را می‌شناسم»، اما از احکامش اطاعت نکنند، دروغ‌گوست

۶:۲ * تحت اللفظی: «درست همان گونه گام بردارد که او گام برداشت». ۱۰:۲ * یا احتمالاً: «و سبب لغزش دیگران نمی‌شود».

از حقیقت در او نیست. ۵ اما هر که از کلام او اطاعت کند، محبت به خدا در او به‌راستی کامل شده است؛ در واقع، از این می‌دانیم که در اتحاد با او هستیم. ۶ کسی که می‌گوید در اتحاد با او می‌ماند، خود موظف است که درست همان گونه رفتار کند که عیسی رفتار کرد.*

۷ ای عزیزان، حکمی برای شما می‌نویسم؛ البته نه حکمی تازه، بلکه حکمی قدیمی که از آغاز داشته‌اید. این حکم قدیمی کلامی است که شنیدید. ۸ با این حال، این حکمی که به شما می‌نویسم تازه است، حکمی که هم مسیح در آن نمونه است و هم شما؛ زیرا تاریکی درگذر و نور حقیقی اکنون درخشان است.

۹ کسی که می‌گوید در نور است، اما از برادر خود نفرت دارد، هنوز در تاریکی است. ۱۰ آن که برادر خود را دوست دارد، در نور می‌ماند و چیزی باعث لغزش او نمی‌شود.* ۱۱ اما کسی که از برادر خود نفرت دارد، در تاریکی است و در تاریکی گام برمی‌دارد و نمی‌داند به کجا می‌رود؛ زیرا تاریکی چشمان او را کور کرده است.

۱:۲ * یا: «شفیعی؛ مدافعی». * یا: «درستکار».

۲:۲ * یا: «آستی‌دهنده؛ پوشاننده».

بسیاری ظاهر شده‌اند؛ از این رو می‌دانیم که ساعت آخر است. ۱۹ آنان از میان ما بیرون رفتند، اما در واقع از ما نبودند؛* زیرا اگر از ما بودند، با ما می‌ماندند. اما بیرون رفتند تا آشکار شود که در واقع هر کسی از ما نیست. ۲۰ مسح شدن شما از آن قدّوس است و همگی شما شناخت دارید. ۲۱ من به شما می‌نویسم، نه چون حقیقت را نمی‌دانید، بلکه چون آن را می‌دانید و این که هیچ دروغی از حقیقت به وجود نمی‌آید.

۲۲ دروغگو کیست؟ مگر آن کسی نیست که مسیح بودن عیسی را انکار کند؟ این همان «ضدّ مسیح» است، همان که پدر و پسر را انکار می‌کند. ۲۳ هر که پسر را انکار کند، پدر را هم ندارد. هر که پسر را تصدیق کند، پدر را هم دارد. ۲۴ اما آنچه از آغاز شنیده‌اید باید در شما بماند. اگر آنچه از آغاز شنیده‌اید در شما بماند، شما نیز در اتحاد با پسر و در اتحاد با پدر خواهید ماند. ۲۵ به علاوه، آنچه او خود به ما وعده داد این است: زندگی جاودان.

۲۶ این‌ها را در مورد کسانی به شما می‌نویسم که سعی دارند گمراهتان کنند.

۱۹:۲* یا: «در واقع به ما تعلق نداشتند».

۱۲ ای فرزندان عزیز، به شما می‌نویسم؛ زیرا به خاطر نام او گناهان شما بخشیده شده است. ۱۳ ای پدران، به شما می‌نویسم؛ زیرا کسی را که از آغاز بوده است، می‌شناسید. ای مردان جوان، به شما می‌نویسم؛ زیرا بر آن شریر* غالب آمده‌اید. ای فرزندان، به شما می‌نویسم؛ زیرا پدر را می‌شناسید. ۱۴ ای پدران، به شما می‌نویسم؛ زیرا کسی را که از آغاز بوده است، می‌شناسید. ای مردان جوان، به شما می‌نویسم؛ زیرا قوی هستید و کلام خدا در شما می‌ماند و بر آن شریر غالب آمده‌اید.

۱۵ دنیا و آنچه را در دنیاست دوست مدارید. اگر کسی دنیا را دوست بدارد، محبت به پدر در او نیست؛ ۱۶ زیرا هر آنچه در دنیاست، یعنی امیال نفس، خواسته‌های چشم و فخر به مال و منال، نه از پدر، بلکه از دنیاست. ۱۷ به علاوه، دنیا و خواسته‌های آن گذراست، اما کسی که خواست خدا را به جا می‌آورد، تا ابد باقی خواهد ماند.

۱۸ ای فرزندان عزیز، این ساعت آخر است و چنان که شنیده‌اید «ضدّ مسیح» می‌آید. هم‌اکنون نیز «ضدّ مسیح‌های»

۱۳:۲* منظور شیطان است.

که این امید را به او* دارد، خود را پاک می‌سازد، چنان که او پاک است.

۴ هر که گناه پیشه کند، در واقع قانون‌شکنی نیز می‌کند. پس گناه، قانون‌شکنی است. ۵ همچنین می‌دانید که عیسی آشکار شد که گناهان ما را بردارد و در او هیچ گناهی نیست. ۶ هر که در اتحاد با او بماند، گناه پیشه نمی‌کند. کسی که گناه پیشه می‌کند، نه او را دیده است و نه او را می‌شناسد. ۷ فرزندان عزیز، مگذارید کسی شما را گمراه کند. کسی که درستکاری پیشه می‌کند، درستکار* است، همان طور که عیسی درستکار است. ۸ آن که گناه پیشه می‌کند از ابلیس است؛ زیرا ابلیس از آغاز* گناه می‌کرد. به همین دلیل پسر خدا آشکار شد تا اعمال ابلیس را خنثی سازد.*

۹ هر که از خدا زاده شده است، گناه پیشه نمی‌کند؛ زیرا بذر ثمربخش خدا در چنین شخصی می‌ماند و او نمی‌تواند گناه پیشه کند، چون از خدا زاده شده است. ۱۰ فرزندان خدا و فرزندان ابلیس

۳:۳ * یا: «در خود». ۷:۳ * یا: «عادل». ۸:۳ * یا: «از زمانی که راه خود را پیش گرفت». * یا: «از میان بردارد؛ نابود سازد».

۲۷ اما مسیحی که از او یافته‌اید در شما می‌ماند و نیاز ندارید کسی به شما تعلیم دهد؛ بلکه آن مسیحی که از او یافته‌اید، در مورد همه چیز به شما تعلیم می‌دهد و آن مسح راست است و دروغ نیست. همان گونه که به شما تعلیم داده است، در اتحاد با او بمانید. ۲۸ پس حال فرزندان عزیز، در اتحاد با او بمانید تا بتوانیم هنگام آشکار شدنش با اعتماد سخن گوئیم* و هنگام حضورش، خود را از روی شرمساری از او جدا نسازیم. ۲۹ اگر می‌دانید که او عادل است، پس همچنین می‌دانید هر کسی که عدالت را به جا می‌آورد، از او زاده شده است.

۳ ببینید که پدر چه محبت عظیمی به ما ابراز داشته است! ما را فرزندان خود* خوانده است و به‌راستی که ما فرزندان او هستیم! از این روست که دنیا ما را نمی‌شناسد؛ زیرا او را نمی‌شناسد. ۲ عزیزان، حال ما فرزندان خدا هستیم، اما هنوز آشکار نشده است که چگونه خواهیم بود. می‌دانیم زمانی که او آشکار شود، مانند وی خواهیم بود؛ زیرا او را چنان که هست خواهیم دید. ۳ هر کس

۲۸:۲ * رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار». ۱۰:۳ * تحت‌اللفظی: «فرزندان خدا».

چنین آشکار می‌شوند: هرکه درستکاری پیشه نکند، از خدا نیست. هرکه برادر خود را دوست نداشته باشد نیز از خدا نیست. ۱۱ این است آن پیامی که از آغاز شنیدید: باید به یکدیگر محبت کنیم، ۱۲ نه همچون قائل که از آن شریر* بود و برادر خود را بی‌رحمانه به قتل رساند. چرا او را به قتل رساند؟ زیرا اعمال او بد، اما اعمال برادرش درست بود.

۱۳ ای برادران، تعجب نکنید که دنیا از شما نفرت دارد. ۱۴ ما می‌دانیم که از مرگ به حیات پا گذاشته‌ایم؛ زیرا به برادران محبت می‌کنیم. هرکه محبت نمی‌کند، در مرگ می‌ماند. ۱۵ هرکه از برادر خود نفرت داشته باشد، قاتل است و می‌دانید که هیچ قاتلی زندگی جاودان نخواهد داشت. ۱۶ محبت را از این شناخته‌ایم که او جان خود را برای ما داد و ما نیز موظفیم جان خود را برای برادرانمان بدهیم. ۱۷ حال اگر کسی از مال دنیا برخوردار باشد و با این که برادر خود را محتاج می‌بیند، رحمت خود را از او دریغ کند، چگونه می‌توان گفت خدا را دوست دارد؟ ۱۸ فرزندان عزیز، ما باید

۱۲:۳ * منظور شیطان است.

محبت کنیم، اما نه در کلام یا زبان، بلکه در عمل و راستی.

۱۹ اینچنین، خواهیم دانست که جانب حقیقت را گرفته‌ایم و در دل خود اطمینان خواهیم داشت که خدا ما را دوست دارد.* ۲۰ حتی اگر دلمان در اموری ما را محکوم کند. پس بیایید به یاد داشته باشیم که خدا از دل ما بزرگ‌تر است و همه چیز را می‌داند. ۲۱ عزیزان، اگر دلمان ما را محکوم نکند، در حضور خدا با آزادی سخن خواهیم گفت.* ۲۲ و هر آنچه درخواست کنیم، از او خواهیم یافت؛ زیرا از احکامش اطاعت می‌کنیم و آنچه از دید او پسندیده است، انجام می‌دهیم. ۲۳ آری، حکم او این است: به نام پسرش عیسی مسیح ایمان داشته باشیم و به یکدیگر محبت کنیم، چنان که او به ما حکم کرد. ۲۴ به علاوه، هر که از احکام او اطاعت می‌کند، در اتحاد با وی می‌ماند. او نیز در اتحاد با چنین شخصی می‌ماند و از طریق آن روحی که به ما بخشید، می‌دانیم که او در اتحاد با ما می‌ماند.

۱۹:۳ * یا: «و دل خود را در حضور او قانع خواهیم ساخت؛ و دل خود را در حضور او مطمئن خواهیم ساخت». ۲۱:۳ * رجوع به واژه‌نامه: «آزادی در گفتار».

به این طریق گفته الهام شده حقیقی را از گفته الهام شده دروغین تشخیص می‌دهیم.

۷ عزیزان، بیایید همچنان به یکدیگر محبت کنیم؛ زیرا محبت از خداست و هر که محبت می‌کند، از خدا زاده شده است و خدا را می‌شناسد. ۸ کسی که محبت نمی‌کند، خدا را نمی‌شناسد؛ زیرا خدا محبت است. ۹ بدین گونه محبت خدا بر ما آشکار شد که خدا یگانه پسر خود را به دنیا فرستاد تا ما از طریق او حیات یابیم. ۱۰ منظور از محبت همین است؛ نه این که ما به خدا محبت کرده باشیم، بلکه او به ما محبت کرد و پسرش را فرستاد تا قربانی کفاره* برای گناهان ما باشد.

۱۱ ای عزیزان، اگر خدا به ما چنین محبتی کرده است، پس ما نیز موظفیم به یکدیگر محبت کنیم. ۱۲ هیچ کس هرگز خدا را ندیده است. اگر همچنان به یکدیگر محبت کنیم، خدا در ما می‌ماند و محبت او در ما کامل شده است. ۱۳ ما می‌دانیم که در اتحاد با او می‌مانیم و او در اتحاد با ما؛ زیرا روح خود را به ما بخشیده است. ۱۴ به علاوه، ما خود

* ۱۰:۴ یا: «آشتی‌دهنده؛ پوشاننده».

۴ ای عزیزان، هر گفته الهام شده* را باور مکنید، بلکه آن‌ها* را بیازمایید که آیا از جانب خداست یا نه؛ زیرا پیامبران دروغین بسیاری در دنیا ظهور کرده‌اند.

۲ به این طریق تشخیص می‌دهید که گفته‌ای الهام شده از خداست: هر گفته الهام شده که تصدیق کند عیسی مسیح به صورت انسان* آمد، از جانب خداست. ۳ اما هر گفته الهام شده که عیسی را تصدیق نکند، از جانب خدا نیست. در واقع، چنین گفته‌ای از «ضد مسیح» است که خبر آمدنش را شنیده بودید و اکنون در دنیا است.

۴ فرزندان عزیز، شما از خدایید و بر آنان* غالب آمده‌اید؛ زیرا او که با شماست، بزرگ‌تر از کسی است که با دنیا است. ۵ آنان از دنیا هستند، به همین دلیل آنچه می‌گویند از دنیا است و دنیا به سخنانشان گوش می‌دهد. ۶ ما از خدا هستیم و هر که خدا را می‌شناسد، به سخنان ما گوش می‌دهد؛ هر که از خدا نیست، به سخنان ما گوش نمی‌دهد.

* ۱:۴ تحت‌اللفظی: «هر روح». * تحت‌اللفظی: «روح‌ها». * ۲:۴ تحت‌اللفظی: «در جسم». * ۴:۴ منظور پیامبران دروغین است.

دیده است دوست نداشته باشد، نمی تواند خدایی را که ندیده است دوست داشته باشد. ۲۱ ما این حکم را از او داریم: کسی که خدا را دوست دارد، باید برادر خود را نیز دوست داشته باشد.

هر که ایمان داشته باشد که عیسی همان مسیح است، از خدا زاده شده



است و هر که پدر را دوست می دارد، مولود او را نیز دوست می دارد. ۲ اگر خدا را دوست داشته باشیم و احکام او را به جا آوریم، می دانیم که فرزندان خدا را نیز دوست می داریم. ۳ در واقع، محبت به خدا همین است که از احکام او اطاعت کنیم و احکام او باری سنگین نیست؛ ۴ زیرا هر که* از خدا زاده شده است، بر دنیا غالب می آید. آری ایمان پیروزی ماست و با آن بر دنیا غالب آمده ایم.

۵ کیست که بتواند بر دنیا غالب آید؟ آیا همان نیست که ایمان دارد عیسی پسر خداست؟ ۶ عیسی مسیح آن کسی است که از طریق آب و خون آمد. آری نه فقط با آب، بلکه با آب و خون. روح است که شهادت می دهد؛ زیرا روح، حقیقت را آشکار می کند. ۷ پس سه شاهد وجود

۴: ۵ * تحت اللفظی: «هر آنچه». ۵: ۶ * تحت اللفظی: «روح، حقیقت است».

دیده ایم و شهادت می دهیم که پدر، پسر خود را فرستاد تا نجات دهنده مردم دنیا باشد. ۱۵ کسی که تصدیق کند عیسی پسر خداست، خدا در اتحاد با او می ماند و او در اتحاد با خدا. ۱۶ ما محبتی را که خدا به ما دارد، می شناسیم و به آن اطمینان داریم.

خدا محبت است و هر که در محبت می ماند، در اتحاد با خدا و خدا در اتحاد با او می ماند. ۱۷ به این طریق، محبت در ما کامل شده است تا بتوانیم در روز داوری، با آزادی* سخن بگوییم؛* زیرا ما در این دنیا آن گونه هستیم که او^۵ هست. ۱۸ در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می راند؛* زیرا ترس، ما را محدود می سازد.* آری، کسی که می ترسد در محبت کامل نشده است. ۱۹ ما محبت می کنیم؛ زیرا او نخست به ما محبت کرد.

۲۰ اگر کسی بگوید: «خدا را دوست دارم»، اما از برادر خود نفرت داشته باشد دروغ گوشت؛ زیرا هر که برادر خود را که

۱۷: ۴ * یا: «با اطمینان». * رجوع به واژه نامه: «آزادی در گفتار». ^۵ منظور عیسی مسیح است. ۱۸: ۴ * یا: «می افکند». * یا: «ترس مانعی است بر سر راه ما؛ ترس ما را فلج می سازد».

۱۶ اگر شخصی ببیند که برادرش گناهی می‌کند که به مرگ نمی‌انجامد، باید دعا کند و خدا به او حیات خواهد بخشید؛ یعنی به کسانی که گناهشان به مرگ نمی‌انجامد. اما گناهی هست که به مرگ می‌انجامد. در مورد چنین گناهی نمی‌گوییم که دعا کند. ۱۷ هر عمل نادرست گناه است؛ اما گناهی هست که به مرگ نمی‌انجامد.

۱۸ ما می‌دانیم کسی که از خدا زاده شده است، گناه پیشه نمی‌کند، بلکه مولود خدا* از او محافظت می‌کند و آن شریر* نمی‌تواند گرفتارش سازد. ۱۹ ما می‌دانیم که از خداییم، اما تمام دنیا زیر سلطه آن شریر* است. ۲۰ همچنین می‌دانیم که پسر خدا آمده و به ما بینش* بخشیده است تا بتوانیم در مورد خدای حقیقی شناخت کسب کنیم. ما از طریق پسرش عیسی مسیح در اتحاد با او هستیم. اوست خدای حقیقی و منشأ حیات جاودان. ۲۱ ای فرزندان عزیز، خود را از بت‌ها محفوظ نگاه دارید.

۱۸:۵ * منظور از «مولود خدا» پسر خدا عیسی مسیح است. ۱۸:۵، ۱۹ * منظور شیطان است. ۱۸:۵^ا: «آن شریر به او صدمه نمی‌زند». ۲۰:۵ * تحت اللفظی: «ادراک: توان ذهنی»: یا: «بصیرت».

دارد: ۸ روح، آب و خون. این سه با هم توافق دارند.

۹ اگر شهادت انسان را می‌پذیریم، شهادت خدا که بزرگ‌تر است؛ زیرا شهادتی است که خدا خود در مورد پسرش می‌دهد. ۱۰ هر که به پسر خدا ایمان آورد، این شهادت را در خود دارد. آن که به خدا ایمان نیاورد، او را دروغگو شمرده است؛ زیرا به شهادتی که خدا در مورد پسرش داده، ایمان نیاورده است. ۱۱ آن شهادت این است که خدا حیات جاودان به ما بخشید و این حیات در پسر اوست. ۱۲ آن که پسر را دارد، از این حیات برخوردار است؛ آن که پسر را ندارد، این حیات را ندارد.

۱۳ این را به شما که به نام پسر خدا ایمان دارید، می‌نویسم تا بدانید که از حیات جاودان برخوردارید. ۱۴ این اعتمادی است که به او داریم* که هر چه مطابق خواست او در دعا بطلبیم، دعای ما را می‌شنود. ۱۵ اگر می‌دانیم که هر آنچه از او بطلبیم، ما را می‌شنود، پس یقین نیز داریم که آنچه از او بطلبیم، خواهیم یافت؛ زیرا آن‌ها را از او طلبیده‌ایم.

۱۴:۵ * یا: «در حضور او این آزادی گفتار را داریم».

سلام‌ها (۳-۱)

گام برداشتن در حقیقت (۴-۶)

مراقب فریبکاران باشید (۷-۱۱)

سلام مگویید (۱۰، ۱۱)

قصد دیدار و سلام‌ها (۱۲، ۱۳)

محبت کنیم. (این حکمی تازه نیست که به تو می‌نویسم، بلکه همان حکمی است که از آغاز داشتیم). ۶ محبت به این معنی است که مطابق احکام او گام برداریم. چنان که از آغاز شنیده‌اید، آن حکم این است که همچنان در محبت گام بردارید؛ ۷ زیرا فریبکارانی بسیار در دنیا ظهور کرده‌اند؛ یعنی کسانی که تصدیق نمی‌کنند عیسی مسیح به صورت انسان* آمد. این است آن فریبکار و «ضد مسیح».

۸ مراقب خود باشید تا ثمراتی را که برای آن‌ها تلاش کرده‌ایم از دست ندهید، بلکه پاداشی کامل به دست آورید. ۹ هر که از تعالیم مسیح تجاوز کند و در آن باقی نماند، خدا را ندارد. اما آن که در

۲ * تحت اللفظی: «در جسم».

۱ از طرف مردی سالمند،* به بانوی برگزیده* و فرزندانش که حقیقتاً دوستشان می‌دارم و نه فقط من، بلکه همهٔ کسانی که حقیقت را می‌شناسند نیز دوستشان می‌دارند. ۲ این به خاطر حقیقتی است که در ما می‌ماند و تا ابد با ما خواهد بود. ۳ لطف، رحمت و آرامش از جانب پدرمان خدا و از جانب پسرش عیسی مسیح به همراه حقیقت و محبت با ما خواهد بود.

۴ وقتی پی بردم که برخی از فرزندان، مطابق حکم پدر، در حقیقت گام برمی‌دارند، بسیار شادمان شدم. ۵ حال ای بانو، از توتقاضایی دارم؛ بیاییم به یکدیگر

۱ * یا: «پیر جماعت». * منظور از «بانوی برگزیده» احتمالاً یک شخص یا یک جماعت در قرن اول است.

۱۲ با این که چیزهای بسیاری دارم که برایتان بنویسم، نمی‌خواهم با مرکب و کاغذ باشد، بلکه امیدوارم نزد شما آیم و رو در رو باشم سخن بگویم تا شادی شما کامل شود. ۱۳ فرزندانِ خواهر برگزیده‌ها نیز به تو سلام می‌رسانند.

این تعالیم بماند، هم پدر را دارد و هم پسر را. ۱۰ اگر کسی نزد شما بیاید و این تعالیم را نیاورد، هرگز او را به خانه خود مپذیرید یا به او سلام مگویید؛ ۱۱ زیرا هر که به او سلام گوید، در اعمال شریرش شریک می‌شود.

نامه سوم یوحنا

فهرست محتوا

از دیمیتریوس به نیکی یاد
می‌شود (۱۱، ۱۲)
قصد دیدار و سلام‌ها (۱۳، ۱۴)

سلام‌ها و دعا (۱-۴)
تحسین گایوس (۵-۸)
جاه‌طلبی دیوتریفیس (۹، ۱۰)

چیز بیش از این مرا شاد نمی‌سازد* که بشنوم فرزندانم همچنان در حقیقت گام برمی‌دارند.

۵ برادر عزیز، تو با آنچه برای برادرانی که حتی نزد تو غریب هستند می‌کنی، وفاداری خود را نشان می‌دهی. ۶ ایشان در جماعت بر محبت تو شهادت داده‌اند. پس لطفاً آنان را به گونه‌ای راهی سفر کن که مایهٔ خشنودی خدا شود. ۷ زیرا آنان

۴ * یا احتمالاً: «سبب شکرگزاری من نمی‌شود».

۱ از طرف مردی سالمند* به گایوس عزیز که حقیقتاً دوستش می‌دارم.

۲ ای برادر عزیز، دعا می‌کنم که سلامت و همواره در همه چیز کامیاب باشی، چنان که اکنون کامیابی؛* ۳ زیرا وقتی برادران آمدند و شهادت دادند که به حقیقت وفادار هستی و همچنان در آن گام برمی‌داری، بسیار شاد شدم. ۴ هیچ

۱ * یا: «پیر جماعت». ۲ * تحت اللفظی: «جانت کامیاب است».

و سعی می‌کند آنان را از جماعت بیرون کند.

۱۱ برادر عزیز، نه بدی، بلکه نیکویی را سرمشق خود ساز. هر که نیکویی می‌کند از خداست. آن که بدی می‌کند، خدا را نمی‌شناسد. * ۱۲ همه در مورد دیمتریوس به نیکی شهادت می‌دهند و حقیقت نیز این را تأیید می‌کند. در واقع، ما نیز در مورد او شهادت می‌دهیم و تو نیز می‌دانی که شهادت ما راست است. ۱۳ من چیزهای بسیار دارم که با تو در میان بگذارم، ولی نمی‌خواهم آن‌ها را با قلم و مرکب بنویسم. ۱۴ اما امیدوارم که به زودی تو را ببینم و رودر رو گفتگو کنیم. آرامش بر تو باد!

دوستان نیز به تو سلام می‌رسانند. دوستان را یک به یک به نام سلام برسان. ۱۱ * تحت‌اللفظی: «خدا را ندیده است».

به نام او عازم سفر شدند و چیزی از مردم قوم‌ها* نگرفتند. ۸ پس مهمان‌نوازی به چنین افرادی وظیفهٔ ماست تا در پیشبرد حقیقت با ایشان همکار شویم.*

۹ من چیزی به جماعت نوشتم، اما دیوتریس که دوست دارد جایگاه اول را در میانشان داشته باشد، احترام ما را نگاه نداشته، هیچ چیز را از ما نمی‌پذیرد. ۱۰ به همین دلیل، اگر بیایم کارهای او را فاش خواهم کرد، چون او سخنان مغرضانه در مورد ما می‌گوید. به این نیز کفایت نکرده، حتی پذیرای برادران هم نیست و از احترام گذاشتن به آنان سر باز می‌زند. همچنین تلاش می‌کند مانع کسانی شود که می‌خواهند پذیرای این برادران شوند

۲ * «مردم قوم‌ها» در اینجا ظاهراً به غیریهودیانی اشاره دارد که به مسیح ایمان نداشتند. ۸ * تحت‌اللفظی: «تا با ایشان در امر حقیقت همکار شویم».

نامهٔ یهودا

فهرست محتوا

پیشگویی خَنوخ (۱۴، ۱۵)
خود را در محبت خدا نگاه دارید (۱۷-۲۳)
جلال دادن به خدا (۲۴، ۲۵)

سلام‌ها (۱، ۲)
محکومیت قطعی معلّمان دروغین (۳-۱۶)
مجادلهٔ میکائیل با ابلیس (۹)

مصر رهایی داد، اما پس از آن، بی‌ایمانان را نابود کرد. ۶ همچنین، او فرشتگانی را که جایگاه اصلی خود را حفظ نکردند، بلکه مسکن مناسب خود را ترک نمودند، به بندهای ابدی کشیده و در تاریکی مطلق، برای روز بزرگ داوری نگاه داشته است. ۷ به همین سان، مردم سُدوم و غَمُورَه و شهرهای اطراف آن، خود را در فحشا* غرق کردند و در پی شهوات غیرطبیعی رفتند؛ مجازات این شهرها در آتش ابدی*، درس عبرتی برای ما شد.

۸ با وجود همهٔ این‌ها، افرادی که در میان شما رخنه کرده‌اند نیز غرق رؤیاهای خویشند، بدن‌های خود و دیگران را ناپاک می‌سازند، هر اقتداری* را خوار می‌شمارند و به حرمت‌یافتگان* سخنان اهانت‌آمیز می‌گویند. ۹ اما هنگامی که میکائیل، یعنی فرشتهٔ ارشد، به دلیل اختلافی که با ابلیس در مورد جسد موسی داشت با او مجادله می‌کرد، به خود اجازه نداد او را با سخنان اهانت‌آمیز

۷ * رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». منظور نابودی ابدی است. رجوع به واژه‌نامه: «دَرَه هِنُوم». ۸ * یا: «مراجع قدرت»: منظور خدا و کسانی است که او به آنان قدرت و اختیاراتی داده است. * یا: «جلال‌یافتگان».

۱ از طرف یهودا که غلام عیسی مسیح و برادر یعقوب است به دعوت‌شدگانی که پدرمان خدا دوستشان می‌دارد و برای عیسی مسیح محفوظ نگاه داشته شده‌اند:

۲ باشد که رحمت و آرامش و محبت بر شما افزون گردد!

۳ ای عزیزان، مشتاق بودم در این نامه در مورد نجاتی که در آن مشترکیم بنویسم، اما حال لازم می‌بینم که شما را ترغیب کنم تا برای ایماننان سخت بجنگید؛ ایمانی که یک بار برای همیشه به مقدّسان سپرده شد؛ ۴ زیرا افرادی در میان شما رخنه کرده‌اند که محکومیتشان از ایام قدیم در نوشته‌های مقدّس تعیین شده بود؛ افراد خدانشناسی که لطف خدای ما را بهانه‌ای برای رفتار بی‌شرمانه* خود قرار می‌دهند و با اعمالشان به یگانه سُرور و اربابمان* عیسی مسیح خیانت می‌کنند.

۵ می‌خواهم مطالبی را به شما یادآوری کنم، هرچند که کاملاً از آن‌ها آگاه هستید؛ یَهُوه* قومی را از سرزمین

۴ * یا: «رفتار وقیحانه»؛ به یونانی آیسلیگیا: رجوع به واژه‌نامه: «رفتار بی‌شرمانه». * یا: «صاحبمان». ۵ * این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «یَهُوه» در این ترجمه به کار رفته است؛ رجوع به واژه‌نامه.

محکوم کند، بلکه فقط گفت: «یَهُوه* تو را توبیخ کند.» ۱۰ اما این افراد در مورد چیزهایی که واقعاً درک نمی‌کنند، سخنان اهان‌ت‌آمیز می‌گویند. همچنین چیزهایی که آنان همچون حیوانات فاقد شعور از روی غریزه می‌فهمند، ایشان را به سوی فساد و هلاکت می‌کشد.

۱۱ وای بر آنان! زیرا در راه قائن قدم گذاشته‌اند و برای سودجویی به راه نادرستِ بُلْعَام شتافته‌اند و همچون قورح به دلیل سخنان تمردآمیز خویش نابود شده‌اند. ۱۲ این اشخاص که در مهمانی‌های پرمهرتان می‌خورند و می‌نوشند، همچون صخره‌های مخفی و خطرناکِ زیر آبند؛ شبانانی هستند که گستاخانه خود را می‌پرورند؛ ابرهای بی‌بارانی هستند که باد آن‌ها را به این طرف و آن طرف می‌راند؛ درختانی هستند که تا پایان موسم میوه* نیز بی‌ثمرند و ریشه‌کن شده، کاملاً مرده‌اند؛* ۱۳ موج‌های خروشان دریا هستند که اعمال ننگینشان را مانند کف برمی‌آورند؛ ستارگانی با مسیری نامشخص هستند که ظلمتِ مطلقِ ابدی برایشان مقرر شده است.

۱۴، ۹ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۲ * تحت‌اللفظی: «تا آخر پاییز». * تحت‌اللفظی: «دو بار مرده‌اند».

۱۴ آری، خنوخ که نسل هفتم پس از آدم بود، در مورد آنان نیز پیشگویی کرد و گفت: «یَهُوه* با ده‌ها هزار فرشته مقدس خود آمد ۱۵ تا همه را داوری کند و تمام خدانشناسان را به دلیل اعمال شریشان و گناهکارانِ خدانشناس را به دلیل سخنان زنده‌ای که علیه او گفته‌اند، محکوم کند.» ۱۶ آنان دائماً گله و شکایت می‌کنند، از وضع خود ناراضی‌اند، در پی تمایلات خویشند، دهانشان از سخنان تکبرآمیز پر است و برای منافع خود چاپلوسی می‌کنند. ۱۷ اما شما، ای عزیزان، سخنان پیشین* رسولانِ سرورمان عیسی مسیح را به خاطر آورید ۱۸ که به شما می‌گفتند: «در زمان آخر تمسخرکنندگانی خواهند بود که مطابق امیالِ شریرانه خود* رفتار می‌کنند.» ۱۹ این اشخاص بین شما تفرقه می‌اندازند و افرادی نفسانی* هستند که از درک امور روحانی عاجزند.* ۲۰ اما شما ای عزیزان، خود را بر پایه ایمان بسیار مقدس‌تان بنا سازید و با هدایت روح القدس دعا کنید ۲۱ تا بتوانید خود را در محبت خدا نگاه دارید، حینی که رحمتِ سرورمان عیسی

۱۷ * یا: «پیشگویی‌های». ۱۸ * یا: «امیال خدانا پسندانه خود». ۱۹ * تحت‌اللفظی: «حیوانی». * تحت‌اللفظی: «که از روح برخوردار نیستند».

۲۴ حال بر خدایی که قادر است شما را از لغزش محفوظ دارد و بدون آلودگی در پیشگاه* پر جلال خود با شادی بسیار حاضر سازد، ۲۵ آری، بر آن خدای یکتا و نجات‌دهنده ما، از طریق سرور ما عیسی مسیح، جلال و عظمت و قدرت و اقتدار باد! از ازل تا ابد.* آمین.

۲۴ * یا: «حضور». ۲۵ * یا: «از ازل، اکنون و تا ابد».

مسیح را که به زندگی جاودان می‌انجامد، انتظار می‌کشید. ۲۲ همچنین به کسانی که در شک افتاده‌اند، رحمت و دلسوزی نشان دهید؛ ۲۳ آنان را از آتش بیرون بکشید و نجات دهید. به دیگران نیز رحمت و دلسوزی کنید. اما از آلوده شدن به گناهانشان بترسید و حتی از لباسی که به اعمال نفسانی آلوده شده است، نفرت داشته باشید.

مکاشفهای به یوحنا

فهرست محتوا

- | | |
|---|---|
| <p>۵ طوماری که با هفت مهر، مهر و موم شده بود (۵-۱)
بزه طومار را می‌گیرد (۸-۶)
بزه شایسته شمرده می‌شود که مهرها را باز کند (۱۴-۹)</p> <p>۶ بزه شش مهر را باز می‌کند (۱۷-۱)
سوار اسب سفید غالب می‌آید (۲-۱)
به سوار اسب سرخ آتشین اختیار داده شد که صلح را از زمین بردارد (۴-۳)
سوار اسب سیاه قحطی می‌آورد (۶-۵)
سوار اسب رنگ‌پریده مرگ نام داشت (۸-۷)
خون کشته‌شدگان زیر مذبح (۱۱-۹)
زمین‌لرزه‌ای عظیم (۱۷-۱۲)</p> | <p>۱ مکاشفهای از جانب خدا که از طریق عیسی مسیح داده شد (۳-۱)
سلام‌هایی به هفت جماعت (۸-۴)
«من الف و ی هستم» (۸)
یوحنا تحت تأثیر روح القدس به روز سرور برده شد (۱۱-۹)
رؤیایی از عیسی جلال‌یافته (۲۰-۱۲)
۲ پیام‌هایی به اِفِسس (۷-۱)، اِزمیر (۱۱-۸)، پِرقاموم (۱۷-۱۲)، تِیاتیرا (۲۹-۱۸)
۳ پیام‌هایی به ساردس (۶-۱)، فیلاذلفیه (۱۳-۷)، لائودیکیه (۲۲-۱۴)
۴ رؤیای حضور آسمانی یَهُوه (۱۱-۱)
یَهُوه نشسته بر تختش (۲)
۲۴ پیر بر تخت‌هایشان نشسته‌اند (۴)
چهار موجود زنده (۶)</p> |
|---|---|

- ۷ چهار فرشته بادهای ویرانگر را نگاه داشته‌اند (۳-۱)
- مهر شدن ۱۴۴,۰۰۰ نفر (۴-۸)
- گروهی عظیم با ردهای سفید (۹-۱۷)
- ۸ باز شدن مَهر هفتم (۱-۶)
- دمیدن در چهار شیپور اول (۷-۱۲)
- اعلام آمدن سه وای (۱۳)
- ۹ شیپور پنجم (۱-۱۱)
- یک وای گذشت و دو وای دیگر در راه است (۱۲)
- شیپور ششم (۱۳-۲۱)
- ۱۰ فرشته‌ای قوی با طوماری کوچک (۱-۷)
- «دیگر بیش از این تأخیری نخواهد بود» (۶)
- تحقق راز مقدس (۷)
- یوحنا طومار کوچک را می‌خورد (۸-۱۱)
- ۱۱ دو شاهد (۱-۱۳)
- نبوّت دو شاهد پلاس‌پوش برای ۱۲۶۰ روز (۳)
- کشته شدن و رها شدن اجسادشان در خیابان شهر (۷-۱۰)
- بعد از سه روز و نیم به زندگی بازگردانده می‌شوند (۱۱، ۱۲)
- وای دوم گذشت، سومی می‌آید (۱۴)
- شیپور هفتم (۱۵-۱۹)
- پادشاهی خداوند ما و مسیح او (۱۵)
- کسانی که زمین را به نابودی می‌کشند، نابود می‌شوند (۱۸)
- ۱۲ زن، فرزند مذکر و اژدها (۱-۶)
- جنگ میکائیل با اژدها (۷-۱۲)
- افکنده شدن اژدها به زمین (۹)
- ابلیس می‌داند که زمانی اندک دارد (۱۲)
- اژدها زن را آزار می‌دهد (۱۳-۱۷)
- ۱۳ بالا آمدن وحش هفت‌سر از دریا (۱-۱۰)
- سر برآوردن وحش دوشاخ از زمین (۱۱-۱۳)
- مجسمه‌ای از وحش هفت‌سر (۱۴، ۱۵)
- علامت و عدد وحش (۱۶-۱۸)
- ۱۴ بزه و ۱۴۴,۰۰۰ نفر (۱-۵)
- پیام‌هایی از سه فرشته (۶-۱۲)
- فرشته‌ای در دل آسمان با بشارتی جاودان (۶، ۷)
- خوشا به حال آنان که در اتحاد با سرور می‌میرند (۱۳)
- دو دروی محصول زمین (۱۴-۲۰)
- ۱۵ هفت فرشته با هفت بلا (۱-۸)
- سرود موسی و سرود بزه (۳، ۴)
- ۱۶ هفت کاسهٔ خشم خدا (۱-۲۱)
- بر زمین ریخته شد (۲)، در دریا (۳)، در رودخانه‌ها و چشمه‌های آب (۴-۷)، بر خورشید (۸، ۹)، بر تختِ وحش (۱۰، ۱۱)، در رودخانهٔ فرات (۱۲-۱۶)، در هوا (۱۷-۲۱)
- جنگ خدا در حارمِ گِدُون (۱۴، ۱۶)
- ۱۷ داوری بر «بابل بزرگ» (۱-۱۸)
- فاحشهٔ بزرگ بر وحشی سرخ رنگ نشسته است (۱-۳)
- آن وحش «زمانی بود، اما اکنون نیست و به زودی از چاه بی‌انتها بالا می‌آید» (۸)
- آن ده شاخ با بزه نبرد می‌کنند (۱۲-۱۴)
- آن ده شاخ از فاحشه نفرت خواهند داشت (۱۶، ۱۷)
- ۱۸ سقوط «بابل بزرگ» (۱-۸)
- «ای قوم من، از این شهر بیرون آیید!» (۴)

شیطان از زندانش رها و سپس نابود
می‌شود (۱۰-۷)

مردگان بر پیشگاه تخت سفید داوری
می‌شوند (۱۵-۱۱)

۲۱ آسمانی جدید و زمینی جدید (۸-۱)
دیگر مرگ نخواهد بود (۴)

همه چیز نو می‌شود (۵)
توصیف اورشلیم جدید (۲۷-۹)

۲۲ رودخانه آب حیات (۵-۱)
گفته‌های پایانی (۲۱-۶)

«بیا! به رایگان از آب حیات
بنوش» (۱۷)
«بیا، ای عیسی سترور» (۲۰)

گریه برای سقوط بابل (۱۹-۹)

شادی در آسمان برای سقوط بابل (۲۰)
بابل همچون سنگی به دریا افکنده
می‌شود (۲۴-۲۱)

۱۹ یاه را به دلیل داوری‌هایش حمد
گویند (۱۰-۱)

عروسی بزه (۹-۷)
سوار اسب سفید (۱۶-۱۱)
شام بزرگ خدا (۱۸، ۱۷)
شکست وحش (۲۱-۱۹)

۲۰ در بند کشیده شدن شیطان برای ۱۰۰۰
سال (۳-۱)
حکمرانان با مسیح برای ۱۰۰۰ سال (۶-۴)

و آنچه را که در آن نوشته شده است،
به جا می‌آورند؛ زیرا زمان مقرر نزدیک
است.

۴ از طرف یوحنا به هفت جماعتی که
در ایالت آسیا هستند:

لطف و آرامش از جانب «آن که هست،
بود و می‌آید» با شما باد و از جانب
هفت روح در پیشگاه تخت او ۵ و از
جانب عیسی مسیح «آن شاهد امین»،
«نخست‌زاده از مردگان» و «فرمانروای
پادشاهان زمین».

او که ما را دوست می‌دارد و از طریق
خون خود ما را از گناهانمان رهایی
بخشید ۶ و از ما پادشاهان و کاهنانی

این مکاشفه‌ای* از عیسی مسیح
است که خدا به او داد تا آنچه باید
به‌زودی رخ دهد، بر غلامان خود آشکار
سازد. او فرشته خود را فرستاد و این
مکاشفه را از طریق آن فرشته، به صورت
نشانه‌هایی بر خدمتگزار خود یوحنا
نمایان ساخت. ۲ یوحنا بر هر آنچه دید،
گواهی داد؛ یعنی بر آن کلامی که خدا
بخشید و شهادتی که عیسی مسیح
داد. ۳ خوشا به حال کسی که کلام این
پیشگویی را با صدای بلند می‌خواند و
خوشا به حال کسانی که آن را می‌شنوند

۱:۱ منظور از مکاشفه، آشکارسازی و پرده‌برداری
است.

را که می‌بینی در طوماری بنویس و آن را به هفت جماعتِ اِفْسُس، ازمیر، پِرگاموم، تیاتیرا، ساردس، فیلاذلیفه و لائودیکیه بفرست.»

۱۲ آنگاه برگشتم که ببینم چه کسی با من سخن می‌گوید. وقتی برگشتم، هفت چراغدان طلایی دیدم ۱۳ و در میان چراغدان‌ها شخصی را دیدم که شبیه پسر انسان بود. او جامه‌ای بلند بر تن داشت و شالی طلایی بر سینه بسته بود. ۱۴ سر و موهایش همچون پشم سفید، به سفیدی برف بود و چشمانش همچون آتش مشتعل. ۱۵ پاهایش درخشان بود، همچون مس خالصی که در کوره گداخته می‌شود و صدایش همچون صدای آب‌های خروشان بود. ۱۶ در دست راست خود هفت ستاره داشت و از دهانش شمشیری تیز، بلند و دودم بیرون می‌آمد و صورتش همچون خورشیدی بود که به طور کامل در درخشش است. ۱۷ وقتی او را دیدم، همچون مرده پیش پاهایش افتادم.

آنگاه دست راست خود را بر من گذاشت و گفت: «مترس. من هستم نخستین و آخرین ۱۸ و آن‌که زنده است؛ من مُردم، اما حال بنگر! همیشه و تا

ساخت* که در خدمت خدا یعنی پدرش باشند؛ آری بر او تا ابد جلال و قدرت باد! آمین.

۷ بنگرید! او با ابرها می‌آید و هر چشمی او را خواهد دید، حتی چشم آنانی که بر او نیزه زدند. همه طایفه‌های زمین به خاطر او از فرط اندوه بر سینه خود خواهند زد. آری، چنین خواهد شد. آمین.

۸ يَهُوَه* خدا می‌گوید: «من (الف) و (ی)، هستم، آن‌که هست، بود و می‌آید؛ آن قادر مطلق.»

۹ من یوحنا، برادر شما که به دلیل پیروی از مسیح، مانند شما رنج می‌کشم و پایداری می‌کنم و در پادشاهی با شما شریکم، چون در مورد خدا سخن می‌گفتم و بر عیسی شهادت می‌دادم، به جزیره‌ای به نام پاتموس فرستاده شدم. ۱۰ تحت تأثیر روح القدس به روز سرور برده شدم و از پشت سر خود صدایی پر قدرت همچون صدای شیپوری شنیدم ۱۱ که می‌گفت: «آنچه

۶:۱ * تحت اللفظی: «از ما پادشاهی‌ای ساخت، کاهنانی». ۸:۱ * این یکی از ۲۳۷ مرتبه‌ای است که نام خدا «يَهُوَه» در این ترجمه به کار رفته است؛ رجوع به واژه‌نامه.

پس توبه کن و اعمال نخستین خود را به جا آور. در غیر این صورت، نزد تو خواهم آمد و چراغدانان را از مکانش برخوایم داشت. ۶ اما این حُسن را داری که از اعمال فرقهٔ نیکولائوس متنفری، چنان که من نیز از آن‌ها متنفرم. ۷ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید: به کسی که غالب آید، اجازه خواهم داد از درخت حیات که در بهشت خداست، بخورد.

۸ «به فرشتهٔ جماعت ازمیر بنویس، (آن که نخستین و آخرین است)، آن که مُرد و به زندگی بازگشت، چنین می‌گوید: ۹ (من از سختی‌ها و فقر تو آگاهم، با این حال ثروتمندی. من از کفرگویی آنانی که خود را یهودی می‌خوانند باخبرم، اما ایشان در واقع یهودی نیستند، بلکه از کنیسهٔ شیطانند. ۱۰ از رنج‌هایی که به زودی خواهی کشید، مترس. بنگر! ابلیس همچنان برخی از شما را به زندان خواهد انداخت تا کاملاً آزموده شوید و برای ده روز سختی خواهید کشید. اما تا پای مرگ وفادار بمان و من تاج حیات را به تو خواهم داد. ۱۱ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید: هر که غالب

ابد زنده‌ام و کلیدهای مرگ و گور* را در اختیار دارم. ۱۹ پس آنچه دیدی بنویس، همچنین آنچه اکنون روی می‌دهد و آنچه پس از این‌ها روی خواهد داد. ۲۰ راز مقدس آن هفت ستاره‌ای که در دست راست من دیدی و آن هفت چراغدان طلایی این است: هفت ستاره، مظهر فرشتگان هفت جماعت هستند و هفت چراغدان، مظهر آن هفت جماعت. ۲ «به فرشتهٔ جماعت اِفْسُس بنویس، آن که هفت ستاره در دست راست خود دارد و در میان هفت چراغدان طلایی گام برمی‌دارد، چنین می‌گوید: ۲ (من از اعمال، زحمات و پایداری تو آگاهم. می‌دانم که نمی‌توانی شیریان را تحمل کنی. تو کسانی را که خود را رسول می‌خوانند، اما نیستند آزموده‌ای و پی برده‌ای که دروغگو هستند. ۳ تو از خود پایداری نیز نشان می‌دهی و به خاطر نام من استقامت کرده‌ای و خسته نشده‌ای. ۴ با این حال، این عیب را در تو می‌بینم که محبت نخستین خود را از دست داده‌ای.

۵ «(به یاد آور که از کجا نزول کرده‌ای.

۱۸:۱ * یا: «هادیس»: مجازاً به مکانی اشاره دارد که کلیهٔ انسان‌ها در آن به خاک سپرده می‌شوند: رجوع به واژه‌نامه.

آید، به هیچ وجه از مرگ دوم آسیبی نخواهد دید.)

۱۲ «به فرشتهٔ جماعت پرگاموم بنویس، آن که شمشیر تیز، بلند و دودم دارد، چنین می‌گوید: ۱۳ «می‌دانم کجا به سر می‌بری؛ جایی که تخت شیطان است.

با این حال، به نام من وفادار مانده‌ای. تو حتی در روزگار آنتیپاس، ایمانی را که به من داشتی، انکار نکردی؛ آری آنتیپاس، همان شاهد وفادار من که او را در شهر شما، جایی که شیطان به سر می‌برد، کشتند.

۱۴ «با این حال، چند عیب در تو می‌بینم. در آنجا کسانی را داری که به

تعالیم بلعام پای‌بندند؛ یعنی همان کسی که به بالاق آموخت که سبب لغزش بنی‌اسرائیل شود تا آنان از آنچه برای بت‌ها قربانی می‌شد، بخورند و مرتکب اعمال نامشروع جنسی* شوند. ۱۵ به همین

شکل، تونیز کسانی را داری که به تعالیم فرقهٔ نیکولائوس پای‌بندند. ۱۶ پس توبه کن. اگر نکنی، به‌زودی نزد تو می‌آیم و با شمشیر بلند دهانم با ایشان جنگ خواهم کرد.

۱۷ «آن که گوش شنوا دارد بشنود که

روح به جماعت‌ها چه می‌گوید: کسی که غالب آید، به او مقداری مَنای پنهان خواهم داد. همچنین به او سنگی سفید خواهم بخشید. بر آن سنگ، نامی جدید نوشته شده است: نامی که هیچ کس نمی‌داند، جز کسی که آن را دریافت می‌کند.)

۱۸ «به فرشتهٔ جماعت تیاتیرا بنویس، پسر خدا که چشمانی همچون آتش مشتعل دارد و پاهایش مانند مسِ خالص است، چنین می‌گوید: ۱۹ «من از اعمال تو، همچنین از محبت، ایمان، خدمت و پایداری تو آگاهم. می‌دانم که اعمالت اکنون بیش از گذشته است.

۲۰ «با این حال، عیبی در تو می‌بینم.

تو روا می‌داری که آن زن، یعنی ایزابل که خود را نبیه می‌خواند، غلامان مرا با تعالیمش گمراه کند تا مرتکب اعمال نامشروع جنسی* شوند و از آنچه برای بت‌ها قربانی شده است، بخورند.

۲۱ من به او مهلت دادم تا توبه کند، اما نمی‌خواهد از اعمال نامشروع جنسی* خود توبه نماید. ۲۲ بنگر! من به‌زودی او را بر بستر بیماری خواهم انداخت و آنانی را که با او مرتکب زنا می‌شوند،

۲۱:۲ * به یونانی پُرنیا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

۱۴:۲، ۲۰ * رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

به مصیبتی عظیم گرفتار خواهم ساخت، مگر این که توبه کنند و اعمال وی را مرتکب نشوند. ۲۳ فرزندان او را با بلای مرگبار خواهم کشت. به این ترتیب، همهٔ جماعت‌ها خواهند دانست، من آن کسی هستم که عمیق‌ترین افکار* و دل‌ها را می‌کاود. من به هر یک از شما مطابق اعمالتان عوض خواهم داد.

۲۴ «با این حال، به باقی شما در تیاتیرا، به تمامی شما که از این تعالیم پیروی نمی‌کنید و آنچه را که به اصطلاح «چیزهای عمیق شیطان» خوانده می‌شود نیاموخته‌اید، این را می‌گویم: من باری بر بارهای شما نمی‌افزایم. ۲۵ فقط تا زمانی که بیایم، آنچه را دارید حفظ کنید. ۲۶ به کسی که غالب آید و تا به آخر از اعمال من پیروی کند، اقتدار بر قوم‌ها را خواهم بخشید. ۲۷ او مردم را با عصای آهنین شبانی خواهد کرد تا همچون ظروف گلی خرد شوند، همان طور که من اقتدار را از پدرم گرفته‌ام. ۲۸ من به او ستارهٔ صبح را خواهم داد. ۲۹ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید.»

۲۳:۲ * یا: «عمیق‌ترین احساسات»: تحت‌اللفظی: «کلیه‌ها».

۳ «به فرشتهٔ جماعت ساردس بنویس، آن که هفت روح خدا و هفت ستاره دارد، چنین می‌گوید: «من از اعمال تو آگاهم. می‌دانم که نزد مردم شهرت* داری که زنده‌ای، اما در واقع مرده‌ای. ۲ هوشیار شو و آنچه را باقی مانده و در شرف مردن است، تقویت کن؛ زیرا دریافته‌ام که کارهای خود را آن گونه که مورد پسند خداست، به طور کامل به انجام نرسانده‌ای.» ۳ پس آنچه را دریافت کرده و شنیده‌ای همواره مد نظر داشته باش؛ آن را نگاه دار و توبه کن. به راستی اگر بیدار نشوی، همچون دزد بر تو خواهم آمد و نخواهی دانست که در چه ساعتی می‌آیم.

۴ «با این حال، در ساردس، چند نفر* در میان تو هستند که ردای خود را آلوده نساخته‌اند. آنان با ردهای سفید با من گام برخوانند داشت؛ زیرا شایستهٔ آنند. ۵ کسی که غالب آید نیز ردای سفید بر تن خواهد کرد و من هرگز نام او را از دفتر حیات پاک نخواهم نمود.* بلکه در حضور پدرم و فرشتگانش نام او را اعلام خواهم کرد و خواهم گفت که او با من

۱:۳ * تحت‌اللفظی: «نام». ۲:۳ * یا: «به پایان نرسانده‌ای». ۴:۳ * تحت‌اللفظی: «چند نام». ۵:۳ * یا: «نخواهم زدود».

است. ۶ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید.

۷ «به فرشتهٔ جماعت فیلاذلفیه بنویس، او که مقدّس و حقیقی* است، او که کلید داوود را دارد و دری را که باز می‌کند کسی نخواهد بست و دری را که می‌بندد کسی باز نخواهد کرد، چنین می‌گوید: ۸ «من از کارهای تو آگاهم. بنگر! من دری باز را در مقابل تو قرار داده‌ام که هیچ کس نمی‌تواند ببندد. می‌دانم با این که قدرت ناچیز است، کلام مرا نگاه داشتی و نام مرا انکار نکردی. ۹ بنگر! من آنانی را که از کیسهٔ شیطانند و خود را یهودی می‌خوانند، اما نیستند و دروغ می‌گویند، وادار خواهم کرد، آری، وادارشان خواهم کرد که بیایند و در مقابل پاهای تو تعظیم کنند* و بدانند که من تو را دوست داشته‌ام. ۱۰ حال که مرا در پایداری سرمشق قرار دادی، من نیز تو را از ساعت آزمایشی حفظ خواهم کرد که بر تمام مناطق مسکونی زمین خواهد آمد تا ساکنان زمین آزموده شوند. ۱۱ من به‌زودی می‌آیم. آنچه را داری، محکم حفظ کن تا کسی تاج تو را نرباید.

۱۴، ۷:۳ *یا: «راستگو». ۹:۳ *به نشانهٔ تکریم و ادای احترام.

۱۲ «کسی که غالب آید، او را در معبد خدایم ستونی خواهم ساخت و دیگر هرگز از آنجا خارج نخواهد شد. بر او نام خدایم، نام شهر خدایم، یعنی اورشلیم جدید که از آسمان از جانب خدای من پایین می‌آید و همچنین نام جدید خود را خواهم نوشت. ۱۳ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید.

۱۴ «به فرشتهٔ جماعت لائودیکیه بنویس، آن آمین،* آن شاهد آمین و حقیقی،* آن که آغاز آفرینش خداست، چنین می‌گوید: ۱۵ «از اعمال تو آگاهم. می‌دانم که نه سردی و نه گرم. ای کاش که سرد یا گرم بودی. ۱۶ پس چون ولرمی، یعنی نه سردی و نه گرم، تو را چون ثف از دهانم بیرون خواهم انداخت. ۱۷ تو می‌گویی: «ثروتمندم و مال بسیار اندوخته‌ام و به هیچ چیز نیاز ندارم،» اما نمی‌دانی که تو بیچاره، اسف‌انگیز، فقیر، کور و برهنه‌ای. ۱۸ پس به تو توصیه می‌کنم که این‌ها را از من بخری: طلای تصفیه‌شده با آتش را تا ثروتمند شوی، ردای سفید را تا بر تن کنی و برهنگی شرم‌آور تو آشکار نشود و مرهم چشم را تا بر چشمان خود بمالی و بینا شوی.

۱۴:۳ *نامی سمبولیک برای عیسی.

۱۹ «من تمام کسانی را که دوست می‌دارم،* توبیخ و تأدیب می‌کنم. پس غیور باش و توبه کن. ۲۰ بنگر! من پشت در ایستاده‌ام و در را می‌کوبم. اگر کسی صدای مرا بشنود و در را باز کند، به خانه او وارد خواهم شد و با او شام خواهم خورد و او نیز با من همسفره خواهد شد. ۲۱ کسی که غالب آید، به او اجازه خواهم داد که با من بر تخت خودم بنشیند، چنان که من غالب آمدم و با پدرم بر تخت او نشستم. ۲۲ آن که گوش شنوا دارد، بشنود که روح به جماعت‌ها چه می‌گوید.»

۴ پس از آن، نگاه کردم و دری باز در آسمان دیدم. آنگاه نخستین صدایی که شنیدم همچون صدای شیپور بود که به من چنین گفت: «به اینجا بالا بیا و آنچه را که باید روی دهد، به تونشان خواهم داد.» ۲ سپس همان دم، روح خدا مرا فروگرفت و دیدم که تختی در آسمان قرار داشت و کسی بر آن تخت نشسته بود. ۳ آن تخت‌نشین، ظاهری همچون سنگ یَشب* و عقیق خرمایی* داشت و گرداگرد تخت را رنگین‌کمانی زُمرَدگون فرا گرفته بود.

۱۹:۳ * به یونانی فیلتو؛ رجوع به واژه‌نامه: «محبّت» ۳:۴ * یا: «ژاسپ». * یا: «و سنگ قرمز گرانها».

۴ در اطراف آن تخت ۲۴ تخت دیگر بود و دیدم که بر آن‌ها ۲۴ پیر نشسته‌اند که ردهای سفید بر تن و تاج طلایی بر سر دارند. ۵ از آن تخت، برق‌هایی بیرون می‌جهید و صداها و غُرَش رعد شنیده می‌شد. در مقابل آن تخت، هفت مشعل افروخته قرار داشت و این‌ها مظهر هفت روح خدا هستند. ۶ در برابر آن تخت، چیزی شبیه به دریایی شیشه‌ای بود، به شفافیت بلور.

در میان و در اطراف تخت، چهار موجود زنده بود که بدنشان از جلو و پشت پر از چشم بود. ۷ موجود زنده اول همچون شیر بود و دومی همچون گاو نر جوان. موجود زنده سوم صورتی همچون انسان داشت و چهارمی همچون عقابی بود در پرواز. ۸ هر یک از آن چهار موجود زنده، شش بال داشت و دورتادور و زیر بال‌هایشان پر از چشم بود و روز و شب پیوسته می‌گویند: «قَدّوس، قَدّوس، قَدّوس است یَهُوه* خدا، آن قادر مطلق، آن که بود و هست و می‌آید.»

۹ هر گاه که آن چهار موجود زنده، جلال و حرمت و شکرگزاری نثار آن تخت‌نشین می‌کنند که همیشه و تا ابد

۸:۴ * رجوع به واژه‌نامه.

داوود، غالب آمده است تا طومار و هفت
مهر آن را باز کند.»

۶ آنگاه در میان* آن تخت و در میان
آن چهار موجود زنده و پیران، بزه‌ای
ایستاده دیدم که ظاهراً ذبح شده بود و
هفت شاخ و هفت چشم داشت. این
چشمان مظهر هفت روح خداست که به
تمام زمین فرستاده شده است. ۷ همان
لحظه بزه پیش آمد و طومار را از دست
راست آن تخت‌نشین گرفت. ۸ وقتی
طومار را گرفت، آن چهار موجود زنده و
۲۴ پیر در مقابل بزه زانو زدند. هر
یک از پیران، یک چنگ و کاسه‌هایی
طلایی پر از بخور داشت. (بخور مظهر
دعاهای مقدّسان است.) ۹ آنان سرودی
تازه می‌خوانند و می‌گویند: «تو شایسته‌ای
که طومار را برداری و مهرهای آن را باز
کنی؛ زیرا ذبح شدی و با خون خود
افراد را از هر طایفه، زبان، قوم و ملت
برای خدا خریدی ۱۰ و از آنان پادشاهان*
و کاهنانی ساختی که در خدمت خدایمان
باشند. ایشان در مقام پادشاه بر زمین
سلطنت خواهند کرد.»

۱۱ آنگاه نظر کردم و صدای فرشتگان

۶:۵ * یا: «وسط». ۱۰:۵ * تحت‌اللفظی:
«پادشاهی‌ای».

زنده است، ۱۰ آن ۲۴ پیر در مقابل آن
تخت‌نشین زانو می‌زنند و او را که
همیشه و تا ابد زنده است، پرستش
می‌کنند. آنگاه تاج خود را پیش آن
تخت می‌اندازند و می‌گویند: ۱۱ «ای
یَهُوه* خدای ما، جلال و حرمت و قدرت
شایسته‌ت توست؛* زیرا تو همه چیز را
آفریدی و به خواست تو بود که همه چیز
به وجود آمد و آفریده شد.»

۵ در دست راست آن تخت‌نشین
طوماری دیدم که هر دو طرف آن
نوشته‌هایی داشت و با هفت مهر، محکم
مهر و موم شده بود. ۲ فرشته‌ای قوی را
دیدم که با صدای بلند اعلام می‌کرد:
«چه کسی شایسته است مهرهای طومار را
شکسته، آن را باز کند؟» ۳ اما هیچ کس
در آسمان، بر زمین و زیر زمین نبود که
بتواند طومار را باز کند یا داخل آن را ببیند.
۴ پس به شدت به گریه افتادم؛ زیرا هیچ
کس یافت نشد که شایسته باشد طومار
را باز کند یا داخل آن را ببیند. ۵ اما یکی
از پیران به من گفت: «دیگر گریه مکن.
بنگر! آن شیر طایفه یهودا، آری آن ریشه

۱۱:۴ * رجوع به واژه‌نامه. * تحت‌اللفظی: «تو
شایسته‌ای که جلال و حرمت و قدرت را دریافت
کنی».

صلح را از زمین بردارد تا مردم به کشتار یکدیگر بپردازند. شمشیری بزرگ نیز به او داده شد.

۵ هنگامی که مَهر سوم را باز کرد، شنیدم که موجود زندهٔ سوم گفت: «بیا!» پس نگاه کردم و اسبی سیاه دیدم و سوار آن ترازویی در دست داشت. ۶ آنگاه از میان آن چهار موجود زنده چیزی شبیه صدایی شنیدم که گفت: «یک پیمانه* گندم، به یک دینار* و سه پیمانه جو، به یک دینار. همچنین به روغن زیتون و شراب آسیبی مرسان.»

۷ هنگامی که مَهر چهارم را باز کرد، شنیدم که موجود زندهٔ چهارم گفت: «بیا!» ۸ پس نگاه کردم و اسبی رنگ‌پریده دیدم که سوارش مرگ نام داشت و گور،* نزدیک او از عقبش می‌رفت. اختیار یک چهارم زمین به آنان داده شد تا مردم را با شمشیری بلند، با قحطی، با بیماری مرگبار و با حیوانات وحشی زمین بکشند. ۹ هنگامی که مَهر پنجم را باز کرد،

۹:۶ * به یونانی خونیکس؛ واحدی که کمی بیشتر از یک لیتر بود. * سکه‌ای رومی از جنس نقره با وزن ۳٫۸۵ گرم که معادل دستمزد روزانهٔ یک کارگر بود. ۸:۶ * یا: «هادیس»؛ مجازاً به مکانی اشاره دارد که کلیهٔ انسان‌ها در آن به خاک سپرده می‌شوند؛ رجوع به واژه‌نامه.

بسیاری را شنیدم که گرداگرد تخت و آن موجودات زنده و پیران بودند. شمار آنان ده‌ها هزار در ده‌ها هزار و هزاران هزار بود ۱۲ و با صدای بلند می‌گفتند: «آن بَرّه که ذبح شد، شایستهٔ این است که قدرت، ثروت، حکمت، قوّت، حرمت، جلال و برکت را بیابد.»

۱۳ آنگاه شنیدم که هر مخلوقی که در آسمان، بر زمین، زیر زمین و بر دریاست، آری هر چه در آن‌هاست می‌گویند: «برکت، حرمت، جلال و قوّت، همیشه و تا ابد از آن تخت‌نشین و بَرّه باد!» ۱۴ آن چهار موجود زنده می‌گفتند: «آمین!» و پیران به زانو افتاده، پرستش کردند.

۶ آنگاه دیدم که بَرّه یکی از آن هفت مَهر را باز کرد و شنیدم که یکی از آن چهار موجود زنده با صدایی همچون رعد گفت: «بیا!» ۲ پس نگاه کردم و اسبی سفید دیدم. کسی که بر آن نشسته بود کمانی داشت. تاجی به او داده شد و او همچنان پیش می‌رفت و بر دشمنانش غالب می‌آمد تا پیروزی خود را کامل کند.

۳ هنگامی که مَهر دوم را باز کرد، شنیدم که موجود زندهٔ دوم گفت: «بیا!» ۴ پس اسب دیگری بیرون آمد که رنگش سرخ آتشین بود. به سوار آن اختیار داده شد که

۱۴ آسمان مانند طوماری که پیچیده شود، برچیده شد و هرکوه و هر جزیره‌ای از جای خود برداشته شد. ۱۵ آنگاه پادشاهان زمین، افراد عالی‌رتبه و فرماندهان نظامی، ثروتمندان و قدرتمندان، هر انسان چه غلام و چه آزاد، خود را در غارها و در میان صخره‌های کوه‌ها پنهان کردند. ۱۶ آنان به کوه‌ها و صخره‌ها همواره می‌گویند: «بر ما بیفتید و ما را از چشمان آن تخت‌نشین و از خشم بزه پنهان کنید؛ ۱۷ زیرا روز بزرگ خشم آنان رسیده است و چه کسی می‌تواند در برابر آن بایستد؟»

❖ پس از این دیدم که چهار فرشته در چهار گوشه زمین ایستاده، چهار باد زمین را محکم نگاه داشته‌اند تا هیچ بادی نتواند بر زمین، بر دریا یا بر هیچ درختی بوزد. ۲ سپس فرشته‌ای دیگر را دیدم که از مکان طلوع آفتاب* برمی‌خاست و مَهر خدای زنده را داشت. او با صدای بلند به آن چهار فرشته که به ایشان اجازه داده شده بود به زمین و دریا آسیب رسانند، ۳ گفت: «تا زمانی که بر پیشانی غلامان خدایمان مَهر نزده‌ایم، به زمین، دریا یا درختان آسیب مرسانید.» ۴ آنگاه شنیدم که شمار کسانی که مَهر

۲:۷ * یا: «از مشرق».

در زیر مذبح، خون* کسانی را دیدم که به خاطر کلام خدا و شهادتی که داده بودند، کشته شده بودند. ۱۰ خون آنان با صدای بلند فریاد زد: «ای خداوند متعال،* ای خدای قدّوس و حقیقی* تا به کی ساکنان زمین را داوری نمی‌کنی و انتقام خون ما را از ایشان نمی‌گیری؟» ۱۱ آنگاه به هر یک از آنان ردایی سفید داده شد و به ایشان گفته شد که اندکی بیشتر بیارامند تا شمار همکاران* و برادرانشان که باید به‌زودی همچون آنان کشته شوند، کامل گردد.

۱۲ هنگامی که مَهر ششم را باز کرد، دیدم که زمین‌لرزه‌ای عظیم رخ داد و خورشید سیاه شد، همچون پلاسی سیاه* و کل ماه به رنگ خون درآمد. ۱۳ ستارگان آسمان بر زمین فرو ریختند، همچون درخت انجیری که در اثر بادی شدید، میوه‌های نارس خود را فرو ریزد.

۹:۶ * تحت‌اللفظی: «جان»: ظاهراً در اینجا «جان» به خون کسانی اشاره دارد که بر روی مذبح ریخته شد. ۱۰:۶ * در اینجا «خداوند متعال» به معنی «خداوند، حاکم متعال» است. * یا: «راستگو». ۱۱:۶ * منظور کسانی هستند که مانند آنان غلام بودند. ۱۲:۶ * به پارچه‌ای سیاه اشاره دارد که برای ساختن پلاس استفاده می‌شد و آن را با پشم حیوانات و احتمالاً با موی بز می‌بافتند.

ایستاده بودند. آنان در مقابل تخت روی به زمین نهادند و خدا را پرستش کرده، ۱۲ گفتند: «آمین! سپاس، جلال، حکمت، شکرگزاری، حرمت، قدرت و توانایی همیشه و تا ابد از آن خدایمان باد! آمین.»

۱۳ آنگاه یکی از پیران از من پرسید: «اینان که ردهای سفید بر تن دارند، کیستند و از کجا آمده‌اند؟» ۱۴ من بی‌درنگ به او گفتم: «سرورم، تویی که می‌دانی.» آنگاه به من گفتم: «اینان کسانی هستند که از مصیبت عظیم بیرون آمده‌اند و ردهای خود را در خون بزه شسته و سفید کرده‌اند. ۱۵ به همین دلیل است که در مقابل تخت خدا ایستاده‌اند و شبانه‌روز در معبدش او را خدمت* می‌کنند و آن تخت‌نشین نیز خیمه خود را بر آنان خواهد گستراند. ۱۶ ایشان دیگر گرسنه و تشنه نخواهند شد و از گزند خورشید و هرگونه گرمای سوزان در امان خواهند بود؛ ۱۷ زیرا بزه که در میان* تخت است، آنان را شبانی خواهد کرد و به چشمه‌های آب حیات هدایت خواهد نمود و خدا هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد ساخت.»

۱۵:۷ * تحت اللفظی: «خدمت مقدس». ۱۷:۷ * یا: «وسط».

شدند، ۱۴۴,۰۰۰ نفر است. آن مُهرشدگان از هر طایفهٔ بنی اسرائیل بودند:

۵ از طایفهٔ یهودا ۱۲,۰۰۰ نفر مُهر شدند؛

از طایفهٔ رثوین ۱۲,۰۰۰ نفر؛

از طایفهٔ جاد ۱۲,۰۰۰ نفر؛

۶ از طایفهٔ آشیر ۱۲,۰۰۰ نفر؛

از طایفهٔ نفتالی ۱۲,۰۰۰ نفر؛

از طایفهٔ منسی ۱۲,۰۰۰ نفر؛

۷ از طایفهٔ شمعون ۱۲,۰۰۰ نفر؛

از طایفهٔ لاوی ۱۲,۰۰۰ نفر؛

از طایفهٔ پساکار ۱۲,۰۰۰ نفر؛

۸ از طایفهٔ زبولون ۱۲,۰۰۰ نفر؛

از طایفهٔ یوسف ۱۲,۰۰۰ نفر؛

از طایفهٔ بنیامین ۱۲,۰۰۰ نفر مُهر شدند.

۹ پس از آن نگاه کردم و گروهی عظیم را دیدم که از هر ملت، طایفه، قوم و زبان بودند و هیچ کس قادر به شمارش آنان نبود. آنان همگی در پیشگاه تخت و در حضور بزه ایستاده بودند و ردهای سفید بر تن داشتند و شاخه‌های نخل در دستشان بود. ۱۰ این گروه عظیم همواره با صدای بلند می‌گویند: «نجات را مدیون خدایمان که بر تخت نشسته است و مدیون بزه هستیم.»

۱۱ همهٔ فرشتگان در اطراف تخت و گرداگرد پیران و آن چهار موجود زنده



هنگامی که بزه مهر هفتم را باز کرد، حدود نیم ساعت در آسمان سکوت برقرار شد. ۲ آنگاه دیدم که به آن هفت فرشته که در حضور خدا می ایستند، هفت شیپور داده شد.

۳ سپس فرشته‌ای دیگر که بخورسوزی* از طلا در دست داشت، آمد و کنار مذبح ایستاد. آنگاه مقدار فراوانی بخور به او داده شد تا آن را با دعاهای تمام مقدسان بر مذبح طلایی که در مقابل تخت بود، تقدیم کند. ۴ از دست آن فرشته، دود بخور همراه با دعاهای مقدسان به حضور خدا بالا رفت. ۵ اما آن فرشته بی درنگ بخورسوز را برداشت و آن را با آتش مذبح پر کرد و به سوی زمین انداخت. آنگاه، غرش رعداها و صداها برخاست و صاعقه‌های نورانی پدید آمد و زمین لرزه‌ای روی داد. ۶ سپس آن هفت فرشته که هفت شیپور داشتند، آمادهٔ دمیدن در آن‌ها شدند.

۷ فرشتهٔ اول در شیپور خود دمید. آنگاه تگرگ و آتشی که به خون آمیخته بود به زمین فرو ریخته شد و یک سوم زمین سوخت و یک سوم درختان سوختند و تمام گیاهان سبز نیز سوختند.

۸: ۳ * یا: «آتشدانی».

۸ فرشتهٔ دوم در شیپور خود دمید. آنگاه چیزی شبیه به کوهی بزرگ و مشتعل به دریا پرتاب شد. پس یک سوم دریا به خون مبدل گردید ۹ و یک سوم موجودات جاندار دریا مردند و یک سوم کشتی‌ها درهم شکستند.

۱۰ فرشتهٔ سوم در شیپور خود دمید. آنگاه ستاره‌ای بزرگ که همچون مشعلی می سوخت از آسمان سقوط کرد و بر یک سوم رودخانه‌ها و چشمه‌های آب فرو افتاد. ۱۱ نام آن ستاره افسنتین* است. یک سوم آب‌ها به افسنتین مبدل شد و بسیاری از انسان‌ها از آن آب‌ها مردند؛ زیرا آب‌ها تلخ شده بود.

۱۲ فرشتهٔ چهارم در شیپور خود دمید. آنگاه به یک سوم خورشید و به یک سوم ماه و به یک سوم ستارگان ضربه‌ای وارد شد تا بدین گونه یک سوم آن‌ها تاریک گردد و یک سوم روز، بی نور باشد و یک سوم شب نیز.

۱۳ آنگاه نگاه کردم و صدای عقابی را که در دل آسمان* در پرواز بود، شنیدم که به بانگ بلند می گوید: «وای، وای،

۱۱: ۸ * ماده‌ای تلخ و سمی است. ۱۳: ۸ * واژه یونانی که «دل آسمان» ترجمه شده است به بخشی از آسمان اشاره دارد که پرندگان در آن پرواز می کنند.

وای بر ساکنان زمین، چون به‌زودی صدای شیپورهای دیگر که آن سه فرشته در آن‌ها می‌دمند، برخواهد خاست!»

۷ ظاهر ملخ‌ها همچون اسب‌هایی بود که برای نبرد آماده شده‌اند؛ بر سرهایشان چیزی شبیه تاج طلایی بود و صورتشان به چهرهٔ انسان‌ها شباهت داشت، ۸ اما موهایشان همچون موی زنان بود و دندان‌هایشان همچون دندان‌های شیر. ۹ آن‌ها سینه‌پوش‌هایی همچون زرّهٔ آهنین داشتند. صدای ارابه‌هایی بود که با اسب‌های بسیار به میدان جنگ می‌تازند. ۱۰ دُم‌ها و نیش‌هایی دارند، همچون دُم و نیش عقرب. اقتدار آن‌ها در دُم‌هایشان است که مردمان را پنج ماه آسیب رسانند. ۱۱ آن‌ها پادشاهی بر خود دارند که همان فرشتهٔ چاه بی‌انتها* است. نام او به عبری «آبَدُون»* است، اما به یونانی «آپولیون»^۱ نام دارد.

۱۲ یک وای گذشت. بنگر! پس از این‌ها دو وای دیگر در راه است.

۱۳ فرشتهٔ ششم در شیپور خود دمید. آنگاه صدایی از شاخ‌های مذبَح* طلایی که در حضور خداست، شنیدم ۱۴ که به

۱۱:۹ *یعنی «نابودی». ^۱یعنی «نابودکننده». ۱۳:۹ *منظور چهار گوشهٔ شاخ‌مانند مذبَح است.

فرشتهٔ پنجم در شیپور خود دمید. آنگاه ستاره‌ای را دیدم که از آسمان به زمین افتاده بود. به او* کلید چاه بی‌انتها* داده شد. ۲ وقتی چاه بی‌انتها را گشود، دودی همچون دود کوره‌ای بزرگ از آن برخاست، به طوری که خورشید و هوا از دود آن چاه تاریک شد. ۳ از میان آن دود، ملخ‌هایی به روی زمین آمدند و به آن‌ها اقتدار داده شد؛ همان اقتداری که عقرب‌های زمین دارند. ۴ به آن‌ها گفته شد که نه به سبزه‌های زمین آسیب رسانند و نه به هیچ گیاه یا درختی، بلکه فقط به مردمانی آسیب رسانند که مُهر خدا را بر پیشانی خود ندارند.

۵ ملخ‌ها اجازهٔ کشتن این مردمان را نداشتند، بلکه به آن‌ها اجازه داده شد که ایشان را به مدت پنج ماه عذاب دهند. عذاب آنان مانند عذاب نیش عقربی بود که انسان را می‌زند. ۶ در آن روزها مردمان جویای مرگ خواهند بود، اما آن را

۱:۹ *در یونانی ضمیر شخصی مذكر به کار رفته است و به ستاره اشاره دارد. ۱:۹، ۱۱ *رجوع به واژه‌نامه.

آن فرشته ششم که شیپور داشت، گفت: «آن چهار فرشته را که در کنار رودخانه بزرگ فرات در بندند، رها کن.» ۱۵ پس آن چهار فرشته که برای آن ساعت و روز و برای آن ماه و سال آماده شده بودند، رها شدند تا یک سوم مردم را بکشند.

۱۶ شنیدم که شمار سپاهیان سواره نظام دویست میلیون* بود. ۱۷ ظاهر اسبها و سواران آنها که در رؤیا دیدم، چنین بود: آنها سینه پوشهایی به سرخی آتش، به رنگ آبی سنگ زرگون و به زردی گوگرد، بر تن داشتند. سر اسبان همچون سر شیر بود و از دهانشان آتش و دود و گوگرد بیرون می آمد. ۱۸ از این سه بلا، یعنی آتش و دود و گوگرد که از دهان آنها بیرون آمد، یک سوم مردم کشته شدند. ۱۹ اقتدار اسبان در دهان و در دُمشان است؛ زیرا دُمشان همچون ماری است که سر دارد و با آنها آسیب می رسانند.

۲۰ باقی مردمان که از این بلایا کشته نشدند، از کارهای دست خود توبه نکردند؛ آنان نه از پرستش دیوها دست کشیدند و نه از پرستش بت های طلایی، نقره ای، مسی، سنگی و چوبی که نه می بینند، نه می شنوند و نه راه می روند.

۱۶: ۹ * یا: «دو در ده هزار در ده هزار».

۲۱ آنان نه از قتل هایشان توبه کردند، نه از توسل به نیروهای غیبی،* نه از اعمال نامشروع جنسی* و نه از دزدی هایشان.

◆ ۱ آنگاه فرشته نیرومند دیگری را دیدم که از آسمان پایین می آمد.

جامه ای از ابر در برداشت* و رنگین کمانی بر سرش بود. صورتش همچون خورشید و پاهایش مانند ستون هایی از آتش بود.

۲ در دست خود طوماری کوچک داشت که باز شده بود و پای راستش را بر دریا گذاشت و پای چپش را بر زمین.

۳ سپس با صدایی بلند، مانند شیری که می غرزد، فریادی زد. هنگام فریاد او آن هفت رعد به صدا درآمد، سخن گفتند.

۴ وقتی آن هفت رعد سخن گفتند، می خواستم آن را بنویسم که ناگاه صدایی از آسمان شنیدم که گفت: «آنچه هفت رعد گفتند، مخفی نگاه دار* و آنها را منویس.» ۵ در آن هنگام، آن فرشته ای که

دیدم و بر دریا و زمین ایستاده بود، دست راست خود را به سوی آسمان بلند کرد.

۶ آنگاه به او که همیشه و تا ابد زنده است و آسمان، زمین و دریا و آنچه را که در

۲۱: ۹ * رجوع به واژه نامه: «ارتباط با ارواح». * به یونانی پُزینا: رجوع به واژه نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۱: ۱۰ * یا: «جامه ای از ابر او را فرا گرفته بود». ۴: ۱۰ * تحت اللفظی: «مهرکن».

را که در آنجا پرستش می‌کنند، بشمار. ۲ اما صحن معبد را که بیرون از مکان مقدّس معبد قرار دارد، کاملاً نادیده گرفته، اندازه مگیر؛ زیرا به قوم‌ها داده شده است. آنان برای ۴۲ ماه شهر مقدّس را زیر پاهای خود پایمال خواهند کرد. ۳ آنگاه سبب خواهم شد که دو شاهدم پلاس پیوشند و برای ۱۲۶۰ روز نبوّت کنند. ۴ این دو شاهد مظهر آن دو درخت زیتون و دو چراغدان هستند و در برابر خداوند زمین ایستاده‌اند.

۵ اگر کسی بخواهد به آنان آسیب رساند، آتش از دهانشان بیرون آمده، دشمنانشان را فرو می‌بلعد. آری، هر که قصد آسیب رساندن به ایشان را داشته باشد، باید به این گونه کشته شود. ۶ آنان اختیار دارند که آسمان را ببندند تا در روزهایی که نبوّت می‌کنند، باران نبارد و اختیار دارند که آب‌ها را به خون مبدّل کنند و هر چند بار که بخواهند، هر گونه بلا را بر سر زمین بیاورند.

۷ هنگامی که شهادت دادن خود را به پایان رسانند، آن وحش که از چاه بی‌انتها* بیرون می‌آید، با آنان به نبرد خواهد پرداخت و بر آنان غالب آمده،

آنهاست آفرید، چنین سوگند خورد: «دیگر بیش از این تأخیری نخواهد بود، بلکه در آن روزهایی که فرشته هفتم در شیپور خود بدمد، آن راز مقدّس که خدا خبر خوش آن را به غلامان خود انبیا اعلام کرد، قطعاً تحقق خواهد یافت.»

۸ آنگاه بار دیگر، آن صدا از آسمان به گوشم رسید و به من گفت: «برو و طومار باز شده‌ای را که در دست فرشته‌ای است که بر دریا و زمین ایستاده، بگیر.» ۹ پس نزد آن فرشته رفتم و گفتم که طومار کوچک را به من بدهد. او به من گفت: «بگیر و آن را بخور. هنگامی که خوردی شکمت را تلخ خواهد کرد، اما در دهانت به شیرینی عسل خواهد بود.» ۱۰ وقتی طومار کوچک را از دست فرشته گرفتم و خوردم، در دهانم همچون عسل، شیرین بود؛ اما پس از خوردن آن، شکمم تلخ شد. ۱۱ آنگاه به من گفتند: «تو باید بار دیگر در مورد قوم‌ها، ملت‌ها، زبان‌ها و پادشاهان بسیار، نبوّت کنی.»

۱۱ آنگاه ساقه‌ای از نی که همچون چوبی بلند* بود به من داده شد و او به من گفت: «برخیز و مکان مقدّس معبد خدا و مذبح را اندازه بگیر و کسانی

۱۵ فرشته هفتم در شیپور خود دمید. آنگاه صداهایی بلند در آسمان پیچید که می‌گفت: «پادشاهی دنیا متعلق به خداوند ما و مسیح او شده است و او همیشه و تا ابد در مقام پادشاه سلطنت خواهد کرد.»

۱۶ آنگاه آن ۲۴ پیر که در پیشگاه خدا بر تخت‌های خود نشسته بودند، روی بر زمین نهادند و خدا را پرستش کردند ۱۷ و گفتند: «ای یهوه* خدا، ای قادر مطلق، ای آن که هستی و بودی، از تو سپاسگزاریم؛ زیرا قدرت عظیم خود را به دست گرفته‌ای و در مقام پادشاه سلطنت را آغاز کرده‌ای. ۱۸ قوم‌ها خشمناک شدند و خشم تو نیز برآمد. آنگاه زمان مقرر فرارسید تا مردگان داوری شوند و غلامان انبیا و مقدّسان و کسانی که از نام تو می‌ترسند چه کوچک و چه بزرگ پاداش یابند و کسانی که زمین را به نابودی می‌کشند، نابود شوند.»

۱۹ آنگاه مکان مقدّس معبد خدا که در آسمان است، باز شد و صندوق عهد او در مکان مقدّس معبدش نمایان گشت. ناگهان صاعقه‌های نورانی پدید آمد و صداها و رعد‌ها برخاست و زلزله‌ای تگرگی عظیم رخ داد.

۱۷:۱۱ * رجوع به واژه‌نامه.

آنان را خواهد کشت. ۸ اجساد ایشان در خیابان اصلی آن شهر عظیم خواهد بود؛ شهری که به مفهوم مجازی سدوم و مصر خوانده می‌شود و سرورشان نیز در آنجا بر تیر اعدام شد. ۹ مردمانی از همه قوم‌ها، طایفه‌ها، زبان‌ها و ملت‌ها برای سه روز و نیم بر اجساد آنان خواهند نگریست و اجازه نخواهند داد که اجسادشان دفن شود. ۱۰ ساکنان زمین از بابت مرگ آنان شاد شده، جشن خواهند گرفت و برای یکدیگر هدایا خواهند فرستاد؛ زیرا آن دو نبی، ساکنان زمین را عذاب می‌دادند. ۱۱ بعد از آن سه روز و نیم، روح حیات از جانب خدا بدیشان داخل شد و ایشان بر پا ایستادند و کسانی که آنان را دیدند، بسیار وحشت کردند. ۱۲ آنگاه صدایی بلند از آسمان شنیدند که به آنان گفت: «به اینجا بالا بیایید.» پس در برابر چشمان دشمنانشان در ابری به آسمان بالا رفتند. ۱۳ در آن ساعت، زلزله‌ای عظیم به وقوع پیوست و یک‌دهم شهر فرو ریخت. در آن زلزله ۷۰۰۰ نفر کشته شدند و باقی مردم را ترس فرا گرفت و خدای آسمان را جلال دادند.

۱۴ وای دوم گذشت. بنگر! وای سوم به‌زودی می‌آید.

آنگاه نشانه‌ای بزرگ در آسمان دیده شد: زنی که خورشید را بر تن داشت،* ماه زیر پاهایش بود و تاجی از ۱۲ ستاره بر سر داشت. ۲ آن زن آبستن بود و از درد و عذاب زایمان فریاد می‌کشید.

۳ نشانه‌ای دیگر در آسمان دیده شد. بنگر! اژدهایی بزرگ به رنگ سرخ آتشین ظاهر شد که هفت سر، ده شاخ و هفت تاج* بر سرهایش داشت. ۴ دمش یک‌سوم ستارگان آسمان را کشید و به زمین افکند. اژدها در برابر زنی که به‌زودی می‌زایید ایستاده بود، تا وقتی که زایید فرزندش را ببلعد.

۵ آن زن فرزندی مذکر، آری پسری به دنیا آورد؛ کسی که همه قوم‌ها را با عصای آهنین شبانی خواهد کرد. همان دم فرزندش نزد خدا و تخت او برده شد ۶ و زن به بیابان فرار کرد، به جایی که خدا برای او آماده کرده بود. در آنجا ۱۲۶۰ روز او را خوراک می‌دادند.

۷ در آسمان جنگی درگرفت: میکائیل* و فرشتگانش با اژدها

۱:۱۲ * یا: «که به خورشید آراسته بود». ۲:۱۲ * احتمالاً نوار یا حلقه‌ای بوده است که پادشاهان بر سر می‌گذاشتند. ۷:۱۲ * یعنی «چه کسی مانند خداست».

جنگیدند و اژدها و فرشتگانش با آنان به نبرد پرداختند، ۸ اما شکست خوردند و دیگر در آسمان جایی برای او و فرشتگانش نبود. ۹ پس آن اژدهای بزرگ به پایین افکنده شد؛ یعنی همان مارکهن که ابلیس و شیطان خوانده می‌شود و تمام ساکنان زمین را گمراه می‌کند. او به همراه فرشتگانش به زمین افکنده شد. ۱۰ آنگاه صدایی بلند از آسمان شنیدم که گفت:

«حال، زمان نجات از سوی خدای ما و قدرت و پادشاهی او و زمان اقتدار مسیح او فرارسیده است؛ زیرا متهم‌کننده برادرانمان، یعنی کسی که روز و شب آنان را در پیشگاه خدایمان متهم می‌کند، به پایین افکنده شده است! ۱۱ آنان با خون آن بزه و کلام شهادتشان، بر او غالب آمدند و از این که جانشان را از دست دهند، ترسی نداشتند. ۱۲ پس ای آسمان‌ها و ساکنان آن‌ها شاد باشید! اما وای بر زمین و دریا؛ زیرا ابلیس نزد شما پایین آمده و بسیار خشمگین است، چون می‌داند که زمانی اندک دارد.»

۱۳ هنگامی که اژدها دید به زمین افکنده شده است، آن زن را که فرزند مذکر به دنیا آورده بود، مورد آزار قرار

داد. ۱۴ اما به آن زن دو بال عقاب بزرگ داده شد تا بتواند به بیابان به مکان خود پرواز کند. در آنجا، دور از آن مار، برای یک زمان و زمان‌ها و نصف زمان* به او خوراک داده خواهد شد.

۱۵ مار از دهان خود آبی همچون رودخانه بیرون ریخت تا در پی آن زن روان شده، در سیلاب غرقش کند. ۱۶ اما زمین به یاری آن زن آمد و دهان خود را گشود و آن رودخانه را که از دهان خود بیرون ریخته بود، بلعید. ۱۷ آنگاه ازدها بر زن غضب نمود و رفت تا با باقی ماندگان نسل او که احکام خدا را به جا می‌آورند و کار شهادت در مورد عیسی را بر عهده دارند، بجنگد.

۱۳ ازدها بر شن‌های دریا بی‌حرکت ایستاد.

آنگاه دیدم وحشی از دریا بالا آمد که ده شاخ و هفت سر داشت و بر شاخ‌هایش ده تاج* بود، اما بر سرهایش نام‌های کفرآمیز نوشته شده بود. ۲ وحشی که دیدم همچون پلنگ بود، اما پاهایی مانند پاهای خرس و دهانی همچون

۱۴:۱۲ *منظور از «یک زمان و زمان‌ها و نصف زمان» سه زمان و نیم است. ۱:۱۳ *احتمالاً نوار یا حلقه‌ای بوده است که پادشاهان بر سر می‌گذاشتند.

دهان شیر داشت. ازدها قدرت خود و تخت خود را به وحش داد و اقتداری عظیم به آن بخشید.

۳ دیدم که به یکی از سرهای آن وحش، ظاهراً ضربه‌ای کشنده وارد شده بود، اما از آن زخم کشنده، شفا یافته بود. تمام مردم زمین آن وحش را تمجیدکنان پیروی می‌کردند. ۴ آنان ازدها را پرستش نمودند؛ زیرا به وحش اقتدار بخشید. همچنین مردم، وحش را با این سخنان پرستش کردند: «چه کسی همچون وحش است و کیست که می‌تواند با آن نبرد کند؟» ۵ به آن وحش دهانی داده شد تا سخنان متکبرانه و کفرآمیز بگوید و اقتدار داده شد تا برای ۴۲ ماه، اعمال قدرت کند. ۶ وحش دهان خود را با سخنان کفرآمیز علیه خدا گشود و به نام او، به مسکن او و حتی به ساکنان آسمان کفر گفت. ۷ آن وحش اجازه یافت تا با مقدّسان بجنگد و بر آنان غلبه کند. همچنین اقتدار بر هر طایفه، قوم، زبان و ملت به آن داده شد. ۸ همه ساکنان زمین آن را پرستش خواهند کرد؛ یعنی تمام کسانی که نامشان از آغاز دنیا* در

۸:۱۳ * «آغاز دنیا» تحت اللفظی: «به جا گذاشتن [نسل]»: به فرزندان آدم و حوّا اشاره دارد.

که مجسمه‌ای از آن وحش اول بسازند که زخم شمشیر خورده، اما احیا شده بود. ۱۵ به وحش دوم اجازه داده شد که در مجسمه وحش اول حیات* بدمد تا آن مجسمه هم سخن بگوید و هم باعث کشته شدن کسانی شود که از پرستش مجسمه وحش سر باز می‌زنند.

۱۶ همچنین همه کس را از کوچک و بزرگ، ثروتمند و فقیر، غلام و آزاد مجبور می‌کند که بردست راست یا پیشانی‌شان علامت گذاشته شود ۱۷ تا هیچ کس نتواند خرید و فروش کند، مگر کسی که آن علامت، یعنی نام یا عدد نام آن وحش را داشته باشد. ۱۸ این مستلزم حکمت است. بگذار کسی که بینش* دارد عدد وحش را محاسبه کند؛ زیرا عدد انسان است و عدد آن ۶۶۶ است.

۱۴ آنگاه نظر کردم و بزه را دیدم که بر کوه صهیون ایستاده است و ۱۴۴,۰۰۰ نفر همراه او هستند که نام او و نام پدر او بر پیشانی‌شان نوشته شده است. ۲ صدایی از آسمان شنیدم، صدایی همچون آب‌های خروشان و رعد بلند؛ صدایی که شنیدم مانند صدای خوانندگانی بود که بر چنگ‌هایشان

دفتر حیات آن بزه که ذبح شده بود، نوشته نشده است.

۹ آن که گوش شنوا دارد، بشنود. ۱۰ اگر قرار است کسی به اسارت رود، به اسارت خواهد رفت. اگر کسی با شمشیر بکشد،* باید با شمشیر کشته شود. این برای مقدسان مستلزم پایداری و ایمان است.

۱۱ آنگاه وحشی دیگر دیدم که از زمین سر برآورد و دو شاخ همچون شاخ‌های بزه داشت، اما مانند اژدها شروع به سخن گفتن کرد. ۱۲ این وحش تحت نظارت وحش اول و با تمام اقتداری که از طرف او دارد، اعمال قدرت می‌کند. همچنین زمین و ساکنان آن را به پرستش وحش اول که از زخم کشنده‌اش شفا یافته بود، وامی‌دارد. ۱۳ علاوه بر آن، نشانه‌هایی عظیم به ظهور می‌رساند و حتی در مقابل چشمان انسان‌ها آتش از آسمان بر زمین فرود می‌آورد.

۱۴ آن وحش ساکنان زمین را گمراه می‌کند؛ زیرا اجازه یافته بود که نشانه‌هایی تحت نظارت وحش اول به ظهور برساند. در همین حال به ساکنان زمین می‌گوید

۱۰:۱۳ * یا احتمالاً: «اگر قرار است کسی با شمشیر کشته شود».

۱۵:۱۳ * یا: «روح؛ نفس». ۱۸:۱۳ * یا: «بصیرت».

گفت: «سقوط کرده است! بابل* بزرگ سقوط کرده است، آن که تمام ملت‌ها را واداشت تا از شراب شهوت* آری، از شراب زناکاری^۹ او بنوشند!»

۹ فرشتهٔ سومی به دنبال آن دو آمد و با صدای بلند گفت: «اگر کسی وحش و مجسمهٔ آن را بپرستد و بر پیشانی یا دست او علامتی گذاشته شود، ۱۰ او نیز از شراب خشم خدا خواهد نوشید؛ یعنی شراب رقیق‌نشده که در جام غضب خدا ریخته شده است. او در برابر چشمان فرشتگان مقدّس و بَرّه با آتش و گوگرد عذاب داده خواهد شد ۱۱ و از آتشی که آنان را عذاب می‌دهد، همیشه و تا ابد دود برمی‌خیزد. کسی که وحش و مجسمه‌اش را می‌پرستد و کسی که علامت نام آن بر او گذاشته می‌شود، روز و شب آرامی نخواهد داشت. ۱۲ در اینجاست که مقدّسان باید پایداری کنند؛ کسانی که احکام خدا را حفظ می‌کنند و در ایمان به عیسی استوارند.»

۱۳ سپس صدایی از آسمان شنیدم که گفت: «بنویس: خوشا به حال مردگانی

۸:۱۴* این نام در یونانی مؤنث است و به صورت مجازی به یک زن اشاره دارد. * یا: «خشم». ^۹ به یونانی پُرنیا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

بنوازند و بخوانند. ۳ به نظر می‌رسید که سرودی تازه می‌سرایند؛ سرودی در پیشگاه تخت و در برابر آن چهار موجود زنده و پیران. همچنین هیچ کس نمی‌توانست آن سرود را کاملاً فرا گیرد، جز آن ۱۴۴،۰۰۰ نفر که از زمین خریده شده بودند. ۴ اینان همان کسانی هستند که خود را با زنان آلوده نکردند، آری باکره‌اند. اینان همان کسانی هستند که هر جا بَرّه می‌رود، همچنان او را دنبال می‌کنند و از میان انسان‌ها خریده شدند تا به عنوان نوبر به خدا و بَرّه تقدیم شوند. ۵ هیچ فریبی در دهانشان یافت نشد؛ اینان بی‌عیب هستند.

۶ فرشته‌ای دیگر دیدم که در دل آسمان* پرواز می‌کرد و بشارتی جاودان داشت تا آن را به ساکنان زمین، از هر ملت و طایفه و زبان و قوم اعلام کند. ۷ او با صدای بلند می‌گفت: «از خدا بترسید و او را جلال دهید؛ زیرا ساعت داوری او فرا رسیده است. پس او را بپرستید؛ او را که آسمان، زمین، دریا و چشمه‌های آب را آفرید.»

۸ فرشتهٔ دومی به دنبال او آمد و

۶:۱۴* یا: «در هوا؛ بالای سر»؛ واژهٔ یونانی که «دل آسمان» ترجمه شده است به بخشی از آسمان اشاره دارد که پرندگان در آن پرواز می‌کنند.

بردار و خوشه‌های انگور را از تاک زمین جمع کن؛ زیرا انگورهایش رسیده است.»
 ۱۹ آنگاه آن فرشته، داس خود را در زمین فرو برد و تاک زمین و انگورهای آن را جمع کرد و آن‌ها را در چَرخُشتِ* بزرگ خشم خدا ریخت. ۲۰ انگورها را بیرون شهر در چَرخُشت لگدکوب کردند و از آن چَرخُشت، رودی از خون بیرون آمد که طولش حدود ۳۰۰ کیلومتر* بود و ارتفاع آن تا به افسار اسب‌ها می‌رسید.

۱۵ آنگاه در آسمان نشانه‌ای دیگر دیدم؛ نشانه‌ای عظیم و شگفت‌انگیز. هفت فرشته را دیدم که حامل هفت بلا بودند. آن بلاها آخرین بلاها هستند؛ زیرا با آن‌ها خشم خدا پایان می‌یابد.

۲ سپس چیزی دیدم که شبیه به دریایی شیشه‌ای و آمیخته به آتش بود. همچنین کسانی را دیدم که بر وحش، مجسمه آن و عدد نام آن پیروز شده بودند. آنان کنار آن دریای شیشه‌ای ایستاده بودند و جنگ‌هایی که متعلق به خدا بود، در

۱۹:۱۴ * حوضی که در آن انگور می‌ریزند و با فشردن انگورها آب آن را می‌گیرند.
 ۲۰:۱۴ * تحت‌اللفظی: «۱۶۰۰ ایستادیون»: یک ایستادیون معادل ۱۸۵ متر بود.

که از این پس در اتحاد با سرور می‌میرند. روح می‌گوید، آری، بگذار از زحماتشان آرامی گیرند، چون اعمالشان فراموش نخواهد شد.»*

۱۴ آنگاه نگاه کردم و ابری سفید دیدم که کسی شبیه به پسر انسان بر آن نشسته بود و تاجی طلایی بر سر و داسی تیز در دست داشت.

۱۵ فرشته‌ای دیگر از مکان مقدس معبد بیرون آمد و با صدای بلند خطاب به آن کس که بر ابر نشسته بود، گفت: «داس خود را به کار گیر و محصول را درو کن؛ زیرا ساعت آن رسیده است که محصول درو شود و محصول زمین کاملاً رسیده است.» ۱۶ آنگاه او که بر ابر نشسته بود داسش را در زمین فرو برد و محصول زمین درو شد.

۱۷ همچنین فرشته‌ای دیگر از مکان مقدس معبد که در آسمان است، بیرون آمد. او نیز داسی تیز در دست داشت.

۱۸ فرشته‌ای دیگر نیز از مذبح بیرون آمد که بر آتش اقتدار داشت. او با صدای بلند به آن فرشته‌ای که داسی تیز در دست داشت، گفت: «داس تیز خود را

۱۳:۱۴ * تحت‌اللفظی: «چون اعمالشان با آنان می‌رود».

فرشته، هیچ کس قادر نبود به آن مکان مقدس داخل شود.

۱۶ سپس صدایی بلند از مکان مقدس شنیدم که به آن هفت فرشته گفت: «بروید و هفت کاسه خشم خدا را بر زمین خالی کنید.»

۲ فرشته اول رفت و کاسه خود را بر زمین خالی کرد. آنگاه مردمی که علامت وحش را بر خود داشتند و مجسمه آن را پرستش می‌کردند، به زخم‌هایی بدخیم و دردناک مبتلا شدند.

۳ فرشته دوم کاسه خود را در دریا خالی کرد. آنگاه دریا به خونی که همچون خون انسان مرده بود، مبدل شد و همه جانداران آن مردند؛ یعنی هر چه در دریا بود، مُرد.

۴ فرشته سوم کاسه خود را در رودخانه‌ها و چشمه‌های آب خالی کرد و آن‌ها نیز به خون مبدل شدند. ۵ آنگاه شنیدم فرشته‌ای که بر آب‌ها بود، گفت: «ای تو که هستی و بودی، ای تو که وفاداری، تو عادل‌ی که اینچنین داوری کردی؛ ۶ زیرا آنان خون مقدسان و پیامبران را ریختند و تو به ایشان خون دادی تا بنوشند؛ آنان سزاوار این هستند.» ۷ سپس شنیدم که مذبح گفت: «آری، ای

دست داشتند ۳ و سرود غلام خدا موسی و سرود بَرّه را می‌خواندند و می‌گفتند:

«عظیم و شگفت‌انگیز است اعمال تو، ای یَهُوَه* خدا، ای قادر مطلق. عدل و راست است راه‌های تو، ای پادشاه همه اعصار. ۴ ای یَهُوَه*، به‌راستی کیست که از تو نترسد و نام تو را جلال ندهد؟ زیرا تنها تو وفاداری. تمامی قوم‌ها خواهند آمد و در پیشگاهت تو را پرستش خواهند کرد؛ زیرا داوری‌های عادلانه تو آشکار شده است.»

۵ بعد از آن دیدم که مکان مقدس خیمه عبادت* در آسمان گشوده شد. ۶ آنگاه آن هفت فرشته که حامل هفت بلا بودند، از آن مکان مقدس بیرون آمدند. آنان کتانی درخشان و تمیز به تن داشتند و شالی طلایی دور سینه‌شان پیچیده شده بود. ۷ سپس یکی از آن چهار موجود زنده به آن هفت فرشته، هفت کاسه طلایی داد. این کاسه‌ها از خشم خدا پر بود؛ خدایی که همیشه و تا ابد زنده است. ۸ به سبب جلال خدا و قدرت او، آن مکان مقدس از دود پر شد، طوری که تا پایان هفت بلای آن هفت

۳:۱۵، ۴ * رجوع به واژه‌نامه. ۳:۱۵ * یا: «پادشاه ابدیت». ۵:۱۵ * تحت اللفظی: «خیمه شهادت».

يَهُوه* خدا، ای قادر مطلق، داوری‌های تو راست و عدل است.»

۸ فرشته چهارم کاسه خود را بر خورشید خالی کرد. آنگاه به خورشید اجازه داده شد مردم را با آتش بسوزاند. ۹ با این که مردم از شدت حرارت آن می‌سوختند، به نام خدا که اختیار این بلایا در دست اوست، کفر گفتند و توبه نکردند و او را جلال ندادند.

۱۰ فرشته پنجم کاسه خود را بر تخت وحش خالی کرد. آنگاه سلطنت آن وحش در تاریکی فرو رفت و مردم از درد، زبان‌های خود را گاز می‌گرفتند. ۱۱ اما آنان به سبب درد و زخم‌هایشان به خدای آسمان کفر گفتند و از اعمال خود توبه نکردند.

۱۲ فرشته ششم کاسه خود را در رودخانه بزرگ فرات خالی کرد. آنگاه آب رودخانه خشک شد تا راه برای پادشاهان شرق* آماده شود.

۱۳ سپس دیدم که سه گفته الهام‌شده ناپاک،* به شکل قورباغه از دهان اژدها، از دهان وحش و از دهان پیامبر دروغین

۷:۱۶* رجوع به واژه‌نامه. ۱۲:۱۶* تحت اللفظی: «پادشاهانی از سمت طلوع خورشید». ۱۳:۱۶* تحت اللفظی: «سه روح ناپاک».

بیرون آمد. ۱۴ در واقع این گفته‌ها از دیوها الهام شده است؛ دیوهایی که نشانه‌هایی به ظهور می‌رسانند و نزد پادشاهان سراسر زمین می‌روند تا آنان را برای جنگ آن روز عظیم خدای قادر مطلق گرد هم آورند.

۱۵ «بنگر! من همچون دزد می‌آیم! خوشا به حال هر که بیدار می‌ماند و لباس خود را نگاه می‌دارد، مبادا برهنه راه رود و مردم رسوایی او را ببینند.»

۱۶ آنگاه آن‌ها پادشاهان را در محلی که به عبری «حارم‌گدون»* نام دارد، گرد هم آوردند.

۱۷ فرشته هفتم کاسه خود را در هوا خالی کرد. آنگاه از آن تخت، از مکان مقدس، صدایی بلند شنیدم که می‌گفت: «به انجام رسید!» ۱۸ در آنجا صاعقه‌های نورانی پدید آمد و صداها و غرش رعد برخاست، همچنین زمین لرزه‌ای عظیم روی داد، چنان عظیم و گسترده که از زمان به وجود آمدن انسان بر زمین، روی نداده بود. ۱۹ آنگاه شهر بزرگ سه قسمت شد و شهرهای قوم‌ها ویران شدند و خدا

۱۶:۱۶* به یونانی حارم‌گدون: این واژه یونانی از عبارتی عبری گرفته شده است که معنی آن «کوه مگدو» است.

سنگ‌های گرانبها و مروارید آراسته شده بود، همچنین جامی طلایی در دست داشت که مملو از چیزهای نفرت‌انگیز و ناپاکی‌های زناکاری* او بود. ۵ بر پیشانی آن زن این نام مرموز نوشته شده بود: «بابل* بزرگ، مادر فاحشه‌ها و چیزهای نفرت‌انگیز زمین.» ۶ سپس دیدم که آن زن با خون مقدّسان و خون کسانی که به عیسی شهادت دادند، مست شده است.

با دیدن او بسیار حیرت کردم. ۷ آنگاه فرشته به من گفت: «چرا حیرت کردی؟ من راز آن زن و آن وحش را که هفت سر و ده شاخ دارد و زن بر آن سوار است، به تو خواهم گفت: ۸ آن وحش که دیدی، زمانی بود، اما اکنون نیست و به زودی از چاه بی‌انتها* بالا می‌آید و به سمت نابودی می‌رود. سپس ساکنان زمین-آنان که نامشان از آغاز دنیا* در دفتر حیات نوشته نشده بود-حیرت خواهند کرد که چطور وحش زمانی بود، اما اکنون نیست و باز حضور خواهد یافت.

۹ «ذهنی که حکمت داشته باشد، این

۸:۱۷* رجوع به واژه‌نامه. * «آغاز دنیا» تحت‌اللفظی: «به جا گذاشتن [نسل]» به فرزندان آدم و حوا اشاره دارد.

بابل* بزرگ را به یاد آورد و جامی را که از شراب شدّت غضبش پر بود، به او داد. ۲۰ همچنین تمامی جزیره‌ها گریختند و کوه‌ها یافت نشدند. ۲۱ آنگاه تگرگی عظیم، هر یک به وزن حدود یک قنطار* از آسمان بر انسان‌ها فرو ریخت و مردم به سبب بلای تگرگ به خدا کفرگفتند؛ زیرا آن بلا بسیار سخت بود.

۱۷ آنگاه یکی از آن هفت فرشته که هفت کاسه داشتند، نزد من آمد و گفت: «بیا تا محکومیت آن فاحشه بزرگ را که بر آب‌های بسیار نشسته است، به تو نشان دهم: ۲ همان که پادشاهان زمین با او زنا* کردند و ساکنان زمین از شراب زناکاری* او مست شدند.» ۳ سپس آن فرشته، با قدرت روح مرا به بیابان برد. آنگاه زنی را دیدم که بر وحشی سرخ رنگ نشسته است. آن وحش از نام‌های کفرآمیز پوشیده شده بود و هفت سر و ده شاخ داشت. ۴ زن جامه‌ای ارغوانی و سرخ بر تن داشت و با طلا،

۹:۱۶؛ ۱۷:۵* این نام در یونانی مؤنث است و به صورت مجازی به یک زن اشاره دارد. ۲۱:۱۶* یک قنطار یونانی حدود ۲۰/۴ کیلوگرم بود. ۲:۱۷* رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۲:۱۷، ۴* به یونانی پُرنیا؛ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

۱۶ آن ده شاخ و آن وحش که دیدی، از فاحشه نفرت خواهند داشت و او را نابود خواهند کرد و عریان خواهند نمود. آن‌ها گوشت او را خواهند خورد و او را کاملاً با آتش خواهند سوزاند: ۱۷ زیرا خدا در دل آن‌ها نهاده است که قصدش را عملی کنند: آری، برای به انجام رساندن فکر مشترکشان سلطنت خود را در اختیار وحش بگذارند تا زمانی که کلام خدا تحقق پذیرد. ۱۸ زنی را که دیدی مظهر آن شهر بزرگ است که بر پادشاهان زمین سلطنت می‌کند.»

۱۸ پس از آن، فرشته‌ای دیگر دیدیم که از آسمان پایین می‌آمد. او اقتدار بسیار داشت و از جلال او زمین روشن شد ۲ و با صدایی پرتوان چنین فریاد برآورد: «سقوط کرده است! بابل* بزرگ، سقوط کرده است! حال مسکن دیوها گشته و به کمینگاه هر روح ناپاک* و هر پرنده نجس و نفرت‌انگیز مبدل شده است! ۳ زیرا تمامی قوم‌ها با شراب شهوت، آری با شراب زناکاری* او در دام

۲:۱۸ * این نام در یونانی مؤنث است و به صورت مجازی به یک زن اشاره دارد. * یا احتمالاً: «نفس ناپاک: بازدم ناپاک: گفته الهام‌شده ناپاک». ۳:۱۸ * به یونانی پژیئا: رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

را درک می‌کند: آن هفت سر، مظهر هفت کوه هستند که زن بر آن‌ها نشسته است. ۱۰ همچنین آن‌ها مظهر هفت پادشاه نیز هستند که پنج تن از آنان سقوط کرده‌اند، یکی هست و دیگری هنوز نیامده است، اما وقتی بیاید، باید برای اندک زمانی بماند. ۱۱ آن وحش که زمانی بود، اما اکنون نیست، پادشاه هشتم است که از آن هفت پادشاه برمی‌خیزد و به سمت نابودی می‌رود.

۱۲ «همچنین آن ده شاخ که دیدی، مظهر ده پادشاهند که هنوز به سلطنت نرسیده‌اند، اما برای یک ساعت درکنار آن وحش، اقتدار پادشاهی به ایشان داده می‌شود. ۱۳ اینان یک فکر مشترک دارند، پس قدرت و اقتدارشان را به آن وحش می‌دهند. ۱۴ اینان با بزه به نبرد خواهند پرداخت، اما چون او سرور سروران و پادشاه پادشاهان است، بزه بر آنان غالب خواهد آمد. همچنین برای همراهان او نیز چنین خواهد بود، یعنی برای کسانی که فراخوانده شده، برگزیده شده و وفادار بوده‌اند.»

۱۵ فرشته به من گفت: «آن آب‌ها که دیدی که فاحشه بر آن نشسته است، مظهر قوم‌ها، گروه‌ها، ملت‌ها و زبان‌هاست.

آتش سوخته خواهد شد؛ زیرا يَهُوه* خدا که او را داوری کرد، بر قدرت است.

۹ «وقتی پادشاهان زمین که با او مرتکب زنا* شدند و بی‌شرمانه در تجمل با وی زندگی کردند، دود سوختن او را ببینند، برایش از فرط اندوه خواهند گریست و بر سینۀ خود خواهند زد. ۱۰ عذاب او، آنان را ترسان خواهد ساخت، پس دور ایستاده خواهند گفت: (افسوس! افسوس بر تو ای شهر بزرگ، بابل، ای شهر قوی؛ زیرا در یک ساعت، داوری تو به اجرا در آمد.» ۱۱ «همچنین بازرگانان زمین برای او

گریسته، ماتم می‌گیرند؛ زیرا دیگر کسی نیست که کالاهای آنان را بخرد؛ ۱۲ یعنی محموله‌های طلا، نقره، سنگ‌های گرانبها، مروارید، کتان نفیس، پارچه‌های ارغوانی و سرخ، ابریشم و هر آنچه از چوب معطر ساخته شده است و انواع اشیای ساخته شده از عاج، چوب پرارزش، مس، آهن و مرمر. ۱۳ همچنین دارچین، ادویه هندی، بخور، روغن معطر، گُنْدَر،* شراب، روغن زیتون، آرد مرغوب، گندم، گاو، گوسفند، اسب، ارايه، برده و جان انسان. ۱۴ آری،

افتاده‌اند. پادشاهان زمین با او زنا* کردند و بازرگانان* زمین، از تجملات بی‌حدش که بی‌شرمانه اندوخته بود، دولت‌مند شدند.» ۴ آنگاه صدایی دیگر از آسمان شنیدم که گفت: «ای قوم من، اگر نمی‌خواهید در گناهانش سهیم باشید و اگر نمی‌خواهید سهمی از بلایایش بر شما آید، از این شهر بیرون آید! ۵ زیرا گناهانش روی هم انباشته شده و تا به آسمان رسیده و خدا اعمال ناعادلانه‌اش* را به یاد آورده است. ۶ به همان شیوه‌ای که او با دیگران رفتار کرد، با او رفتار کنید، آری، سزای اعمالش را دوچندان دهید: در جامی که او معجونی تهیه کرده است، دو برابر برایش بیامیزید. ۷ به همان اندازه که او خود را جلال می‌داد و بی‌شرمانه در تجمل زندگی می‌کرد، او را عذاب دهید و سوگوارش سازید؛ زیرا در دل خود پیوسته می‌گوید: «همچون ملکه‌ای بر تخت نشسته‌ام، بیوه نیستم و هرگز سوگوار نخواهم شد.» ۸ از این رو، در یک روز بلایای او بر سرش خواهد آمد؛ یعنی مرگ، ماتم و قحطی. او کاملاً با

۱۸:۳، ۹ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». ۱۸:۳ منظور تاجرانی است که از جایی به جای دیگر سفر می‌کنند. ۱۸:۵ * یا: «خدا جرم‌هایش».

۱۸:۸ رجوع به واژه‌نامه. ۱۸:۱۳ صمغ خشک‌شده گیاهی است که هنگام سوختن بوی معطر می‌دهد.

کشتی‌ها ثروتمند شدند، چون آن شهر در یک ساعت از بین رفته است.

۲۰ «ای آسمان، از آنچه بر سر او آمد شاد باش! همچنین شما ای مقدّسان، رسولان و پیامبران شاد باشید! زیرا خدا به خاطر شما حکم داوری خود را بر او اعلام کرده است.»

۲۱ سپس فرشته‌ای پر قدرت سنگی همچون سنگ آسیاب را بلند کرد. آن را به دریا انداخت و گفت: «به همین سان بابل، آن شهر بزرگ پایین افکنده خواهد شد و دیگر نخواهد بود. ۲۲ دیگر آواز خوانندگانی که چنگ می‌نوازند و می‌خوانند و صدای نوازندگان، نی‌نوازان و شیپورزان در تو به گوش نخواهد رسید و دیگر هیچ صنعتگری، از هر حرفه‌ای که باشد در تو یافت نخواهد شد و دیگر صدای سنگ آسیاب در تو شنیده نخواهد شد. ۲۳ دیگر نور هیچ چراغی در تو نخواهد تابید، دیگر صدای هیچ عروس و دامادی در تو شنیده نخواهد شد؛ زیرا بازرگانان تو مردان عالی‌رتبه زمین بودند و تو تمام قوم‌ها را با توسل به نیروهای غیبی* همراه کردی. ۲۴ آری، خون پیامبران، مقدّسان و تمام کسانی که

همین چیزهای مرغوب* که جانت مشتاقش بود، تو را ترک کرده است. همچنین همه خوراکی‌های لذیذ و چیزهای باشکوه برای تواز میان رفته است و دیگر هرگز نخواهد بود.

۱۵ «عذاب او، بازرگانانی را که از فروش این کالاها ثروتمند شدند، ترسان خواهد ساخت. از این رو دور ایستاده، خواهند گریست و ماتم خواهند گرفت. ۱۶ آنان خواهند گفت: «افسوس! افسوس بر آن شهر بزرگ که ملتبس به جامه‌های کتان نفیس و ارغوانی و سرخ بود و به فراوانی با زیورآلات طلا، سنگ‌های قیمتی و مروارید آراسته شده بود. ۱۷ چون چنین ثروت عظیمی در یک ساعت از بین رفت.»

«ناخدایان کشتی‌ها، مسافران دریا، ملوانان و تمام کسانی که از راه دریا امرار معاش می‌کنند، دور ایستاده، ۱۸ وقتی دود سوختنش را دیدند، فریاد برآوردند و گفتند: «آیا شهری دیگر همچون این شهر بزرگ وجود دارد؟» ۱۹ آنان بر سر خود خاک ریختند و با گریه و ماتم فریادزان گفتند: «افسوس! افسوس بر آن شهر بزرگ که از دولتش تمام صاحبان

بر زمین بی‌رحمانه کشته شدند، به گردن این شهر بود.»

۱۹ پس از آن، صدایی شنیدم که همچون صدای بلند گروهی عظیم در آسمان بود که می‌گفتند: «یاه را حمد گوید.* نجات، جلال و قدرت از آنِ خدای ماست؛ ۲ زیرا راست و عدل است داوری‌هایش. او حکم داوری آن فاحشه بزرگ را که زمین را با زناکاری* خود به فساد کشید، اجرا کرده است و انتقام خون خادمان خود را از او گرفته است.»*
۳ همان موقع برای بار دوم گفتند: «یاه را حمد گوید.* برای همیشه و تا ابد از آن شهر دود برخواهد خاست.»

۴ آنگاه آن ۲۴ پیر و چهار موجود زنده زانو زدند و خدا را که بر تخت نشسته بود، پرستش کردند و گفتند: «آمین! یاه را حمد گوید.»*

۵ همچنین صدایی از سوی تخت برخاست که گفت: «خدایمان را حمد گوید، ای تمام خادمان او، ای شما که از کوچک و بزرگ از او می‌ترسید.»

۱۰:۱، ۳، ۴، ۶ * یا: «هیلویاه»؛ «یاه» مخفف نام خدا یَهُوَه است. ۲:۱۹ * به یونانی پُرنیا؛ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی». * یا: «انتقام خون خادمان خود را که برگردن او بود، گرفته است.»

۶ آنگاه صدای گروهی را شنیدم که همچون صدای گروهی عظیم، آری همچون صدای آب‌های خروشان و غرّش رعد بود که می‌گفتند: «یاه را حمد گوید؛* زیرا یَهُوَه* خدایمان، آن قادر مطلق، در مقام پادشاه سلطنت را آغاز کرده است. ۷ بیایید شادی کنیم و وجد نماییم و او را جلال دهیم؛ زیرا وقت عروسی بزه رسیده و عروسیش خود را آماده ساخته است. ۸ آن عروس اجازه یافت که به کتان نفیس و پاک و درخشان ملبّس شود؛ این کتان نفیس مظهر اعمال درستکارانهٔ مقدّسان است.»
۹ فرشته به من گفت: «بنویس، خوشا به حال کسانی که برای شام عروسی بَرّه دعوت شده‌اند.» همچنین گفت: «این گفته‌های خداست و راست است.»
۱۰ آنگاه به پایش افتادم تا او را پرستش کنم، اما به من گفت: «مواظب باش! چنین مکن! خدا را پرست. من نیز مانند تو و برادرانت که کار شهادت دادن در مورد عیسی را به عهده دارید، غلامی بیش نیستم؛ زیرا هدف از پیشگویی‌ها شهادت دادن در مورد عیسا است.»*

۱۹:۶ * رجوع به واژه‌نامه. ۱۰:۱۹ * یا: «پیشگویی‌ها الهام شده است تا در مورد عیسی شهادت دهد.»

خورشید ایستاده بود و با فریادی بلند به تمام پرندگان که در دل آسمان* پرواز می‌کردند، می‌گفت: «اینجا بیایید، برای شام بزرگ خدا گرد هم آید ۱۸ تا بتوانید از گوشت پادشاهان، فرماندهان و مردان قوی و از گوشت اسبان و سوارانشان و از گوشت همه، چه آزاد و چه غلام و چه کوچک و چه بزرگ بخورید.»

۱۹ آنگاه وحش و پادشاهان زمین و سپاهیان‌شان را دیدم که گرد هم آمده بودند تا علیه آن اسب‌سوار و علیه سپاهش جنگ کنند. ۲۰ آن وحش به همراه پیامبر دروغین گرفتار شد؛ همان پیامبر دروغینی که نشانه‌هایی در برابر وحش به ظهور رسانده بود و باعث گمراهی کسانی شده بود که علامت وحش را بر خود داشتند و آنانی که مجسمه وحش را می‌پرستیدند. وحش و پیامبر دروغین هنوز زنده بودند که به دریاچه آتش و گوگرد سوزان افکنده شدند. ۲۱ اما باقی آنان با شمشیر بلندی که از دهان آن اسب‌سوار بیرون آمده بود، کشته شده، از گوشت‌شان همه پرندگان سیر شدند.

۱۷:۱۹ * یا: «در هوا؛ بالای سر»؛ واژه یونانی که «دل آسمان» ترجمه شده است به بخشی از آسمان اشاره دارد که پرندگان در آن پرواز می‌کنند.

۱۱ آنگاه دیدم که آسمان گشوده شد و اسبی سفید را مشاهده کردم که کسی بر آن نشسته است. او «امین و راست» خوانده می‌شود و به عدل داوری کرده، جنگ را پیش می‌برد. ۱۲ چشمانش شعله‌های آتش است و بر سرش تاج‌های* بسیار دارد. نامی بر او نوشته شده است که هیچ کس جز خود او آن را نمی‌داند. ۱۳ او جامه‌ای به تن دارد که با خون لکه‌دار شده است* و نامش «کلمه* خدا» است. ۱۴ سپاهیان آسمان بر اسبان سفید به دنبال او می‌رفتند و آنان نیز به جامه‌هایی از کتان نفیس و سفید و پاک ملبّس بودند. ۱۵ از دهان او شمشیری تیز و بلند بیرون آمده است تا قوم‌ها را با آن بزند. او با عصای آهنین ایشان را شبانی خواهد کرد. همچنین انگورهای چرخشت شدت غضب خدای قادر مطلق را لگدکوب خواهد نمود. ۱۶ بر جامه‌اش، روی ران او، این نام نوشته شده است، «پادشاه پادشاهان و سرور سروران.» ۱۷ همچنین فرشته‌ای دیدم که در نور

۱۲:۱۹ * احتمالاً منظور نوار یا حلقه‌ای است که پادشاهان بر سر می‌گذاشتند. ۱۳:۱۹ * یا احتمالاً: «خون بر آن پاشیده شده است.» * به پاورقی یوحنا ۱:۱ رجوع شود.

۲۰

آنگاه دیدم که فرشته‌ای از آسمان پایین می‌آید و در دستش کلید چاه بی‌انتها* و زنجیری بزرگ است. ۲ او اژدها، یعنی همان مار کهن را که ابلیس و شیطان است گرفته، در بند کشید تا به مدت ۱۰۰۰ سال در بند بماند، ۳ او را در چاه بی‌انتها* انداخت و در را به رویش قفل کرد و مهر و موم نمود تا قوم‌ها را تا پایان آن ۱۰۰۰ سال، دیگرگمراه نکند. پس از آن باید برای مدتی کوتاه آزاد شود.

۴ تخت‌هایی دیدم که کسانی بر آن‌ها نشسته بودند و اقتدار داوری به ایشان داده شد. آری، کسانی* را دیدم که به خاطر شهادت دادن در مورد عیسی و سخن گفتن در مورد خدا اعدام شده بودند.* آنان وحش و مجسمه آن را پرستش نکرده بودند و آن علامت را بر پیشانی و دستشان نداشتند. ایشان زنده شدند و در مقام پادشاه به مدت ۱۰۰۰ سال با مسیح سلطنت کردند. ۵ (بقیه مردگان، تا پایان آن ۱۰۰۰ سال زنده نشدند.) این رستاخیز اول است.

۳، ۱:۲۰* رجوع به واژه‌نامه. ۴:۲۰* تحت‌اللفظی: «جان‌های کسانی»: رجوع به پاورقی مکاشفه ۹:۶. ۴* تحت‌اللفظی: «با تبر اعدام شده بودند».

۶ خوشحال و مقدسند کسانی که در رستاخیز اول سهمی دارند: مرگ دوم بر آنان هیچ اقتداری ندارد، بلکه کاهنان خدا و کاهنان مسیح خواهند بود و در مقام پادشاه به مدت ۱۰۰۰ سال با او سلطنت خواهند کرد.

۷ به محض پایان یافتن آن ۱۰۰۰ سال، شیطان از زندانش رها خواهد شد ۸ و بیرون خواهد آمد تا قوم‌های چهار گوشه زمین را گمراه کرده، آنان را برای جنگ گرد هم آورد، آری جوج و ماجوج. شمار آنان مانند شن‌های دریاست. ۹ آنان بر تمام زمین پیش رفته، خیمه‌گاه مقدسان و آن شهر محبوب را محاصره کردند. اما آتش از آسمان آمد و آنان را بلعید ۱۰ و ابلیس که آنان را گمراه می‌کرد به دریاچه آتش و گوگرد انداخته شد، جایی که هم وحش و هم پیامبر دروغین بودند. اینان شب و روز، همیشه و تا ابد عذاب خواهند دید.*

۱۱ آنگاه تختی بزرگ و سفید دیدم که شخصی بر آن نشسته بود. زمین و آسمان از برابر او گریختند و جایی برایشان

۱۰:۲۰* یا: «در بند خواهند بود: زندانی خواهند بود»: حالت اسمی این واژه یونانی به زندانبان اشاره داشت. به متی ۳۴:۱۸ رجوع شود.

تخت شنیدم که گفت: «نگاه کن! خیمه خدا با انسان هاست. او با آنان ساکن خواهد شد و ایشان قوم او خواهند بود و خود خدا با آنان خواهد بود. ۴ خدا هر اشکی را از چشمانشان پاک خواهد کرد. دیگر مرگ نخواهد بود و ماتم و شیون و درد نیز وجود نخواهد داشت. چیزهای گذشته سپری شده است.»

۵ آن تخت نشین گفت: «نگاه کن! من همه چیز را نومی سازم.» همچنین گفت: «بنویس؛ زیرا این گفته ها امین* و راست است.» ۶ آنگاه به من گفت: «این ها به انجام رسیده است! من (الف) و (ی) و آغاز و پایان هستم. به هر که تشنه باشد به رایگان از چشمه آب حیات خواهم داد. ۷ آن که غالب آید، این ها را به میراث خواهد برد و من خدای او و او پسر من خواهد بود. ۸ اما بزدلان، بی ایمانان، افراد ناپاک و نفرت انگیز، قاتلان، کسانی که مرتکب اعمال نامشروع جنسی* می شوند، کسانی که به نیروهای غیبی متوسل می شوند،* بت پرستان و تمام دروغگویان، نصیبشان

۵:۲۱ *یا: «درخور اعتماد». ۸:۲۱ *رجوع به واژه نامه: «اعمال نامشروع جنسی». *رجوع به واژه نامه: «ارتباط با ارواح».

یافت نشد. ۱۲ مردگان را دیدم که کوچک و بزرگ در پیشگاه تخت ایستاده بودند و دفترهایی* باز شد. دفتری دیگر نیز باز شد که دفتر حیات است. مردگان بر حسب آنچه در دفترها نوشته شده بود، مطابق اعمالشان داوری شدند. ۱۳ آنگاه دریا مردگانی را که در آن بودند، پس داد و مرگ و گور،* مردگانی را که در آن ها بودند، پس دادند و هر یک مطابق اعمالش داوری شد. ۱۴ سپس مرگ و گور* به دریاچه آتش افکنده شد. این است مرگ دوم، یعنی همان دریاچه آتش. ۱۵ به علاوه، هر که در دفتر حیات یافت نشد، به دریاچه آتش افکنده شد.

۲۱ آنگاه آسمانی جدید و زمینی جدید دیدم؛ زیرا آسمان پیشین و زمین پیشین از میان رفته بود. دریا نیز دیگر وجود ندارد. ۲ همچنین شهر مقدس اورشلیم جدید را دیدم که از آسمان، از جانب خدا پایین می آمد و به آراستگی عروسی بود که برای دامادش آماده شده باشد. ۳ آنگاه صدایی بلند از

۱۲:۲۰ *یا: «طومارهایی». ۱۳:۲۰، ۱۴ *یا: «هادیس»؛ مجازاً به مکانی اشاره دارد که کلیه انسان ها در آن به خاک سپرده می شوند؛ رجوع به واژه نامه.

برابر بود. او با آن نی شهر را اندازه‌گیری کرد. طول، عرض و ارتفاع آن یکسان و ۱۲,۰۰۰ استادیون* بود. ۱۷ دیوار شهر را نیز اندازه گرفت و آن ۱۴۴ ذراع* بود. این مطابق معیار انسانی، یعنی معیاری بود که فرشته به کار برد. ۱۸ دیوار از یَشب ساخته شده بود. شهر نیز از طلای خالص بود و همچون شیشه شفاف. ۱۹ پی دیوار زیبای شهر از انواع سنگ‌های گرانها* ساخته شده بود: پی اول از یَشب بود، دوم از یاقوت کبود، سوم از عقیق سپید، چهارم از زمرد، ۲۰ پنجم از عقیق سارذنیکس، ششم از عقیق خرمایی، هفتم از زبرجد، هشتم از پرل، نهم از توپاز، دهم از عقیق سبز، یازدهم از زرگون آبی و دوازدهم از گمست بود. ۲۱ همچنین آن ۱۲ دروازه از ۱۲ مروارید بود؛ هر یک از دروازه‌ها از یک مروارید ساخته شده بود. خیابان اصلی شهر از طلای خالص و همچون شیشه شفاف بود.

۲۲ معبدی در آن شهر ندیدم؛ زیرا یَهُوه* خدای قادر مطلق و برّه، معبد ۱۶:۲۱ * حدود ۲۲۲۰ کیلومتر؛ یک استادیون معادل ۱۸۵ متر بود. ۱۷:۲۱ * حدود ۶۴ متر. ۱۹:۲۱ * رجوع به واژه‌نامه: «سنگ‌های گرانها». ۲۲:۲۱ * رجوع به واژه‌نامه.

در دریاچه مشتعل به آتش و گوگرد خواهد بود. این همان مرگ دوم است.»

۹ آنگاه یکی از آن هفت فرشته‌ای که هفت کاسه پر از هفت بلای آخر را داشتند، آمد و به من گفت: «بیا و من عروس را که همسر برّه است، به تو نشان خواهم داد.» ۱۰ پس با قدرت روح مرا به کوهی بزرگ و بلند برد و شهر مقدس اورشلیم را به من نشان داد که از آسمان از جانب خدا پایین می‌آمد و جلال خدا را داشت. درخشش آن همچون گرانبهاترین سنگ بود؛ مانند سنگ یَشب‌ی بود که همچون بلور شفاف بدرخشد. ۱۲ دیواری بزرگ و بلند و ۱۲ دروازه داشت. ۱۲ فرشته کنار دروازه‌ها بودند و نام ۱۲ طایفه بنی اسرائیل، بر دروازه‌ها نوشته شده بود. ۱۳ سه دروازه در سمت شرق، سه دروازه در سمت شمال، سه دروازه در سمت جنوب و سه دروازه در سمت غرب شهر بود. ۱۴ دیوار شهر نیز بر ۱۲ پی سنگی قرار داشت و بر آن‌ها نام ۱۲ رسول برّه نوشته شده بود. ۱۵ آن که با من صحبت می‌کرد، یک نی طلایی برای اندازه‌گیری داشت تا شهر و دروازه‌ها و دیوار آن را اندازه بگیرد. ۱۶ شهر به شکل مربعی با طول و عرض

بود و غلامان خدا خدمت مقدس را به حضور او به جا خواهند آورد. ۴ آنان صورت او را خواهند دید و نام او بر پیشانی‌شان خواهد بود. ۵ همچنین، دیگر شب نخواهد بود و آنان نه به نور چراغ نیاز خواهند داشت و نه به نور خورشید؛ زیرا **يَهُوه*** خدا بر آنان نور خواهد تاباند و ایشان در مقام پادشاه همیشه و تا ابد سلطنت خواهند کرد.

۶ آنگاه او به من گفت: «این گفته‌ها امین* و راست است: آری، **يَهُوه*** خدایی که به انبیا الهام کرد، فرشته خود را فرستاد تا آنچه را باید به‌زودی به وقوع بپیوندد، به غلامان خود نشان دهد. ۷ بنگر! من به‌زودی می‌آیم. خوشا به حال هر کس که پیشگویی‌های این طومار را به گوش گیرد.»

۸ من، یوحنا، همان کسی هستم که این چیزها را شنیدم و دیدم. با شنیدن و دیدن این‌ها، به پای فرشته‌ای که این چیزها را به من نشان داده بود، افتادم تا او را پرستش کنم. ۹ اما او به من گفت: «مواظب باش! چنین مکن! من نیز همچون تو و برادرانت که پیامبرند و کسانی که سخنان

۲۲:۵، ۶* رجوع به واژه‌نامه. ۲۲:۶* یا: «در خور اعتماد».

آن هستند. ۲۳ این شهر نه نیازی به خورشید دارد که بر آن بتابد و نه نیازی به ماه؛ زیرا جلال خدا روشنی‌بخش آن و بزه چراغ آن است. ۲۴ قوم‌ها در نور آن، گام برخوانند داشت و پادشاهان زمین شکوه خود را به آنجا خواهند آورد. ۲۵ دروازه‌های آن در روز هرگز بسته نخواهد شد، چون در آنجا شب وجود نخواهد داشت. ۲۶ جلال و عزت قوم‌ها به آنجا آورده خواهد شد. ۲۷ اما هیچ چیز ناپاک و کسی که اعمال نفرت‌انگیز و فریبکارانه انجام می‌دهد، به هیچ وجه داخل آن نخواهد شد. فقط کسانی که نامشان در دفتر حیات بزه نوشته شده است، به آن شهر داخل خواهند شد.

۲۲ آن فرشته رودخانه‌ای از آب حیات به من نشان داد که

همچون بلور شفاف بود و از تخت خدا و بزه جاری می‌شد ۲ و از میان خیابان اصلی شهر می‌گذشت. در دو طرف رودخانه درختان حیات قرار داشت که ۱۲ بار میوه می‌داد، یعنی هر ماه یک بار. برگ‌های آن درختان برای شفای قوم‌ها بود.

۳ دیگر در آنجا هیچ لعنتی نخواهد بود. بلکه تخت خدا و بزه در شهر خواهد

گفتن را دوست می‌دارند و آن را پیشه خود می‌سازند، آنجایند.

۱۶ «من، عیسی، به خاطر جماعت‌ها فرشته خود را نزد شما فرستادم تا به شما در مورد این چیزها شهادت دهد. من ریشه و نسل داوود و آن ستاره درخشان صبح هستم.»

۱۷ روح و عروس همچنان می‌گویند: «بیا!» و هر که می‌شنود، بگوید: «بیا!» و هر که تشنه است، بیاید. هر که می‌خواهد، به رایگان از آب حیات بنوشد.

۱۸ «من به همه کسانی که پیشگویی‌های این طومار را می‌شنوند، چنین اعلام می‌کنم: اگر کسی چیزی بر این‌ها بیفزاید، خدا نیز بلایایی را که در این طومار نوشته شده است، بر او خواهد افزود. ۱۹ همچنین اگر کسی چیزی از کلام این طومار نبوی کم کند، خدا او را از نصیب محروم خواهد ساخت؛ یعنی از درختان حیات و شهر مقدس که در این طومار توصیف شده است.

۲۰ «آن که به این امور شهادت می‌دهد، می‌گوید: «آری، به زودی می‌آیم.»

«آمین! بیا، ای عیسی سرور.»

۲۱ لطف سرور ما عیسی با مقدّسان

باد!

این طومار را به گوش می‌گیرند، غلامی بیش نیستم. خدا را پرست.

۱۰ او همچنین به من گفت: «پیشگویی‌های این طومار را مَهر و موم مکن؛ زیرا زمان مقرر نزدیک است. ۱۱ بگذار آن که بدکار است در بدکاری خود پیش رود و فاسد همچنان به فساد خود بپردازد؛ اما بگذار درستکار به درستکاری خود ادامه دهد و آن که مقدّس است، مقدّس بماند.

۱۲ «بنگر! من به زودی می‌آیم تا به هر کس مطابق اعمالش پاداش و جزا دهم. ۱۳ من «الف» و «ی» هستم، نخستین و آخرین، آغاز و پایان. ۱۴ خوشا به حال آنانی که ردهای خود را می‌شویند تا حق رفتن نزد درختان حیات را داشته باشند و بتوانند از دروازه‌های شهر به آن داخل شوند. ۱۵ بیرون شهر سگ‌ها* هستند و کسانی که به نیروهای غیبی* متوسل می‌شوند و کسانی که مرتکب اعمال نامشروع جنسی^۵ می‌گردند و قاتلان و بت‌پرستان، همچنین همه آنانی که دروغ

۱۵:۲۲ * منظور کسانی است که اعمالشان در چشم خدا نفرت‌انگیز است. ^۳ رجوع به واژه‌نامه: «ارتباط با ارواح». ^۴ رجوع به واژه‌نامه: «اعمال نامشروع جنسی».

جدول نگارش کتاب‌های کتاب مقدس

کتاب‌های نگاشته‌شده به زبان یونانی در قرن اول

نام کتاب	نگارنده	محل نگارش	اتمام نگارش (م.)	دربرگیرنده وقایع سال‌های
مَتی	مَتی	فلسطین	ح. ۴۱	۲ ق.م.-۳۳ م.
مَرْکُس	مَرْکُس	روم	ح. ۶۰-۶۵	۲۹-۳۳ م.
لوقا	لوقا	قیصریه	ح. ۵۶-۵۸	۳ ق.م.-۳۳ م.
یوحنا	یوحنا ی رسول	اِفِسُس، یا حوالی آن	ح. ۹۸	پس از مقدمه، ۲۹-۳۳ م.
اعمال	لوقا	روم	ح. ۶۱	۳۳-ح. ۶۱ م.
رومیان	پولُس	قُرنُثُس	ح. ۵۶	
اول قُرنتیان	پولُس	اِفِسُس	ح. ۵۵	
دوم قُرنتیان	پولُس	مقدونیه	ح. ۵۵	
غَلاطیان	پولُس	قُرنُثُس یا اَنطاکیه سوریه	ح. ۵۰-۵۲	
اِفِسسیان	پولُس	روم	ح. ۶۰-۶۱	
فیلیپیان	پولُس	روم	ح. ۶۰-۶۱	
کولسیان	پولُس	روم	ح. ۶۰-۶۱	
اول تسالونیکیان	پولُس	قُرنُثُس	ح. ۵۰	
دوم تسالونیکیان	پولُس	قُرنُثُس	ح. ۵۱	
اول تیموثائوس	پولُس	مقدونیه	ح. ۶۱-۶۴	
دوم تیموثائوس	پولُس	روم	ح. ۶۵	
تیتوس	پولُس	مقدونیه (?)	ح. ۶۱-۶۴	
فیلیمون	پولُس	روم	ح. ۶۰-۶۱	
عبرانیان	پولُس	روم	ح. ۶۱	
یعقوب	یعقوب (برادر عیسی)	اورشلیم	ق. ۶۲	
اول پطرس	پطرس	بابل	ح. ۶۲-۶۴	
دوم پطرس	پطرس	بابل (?)	ح. ۶۴	
اول یوحنا	یوحنا ی رسول	اِفِسُس، یا حوالی آن	ح. ۹۸	
دوم یوحنا	یوحنا ی رسول	اِفِسُس، یا حوالی آن	ح. ۹۸	
سوم یوحنا	یوحنا ی رسول	اِفِسُس، یا حوالی آن	ح. ۹۸	
یهودا	یهودا (برادر عیسی)	فلسطین (?)	ح. ۶۵	
مکاشفه	یوحنا ی رسول	پاتموس	ح. ۹۶	

[نام نگارنده برخی کتاب‌ها و محل نگارش آن‌ها قطعی نیست. بسیاری از تاریخ‌ها تقریبی است. حرف «ق.» مخفف «قبل از»، حرف «م» مخفف «میلادی» و حرف «ح.» مخفف «حدود» است.]

نمایه واژه‌های کتاب مقدس

برای ملاحظه فهرست مخفف نام کتاب‌ها به صفحه ۶ رجوع شود.

آ

آب، یو ۱۰:۴ و او به تو ~ زنده می‌بخشید
مک ۱۷:۷ به چشمه‌های ~ حیات هدایت
آب دهان، مت ۶۷:۲۶ ~ به صورتش انداختند
آبستن، اتس ۳:۵ درد زایمان گریبانگیر زن ~
آب‌های، مک ۱:۱۷ فاحشه که بر ~ بسیار نشسته
آبیاری، اقر ۳:۳ من کاشتم، آیولس ~ کرد
آپولس، اء ۲۴:۱۸ ~ مردی خوش‌بین بود
آتش، مت ۴۱:۲۵ به آن ~ ابدی که برای ابلیس
اقر ۱۳:۳ ~ کیفیت کار هر کس را محک
اتس ۱۹:۵ ~ روح را خاموش مکنید
تت ۶:۱ آن موهبت را، همچون ~ افروخته
آبط ۷:۳ زمینی که برای ~ نگاه داشته شده
آخو، یو ۱:۱۳ عیسی تا به ~ به پیروانش محبت
تت ۱:۳ در روزهای ~، زمان‌هایی سخت
آرام، اتس ۱۱:۴ زندگی‌ای ~ در پیش گیرید
ابط ۴:۳ روحیه‌ای ~ و ملایم
آرامش، یو ۲۷:۱۴ من ~ به جا می‌گذارم و ~ به شما
اء ۳۱:۹ جماعت برای مدتی ~ یافت
رو ۸:۸ مشغول بودن به روح، به ~
فی ۷:۴ آنگاه ~ خدا از دل شما محافظت
آرامی روز سبت، عب ۹:۴ همچون ~ برای قوم خدا
آدم، اقر ۲۲:۱۵ به سبب ~ همه می‌میرند
اقر ۴۵:۱۵ ~ آخر، روح حیات‌بخش شد
اتی ۱۴:۲ ~ فریب نخورد، بلکه زن
آرتیس، اء ۳۴:۱۹ بزرگ است، ~ اِفِئسیان!
آریویاگوس، اء ۲۲:۱۷ پولس در میان ~ ایستاد و
آزاد، یو ۷:۶ کسی که مرده، از گناه ~ است
رو ۱۸:۶ چون از بزرگی گناه ~ شدید
آزاده، رو ۲۱:۸ از ~ پر جلال فرزندان خدا
اقر ۱۷:۳ هر جا روح نَهْوَ باشد، آنجا ~
ابط ۱۶:۲ ~ خود را بهانه‌ای برای بیکاری
آبط ۱۹:۲ در حالی که وعده ~ می‌دهند
آزاد، مت ۱۰:۵ خوش به حال آنان که ~ دیده‌اند
مت ۲۱:۳۱ ~ رو برو می‌شود، لغزش
یو ۲۰:۱۵ اگر مرا ~ رساندند، شما را نیز
اء ۴:۲۲ پیروان را تا حد مرگ ~ می‌رساندم
رو ۱۴:۱ برای آنان که ~ می‌رسانند، برکت
اقر ۱۳:۴ وقتی ~ می‌بینیم، تحفل می‌کنیم
آزارها، مر ۲۰:۱۰ فرزندان و مزرعه‌ها و همراه آن ~
آزادی، مر ۱۷:۴ به محض رو برو شدن با ~، لغزش
آزاریم، اقر ۹:۴ تحت ~، اما رها نشده‌ایم

اسی، مک ۲:۶ نگاه کردم و ~ سفید دیدم
مک ۱۱:۱۹ آسمان گشوده و ~ سفید را
استخوان‌های، یو ۳۶:۱۹ هیچ یک از ~ او شکسته
استدعا، اقر ۲:۲۰ چنین ~ می‌کنیم: با خدا آشتی کنید
استدعایی، فیله ۹ یا تپسل به محبت، از تو ~ کنم
استدلال، اع ۲:۱۷ ~ بر اساس نوشته‌های مقدس
استوار، اقر ۸:۱ خدا شما را ~ خواهد ساخت
اسرائیل، غلا ۱۶:۶ آرامش و رحمت بر ~ خدا باد
اسفبارتر، اقر ۱۹:۱۵ وضعیت ما از دیگران ~
اسفباری، رو ۴:۷ چه وضعیت ~ دارم
اسلحه، اقر ۲:۲۰ ~ جنگ ما از این دنیا
اسیر، اقر ۵:۱۰ هر تفکری را ~ می‌سازیم
اشتیاق، فی ۸:۱ دیدار همه شما را دارم
اشک‌ها، اع ۱۹:۲۰ خداوند را با ~ خدمت کردم
اع ۳۱:۲۰ با ~ لحظه‌ای از پند دادن
عب ۷:۵ درخواست‌های خود را با ~
اشکی، مک ۴:۲۱ هر ~ را از چشمان‌شان پاک
اصلاح، اقر ۱۱:۱۳ همواره شاد باشید، ~ شوید
غلا ۱:۶ با ملائمت ~ نمایند
اف ۱۲:۴ موفقتند که ~ کنند
اصول ابتدایی، غلا ۹:۶ دیربگیر به ~ برمی‌گردید
اطاعت، اع ۱۹:۴ ~ از شما یا ~ از خدا
اع ۲۹:۵ ما باید نخست از خدا ~ کنیم، نه از انسان
رو ۱۹:۵ از طریق ~ یک انسان نیز بسیاری
اف ۵:۶ غلامان، از اربابان خود ~ کنید
عب ۸:۵ با رنجی که کشید، ~ را آموخت
عب ۱۷:۱۳ هدایت را بر عهده دارند، ~
اطمینان، رو ۲۱:۴ و ~ کامل داشت که خدا قادر
رو ۱۴:۱۵ ای برادران، من ~ دارم که شما
۱ تس ۲۱:۵ از درستی هر چیز ~ یابید
اطمینان خاطر، اقر ۲:۲۰ همواره این ~ را داریم
اعتراف، یه ۱۶:۵ نزد یکدیگر به گناهان خود ~ کنید
ایو ۹:۱ اگر به گناهان ~ کنیم، ما را
اعتقاد، ۱ تس ۵:۱ با روح القدس و ~ راسخ
اعتماد، ۲ تس ۴:۳ ما پیرو ستور، به شما ~ داریم
اعلام، رو ۱۰:۱۰ در برابر عموم ~ می‌کند و نجات
اقر ۱۱:۱۱ مرگ ستور را ~ می‌کنید
عب ۲۳:۱۰ امیدمان را به همگان ~ کنیم
اعمال، عب ۱۴:۹ ما را از ~ مرده پاک
اعمال نامشروع جنسی، مت ۱۹:۱۵ از دل، ~ برمی‌خیزد
اع ۲۰:۱۵ از ~ بپرهیزند
اقر ۹:۵ مرتکب ~ می‌شوند، معاشرت
اقر ۹:۶ مرتکب ~ می‌شوند، پادشاهی را
اقر ۱۸:۶ از ~ بگریزید
اقر ۸:۱۰ باشد که مرتکب ~ نشویم
غلا ۱۹:۵، ناپاکی، رفتار بی‌شرمانه
اف ۳:۵ از ~، سخنی به میان نیاید
۱ تس ۳:۴ خواست خداست که از ~ بپرهیزید

آبَا، رو ۱۵:۸ ~ ای پدر!
ابد، ۱ پط ۲۵:۱ اما سخنان یهوه تا ~ باقی می‌ماند
ابراهیم، مت ۲۳:۲۲ خدای ~، خدای زندگان
رو ۲:۴ ~ ایمان آورد و درستکار
ابراهی، مت ۲۴:۳۰ پسر انسان را که بر ~ آسمان
ابری، عب ۱:۱۲ همچون ~ گرداگرد خود داریم
ایلیس، مت ۲۳:۲۵ آتش ابدی برای ~ و فرشتگانش
لو ۲:۴ ~ گفت اختیار بر حکومت‌ها به من
لو ۱۲:۸ ~ کلام را از دل ایشان می‌ریاید
یو ۴:۴ شما از پدر خود ~ هستید
اف ۲۷:۴ به ~ فرصت دهید
اف ۱۱:۶ در برابر حیل‌های ~ بایستید
یو ۷:۴ در برابر ~ بایستید و او از شما
۱ پط ۸:۵ ~ همچون شیر غزا می‌گردد
ایو ۸:۳ تا اعمال ~ را خشن سازد
مک ۱۲:۱۲ وای زیرا ~ نزد شما پایین آمده
مک ۱۰:۲۰ ~ به دریاچه آتش و گوگرد
اتفاق نظر، ۱ تس ۲۵:۱۵ ~ تصمیم گرفتیم
اتکا، ۱ پط ۱۱:۴ خدمت با ~ به قدرتی که خدا
اتهام، ۱ تیم ۱۹:۵ ~ به یکی از پیران را زمانی
تیم ۷:۱ سرپرست باید از ~ میزا باشد
اجدادشان، ۱ تیم ۴:۵ دین خود را به ~ ادا نمایند
احترام، اف ۳۳:۵ به شوهر خود ~ بگذار
۱ تس ۱۲:۵ به سرپرستانان ~ بگذارید
۱ پط ۲:۳ رفتار پاک و ~ عمیق‌تان
احترامی، ۱ پط ۱۵:۳ پاسخ دهید، اما با ~ عمیق
احتیاجات، رو ۱۳:۱۲ در رفع ~ مقدسان سهیم
احساساتی، یه ۱۷:۵ ایلیا انسانی بود با ~ همچون ما
اختیار، لو ۶:۴ ~ بر حکومت‌ها را به تو خواهم
اختیارات، اقر ۱۸:۹ از ~ خود سوءاستفاده نکنم
اخلاقی، اف ۱۹:۴ حساسیت خود را از لحاظ ~ از
اداره امور، اف ۱۰:۱ برای ~
اراده، اف ۵:۱ او ما را مطابق ~ خود
ارباب، مت ۲۴:۶ هیچ کس نمی‌تواند به دو ~ خدمت
اربابی، رو ۴:۱۴ برپا ماندن یا اقتدار او به ~ مربوط
اربابی، کو ۱:۴ شما نیز ~ در آسمان دارید
ارتداد، ۲ تس ۳:۲ مگر این که نخست ~ بیاید
ارزش، مت ۲۶:۴ آیا ~ شما بیش از آن‌ها نیست؟
ارواح، اف ۱۲:۶ جنگ ما علیه ~ شریر است
ازدواج، مت ۳۰:۲۲ به هنگام رستاخیز نه ~ می‌کنند
اقر ۹:۷ ~ از سوختن در آتش شهوت بهتر
اقر ۲۵:۷ که تاکنون ~ نکرده‌اند
اقر ۳۶:۷ گناهی نمی‌کند اگر ~ کند
اقر ۳۸:۷ آن که ~ نمی‌کند، نیکوتر عمل
اقر ۳۹:۷ با هر کسی ~ کند، البته تنها با
عب ۴:۱۳ پیوند ~ باید نزد همه محترم باشد
از یاد، ۱ تس ۲۳:۱۰ ایام گذشته را ~ مبرید
ازدهای، مک ۹:۱۲ آن ~ بزرگ همان مار به زمین

افتخار، فی ۲۹:۱ ~ دارید به خاطر او رنج بکشید
 تنس ۴:۱ به شما ~ می‌کنیم
افترا، اقر ۱۳:۴ وقتی ~ می‌زنند، با ملایمت
افسردگان، اتس ۱۴:۵ به ~ دلگرمی بخشید
افسرده، فی ۲۶:۲ [ایفرودیوس] ~ و غمگین
افسس، اقر ۳۲:۱۵ جنگ با حیوانات وحشی در ~
افکارشان، فی ۱۹:۳ به امور زمینی مشغول است
افودیه، فی ۲:۴ از ~ و ازیستیخی تمنا دارم که
اقتدار، مت ۱۸:۲۸ تمامی ~ به من داده شده است
اقتداری، بط ۱۰:۲ کسانی که هر ~ را خوار می‌شمارند
التماس، ات ۱:۲ نزد خدا ~ و دعا کنند
التماس آمیز، عب ۷:۵ مسیح دعاغای ~ خود را
الف، مک ۸:۱ من ~ و ی هستم
الهام، تی ۲:۱۶ کل نوشته‌های مقدس از خدا ~ شده
امیال، غلا ۱۶:۵ مطابق ~ نفسانی عمل نخواهید
 اف ۳:۲ بر طبق ~ نفسانی رفتار می‌کردیم
 تی ۲:۲ از ~ جوانی بگریز
 یو ۱۴:۱ مجذوب و فریفته ~ خود می‌گردد
 یو ۱۶:۲ ~ نفس ~ خواسته‌های چشم
امیال نفسانی، رو ۵:۸ آنانی که بر طبق ~ زندگی می‌کنند
 (بط ۱۱:۲ از ~ بهره‌برد
امید، رو ۴:۱۵ آنچه در گذشته نوشته شد، به ما ~
 اف ۱۲:۲ در این دنیا بدون ~ و بی‌خدا بودید
 عب ۱۹:۶ ~ برای جان ما همچون ننگری
امیدتان، رو ۱۳:۱۲ به سبب ~ شاد باشید
 بط ۱۵:۳ به هر که دلیل ~ را بپرسد، پاسخ
امیدی، رو ۲۴:۸ که تحقق یافته است، امید نیست
 اف ۱۸:۱ برای چه ~ فراخوانده است
امین، لو ۱۰:۱۶ در کوچک‌ترین ~، در امور بزرگ
 اقر ۲:۴ از کارگزار انتظار می‌رود که ~
 اقر ۱۳:۱۰ خدا ~ است و نخواهد گذاشت که
 تی ۱۰:۲ بلکه کاملاً ~ باشند تا
انبیا، اع ۴۳:۱۰ همه ~ در مورد او شهادت می‌دهند
انبیای دروغین، مت ۱۵:۷ به لباس گوسفند
انتخاب، فی ۲۳:۱ میان این دو ~ مانده‌ام
انتظار، لو ۲۶:۲۱ از ترس آنچه در ~ ساکنان زمین
 رو ۲۵:۸ به پایداری ~ می‌کشیم
انتقام، رو ۱۹:۱۲ ای عزیزان، ~ مگیرید
 تنس ۸:۱ گوش نمی‌گیرند، ~ خواهد گرفت
اندوه، اقر ۷:۲ مبادا شدت ~، او را از پا درآورد
اندوه‌تان، اقر ۹:۷ زیرا ~ خدایستاده بود
اندیشمندان، لو ۲۱:۱۰ از خردمندان و ~ مخفی داشته‌ای
انکار، مر ۳۰:۱۴ سه بار ما ~ خواهی کرد
 تی ۱۶:۱ با اعمالشان او را ~ می‌کنند
اورشليم، مت ۳۷:۲۳ ~، ای قاتل انبیا
 لو ۲۱:۲ برای عید پش به ~ می‌رفتند
 لو ۲۰:۲۱ می‌بینید که سپاهیان در اطراف ~
 لو ۲۴:۲۱ به زیر پای ملت‌ها لگدمال خواهد

اع ۲۸:۵ را به تعالیمتان پر کرده‌اید
 اع ۲:۱۵ به ~ نزد رسولان و پیران بروند
 غلا ۲۶:۴ بالا آزاد است و مادر ماست
 عب ۲۲:۱۲ به ~ آسمانی نزدیک شده‌اید
 مک ۱۲:۳ ~ جدید که از آسمان پایین می‌آید
 مک ۲:۲۱ ~ جدید را دیدم به آراستگی عروسی
اول، مر ۳۵:۹ اگر کسی می‌خواهد ~ باشد، آخرین
اولند، مت ۳۰:۱۹ بسیاری که ~، آخر خواهند بود
ایام، اتس ۱:۵ مخصوص زمان‌ها و ~
ایامی، اع ۷:۱ منظور نشده است که از ~ آگاه شوید
ایزابل، مک ۲:۲۰ تو را می‌داری که آن زن، ~ که
ایستاده، اقر ۱۲:۱۰ گمان می‌کند ~ است
ایلعازر، یو ۲۰:۱۶ گدایی به نام ~
 یو ۱۱:۱۱ ~، دوست ما خوابیده است
 یو ۴۳:۱۱ ~، بیرون بیا!
ایلیا، یو ۱۷:۵ ~ نیز انسانی با احساساتی همچون
ایمان، یو ۱۶:۳ هر که به او ~ بورزد
 اقر ۱۳:۴ ما نیز ~ می‌ورزیم و سخن می‌گوییم
 اقر ۷:۵ ما مطابق ~ گام برمی‌داریم
 غلا ۱۰:۶ از طریق ~ خوشاوند ما هستند
 اف ۵:۴ یک سرور، یک ~ و یک تعمید
 تنس ۲:۳ همه مردم از ~ برخوردار نیستند
 تی ۵:۱ زیرا ~ بی‌ریای تو را به خاطر می‌آورم
 عب ۱:۱۱ ~ اطمینان قطعی به تحقق
 عب ۶:۱۱ غیرممکن است که بدون ~
 یو ۲۶:۲ بدون عمل نیز مرده است
 (بط ۷:۱ خالص بودن ~ شما آزموده شود
ایمانش، رو ۱۷:۱ درستکار به سبب ~ حیات
 رو ۲۰:۴ ~ او را قوی ساخته
ایمانی، لو ۶:۱۷ به اندازه یک دانۀ خردل
 لو ۸:۱۸ آیا چنین ~ روی زمین خواهد یافت؟
ایوب، یو ۱۱:۵ شما در مورد صبر ~ شنیده‌اید

ب

بابل، مک ۵:۱۷ ~ بزرگ، مادر فاحشه‌ها
 مک ۲:۱۸ ~ بزرگ، سقوط کرده است
باه، اف ۱۴:۴ به زهر ~ تعلیم رانده می‌شوند
 مک ۱:۷ چهار ~ زمین را محکم نگاه
بار، اع ۲۸:۱۵ ~ بیشتری بردوش شما ننهیم، جز
 غلا ۵:۶ هر کس ~ خود را حمل خواهد کرد
باران، مت ۴۵:۵ ~ را بر درستکار و بدکار
بارهای، غلا ۲:۶ ~ سنگین یکدیگر را بر دوش کشید
بارهایی، لو ۴۶:۱۱ زیرا ~ توانفرسا بر دوش مردم
باری، مک ۲۴:۲ من ~ بر بارهای شما نمی‌افزایم
باری سنگین، یو ۳:۵ احکام او ~ نیست
باز، مت ۱۸:۱۸ آنچه بر زمین ~ خواهید کرد
بازار، اع ۱۷:۱۷ هر روز در ~ به گفتگو می‌پرداخت
بازرگانان، مک ۳:۱۸ من ~ زمین دولتمند شدند

بردار، اقر ۴:۱۳ محبت، ~ و مهریار است
 ۱ تس ۱۴:۵ با همه ~ باشید
 ۲ ط ۹:۳ یثوه با شما ~ است
بردار، رو ۲۲:۹ طروفی که خدا با ~ بسیار تحمل کرد
 ۲ ط ۱۵:۳ خداوندان را فرصتی برای نجات
برده، یو ۳۴:۸ هر که گناه می‌کند، ~ گناه است
بررسی، اء ۱۱:۱۷ نوشته‌ها را به دقت ~ می‌کردند
برق، لو ۱۸:۱۰ شیطان همچون ~ از آسمان
برکت، لو ۲۸:۶ برای لعنت‌کنندگان، ~ خواهید
 رو ۱۴:۱۲ برای آزاددهندگان، ~ بطلبید
برگ، مت ۲۲:۲۴ وقتی ~ می‌دهد، پی می‌برد که
برگزیدگان، مت ۲۲:۲۴ به خاطر ~، آن روزها کوتاه
برگزیدگان، مت ۳۱:۲۴ فرشتگان ~ را گرد هم
برگزیدن، رو ۱۱:۹ ~ شخص بر طبق خواست خدا
برنابا، اء ۲۷:۹ ~ به یاری او آمد
بره، یو ۲۹:۱ ~ خدا که گناه را از دنیا برمی‌دارد
بره‌هایم، یو ۱۵:۲۱ محبت داری؟ ~ را خوراک بده
بری، اء ۲۶:۲۰ من از خون همگان ~ هستم
برزگان، یو ۴۲:۱۲ از ~ نیز به عیسی ایمان
برزگتر، یو ۲۸:۱۴ پدر از من ~ است
 اقر ۳۱:۱۲ پیوسته برای عطایای ~
 ا یو ۲۰:۳ خدا از دل ما ~ است
برزه، مت ۲۲:۲۵ شبان‌گوسفندها را از ~ جدا می‌کند
بسیارید، رو ۱۳:۶ خود را به خدا ~
بستر، عب ۴:۱۳ زناشویی از ناپاکی به دور باشد
بسرایید، اء ۱۹:۵ برای یثوه ~
بشارت، یو ۴۳:۴ باید ~ پادشاهی خدا را اعلام کنم
 رو ۱۶:۱ از ~ دادن شرمسار نیستم
 اقر ۱۶:۹ وای بر من اگر ~ را اعلام نکنم
 اقر ۲۳:۹ به خاطر ~ هرکاری می‌کنم
بشنوند، رو ۱۴:۱۰ چگونه ~، اگر کسی
بطلبید، مت ۷:۷ پیوسته ~ که به شما داده خواهد شد
بکاره، غلا ۷:۶ انسان هر چه ~
بکشد، یو ۴۴:۶ مگر پدر او را به سوی من ~
بگویند، مت ۷:۷ پیوسته ~ که در به رویتان باز
بگریزد، اقر ۱۸:۶ از اعمال نامشروع جنسی ~
بلا یابی، مک ۴:۱۸ نمی‌خواهید سهمی از ~
بله، مت ۳۷:۵ بله‌تان فقط ~ باشد
بلوغ، عب ۱:۶ بیابید به سوی ~ پیش رویم
بنا، اقر ۱۰:۳ مراقب باشد چگونه ~ می‌کند
 یو ۲۰ خود را بر پایه ایمان مقدستان ~
بنای، رو ۱۹:۱۴ در پی ~ یکدیگر باشیم
 اقر ۲۶:۱۴ همه این‌ها برای ~ جماعت
بنیادی، رو ۲۰:۱۵ مبدا بر ~ بنا نمایم که کسی دیگر
بوته‌ای، اء ۳۰:۵ در شعله ~ مشتعل
بوسه‌ای، لو ۴۸:۲۲ با ~ به پسر انسان خیانت می‌کنی
بهبانهای، رو ۲۰:۱۱ از این رو، هیچ عذر و ~ ندارند
 یه ۴ ~ برای رفتاری بی‌شرمانه خود

بازرگانی، مت ۴۵:۱۳ مانند ~ است که در پی مروریدهای
باز نمی‌ایستادند، اء ۴۲:۵ بشارت می‌دادند و از این کار ~
بازی، یو ۳۸:۱۲ ~ یثوه بر چه کسی آشکار شده؟
باطن، رو ۲۲:۷ در ~ خود، قانون خدا را
 اقر ۱۶:۴ قطعاً ~ ما روز به روز تازه‌تر
 اف ۱۶:۳ ~ شما را نیرومند سازد
باقی‌ماندگان، مک ۱۷:۱۲ رفت تا با ~ بجنگد
باقی‌مانده، مت ۲۰:۱۴ وقتی تکه‌های ~ را جمع‌آوری کردند
باکره، مت ۱۲:۵ پادشاهی آسمان‌ها مانند ده ~
بالا، یو ۱۳:۳ هیچ انسانی به آسمان ~ نرفته
بالاست، کو ۲:۳ همواره به آنچه در ~ بیندیشید
بالغ، اقر ۲۰:۱۴ و در فهم ~ گردید
 اف ۱۳:۴ و انسانی ~ شده
بالغان، عب ۱۴:۵ ~ که با استفاده از قدرت تشخیص
باور، یو ۲۹:۲۰ خوشا به حال آنانی که نادیده ~
 تس ۱۲:۲ حقیقت را ~ نکردند، بلکه
بت پرستان، اقر ۹:۶ ~ پادشاهی خدا را به میراث
بت پرستی، اقر ۱۴:۱۰ از ~ بگریزد
بت‌ها، ا یو ۲۱:۵ خود را از ~ محفوظ نگاه دارید
بچه‌هایی، مت ۱۶:۱۱ مانند ~ هستند که در بازارها
بخت‌های، اتی ۴:۱ ~ بی‌فایده به وجود
بخشش، یو ۱۷:۱ هر ~ نیکو را بالاست
بد، اف ۲۹:۶ سختی ~ از دهانتان بیرون نیاید
بدکاران، مت ۲۳:۷ ا یو ~ از من دور شوید!
 اء ۱۵:۲۴ رستاخیزی، برای ~ در پیش
 اقر ۹:۶ ~، پادشاهی خدا را
بدن، مت ۲۸:۱۰ از کسان مترسید که ~ شما را نابود
 مت ۲۶:۲۶ بخورید، این مظهر ~ من است
 رو ۱۳:۶ اعضای ~ خود را به خدا بسپارید
 اقر ۴:۷ زن بر ~ خود اختیار ندارد، بلکه
 اقر ۱۸:۱۲ خدا هر عضو را در ~ قرار داده
 فی ۲۱:۳ ~ حقیر ما را مبدل خواهد کرد
بدن‌های، رو ۱:۱۲ ~ خود را همچون قربانی زنده تقدیم
بدنی، اقر ۴۴:۱۵ جسمانی کاشته و ~ روحانی
بدوید، اقر ۲۴:۹ به گونه‌ای ~ که جایزه را ببرید
بدی، رو ۱۹:۷ آن ~ را که نمی‌خواهم، انجام می‌دهم
 رو ۱۷:۱۲ ~ را با ~ پاسخ دهید
بذر، لو ۱۱:۸ ~، کلام خداست
برآورد، لو ۲۸:۱۴ نشینند تا مخارج آن را ~ کند
برآورده، اتی ۸:۵ اگر نیاز خویشان خود را ~ نکنند
برابری، فی ۶:۲ فکر نکرد که ~ با خدا را به چنگ
برادر، اقر ۱۱:۵ آن که ~ خوانده می‌شود، اما مرتکب
برادران، مت ۴۰:۲۵ آنچه برای ~ من کردید، برای من
برادرانش، مت ۵۵:۱۳ نام ~ یعقوب، یوسف
برادرید، مت ۸:۲۳ و همه ~ شما ~
برتر، رو ۳:۱۲ خود را ~ از آنچه باید میندازید
برج، لو ۴:۱۳ ~ سیلوحا بر آنان ریخت

بهای رهایی، مت ۲۸:۲۰ پسر آمد تا ~ را بدهد
رو ۲۳:۱ از طریق ~ از بندمان آزاد
بهای، اقر ۲۳:۷ شما به ~ خرید شده‌اید
بهتر، فی ۲:۲ دیگران را از خود ~ بدانید
به تلخی، مت ۷۵:۲۶ پطرس رفت و ~ گریست
به راستی، یو ۲۸:۷ ~ کسی هست که مرا فرستاد
به رایگان، مک ۱۷:۲۲ هر که می‌خواهد، ~ از آب حیات
بهشت، لو ۴۳:۲۳ با من در ~ خواهی بود
اقر ۴:۱۲ به ~ برده شد
به ناحق، ابط ۱۹:۲ و ~ رنج بکشد
به وفور، یو ۱۰:۱۰ از حیات برخوردار
به یاد، لو ۱۹:۲۲ این را پیوسته ~ من به جا آورید
بیا، مک ۱۷:۲۲ هر که می‌شود، بگوید: ~!
بی اطلاع، اقر ۱۱:۲ از نقشه‌های او ~ نیستیم
بی انصاف، رو ۱۴:۹ آیا خدا ~ است؟ مسلماً خیر!
بی انضباط، تس ۳:۶ از هر برادری که ~ است، دوری
بی اهمیت، اقر ۲۸:۱ خدا آنچه را دنیا ~ و حقیر می‌شمارد
بی ایمان، اقر ۱۲:۷ اگر برادری، همسری ~
بی ایمانان، اقر ۶:۶ به محکمه، نزد ~!
اقر ۱۴:۶ زیر یوغ با ~ مروید
بی خوابی، اقر ۲۷:۱۱ شب‌ها را در ~
بی خوابی‌ها، اقر ۵:۶ در ~، درگرستگی‌ها
بیدار، لو ۳۶:۲۱ بمانید و از دعا‌های التماس‌آمیز
یو ۱۱:۱۱ به آنچه می‌روم تا او را ~ کنم
مک ۱۵:۱۶ خوشا به حال هر که ~ می‌ماند
بیرون آید، مک ۴:۱۸ قوم من از این شهر ~
بیرون از جماعت، اقر ۱۳:۵ افراد ~ را خدا قضاوت خواهد کرد
بیرون کنید، اقر ۱۳:۵ شریر را از میان خود ~
بی‌ریا، رو ۹:۱۲ محبت شما ~ باشد
بی‌عانه، اقر ۲۲:۱ به عنوان ~ برکات آینده
اف ۱۴:۱ ~ میراث ما است
بیمار، یو ۱۴:۵ آیا کسی در میان شما ~ است؟
بیماری‌ها، مت ۲۵:۹ همه نوع ~ را شفا می‌بخشید
بیماری‌های همه‌گیر، لو ۱۱:۲۱ ~ یکی پس از دیگری
بی‌نظم، تس ۱۴:۵ به افراد ~ هشدار دهید
بی‌نظمی، اقر ۳۳:۱۴ خدا، خدای ~ نیست
بیشوایان، لو ۱۸:۴ به ~ بشارت دهم
بی‌هدف، اقر ۲۶:۹ پس دویدن من ~ نیست
بی‌پوده، مت ۹:۱۵ پرستش آنان ~ است
اقر ۵۸:۱۵ زحمات شما ~ نیست
اف ۱۷:۴ مطابق افکار ~ خود رفتار می‌کنند
بی‌وزن، مر ۴۳:۱۲ این ~ فقیر، بیشتر داد
بی‌وزنان، یو ۲۷:۱ از یتیمان ~ مراقبت کنیم
بی‌وزنی، لو ۳۱:۱ ~ نزد آن قاضی می‌رفت
پ
پارچا، کو ۷:۲ در ایمان ~ مانده
پادش، عب ۶:۱۱ او را می‌جویند، ~ می‌دهد

پادشاهان، کو ۲۴:۳ می‌دانید که ~ میراثی
پادشاه، مت ۵:۲۱ ~ تو سوار بر الاغی نزدت می‌آید
اقر ۲۵:۱۵ او باید در مقام ~ حکمرانی کند
مک ۱۰:۵ در مقام ~ بر زمین سلطنت
پادشاهان، لو ۱۲:۲۱ شما را نزد ~ خواهند برد
اع ۲۶:۴ ~ زمین بر ضد یهوه
مک ۶:۱ از ما ~ و کاهنانی ساخت
مک ۳:۱۸ ~ زمین با او زنا کردند
پادشاهی، مت ۱۰:۶ ~ تو بیاید. خواست تو
مت ۳۳:۶ نخست، در پی ~ خدا باشید
مت ۴۳:۲۱ ~ خدا به قومی که می‌وداش
مت ۱۴:۲۴ این خبر خوشی ~ موعظه خواهد
لو ۳۲:۱۲ خشنودی پدر بوده که ~ را به شما
لو ۲۹:۲۲ با شما عهدی برای ~ می‌بندم
یو ۳۶:۱۸ اما ~ من از این دنیا نیست
یو ۱۵:۱۹ ما ~ نداریم، جز قصیر
اع ۶:۱ آیا در این زمان ~ را باز می‌گردانی؟
رو ۲۵:۶ مگذارید گناه در شما ~ کند
اقر ۲۴:۱۵ مسیح ~ را به خدای خود تحویل
غلا ۲۱:۵ ~ خدا را به میراث نخواهند برد
کو ۱۲:۱ به ~ پسر عزیز خود منتقل ساخت
مک ۱۵:۱۱ ~ دنیا متعلق به خداوند ما
پادشاهی‌ای، مت ۲۴:۲۵ بیایید، ~ را به میراث ببرید
پاسخ، کو ۶:۶ بدانید چگونه به هر کس ~ دهید
پاک، یو ۳:۱۵ اکنون نیز به خاطر کلام ~ هستید
اع ۱۹:۳ تا گناهان شما ~ شود
پاهای، یو ۵:۱۳ به شستن ~ شاگردان مشغول شد
رو ۲۰:۱۶ شیطان را زیر ~ شما له خواهد کرد
پای، ابط ۲۱:۲ تا در جای ~ او گام
پایان، مت ۱۴:۲۴ آنگاه ~ فرا خواهد رسید
مت ۲۰:۲۸ تا ~ نظام حاضر با شما هستم
اع ۲۴:۲۰ دوره و خدمت خود را به ~ رسانم
تی ۷:۴ مسابقه را به ~ رسانده‌ام
پای‌بند، فی ۱۶:۲ به کلام حیات بخش ~ می‌مانید
پایدار، مت ۱۳:۲۴ آن که تا به آخر ~ بماند، نجات
لو ۱۵:۸ ~ می‌ماند و ثمر نیز می‌آورد
اقر ۱۳:۱۶ در ایمان ~ بمانید
پایداری، لو ۱۹:۲۱ با ~ خود، زندگی خود را حفظ
رو ۳:۵ سختی ~ به یاری آورد
رو ۱۲:۱۲ در سختی‌ها ~ کنید
یو ۴:۱ بگذارید ~ کار خود را به انجام
پایمال، عب ۲۹:۱۰ پسر خدا را ~ کند
پدر، مت ۹:۶ ~ ما که در آسمان‌هایی، نام تو
مت ۹:۲۳ هیچ کس را بر زمین ~ خود نخواهد
یو ۲۳:۴ زیرا ~ در پی چنین پرستندگانی است
یو ۲۰:۵ ~ هر آنچه خود می‌کند به پسر نشان می‌دهد
یو ۳۰:۱۰ من و ~ یک هستیم
یو ۶:۱۴ جز از طریق من نزد ~ نمی‌آید

پیوست، مټ ۱۹:۶ آنچه خدا ~، هیچ انسانی
پیوند، کو ۱۴:۳ محبت ~ می‌دهد و کاملاً متحد

ت

تابستان، مټ ۲۲:۲۴ پی می‌برد که ~ نزدیک
تابیعت، فی ۲۰:۳ اما ~ ما در آسمان هاست
تابندگان نور، فی ۱۵:۲ همچون ~ در دنیا می‌درخشید
تاجی، ۲۹:۲۷ از خار بافتند و بر سرش
اقر ۲۵:۹ چنین می‌کنند تا ~ فانی به دست
تاراج، عب ۱۹:۱۰ امواتان را پذیرفتید
تارنا روس، ۴:۲ پط ۱۸:۴ فرشتگانی در ~ افکند
تاریک، اف ۱۸:۴ ذهن آنان به خاطر جهالت ~
تاریکی، مټ ۱۶:۴ مردمی که در ~ ساکنند
یو ۱۹:۳ مردم ~ را دوست داشتند
ايط ۹:۲ شما را از ~ به نور شگفت‌انگیز
تازه، یو ۳۴:۱۳ به شما حکمی ~ می‌دهم
اع ۲۱:۱۷ به گفتن و شنیدن چیزهای ~ بگذرانند
تاک، یو ۱:۱۵ ~ حقیقی هستم و پدرم
تاکستان، مټ ۱:۲۰ در ~ خود کارگرانی
مټ ۲۸:۲۱ فرزندی، در ~ کارکن
لو ۹:۲۰ آن ~ را به باغبانان اجاره
تأخیر، لو ۴۵:۱۲ بگوید، ارباب در آمدن ~ کرده
۲ پط ۹:۳ بی‌توجه در وعده خود ~
تأدیب، مک ۱۹:۴ کسانی را که دوست می‌دارم، ~
تأدیبی، عب ۱۱:۱۲ هیچ ~ خوشایند نیست
تبعیض، اع ۳۴:۱۰ خدا ~ قائل نمی‌شود
یع ۹:۲ اگر همچنان ~ قائل شوید
تجارت، ۲قر ۱۷:۲ کلام خدا ~ نمی‌کنیم
یع ۱۳:۴ ~ خواهیم کرد و سود خواهیم برد
تجارتش، مټ ۵:۲۲ با بی‌اعتنایی پی ~ رفت
تجمل، مک ۷:۱۸ بی‌شرمانه در ~ زندگی می‌کرد
تحریر، ۲قر ۲:۴ کلام خدا را ~ نمی‌کنیم
تحسین، اقر ۲:۱۱ من شما را ~ می‌کنم، چون
تحقیق، مټ ۱۷:۵ بلکه آمده‌ام تا شریعت را به ~ رسانم
تحقیق، ايط ۱۰:۱ انبیا در مورد این نجات به ~
تحمل، رو ۲۲:۹ ظروف غضب را ~ کرد
اقر ۱۲:۴ وقتی آزار می‌بینیم، با بردباری ~
اف ۲:۴ یکدیگر را با محبت ~ کنید
ايط ۲۰:۲ به سبب نیکوکاری رنج بکشید و ~
تخت، مټ ۳۱:۲۵ پسر انسان بر ~ خود
لو ۳۲:۱ خدا ~ داوود را به او
ترقیب، اقر ۴۰:۱۴ به‌شایستگی و با نظم و ~
ترجمه، اقر ۳۰:۱۲ آیا همه ~ می‌کنند؟
توس، لو ۲۶:۲۱ انسان‌ها از ~ از هوش خواهند رفت
۲ تی ۷:۱ روح القدس را عطا کرده که نه ~
ایو ۱۸:۴ در محبت ~ نیست
توسه، مټ ۲۹:۱۹ هر که خانه‌ها را ~ کرده است
تسلط، رو ۱۴:۶ گناه نباید بر شما ~ داشته باشد
۱ تس ۴:۴ بداند که چگونه بر بدن خود ~

یو ۹:۱۴ هر که مرا دیده است، ~ را نیز دیده
یو ۲۸:۱۴ زیرا ~ از من بزرگ‌تر است
پدرش، لو ۲۰:۱۵ ~ به سوشس دودید و در آغوشش کشید
پدرم، لو ۴۹:۲ من باید در خانه ~ باشم
پذیرفت، رو ۷:۱۵ مسح شما را ~، پس شما نیز
یو، لو ۴۵:۶ زبان از آنچه دل از آن ~
پراهمیت‌تر، فی ۱۰:۱ تشخیص دهید چه چیزهایی ~ است
پرعتز، ۲ تی ۲:۲ ظروف برای کاری ~
پر محبت، مر ۲۱:۱۰ عیسی ~ نگاهی ~ به او کرد و گفت
پرندگان، مټ ۲۶:۶ ~ آسمان را به دقت نظاره
پریسکیلا، اع ۲۶:۱۸ و آکیلا او را نزد خود
پزشک، لو ۳۱:۵ سالم نیاز به ~ ندارند
پسج، اقر ۷:۵ مسح که بزه ~ ماست
پسر، مټ ۱۷:۳ این است ~ من
لو ۱۳:۱۵ ~ کوچک‌تر داری خود را
پسران، رو ۱۴:۸ با روح هدایت: ~ خدایند
پسر انسان، مټ ۲۳:۱۰ پیش از این که ~ بیاید
لو ۲۷:۱ ~ در ابری می‌آید
پسرخواندگی، رو ۱۵:۸ روح ~ را یافته‌اید
پسر یگانه، یو ۱۶:۳ به مردم دنیا محبت داشت که ~ خود
پشت سر، لو ۶:۲۹ مشغول شخیزنی به ~ بنگرد
پطرس، مټ ۲۹:۱۴ روی آب راه رفت
لو ۵:۲۲ در دواور ایشان را دنبال
یو ۱۰:۱۸ ~ با شمشیر زد
اع ۵:۱۲ ~ را در زندان، اما جماعت
پنجره، اع ۹:۲ اکتیخوس که کنار ~ نشسته
پنهان، لو ۱۷:۸ ~ باشد و آشکار نشود
پوچ و بی‌معنی، لو ۱۱:۲۴ سخنان زنان در نظر آنان ~ آمد
پوششی، ۲قر ۱۵:۳ بر بدن‌های آنان ~ باقی
بول دوستی، اتی ۱۰:۶ زیرا ~ ریشه همه گونه بدی‌هاست
عب ۵:۱۳ شیوه زندگی شما بزی از ~ باشد
پیامبران دروغین، مټ ۱۱:۲۴ ~ همراه خواهند
پیامبرهای کاذب، مر ۲۲:۱۳ ~ نشانه‌ها ظهور
پیرانی، تی ۵:۱ ~ را در هر شهر منصوب کنی
پیروزمندان، ۲قر ۱۴:۲ در صف ~ هدایت
پیروزی، رو ۲۷:۸ از طریق او، با ~ کامل
مک ۲:۶ تا ~ خود را کامل کند
پیروی، مټ ۲۱:۱۹ بیا و از من ~ کن
پیشرفت، اتی ۱۵:۴ تا ~ تو آشکار شود
پیش رفته‌ایم، فی ۱۶:۳ هر جا که ~
پیشگویی، ۲ پط ۲۱:۱ ~ هرگز به خواست انسان
پیشگویی‌ها، ۲ پط ۲۰:۱ ~ هرگز زائیده تفسیر شخص
پیشوا، مټ ۱۰:۲۳ زیرا تنها یک ~ دارید که مسیح
پیشوای ارشد، عب ۲:۱۲ عیسی، ~ و کامل‌کننده ایمان
پیشوای حیات، اع ۱۵:۳ آن ~ را به قتل رساندید
پیلانوس، یو ۶:۱۹ ~ گفت خطایی در وی نمی‌بینم
پیمان، لو ۲۸:۶ همان ظرفی که برای دیگران ~

تسلی، مت ۴:۵ خوشا ماتم دیدگان: زیرا ~ خواهند
 اتس ۱۱:۲ ما پیوسته شما را ~ و پند دادیم
تشخیص، فی ۱۰:۱ تا ~ دهید چه چیزهایی پراهمیت تر
 عب ۱۴:۵ خوب را از بد ~ دهند
تشنه، یو ۳۷:۷ اگر کسی ~ است، نزد من
تشویق، رو ۱۲:۱ از ایمان یکدیگر متقابلاً ~ گردیم
 اقر ۳۱:۱۴ تعلیم یابند و همه ~ شوند
 تی ۹:۱ بر پایه آن تعلیم صحیح ~ کند
 عب ۲۵:۱۰ یکدیگر را ~ و ترغیب کنیم
تضمین، اء ۳۱:۱۷ با رستخیز دادن آن مرد، ~ کرده
تعلیم، مت ۲۸:۷ از شیوه ~ او شگفت زده
 مت ۲۹:۷ با اقتدار ~ می داد
 مت ۲۰:۲۸ ~ دهید که هر آنچه
 یو ۱۶:۷ آنچه ~ می دهم از من
 رو ۲۱:۲ تو که ~ می دهی، به خود ~
 رو ۴:۱۵ برای ~ ما نوشته شد
 ا تی ۱۲:۲ اجازه نمی دهم زن ~ دهد
 تی ۷:۳ هر چند پیوسته ~ می گیرند
تعمید، مت ۱۳:۳ عیسی آمد تا به دست یحیی ~ بگیرد
 مت ۱۹:۲۸ اجازه بسازید و آنان را ~ دهید
 لو ۳:۳ ~ به نشان توبه
 اء ۴۱:۲ ~ گرفتند و حدود ۳۰۰۰ نفر افزوده
 اء ۳۶:۸ چه چیز مانع ~ گرفتن من است؟
 رو ۴:۶ ~ گرفتن در مرگ او
تعمیدی، ابط ۲۱:۳ که اکنون شما را نجات می دهد
تفرقه، اقر ۱۰:۱ در میانان ~ نباشد
 تی ۱۰:۳ یا کسی که عامل ~ باشد، قطع رابطه
تفکری، اقر ۵:۱۰ هر ~ را اسیر می سازیم
تقدسی، عب ۱۴:۱۲ ~ را بجوید
تقویت، لو ۲۲:۲۲ یازگشتی، برادران را ~ کن
 اء ۲۲:۱۴ شاگردان را ~ کردند
تلاش، ابط ۵:۱ تمام ~ خود را بنمایید
تلاشی بیشتر، اتس ۱:۴ در این راه ~ به خرج دهید
تلخی، اف ۳۱:۴ بدخواهانه، خشم، عصبانیت
 کو ۱۹:۳ به تندگی و ~ رفتار نکنید
تمایلی بیمارگونه، ا تی ۴:۶ ~ به جزویعت و مجادله
تمسخر، لو ۲۲:۱۸ او را ~ خواهند کرد و آب دهان
 لو ۲۳:۲۲ شروع به ~ و زدش کردند
تمسخر کنندگانی، ابط ۲:۳ در اتمام آخر ~
تملق آمیز، رو ۱۸:۱۶ با سخنانی ~ می فریبند
تنها، رو ۱۰:۱۲ بر مبنای رحمت های خدا ~ می کنم
تندباد، مت ۲۵:۷ ~ بر آن خانه هجوم آورد
تنگ، مت ۱۳:۲ از در ~ داخل شوید
تنها، یو ۳۲:۱۶ مرا ~ می گذارید. اما من ~ نیستم
تنها نخواهم گذاشت، عب ۵:۱۳ و هرگز تو را ~
تنها نگذاشته، یو ۲۹:۸ او مرا ~
توبه، لو ۷:۱۵ گناهکار که ~ شادی بیشتری
 اء ۱۹:۳ ~ کنید و بازگردید

اء ۳۰:۱۷ تمامی انسان ها باید ~ کنند
 اء ۲۰:۲۶ با اعمالی به نشانه ~
 رو ۴:۲ او را به ~ راهنمایی کند
 اقر ۱۰:۷ ثمره اندوه خدایسندانه ~ است
 مک ۱۱:۱۶ به خدا کفر گفتند و ~ نکردند
تور ماهیگیری، مت ۴۷:۱۳ پادشاهی آسمان ها مانند ~
تورهایان، لو ۴:۵ در آنجا ~ را به آب بیندازید
توضیح، اء ۳۰:۱۷ نوشته ها را ~ می داد و
توفان، مت ۳۸:۲۴ پیش از ~، می خوردند و می نوشیدند
توفانی، ابط ۵:۲ وقتی ~ بر دنیا آورد
توکل، اقر ۹:۱ تا خود، بلکه خدا، ~ کنیم
تولد، مت ۶:۱۴ در سالروز ~ هیرودیس
تولد، ابط ۳:۱ به ما ~ تازه بخشید
تهدید، اء ۱۷:۴ بپایید آنان را ~ کنیم
 اف ۹:۶ شما نیز آنان را ~ مکنید
 ابط ۲۳:۲ رنج می کشید، ~ نمی کرد
تیس، مر ۲۵:۱۵ به ~ میخکوبش کردند
 لو ۲۱:۲۳ او را بر ~ بیاویز!
تیر شکنجه، مت ۲۸:۱۰ ~ خود را بر دوش کشد
 لو ۲۳:۹ هر روز ~ خود را
تیموتائوس، اء ۱:۱۶ شاگردی به نام ~
 اقر ۱۷:۴ ~ را نزد شما می فرستم
 ا تی ۲:۱ به ~ فرزند راستینم

ن

نایت، اء ۳:۱۷ توضیح می داد و ~ می کرد
نایت قدم، اقر ۵۸:۱۵ ~ و استوار بوده
 ابط ۱۰:۵ خدا شما را ~ خواهد ساخت
نیت قانونی، فی ۷:۱ ~ بشارت
نوروت، مت ۲۴:۶ نمی توانید غلام خدا و غلام ~
 مت ۲۲:۱۳ قدرت فریبنده ~
نوروتند، لو ۱۲:۱۴ همسایگان ~ را دعوت مکن
 اقر ۱۰:۶ اما بسیاری را ~ می سازیم
 ا تی ۹:۶ ~ شدن را هدف ساخته اند
نوروتندان، ا تی ۱۷:۶ به ~ این دنیا
نوروتندم، مک ۱۷:۲ می گوئی: ~
نمر، لو ۱۵:۸ پایدار می ماند و ~ نیز می آورد
نمره، غلا ۲۲:۵ ~ روح محبت، شادی

ج

جادوگر، اء ۶:۱۳ با ریشوع که ~ بود
جادوگری، اء ۱۹:۱۹ کسانی که پیش از آن ~ می کردند
جام، لو ۲۰:۲۲ این ~ مظهر عهد جدید است
 لو ۴۲:۲۲ اگر خواست توست، این ~ را از من
 اقر ۲۵:۱۱ او پس از شام، ~ را نیز گرفت
جامی، مت ۲۲:۲۰ آیا می توانید از ~ بنوشید که
جان، مت ۳۷:۲۲ خدا را با ~ خود دوست بدار
 لو ۲۴:۹ هر که بخواد ~ خود را نجات بخشد
 اء ۲۴:۲۰ با این حال، ~ خود را پراهمیت

چشم انتظار، لو ۱۵:۳ مردم ~ آمدن مسیح بودند
چشم، مٔ ۲۲:۶ اگر ~ متمرکز باشد، تمام وجود
چشمی، اقر ۹:۲ آنچه ~ ندیده، گویی نشنیده
چشیده اید، ابط ۳:۲ ~ که سترور، مهربان
چگونه، بظ ۱۱:۳ ~ مردمانی باید باشید
چیزی نباشد، غلا ۳:۶ خود را کسی بداند، در حالی که ~

ح

حارمگدون، مک ۱۶:۱۶ در محلی که ~ نام دارد
حاضر، یو ۲:۱۴ می‌روم مکانی برای شما ~
حاکم، رو ۱:۱۳ از قدرت‌های ~ فرمانبرداری
حرمت، رو ۱۰:۱۲ ~ گذاشتن به یکدیگر پیشقدم
 اتس ۱۳:۵ به خاطر زحماتشان به ایشان ~ نهید
حرمته، ایت ۱۷:۵ دوچندان مستحق ~
حرمت یافتن، بظ ۲:۱۰ سخنان اهانت‌آمیز به ~
حساب، رو ۱۳:۱۴ هر یک از ما ~ خود را
حسادت، اقر ۴:۱۳ محبت ~ نمی‌ورزد
حصاری، لو ۱۹:۴۳ ~ با چوب‌های نوک‌تیز
حضور، مٔ ۳:۲۴ نشانه ~ تو
 مٔ ۳۷:۲۴ ~ پسر انسان مانند روزگار نوح
حقیقت، یو ۳:۲۸ ~ را خواهید شناخت
 یو ۶:۱۴ راه و ~ و حیات هستم
 یو ۱۷:۱۷ کلام تو ~ است
 یو ۳۸:۱۸ پیلانوس گفت: ~ چیست؟
 اقر ۸:۱۳ نمی‌توانیم عملی ضد ~
 ۳ یو ۴ فرزنداند در ~ گام
حقیقتی، ابط ۱۲:۱ استوارید در ~ که
حقیقی، یو ۳:۱۷ تنها خدای ~ را بشناسند
حکم، مٔ ۴۰:۲۲ کل شریعت بر پایهٔ این دو ~ است
 مر ۲۸:۱۲ مهم‌ترین ~ کدام است؟
 اقر ۹:۱ احساس می‌کردیم که ~ مرگمان
حکمت، مٔ ۱۹:۱۱ ~ از اعمال آن ثابت می‌شود
 رو ۳۳:۱۱ دولت و ~ خدا چه ژرف
 اقر ۵:۲ ایمان شما نه بر ~ بشری
 اقر ۶:۲ نه از ~ فرمانروایان
 اقر ۱۹:۳ ~ این دنیا نزد خدا جهالت
 کو ۳:۲ در او همه گنج‌های ~
 یه ۵:۱ اگر کسی محتاج ~ است
حکمتی، لو ۱۵:۲۱ ~ که مخالفان تان یاری مقابله
 یه ۱۷:۳ ~ که از بالاس، نخست
حکمران، یو ۳۱:۱۲ اکنون ~ این دنیا بیرون افکنده
 یو ۳۰:۱۴ ~ این دنیا می‌آید
حکمرانان، تی ۱:۳ از ~ اطاعت کنند و آمادهٔ هر کار
حکمی، مر ۳۱:۱۲ ~ بزرگ‌تر از این‌ها نیست
 یو ۳۴:۱۳ ~ تازه می‌دهم: به یکدیگر محبت
حکومت‌های، مٔ ۸:۴ ایلوس تمام ~ دنیا را نشان داد
حکیم، اقر ۲۶:۱ افراد زیادی از دید انسان‌ها ~
حَنّا، لو ۲۷:۳۶ بی‌های بود به نام ~، ۸۴ ساله
حَنانیا، اع ۱:۵ ~ به همراه همسرش سقیر

جان و دل، اف ۶:۶ خواست خدا را با ~
 کو ۲۳:۲ هر چه می‌کنید، با ~
جایز، اقر ۱۲:۶ همه چیز ~ است، ولی مفید نیست
جایزه، اقر ۲۴:۹ تنها یک نفر ~ را می‌برد
 کو ۱۸:۲ مگذارید کسی شما را از ~ محروم
جای نمی‌گیرد، یو ۳۷:۸ کلام من در دل شما ~
جبرائیل، لو ۱۹:۱ من ~ هستم که در حضور خدا
جدا، مٔ ۳۲:۲۵ قوم‌ها را از یکدیگر ~ خواهد کرد
 رو ۳۹:۸ ما را از محبت خدا ~ سازد
 اقر ۱۰:۷ زن نباید از شوهر خود ~ شود
جدا شود، اقر ۱۵:۷ اگر شخص بی‌ایمان تصمیم بگیرد ~
جدایی، مٔ ۳۵:۱۰ آمده‌ام ~ ایجاد کنم
 رو ۱۷:۱۶ مراقب کسانی که سبب ~ می‌شوند
جدید، مک ۱:۲۱ آسمانی ~ و زمینی ~
جدام، لو ۱۲:۵ مردی که ~ تمام بدنش را گرفته بود
جزئی، اقر ۹:۱۳ شناخت ما ~ است
جستجو، اع ۳۷:۱۷ تا مردم خدا را ~ کنند
جستجوی، یو ۸:۱۵ آیا از ~ دقیق‌بازمی‌ایستد؟
جسم، اقر ۵:۱۵ ~ و خون نمی‌تواند وارث پادشاهی
جعلی، بظ ۳:۲ با سخنان ~ بهره‌کشی خواهند کرد
جلال، رو ۲۳:۳ نمی‌توانند ~ خدا را کامل منعکس
 اقر ۳۱:۱۰ همه را برای ~ خدا بکنید
 مک ۱۱:۴ ای یهوه ~ شایستهٔ توست
جلالی، رو ۱۸:۸ در مقایسه با ~ که در ما آشکار
جلیخانه، یو ۱۷:۱۹ به مکانی که به عبری ~
جلسات، عب ۲۵:۱۰ از گرد آمدن در ~ کوتاهی نکنیم
جماعت، مٔ ۱۸:۱۶ بر این صخره، ~ خود را بنا
 اع ۲۸:۲۰ ~ خدا را شبانی کنید
جماعتی، رو ۵:۱۶ به ~ که در خانهٔ آنان است
جمع هم‌ایمانان، ابط ۱۷:۲ ~ به محبت کنید
جنگ، اقر ۸:۱۴ چه کسی برای ~ آماده خواهد شد؟
 اف ۱۲:۶ ~ ما علیه خون و جسم نیست
 مک ۱۴:۱۶ ~ آن روز عظیم خدا
جنگی، مک ۷:۱۲ در آسمان ~ درگرفت
جوانی‌ات، ایت ۱۲:۴ به دلیل ~ تحقیر کند
جهالت، اقر ۱۹:۳ حکمت این دنیا در نظر خدا ~ است

چ

چاپلوسی، یه ۱۶ برای منافع خود ~ می‌کنند
چارچوب، رو ۲۰:۲ ~ حقیقت
چاه، مٔ ۱۴:۱۵ گوری راهنمای کوری دیگر، در ~
چاه بی‌انتها، مک ۷:۱۱ آن وحش که از ~ بیرون
 مک ۸:۱۷ به‌زودی از ~ بالا می‌آید
 مک ۳:۲۰ او را در ~ انداخت
چراغ، مٔ ۲۲:۶ ~ چشم، ~ بدن است
چراغ‌های، مٔ ۱:۲۵ ده باکره که ~ خود را برداشته
چشم، مٔ ۳۸:۵ به عوض ~ و دندان
 اقر ۲۱:۱۲ ~ به دست بگوید: به تو نیاز ندارم
 اقر ۵۲:۱۵ در یک ~ به هم زند

حیات، یو ۵:۲۶ پدری که در خود ~ دارد، به پسر یو ۱۱:۲۵ من رستخیز و ~ هستم
حیات جاودان، اف ۱۳:۴۸ کسانی که دلی پذیرا برای ~ داشتند رو ۲۲:۲۲ هدیه‌ای که خدا می‌دهد، ~ است

خ

خادمان، اق ۲:۴۶ شایستگی خود را به عنوان ~ خدا
خادمان جماعت، ات ۸:۳ ~ نیز باید جدی باشند
خار، مر ۱۵:۱۷ تاجی از ~ به بافتند
خاری، اق ۲:۷ ~ در جسم من
خاک، مت ۲۳:۱۳ در ~ خوب افتاد
خالی، فی ۷:۲ خود را ~ ساخت و به شکل غلام
خانواده، اف ۱۹:۲ عضو ~ خدا هستید
خانواده‌ای، اف ۱۵:۳ هر ~ نام خود را مدیون اوست
خانه، لو ۴۹:۲ من باید در ~ پدرم باشم
یو ۱۶:۲ ~ پدر مرا محل کسب مسازید
یو ۲:۱۴ در ~ پدر من مسکن بسیار است
اے ۴۲:۵ همچنین ~ به ~ تعلیم می‌دادند
اے ۲۰:۲ در جمع و چه ~ به ~ تعلیم دادم
خانه‌ای، اق ۲:۱۵ ~ که در آسمان‌ها جاودان است
عب ۴:۳ هر ~ به دست کسی ساخته می‌شود
خانه سازی، لو ۲۸:۱۷ مشغول کشت و کار و ~
خانه‌هایی، اے ۴۸:۷ آن متعال در ~ که ساخته می‌شود
خبر خوش، مت ۱۴:۲۴ این ~ پادشاهی، موعظه
خفته، رو ۲۹:۲ ~ او قلبی است و از طریق روح
اق ۱۹:۷ نه ~ شدن اهمیتی دارد و نه
خجل، ات ۸:۱ نه از شهادت دادن ~ باش
عب ۱۱:۱۶ خدا از آنان ~ نیست
خدا، یو ۱۸:۱ هیچ انسانی هرگز ~ را ندیده است
اف ۶:۴ یک ~ که پدر همه است
۱ یو ۸:۴ ~ محبت است
خداوند متعال، اے ۲۴:۴، تو آفریدگاری
خدای، مت ۲۷:۴۶ ~ من، چرا مرا ترک کرده‌ای
یو ۲:۱۷ تو را تنها ~ حقیقی هستی بشناسند
یو ۱۷:۲۰ من ~ نزد ~ خود و ~ شما بالا می‌روم
اق ۴:۸ جز ~ واحد، خدایی دیگر نیست
اق ۲:۴ ~ این نظام حاضر ذهنشان را کور
خدمت، مت ۲۸:۲۰ پسر انسان آمد تا ~ کند
رو ۱۳:۱۱ ~ به خود بسیار افتخار می‌کنم
اق ۲:۴ ما این ~ را از طریق رحمتی
اق ۳:۶ میداد ایزدی از ~ ما گرفته شود
ات ۱:۱۲ ما سپردن این ~، مرا مورد اعتماد
ات ۵:۴ ~ خود را به طور کامل انجام ده
۱ پط ۱۰:۴ با عطیه‌ای که یافته‌اید ~ کنید
خدمتگزاران، اق ۳:۶ صلاحیت بخشیده تا ~ باشیم
خدمتگزاران، مر ۱۰:۴۳ بزرگ گردد، باید ~ باشد
خدمتی، اے ۲۴:۲۰ دوره خدمت خود، همچنین ~ را که
خدمتی مقدس، رو ۱۱:۱۲ یعنی ~ همراه با قدرت استدلال
خراب، رو ۲۰:۱۴ کار خدا را برای غذا ~ ساز

خراچگیر، مت ۱۷:۱۸ برای تو همچون ~ باشد
لو ۱۱:۱۸ ~ شکر که مثل این ~
خردلی، لو ۱۹:۱۳ مانند دانه ~ است که
خردمندان، مت ۱۱:۲۵ از ~ مخفی داشته‌ای
اف ۵:۱۵ رفتارشان همچون ~ باشد
خروس، مت ۲۶:۳۴ قبل از بانگ ~
خریده، اق ۲۳:۷ شما به بهایی ~ شده‌اید
خردی، مک ۵:۹ با خون خود افرادی را ~
خسته، غلا ۹:۶ درو خواهیم کرد، اگر ~
عب ۳:۱۲ ~ و دلسرد نشوید
خشمناک، اف ۴:۲۶ تا غروب خورشید ادامه نیابد
خشمگین، اق ۵:۱۳ محبت به‌راحتی ~ نمی‌شود
اف ۴:۶ فرزندان خود را ~ مسازید
خشنود، اے ۲۹:۸ آنچه او را ~ می‌سازد، می‌کنم
اق ۳۳:۷ چگونه همسر خود را ~ سازد
اق ۳۳:۱۰ ~ گوشم همه را در هر چیز ~
کو ۱۰:۱ ~ نهوّه را کاملاً ~ سازید
خشنودم، لو ۲۲:۳ تو پسر من هستی: از تو ~
خشنودی، رو ۱:۱۵ به دنبال ~ خود نباشیم
رو ۳:۱۵ مسیح نیز به دنبال ~ خود
خصوصیاتی، فی ۲۰:۲ شخص دیگری با چنین ~ ندارم
خطا کاران، لو ۳۷:۲۲ او از ~ شمرده شد
خطر، رو ۴:۱۶ جان خود را به ~ انداختند
اق ۲:۲۶ در سفرهای بسیار خود در ~ بودم
خفه، مر ۱۹:۴ کلام را ~ می‌کند و آن را بی‌ثمر
خلق و خویی ملایم، مت ۵:۵ کسانی که ~ دارند، زمین را
خمیرمایه، اق ۶:۵ کمی ~ تمام خمیر را ورمی‌آورد
خمیرمایه‌ای، مت ۱۳:۱۳ پادشاهی آسمان‌ها مانند ~ است
خواب، رو ۱۱:۱۳ ساعت رسیده که از ~ بیدار
۱ تس ۶:۵ همچون دیگران در ~ نباشیم
خواجه، مت ۱۲:۱۹ بعضی ~ متولد شده‌اند
خواجه سرائی، اے ۲۷:۸ او در راه به ~ حبشی برخورد
خواست، مت ۱۰:۶ ~ تو بر زمین نیز انجام شود
مت ۲۱:۷ تنها آن کس که ~ پدر مرا
لو ۴۲:۲۲ ~ تو انجام شود، نه ~ من
یو ۲۸:۶ نیامده‌ام تا به ~ خود
اے ۱۴:۲۱ ~ نهوّه انجام شود
رو ۱۱:۹ برگزیدن شخص بر طبق ~ خدا
رو ۲:۱۲ ~ نیکو، پسندیده و کامل
۱ تس ۳:۴ ~ خدا این که مقدس
۱ یو ۱۷:۲ کسی که ~ خدا را به جا می‌آورد
۱ یو ۱۴:۵ هر چه مطابق ~ او بطلبیم
خواهش‌های، رو ۱۸:۱۶ برده ~ خود هستند
خودبسنی، فی ۳:۲ هیچ کاری را از روی ~ مکنید
خودسر، ۲ پط ۱۰:۲ آنان چنان گستاخ و ~ هستند
خوراک، مت ۴۵:۲۴ به‌موقع ~ آنان را بدهد؟
یو ۳۴:۴ ~ من این است که خواست او را
یو ۱۷:۲۱ گفت: به گوسفندان کوچکم ~ بده

دربیی، کو ۱:۳ پیوسته ~ آنچه باشید که در بالاست
درخت، مک ۷:۲ ~ حیات بخورد
درختان، مک ۱۴:۲۲ حق رفتن نزد ~ حیات
درخت انجیر، مت ۱۹:۲۱ ~ فوراً خشک شد
 مر ۲۸:۱۳ ~ تا نمونه بگیرد و درسی
دره، رو ۲۲:۸ تمام آفرینش با هم ~ می‌کشند
دردمند، اقر ۱۲:۲۶ اگر عضوی ~ شود
دردی، رو ۲:۹ در دلم ~ بی‌وقفه دارم
درستکاران، ابط ۱۲:۳ چشمان یثوه بر ~
 ابط ۱۸:۴ اگر ~ به دشواری نجات می‌یابند
درس‌نخوانده، اع ۱۳:۴ مردانی ~ و عامی
در فکر، رو ۱۴:۱۳ از پیش، ~ امیال نفسانی
درها، یو ۱۹:۲۰ ~ را قفل کرده بودند، عیسی ظاهر
درهمی، لو ۱۵:۱۵ ده سکه یک ~ داشته باشد
درو، اقر ۶:۹ اندک بکار، اندک ~
 غلا ۷:۶ هر چه بکار، همان را ~
 غلا ۹:۶ ~ خواهیم کرد، اگر خسته
دروغ، مت ۵۹:۲۶ سنهدرین در پی شهادت‌های ~
 کو ۹:۳ یکدیگر ~ مگویند
 تس ۱۱:۲ تا ~ را باور کنند
 تیر ۲:۱ خدا که غیرممکن است ~ بگویند
دروغگو، یو ۴:۸ زیرا ابلیس ~ و پدر دروغ است
درهٔ هنوم، مت ۲۸:۱۰ هم بدن و هم جان شما را در ~
دری، اقر ۹:۱۶ ~ بزرگ برای خدمت‌گشوده
دریاچه، مک ۲۰:۱۹ ~ آتش و گوگرد سوزان افکنده شدند
دریغ، اقر ۱۵:۱۲ جانم را ~ نخواهم کرد
دزد، مت ۲۰:۶ ~ از آسمان، جایی که ~ نمی‌تواند
 مت ۴۳:۲۴ اگر می‌دانست ~ در چه پاسی
دزدان، اقر ۱۰:۶ ~ پادشاهی خدا را
دزدی، اف ۲۸:۴ آن که ~ می‌کند، دیگر ~ نکند
 تس ۲:۵ روز یثوه همچون ~
دژمانند، اقر ۴:۱۰ تا آنچه را ~ است، فرو ریزد
دست، مت ۳:۶ ~ چپ تو از آنچه ~ راست می‌کند
دستخوش، اف ۱۴:۴ همچون کودکان، ~ امواج
دست‌نمی‌کشیم، اقر ۱:۴ این خدمت را داریم، از آن ~
 اقر ۱۶:۴ از خدمت ~
دشمنان، مت ۴۴:۵ ~ خود را محبت نمایند
 مت ۳۶:۱ ~ شخص، اعضای خانوادهٔ او
دشمنه، رو ۲۰:۱۲ اگر ~ گرسنه است، به او خوراک بده
دعا، مت ۴۴:۵ برای آزاردهندگان، ~ کنید
 مت ۹:۶ شما این طور ~ کنید
 مر ۳۵:۱ بامدادان عیسی رفت و به ~
 مر ۲۴:۱۱ برای هر چه که ~ می‌کنید، ایمان
 لو ۱۶:۵ به مکان‌های دورافتاده تا ~
 اع ۵:۱۲ پطرس در زندان، جماعت ~
 رو ۲۶:۸ نمی‌دانیم برای چه چیز باید ~
 رو ۱۲:۱۲ در ~ پشتکار داشته باشید

خوراکی، یو ۲۷:۶ برای ~ که از بین می‌رود، کارمکنید
خورشید، مت ۲۹:۲۴ بلافاصله، ~ تاریک
 اع ۲۰:۲ ~ به تاریکی مبدل
خوشا به حال، مت ۳:۵ ~ کسی که به نیاز روحانی
خوشایند، رو ۱۸:۱۶ با سخنانی ~
خوک، ابط ۲۲:۲ ~ به غلتیدن در گل
خوکبانی، لو ۱۵:۱۵ در مزرعه‌اش ~ کند
خوک‌ها، لو ۲۳:۸ دیوها به ~ وارد
خون، مت ۲۸:۲۶ این مظهر ~ من برای آن عهدی
 مت ۲۵:۲۷ ~ او به گردن ما و فرزندان ما
 اع ۲۹:۱۵ از ~، خود را دور نگاه دارید
 اع ۲۶:۲۰ من از ~ همگان بری هستم
 اع ۲۸:۲۰ با ~ پسر خود خریده است
 اف ۷:۱ بهای رهایی را با ~ پسرش پرداخت
 ابط ۱۹:۱ یعنی با ~ مسیح
 ایو ۷:۱ ~ عیسی، ما را از گناه پاک
 مک ۲۴:۱۸ ~ مقدسان به گردن این شهر بود
خون‌ریزی، مت ۲۰:۹ سال از ~ رنج می‌برد
خویشان، اع ۲۴:۱۰ گزنلیوس ~ خود را گرد هم
خویشنداری، غلا ۲۳:۲۵ ثمرهٔ روح ~ است
خویشنداری‌تان، اقر ۵:۷ به سبب عدم ~ گرفتار وسوسه‌ها
خیانت، مت ۲۱:۲۶ یکی از شما به من ~ خواهد
خیمه، مک ۳:۲۱ ~ خدا با انسان هاست
خیمه‌ای، اقر ۹:۱۲ قدرت مسیح همچون ~
خیمه‌دوری، مک ۳:۱۸ پیشه‌اش ~ بود

د

داه، لو ۷:۱۸ آیا خدا به ~ برگزیدگان خود
دادن، مت ۳۵:۲۰ ~ از گرفتن شادی‌بخش‌تر است
داده شود، لو ۴۸:۱۲ به هر که بیشتر ~، از او بیشتر
دار، غلا ۱۳:۳ هر که بر ~ آویخته، ملعون
دارایی، لو ۳۳:۱۴ از همهٔ ~ خود دست بشوید
 عب ۳۴:۱۰ از ~ برتر و ماندگار برخوردارید
دامی، لو ۳۵:۳۴:۲۱ آن روز همچون ~ ناگهان
دانه، مت ۲۴:۴۵ آن غلام امین و ~ کیست
داوری، لو ۳۰:۲۲ ۱۲ طایفهٔ اسرائیل ~ کنید
 یو ۲۲:۵ پدر ~ را به پسر سپرده است
 اع ۳۱:۱۷ برای ~ روزی را تعیین نموده است
 اقر ۲:۶ مقدسان، دنیا را ~ خواهند کرد؟
 ابط ۱۷:۴ تا ~ از خانهٔ خدا آغاز شود
داود، لو ۳۲:۱ تخت جددش ~
 اع ۳۴:۲ ~ به آسمان بالا نرفت
دخالت در امور دیگران، ابط ۱۵:۴ به متحمل رنج
دختر، مت ۴۲:۵ آن ~ برخاست و شروع به راه
 اع ۹:۲۱ او چهار ~ مجرد داشت که نبوت
دختران، اقر ۱۸:۶ برای من پسران و ~ خواهید بود
دخترت، لو ۴۹:۸ ~ مرد! دیگر به استاد زحمت مده
دو، مت ۱۳:۷ از ~ تنگ داخل شوید
 مک ۲۰:۲ من پشت ~ ایستاده‌ام و در را می‌کوبم

دوره، اء ۲۴:۲۰ بتوانم ~ خدمت خود را به پایان
دوست، مت ۳۷:۱۰ بیش از من ~ داشته باشد
 مت ۳۷:۲۲ یهوه خدای خود را ~ بدار
 لو ۹:۱۶ با مال این دنیا، برای خود ~ بیابید
 یو ۲۵:۱۲ کسی که جان خود را ~ بدارد، آن را
 یو ۱۵:۱۴ اگر مرا ~ داشته باشید، احکام مرا
 یو ۱۷:۲۱ شمعون، آیا مرا ~ داری؟
 رو ۲۲:۷ قانون خدا را بسیار ~ می‌دارم
 غلا ۲:۲ پسر خدا چون مرا ~ داشت
 یع ۲۳:۲ آبراهیم ~ یهوه خوانده شد
 یع ۴:۴ ~ دنیا، دشمن خداست
 ا یو ۱۵:۲ دنیا و آنچه را در دنیاست ~ مدارید
 ا یو ۲۰:۴ هر که برادر خود ~ نداشته
 مک ۱۹:۳ کسانی را که ~ می‌دارم، تأدیپ
دوستان، یو ۱۴:۱۵ ~ منید اگر آنچه حکم می‌کنم
دوستانش، یو ۱۳:۱۵ جان خود را برای ~ بدهد
دهان، یع ۱۰:۳ ~ یک ~، هم برکت و هم لعنت
دیدار، اء ۳۶:۱۵ تا از برادران ~ کنیم
دیدگاه‌های، رو ۱:۱۴ اما از ~ متفاوت ایراد مگیرید
دید، اء ۹:۱۴ هر که مرا ~ است، پدر را نیز ~
دینار، لو ۴۱:۷ یکی ۵۰۰ ~ بدهی داشت
دینی، رو ۸:۱۳ ~ هج ~ جز محبت به یکدیگر
دیوزده، مت ۲۸:۸ دو مرد ~ از قبرستان بیرون آمدند
دیوها، اقر ۲۰:۱۰ نمی‌خواهم که شما با ~ شریک شوید
 اقر ۲۱:۱۰ نمی‌توانید از سفره ~ بخورید
 یع ۱۹:۲ ~ هم ایمان دارند و از ترس می‌لرزند
ذ
ذهن، مت ۳۷:۲۲ خدای خود را با تمامی ~ خود
 رو ۲۵:۷ با ~ خود قانون خدا را بندگی می‌کنم
ز
راز مقدس، رو ۲۵:۱۶ ~ است که مخفی نگاه داشته شده بود
 اف ۴:۳ ~ مسیح را درک کرده‌ام
راست، اف ۲۵:۴ با همسایه خود ~ بگوید
راستی، رو ۲۴:۴ در روح و ~ بپرستند
 یو ۱۳:۱۶ روح ~ شما را راهنمایی
راه، مت ۴:۱۳ بعضی درکنار ~ افتاد
 یو ۱۹:۶ دیدند که روی آب ~ می‌رود
 یو ۶:۱۴ ~ من و ~ حقیقت و حیات هستم
راه گریزی، اقر ۱۳:۱۰ ~ نیز مهیا خواهد ساخت
راهی، مت ۱۴:۷ باریک است آن ~ که به حیات
رایگان، اقر ۱۸:۹ بشارت را به طور ~ به دیگران
رای، لو ۵۱:۲۳ با ~ خود، از نقشه و عمل
رحمت، مت ۱۳:۹ ~ می‌خواهم، نه قربانی
 یع ۱۳:۲ ~ واقع ~ بر داوری پیروز می‌گردد
 ا یو ۱۷:۳ ~ خود را از او دریغ کند
رحمت‌ها، اقر ۳:۱ پدر ~
رحیم، لو ۳۶:۶ همواره ~ باشید
 یع ۱۱:۵ یهوه بسیار مهربان و ~ است

۱ تس ۱۷:۵ پیوسته ~ کنید
 ۲ تس ۱:۳ برای ما ~ کنید تا کلام یهوه
دعاهای، ابط ۷:۳ میداد ~ شما بازداشته شود
 مک ۴:۸ دود بخور همراه با ~ مقدسان
دعای، یع ۱۶:۵ ~ شخص درستکار
دعایی، یع ۱۵:۵ ~ از روی ایمان، بیمار را شفا
دعوت‌شدگان، مت ۱۴:۲۲ اما برگزیدگان کم
دعوتی، اف ۱:۴ رفتار تان شایسته آن ~ باشد
دغدغه خاطر، اقر ۲۵:۷ به سترور بدون ~ خدمت کنید
 ۲:۱۲ ذهن خود ~ شوید
دفاع، فی ۷:۱ ~ از فعالیت بشارت و به ثبت
دفتر، مک ۱۵:۲ هر که در ~ حیات یافت نشد
دفترهایی، مک ۱۲:۲۰ ایستاده بودند و ~ باز شد
دگرگون، مت ۲:۱۷ در مقابل آنان ~ شد
 رو ۱۲:۱۲ ذهن خود ~ شوید
دل، مت ۱۹:۱۵ ~ قتل و درزی برمی‌خیزد
 مت ۳۷:۲۲ یهوه را با تمامی ~ دوست بدار
 لو ۳۲:۲۴ ~ ما شدیداً تحت تأثیر قرار نگرفت
 اء ۱۴:۱۶ ~ او را گشود تا سخنان پولس را
 رو ۱۷:۶ ~ مطیع آن تعلیم گشتید
 ا یو ۲۰:۳ خدا از ~ ما بزرگ‌تر است
دلتان، لو ۲۴:۱۲ هر جا گنج شماس، ~ نیز آنجا
دلستر، کو ۲۱:۳ میداد ~ شوند
دلش، عب ۱۲:۳ ~ بی ایمان و شریگرد
دلش سوخت، مت ۳۴:۲۰ ~ چشمان آنان را لمس
دلش می‌سوخت، مت ۳۶:۹ مردم را می‌دید، ~
دلگرم‌کننده، اء ۱۵:۱۳ اگر سخنی ~ برای جمع دارید
دلگرمی، رو ۴:۱۵ نوشته‌های مقدس به ما ~ می‌دهد
 اقر ۴:۱ ما نیز بتوانیم به دیگران ~ دهیم
 کو ۱۶:۴ پیوسته یکدیگر را ~ دهید
دلگرمی‌ها، اقر ۳:۱ خدای همه گونه ~
دل‌های، لو ۳۴:۲۱ میداد ~ شما را گرفتار سازد
دلی پاک، مت ۸:۵ خوشا آنان که ~ دارند
دلبال، مت ۲۰:۴ رها کردند و به ~ او رفتند
 یو ۲۷:۱۰ گوش می‌دهند و به ~ من می‌آیند
 مک ۴:۱۴ هر جا بزه برود، او را ~ می‌کنند
دنیا، لو ۲۵:۹ اگر ~ را به دست آورد، اما
 یو ۱۹:۱۵ از ~ برگزیده‌ام، ~ از شما نفرت
 یو ۱۶:۱۷ آنان به ~ تعلقی ندارند
 ا یو ۱۵:۲ ~ را دوست مدارید و آنچه را
 ا یو ۱۷:۲ ~ و خواسته‌های آن گذراست
ده‌ها هزار، مک ۱۱:۵ شمار آنان ~ در ~ بود
دوبه‌دو، لو ۱:۱۰ هفتاد نفر را: آنان را ~ فرستاد
دودل، یع ۸:۱ شخصی ~ است
دوره، اء ۲۷:۱۷ او از هیچ یک از ما ~ نیست
دوران معین، لو ۲۴:۲۱ ~ ملت‌ها
دور شویم، عب ۱:۲ به تدریج از راه ایمان ~
دورگاس، اء ۳۶:۹ به نام طابیتا، به یونانی ~

رحیمان، مټ ۷:۵ خوشا به حال ~

رخنه، يه ۴ افردی ميانتان ~ کرده اند

روزم، اف ۱۱:۶ لباس کامل ~ را بر تن کنيد

روستاخيزه، مټ ۲۳:۲۲ صندوقيان که منکر ~ هستند

مټ ۳۰:۲۲ هنگام ~ نه ازدواج می کنند

يو ۳۹:۶ آنان را ~ بخشم

يو ۲۴:۱۱ هنگام ~، برخواهد خاست

يو ۲۵:۱۱ من ~ و حیات هستم

اع ۲۴:۲ اما خدا او را ~ داد

اقر ۱۳:۱۵ اگر مردگان ~ نمی یابند

روستاخيزش، يو ۲۹:۵ ~ به حیات می انجامد

روستاخيزی، اع ۱۵:۲۴ ~ برای درستکاران و

رسول، مټ ۲:۱۰ نام آن ۱۲ ~ چنین است

رسولان، اع ۶:۱۵ ~ و پیران آمدند تا مسئله را

اقر ۹:۱۵ من از همه ~ کوچک تر هستم

اقر ۵:۱۱ ~ عالی مقام شما

روشته، اف ۳:۴ به یاری ~ صلح که متحد می سازد

روضایت، يو ۴۳:۱۲ ~ مردم را تا ~ خدا را

غلا ۱۰:۱ آيا ~ انسان ها را جلب

روغبت، في ۱۳:۲ هم ~ و هم قدرت عمل را به شما

رفتار، غلا ۱۶:۶ مطابق این قاعده ~ می کنند

في ۲۷:۱ چنان ~ کنید که شایسته بشارت

ايط ۱:۳ بدون سخن، به خاطر ~ شما

ايط ۱۶:۳ به خاطر ~ نیکوی شما شرمسار

رفتار بی شرمانه، غلا ۱۹:۵ اعمال نامشروع، ~

۲ ايط ۷:۲ لوط از ~ به ستوه آمده

رفتار نازان، ايط ۱۲:۲ ~ در میان بی ایمانان نیکو باشد

رفاقیت، غلا ۲۶:۵ یکدیگر را به ~ تحریک نکنیم

رمز، في ۱۲:۴ ~ قناعت را در سیری و چه

رنج، في ۲۹:۱ افتخار که برای او ~ بکشید

عب ۱۰:۲ پیشوای نجاتشان ~ کشد

ايط ۱۴:۳ به خاطر درستکاری ~

رنج های، رو ۱۸:۸ ~ که می کشیم، هیچ است

رنجیده خاطر، کو ۲۱:۳ فرزندان خود را ~ مکنید

روبان ها، مټ ۲۰:۸ ~ لانه دارند، اما پسر انسان

روح، مټ ۱۶:۳ ~ خدا مانند کیبوتری

مټ ۴۱:۲۶ ~ مشتاق اما جسم ناتوان

لو ۴۶:۲۳ ~ خود را به تو می سپارم

يو ۲۴:۴ خدا ~ است: در ~ و راستی

يو ۱۳:۱۶ یعنی ~ راستی بیاید

رو ۱۶:۸ ~ خدا همراه با ~ ما

رو ۲۶:۸ ~ برای ما شفاعت می کند

اقر ۱۷:۳ یهوه ~ است

غلا ۱۶:۵ هماهنگ با ~ گام

غلا ۲۲:۵ ثمره ~ محبت است

غلا ۸:۶ آن که برای ~ می کارد

ايط ۱۸:۳ اما در ~ زنده گشت

روح القدس، مټ ۳۱:۱۲ کفرگویی به ~

لو ۳۵:۱ ~ بر تو خواهد آمد

لو ۲۲:۳ ~ به صورت کیبوتری

لو ۱۳:۱۱ از پدر بخواهد، ~ را خواهد داد

يو ۲۶:۱۴ ~ همه چیز را خواهد آموخت

اع ۸:۱ وقتي ~ بر شما آید، قدرت

اع ۴:۲ همگی از ~ پر شدند

اع ۳۲:۵ ~ را به کسانی داده است که اطاعت

اف ۳۰:۴ ~ خدا را غمگین مسازید

روحانی، مټ ۳:۵ ~ به نیاز ~ خود آگاهند

رو ۱۱:۱ عطیه ای ~ به شما

اقر ۱۵:۲ انسان ~ محک می زند

اقر ۴۴:۱۵ برمی خیزد، بدنی ~

رودخانه، مک ۱۶:۱۲ زمین آن ~ را بلعید

رودخانه ای، مک ۱:۲۲ ~ از آب حیات

روز، مټ ۲۴:۲۴ از آن ~ و ساعت هیچ کس اطلاع

۲ ايط ۸:۳ یک ~ نزد یهوه همچون هزار سال

روزه، لو ۱۳:۱۸ دو بار در هفته ~ می گیرم

روز یهوه، اټس ۲:۵ ~ همچون دزدی خواهد آمد

۲ تس ۲:۲ ~ رسیده است

۲ ايط ۱۲:۳ برای آمدن ~ انتظار یکشید

روسی، اقر ۱۶:۶ به یک ~ بپیوندند، با او یک بدن

روغن، مټ ۴:۲۵ نادانان با چراغ هایشان ~ برداشتند

روی گرداند، اع ۱۱:۲۶ وادارشان کنم از ایمانشان ~

رهایی، ۲ ايط ۹:۲ یهوه می داند چگونه ~ بخشد

ریشه، کو ۷:۲ در او ~ بگیرید و در ایمان

ریشه ای، لو ۱۳:۸ می پذیرند، اما اینان ~ ندارند

ز

زیاله، اقر ۱۳:۴ ~ دنیا محسوب شده ایم

في ۸:۳ همه آن ها را ~ می شمارم

زبان، رو ۱۰:۱۰ اما با ~ است که اعلام می کند

يع ۲۶:۱ مہار ~ خود را محکم

يع ۸:۳ نمی تواند ~ را رام کند

مک ۹:۷ هر همت، طایفه و ~

زبان ها، اقر ۸:۱۳ تکلم به ~ از میان

اقر ۲۲:۱۴ تکلم به ~ برای بی ایمانان

زبان های، اع ۴:۲ ~ به مختلف شروع به صحبت کردند

زحمت، اف ۲۸:۴ دزدی نکند: بلکه سخت ~ کشیده

زغال های، رو ۲۰:۱۲ ~ افروخته بر سرش خواهی

زکا، لو ۲:۱۹، رئیس خراجگیران بود

زکریا، لو ۵:۱۱ خون ~ که کشته شد

زکریا، لو ۵:۱ کاهنی به نام ~

زمان، اقر ۲۹:۷ ~ باقی مانده کوتاه تر

زمان لطیف، اقر ۲:۶ اکنون ~ خدا است

زمین لرزه های، لو ۱۱:۲۱ ~ عظیم به وقوع خواهد پیوست

زنا، مټ ۲۸:۵ خود با او ~ کرده

مټ ۹:۱۹ با دیگری ازدواج کند، مرتکب ~

زناکاران، اقر ۹:۶ ~ پادشاهی خدا را به میراث
زنان، اف ۲۲:۵ ای ~ مطیع شوهران خود
 اف ۲۸: شوهران باید به ~ خود
زندگان، مت ۳۶:۲۵ در ~ بودم، به ملاقات من
 اف ۱۸:۵ رسولان را به ~ عمومی انداختند
 اع ۱۹:۵ فرشته درهای ~ را باز
 اع ۵:۱۲ پطرس در ~، جماعت دعا
 اع ۲۶:۱۶ پایه‌های ~ به لرزه درآمد
 مک ۱۰:۲ ابلیس برخی از شما را به ~
زنداند، عب ۳:۱۳ کسانی را که در ~ به یاد
زندگان، لو ۳۸:۲۰ خدای ~ است: در نظر او زنده‌اند
زندگی، مت ۲۴:۱۶ نباید برای خود ~ کند، بلکه
 اقر ۱۵:۵ برای آن کسی ~ کنند
زندگی جاودان، لو ۳۰:۱۸ بیشتر در این زمان، همچنین ~ را
 یو ۱۶:۳ نابود نگردد، بلکه ~ باید
 یو ۳:۱۷ راهی که به ~ می‌انجامد، این است
 اتی ۱۳:۶ ~ را محکم نگاه دار
زنده، اتس ۱۵:۴ زمان حضور ستور ~ خواهند بود
 عب ۱۲:۴ کلام خدا ~ و پر قدرت است
 ابط ۱۸:۳ اما در روح ~ گشت
زنی، اقر ۲:۷ بگذارد هر مرد، ~ داشته
 مک ۱:۱۲ ~ که خورشید را بر تن داشت
زود، اتس ۲:۲ قوه تشخیص خود را ~ از دست
زودگذر، اقر ۱۷:۴ هر چند مصیبت‌ها جزئی و ~ است
 عب ۲۵:۱۱ لَذَّتْ به گناه
زبان، اقر ۷:۶ چرا حاضر نیستید ~ ببینید؟
 فی ۷:۳ به خاطر مسیح ~ شمرده‌ام
زیبایی، تی ۱:۲ ~ تعالیم خدا را جلوهر سازند
 ابط ۳:۳ مگذارد ~ شما ظاهری باشد
زیتون، رو ۱۷:۱۱ شاخه ~ وحشی بودی، پیوند زده
زیربنای، لو ۴:۶ ~ آن را بر روی سنگ گذاشت
زیر پا می‌گذارند، اع ۷:۱۷ همه احکام قیصر را ~
زیرکانه، لو ۸:۱۶ ~ مباشر ~ عمل کرد
زیرکانه‌تر، لو ۸:۱۶ ~ از فرزندان نور عمل می‌کنند
زیر نظر، کو ۲۲:۳ زمانی که شما را ~ دارند
ژئوس، اع ۱۲:۱۴ زیربنا را ~ و پولس را هروس
ژ
ژرف، رو ۳۳:۱۱ به راستی حکمت و علم خدا چه ~
س
سارا، ابط ۶:۳ ~ مطیع ابراهیم، او را ستور
سازنده، اقر ۲۳:۱۰ همه چیز جایز است، اما ~ نیست
ساعت، مت ۲۴:۲۴ از آن ~ هیچ کس اطلاع ندارد
ساکت، ابط ۱۵:۲ نادانان را ~ سازید
سامره، یو ۷:۴ زنی از اهالی ~ برای کشیدن آب
سامری، لو ۳۳:۱۰ مسافری ~ دیش به حال او سوخت
سایه، کو ۱۷:۲ این‌ها ~ امور آینده است
سایه‌هایی، یو ۱۷:۱ او تغییر نمی‌کند: او همچون ~

سبت، مت ۸:۱۲ پسر انسان صاحب اختیار روز ~
 مر ۲۷:۲ ~ برای منفعت انسان به وجود آمد
 لو ۵:۱۴ اگر در روز ~ پسر در چاهی
 کو ۱۶:۲ مگذارد کسی در مورد ~ محکوم
سید، مت ۲۰:۱۴ از تکه‌های باقی‌مانده ۱۲ ~ پر شد
سیاس، اقر ۴:۱ از بابت شما ~ می‌گویم
سیاسگزارم، اتی ۱۲:۱ من از ستورمان مسیح عیسی ~
سپاهیان، مک ۱۴:۱۹ ~ آسمان به دنبال او می‌رفتند
سپر، اف ۱۶:۶ ~ بزرگ ایمان را بردارید
ستارگان، مت ۲۹:۲۴ ~ از آسمان می‌افتند
ستاره، مک ۱:۲ هفت ~ در دست راست خود
ستون، اتی ۱۵:۳ ~ و محافظ حقیقت است
ستون‌های، غلا ۹:۲ ~ جماعت بودند
سخت‌اوت، یو ۵:۱ از خدا طلب کنید با ~ عطا می‌کند
سخت‌وتمند، اتی ۱۸:۶ ~ بوده، مشتاقانه سهیم شوند
سخت، مت ۱۵:۱۳ زیرا دل این قوم ~ شده
 مت ۲۲:۱۶ ستورم، به خود ~ مگیر
 تی ۱:۳ در روزهای آخر، زمان‌هایی ~
 عب ۱۳:۳ گناه، دل شما را ~ نسازد
سخت‌گوش، رو ۱۱:۱۲ ~ باشید و نه کاهل
سخت‌گوشی، عب ۱۱:۶ همین ~ را نشان دهد
سختی، رو ۳:۵ ~ با خود پایداری
 اقر ۲۸:۷ آنان که ازدواج می‌کنند، در زندگی ~
 یو ۱۲:۱ خوشا آن که در ~ پایدار
سختی‌ها، اع ۲۲:۱۴ برای پادشاهی خدا باید ~
 رو ۱۲:۱۲ ~ در پایداری کنید
 تس ۴:۱ پایداری در تحمل همه آزارها و ~
 ابط ۹:۵ با همین ~ روبرو هستند
سختی‌های، یو ۲:۱ روبارویی با ~ گوناگون
سخت‌بدي، تی ۸:۲ نتوانند هیچ ~ در مورد ما
شدوم، ابط ۶:۲ ~ را محکوم: این نمونه
 یه ۷ ~ و غمزه: درس عبرتی
سر، اقر ۳:۱۱ ~ زن مرد است
 اقر ۱:۱۱ اگر زنی ~ خود را نمی‌پوشاند
 اف ۲۳:۵ شوهر ~ زن خویش، چنان که مسیح ~
سرافکنده، تی ۲:۱۵ کارگی که از کار خود ~ نیست
سربار، اتس ۶:۲ می‌توانستیم ~ شما باشیم
سربازی، تی ۴:۲ ~ هیچ کس به هنگام ~
سرپرست، اع ۲۸:۲۰ روح القدس، شما را ~ آن منصوب
سرپرستی، اتس ۱۲:۵ آنان که ~ را بر عهده
 تی ۱:۳ کسی تلاش کند واجد شرایط ~ شود
 ابط ۲:۵ گله خدا را با رغبت شبانی و ~ کنید
سرخوردگی، رو ۵:۵ امید به ~ نمی‌انجامد
سرزنی، اتی ۱:۵ مرد سالمند را ~ مکن
سرسختی، اع ۹:۱۹ ~ کرده، ایمان نیابورند
سرمشق، اقر ۱:۱۱ مرا ~ قرار دهید، چنان که من مسیح
 اف ۱:۵ همچون فرزندان، از خدا ~ بگیرید

ش

شاخای، یو ۴:۱۵ ~ به تنهایی نمی تواند میوه
شاد، رو ۱۲:۱۲ ~ به سبب امیدان ~ باشید
 ۲قر ۷:۹ خدا بخشنده ~ را دوست می دارد
 ۴:۴ همواره در خدمت خداوند ~ باشید
 ۱تی ۱۱:۱ بشارت پر جلال خدای ~ است
 ۳ یو ۴ ~ می سازد که بشنوم
شادمان، فی ۱:۳ همچنان در خداوند ~ باشید
شادمانند، رو ۱۵:۱۲ ~ کسانی که ~ شادی کنید
شادی، لو ۱۳:۸ فوراً با ~ کلام را می پذیرند
 لو ۷:۱۵ ~ در آسمان برای یک گناهکار
 یو ۲۲:۱۶ کسی این ~ را از شما نمی گیرد
 رو ۳:۵ در سختی ها نیز ~ کنیم
 رو ۱۲:۱۵ خدا شما را از ~ و آرامش پر سازد
شادی ای، اتس ۶:۱ ~ که روح القدس می بخشد
 عب ۲:۱۲ به خاطر ~ که پیش رو، تحمل
شادی بخش، اء ۳۵:۲۰ دادن از گرفتن ~ است
شادی کنان، اء ۴۱:۵ ~ از حضور سنجیدین بیرون رفتند
شاهر، مت ۱۹:۲۸ از مردم همه قومها ~ بسازید
 یو ۲۱:۸ در کلام من بمانید، به راستی ~ من
شاگردان، یو ۳۵:۱۳ ~ من هستید اگر به یکدیگر محبت
شالوده ای، ۱قر ۱۱:۳ ~ دیگر غیر از عیسی مسیح
شام، ۱قر ۲۰:۱۱ واقع برای خوردن ~ ضرور نیست
شاهد، مت ۱۶:۱۸ تا به گواهی دو یا سه ~
 مک ۵:۱ عیسی مسیح آن ~ امین
شاهدان، اء ۸:۱ ~ من خواهید بود
شاهدم، مک ۳:۱۱ دو ~ ۱۲۶۰ روز نبوت کنند
شایستگی، ۱قر ۴:۱۴ همه چیز به ~ انجام شود
 ۲قر ۴:۶ ~ خود را نشان می دهیم
شایسته، یو ۴۶:۱۳ خود را ~ زندگی ابدی
 رو ۱۳:۱۳ روشنایی روز، به نحوی ~ رفتار
 کو ۱۰:۱ رفتاری ~ نهوه خواهید داشت
 ۲تس ۵:۱ شما ~ پادشاهی خدا شمرده
 مک ۱۱:۴ حرمت و قدرت ~ توسست: زیرا
شب، رو ۱۲:۱۳ ~ تقریباً به پایان رسیده و
شبان، مت ۳۶:۹ همچون گوسفندان بدون ~
 یو ۱۱:۱۰ ~ من ~ نیکو هستم که جانش را می دهد
 یو ۱۴:۱۰ ~ من ~ نیکو هستم و گوسفندان
 یو ۱۶:۱۰ یک گله می شوند و یک ~
 اف ۱۱:۴ برخی را نیز به عنوان ~
شبان، اء ۲۸:۲۰ جماعت خدا را ~ کنید
 ۱بط ۲:۵ گله خدا را ~ و سرپرستی کنید
شتر، مت ۲۴:۱۹ گذشتن ~ از سوراخ سوزن آسان تر
شخصیت، اف ۲۴:۴ ~ نو را به تن کنید
 کو ۹:۳ ~ کهنه را با اعمال آن
شخړزی، لو ۶۲:۹ مشغول ~، به عقب نگاه
شدم، ۱قر ۲۲:۹ همه چیز ~ تا برخی را نجات دهم

عب ۷:۱۳ ایمان آنان را ~ قرار دهید
 یو ۱۰:۵ پیامبران را ~ قرار دهید
سر مشقی، یو ۱۵:۱۳ ~ من ~ برای شما گذاشتم
 ۱بط ۲:۲۱ مسح ~ برای شما قرار داد
سرو، اء ۲۵:۱۶ پولس و سیلاس با خواندن ~
سروهای، کو ۱۶:۳ ~ پرستش
سروهای حمد، مت ۳:۲۶ بعد از خواندن ~
سرو، مت ۲۲:۷ ~ ~ آیا به نام تو پیشگویی نکردیم
 مت ۴۴:۲۲ نهوه به ~ من گفت
 ۱قر ۳:۹۷ البته تنها با کسی که پیرو ~ باشد
سورران، ۱قر ۵:۸ خدایان و ~ بسیاری وجود دارند
 سوا، ۲تس ۶:۱ شما آزار می رسانند، ~ دهد
سزای، رو ۱۹:۱۲ انتقام از آن من است: من ~
سست، اتس ۳:۳ ایمان کسی از این مصیبت ها ~ نشود
سعی، ۲بط ۱۴:۳ تمام ~ خود را بنمایید تا بی لکه
سفر، ۱قر ۲۱:۱۰ هم از ~ نهوه
سفید، مک ۱۴:۷ در خون بزه شسته و ~
سفیران، ۲قر ۲۰:۵ ~ مسیح هستیم
سگ، ۲بط ۲۲:۲ ~ به قی خود بازگشته است
سلام، یو ۱۰ ~ به او ~ مگوئید
سلطنت، مک ۱۵:۱ همیشه ~ خواهد کرد
سلطه، ۱قر ۱۲:۶ نمی گذارم چیزی مرا تحت ~ خود
سلیمان، مت ۲۹:۶ حتی ~ با شکوهش
سن بلوغ، ۱قر ۳۶:۱ اگر از ~ نیز گذشته باشد
سنت های، غلا ۱۴:۱ در ~ پدرانم، غیورتر
سنت های بنان، مت ۲:۱۵ حکم خدا را به خاطر ~
 مر ۱۳:۷ ~ با کلام خدا را
سنگ، مت ۲۴:۲ خانه خود را بر ~ بنا کرد
سنگدلی شان، مر ۵:۳ ~ از ~ عمیقاً اندوهگین شد
سنگ زاویه، اف ۲۰:۲ عیسی ~ زیر بنای آن است
سنگ لغزش، رو ۱۳:۱۴ ~ نگذاریم
سنگ ها، لو ۴۰:۱۹ اگر ساکت: ~ فریاد می دهند
سنگی، مت ۴۲:۲۱ ~ که بنایان رد کردند
سنگین، عب ۱۱:۵ گوش شما ~ شده است
 عب ۱۴:۵ خوراک ~ برای بالغان
 عب ۱:۱۲ هر بار ~ از خود دور کنیم
سهندین، اء ۴۱:۵ شادی کنان از حضور ~ بیرون رفتند
سوء استفاده، ۱قر ۱۸:۹ از اختیارات خود ~ نکنم
سوسن ها، لو ۲۷:۱۲ به ~ نظر کنید که چطور رشد
سوزند، مت ۳۴:۵ ابدأ ~ مخورید
سونس، اء ۵۸:۷ پیش پایهای مردی جوان به نام ~
 اء ۳:۸ ~ با جماعت رفتاری خوشنیت آمیز
 اء ۱:۹ ~ که کمر به تهدید شاگردان بسته
 اء ۴:۹ ~، ~ چرا به من آزار می رسانی؟
سهم، رو ۱۳:۱۲ در رفع احتیاجات مقدسان ~ شوید
سبلی، رو ۲۱:۱۲ بر صورتش ~ می دهند
سینه پوش، اء ۱۴:۶ ~ عدالت

شراب، یو ۹:۲ آبی را که به ~ میذلت
 اتیه ۲۳:۵ برای معده خود کمی ~ بنوش
شرارت، اتس ۲۲:۵ از هرگونه ~ بهره‌میزید
شرم، اف ۴:۵ رفتار ~، بیهوده‌گویی
شرسار، رو ۱۶:۱ از بشارت دادن ~ نیستم
 ۱ پط ۱۶:۴ اگر مسیحی‌ای رنج کشد، ~ مبادشد
شرمسازان، اف ۱۴:۴ به شما نمی‌نویسم تا ~ کنم
شری، ۱ یو ۱۹:۵ دنیا زیر سلطه آن ~
شریعت، رو ۴:۱۰ زیرا ~ با مسیح به اتمام رسید
 رو ۸:۱۳ به همنوع خود محبت کند، ~ را
 غلا ۲۴:۳ ~ محافظ ما شد تا به مسیح هدایت
 غلا ۲:۶ ~ مسیح را به جا خواهید آورد
شستن، یو ۵:۱۳ به ~ پاهای شاگردان مشغول
شسته، اف ۱۱:۶ با روح خدایمان ~ شده
شرای، اف ۲۸:۱۷ برخی از ~ خود شما گفته‌اند
شفا، لو ۲۳:۴ ای طلیب، خود را ~ بده
 ۱۱:۹ نیاز به درمان داشتند، ~ داد
 لو ۹:۱۰ بیماران را ~ دهید و بگویید
 اف ۱۶:۵ و همگی ~ می‌یافتند
شفاعت، رو ۲۶:۸ روح خود با ناله‌ها برای ما ~ می‌کند
 رو ۳۴:۸ مسیح برای ما ~ می‌کند
شفا، مک ۲:۲۲ برگ‌های آن درختان برای ~ قوم‌ها
شفقت، مک ۱۲:۳، ~ مهربانی، فروتنی
شک، مت ۲۱:۲۱ اگر ایمان داشته باشید و ~ نکنید
 یه ۶:۱ با ایمان طلب نماید و هیچ ~ نکند
 یه ۲۲ به کسانی که در ~ افتاده‌اند، رحمت
شکایاتی، اف ۷:۶ وقتی برای چنین ~ به محکمه
شکایت، فیه ۱۴:۲ به دور از ~ و جزویحث
 کو ۱۳:۴ اگر دلیلی برای ~ از دیگری داشته
شکر، یو ۴۱:۱۱ تو را ~ که دعای مرا شنیدی
 ۱۵:۲۸ پولس با دیدن نشان خدا را ~
 اف ۲۰:۵ برای همه چیز ~ گویند
شکرگزار، مک ۱۵:۳ نشان دهید که ~
شکل، ۱ پط ۱۴:۱ امیال گذشته زندگی‌تان را ~ دهد
شکشان، فیه ۱۹:۳ خدای آنان ~ است
شما را ببینند، مت ۱:۶ برای این نباشد که ~
شمیر، مت ۵:۲۶ ~ کند، یا ~ کشته
 اف ۱۷:۶ ~ روح کلام خداست
 عب ۱۲:۴ از هر ~ دودم تیزتر
شمعون، اف ۱۸:۸ ~ مبلغی به آنان پیشنهاد کرد
شناخت، لو ۵۲:۱۱ زیرا کلید ~ را از مردم گرفتید
 ۱ اقر ۱:۸ ~ غرور می‌آورد، اما محبت بنا
شناخت دقیق، رو ۲:۱۰ غیرتشان بر طبق ~ نیست
 کو ۱:۰۳ شخصیت نواز ~، تازه
 اتیه ۴:۲ می‌خواهد به ~ حقیقت برسند
شناخته‌شده، ۲ اقر ۹:۶ ناشناس می‌شمارند، اما ~
شن‌های، مک ۸:۲۰ شمار آنان مانند ~ دریاست
شنیدن، یه ۱۹:۱ باید در ~ تند، درگفتن گند

شوخی‌های زشت، اف ۴:۵ بیهوده‌گویی و ~ شایسته نیست
شهر، اقر ۱۴:۷ از طریق ~ مسیحی خود تقدیس
شهران، اف ۲۵:۵ ~، پیوسته به زنان خود محبت کنید
 کو ۱۸:۳ ای زنان مطیع ~ خود باشید
شهری، اقر ۲:۷ هر زن، ~ برای خود داشته باشد
شهادت، یو ۷:۷ دنیا نفرت دارد: زیرا ~ می‌دهم
 یو ۳۷:۱۸ تا به حقیقت ~ دهم
شهادتی، مت ۱۴:۲۴ موعظه تا برای قوم‌ها ~
 اع ۴۲:۱۰ موعظه کنیم و ~ کامل
 اع ۲۳:۲۸ کلام در مورد پادشاهی
شهادت، اع ۳۱:۴ کلام را با ~ بیان می‌کردند
 اف ۲۰:۶ دعا کنید تا با ~ سخن بگویم
 فیه ۱۴:۱ ~ یابند تا کلام خدا را اعلام کنند
 ۱ تس ۲:۲ به کمک خدای خود ~ یافتم
شهرهای، لو ۴۳:۴ در ~ دیگر نیز باید بشارت را
شهری، عب ۱۰:۱۱ در انتظار ~ با بنیاد حقیقی بود
شهوات، رو ۲۶:۱ ~ به عنان‌گسیخته‌شان
 ۱ تس ۵:۴ در پی ارضای ~ عنان‌گسیخته خود
شهوت، مک ۵:۳ زمینی است، ~ عنان‌گسیخته
شهوتی، رو ۲۷:۱ مردان در آتش ~ که داشتند سوختند
شیر، عب ۱۲:۵ به عقب بازگشته‌اید و به ~ نیاز دارید
 ۱ پط ۲:۲ مشتاق ~ خالص کلام باشید
 مک ۵:۵ آن ~ طایفه یهودا
شیری، ۱ پط ۸:۵ ابلیس همچون ~ غزان می‌گردد
شیطان، مت ۱۰:۴ دور شو، ای ~! زیرا نوشته شده
 مت ۲۳:۱۶ از پیش روی من برو، ای ~!
 مر ۱۵:۴ ~ می‌آید و آن کلام را می‌زد
 رو ۲۰:۱۶ خدا ~ را زیر پاهای شما له
 ۱ اقر ۵:۵ شخصی را باید به ~ بسپارید
 ۲ اقر ۱۱:۲ تا ~ بر ما برتری نیابد
 ۲ اقر ۱۱:۱۱ ~ خود را به شکل فرشته نور
 ۲ تس ۹:۲ آن قانون‌شکن تحت عملکرد ~
 مک ۹:۱۲ همان مارکهن که ابلیس و ~
 مک ۲:۲۰ ~ به مدت ۱۰۰۰ سال در بند
شیوه‌هایی، اقر ۱۷:۴ او ~ را به شما یادآوری خواهد کرد

ص

صاحب، مت ۲۸:۹ از ~ محصول استدعا کنید که کارگر
صادق، عب ۱۸:۱۳ از هر جهت در زندگی ~ باشیم
صادقانه، ۲ اقر ۲۱:۸ در همه امور ~ عمل کنیم
صاعقه‌ای، مت ۲۷:۲۴ مثل ~ خواهد بود که روشن می‌کند
صبر، یه ۸:۵ ~ اختیار کنید، دل خود را قوی
 یه ۱۱:۵ در مورد ~ ایوب شنیده‌اید
صحنه، اقر ۳:۱۷ ~ این دنیا مرتباً در حال تغییر است
صحیح، ۲ تیه ۱۳:۱ معیار کلام ~ را
 تیه ۱:۲ هماهنگ با تعلیم ~
صدای، یو ۲۸:۵ در قیصرها ~ او را خواهند شنید
 یو ۲۷:۱۰ گوسفندان من به ~ من
صرع، مت ۲۴:۴ افراد مبتلا به ~ و مغلوجان را

صریحاً فرمان دادیم - غالب

قر ۷:۱۰ شما به ~ می‌نگرید
غلا ۶:۲ خدا به ~ قضاوت نمی‌کند
طرف، اء ۱۵:۹ این مرد ~ برگزیده من
طرفی، رو ۲۱:۹ ~ برای کلری پرعزت و
ظریفتر، ابط ۷:۳ همچون ظرفی ~ هستند
ظهور، رو ۱۹:۸ در انتظار ~ پسران خداست

ع

عار، مر ۳۸:۸ هر که از من و سخنان من ~ داشته
عالیجناب، اء ۳:۲۴ ای ~ فلیکس
عامی، اء ۱۳:۴ مردانی درس‌نخوانده و ~ هستند
عدالت، اء ۴:۲۸ ~ به او اجازه نداد که زنده بماند
ءبط ۱۳:۳ در آن‌ها ~ برقرار
عذری، یو ۲۲:۱۵ اکنون برای گناه خود ~ ندارند
عروس، مک ۹:۲۱ ~، همسر بزه را، به تو نشان
عروسی، مت ۲:۲۲ پادشاهی که برای پسر خود جشن ~
مک ۷:۱۹ وقت ~ بزه رسیده

عروسی‌ای، جشن ۱:۲ جشن ~ در قنای جلیل
عزیز، اء ۲۹:۵ خوراک می‌دهد و آن را ~ می‌دارد
فیه ۲۹:۲ چنین افرادی را ~ بدارید
عصای، مک ۵:۱۲ همه قوم‌ها را با ~ آهنین شبانی
عصاییت، اء ۳۹:۱۵ ~ با از یکدیگر جدا شدند
کو ۸:۳ و بدبذنی را از خود دور کنید
عضو، اقر ۱۸:۱۲ خدا هر ~ را آن گونه که می‌خواست
اف ۱۶:۴ وقتی هر ~ کار خود را به‌درستی
عطا یا، اء ۸:۴۴ انسان‌هایی را همچون ~ بخشید
عطا یا بی، رو ۶:۱۲ از ~ متفاوت برخورداریم
عطر، مر ۴:۱۴ چرا این ~ اسراف شد؟

عقب، عب ۳۹:۱۰ خود را ~ می‌کشند و نابود می‌شوند
عقل، یو ۲۰:۱۰ دیو دارد و ~ خود را از دست داده
علامت، مک ۱۷:۱۳ مگر کسی که آن ~ را داشته باشد
عمد، عب ۲۶:۱ ~ به گناه خود ادامه دهیم
عمق، اقر ۱۰:۲ روح حتی ~ حکمت خدا را می‌کاود
اف ۱۸:۳ ~ حقیقت را به‌خوبی دریابید
عمل، ابط ۱۳:۱ ذهن خود را آماده ~ سازید
عمل کنید، یه ۲۲:۱ شما به کلام ~
عمیق‌ترین، مک ۲۳:۲ آن که ~ افکار و دل‌ها را می‌کاود
عوضی، مت ۲۶:۱۶ انسان در ~ جان خود چه خواهد داد؟
عهد، لو ۳۰:۲۲ ~ جدید بر مبنای خون من
عهدی، لو ۲۹:۲۲ با شما ~ می‌بندم، همان گونه که پدرم
عیاشی، لو ۱۳:۱۵ دارایی خود را با ~

عیسو، عب ۱۶:۱۲ ~ امور مقدس را بی‌ارزش شمارد
عیسی، مت ۲۱:۱ باید نام او را ~ بگذاری

غ

غار، مت ۱۳:۲۱ شما آن را ~ راه‌نزان می‌کنید!
غالب، یو ۳۳:۱۶ قوی‌دل باشید! من بر دنیا ~ آمده‌ام
مک ۷:۲ به کسی که ~ آید، اجازه خواهم داد

صریحاً فرمان دادیم، اء ۲۸:۵ ما ~ که تعلیم ندهید
صلاحیت، قر ۵:۳ ~ لازم ما از خداست
غلا ۱:۶ از لحاظ روحانی ~ دارید
تیت ۲:۲ ~ لازم برای تعلیم دیگران
صلح، مت ۹:۵ خوشا کسانی برای برقراری ~
مت ۲۴:۵ نخست برو و با برادرت ~ نما
مر ۵:۹ ~ را میان یکدیگر حفظ کنید
رو ۱:۵ از طریق مسیح با خدا در ~ بناییم
رو ۱۸:۱۲ با همه در ~ باشید
رو ۱۹:۱۴ در پی ~ باشیم
اتس ۳:۵ بگویند، ~ و امنیت است!
ابط ۱۱:۳ باید ~ را بجوید
مک ۴:۶ اختیار داده شد، ~ را از زمین
صهیون، مک ۱:۱۴ بزه را دیدم که برکوه ~
صیاد انسان، مت ۱۹:۴ من از شما ~ می‌سازم
صید، لو ۱۰:۵ از این پس انسان‌ها را ~ خواهی

ض

ضد، رو ۳:۱۸ اگر خدا با ماست، چه کسی بر ~ ما
ضد مسیح‌های، یو ۱۸:۲ هم‌اکنون ~ بسیاری
ضریات تازه، قر ۵:۶ زیر ~، در زندان‌ها
ضریات مش، اقر ۲۷:۹ بدن خود را با ~ می‌کوبیم
ضربه‌ای، مک ۳:۱۲ به یکی از سرهای وحش ~ کشنده
ضعف‌های، رو ۱:۱۵ ~ ناتوانان را متحمل
ضعیف، رو ۱:۱۴ ایمانی ~ دارد، بی‌پذیرید
ضعیفان، اتس ۱۴:۵ از ~ حمایت کنید و
ضعیفم، قر ۱۰:۱۲ وقتی ~ آنگاه قوی هستم

ط

طالع‌بینانی، مت ۱:۲ ~ به اورشلیم آمدند
طبیعی، رو ۲۶:۱ زناشان به جای آمیزش ~
رو ۲۷:۱ مردان آمیزش ~ با زنان را ترک
طرز فکر، اقر ۱۶:۲ ما ~ مسیح را داریم
اف ۲۳:۴ باید ~ خود را تازه کنید
طرز فکری، فیه ۵:۲ همان ~ را داشته که در مسیح بود
طرز فکری روشن‌تر، اء ۱۱:۱۷ از ~ برخوردار بودند
طریقت، اء ۲:۹ پیاد که از پیروان ~ باشد
طعم، عب ۴:۶ ~ موهبت آسمانی را
طفولیت، تیت ۵:۳ از ~ با نوشته‌ها آشنایی داشته‌ای
طلاق، مت ۹:۱۹ به دلیلی غیر از عمل نامشروع ~
مر ۱۱:۱۰ زن خود را ~ دهد و با زنی دیگر
طلاق‌نامه‌ای، مت ۷:۱۹ چرا موسی حکم کرد که مرد ~
طمع، لو ۱۵:۱۲ از هرگونه ~ دوری کنید
کو ۵:۳ ~ که بت‌پرستی است
طمعکار، اقر ۱۱:۵ با ~ معاشرت نکنید
طمعکاران، اقر ۱۰:۶ پادشاهی خدا را به میراث

ظ

ظاهر، مت ۱۶:۲۲ به ~ انسان‌ها نگاه نمی‌کنی
یو ۲۴:۷ دیگر از روی ~ داوری نکنید

غذای، اء ۱۷:۱۴ با ~ کافی خشنودی شما را فراهم
غریبه‌ها، یو ۵:۱۰ صدای ~ را نمی‌شناسند
غلام، مت ۴۵:۲۴ آن ~ امین و دانا کیست
 مت ۲۱:۲۵ دیگر ~ ای ~ خوب
 اقر ۲۳:۷ دیگر ~ انسان‌ها مشوید
 غلا ۱۳:۵ همچون ~، خدمت کنید
غمگین، اء ۳۰:۴ روح القدس خدا را ~ مسازید
غیبت‌گویی، اتیه ۱۳:۵ به ~ و فضولی عادت می‌کنند
غیب‌گویی، اء ۱۶:۱۶ روحی ناپاک که به او قدرت ~
غیرت، رو ۲:۱۰ برای خدا ~ دارند
غیرطبیعی، یه ۷ در پی شهوات ~ رفتند
غیرفعال، ۲ پط ۸:۱ نخواهد گذاشت که ~ یا بی‌ثمر شوید
غیرممكن، مت ۲۶:۱۹ برای انسان ~ است، اما برای خدا
غیور، رو ۱۱:۱۲ با شور و حرارت روح ~ باشید
 تیه ۱۴:۲ قومی که در اعمال نیکو ~ باشند

ف

فاحشه، مک ۱:۱۷ مکه بزرگ را که بر آب‌های بسیار
 مک ۱۶:۱۷ از ~ نفرت و او را
فاحشه‌ها، لو ۳۰:۱۵ با ~ به باد داده است
فخر، اقر ۱۳:۱ آن که ~ می‌کند، به یثوه ~ کند
 ایو ۱۶:۲ ~ به مال و منال
فراتر، اقر ۶:۴ از آنچه نوشته شده ~ مروید
فراوشی، فی ۱۳:۳ باید چیزهای گذشته را ~ کرد و
 عب ۱۰:۶ بی‌انصاف نیست که عمل شما را ~
فراوان، لو ۱۵:۲ اموال ~ زندگی نمی‌بخشد
فردا، اقر ۳۲:۵ بخوریم و بیشامیم: زیرا ~
فرزندان، رو ۲۱:۸ آزادی پرچال ~ خدا
 اقر ۱۴:۷ ~ شما ناپاک می‌بوند، حال آن که
 اقر ۱۴:۱۲ از ~ انتظار نمی‌رود برای والدین
 اف ۱:۱ ای ~، مطیع والدین خود باشید
 ایو ۲:۳ حال ما ~ خدا هستیم
فرسوده، اقر ۱۶:۴ هر چند ظاهر ما ~ می‌شود
فرشتگان، مت ۴۱:۱۳ ~ را می‌فرستد و همه قانون‌شکنان
 مت ۳۰:۲۲ همچون ~ آسمان خواهند بود
 اقر ۹:۴ در معرض تماشای ~
 اقر ۳:۶ نمی‌دانید که ما ~ را داوری
 عب ۲:۱۳ ندانسته از ~ پذیرایی کردند
 ابط ۱۲:۱ ~ مشتاقند نظر کنند
فرشتگانی، یه ۶ که جایگاه اصلی خود را
فرشته، اء ۱۹:۵ درهای زندان را باز کرد
 اء ۱۱:۱۲ ~ خود را فرستاد و مرارهایی داد
فرشته ارشد، اتس ۱۶:۴ با صدای ~ فرمان می‌دهد
 یه ۹ میکائیل، یعنی ~، با ابلیس
فرصت، غلا ۱۰:۶ تا هنگامی که ~ داریم، نیکویی کنیم
فرصت مناسب، لو ۱۳:۴ ابلیس او را تا ~ دیگری ترک کرد
 فرقه، اء ۲:۲۸ همه جا بر ضد این ~ سخن گفته
فرقه‌های، ۲ پط ۱:۲ به طور پنهان، ~ ویرانگر

فرمان، اقر ۲۷:۱۵ تحت ~ و زیر پای او نهاده
فرمانبردار، رو ۱:۱۳ از قدرت‌های حاکم ~
 عب ۱۷:۱۳ ~ کنید از کسانی که
 ابط ۱۳:۲ ~ کنید، خواه پادشاه
فرمانروایان، اء ۲۶:۴ بر ضد یثوه
فروتن، یه ۱۸:۱۸ خود را همچون این کودک، ~ سازد
 یه ۱۰:۴ خود را در برابر یثوه ~ مسازید
 ابط ۶:۵ زیر دست پدروخت خدا ~ مسازید
فروتنان، یه ۶:۴ لطف خود را نصیب ~ می‌سازد
فروپا، اف ۳۱:۴ خشم، عصبانیت، ~

فریب، غلا ۷:۶ مخورید
 اف ۲۵:۴ پس حال که ~ را کنار گذاشته‌اید
فسادناپذیر، اقر ۴۲:۱۵ آنچه برمی‌خیزد، ~
فشارهایی، اقر ۸:۱ تحت ~ قرار گرفتیم، وای
فصاحت، اقر ۱:۲ با ~ کلام و حکمت بشری
فضولی، اتیه ۱۳:۵ غیبت‌گویی و ~ نیز عادت می‌کنند
فعال، اقر ۵۸:۱۵ درکار خداوند ~ باشید
فقر، اقر ۲:۸ با وجود ~ شدید، سخاوت بی‌کرا
فقیر، اقر ۱۰:۶ ~ می‌شمارند، اما بسیاری را ثروتمند
 اقر ۹:۸ مسیح به خاطر شما ~ شد
فقران، یو ۸:۱۲ ~ را همیشه با خود
 غلا ۱۰:۲ ~ را مد نظر داشته باشیم
فکر، اقر ۲۵:۱۲ به یک اندازه در ~ یکدیگر باشند
 ابط ۷:۵ زیرا او به ~ شماس
فلج، لو ۲۴:۵ به مرد ~ گفت، به تو می‌گویم برخیز
فلسفه‌ها، کو ۸:۲ از طریق ~ اسیر نسازد
فناناپذیری، اقر ۵۳:۱۵ آنچه فانی است، باید ~ را بر تن کند
فوریت، اتیه ۲:۴ ~ این کار را مد نظر
فوق‌العاده، اف ۲۰:۳ ~ می‌تواند ~ بیشتر از آنچه
فهم، اقر ۲۰:۱۴ ~ در ~ بالغ گردید
فیلسوفان، اء ۱۸:۱۷ از ~ ایپیکوری و رواقی
فیلیسین، اء ۲۶:۸ فرشته یثوه به ~ گفت
 اء ۸:۲۱ ~ مبشر که یکی از آن هفت

ق

قاتل، یو ۴۴:۸ او از آغاز ~ بود
قاضی‌ای، یو ۲:۱۸ ~ بود که نه از خدا ترسی داشت
قائای، یو ۱:۲ جشن عروسی‌ای در ~ جلیل
قانع، فی ۱۱:۲ آموخته‌ام که در هر موقعیتی ~ باشم
 اتیه ۸:۶ به خوراک و پوشاک ~ خواهیم بود
قانون، رو ۲۲:۷ ~ خدا را بسیار دوست می‌دارم
 یه ۸:۲ اگر آن ~ شاهانه را به جا می‌آورید
قانون‌شکن، تس ۲:۳ آن ~ ظهور کند
قانون‌شکنی، مت ۱۲:۲۴ به دلیل افزایش ~
 تس ۷:۲ سز این ~ اکنون نیز عمل می‌کند
قانونگذار، یه ۱۲:۴ تنها یکی ~ و داوود است
قائن، ایو ۱۲:۳ نه همچون ~ که برادرش را به قتل
قبرها، یو ۲۸:۵ آتانی که در ~ هستند، صدای او را

قایح، رو ۲۷:۱ مرد با مرد مرکب اعمال ~ شده
 کو ۸:۳ سخنان ~ از دهان شما بیرون نیاید
قحطی‌ها، مت ۷:۲۴ ~ روی خواهد داد
قدر، اقر ۱۸:۱۶ ~ چنین افرادی را بدانید
قدرت، اء ۸:۱ روح القدس بر شما آید، ~ خواهید
 ۲قر ۷:۴ ~ فوق العاده ما از خداست
 ۲قر ۹:۱۲ ~ من در ضعف تو کاملاً آشکار
 فیه ۱۳:۴ ~ هر چیز را دارم
قدرت، مک ۸:۳ می‌دانم با این که ~ ناچیز
قدرت تشخیصی، مت ۵:۲۴ باید از ~ خواننده ~ خود را به کارگیرد
قدرت‌ها، رو ۵:۱۳ ~ فرمانبرداری کنید
قدرت‌های، رو ۱:۱۳ فرمانبرداری از ~ حاکم
قدم، غلا ۱:۶ اگر شخصی در راهی خطا ~ بردارد
قدوس، مک ۸:۴ ~، ~ است یهوه خدا
قربانی، رو ۱:۱۲ بدن‌های خود را همچون ~ زنده
 عب ۱۵:۱۳ همواره ~ حمد و ستایش را
قرض، لو ۳۵:۶ و بدون امید پس گرفتن، ~ دهید
قرض‌های، مت ۱۲:۶ ~ ما را ببخش. همان طور که ما
قصدها، مک ۱۷:۱۷ در دل آن‌ها که ~ را عملی
قضاوت، مت ۲:۷ نحوی که در مورد دیگران ~ کنید
 لو ۳۷:۶ دیگر ~ نکنید تا شما ~ نشوید
 رو ۴:۱۴ در مورد خدمتگزار دیگری ~ می‌کنی؟
قداقی، لو ۷:۲ نواز را در ~ پیچید
قطار، مت ۱۵:۲۵ به یکی پنج ~،
قوانین، ۲تیه ۵:۲ خدا را با ~ مسابقه را رعایت
قوت، مر ۳۰:۱۲ خدا را با ~ خود دوست
قوت قلب، اء ۱۵:۲۸ پولس با دیدن آنان، ~ یافت
قوزج، یه ۱۱ همچون ~ به دلیل سخنان تمردآمیز
قوم‌ها، مت ۲۲:۲۵ تمام ~ در برابر او گرد آورده
 اء ۲۶:۱۷ از یک انسان همه ~
قومی، مت ۴۳:۲۱ به ~ که میوه‌اش را بیاورد
 مت ۷:۲۴ ~ بر ضد ~ دیگر برخواید خاست
 ابط ۹:۲ ~ برگزیده و ملت می مقدس
قوی، اقر ۱۳:۱۶ هوشیار باشید، پایدار بمانید و ~ گردید
 ۲قر ۱۰:۱۲ وقتی ضعیفم، آنگاه ~
قیص، مت ۱۷:۲۲ آیا دادن مالیات به ~ جایز است؟
 مر ۱۷:۱۲ مال ~ را به ~ بدهید و مال خدا را
 یو ۱۲:۱۹ اگر آزاد کنی، دوست ~ نیستی
 یو ۱۵:۱۹ ما پادشاهی نداریم، ~ جز ~
 اء ۱۱:۲۵ من از ~ درخوایم فرجام می‌کنم!

ک

کاذب، غلا ۴:۲ این به خاطر برادران ~
کار، یو ۱۷:۵ پدر من تا به حال ~ کرده است
 یو ۲۷:۶ ~ کمیند برای خوراکی که
 ۱تس ۹:۲ شب و روز مشغول به ~ بودیم
 ۲تس ۱:۳ اگر کسی نمی‌خواهد ~ کند
کارگر، لو ۷:۱۰ ~ مستحق روزی خویش
کارگران، اقر ۲:۴ از ~ انتظار می‌رود

کارهای، یو ۱۲:۱۴ حتی ~ بزرگ‌تر از آن
کاری، اء ۳۸:۵ با این مردان ~ نداشته باشید
کاشتم، اقر ۶:۳ ~، آپولس آبیاری، خدا رشد
کافی، ابط ۳:۴ به قدر ~ عمر خود را
کامل، مت ۴۸:۵ ~ باشید، همچون پدر آسمانی
 عب ۱۰:۲ پیشوای نجاتشان رنج کشد و ~
گاه، مت ۳:۷ پَر ~ در چشم برادر خود
 اقر ۱۲:۳ اگر کسی برای بنا از ~
کاهل، مت ۲۶:۲۵ ای غلام شریر و ~
 رو ۱۱:۱۲ سخت‌کوش باشید و نه ~
کاهن، عب ۱۷:۲ ~ اعظمی رحیم و وفادار
کاهنان، اء ۷:۶ گروهی کثیر از ~ نیز ایمان
 مک ۶:۲ ~ خدا و ۱۰۰۰ سال سلطنت
کاهنانی، ابط ۹:۲ ~ هستند که پادشاهند
کبوتر، مت ۱۶:۱۰ مانند مار هوشیار اما مانند ~ بی‌آزار
کبوتری، مت ۱۶:۳ روح خدا مانند ~ پایین آمد
کتاب‌ها، اء ۱۹:۱۹ ~ را در برابر همگان به آتش
کرنیلوس، اء ۲۴:۱۰ ~ خویشان و دوستان خود را
کشتی، اتیه ۱۹:۱ ~ ایمانشان شکسته
کشتی‌ای، ۲قر ۲۵:۱۱ سه بار ~ که در آن بودم غرق شد
کفاره، رو ۲۵:۳ همچون قربانی ~
 یو ۲:۲ او قربانی ~ برای گناهان
کفر، مر ۲۹:۳ هر کس به روح القدس ~ گوید
کلام، لو ۱۲:۸ ابلیس ~ را از ایشان می‌رباید
 یو ۱۷:۱۷ ~ تو حقیقت است
 اء ۵:۱۸ پولس وقف موعظه ~
 فیه ۱۶:۲ به ~ حیات‌بخش پای‌بند می‌مانید
 ۲تیه ۱۵:۲ حقیقت را به درستی
کلام خدا، ~ را بی‌اعتبار می‌کنید
 ۱تس ۱۳:۲ بلکه به عنوان ~ پذیرفتید
 عب ۱۲:۴ ~ زنده و پر قدرت و
کلاهخود، اف ۱۷:۶ ~ نجات را بر سر بگذارید
کلمه، لو ۱:۱ در آغاز ~ بود
کلید، لو ۵:۱۱ ~ شناخت را از مردم گرفتید
کلیدهای، مت ۱۹:۱ به تو ~ پادشاهی آسمان‌ها را
 مک ۱۸:۱ ~ مرگ و گور را در اختیار دارم
گند، یه ۱۹:۱ در گرفتن ~ و درخشم
کوچک، لو ۲۳:۱۲ مترسید، ای گله ~
کوچک‌تر، لو ۴۸:۹ بزرگ است که همچون ~ رفتار کند
کوچک‌ترین، لو ۱۰:۱۶ آن که در ~ امور امین باشد
کودک، اقر ۱۱:۱۳ همچون ~ می‌اندیشیدم و همچون ~
کودکان، مت ۳:۱۸ خود را تغییر ندهید و مثل ~
 مت ۱۴:۱۹ بگذارید ~ پیش من بیایند، مانعشان
 لو ۲۱:۱۰ از خردمندان مخفی و بر ~ آشکار
 اقر ۲۰:۱۴ در بدی همچون ~ باشید
کودکی، مر ۲۰:۱۰ این‌ها را از ~ حفظ کرده‌ام
 لو ۴۷:۹ ~ را گرفت و در کنار خود قرار

کور، مټ ۱۴:۱۵ آنان راهنمایانی ~ هستند
 ۲قر ۴:۴ ذهن‌های بی‌ایمانان را ~ کرده
کوزه‌گر، رو ۲۱:۹ ~ اختیار ندارد
کوه زیتون، لو ۲۲:۲۹ ~ به طرف ~ به راه افتاد
 اع ۱۲:۱ از ~ به اورشلیم بازگشتند
کیفا، اقر ۵:۱۵ بر ~، سپس بر آن دوازده نفر ظاهر
 غلا ۱۱:۲ ~ به انطاکیه آمد و با او مخالفت
کینه، اقر ۵:۱۳ محبت ~ به دل نمی‌گیرد

گ

گاما لایل، اع ۳:۲۲ در محضر ~ تعلیم گرفته‌ام
گاوها، اقر ۹:۹ آیا خدا در فکر ~ است؟
گرد آورده، اف ۱۰:۱ همه چیز را در اتحاد با مسیح ~
گرفزار، لو ۲۴:۲۱ مبادا دل‌های شما را ~ سازد
گران، اع ۲۹:۲۰ ~ رنده به میان شما
گرگ‌ها، لو ۳:۱۰ بزوها به میان ~ می‌فرستم
گرگ‌های، مټ ۱۵:۷ اما در باطن ~ درنده‌اند
گروهی، اع ۵:۱۷ از مردان اوباش ~ تشکیل دادند
گروهی عظیم، مک ۹:۷ ~ دیدم که کسی قادر به شمارش
گرویناید، لو ۲۱:۶ خوشا شما که ~
گروست، مټ ۷۵:۲۶ بیرون رفت و به تلخی ~
گروهی، رو ۱۵:۱۲ که گریانند، ~ کنید
گرویدن، غلا ۱۵:۵ اگر شما از ~ یکدیگر دست
گفتارهای، ۳۲:۱۵ برادران را با ~ متعدد
گله، لو ۳۲:۱۲ مترسید، ای ~ کوچک
گله و شکایت، اقر ۱۰:۱۰ باشد که ~ نکنیم
 یه ۱۶ آنان دائماً ~ می‌کنند
گم، لو ۲۴:۱۵ این پسر من ~ شده بود
گناه، مر ۲۹:۳ کفر به روح القدس: ~ ابدی
 یو ۲۹:۱ بزه خدا که ~ را از دنیا برمی‌دارد!
 رو ۲۳:۳ همه ~ کرده‌اند و نمی‌توانند
 رو ۱۲:۵ ~ از طریق یک انسان وارد دنیا شد
 رو ۱۴:۶ ~ نباید بر شما تسلط داشته باشد
 رو ۲۳:۳ مزد ~ مرگ است
 یه ۱۷:۴ چه درست است اما نکند، مرتکب ~
 ایو ۷:۱ خون عیسی، از هر ~ پاک می‌سازد
 ایو ۱۷:۵ هر عمل نادرست ~ است
گناهان، اع ۱۹:۳ توبه کنید تا ~ پاک
 اتی ۲۴:۵ ~ برخی بعدها آشکار
گناهانی، رو ۲۵:۳ ~ را که در گذشته
گناهکار، لو ۷:۱۵ برای یک ~ در آسمان شادی
 لو ۱۳:۱۸ ای خدا، به من ~ رحم کن
 رو ۸:۵ هنوز ~ بودیم، مسیح
گناهکاران، یو ۳۱:۹ به دعای ~ گوش نمی‌دهد
گناهی، مټ ۱۵:۱۸ اگر برادرت ~ کند، برو و
 یه ۱۵:۵ اگر ~ کرده، بخشیده می‌شود
 ایو ۱:۲ اگر کسی ~ کند
گنج، مټ ۲۱:۶ هر جا که ~ توست، دل تو
 ۲قر ۷:۴ این ~ را در ظروف خاکی

گنجشک، مټ ۲۹:۱۰ دو ~ به یک سکه
گنجی، مټ ۴۴:۱۳ پادشاهی آسمان‌ها مانند ~
 لو ۳۳:۱۲ آری ~ تمام‌نشدنی در آسمان‌ها
گندم‌ها، مټ ۲۵:۱۳ علف هرز در میان ~
گور، اع ۳۱:۲ مسیح در ~ رها نمی‌شود
 مک ۱۸:۱ کلیدهای مرگ و ~ را در اختیار دارم
 مک ۱۳:۲۰ مرگانی را پس دادند
گوسفندان، یو ۱۶:۲۱ ~ کوچک را شبانی کن
گوسفندانی دیگر، یو ۱۶:۱۰ من ~ نیز دارم
گوسفند‌ها، مټ ۳۳:۲۵ ~ را در طرف راست
گوش، مټ ۱۵:۷ پسر محبوب من: به او ~ دهید
 لو ۱۶:۱۰ به شما ~ دهد، به من ~ داده
گوشناز، ۲ت ۳:۴ برای شنیدن سخنان ~
گونه، مټ ۳۹:۵ اگر کسی به ~ راست تو سیلی زد

ل

لا یق، مټ ۱۱:۱۰ شخصی ~ را بجویدید
 مټ ۳۷:۱۰ دوست داشته، ~ من نیست
 لو ۱۹:۱۵ دیگر ~ نیستم که پسر تو
 اع ۴۱:۵ رسولان چون ~ شمرده شده بودند
لا یق تحسین، لو ۱۰:۱۷ ما غلامانی ~ نیستیم
لا یقشان، عب ۲۸:۱۱ آنان که دنیا ~ نبود
لباس، اف ۱۳:۶ ~ کامل رزم را
لب‌هایمان، عب ۱۵:۱۳ قربانی حمد یعنی ثمره ~ را
لحظه‌ای، مټ ۲۷:۶ حتی ~ به عمر خود بیفزاید؟
لذت‌های، لو ۱۴:۸ ~ زندگی، آنان را منحرف
 لرو، فی ۱۲:۲ خود را با ترس و ~
لطف، یو ۱۷:۱ ~ از طریق عیسی مسیح
 اقر ۱۰:۱۵ ~ او به من می‌پهوده نبوده
 ۲قر ۱:۶ ~ خدا را بپذیرید، اما
 ۲قر ۹:۱۲ ~ من برای تو کافی است
لعنت، ۱۴:۱۲ برکت بطلبید و ~ نکنید
لعنت‌شده، یو ۴۹:۷ شریعت را نمی‌دانند، ~
لغزش، مټ ۲۹:۵ چشم راستت باعث ~
 مټ ۴۱:۱۳ آنچه باعث ~، جمع می‌کند
 لو ۲:۱۷ این کوچک‌ان را ~ دهد
 اقر ۱۳:۸ آنچه می‌خورم، ~ دهد
 اقر ۳۲:۱۰ مراقب باشید که ~ ندهید
 فی ۱۰:۱ پاکدل بوده، ~ ندهید
لمس، مټ ۳:۸ ~ نمود و گفت: می‌خواهم!
 ۲قر ۱۷:۶ چیزی ناپاک را ~ نکنید
لنگری، عب ۱۹:۶ امید برای جان ما همچون ~ است
لوط، لو ۲۲:۱۷ زن ~ را به خاطر آورید
 ۲بط ۷:۲ ~ در دستکار را نجات بخشید
لوقا، کو ۱۴:۴ ~ پزشک محبوب
لیدیه، اع ۱۴:۱۶ ~ که جامه‌های ارغوانی می‌فروخت

م

ماتم، اتس ۱۳:۴ سایر مردم به ~ می‌نشینند
ماتم‌دیدگان، مټ ۴:۵ خوشا به حال ~

مادر، لو ۲۱:۸ ~ و برادرانم آنانی هستند که
 یو ۲۷:۱۹ ~ او از این پس ~ توست
 غلا ۲۶:۴ اورشلیم بالا ~ ماست

مادری شیرده، ۱:۲۲ ~ همچون ~ که با مهریانی
 مار، یو ۱۴:۳ ~ موسی ~ را در بیان بر تیر بالا برد
مارتا، لو ۴۱:۱۰ ~، تو برای چیزهای بسیار نگران
مال، لو ۹:۱۶ ~ با این دنیا، دوست بیابید
مالیت، ۲۸:۸ نام آن جزیره ~ است

مال حقیقی، ۱۱:۱۶ ~ چه کسی ~ را به شما خواهد سپرد؟
مالیات، مت ۲۵:۱۷ ~ پادشاهان از چه کسانی ~
 لو ۲۲:۲۰ دادن ~ به قصیر
 لو ۲۲:۳۳ از پرداخت ~ باز می‌دارد
 رو ۶:۱۳ ~ می‌پردازید: زیرا
 رو ۷:۱۳ اگر حق دارد ~ بگیرد

مانع، ۱:۲۲ ~ در تلاشند که ~ موعظه ما
 ۲:۲۸ ~ چه چیزی اکنون ~ شده است

ماه، لو ۲۵:۲۱ ~ نشانه‌هایی در ~ و ستارگان
ماهی‌های، یو ۱۱:۲۱ ~ تور را که پر از ~ بزرگ بود
مایه خشودی، اف ۱۰۰: اطمینان از آنچه ~ خداوند
مایوس، رو ۲۳:۹ کسی که ایمانش را استوار سازد، ~
مباشر، لو ۴۲:۱۲ ~ بر راستی آن ~ امین

مبش، اء ۸:۲۱ فیلیپس ~، یکی از آن هفت نفر
مبشری، ۲:۲ ~ وظیفه ~ را به جا آور
متبارک، یو ۱۳:۱۲ ~ یاد آن که به نام یهوه می‌آید
متحد، فی ۲:۲ کاملاً ~ و هم‌اندیشه
متحمل، رو ۱:۱۵ باید ضعف‌های ناتوان را ~ شویم
متحیرند، ۱ پط ۴:۴ از این که همراهی نمی‌کنید، ~
مترس، مک ۱۰:۲ از رنج‌هایی که خواهی کشید، ~
متروسید، لو ۴:۱۳ از آنانی ~ که شما را می‌کشند
متعلّم، اقر ۱۲:۱ من به آپولوس ~

متقاعد، ۲ پتر ۱۱:۵ می‌کوشیم مردمان را ~ سازیم
 ۲:۱۴ ~ با دلیل و برهان ~ شدی
متقاعدکننده، اقر ۴:۲ ~ با کلمات ~ نبود
متکبران، یو ۶:۴۴ خدا با ~ مخالفت می‌کند
متکبرانه، ۱۶:۱۲ بر افکار ~ متمرکز مسازید
متهم، رو ۳۳:۸ چه کسی برگزیدگان را ~
متهم‌کننده، مک ۱۰:۱۲ ~ برادرانمان به پایین
مقل، مت ۲۴:۱۳ عیسی همه این‌ها را با ~
 مر ۲:۴ ~، تعلیم بسیاری به آنان داد

مجرد، ۳۲:۷ ~ نگران امور سرتور
مجردان، اقر ۸:۷ ~ می‌گویم که
مجهز، ۲:۱۴ ~ برای هر عمل نیکو کاملاً ~ گردد
 عب ۳۱:۱۴ برای انجام دادن خواستش ~ سازد
محافظت، ۱۲:۱۷ از آنان ~ می‌کردم

محبت، مت ۲۲:۴ ~ اکثر مردم به سدی خواهد گرایید
 یو ۱۶:۳ خدا آنقدر به مردم دنیا ~ داشت
 یو ۱:۱۳ پیروانش را تا به آخر به ایشان ~ کرد

یو ۳۴:۱۳ که به یکدیگر ~ کنید
 رو ۳۹:۸ ما را از ~ خدا جدا سازد
 رو ۸:۱۳ دینی به کسی نداشته باشید، جز ~
 رو ۱۰:۱۳ شریعت از طریق ~ به تحقق می‌رسد
 اقر ۱:۸ شناخت غرور می‌آورد، ~ بنا می‌کند
 اقر ۲:۱۳ اما ~ نداشته باشم، هیچ هستم
 اقر ۸:۱۲ ~ هرگز از میان نمی‌رود
 اقر ۱۳:۱۲ اما بزرگ‌ترین آن‌ها ~ است
 اقر ۱۴:۱۶ همه کارهای خود را با ~ انجام دهید
 ۲ پتر ۸:۲ ~ خود را به او ثابت کنید
 کو ۱۴:۳ ~ است که کاملاً متحد می‌سازد
 کو ۱۹:۳ شوهران، به زنان خود ~ کنید
 ۱ تس ۱۰:۴ آنان را حتی بیش از این ~ نمایید
 ۱ پط ۸:۴ با تمام وجود ~ کنید: زیرا ~
 یو ۱۸:۳ ~، اما نه در کلام، بلکه در عمل
 یو ۸:۴ خدا ~ است
 یو ۱۰:۴ ما به خدا ~ نکرديم، بلکه او
 یو ۳:۵ ~ به خدا همین است که
 یو ۲۱ خود را در ~ خدا نگاه دارید
 مک ۴:۲ ~ نخستین خود را از دست داده‌ای

محبت برادرانه، ۱۰:۱۲ ~ با ~ یکدیگر را دوست داشته
محبتی، یو ۱۳:۱۵ ~ بزرگ‌تر از این نیست
محبوب، مت ۱۷:۲ پسر من، ~ من
محدودتان، اقر ۳۵:۷ نه این که ~ سازم
محروم، اقر ۵:۷ همدیگر را ~ مکنید
محمول، مت ۳۷:۹ ~ فراوان است، اما کارگر کم
محرک، ۲۸:۱۱ نخست خود را ~ بزند که آیا
محکمه، اقر ۶:۶ برادر، برادر را به ~ می‌کشد
محکمه‌ها، رو ۹:۱۳ مردم شما را به ~ خواهند سپرد
محرک، یو ۱۲:۴ کیستی که همسایه خود را ~ می‌کشی؟
محرکیت، اقر ۲۹:۱۱ حکم ~ خود را خورده و نوشیده
مخارج، لو ۲۸:۱۴ اول نشینند تا ~ آن را برآورد کند
مخالفتان، ۹:۱۶ البته ~ نیز بسیارند
مخالفتان، لو ۱۵:۲۱ حکمتی که همه ~ نیز یارای مقابله
 فی ۲۸:۱ از ~ هراس نداشته باشید
مخالفت‌های، ۱ تس ۲:۲ ~ بسیار، بشارت
مدارس دینی، یو ۱۵:۷ در ~ آموزش ندیده است
مدیون، رو ۱۴:۱ خود را ~ می‌دانم، چه به
مذبح، مت ۲۴:۵ هدیه‌ات را در مقابل ~ رها کن
مذهبی، اء ۲۳:۱۷ به تقدیم به خدای ناشناخته
مراقب، ۱:۲۴ ~ شیوه زندگی و تعلیم خود باش
مرد، یو ۲۶:۱۱ هر که ایمان ببرد، تا ابد نخواهد ~
 ۲ پتر ۱۵:۵ برای کسی زندگی که به خاطر آنان ~
مردان، اقر ۱۳:۱۶ همچون ~ به پیش روید
مردگان، لو ۲۸:۲۰ نه خدای ~ بلکه خدای زندگان
مردگانی، مک ۱۳:۱۴ خوشا ~ که در سرتور می‌میرند
مردم بیرون، کو ۵:۴ با ~ حکیمانه رفتار کنید

مردود، اقر ۲۷:۹ خود به نحوی ~ نگردم
مردو، اقر ۲۴:۱۵ این پسر من ~ بود، و زنده شد
 اف ۱:۲ به سبب گناهان خود ~
مردود اند، اتس ۱۶:۴ که در مسیح ~، نخست رستخیز
مرعی، مت ۳۷:۲۳ همچون ~ که جوجه هایش را
مرفس، کو ۱۰:۴ ~، پسر عموی بزبابا
مرگ، یو ۵۱:۸ هر که کلام مرا حفظ کند، هرگز ~ را
 رو ۱۲:۵ ~ در میان انسان ها شیوع یافت
 رو ۲۳:۶ مرد گناه ~ است
 اقر ۱۵:۲۶ ~ نیز که آخرین دشمن است
 اتس ۱۳:۴ کسانی که در خواب ~ هستند
 عب ۹:۲ عیسی طعم ~ را چشید
 عب ۱۵:۲ به دلیل ترسشان از ~ اسیر بودند
 مک ۴:۲۱ دیگر ~ نخواهد بود
مرگ ابدی، مت ۲۵:۲۵ اینان به ~ خواهند رسید
مرگ دوم، مک ۱۱:۲ از ~ آسیبی نخواهد دید
 مک ۶:۲۰ ~ بر آنان هیچ اقتداری ندارد
 مک ۱۴:۲۰ این است ~، یعنی دریاچه آتش
مرواریدهای، مت ۶:۷ ~ خود را جلوی خوک ها
 مت ۴۵:۱۳ بازگانی که به دنبال ~
مرهم چشم، مک ۱۸:۳ ~ را تا بمالی و بینا شوی
مریم ۱، مر ۳:۶ همان نجار، پسر ~
مریم ۲، لو ۳۹:۱۰ ~ به سخنانش گوش می داد
 لو ۱۰:۴۰ ~ نصیب بهتر را برگزید
 مک ۲۲:۱۲ ~ روح معطر و بسپارگرانها
مریم ۳، مت ۵۶:۲۷ آنان ~ مجذولیه
 لو ۲:۸ ~ مجذولیه که هفت دیو
مریم ۴، مت ۵۶:۲۷ ~ مادر یعقوب
مریم ۵، اقر ۱۲:۱۲ به خانه ~، مادر یوحنا
مزارع، اقر ۳۵:۴ ~ را ببینید که برای درو
مزه، رو ۲۳:۶ ~ گناه مرگ است
مزرعه، مت ۲۸:۱۳ ~ دنیاست
 اقر ۹:۳ شما ~ زیر کشت خدا هستید
مسابقه، اتس ۷:۴ ~ را به پایان رسانده ام
مساوات، اقر ۱۴:۸ بدین شکل ~ برقرار خواهد شد
مست، اف ۱۸:۵ ~ شراب مشوید
مستند داری، یو ۱۳:۱۹ پیلاتس بر ~ نشست
 رو ۱۰:۱۴ در مقابل ~ خدا خواهیم ایستاد
مسیح، مت ۱۶:۱۶ تو ~ هستی، پسر خدای زنده
 لو ۲۶:۲۴ آیا نمی بایست ~ رنج ها را متحمل
 یو ۴۱:۱ ما ~ را یافته ایم
 یو ۲۵:۴ می دانم که ~ می آید
 یو ۳:۱۷ و عیسی ~ را که فرستاده ای
 اقر ۲۸:۱۸ نشان می داد که عیسی همان ~
 اقر ۳:۱۱ و سر ~ خداست
مسیحان، مت ۲۴:۲۴ ~ دروغین برخوانند خاست
مسیحی، اقر ۲۲:۱۱ به هدایت خدا ~ خوانده شدند
مشتاق، ابط ۲:۲ ~ شیر خالص کلام باشید

مشتاقم، رو ۱۵:۱ ~ بشارت را اعلام کنم
مشغول، لو ۴۰:۱۰ مارتا سخت ~ بود
 اتس ۱۱:۴ سرتان به کار خودتان ~ باشد
مشوش، لو ۲۵:۲۱ ملت ها ~ خواهند شد
مصر، مت ۱۵:۲ پسر خود را از ~ فراخواندم
مصیبت، مت ۲۱:۲۴ چنان ~ عظیمی روی
 مک ۱۴:۷ کسانی که از ~ عظیم
مصیبت ها، اقر ۱۷:۴ هر چند ~ زودگذر است
مطیع، لو ۵۱:۲ پیوسته ~ ایشان ماند
 رو ۱۷:۶ از دل ~ آن تعلیمی گشتید
 فی ۸:۲ تا حد مرگ ~ گشت
مظلوم، اقر ۷:۶ نمی دهید که ~ واقع شوید؟
معاشران، اقر ۳۳:۱۵ ~ بد، رفتار خوب را فاسد
معاشرت، اقر ۹:۵ بامشروع جنسی می شوند، ~ نکنید
 اتس ۱۴:۳ دیگر با او ~ نکنید
معبد، مت ۱۲:۲۱ عیسی وارد محوطه ~ شد
 یو ۱۹:۲ ~ این ~ را ویران کنید
 اقر ۱۶:۲ نمی دانید که ~ خدایید
معبد های، اقر ۲۴:۱۷ در ~ ساخته دست انسان
معقول، فی ۵:۴ بگذارید شما را فردی ~ بدانند
معلم، اف ۱۱:۴ برخی را شبان و ~
معلولان، مت ۳۱:۱۵ ~ سالم می شوند
معیار، اتس ۱۳:۱ ~ کلام صحیح
مغلوب، رو ۲۱:۱۲ همواره بدی را با نیکویی ~ ساز
مفت، مت ۸:۱۰ ~ یافته اید، ~ بدهید
مفید، اقر ۲۰:۲۰ از گفتن آنچه ~ بود، دریغ
 اقر ۱۲:۶ همه چیز جایز است، ولی ~ نیست
 اتس ۱۶:۳ از خدا الهام شده و ~ است
مقایسه، غلا ۴:۶ خود را با دیگران ~ کند
مقبول، اتس ۱۵:۲ همواره ~ خدا باشی
مقدس، لو ۲:۱۱ ای پدر، نام تو ~ باد
 ابط ۱۵:۱ در تمام رفتار خود ~ باشید
مقدونیه، اقر ۹:۱۶ به ~ بیا و به ما کمک کن
مقصود، اف ۱۱:۳ مطابق با ~ ابدی اوست
مقصودش، رو ۲۸:۸ مطابق ~ فراخوانده شده اند
ملازم، ابط ۴:۳ یعنی با روحه ای آرام و ~
ملازمت، اقر ۱۳:۴ اقترا می زنند، با ~ پاسخ می دهیم
ملت ها، لو ۲۴:۲۱ زمانی که دوران معین ~
مینا، لو ۱۶:۱۹ سرور، مینای تو، ده ~ سود آورد
منافع، فی ۲۱:۲ دیگران در پی ~ خود هستند
منصب سرپرستی، اقر ۲۰:۱ ~ او را شخصی دیگر اشغال کند
منطقه ها، رو ۲۳:۱۵ در این ~ جایی نیست
منطقی، لو ۳:۱ به ترتیبی ~ برای شما بنویسم
 اقر ۲۲:۹ با دلایل ~ در اثبات مسیح
منظم، اتس ۲:۳ سرپرست باید ~ باشد
مو، لو ۱۸:۲۱ حتی یک ~ هم از سرتان کم
موسی، اقر ۲۲:۷ در کلام و اعمال توانا بود
 اقر ۷:۳ نمی توانستند به چهره ~ بنگرند

ناتوان، اقر ۲۷:۱ خدا آنچه را دنیا ~ می‌داند
ناتوانان، رو ۱:۱۵ ضعف‌های ~ را متحمل
ناخوشایند، یو ۶:۶ این سخنان بسیار ~ است
نادان، لو ۲۰:۱۲ ای ~، امشب چانت را
نادیدنی، صافات ۲۰:۱ خدا قابل مشاهده بوده
 اقر ۲: ۱۸:۴ چشمان بر چیزهای ~
نادیده، عب ۲۷:۱۱ گویی آن ~ را می‌دید
نادیده گرفته است، اتس ۸:۴ نه انسان را، بلکه خدا را ~
ناسزا، مت ۱۱:۵ خوشا شما، وقتی ~ گویند
 ابط ۲۳:۲ ~ می‌گفتند، در پاسخ ~ نمی‌گفت
ناسزاگویی، اف ۳۱:۴ عصبانیت، فریاد، ~
ناشیستی، اقر ۲۷:۱۱ به ~ از جام بنوشد
ناشنا، مر ۳۷:۷ او حتی ~ را شنوا می‌سازد
نافرمانی، یو ۳:۳ کسی که از پسر ~ می‌کند
نام، مت ۹:۶ ~ تو مقدس باد
 یو ۲۸:۱۲ پدر، ~ خود را جلال بده
 یو ۱۴:۱۴ اگر چیزی به ~ من بخواهید
 یو ۲۶:۱۷ من ~ تو را به ایشان شناساندم
 اع ۱۲:۴ هیچ ~ دیگری نیست که نجات
 اع ۱۴:۱۵ قومی برای ~ خود گرد آورد
 رو ۱۳:۱۰ هر که ~ یَهُوه را بخواند نجات
ناشخص، اقر ۸:۱۴ اگر شیپور فراخوانی صدایی ~ دهد
نامی، فی ۹:۲ ~ برتر از هر ~ دیگر
نان، مت ۴:۴ زندگی نه فقط به ~ وابسته است
 مت ۱۱:۶ ~ روزانه ما را امروز به ما
 یو ۳۵:۶ من ~ حیات هستم
 اقر ۱۷:۱۰ تنها یک ~ وجود دارد
نانی، مت ۲۶:۲۶ عیسی ~ گرفت و آن را شکست
نبرد، اتی ۱۲:۶ در ~ نیکیو ایمان بجنگ
نبوی، ابط ۱۹:۱ اطمینان ما به کلام ~ بیشتر
نجات، اتی ۹:۲ زنان باید خود را به ~ بیارایند
نجات، مت ۲۵:۱۶ هر که بخواهد جان خود را ~ دهد
 لو ۱۰:۱۹ پسر انسان آمده تا ~ دهد
 لو ۲۸:۲۱ ~ شما نزدیک است
 اع ۱۲:۴ ~ از طریق دیگری میسر نیست
 رو ۱۱:۱۳ ~ اکنون ~ ما نزدیک‌تر است
 فی ۱۲:۲ ~ خود را با ترس و لرز
 اتی ۱۶:۴ ~ خود و کسانی که گوش می‌دهند
 مک ۱۰:۷ ~ را مدین خدایمان هستیم
نجات‌دهنده، اع ۳۱:۵ او را پیشوای ارشد و ~ ساخت
نخا، مر ۳:۶ مگر این همان ~، پسر مریم نیست؟
نحوی، اع ۱۱:۱ به همین ~ که رفت، خواهد آمد
نخست‌زاده، کو ۱۵:۱ ~ تمامی آفرینش
نزع، اتی ۲: ۲۴:۴ خادم خداوند نباید ~ کند
نزدیک، یو ۸:۴ به خدا ~ شوید و او به شما
نسل، مت ۲۴:۲۴ این ~ از میان نخواهد رفت
 غلا ۱۶:۳ به ~ تو که منظور همان مسیح
 غلا ۲۹:۳ به‌راستی ~ ابراهیم و وارثان

موظفیم، ایو ۱۶:۳ ~ جان خود را برای
موظفه، مت ۲۵:۹ عیسی بشارت پادشاهی را ~
 مت ۲۴:۱۴ خبر خوش پادشاهی، ~ خواهد
 لو ۱:۸ عیسی سفری می‌کرد و ~ می‌کرد
 رو ۱۴:۱۰ اگر کسی به ایشان ~ نکند
 ابط ۵:۲ نوح طریق درست خدا را ~
موقت، عب ۱۳:۱۱ و ساکنانی ~ هستند
مولود یگانه، یو ۱۸:۱ آن ~ که در کنار پدر است
موهای، مت ۳۰:۱۰ حتی از تعداد ~ سرتان آگاه
موهبتی، اتی ۱۴:۴ به ~ که در تو است، بی‌توجهی مکن
موی، اقر ۱۴:۱۱ ~ بلند برای مرد شرم‌آور است
مُهر، اقر ۲۲:۱ ~ مالکیت خوش را بر ما زده
 اف ۱۳:۱ پس از آن که ایمان آوردید، ~ شدید
 مک ۲:۷ بر پیشانی غلامان خدایمان ~ زنده‌ایم
مهربانی، اع ۲:۲۸ یا ~ فوق‌العاده‌ای رفتار کردند
 اتس ۷:۲ ما همچون مادری با ~
مهمان‌نواز، رو ۱۳:۱۲ سعی کنید همواره ~ باشید
 تپ ۸:۷۱ سرپرست جماعت باید ~ باشد
 ابط ۹:۴ بدون شکوه و شکایت، ~ باشید
مهمان‌نوازی، عب ۲:۱۳ ~ را فراموش نکنید
 ۳ یو ۸ ~ به چنین افرادی وظیفه ماست
مهمانی‌های، رو ۱۳:۱۳ ~ همراه با بی‌بندوباری، مستی
 غلا ۲:۱۵ مستی و ~ همراه با بی‌بندوباری
مهم‌تر، مت ۲۳:۲۳ اما احکام ~ شریعت، یعنی
میهی، یو ۱۴:۴ همچون ~ هستید که مدتی کوتاه
میراث، مت ۵:۵ خوبی ملایم دارند: زمین را به ~
 مت ۲۴:۲۵ پادشاهی‌ای را به ~ ببرید
 اف ۱۸:۱ چه ثروت پرشکوهی را همچون ~
میراثی، ابط ۴:۱ فسادناپذیر، پاک و ناپرمردنی
میگانل، مک ۷:۱۲ و فرشتگانش با اژدها جنگیدند
میگسار، اقر ۱۱:۵ با کسی که ~ است، معاشرت
میگساران، اقر ۱۰:۶ ~ پادشاهی خدا را
میل دارم، رو ۱۸:۷ هر چند ~ که آنچه نیکیو
میل و رغبت، اقر ۱۲:۸ اگر هدیه با ~ داده شود
 اف ۷:۶ به ~ برابیان خود خدمت
 ابط ۲:۵ گله خدا را شبانی کنید، با ~
میوه، یو ۲:۱۵ پاک می‌کند تا ~ بیشتر آوزد
 یو ۸:۱۵ جلال می‌یابد که شما ~ فراوان آورید
میوایش، مت ۲۳:۲۱ به قومی که ~ را بیازرد، داده
میوه‌هایشان، مت ۲۰:۷ آنان را از ~ خواهید شناخت

ن

ناآگاهی، اتی ۱۳:۱ از روی ~ عمل می‌کردم
نابودی، اتس ۹:۱ محکوم شدن به ~ ابدی
 ابط ۷:۳ ~ مردمان خدانشناس
 مک ۱۸:۱۱ زمین را به ~ می‌کشند، نابود
ناپاکی، اقر ۱:۷ از هرگونه ~ جسم و روح بزداایم
 کو ۵:۳ شهوت غناگسیخته
ناپاکی‌ای، رو ۲۴:۱ رها کرد تا به هر ~

نشان، یو ۲۰:۵ پدر، آنچه می‌کند به پسر ~ می‌دهد
 ۲س ۱۴:۳ او را ~ گذارید و با او معاشرت
نشانه، مت ۳:۲۴ ~ حضور تو چه خواهد بود؟
 مت ۳۰:۲۴ ~ پسر انسان در آسمان آشکار
 لو ۸:۳ ثمراتی بیاورید که ~ توبه باشد
نشانه‌ها، ۲س ۹:۲ ~ و عجایب دروغین
نشانه‌هایی، لو ۲۵:۲۱ ~ در خورشید، ماه و ستارگان
نظر، ۱بط ۱۲:۱ فرشتگان مشتاقند ~ کنند
نظم، رو ۲۸:۸ خدا تمام اعمالش را ~ می‌بخشد
نعمتی، اقر ۷:۷ هر کس ~ از خدا دارد
نفرت، مت ۹:۲۴ به خاطر نام من از شما ~
 لو ۲۷:۶ به آثانی که از شما ~ دارند، نیکویی
 یو ۷:۷ دنیا از من ~ دارد: زیرا شهادت
 یو ۲۵:۱۵ بی دلیل از من ~ داشتند
 ۱ یو ۱۵:۳ از برادر خود ~ دارد، قاتل است
نفرت انگیز، مت ۱۵:۲۴ ویرانگر ~
نفرت داشته، رو ۹:۱۲ از بدی ~ و به نیکویی
نفس، غلا ۱۹:۵ اعمال ~ به روشنی نمایان است
نفسانی، رو ۶:۸ اگر افکار خود را درگیر آنچه ~ است
 ۱ اقر ۱۴:۲ انسان ~ نمی‌پذیرد آنچه از
 ۱ اقر ۳:۳ زیرا هنوز ~ هستید
 کو ۱۸:۲ به سبب طرز فکر ~ خود
نفع، اقر ۲۵:۷ این را برای ~ شما می‌گویم
 ۱ اقر ۲۴:۱۰ هیچ کس در پی ~ خود نباشد
 ۱ اقر ۵:۱۳ محبت در پی ~ خود نیست
 ۲ اقر ۲:۷ برای ~ خود کسی را فریب
 فی ۴:۲ تنها به فکر ~ خود مبادید
نگران، مت ۳۴:۶ هرگز ~ فردا مبادید
 مت ۱۹:۱۰ ~ مبادید که چگونه سخن و چه
 ۱ اقر ۳۲:۷ مرد مجرب ~ امور سرور است
 فی ۶:۴ ~ هیچ چیز مبادید
نگرانی، لو ۲۵:۱۲ با ~ حتی لحظه‌ای بر عمر خود
 ۱ اقر ۳۲:۷ از ~ به دور باشید
 ۲ اقر ۲۸:۱۱ ~ برای همه جماعت‌ها
نگرانی‌ها، لو ۱۴:۸ ~، ثروت و لذت‌ها، منحرف می‌کند
نگرانی‌های، مر ۱۹:۴ ~ این دنیا و قدرت فریبنده ثروت
 لو ۳۴:۲۱ ~ زندگی دل‌های شما را گرفتار
نگهداری، ۱بط ۲۵:۲ شبانی که از جان‌های شما ~ می‌کند
نمایش، اقر ۹:۴ خدا ما رسولان را به ~ گذاشته است
 اقر ۹:۴ در میدان ~ دنیا
نماینده، یو ۲۹:۷ زیرا ~ او هستم
نمک، مت ۱۳:۵ شما ~ دنیا بید
نمکین، کو ۶:۴ سخنان شما دلنشین و ~ باشد
نمونه، اتی ۱۲:۴ برای وفاداران ~ باش
 ۱بط ۳:۵ بلکه برای گله ~ باشید
نمونه‌ای، عب ۸: همه چیز را مطابق ~ بساز
نمونه‌هایی، اقر ۵:۱۰ آن وقایع، ~ برای ما شده است
نوی، مک ۲:۲۱ نگاه کن! من همه چیز را ~ می‌سازم

نوبت خود، اقر ۲۲:۱۵ هر یک به ~ نخست مسیح
نوبت، رو ۲۳:۸ ما نیز که از ~ می‌انمان
نوح، مت ۳۷:۲۴ حضور پسر انسان همچون روزگار ~
نور، مت ۱۴:۵ شما ~ دنیا بید
 یو ۱۲:۸ ~ من دنیا هستم
 ۲ اقر ۶:۴ ~ از میان تاریکی بدرخشد
نورتان، مت ۱۶:۵ بگذارید ~ بر مردم بتابد
نوشته، رو ۴:۱۵ هر آنچه در گذشته ~ شد
 ۱ اقر ۶:۴ از آنچه ~ شده فراتر مروید
نوشته‌های مقدس، مت ۲۹:۲۲ شما نه از ~ شناختی دارید
 لو ۳۲:۲۴ ~ را توضیح می‌داد، دل ما
 اء ۲:۱۷ بر اساس ~ استدلال می‌کرد
 اء ۱۱:۱۷ هر روز ~ را بررسی می‌کردند
 رو ۴:۱۵ این ~ به ما امید می‌بخشد
 ۲ت ۱۶:۳ کل ~ از خدا الهام شده است
نیاز، مت ۳۲:۶ پدری داند که به این‌ها ~ دارید
نیازمایی، اقر ۹:۱۰ باشد که تپوه را ~
نیازمند، یو ۱۵:۲ برادر یا خواهری ~ لباس
نیرو، فی ۱۳:۲ خداست که به شما ~ می‌دهد
نیروهای غیبی، غلا ۲۰:۵ بت‌پرستی، توسل به ~
نیروی، مر ۳:۵ دریافت که ~ از او خارج
نیروی تازه، مت ۲۸:۱۱ بباید نزد من، و به شما ~
نیکنامی، ۲ اقر ۸:۶ بدنامی و ~
نیگو، رو ۷:۵ برای انسانی ~ جان خود را بدهد
نیگوئی، رو ۱۹:۷ آن ~ را که می‌خواهم نمی‌کنم
 رو ۹:۱۲ و به ~ محکم پیوندید
 غلا ۱۰:۶ بباید به همه ~ کنیم

و

وارثان، رو ۱۷:۸ ~ او نیز هستیم، یعنی ~ خدا
 غلا ۲۹:۳ نسل ابراهیم و ~ نیز هستیم
واسطه، اتی ۵:۲ بین خدا و انسان‌ها یک ~
واقعی، اتی ۱۹:۶ زندگی ~ را در خود استوار
والاتباء، اقر ۲۶:۱ از انسان‌ها حکیم یا ~
والدین، لو ۲۹:۱۸ به خاطر پادشاهی، ~ خود را ترک
 ۲ اقر ۱۶:۲۱ حتی ~ شما را تسلیم خواهند کرد
 ۲ اقر ۱۴:۱۲ انتظار نمی‌رود برای ~ بیندوند
 اف ۱:۶ مطیع ~ خود باشید
 کو ۳۰:۳ در امری مطیع ~ خود باشید
وای، اقر ۱۶:۹ ~ بر من اگر بشارت را
 مک ۱۳:۱۲ اما ~ بر زمین و دریا
وجدان، رو ۵:۱۳ بلکه همچنین به خاطر ~ خود
 ۱ اقر ۱۳:۸ و به ~ ضعیفشان آسیب می‌رسانید
 ۲ اقر ۲:۴ مورد تأیید ~ همگان باشیم
 ۱بط ۱۶:۳ ~ خود را پاک نگاه دارید
وجدان‌شان، رو ۱۵:۲ ~ نیز شهادت می‌دهد
 اتی ۲:۴ بی حس و گوئی
وجدانی، ۱بط ۲۱:۳ درخواست ~ پاک از خداست
وحدت، اقر ۱۰:۱ همگی در سخن ~ داشته باشید

ی

یادآوری، ۲ پط ۱۲:۱ این امور را به شما ~ کنم
یاور، یو ۱۴:۲۶ آن ~، یعنی روح القدس به شما
یاور، یو ۱۴:۱۶ ~ دیگر به شما خواهد داد
یاه را حمد گوید، مک ۱:۱۹ گروهی می گفتند، ~
یتیمان، یه ۲۷:۱ از ~ و بیوه زنان مراقبت کنیم
یحیی، مت ۲۵:۲۱ تعمیدی که ~ می داد از کجا بود؟
 مر ۹:۱ عیسی به دست ~ تعمید گرفت
یعقوب ۱، لو ۱۶:۶ یهودا پسر ~
یعقوب ۲، اء ۲:۱۲ ~، برادر یوحنا را بکشند
یعقوب ۳، مر ۴:۰۱۵ مریم مادر ~ کوچک
یعقوب ۴، مت ۵:۱۳ نام برادرانش ~، یوسف
 اء ۱۳:۱۵ از سخن گفتن بازایستادند، ~ گفت
 اقر ۱۷:۱۵ بر ~ ظاهر شد و بعد بر همه رسولان
 یه ۱:۱ از طرف ~، غلام خدا

یقین، رو ۲۸:۸ زیرا ~ داریم که نه مرگ، نه زندگی
 کو ۱۲:۴ خواست خداست، ~ حاصل کنید
یک، اقر ۶:۸ ~ خدا و ~ سرور وجود دارد
یکسان، رو ۴:۱۲ کار همه این اعضا ~ نیست
یکانگی، اف ۳:۴ آن ~ را که از روح است
 اف ۱۳:۴ آن زمانی که به ~ ایمان دست یابیم
یوحنا ۱، یو ۴:۲۱ تو شمعون پسر ~ هستی
یوحنا ۲، مت ۲۱:۴ یعقوب و ~ با پدرشان زبدي
یوسف، لوی ۲۲:۴ این یکی از پسران ~ نیست؟
یوغ، مت ۳۰:۱۱ زیرا ~ من راحت و
 اقر ۱۴:۶ زیر ~ نامتوزان با بی ایمانان
یهودا، مت ۳:۲۷ ~ پشیمان شد و آن ۳۰ سکه نقره را
یهودی، اقر ۲۰:۹ برای یهودیان، همچون ~ شدم
یهودیان، رو ۲۹:۳ آیا خدا فقط خدای ~ است؟
یهوه، مر ۲۹:۱۲ ~ خدای ما، ~ خدای یکتاست

اعداد

۱۷، مر ۱۴:۳ ~ نفر را رسول خواند
 ۲۲، مک ۴:۴ ~ تخت و ~ پیر
 ۷۰، لو ۱:۱۰ سرور ~ نفر را فرستاد
 ۷۷، مت ۲۲:۱۸ نه هفت بار، بلکه تا ~ بار
 ۱۰۰، مت ۱۳:۱۲ برخی ~ برابر ثمر آورد
 مت ۱۳:۱۸ اگر از ~ گوسفند یکی گم
 مر ۳۰:۱۰ در این زمان ~ برابر
 ۵۰۰، اقر ۶:۱۵ نه بیش از ~ نفر ظاهر شد
 ۶۶۶، مک ۱۸:۱۳ عدد آن ~ است
 ۱۰۰۰، مک ۲:۲۰ شیطان ~ سال در بند
 مک ۴:۲۰ به مدت ~ سال با مسیح
 ۳۰۰۰، مر ۸:۲۰ هفت نان برای ~ مرد
 ۵۰۰۰، مت ۲۱:۱۴ حدود ~ نفر غذا خوردند
 ۱۴۴,۰۰۰، مک ۴:۷ مفرشدگان، ~ نفر
 مک ۳:۱۴ ~ نفر از زمین

وسوسه، مت ۱۳:۶ ما را در ~ نشوید
 مت ۴۱:۲۶ تا تسلیم ~ نشوید

وسوسه ای، اقر ۱۳:۱۰ هر ~ که برای شما پیش آید
 وظیفه زناشویی، اقر ۳:۷ شوهر ~ را به همسرش
 وعده، عب ۲۳:۱۰ او که ~ داد، امین است
 وعده های، اقر ۲:۲۰ ~ خدا، بله شده است
 وفادار، مک ۱۰:۲ تا پای مرگ ~ بمان
 وقت، یو ۸:۷ ~ من هنوز کاملاً نرسیده
 اف ۱۶:۵ از ~ خود به بهترین نحو
 وقف، اتی ۷:۴ هدف خود ساز تا مطابق با ~ خود
 اتی ۸:۴ ~ به خدا برای همه چیز مفید است
 اتی ۱۵:۴ خود را کاملاً ~ آن کن
 اتی ۶:۶ ~ کردن خود به خدا، نفعی فراوان
 اتی ۱۲:۳ کسانی که خود را ~ خدا کنند، آزار
 ولرمی، مک ۱۶:۳ چون ~، یعنی نه سردی و نه گرم

ه

هابیل، مت ۲۵:۲۳ از خون ~ درستکار
هادی، رجوع به **گور**
هادیت، رو ۸:۱۲ آن که ~ می کند، با جدیت
 عب ۱۷:۱۳ کسانی که ~ را در میان شما
هادیت روح، غلا ۲۵:۵ مطابق ~ گام برداریم
هدیه ای، رو ۲۳:۶ ~ که خدا می دهد، حیات جاودان
هدیه ریختنی، فی ۱۷:۲ همچون ~، ریخته شوم
هر آنچه، فی ۸:۴ ~ حقیقت است، ~ پراهمیت
هراس، فی ۲۸:۱ از مخالفان ~ نداشته باشید
هزار، ۲ پط ۸:۳ یک روز همچون ~ سال است
هشدار، اقر ۱۱:۱۰ برای ~ ما نوشته شد
هفته، اقر ۲:۱۶ روز اول هر ~، میلی کنار
هلولی یاه، رجوع به **یاه را حمد گوید**
هم ایمانان، ۱ پط ۹:۵ جمیع ~ شما
همجنس یازان، اقر ۹:۶ چه فاعل و چه مفعول
همدردی، عب ۱۵:۴ با ما ~ کند
همسایه، رو ۲:۱۵ هر یک ~ خود را خوشنود سازد
همسایه ات، لو ۲۷:۱۰ ~ را مانند خودت دوست بدار
همسری، اقر ۵:۹ خواهری به ~ خود
همشکل، رو ۲:۱۲ دیگر ~ این دنیا مشبود
همکاران، اقر ۹:۳ زیرا ما ~ خداییم
همکاری، اف ۱۶:۴ تمام اعضای بدن، ~ می کنند
هموطنان، اتس ۱۴:۲ از دست ~ خود رنج کشیدید
همه مردم، کو ۲۳:۱ به ~ زیر آسمان موعظه شده است
هنر تعلیم، اتی ۲:۴ با استفاده از ~ و بردباری
هوا، اقر ۲۶:۹ به گونه ای نیست که ~ را بزیم
 اقر ۹:۱۴ سخنان شما باد ~ خواهد بود
 اف ۲:۲ آن حاکمی که بر ~ اقتدار دارد
هوشیار، مت ۱۶:۱۰ مانند مار، ~ باشید، مانند کبوتر
 اقر ۱۳:۱۶ ~ باشید، در ایمان پایدار بمانید
هولناک، عب ۳۱:۱۰ افتادن در دست خدای ~ است

واژه‌نامه عبارات کتاب مقدس

کلمات و عبارات بر اساس مفاهیم آن‌ها در کتاب مقدس توضیح داده شده‌اند.

آ

آتشدان (وسایل). یا مجمر، سینی، ظروف و ابزارهایی ساخته‌شده از طلا، نقره یا مس که در خیمه عبادت و معبد برای سوزاندن بخور، برداشتن زغال از مذبح و برداشتن فنیله چراغدان طلایی استفاده می‌شد. — خر ۲۳: ۳۷؛ ۲ تو ۴: ۲۶؛ ۱۹: ۹ ع.

آرامی (زبان). زبانی سامی وابسته به زبان عبری؛ زبان آرامی و عبری الفبای یکسان دارند. در ابتدا آرامیان به این زبان صحبت می‌کردند، اما بعدها زبان بین‌المللی برای ایجاد ارتباط و تجارت در امپراتوری سوریه و بابل شد. همچنین این زبان، زبان اداری امپراتوری فارس بود. (عز ۷: ۴) برخی بخش‌های کتاب عذرا، ازمیا و دانیال به زبان آرامی نوشته شده است. در نوشته‌های مقدس یونانی برخی کلمات آرامی به کار رفته است. — عز ۸: ۴؛ ۱۸: ۶-۸؛ ۱۲: ۷؛ ۲۶: ۱۰؛ ۱۱: ۱۰؛ دان ۴: ۲؛ ۲۸: ۷؛ مر ۳۶: ۱۴؛ ۳۶: ۹ ع.

آریوپاگوس. یا کوه مزیک، تپه‌ای بلند در آتن، شمال غربی آکروپولیس. همچنین نام محکمه‌ای که در آنجا جلسات تشکیل می‌شد. فلاسفه رواقی و اپیکوری، پولس را برای توضیح در مورد اعتقاداتش به آریوپاگوس بردند. — ا ۱۷: ۱۹.

آزادشده؛ آزاد. طی حکمرانی روم فرد «آزاد» کسی بود که از زمان تولدش آزاد بود و از تمامی حقوق شهروندی برخوردار می‌شد. اما «آزادشده» کسی بود که از بردگی آزاد شده بود. برخی رسماً آزاد می‌شدند و از حقوق یک شهروند رومی برخوردار بودند و فقط نمی‌توانستند بسمتی سیاسی داشته باشند. برخی نیز از بردگی آزاد می‌شدند، اما از حقوق شهروند رومی برخوردار نبودند. — اقر ۲۲: ۷.

آزادی در گفتار. به یونانی پُرسیا، می‌تواند به این امر اشاره داشته باشد که شخص بدون این که در

خود محدودیتی حس کند، آزادانه در مورد تعالیم مسیحی سخن گوید. همچنین می‌تواند به وضعیت شخص در مقابل خدا اشاره داشته باشد که با اعتماد و شهامت و بدون این که حس کند به شکلی نزد خدا محکوم شده است، برای پرستش به درگاه او رود. این واژه یونانی می‌تواند به مفهومی کلی‌تر به رفتار شخص در رابطه‌اش با خدا نیز اشاره داشته باشد. — ا ۳۱: ۲۸؛ اف ۱۲: ۳؛ پاورقی؛ ۱۳: ۳ اتی.

آسیا. در نوشته‌های مقدس یونانی، نام ایالتی رومی است که امروزه مناطق بخش غربی ترکیه و برخی جزایر در نزدیکی ساحل این کشور مانند ساموس و پاتموس را شامل می‌شود. مرکز آن اِفِسس بود. — ا ۱۶: ۲۰؛ مک ۴: ۱.

آلاباستر. نام عطردانی کوچک که در ابتدا از سنگی ساخته می‌شد که از نزدیک آلاباسترون در مصر می‌آمد. این عطردان معمولاً گردنه‌ای باریک داشت تا بتوان سر آن را طوری بست که عطر گرانبها نشت نکند. بعدها سنگی که برای ساخت این عطردان‌ها استفاده می‌شد به «آلاباستر» معروف شد. — مر ۳: ۱۴؛ پاورقی.

آمین. به معنی «چنین باشد» یا «آری». گرفته‌شده از واژه عبری آمَن به معنی «وفادار یا امین بودن». در تأیید سوگند، دعا یا گفته‌ای ادا می‌شد. در کتاب مکاشفه این واژه به عنوان لقبی برای عیسی به کار رفته است. — تث ۲۶: ۲۷؛ ۱ تو ۳: ۱۶؛ رو ۲۵: ۱؛ مک ۱۴: ۳.

آن شریر. لقبی که به شیطان ابلیس نسبت داده شده است؛ کسی که با خدا و معیارهای عادلانه او مخالفت می‌کند. — مت ۱۳: ۶؛ ۱ یو ۵: ۱۹.

ا

ابلیس. به معنی «تهمت‌زن» نامی است که در نوشته‌های مقدس یونانی به شیطان نسبت داده شده است، چون شیطان تهمت‌زن و مدعی

آخائیه - ایلیریکوم

اسرائیلیان خوانده شده‌اند. همچنین اسرائیل نام ۱۰ طایفه پادشاهی شمالی بود که از پادشاهی جنوبی جدا شد. بعدها مسیحیان مسح شده نیز «اسرائیل خدا» نامیده شدند. — غلا ۶:۱۶؛ پی ۳۲:۲۸؛ ۱۰:۴؛ رو ۹:۶.

آسیلیا. — به عبارت **رفتار بی‌شرمانه** مراجعه شود. **اعمال نامشروع جنسی.** به یونانی پُرِنیا. مفهوم کلی این واژه در یونانی، هرگونه عمل غیر اخلاقی جنسی که شامل زنا، فحشا، رابطه جنسی دو فرد خارج از پیوند ازدواج، همجنس‌بازی و رابطه جنسی با حیوانات نیز می‌شود. در کتاب مکاشفه به صورت مجازی از فاحشه‌ای که «بابل بزرگ» خوانده شده، صحبت می‌شود که نمایانگر ادیان کاذب است. این واژه در رابطه با این فاحشه به کار رفته است که برای کسب قدرت و ثروت با حکمرانان این دنیا معاشرت و نزدیکی می‌کند. (مک ۱۴:۸؛ ۲:۱۷؛ ۳:۱۸؛ مت ۵:۳۲؛ اء ۱۵:۲۹؛ غلا ۵:۱۹) — به واژه **فاحشه** مراجعه شود.

آفسنتین. گیاهانی علفی با طعمی بسیار تلخ و بویی خوش و قوی. در مکاشفه ۱۱:۸ «آفسنتین» دلالت بر ماده‌ای تلخ و سمی دارد.

«الف» و «ی». به یونانی آلفا و ایگما نام اولین و آخرین حرف الفبای یونانی که سه بار در کتاب مکاشفه به کار رفته و عنوانی برای خداست. در مضمون متن به معنی «نخستین و آخرین» و «آغاز و پایان» است. — مک ۸:۱؛ ۶:۲۱؛ ۱۳:۲۲.

انجیر وحشی. درختی که میوه‌هایی شبیه انجیر دارد، اما برگ‌هایش بیشتر شبیه برگ‌های درخت توت است. برخلاف درخت انجیر، این درخت همیشه سبز است. میوه‌های آن از میوه‌های درخت انجیر معمولی کوچک‌تر است و کیفیت پایین‌تری دارد. این درخت میوه فراوان می‌دهد و میوه‌های آن به صورت خوشه‌ای است. — لو ۱۹:۴، پاورقی.

ایلیریکوم. ایالتی رومی در شمال غربی یونان. پولس برای خدمت تا این ایالت سفر کرده بود. اما مشخص نیست که موعظه او تنها تا مرز

اصلی یهوه خداست؛ کسی است که به یهوه، گفته‌های نیکو و نام مقدس او اتهامات دروغ می‌زند. — مت ۱:۴؛ یو ۸:۴۴؛ مک ۱۲:۹.

آخائیه. در نوشته‌های مقدس یونانی، ایالتی رومی در جنوب یونان که مرکز آن قُرِنْتُس بود. آخائیه شامل تمامی پلوپونز و بخش مرکزی سرزمین اصلی یونان می‌شد. — اء ۱۸:۱۲.

ارابه. وسیله‌ای که دو چرخ داشت و با اسب کشیده می‌شد. از آن در جنگ‌ها همچنین برای حمل و نقل استفاده می‌شد. — خر ۱۴:۲۳؛ دا ۴:۱۳؛ اء ۲۸:۸؛ مک ۹:۹.

ارتباط با ارواح. اعتقاد بر این امر که با مرگ شخص، روح او زنده می‌ماند و این روح قادر است با انسان‌ها به خصوص از طریق یک مدیوم ارتباط برقرار کند؛ یعنی از طریق شخصی که آن روح به‌راحتی می‌تواند بر او تأثیر بگذارد. واژه یونانی «ارتباط با ارواح» فلزماکیا است و معنی تحت‌اللفظی آن «مواد مخدر؛ مصرف دارو» است. اما این واژه یونانی مفهوم ارتباط با ارواح به خود گرفت، چون در دوران باستان دارو یا مواد مخدر را وسیله‌ای به منظور توسل جستن بر نیروهای غیبی برای جادوگری می‌دانستند. — غلا ۵:۲۰؛ مک ۲۱:۸.

ارتداد. به یونانی اِپِستاسیا. گرفته‌شده از فعلی به معنی «دور ایستادن». اسم این فعل به مفهوم «ترک کردن، دست کشیدن یا سرکشی» است. «ارتداد» عمدتاً در نوشته‌های مقدس یونانی برای آنانی به کار رفته است که به پرستش حقیقی پشت کرده‌اند. — اء ۲۱:۲۱؛ ۲ تس ۳:۳.

استاندار. والی اصلی ایالتی تحت نظارت مجلس روم. او اختیار قضاوت داشت و قدرت سپاهی نیز زیر دستش بود. مجلس بر عملکرد او نظارت می‌کرد اما او از بالاترین اختیارات در آن ایالت برخوردار بود. — اء ۱۳:۷؛ ۱۸:۱۲.

اسرائیل. نامی که خدا به یعقوب داد. تمام نوادگان او نیز در هر مقطع زمانی به این نام خوانده شده‌اند. نوادگان دوازده پسر یعقوب گاه پسران اسرائیل، خانه اسرائیل، مردان اسرائیل یا

مردان مسیحی «برادران» خوانده شده‌اند، جز در سه نامه الهامی تیتوس، دوم یوحنا و یهودا.

بشارت. به یونانی یوآنگیلیون که واژه فارسی «انجیل» از آن گرفته شده است. در نوشته‌های مقدس یونانی منظور از این واژه، خبر خوش پادشاهی خدا و نجات از طریق ایمان به عیسی مسیح است. — لو ۴: ۱۸، ۴۳: ۴؛ ۴۲: ۵؛ مک ۱۴: ۶. **بغل.** یا بَغْل. یکی از خدایان کنعانیان که صاحب آسمان و بخشنده باران و باروری محسوب می‌شد. همچنین «بغل» لقبی بود که در مناطق مختلف به خدایان دیگر که کم‌اهمیت‌تر شمرده می‌شدند، داده می‌شد. در عبری این واژه به معنی «صاحب، سرور» است. — ۱ پ ۱۸: ۲۱؛ رو ۴: ۱۱.

بغلزبول. نامی که به شیطان، حاکم یا فرمانروای دیوها نسبت داده شده است. این امکان وجود دارد که این واژه تغییر یافته «بغل زَبوب» باشد؛ آن بَغل که فلسطینیان در غزقرون پرستش می‌کردند. — ۲ پ ۱: ۳؛ مت ۱۲: ۲۴.

بهای رهایی. یا فدیة. بهایی که برای رهایی از اسارت، مجازات، مصیبت، گناه یا حتی وظیفه‌ای پرداخت می‌شد. پرداخت این بها، لزوماً به صورت مالی نبود. (اش ۴۳: ۳) پرداخت فدیة در شرایطی خاص واجب بود. برای مثال، در اسرائیل تمامی نخست‌زادگان پسر یا نخست‌زاده‌های نر حیوانات، متعلق به نَهوَه بودند و لازم بود برای بیرون آوردن آنان از زیر تخصیصشان به خدمت نَهوَه، فدیة پرداخت شود. (اعد ۳: ۴۵، ۴۶؛ ۱۵: ۱۸، ۱۶) اگر گاوی خطرناک که تحت مراقبت نبود، به کسی حمله می‌کرد و او را می‌کشت، صاحب گاو برای رهایی خود از حکم مرگ، باید بهایی می‌پرداخت. (خر ۲۹: ۲۱، ۳۰) اما شخصی که به عمد کسی را به قتل می‌رساند، نمی‌توانست خود را با پرداخت فدیة رها سازد. (اعد ۳۵: ۳۱) مهم‌تر از همه در کتاب مقدس بهای رهایی یا فدیة‌ای برجسته شده است که مسیح با مرگ و قربانی خود برای رهایی انسان‌های مطیع از گناه و مرگ پرداخته است. — مز ۷: ۴۹، ۸؛ مت ۲۸: ۲۰؛ اف ۷: ۱.

این ایالت بوده یا در آن نیز موعظه کرده باشد. — رو ۱۵: ۱۹.

ایوان سلیمان. راهرویی سرپوشیده در شرق صحن بیرونی معبد اورشلیم در زمان عیسی. اعتقاد بر این بود که این ایوان، از معبد سلیمان باقی مانده بود. در آنجا عیسی در زمستان قدم زد و مسیحیان قرن اول برای پرستش در آنجا گرد هم می‌آمدند. — یو ۱۰: ۲۳، ۲۳: ۵؛ ۱۲: ۵.

ب

بت؛ بت پرستی. بت تصویر یا سمبول هر چیز واقعی یا خیالی است که مردم از آن در پرستش استفاده می‌کنند. بت پرستی، حرمت نهادن، عشق ورزیدن، پرستش کردن یا دلبستگی شدید به بت است. — مز ۴: ۱۱۵؛ ۱۶: ۱۷؛ ۱۶: ۱۰؛ ۱۴: ۱۰.

بخور. مخلوطی از روغن‌های معطر از گیاه بَلَسان و صمغ‌های مختلف که به آهستگی می‌سوزد و رایحه‌ای خوش دارد. برای مصرف در خیمه عبادت و معبد بخوری تهیه می‌شد که از چهار ماده تشکیل شده بود. صبح و شب در مذبح بخور در مکان قدس و در روز کفاره در قدس‌الاقداص سوزانده می‌شد. سوزاندن بخور مظهر دعا‌های مقبول خادمان وفادار خدا بوده است. استفاده از بخور برای مسیحیان الزامی نبوده است. — خر ۳۰: ۳۴، ۳۵؛ ۱۳: ۱۶؛ مک ۸: ۵.

برادر. در نوشته‌های مقدس یونانی، واژه «برادر» اغلب برای اعضای خانواده، هم‌وطنان یا هم‌ایمانان به کار رفته است. پطرس در پنتیکاست، یهودیانی را که از سرزمین‌های دور آمده بودند و آنان که به یهودیت گرویده بودند، همه را «برادر» خطاب کرد. (اع ۸: ۱-۲، ۱۰-۱۱، ۲۹، ۳۷) گاه برای تمایز، مردان مسیحی «برادران» و زنان مسیحی «خواهران» خوانده شده‌اند. (اقر ۷: ۱۴، ۱۵) اما واژه «برادران» فقط برای مخاطب قرار دادن مردان مسیحی به کار نمی‌رفت و در کل چنین معمول بود که جمع زنان و مردان مسیحی نیز «برادران» خوانده می‌شدند. (اع ۱: ۱۵؛ رو ۱۳: ۱؛ ۱ تس ۱: ۴) در کل نامه‌هایی که بخشی از نوشته‌های مقدس یونانی هستند، جمع زنان و

امر است که او بر زمین به صورت انسان متولد شد و موجودی روحی با بدنی انسانی نبود. این عبارت اشاره به این امر نیز دارد که عیسی پیشگویی‌ای را که در دانیال ۷: ۱۳، ۱۴ آمده بود، به تحقق می‌رساند. در نوشته‌های مقدس عبری این عبارت برای جزقیال و دانیال به کار رفته است و برجسته‌کننده تفاوت این پیام‌آوران فانی و منشأ پیام آنان بود که از سوی خداست. — حز ۳: ۱۷؛ دا ۸: ۱۷؛ مت ۱۹: ۲۸؛ ۲۰: ۲۸.

پسر خدا. یا پسران خدا. در کتاب مقدس این عبارت در موارد مختلف به کار رفته است. عمدتاً عبارت «پسر خدا» به عیسی مسیح اشاره دارد. (یو ۳: ۱۷، ۱۸) همچنین گاه به موجودات روحی که آفریده‌های خدا هستند، به آدم پیش از این که گناه کند و به انسان‌هایی که خدا بر مبنای عهدی، رابطه‌ای خاص با آنان برقرار کرده است، اشاره دارد. (ای ۱: ۶؛ لو ۳: ۳۸؛ غلا ۳: ۲۶) قوم اسرائیل در کل در چشم خدا «پسر» او بودند، چون «از جمیع قوم‌ها، قوم مخصوص» و برگزیده او بودند. — خر ۴: ۲۲، ۲۳؛ تث ۷: ۶.

پسر داوود. عبارتی که اغلب برای عیسی به کار برده می‌شد و بر این امر تأکید داشت که عیسی وارث عهد پادشاهی بود؛ همان عهدی که باید از طریق شخصی از نسل داوود به تحقق می‌رسید. — مت ۱۲: ۲۳؛ ۲۱: ۹.

پلاس. پارچه‌ای زبر که معمولاً از پشم بز تیره‌رنگ بافته می‌شد و برای ساختن کیف و ساک و نگهداری غلات به کار می‌رفت. همچنین جامه‌ای بود که در مراسم سوگواری و ماتم استفاده می‌شد. — پی ۳۷: ۳۴؛ لو ۱۰: ۱۳.

پنتیکاست. دومین عید مهم از سه عید یهودیان که تمامی مردان یهودی باید آن را در اورشلیم برگزار می‌کردند. پنتیکاست به معنی «پنجاهمین (روز)» است. این نام در نوشته‌های مقدس یونانی به کار رفته است و در نوشته‌های مقدس عبری عید حصاد و عید هفته‌ها خوانده شده است. این عید پنجاه روز بعد از ۱۶ نisan برگزار می‌شد. — خر ۲۳: ۱۶؛ ۲۲: ۳۴؛ اع ۲: ۱.

بهشت. منظور باغ و بستانی زیبا یا پارک‌مانند است. اولین باغ، عدن بود که نُهوه برای اولین زوج بشری ساخت. عیسی به خلافتی که با او بر تیر شکنجه اعدام می‌شد، خاطر نشان کرد که زمین بهشت خواهد شد. در دوم قُرنتیان ۱۲: ۴، ظاهراً این واژه به بهشت مجازی اشاره دارد و در مکاشفه ۷: ۲، به بهشت آسمانی. — غز ۴: ۱۳؛ لو ۲۳: ۴۳. **بیماری همه‌گیر.** یا وبا. هرگونه بیماری عفونی که سریع پخش شود چنان که بتواند همه‌گیر شده مرگبار باشد. — لو ۲۱: ۱۱.

پ

پادشاهی خدا. این عبارت اغلب به حکومتی که نمایانگر حاکمیت عالمگیر نُهوه خداست اشاره دارد؛ حکومتی به پادشاهی پسرش، عیسی مسیح. — مت ۱۲: ۲۸؛ لو ۴: ۴۳؛ اقر ۱۵: ۵۰.

پاک. از دید کتاب مقدس این واژه فقط به مفهوم پاک‌ی جسمی نیست، بلکه بازگشتن به وضعیتی عاری از عیب و لکه یا حفظ آن وضعیت نیز می‌باشد؛ یعنی شخص از هر آنچه او را از لحاظ اخلاقی یا روحانی ناپاک، آلوده یا فاسد می‌سازد، به دور است. در شریعت موسی این واژه به پاک بودن شخص بعد از انجام مناسکی در این خصوص اشاره دارد. — لا ۱۰: ۱۰؛ مز ۵۱: ۷؛ مت ۲۸: ۱۱؛ اقر ۶: ۱۱.

پرده. یا حجاب. پارچه‌ای که به زیبایی بافته و نقش گزوبیان بر آن دوخته شده بود. این پرده در خیمه عبادت و معبد، قدس‌الاقداص را از مکان قدس جدا می‌کرد. — خر ۲۶: ۳۱؛ ۲ تو ۳: ۱۴؛ مت ۲۷: ۵۱؛ عب ۹: ۳.

پُرَنیا. به عبارت **اعمال نامشروع جنسی** مراجعه شود.

پسح. یا پسخ، فصیح. عیدی سالانه در ۱۴ ماه آبیپ (بعدها نisan) به مناسبت آزادی اسرائیلیان از مصر. در این روز بزهای (یا بزی) را ذبح و بریان می‌کردند و با سبزی‌های تلخ و نان فطیر می‌خوردند. — خر ۱۲: ۲۷؛ یو ۶: ۴؛ اقر ۵: ۷.

پسر انسان. عبارتی که حدود ۸۰ بار در انجیل‌ها برای عیسی مسیح به کار رفته است و گویای این

تختی. یا معصیت. شکستن و زیر پا گذاشتن قانون. در کتاب مقدس مترداف با واژه «گناه» است. — مز ۳: ۵۱؛ رو ۱۴: ۵.

تعمید. تعمید دادن به معنی «غوطه‌ور کردن» به مفهوم فرو بردن در آب است. عیسی تعمید گرفتن را برای پیروانش الزامی دانست. در نوشته‌های مقدس به تعمید یحیی، تعمید با روح القدس، تعمید با آتش و تعمیدهای دیگری نیز اشاره شده است. — مت ۱۱: ۳، ۱۶؛ ۱۹: ۲۸؛ یو ۳: ۲۳؛ ۱ پط ۳: ۲۱.

تقدیس کردن. عمل یا فرایند مقدس کردن؛ جدا کردن یا مجزا کردن کسی یا چیزی به منظور استفاده در راه خدمت به یهوه خدا. همچنین به مفهوم مقدس بودن، تقدیس شدن یا پاک بودن است. — مت ۹: ۶، ۹؛ یو ۱۷: ۱۷؛ ۱ قر ۱: ۲.

توبه. در کتاب مقدس به معنی تغییر طرز فکر به همراه پشیمانی‌ای از دل به دلیل شیوه زندگی گذشته، عملی خطا یا کوتاهی در امری است. ثمره توبه خالصانه، تغییر رویه است. — مت ۳: ۸؛ اء ۱۹: ۳؛ ۲ پط ۲: ۹.

تیر. یا دار. تیری چوبی که شخص محکوم‌شده را بر آن می‌بستند. برخی قوم‌ها، محکوم را بر آن اعدام می‌کردند، برخی دیگر برای تحقیر فرد و هشدار به عموم، جسد را بر تیر نگاه می‌داشتند یا پس از کشتن به طریقی دیگر جسد را بر تیر می‌آویختند. آشوریان که در جنگ از شیوه‌های وحشیانه استفاده می‌کردند، تیری نوک تیز را از شکم تا قفسه سینه اسرا فرو می‌بردند و به این صورت آنان به همان تیر آویخته می‌شدند. اما در قانون شریعت، کسانی که مرتکب جرمی بزرگ شده بودند، برای مثال کفرگویی یا بت‌پرستی، ابتدا سنگسار یا به طریقی دیگر کشته می‌شدند و سپس جسدشان برای هشدار به دیگران بر تیر یا درختی آویخته می‌شد. (تث ۲۱: ۲۲، ۲۳) رومیان برای اعدام بر تیر از شیوه‌های مختلف استفاده می‌کردند. گاه شخص محکوم‌شده را بر تیر می‌بستند و او به مرور، شاید پس از چند روز، از شدت درد یا در اثر تشنگی، گرسنگی و تابش

پیران. به یونانی پرسبوپتس. زمانی که این واژه یونانی به مردانی اشاره دارد که مسئولیت هدایت جماعت را به عهده دارند، «پیر» یا «پیر جماعت» ترجمه شده است. واژه «پیر» در کتاب مکاشفه برای موجودات روحی در آسمان نیز به کار رفته است. — ۱ تیه ۱۷: ۵؛ مک ۴: ۴.

پیشگویی. یا نبوت. پیامی الهامی که می‌تواند آشکار ساختن خواست الهی یا اعلام آن باشد. نبوت می‌تواند تعلیمی اخلاقی، اعلام رویدادهای آینده، بیان فرمان الهی یا اعلام داوری الهی باشد. — مت ۱۴: ۱۳؛ ۲ پط ۱: ۲۰، ۲۱.

پیشوای ارشد. به نقش ضروری عیسی مسیح در آزاد ساختن انسان‌های وفادار از پیامد مرکبار گناه و رهبری آنان به حیات جاودان اشاره دارد. — اء ۱۵: ۳؛ ۳: ۵؛ عب ۲: ۱۰؛ ۲: ۱۲.

ت

تارتاروس. در نوشته‌های مقدس یونانی، به وضعیتی پست و زندان‌مانند اشاره دارد که فرشتگان نافرمان در زمان نوح به آن افکنده شدند. در اساطیر بت‌پرستان، تارتاروس به معنی سیاهچال و زندانی در ژرفای زمین برای خدایان کم‌قدرت‌تر بود. اما مسلماً در دوم پطرس ۴: ۲ فعل یونانی τάρταρον (به معنی «افکندن در تارتاروس») که برای «فرشتگانی که گناه کردند» به کار رفته است، به افکندن شدن به زندان خدایان اساطیر بت‌پرستان اشاره ندارد. بلکه به این امر اشاره دارد که خدا آنان را از جایگاه و امتیازات آسمانی‌شان به وضعیتی پست و تاریک فرو افکند؛ وضعیتی تاریک، از این جنبه که خدا دیگر مقاصد خود را برای آنان روشن نمی‌کند. همچنین آینده تاریکی نیز در انتظار آنان و فرمانروایشان شیطان ابلیس است که طبق نوشته‌های مقدس، نابودی ابدی است. پس تارتاروس به این معنی است که فرشتگان سرکش در پست‌ترین وضعیت ممکن قرار داده شده‌اند. منظور از تارتاروس، «چاه بی‌انتها» نیست که در مکاشفه ۳-۱: ۲۰ آمده است.

تیر شکنجه - حارمگدون

دیگر، مهم و تحسین برانگیز سازد؛ مانند ثروت، مقام یا شهرت. در کنار این معنی می‌تواند مفهوم نیکنامی، احترام و شوکت را نیز داشته باشد. همچنین هر چیز دیگری که باعث شود دیگران صاحب یا عامل آن را حرمتی خاص نهد، گرمای دارند. — مت ۸:۴؛ مر ۱۳:۲۶؛ یو ۱۴:۱؛ ۱۴:۱۰؛ ۳۱:۱۰

جماعت. گروهی از مردم که برای مقصود و فعالیتی خاص گرد هم می‌آیند. در نوشته‌های مقدس عبری معمولاً به قوم اسرائیل اشاره دارد. در نوشته‌های مقدس یونانی به هر یک از جماعات مسیحی اشاره دارد، اما اغلب منظور کل مسیحیان است. — ۱ پ ۲:۸؛ ۲ پ ۹:۳۱؛ رو ۵:۱۶.

چ

چاه بی‌انها. به یونانی ابوسس به معنی «بسیار عمیق» یا «غیر قابل اندازه‌گیری، نامحدود.» در نوشته‌های مقدس یونانی به مکانی محبوس یا موقعیتی محدود اشاره دارد؛ برای نمونه گور، اما مفهوم این واژه فقط به گور محدود نمی‌شود. — لو ۸:۳۱؛ رو ۷:۱۰؛ مک ۳:۲۰.

چراغ. ظرفی گلی برای ایجاد نور مصنوعی. مایعی قابل اشتعال، مثل روغن در این ظرف ریخته می‌شد و از فتیله برای مشتعل کردن آن استفاده می‌شد. روغن از فتیله بالا می‌رفت و آتش را مشتعل نگاه می‌داشت. — مر ۴:۲۱.

چرخشت. معمولاً دو حوض که از سنگ آهک طبیعی تراشیده می‌شد و یکی در ارتفاع بالاتری از دیگری قرار می‌گرفت و با راهی باریک به هم متصل بود. وقتی انگورها در حوض بالایی له می‌شدند، آب انگور به حوض پایینی می‌رفت. این واژه به صورت نمادین برای داوری خدا به کار رفته است. — مک ۱۹:۱۵.

چهار باد. در کتاب مقدس منظور از «چهار باد» آسمان یا زمین، چهار سمت شمال، جنوب، غرب و شرق است. — مت ۲۴:۳۱، پاورقی؛ مک ۱:۷.

ح

حارمگدون. برگرفته از واژه‌ای عبری، به معنی «کوه مگدون». این واژه در ارتباط با جنگی است که «پادشاهان سراسر زمین» گرد هم می‌آیند تا ضد

خورشید جان می‌داد. گاه نیز دست‌ها و پاهای شخصی محکوم‌شده را بر تیر یا دار می‌خکوب می‌کردند، عیسی به این گونه اعدام شد. (لو ۲۴:۲۰؛ یو ۱۹:۱۴-۱۶؛ ۲۵:۲۰؛ ۲۳:۳۶)

— به عبارت **تیر شکنجه** مراجعه شود.

تیر شکنجه. ترجمه واژه یونانی استاروس که به معنی تیری راست و چوبی است. عیسی را بر چنین تیری کشتند. هیچ مدرک و گواهی وجود ندارد که نشان دهد این واژه یونانی به معنی صلیب بوده است. در اصل پیش از مسیح، برای قرن‌ها بت‌پرستان از صلیب به عنوان یک سمبول مذهبی استفاده می‌کردند. «تیر شکنجه» مفهوم واژه اصلی را به خوبی می‌رساند، چون عیسی نیز از واژه استاروس برای شکنجه، سختی و مصیبت و شرمی که پیروانش با آن روبرو می‌شوند، استفاده کرد. (مت ۱۶:۲۴؛ عب ۱۲:۲) — به واژه **تیر** مراجعه شود.

ج

جادوگر. شخصی که از نیروهایی استفاده می‌کند که منشأ آن از موجودات روحی شریر است. — اء ۱۳:۶.

جامه؛ جامه زیرین؛ ردا. مردان و زنان معمولاً دو جامه بر تن می‌کردند. یکی جامه زیرین (به یونانی خثون) که لباسی آستین‌دار تا سر زانو یا مچ پا بود. جامه دیگر (به یونانی همتیون) لباسی بود که روی جامه زیرین به تن می‌کردند؛ این لباس گاه ردایی گشاد بود، اما اغلب پارچه‌ای ساده و مستطیل شکل بود که شخص می‌توانست به راحتی آن را بپوشد یا درآورد. — مت ۴:۵۰.

جذام؛ جذامی. یا یزص. بیماری پوستی حاد. در نوشته‌های مقدس این واژه تنها برای بیماری‌ای که امروزه جذام نامیده می‌شود، به کار رفته است؛ زیرا نه فقط انسان‌ها به آن مبتلا می‌شدند، بلکه به لباس‌ها و خانه‌ها نیز آسیب می‌رساند. شخص مبتلا به جذام، جذامی خوانده می‌شود. — ۱ پ ۴:۵۴؛ لو ۱۲:۵.

جلال. یا شکوه. می‌تواند به هر چیزی اشاره داشته باشد که شخص یا چیزی را در چشم شخصی

برخی از آیات به صورت نمادین به کار رفته است.
— پی ۱۰:۱۷؛ اقر ۱۹:۷؛ فی ۳:۳.

خداوند؛ سرور. واژه یونانی کوریئوس به معنی خداوند یا سرور است. این واژه یونانی می تواند به یهوه یا عیسی دلالت داشته باشد. در صورتی که منظور از آن یهوه باشد «خداوند» و اگر منظور عیسی باشد «سرور» ترجمه شده است. اگر در مضمون متن روشن نباشد که منظور کدام مفهوم این واژه بوده است، ترجمه دیگر آن در پاورقی ذکر شده است. — مت ۲۱:۷؛ ۲۵:۱۱.

خدمت مقدس. کار یا فعالیتی که مقدس شمرده می شود، چون مستقیماً در ارتباط با پرستش خداست. — رو ۱:۱۲؛ مک ۱۵:۷؛ پاورقی.

خراج. یا جزیه. در نوشته های مقدس یونانی به مالیاتی اشاره دارد که هر شخص باید پرداخت می کرد. — ند ۴:۵؛ رو ۷:۱۳.

خردل. گیاهی با رشد سریع که می تواند همچون درخت شده تا ارتفاع ۴/۵ متر برسد و ساقه مرکزی آن به اندازه قطر بازوی یک مرد شود. گل های گیاه خردل زرد رنگ و برگ های آن سبز تیره با گوشه هایی نامنظم است. دانه خردل در میان کوچکترین دانه هایی بود که کاشته می شد. — مت ۱۳:۳۱.

خرمنکوبی؛ خرمنگاه. خرمنکوبی فرایند جداسازی دانه از ساقه و کاه و خرمنگاه محل انجام این فعالیت است. برای خرمنکوبی با دست، از چوب دستی استفاده می شد، اما اگر محصول فراوان بود، از ابزارهایی خاص استفاده می کردند. محصول را در خرمنگاه که میدان مانند و مسطح بود می ریختند و حیوانات تخته ها و غلتک هایی را بر روی محصول می کشیدند. معمولاً خرمنگاه در بلندی و مکانی بادگیر قرار داشت. — لا ۲۶:۵؛ اش ۴۱:۱۵؛ مت ۱۲:۳.

خمیرمایه. ماده ای که برای تخمیر خمیر یا مایعی مصرف می شد؛ به خصوص مقداری از خمیر تخمیر شده ای که از قبل باقی مانده بود. این واژه اغلب در کتاب مقدس به عنوان نماد گناه و فساد به کار رفته است. اما در اشاره به رشد پنهانی و

یهوه خدا بجنگند؛ «جنگی که در روز بزرگ خدای قادر مطلق صورت خواهد گرفت.» (مک ۱۶:۱۴، ۱۶:۱۹-۲۱) — به عبارت **مصیبت عظیم** مراجعه شود.

حالت خلسه. وضعیتی که شخص در حال تمرکز عمیق یا حالتی خواب گونه است. معنی تحت اللفظی این واژه یونانی «کنار رفتن؛ تغییر مکان دادن» است و به صورت مجازی این مفهوم را در بر دارد که ذهن شخص به جای دیگر می رود و در وضعیت عادی نیست. کسی که به حالت خلسه فرو می رفت نسبت به محیط اطرافش نا آگاه و پذیرای گرفتن رؤیایی بود. ظاهراً گاه روح خدا سبب می شد، در ذهن شخصی که در حالت خلسه فرو رفته بود، تصویری از مقصود خدا یا رؤیایی ایجاد شود. — اء ۱۷:۲۲، ۱۸.

حبشی. اهل حبشه (نام سابق اتیوپی) سرزمینی باستانی که در جنوب مصر واقع بود، منطقه ای که امروزه جنوبی ترین بخش مصر و نیمه شمالی سودان است. — اء ۲۷:۸.

حضور. در مضمون برخی بخش های نوشته های مقدس یونانی این واژه به حضور عیسی مسیح در مقام پادشاه اشاره دارد که با بر تخت نشستن نامرئی او در مقام پادشاه مسیحایی در روزهای آخر نظام حاضر آغاز شد. حضور مسیح به این معنی نیست که مسیح می آید و فوراً بازمی گردد، بلکه به دوره ای از زمان با نشانه هایی خاص اشاره دارد. — مت ۲۴:۳.

خ

خادم جماعت. برگردان واژه یونانی دیاکُوس که اغلب «خادم» یا «خدمتگزار» ترجمه شده است. «خادم جماعت» به کسی اشاره دارد که به هیئت پیران در جماعت کمک می کند. کسانی که واجد شرایطی باشند که در کتاب مقدس ذکر شده است، می توانند افتخار این خدمت را داشته باشند. — ۱ تیم ۳:۸-۱۰، ۱۲.

ختنه. عمل برداشتن پوست ختنه گاه آلت تناسلی مرد. بر ابراهیم و نوادگان او واجب بود که ختنه شوند، اما برای مسیحیان الزامی نیست. در

خواجه - دَرَهَم

بود. در واقع این درخت نماد ضمانت خدا برای زندگی ابدی بود، به این معنی که تا زمانی که شخص از خوردن میوه درخت منع نمی‌شد، اجازه داشت که از زندگی ابدی بهره‌مند شود. در کتاب مکاشفه به درختی مجازی اشاره دارد که تدارک خدا برای ادامه حیات است. — پی ۹:۲؛ ۲۲:۳؛ مک ۷:۲؛ ۱۹:۲۲.

درستکاری. یا عدالت. در نوشته‌های مقدس، هر آنچه بر مبنای معیار خدا، درست شمرده می‌شود. این واژه در زبان اصلی به کرات در رابطه با داور یا دوری و قضاوت به کار رفته است؛ از این رو این واژه مفهوم حقوقی نیز دارد و گاه «حق» یا «عدالت» ترجمه شده است. فرد درستکار یا عادل کسی است که از خواست خدا و احکام او دنباله‌روی می‌کند و منظور شخصی نیست که صرفاً از دید انسان‌ها رفتاری نیکو دارد و اعمالی درست انجام می‌دهد. — پی ۱۵:۶؛ تث ۲۵:۶؛ صف ۳:۲؛ مت ۲۳:۳۳.

دَرَه هِنُوم. به عبری جی هِنُوم (واژه هِنُوم نیز از آن گرفته شده است) به معنی دَرَه هِنُوم (یا دَرَه جَنُوم)، به یونانی گِهِنْد نام دَرَه‌ای در جنوب غربی اورشلیم. (ار ۳۱:۷) پیشگویی شده بود که زمانی، اجساد مردگان در این دَرَه انداخته خواهد شد. (ار ۳۲:۷؛ ۶:۱۹) اما هیچ‌گاه از این دَرَه به منظور شکنجه‌گاه استفاده نمی‌شد و انسان‌ها و حیوانات را زنده برای سوزاندن به آن نمی‌افکندند. پس این مکان نمی‌توانست سمبول شکنجه‌گاهی نادیدنی باشد که انسان‌ها تا ابد در آن در آتش بسوزند. بلکه عیسی و شاگردانش به صورت سمبولیک از این عبارت استفاده کردند تا مجازات ابدی را که همان نابودی ابدی است، نشان دهند. این نابودی یا مرگ ابدی «مرگ دوم» نیز خوانده شده است. — مک ۲۰:۱۴؛ ۲۲:۵؛ ۲۸:۱۰.

دِرَهَم. در نوشته‌های مقدس یونانی، منظور سکه‌ای یونانی از نقره است که وزن آن در قرن اول ۳٫۴ گرم بود. — مت ۲۴:۱۷.

فراگیر نیز استفاده شده است. — خر ۱۲:۲۰؛ مت ۱۳:۳۳؛ غلا ۵:۹.

خواجه. مفهوم تحت‌اللفظی واژه یونانی این کلمه، مرد اخته‌شده و عقیم‌شده است. این مردان اغلب در دربار به خدمت گمارده می‌شدند و مستخدم یا خدمتگزار ملکه و زنان حرم بودند. این واژه به مردانی نیز اشاره دارد که برای وظایفی در دربار شاه گمارده می‌شدند، اما نه این که خواجه بوده باشند. همچنین به صورت نمادین برای کسی به کار رفته است که «خود را برای پادشاهی آسمان عقیم می‌کند»، به این معنی که شخص خویش‌تنداری می‌کند تا بتواند حتی بیش از پیش به خدا خدمت کند. — مت ۱۹:۱۲، پاورقی؛ اس ۱۵:۲؛ اع ۲۷:۸.

خیمه عبادت. یا مسکن. خیمه‌ای قابل حمل که اسرائیلیان بعد از خروجشان از مصر برای پرستش یَهُوه خدا استفاده می‌کردند. این خیمه «خیمه اجتماع» نیز نامیده شده است که محلی برای تقدیم قربانی و پرستش بود. همچنین صندوق عهد یَهُوه در آن قرار داشت که نشانه حضور او بود. برای بر پا کردن آن از چارچوب‌هایی استفاده می‌شد. این چوب‌ها با پارچه‌های کتانی که تصویر کزوبیان روی آن گل‌دوزی شده بود، پوشیده می‌شد. این خیمه از دو قسمت تشکیل می‌شد، قسمت اول مکان قدس و قسمت دوم، قدس‌الاقداس بود. — یوش ۱۸:۱؛ خر ۲۵:۹؛ اع ۴۴:۷.

د

دِرِپوش. یا تخت رحمت، کرسی رحمت. منظور پوشش صندوق عهد است که کاهن اعظم در روز کفار، جلوی آن خون قربانی گناه را می‌پاشید. عبارت عبری این واژه از ریشه فعلی به معنی «پوشاندن (گناه)» یا شاید «پاک کردن (گناه)» آمده است. جنس این درپوش از طلای خالص بود و دو کزوبی در دو انتهای آن نصب شده بود. — خر ۲۵:۱۷-۲۲؛ ۱ تو ۲۸:۱۱؛ عب ۵:۹.

درخت حیات. درختی در باغ عدن. در کتاب مقدس اشاره نشده است که میوه این درخت حیات‌بخش

برج‌های دیده‌بانی شهر مستقر می‌شد تا بتواند کسانی که از دوردست به شهر نزدیک می‌شوند، ببیند. معمولاً دیده‌بان در سپاه، نگهبان خوانده می‌شود. — مت ۲۷:۶۵؛ ۲۸:۴، پاورقی.

دینار. سکه نقره رومی به وزن ۳٫۸۵ گرم که بر یک روی آن تصویر قیصر ضرب شده بود. دستمزد روزانه یک کارگر یک دینار بود. همچنین رومیان به عنوان «مالیات سرانه» از یهودیان یک دینار مطالبه می‌کردند. — مت ۱۷:۲۲؛ لو ۲۴:۲۰.

دیوها. موجودات روحی شریر و نادیدنی با قدرتی مافوق بشری. در پیدایش ۲:۶ «پسران خدا» و در یهودا ۶ «فرشتگان» خوانده شده‌اند. پس آنان شریر و ناپاک آفریده نشدند، بلکه فرشتگانی بودند که در روزگار نوح با نافرمانی از خدا و پیوستن به سرکشی شیطان علیه یثوه، دشمن او شدند. — تث ۱۷:۳۲؛ لو ۸:۳۰؛ اع ۱۶:۱۶؛ یع ۱۹:۲.

ذ

ذراع. واحد طول، حدوداً به اندازه آرنج تا سر انگشت وسط. برای اسرائیلیان یک ذراع معمولاً حدود ۴۴/۵ سانتی‌متر بود. آنان از ذراع طویل‌تری نیز استفاده می‌کردند که یک وجب بزرگ‌تر از ذراع معمولی بود، حدود ۵۱/۸ سانتی‌متر. — پی ۶:۱۵؛ مت ۲۷:۶، پاورقی؛ لو ۱۲:۲۵، پاورقی؛ مک ۲۱:۱۷.

ز

راز مقدس. جنبه‌ای از مقصود خدا و رازی از طرف او. خدا خود تعیین می‌کند که چه زمانی این راز آشکار شود و چه کسانی از آن آگاه شوند. — مر ۱۱:۴؛ کو ۱:۲۶.

زَی. به معنی استاد. پیش از ولادت عیسی، به صورت عنوان و برای نشان دادن عزت و احترام به کار می‌رفت که مفهوم «بزرگ من؛ عالیجناب» داشت. فضلا، علمای دین و معلمان شریعت از مردم انتظار داشتند که آنان را با این عنوان خطاب کنند. — مت ۲۳:۶، ۷.

رستاخیز. برخاستن از مرگ؛ به یونانی آنستامیس تحت‌اللفظی به معنی «برخاستن، ایستادن»، در کتاب مقدس به نه رستاخیز اشاره شده

دریاچه آتش. محلی مجازی که مملو از «آتش و گوگرد سوزان» توصیف‌شده و «مرگ دوم» نیز نامیده شده است. گناهکارانی که از توبه سر باز می‌زنند، همچنین ابلیس و حتی مرگ و گور آدمیان (یا هادیس) در این دریاچه افکنده می‌شوند. این دریاچه مجازی است، چون آتش نمی‌تواند بر موجودی روحی، مرگ و گور اثری داشته باشد. پس منظور از «دریاچه آتش» عذاب ابدی نیست، بلکه نابودی ابدی است. — مک ۱۹:۲۰؛ ۲۰:۱۴؛ ۱۵:۲۱؛ ۸.

دست گذاشتن بر کسی. به منظور منصوب کردن شخصی برای وظیفه‌ای خاص، شفا دادن او، تخصیص برکتی یا بخشش عطیه روح‌القدس به او، بر او دست می‌گذاشتند. — اعد ۲۷:۱۸؛ اع ۱۹:۶؛ ۱۰:۲۲.

دکا پولیس. در ابتدا نام مجموعه ده شهر که متعلق به یونان بود؛ به یونانی دیکابه معنی ده و پولیس به معنی شهر است. این نام به ناحیه شرق دریای جلیل و رود اردن که بیشتر این شهرها در آن قرار داشت نیز اطلاق می‌شد. این شهرها مرکز فرهنگ و تجارت یونان باستان بود. عیسی از این ناحیه گذشت، اما گزارشی نیست که نشان دهد به این شهرها رفته باشد. — مت ۲۵:۴؛ مر ۵:۲۰.

دوران پایانی نظام حاضر. دوره زمانی‌ای که به پایان نظام حاضر یا وضعیت این دنیا که زیر نفوذ شیطان است، می‌انجامد. این دوران با حضور مسیح همزمان است. تحت راهنمایی عیسی، فرشتگان «شریران را از میان درستکاران جدا خواهند ساخت» و نابود خواهند کرد. (مت ۱۳:۴۰-۴۲، ۴۹) شاگردان عیسی می‌خواستند زمان این «دوران پایانی» را بدانند. (مت ۲۴:۳) عیسی پیش از بازگشت به آسمان، به پیروانش وعده داد که تا پایان نظام حاضر با آنان خواهد بود. — مت ۲۸:۲۰.

دیده‌بان. کسی که اغلب طی شب از مردم یا مکانی در مقابل خطرات احتمالی پاسداری می‌کند و در موقعیت‌های تهدیدکننده مردم را از خطر آگاه می‌سازد. دیده‌بان اغلب روی دیوارها و

رسول - روز کفاره

نادیدنی سرچشمه می‌گیرد (۵) موجودات روحی (۶) روح القدس یا نیروی فعال خدا. — خر ۲۱:۲۵؛ مز ۲۹:۱۰۴؛ مت ۱۲:۴۳؛ لو ۱۱:۱۳.

روح القدس. نیرویی نادیدنی که خود نیروبخش است و خدا برای انجام خواستش از آن استفاده می‌کند. این نیرو مقدس خوانده می‌شود، چون از یهوه خداست که خود به حد اعلیٰ پاک و عادل است. ضمناً خدا به وسیلهٔ این نیرو آنچه را که مقدس است، به انجام می‌رساند. — لو ۳۵:۱؛ اء ۸:۱.

رود فرات. طویل‌ترین و مهم‌ترین رودخانهٔ جنوب غربی آسیا و یکی از دو رودخانهٔ مهم در بین‌النهرین. اولین بار در پیدایش ۱۴:۲ به عنوان یکی از چهار رودخانهٔ عدن معرفی شده است. در کتاب مقدس بارها رود فرات «نهر» خوانده شده است. (پید ۲۱:۳۱) فرات در مرز شمالی منطقه‌ای که به اسرائیلیان داده شده بود، قرار داشت. — پید ۱۸:۱۵؛ مک ۱۴:۹؛ ۱۶:۱۲.

روز تهیه. نامی برای روز پیش از سَبَت هفتگی که طی آن یهودیان تدارکات لازم را برای سَبَت می‌دیدند. این روز در غروب روزی که امروزه جمعه نامیده می‌شود، به پایان می‌رسید و روز سَبَت آغاز می‌شد. برای یهودیان یک روز، زمان میان دو غروب متوالی بود. — مر ۴۲:۱۵؛ لو ۲۳:۵۴.

روز داوری. دوره‌ای از زمان که گروهی از مردم، قوم‌هایی خاص یا کل بشر باید در مقابل خدا جوابگو باشند. در چنین دوره‌ای حکم داوری آنان که مستحق مرگند به اجرا در می‌آید و برخی نیز لایق شمرده شده، فرصت می‌یابند که نجات یافته، حتی به زندگی جاودان دست یابند. عیسی مسیح و رسولانش به یک «روز داوری» اشاره کردند که در آن روز نه تنها زندگان، بلکه آنان که پیش‌تر مرده‌اند نیز داوری می‌شوند. — مت ۱۲:۳۶.

روز کفاره. مهم‌ترین روز مقدس اسرائیلیان، روز دهم ماه اِتانیم (یا تیشری). یوم کپور نیز خوانده می‌شود، گرفته‌شده از واژهٔ عبری یوم هکپوریم به معنی «روز پوشاندن». در نوشته‌های مقدس

است: از جمله رستاخیز عیسی به دست یهوه خدا. مردگانی از طریق ایلینا، اِلیشع، عیسی، پطرس و پولس رستاخیز یافتند، اما واضح است که همهٔ این معجزات به قدرت خدا انجام شده بود. برای به انجام رسیدن مقصود خدا رستاخیز «درستکاران» و «بدکاران» بر زمین لازم است. (اء ۲۴:۱۵) همچنین کتاب مقدس به رستاخیز در آسمان اشاره می‌کند که «رستاخیز نخست» یا «رستاخیز اول» نامیده شده است: برادران عیسی که به روح مسح شده‌اند، چنین رستاخیزی دارند. — فی ۳:۱۱؛ مک ۵:۲۰؛ یو ۵:۲۸، ۲۹؛ ۱۱:۲۵.

رسول. به یونانی آپوستولوس که مفهوم اصلی آن «فرستاده» است. این واژه برای عیسی و افراد به‌خصوصی به کار رفته است که برای خدمت به دیگران فرستاده شده بودند. اما اغلب برای ۱۲ شاگرد عیسی که او شخصاً به نمایندگی خود برگزید، استفاده شده است. — مر ۳:۱۴؛ اء ۱۴:۱۴.

رفتار بی‌شرمانه. به یونانی آسِلیگیا، رفتاری که تخطی جدی از قوانین خدا را به همراه دارد و شخص با وقاحت و بی‌هیچ شرمی قانون خدا را زیر پا می‌گذارد. در روحیهٔ چنین شخصی بی‌حرمتی به قدرت و اختیارات، قوانین و معیارها دیده می‌شود و حتی شاید آن‌ها را خوار بشمارد. منظور از این عبارت رفتاری نیست که به خطاهای کوچک می‌انجامد. — غلا ۵:۱۹؛ ۲ پط ۷:۲.

روح. به عبری رُواح و یونانی پنوئما. این دو واژه که اغلب «روح» ترجمه شده است، مفاهیم گوناگون دارد. تمامی مفاهیم این واژه به چیزی اشاره دارد که از دید انسان‌ها نادیدنی است و شواهدی به جا می‌گذارد که دال بر وجود نیرویی در پس آن است. این کلمات عبری و یونانی برای اشاره به موارد زیر استفاده شده است: (۱) باد (۲) نیروی حیات در جانداران زمینی (۳) روحیه، یعنی انگیزه‌ای که منشأ آن در دل شخص است و او را به گفتن چیزی یا انجام عملی به شیوه‌ای خاص برمی‌انگیزد (۴) گفته‌های الهامی که از منبعی

زؤفا. گیاهی با شاخه‌های باریک و برگ‌های ظریف برای پاشیدن خون یا آب در مراسم تطهیر. البته ممکن است گیاهی که به این نام ترجمه شده است مرزنگوش بوده باشد. شاید در یوحنا ۱۹:۲۹ مرزنگوش را به شاخه‌ای بلند متصل کرده بودند، یا ممکن است گیاهی از انواع سورگوم بوده باشد، چون این گیاه ساقه‌هایی بلند دارد و می‌شد اسفنج آغشته به شراب ترشیده را به آن وصل کنند و به دهان عیسی برسانند. —ع ۹:۱۹.

ژئوس. برترین خدا میان خدایان یونانیان. مردم لیستیره، گمان کردند که بزبانا خدایشان ژئوس است. در کتیبه‌های باستان که در نزدیک لیستیره کشف شد، به «کاهنان ژئوس» و «ژئوس، خدای خورشید» اشاره شده است. کشتی‌ای که پوئس با آن از جزیرهٔ مالت سفر کرد علامت «پسران ژئوس» را داشت که طبق اساطیر یونان، منظور کاستر و پولوکس پسران دوقلوی ژئوس بود. —ا ۱۴:۱۲؛ ۱۱:۲۸.

س

سامره. حدوداً برای ۲۰۰ سال پایتخت پادشاهی ده طایفهٔ شمالی اسرائیل بود، همچنین کل آن ناحیه به این نام خوانده می‌شد. این شهر بر کوهی به همین نام بنا شده بود. در زمان عیسی، سامره نام منطقه‌ای رومی بود که در جنوب جلیل و شمال یهودیه قرار داشت. عیسی معمولاً در سفرهایش در آن ناحیه موعظه نمی‌کرد، اما گاه درگذر از آن منطقه با اهالی آنجا صحبت کرد. زمانی که پطرس از دومین کلید مجازی پادشاهی خدا استفاده کرد، سامریان روح القدس را دریافت کردند. —ا ۱۶:۲۴؛ یو ۴:۷؛ ا ۸:۱۴.

سامریان. این واژه تا سال ۷۴۰ ق.م. به مردم پادشاهی ده طایفهٔ شمالی اسرائیل اشاره داشت. اما از آن سال، پس از تسخیر سامره به دست آشوریان، افرادی را که آشوریان از اقوام دیگر به این منطقه آوردند نیز شامل می‌شد. در روزگار عیسی، منظور از سامری، دیگر تفاوت‌های نژادی و سیاسی این مردم نبود، بلکه به آنانی اشاره داشت که به فرقهٔ مذهبی خاصی تعلق داشتند

عبری «روز کفاره» نامیده شده است. تنها در این روز سال، کاهن اعظم به قدس الاقداس وارد می‌شد تا خون قربانی‌های گناهان خود، سایر لایوان و قوم را تقدیم کند. این قربانی‌ها به قربانی عیسی اشاره داشت که یک بار برای همیشه گناهان بشر را کاملاً پوشاند و از این طریق برای آنان فرصت آشتی با پنهان فراهم شد. این روز، روز «محل مقدس» بود که قوم گرد هم آمده، روزه می‌گرفتند. همچنین روز سبت نیز محسوب می‌شد، زمانی که قوم باید از کارهای روزمره‌شان دست می‌کشیدند. —لا ۲۷:۲۷، ۲۸؛ ا ۲۷:۹؛ کو ۱:۲۰؛ ع ۹:۱۲.

روزه. پرهیز از خوردن هرگونه غذا، برای مدتی محدود. اسرائیلیان در روز کفاره، زمان گرفتاری و هنگامی که نیاز به راهنمایی الهی داشتند، روزه می‌گرفتند. یهودیان چهار بار در سال به مناسبت روزهایی که در تاریخشان فاجعه‌بار بود نیز روزه می‌گرفتند. روزه برای مسیحیان الزامی نیست. —عز ۸:۲۱؛ اش ۵۸:۶؛ مت ۴:۲؛ لوقا ۹:۱۴؛ لو ۱۸:۱۲؛ ا ۱۳:۳، ۲۷:۹.

روزهای آخر. در پیشگویی‌های کتاب مقدس، برای اشاره به زمانی که رویدادهای تاریخی به اوج خود می‌رسد از این عبارت و عباراتی مشابه، مثل «ایام بازپسین» یا «ایام آخر» استفاده شده است. (حز ۳۸:۱۶؛ دان ۱۰:۱۴؛ ا ۲:۱۷) بسته به نوع پیشگویی، منظور از این عبارت می‌تواند چند سال یا سال‌های بسیار باشد. در کتاب مقدس از این عبارت به خصوص برای «روزهای آخر» عصر یا نظام حاضر، طی حضور ناپیدنی عیسی، استفاده شده است. —تی ۳:۱؛ یو ۵:۳؛ ۲ پط ۳:۳.

ریش سفیدان. یا مشایخ. فرد سالخورده، اما اغلب در نوشته‌های مقدس برای آنان که مسئولیت و اقتداری بر گروه یا قومی دارند، استفاده شده است. —خر ۴:۲۹؛ ام ۳۱:۲۳؛ مت ۲۱:۲۳.

ز

زنا. رابطهٔ جنسی مرد یا زنی متأهل به اختیار خود با شخصی غیر از همسرش. —خر ۲۰:۱۴؛ مت ۵:۲۷؛ ۹:۱۹.

سَبَت - سنگ زاویه

اپیستکس که مفهوم حفاظت و نظارت را در بر دارد. در جماعت مسیحی واژه «پیر» به یونانی پرسبوتزس و واژه «سرپرست» هر دو به یک سمت اشاره دارد. واژه «سرپرست» بیشتر بر وظایف شخص منصوب شده و واژه «پیر» بر خصوصیات مسیحی‌ای که او در خود پرورش داده است، تأکید دارد. — اء ۲۸:۲۰؛ ۱۰:۳-۷:۲؛ ۱ پط ۵:۲.

سک. چوبی بلند با فلزی تیز بر نوک آن. دهقانان از آن برای به حرکت واداشتن حیوانات استفاده می‌کردند. پند حکیمانۀ شخص دانا به سک تشبیه شده است که شنونده را به عمل به آن پند برمی‌انگیزد. «لگد زدن به سک» عمل گاوی سرسخت را در ذهن تداعی می‌کند که برای امتناع از حرکت، به سک لگد می‌زند و در نتیجه به خود آسیب می‌رساند. — اء ۱۴:۲۶؛ ۱۳:۳۱. **سنگ آسیاب.** سنگی پهن و گرد که بالای سنگی با شکل مشابه قرار می‌گرفت و برای آسیاب و آرد کردن دانه‌ها استفاده می‌شد. میخی در مرکز سنگ پایین قرار داشت که مرکز سنگ بالایی روی آن قرار می‌گرفت. بدین ترتیب سنگ بالایی قابل چرخش بود. در زمان باستان در بیشتر خانه‌ها زنان از آسیاب دستی استفاده می‌کردند. نان روزانه وابسته به آسیاب دستی بود، از این رو شریعت ضبط و گرو گرفتن آسیاب دستی یا سنگ بالایی آن را ممنوع کرده بود. — تث ۲۴:۶؛ مر ۴:۲۹.

سنگ زاویه. سنگ‌هایی که برای به هم پیوستن دو دیوار یک بنا، یعنی در گوشه قرار می‌گیرد و برای اتصال دو دیوار اهمیت دارد. مهم‌ترین سنگ زاویه، سنگ زیربناست. اغلب برای بناهای عمومی و دیوارهای شهر از سنگی فوق‌العاده محکم، به عنوان سنگ زاویه زیربنا استفاده می‌شد. «سنگ زاویه» به صورت نمادین برای آفرینش زمین به کار رفته است. جماعت مسیحی به بنایی روحانی تشبیه شده و عیسی «سنگ زاویه زیربنای آن» خوانده شده است. — اف ۲:۲۰؛ ای ۳۸:۶.

و مجاور شکیم باستان و سامره زندگی می‌کردند. برخی اعتقادات این فرقه به نحوی بارز با اعتقادات یهودیان متفاوت بود. — یو ۴۸:۸. **سَبَت.** گرفته شده از واژه عبری به معنی «استراحت کردن؛ دست کشیدن». در فارسی سَبَات یا سَبَت نیز خوانده شده است. هفتمین روز از هفته در تقویم یهودی (از غروب جمعه تا غروب شنبه). طی سال برخی روزهای عید، همچنین هفتمین و پنجاهمین سال نیز سَبَت خوانده می‌شد. در روز سَبَت مردم باید از کار دست می‌کشیدند و تنها کاهنان بودند که باید خدمتشان را در مکان مقدس انجام می‌دادند. در سال سَبَت نباید در زمین کشت و زرع صورت می‌گرفت و یهودیانی که از یهودیان دیگر طلبی داشتند، نباید آنان را تحت فشار قرار می‌دادند. در شریعت موسی، محدودیت‌ها در سَبَت معقول بود، اما رهبران مذهبی به مرور آن را محدودتر کردند طوری که در زمان عیسی حفظ آن قوانین برای مردم دشوار بود. — خر ۸:۲۰؛ لا ۴:۲۵؛ لو ۱۳:۱۴-۱۶؛ کو ۲:۱۶.

ستاره صبح. آخرین ستاره‌ای که پیش از طلوع خورشید، در شرق نمایان می‌شود و شروع روزی جدید را خبر می‌دهد. — ۱ پط ۱:۱۹؛ مک ۲:۲۲. **ستون.** ساختاری عمودی برای کمک به نگهداری بنا یا چیزی مشابه آن. در معبد و عمارات سلطنتی‌ای که سلیمان بنا کرد، ستون‌هایی ساخته شده بود. در نوشته‌های مقدس یونانی به صورت نمادین به مفهوم حمایت (۱ تی ۳:۱۵) یا موقعیتی ماندگار (مک ۱۲:۳) به کار رفته است. — ۱ دا ۲۹:۱۶؛ ۱ پا ۲۱:۷.

سران کاهنان. در نوشته‌های مقدس یونانی ظاهراً به بزرگان طبقۀ کاهنان اشاره دارد. احتمالاً سران کاهنان از آن دسته از کاهنان اعظم که از این مقام برکنار شده بودند و از سران ۲۴ گروه تقسیم شده کاهنان تشکیل می‌شد. — مت ۴:۲۰؛ مر ۳:۸.

سرپرست. مردی که مسئولیت اصلی او در جماعت نظارت و شبانی است؛ به یونانی

سنگ‌های گرانبها:

بریل. سنگی نیمه‌گرانبها، سخت‌تر از کوارتز و اغلب به رنگ زرد مایل به سبز، اما گاه بی‌رنگ یا به رنگ‌های سبز، زرد، آبی، سفید و قرمز کم‌رنگ نیز یافت می‌شود. — مک ۲۱:۲۰.

توپاز. سنگی شفاف و سخت. توپاز می‌تواند بی‌رنگ باشد، اما به رنگ‌های گوناگون نیز یافت می‌شود از جمله، سفید، زرد، قهوه‌ای روشن، قرمز مایل به صورتی و گاه سبز یا آبی روشن. — مک ۲۱:۲۰.

زبرجد. سنگی نیمه‌گرانبها، شفاف یا نیمه‌شفاف، به رنگ‌های زرد یا سبز، ترکیبی از سیلیکات منیزیم و آهن. — مک ۲۱:۲۰.

زَرگون آبی. سنگی نیمه‌گرانبها به رنگ آبی پررنگ. — مک ۲۱:۲۰.

زمرّد. سنگی گرانبها، درخشان، به رنگ سبز که گونه‌ای از بریل است. — مک ۲۱:۱۹:۳:۴.

عقیق خرمایی. ماده معدنی‌ای نیمه‌شفاف، به رنگ قهوه‌ای مایل به قرمز که می‌توان آن را صیقل داد و به عنوان سنگ گرانبها استفاده کرد. — مک ۲۱:۲۰:۳:۴.

عقیق سارذنبیس. سنگی زینتی که از دو یا چند لایه عقیق سپید و عقیق سارد قرمز و شفاف تشکیل شده است. — مک ۲۱:۲۰.

عقیق سبز. سنگی نیمه‌گرانبها، نیمه‌شفاف به رنگ سبز روشن، نوعی کلسدونی. — مک ۲۱:۲۰.

عقیق سپید. کلسدونی سپید. کلسدونی، سنگی نیمه‌گرانبها، نیمه‌شفاف و در رنگ‌های گوناگون از جمله سفید، خاکستری، زرد، آبی و قهوه‌ای یافت می‌شود. — مک ۲۱:۱۹.

گَمّست. سنگی نیمه‌گرانبها، نوعی کوارتز بلوری با رنگ‌های ارغوانی و بنفش که برای جواهرآلات استفاده می‌شود. — مک ۲۱:۲۰.

یاقوت کبود. سنگی شفاف و گرانبها که به رنگ‌های مختلف وجود دارد. اما یاقوت آبی باارزش‌تر است. ظاهراً یاقوت کبودی که در کتاب مقدس به آن اشاره شده است، به رنگ آبی بود. — مک ۲۱:۱۹.

یَشب. یَشب‌های جدید شفاف نیست و به رنگ‌های مختلف از جمله سفید، قرمز، زرد، قهوه‌ای یا سیاه دیده می‌شود. برخی از آن‌ها در گروه سنگ‌های نیمه‌گرانبها هستند. برخی محققان بر این عقیده‌اند که سنگ‌های یَشب باستان، گرانبها تر بودند و احتمالاً واژه یَشب برای الماس به کار برده می‌شد. — مک ۴:۳:۲۱:۱۱، ۱۸، ۱۹.

سَهدَرین. شورای عالی یهود در اورشلیم. در زمان عیسی ۷۱ نفر اعضای این شورا را تشکیل می‌دادند: از جمله کاهن اعظم، کسانی که پیش‌تر کاهن اعظم بودند، برخی از اعضای خانواده آنان، ریش‌سفیدان، سران طوایف و خاندان‌ها و علمای دین. — مر ۱۵:۱؛ اء ۵:۳۴:۶، ۲۳:۱.

سوریه. در نوشته‌های مقدس یونانی سوریه ایالتی رومی بود که پایتخت آن آنطاکیه نام داشت. این ایالت بخش بزرگی از منطقه سوریه (یا آرام) را که در نوشته‌های مقدس عبری منظور است، شامل می‌شد. والی سوریه بر کل فلسطین نیز نظارت داشت. — لو ۲:۲:۱۸:۱۸:۲۱:۱.

سوگند. قسمی است برای اطمینان بخشیدن به صحت گفته‌ای یا قولی جدی که شخص برای پرهیز از کاری خاص یا انجام دادن آن می‌دهد. بارها به قولی اشاره دارد که کسی به شخصی از خود بزرگ‌تر، به خصوص به خدا می‌دهد. یَهُوه برای تأکید بر عهد خود با ابراهیم، سوگند خورد. — پی ۲۱:۲۳:۶:۱۶:۱۷.

سیرتیس. دو خلیج بزرگ و کم‌عمق نزدیک لیبی در آفریقای شمالی. در گذشته دریانوردان از آن منطقه بیم داشتند چون بر اثر جزر و مد، مرتباً محل تپه‌های شنی زیر آب تغییر می‌کرد. — اء ۲۷:۱۷.

ش

شاخ. به شاخ حیوانات اشاره دارد که به عنوان ظرفی برای نوشیدن، حقه روغن، جای دوات و مواد آرایشی به کار می‌رفت. (۱ سم ۱۶:۱۳؛ حز ۲:۹) همچنین به عنوان کرنا یعنی آلت موسیقی

شاخ‌های مذبح - ضد مسیح

صَدَقَه دادن. دادن چیزی به شخصی نیازمند. در نوشته‌های مقدس عبری مستقیماً به چنین قانونی اشاره نشده است، اما شریعت در مورد وظایف اسرائیلیان در قبال فقیران راهنمایی‌هایی مشخص داده بود. — مت ۲:۶.

صَدُوقیان، صَدُوقی. فرقه‌ای یهودی و مشهور، از مخالفان عیسی. آنان اشراف‌زادگان و کاهنانی بودند که بر فعالیت‌های معبد اختیارات فراوانی داشتند. آنان با برخی از اعتقادات فریسیان موافق نبودند؛ از جمله سنت‌های شفاهی بسیاری که فریسیان به آن‌ها پای‌بند بودند. صَدُوقیان به رستاخیز و وجود فرشتگان اعتقاد نداشتند. — مت ۱:۱۶؛ ۱۱:۲۳.

صَرع. بیماری‌ای مزمن مربوط به دستگاه اعصاب مرکزی که می‌تواند با تشنج و اختلال در هوشیاری یا بی‌هوشی همراه باشد. — مت ۱۷:۱۵.

صندوق عهد. یا تابوت عهد. جعبه‌ای ساخته‌شده از چوب اقاقیا که با طلا پوشانده شده بود. این جعبه در خیمهٔ عبادت در قدس‌الاقداس و بعدها در قدس‌الاقداس معبدی که سلیمان ساخت، نگهداری می‌شد. دو لوح ده فرمان از اشیای اصلی در این جعبه بود. — تث ۲۶:۳۱؛ ۱۹:۶؛ عب ۴:۹.

صهیون؛ کوه صهیون. در ابتدا نام شهر مستحکم یَبُوسیان در منطقهٔ یَبُوس که روی تپه‌ای در جنوب شرقی اورشلیم قرار داشت. پس از این که داوود پادشاه آن را تسخیر کرد، محل سکونتش را در آنجا بنا نمود و آن شهر «شهر داوود» خوانده شد. (۲ سم ۷:۵، ۹) پس از آن که داوود صندوق عهد را به صهیون برد، کوه صهیون مکانی خاص و مقدس برای یَهُوه گشت. بعدها منطقهٔ کوه موریّا که معبد در آن قرار داشت نیز صهیون نامیده شد و گاه کل شهر اورشلیم نیز چنین خوانده شده است. در نوشته‌های مقدس یونانی، اغلب به صورت نمادین به کار رفته است. — مز ۶:۲؛ ۱ پط ۲:۶؛ مک ۱:۴.

ض

ضد مسیح. واژهٔ یونانی این عبارت دو معنی دارد: یکی آنچه مخالف یا علیه مسیح است و دیگری

یا برای خبررسانی نیز استفاده می‌شد. (۱ پ ۳۹:۱) «شاخ» اغلب به صورت نمادین برای قدرت، پیروزی و پیروزی به کار رفته است. — تث ۱۷:۳۳؛ می ۱۳:۴؛ لو ۹:۶.

شاخ‌های مذبح. چهار برآمدگی شاخ‌مانند که از چهارگوشهٔ برخی مذبح‌ها بیرون آمده بود. — لا ۱۵:۸؛ ۱ پ ۲۸:۲؛ مک ۱۳:۹.

شام سرور. شامی شامل نان فطیر و شراب که در واقع مراسمی به یادبود مرگ اوست. نان، مظهر بدن و شراب، مظهر خون عیسی است. کتاب مقدس مسیحیان را ملزم می‌سازد که این مراسم را به یاد عیسی به جا آورند، از این رو بجاست آن را «مراسم یادبود» خواند. — ۱ قر ۱۱:۲۰، ۲۳-۲۶.

شریعت موسی. قوانینی که یَهُوه در سال ۱۵۱۳ ق.م. از طریق موسی در بیابان سینا به اسرائیلیان داد. اغلب منظور از شریعت پنج کتاب اول از کتاب مقدس است. — مت ۱۷:۵؛ لو ۲۴:۴۴.

شلاق. در نوشته‌های مقدس یونانی، منظور تازیانه‌ای است که انتهای آن گره‌دار یا خاردار بود. — یو ۱:۱۹.

شیپور. سازی فلزی و بادی که برای نواختن موسیقی و همچنین اعلام خبری استفاده می‌شود. در کتاب مقدس، شیپور به مفهوم نمادین نیز به کار گرفته شده است که اغلب برای اعلام داوری یَهُوه یا اعلام رویدادهای پراهمیت دیگر که منشأ الهی دارد، نواخته می‌شود. — ۱ قر ۱۵:۵۲؛ مک ۷:۸-۱۱-۱۵.

شیطان. به عبری بیتان به معنی «مقاومت‌کننده». زمانی که در زبان‌های اصلی با علامت معرّفهٔ بکار می‌رود به شیطان ابلیس، دشمن اصلی خدا اشاره دارد. — ای ۱:۶؛ مت ۱۰:۴؛ مک ۹:۱۲.

ص

صحن. به محوطهٔ باز حصاردار اطراف خیمهٔ عبادت و بعدها به محوطهٔ باز محصور به دیوارهای اطراف ساختمان اصلی معبد گفته می‌شد. مذبح هدایای سوختنی در صحن خیمهٔ عبادت و در صحن اندرونی معبد قرار داشت. — خر ۹:۲۷؛ ۱ پ ۱۲:۷؛ مک ۱۱:۲.

علمای دین. یا کاتبان. کسانی که از نوشته‌های مقدس عبری نسخه‌برداری می‌کردند. زمانی که عیسی بر زمین بود، این نام به مردانی اطلاق می‌شد که شریعت موسی را آموخته بودند و در آن عالم شمرده می‌شدند. آنان از مخالفان عیسی بودند. — عز ۶:۷؛ مر ۳۹: ۱۲، ۳۸: ۱۴؛ ۱: ۱۴.

عهد. توافقی یا پیمانی رسمی بین خدا و انسان‌ها یا بین انسان‌ها برای انجام دادن یا خودداری کردن از کاری. گاه فقط یکی از دو طرف باید به عهدش عمل می‌کرد (عهد یک‌جانبه یعنی قول) و گاه هر دو طرف متعهد می‌شدند (عهد دوجانبه). کتاب مقدس علاوه بر عهدهایی که خدا با انسان‌ها بست، به عهدهایی بین انسان‌ها، نژادها یا قوم‌هایی خاص یا گروهی از مردم نیز اشاره می‌کند. در میان عهدهایی که تأثیر بسزایی بر انسان‌ها داشته است، می‌توان از عهد با ابراهیم، عهد با داود، عهد با قوم اسرائیل (عهد شریعت) و عهد با اسرائیل خدا (عهد جدید) نام برد. — پی ۹: ۱۱؛ ۱۵: ۱۸؛ ۲۱: ۲۷؛ خر ۲۴: ۲؛ تو ۲۱: ۷؛ لو ۲۲: ۲۹؛ ا ۳: ۲۵؛ ۲۲: ۳؛ ع ۸: ۶.

عید خیمه‌ها. عید جمع نیز خوانده می‌شود. اسرائیلیان این عید را در ۱۵-۲۱ ماه عبری اتانیم (تیشری) به مناسبت برداشت محصول در پایان سال زراعی برگزار می‌کردند که زمان شادی و سپاسگزاری از برکات یثوه برای محصول بود. طی این روزها، اسرائیلیان برای تداعی خروحشان از مصر، در خیمه‌ها یا زیر سایه‌بان‌ها به سر می‌بردند. این یکی از سه عیدی بود که مردان باید برای بزرگاری آن به اورشلیم می‌رفتند. — لا ۲۳: ۴۴؛ عز ۳: ۴۰؛ یو ۷: ۲۰.

عید نان فطیر. از سه عید اصلی سالانه اسرائیلیان، این عید، اولین بود که از روز ۱۵ ماه نیشان، یک روز بعد از پشخ، به مدت هفت روز برگزار می‌شد. به یاد خروج از مصر، تنها باید نان بدون خمیرمایه خورده می‌شد. — خر ۲۳: ۱۵؛ مر ۱۴: ۱.

عید وقف. عیدی سالانه به منظور گرامی‌داشت پاکسازی معبد، پس از این که آنتیوخوس اپیفانیس آن را ناپاک ساخته بود. این عید

مسیح دروغین؛ یعنی آن که خود را مسیح معرفی می‌کند. پس قاعدتاً می‌توان مردم، سازمان‌ها و گروه‌هایی را ضد مسیح خواند که مخالف مسیح و شاگردان او هستند یا ادعای مسیح بودن می‌کنند یا به‌دروغ خود را نماینده مسیح می‌نامند. — یو ۱: ۲۲.

ط

طریقت. راه زندگی مسیحی. کسانی که پیرو عیسی مسیح می‌شدند، به این معنی که او را سرمشق قرار می‌دادند و ایمانشان به او در هر جنبه از زندگی‌شان نمایان بود، پیروان «طریقت» خوانده می‌شدند. — ا ۹: ۹.

طومار. لایه‌ای بلند از پوست یا پاپیروس که یک طرف آن نوشته شده بود و معمولاً آن را دور چوبی می‌پیچیدند. نوشته‌های مقدس روی طومارها نوشته و نسخه‌برداری می‌شد. در زمانی که نوشته‌های مقدس به نگارش در آمد، اغلب برای نگارش متون از طومار استفاده می‌شد. — لو ۴: ۱۷-۲۰؛ ۲: ۱۳.

طومار پوستی. طوماری که از پوست گوسفند، بز یا گاو تهیه می‌شد، پردوام‌تر از پاپیروس بود و بر آن نوشته‌های مقدس نگاشته می‌شد. ممکن است طومارهای پوستی‌ای که پولس از تیموتائوس در خواست کرد، بخشی از نوشته‌های مقدس عبری بوده باشد. برخی طومارهای دریای مرده از همین جنس است. — ۲: ۱۳.

ع

عبری. یا عبرانی. نامی که در ابتدا برای آبرام (ابراهیم) برای متمایز کردن او از همسایه‌های آموری‌اش به کار رفت. پس از آن این نام برای نوادگان ابراهیم از نسل یعقوب و زبان آنان استفاده می‌شد. در زمان عیسی، بسیاری عبارات آرامی به زبان عبری اضافه شده بود؛ عیسی و شاگردانش به این زبان صحبت می‌کردند. — پی ۱۳: ۱۴؛ خر ۳: ۵؛ ا ۲۶: ۱۴.

عصا. گاه منظور عصایی است که حکمرانان آن را به دست می‌گرفتند و مظهر قدرت سلطنت بود. — پی ۴۹: ۱۰؛ ع ۸: ۸.

غلام - فرقه

هستند که خدا آنان را بسیار پیش از انسان آفرید. در کتاب مقدس، فرشتگان «کروهرهای مقدسین»، «پسران خدا» و «ستارگان صبح» نیز خوانده شده‌اند. (تث ۳۳:۲؛ ای ۶:۳۸؛ ۷:۲۸؛ یه ۱۴) فرشتگان طوری خلق نشده‌اند که بتوانند تولید مثل کنند. آنان تک‌تک آفریده شده‌اند. تعداد آنان بسیار بیشتر از صد میلیون است. (داز ۷:۱۰) کتاب مقدس اشاره می‌کند که هر یک از آنان نامی خاص و شخصیتی متفاوت دارد. فرشتگان با فروتنی هر آنچه آنان را در مقام پرستش بالا ببرد، رد می‌کنند و اغلب حتی نام خود را نیز آشکار نمی‌کنند. (یه ۳۲:۲۹؛ لو ۱:۲۶؛ مک ۲۲:۸، ۹) آنان مقام‌های مختلف دارند و وظایف گوناگون؛ از جمله خدمت در پیشگاه تخت یهوه، رساندن پیام او، پشتیبانی از خادمان یهوه خدا روی زمین در شرایط خاص، اعمال داوری خدا و حمایت از موعظه بشارت. (۲ پ ۱۹:۳۵؛ مز ۳۴:۷؛ مت ۱۱:۴؛ لو ۱۰:۳۰؛ مک ۵:۱۱؛ ۱۴:۶) فرشتگان در آینده در جنگ حارم‌گذون از عیسی پشتیبانی خواهند کرد. — مک ۱۹:۱۴، ۱۵.

فرشته ارشد. «ارشد» بودن این فرشته و این نکته که در کتاب مقدس این نام تنها به صورت مفرد به کار رفته است، نشان می‌دهد که فقط یک فرشته ارشد وجود دارد. کتاب مقدس این فرشته را میکائیل معرفی می‌کند. — داز ۱۲:۱؛ یه ۹؛ مک ۷:۱۲.

فرعون. عنوانی برای پادشاهان مصر. در کتاب مقدس از پنج فرعون نام برده شده است (شیشق، ستو، تزهافه، نکوه، خُفرغ). اما نام دیگر فراعنه ذکر نشده است، از جمله نام فراعنه‌ای که در ارتباط با ابراهیم، موسی و یوسف بودند. — خر ۱۷:۴؛ رو ۹:۱۷.

فرقه. گروهی از مردم که اعتقادات خاص خود را دارند و گاه از یک رهبر پیروی می‌کنند. در کتاب مقدس به «فرقه فریسی» و «فرقه صدوقی» اشاره شده است که دو شاخه اصلی از دین یهود بودند. غیرمسیحیان، مسیحیت را «فرقه» یا

هشت‌روزه در روز ۲۵ ماه کیسلو آغاز می‌شد. — یو ۱۰:۲۲.

غ

غلام. در زمانی که کتاب مقدس نگاشته شد، بردگی رواج داشت. برخی اربابان با غلامان خود بدرفتاری و برخی دیگر با آنان با مهریانی رفتار می‌کردند. مسیحیان، غلام خوانده می‌شوند؛ زیرا با خون پرارزش عیسی مسیح خریده شده‌اند. آنان که تعمیم مسیحی می‌گیرند، متعلق به خدا و عیسی مسیح و غلامان آنان می‌شوند. — خر ۲:۲۱؛ رو ۱:۱؛ ۱ پط ۲:۱۶.

ف

فاحشه. یا روسپی. شخصی که خارج از پیوند ازدواج رابطه جنسی دارد، به خصوص در ازای دریافت پول. (به یونانی پُرده که از ریشه واژه‌ای به معنی «فروختن» آمده است.) این کلمه اغلب برای زنان به کار می‌رود، اما در کتاب مقدس در مورد مردان نیز به کار رفته است و گاه لواط خوانده شده است. این عمل در شریعت موسی محکوم شده بود و پولی که از این طریق کسب می‌شد، مجاز نبود که در خیمه یا معبد یهوه به عنوان اعانه داده شود؛ در حالی که در آن زمان در معابد بت‌پرستان کسب درآمد از طریق زنان رواج داشت. (تث ۲۳:۱۷، ۱۸؛ ۱ پ ۲۴:۱۴) در کتاب مقدس از این واژه به صورت نمادین نیز استفاده شده است و به افراد، اقوام یا سازمان‌هایی اشاره دارد که ادعای خداپرستی می‌کنند، اما پرستششان به شکلی با بت‌پرستی همراه است. برای مثال، در کتاب مکاشفه «بابل بزرگ» به صورت فاحشه‌ای توصیف شده است چون برای سود مالی و کسب قدرت با حکمرانان این دنیا رابطه دارد. — مک ۱:۱۷-۵؛ ۳:۱۸؛ ۱ تو ۲۵:۵.

فرشتگان. به عبری מַלְאָךְ و یونانی ἄγγελος. معنی تحت‌اللفظی هر دو واژه «پیام‌آور، قاصد» است، اما زمانی که این کلمات در زبان اصلی به پیام‌آورانی اشاره دارد که موجودات روحی بوده‌اند، «فرشته» ترجمه شده است. (یه ۷:۱۶؛ ۳:۳۲؛ مت ۱۱:۱۰؛ مک ۸:۲۲) فرشتگان موجودات روحی پرقدرتی

ق

قامت. واحد طول برای اندازه‌گیری عمق آب برابر ۱٫۸ متر.— اء ۲۷:۲۸.

قدس‌الاقداس. یا مکان اقدس. داخلی‌ترین مکان از خیمهٔ عبادت و معبد، مکانی که صندوق عهد در آن گذاشته می‌شد. به غیر از موسی، تنها کسی که اجازه داشت به قدس‌الاقداس داخل شود، کاهن اعظم بود. او اجازه داشت، تنها یک بار در سال، در روز کفاره وارد قدس‌الاقداس شود.— خر ۲۶:۳۳؛ لا ۲:۱۶؛ ۱۷:۱؛ پ ۱۶:۶؛ عب ۹:۳.

قربانی. آنچه به حضور خدا به نشان قدردانی، قبول تقصیر و ایجاد دوبارهٔ رابطه‌ای خوب با او، تقدیم می‌شد. گذراندن قربانی با هابیل آغاز شد و از آن زمان تا زمانی که عهد شریعت موسی گذراندن قربانی را الزامی شمرد، برخی داوطلبانه قربانی‌های گوناگون تقدیم می‌کردند، از جمله قربانی حیوانات. پس از این که عیسی جان‌ش را به عنوان قربانی‌ای کامل فدا کرد، دیگر نیازی به گذراندن قربانی حیوانات نبود. البته مسیحیان همچنان قربانی‌های روحانی به خدا تقدیم می‌کنند.— پی ۴:۴؛ عب ۱۳:۱۵؛ ۱۶:۱؛ یو ۴:۱۰.

قربانی گناه. قربانی‌ای که برای گناهان غیرعمدی که به دلیل ناکاملی انجام شده بود، تقدیم می‌شد. شخص گناهکار برای پوشاندن گناه خود باید بر اساس موقعیت و شرایط قربانی‌های مختلف می‌گذراند؛ این قربانی می‌توانست گاو نر یا حتی کبوتر باشد.— لا ۴:۲۷، ۲۹؛ عب ۱۰:۸.

قرعه. سنگریزه یا تکه‌ای کوچک از چوب یا سنگ که برای اتخاذ تصمیمی از آن استفاده می‌شد. این‌ها را در تایی لباس یا در ظرفی می‌گذاشتند، سپس آن را تکان می‌دادند. قرعه‌ای را که می‌افتاد یا کشیده می‌شد، انتخاب می‌کردند. اغلب به همراه دعا انجام می‌شد.— مت ۲۷:۳۵؛ اء ۱:۲۶.

قنطار. بزرگ‌ترین واحد وزن و واحد پول عبری. وزن آن ۳۴۲ کیلوگرم بود. در برخی ترجمه‌های فارسی «وزنه» ترجمه شده است. قنطار یونانی

«فرقهٔ ناصری» می‌نامیدند، احتمالاً به این دلیل که آن را منشعب‌شده از دین یهود می‌دانستند. فرقه‌هایی نیز در جماعت مسیحی به وجود آمد از جمله «فرقهٔ نیکولائوس» که در کتاب مکاشفه به آن اشاره شده است.— اء ۵:۱۷؛ ۱۵:۵؛ ۲۴:۵؛ ۲۸:۲۲؛ مک ۲:۶؛ پ ۲:۱۲.

فریسیان، فریسی. فرقه‌ای یهودی و مشهور در قرن اول میلادی. از نوادگان کاهنان نبودند، اما در حفظ قوانین شریعت موشکافی می‌کردند. برای سنت‌های شفاهی در حد قوانین شریعت ارزش قائل بودند. (مت ۲۳:۲۳) شدیداً با تأثیر فرهنگ یونانی مخالف بودند و در مقام عالمان شریعت و سنت بر مردم اقتدار خاصی داشتند. (مت ۲۳:۲-۶) برخی نیز از اعضای سنهدرین بودند. اغلب با عیسی در خصوص حفظ سنت، سنت‌ها و هم‌نشینی با گناهکاران و خراجگیران مخالفت می‌کردند. برخی نیز مسیحی شدند، از جمله سوئس تارسوسی.— مت ۹:۱۱؛ ۱۲:۱۴؛ مر ۵:۷؛ لو ۶:۲؛ اء ۲۶:۵.

فسادناپذیر. فسادناپذیر به هر نوع کالبد یا بدنی اشاره دارد که زوال نمی‌پذیرد و نابود نمی‌شود.— اء ۱۵:۴۲.

فطیر. به نانی اشاره دارد که به خمیر آن، خمیرمایه اضافه نشده است.— تث ۱۶:۳؛ مر ۱۴:۱۲؛ اء ۵:۸.

فناناپذیری. آنان که از حیات فناناپذیر برخوردار می‌شوند، زندگی‌ای بی‌پایان و نابودنشده‌ی خواهند داشت.— اء ۱۵:۵۴.

فیلسوفان اپیکوری. پیروان اپیکوروس، فیلسوف یونانی (۳۴۱-۲۷۰ ق.م.) که اساس محور فلسفهٔ آنان این بود که مقصود اصلی زندگی خوشگذرانی و لذت است.— اء ۱۷:۱۸.

فیلسوفان رواقی. گروهی از فیلسوفان یونانی که بر این عقیده بودند که از طریق استدلال و پذیرفتن قانون طبیعت می‌توان به سعادت رسید. آنان شخصی را دانا و حکیم می‌شمردند که نسبت به درد و لذت بی‌تفاوت بود.— اء ۱۷:۱۸.

قیصر - کوزه گر

کُز. به یونانی کوروس. واحد حجم که برای جامدات و مایعات به کار می‌رفت. بر مبنای حجم تقریبی شناخته شده از واحد بَت (به یونانی باتوس) کُز برابر با ۲۲۰ لیتر است. — ۱۱:۵؛ لو ۷:۱۶؛ پاورقی.

کُزویسان، کُزویی. فرشتگانی که مقامی رفیع و وظایفی مخصوص دارند. این فرشتگان با سرافین متفاوتند. — پی ۲۴:۳؛ خر ۲۵:۲۰؛ اش ۳۷:۱۶؛ عب ۹:۵.

کلدانیان. مردمی که در منطقه دلتای رودخانه‌های دجله و فرات زندگی می‌کردند. در گذشته اور، مهم‌ترین شهر کلدانیان بود، شهری که ابراهیم در آن زندگی می‌کرد. — اء ۷:۴.

کُنُدر. صمغ خشک شده درخت و درختچه‌هایی از چند گونه خاص از سرده بُسولیا. هنگامی که سوخته می‌شد، بویی معطر و شیرین داشت. یکی از مواد بخور مقدس بود که در خیمه عبادت و معبد استفاده می‌شد. به همراه قربانی آردی نیز تقدیم می‌شد و در مکان قدس در هر ردیف درکنار نان تقدیمی (نان تَقْدِیمه) قرار داده می‌شد. — خر ۳۰:۳۴-۳۶؛ لا ۱۰:۲۴؛ ۷:۲۴؛ مت ۱۱:۲.

کُنده. وسیله‌ای برای بستن و مجازات. یک نوع آن به گونه‌ای بود که فقط پاهای شخص در آن قرار می‌گرفت. نوع دیگری نیز وجود داشت که تمام بدن را در حالتی غیرعادی نگاه می‌داشت؛ برای نمونه کنده‌ای که پاها، دست‌ها و گردن شخص در آن قرار می‌گرفت. — ار ۲۰:۲؛ اء ۱۶:۲۴.

کُنِیسه. واژه‌ای به معنی «گردهم آوردن؛ تجمع» اما در اغلب آیات به معنی ساختمان یا محلی است که یهودیان برای خواندن نوشته‌های مقدس، آموزش، موعظه و دعا گرد هم می‌آمدند. در روزگار عیسی، در اسرائیل هر شهر نسبتاً بزرگ یک کنیسه داشت و شهرهای بزرگتر بیش از یک کنیسه داشتند. — لو ۱۶:۴؛ اء ۱۴:۱۳؛ ۱۵.

کوزه گر. سازنده کاسه، بشقاب و ظرف‌های گلی دیگر. ترجمه تحت‌اللفظی کلمه عبری این واژه، «شکل دهنده» است. اختیار شکل دهنده‌ای که

وزن کمتری داشت، حدود ۲۰۴ کیلوگرم. — ۱ اتو ۱۴:۲۲؛ مت ۱۸:۲۴.

قیصر. عنوان امپراتوران روم. سزار نیز گفته می‌شود. سزار نام خانوادگی رومی است و بعدها عنوان امپراتوران روم شد. نام‌های آگوستوس، تیبریوس و کلودیوس با این عنوان در کتاب مقدس به کار رفته است و با این که نام نرون در کتاب مقدس نیامده است، عنوان «قیصر» به او نیز اشاره دارد. در نوشته‌های مقدس یونانی این واژه برای حکومت یا دولت نیز به کار رفته است. — مر ۱۷:۱۲؛ اء ۱۲:۲۵.

ک

کاه. پوسته دانه که هنگام خرمن‌کوبی و باد دادن از دانه جدا می‌شود. کاه به صورت استعاری نماد چیزی بی‌ارزش و ناخوشایند است. — مر ۴:۱؛ مت ۳:۱۲.

کاهن. مردی که رسماً نماینده خدا برای مردمی بود که به آنان خدمت می‌کرد و آنان را در مورد خدا و قوانین او راهنمایی می‌نمود. کاهن نماینده مردم در حضور خدا نیز بود. از طرف مردم قربانی می‌گذراند، برای آنان شفاعت می‌کرد و خواسته‌هایشان را به حضور خدا می‌برد. پیش از این که شریعت موسی پایه‌گذاری شود، سرپرست خانواده نقش کاهن را برای خانواده داشت. در شریعت موسی، کاهنان مردانی از خاندان هارون بودند و دیگر مردان طایفه لاوی دستیارشان. با برقراری عهد جدید، اسرائیل خدا قوم کاهنان شد و عیسی مسیح کاهن اعظم. — خر ۴۱:۲۸؛ عب ۹:۲۴؛ مک ۵:۱۰.

کاهن اعظم. یا رئیس گهنه. در شریعت موسی، کاهن اصلی که نماینده مردم در مقابل خدا بود و بر دیگر کاهنان نظارت می‌کرد. تنها او اجازه داشت که به قدس الاقداس، داخلی‌ترین قسمت خیمه عبادت و بعدها معبد وارد شود. او تنها یک بار در سال در روز کَفَّاره چنین می‌کرد. عبارت «کاهن اعظم» برای عیسی مسیح نیز به کار رفته است. — لا ۲:۱۶؛ ۱۷؛ ۱۰:۲۱؛ مت ۲۶:۳؛ عب ۴:۱۴.

٩

۵۱

ل

لطف: ترجمه واژه‌ای یونانی که مفهوم اصلی آن به چیزهایی مربوط است که خوشایند و جذابند. این واژه اغلب برای هدیه‌ای حاکی از مهربانی یا بخشیدن چیزی با مهربانی، استفاده شده است. زمانی که به لطف خدا اشاره می‌شود،

می‌شد. — خر ۳۹:۳۸، ۱پا ۲۰:۶؛ مت ۵: ۲۳، ۲۴؛ لو ۱۱:۱؛ اء ۲۳:۱۷.

مُز. صمغی معطر از بوته‌ها و درختچه‌هایی خاردار از سترده کامیفورا. مُز یکی از مواد تشکیل‌دهنده روغن مسح مقدس بود. از این ماده برای معطر کردن لباس یا بستر استفاده می‌شد و برای چرب کردن بدن و ماساژ، آن را با روغن می‌آمیختند. با مخلوط کردن مُز با شراب، نوشیدنی گیج‌کننده و رخوت‌آوری تهیه می‌شد. همچنین برای آماده کردن جسد برای خاکسپاری از مُز استفاده می‌کردند. — خر ۲۳:۳۰؛ ام ۱۷:۷؛ مر ۲۳:۱۵؛ یو ۱۹:۳۹.

مزمور. سرودی برای حمد و ستایش خدا. پرستندگان با موسیقی این سرودها را می‌خواندند: از جمله زمانی که برای پرستش یَهُوه خدا در معبد خدا در اورشليم گرد هم می‌آمدند. — لو ۴۴:۲۰؛ اء ۱۳:۱۳؛ یع ۱۳:۵.

مسح کردن. واژه عبری این فعل اساساً به معنی «به مایع آغشتن» است. مسح کردن فرد یا چیزی به روغن، سمبول وقف آن شخص یا آن چیز برای خدمتی خاص بود. در نوشته‌های مقدس یونانی، این واژه برای ریخته شدن روح القدس بر برگزیدگانی که امید خدمت در آسمان را دارند، به کار رفته است. — خر ۴۱:۲۸؛ اسم ۱۶:۱۳؛ لو ۱۸:۴؛ اء ۲۸:۱۰؛ ۲قر ۲:۲۱.

مَسند داوری. معمولاً سکویی پله‌دار در محوطه‌ای باز که صاحب‌منصبان در جایگاهی که روی آن بود، می‌نشستند و می‌توانستند جمعیت را از بالا مخاطب قرار داده، تصمیماتشان را اعلام کنند. عبارت «مَسند داوری خدا» و «مَسند داوری مسیح» به صورت مجازی به تدارکات یَهُوه برای داوری بر انسان‌ها اشاره دارد. — رو ۱۰:۴؛ ۲قر ۵:۱۰؛ یو ۱۹:۱۳.

مسیح. عنوان عیسی، به یونانی کُرسُثُس و به عبری مَشیخ به معنی «مسح‌شده» یا «انتخاب‌شده» است. — داذ ۲۵:۹؛ مت ۱۶:۱؛ یو ۴۱:۱.

مسیحی. نامی که خدا به پیروان عیسی مسیح داده است. — اء ۲۶:۱۱؛ ۲۶:۲۶.

مباشر. یا کارگزار. کسی که سرپرستی خانه یا مایملک دیگری را بر عهده دارد. مباشر می‌توانست مردی آزاد یا غلامی قابل اعتماد باشد. — لو ۱۲:۴۲؛ ۱۶:۱۰.

مَثَل. گفته‌ای حکیمانه یا حکایتی کوتاه که در آن درسی آموزنده یا حقیقتی عمیق نهفته است. مَثَل‌های کتاب مقدس گاه به صورت معما یا گفته‌ای به فکر فروبرنده بیان شده‌اند. مَثَل، به شکلی گویا اغلب به صورت استعاره، حقیقتی را در بر دارد. برخی مَثَل‌ها برای تمسخر یا تحقیر افرادی خاص رایج بود. (جا ۹:۱۲؛ ۲بط ۲:۲۲) گاه واژه مَثَل ترجمه واژه یونانی پارابولی است که در واقع مفهوم تشبیه دو چیز را دارد، معنی تحت‌اللفظی این واژه یونانی «در کنار هم قرار دادن یا با هم قرار دادن» است. این شیوه سخن که در آن برای توضیح امری «آن را در کنار چیزی مشابه، قرار می‌دادند، وسیله‌ای برای تعلیم دادن و رساندن یک ایده بود. — مر ۴:۳۰.

محبت. یا دوست داشتن. این دو واژه گاه برگردان واژه یونانی آگاهیه است. آگاهیه به معنی محبتی است بر پایه اصول که می‌تواند همراه با علاقه و دلبستگی نیز باشد. (مت ۲۲:۳۹؛ یو ۳:۱۶) گاه «دوست داشتن» برگردان واژه یونانی فیلیو به معنی «دلبستگی و علاقه داشتن» یا «دوست بودن» است. این واژه یونانی برای بیان رابطه‌ای بسیار نزدیک و صمیمی استفاده می‌شود: همچون رابطه گرم میان اعضای خانواده‌ای صمیمی یا دو دوست نزدیک. — یو ۵:۲۰.

مذبح. سکو یا میزی ساخته‌شده از سنگ، گل، سنگی یک تکه یا چوبی پوشیده‌شده از فلز که بر آن به منظور پرستش، قربانی یا بخور معطر تقدیم می‌شد. در قسمت اول خیمه عبادت و معبد، «مذبح زین» کوچکی برای تقدیم بخور قرار داشت: این مذبح از چوبی طلاندود ساخته شده بود. مذبحی بزرگ‌تر نیز برای هدایای سوختنی در صحن خیمه و معبد قرار داشت. در پرستش کاذب نیز از مذبح‌ها استفاده

وابسته به نیرویی فوق طبیعی است. گاه در کتاب مقدس کلماتی همچون «نشانه»، «عجایب» یا «آیت» به مفهومی مشابه به کار رفته است. — مت ۲۰:۱۱؛ اء ۲۲:۴؛ عب ۲:۴.

مقبره یادبود. محل قرار دادن فرد متوفی. در یونانی این عبارت «نیمایون» است که از فعلی به معنی «یادآوری کردن» مشتق شده است، به این مفهوم که فرد متوفی از یاد نرفته است. — یو ۲۸:۵، ۲۹.

مقدس؛ قدّوسیت. مقدّس، خصوصیتی که ذات یَهُوه خداست؛ قدّوسیت، وضعیتی از لحاظ اخلاقی کاملاً پاک. (خر ۳۶:۲۸؛ اسم ۲:۲؛ یو ۱۷:۱۱) واژه عبری یا یونانی زمانی که برای انسان‌ها (مر ۲۰:۶؛ اء ۲۱:۳) چیزها، (رو ۱۲:۷؛ ۱۶:۱۱؛ ۲۱:۳) مکان‌ها، (مت ۵:۴؛ اء ۳۳:۷؛ عب ۹:۱) و فعالیت‌ها (خر ۴:۳۶) به کار رفته است، به مفهوم جداسازی یا تقدیس شده برای خداست، یعنی کنار گذاشته شده برای خدمت به یَهُوه. در نوشته‌های مقدّس یونانی واژه‌هایی که «مقدس» و «قدّوسیت» ترجمه شده است به رفتار پاک شخص نیز اشاره دارد. — ۲ قر ۱:۷؛ ۱ پط ۱:۵، ۱۶. **مقدّسان.** در نوشته‌های مقدّس یونانی، آنان که از طریق عهد جدید رابطه‌ای خاص با خدا یافته‌اند و از طریق «خون عهد» یعنی خون ریخته‌شده عیسی، تقدیس و پاک شده و برای خدمتی منحصر به خدا برگزیده شده‌اند. (عب ۲۹:۱۰؛ ۲۰:۱۳) به تمام کسانی که در اتحاد با مسیح آورده شده‌اند و با او هم‌ارث هستند، «مقدّسان» گفته می‌شود. اغلب تمامی برادران روحانی مسیح در جماعات، «مقدّسان» خوانده شده‌اند. — رو ۷:۱؛ ۱ قر ۲:۱.

مقدونیه. منطقه‌ای در شمال یونان که در زمان اسکندر کبیر شهرت یافت و تا زمان استیلای رومیان مستقل ماند. در زمان سفر اول پولّس رسول به اروپا، مقدونیه ایالتی رومی بود. پولّس سه بار به آن منطقه سفر کرد. — اء ۱۶:۹.

مکان قدس. اولین قسمت خیمه عبادت یا معبد که مجزا و بزرگ‌تر از داخلی‌ترین قسمت یعنی قدس‌الاقداّس بود. در خیمه عبادت در مکان

مَشک. جای نگهداری شراب که از تمام پوست حیوان درست شده بود؛ حیواناتی مثل بز یا گوسفند. شراب را در مَشک نو می‌ریختند، زیرا با تخمیر بیشتر شراب دی‌اکسید کربن تولید می‌شد و این گاز از درون به پوست فشار می‌آورد؛ پوست‌های نو انبساط می‌یافت، اما این فشار پوست‌های کهنه را که دیگر انعطاف‌پذیر نبود، می‌ترکاند. — یوش ۴:۹؛ مت ۱۷:۹.

مصیبت عظیم. مفهوم واژه یونانی‌ای که «مصیبت» ترجمه شده است، عذاب و رنجی است که در شرایط سخت پیش می‌آید. عیسی از «مصیبتی عظیم، و بی‌سابقه صحبت کرد که مربوط به مصیبتی بود که اهالی اورشلیم با آن روبرو می‌شدند. همچنین به خصوص مربوط به مصیبتی است که بعدها همه انسان‌ها با آن روبرو خواهند شد؛ مصیبتی که در ارتباط با زمان «آمدنش با جلال عظیم، است. (مت ۲۴: ۲۱-۲۹) پولّس این مصیبت را عمل عادلانه خدا توصیف کرد که بر ضدّ کسانی است که «او را نمی‌شناسند و بشارت در مورد عیسی را به گوش نمی‌گیرند»، مکاشفه باب ۱۹ آشکار می‌کند که عیسی، سپاهیان آسمانی را بر ضدّ «وحش و پادشاهان زمین و سپاهیان‌شان» هدایت خواهد کرد. (۲ تس ۱:۶-۸؛ مک ۱۱-۱۹) همچنین «گروهی عظیم» از این مصیبت نجات خواهند یافت. (مک ۹:۷، ۱۴) — به واژه **حارمگدون** مراجعه شود.

معبد. یا هیکل. بنایی در اورشلیم و مرکز ثابت پرستش اسرائیلیان که جایگزین خیمه عبادت شد. اولین معبد را سلیمان پادشاه ساخت که بابلیان آن را نابود کردند. پس از این که تبعیدیان اسرائیلی از بابل بازگشتند، زَرْبَابِل دوباره معبد را بنا کرد و بعدها هیرودیس کبیر آن را بازسازی کرد. در نوشته‌های مقدّس، گاه «خانه» خوانده می‌شود. — مت ۲۱:۱۳؛ ۲۳:۳۸؛ ۱ تو ۲:۲۹؛ ۲ تو ۴:۲؛ مت ۲۴:۱.

معجزه؛ اعمال خارق‌العاده. عمل یا پدیده‌ای که فرای تمامی قدرت‌های شناخته‌شده بشر است و

می‌کردند. همچنین مُهر به صورت نمادین برای نشان اعتبار، به علامت مالکیت یا به نشان چیزی پنهان و مخفی استفاده شده است. — مت ۲۷:۶۶؛ یو ۶:۲۷؛ اف ۱۳:۱؛ مک ۱:۵؛ ۴:۹.

میل. واحد طول که تنها یک بار در نسخه‌های اصلی نوشته‌های مقدّس یونانی در متی ۴۱:۵ آمده است. احتمالاً به میل رومی اشاره دارد که معادل ۱۴۷۹٫۵ متر بوده است.

ن

ناپاک. یا نجس. می‌تواند به مفهوم ناپاکی جسمی یا شکستن قانونی اخلاقی باشد. در کتاب مقدّس اغلب این واژه به آنچه در شریعت موسی نادرست محسوب می‌شد، اشاره دارد. (لا ۲:۵؛ ۴۵:۱۳؛ مت ۱۰:۱۰؛ اء ۱۴:۱۰؛ اف ۵:۵) — به واژه **پاک** مراجعه شود.

ناردین. گیاهی از گونه ناردُستیکس جَمَمانسی که روغنی معطر و گرانبها به رنگ قرمز روشن از آن گرفته می‌شود. به دلیل قیمت بالای روغن این گیاه، آن را با روغن‌های کم‌ارزش می‌آمیختند و گاه حتی روغنی تقلبی را به جای آن استفاده می‌کردند. مَرُقس و یوحنا به «روغن خالص» اشاره کرده‌اند که برای عیسی مصرف شد. — مر ۳:۱۴؛ پاورقی: یو ۱۲:۳؛ پاورقی.

ناصری. نامی برای عیسی، به معنی اهل شهر ناصره. احتمالاً واژه عبری نَتِیسَر که در اِشغیا ۱:۱۱ «شاخه» ترجمه شده است، به این واژه وابسته است. بعدها این نام برای پیروان عیسی نیز به کار می‌رفت. — مت ۲۳:۲؛ اء ۲۴:۵.

نان تقدیمی. یا نان تقدیمه. دوازده گردۀ نان که در مکان قدس در خیمۀ عبادت و معبد روی میز به صورت دو دسته شش تایی گذاشته می‌شد. در هر سبّت نان‌های تازه را جایگزین نان‌های قدیمی کرده، آن‌ها را به یَهُوه تقدیم می‌کردند. معمولاً فقط کاهنان اجازه خوردن نان‌های قدیمی را داشتند. — خر ۲۵:۳۰؛ لا ۲۴:۵-۹؛ تو ۲۰:۴؛ مت ۴:۱۲؛ عب ۲:۹.

نخست زاده. عمدتاً به بزرگ‌ترین پسر پدر خانواده گفته می‌شد. در زمانی که کتاب مقدّس نگاشته

قدس چراغدان طلا، مذبح بخور طلا، میز نان تقدیمی و اسباب طلا بود و در معبد در مکان قدس، مذبح طلا، ده چراغدان طلا و ده میز نان تقدیمی قرار داشت. — خر ۲۶:۳۳؛ عب ۲:۹.

مکان مقدّس. یا مَقْدَس. در کل مکانی برای پرستش. اما در بیشتر موارد منظور از آن خیمۀ عبادت (مسکن) یا معبد اورشلیم است. این عبارت برای مکانی در آسمان‌ها که خدا در آن است، استفاده شده است. — خر ۲۵:۸، ۹؛ اش ۱۶:۱۲؛ تو ۲۸:۱۰؛ مک ۱۱:۱۹.

ملخ. منظور انواع مختلفی از ملخ‌هاست که به صورت گروهی در دسته‌های بزرگ کوچ می‌کنند. در شریعت این ملخ‌ها برای خوردن پاک شمرده می‌شدند. هجوم ملخ‌ها که هر چیز را بر سر راهشان از میان می‌بردند و تخریب فراوان به بار می‌آوردند، بلا و مصیبت محسوب می‌شد. — خر ۱۰:۱۴؛ مت ۳:۴.

مُلُوک. یکی از خدایان غمونیان، احتمالاً همان مُلُکام، مُلُکوم، مُلُگم و مُلُک. — اء ۷:۴۳. **مِنا.** در نوشته‌های مقدّس یونانی یک مِنا، واحدی به ارزش ۱۰۰ درهم و وزن ۳۴۰ گرم بود. — لو ۱۹:۱۳.

مَنّا. یا مَنّ. خوراک اصلی اسرائیلیان طی ۴۰ سالی که در بیابان بودند. یَهُوه آن را فراهم می‌دید. به صورت معجزه‌آسا به غیر از روز سبّت، هر روز صبح بر زمین زیر پوششی از شبنم ظاهر می‌شد. زمانی که اسرائیلیان برای اولین بار آن را دیدند، ندانستند که چیست و گفتند: «مَنّ هو؟» یعنی «این چیست؟» (خر ۱۶:۱۳-۱۵، ۳۵) عیسی به صورت مجازی به مَنّا اشاره کرد. — یو ۶:۴۹، ۵۰. **مُهر.** ابزاری که از آن برای نقش انداختن (معمولاً روی خمیر یا گل) استفاده می‌شد که نشانه مالکیت، اعتبار یا موافقت بود، همچنین مانع دخل و تصرف در مدارک یا چیزهایی می‌شد که بر آن مُهر می‌زدند؛ برای نمونه، درها و مقبره‌ها را مُهر می‌کردند. مُهرهای باستان شامل قسمتی بود که از ماده‌ای سخت مثل سنگ، عاج یا چوب ساخته می‌شد و معکوس نقش حروف یا طرحی را روی آن حک

نان فطیر و در پنتیکاست، نوبر خود را به خدا تقدیم می‌کردند. واژه «نوبر» به صورت نمادین به مسیح و پیروان مسح‌شده‌اش نیز اشاره دارد. — ۱ قر ۲۳:۱۵؛ تث ۱۸:۴؛ ام ۳:۹؛ مک ۱۴:۴.

نوشته‌های مقدس. نوشته‌هایی که کلام خداست. این عبارت تنها در نوشته‌های مقدس یونانی آمده است. — لو ۲۴:۲۷؛ ۲ تیه ۳:۱۶.

نی. نامی که برای انواع گیاهانی استفاده شده است که معمولاً کنار آب یا مرداب‌ها می‌رویند. در بسیاری موارد منظور گونهٔ آرونهٔ دُناکس است. — مت ۲۷:۲۹؛ مک ۱۱:۱.

نیسان. پس از تبعید در بابل، نام جدید ماه آیب، اولین ماه تقویم مذهبی یهودیان و هفتمین ماه تقویم غیرمذهبی، مطابق با اواسط مارس (اواخر اسفند) تا اواسط آوریل (اواخر فروردین). (نح ۱:۲) روز پش یهودیان در روز ۱۴ نیسان برگزار می‌شد و عیسی مسیح مراسم شام سترور را در همان روز بنیان نهاد. (لو ۲۲:۱۵، ۱۹، ۲۰) در این روز او بر تیر شکنجه اعدام شد. — لو ۲۳:۴۴-۴۶.

و

واسطه. کسی که میان دو طرف وساطت می‌کند تا آنان را آشتی دهد. در نوشته‌های مقدس، موسی و عیسی به ترتیب واسطهٔ عهد شریعت و عهد جدید بودند. — غلا ۳:۱۹؛ ۱ تیه ۵:۲؛ عب ۱۲:۲۴.

والی. در قدیم معمولاً والی قدرت نظامی و قضاوت داشت و در حیطهٔ حکمرانی‌اش در آن منطقه یا ایالت، عهده‌دار رسیدگی به پرداخت خراج، مالیات یا تأمین درآمد پادشاه یا حاکمان والامقام بود. تحت حکمرانی روم، والیان یهودیه مستقیماً برای اعمالشان به قیصر پاسخگو بودند. — نح ۵:۱۴، ۱۵؛ لو ۱۰:۲، ۲.

والیان شهر. در مستعمره‌های روم، والیان شهر مجریان دولت بودند. از جمله وظایف آنان حفظ نظم، کنترل امور مالی، دآوری قانون‌شکنان و فرمان اجرای مجازات بود. — اء ۱۶:۲۰.

وجب. واحد طول، حدوداً برابر با فاصلهٔ بین انتهای شصت و انتهای انگشت کوچک دستی که انگشتانش کاملاً از هم باز شده است. اگر ذراعی

شد، پسر نخست را ارج می‌نهادند و پس از درگذشت پدر، وظیفهٔ سرپرستی خانواده به او واگذار می‌شد. عیسی نخست‌زادهٔ یهوه خدا بود، به علاوه «نخست‌زادهٔ تمامی آفرینش» و «نخست‌زاده از مردگان» نیز خوانده شده است. — پی ۲۵:۳۳؛ خر ۵:۱۱؛ کو ۱:۱۵؛ مک ۵:۱.

نذر. قولی جدی به خدا برای انجام دادن کاری، اهدای قربانی یا دادن هدیه‌ای، شروع به خدمتی خاص یا پرهیز از آنچه که لزوماً با معیارهای الهی مغایرتی ندارد. ادای نذر همچون پایبندی به سوگند بسیار پراهمیت است. — مت ۵:۳۳.

نشانه. شی، عمل، موقعیت، نمایشی غیرمعمول که دربردارندهٔ مفهومی خاص در ارتباط با چیزی دیگر در زمان حال یا آینده است. — مت ۲۴:۳؛ مک ۱:۱.

نظام حاضر. ترجمهٔ واژهٔ یونانی ایُون زمانی که به وضعیت دنیا در دوره‌ای خاص یا به ویژگی‌های خاصی یک دوران یا عصر اشاره دارد. در کتاب مقدس عبارت «نظام کنونی» نیز به کار رفته است که به وضعیت رایج دنیا در کل و شیوهٔ زندگی دنیایی اشاره دارد. (۲ تیه ۱۰:۴؛ یاورقی) خدا از طریق عهد شریعت نظامی برقرار کرد که برخی آن را نظام یا عصر یهودی یا اسرائیلی می‌نامند. از طریق عیسی و قربانی او، خدا نظام یا عصر دیگری برقرار کرد که عمدتاً با جماعت مسیحیان مسح‌شده مرتبط است. از آن پس عصری جدید آغاز شد که مشخصهٔ آن تحقق آنچه عهد شریعت از آن خبر می‌داد، بود. زمانی که این عبارت به صورت «نظام‌ها» یا «اعصار» یعنی به صورت جمع به کار می‌رود به وضعیت دنیا در دوران‌های مختلف اشاره دارد؛ وضعیتی که رواج داشته یا رواج خواهد داشت. — مت ۲۴:۳؛ مر ۴:۱۹؛ ۲:۱۲؛ ۱ قر ۱۱:۱۰.

نوبر. نخستین محصول در فصل برداشت؛ نخست‌زاده و نخستین محصول هر چیز. یهوه به اسرائیلیان فرمان داده بود که نوبر خود را به او تقدیم کنند، چه انسان، چه حیوان یا محصول زمین. اسرائیلیان، به عنوان یک قوم در عید

وقف به خدا - یک‌دهم

هیرودیس. نام خاندانی که روم آنان را برای حکمرانی بر یهودیان منصوب کرد. اولین هیرودیس، هیرودیس کبیر بود که به دلیل بازسازی معبد اورشلیم و فرمان کشتار کودکان برای از میان برداشتن عیسی، شناخته شده است. (مت ۲: ۱۶؛ لو ۱: ۵) هیرودیس آرخلائوس و هیرودیس آنتیپاس، پسران هیرودیس کبیر بودند که برای حکمرانی بر بخش‌هایی از قلمرو پدرشان منصوب شدند. (مت ۲: ۲۲) آنتیپاس، تترارخ یا فرماندار بود، اما مردم او را «پادشاه» می‌خواندند. دوران حکمرانی او شامل سه سال و نیم خدمت عیسی و رویدادهای گزارش‌شده در کتاب اعمال تا باب ۱۲ است. (مر ۱۴: ۶-۱۷؛ لو ۱: ۳، ۱۹، ۲۰؛ ۱۳: ۳۱، ۳۲؛ ۲۳: ۶-۱۵؛ ۲۴: ۲۷؛ ۱۱: ۱۳) فرشته خدا هیرودیس آگریپاس اول، نوۀ هیرودیس کبیر را اندکی پس از حکمرانی‌اش کشت. (اع ۱: ۱۲-۶، ۱۸-۲۳) سپس پسر او، هیرودیس آگریپاس دوم حکمرانی بر یهودیان را آغاز کرد و تا زمان شورش یهودیان بر ضد روم حکمرانی کرد. —اع ۲۳: ۳۵؛ ۲۵: ۱۳، ۲۲-۲۷؛ ۲۶: ۱، ۲، ۱۹-۳۲.

ی

یعقوب. یکی از پسران اسحاق و ریکا (یا رفقه). خدا بعدها او را اسرائیل نامید. او پاتریارک یا بزرگ‌خاندان قوم اسرائیل شد؛ قومی که اسرائیلیان و بعدها یهودیان خوانده شدند. یعقوب ۱۲ پسر داشت که به همراه نوادگانشان، ۱۲ طایفه قوم اسرائیل را تشکیل دادند. نام یعقوب همچنان برای قوم اسرائیل یا مردم اسرائیل استفاده می‌شد. —پی ۳۲: ۲۸؛ مت ۲۲: ۳۲.

یک‌دهم. یا دهیک، غشر. یک‌دهم یا ۱۰ درصد از هر چیزی که به خصوص برای مصارف مذهبی به عنوان خراج داده می‌شد. (تث ۲۶: ۱۲؛ مل ۱: ۳؛ مت ۲۳: ۲۳؛ عب ۵: ۷) در شریعت موسی، سالانه یک‌دهم محصول زمین و یک‌دهم رشد گله برای حمایت از لاویان به آنان داده می‌شد. لاویان یک‌دهم از آن‌ها را نیز برای حمایت از خانواده‌های هارون که کاهن بودند، به آنان می‌دادند. در موارد دیگر

که ۴۴/۵ سانتی‌متر است در نظر گرفته شود، یک وجب برابر با ۲۲/۲ سانتی‌متر خواهد بود. —خر ۲۸: ۱۶؛ اسم ۱۷: ۴.

وقف به خدا. ارج نهادن به یهوه خدا، پرستش و خدمت به او و وفادار بودن به حق و شایستگی حاکمیت عالمگیرش است؛ تقوا نیز ترجمه شده است. (۱ تیم ۴: ۸؛ ۲ تیم ۱۲: ۳) همچنین این عبارت به مفهوم کنار گذاشتن و جدا کردن کسی یا چیزی برای مقصودی مقدس نیز به کار رفته است. —مت ۱۵: ۵؛ لو ۲۱: ۵.

ه

هادیس. واژه‌ای یونانی به معنی گور همه آدمیان، متناظر واژه عبری شیول. این واژه اغلب «گور» ترجمه شده است. —به واژه **گور** مراجعه شود. **هدیه ریختنی.** شرابی که بر مذبح ریخته و در کنار بسیاری از هدایای دیگر تقدیم می‌شد. پولس برای بیان شدت میل و علاقه‌اش در این که خواست اوست که خود را صرف هم‌ایمانان مسیحی‌اش کند، به صورت نمادین از این عبارت استفاده کرد. —اعد ۱۵: ۷، ۵؛ فی ۲: ۱۷.

هدیه سوختنی. قربانی حیوانات که بر مذبح سوخته و تماماً به خدا تقدیم می‌شد. حیواناتی که قربانی می‌شد گاو، قوچ، بز نر، قمری یا جوجه‌کبوتر بود. پرستنده خدا هیچ قسمت از آن حیوان را نگاه نمی‌داشت. —خر ۲۹: ۱۸؛ لا ۹: ۶؛ مر ۱۲: ۳۳؛ عب ۱۰: ۶.

هرمس. یکی از خدایان یونان باستان، پسر زئوس. مردم لیستره، این خدا را پیام‌آور خدایان و خدای سخنوری می‌دانستند. از این رو گمان کردند پولس، خدایشان هرمس است. —اع ۱۴: ۱۲.

هواداران حزب هیرودیس. حزبی میهن‌پرست، طرفدار حکمرانی خاندان هیرودیس تحت امپراتوری روم و حامی اهداف سیاسی این خاندان. هیرودیان نیز خوانده می‌شوند. احتمالاً برخی صندوقیان از اعضای این حزب بودند. حزب هیرودیان برای مخالفت با عیسی با فریسیان متحد شدند. —مر ۳: ۶.

نیز یک‌دهم داده می‌شد. دادن یک‌دهم برای مسیحیان الزامی نیست.

یوغ. تبری چوبی یا میله‌ای فلزی که در دو طرف آن بار آویزان می‌شد و برای حمل بر شانه شخص قرار می‌گرفت. همچنین تبرک یا قابی چوبی که بر گردن دو حیوان بارکش (اغلب گاو) قرار می‌گرفت و به آن گاری یا ابزار آلات زراعی متصل می‌شد. چون غلامان اغلب برای حمل بارهای سنگین از یوغ استفاده می‌کردند، یوغ به منظور نماد برده‌داری یا فرمانبری از فردی دیگر به کار می‌رفت، همچنین نماد تحت ظلم و ستم بودن و رنج کشیدن بود. برداشتن یا شکستن یوغ، به معنی رهایی از ستم و آزادی از بردگی و استثمار بود. — لا ۱۳:۲۶؛ مت ۲۹:۱۱، ۳۰.

یونانی. اهل یونان، همچنین شخصی یونانی‌تبار یا زبان مردم یونان. در نوشته‌های مقدس یونانی، مفهومی وسیع‌تر نیز دارد؛ این واژه به غیریهودیان و کسانی که تحت تأثیر زبان و فرهنگ یونانی بودند، نیز اشاره دارد. — یو ۶:۳؛ یو ۲۰:۱۲.

یهودا. پسر چهارم یعقوب از همسرش لیه. یعقوب در پیشگویی‌اش در بستر مرگ، گفت که از نسل یهودا، فرمانروایی بزرگ و پابنده خواهد آمد. عیسی به عنوان یک انسان از نسل یهودا بود. نام یهودا به طایفه و بعدها به پادشاهی‌ای که به نام او خوانده شد نیز اشاره دارد. — پی ۲۹:۳۵؛ ۴۹:۱۰؛ عب ۷:۱۴.

یهودی. نامی که پس از شکست ده طایفه اسرائیل برای اعضای طایفه یهودا استفاده می‌شد. (۲ پا ۱۶:۶) پس از تبعید به بابل تمامی اسرائیلیان هر طایفه که به اسرائیل بازگشتند، چنین خوانده شدند. (عز ۱۲:۴) بعدها، این نام به تمامی اسرائیلیان جهان اطلاق شد تا از دیگر قوم‌ها متمایز گردند. (اس ۳:۶) پولس رسول برای این که استدلال کند که نژاد و ملیت هیچ نقشی در جماعت مسیحی ندارد، به صورت نمادین از این واژه استفاده کرد. — رو ۲:۲۸، ۲۹؛ غلا ۳:۲۸.

یَهُوَه. واژه فارسی متداول برای تترآگراماثن. تترآگراماثن، چهار حرف عبری برای نام خداست

که بیش از ۷۰۰۰ مرتبه در کل کتاب مقدس آمده است. در این ترجمه از بخش یونانی نوشته‌های مقدس ۲۳۷ مرتبه نام «یَهُوَه» ذکر شده است. دلیل درج نام خدا در ترجمه نوشته‌های مقدس یونانی، بر مبنای اصول و شواهد زیر است: (۱) در نسخه‌هایی از نوشته‌های مقدس عبری که در زمان عیسی و رسولانش استفاده می‌شد، تترآگراماثن بارها ذکر شده است.

(۲) در زمان عیسی و رسولانش، تترآگراماثن در ترجمه‌های یونانی نوشته‌های مقدس عبری نیز ذکر شده بود.

(۳) در نوشته‌های مقدس یونانی آمده است که عیسی اغلب به نام خدا اشاره کرده و آن را به دیگران شناسانده است. — یو ۱۷:۶، ۱۱، ۱۲، ۲۶.

(۴) از آنجا که نوشته‌های مقدس یونانی به دنبال نوشته‌های مقدس عبری الهام شده است، این که یکبار در نوشته‌های مقدس یونانی نام خدا ذکر نشده باشد، ناهم‌هنگ و غیرمنطقی است. (۵) «یاه» مخفف یَهُوَه، در نوشته‌های مقدس یونانی آمده است. — مک ۱۹:۱۱، ۳:۴، ۶.

(۶) برخی نوشته‌های یهودی که در قرون اول میلادی نگاشته شده است، اشاره می‌کند که مسیحیان یهودی‌نژاد در نوشته‌هایشان از نام الهی استفاده می‌کردند.

(۷) برخی محققین کتاب مقدس اذعان می‌کنند که قاعدتاً در آیاتی از نوشته‌های مقدس یونانی که نقل شده از نوشته‌های مقدس عبری است، نام الهی عیناً ذکر شده بود.

(۸) در ترجمه‌های کتاب مقدس به بیش از صدها زبان، نام خدا در نوشته‌های مقدس یونانی ذکر شده است.

بی‌شک دلایل روشن و محکمی برای بازنویسی یَهُوَه، نام الهی در نوشته‌های مقدس یونانی وجود دارد. بر مبنای این اصول مترجمان کتاب مقدس نام خدا را در ترجمه دنیای جدید ذکر کرده‌اند. آنان حرمت فراوانی برای نام الهی قائلند و به خود اجازه نمی‌دهند آنچه در نوشته‌های اصلی کتاب مقدس آمده بود، حذف کنند. — مک ۲۲:۱۸، ۱۹.

برای کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید.
برای تماس با شاهدان یَهُوه می‌توانید به www.jw.org مراجعه کنید.